

اسناد لانه جاسوسی آمریکا

خلیج فارس
روابط نظامی ایران و آمریکا
سفارت شوروی در ایران

کتاب یازدهم

موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

بسم الله الرحمن الرحیم

اسناد لانه جاسوسی آمریکا

نویسنده:

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

ناشر چاپی:

موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اسناد لانه جاسوسی آمریکا جلد ۱۱

مشخصات کتاب

سرشناسه : ایالات متحده. سفارت (ایران).

عنوان و نام پدیدآور : اسناد لانه جاسوسی آمریکا / دانشجویان مسلمان پیرو خط امام.

وضعیت ویراست : [ویراست ۳؟].

مشخصات نشر : تهران : موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ، ۱۳۸۶-

مشخصات ظاهری : ج.+ یک لوح فشرده.

شابـک : دوره : ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۷۵۳ ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج.۱ : ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۷۴۶ ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج.۲ : ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۷۶۴ ؛ ۷۰۰۰۰ریـال : ج.۳ ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۷۹-۱: ؛ ۷۰۰۰۰ریـال : ج.۴ : ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۸۰۷ ؛ ۷۰۰۰۰ریـال : ج. ۵ : ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۸۱۴ ؛ ۷۰۰۰۰ریـال : ج. ۹ : ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۸۸-۳ ؛ ۷۰۰۰۰ریـال : ج.۱۰ : ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۸۹-۰ ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج. ۱۱ : ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۹۶-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : ص.ع. به انگلیسی: Documents from the U.S. espionage den.

یادداشت : چاپ قبلی: جهان کتاب، ۱۳.

یادداشت : ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۸۵) (فیپا).

یادداشت : ج. ۴ و ۵ (چاپ اول: ۱۳۸۶) (فیپا).

یادداشت : ج. ۹ و ۱۰ (چاپ اول: ۱۳۸۶) (فیپا).

یادداشت : ج. ۱۱ (چاپ اول: ۱۳۸۸) (فیپا).

یادداشت : نمایه.

مندرجات : ج. ۹. اسناد لانه جاسوسی (روزشمار انقلاب).- ج. ۱۰. اسناد لانه جاسوسی (روزشمار انقلاب).- ج. ۱۱. خلیج فارس

عنوان دیگر : مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا.

موضوع : سفارتخانه ها و کنسولگری های آمریکا-- ایران

موضوع : ایران -- روابط خارجی -- ایالات متحده -- اسناد و مدارک

موضوع : ایالات متحده -- روابط خارجی -- ایران -- اسناد و مدارک

موضوع : ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- اسناد و مدارک

شناسه افزوده : دانشجو یان مسلمان پیرو خط امام

شناسه افزوده : موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

رده بندی کنگره : ۱۵۰۲/۳DSRالف۹ الف۸۶ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۳۲۷/۵۵۰۷۳

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۴۷۸۴۰

ص: ۱

مقدمه

↔

ص: ۱

کتابی که پیش روی شماست، جلد یازدهم اسناد لانه جاسوسی آمریکاست. پیش از این ۱۰ جلد از این مجموعه منتشر شده که سه جلد پایانی (۸ و ۹ و ۱۰) به اسناد منتشر نشده اختصاص یافته است. کتاب یازدهم نیز، ۳۰۱ سند نویافته در سه فصل «خلیج فارس»، «روابط نظامی ایران و آمریکا» و سفارت شوروی در ایران» را در خود جای داده است.

۱۱۵ سند فصل اول، در پنج بخش «انقلاب اسلامی و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس»، «نفت در خلیج فارس»، «نقش نظامی غرب، به ویژه آمریکا، در خلیج فارس»، «تنگه هرمز» و «زندگی نامه هایی از شیوخ خلیج فارس» سامان یافته است.

۱۱۷ سند فصل دوم، به «روابط نظامی ایران و آمریکا» و ۶۹ سند پایانی به «سفارت شوروی در ایران» اختصاص دارد.

اسناد فصل اول، نگاه مردم و حاکمان کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را نسبت به انقلاب اسلامی و ارزش هایی که این حرکت منادی آن است، نشان می دهد. در این فصل، اهمیت نفت و بر هم خوردن معادلات آمریکا و غرب در پی فروپاشی حکومت پهلوی و سقوط ژاندارم منطقه به خوبی نمایان است. همچنین اهمیت تنگه استراتژیک هرمز و ویژگی هایی از

حاکمان شیخ نشین های حاشیه جنوبی خلیج فارس در این اسناد آمده است.

اسناد فصل دوم، حاوی نکات جالبی از روابط نظامی ایران و آمریکاست. این اسناد به خوبی روشنگر نحوه روابط ایران و آمریکا در زمان حاکمیت پهلوی دوم است؛ و از این نظر حائز اهمیت است که پرده از اسرار تاریخی دوره ای مهم از زندگانی سیاسی کشور ما برمی دارد.

اسناد فصل سوم نیز نشان دهنده رقابت دو ابرقدرت وقت و در عین حال حفظ حریم یکدیگر برای کسب منافع بیشتر است.

اسناد هر فصل به ترتیب تاریخ، در پی هم آمده است. سندهای بدون تاریخ نیز، بر اساس محتوا، در محل مناسب جای گرفته اند. در کتاب یازدهم نیز، تنها ترجمه اسناد آمده و متن انگلیسی اسناد در لوح فشرده ضمیمه آورده شده است تا از حجم کتاب کاسته شود. لوح فشرده شامل متن انگلیسی سند، به ترتیب شماره ترجمه سند متناظر در کتاب است و با «کلیک» کردن بر روی پنجره «مشاهده سند»، می توان در کنار متن انگلیسی، ترجمه آن را نیز مشاهده کرد.

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ضمن سپاس از همه دست اندرکاران تدوین این اثر، به ویژه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام که بنیانگذار این حرکت سترگ فرهنگی بودند، به روح شهیدان گرانقدر این دانشجویان درود می فرستد و امیدوار است این کتاب، راهگشای مورخین و پژوهشگران قرار گیرد.

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

اشاره

بخش اول / خلیج فارس

«انقلاب اسلامی و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس»

سلطان افسرده از رفتن شاه

سند شماره ۱

سری۱ فوریه ۱۹۷۹ ۱۲ بهمن ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا، مسقط ۱۶۳به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی فوری

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، امان، دمشق، بغداد، جده، کویت، لندن، منامه، مسکو، صنعا، تهران، تل آویو

موضوع: سلطان افسرده از رفتن شاه

۱- (سری — تمام متن)

۲- خلاصه: در ملاقات روز ۲۴ ژانویه، به نظر می رسید که سلطان از عزیمت شاه افسرده است و با من در مورد مقدمات امنیتی آینده جنوب خلیج [فارس] به صحبت نشست. پایان خلاصه مطلب.

۳- در تاریخ ۲۴ ژانویه، درست قبل از ورود فورد، رئیس جمهور اسبق آمریکا به سلاله، حدود یک ساعت با سلطان ملاقات و گفتگو داشتیم. سلطان از رویدادهای اخیر ایران نگران به نظر می رسید و در حین صحبت چندین بار گفت برای او قابل درک نیست که چرا شاه نتوانسته بود دریابد که مردمش در مورد او چگونه می اندیشند. به او گفتم که رابطه شاه با مردم قطع شده بود و او تنها به گروه کوچکی از مشاورینش گوش می داد که به جای اینکه چیزهایی را که باید بشنود به او بگویند چیزهایی را که خود می خواست به او می گفتند. سلطان نیز صحت این امر را تأیید کرد و گفت که خود او شخصاً تصمیم گرفته است در داخل عمان بیشتر سفر کرده و با مردم مستقیماً ملاقات نماید. واقعیت این است که وی به تازگی یک سفر زمینی ۱۰ روزه را بین مسقط و سلاله به پایان برده و در طول این مسیر در چند روستا و جوامع کوچک توقف نموده است. وی گفت برقراری این گونه تماسها مفید است و در نظر

دارد در آینده بیشتر به اینگونه مسافرتها بپردازد.

۴- سپس سلطان به مطرح کردن موضع گیری همیشگی خود پرداخت و اظهار داشت که آمریکا باید در جهت حراست از منافع خویش در این بخش استراتژیک جهان با قاطعیت بیشتر عمل کند. در مورد عمان وی معتقد است که آمریکا می تواند با پیگیری یک برنامه کوچک کمک های نظامی و اقتصادی مثمرثمر واقع شود تا عمان بتواند با استفاده از پرسنل نظامی خود به دفاع از خویش بپردازد.

۵- من از وی سؤال کردم که نظر وی در مورد انعقاد یک قرارداد چند جانبه نظامی با عربستان سعودی و دیگر کشورهای حوزه خلیج [فارس] چیست. سلطان گفت موضوع قرارداد چند جانبه باید مورد بررسی قرار گیرد لیکن خود او بر انعقاد یک قرارداد دوجانبه رابطه نظامی با آمریکا، تأکید دارد. عربستان سعودی اکنون برای عمان حکم معما را پیدا کرده است. به نظر می رسد که سعودیها در اتخاذ تصمیمات لازم دشواریهایی دارند و نمی توانند به قراردادهای خود عمل کنند. البته، سعودیها باید سهم عمده ای از هزینه امنیتی را که اکنون عمان بر دوش می کشد، تأمین کنند، اما واقعیت امر این است که وقتی عمانیها برنامه پشتیبانی نظامی دیگری پیشنهاد کردند سعودیها می خواستند تنها در مورد بخش ناچیزی از آن تعهد بسپارند.

۶- پس از آن سلطان گفت عبور آزادانه کشتی ها از تنگه هرمز بدون شک برای جهان غرب حائز اهمیت بسیار می باشد، بنابراین عمان را مسئول کامل در زمینه دفاع از تنگه دانستن منصفانه نیست. این هزینه دفاعی باید به طور مساوی میان استفاده کنندگان تقسیم شود.

۷- در اینجا من سؤال کردم که نظر سلطان در مورد مشارکت احتمالی اردن در مقدمات امنیتی خلیج [فارس] چیست. و خاطرنشان ساختم که اردن در زمان بروز شورش ظفار به عمان کمک کرده و بر اساس تجربه ای که در اردن داشته ام می دانم که اردنیها قبلاً- نیز پیشنهاد تشکیل یک نیروی بسیار متحرک را با کمک آمریکا مطرح کرده بودند که در صورت تشکیل می توانست در مواقع اضطراری به منطقه خلیج [فارس] کشانیده شود.

۸- سلطان لحظه ای به فکر فرو رفت و سپس پاسخ داد که به نظر او تمام رژیمهای محافظه کار منطقه باید از نوعی توان نظامی برخوردار شوند تا در مواقع اضطراری بتوانند یکدیگر را یاری دهند. ولی در مورد اردن، باید گفت که این رژیم، اگر بخواهد به او در منطقه جنوب خلیج [فارس]، علیه نیروهای تندرو کمک کند، ممکن است از سوی عراق و سوریه تحت فشار قرار گیرد. در واقع نیروهای اردنی که در درون ناآرامیهای ظفار به این کشور آمده بودند، زودتر از موعد مقرر و در نتیجه اعمال فشارهای فلسطینی های مقیم اردن توسط رژیم آن کشور از عمان خارج شده بودند. بنابراین وی گمان نمی کند که در صورت بروز یک مشکل حقیقی در جنوب خلیج [فارس]، اردن بتواند به صورت هم پیمانی با عزمی راسخ عمل کند.

۹- سپس از سلطان سؤال کردم که آیا وی نگران این موضوع نیست که اگر وی رابطه نظامی نزدیکتری با آمریکا برقرار سازد ممکن است رژیم وی آماج حملات بیشتر نیروهای تندرو منطقه

گردد. او این استدلال را به سرعت رد کرد و گفت اکنون زمان آن رسیده که کشورهای کوچک و ضعیف منطقه باید بین دو بلوک کمونیستی و غربی یکی را برگزینند. رژیمهای تندرو اتیوپی و یمن جنوبی در کشورهای خویش تعداد قابل توجهی از نظامیان روسی و کوبایی دارند و حتی عراق با شوروی یک پیمان دوستی منعقد ساخته بود.وی ترجیح می دهد که شانس خود را با غرب بیازماید و در این منطقه خطرناک از جهان، این بی خطرتر از تک روی است.

۱۰- سلطان تصدیق کرد که نظامیان ایرانی در حال خروج از عمان می باشند و اظهار داشت که خروج آنها به معنی این است که کشور وی فاقد هرگونه توپ ضدهوایی خواهد شد. نکته مهمتر اینکه او اکنون می داند که بیش از این نمی تواند به «قرارداد دوستانه» خود با شاه متکی باشد تا در مواقع اضطراری فوراً از کمک های وی برخوردار شود. خوشبختانه اکنون عمان قوی تر از اوایل دهه ۱۹۷۰ است و بهتر می تواند نیازهای امنیتی خود را تأمین کند. با این حال عمان هنوز هم به کمک احتیاج دارد چون ممکن است روسها و یا کوباییها و یا آلمان شرقی های موجود در یمن جنوبی بخواهند بار دیگر در ظفار شورشی به راه اندازند. بهترین راه مقابله با این خطر این است که آمریکا از نظر نظامی و اقتصادی به عمان کمک کند تا این کشور بتواند نیروهای مسلح خویش را بازسازی نماید.

۱۱- از اینجا به بعد به بررسی رویدادهای ایران پرداختیم و سلطان اظهار داشت که اکنون در ایران هر واقعه ای رخ دهد، آن کشور نخواهد توانست نقش امنیتی گذشته خویش را در رابطه با خلیج [فارس] ایفا کند. سلطان هنوز هم بر این باور است که بزرگ ترین اشتباه شاه این بود که بدون تعمق و اندیشه به مبارزه با عناصر محافظه کار مذهبی پرداخت. وقتی گفتم که علل دیگری نیز موجب بروز نارضایتی از رژیم شاه شده بود، وی موافقت نمود لیکن اصرار داشت که علت عمده مشکلات کنونی وی تضاد رایج بین او و روحانیت شیعه است.

۱۲- نظریه: باید انتظار داشت که سلطان خواستار دریافت کمک از طریق خرید تجهیزات نظامی آمریکایی و نیز دریافت دیگر انواع کمک های اقتصادی باشد. پس از عزیمت شاه از ایران اکنون وی احساس افسردگی و تنهایی می کند و به سوی ما دست نیاز دراز کرده تا چتر حفاظتی لازم را به جای ایران برای وی ایجاد کنیم. وایلی

تأثیر اقتصادی ناآرامیهای ایران بر امارات متحده عربی (ارزیابی اولیه)

سند شماره ۲

خیلی محرمانه۸ فوریه ۱۹۷۹ ۱۹ بهمن ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا، ابوظبی ۳۵۸به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوحه، جده، کویت، منامه، مسقط، تهران

مرجع: تهران ۱۱۴۹

موضوع: تأثیر اقتصادی ناآرامیهای ایران بر امارات متحده عربی (ارزیابی اولیه)

۱- (بدون طبقه بندی) آغاز خلاصه: به علت رابطه نزدیک اقتصادی موجود بین امارات

متحده عربی و ایران، جامعه تجاری محلی نگران رویدادهای آن سوی خلیج [فارس] است. این تأثیر در دوبی بیشتر است چون از رابطه تجاری و مالی بیشتری برخوردار است. مهم ترین مسائل عبارتند از انباشته شدن محموله ها در بندر دوبی و کمبود محصولات نفتی در امارتهای شمالی. گرچه تأثیر درازمدت رویدادها قابل پیش بینی نیست، ولی در صورتی که رژیمی بنیادگرا و یا سوسیالیست در ایران به قدرت برسد، دوبی به صورت یک مرکز تجاری برای ایران درخواهد آمد. پایان خلاصه.

۲- (بدون طبقه بندی) امارات با ایران رابطه اقتصادی مهمی دارد. دوبی و تا حدودی شارجه به عنوان محل تخلیه کالاهایی عمل می کند که قرار است عازم جنوب ایران شود، شبکه ارتباطی مالی و تجاری بسیار صمیمانه ای بین تجار دوبی و ایرانی به وجود آمده است. بسیاری از شهروندان امارات یا در ایران کسب و کاری دست و پا کرده و یا ملکی خریداری نموده اند. بسیاری نیز در آنجا خویشاوندانی دارند. صادرات و صادرات مجدد دوبی به ایران در سال ۱۹۷۷ معادل ۱۵۰ میلیون دلار بود که باید چند برابر بیش از این باشد چون تجار دوبی قاچاقهایی را که وارد کشورهای همسایه می کنند گزارش نمی دهند. دوبی و امارات شمالی از نظر وارداتی تا حدودی به ایران وابسته هستند. واردات POL ایران به امارات سالانه معادل ۴۵ میلیون دلار است. آنچه در ذیل می آید ارزیابی اولیه سفارت از تأثیر اقتصادی قطع رابطه تجاری بین ایران و امارات متحده عربی و قطع صدور نفت ایران است.

۳- (بدون طبقه بندی) تأثیر ناآرامیهای ایران را می توان در بنادر دوبی و شارجه به وضوح مشاهده کرد. بندر راشد در دوبی که بندری عظیم و مدرن است محل تجمع کشتی های گیر کرده شده که باید به ایران سفر نمایند ولی نمی توانند محموله های خود را تحویل دهند. بندر نشان می دهد که میلیونها دلار تجهیزات و کالا در آنجا تخلیه شده که از آن ایران است. مهم ترین کالاها عبارتند از محموله های پروژه ای از قبیل تجهیزات مربوط به پروژه راَکتور اتمی در دست احداث در ایران. انبار کانتینرها در دوبی و شارجه نیز پر شده، به طوری که بعضی از شرکت های کشتیرانی درصدد هستند محتوای کشتی های خود را در این بنادر تخلیه نمایند. بنا به گزارش یکی از این شرکتها ۱۷۰۰ کانتینر به صورت انبار در دوبی دارد.

۴- (بدون طبقه بندی) به منظور کمک به تجار و این شرکتها، شیخ راشد نرخ ترانزیت این محموله ها را پایین آورده و بعضی از آنها را از گمرک معاف نموده است تا آنها بتوانند مدت شش ماه دوام بیاورند. مقامات دوبی در حال حاضر نمی دانند که اگر طرفین قراردادها پس از شش ماه نتوانند کالاها را تحویل بگیرند چه خواهد شد. سؤال این است که آیا امارات متحده عربی می تواند کالاهایی را که متعلق به دولت ایران است تحویل بگیرد یا نه. بنا به گزارشات رسیده شارجه اعلام داشته که اینگونه کالاها را تصرف خواهد کرد و اگر بیش از سه ماه در اینجا بمانند آنها را به اختیار خود خواهد فروخت.

۵- (بدون طبقه بندی) تا آنجا که می دانیم تراکم بندر گرچه رو به افزایش است ولی در

دوبی و شارجه به مرحله بحرانی نرسیده. ظاهراً تمام نگرانیها ناشی از تأثیر درازمدت قطع روابط اقتصادی با ایران است که سبب کاهش تقاضا برای کالاهایی می شود که توسط تجار دوبی خریداری می گردد و علاوه بر این آنها ممکن است نتوانند کالاهای مربوط به پروژه های در دست احداث در ایران را در جایی دیگر به فروش برسانند.

۶- (محرمانه) تجارت نفتی: گرچه امارات متحده عربی یکی از مهمترین صادرکنندگان نفت خام است ولی جهت تأمین نیاز بازار داخلی خود به محصولات نفتی وارداتی متکی است. یکی از مهم ترین مسایل پدید آمده در نتیجه رویدادهای ایران کمبود محصولات به خصوص در دوبی و امارت های شمالی است. ابوظبی که از طریق یک شرکت دولتی توزیع محصولات نفتی و یک پالایشگاه کوچک ۱۵۰۰۰ بشکه ای ام النار و شرکت های پیمانی کویتی تأمین می گردد دچار مشکلات مشابه نیست. شل بریتیش پترولیوم و کالتکس تأمین کننده نیازهای امارات شمالی هستند. (که سهم بازاری هر یک از آنها به ترتیب ۴۷، ۳۹ و ۱۴ درصد است.) اخیراً به وابسته بازرگانی بریتیش پترولیوم توصیه شده بود که برداشتش ۴۵ درصد کاهش یابد در حالیکه میزان کاهش برداشت شل حدود ۷ درصد است، ولی کالتکس اعلام نکرده که آیا محصولش کاهش یافته یا نه.

۷- (محرمانه) با بحرانی شدن بازار محصولات نفتی، شرکت ها برای به دست آوردن نفت بیشتر به تلاش پرداخته اند. مقداری از این نیاز خود را از طریق پالایشگاههای مدیترانه ای به قیمت بازار سیاه خریداری می کنند. مهم ترین مسئله موجود، متقاعد ساختن دفتر حاکم دوبی به آزادسازی خرده فروشی است تا شرکت ها بتوانند هزینه سنگین بعضی واردات خود را از طریق مصرف کننده به دست آورند. امارات کوچک تر معمولاً ـ در مورد قیمت نفت، روغن موتور و دیگر فرآورده های نفتی از تصمیمات دوبی پیروی می کنند. از آنجا که دوبی هنوز با افزایش قیمت به منظور جبران افزایش قیمت اوپک در فصل اول سال ۱۹۷۹ توافق نکرده، بالاـ رفتن نرخ خرده فروشی تغییر عمده ای خواهد بود، البته در صورتی که تمام هزینه های افزایش یافته در مسیر تقسیم شود.

۸- مالی. ارزیابی تأثیر مالی ناآرامیهای ایران بسیار دشوار است. بانک ملی و بانک صادرات در امارات شعباتی دارند که ایرانیها با آنها داد و ستد دارند. بازار مالی غیررسمی استوار بر روابط حاکم میان خانواده های تجار دوبی و بازاریهای ایران نیز حائز اهمیت بسیار است. سفارت شایعاتی مبنی بر بحران مالی این بانکها دریافت نموده و گویا مؤسسات دیگری که با ایران رابطه تجاری دارند نیز با همین مسئله دست به گریبان هستند ولی هیچگونه رویدادی که مؤید این شایعه باشد رخ نداده است. شعبات بانکهای ایرانی در امارات همیشه به عملیات بانکی خود ادامه داده اند ولی گویا به علت اغتشاش موجود در وضع بانکهای ایران با مشکلاتی دست به گریبان شده اند.

۹- یک بانک آمریکایی که در ایران نیز شعبه ای دارد گزارش داد که طی دو هفته گذشته نتوانسته با سیستم بانکی تهران ارتباط داشته باشد. ولی بانکهای کوچکتر محلی از آسیب بیشتری برخوردار شده اند چون مشتریان آنها باید پولهایی از ایران دریافت نمایند که هنوز موفق به این کار نشده اند. کار بانکی با ایران گرچه اهمیت دارد ولی آنچنان عظیم نیست که

سبب ورشکستگی شرکت و یا یکی از بانکهای موجود در امارات شود.

۱۰- (محرمانه) دوبی به خاطر نقش آن در تجارت طلا و روابط صـمیمانه اش با ایران، می تواند به عنوان عامل فرار سـرمایه از ایران عمـل نمایـد. شایعـاتی دال بر فرار سـرمایه وجـود دارد ولی شواهـد قطعی و مـبرهن هنـوز بـه دست نیامـده است. یکی از بانکـداران معتقد است که اخیراً ۵۰ میلیون دلاـر از طریق دوبی به خـارج منتقـل شـده است. معاملاـت اینگونه ای احتمالاً فاقد سوابق و آمار بوده و در بسیاری موارد سبب خروج ارز یا اشیاء گرانبها می شوند.

۱۱- (محرمانه) انتقال شـرکت ها. خروج پرسـنل و وابسـتگان بسیاری از شرکت های آمریکایی از ایران سبب پیدایش این فکر یعنی انتقال این شـرکتها از ایران به دوبی شـده است. به جز سؤالات مطروحه در تلگرام مرجع، سـفارت نتوانسـته است حرکتی که نشانگر عملی شـدن این فکر باشـد بیابـد، ولی چنـد پرسـنل خـدمات نفتی موقتاً در دوبی اقامت گزیـده اند. هرگونه نقل و انتقال به دوبی احتمالاً دربرگیرنده شرکت هایی خواهد بود که در خارج از خشکی های ایران و در خلیج [فارس] به فعالیتهای خود مشـغول بوده اند. دوبی و شارجه مکانهای مناسبی برای انجام امور تجاری هستند چون هر دوی آنها از نظر امور اجتماعی آزادمنش بوده و از روحیه تجاری اسـتقبال می کنند. ایران تحت نفوذ عناصـر بنیادگرا و سوسیالیست، سبب جلب توجه امارات شمالی برای اقامت بیگانگان خواهد شد. ولی، همانطور که سـفیر اخیراً به حاکم دوبی گفته بود، فقدان همبسـتگی سیاسـی در امارات متحده عربی به عنوان عامل بازدارنده برای شرکت های آمریکایی جهت انتقال دفاتر خود از ایران عمل کرده است.

۱۲- (محرمـانه) نظریه: جمع بنـدی تـأثیر مـالی و اقتصـادی رویـدادهای ایران بر امـارات متحـده عربی کاری بس دشوار است. بعضـی از تجار امارات به تجارت در سرتاسر خلیج [فارس] مشغول بودند که شدیداً آسیب دیده اند؛ ولی بعضی دیگر در فکر به چنگ آوردن منافع بادآورده ناشـی از قاچاق و یا انتقال شـرکتهای خارجی به این نقطه هستند. ما در نظر داریم این موضوع را دائماً در مدنظر داشته و در صورت بروز رویدادهای دیگر گزارشات بیشتری ارسال داریم. دیکمن

خلاصه اطلاعاتی ۸۰۵ ۷ می ۱۹۷۹۸

سند شماره ۳

سری۸ می ۱۹۷۹ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی ۵۹۳۴

به: هیأت نمایندگی آمریکا، SINAI

جهت اطلاع: سـفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، الجزیره، آنکارا، آتن، بروکسل، قاهره، دمشق، اورشلیم، کویت، لندن، منامه، مسکو، مسقط، پاریس، تهران، تونس

موضوع: خلاصه اطلاعاتی ۵‌۰‌۸‌۷ می ۱۹۷۹

۱- (محرمانه) ظرف شش ماه گذشته فشارهای خارجی اثرات عمیقی در عربستان سعودی

داشته است. فشارهای داخلی ناشی از جابجایی های پیچیده اجتماعی که به دنبال نوسازی سریع در این کشور رخ داده، هر چند کمتر مشهود است ولی در عین حال به همان اندازه مایه نگرانی برای سعودیهاست. این فشارها توأم با تهدیدهای خارجی توجه عربستان سعودی را به ضعفهای داخلی معطوف نموده و احساس حاد آسیب پذیری آن را تشدید کرده و باعث شده که آنها در برخی از زمینه ها وارد عمل شوند.

۲- (محرمانه غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) شاهزاده سلطان وزیر دفاع می کوشد تا یک دستگاه نظامی ضعیف را با واحدهای نظامی خارجی تقویت کند. او اعلام کرده است که قصد دارد نظام وظیفه را به عنوان تلاش برای افزایش تعداد و بهبود کیفیت و توسعه بافت اخلاقی سربازان عربستان سعودی برقرار کند.

۳- (استفاده محدود اداری) تعداد زیاد بیگانگان که اکثریت نیروی کار را تشکیل می دهند، تحت عملیات خبرگیری شدید قرار می گیرند و بیگانگان غیرقانونی (که بیشتر زواری هستند که بیش از مدت اعتبار روادید خود در عربستان سعودی مانده اند) هزار هزار از کشور اخراج می شوند.

۴- (محرمانه) نگرانی برای پایگاه مذهبی جامعه عربستان سعودی دولت را به اتخاذ تدابیر زیر وادار ساخته است:

الف) پایان دادن به پشتیبانی از تحصیل در خارج برای دانش آموزان (چنین تلقی می شود که جوانتر و تأثیرپذیرتر از آنند تا در مقابل وسوسه های زندگی در غرب مقاومت کنند).

ب) ممنوعیت رفتن کودکان مسلمان به مدارس غیر اسلامی.

پ) منع شنای مختلط در استخرهای هتل ها.

ت) تأکید مجدد بر محدودیتهای مراسم مذهبی شیعیان در عربستان سعودی.

ث) به تعویق انداختن انتخابات شهرداری که بیش از حکومت جمعی بر حکومت دمکراتیک تأکید دارد.

ج) نگهداشتن آموزش و پرورش زنان تحت کنترل روحانیون.

۵- (سری) در حالیکه خاندان سعودی نسبت به بعضی تهدیدها که در نتیجه تحولات اجتماعی به وجود آمده فوق العاده حساس است، در عین حال برای اتخاذ تدابیر سازنده مقابله با آنها ظرفیت بسیار محدودی نشان داده است. خاندان سعودی به جز در مورد اعلام نظام وظیفه (به عنوان یک تحمیل اجباری) نتوانسته است با تهدیدهای اساسی در مورد ارزشهای سنتی که مشروعیت رژیم را تحکیم می بخشد برخورد داشته باشد.

۶- (محرمانه) نقشه های عمرانی اقتصادی جاه طلبانه (که مستلزم سرمایه گذاری به میزان سیصد تا چهارصد میلیارد دلار ظرف

پنج سال است) عربستان سعودی را به سریع التغییر ترین جامعه در دنیا تبدیل کرده است. این نقشه ها با این تصور تنظیم شده که طرق و عادات کار سنتی بدون کاهش ارزشهای سنتی تغییر یابد ولی به نظر می رسد دامنه ای که ممکن است

فرآیند تغییر در این ارزشها اثر داشته باشد، کمتر شناخته شده است.

۷- (محرمانه) سعودی ها تصمیم گرفته اند برای پنج سال آینده تعداد زیادی از بیگانگان را در عربستان سعودی نگهدارند. این حضور وسیع بیگانگان به آن منجر شده که عربستان سعودی برای اداره بخشهای حیاتی اقتصادی تقریباً به طور کامل متکی به مهارتهای خارجی باشد و در دستگاه نظامی نیز عربستان سعودی برای اداره قسمتهای فنی به طور موقت متکی به بیگانگان است. نتیجه این شده است که سعودیها راههای اختیاری محدودی در پیش دارند. وارد کردن بیگانگان، هویت سعودیها را مورد تهدید قرار خواهد داد. اخراج دسته جمعی جوامعی که به نحو فشرده ای در یکدیگر بافته شده اند یا حتی بر آنها کنترل دارند، بالمآل مستلزم نیروهای امنیتی قدرتمندتری از طرف عربستان سعودی است. تأمین کادر چنین نیروهایی بسیار دشوار خواهد بود و ممکن است رژیم را سرنگون سازد. از سوی دیگر راه دیگر در قبال نیروی کار خارجی یعنی آزاد کردن زنان نیز به همان اندازه برای عربستان سعودی غیرقابل هضم است، زیرا چنین کاری، تعدادی از ارزشهای مذهبی و فرهنگی ذاتی عربستان سعودی را به مخاطره می اندازد.

۸- (سری) خاندان سعودی نسبت به میزان فساد مالی در عربستان سعودی چه از لحاظ تعداد اشخاص و چه از لحاظ مبالغ مربوطه نسبتاً غیرحساس است. مواردی که تاکنون نسبت داده شده مربوط به شاهزاده سلطان وزیر دفاع یا محمد پسر شاهزاده فهد - ولیعهد - و موارد دیگری نظیر آن، این عقیده را تقویت می کند که خاندان سعودی به نحو نومیدانه ای فاسد است و از دست رفتن اعتماد بالقوه به آن بزرگ ترین خطر برای ثبات این کشور به شمار می رود. سعودیها کوشیده اند تا حقوق مقاطعه کاران را در مورد معاملات دولتی محدود کنند ولی در این زمینه موفقیت کمی داشته اند. این در حالی است که درآمدهای هنگفت و ذخایر مالی سبب شده که اثرات فساد به عنوان یک مسئله قابل انفجار اقتصادی کاهش یابد. اهمیت سیاسی این فساد را نمی توان به حساب نیاورد. فساد، به همراه عدم کارایی دولتی و رفتار اعضای خاندان سلطنتی که گاهی ناشی از سست عنصری است، ممکن است بالمآل شالوده ای برای یک نهضت مخالف به همراه پشتیبانی محافظه کاران دوآتشه و افسران نظامی ناراضی و تکنوکراتها به وجود آورد.

۹- مشکلاتی که برشمرده شد، چنانچه عربستان سعودی از هیچ جای دیگر مورد تهدید واقع نمی شد، اهمیت کمتری داشت. نفت و ثروت برای سعودی ها جایگاه مهمی در سیاست های جهان به ارمغان آورده است و نیروی بالقوه ای جهت نفوذ ایجاد کرده است. سعودی ها با پتانسیلی که دارند نمی توانند از منزوی نمودن آنهایی که ممکن است علائقی به استفاده از فرصت های برانداز خانواده سلطنتی داشته باشند، اجتناب ورزند.(۱)

عکس العمل جمعیت شیعه استان شرقی عربستان سعودی...

۱- بخشهای بعدی این سند ارتباطی به موضوع نداشت و ترجمه نگردید. م.

سند شماره ۴

سری۹ می ۱۹۷۹ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: کنسولگری آمریکا، ظهران ۷۸۱به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، بغداد، دوحه، جده، کویت، منامه، مسقط، تهران.

مرجع: الف) ظهران ۱۹۷۸، ۱۵۱۰، ب) جده ۱۹۷۸، ۸۹۱۵، ج) ظهران ۵۲۷

موضوع: عکس العمل جمعیت شیعه استان شرقی عربستان سعودی نسبت به حوادث ایران

۱- (سری - تمام متن)

۲- آغاز خلاصه: اقلیت شیعه در استان شرقی عربستان سعودی نسبت به حکومت شیعه جمهوری اسلامی در ایران با یک احساس غروری که به دقت آن را پنهان داشته اند و بدون بروز آشکار عدم رضایت علیه رفتاری که به عنوان شهروند درجه دوم پادشاهی با آنها می شود، عکس العمل نشان داده اند. از طرف دیگر حکومت سنی آشکارا از واکنشی خصمانه، احساس ترس کرده و کنترل سختی را بر شیعه های مظنون اعمال داشته و اقدامات پلیسی را در شهرهای شیعه نشین تقویت کرده است. این سرکوب های اولیه به طور آشکار راه را برای تصمیمات مناسب جهت آرام ساختن وضعیت، از طریق تشدید عملیات بازرسی های دولت به نحو اساسی در استان شرقی شامل مناطق مسکونی شیعه ها، هموار می سازد. از نظر ما، استفاده از هویج به جای چماق، به طور اساسی امکان اقدامات خصمانه از سوی شیعیان سعودی مثل خرابکاری در مناطق نفتی را برطرف می سازد. در هر حال اوضاع مستلزم بررسی مستمر است. پایان خلاصه.

۳- سابقه: بر اساس تلکس مرجع الف مورخ ۱۷ دسامبر گذشته جامعه ۱۲۵۰۰۰ نفری شیعیان در استان شرقی از اشکال مختلف تضییقات رنج می برد، ولی بهبود شرایط اقتصادی، آنها را به جای تلاش برای سرنگونی حکومت جهت کار در چارچوب سیستم ترغیب کرده است. در این تلکس چنین نتیجه گیری شد که علقه های این جامعه با شیعیان ایران و عراق در حال حاضر در درجه اول، اهمیت مذهبی داشته و اینکه به نظر نمی رسد شورش در ایران اثرات بی ثباتی سیاسی بر روی این اقلیت دربر داشته باشد. هدف این پیام این است که وضعیت را در پرتو تحولات ایران از هنگام بازگشت [آیت الله] خمینی و استقرار حکومت شیعه جمهوری اسلامی مورد بررسی مجدد قرار دهد. همه افسران کارمند در کنسولگری در تلاش برای جمع آوری اطلاعات در خصوص این موضوع حساس ولی کسل کننده شرکت داشته اند.

۴- سرکوب دولت سعودی. هنگام بازگشت [آیت الله] خمینی به ایران، حکومت سعودی در استان شرقی کاملاً عصبی بود و به نحوی در قبال اقدامات خصمانه احتمالی از ناحیه جمعیت شیعه محلی بیش از حد عکس العمل نشان می داد. یکی از قرائن، اقدام غیرمترقبه

مقامات فرودگاه در خصوص ممنوعیت گسترده مسافرت برای شیعیان سعودی بود که به دلایل سیاسی در اواخر سالهای ۱۹۵۰ دستگیر شده بودند. اکنون متوجه شدیم که این ممنوعیت به سطح قبلی اقدامات پراکنده کاهش یافته است. یکی دیگر از قرائن ترس دولت، تقویت کمی و مسلح کردن گشت های پلیس به سلاح های نیمه خودکار در مناطق و شهرهای شیعه نشین است.

۵- تلقی سنی ها. شواهد دیگر مربوط به نگرانی سنی هاست که از خلال گفتگوهایی که در این مدت با مسئولین سعودی داشتیم، مشخص گردید. یکی از علمای سنی از الهفوف به سرکنسول چنین گفت: «ما شیعه ها را به عنوان سعودی های نجیب نمی شناسیم.» یک شاهزاده سعودی که همچنین فرمانده یک اسکادران در نیروی هوایی سعودی است تصدیق کرد که شیعه ها از تحولات در ایران خشنودند ولی گفت که آنها «جرئت» مبارزه با دولت سعودی را ندارند چرا که آنها در مقایسه با کل جمعیت سعودی یک اقلیت بسیار کوچک هستند. دیگر گفتگوها با سنی های سعودی نگرانی آنها را در خصوص این مشکل، در کنار رضایت آنها مبنی بر اینکه نارضایتی شیعه ها در صورت لزوم با خشونت شدید پاسخ داده خواهد شد، تأیید می کند.

۶- تلقی شیعیان. این قابل تعمق ترین بخش معماست که این مردم (شامل آشنایان تجاری ما، همچنین چندین کارمند شیعه کنسولگری) نسبت به بحث درباره وضعیت خودشان با دیگران یا حتی اعتراف به این مطلب که تضییقات بی شماری علیه آنها اعمال می شود، بی نهایت بی میل هستند. یک منبع آکادمیک خارجی با ۲۵ سال تجربه در داخل و خارج کویر الاحساء (در حدود ۴۰ درصد شیعه) از یک گفتگوی تازه با سه شیعه منطقه الاحساء گزارش داد. وی گفت که احساسات ضدشاه تندی از خود نشان داده و از استقرار حکومت شیعه جمهوری اسلامی در ایران طرفداری کردند ولی وفاداری خویش نسبت به خاندان سعودی را اعلام کردند و گفتند که آنها اوضاع در عربستان سعودی را همانطور که هست ترجیح می دهند، اگرچه از ادامه تضییقات شکوه کردند. متأسفانه دلایل منطقی وجود دارد تا چنین ابراز دوستی هایی زیر سؤال برده شود.

۷- تهدید علیه امنیت مناطق نفتی؟ اگرچه ما با دیدگاه اکثریت سنی موافق هستیم که این اقلیت کوچک برای به مبارزه طلبیدن اقتدار خانواده سلطنتی در این پادشاهی کار کمی می توانند انجام دهند، شاید در درازمدت این ریسک وجود داشته باشد که در پاسخ به برخی اشکال افراطی تشدید سرکوب شیعیان ناراضی از طریق توقف کار یا اعمال خرابکارانه علیه میدان های نفتی آرامکو اعتراض نمایند. تخمین زده می شود که ۲۵ تا ۳۰ درصد کارکنان ۱۸۰۰ نفری سعودی آرامکو شیعه باشند. در حالیکه اخیراً امنیت حوزه نفتی به طور فزاینده ای شدت یافته و ملیت های متعلق به ۶ کشور عربی (فلسطینی، سوری، عراقی، اردنی، یمنی و مصری) صریحاً از بازدید یا کار در رأس تنوره و دیگر تأسیسات حساس آرامکو منع شده اند، شیعیان

همچنان در همه بخشهای محوطه آرامکو کار می کنند. همانطور که یک مقام رسمی بلندپایه آرامکو اظهار داشت، کمپانی انتخاب دیگری ندارد، چرا که بدون نیروی کار ماهر شیعه کار سریعاً متوقف خواهد شد؛ با توجه به عدم تمایل سنتی سنی ها جهت کار به عنوان نجار، لوله کش، نقاش، بنا و غیره.

۸- سیاست هویج به جای سیاست چماق. همانگونه که در تلگرام مرجع (پ) متذکر شد، شواهد رو به تزایدی در خصوص تصمیم دولت سعودی وجود دارد که در استان شرقی هزینه ها افزایش یابد تا بر احساس موجود در استان شرقی (سنی ها و شیعه ها به طور یکسان) مبنی بر اینکه آنها سهم عادلانه ای از ثروت هنگفت به دست آمده از طریق میدان های نفت در استان شرقی برای پادشاهی، به دست نمی آورند، غلبه کند. ما اخیراً به دو قرینه دال بر این سیاست جدید برخورد کرده ایم: (۱) چراغ سبز قطعی از ناحیه ریاض جهت تسریع در توسعه تأسیسات صنعتی- پتروشیمی جبیل که در حال احداث است. (۲) تخصیص معین پولی دولت سعودی به شهرهای فراموش شده شیعه نشین که توسط یک نفر مقیم سیهات به سرکنسول تأیید گردید. وی گفت در شهر وی یک سیستم فاضلاب و اتوبان دوطرفه با هزینه ۸۰ میلیون ریال احداث می شود. چنانچه این سیاست ها واقعاً اجرا شود، فکر می کنیم هرگونه خطر ناآرامی کارگران شیعی یا اقدامات خصمانه علیه میدان های نفتی می تواند خنثی شود. بنابراین، در حال حاضر چنین نتیجه می گیریم که ارزیابی دسامبر گذشته خود را مورد تأکید قرار دهیم که وقایع ایران - که به هیچ طریقی نمی تواند مورد توجه قرار گیرد - اثری بر جامعه شیعه اینجا که برای منافع ایالات متحده می تواند خطرناک باشد، ندارد. با این حال اوضاع بایستی به دقت از نزدیک تحت نظر قرار بگیرد. مخصوصاً چنانچه دولت سعودی به افزایش سرکوب این اقلیت حساس متوسل شده یا شیعیان عراق که شیعیان سعودی به عنوان عربهای دوست می توانند با آنها به طور نزدیک تر یکی شوند، بخواهند آشکارا دست به ناآرامی بزنند.

لیندستورم

ابعاد خارجی تحرکات سیاسی عمان

سند شماره ۵

سری۱۹ ژوئن ۱۹۷۹ ۲۹ خرداد ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط الف ۲۶به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوبی، الجزیره، امان، بغداد، بیروت، قاهره، دمشق، دوحه، جده، خارطوم، کویت، لندن، منامه، مسکو، پاریس، صنعا، ریاض، تهران، تریپولی

مرجع: مسقط ۴ الف

موضوع: ابعاد خارجی تحرکات سیاسی عمان

(سری - تمام متن)

گزارش مسقط الف ۴ حاوی تجزیه و تحلیل مربوط به تحرکات سیاسی عمان بود.

بررسی مزبور بر این فرضیه استوار بود که سرنوشت کشور، تابع رویدادهای داخلی آن است. با وجود مطالعه برخی عوامل نفوذ خارجی چون حضور بریتانیا و بازگشت دانشجوها از خارج و خطر حمایت جمهوری دموکراتیک خلق یمن از شورشیان ظفار، موضوع اصلی همان رویدادها و فرضیه مذکور بود. این نفوذها خود را در مجموعه سیاسی کشور نشان داده و یا نشان خواهد داد و بدین ترتیب می توان گفت که آنها نتایج صحنه های مربوط به رویدادهای داخلی می باشند.

به نظر ما گزارش الف ۴ معتبر است ولی کامل نیست. احتمالاً برخلاف بیشتر کشورها، تحرکات سیاسی عمان از داخل کشور ناشی نمی گردد. باید تأثیرات عظیم و فشارهای منطقه ای و بین المللی را نیز در نظر گرفت. نقطه نظرهای ذیل که نشانگر نحوه نگرش مسقط به رویدادهای خارجی است، طوری طراحی شده تا بخش ناپیدای تصویر را هویدا سازد. ابتدا به بررسی نیروهای متخاصم دور افتاده و نزدیک عمان و سپس به بررسی نحوه عکس العمل دوستان آن می پردازیم. در پایان نیز در مورد نقش آمریکا پیشنهاداتی ارائه می کنیم.

خلاصه: گرچه عمان با کشورهای همجوار خود در شبه جزیره عربستان به جز یمن جنوبی دارای روابط خوبی است، ولی همیشه نگران خصومت یمن جنوبی بوده و احساس می کند که با خطرهای [نیروهای] رادیکال موجود در دیگر نقاط منطقه تهدید می شود. رهبریت عمان معتقد است که در مرکز نهضت های دست نشانده مسکو که در شاخ آفریقا و افغانستان و یمن جنوبی ظهور کرده قرار گرفته است، البته به صحت و سقم این ادعا کاری نداریم. این تحولات در رأس مسئله انشعاب قدیمی ایدئولوژیکی موجود در جهان عرب قرار گرفت و تمام رژیمهای عربی محافظه کار مانند عمان را در برابر اردوی تندروها قرار داد.

حمایت جسورانه سلطان قابوس از قرارداد کمپ دیوید، خشم تندروها را علیه وی برانگیخته است. در صورت سقوط و یا عدم موفقیت کمپ دیوید، وی به خاطر همین موضع گیری اش، چه در داخل و چه در خارج از عمان، مورد انتقاد شدیدی قرار خواهد گرفت. سقوط شاه ایران نیز موقعیت او را به مخاطره افکنده است، علت این امر نه تنها از بین رفتن حمایت نظامی ایران در ظفار، بلکه صرف سقوط عظمت شاه و تاج و تختش می باشد. در عین حال روسها در شمال دریاچه خزر به تماشا نشسته اند.

مهم ترین خط مشی دفاعی عمان در دفع این خطرها در آرمان مشترک اعراب محافظه کار در برابر تندروها نهفته است. گرچه کشورهای خلیج [فارس] و از جمله عمان حمایت چندان آشکاری از یک «پیمان امنیتی» بروز نداده اند ولی عمانیها امیدوارند که نوعی هماهنگی پیشرفته و نه سازمان یافته، آن هم استوار بر روابط دوجانبه که شامل امنیت باشد و نه محدود به آن، به وجود آید. مرکزیت این توافق ناپایدار الزاماً عربستان سعودی است. ولی، حسادت های محلی حتی الامکان موقعیت یا پیدایش این سیستم ضعیف را از بین می برد، بگذریم از مشکلاتی که به خاطر فقدان رهبری سیاسی سعودی در همین رابطه پیش می آید.

از آنجا که قابوس، شوروی را مهمترین خطر به حساب می آورد، برای او غرب مهم ترین عامل خنثی کننده است. غرب نیز در وهله اول همان بریتانیاست که در این کشور حضور دارد؛ لیکن با وجود امکان خروج انگلستان در درازمدت، غرب مفهوم آمریکا را به خود خواهد گرفت. آمریکا و بریتانیا هر دو مایل به پشتیبانی از عمان هستند، لیکن آرای عمومی هر یک از این دو کشور آنها را در حمایت از رژیمهای غیردموکراتیکی چون همین سلطان نشین بر سر یک دوراهی قرار داده است. به همین علت آمریکا باید از نظر کیفی و کمی در حمایت از عمان جانب احتیاط را از دست ندهد. گرچه حمایت از این کشور نباید القا کننده نوعی پشتیبانی گسترده و درگیری غیرانتقادی باشد، ولی در عین حال نباید به نحوی باشد که این دولت قابل اعتماد نیز از دست برود. در این راه باید روشی ثابت و معتدل در پیش گرفته شود.

بعضی از اصول درگیری دولت آمریکا و عمان نیز ناشی از همین تحرکات سیاسی است که می توان با بهره برداری از آنها به نتایج بسیار مهمی دست یافت. مهم تر از همه، ما و بریتانیا می توانیم نیروی عظیمی در رابطه با امنیت منطقه فراهم آوریم که تا به حال به خاطر عدم اعتماد کشورهای حوزه خلیج [فارس] نسبت به یکدیگر وجود نداشته است.

نزدیک ترین دشمنان عمان: تندروهای منطقه ای

این سلطان نشین در جناح راست انشعاب منطقه ای رادیکالها و محافظه کاران قرار دارد. از نظر امنیت مرزی نیز باید گفت که تمام کشورهای همجوار آن به استثناء یمن جنوبی از جمله جناحهای راست به حساب می آیند. همین استثنا حتی قبل از رسیدن قابوس به قدرت نیز موجبات نگرانی مقامات عمان را فراهم آورده بود.

اما رادیکالیسم عمیق دیگر کشورهای منطقه نیز علت اصلی و مهم دیگر همین نگرانی بوده است. رویدادهای شاخ آفریقا اولین هشدار را حدود یک سال قبل سبب گردید. همان، بازگشت سومالی را به «آغوش غرب» مورد استقبال قرار داد، اما گرایش اتیوپی به چپ و نمایش خیره کننده کمک های نظامی کوبا در نبرد اُگادن نگرانی ها را گسترش داد خصوصاً آنکه کوباییها در یمن جنوبی حضور قابل ملاحظه ای یافته بودند. سپس افغانستان و وقایع آن پیش آمد، که در نتیجه آن عمان احساس کرد که در میان یک نهضت الهام گرفته از کمونیسم واقع شده است. عمانیها نیز مانند دیگران در خاورمیانه این رویدادها را نوعی توطئه تصور می کنند و افغانستان این تصور را در اذهان آنها متصور کرد که در رابطه با عمان و تنگه هرمز از طرف مسکو اعمال فشاری در حال نضج گرفتن است.

این رویدادها به انشعابهای ایدئولوژیکی که از زمانهای گذشته در جهان عرب وجود داشت اضافه گردید. اردوی تندرو مرکب از عراق، سوریه، لیبی، الجزایر، و شبه نظامیان فلسطینی و نیز یمن جنوبی نسبت به عمان روی چندان خوشی نشان نمی دهند. البته مسئله ای که موجب جدایی رادیکالها از دیگران شده، همان تضاد یا مناقشه اعراب و اسرائیل است. گرچه این

مسئله موجبات نگرانی شدید عمان را فراهم نیاورده، ولی سلطان قابوس در قبال قرارداد کمپ دیوید و قرارداد صلح مصر و اسرائیل موضع مثبتی اتخاذ کرده است. علت این موضع گیری وی نیز احتمالاً- این بود که وی معتقد به اهمیت این قرارداد است، ولی بدون شک نشانگر تمایل وی به جلب اعتماد آمریکا نیز می باشد. قرار گرفتن وی در معرض خشم تندروها نیز او را چندان به خود مشغول نداشته است. از دید بسیاری از ناظران در خارج از کشور، خونسردی وی نیز جالب توجه است، چون او بی باکانه به انتقاد از آراء عربی می پردازد. به نظر آنها اگر قرارداد کمپ دیوید طبق وعده های خود آراء عربی را جلب نکند، قابوس دچار دشواریهای بسیاری خواهد شد.

در صورت عدم موفقیت قرارداد کمپ دیوید، نه تنها دیگر حکام عربی بلکه مردم عمان نیز به انتقاد از وی خواهند پرداخت. محفل کوچک عمانیهایی که عموم مطلع کشور را تشکیل می دهند، تا به حال با سیاست وی در حمایت از کارتر و سادات کنار آمده اند، ولی آنان نیز مانند دیگر اعراب گمان نمی کنند که مسئله فلسطینی ها و اورشلیم بتواند از طریق قرارداد کمپ دیوید حل و فصل گردد. در صورتی که قرارداد کمپ دیوید «موفق» نشود، اعتراض نهفته این عمانیها رساتر خواهد شد. بنابراین به فهرست رویدادهای گزارش الف، یک عنصر دیگر را که می تواند برای سلطان مشکلاتی به وجود آورد بیافزاییم که همان عدم موفقیت کمپ دیوید است.

مثال ایرانی

گویی نگرانی های فوق کافی نبود، سقوط اخیر شاه بیش از همه عمانیها را شگفت زده کرد. این سلطان نشین از نظر کمک های نظامی در جنگ ظفار وابستگی شدیدی به ایران پیدا کرده بود و یک گروهان از نظامیان ایرانی تا اوایل ۱۹۷۹ در عمان به سر می بردند. وعده شاه مبنی بر ارسال نیرویی بزرگ تر به عمان در صورت شیوع جنگ ظفار این بار نیز بی نتیجه مانده است.

نه تنها از بین رفتن کمک های نظامی ایران، بلکه صحنه سقوط شاه و تاج و تختش نیز قابوس را نگران کرده است. قابوس آگاهانه، به سبک شاه که همراه با شاه حسین تنها سلطان خاور نزدیک بود و می توانست با نیروی نظامی خود سرمشق باشد، عمل کرده است. حتی خونسردی و بی تفاوتی سلطان نیز یکی از خصوصیات الهام گرفته از شاه است. انقراض پادشاهی ایران سبب شده است که قابوس در روش خود تجدیدنظر کند. تکرار سفرهای وی به بخش های دورافتاده عمان نیز ناشی از این تصمیم وی است که نباید اشتباهات شاه را مرتکب شود.

در مورد این نمونه ایرانی متأسفانه می توان گفت که اقدامات تدافعی کارگر نیست. ناآرامیهای سیاسی با وجود شرایط خاص هر کشور که قادر به تغییر مسیر و از میان برداشتن آنهاست باز هم گسترش می یابد. ایدئولوژی محرک اینگونه ناآرامیها نیز در این نمونه به

وضوح ضـدشاهی، ضـدآمریکایی و ضد مادی گرایی به مفهوم اسـلامی است. تمام رژیم های مسـلمان طرفدار غرب در خاور نزدیـک که دارای نظام شاهی و وجهه غیر مـذهبی هسـتند، آماج واقعی اینگونه آشوبها واقع می شونـد. حتی کشورهایی چون یمن شـمالی که دارای نظام سـلطنتی نبوده و عربسـتان سـعودی که بسـیار اسـلامی است، تحت تأثیر واقع می شوند چون دارای خصوصـیات بسیار آسیب پذیری هستند. جالب توجه این نکته است که هر یک از آنها گمان می کند که آشوب و شورش در کشورهـای دیگر رخ خواهـد داد. به طور مثـال سـفارت مـا در ابوظبی شایعاتی مبنی بر ابراز نگرانی از گسترش جنگ ظفار را دریافت کرده است، در حالیکه سـلطان قابوس نگران عربستان سعودی است و سعودیها نیز به نوبه خود از یمن شمالی به عنوان یـک حلقه ضـعیف نامبرده انـد. ولی ما نیز فکر می کنیم که هر یک از حکام این کشورها به این واقعیت پی برده انـد که خود قربانیان حتمی این رویـدادها هسـتند. هر یک از آنها می دانـد که پاسـخ سؤال «آیا رویـداد ایران می تواند تکرار شود؟» مثبت است چون واقع امر این است که همین رویداد در ایران به وقوع پیوسته است.

حرکت ابهام آمیز روسها

در شـمال خزر روسـها بـا خونسـردی تمـام نظـاره گر وقایع هسـتند. لازم نیست برای پی بردن به این مطلب که همه چیز به نفع روسـها تمـام شـده به نظریه عمانیهـا در مورد توطئه گریهـا گوش فرا داد. در همین حال مسـکو از یک استراتژی فاقـد تبلیغات استفاده می کند و دیگران تنها می توانند به حدس و گمان در مورد مقاصد آنها بپردازند.

شایـد به واقع روسـها نقشه صـریح و واضـحی نداشـته باشـند. واقعیت این است که آنـان نیز از عنصـر نظامی گری اسـلامی در رویـدادهای ایرانی با نگرانی یاد می کننـد چون خودشان دارای جمعیتی مسـلمان هسـتند. رویدادهای اخیر افغانسـتان حاکی از آن است که قیـام جدیـد مسـلمانان تنهـا دارای وجهه صـرفاً ضـدآمریکایی نیست، با این وجود حال که شورش ضـدآمریکایی آغاز شده، گمان می کنیم که کسـی در کرملین به فرمول بندی طرحی پرداخته است تا بتواند از«تضاد» موجود در جهان خاور نزدیک بهره برداری کند. نباید تصور کرد که آنها از این فرصت استفاده نخواهند کرد.

روسـها با نظاره رویـدادهای خاورنزدیک می تواننـد چنین نتیجه گیری کننـد که با اسـتفاده از گریزناپذیریهای تاریخی و عدم توانـایی آمریکـایی هـا، می تواننـد نفع نهایی را نصـیب خود نماینـد. آنها رویـدادها را ماننـد یک بازی شـطرنج به حساب می آورنـد که در آن، آنهـا به صورت اسـتادان بازی در برابر نوآموزان قرار گرفته انـد. به نظر روسـها، آمریکا از سالها قبل با «رخ های» ایران و عربسـتان سـعودی به صورت «دو رکن» بازی کرده است و پس از آن واشـنگتن با نزدیک کردن «اسب» به «رخ» ایرانی، کمـک هـای تسـلیحاتی خـود را بـه سـوی آن سـرازیر کرده و از نزدیـک کردن «وزیر» به عنـوان کمـک هـای انسـانی خودداری نموده است. روسها اکنون در این اندیشه اند

که آیا می توانند «رخ» ایرانی را اسیر کنند. این امر نه تنها مهره سعودی را در خلیج [فارس] به مخاطره خواهد افکند بلکه روسها را قادر می سازد تا «کیش» داده و آمریکا را وادار به عکس العملی سازد که به نحوی بتواند از خطر فوری برحذر بماند. مسکو احتمالاً چنین فکر می کند که واشنگتن حرکت معقولی نخواهد داشت، چرا که تمایل، یا به فروش تسلیحات به یکی دیگر از مهره ها است و یا وزیر را به نحو زیگ زاگ به حرکت درخواهیم آورد. روسها احتمالاً ـ مایل به نظاره این حرکت ها هستند و هرگاه که بتوانند یکی از مهره های ما را اسیر خواهند کرد.

همسایگان صمیمی: کشورهای عرب میانه رو

آرمان مشترک محافظه کاران عرب علیه تندروها اولین خط مشی تدافعی عمان علیه این خطرها و نیز خطر ناشی از مسکو را تشکیل می دهد.

همکاری آری، تشکیلات مشترک خیر

در اصل، عمان معتقد است که وحدت کشورهای عربی حوزه خلیج [فارس] می تواند به چند طریق تجلی یابد. ولی عمانیها پس از شرکت در کنفرانسها و مذاکرات چند سال گذشته دریافتند که امکان ایجاد یک سیستم تدافعی نیرومند وجود ندارد. موضع منفرد قابوس در قبال تضاد اعراب و اسرائیل این امکان را کاملاً از میان برمی دارد. علاوه بر این، اگر قراردادی ملزم به از دست رفتن کنترل امنیتی عمان بر حاکمیت خویش باشد، مسقط نیز از آن استقبال نخواهد کرد. هیچیک از کشورهای خلیج [فارس] تمایل چندانی به حمایت از انعقاد پیمانی «امنیتی» نشان نمی دهند.

عمانیها بیش از هر چیز مایل به مشاهده هماهنگی بیشتر، اما نه ساختاری در مورد موضوعات مختلف، بر اساس روابط دوجانبه هستند و نمی خواهند که این هماهنگی صرفاً محدود به مسئله امنیت باشد. در حقیقت، آنها خط مشی سیاسی خود را زمانی که ایران هنوز هم به عنوان یکی از طرفین مهم قراردادهای خلیج [فارس] عمل می کرد به همین روش ترسیم کردند. اکنون که ایران کنار رفته است، عمان «به انتظار نشسته است» و همین امر لجاجت آن را در مورد همکاری نه چندان مستحکم تشدید می کند.

یک سیستم متمرکز عربستان سعودی

با در نظر گرفتن موقعیت ژئوپلیتیک، حکومت های کوچک خلیج [فارس] مجبورند تلاش های هماهنگ خود را به عربستان سعودی که قدرت مرکزی شبه جزیره است متوجه سازند. با کمال اطمینان می توان گفت که رهبران سعودی هیچ گاه استعداد سیاسی از خود نشان نداده اند، و باید محدودیت های موجود در رابطه با نقش ارشادی آنها را به رسمیت شناخت. با

این وصف، آنها دارای اهرم مالی بوده و احترام همگان را نسبت به خود جلب می کنند. علاوه بر این، آنها می توانند کلید اصلی روابط در جهان عرب باشند. ریاض به خاطر میانجیگری اش در سیاست های عربی و روابط خود با رهبران جناحهای راست و چپ عربی بسیار به خود می بالد. همین نقش به خصوص در رابطه با عمان حائز اهمیت است، چون اگر سعودیها از قابوس «حمایت» نکنند، خشم تندروها وی را به سرعت در بر خواهد گرفت.

در این سیستم دفاعی در حال پیدایش، باید عراق را مد نظر داشت. تعهد بعثی رادیکالیسم نمی تواند آن را به صورت یک صمیمی با شاهزادگان خلیج [فارس] تبدیل کند. اما رویدادهای ایران، این کشور را نیز که دارای اکثریت شیعه است، مانند سایر کشورهای منطقه، متوحش کرده است. به همین علت، طرز فکر این کشور در مورد دفاع منطقه ای باید به دقت بررسی شود. همین امر در مورد سوریه نیز صادق است. شاه حسین اردنی مانعی در این راه به حساب نمی آید و حتی می تواند به عنوان یک هم پیمان فعال عمل کند.

در اینجا نیز رابطه سعودی ها با این دولتها عنصر بسیار مفیدی است.

حسادت های محلی مانع از بهبود امکانات می شود

با این وجود، حتی ایجاد یک سیستم غیررسمی به دلیل رقابت های کم اهمیت کشورهایی که باید عناصر اصلی آن باشند خالی از موانع نیست. مثلاً عمان و امارات متحده عربی درست زمانی که شایعه کشف نفت درمناطق مرزی شان به گوش می رسد به مناقشات مرزی بین خود دامن می زنند که به پیدایش بحران های کم اهمیتی می انجامد. ولی این تشنج ها به سرعت فروکش می کنند چون از نظر دو کشور شروع جنگ بر سر این مسائل جزئی قابل توجیه نیست. ولی اختلافات مرزی به قوت خود باقی است، و بر نحوه برخورد دوستانه بین دو کشور در مسائل کلی تأثیر منفی بر جای می گذارد.

خوشبختانه، در ماههای اخیر بین عمان و امارات متحده عربی مذاکرات دوجانبه به دفعات از سر گرفته شده تا اختلافات از میان برداشته شود. بدون شک انگیزه این گفتگوها همان ترس از گسترش گرایشهای خصمانه منطقه ای در این دو کشور است. ولی معلوم نیست که این ترس بتواند قبل از غرق شدنشان در این گرایش ها، به یک وحدت مؤثر بین آنها بیانجامد.

اختلافات مرزی از دیرباز بین عمان و عربستان سعودی نیز وجود داشته است. بنا به همین علت و حتی دلایل دیگر، عمانیها احساس مبهمی نسبت به برادر بزرگ خود یعنی سعودیها دارند. از یک طرف می دانند که برتری و تفوق عربستان سعودی در شبه جزیره بی چون و چراست، علاوه بر این سعودیها یکی از منابع همیشگی کمک های مالی هستند. ولی همین قدرت سبب شده که عربستان سعودی نسبت به عمان نوعی شیطنت داشته باشد که از چشمان حساس عمانیها چندان دور نمانده است. قابوس و مشاورینش همیشه در فکر آنند که عربستان سعودی در ازای کمک ها و یا امتداد چتر حفاظتی خود چه چیزی خواهد گرفت.

در حالیکه بخش اعظم مرز بین دو کشور در طول منطقه ربع الخالی نامشخص مانده، می توان گفت که شاید عربستان سعودی در پی به دست آوردن امتیازات ارضی است. به همین علت قابوس خود را چشم و گوش بسته تسلیم عربستان سعودی نمی کند.

با این حال، در صورتی که اختلافی در مسائل دوجانبه پیش نیاید، مسقط به راحتی در مسائل امنیتی شبه جزیره از ریاض پیروی خواهد کرد. قابوس نیز تا حدود زیادی منتظر چراغ سبزی از طرف آمریکاست. وی مایل است که تمام سیستم های ابداعی توسط سعودیها بخشی از استراتژی واشنگتن به حساب آید.

نیرومندترین دوستان عمان: قدرت های هم صدای غرب

از آنجا که قابوس روسها را مهم ترین خطر به حساب می آورد، غرب را به عنوان تنها منبع کمک مکفی تصور می کند. در وهله اول بریتانیاست که مفهوم غرب را پر می کند، چون هنوز در این کشور حضور دارد؛ لیکن با وجود احتمال خروج انگلیس در درازمدت، آمریکا جای آن را خواهد گرفت.

لرزش ناگهانی و دوباره بریتانیا

از نظر قابوس جای بسی خوشبختی است که خروج بریتانیا از این کشور تا مدتی دیگر به طول خواهد انجامید. معلوم نیست که او به این مطلب پی برده باشد، ولی همین امر نیز می تواند دردسرهایی برای وی فراهم آورد. از هم اکنون چند تن از افسران عمانی (به خصوص سرهنگ سلیم غزالی معاون جدید وزیر دفاع) نسبت به خروج تدریجی انگلیسی ها از عمان ابراز نگرانی کرده اند. غزالی می خواهد روند عمانی نیروهای مسلح را تا حد امکان تسریع کند، گرچه می داند که راه حل تدریجی، تنها راه عملی نیل به این هدف است.

طبق سیاست کنونی بریتانیا خروج افسران نظامی انگلیس در دهه ۱۹۸۰ پایان خواهد یافت. به هر حال، این سیاست درازمدت در زمان دولت تاچر بیش از پیش به قوت خود باقی خواهد ماند. روابط تاریخی که تقریباً از دو قرن پیش نضج گرفته محافل محافظه کار انگلیس را به این نتیجه رسانده که بر اساس مسئولیت بریتانیا در قبال سرنوشت عمان، این کشور باید به حضور نیرومند خود در عمان ادامه دهد. و از آنجا که ارتباط با عمان برای انگلستان مخارج چندانی نداشته، می توان پیش بینی کرد که این ابتکار ادامه خواهد یافت.

وقتی می گوییم انگلستان به حضور خود در عمان ادامه خواهد داد، به جریان های مخالفی که بر طرز تفکر محافظه کاران انگلیس و دیگران تأثیر دارد نیز واقفیم.

این نظریه چنین است: هرگاه که اقامت در جایی پرخرج و یا دشوار شود، انگلستان باید از آنجا به سرعت خارج شود. در وایت هال انگلستان هر از چند بار این نظریه شدت می گیرد. خروج بریتانیا در سال ۱۹۶۰ از «شرق سوئز» نمونه بارز این

فرضیه است. هنوز نظریه فوق بر

عمـان تـأثیر نداشـته ولی گمـان می رود که در آینـده نزدیـک تـأثیر خود را بر این کشور نیز بگـذارد. رویـدادهای ایران و نیز حمـایت احمقانه سـلطان از قرارداد کمپ دیویـد بسـیاری از متخصصـین انگلیسـی را در عمان به وحشت انـداخته است. همین احسـاس به نوبه خود انتقادهـای بسـیاری از انگلیسـی ها را در مورد قابوس افشا کرده است که همان عـدم هواداری سـلطان از دموکراسی(۱) است که بسیاری از ناظران نیز به آن معترفند.

البته این روحیه از نظریات ضدقابوسـی جناح چپ انگلسـتان نشأت می گیرد. این جناح به خاطر کمی تعداد تا به حال نتوانسـته است بر سـیاست انگلسـتان تـأثیر بگـذارد. علاـوه بر این در مورد عمـان برخلاف دیگر رژیمهای «ارتجاعی» به طور پراکنـده و گهگـاه به اظهـارنظر پرداخته است. البته این وضـع احتمالاًـ تغییر خواهـد کرد. به نظر مـا، همین «افشاگریهـای» جدیـد در مورد سلطان سبب شده است که ناظران انگلیسی جناح های مرکزی و راست به لرزه افتند. آنها از تأثیر تبلیغات جناح چپ بریتانیا در مورد عمان، آن هم در رابطه با افکار عمومی به خوبی آگاهند.

به طور مثال یکی از نویسـندگان برجسـته و بسـیار چپگرای انگلستان یعنی فرد هالیدی را ملاحظه کنید. کتاب وی تحت عنوان عربستان بدون سلاطین(۲)یکی از سـتون های اصـلی تجلی طرز فکر خصـمانه در مورد رژیم های سـنتی شـبه جزیره عربسـتان است. کتاب دیگر هالیـدی تحت عنوان مزدورها(۳) نیز از آن جهت که بر عمـان تمرکز دارد بسـیار حائز اهمیت است. وی در این اثر از حضور نظـامی بریتانیا در شـبه جزیره (تحت عنوان «مزدورها») یاد می کنـد و بیش از همه به موضوع جنگ ظفار می پردازد. وی می گوید «افراطی ترین اقدام ضدشورشـی بریتانیا و اسـتفاده از مزدورها در عمان به وقوع پیوسته است». چون طبق ادعای وی، در آنجا حضور بریتانیا «سـبب سـرکوب شدن مقاومت مسـلحانه مردم و حفظ قدرت سـلطان مستبد این کشور شده است.»

در بخش ضـمیمه کتاب مزدورها، مکاتباتی که در سال ۱۹۷۵ بین ۱۰ تن از سـاکنین خیابان دان و گروهی از مردم معترض به حضور انگلیس در عمـان صورت گرفته، چـاپ شـده است. معترضـین در مکـاتبه خود اظهـار داشـته بودنـد که «دولت هارولد ویلسون نیز در کمـک به سـلطان عمـان جهت سـرکوب وحشـیانه مخـالفین خود سـیاست اعقاب محافظه کارش را دنبال کرده است. اولین پاسخ ارائه شده توسط دفتر خارجی و اسـتعماری صریحاً اعلام می دارد که دولت اعلیحضرت «از آن رو به سلطان عمان کمک می کند که با آن روابط دوستانه داشته و علاوه بر

۱- به منظـور پی بردن به عمـق این نظریه به نـامه هـای منـدرج در مجله اکونومیست مورخ ۲۸ آوریل رجوع کنیـد . مهم ترین مقاله این مجله توسط جان تون لنـد نگاشـته شـده است . این مقاله به طور کامل ترس ناگهانی انگلیس را در مورد آینده عمان منعکس می سازد.

۲- عربستان بدون سلاطی ، ن فرد هالیدی، ۱۹۷۴ ، بنگاه نشر پنگوئن، بروکسل.

۳- مزدوره‌ا فرد هالیدی، ۱۹۷۷ ، بنیاد صلح برتراند راسل با مسئولیت محدود، برای سخنگو.

این یک نهضت خرابکاری مسلحانه بسیار سازمان یافته و تحت الحمایه بیگانگان با اقدامات خود در این کشور ثبات منطقه را تهدید می نماید.» این دفتر به سیاست های اقتصادی و اجتماعی سلطان قابوس نیز اشاره می کند. ولی معترضین با این پاسخ قانع نشدند و بار دیگر نوشتند که «حدود نیمی از درآمدهای سلطان در رابطه با جنگ ظفار مصرف می شود، و خود سلطان نیز مبالغ هنگفتی در رابطه با اجناس لوکس خرج کرده است.» منشی مخصوص ویلسون به این نامه پاسخ داد و گفت «تعابیر شما از رویدادها با تعابیر دولت انگلستان تفاوت دارد» و در ادامه گفته است که بهتر است این موضوع بیش از این کش نیابد.

این معترضین را می توان صرفاً هواداران مارکسیست نامید. تا حدودی این موضوع صحت دارد. ولی باید اعتراف کرد که آنها تنها ذره ای از آرای عمومی انگلیسی ها هستند که گذشته از مارکسیستی بودن آن می تواند بر سرعت خروج انگلیس از عمان تأثیر بگذارد. این مسئله زمانی رخ خواهد داد که نقاط ضعف رژیم قابوس به نحو چشم گیرتری در انگلستان مطرح گردد. در مقایسه با پاسخ توأم با خونسردی سخنگوی هارولد ویلسون، طرز فکر جدی معترضین نشانگر دوگانگی طرز فکر آراء عمومی بریتانیاییها در مورد عمان است. تا به حال جنبه «لجوجانه» این طرز فکر در سیاست وایت هال نشان داده شده است. و احتمالاً در زمان دولت مارگارت تاچر نیز این سیاست ادامه خواهد یافت ولی باید آن را زیرنظر داشت.

دورنمای آمریکایی

شاید سلطان قابوس نیز تحت تأثیر سلیم غزالی از یک سو و آگاهی بخشی فرد هالیدی از طرف دیگر دریافته باشد که خروج انگلیسی ها خیلی زودتر از موقع مقرر به وقوع خواهد پیوست. همین امر او را بر آن می دارد که از قدرت بزرگ تر غربی موجود در آن سوی اقیانوس آتلانتیک یعنی آمریکا بهره برداری کند. شاید او به این نتیجه رسیده باشد که آمریکاییها تنها کسانی هستند که می توانند با موفقیت مانع از پیشرفت روسها شوند.

قابوس از رابطه با آمریکا برداشتی بسیار ساده دارد، و معتقد است که برای جلب نظر یک دولت نیرومند باید کاملاً با آن همکاری کرد تا او نیز به نوبه خود به همکاری کامل بپردازد. او علاوه بر این می پندارد که آمریکا نیز باید خطر شوروی را آنچنان که وی تصور می کند تلقی کند. به همین علت با استفاده از هر فرصتی از واشنگتن خواسته است که در برابر مسکو قد برافرازد و در این راه از عمان به عنوان یکی از شرکاء کوچکتر استفاده کند.

آمریکا نه تنها به عمان پاسخ مثبت نداده بلکه نظر آن کشور را نیز در مورد خطر موردنظر علناً نپذیرفته است. ولی در ماههای اخیر به قابوس نزدیک تر شده است. سلطان نیز با حمایت از کمپ دیوید، واشنگتن را وادار ساخته است که بیشتر متوجه آن کشور باشد. با درنظر گرفتن رویدادهای عمان و تأثیر آنها بر دولت آمریکا این حرکت بسیار زیرکانه انجام گرفته است. پاسخ مثبت ما به وزیر خارجه عمان در حین بازدیدش از واشنگتن در فوریه، نشانگر آن است

که ما تا حدود زیادی طرف سلطان را گرفته ایم.

اما آمریکای بعد از ویتنام به جنگجوی خسته می ماند، و قابوس نیز از ما می خواهد که به طریق جنگ سرد به وی پاسخ دهیم. بسیاری از آمریکاییها به رژیم عمان آنچنان می نگرند که در مسقط الف ۴ به صورت مستبد و فاسد توصیف شده است، و ناراحتی هایی را که در نتیجه تلاش امریکا در حمایت از رژیم تیو در ویتنام جنوبی وارد آمد، را به یاد می آورند. عکس العمل آمریکاییها این است که این واقعه هرگز و حداقل درمورد این شخص که خود را سلطان می نامد نباید تکرار شود. سرنوشت دودمان پهلوی نیز همین نظریه و عکس العمل را تشدید می کند.

با بیان این مطلب، باید افزود که پاسخ نیمه سرد واشنگتن غیرمعقول نبوده است. هواداری دولت آمریکا از سلطان قابوس بهانه تبلیغاتی خوبی به دشمنان منطقه ای و بین المللی این سلطان نشین خواهد داد. بالاتر از همه، موجب تشدید نظرات ضدقابوسهای دنیای امروز به خصوص در آمریکا خواهد شد. این واقعیت که در عمان ممکن است به جای حکومت قابوس یک حکومت مستبدانه تری روی کار آید نیز نمی تواند طرز فکر آمریکاییها را عوض کند، چون در مورد ویتنام قادر به اینکار نبود.

آنهایی که در مورد تأثیر این جنبه روانی بر روابط آمریکا و عمان تردید دارند بهتر است به تعمق پیرامون نکات ذیل بپردازند: بنا به گزارش یکی از سفارتهای آمریکا در یکی از کشورهای همجوار عمان یکی از خبرنگاران معتبر آمریکایی در نظر داشت مقاله ای منتشر ساخته و طی آن به افشاء نقش سازمان سیا در عمان بپردازد. وی در نظر داشت از افرادی چون وزیر خزانه داری سابق آمریکا یعنی رابرت آندرسون، دو تن از مشاورین مخفی سلطان قسام شاکر و یحیی عمر که در عمان مقیم نبودند و «تیم لندن» مشاور مقیم سلطان به عنوان چهره های اصلی یاد کند. وی می خواست از شرکت ماهیگیری مارالا تحت سرپرستی چارلز بلک (همسر شرلی تمپل) که مدت کوتاهی در عمان کار می کرد ولی اکنون منحل شده است نیز سخن به میان آورد. موضوع اصلی این مقاله این بود که انگلستان قابوس را به قدرت نرسانده بلکه توسط «عمال سازمان سیا» به فرمانروایی رسانیده شده است، و در این راه منافعی نیز نصیب شخص خود ساخته اند. یکی از مقامات سفارت مذکور تلاش کرد تا این خبرنگار را از درج این مطالب تحریک آمیز باز دارد، و ظاهراً نیز موفق شده است، چون این مقاله هرگز منتشر نگردید.

نکته مورد تعمق راست و یا دروغ بودن این مطالب نیست، بلکه موضوع این است که حتی در صورت دروغ بودن، اگر این مطلب منتشر می شد بر آراء عمومی تأثیری بسیار فاحش داشت. در محافل کوچک عمان شایعات دیگری نیز پیدا شده است. ولی هیچیک از دیگر خبرنگاران موجود به آنها نپرداخته اند: یکی از آنها، شایعه مربوط به ارتباط سازمان سیا با شرکت های آمریکایی و عملکرد آنها در عمان است. باید گفته شود که صحت و یا سقم مطلب

مهم نیست ولی تأثیر آنها بر آراء عمومی قابل تعمق و ژرف نگری است.

بنابراین آمریکا نیز مانند بریتانیا بر سر یک دوراهی قرار گرفته است. ما می خواهیم از دوست عرب خود که حرف های قشنگی در مورد کمپ دیوید می زند حمایت کنیم، و علاوه براین، این کشور در تنگه هرمز که در آن سوی آن ایران قرار گرفته دارای اهمیت استراتژیک است. شاید آراء عمومی آمریکا در رابطه با اهمیت تنگه هرمز در صحنه نفتی جهان موافق و یا هم عقیده باشند. ولی در عین حال می دانیم که احساسات ضدقابوسی می تواند به سرعت جای این نظریه را در افکار عمومی آمریکا بگیرد، خصوصاً اگر رسانه های آمریکایی نیز به تبلیغ پیرامون آنها بپردازند. طبق شواهد موجود، نقایص و خطاها به سرعت بر همه آشکار می گردد.

امکان درگیری آمریکا در عمان

چه چیزی سبب خواهد شد که نقایص و خطاهای قابوس در آمریکا چشمگیرتر شود؟ مهم ترین عامل، هجوم نظامیان آمریکایی به داخل عمان و هرگونه افزایش وسیع و ناگهانی، چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی، در ورود غیرنظامیان آمریکایی نیز همین خطر را به همراه خواهد داشت. در صورتی که به نظر می رسد این موضوع حمایت از قابوس باشد. به همین دلیل نباید خواستار درگیری شدید آمریکا در این سلطان نشین باشیم.

حتی اگر سلطان بخواهد این موضوع را رد کند، ما نباید از این قانون کلی منحرف شویم. متأسفانه ما خیلی بهتر از او به تأثیر این جنبه های روانی خارجی در صحنه جهانی واقفیم.

نکته مهم این است که اگر آمریکا با آغوش باز از قابوس استقبال کند و محرک انتقاد شدید از وی در مطبوعات آمریکایی شود، همین عوامل وارد عمان می شود و ثبات رژیم این کشور را عمیقاً برهم می زند. همانطور که خوانندگان مسقط الف ۴ به یاد خواهند آورد، بازگشت دانشجویان عمانی از آمریکا و دیگر کشورهایی که دموکراسی بر آنها حاکم است مسائلی را برای قابوس ایجاد خواهد کرد، البته در صورتی که وی از موضع حکومت مطلق خود عدول نکند. می توانید تصور کنید که عکس العمل قابوس در صورت روبرو شدن با دانشجویانی که حاوی نظرات خصمانه آمریکایی نسبت به او هستند تا چه حد سرکوبگرانه خواهد بود. به نظر ما یک نهضت مردمی علیه قابوس به سرعت شکل خواهد گرفت. در عین حال آمریکا از حمایت شدید از قابوس سرباز زده است، همین امر نیز می تواند عامل بر هم زننده ثبات باشد و علت نیز وابستگی شدید وی به غرب خواهد بود. و با از بین رفتن حس اعتماد نسبت به او، حکومتی بسیار سرکوبگرانه طبق شرایط فوق آغاز خواهد شد. می بینید که آمریکا در اینجا نیز با شرایطی مانند ویتنام و ایران روبرو شده که به هیچوجه خوشایند نیست. یعنی یا باید از یک رژیم نه چندان خوشایند از نظر اخلاقی حمایت کند و یا آشکارا کنار بکشد؛ با این کار به رژیم مزبور ضربه ای وارد ساخته است. ابتدا دست زدن به اقدام اول و سپس اقدام دیگر نیز همین نتیجه را خواهد داشت. پس باید یک روش ثابت را در پیش گرفت. عامل ارشادی در

مورد عمان باید نکات ذیل باشد: باید از قابوس آن قدر حمایت شود که بتواند نقش خود را در زمینه مدرن سازی ایفا کند، ولی نباید طوری از وی حمایت کرد که آراء جهانی متوجه نقایص و خطاهای او شود.

در تجزیه و تحلیل نهایی، همانگونه که متذکر شدیم، اگر ایران به دست شوروی بیفتد آمریکا در بازی شطرنج «کیش» خورده و مجبور است از محل خطر فرار کند و شاید به همین خاطر مداخله بیشتر در عمان به نفع ما باشد. ولی باید در نقاط دیگر منطقه خلیج [فارس] نیز این درگیری وجود داشته باشد. شاید قبل از سقوط ایران مجبور به حرکت باشیم چون از تأثیر همه گیر ناآرامی در آن کشور آگاهیم، ولی طبعاً نمی خواهیم که طبق پیشگویی خود عمل کرده باشیم، آن هم با اقدامات عجولانه که می تواند توسط ایرانیها به طرز نادرستی تعبیر گردد.

هدف این نامه هوایی تعیین خط مشی واشنگتن در عمان نیست، بلکه تأکید بر اصول درگیری است که به نظر ما در نتیجه تحرکات سیاسی خارجی فوق الذکر پدید خواهد آمد. مهم ترین این اصول به شرح ذیل است:

الف) از حمایت شدید از قابوس و یا حضور سنگین آمریکایی در صحنه اجتناب ورزیده ولی نباید به طرز مشهودی تنها گذاشته شود. در حمایت خود جانب اعتدال، احتیاط و ثبات را رعایت کنید. گذشته از همه، از عادت بوروکراسی دولت آمریکا (به خصوص در بخش نظامی) که منجر به درگیری و مداخله شدید در هنگام رؤیت چراغ سبز می شود جلوگیری کنید. دولت آمریکا هیچ گاه عادت ندارد کارهای کوچکی انجام دهد به همین علت یا با ارائه کارهای عظیم و فاقد سوءنیت سبب از بین رفتن دوستانش در جهان سوم می شود و یا اصولاً از خودش فعالیتی نشان نمی دهد. ظاهراً یا همه چیز باید از آن ما باشد و یا هیچ چیز. درست است که باید از منابع کافی برای به کار انداختن پروژه ای استفاده شود، ولی باید در مورد عمان روش معتدل تری در پیش گرفت و از همه عناصر دولت آمریکا نیز باید خواسته شود که همین مسیر را در مدنظر داشته و طبق آن عمل کنند.

ب) تلاش شود تا میزان فعالیتهای غیرمعقول رژیم قابوس کاهش و حرکت آن در جهت استقرار یک حکومت آزاد بیشتر شود. می توانیم این موضوع را یکی از شرایط مداخله خود بنامیم، ولی نباید مانند یک خارجی بی تفاوت برای قابوس «وعظ» کنیم. در این مورد نیز باید روش معتدل باشد. همه چیز باید در رابطه با نتایج بالقوه در نظر گرفته شود. همیشه باید از خودمان سؤال کنیم: چه نوع روش موفقی قابوس را به تحرک وادار خواهد کرد و چه عاملی سبب رویگردانی وی خواهد شد؟ می گویند او از مشاورین سرسخت، دل چندان خوشی ندارد. کلید اصلی مشکلات ظاهراً تکرار دائم، لیکن فاقد خشونت است.

پ) حتی در مرحله عمانی کردن نیروهای مسلح این کشور، از انگلیس بخواهید که همراه ما در صحنه حضور داشته باشد. این امر سبب می شود که انگلستان فکر نکند که حضور گسترده آمریکا به معنی پر کردن جای او در عمان است. ولی مهم تر از همه، این کار، یعنی

بهبود شخصیت و وجهه رژیم قابوس سبب خاموش شدن آتش انتقاد چپگرایان انگلستان خواهد شد. البته این امر باید به موازات نکته (ب) فوق انجام شود. بریتانیا و آمریکا هر دو در ایجاد یک دولت مساعد در عمان دارای منافع مشترکی هستند.

ت) انتظار نداشته باشید که یک قرارداد یا معاهده رسمی بین دولتهای ضد رادیکال منطقه منعقد شود. سعی کنید با نزدیک ساختن آنها از طریق روابط دوجانبه یک بافت امنیتی غیررسمی به وجود آورید.

ث) بر مرکزیت قدرت سعودی ها تأکید داشته باشید ولی حسادت عمان و دیگر کشورهای کوچک تر را نیز در رابطه با تفوق سعودی ها حتماً در نظر بگیرید.

آمریکا در اینگونه موارد می تواند کارهای بسیاری انجام دهد. ما می توانیم با استفاده از روابط دوجانبه خود با کشورهای خلیج [فارس]، و نیز روابط دوجانبه بین انگلستان و منطقه، آنچنان امنیت منطقه ای «مستحکمی» به وجود آوریم که تاکنون به خاطر بی اعتمادیهای کم اهمیت حکومت های منطقه موفقیتی برای ایجاد نداشته است. سایزر

معاون وزیر خارجه عمان پیرامون مسئله اعراب و اسرائیل و...

سند شماره ۶

محرمانه۲۴ ژوئن ۱۹۷۹ ۳ تیر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط ۱۰۹۴به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در بغداد، بیروت، قاهره، خارطوم، کویت، امان، مسکو، پاریس، صنعا، تهران

موضوع: معاون وزیر خارجه عمان پیرامون مسئله اعراب و اسرائیل و

امنیت خلیج [فارس] گفتگو می کند

۱- (محرمانه – تمام متن)

۲ خلاصه: یوسف العلوی معاون وزیر خارجه در مصاحبه با روزنامه نگاران محلی در اوایل ماه جاری اصول اساسی سیاست خارجی عمان را در مرحله کنونی یادآور شد. مهم ترین اصل یادشده تکرار شرایطی بود که به نظر عمان باید در حل مسئله اعراب و اسرائیل در نظر گرفته شود. از همان اوان پیدایش چهارچوب قرارداد کمپ دیوید،سخنگویان عمانی این شرایط را گوشزد می کردند، لیکن همیشه از اهمیت آنچنانی برخوردار نبود. علوی با تشریح خصوصی مصاحبه در تاریخ ۱۸ ژوئن، گفت این سخنان صرفاً برای شنوندگان عرب ایراد شده بود تا سوءتفاهم های موجود در زمینه حمایت عمان از سادات از بین برود. در رابطه با پیمان مصر و اسرائیل موضع عمان نه کاملاً هوادارانه و نه کاملاً متضاد با آن است، ولی عمان در قبال سادات

و چهارچوب قرارداد کمپ دیوید سیاست مثبت خود را دنبال خواهد کرد. هدف عمان این است که تضاد تلخ اعراب علیه سادات را به تدریج از بین ببرد. علوی در ادامه پیرامون امنیت خلیج [فارس] با ما سخن گفت و اظهار داشت که در حال حاضر در میان کشورهای خلیج

[فارس] در زمینه همکاری منطقه ای کار چندان مهمی صورت نگرفته است. پایان خلاصه.

۳- در ملاقات کاردار با یوسف العلوی معاون وزیر خارجه عمان در تاریخ ۱۸ ژوئن، وی به تفصیل درباره مسائل خاور نزدیک و خلیج [فارس] گفتگو کرد. کاردار گفتگو را با سؤالی در مورد مصاحبه العلوی با مطبوعات محلی در اواسط خردادماه آغاز کرد که در آن علوی اصول اساسی سیاست خارجی عمان در مرحله کنونی را تشریح کرده بود. همانگونه که در روزنامه های مسقط گزارش شده، این اصول عبارتند از:

الف) عمان از ابتکار صلح سادات و چهارچوب قرارداد کمپ دیوید به عنوان یک تلاش مثبت در جهت نیل به یک راه حل همه جانبه حمایت می کند، لیکن بنا به اصرار عمان راه حل نهایی باید: ۱) به ماهیت اسلامی اورشلیم احترام گذاشته و شرق اورشلیم را به حاکمیت عربی بازگرداند، ۲) تمام سرزمینهای اشغال شده توسط اسرائیل از سال ۱۹۶۷ را به اعراب بازگرداند، و ۳) حقوق مردم فلسطین را در زمینه خودمختاری به رسمیت بشناسد.

ب) عمان آماده است تا در اجلاس عربی شرکت کند مشروط بر آنکه قبلاً برنامه کار آن «به خوبی پیش بینی شده باشد». در اجلاسیه های عربی باید «روحیه جدیدی» حاکم باشد، درست بر عکس اجلاسیه های مشهور در بغداد (این بیانیه با اشاره به درخواست اخیر نمیری، رئیس جمهور سودان، که متقاضی تشکیل اجلاس عربی در مکه شده بود عنوان گردیده است.)

پ) منزوی ساختن مصر به نفع اعراب نیست. «باید به دنبال وسیله ای دیگر برای حل منازعات موجود بین مصر و دیگر کشورهای عربی بود.»

۴- علوی با تأیید سخنان گزارش شده خود به کاردار گفت که هدف این مصاحبه تنها جهان عرب بوده است. وی گفت، رهبران صاحب نظر دیگر کشورهای عربی در مورد موضع مثبت عمان در قبال کمپ دیوید راه خطا پنداری را پیموده اند. آنها می گویند اگر دولتی کاملاً- با سادات مخالف نیست حتماً به طور کامل هوادار آن است. آنها نمی خواهند بپذیرند که شاید «نکات مثبتی» نیز در این موضوع نهفته باشد. علوی در ادامه گفت: حقیقت این است که عمان تا زمانی از سادات حمایت خواهد کرد که روش او منتهی به سه هدف فوق الذکر شود و یا فرد دیگری روش بهتری ارائه نکرده باشد. به نظر علوی تا به حال هیچکس نتوانسته است روش بهتر از این را ارائه دهد.

هدف عمان نیز از بین بردن تفرقه تلخی است که به خاطر پیمان مصر و اسرائیل در جهان عرب حاکم شده و اگر نتواند این کار را انجام دهد حداقل سعی خواهد کرد از وخیم تر شدن تشنج جلوگیری کند. به امید آنکه در نتیجه مذاکرات منطقی و معقول، عقاید جدید و سازنده ای پیدا شود.

۵- علوی بار دیگر به قضاوت انتقادآمیز دولت خود در رابطه با نتایج اجلاسیه بغداد اشاره کرد. وی گفت این اجلاس به تعجیل صورت گرفت و نتایج آن نیز فاجعه آمیز بود. علوی اظهار داشت که دیگر دولت های خلیج [فارس] به عمانیها اطلاع داده اند که آنها نیز از اجلاسیه

بغداد و فلسفه آن که مبنی بر حداکثر میزان رویارویی در جهت حل اختلافات درونی اعراب است، دل خوشی ندارند.

عمان روش مبتنی بر همکاری و تعاون را بیشتر ترجیح می د هد. مشارکت اخیر مسقط برای پدید آوردن یک موضع هماهنگ عربی در قبال حرکت احتمالی کانادا مبنی بر انتقال سفارت خود در اسرائیل به اورشلیم، نشانگر نحوه برخورد موردنظر عمان با اینگونه مسائل است. ولی علوی در ادامه گفت که این عمل دیگر ضرورت خود را از دست داده است چون مقاصد کانادا در این رابطه هنوز روشن نشده است.

[۶]- در این گفتگو به مسئله امنیت خلیج [فارس] نیز اشاره شد. علوی این موضوع را با گفتن اینکه هرگونه تلاش امنیتی در این منطقه باید در انتظار حل اختلافات میان آمریکا و عربستان سعودی در رابطه با کمپ دیوید باشد، به مسئله اعراب و اسرائیل ربط داد. در حال حاضر این مسئله بسیار مهم شده است. نه اینکه الزاماً به این دلیل باشد بلکه بخشی از آن به خاطر آن است که در میان کشورهای خلیج [فارس] در زمینه همکاری منطقه ای پیشرفت چندانی پدید نیامده است. ممکن است به زودی کنفرانس وزیران خارجه کشورهای خلیج [فارس] تشکیل شود، لیکن علوی از تاریخ دقیق برگزاری آن خبر ندارد. به احتمال بسیار بحرین ریاست هماهنگی کشورهای خلیج [فارس] را به عهده خواهد گرفت، و به همین علت عمان برای اولین بار سفیر خود را برای منامه در نظر گرفته است. (به مسقط ۱۰۷۸ کتبی مراجعه شود.) علوی اعلام کرد که به عنوان یک اصل کلی، هرگونه تلاش منطقه ای در رابطه با امنیت خلیج [فارس] باید بر عربستان سعودی متمرکز باشد، و کشورهای دوست غربی نیز باید در صحنه حاضر باشند.

۷- نظریه: دو مقام عالیرتبه سفارت انگلستان درگفتگوهای اخیر خود با ما اظهار داشته اند که علوی در مصاحبه خود اشاره کرده که عمان به طور یک جانبه در قبال موضع خود در رابطه با کمپ دیوید و پیمان مصر و اسرائیل عقب نشینی خواهد کرد. به نظر ما این رابط های انگلیسی سخنان وی را اینگونه تفسیر کرده اند. سفارت انگلستان بیش از گذشته در مورد موضع توأم با تکروی سلطان قابوس در مورد این مسئله نگران بوده است.

۸- ممکن است در سخنان علوی تأکید جدیدی در افشای خوش بینی به چهارچوب کمپ دیوید نهفته باشد، ولی باید به یاد داشت که حمایت عمان از کمپ دیوید از همان ابتدا وجود داشته است. سه شرط تعیین شده فوق الذکر برای راه حل نهایی نیز در اعلامیه های عمانی تازگی ندارند.

سخنگویان عمانی بر این جنبه و یا جنبه دیگر روش «آری اما»ی خود در رابطه با فرمول صلح کمپ دیوید همیشه تأکید می کنند. ولی شواهد موجود حاکی از آن نیست که سلطان نشین عمان این سیاست خود را دیگر تعقیب نخواهد کرد.

سیزر

نگرانی امیر قطر در مورد رویدادهای ایران

ص: ۲۹

سند شماره ۷

محرمانه۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ ۴ تیر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، دوحه ۷۶۹به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در جده، کویت، مسقط، صنعا، تهران

مرجع: دوحه ۷۵۶

موضوع: نگرانی امیر قطر در مورد رویدادهای ایران

۱- محرمانه - تمام متن

۲- طی ملاقات با امیر خلیفه بن حمد آل ثانی در تاریخ ۲۴ ژوئن به منظور تسلیم نامه رئیس جمهور کارتر (تلگرام مرجع)، امیر از اینجانب در مورد اوضاع ایران و اینکه آیا این کشور از نظر آمریکا و اروپا اهمیت دارد سؤال کرد.

بر اساس تلگرام های دریافتی اخیر از سفارت آمریکا در تهران امیر را به بهترین وجه در جریان امر قرار دادم. در پاسخ به سؤالی مربوط به اهمیت ایران، گفتم که در این موضوع شکی نیست. صادرات نفتی ایران برای کشورهای صنعتی اهمیت بسیاری دارد و موقعیت فیزیکی کشور و نیز مجاورت آن با مناطق مهم استراتژیکی، ایران را از نظر ژئوپلیتیک بسیار با اهمیت ساخته است.

۳- امیر خلیفه در مورد آیت الله خمینی و پیروانش اظهار تردید بسیار کرد و گفت که آنها نه تنها به حیثیت ایران بلکه به حیثیت اسلام نیز ضربه می زنند. آنچه که ما در ایران جویای آن هستیم اسلام نیست.

انسان با خدا ارتباط دارد و به هیچوجه نیازمند میانجیگریهای مذهبیون نیست. افراد مذهبی در مورد نحوه حکومت چیزی نمی دانند و نباید هرگز به این کار بپردازند. وی شنیده بود که اقتصاد ایران وضع چندان خوبی ندارد. ترس امیر از به قدرت رسیدن کمونیسم در ایران از بین رفته است؛ اکنون وی نگران سقوط وضع اقتصادی کشور است.

وی ظاهراً می خواست سؤال کند که آمریکا در قبال این وضع چه خواهد کرد، ولی سؤال خود را مطرح نکرد.

۴- نظریه: شاه ایران هرگز در قطر محبوبیتی نداشت، ولی نمایانگر ثبات و مشروعیت ایران در انظار خانواده حاکمه اینجا بود. سقوط شاه نگرانی عمیقی به وجود آورد و قوی ترین حاکم منطقه نیز متوجه شد که امکان سرنگونی خود او نیز وجود دارد. بعدها ندای آیت الله خمینی برای وحدت اسلامی پاسخ مثبتی به همراه آورد. لیکن کشتارهای غیرقانونی و شواهد مربوط به بی نظمی و تقریباً شورش در رژیم اسلامی جدید نگرانیهای عمیق تری پدید آورد. اگر قطری ها می توانستند زمان را به عقب

برگردانند و شاه را بر تخت بنشانند همین کار را می کردند. پایان نظریه.

کیل گور

هیأت نمایندگی عمان از ایران دیدن می کند

ص: ۳۰

سند شماره ۸

محرمانه۸ ژوئیه ۱۹۷۹ ۱۷ تیر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط ۱۱۷۰به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، قاهره، دوحه، اسلام آباد، کویت، لندن، منامه، مسکو، پاریس، صنعا، تهران

موضوع: هیأت نمایندگی عمان از ایران دیدن می کند

۱- (محرمانه — تمام متن)

۲- خلاصه: هیأتی به ریاست یوسف العلوی معاون وزارت امور خارجه عمان از ایران دیدن می کند و چنین به نظر می رسد که موفق شده است شالوده ای از مناسبات بهتر بین عمان و ایران را در جریان این دیدار سه روزه از جمهوری اسلامی پی ریزی کند. علوی درباره مسئله خوزستان با لحنی مساعد نسبت به ایران علناً سخن گفته است و رهبران ایران خاطرنشان ساختند که آنها از عصیانگران جبهه آزادیبخش خلق عمان که مخالف سلطان است پشتیبانی نخواهند کرد. دولت ایران در مذاکره با این هیأت عمانی ترس قابل ملاحظه خود را از شاه و مصر نشان دادند و به علوی گفتند که خواهان برقراری مناسبات حسنه با ایالات متحده هستند.

۳- یک هیأت عمانی به ریاست یوسف العلوی معاون وزارت امور خارجه عمان روز ۲۸ ژوئن پس از یک دیدار رسمی سه روزه از ایران به مسقط بازگشت. این هیأت عمانی هنگام اقامت در ایران گفتگوهایی با آیت الله خمینی و بازرگان نخست وزیر و انتظام معاون نخست وزیر و یزدی وزیر امور خارجه انجام داد. ما با رئیس بخش سیاسی وزارت امور خارجه عمان و کاردار سفارت ایران در عمان درباره این دیدار تماس گرفتیم، سفیر انگلیس در این کشور نیز به دنبال دیدار با علوی پس از بازگشت او از ایران است. همه این ناظران معتقدند که دیدار هیأت نمایندگی عمان از ایران شالوده ای برای مناسبات بهتر بین مسقط و تهران ایجاد کرده است.

۴- پیام اساسی علوی به میزبانان ایرانی خود این است که سلطان نشین عمان خواهان برقراری مناسبات حسنه با جمهوری اسلامی است و امیدوار است که پیوندهای نزدیکی که قبلاً بین عمان و شاه وجود داشت مانع این هدف نشود. به ما گفته شد که رهبران ایران به چنین ژستی از سوی عمان پاسخ مثبت داده اند و گویی برای تحکیم این مناسبات جدید هر یک از طرفین پشتیبانی خود را از مسئله ای که برای طرف دیگر حائز اهمیت درجه یک است، ابراز داشته است:

الف- علوی پس از بازگشت از ایران به نحو آشکاری گفت که استان خوزستان جزء لاینفک خاک ایران است و حوادثی که در آن استان روی می دهد باید در چارچوب حق حاکمیت ایران حل شود. این اظهارنظر در مطبوعات مسقط به نحو وسیعی مطرح شد. همان طوری که مدیر بخش سیاسی وزارت امور خارجه عمان در گفتگو با نماینده ایالات متحده

بیان داشت. اظهارنظر علوی مناسبات عمان را با عراق «پیچیده» می کند، ولی سلطان نشین عمان حاضر است در مرحله کنونی این وضع را بپذیرد.

ب- سفیر عمان در تهران، پس از مذاکره هیأت نمایندگی عمان با رهبران ایران، به نمایندگان مطبوعات در این شهر گفت که حکومت ایران قول داده است از پشتیبانی از جبهه آزادیبخش خلق عمان صرف نظر کند. ما اطلاع یافته ایم که خبرگزاری ایران طی اعلامیه ای این مطلب را بیان داشته است. بنا به اظهار رئیس بخش سیاسی وزارت امور خارجه عمان، وعده ایران به صراحتِ اظهارات سفیر نبوده با این وجود به روشنی از آنچه که بازرگان و دیگران گفتند می توان از آن این نتیجه را گرفت. اما مقامات ایران درباره این واقعیت که یک هیأت نمایندگی از جبهه آزادیبخش خلق عمان چندی قبل از ایران دیدن کرده است، به علوی اظهار داشتند که حکومت ایران از این هیأت دعوت نکرده بود. و این دعوت از سوی یکی از گروههای انقلابی در این کشور صورت گرفته است. علوی این توضیح را پذیرفت زیرا او می دانست که در ایران امروز قبول کردن مسئولیت برای اقدامات سیاسی دشوار است.

۵- علوی به طور محرمانه به سفیر انگلیس گفت که ایرانیان درباره مقاصد احتمالی شاه به اندازه قابل ملاحظه ای بیمناک هستند و ایرانیان همچنین از مصر نیز می ترسند زیرا تصور می کنند که مصر پایگاهی برای فعالیتهای طرفداران شاه خواهد شد. ظاهراً به همین دلیل بود که آنها از رفتار عمان برای نشان دادن مناسبات حسنه استقبال کرده اند زیرا تصور می کردند که عمان ممکن است به عنوان یک پایگاه برای مصر و شاه جهت اقداماتی علیه جمهوری اسلامی مورد بهره برداری قرار گیرد. علوی به ایرانیان اطمینان داد که سلطان نشین عمان علیرغم موضع آن درباره پیمان مصر و اسرائیل، چنین هدفی را دنبال نمی کند. علوی همچنین درباره شایعات کذب حضور سربازان مصری در عمان اظهار داشت که این شایعات بی اساس است و بدین ترتیب سوءتفاهم برطرف شد.

۶- علوی همچنین به سفیر انگلیس گزارش داد که ایرانیان به او گفته اند خواهان برقراری مناسبات حسنه با ایالات متحده هستند ولی در ضمن اضافه کرده اند که «افکار عمومی» ایران مانع از آن است که این تمایل تحقق یابد. ما در مورد این جنبه از گفتگوها اطلاع بیشتری در دست نداریم.

۷- یکی از مطالب ضمنی که به دست آمد این بود که سفیر انگلیس ضمن مذاکره با مقامات عمان چنین برداشت کرده بود که علوی برای مذاکرات خود با [آیت الله] خمینی چندان اهمیتی قایل نبوده است. و اطلاعاتی که علوی به دست آورد بیشتر از جانب رهبران حکومت ایران بوده است و ما تصور می کنیم که مذاکرات علوی بیشتر درباره همبستگی اسلامی بوده است.

۸- برداشت دیگر سفیر انگلیس این بود که جمهوری اسلامی با میهمانان عمانی خود چنان رفتار کرده است که آنها نیز به اندازه شاه در تعقیب منافع ملی ایران مصمم هستند. این امر نه

تنها در مطالبی نظیر ادامه تأکید در به کار بردن اصطلاح «خلیج فارس» بلکه همچنین در مذاکرات موجود درباره مسائل مربوط به تمامیت ارضی نیز به چشم می خورد. سیزر

اظهارات وزیر امور خارجه بحرین درباره روابط با...

سند شماره ۹

محرمانه۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹ ۲ مرداد ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، منامه ۱۵۳۶به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در بغداد، دوحه، دوبی، کویت، لندن، مسقط، تهران.

مرجع: منامه ۱۵۱۲

موضوع: اظهارات وزیر امور خارجه بحرین درباره روابط با

ایران و فشارهای داخلی شیعیان

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: وزیر خارجه از وزیر خارجه کویت در تهران شنیده است که ایرانیها مایل به برقراری روابط دوستانه با بحرین بوده و به زودی سفیر خود را به این کشور خواهند فرستاد. در صحنه داخلی، دولت از رهبران شیعه خواسته است که از تشدید ناآرامی دست بردارند و فروش مشروبات الکلی و نمایش کاباره ها را در پاسخ به درخواستهای اخیر شیعیان و نیز در پاسخ به تعصب مذهبی رو به رشد جامعه تحت کنترل شدید درآورده است. پایان خلاصه.

۳- وزیر خارجه، شیخ محمد بن مبارک آل خلیفه در تاریخ ۱ مرداد به سفیر گفت که روز قبل وزیر خارجه کویت، صباح آل احمد آل صباح در تهران با وی تلفنی تماس گرفته است. آل صباح از نتیجه گفتگوها و نیز محکوم شمردن تهدیدات آیت الله روحانی علیه بحرین توسط ایرانیها و نیز ابراز این امر توسط آنها که فقط خواستار برقراری روابط دوستانه با کویت و بحرین هستند اظهار رضایت کرد. وی گفت ایرانیها نام سفیر جدید خود در بحرین را به وی اطلاع داده اند که به زودی اعلام خواهد شد.

۴- شیخ محمد با اشاره به «فهرست تقاضاهای» رهبران محلی شیعه، گفت که دولت این تقاضاها را کاملاً رد نکرده است، در حالیکه دو تن از پنج تن رهبران اصلی یعنی العکری و آل عُصفور درخواستهای متعادلی مطرح نکرده اند. امیر اخیراً با این گروه ملاقات کرده و به آنها اطلاع داده بود که خواسته های مشروع مردم مورد بررسی قرار خواهد گرفت لیکن نحوه

حکومت بر کشور به آنها ارتباطی ندارد. دیگر مقامات نیز با رهبران شیعه ملاقات کرده و به آنها علیه اقدامات آشوب برانگیز هشدار داده اند. دولت بحرین میل ندارد که این اشخاص را به صورت شهیدان برای جامعه درآورد و نیز نمی خواهد با دست زدن به اقداماتی تشنج بین شیعه و سنی را شدت بخشد، لیکن اگر آنها هشدار مزبور را جدی تلقی نکنند به سرعت آنها را سرکوب خواهد کرد.

شیخ محمد گفت که دولت بحرین مسئله تهدید رانندگان تاکسی به اعتصاب را حل کرده و

مانع تبدیل آن به یک تشنج شیعی و سنی شده است.

۵- شیخ محمد در ادامه گفت که دولت تنها در رابطه با یکی از تقاضاها، آسیب پذیر است. و آن مسئله مشروبات الکلی و سرگرمی ها است. بنابراین تصمیم گرفته شد که فروشگاههای مشروبات الکلی و نمایش های کاباره ها در ماه رمضان کاملاً تعطیل شود. پس از آن نیز به آنها اجازه بازگشایی داده خواهد شد ولی حق ندارند در رسانه های خبری محلی درباره کالاهای خود تبلیغ کنند. وزیر گفت، نمایشهای کلوپ های شبانه نیز باید «محترمانه» برگزار شود.

۶- در خاتمه این گفتگو، شیخ محمد گفت که دولت، فعالیتهای این گروه از رهبران مذهبی شیعه را به دقت زیرنظر گرفته است تا مبادا از مذهب جهت نیل به اهداف سیاسی بهره برداری کنند. دولت بحرین همچنین مراقب گروههای چپگرای سنی است که سعی دارند با توسل به مذهب به اهداف خود دست یابند.

۷- نظریه: شیخ محمد از اخبار ارائه شده توسط وزیر خارجه کویت از تهران بسیار خوشحال بود. کنترل شدید مشروبات الکلی و کاباره ها، گرچه به مذاق جمعیت غیربحرینی خوش نمی آید، لیکن جمعیت بحرینی کاملاً از آن استقبال می کنند. این امر بیش از آن که یک اقدام خنثی کننده فعالیتهای شیعیان باشد، نشانگر پاسخ لازم دولت در قبال ظهور تعصب اسلامی در جامعه بحرین و نیز نقاط دیگر جهان اسلام است.

پلترو

رهبران شیعه در روز اورشلیم تظاهرات کوچکی در بحرین برپا می کنند

سند شماره ۱۰

محرمانه۱۹ اوت ۱۹۷۹ ۲۸ مرداد ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، منامه ۱۶۹۱به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوبی، امان، اورشلیم، جده، کویت، لندن، مسقط، تهران

موضوع: رهبران شیعه در روز اورشلیم تظاهرات کوچکی در بحرین برپا می کنند

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- در پاسخ به درخواست آیت الله خمینی مبنی بر برگزاری تظاهرات به حمایت از روز اورشلیم یعنی ۱۷ اوت [روز قدس] آخرین روز جمعه ماه رمضان، ملاهای شیعه در مرکز منامه تظاهرات کوچکی برگزار کردند. بنا به گفته منبع موثق دولتی، گروه تظاهرکنندگان که مرکب از ۸۰۰ نفر بود تحت مراقبت پلیس به راهپیمایی مسالمت آمیزی تا قرارگاه ساف پرداخت و

پس از ایراد سخنرانی توسط چند نفر این تظاهرات پایان گرفت. حقیقت برگزاری تظاهرات در مطبوعات مورخ ۱۸ اوت مورد توجه چندانی واقع نشد. تلویزیون بحرین در عصر ۱۷ اوت یک برنامه یکساعت و نیمه در مورد اورشلیم پخش کرد ولی از تظاهرات ذکری به میان نیاورد.

۳- بنا به گفته منبع، دولت بحرین درخواست [آیت الله] خمینی را چند روز قبل دریافت

کرد لیکن تصمیم گرفت در مورد آن اقدامی به عمل نیاورد. ملاهای شیعه بدون کسب مجوزهای لازم تظاهرات مزبور را برگزار کردند. احتمالاً وزارت کشور آنها را فراخواهد خواند و به آنها هشدار خواهد داد. لیکن اقدامات خشن تری به عمل نخواهد آمد. سفیر انگلستان در تاریخ ۱۷ اوت با امیر ملاقات کرد و او را نسبت به این موضوع ناراحت نیافت.

۴- نظریه: ملاهای شیعه ظاهراً می خواسته اند با استفاده از روز اورشلیم [روز قدس] [آیت الله] خمینی به اهداف سیاسی خود دست یابند. نکته جالب توجه این است که در آخرین روز جمعه ماه رمضان با وجود گرمای بیش از حد و طوفان شن آنها توانسته بودند این تعداد افراد را برای برگزاری تظاهرات از منازل خود بیرون بکشند.

پلترو

دستگیری رهبر شیعه و تظاهرات در روز عیدفطر

سند شماره ۱۱

محرمانه۲۷ اوت ۱۹۷۹ ۵ شهریور ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، منامه ۱۷۲۴به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در جده، قاهره، امان، دوبی، کویت، مسقط، صنعا، تهران.

موضوع: دستگیری رهبر شیعه و تظاهرات در روز عیدفطر

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: رهبر مذهبی شیعه محمدعلی العکری به محض مراجعت از تهران در تاریخ ۲۲ اوت دستگیر شد. گرچه تظاهرات مسالمت آمیز روز قبل بر جوّ عید فطر تأثیر چندانی نبخشید، لیکن رویدادها نشانگر تشنج پنهان بین رژیم و افراطیون شیعی بود. گزارش مربوط به انتشار بیانیه تحریک آمیز توسط العکری در رادیو تهران عصبانیت خاصی برانگیخته است. پایان خلاصه.

۳- سفارت از طریق منابع متعدد به وقایع نگاری رویدادهایی پرداخته است که در تاریخ ۲۲ اوت منجر به دستگیری شیخ محمدعلی العکری ملای شیعه و تظاهرات ۲۳ اوت به حمایت از آزادی وی شد. این وقایع نگاری ناقص است و به طور کامل مورد تأیید قرار نگرفته است.

۴- در دو سه روز قبل از تعطیلات عیدفطر مورخ ۲۳ تا ۲۶ اوت، جلسات و سخنرانیهای برگزار شده در میعادگاههای شیعیان نشانگر اوج بیشتر سخنان ضددولتی و ضدخلیفه بود. بنا به گفته یکی از مقامات میان رتبه وزارت اطلاعات، در همین مدت

محمـدعلی العکری رهبر شـیعیان مخـالف اجـازه یـافت که در رادیو تهران به انتقاد شدیـد از امیر و دولت بحرین به دلیل عـدم پاسخ به تقاضاهای رهبر شیعه بپردازد.

۵- العکری به محض ورود به بحرین در پای پلکان هواپیما و قبل از آنکه جمعیت گرد آمده بتوانند به اسـتقبال از وی بپردازند توسط مقامات امنیتی کشور دستگیر شد. چند رهبر

مذهبی دیگر شیعه که بنا به گزارشهایی یک یا دو و یا پنج تن بودند، نیز دستگیر شده اند. دو منبع موثق اظهار داشته اند که دستور لغو مرخصی مقامات پلیس به مناسبت عید فطر در تاریخ ۲۲ اوت صادر شده است.

۶- تظاهرات و راهپیمایی در تاریخ ۲۳ اوت در اعتراض به دستگیری العکری سازماندهی شد. سفیر شاهد راه پیمایی سیصد تا چهارصد نفر با مراقبت و نظارت پلیس بود و متوجه شد که یکی از پلاکاردها خواستار برقراری «قانون اساسی اسلامی» شده است. این راهپیمایی ظاهراً مسالمت آمیز بود لیکن یکی از منابع گزارش داد که چند تن از تظاهرکنندگان دستگیر شده اند.

۷- سفارت صبح روز ۲۷ اوت گزارشهای متناقضی دریافت داشته و نمی داند که آیا العکری و همراهانش آزاد شده اند و یا هنوز هم در توقیف به سر می برند.

۸- گزاش خبری مطبوعات مورخ ۲۶ اوت که ممکن است با این موضوع مرتبط باشد یا نباشد حاکی از آن است که امیر به خاطر عید فطر چند تن از زندانیان را آزاد کرده است.

۹- نظریه: منابع موجود در دولت بحرین هنوز مطالب فوق را تأیید نکرده اند، ولی ظاهراً رویدادها در مورد سه واقعه مهم تأیید شده از صحت کافی برخوردار است که عبارتند از: دستگیری العکری، لغو مرخصی مقامات پلیس و تظاهرات ۲۳ اوت. این رویدادها نشانگر اوج مخالفت شیعه با دولت بحرین و عکس العمل دولت است. دولت بحرین تا به حال به رهبران شیعه هشدار داده و سعی کرده است خواسته های آنها را برآورده ساخته و از ترس اینکه مبادا دستگیرشدگان به صورت قهرمان جلوه گر شوند از دستگیری آنها نیز خودداری ورزیده است. گرچه هزاران نفر جهت عرض تبریکات سنتی عید به الریفا هجوم آورده بودند و جو تعطیلات بر منامه و دیگر بخشهای کشور حاکم بود، ولی واقعیت امر این بود که تشنج نهفته میان رژیم و رهبران افراطی شیعه به نقطه اوج دیگری رسیده است. اگر گزارش مربوط به انتشار بیانیه تحریک آمیز از رادیو تهران صحت داشته باشد، این امر نیز تشنج دیگری برخواهد انگیخت.

پلترو

آخرین وضعیت دستگیری رهبران شیعه و ناآرامی جاری شیعیان

سند شماره ۱۲

سری۲۹ اوت ۱۹۷۹ ۷ شهریور ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، منامه ۱۷۴۹به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوبی، بغداد، دوحه، جده، کویت، لندن، مسقط، تهران

مرجع: منامه ۱۷۲۴

موضوع: آخرین وضعیت دستگیری رهبران شیعه و ناآرامی جاری شیعیان

۱- (سری - تمام متن)

۲- خلاصه: پنج تن از رهبران شیعه دستگیر و یکی از آنها اخراج شده است. دولت امیدوار

است که این اقدامات و نیز منع تظاهرات، ناآرامی آشکار شیعیان را از میان بردارد. میزان حمایتی که مخالفین شیعی از ایران کسب می کنند هنوز نامعلوم است. پایان خلاصه.

۳- در تاریخ ۲۹ اوت منبع موثق دولت بحرین مطالب ذیل را در مورد دستگیری العکری و وضع جاری ناآرامی شیعیان ارائه کرد. پنج تن از رهبران شیعی هم اکنون در بازداشت به سر می برند:

(الف) شیخ محمدعلی العکری در غروب روز ۲۲ اوت در فرودگاه بحرین و به محض مراجعت از تهران و ملاقات با آیت الله روحانی دستگیر شد. وی بیانیه ای در رادیو تهران منتشر نکرده است. لیکن قصد داشته به محض مراجعت تلاشهای ضدرژیم را شدت بخشد. پلیس ضدآشوب حدود ۱۵۰ نفر را که برای استقبال از وی به فرودگاه آمده بودند متفرق ساخت.

(ب) شیخ علی آل عُصفور.

(پ) شیخ جاسم قنبر این دو تن خواستار انجام اقدامات خشونت بار در صورت به رسمیت نشناختن تقاضای شیعیان توسط دولت بحرین گردیده اند.

(ت) علی غلام تقی دریافت کننده بسیاری از اعلامیه های ضدرژیم ارسالی از ایران و توزیع کننده آنها در محل. دولت بحرین حدود ۲۵۰۰۰ اعلامیه ارسال شده از ایران را جمع آوری کرده است.

(ث) عیسی الشریفی یکی از نمایندگان فعال [آیت الله] خمینی که دائماً با قم در تماس است. تقی و شریفی تلاش می کردند تا انقلاب اسلامی را در بحرین نیز رواج دهند.

۴- علاوه بر این، در تاریخ ۲۶ اوت دولت بحرین شیخ عبدالهادی مدرسی را که دارای اصلیت بحرینی ولی گذرنامه شارجه ای است اخراج کرد. مدرسی به فرقه افراطی شیعه به نام شیرازیین که پیرو آیت الله شیرازی هستند تعلق دارد. منبع دولت بحرین مدرسی را فردی توصیف کرده است که عامل هرگونه مخالفت موجود در میان شیعیان است. به دنبال اخراج وی، مقام سفارت بحرین در تهران توسط مقامات ایرانی احضار شد تا درباره اقدامات انجام شده علیه مدرسی توضیح دهد. یک پاسخ فاقد رویارویی برای وی ارسال شده است.

۵- مقامات امنیتی دولت بحرین معتقدند که مخالفین شیعه مسئول به آتش کشیده شدن سینمای اِوال در عیدفطر هستند. قبلاً به این سینما چند بار تلفن شده و گفته شده بود که اگر به نمایش فیلم های غربی ادامه دهد نابود خواهد شد. روزنامه دولتی اخبار الخلیج پس از گزارش آتش سوزی، به طور تلفتی تهدید شد که اگر نسبت به آرمانهای شیعیان همدردی بیشتری نشان ندهد دفتر چاپ آن نیز به سرنوشت سینما دچار خواهد شد.

۶- علی رغم ممنوع شدن تظاهرات از طرف دولت، اعلامیه هایی توزیع گردیده که خواستار برپایی تظاهرات در ساعت ۳ بعد از ظهر در مقام المدن در پایین شهر منامه در مخالفت با دستگیریها شده اند. پلیس تصمیم گرفته است مانع از برگزاری

تظاهرات شود.

۷- در تظاهرات ۲۳ اوت چند تن از تظاهرکنندگان اعلامیه های جبهه آزادیبخش خلق

بحرین در ماه مارس را توزیع کردند که نشان می دهد مخالفین چپگرا نیز در نظر دارند با پیوستن به شیعیان میزان مخالفت علیه دولت را شدت بخشند. سه تن از اعضای جبهه خلق آزادیبخش بحرین در تظاهرات ماه مارس شرکت کرده بودند.

۸- دولت امیدوار است که با این اقدامات فعالیت شیعیان را کاهش دهد. ولی مطمئن نیست که بتواند در این کار موفق شود، خصوصاً اگر موضع رسمی ایران مبهم باشد و یا حمایت آن از شیعیان ادامه یابد. پلترو

کنفرانس منطقه ای خلیج فارس جنوب آسیا

سند شماره ۱۳

محرمانه۱۶ سپتامبر ۱۹۷۹ ۲۵ شهریور ۱۳۵۸

از: کنسولگری آمریکا، کراچی - ۵۲۶۱به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، بغداد، داکا، دوحه، اسلام آباد، جده، کابل، کویت، منامه، مسقط، دهلی نو، صنعا، تهران

موضوع: کنفرانس منطقه ای خلیج فارس جنوب آسیا

۱- (محرمانه- تمام متن)

۲- خلاصه: ژوزف توینام معاون وزیر امور خارجه در امور خاور نزدیک در تاریخ ۶ سپتامبر در کنفرانس معاونین نمایندگیها و مقامات ارشد که در شهر کراچی برگزار شده بود شرکت داشت تا به بررسی روابط و همبستگی های سیاسی و اقتصادی بین کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای جنوب آسیا، فعالیتهای شوروی در منطقه و حضور نظامی آمریکا بپردازد. معاون وزیر در امور مربوط به مواد مخدر، کورلد، به بحث و گفتگو در این زمینه پرداخت. آنچه در ذیل می آید از یادداشت برداریهای (نمایندگی ما در) کراچی اقتباس شده که باید توسط شرکت کنندگان در این کنفرانس تصحیح و رفع ابهام شود. پایان خلاصه.

۳- سفیر هامل در آغاز بحث درباره روابط و همبستگی های منطقه ای اظهار داشت که پاکستان همیشه درصدد دریافت کمک خارجی به خصوص از اعراب بوده است. اخیراً میزان کمک اعراب به پاکستان به خاطر تنفر آنها از رئیس جمهور ضیاء[الحق] در نتیجه اعدام بوتو کاهش یافته که البته علت دیگر آن بدحسابی این کشور در بازپرداخت بدهیهای خویش نیز است. به طور مثال: کمک ۲۰۰ میلیون دلاری سال گذشته عربستان سعودی هنوز توسط پاکستان پرداخت نشده است.

(تذکر: گزارشات بعدی حاکی از آن است که قرار است در همین رابطه و طی ماه جاری ۱۰۰میلیون دلار پرداخت شود.) پاکستان نیز به نوبه خود از فقدان کمک های عربی ناراحت است.

۴- تنفر و انزجار نسبت به ضیاء[الحق] به خاطر اعدام بوتو توسط چند تن از نمایندگان واحدهای حوزه خلیج فارس تأیید گردید، که یکی از آنها در امارات متحده عربی مستقر است

و می گوید رهبر آن کشور از دوستان صمیمی بوتو بوده و معتقد است که از ضیاء[الحق] قول گرفته بود بوتو را اعدام نکند. اعتقاد عموم بر این است که کشورهای عربی نمی خواهند شاهد تجزیه پاکستان باشند. بسیاری از کشورهای حوزه خلیج [فارس] و دیگر کشورهای عرب (مانند لیبی) در زمینه آموزشهای نظامی و استخدام مزدور چشم به پاکستان دوخته اند.

کویت پس از مشاهده رویدادهای ایران و افغانستان، اکنون به پاکستان به عنوان عنصر ثبات در منطقه چشم دوخته است ولی برای دیگر کشورهای منطقه، پاکستان بخشی از عوامل بی ثباتی است و نه بخشی از راه حل این مشکل.

۵- کارگران کشورهای آسیای جنوبی بخش مهمی از نیروی کار مورد نیاز کشورهای ثروتمند حوزه خلیج [فارس] را تشکیل می دهند و عمده این کارگران کره ای یا فیلیپینی هستند چون شرکت های دولتی این کشورها فعالانه به انعقاد قراردادها پرداخته و کارگران مورد نیاز خود را نیز به همراه می آورند، هندیها نیز همراه خانواده هایشان وارد این کشورها شده و از سمت های مهم تا سمت های کارمندی بانک ها را تحت انحصار خویش درآورده اند. درست است که پاکستانیها مشاغل عالی تری در اختیار دارند ولی اکثر آنها کارگران ماهر و غیرماهری هستند که بدون خانواده هایشان به این کشورها روی می آورند، به همین جهت مخارج کمتری متحمل شده و پول بیشتری به کشورشان می فرستند.

با بهبود بیشتر وضع و تأکید بیشتر بر کیفیت، کشورهای حوزه خلیج [فارس] خواستار استخدام تکنسین های فنی تر اروپایی و آمریکایی خواهند شد. در همین حال، بعضی از کشورهای حوزه خلیج [فارس] در حال کم کردن شمار کارگران جنوب آسیایی هستند. یکی از این کشورها امارات متحده عربی است که در آن در نتیجه تأکید بیشتر بر استخدام اعراب به جای پاکستانیها، شمار کارگران پاکستانی شدیداً رو به کاهش است. (البته به استثناء مشاغل نظامی... نمونه بارز این امر این است که فرمانده نیروی هوایی امارات متحده عربی یک فرد پاکستانی است) کشورهای دیگر حوزه خلیج [فارس] مانند کویت کارگران پاکستانی را به اعراب ترجیح می دهند چون پاکستانیها خود را وارد مسائلی چون رقابت های درونی اعراب نمی کنند.

۶- به نوبه خود، پاکستان نیز در برخورد با اعراب مشکلاتی دارد و علت آن نیز تفرقه موجود در میان این کشورهاست (به طور مثال نظامیان پاکستان با این شرط در لیبی استخدام می شوند که علیه مصر به کار گرفته نشوند). این امر می تواند ایجاد اصطکاک هایی را سبب شود و از میزان حسن نیت ناشی از تدارک نظامی پاکستان بکاهد. به هر حال، حتی در مواردی هم که این گونه رابطه نظامی خالی از اصطکاک باشد (مانند عمان) ظاهراً هیچ اهرم سیاسی در اختیار پاکستان قرار نمی دهد. این موضوع در رابطه با مهاجرت عظیم کارگران به کشورهای حوزه خلیج [فارس] که بدون موافقت بین دولتین صورت گرفت نیز صادق است.

۷- حضور کارگران آسیای جنوبی در کشورهای حوزه خلیج [فارس] به منظور انجام

کارهـای بـدنی که اعراب از انجـام آنهـا اکراه دارنـد بر جوامع کشورهـای خلیـج [فـارس] تأثیر خواهـد گـذارد. در اینجا یک وضـعیت نیمه اسـتعماری حاکم است که در آن اعراب نقش راجه های انگلیسـی را ایفا می کنند و کارگران آسـیای جنوبی به صورت خـدمتکار و زیردست انجـام وظیفه می نماینـد. تـأثیر بـازگشت شـمار عمـده ای از این کارگران به کشورهای آسـیای جنوبی به خصوص پاکسـتان بسـیار ویران کننده خواهد بود. علاوه بر قطع ناگهانی منبع درآمدهای ارزی خارجی، یعنی ارسال ارز توسط کارگران، بازگشت آنها به این کشورها سـبب تشدیـد بیکاری و کم کاری خواهـد شد که در نتیجه مهاجرت عظیم کارگران این کشورها به حوزه خلیـج [فارس] در دوران بعد از سال ۱۹۷۳ حل شده است. به هر حال اکثر پاکسـتانیهای حاضر در حوزه خلیج [فارس] به خاطر جمع آوری ثروت به آنجا رفته اند تا بعدها بتوانند به کشور خود بازگردند و قصد اقامت دائم در کشورهای حوزه خلیج فارس را ندارند.

۸- ثروت کشورهای حوزه خلیج [فارس] به معنی اعمال نفوذ بر سیاسـتهای پاکسـتان نیست. پاکسـتانیها معمولاً از اظهارنظر در مورد خاورمیـانه طفره رفته و منتظر سیاست هـای عربسـتان سـعودی و دیگر کشورهای منطقه می شونـد تا از آن پیروی کننـد. پاکستان دارای یک هیأت نمایندگی در قاهره است که به عنوان حافظ منافع چند کشور عمل می کند. در عین حال که بعضی از کشورهای عربی خواسـتار خروج آنها می باشـند (مانند لیبی و عراق)، کشورهای دیگری (چون کویت و عربسـتان سعودی) خواستار ادامه حضور این هیأت نمایندگی در قاهره هستند.

۹- ایران نفـوذ خـود را در منطقـه از دسـت داده است. نگرانی در مـورد اوضـاع آنجـا به خـاطر [بُعـد] مسـافت از بین می رود. پاکسـتان گرچه از اعمال فشارهای شاه ناراحت بود (به خصوص در مورد رفع اختلاف با هند) ولی دیگر تحت تأثیر ایران قرار ندارد. حضور نظامیان پاکسـتان در کشورهای حوزه خلیج فارس نیز مسـئله ای حاد بین آنها شده است، چون هر یک خواسـتار سهم بیشتری در منطقه هسـتند، ولی [آیت الله] خمینی نیز به نوبه خود نمی خواهـد به هیچیـک از آنها چنین سـهمی داده شود. عراق نیز کاملاً نگران تصـرف توسط کمونیسـتهای ایرانی است. (عراقی ها بین ایدئولوژی کمونیستی که مورد تنفرشان است و تسـلیحات نظامی کمونیستی که مورد قبول آنها است تفاوت قائل می شوند). کویت نمی خواهد حتی تصور تجزیه ایران را در سر بپرورانـد و بنابراین در مورد وقوع آن تردیـد دارد. در صورتی که شاه کنترل امور ایران را در دست می داشت، ممکن بود اتفاقات جاری در افغانستان رخ ندهد. پس از خروج شاه، پاکستان دیگر به عنوان یک عامل ثبات مورد توجه اعراب نیست.

۱۰- روسـها به خاطر رویدادهای ایران و افغانسـتان، در منطقه قوی تر شده اند. با این حال، روسـها نتوانسـته اند از فرصت های بسـیار مغتنم موجود در این کشورها استفاده کنند و به همین دلیل این فرصت ها جنبه بازی با آتش را پیدا کرده است. در حال حاضر، ایران به شوروی و کمونیست های وطنی به دیده تردید و سوءظن می نگرد. رژیمهای ترکی و امین تحت الحمایه

شوروی در افغانستان در نتیجه مرگ و میر، فرار و ترک خدمت با کاهش نیروی انسانی شدیدی روبرو شده و ممکن است برای دریافت نیروی نظامی دست به دامان شوروی بشوند. در عین حال که شورشیان تنها کمک ناچیزی از خارج دریافت می دارند، فرار نظامیان پادگان اسمر می تواند نقش تعیین کننده ای داشته باشد. افغانها هیچگاه به روسها اعتماد نداشته اند. علاوه بر این در افغانستان پناهندگان بسیاری از آسیای مرکزی شوروی وجود داشته که معتقدند دولت خلقی افغانستان آنها را به شوروی فروخته و به عبارتی به آنها خیانت کرده است. رژیم ترکی - امین به احتمال زیاد سرنگون خواهد شد (ولی نمی توان روی این موضوع حساب کرد). با این حال، روسها معتقدند هر رژیمی که در کابل روی کار آید باید به آنها باج بدهد، در نتیجه روسها تلاش نخواهند کرد تا شورشیان افغانستان را کاملاً از بین ببرند گرچه ممکن است در حدود اعزام نظامیان خود به منظور حفظ امنیت مناطقی که شهروندان روسی در آنجا مشغول کار و زندگی هستند، برآیند.

[۱۱]- کشورهای حوزه خلیج فارس و جنوب آسیا معتقدند که آمریکا نتوانسته است به صورت عامل موازنه ای در برابر روسها عمل کند: طرز فکرهای موجود مبهم است: این امید که آمریکا بالاخره راه ارتقا و ثبات منطقه را خواهد یافت و مانع از گسترش نفوذ شوروی خواهد شد با تردید از انجام اقدامات مؤثر توسط آمریکا و ترس از آنکه مبادا آمریکا دست به حرکتی آشکار بزند که مورد مخالفت آنها واقع شود، آمیخته است. پاکستانیها ترس از این دارند که مبادا سرنگونی رژیم ترکی- امین موجب دخالت مستقیم شوروی در افغانستان گردد و ۵۰٪ امیدوارند که آمریکا نیز وارد صحنه شود ولی واقع امر این است که معتقد نیستند آمریکا این کار را انجام خواهد داد. هندیها زمانی که با صراحت سخن گویند از حضور شوروی در افغانستان به عنوان خطری جدی صحبت می کنند (گرچه رسماً اظهار عدم نگرانی می کنند) و معتقدند که آنها به عنوان قدرت نظامی اصلی منطقه باید عهده دار نقش اصلی شوند که آمریکا به احتمال بسیار، مایل به ایفای آن نیست. سعودیها که از فعالیت شوروی در شاخ آفریقا و یمن بیش از نفوذ آن در افغانستان نگران هستند، خواهان ایجاد یک رابطه تسلیحاتی «صریح و صادقانه» بین خود و آمریکا هستند تا بر اساس آن سعودیها نیاز تسلیحاتی خود را مشخص کرده و آمریکا سریعاً آن نیاز را برآورده سازد، و علاوه بر این آمریکا از سعودیها تقاضایی برخلاف خواست مردم عربستان سعودی نداشته باشد، که یکی از این موارد درخواست حمایت عربستان سعودی از قراردادهای کمپ دیوید است.

۱۲- به احتمالی موضع گیری مبهم در قبال آمریکا منجر به افزایش فعالیت نظامی آمریکا در منطقه خواهد شد. کشورهای حوزه خلیج [فارس] و پاکستان در خفا از افزایش فعالیت دریایی آمریکا در اقیانوس هند و آبهای مجاور استقبال خواهند کرد مشروط بر آنکه متقاعد شوند آمریکا عزم خود را برای تغییر مسیر رویدادهای سالهای اخیر راسخ کرده و می خواهد به عنوان عامل ثبات در منطقه اقداماتی انجام دهد. در این صورت آنها ترجیح می دهند افزایش این گونه

فعالیت ها بدون جنجال تبلیغاتی همراه باشد تا مجبور نباشند عکس العملی توأم با عدم تأیید از خود نشان دهند. در صورتی که افزایش این گونه فعالیت ها نشان عدم تصمیم گیری صحیح باشد مایه اضطراب و نگرانی شدید آنها خواهد شد.

۱۳- عکس العمل کشورهای حوزه خلیج [فارس] نسبت به توسعه و تولید تسلیحات اتمی پاکستان متفاوت بوده است. بعضی ها (مانند سعودیها) از این نگرانند که مبادا یک انفجار هسته ای توسط پاکستان منجر به بروز ماجرا جوییهای اسرائیل شود. بدون شک تمام کشورهای حوزه خلیج فارس از اینگونه موفقیت یک کشور مسلمان در زمینه کسب توان اتمی احساس غرور خواهند کرد. اکثراً از تلاش آمریکا در زمینه عدم تکثیر هسته ای به قیمت محروم ساختن پاکستان از کمک های نظامی و اقتصادی که می توانست منجر به تبدیل آن کشور به صورت عامل ثبات منطقه شود، احساس تأسف می کنند.

۱۴- کور (CORR) معاون وزیر خاطرنشان ساخت که موفقیت در زمینه کنترل حمل و نقل مواد مخدر در یک زمینه، منجر به انتقال حمل و نقل در منطقه دیگر خواهد شد. اقدامات موفقیت آمیزی در ترکیه و مکزیک انجام شده تا از قاچاق هروئین جلوگیری به عمل آید و اثر این اقدامات در کاهش معتادین آمریکا به تعداد ۵۰۰۰ نفر و کاهش مرگ و میر به میزان ۷۰٪ منعکس گردیده است.

در حال حاضر پاکستان، افغانستان و ایران حدود سه برابر مثلث طلایی تولید تریاک دارند و در اروپا و به خصوص آلمان غربی که در سال گذشته بیشترین میزان مرگ و میر ناشی از استفاده بیش از حد از هروئین را به خود اختصاص داده بود، مصرف هروئین جنبه همگانی پیدا کرده است.

هروئین تولیدی در پاکستان از اروپا نیز گذشته و وارد سواحل شرقی آمریکا می شود. استراتژی مربوط به این منطقه هم اکنون در دست تهیه است، و در اجرای آن مسئله امکان ادامه درآمدها ماده مربوط به عدم استفاده و کشت خشخاش در قراردادهای کمک و استفاده از سیستم رأی دهی در نهادهای مالی بین المللی را در نظر خواهد گرفت. در پاکستان چنین وسایلی به خاطر لایحه سمینگتون کارایی چندانی نخواهد داشت. علاوه بر این، منطقه کشت خشخاش تحت کنترل «پاتان»هاست که سود حاصله از فروش مواد مخدر نیز نصیب خود آنها می شود.

دولت پاکستان نیز نمی خواهد آنها را به آغوش افغانها براند (گرچه این خطر در حال حاضر دور از واقعیت است). با این وجود، روند موجود در نتیجه تأکید مجدد پاکستان بر حفظ تعصب اسلامی که مخالف با استفاده از مواد مخدر و نیز مشروبات الکلی است و نیز آگاهی پاکستان نسبت به افزایش میزان اعتیاد داخلی کمک مهمی در اجرای کنترل و مبارزه ما با مواد مخدر است.

پست

بحرین در مقابله با تظاهرات شدت نشان می دهد

ص: ۴۲

سند شماره ۱۴

محرمانه۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹ ۲۶ شهریور ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، منامه ۱۸۵۲به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوبی، امان، بغداد، دوحه، لندن، مسقط، کویت، تهران

مرجع: الف) منامه ۱۷۴۹، ب) منامه ۱۷۲۴

موضوع: بحرین در مقابله با تظاهرات شدت نشان می دهد

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: وزیر اطلاعات ظاهراً نسبت به تصمیم راسخ دولت به منظور از بین بردن تشنجات فرقه ای بدون بروز عکس العملها زیاده از حد، مطمئن است. تاکنون شواهدی دال بر وجود احساسات ضدافراد غیر بومی به چشم خورده است، اما زندگی در حومه منامه و بقیه نقاط کشور کاملاً عادی به نظر می رسد. پایان خلاصه.

۳- در طول دو هفته گذشته دولت بحرین با شدت و سرعت چند تظاهرات شیعیان در پایین شهر منامه را متوقف ساخته است. گشتی های ضدشورش در خیابانهای پایین شهر مستقر شده اند و در هفته گذشته مغازه ها را زودتر از معمول تعطیل کرده اند و در اواخر بعد از ظهر- اوایل شب تعداد کمتری از افراد در خیابانها مشاهده می شدند. یک گروه کوچک مرکب از صد نفر در تاریخ ۱۱ سپتامبر به مناسبت فوت آیت الله طالقانی گردآمده بودند که پلیس آنها را به دقت زیرنظر داشت و به محض آغاز مشاجره متفرق شدند.

۴- این اقدامات جدی در حفظ و برقراری نظم همیشه با بیانیه های مطبوعاتی روزانه وزیران اطلاعات، کشور و دیگران (که به وسیله FBIS ارسال شده) توأم بوده که بر تصمیم راسخ دولت تأکید دارد. بیانیه ۱۴ سپتامبر وزیر کشور به آزادی تدریجی کسانی اشاره داشت که به دنبال تظاهرات زندانی شده اند. هنوز نمی دانیم که منظور وی آزادی تظاهرکنندگان زندانی است و یا پنج تحریک کننده شیعه را نیز که در آغاز عید فطر دستگیر شده اند در برمی گیرد.

۵- در تلاش برای از بین بردن مسائل تشنج آمیز غیرمستقیم میان دولت بحرین و جناح مخالف، امیر دستور اعاده گذرنامه ضبط شده ۴۰ دانشجو را بدون هیچگونه شرط قبلی صادر کرد و وزارت آموزش و پرورش در حال اجرای این دستور است.

۶- در تاریخ ۱۵ سپتامبر، وزیر اطلاعات در گفتگو با سفیر، تاکتیک های دولت را دارای سه جنبه توصیف کرد: الف) نشانگر تصمیم راسخ در برقراری و حفظ نظم و ثبات داخلی است؛ ب) مذاکره با کسانی را که با سیاستهای دولت مخالفند ممکن می

سازد؛ پ) از طریق یک نمونه کار یعنی بازگرداندن گذرنامه های دانشجویی، نشان می دهد که مایل است در سیاستهای خود تغییری پدید آورد تا امید مخالفین بالقوه تبدیل به یأس نشود. علاوه بر این وزیر به ما گفت که

دولت بحرین هفته جاری را بسیار با اهمیت می داند. مدارس در ۱۵ سپتامبر دوباره باز شد در حالیکه در بعضی از بخشهای شیعیان کمتر در کلاسها حاضر شده بودند. اگر هفته اول مدارس خالی از رویداد و میزان حضور شاگردان نیز عادی باشد، دولت بحرین به این نتیجه خواهد رسید که اقداماتش مؤثر واقع شده است.

۷- یک عنصر جدید که در ناآرامیها و تظاهرات پیشین شیعه مشهود نبود، احساسات ضدغربی در تظاهرات هفته گذشته بود. بنا به گفته یکی از مقامات میان رتبه وزارت اطلاعات، اعلامیه ای که حدود یک هفته قبل منتشر شده بود خواستار اخراج بیگانگان و نیز تأمین تقاضاهای پیشین بود. بنا به شایعاتی که سفارت انگلستان قادر به تأیید آن نیست، یکی از شهروندان انگلیسی در پایان هفته گذشته در یکی از روستاهای شیعه نشین هدف ضرب و شتم قرار گرفته است. وزیر اطلاعات به وابسته دفاعی — یونیام - گفت که دو نماینده قبلی نیز از سبک زندگی بیگانگان شکایت کرده بودند. وی گفت هنگامی که به اطلاع آنها رسانیده بود از این وضع سودی نیز عاید آنها می شود، آنها حرفی نزده و ساکت شده بودند.

[۸]- اظهارنظریه: دولت بحرین نشان داده است که آماده است برای حفظ امنیت به زور متوسل شود. از اوج گرفتن تظاهرات و نیز گسترش آنها به خارج از بخش مرکزی منامه جلوگیری به عمل آمده است. زندگی در بخش های مسکونی و نیز بخش تجاری جدید کاملاً آرام است. وزیر اطلاعات مدعی است که باز گذاشتن راه مذاکره مخاطره آمیز است و یکی از سردبیران روزنامه ها به ما گفت که دولت بحرین گروه ضدشورش را وارد معرکه کرده است چون مذاکرات با شکست مواجه شده است. بنا به گفته سفیر انگلستان، نخست وزیر در هفته گذشته با چند تن از رهبران شیعه ملاقات کرده است. شواهد دال بر وجود احساسات ضدبیگانه، مستلزم مراقبت است، اما به نظر می رسد در حال حاضر هیچگونه خطری برای جامعه آمریکایی وجود ندارد.

پلترو

احتمال تشکیل اجلاس نخست وزیران کشورهای خلیج [فارس]

سند شماره ۱۵

محرمانه۱۹ سپتامبر ۱۹۷۹ ۲۸ شهریور ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط ۱۶۸۰به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در بغداد، امان، دوحه، جده، کویت، لندن، منامه، ریاض، تهران، صنعا.

مرجع: سرویس خبرپراکنی خارجی نیکوزیا ز۵ ۱۱۳۱۳ سپتامبر ۱۹۷۹

موضوع: احتمال تشکیل اجلاس نخست وزیران کشورهای خلیج [فارس]

۱- (محرمانه – تمام متن)

۲- در مذاکراتی با یوسف العلوی معاون وزیر خارجه عمان، در مورد احتمال تشکیل

اجلاسیه نخست وزیران کشورهای خلیج [فارس] گفت ایده این اجلاس این است که این کشورها بتوانند در مقابل بحرانی که فعلاًـ در این منطقه وجود دارد و ناآرامیهای شیعیان در بحرین و مناطق دیگر یک استراتژی دفاعی یکسان اتخاذ کنند، با این حال شواهد دال بر انجام این مذاکرات تأیید نشده است. علوی گفت عمان از این اجلاسیه که در سطح نخست وزیران باشد استقبال می کند ولی در صورتی که این طور نشود در سطح وزیران خارجه نیز مطلوب نظر ماست. این کشورها عبارتند از: کویت، عربستان، قطر، بحرین، امارات و عمان. وی تکرار کرد که عراق در این جرگه قرار ندارد.

۳- سفیر پرسید که اگر عراق دعوت نشود آیا کویت شرکت خواهد کرد و علوی پاسخ داد که نمی داند ولی گفت در طول سفر یک روزه آتی خود به عربستان می تواند در این مورد اطلاعاتی کسب کند. در این سفر وی قرار است در مورد تنگه هرمز با عربستان و بحرین مذاکراتی انجام دهد.

۴- نظریه: دورنمای تشکیل یک اجلاس بدون عراق محتمل به نظر نمی رسد ولی با حضور عراق نیز چنین احتمالی کمتر خواهد بود. با فرض اینکه چنین اجلاسیه ای تشکیل شود احتمال حضور وزیران خارجه در مجمع عمومی سازمان ملل کمتر خواهد بود.

وایلی

عکس العمل بحرین در قبال درخواست آیت الله مبنی بر سرنگونی...

سند شماره ۱۶

محرمانه۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹ ۳ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، منامه ۱۹۲۷به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی فوری

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوبی، امان، بغداد، بیروت، بن، دمشق، دوحه، کویت، لندن، تهران

موضوع: عکس العمل بحرین در قبال درخواست آیت الله مبنی بر سرنگونی

امیر بحرین توسط انقلاب اسلامی

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: وزیر خارجه بحرین معتقد است که تقاضای آیت الله روحانی در جهت سرنگونی رژیم سنی بحرین از حمایت شخص [آیت الله] خمینی برخوردار است. عربستان سعودی، کویت و عراق پیامهای جدی در حمایت از دولت بحرین ارسال داشته اند و هر یک همین موضوع را با یزدی وزیر خارجه در نیویورک در میان خواهند گذاشت. بحرین امیدوار است که

روابطش با ایران عادی شود لیکن خود را آماده می کند که با تشنج بین شیعه و دولت در هفته های آتی مقابله کند. وزیر خارجه اطمینان دارد که دولت بحرین می تواند مشکلات امنیتی را با منابع موجود خود مرتفع سازد لیکن بدون شک مایل است از حمایت همسایگان خود نیز برخوردار باشد تا در صورت لزوم به آنها روی آورد. پایان خلاصه.

۳- وزیر خارجه بحرین شیخ محمد بن مبارک آل خلیفه در تاریخ ۲۵ سپتامبر به سفیر گفت که دولت بحرین شدیداً نگران بیانات اخیر آیت الله روحانی مبنی بر ایجاد انقلاب اسلامی در بحرین است که اعلام داشته است شخصاً از ایران این انقلاب را زیرنظر خواهد داشت.

(FBIS نیکوزیا ۲۴۱۶۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹ حاوی بیانیه روحانی می باشد.) این بیانیه و بیانیه اخیر روحانی و رهبر اخراجی شیعه یعنی محمدهادی مدرسی از طریق رادیو ایران منتشر شده و یکی از بیانیه های روحانی در حضور آیت الله خمینی ایراد گردیده است. شیخ محمد گفت همین موضوع نشانگر حمایت رسمی ایران از بیانات روحانی است. وی یادآور شد که در گذشته نیز تبلیغات سیاسی علیه بحرین و رژیمهای بعثی و کمونیستی توسط شخصیت های غیردولتی اعمال می شد، لیکن در نهایت جنبه رسمی به خود گرفته است.

۴- شیخ محمد گفت که فرستادگان اخیر به بحرین (القصیبی وزیر صنعت سعودی، الصباح وزیر نفت کویت، عدنان خیرالله تلفاح وزیر دفاع عراق) همه مدعی حمایت شدید دولت های متبوع خود در قبال طرز برخورد ایران بوده اند. عراق با صراحت خاص از حمایت خود در قبال این مسئله مشترک (حمایت ایران از شیعیان) یاد کرده و بنا به اظهارات وزیر خارجه، حاضر است کمک نظامی به بحرین بدهد. وی همچنین یادآور شد که پس از بیانیه اخیر روحانی، رادیو عراق آتش بس قراردادی خود را با رادیو ایران لغو کرد و سخن پراکنی خود به داخل خوزستان را آغاز نمود.

۵- شیخ محمد گفت که بحرین انتظار ندارد در نتیجه تشدید حمایت ایران از مخالفین شیعه، ناآرامی درون کشور سریعاً گسترش یابد. دولت بحرین از اقدامات خود در جهت خنثی سازی تظاهرات راضی است. مذاکره با رهبران شیعیان ادامه دارد و یکی از پنج فرد دستگیر شده به دنبال عذرخواهی و اعتراف به خطاهای خود آزاد گردیده است. وزیر خارجه گفت، در درازمدت دولت بحرین به بررسی شکایات شیعیان خواهد پرداخت و در بخش مسکن و خدمات برنامه های اقتصادی و عمرانی جدیدی در پیش خواهد گرفت. وی گفت عربستان سعودی و کویت نیز آماده هستند از این برنامه ها از نظرمالی حمایت کنند. وی گفت عمران داخلی مهم ترین برنامه دولت را تشکیل می دهد.

۶- در نهایت، شیخ محمد گفت که نمایندگان چهار کشور (عربستان سعودی، کویت، بحرین و عراق) در نظر دارند در هفته آینده این موضوع را با یزدی وزیر خارجه ایران در نیویورک در میان بگذارند. این کار به ایرانیها نشان خواهد داد که کشورهای مهم عربی با یکدیگر متحد هستند، گرچه یزدی وزیر خارجه نخواهد توانست کاری در قبال آن انجام دهد.

۷- نظریه: آخرین بیانیه روحانی نشانگر اوج شدت بیشتر تبلیغات ایران علیه رژیم سنی در بحرین است. وزیر خارجه و ما گمان می کنیم که بقیه رهبریت بحرین به این نتیجه رسیده اند که آیت الله خمینی شخصاً از صدور انقلاب اسلامی ایران به خلیج [فارس] حمایت می کند. در همان حال که رؤسای دولت بحرین امیدوارند که این موضوع واقعیت نداشته باشد، و آیت الله

نیز به سادگی قادر به ارسال این پیام است، ولی آنها خود را آماده می سازند تا با تشنج بین شیعیان و دولت در هفته های آتی مقابله کنند. وزیر خارجه ظاهراً معتقد است که دولت بحرین با توسل به منابع خود قادر است مشکلات امنیتی را مرتفع سازد، لیکن بدون شک می خواهد از حمایت همسایگان خود نیز برخوردار باشد تا در صورت لزوم از آنها استمداد نماید. پلترو

یک دیپلمات برجسته شیعه عمان در مورد تأثیر خمینی گرایی...

سند شماره ۱۷

محرمانه۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹ ۵ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط ۱۷۴۱به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، بغداد، دوحه، جده، کویت، لندن، تهران

مرجع: الف) سرویس خبرپراکنی خارجی ز ۱۶۱۷، ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۹ ب) منامه ۱۹۲۷

موضوع: یک دیپلمات برجسته شیعه عمان در مورد تأثیر

خمینی گرایی بر شیعیان خلیج [فارس] اظهارنظر می کند

۱- (محرمانه- تمام متن)

۲- در طول گفتگو درباره مسائل دیگر در تاریخ ۲۵ سپتامبر، سفیر پیشین عمان در ایران ملالاه حبیب که هم اکنون سرپرست امور سیاسی وزارت امور خارجه است و به تازگی از تهران بازگشته، در مورد خمینی گرایی و تأثیر آن بر شیعیان خلیج [فارس] و به خصوص عمان چنین اظهارنظر می کند (حبیب نیز یکی از شیعیان عمان است).

۳- اصرار آیت الله روحانی بر سرنگونی شیوخ بحرین. پس از نشان دادن گزارش آتشین روحانی (مرجع الف) حبیب گفت که اگر این سخنان با حمایت و یا حداقل به تحریک «نزدیکان [آیت الله] خمینی» صورت گرفته باشد اصلاً تعجب نخواهد داشت.

خوشبختانه وضع شیعیان عمان با وضع آنها در کویت و بحرین تفاوت بسیار دارد. در آنجا شیعیان کلاً عرب بوده و بخش عظیمی از جمعیت محلی را تشکیل می دهند، که شاید در بحرین اکثریت را دارا باشند، و در کویت بنا به گفته شیعیان این کشور ۴۰ درصد جمعیت را تشکیل می دهند. در بحرین و احتمالاً ـ در کویت آنها به نسبت جمعیت، سهم خود را در منافع اقتصادی و مقامات سیاسی دریافت نکرده اند.

۴- حبیب در ادامه گفت که در عمان حدود ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ شیعه در (جمعیت ۷۵۰۰۰۰ نفری این کشور) وجود دارد. شیعیان عمان هندی بوده و اصلیت عربی ندارند. اکثر آنها بازرگان بوده، و فعالیتهای زیادی در زمینه بازرگانی دارند (رئیس اتاق بازرگانی نیز شیعه است) و چون در دولت نمایندگان کافی دارند، نیازی به وارد شدن در سیاست نمی بینند. معاون وزیر دارایی عمان (و وزیر دوفاکتوی آن)، سفیر این کشور در آمریکا و دیگر مقامات عالیرتبه عمان نیز شیعه هستند.

خلاصه اینکه، خمینی گرایی در میان شیعیان عمان جریان ندارد، چون آنها بخش ناراضی و

محروم از جامعه را تشکیل نمی دهند.

۵- نظریه: حبیب یک نظریه خوش بینانه را مطرح می کند ولی سفارت نیز لازم نمی داند که در قضاوت او تردید شود. وسایل اطلاعاتی وسیع جامعه عمانی بر فعالیتهای شیعیان محلی نظارت دقیق دارد که ناشی از نگرانی این کشور در مورد بروز مخالفت شیعیان به تحریک [آیت الله] خمینی است. اخیراً در مورد شکایات شیعیان چیزهایی شنیده ایم لیکن تا آنجا که می دانیم در نتیجه این نظارت دقیق، فعالیت مخالف چندانی کشف نشده است.

مطلب مضحک این است که مسئله شیعیان عمان در درازمدت نخواهد توانست بروز مخالفت شیعیان را ممکن سازد، لیکن تنفر مسلمانان سنی «اباضی» متعصب نسبت به ثروت و نفوذ جامعه کوچک شیعی غیرعرب این مسئله را احتمالاً ـ به وجود خواهد آورد.

وایلی

بحرین از پیشنهاد کمک مصر به خوبی استقبال...

سند شماره ۱۸

محرمانه۲ اکتبر ۱۹۷۹ ۱۰ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، منامه ۱۹۷۳به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوبی، بغداد، قاهره، دمشق، تهران، جده، کویت، مسقط، ریاض، تهران

موضوع: بحرین از پیشنهاد کمک مصر به خوبی استقبال می کند: اوضاع محلی آرام است

۱- وزیر اطلاعات بحرین علناً از پیشنهاد کمک نظامی معاون رئیس جمهور مصر، مبارک، در مبارزه علیه تهاجم احتمالی ایران استقبال کرده است (FBIS نیکوزیا ز ۲۶۲۱۳۲ سپتامبر ۱۹۷۹). در تاریخ ۲۸ تا ۲۹ سپتامبر وزارت اطلاعات از موضع مصر و نیز پیامهای مشابه دیگری که از کشورهای دیگر عربی دریافت کرده است قدردانی نمود، لیکن خاطرنشان ساخت که بحرین تقاضای دریافت اینگونه کمک ها را نکرده و نیز موقعیت را آنچنان حاد نمی داند. وی اضافه کرد که دولت اسلامی ایران این کشور را تهدید نکرده است، بلکه افراد خاصی این تهدید را مطرح کرده اند.

۲- اظهارات خصوصی وزیر با خودداری علنی آن کاملاً تفاوت داشت. وی به سفیر انگلستان گفت که پیشنهاد مبارک تنها دارای جنبه فرصت طلبی صرف است. در حقیقت، بحرین در مورد این موضوع از مصر پیامی دریافت نکرده است. وی گفت، تبادل بیانیه های عمومی به هیچوجه ارتباطی به این موضوع ندارد.

۳- در همین حال، بحرین حمایت های کامل مقامات عالی رتبه کویتی و سعودی بازدیدکننده از این کشور را تبلیغ می کند. نخست وزیر خلیفه بن سلمان آل خلیفه نیز بنا به دعوت فهد ولیعهد در تاریخ ۱۱ تا ۱۲ اکتبر به عربستان سعودی سفر خواهد کرد.

۴- تاکنون نتوانسته ایم خبر استقرار نظامیان سعودی در بحرین را در پاسخ به مانورهای

نیروی دریایی ایران در خلیج [فارس] مورد تأیید قرار دهیم. وزیر اطلاعات در مصاحبه ۲۹ سپتامبر خود گفته بود که نقل و انتقالات نظامی بین بحرین و عربستان سعودی عادی بوده و با فعالیت های ایرانی مرتبط نیست. ولی روز بعد، ولیعهد شیخ حمد گفت که هیچیک از نیروهای عربستان سعودی در بحرین مستقر نشده اند لیکن اظهار داشت که در صورت لزوم آنها خواهند توانست به سادگی به این کار بپردازند. وزیر خارجه در پاسخ به سؤال مورخ ۲۵ سپتامبر سفیر در مورد شایعه حضور نظامیان سعودی گفت: «ما امیدواریم که این کار لزومی نداشته باشد.» به همین دلیل معتقدیم که تاکنون هیچیک از نظامیان سعودی به این منطقه فرستاده نشده اند.

۵- وضع امنیتی محل و پایین شهر منامه کاملاً آرام است. مطبوعات محلی سخنان یزدی وزیر خارجه را در مورد سیاست عدم مداخله ایران در امور داخلی کشورهای خلیج [فارس] منتشر کرده اند. اکثر ناظران سیاسی معتقدند که رابطه شیعیان و دولت در اواخر ماه نوامبر یعنی روزهای محرم وعاشورا و راهپیماییها و مراسم سنتی شیعیان به مرحله آزمایش گذاشته خواهد شد. پلترو

گفتگوی دوجانبه ساندرز با شیخ محمد بن مبارک الخلیفه...

سند شماره ۱۹

محرمانه۵ اکتبر ۱۹۷۹ ۱۳ مهر ۱۳۵۸

از: وزیر امورخارجه، نیویورک ۹۰۱۵به: وزارت امورخارجه، واشنگتن دی. سی فوری

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوبی، امان، بیروت، قاهره، دمشق، دوحه، جده، منامه، صنعا، تهران

موضوع: گفتگوی دوجانبه ساندرز با شیخ محمد بن مبارک الخلیفه، وزیر خارجه بحرین

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: در گفتگوی دوجانبه ۴ اکتبر، شیخ محمد گفت دولت ایران مایل است که روابطش را با بحرین بهبود بخشد، لیکن ظاهراً گروههای مهم ایرانی می خواهند در بخش عربی خلیج [فارس] فتنه برپا کنند. وی معتقد است که کشورهای خلیج [فارس] باید مشترکاً با ایران وارد گفتگو شوند. شیخ محمد خواستار مشورتهای بیشتر کشورهای عربی خلیج [فارس] در زمینه امنیتی است. اما، وی پیشنهاد اخیر عمان را در مورد تنگه هرمز به خاطر نادرست بودن تاکتیک های عمان مورد انتقاد قرار داد. وی از روند افراطی ضدغربی موجود در کنفرانس غیرمتعهدها در هاوانا ابراز نگرانی نمود. ساندرز به ذکر آخرین رویدادهای مذاکرات صلح خاورمیانه پرداخت و از بحرین و دیگر کشورهای عربی خواست که تفاهم بیشتری نشان دهند. پایان خلاصه.

۳-ساندرز و شیخ محمدبن مبارک الخلیفه در تاریخ ۴ اکتبر در نیویورک گفتگوی دوجانبه ای انجام دادند. در این گفتگو به مطالب ذیل پرداخته شد:

۴- انقلاب ایران. پس از تبادل تعارفات معمول، آقای ساندرز گفت که پس از اوج گیری

انقلاب اسلامی این اولین گفتگوی وی با شیخ محمد به حساب می آید، و در مورد تأثیر انقلاب از شیخ محمد سؤال کرد. وزیر خارجه گفت در مورد آینده ایران «هیچ چیز روشن نیست.» وی در هفته های اخیر با یزدی وزیر خارجه دو بار ملاقات کرده است که یک بار آن در هاوانا و بار دیگر آن در نیویورک بود و یزدی به وی اطمینان داده است که ایران قصد ندارد در امور دیگر کشورهای خلیج [فارس] مداخله کند. لیکن به محض اینکه شیخ محمد به بحرین مراجعت می کند می شنود که رادیو ایران تهدید کرده است که انقلاب را صادر خواهد کرد. بسیاری از گروههای ایرانی می گویند که از ناآرامی در خلیج [فارس] حمایت خواهند کرد، و این می تواند منبع اصلی مشکلات باشد.

۵- پس از آن شیخ محمد متذکر شد که وزیر خارجه ایران از حضور شدید آمریکا در بحرین ابراز نگرانی کرده است. شیخ محمد پاسخ داده بود که در مورد حدود حضور آمریکا در بحرین به یزدی اطلاعات درستی نداده است. وی به یزدی گفته بود که بهتر است ایران به انقلاب خود متکی شود و کاری به کار شیعیان بحرین نداشته باشد. مطبوعات ایران رژیم بحرین را مشابه رژیم شاه توصیف می کنند، و شیخ محمد در این مورد به یزدی شکایت کرده است. در مورد رابطه بحرین و آمریکا، وی یادآور شده بود که این رابطه به نفع بحرین است و مشابه رابطه دیگر کشورها با واشنگتن است. ایران نباید در این مورد تنها بحرین را سرزنش کند.

۶- سؤال شد که چرا ایرانیها توجه خود را به بحرین متمرکز کرده اند، شیخ محمد گفت علت این است که آنها نمی خواهند در حال حاضر به مشاجره با عربستان سعودی بپردازند، و به همین دلیل بحرین را انتخاب کرده اند. اما، شیخ محمد معتقد است که روابط دوستانه بحرین و ایران رو به بهبود است، چون یزدی به وی اطلاع داده بود که: الف) آیت الله خمینی از آیت الله روحانی خواسته است که از ایراد سخنان تحریک آمیز علیه بحرین خودداری کند و ب) انتصاب سفیر ایران در بحرین که به تأخیر افتاده بود به زودی انجام خواهد گرفت. سفیر جدید بحرین در ایران، روز قبل به سوی تهران پرواز کرد.

۷- در رابطه با پاسخ صحیح به ایران، وزیر خارجه گفت که وی خواستار همکاری صمیمانه تر بین کشورهای عربی خلیج [فارس] است. وی از اینکه در تشنج اخیر بین ایران و بحرین، این کشورها حمایت خود را از بحرین اعلام کرده بودند اظهار رضایت کرد. لیکن بحرین و همسایگان عربی اش باید فراتر از این رفته و با ایران وارد مذاکره شوند. شیخ محمد یادآور شد که ایران با شوروی هم مرز است و نیز در نزدیکی کشورهای عربی خلیج [فارس] قرار دارد، و بنابراین تهران یا باید با شوروی همکاری کند و یا با کشورهای خلیج [فارس] روابط مسالمت آمیز برقرار سازد. اعراب خلیج [فارس] باید به ایران بفهمانند که دوستی با خلیج [فارس] محتمل تر است. ایران نباید متوجه شود که تنها راه چاره برای آن نزدیکی به مسکو است.

۸- در مراحل بعدی گفتگو، وزیر خارجه سؤال کرد که اگر در نتیجه انقلاب ایران «اوضاع

وخیم شود» آمریکا چه عکس العملی نشان خواهد داد. منظور وی پیدایش یک رژیم افراطی چپ گرا در ایران بود. آقای ساندرز پاسخ داد که حمله هر کشور به کشور دیگر علت اصلی نگرانی بین المللی است، لیکن اگر کشوری از «درون تجزیه شود» اوضاع فرق خواهد کرد. و برای بیگانگان نحوه برخورد با آن خالی از مشکلات نخواهد بود. شیخ محمد سؤال کرد که آیا رویدادهای ایران قابل پیش بینی نیست و با صدای بلند گفت ممکن است که کشورهای خلیج [فارس] نیز بدون اینکه خود بدانند به چنین وضعی دچار شوند.

۹- امنیت خلیج [فارس]: شیخ محمد خلیج[فارس] را «زنجیر رابطی» از عمان تا کویت توصیف کرد. وی گفت امیدوار است که میان آنها مشورتهای صمیمانه تری صورت گیرد. آقای ساندرز سؤال کرد که آیا منظور وزیر خارجه مشورتهای رسمی با «یک سخنگو» است و یا تماسهای غیررسمی و بدون بافت ویژه. شیخ گفت که وی بیشتر مایل است که در آینده یک سخنگوی مشترک ایجاد شود، ولی در حال حاضر خواهان ایجاد آن نیست.

۱۰- در پاسخ به سؤال شیخ محمد، آقای ساندرز گفت که دولت آمریکا در مورد امنیت خلیج [فارس] برنامه خاصی طرح ریزی نکرده است. دولت آمریکا معتقد است که کشورهای خلیج [فارس] باید ایده مربوط به آن را ارائه دهند. سپس ما با خوشحالی تمام هرگونه کمک لازم را در اختیار قرار خواهیم داد. ولی، ما حساسیت سیاسی ناشی از مداخله آمریکا را درک کرده و به آن احترام می گذاریم. این بدان معنی نیست که دولت آمریکا به این موضوع علاقه مند نیست، اما معنی آن این است که ما احساسات دولت های محلی را به خوبی درک می کنیم.

۱۱- پیشنهاد عمان در مورد تنگه هرمز. در مورد ابتکار امنیتی تنگه هرمز توسط عمان سؤال شد، وزیر امور خارجه گفت اصل پیشنهاد خوب است، لیکن نحوه مطرح کردن آن درست نبوده است. عمانیها قبل از تماس با «دوستان خود در خلیج [فارس]» به عراق و ایران سفر کرده اند. این امر احتمالاًنشانگر «تک روی» عمانیها است. قبل از آنکه بحرین بتواند عکس العملی نشان دهد، عمانیها متهم به تشکیل یک «پیمان» شده بودند. درست است که بحرین از رد آن اطلاع دارد، ولی پیشنهاد آسیب لازم را دیده است.

۱۲- آقای ساندرز سؤال کرد که چرا عراق با این شدت عکس العمل نشان داده است. وزیر خارجه گفت علت آن اولاً موضع خاص عمان در مورد قرارداد کمپ دیوید بوده و ثانیاً نشانگر تنفر عراق از مداخله «نیروهای» خارجی است.

۱۳- آقای ساندرز گفت می خواهد تصریح نماید که عمان بدون اصرار و پافشاری آمریکا به این کار مبادرت ورزیده است. درست است که ما به امنیت تنگه هرمز علاقه مندیم ولی پیشنهاد عمانیها را تنها چند روز قبل دریافت کرده ایم.

۱۴- کنفرانس هاوانا. وزیر خارجه گفت که در کنفرانس اخیر غیرمتعهدها در هاوانا شرکت کرده است. وی به آنجا رفته بود تا بگوید که نباید در امور کشورهای دیگر مداخله کرد تا به این ترتیب از فعالیت کاسترو در کشورهای دیگر انتقاد به عمل آید. لیکن به محض ورود به

کنفرانس متوجه شد که همه یا صریحاً از کاسترو تمجید می کنند و یا ساکت مانده اند. و به همین علت بحرین نمی توانست در چنین شرایطی گام اول را بردارد.

۱۵- در ادامه شیخ محمد اظهار داشت که ظاهراً غرب در نحوه برخورد خود با جهان سوم راه خطا پیموده است، که امروزه انتقاد از غرب «مرسوم» شده است. علی رغم این واقعیت که کمکهای شوروی به جهان سوم بیشتر شامل تسلیحات است. کمک های آمریکا از جنبه مؤثرتری برخوردار است. مضحک تر از همه این است که رهبری محافظه کاران موجود در جنبش غیرمتعهدها را یک کمونیست یعنی تیتو به عهده دارد.

۱۶- آقای ساندرز در پاسخ دو نکته را مطرح کرد: الف) برای ملتهایی که فقر را تجربه کرده اند عصیان امری طبیعی است، و از نظر آنها غرب سمبل ثروت است. ب) غرب باید به این واقعیت که کمک های شوروی کفاف جهان سوم را نمی دهد اذعان کند، همانطور که وزیر خارجه به آن اشاره کرده است. ما امیدواریم که نتایج عملی کمک های آمریکا ثابت کند که آمریکا شریکی بهتر است.

۱۷- صلح خاورمیانه. آقای ساندرز یادآور شد که آمریکا گامهای قطعی در جهت استقرار صلح در خاورمیانه برداشته است. برعکس، سیاست شوروی در خاورمیانه موفق به ارائه نتایج سازنده و مولد نشده است. هیچکس از روسیه انتظار حل مسئله اعراب و اسرائیل را ندارد.

۱۸- شیخ محمد گفت گمان نمی کند که شوروی در خاورمیانه موفق نشده باشد. آنها در چند نقطه از این منطقه نفوذ کرده اند. این خطر همیشه وجود دارد «وقتی وارد شدند، خارج نخواهند شد». یعنی رژیمهای طرفدار شوروی را نمی توان به سادگی از بین برد. علاوه بر این، شوروی به فلسطینی ها حمایت اخلاقی می دهد، که مورد قدردانی است. آقای ساندرز پاسخ داد این یک وسیله تبلیغاتی ارزان قیمت است، در حالیکه آمریکا مسئولیت نیل به نتایج را به دوش می کشد.

۱۹- وزیر خارجه یادآور شد که یک سال از قرارداد کمپ دیوید می گذرد و نتایج جزئی است. آقای ساندرز پاسخ داد که برعکس به نتایج بزرگی دست یافته شده که از جمله تعهد اسرائیل جهت بازگرداندن تمام صحرای سینا به مصر و برچیدن آبادی نشین های اسرائیل از این صحرا و اعاده نهایی این سرزمین است. در مورد مسئله فلسطینی ها پس از سی سال اولین مذاکرات آغاز شده است. ما نسبت به گام بعدی خوش بین هستیم. اخیراً به شاه حسین گفتیم که ممکن است نظریات وی در مورد آینده فلسطینیها با نظریات ما تطابق داشته باشد.

۲۰- آقای ساندرز در ادامه گفت که دولت آمریکا در صحرای سینا نشان داده است که اسرائیل باید تحت شرایط توافق شده از آنجا خارج گردد. هرگاه اسرائیل با یک پیشنهاد کلی مانند خروج از ساحل غربی روبه رو شده جواب منفی داده است؛ لیکن هنگامی که طرفی یک پیشنهاد ویژه را در برابر آنها قرار می دهد، آنها می گویند که مایل به مذاکره هستند. ما می دانیم که بحرین و دیگران ممکن است از تلاش های ما حمایت نکنند. ما فقط خواهان تفاهم هستیم.

۲۱- شیخ محمد گفت از میزان اوقاتی که دولت آمریکا در مورد مسئله خاورمیانه صرف

کرده قدردانی می کند و نتایج حاصله را نیز قبول دارد. لیکن وی چندان خوش بین نیست. وی احساس می کند که دولت آمریکا همیشه با اسرائیل رفتار بهتری داشته و به ضرر اعراب رفتار می کند. آقای ساندرز با اعتراف به رابطه ویژه بین اسرائیل و آمریکا اظهار داشت که امیدوار است اعراب نیز در مورد این مسئله با آمریکا همکاری کنند. ونس

مذاکرات دوجانبه ساندرز با شیخ احمد بن سیف وزیر مشاور قطر

سند شماره ۲۰

سری ۱۱ اکتبر ۱۹۷۹ ۱۹ مهر ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی ۶۳۰۲به: سفارت آمریکا، دوحه

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در امان، بیروت، قاهره، دمشق، کویت، منامه، صنعا، تهران

موضوع: مذاکرات دوجانبه ساندرز با شیخ احمد بن سیف وزیر مشاور قطر

۱- (سری – تمام متن)

۲- ساندرز معاون وزیر خارجه در تاریخ ۴ اکتبر ملاقات صمیمانه ای با شیخ احمد بن سیف آل ثانی وزیر مشاور قطر داشت. در این ملاقات موارد زیر به بحث کشیده شد:

۳- امنیت منطقه ای: در پاسخ به پیشنهاد ساندرز، شیخ احمد گفتگوی خود را با مطرح کردن اوضاع امنیتی خلیج [فارس] به دنبال انقلاب ایران آغاز کرد. وی گفت که ایرانیها سعی کرده اند در خلیج [فارس] مداخله کنند و دولت قطر از سیاست ایرانیها سردر نمی آورد. از یک طرف، وزیر خارجه ایران اعلام می کند که ایران در امور شیخ نشین های خلیج [فارس] مداخله نخواهد کرد، ولی رهبریت مذهبی ایران در کویت و بحرین آشوب به پا کرده و در سخنان علنی خود رژیمهای عربی خلیج [فارس] را مشابه رژیم شاه اعلام کرده است. قطر وابستگی خود را در این مورد انکار کرد لیکن گفت که اگر ایرانیها بخواهند به روش کنونی خود ادامه دهند بین عراق و ایران جنگ درخواهد گرفت. و در صورتی که عراق با کوباییها همکاری کند، تمام منطقه به انفجار کشیده خواهد شد و دولت های میانه روی عربی قربانی خواهند شد. قطر نه تنها از مقاصد کنونی ایران بلکه از آینده نیز بیمناک است. شیخ احمد تکامل سیاسی ایران را با اتیوپی مشابه دانسته و گفت که رژیم [آیت الله] خمینی سرانجام سقوط خواهد کرد و جای آن را کمونیست ها و چپگرایان تندرو خواهند گرفت و خطر مهمتری علیه دولت های میانه رو خلیج [فارس] به وجود خواهند آورد. بنابراین قطر نیز نسبت به سیاست های ایران به انگلیس و فرانسه و آمریکا اعتراض می کند. شیخ احمد در پاسخ ساندرز در مورد ارائه یک جواب مشترک از سوی کشورهای خلیج [فارس]، گفت کشورهای خلیج [فارس] ابتدا در سطح وزیران خارجه و پس از آن در سطح رؤسای دولت در مورد امنیت منطقه بحث و تبادل نظر خواهند کرد. ساندرز در پاسخ به این سؤال که در صورت به مخاطره افتادن امنیت شیخ نشین های خلیج [فارس]،

آمریکا چه اقدامی انجام خواهد داد، خاطرنشان ساخت که ما

حمله مسلحانه زمینی را جدی تلقی کرده و با تمرکز بر تلاشهایمان در شورای امنیت عکس العمل مناسب را نشان خواهیم داد. در صورت بروز خطرهای داخلی نیز ما آماده خواهیم شد تا به روش صحیح به دولت های محلی خلیج [فارس] یاری رسانیم. ساندرز در این رابطه گفت که ما در نظر داریم حضور نیروی دریایی خود را در اقیانوس هند گسترش داده و نگرانی خود را درباره امنیت منطقه نشان دهیم، لیکن این مسئله باید به طریقی صورت گیرد که مشکلات سیاسی محلی برای دوستانمان به وجود نیاید.

۴- لبنان و فلسطینی ها: شیخ احمد گفت دولت های میانه رو خلیج [فارس] از نادیده گرفته شدن قراردادهای بیت الدین ناراضی هستند. وجود یک دولت نیرومند لبنانی و پایان یافتن تضادهای مسیحیان و مسلمانان امری ضروری است. ساندرز پس از آن به ترسیم سیاست آمریکا در چند ماه آتی در قبال جنوب لبنان و ساف پرداخت و گفت ما در تلاشیم تا فلسطینی ها نیز وارد روند مذاکرات شوند. وی اظهار امیدواری کرد که این تلاش و حرکتهای ما برای اعاده قدرت به دولت لبنان و بازسازی ارتش ملی لبنان،از حمایت متقابل برخوردار شود، ولی ما در این زمینه به همکاری فلسطینی ها نیز نیاز داریم. شیخ احمد گفت که سافِ سازمان یافته و به رسمیت شناخته شده، در قبال جامعه بین المللی مسئولیت بیشتری از خود نشان خواهد داد و از آمریکا خواست که مستقیماً با این مسئله برخورد کند. ساندرز یادآور شد که رهبریت کنونی ساف انعطاف پذیری بسیاری یافته است و ظاهراً ساف از ابتکارات نظامی دست برداشته و به ابتکارات سیاسی روی آورده است. وی گفت اگر ساف اهداف مذاکرات صلح طرح شده در قطعنامه ۲۴۲ را بپذیرد، موانع موجود بر سر راه مذاکرات آمریکا و ساف نیز از بین خواهد رفت، لیکن ساف باید اعتراف کند که مذاکره تنها راه رسیدن به هدف است. اسرائیل بسیار نیرومند است. گرچه ممکن است اسرائیل پیشنهاد خروج و اسکان دوباره را نپذیرد، ولی نشان داده است که برای دست یافتن به صلح حاضر به مذاکره است.

۵- توافق شد که آمریکا دائماً در مورد روند صلح با دولت قطر در تماس باشد و ارزیابی های خود را در مورد اوضاع سیاسی ایران از طریق سفیر آمریکا، کیل گور،در اختیار رهبریت قطر قرار دهد. ونس

بحرین، ایران و همکاری امنیتی در خلیج [فارس] شمالی

سند شماره ۲۱

محرمانه۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ ۲۳ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، منامه ۲۰۶۰به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

رونوشت به: سفارتخانه های آمریکا در دوبی، امان، بغداد، دمشق، بحرین، دوحه، کویت، مسقط، صنعا، تهران

موضوع: بحرین، ایران و همکاری امنیتی در خلیج [فارس] شمالی

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: پس از سفر طباطبایی معاون نخست وزیر ایران رژیم بحرین از آرامش بیشتری برخوردار شده است و روابط این کشور با ایران نیز ظاهراً رو به بهبود است. در بین کشورهای شمال خلیج [فارس] یعنی عربستان سعودی، بحرین، کویت و عراق در مورد هدف مشترکشان در حفظ نظم داخلی در قبال مخالفت شیعیان، تفاهم جدیدی به وجود آمده است. وضع داخلی بحرین آرام است و نسبت به ثبات اقتصادی آتی کشور اعتماد بسیاری وجود دارد. ولی در درازمدت این شیخ نشین با مشکل مربوط به نحوه برخورد با آرمانهای رو به گسترش و تحقق نیافته اکثریت جامعه شیعی خود رو به رو خواهد بود. پایان خلاصه.

۳- پس از گذشت یک دوره تردید توأم با تشنج در مورد مقاصد ایران در قبال بحرین، که با درخواست ۲۴ سپتامبر آیت الله روحانی مبنی بر استقرار انقلاب اسلامی علیه رژیم حاکم بر بحرین تشدید شده بود، امیر و دولت متبوعش از آرامش بیشتری برخوردار شده اند. علت اصلی رضایت خاطر آنها مسافرت طباطبایی معاون نخست وزیر ایران در تاریخ ۱۴ اکتبر به بحرین بوده است که طی آن اظهار داشت که دولت ایران خواستار برقراری روابط دوستانه متکی بر تعاون با کشورهای خلیج [فارس] است و دولت ایران قصد ندارد در امور داخلی بحرین مداخله کند. به منظور به رسمیت شناساندن نقش صحیح سوریه، خدام وزیر خارجه سوریه نیز همزمان با مقام ایرانی وارد منامه شد، در حالیکه کاردار ایران در اینجا با ابراز تنفر گفته است که میانجیگری سوریه ضرورتی ندارد. یکی از نتایج سفر طباطبایی توافق مربوط به تسریع تبادل سفیر بین دو کشور بود، و در واقع سفیر جدید بحرین در ایران یعنی حسین رشید الصباح اعتبارنامه خود را در تاریخ ۱۷ اکتبر به تهران تسلیم کرد سفیر جدید ایران در بحرین نیز در همین هفته انتخاب خواهد شد.

۴- بعضی از بحرینی ها می گویند که طباطبایی نماینده دولت موقت، فاقد قدرت در ایران است و سخنگوی آیت الله خمینی یا شورای انقلابی نیست. اما دیگران معتقدند که با روشن تر شدن موضع دولت موقت در رابطه با مداخلات خارجی ایران افرادی چون روحانی یا دیگران در اتخاذ مواضع مغایر با آن دچار مشکلاتی خواهند شد. علاوه بر این، آنها می گویند، طباطبایی نمی توانسته بدون تأیید [آیت الله] خمینی به این سفر آمده باشد.

۵- دومین علت رضایت خاطر بحرین در این واقعیت نهفته است که کشورهای شمال خلیج [فارس] عربستان سعودی، بحرین، کویت و عراق بیش از گذشته به هدف مشترک خود در حفظ نظم داخلی رژیمهای متبوع خود علیه نارضایتی شیعیان - گذشته از اینکه انگیزه ناآرامی داخلی باشد و یا توسط ایران تحریک شده باشد - پی برده اند. پیامهای حاکی از حمایت کامل، توأم با پیشنهاد کمک نظامی ارسالی توسط سه کشور دیگر به بحرین - که نخست وزیر خلیفه نیز به منظور سپاسگزاری به جده، کویت و بغداد در دو هفته گذشته سفر کرده بود - رژیم خلیفه را نسبت به امنیت خود در جهان ناآرام بعد از شاه مطمئن ساخته است.

۶- ثالثاً، ظاهراً تظاهرات اواخر ماه اوت و اوایل سپتامبر بر جوّ ثبات اقتصادی و خوش بینی موجود در بازار بحرین تأثیر منفی بر جای نگذاشته است. اوضاع داخلی آرام است، آژانس پول بحرین در تاریخ ۱۳ اکتبر اعلام کرد که در ماه اوت کل ذخایر ارزی بانکهای این جزیره به ۳/۲۵ میلیارد دلار رسیده است. بزرگ ترین سردخانه خلیج [فارس] که با سرمایه گذاری مشترک بحرین و نیوزلند و ۳ میلیون دلار تجهیزات ساخت آمریکا احداث شده بود در تاریخ ۱۱ اکتبر در بندر آزاد سُلمان گشایش یافت. اسناد مناقصه شاهراه ۸۰۰ میلیون دلاری بحرین و عربستان سعودی نیز در چند روز آینده منتشر خواهد شد. کویت نیز توافق کرده است که هزینه مالی لازم جهت احداث یک کارخانه پتروشیمی مشترک را تأمین کند. بانک جدیدی نیز به منظور تأمین وام مسکن ایجاد خواهد شد.

وزارت دارایی نیز بودجه ۸۱ ۱۹۸۰ را برای در نظر گرفتن ضرائب نفتی مورد تجدیدنظر قرار داده است. وزیر دارایی به ما گفته است که بخش اعظم این بودجه صرف ایجاد بهبود در خدمات اجتماعی از قبیل مسکن ارزان قیمت و خدمات بهتر شهرداری در مناطق روستایی شیعیان خواهد شد.

۷- نظریه: خلاصه اینکه ظاهراً بحرین برخلاف گذشته منافع زیادی در نتیجه رابطه با ایران عاید خود کرده است؛ و به تفاهم بیشتر با همسایگان شمالی اش در زمینه امنیت داخلی دست یافته است؛ و علی رغم تظاهرات اواخر تابستان به ثبات اقتصادی آتی خود امیدوار شده است؛ و ظاهراً روابط دوجانبه اش با ایران نیز رو به بهبود است. البته، در درازمدت این شیخ نشین در رابطه با نحوه برخورد با آرمانهای تحقق نیافته و رو به افزایش اکثریت شیعه خود دچار مشکلاتی خواهد شد.

پلترو

قطر با کشورهای شبه جزیره عربی در مورد امنیت...

سند شماره ۲۲

سری۱۶ اکتبر ۱۹۷۹ ۲۴ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، دوحه ۱۱۹۵به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در امان، ابوظبی، بیروت، بغداد، قاهره، دمشق، جده، کویت، منامه، مسقط، تهران

مرجع: وزارت امور خارجه ۲۶۶۳۰۲

موضوع: قطر با کشورهای شبه جزیره عربی در مورد امنیت

خلیج فارس مذاکره می کند

۱- (سری – تمام متن)

۲- آغاز خلاصه: در طائف و در تاریخ ۱۶ اکتبر وزیر مشاور قطر با وزیران خارجه عربستان سعودی، کویت، بحرین، امارات متحده عربی و عمان در مورد امنیت خلیج فارس

باب مذاکره را می گشاید. این کنفرانس به دنبال اظهار نگرانی شدید کشورهای عربی در رابطه با مقاصد آتی ایران در قبال خلیج [فارس] و نیز ابتکار عمان در مورد امنیت تنگه هرمز برگزار شد. پایان خلاصه متن.

۳- وزیر مشاور قطر در امور خارجی، شیخ احمد بن سیف آل ثانی در تاریخ ۱۵ اکتبر به اینجانب گفت که روز بعد به طائف خواهد رفت تا با وزیران خارجه کویت، بحرین، امارات متحده عربی، عمان و عربستان سعودی در مورد امنیت خلیج [فارس] به بحث و تبادل نظر بنشیند. دردسرها و مزاحمت های اخیری که توسط ایران برای بحرین و کویت ایجاد شده و نیز نحوه برخورد نادرست با ابتکار عمان در مورد امنیت تنگه هرمز از جمله مسائل عمده ای است که در گفتگوها مطرح خواهد شد. شیخ احمد گفت که قطر شدیداً نگران مقاصد ایران در قبال خلیج [فارس] بوده و از ابتکار عمان در رابطه با تنگه هرمز سردرنمی آورد.

۴- شیخ احمد بن سیف گفت که وی در کنفرانس غیرمتعهدها در هاوانا با ابراهیم یزدی وزیرخارجه ایران درباره مقاصد ایران در قبال خلیج [فارس] تبادل نظر کرده بود. یزدی به وی اطمینان داده بود که دولت ایران هیچگونه چشم داشت به قلمرو دیگران ندارد و درصدد تغییر هیچیک از رژیمهای خلیج [فارس] نیست. بن سیف گفت که وی از یزدی به خاطر اطمینانهایی که به وی داده بود سپاسگزاری کرده ولی خاطرنشان ساخته است که سخنان رهبران ایران دردسرهایی برای بحرین و اصطکاکهایی در کویت پدیدار ساخته است. یزدی هرگونه اظهاراتی که توسط ایرانیها به منظور عصبانی کردن رهبران خلیج [فارس] ایراد شده باشد تکذیب کرد. وی گفت که این گونه افراد از سوی دولت ایران سخن نمی گویند.

بن سیف بیان داشت که او و یزدی از هرگونه اشاره صریح به وضعیت سیاسی آشفته ایران امتناع کرده بودند اما هر دوی آنها اذعان داشتند که فقدان کنترل دولت ایران، از سخنان افراد مختلفی سرچشمه می گیرد که به نمایندگی از جانب ایران سخن می رانند.

۵- وزیر مشاور قطری در مورد ابتکار عمان مبنی بر امنیت تنگه هرمز اظهار شگفتی کرد. معاون وزیر خارجه عمان یعنی یوسف العلوی بالاخره به دوحه آمده بود تا در مورد نقطه نظرات عمان در زمینه بهبود بخشیدن به وضع امنیتی تنگه هرمز تبادل نظر کند. اما این کار پس از سفر وی به تهران و بغداد و پس از بروز عکس العمل منفی عراق با این روشِ برخورد صورت گرفته بود. عمان می بایست در ابتدای امر به طور خصوصی با عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و کویت مشورت می کرد، ولی از آنجا که آرمان وحدت بین این دولت ها را نادیده گرفته، ابتکار آن نیز مشکوک به نظر می رسد و گمان نمی رود به نتیجه ای برسد. در پاسخ به این سؤال که تصمیم کنفرانس طائف چه خواهد بود شیخ احمد جواب واضحی نداد.

۶- نظریه: مشکل می توان تصور کرد که کنفرانس طائف بتواند در مورد امنیت کلی خلیج [فارس] به یک نتیجه مهم دست یابد. تنگه هرمز یک گذرگاه استراتژیک است که تمام

کشورهای حوزه خلیج [فارس] در آن منافع حیاتی دارند. لیکن رقابت های نهفته ایرانیها و اعراب که رژیم اسلامی کنونی تهران نتوانسته است آن را تخفیف دهد؛ عدم اعتماد شش کشور شرکت کننده در اجلاس امروز طائف نسبت به عراق؛ و نیز اختلاف نظر کشورهای حوزه خلیج [فارس] در مورد منبع و ماهیت خطرهایی که خلیج [فارس] را تهدید می کند سبب عدم تحقق اقدام مشترک خواهد شد. افزایش مبادلات اطلاعاتی و تلاشهایی در جهت تقویت قطر از نظر نظامی از جمله برنامه هایی است که این کشور حتماً از آنها حمایت خواهد کرد. پایان نظریه.

کیل گور

ارزیابی دوره ای اوضاع سیاسی در ایران

سند شماره ۲۳

سری۱۶ اکتبر ۱۹۷۹ ۲۴ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، دوحه ۱۱۹۸به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در امان، بغداد، قاهره، بیروت، دمشق، کویت، جده، تهران، تل آویو

مرجع: الف) وزارت امور خارجه ۲۶۶۳۰۲، ب) دوحه ۱۱۹۵

موضوع: ارزیابی دوره ای اوضاع سیاسی در ایران

۱- (سری - تمام متن)

۲- وزیر مشاور قطر در امور خارجی، یعنی احمد بن سیف آل ثانی با خوشحالی به ملاقات خود با معاون وزیر خارجه هارولد ساندرز در تاریخ ۴ اکتبر اشاره کرد. بن سیف گفت از دریافت ارزیابی های دوره ای در مورد اوضاع سیاسی ایران که قطر شدیداً در مورد آن نگران است خوشحال خواهد شد. من نیز مایلم این ارزیابیها را دریافت کنم تا بتوانم آنها را در موارد لزوم در اختیار وزیر کشور قرار دهم.

۳- نظریه: عکس العملهای قطر نسبت به رویدادهای ایران توأم با نگرانی فزاینده ای شده است. گرچه شاه ایران در اینجا مورد احترام چندانی نبود، ولی به عنوان رئیس قویترین کشور موجود در این حوالی به دیده احترام نگریسته می شد. شاه همچنین ثبات و مشروعیت را نشان می داد. بنابراین سقوط تدریجی وی نوعی نگرانی در قطر پدید آورده است. پس از به قدرت رسیدن رژیم اسلامی، علی رغم شاخه های متعدد اسلامی موجود در قطر و ایران، چنین احساس می شد که اسلام تقویت شده است. اما اعدام های انجام شده در ایران نهاد حکومت قطر را نگران کرده و تلاشهای اخیر روحانیون ایرانی به منظور مداخله در امور خلیج [فارس] نیز این نگرانیها را تشدید کرده است. ابهام موجود در مسیری که در نهایت ایران می رود در اینجا نوعی

تردید پدید آورده که بزرگ ترین کابوس آن سقوط ایران و به قدرت رسیدن یک حکومت کمونیستی در این کشور است.

کیل گور

اجلاس وزیران خارجه خلیج [فارس]

ص: ۵۸

سند شماره ۲۴

محرمانه۱۸ اکتبر ۱۹۷۹ ۲۶ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، جده ۷۳۰۸به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، منامه، بیروت، قاهره، دمشق، دوحه، کویت، امان، مسقط، تهران.

مرجع: دوحه ۱۱۹۵

موضوع: اجلاس وزیران خارجه خلیج [فارس]

۱- (بدون طبقه بندی) مطبوعات عربستان در ۱۶ اکتبر به صورت برجسته ای ملاقات وزیران خارجه کشورهای خلیج [فارس] را در طائف که طی آن سعود وزیر خارجه عربستان با وزیران خارجه بحرین، کویت، امارات متحده عربی و وزیران مشاور در امور خارجی عمان و قطر ملاقات کرد منعکس کردند. به دنبال کنفرانس، سعود در گفتگو با خبرنگاران به کلی گویی پرداخت. او گفت که کنفرانس به طور ویژه ای درمورد همکاری و صف بندی کشورهای خلیج [فارس] علاقه نشان داد و نیز اینکه امنیت خلیج [فارس] (یکی از موضوعات اصلی بحث) بایستی انحصاراً در اختیار کشورهایی که در اطراف آن واقع هستند باشد و تشکیل کنفرانس سران کشورهای خلیج [فارس] در حال حاضر لزومی ندارد.

۲- (محرمانه) نظریه: بیانیه های اخیر برخی از رهبران مذهبی ایران، مانورهای نیروی دریایی ایران و ابتکار امنیتی عمان مستلزم پاسخی از جانب کشورهای خلیج [فارس] بود. عربستان سعودی و کشورهای کوچک خلیج [فارس] در کشمکش با مشکل، با معمایی روبرو هستند. نیروهای مسلح آنها برای صیانت از امنیت خلیج [فارس] کافی نیست. با این وجود درخواست برای حمایت غرب تندباد سوزانی از انتقاد را از جانب کشورهای منطقه که میانه رو نیستند برمی انگیزد، درست مثل واقعه ای که در اثر ابتکار عمان پیش آمد. در هر حال این درخواست (حمایت) از جانب بیشتر رهبران کشورهای خلیج [فارس] برای علائق درازمدتشان مفید به نظر نمی رسد. از طرف دیگر اتکا به ایران یا عراق برای امنیت منطقه، خطر قرار گرفتن در معرض نفوذ چپی ها و بنیادگراها و درگیری در هرگونه بحث و منازعه بین دو کشور را دربر دارد. ایران و مهم تر از آن عراق در کنفرانس شرکت نداشتند و احتمالاً از آنان دعوت به عمل نیامده بود.

۳- (محرمانه) اعراب خلیج [فارس] برای حل معما در حال ایجاد یک جبهه مشترک از طریق کنفرانس ها و مذاکرات دوجانبه هستند. سفارتخانه (آمریکا در جده) با ارزیابی سفارت (آمریکا) در دوحه مبنی بر اینکه احتمال زیادی جهت همکاری فوق العاده و اساسی پس از کنفرانس طائف وجود ندارد موافق است. کشورهای خلیج [فارس] برای نمایش نگرانی مشترک در مورد امنیت دور یکدیگر جمع شدند تا بدین وسیله از انزوای هر یک از آنها به صورتی که عمان پس از ارائه طرح امنیت تنگه هرمز بدان مبتلا شد جلوگیری به عمل آورند.

ص: ۵۹

۴- (محرمانه) سفارت به تحقیق در مورد مفاد اجلاس طائف ادامه می دهد و هرگونه تحولی را به وزارتخانه گزارش خواهد کرد.

پلیک

مخالفت جوانان عمانی با رژیم سلطان

سند شماره ۲۵

سری۲۱ اکتبر ۱۹۷۹ ۲۹ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط ۱۹۱۵به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوحه، جده، کویت، لندن، منامه، مسکو، تهران.

موضوع: مخالفت جوانان عمانی با رژیم سلطان

۱- (سری - تمام متن)

۲- خلاصه: سلیم غزالی معاون وزیر دفاع از وجود فساد در مقامات عالیرتبه عمان و کندی روند عمانی شدن اظهار نارضایتی کرد. او علاوه بر این از اینکه توسط افسران عالی رتبه انگلیسی که مستقیماً در ارتباط با سلطان هستند، دور زده می شود، شکوه داشت. به نظر من، سلیم و گروهی از جوانان عمانی دارای طرز فکر مشابه وی به صورت یک نیروی سیاسی در این کشور درخواهند آمد. پایان خلاصه.

۳- در گفتگو با سفیر در تاریخ ۱۶ اکتبر سلیم غزالی معاون وزیر دفاع درباره گرایشات نادرست و تأسف بار در عمان به تفصیل سخن گفت. بنا به گفته غزالی، انتقاد عمومی از سلطان قابوس افزایش می یابد و پس از مدتی این نارضایتی به صورت اعتصابات و تظاهرات عمومی درخواهد آمد و پس از آن به خشونت و تروریسم تبدیل خواهد شد. بنا به گفته سلیم این نارضایتی تنها بر شخص سلطان که مردی مطلع و تیزهوش است متمرکز نیست بلکه بر افراد موجود در اطراف سلطان که از موقعیت های خود برای کسب ثروت بیشتر در حمایت از سبک زندگی پر از تظاهر استفاده می کند تمرکز دارد. سلیم به خصوص در صحبت از «تیم لندن» یعنی همکلاسی سلطان در «سند هُرست» که اکنون ریاست دفتر کاخ را به عهده دارد، و قیس زواوی وزیر مشاور در امور خارجی به تلخی یاد می کند.

۴- سلیم از عدم وجود یک سازمان منطقی در سطوح بالای نهاد نظامی به تلخی یاد کرد. افسران انگلیسی موجود در هر سه نیرو وزارت دفاع را تحویل نگرفته و از طریق نفوذ «تیم لندن» در سلطان افراد مورد دلخواه خود را منصوب می کنند. سلیم و فرد مافوق بعد از او گفتند که فهر معاون نخست وزیر در امور دفاع و امنیت ملی، به کرات دستوراتی از لندن دریافت می کنند

و تصمیمات سلطان بدون عبور از کانال ستاد و یا وزارت دفاع و یا افسران حرفه ای نظامی وابسته به وزارت دفاع به آنها ارجاع می شود.

۵- سلیم گفت که افراد موجود در اطراف سلطان شروع به بدگویی از آمریکایی ها کرده اند، چون در بهار و تابستان گذشته دریافتند که ارسال کنندگان تجهیزات نظامی آمریکا کمتر از

اروپاییها در پرداخت رشوه به افراد بانفوذ، دارای دست باز هستند. در نتیجه بعضی از محافل درونی به بدگویی از آمریکا در برابر سلطان اقدام کرده اند.

۶- سلیم پس از آن گفت که تیم لندن یک دفتر سیستم مخابراتی مدرن شامل کد رمز دیپلماتیک عمان را در مجاورت سفارت آمریکا افتتاح کرده است و در صورت بازنشسته شدن از شغل کنونی، او احتمالاً به لندن خواهد رفت و به فعالیت های سری خود برای سلطان ادامه خواهد داد. او کاری خواهد کرد که به فهرست دیپلماتیک سفارت عمان افزوده شود تا جنبه حفاظتی کارهایش نیز تأمین گردد. سلیم تا مدتها قبل قبول نداشت که لندن فعالیت های نادرست و نفوذ ضرربارى بر سلطان دارد.

۷- نظریه: سلیم نمونه بارز عمانیهای جوانتر و تحصیل کرده است که بدون شک از بافت سیاسی و اجتماعی سنتی عمان اظهار نارضایتی های بیشتری خواهند کرد. در حال حاضر تعداد افراد شبیه به سلیم کم است، لیکن با افزایش تعداد فارغ التحصیلان دبیرستان و کالج در عمان این وضع به سرعت تغییر خواهد یافت. تعداد کمی هم که برای احراز پست های حساس در دولت، ارتش و یا شرکت های خصوصی واجد شرایط هستند جذب سیستم موجود شده و سریعاً به موقعیت ها و حقوق های مهم دست می یابند. سلیم اگرچه یک سرهنگ ارتشی است در یک کاخ کوچک در گرانترین بخش پایتخت در مجاورت کاخهای کوچک تحت اشغال رئیس پلیس دوسیلوا، تیم لندن و زواوی وزیر مشاور در امور خارجه به سر می برد. لیکن در مورد سلیم، مسکن بسیار مجلل ظاهراً از طرف سلطان به او هدیه شده است تا بدین ترتیب وفاداری مقامات مهم مملکتی را جلب کرده باشد.

۸- معذلک، علی رغم این عطایای سخاوتمندانه در ازای وفاداری، تعداد عمانیهای جوانتر و تحصیل کرده تر روز به روز افزایش یافته و به صورت یک نیروی سیاسی درمی آیند. یوسف العلوی معاون وزیر خارجه، سرهنگ المعتصم حمود ناصر آل [بو] سعید فرمانده هنگ مسقط، که گویا اخیراً اولین فرمانده عمانی ارتش عمان نامیده شده بود، و احمد سویدان که به عنوان معاون «تیم لندن» در دفتر سلطان کار می کنند علاوه بر سلیم در این گروه به حساب می آیند. گرچه این گروه نسبت به سلطان وفادار است، لیکن نسبت به عدم توانایی و یا عدم تمایل سلطان به مهار کردن حس مال طلبی تیم لندن، قیس و عمر زواوی، محمد زبیر و دیگرانی که با استفاده از مشاغل دولتی به گردآوری ثروت پرداخته اند اظهار نارضایتی و انتقاد می کند. با ادامه این روند، این گروه و هواداران آنها با ارتقا به موقعیت های عادی در ارتش، خدمات اطلاعاتی، پلیس و وزارت خارجه نیروی بیشتری خواهند یافت.

۹- گرچه سلیم بارها به من گفته است که وجود سلطان برای جلوگیری از شورش و حفظ وحدت کشور ضروری است، لیکن احتمالاً ـ اصرار دارند که در قبال حمایت از رژیم سلطان اصلاحاتی صورت پذیرد. از بین رفتن فساد در موقعیتهای عالی و برکناری مشاورین خارجی دارای نفوذ بر سلطان در ردیف اول فهرست خواسته های اصلاح طلبانه آنها واقع شده است.

۱۰- در حال حاضر، سلیم العلوی و دوستانشان تمایل زیادی به آمریکا نشان داده و علی رغم تندرویهای جوانی از نفوذ امپریالیسم شوروی در منطقه نگران هستند. گرچه نسبت به فساد در مقامات بالا ناراحت هستند ولی آنان نیز مانند دیگران بورژوا بوده و علاقه چندانی به سوسیالیسم تند ندارند. آنان احتمالاً- خواستار برقراری یک رژیم غیرانحصارطلب و دارای اقتصاد لیبرال در عمان بوده و در رابطه با ایدئولوژی نیز به غرب گرایش دارند. تنها نگرانی آنها در مورد آمریکا این است که این کشور عزم راسخ نهضت های طرفدار شوروی در منطقه را جدی تلقی نمی کند. آنها مایل به همکاری بیشتر با آمریکا هستند ولی ترس از آن دارند که به موقع به دوستان و هم پیمانان خود کمک نرسانیم.

۱۱- به علت صراحت لهجه و نارضایتی او از نقش وزارت دفاع، ظاهراً مدت زیادی در سمت کنونی باقی نخواهد ماند. گذشته از ماندن و یا نماندن او، سلیم غزالی، یوسف العلوی و دوستانش با وجود تعداد کم، نقش مهمی در آینده سیاسی عمان ایفا خواهند کرد.

وایلی

شرکت زواوی وزیر کشور در کنفرانس طائف

سند شماره ۲۶

سری۲۱ اکتبر ۱۹۷۹ ۲۹ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط ۱۹۱۹به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، بغداد، دوحه، جده، کویت، لندن، منامه، تهران.

موضوع: شرکت زواوی وزیر کشور در کنفرانس طائف

۱- (سری – تمام متن)

۲- روز ۱۸ اکتبر من با زواوی وزیر مشاور در امور خارجه به درخواست خودم ملاقات کردم. زواوی مرا در جریان کنفرانس طائف که اخیراً از آنجا بازگشته بود قرار داد. در این کنفرانس وزیران امور خارجه عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین، ابوظبی و عمان شرکت داشته اند. این کنفرانس در پی اجتماع وزیران امور خارجه در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک بوده است. این اجتماع در اقامتگاه «کامل ادهم» در خارج از طائف و در یک محیط آرام و غیررسمی تشکیل شده بود و در جریان آن دیدگاهها و ایده ها به نحو بسیار صریح و خالی از هرگونه تشنجاتی مبادله گردید.

۳- طبق اظهار زواوی وزیران امور خارجه همگی توافق داشتند که بحث امنیت منطقه ای خلیج فارس بیهوده خواهد بود مگر اینکه مسائل مربوط به عراق و ایران در جریان آن مورد بررسی قرار گیرد ولی درباره این موضوع دیگر بحث نشد.

۴- کنفرانس یک علت وجودی دیگری داشته است. شش کشور شرکت کننده در کنفرانس سیستم های سیاسی و اجتماعی مشابهی داشته و مقصود از این اجتماع تشویق تفاهم و

همکاری در میان آنها بوده است. در این بحث ها، موضوعات امنیت داخلی و خارجی از جمله مسئله قاچاق اسلحه و جابجایی خرابکاران در طول مرزهای بین شش کشور مورد بحث قرار گرفت.

وزیران امور خارجه توافق کردند که بایستی مسئله همکاری در زمینه امنیت داخلی در اجلاس بعدی وزیران کشور شش کشور بیشتر مورد بحث قرار گیرد. مسائل مربوط به تحولات سیاست داخلی و اجتماعی به نحو صریح و آشکارا مورد بحث قرار گرفت.

۵- زواوی گفت یکی از مسائل جالب توجه که در اجلاس طائف مورد بحث قرار گرفت گزارش وزیر امور خارجه کویت بود که طی آن حکومت یمن جنوبی به حکومت کویت مراجعه کرده و از آن تقاضای مساعدت جهت بهبود مناسبات بین یمن جنوبی و عمان را کرده است. دولت جمهوری دمکراتیک خلق یمن (یمن جنوبی) این اقدام خوب را در جریان کنفرانس کشورهای غیرمتعهد در هاوانا شروع کرده بود که طی آن عبدالفتاح اسماعیل به هیأت نمایندگی کویت مراجعه کرده و خواستار توجهات عالیه آنان نسبت به این امر می شود. عبدالفتاح اسماعیل پیشنهاد کرد که کویتی ها از وزیر امور خارجه جمهوری خلق یمن و وزیر کشور در امور خارجی عمان دعوت کنند تا در یک کنفرانس در کویت که به منظور حل برخی مسائل فیمابین دو کشور طرح ریزی می شود، شرکت کنند. مقامات یمن جنوبی هیچگونه شرط ویژه ای جهت این ملاقات مطرح نکردند ولی اظهار داشتند چنانچه کویت علناً اعلام کند که در عمان سرباز مصری وجود ندارد آنان به میزان زیادی در حل مشکلات سیاسی داخلی کمک خواهد کرد. روشن نبود که آیا کویتیها چنین اعلامیه ای صادر می کنند یا خیر ولی ظاهراً همه وزیران این واقعیت را پذیرفته اند که شایعات حضور نظامی مصری ها در عمان بی اساس بوده است.

۶- زواوی اظهارنظر کرد که ابتکار جمهوری دمکراتیک خلق یمن (یمن جنوبی) در نتیجه اوضاع متشنج داخلی آنجا است و تا زمانی که امکان حل مشکلات داخلی وجود داشته باشد حکومت جمهوری دمکراتیک خلق یمن میل ندارد که هیچگونه آشوبی بین یمن جنوبی و عمان صورت گیرد. از نظر زواوی این تاکتیک موقتی است و معتقد نبود که عبدالفتاح اسماعیل از جاه طلبی درازمدت خود درباره اشاعه سوسیالیزم در همه رژیم های محافظه کارتر در شبه جزیره عربستان سعودی منصرف شده باشد. زواوی گفت که به کویتیها گفته است که حاضر است در چنین جلسه ای، به محض ارسال یک دعوتنامه رسمی از سوی حکومت کویت شرکت کند.

۷- زواوی از نتایج کنفرانس طائف اظهار خشنودی کرد و گفت که این کنفرانس را به عنوان نخستین گام در راه بهبود تفاهم و همکاری در میان رژیم هایی که دارای طرز فکر یکسان در شبه جزیره عربستان می باشند، به شمار می آورد.

وایلی

سند شماره ۲۷

محرمانه۲۳ اکتبر ۱۹۷۹ ۱ آبان ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهران ۱۲۰۴به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، بیروت، قاهره، دمشق، دوحه، جده، کویت

مرجع: الف) امان ۲۰۶۰، ب) دوحه ۱۱۹۵، ج) دمشق ۲۸۷۱، د) بغداد ۲۲۰۱، ه (جده ۷۳۰۸.

موضوع: ایران و خلیج فارس

۱- (محرمانه – تمام متن)

۲- سفارت از گزارشهای دریافتی از پست های همجوار درباره مأموریت طباطبایی و نظر اعراب درباره اوضاع خلیج فارس و همچنین روابط ایران و اعراب به طور کلی، تقدیر می کند. اخیراً روابط ایران و اعراب لااقل به لحاظ چهار موضوع مرتبط با یکدیگر پیچیده تر شده است:

الف موضع شیعیان در کشورهای عرب.

ب مداخله منتسب به عراق در استانهای کردستان و خوزستان ایران.

پ امنیت خلیج فارس.

ت توسعه طلبی منتسب به ایران در خلیج فارس.

۳- برادری تشیع: هر چند میزان علاقه عده ای از روحانیون شیعه و حامیان آنها نسبت به وضعیت شیعیان در کشورهای همجوار همچنان بالاست، با این وجود در مبارزه غیررسمی علیه خاندان الخلیفه در بحرین نرمش ایجاد شده است. اکنون چند هفته است که از آیت الله روحانی خبری نیست و چنین به نظر می رسد یک نفر که شاید خود [آیت الله] خمینی باشد به او توصیه کرده است که سکوت اختیار کند. آخرین حمله به رژیم بحرین در اعلامیه ای صورت گرفت که در تاریخ ۵ اکتبر ۱۹۷۹ از جانب جبهه آزادیبخش اسلامی بحرین به مناسبت تظاهرات همبستگی با مستضعفان جهان در قم صادر شد. در این اعلامیه جبهه اسلامی تقاضاهای عمده خود را عنوان کرده و خاطرنشان ساخت که نهضت انقلابی در بحرین از انقلاب ایران جدا و مستقل است و مدتها قبل از آن تشکیل شده است.

۴- نخستین واکنش ایران نسبت به نگرانی اعراب درباره اظهارات «اشخاص غیرمسئول» تنها بخش نظامی و رسمی سیاست

ایران را مخاطب قرار می دهد. بدین ترتیب سفیر ایران در جده چند هفته قبل به روزنامه الجزیره (متعلق به عربستان سعودی) اعلام داشته است که ایران جاه طلبی های ارضی یا مقاصد تجاوزکارانه در خلیج فارس ندارد. شاید حکومت موقت ایران تصور کرده است که چنین اعلامیه ای از یک منبع رسمی نگرانی های اعراب را برطرف می کند. در هرحال کاهش اظهارات غیررسمی ضدبحرینی تلویحاً درک ایرانیان را می رساند که اظهارات روحانی علیرغم ماهیت غیررسمی آن در میان همسایگان عرب ایران نگرانی جدی به وجود آورده است.

۵- ما تصور می کنیم که اظهارات طباطبایی برای جلب اطمینان، از پشتیبانی نیرومندتری نسبت به حیثیت متزلزل حکومت موقت ایران برخوردار است. طباطبایی یکی از ملاهای غیرروحانی است که تصور می رود مانند یزدی و چمران و قطب زاده از اعتماد و پشتیبانی مستقیم [آیت الله] خمینی برخوردار باشد. این چهره ها گاهی به علت ارتباطات خود با حزب امل لبنان تحت رهبری امام موسی صدر، گروه «امل» نامیده می شوند. علاوه بر این طباطبایی دارای ارتباطات خانوادگی هم با موسی صدر و هم آیت الله خمینی است. امام موسی صدر دایی طباطبایی به شمار می رود و فرزند آیت الله خمینی با خواهر طباطبایی ازدواج کرده است.

۶- عراق: در مورد عراق دشواری های ایران، عمیق تر از اوضاع فلاکت بار شیعیان عراق است. ایرانیان صریحاً عراق را به دست داشتن در آشوب های خوزستان و کردستان متهم می کنند. مدنی استاندار خوزستان مدعی است که مدارک مسلمی درباره دخالت عراق در اوضاع آن استان در اختیار دارد و به طوری که گزارش شده، روز ۲۰ اکتبر ایران یازده نفر از اعضای یک گروه خرابکار را که پس از دیدن آموزش در عراق وارد خوزستان شده بودند دستگیر کرده است. اعلامیه های ایران درباره کردستان هنگامی که اشاره ای به عمال آمریکا و اسرائیل نمی کند به حضور «شهروندان یک کشور همجوار» (یعنی عراق) در میان شورشیان آنجا اشاره می کند. شعارها و بیانیه های انتقادی ضدعراقی در رادیو ایران (مثلاً ۱۷۲۰۴۵ امان FBIS در ماه اکتبر ۱۹۷۹) به نحو بسیار بارزی شباهت به لحن اعلامیه های ضدعراقی در سال ۱۹۷۵ در جریان زد و خوردهای کردها در عراق دارد. در آن زمان نیز ایران رژیم بعثی عراق را به داشتن ماهیت غیراسلامی و دیکتاتوری و ضدفلسطینی متهم می کرد.

۷- بسیاری از ایرانیان احساس می کنند که جستجو برای یافتن یک راه حل نظامی درباره آشوبهایی که در مناطق عرب نشین و کردنشین جریان دارد اشتباه است. هم مطبوعات لیبرال ایران و هم حزب کمونیست توده خواستار «راه حل سیاسی» درباره مسایل خودمختاری استانها بوده اند. با این وجود این احساس نیز وجود دارد که راه حل واقعی این مشکلات و دشواری های داخلی از مذاکره بین تهران و رهبران استانها حاصل نمی شود، بلکه جزئی از موافقتنامه کلی ایران و عراق برای متوقف کردن تبلیغات و تحریک احساسات در میان اقلیت های قومی و مذهبی است. (نظریه: ما تردید داریم که اگر چنین توافقی نیز انجام شود، ایران به شهروندان عرب و کرد، به صورتی که همواره می خواستند، آزادی عمل دهد. عراق نیز احتمالاً آزاد خواهد بود تا به نحو مشابه با شیعیان رفتار کند)

۸- امنیت خلیج فارس: همانطور که سفارت قبلاً متذکر شده است، ایران خلیج فارس را منطقه نفوذ خود می داند و معتقد است که نیروی دریایی ایران می تواند امنیت خلیج فارس را حفظ کند. ولی عملاً چنین نیست.

۹- ایران نسبت به همسایگان خود در خلیج فارس و اظهارات آنها درباره هماهنگی در امنیت ظنین است. ایران به عنوان یک کشور ساحلی خلیج فارس از اینکه کشورهای عرب،

ایران را از جلسات مربوط به امنیت خلیج فارس کنار گذاشته اند، ناراحت است. اینچنین اجتماعاتی از نقطه نظر ایران به شکل توطئه هایی درآمده اند که موضع ایران را در خلیج فارس تضعیف می کنند یا اینکه بدتر از آن انقلاب ایران را عقیم می گذارند. به این سوءظن کلی درباره مقاصد اعراب، این ترس را نیز باید افزود که ایالات متحده به نحوی از انحا سرگرم برنامه ریزی اقدامات نظامی علیه ایران از طریق بحرین، عمان یا عربستان سعودی است.

۱۰- با این وجود همانطوری که در مرجع ب خاطرنشان شده است، مسئولین حکومت موقت ایران از اضطراب کشورهای ساحلی خلیج [فارس] نسبت به مقاصد جمهوری اسلامی آگاه هستند و سفرهای اخیر طباطبایی معاون نخست وزیر و همچنین مذاکرات یزدی وزیر امور خارجه با رهبران خلیج فارس دقیقاً برای تسکین برخی از این نگرانی ها بوده است.

نظریه: سفارت معتقد است که مناسبات جمهوری اسلامی با کشورهای خلیج فارس تا مدتی در آینده بی ثبات و ناپایدار خواهد بود. دولت موقت ایران علاوه بر جهت گیری نیرومند شیعی، یک رژیم انقلابی است که بعضی چهره های برجسته آن شیخ نشین های ساحلی خلیج فارس و عربستان سعودی را به عنوان پس مانده دوران فئودالی به شمار می آورند و این موضع علامت خوبی برای مناسبات آینده ایران با این کشورها نیست.

لینگن

گردهمایی وزیران خارجه خلیج [فارس]

سند شماره ۲۸

سری۲۴ اکتبر ۱۹۷۹ ۲ آبان ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، جده ۷۴۴۲به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، بیروت، امان، دمشق، دوحه، کویت، منامه، تهران

مرجع: الف) جده ۷۳۰۸، ب) مسقط ۱۹۱۹

موضوع: گردهمایی وزیران خارجه خلیج [فارس]

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- عبدالرحمن منصوری معاون وزیر خارجه سعودی در ملاقات خود با کاردار در بیستم اکتبر درباره خطوط اصلی و نتایج گردهمایی وزیران خارجه خلیج [فارس] در ۱۶ اکتبر گفتگو کرد. منصوری گفت دولت عربستان سعودی اجلاس را برای این تشکیل داده بود تا علاوه بر مسائل دیگر در مورد اجلاس عربی آتی نیز بحث شود. (برای جزئیات به جده ۷۳۷۱ مراجعه

کنید). با وجود اینکه به طور مختصر درباره امنیت منطقه تبادل نظر گردید ولی مسائل مورد بحث کلی وزیران خارجه شش کشور (عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین و عمان) برای جلسه ای در آینده موکول گردید. در همین رابطه، منصوری گفت که پیشنهاد عمان در مورد تنگه هرمز مورد بحث و گفتگو قرار نگرفت. منصوری گفت که یکی دیگر از مسائل مورد

گفتگو مربوط به یمن جنوبی می شد و وزیران خارجه تصمیم گرفتند جمهوری دمکراتیک خلق یمن را به عادی کردن روابط با عمان متقاعد کنند و جبهه آزادیبخش خلق عمان را رها سازد.

۳- در ادامه گفتگو درباره مطالب مطرح شده توسط منصوری با کاردار، سرپرست امور عربی وزارت امور خارجه اسماعیل الشوری به مقام سیاسی در ۲۲ اکتبر گفت که وزیران خارجه خلیج [فارس] موافقت کرده اند که همکاری میان شش کشور مزبور را گسترش دهند. الشوری گفت این موضوع به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت لیکن مشکل بتوان همکاری نهایی بین کشورهای خلیج [فارس] را به تعریف درآورد. وی خاطرنشان ساخت که سویدی وزیر خارجه امارات متحده عربی مایل بود همکاری تجاری و مالی بین این کشورها افزایش یابد و یک ریال واحد در این کشورها پدید آید. بحرین مایل بود این همکاری دربرگیرنده مسائل امنیتی نیز باشد، لیکن کویت (به خاطر عراق) مایل بود که این موضوع در همکاریهای موردنظر گنجانده نشود. کشورهای دیگر نیز مواضع متفاوتی اتخاذ کرده اند.

۴- الشوری گفت که شاهزاده سعود نیز خواستار همکاری در همه زمینه ها حتی امنیتی بوده است ولی سعی نکرد بر این عقیده خود در کنفرانس پافشاری کند چون ممکن بود این سوءتفاهم پیش آید که عربستان سعودی مایل است عقاید خود را بر کشورهای کوچک تر خلیج [فارس] تحمیل نماید. الشوری گفت از هر یک از اعضای شش کشور عضو خواسته شده بود که در مورد تعاون و همکاری که مورد نظر آنهاست صحبت کنند. بنابراین می توان انتظار داشت که در اجلاس آتی وزیران خارجه خلیج [فارس] مسئله همکاری منطقه ای بیشتر مورد موشکافی قرار گیرد. الشوری گفت زمان و مدت برگزاری این اجلاس هنوز دقیقاً مطرح نشده است، لیکن ممکن است در ماه دسامبر یا ژانویه در یکی دیگر از کشورهای خلیج [فارس] برگزار گردد. پلیک

ممانعت از شرکت عراق در اجلاس طائف

سند شماره ۲۹

محرمانه۲۴ اکتبر ۱۹۷۹ ۲ آبان ۱۳۵۸

از: دفتر حفاظت منافع آمریکا، عراق ۲۲۳۷ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوحه، جده، لندن، منامه، مسقط، تهران

موضوع: ممانعت از شرکت عراق در اجلاس طائف

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- دیپلماتهای عرب مقیم بغداد اکنون متوجه عکس العملهای دولت عراق مبنی بر عدم مشارکت این کشور در کنفرانس

وزیران خلیج [فارس] در ۱۶ اکتبر در طائف هستند. معاون نخست وزیر و وزیر خارجه کویت روز ۲۰ اکتبر بازدید کوتاهی از بغداد داشت و گویا در این سفر دیگر همکاران وی در خلیج [فارس] به او مأموریت داده بودند تا درصدد جلب رضایت

دولت عراق برآید گویا وی نیز گویا گفته است که گرچه همه کشورهای خلیج [فارس] می خواسته اند از افکار عراق بهره مند شوند ولی تصمیم گرفته شد که حضور عراق توجه ایرانیها را جلب خواهد کرد و به کنفرانس وجهه ضدایرانی ناخوشایندی خواهد بخشید. آنها بالاخره به این نتیجه رسیدند که تنها راه ممانعت از این کار جلوگیری از شرکت عراق در کنفرانس است. می گویند کویت به دولت عراق اطمینان داده است که در کنفرانس به هیچوجه در مورد امنیت خلیج [فارس] گفتگو نشود، ولی ظاهراً به صدام گفته شده بود که در هر جلسه ای که در مورد امنیت خلیج [فارس] برگزار می گردد، دو قدرت نظامی بزرگ منطقه یعنی ایران و عراق حتماً باید شرکت داشته باشند.

۳- سعدون حمادی وزیر خارجه عراق در مصاحبه با روزنامه الثوره که روز بعد از این دیدار منتشر گردید، اظهار داشته بود که گرچه عراق مخالف بهبود روابط کشورهای عرب با یکدیگر نیست، ولی با تشکیل بلوکهای عربی موافق نیست. گرچه این سخنان در چهارچوب مذاکرات جامعه اروپایی و خلیج [فارس] مطرح می شد (که عراق را نیز دربر می گیرد) ولی همکاران عرب ما در اینجا معتقدند که حمادی به طور مبهم به جلوگیری از مشارکت وی در اجلاس طائف اشاره دارد.

۴- نظریه: درست است که عراقیها باید از توضیحات ارائه شده راضی شده باشند ولی احتمالاً احساس می کنند که در تلاش خویش برای به رسمیت شناخته شدن به عنوان رهبر منطقه خلیج [فارس] قدری عقب مانده اند. با این حال، عراق این نارضایتی ها را بروز نخواهد داد. این کشور که خود را حامی اعراب خلیج [فارس] عنوان کرده، اجازه نخواهد داد که با یک عدم مشارکت ساده در اجلاس طائف در روابطش با اعضای کنفرانس طائف تیره گیهایی پدیدار گردد. پک

ششمین کنفرانس طائف: ظهور یک نیرو

سند شماره ۳۰

محرمانه۲۴ اکتبر ۱۹۷۹ ۲ آبان ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، منامه ۲۱۱۸به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در امان، بیروت، دمشق، دوحه، جده، لندن، مسقط، پاریس، صنعا، تهران

مرجع: الف) مسقط ۱۹۱۹، ب) دوحه ۱۲۱۳

موضوع: ششمین کنفرانس طائف: ظهور یک نیرو

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: وزیران بحرین در مورد کنفرانس طائف که در ۱۶ اکتبر با حضور وزیران خارجه ۶ کشور عربی میانه رو برگزار شده بود با هیجان یاد می کنند. با وجود اینکه تعداد تصمیمات اتخاذ شده چندان زیاد هم نبود ولی به نظر آنها چهارچوبی

برای تصمیم گیری

جمعی در آینده و افزایش وزنه سیاسی کشورهای عربی قدرتمند از نظر اقتصادی در سکوهای بین المللی فراهم آمده است. ولی اینکه این گروه تا چه حد متحد و مؤثر خواهد بود زیر سؤال است. پایان خلاصه.

۳- هنگامی که در مورد اهمیت کنفرانس اخیر طائف سؤال شد، وزیر امور خارجه بحرین، شیخ محمدبن مبارک الخلیفه در ۲۳ اکتبر به سفیر گفت وی در دو سال گذشته تلاش کرده تا یک گروه سیاسی منطقه ای مؤثر تشکیل دهد. با رفتن شاه از ایران گفتگوهای مقدماتی با این کشور لغو گردید. چند اجلاس اخیر در «متن خلیج [فارس]» که طبیعتاً عراق نیز در آنها حضور داشته و آخرین آنها اجلاس نفتی طائف در ماه سپتامبر بوده است، به خاطر اختلاف گرایش موجود بین عراق و دیگر دولت های شبه جزیره ثمرات گسترده ای به همراه نداشته است. شیخ محمد گفت در دو اجلاس اوایل اکتبر که در اقامتگاه وی در هتل والدروف نیویورک صورت گرفته بود تصمیم گرفته شد که مشورتهای سیاسی فقط در مورد شش کشور میانه رو که اهداف و گرایشهای مشترکی دارند انجام شود. با در نظر گرفتن عدم اتحاد میانه روها در هاوانا، و خطاهایی که عمان در ابتکار خود در قبال تنگه هرمز انجام داده بود، و عدم سازش بین شش کشور مزبور و عراق، گروه تصمیم گرفت که در طائف ملاقات کند تا بتواند یک مکانیزم خاص تصمیم گیری و مشورتی پدید آورد و سعودیها نیز تاریخ اجلاس را مشخص کردند. مهم ترین تصمیمی که توسط این شش کشور در تاریخ ۱۶ اکتبر در طائف اتخاذ گردید این بود که همه موافقت کرده بودند قبل از اجلاس وزیران خارجه برگزاری یک اجلاس عربی در نوامبر ضرورت دارد و با صحه گذاردن بر این پیام آن را به تونس ارسال کردند.

۴- در این کنفرانس در مورد ابتکار عمان صحبتی نشد فقط خاطرنشان گردید که اگر ابتدا در کنفرانس طائف طرح می شد مشکلات کنونی را به همراه نداشت. پس از آن وزیر به گفتگو درباره نحوه برخورد جمهوری دمکراتیک خلق یمن با کویت پرداخت که خطوط اصلی آن در تلکس مسقط ۱۹۱۹ گزارش شده است. وی گفت در مورد تصمیمات ویژه دیگر، چیزی نمی تواند بگوید فقط اظهار داشت که مسائل آتی بسیاری مطرح گردید که بر اساس آنها باید سیاست های مشترکی اتخاذ گردد؛ از آن جمله این است که در مورد ایجاد روابط با شوروی و کشورهای اروپای شرقی چه باید کرد. وی گفت در این اجلاس درخواست شده است که در قبال ایران نیز یک موضع محکم ولی غیر برخوردی اتخاذ شود.

۵- وزیر خارجه گفت، بعضی از کشورها از اینکه در این اجلاس شرکت داده نشدند اظهار نارضایتی کرده اند. عراق به کویت که مأمور بوده است بغداد را در جریان اخبار این گروه قرار دهد گفته بود که از منزوی شدن از این اجلاس چندان خوشحال نیست. حسن ولیعهد اردن که برای گذراندن یک تعطیلات کوتاه به بحرین آمده بود گفت اردن نیز می بایست در این اجلاس شرکت داده می شد. لیکن به وی گفته شد که موضع اردن بیشتر شبیه عراق بوده است تا موضع

شبه جزیره. وی فکر می کند که جمهوری عربی یمن نیز از این موضوع ناراضی است. البته در حال حاضر نمی توان این گروه را گسترش بخشید مگر اینکه هدف کاهش تأثیر آن باشد. شاید در آینده پس از ثابت شدن وحدت، از دیگر دولت های «میانه رو» نیز خواسته شود که به این گروه بپیوندند. شیخ محمد گفت ما دیگر درباره «خلیج [فارس]» صحبت نخواهیم کرد. چون از این کلمه بیش از حد استفاده شده است. ما از این پس درباره «شش کشور عضو» صحبت خواهیم کرد.

۶- نظریه: وزیر امور خارجه از کنفرانس طائف کاملاً طرفداری می کند. با وجود اینکه نتایج حاصله چندان هم دلگرم کننده نبوده است، وی معتقد است که بالاخره برای تصمیم گیری جمعی بین شش کشور چهارچوبی فراهم آمده است. دیگر وزیران بحرینی نیز به همین ترتیب هیجان زده هستند. وزیر بهداشت به سفیر گفت این اجلاس گامی برای تشکیل یک بلوک میانه رو غربی بوده که آمریکا بتواند به طور جمعی با آن سر و کار داشته باشد. وزیر گسترش یوسف شیراوی آن را پیمان عربی رم خوانده است. البته اینها همه اغراق آمیز است، لیکن کنفرانس طائف گامی است برای تقویت نقش اعراب میانه رو در صحنه عربی و بین المللی و علاوه بر آن برای مشورتهای مشترک سیاسی در زمینه امنیت منطقه و مسائل موردنظر دیگر، چهارچوبی ایجاد کرده است. ولی آینده نشان خواهد داد که این گروه تا چه حد متحد و یکپارچه خواهد بود. پلترو

وزیران امور خارجه خلیج [فارس] برای گفت و شنود...

سند شماره ۳۱

سری۲۴ اکتبر ۱۹۷۹ ۲ آبان ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، دوحه ۱۲۱۳به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در امان، بغداد، بیروت، دمشق، جده، کویت، منامه، مسقط، تهران.

مرجع: الف) جده ۷۳۰۸، ب) دوحه ۱۱۹۵

موضوع: وزیران امور خارجه خلیج [فارس] برای گفت و شنود

با رژیم تهران موافقت دارند

۱- (سری — تمام متن)

۲- آغاز خلاصه: از قرار معلوم کشورهای قطر، امارات متحده عربی، کویت، عربستان سعودی، بحرین و عمان در موارد ذیل موافقت کرده اند:

الف گفت و شنود با ایران را به سطح بالاتری ارتقا دهند. ب بهبود بخشیدن به مشورتها و تبادل اطلاعات در میان خودشان و

پ از لحاظ نظامی خود را تقویت کنند. پایان خلاصه.

۳- در تاریخ ۲۰ اکتبر ضمن ملاقات با وزیر مشاور قطر برای معرفی ناخدای کشتی آمریکایی لاسال من از شیخ احمد بن سیف آل ثانی درباره اجتماع ۱۶ اکتبر در طائف

(عربستان سعودی) پرس و جو کردم. شیخ احمد در پاسخ گفت که وزیران موافقت کرده اند که در میان ۶ کشور تبادل اطلاعات بهبود یابد و هر یک از کشورها ظرفیت دفاعی خود را تقویت خواهند کرد. (نظریه: تقاضای فروش نظامی که به تازگی از قطر دریافت شده طی تلگرام جداگانه ای گزارش می شود) و کشورها کوشش های فوق العاده ای برای بهبود تفاهم با دولت ایران به عمل خواهند آورد. در حالیکه کشورهای خلیج فارس که در مذاکرات شرکت داشتند از رژیم ایران ناراحتی های بسیاری دارند ولی معتقدند که یک دولت احتمالی جانشین که تحت سلطه کمونیست ها باشد بسیار وحشتناک تر از این رژیم خواهد بود. علاوه بر این کشورهای شبه جزیره در خلیج [فارس] ممکن است قادر باشند از طریق سرگرم کردن دولت تهران در مذاکرات تفاهم آمیز بعضی از سیاستهای این دولت را معتدل سازند و در نتیجه اثرات این عمل رژیم جدید اسلامی را از دست خودش نجات بخشند. این کار حداقل به آزمایش آن می ارزد.

۴- در کنفرانس، موافقت حاصل شد که سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان سعودی به زودی از تهران دیدن کند، و وزیران امور خارجه سایر کشورهای شرکت کننده در مذاکرات متعاقباً از ایران دیدن خواهند کرد. سفیران کشورهای خلیج [فارس] اکنون همگی در پست های خود در تهران مستقر هستند. این سفرا به تلاش های خود برای بهبود تبادل اطلاعات و نظرات با وزارتخانه های دولتی در تهران ادامه خواهند داد. هدف کلی این است که تفاهم و شناسایی منافع مشترک بین ایران و کشورهای خلیج [فارس] بهبود یابد.

۵- من به شیخ احمد گفتم این روش ظاهراً به نحو بارزی معقول به نظر می رسد. ممکن است کوشش هماهنگ و پیگیر از سوی کشورهای خلیج فارس در تحت تأثیر قرار دادن ایران برای جهت گیری های سازنده بسیار مفید باشد. رهبران کنونی ایران و بویژه شخصیت های روحانی تمایل دارند که سیاست را با اصول اخلاقی مطلق سیاه یا سفید تطبیق دهند در حالیکه رژیم به طور کلی اغلب قربانی توهمات ساخته و پرداخته خود می باشد. تبادل نظر دائمی اگر از روی حسن نیت و همدردی انجام گیرد به برطرف کردن ساده لوحی های سیاسی کمک خواهد کرد. یکی از اقداماتی که ممکن است کشورهای خلیج [فارس] تمایل داشته باشند انجام دهند این است که از ایران بخواهند خرد بیشتری نشان دهد و در خرج کردن واقعی پول برای عمران اقتصادی در کردستان عقل سلیم را به کار بندد. ممکن است ایران به خوبی از تجربه عراق درس عبرت بگیرد. سیاست سرکوبی خشن کردها تنها نتیجه اش جنگ داخلی بی امان و فرسایشی خواهد بود. برای ایرانی ها امکان دارد که با عمران اقتصادی و تفاهم و شاید به کار بردن اندکی زور به موفقیت هایی دست یابند، زیرا آنان بر عکس اعراب با کردها یک نزدیکی تاریخی و زبانی دارند.

۶- گرایش اظهارات شیخ احمد این بود که این کنفرانس بر سر مطرح ساختن موضوع امنیت تنگه هرمز از طرف عمان با این کشور برخورد خشنی انجام نداد. من اظهار امیدواری کردم که سایر ۵ کشور شرکت کننده در کنفرانس به صورت واقعی تلاشهای ویژه ای برای

تبادل نظر مستمر با عمان به عمل آورند تا مسقط چنین تصور کند که عضو واقعی این مجمع است. قطر و سایر کشورها گله کرده اند که عمان قبلاً با آنان مشورت نکرده است، ولی مقصر کیست؟ آیا قطر و سایر کشورهای شرکت کننده در کنفرانس برای درک مشکلات سلطان قابوس و حصول اطمینان از اینکه وی همه نگرانی های آنها را درک می کند، تمام تلاش خود را مبذول داشته اند؟ وزیر مشاور در امور خارجی اعتراف کرد که آنها چنین تلاشی صورت نداده اند.

۷- نظریه: قطر و من معتقد هستیم که دیگران نیز به مرحله نگرانی عمیق در مورد خطرات احتمالی ناشی از رژیم اسلامی در ایران رسیده اند. بدترین کابوس این است که رژیم کنونی به صورتی که فعلا باعث نارضایتی است در اقدامات خود شکست خورده و کمونیست ها اداره امور را به دست بگیرند. نتیجه فوری آن تقاضای فروش اسلحه (تلگرام جداگانه) از ایالات متحده خواهد بود. همین مسئله به تنهایی و به وضوح برای ما اسباب دردسر خواهد بود و مجبور خواهیم بود با آن مواجه شویم.

قطر از لحاظ نظامی احساس فقر می کند و اگر پاسخ ما به این احساس حاکی از همدردی نباشد آن را درک نخواهد کرد.

۸- ادامه نظریه: تصمیم کنفرانس جهت پایه ریزی گفت و شنود مستمر با ایران و نیز در بین خودشان مایه اطمینان است. به ویژه برای من چنین به نظر می رسد که مذاکره با حکومت ایران اثرات مثبتی دربر داشته باشد.

۹- ادامه نظریه: غریبه این کنفرانس آشکارا عراق بود ولی با نظر به عدم اعتماد مستمر ایران نسبت به عراق، شاید کشورهای ساحلی خلیج فارس - حداقل در حال حاضر - در کنار گذاردن عراق عاقلانه عمل کرده اند. این امر به کوشش های آنان جهت افزایش تفاهم با ایران، اعتبار بیشتری می بخشد. کیل گور

نگرانی وزیران امور خارجه خلیج [فارس] درباره روابط ساف با دولت ایران

سند شماره ۳۲

سری۲۷ اکتبر ۱۹۷۹ ۵ آبان ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، دوحه ۱۲۳۰به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در امان، بیروت، قاهره، دمشق، جده، کویت، منامه، مسقط، تهران.

مرجع: الف) منامه ۳۱۱۸، ب) دوحه ۱۲۱۳

موضوع: نگرانی وزیران امور خارجه خلیج [فارس] درباره روابط ساف با دولت ایران

۱- (سری - تمام متن)

۲- سفیر آلمان غربی هلنر - درباره گفتگوی خود با شیخ احمد بن سیف آل ثانی وزیر امور خارجه قطر با من صحبت کرد و گفت وی به گفتگویی که درباره سازمان آزادیبخش

فلسطین در ۱۶ اکتبر در کنفرانس طائف انجام شده بود اشاره کرده است. وزیران با نگرانی اظهار داشته بودند که ممکن است روابط بین ساف و ایران آن قدر صمیمی شود که رژیم های سنتی عربی در شبه جزیره عربی نتوانند مانند گذشته بر ساف اعمال نفوذ نمایند. وابستگی شدید ساف به کشورهای صادر کننده نفت عربی از نظر مالی سبب شده است که نتواند تندرویهای زیادی به خرج دهد. لیکن رژیم اسلامی تهران علاوه بر منابع عظیم مالی خود درباره اهمیت اورشلیم برای اسلام نیز کارهای زیادی کرده است. این موضوع سبب می شود که تهران بتواند انگیزه ایجاد نفوذ در میان فلسطینی هایی که به قول سفیر آلمان غربی در بسیاری از کشورهای خلیج [فارس] پست های حساسی اشغال کرده اند به دست آورد. هلنر گفت این بخش از گفتگوی وی زمانی انجام شد که شیخ احمد بن سیف آل ثانی تقاضای [تشکیل] کنفرانسی از کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا را برای شناخت دیپلماتیک ساف مطرح نمود.

منطق شیخ این بود که به رسمیت شناخته شدن ساف توسط جامعه اقتصادی اروپا سبب خواهد شد که این سازمان از خشونت اجتناب ورزیده و برای حل مشکل فلسطین به دیپلماسی روی آورد.

۳- نظریه: همانطور که در گزارشها آمده است جامعه ۲۰۰۰۰ نفری فلسطینی ها در قطر از بنیه مالی خوب و موقعیت استراتژیکی قابل ملاحظه ای برخوردارند. فلسطینی ها در این جامعه مشخص بخش بالاتر طبقه متوسط و عناصر روشنفکر را تشکیل می دهند. و اکثریت آنها از حمایت مالی دولت قطر از انقلاب فلسطین اظهار خشنودی و رضایت می کنند. بنابراین غیرعادی است که قطر و دیگر کشورهای عربی خلیج [فارس] فکر کنند که ایران اسلامی می تواند به فلسطینیها بیش از دیگر اعراب کمک کند.

کیل گور

وزیران امور خارجه خلیج [فارس] هنوز در نظر دارند...

سند شماره ۳۳

سرّی۲۷ اکتبر ۱۹۷۹ ۵ آبان ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، دوحه ۱۲۳۱به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در امان، بغداد، بیروت، قاهره، دمشق، کویت، منامه، مسقط، تهران.

مرجع: الف) منامه ۲۱۱۸، ب) دوحه ۱۲۱۳

موضوع: وزیران امور خارجه خلیج [فارس] هنوز در نظر دارند

تفاهم جدید خود را غیررسمی نگاهدارند

۱- (سری - تمام متن)

۲- احمد بن سیف آل ثانی وزیر امور خارجه قطر، در گفتگوی جداگانه با سفیران آلمان

غربی و ژاپن در دوحه اظهار داشت که قطر و پنج کشور خلیج [فارس] شرکت کننده در کنفرانس طائف در ۱۶ اکتبر به چنان وحدتی در زمینه اهداف دست یافته اند که گویا پیمانی را منعقد ساخته اند. شیخ که معمولاً با خوش بینی سخن نمی گفت از کنفرانس طائف با حرارت زیاد صحبت می کرد. ولی اظهار داشت که کشورهای شرکت کننده در کنفرانس تلاش خواهند کرد این وحدت خود را به طور رسمی علنی نسازند و یکی از دلایل آن نیز جلوگیری از ناراحت شدن عراق است. دلیل دیگر آن این است که ایران متوجه نشود که کشورهای عربی واقع در ساحل جنوبی تلاشهای خود را به شدت هماهنگ کرده اند.

کیل گور

جلوگیری از حضور عراق در اجلاس طائف

سند شماره ۳۴

محرمانه۲۸ اکتبر ۱۹۷۹ ۶ آبان ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، جده ۷۵۲۸به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در بغداد، کویت، لندن، منامه، مسقط، صنعا، تهران.

مرجع: بغداد ۲۲۳۷

موضوع: جلوگیری از حضور عراق در اجلاس طائف

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- در ۲۳ اکتبر به هنگام گفتگو با اسماعیل الشوری سرپرست امور عربی وزارت امور خارجه، مقام سیاسی در مورد صحت گزارشات مطبوعات (به خصوص گزارش «کنا» در تلکس FBIS لندن ۲۰۰۹۲۸ LD) که مدعی بودند سفر الصباح نخست وزیر و وزیر امور خارجه کویت به بغداد برای این بوده است که آن کشور نیز در جریان نتایج اجلاس وزیران امور خارجه در طائف در ۲۰ اکتبر قرار گیرد، سؤال کرد. الشوری با عصبانیت گفت اگر شیخ الصباح درباره اجلاس طائف با همتاهای خود در بغداد گفتگو کرده باشد، بدون اجازه وزیران خارجه خلیج [فارس] این کار را انجام داده است. وی گفت دیدار معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه کویت از بغداد مربوط به دو کشور بوده و بر روابط عراق و کویت با ایران متمرکز بوده است.

۳- نظریه: عربستان سعودی خود را از جمله نیروهای قدرتمند شبه جزیره (و کشورهای عربی) می داند و احتمالاً- تشکیل گردهمایی را که در آن عراق بتواند حضور عربستان سعودی را تحت الشعاع قرار دهد مجاز نمی شناسد. اگر هم این موضوع صحت داشته باشد، و الصباح کویتی اجازه توجیه کردن عراق درباره کنفرانس طائف را نداشته باشد، ولی عراق را تا حدی

در جریان گذاشته است و اظهار داشته است که تلاش کویت برای ایجاد صلح و آشتی بین جمهوری دمکراتیک خلق یمن و همسایگانش به نتیجه نرسیده است که بغداد با اهمیت ویژه ای به آن می نگرد. پلیک

درگیری پلیس سعودی با زائران ایرانی

ص: ۷۴

سند شماره ۳۵

سری۳ نوامبر ۱۹۷۹ ۱۲ آبان ۱۳۵۸

از: جده ۳۶۶۹۷به: ریاض، رئیس رونوشت برای تهران فوری

هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

مرجع: جده ۳۶۶۶۷ (۵۸۱۸ NWJ)

[موضوع]: درگیری پلیس سعودی با زائران ایرانی

۱- جسته گریخته از کارکنان محلی شرکتی آمریکایی شایعاتی شنیده ایم حاکی از اینکه آشوب ایرانیان روز ۲ نوامبر به اوج خود رسید. از جمله خصوصیات آن اینکه زوار ایرانی شعارهای ضد خاندان سعودی روی درها و دیوارهای مکه نوشتند که باعث شد پلیس سعودی جهت مقابله با باتوم وارد میدان شود. بنابر ادعاهای واصله در مکه به اموال خسارت وارد آمد و ۱۰۰۰ زائر ایرانی توسط سعودیها بازداشت شدند.

۲- آنچه احتمال صحت بخشی از مطلب فوق را تأیید می کند این است که از مقامات تی. دبلیو. دلتا و تی. دبلیو. فیلتر که معمولاً ـ با آنها در تماس هستیم امروز هیچیک در دفتر خود نیستند. این غیرعادیست. ارسال اطلاعاتی برای ما در این مورد موجب امتنان خواهد بود. در عین حال خود نیز درصدد هستیم با آشنایان و با رابط سازمان اطلاعاتی همکار، وقتی که در دسترس باشند، تماس بگیریم.

۳- برای رئیس: پیشنهاد می شود مطلب فوق به عنوان شایعه تأیید نشده به مرکز تحلیلهای خارجی کشور ارائه شود. در اسرع وقت گزارش موثق تری در این مورد خواهیم فرستاد.

۴- بدون پرونده. تا تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۹۹ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

تظاهرات در مکه

سند شماره ۳۶

سری۳ نوامبر ۱۹۷۹ ۱۲ آبان ۱۳۵۸

از: ریاض ۱۹۹۳۲به: رئیس فوری جده رونوشت برای تهران

هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اطلاعات. تی. دبلیو. الویتور

مرجع: جده ۳۶۶۹۷

[موضوع]: تظاهرات در مکه

۱- خبر آشوبی که در تلگرام مرجع به آن اشاره شد توسط تی. دبلیو. الویتور/ ۱ (الف/۱) تأیید شد. او در حضور سولدانو با رئیس هتل اینترکنتینانتال در مکه تماس گرفت و مطلب ذیل را گزارش داد: تعداد «کثیری» از حجاج ایرانی و فلسطینی ضدخاندان سعودی در مکه تظاهرات کردند. آنها شعارهای ضدرژیم سعودی سر داده و تصاویر [آیت الله] خمینی و یاسر عرفات را حمل می کردند. مشخص نیست که فلسطینی ها از کدام جناح بودند. در ۳ نوامبر حدود ۴۰ ایرانی در اینترکنتینانتال مکه برای بازجویی دستگیر شدند و هنوز آزاد نشده اند.

اقدامات شدید امنیتی در سرتاسر مکه اتخاذ و وضع آماده باش اعلام شده است.

۲- ای/۱ با دریافت اخبار جدیدتر تحولات را گزارش خواهد داد.

۳- گزارش جداگانه ای متعاقباً در مورد استخدام ای/۱ ارسال می شود.

۴- بدون پرونده تا تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۹۹ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

«نفت در خلیج فارس»

ملاقات با ولیعهد رأس الخیمه

سند شماره ۳۷

۱۷ فوریه ۱۹۷۰ ۲۸ بهمن ۱۳۴۸

تهران ایرانااداری غیررسمی

جناب ویلیام اچ. هالمنبخش خاور نزدیک ایران

وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی

[موضوع]: ملاقات با ولیعهد رأس الخیمه

بیل عزیز

من یادداشتی را ضمیمه کرده ام که شامل بعضی تفاسیر و دیدگاهها در مورد ملاقات ولیعهد رأس الخیمه شاهزاده خالد با راجر دیویس و میل برور در تاریخ ۵ فوریه است. قسمتهایی از گزارش شاهزاده از گفتگوهای دسامبر با گزارشهایی که ما اینجا شنیده ایم وفق نمی دهد و ما فکر کردیم که ارزش تفسیر کردن را دارد. شما متوجه خواهید شد که یک بررسی مجدد قضیه توسط CAS (منابع کنترل شده آمریکا) به وسیله یک منبع موثق، شرح و تفسیر قبلی ما را تأیید می کند. وان توسانیت فکر کرد که شاید شما علاقمند باشید که این را در معرض توجه بعضی عرب شناسان قرار دهید.

با بهترین آرزوها

ارادتمند

چارلز دبلیو. مک کاسکیل

دبیر اول سفارتخانه

گزارش وزارت امور خارجه در مورد ملاقات با شاهزاده خالد ولیعهد رأس الخیمه

نکات متعددی در تلگرام شماره ۱۸۴۹۳ وزارتخانه (پیوست) درباره ملاقات با شاهزاده احتیاج به اظهارنظر دارد:

(۱) اظهار شاهزاده در مورد اینکه شیخ رأس الخیمه «امیدوار است به توافقی در موضوع خط میانی نایل آید... با تقدم کمتر به مسئله تنب ها» به نظر می رسد که خیالبافی بوده است. در طی سال گذشته ایرانیان بر ترتیبات امنیتی تأکید داشته اند و غیرقابل تصور است که ایرانیان شیخ را متقاعد کرده باشند که موافقت خط وسط مقدم بر مسائل اصلی است. در هر حال، بررسی منابع کنترل شده آمریکا با یک منبع موثق این نکته را مشخص می کند که خط وسط در طی گفتگوها مورد بحث قرار نگرفته است. اگر رأس الخیمه درصدد این بوده که به این امر تقدمی بدهد، به نظر می آید که آنها آن را مطرح کرده باشند.

(۲) ما هیچ دلیلی نداشته ایم که رأس الخیمه، به طوری که شاهزاده به وزارت امور خارجه گفت، «حتی مایل به از دست دادن جزیره کوچک تر و دادن تسهیلاتی در جزیره بزرگ تر به ایرانیها» باشد. اگر مذاکرات تا این حد جلو رفته باشد احتمالاً ایرانی ها راهی یافته اند که با زرنگی، مسئله حاکمیت بر جزیره بزرگ تر را مطرح کنند.

در ۲۹ دسامبر، عَلَم خاطرنشان ساخت که دولت ایران موافقتنامه ای را ترجیح می دهد که در آن به وضوح به حق حاکمیت ایران اشاره شده باشد، زیرا شاه دوست ندارد که به اعراب رادیکال بهانه ای بدهد، که بعدها ادعای تخلیه ایرانیان از خاک اعراب را بکنند. منبع سیا می گوید که موضوع حاکمیت بر جزیره کوچک که با تهیه مقدماتی برای جزیره بزرگ مربوط می شود، در طی ملاقات مورد بحث قرار نگرفته است.

(۳) اظهار ولیعهد دال بر اینکه «زاهدی روشن کرده است که دولت ایران اجازه نخواهد داد» استخراج نفت، در صورتی که حاکمیت جزیره تغییر یابد، توسط غیرایرانیها انجام شود با اطلاعات قبلی، کاملاً ناموافق و متضاد است. زاهدی در ۲۹ دسامبر به شما گفت که او و شاه دلایل حیاتی و مهم بودن جزایر برای امنیت ایران در خلیج [فارس] را شرح داده اند و شیخ را مطمئن ساخته اند که اگر نفت قابل استخراج یا منابع معدنی کشف نشده ای وجود داشته باشد شیخ می تواند اقدام به بهره برداری از آنها کند، در صورتی که شیخ قادر به این کار نیست، ایران آماده انجام آن به صورتی کاملاً منصفانه با شیخ است. همچنین منابع کنترل شده آمریکا برای مدتی گزارش داده اند که ایران حاضر خواهد بود همه ادعاهای خود را در مورد نفتی که بعدها در جزیره یا اطراف آن در دریا کشف شود، پس بگیرد. منبع موثق سیا اخیراً این نکته را مجدداً تأکید کرد و گفت که این تنها زمینه بحث در مورد نفت در طی ملاقات در رأس الخیمه بوده است.

(۴) علیرغم دلایل مخالف در چند ماه گذشته، شاهزاده اظهار عقیده کرد که ایران قضیه بحرین را به مصالحه در مورد جزایر تنب و ابوموسی مربوط کرده است. کسانی که در وزارت امور خارجه روی مسئله کار می کردند چند ماه پیش مایل بودند این دو را به هم ربط دهند اما

در ماه های اخیر ظاهراً از دربار گفته اند که این دو به هم مربوط نیستند. این تلقی شاهزاده احتمالاً یا ناشی از انگلیسیها یا تماس با افرادی است که روی مسئله کار می کنند، یا در ضمن دیدار شیخ با وزیر خارجه زاهدی مطرح شده که در گذشته میل داشت این دو را به هم مرتبط کند.

به عقیده من قبلاً- هم گزارش داده ایم که فعلاً-ن قضیه در سفارت انگلیس در اینجا بر این گمان بوده اند که علیرغم اینکه هرگز از جزئیات گفتگوها مطلع نشده اند ولی دیدار سفیر شروع خوبی بوده است. دبیر دوم که با او ارتباط نسبتاً نزدیکی داریم (دراس فرانسیس) در ۱۱ فوریه گفت که انگلیسیها شواهدی در دست داشته اند که ایرانیان آماده بوده اند هرگونه ادعای خود را در مورد نفتی که ممکن است کشف شود پس بگیرند و مایل خواهند بود که در استخراج آن کمک کنند. دراس فرانسیس هیچ اطلا-عی در این زمینه نداشت که حاکمیت بر جزیره کوچک تر، با فراهم آوردن تسهیلاتی در جزیره همراه شده باشد.

اختلاف بالا می تواند از راههای متعددی شرح داده شود:

الف- شاید سوءتفاهم واقعی بین دو طرف موجود بوده است. ایرانیان در مورد تنب ها نسبتاً آسوده خاطر بوده اند که حل مشکل تنب ها از مشکل ابوموسی خیلی ساده تر خواهد بود.

ب- شاه و زاهدی فقط با خود شیخ گفتگو کرده اند. احتمال عدم تماس بین شیخ و افرادش می رود.

پ- شیخ احتمالاً در تلاش برای جلب توجه و حمایت از موقعیت خویش است. به نظر می رسد سخن او دال بر اینکه وزارت امور خارجه بریتانیا به او گفته است که نقشه ۱۸۸۶ که جزایر را جزو ایران نشان می داده اشتباه بوده است، مؤید این استنتاج باشد.

گزارش دورنمای صنعت نفت کویت

سند شماره ۳۸

محرمانه۲۷ دسامبر ۱۹۷۵ ۶ دی ۱۳۵۴

از: سفارت آمریکا، کویت ۸۶۰به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، الجزیره، بغداد، بیروت، بن، قاهره، کاراکاس، جده، لندن، منامه، مسقط، رم، تهران، توکیو

مرجع: الف) سی. ای.آر.پی ۴۲۵، ب) کویت الف ۱۰۸ ، ۹ دسامبر ۱۹۷۴

به ضمیمه تحقیقات سالیانه معمول ما درباره رشد صنعت نفت کویت آمده است.

استولت فاز

موضوع: گزارش دورنمای صنعت نفت کویت

الف- مقدمه و خلاصه

سال ۱۹۷۵ برای کویت یک مرحله انتقال به شمار می آمد و مشکل مهم امور نفتی، سازمان

صنعت و بوروکراسی شرکت نفت و دولت بود. به دنبال انتخابات معمول پارلمانی در ماه ژانویه، دولت سازماندهی شد و وزارت پیشین دارایی و نفت به صورت دو وزارتخانه جداگانه درآمد. وزیر نفت جدید یعنی عبدالمطلب کاظمی بخش اعظم تلاش خود را به سازماندهی این صنعت چند میلیارد دلاری که اکنون تحت کنترل کامل دولت کویت درآمده، مصروف داشته است. وی با انجام اقداماتی کنترل خود بر شرکت ملی نفت کویت که ۴۰ درصد سهام آن تا سال جاری مربوط به بخش خصوصی بود، تضمین کرد، و مهم تر از همه اینکه دولت۴۰ درصد سهام شرکت نفت کویت را که از آن شرکت گلف و بریتیش پترولیوم بود نیز تصاحب کرده است.

جالب خواهد بود اگر سال ۱۹۷۵ در رابطه با تولید نفت خام و قیمت آن نیز یک مرحله گذار باشد. در بخش اول سال، دولت کویت چندین بار نفت خام خود را به طور مستقیم به فروش رساند. ولی در ماه سپتامبر، اوپک فرمان افزایش ۱۰ درصدی قیمت ها را صادر کرد. برای کویت مسئله بدین معنی بود که قیمت هر بشکه نفت خام سنگین آن می بایست ۴۰/۱۱ دلار باشد، لیکن این قیمت از نظر شرکت های نفتی معقول نبود چون به نظر آنها، بازار قادر به حمایت از این قیمت نیست. نتیجه این شد که دولت کویت یکی از عقب نشینیهای نادر خود را در رابطه با قیمت انجام دهد. مسئله مورد نظر در حال حاضر این است که آیا بازار قادر خواهد بود مقدار کافی نفت کویت را به قیمت هر بشکه ۳۰/۱۱ دلار خریداری کند تا نیاز جاری تولید را برآورده سازد یا خیر. در این رابطه، سؤال موردنظر این است که حداکثر سطح تولید از نظر دولت کویت چیست. در سال ۱۹۷۵ تولید به پایین ترین میزان آن در این سالها رسید؛ میانگین تولید روزانه نفت کویت در سال ۱۹۷۵ حدود ۱/۲ میلیون بشکه بود در حالیکه در سال ۱۹۷۴ حدود ۵/۲ میلیون بشکه و قبل از سپتامبر ۱۹۷۳ سطح «عادی» تولید ۲/۳ میلیون بشکه در روز بود. با این وجود، شواهد موجود نشان می دهد که دولت خواهان افزایش تولید است. بر اساس قراردادهای فروش کویت با شرکت های گلف، بریتیش پترولیوم، شل و چند خریدار کوچکتر به این نتیجه رسیده ایم که در سال ۱۹۷۶ سطح تولید، کمی بیش از ۲ میلیون بشکه در روز خواهد بود.

این امر قطعاً درآمد کافی در اختیار دولت کویت قرار خواهد داد تا برنامه های عمرانی جاه طلبانه خود را که شامل کارخانه عظیم گاز مایع، پروژه های پالایشگاهی و پتروشیمی و نیز خرید کشتی های مربوطه است به مرحله اجرا درآورد. علاوه بر این، در سال ۱۹۷۶ فعالیت های اکتشافی افزایش خواهد یافت. دولت کویت احتمالاً در جستجو و گسترش جدی ذخایر گازی عظیم و جدید موجود در داخل و خارج از خشکی خواهد بود.

در سال ۱۹۷۶ دولت کویت مجبور نخواهد بود مانند سال ۱۹۷۵ به مسائل سازمانی و بوروکراتیک بپردازد، گرچه مسائل مربوط به نحوه اداره شرکت های کاملاً ملی شده به قوت خود باقی خواهد بود. دولت کویت در مورد دو مسئله فعالیت وسیع و مشغولیت ذهنی خواهد

داشت. مسئله اول، مسئله قیمت، فروش و تولید است که هر یک از عناصر آن به دیگری مربوط است. مسئله دوم، وجود پروژه های چند میلیارد دلاری اکتشافی و صنعتی است که باید بررسی، طرح ریزی و اجرا شوند. در پی این فعالیتها دولت کویت مجبور خواهد شد نیروهای مختلف سیاسی و اقتصادی داخلی و بین المللی را فراهم آورد که همیشه با یکدیگر در تضاد هستند. این امر مشکل خواهد بود، خصوصاً آنکه دولت کویت نخواهد توانست از دارندگان امتیاز خارجی به عنوان سپر بلا استفاده کند. با این وجود به گمان ما پس از اعمال کنترل بر ثروت نفتی، دولت کویت سعی خواهد کرد در سال ۱۹۷۶ از صنعت نفت بهره فراوانی عاید خود سازد.

ب- سازمان صنعت نفت کویت

سازمان بخش نفتی کویت از همان اوان ساده بود و نشانگر این است که تعداد امتیازات کم و تولید واقعی و حمل و نقل نفت به سادگی انجام می شده است. به خصوص در مورد شرکت نفت کویت که مسئول ۹۰ درصد تولید و صدور آن بود. تا زمانی که شرکت های گلف و بریتیش پترولیوم مسائل مربوط به قیمت فروش و تولید را حل می کردند، دولت کویت کاری نداشت مگر دریافت مالیات و عواید حاصله.

این وضع ساده در اوایل سالهای ۱۹۷۱ تغییر یافت و در سال ۱۹۷۴ آن قدر نبود که بتواند در خدمت نقش روزافزون دولت درآید. در سال ۱۹۷۴ شورای عالی نفتی به سرپرستی نخست وزیر تشکیل شد تا سیاست پایه ای دولت را در سطوح بالا هماهنگ سازد. این شورا هنوز هم وجود دارد.

به منظور اداره امور روزمره صنعت، شرکت نفت گاز و انرژی کویت می بایست تأسیس گردد. این شرکت می بایست یک نهاد دولتی مستقل باشد تا بتواند تمام صنعت را در رابطه با تولید و فروش، پالایش، گاز مایع، پتروشیمی و حمل و نقل نفتی دربر گیرد. ولی در سال ۱۹۷۵ ایده مربوط به شرکت نفت، گاز و انرژی کویت از بین رفت. طبق مطالب مذکور، به دنبال انتخابات پارلمانی در ژانویه، دولت کویت [به این نتیجه رسید] که مسئولیت های روزافزون آن نه تنها در زمینه نفت بلکه در زمینه دارایی، سرمایه گذاری و کمک اقتصادی ایجاب می کند که وزارت دارایی و نفت به صورت دو وزارت جداگانه درآید. عبدالرحمن العتیقی که سالها سرپرست وزارت دارایی و نفت بود به سمت وزیر دارایی، و کاظمی به سمت وزیر نفت منصوب شد. وی مدتی در وزارت دارایی و نفت کار کرده بود، لیکن مهم تر از آن، وی سرپرست کمیته دارایی و اقتصادی مجلس ملی بود که مسئولیت اداره مشارکت و لوایح دیگر نفتی را در قوه مقننه به عهده داشت. کاظمی که با تعداد آرای بیش از دیگر نمایندگان در ژانویه گذشته به عنوان نماینده مجلس انتخاب شده بود می توانست مدعی تجربه در امور نفتی و قدرت سیاسی باشد. دولت کویت نیز در سال ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ متوجه گردید که می تواند

عناصر مهمی در متقاعد ساختن پارلمان به حمایت از سیاست های نفتی اش به کار بندد.

اولین وظیفه کاظمی سازماندهی بوروکراسی بود. به سرعت معلوم گردید که اگر شرکت نفت، گاز و انرژی کویت به وجود آمده بود، وی ملزم به انجام اقدام چندان مهمی در این زمینه نمی بود. بنابراین، وی به سرعت شرکت مزبور را قبل از تأسیس منحل کرد. با وجود فرا رسیدن دسامبر، وی هنوز مشغول سازماندهی است، اما ظاهراً می خواهد خود را در مرکز امور قرار دهد تا بتواند وزارت نفت و شرکت های بزرگ نفتی را تحت کنترل درآورد.

در داخل وزارتخانه چهار بخش عمده وجود خواهد داشت که از طریق معاونین وزیر گزارشات خود را برای وی ارسال خواهند داشت. چهار واحد مزبور مسئول امور فنی و صرفه جویی، امور حقوقی، اقتصادی، اوپک، امور اداری و مالی، و سنجش میزان تولید خواهند بود. علاوه بر گزارشات مستقل سطوح مختلف وزارتخانه، شرکت های نفتی نیز توسط رئیس خود به کاظمی گزارش خواهند داد. به این ترتیب کاظمی کنترل شرکت نفت کویت، پروژه بهره برداری گاز کویت، پتروشیمی و حمل و نقل نفتی را به دست خواهد گرفت. البته این وزارتخانه همانند گذشته بر شرکت امین اویل، شرکت نفتی عربی و دیگر صاحبان امتیاز اعمال قدرت خواهد کرد.

چند تصمیم اساسی باید اتخاذ و به مرحله اجرا درآید، لیکن اجرای نهایی آنها باید پس از تصرف شرکت نفت کویت توسط دولت کویت به دنبال تأیید قراردادهای گلف و بریتیش پترولیوم توسط پارلمان، صورت پذیرد. به طور مثال، هنوز مشخص نشده است که کدام یک از شرکت ها مسئول فروش نفت خام و کدام یک مسئول فروش گاز مایع خواهد بود. علاوه بر این بین شرکت نفت کویت و شرکت ملی نفت کویت تقسیم کار نیز صورت نگرفته است. با این وجود می توان گفت تا پایان سال ۱۹۷۵ یکی از اقدامات مهم کاظمی در اولین سال وزارت خود قرار گرفتن در مرکز وزارتخانه، شرکت های بزرگ نفتی کویت و صاحبان امتیاز کوچک است، به نحوی که بتواند سیاستها و عملیات نفتی کویت را تعیین کند. در واقع، این موضوع نشانگر تمرکز قدرت و مسئولیت به نحو غیرمترقبه در سطح وزارتخانه است که نشانگر به دست گرفتن کل اختیارات توسط دولت کویت، در نتیجه رویدادهای چند سال گذشته می باشد.

پ- دولتی شدن شرکت نفت کویت

دومین کار مهم کاظمی در سال ۱۹۷۵ انعقاد قراردادی با شرکت های گلف و بریتیش پترولیوم بود که بر اساس آن دولت کویت سهام شرکت نفت کویت را تصرف خواهد کرد. در ماه می ۱۹۷۴ قراردادی را که بر اساس آن دولت ۶۰ درصد مالکیت شرکت را به دست می آورد تأیید کرد، لیکن در پایان سال معلوم شد که دولت سعودی مایل است ۱۰۰ درصد مالکیت شرکت آرامکو را به دست آورد. همین امر سبب شد دولت کویت نیز به دنبال تصرف

مالکیت کامل شرکت نفت کویت باشد. عتیق هنگامی که وزیر دارایی و نفت بود، بارها اظهار داشت که با تملک ۶۰ درصد، دولت کویت بر شرکت نفت کویت نظارت مؤثری دارد و به همین دلیل تصرف کامل آن ضرورتی ندارد. کمی پس از تصدی وزارت نفت، کاظمی اظهارات مشابهی در روزنامه پاریسی «فیگارو» منعکس ساخت. لیکن چند روز بعد، در اجلاس اوپک در الجزایر و در حضور امیر کویت، کاظمی «اعلام کرد» که از تاریخ ۵ مارس ۱۹۷۵، دولت، شرکت نفت کویت را کاملاً تصاحب خواهد کرد. کمی پس از آن سومین دور مذاکرات چند ساله با شرکتهای گلف و بریتیش پترولیوم در زمینه تصرف و تملک کامل شرکت نفت کویت آغاز گردید. مذاکرات در بهار به تدریج به پیش می رفت و کاظمی گهگاه پیش بینی می کرد که این مذاکرات به زودی خاتمه خواهد یافت. طبق انتظار، مذاکرات در بقیه سال ادامه یافت و مطابق پیش بینی ناظران انتظار می رفت دولت کویت عملاً ـ مالکیت گلف و بریتیش پترولیوم را مانند شرکت ملی نفت کویت در بهار، ملی سازد.

بالاخره پس از یک دوره مذاکره سخت در پاییز بین دولت و شرکت ها توافق پدید آمد، و مراسم امضای رسمی در تاریخ اول دسامبر برگزار شد. بر اساس این قرارداد که از تاریخ ۴ می ۱۹۷۵ معتبر خواهد بود، دولت، شرکت نفت کویت را به طور کامل تصاحب می کند. شرکت ها معادل ۴/۶۴ میلیون دلار به عنوان جبران خسارات وارده دریافت کردند و طرفین توافق کردند که از ادعاهای دیگر خود دست بردارند و بدین ترتیب امکان هرگونه دعوی بالقوه شرکت نفت کویت علیه شرکت های دیگر را از بین بردند. شرکت ها نیز توافق کردند که تا تاریخ ۳۱ مارس ۱۹۸۰ معادل ۹۵۰۰۰۰ بشکه در روز نفت برداشت کنند. ولی در صورت بروز اختلاف نظر در مورد قیمت، دولت قادر است قراردادهای خرید را فسخ کند. شرکت نفت کویت در بدو امر خواستار برداشت نفت توسط گلف و بریتیش پترولیوم به مقدار ۳/۱ میلیون بشکه در روز شده بود. از طرف دیگر، دولت کویت یک اعتبار ۶۰ روزه و تخفیف ۶۰ سنت در ازای هر بشکه ارائه کرد؛ در حالیکه شرکت ها خواستار اعتبار ۹۰ روزه و نرخ تخفیف ۲۲ سنت در ازای هر بشکه نفت بودند.

بدین ترتیب، قرارداد نهایی نشانگر مصالحه است. تا اواسط دسامبر جزئیات بعضی از قراردادهای جنبی مشخص نشد، قرارداد تصرف کامل، در انتظار تأیید مجلس ملی است و دولت کویت پیش بینی می کند که این کار در اوایل ژانویه ۱۹۷۶ صورت خواهد گرفت.

بر اساس این قرارداد شرکت های گلف و بریتیش پترولیوم در صورت تمایل می توانند درباره خرید نفت بیشتر مذاکره کنند، علاوه بر این، در طول برنامه پنج ساله پس از اول آوریل ۱۹۸۰ مجاز خواهند بود ۸۰۰۰۰۰ بشکه نفت خریداری که درباره شرایط آن نیز بعداً توافق به عمل خواهد آمد. گذشته از این، هر دو شرکت با دولت کویت قراردادها و روابط جدیدی منعقد خواهند کرد. انتظار می رود شرکتهای مذکور افراد متخصص را جهت ادامه عملیات حوزه های نفتی کویت و نیز جهت اجرای پروژه بهره برداری گاز کویت تأمین نمایند. علاوه بر

این، حداقل شرکت گلف پیش بینی می کند که خواهد توانست با دولت کویت در زمینه نفتی و غیرنفتی که به نفع طرفین باشد، همکاری نماید. بنابراین، با وجود اینکه دولت کویت جانشین دو شرکتی شده است که در اصل امتیاز شرکت نفت کویت را داشته اند، ولی روابط دوستانه، توأم با همکاری و سودآور به حالت دیگری، ادامه دارد.

ت- قیمت، تولید، فروش، درآمد

طبق معمول سالانه از سال ۱۹۷۲ که کل تولید به رقم کمی بیش از ۲/۱ میلیون بشکه رسیده بود، تولید نفت کویت بار دیگر در سال ۱۹۷۵ کاهش یافت. طبق آمار ماه اکتبر، چنین به نظر می رسد که کل تولید، کمتر از ۸۰۰ میلیون بشکه یا در حدود ۱/۲ میلیون بشکه در روز خواهد بود که سهم تولید شرکت نفت کویت ۸۶/۱ میلیون بشکه در روز است.

تولید نفت کویت دائماً رو به افزایش بود تا اینکه در اوایل سالهای ۱۹۷۱ چند فرد کویتی از جمله اعضای پارلمان در مورد پایان یافتن تنها منبع طبیعی کشور ابراز نگرانی کردند. در سال ۱۹۷۲ سقف تولید ۳ میلیون بشکه در روز برای شرکت نفت کویت مشخص گردید، و تا زمان اعلام تحریم نفتی اعراب در ماه اکتبر ۱۹۷۳ این میزان تولید انجام می گردید. در نتیجه تحریم، سطح تولید نفت کویت پایین آمد، لیکن هنگام پایان آن در مارس ۱۹۷۴ وضع قیمت ها نیز دچار تغییرات فاحشی شده بود. در نتیجه با وجود کاهش تولید، درآمد دولت کویت دوباره بیشتر از پیش می شد.

در اوایل سال ۱۹۷۵ از قول یکی از مقامات عالیرتبه وزارت نفت در مطبوعات گفته شد که دولت کویت بیش از ۲ میلیون بشکه در روز تولید نخواهد کرد، در حالیکه سطح تولید معادل ۵/۲ میلیون بشکه در روز بود. در ابتدا این گزارش با نوعی خوش بینی رو به رو گردید، لیکن طبق شواهد آماری، صحت نیافت.

یکی از علل خوش بینی، جستجوی شدید دولت کویت جهت یافتن خریداری برای نفت خام خود بود. به دنبال دو حراج ناموفق در سال ۱۹۷۴، دولت کویت با خریدارانی منتخب در سال ۱۹۷۵ وارد مذاکره مستقیم گردید. مهم ترین قراردادهای فروش با کمپانی شل و اکسان منعقد گردید که هر یک توافق کردند به ترتیب ۴۰۰۰۰۰ بشکه و ۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز نفت خریداری کنند. قراردادهای دیگر نیز با پتروبراس از برزیل، دو شرکت ژاپنی، و چند شرکت ملی از تایوان و فیلیپین و ایتالیا منعقد گردید.

در تمام طول سال قیمت نفت کویت معادل ۳۶/۱۰ دلار بود، لیکن در ماه سپتامبر، اوپک، با افزایش ده درصدی قیمت توافق کرد. رقم ده درصدی نشانگر سازش بین عربستان سعودی و دیگر کسانی بود که خواستار افزایش بیشتری شده بودند. کویت در این مصالحه و سازش نقش مهمی داشت. در این زمان از خارج بر اوپک فشار آمد تا از افزایش قیمت نفت خودداری کند و دولت کویت نیز نمی خواست شاهد افزایش آنچنانی قیمت نفت باشد. با این

وصف، دولت کویت به حفظ وحدت اوپک معتقد بود.

به خاطر تعهد در قبال اوپک، کویت به خریداران خود اعلام کرد که قیمت نفت خام این کشور ۱۰ درصد افزایش یافته و قیمت هر بشکه معادل ۳۰/۱۱ دلار است. ولی، تقریباً تمام خریداران از پرداخت این قیمت طفره رفتند. دولت امید داشت که اختلاف قیمت را در اجلاس نمایندگان کشورهای عضو اوپک خلیج [فارس] در کویت، به بحث و تبادل نظر بگذارد، لیکن عربستان سعودی از حضور در این اجلاس خودداری ورزید و جلسه بی نتیجه ماند. در اواخر اکتبر، دولت کویت اعلام کرد که قیمت اعلام شده به قوت خود باقی است. به دنبال پیش بینی افزایش قیمت نفت اوپک، سطح تولید ماه اکتبر بالا رفته بود، لیکن سطح تولید در ماه نوامبر کاهش یافت. واضح بود که وضع موجود بازار نفت سنگین کویت که دارای سولفور زیادی بود، به مقدار زیاد با قیمت ۳۰/۱۱ دلار به فروش نخواهد رفت.

برای اولین بار دولت کویت متوجه شد که تمایل این کشور به پیروی از تصمیمات اوپک و فروش حداقل نفت خود خالی از تناقض نیست. کاظمی وزیر نفت با عجله به پایتخت های نزدیک اوپک سفر کرد تا با همکاران خود در این زمینه مشورت کند، و پس از آن دولت کویت اعلام کرد که قیمت نفت خود را در ازای هر بشکه ۱۰ سنت کاهش داده است. (قیمت دیگر انواع نفت خام نیز دچار جرح و تعدیل گردید.)

شرکت ها از قیمت ۳۰/۱۱ دلاری ناراحت هستند، و اکسان برداشت نفتی خود را موقتاً به تعویق انداخته است ولی اکثر شرکتها به توافق دست یافته اند. همانگونه که گفته شد، شرکت های گلف و بریتیش پترولیوم مشترکاً ۰۰۰/۹۵۰ بشکه در روز و شرکت شل به تنهایی ۰۰۰/۳۱۰ بشکه در روز برداشت خواهند کرد. شرکت ملی نفت کویت حدود ۲۵۰۰۰۰ بشکه در روز برداشت خواهد کرد. پتروبراس و خریداران کوچکتر نیز احتمالاً ـ حدود ۲۰۰۰۰۰ ۱۷۵۰۰۰ بشکه در روز برداشت خواهند داشت. در صورتی که سطح تولید امین اویل و شرکت نفتی عربی حفظ شود، کل تولید کویت حدود ۲ میلیون بشکه در روز خواهد بود.

طبق آمار بانک مرکزی کویت، درآمد نفتی کویت در سال ۱۹۷۵ معادل ۲ میلیارد دینار کویت (یک دینار کویت ۵۰/۳ دلار آمریکا) یا حدود ۷ میلیارد دلار خواهد بود. گمان نمی کنیم که این رقم دربرگیرنده درآمدهای حاصله از محصولات نفتی؛ و نیز دربرگیرنده تغییرات اخیر قیمت یا تغییرات ناشی از کاربرد متقابل قرارداد تصرف شرکت نفت کویت باشد. و فکر نمی کنم که درآمد کل نفتی کمتر از ۷ میلیارد دلار باشد. و در صورتی که درآمد سرمایه گذاری یک میلیارد دلاری نیز احتساب شود، دریافتی کل دولت کویت در سال ۱۹۷۵ بیش از ۸ میلیارد دلار خواهد بود.

در سال ۱۹۷۶ افزایش قیمت ها حدوداً یک میلیارد دلار به این درآمد خواهد افزود؛ در صورتی که سطح تولید معادل ۲ میلیون بشکه در روز حفظ شود، که احتمالاً با در نظر گرفتن قراردادهای جاری نیز همین طور خواهد بود.

ث- پروژه های مهم نفتی

بنابراین، علی رغم کاهش عمده سطح تولید، درآمد نفتی کویت، گرچه از سال ۱۹۷۴ کمتر است، ولی همچنان رو به ازدیاد خواهد بود. این سطح درآمد به کویت اجازه خواهد داد که برنامه های جاه طلبانه کمک اقتصادی و پروژه های عمومی خود را دنبال کند.

مهم ترین پروژه در دست احداث، پروژه بهره برداری گاز کویت است. هدف این پروژه جمع آوری گازی است که قبلاً به هدر می رفت، تا به صورت گاز مایع نفتی به خصوص گاز پروپان، بوتان و بنزین طبیعی درآید. در سال ۱۹۷۵ مهم ترین پیمانکاران و تدارک کنندگان انتخاب گردیدند و ساختمان اصلی آن در سال ۱۹۷۶ آغاز خواهد شد. تأسیسات گاز مایع رسماً ۵/۵ میلیون تن در حال تولید خواهد داشت؛ لیکن اگر سطح تولید مانند سال ۱۹۷۵ باشد، ظرفیت تولیدی موردنظر کارخانه تحقق نخواهد یافت.

در حال حاضر تمام گاز موجود در کویت در رابطه با نفت تولید می گردد. یکی از مشکلات تصمیم گیرندگان کویت، مشکلی است که در نتیجه افزایش تقاضا برای گاز به عنوان یک ماده خام یا سوخت یا به عنوان یک کالای صادراتی یا کاهش عرضه ناشی از کاهش تولید نفت ایجاد می گردد. امکان وجود گاز نامرتبط نیز در کویت هست. یک حوزه عظیم گازی خارج از خشکی وجود دارد و دولت کویت به زودی اقدامات مربوط به بهره برداری از آن را آغاز خواهد کرد. گمان می رود که در داخل خشکی نیز در بخش تحتانی حوزه نفتی بورگان، گاز وجود داشته باشد و شرکت نفت کویت با آغاز یک پروژه ۱۰ میلیون دلاری سه ساله در نظر دارد وجود آن را به اثبات برساند. دیگر فعالیتهای اکتشافی در بخش بعدی این گزارش مورد بحث قرار خواهد گرفت.

پروژه بزرگ دیگری که مورد بحث است پروژه جدید پالایش گاز است. این پروژه نیز، مانند پروژه بهره برداری گاز کویت، بیش از ۱ میلیارد دلار هزینه برمی دارد. در حال حاضر شرکت ملی نفت کویت دارای تمام اختیارات مربوط به بررسی جنبه های فنی و اقتصادی پروژه جدید پالایش ۲۵۰۰۰۰ بشکه در روز است، که مانند پالایشگاه پروژه بهره برداری گاز کویت با ظرفیت ۱۸۰۰۰۰ بشکه در روز در شعیبه از تکنیک نفت- هاش (H-Oil) استفاده خواهد کرد. این شرکت نمی داند که یک پالایشگاه کاملاً جدید بسازد و یا طبق ترجیح وزارت نفت، پالایشگاه موجود شرکت نفت کویت را مدرنیزه کند.

شرکت ملی نفت کویت یک برنامه ۱۵۰ میلیون دلاری گسترش و بهبود را در پالایشگاه شعیبه آغاز کرده است. در طول سال یک پروژه رفع اشکال به اجرا درآمد و ظرفیت اسمی پالایشگاه به سطح ۱۸۶۰۰۰ بشکه در روز رسید. واحدهای جدید ایزوماکس و نفت- هاش نیز به آن اضافه خواهد شد. شرکت ملی نفت کویت علاوه بر پروژه ایجاد ذخیره گاه در دماغه کویت و گسترش فعالیت های بازاریابی در خارج از کویت، چند پروژه کوچک تر دیگر را نیز درنظر دارد. چند پروژه پتروشیمی نیز در دست بررسی است که مهم ترین آنها احداث کارخانه

۲۰۰ میلیون دلاری آروماتیک است که وسیله شرکت صنایع پتروشیمید دبلیو. آر. گریس (WRGrac) مشترکاً ساخته خواهد شد. شرکت صنایع پتروشیمی نیز با در نظر گرفتن موجودی گاز، پروژه های پتروشیمی دیگری نیز احداث خواهد کرد.

فعالیت های تانکری نیز مهم ترین عنصر برنامه نفتی کویت است. در سال ۱۹۷۵ شرکت تانکرهای نفتی کویت اولین نفتکش از نوع VLCC را دریافت کرد و سه تانکر بزرگ دیگر را نیز سفارش داده است، و احتمالاً سفارشهای دیگری نیز خواهد داد. شرکت ملی نفت کویت یک بودجه ۲۰۰ میلیون دلاری را به خرید تانکرهای محصولات نفتی اختصاص داده است. دولت کویت در سال ۱۹۷۵ به منظور اعمال کنترل بیشتر بر بخش نفتی، تصمیم گرفت ۴۹ درصد از سهام شرکت تانکرهای نفتی کویت را که از آن بخش خصوصی بود به خود اختصاص دهد. علاوه بر تانکرهای نفتی، شرکت ملی نفت کویت چهار فروند تانکر مخصوص حمل گاز مایع سفارش داده است. به طور کلی، حدود یک میلیارد دلار به خرید وسایل حمل و نقل نفتی اختصاص داده می شود. در میان کشورهای اوپک (عربی) کویت بزرگ ترین عملیات نفتکشها را در اختیار دارد و در آینده نزدیک فعالیتهای خود را در زمینه حمل و نقل گسترش خواهد داد.

ج- امتیازات کوچک تر

شرکت نفت کویت بر صحنه نفتی کویت سلطه دارد، لیکن در سال گذشته صاحبان امتیازهای کوچک نیز فعالیتهای جالبی داشته اند. شرکت امین اویل، پس از دوران تحریم، از تمایل برخی مشتریان خود به خرید نفت این شرکت که دارای سولفور بیشتری بود و قبل از فروش باید تصفیه می شد سود بسیار برده است. در بخش اعظم سال، سطح تولید آن بیش از تولید سال ۱۹۷۴ و حدود ۸۵۰۰۰ بشکه در روز بود. در پایان سال وضع بازاریابی امین اویل وخیم تر شد، و مقامات شرکت فکر نمی کردند که سال ۱۹۷۶ مانند سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ سودآور باشد. شرکت مزبور به تلاش مهم اکتشافی خود در منطقه حائل بین کویت و عربستان سعودی ادامه خواهد داد. قرار بود این شرکت با شرکت نفتی گِتی که یکی از صاحبان امتیازش عربستان سعودی است و در حوزه «وفره» و اطراف آن با امین اویل سهیم است، همکاری نماید. لیکن، گتی ظاهراً با مشکلاتی روبرو شده و مشارکتی نخواهد داشت. ولی با حمایت کامل از طرف دولت کویت، امین اویل تلاش خود را آغاز خواهد کرد، و احتمالاً در سال ۱۹۷۶ متوجه خواهد شد که نفت مهمی در این نقطه وجود دارد یا خیر.

موقعیت امین اویل مشکوک است. در حال حاضر شرکتی است ۱۰۰ درصد آمریکایی که بر یک نظام مالیاتی ویژه که معادل ۶۰ درصد سهام است با دولت کویت همکاری می کند. وزیر نفت در یک کنفرانس مطبوعاتی پس از قرارداد تصرف شرکت نفت کویت اعلام داشت که ملی شدن امین اویل مورد بررسی است، ولی معلوم نیست که منظور وی تصرف کامل شرکت

بوده و یا در نظر داشته از پاسخ دادن به سؤالات روزنامه نگاران اجتناب ورزد. گرچه مقامات امین اویل متعجب نخواهند شد اگر دولت کویت خواستار تصاحب ۱۰۰ درصد شرکت شود، آنها یادآور شده اند که تا به حال از طرف دولت کویت در این مورد فشاری به شرکت وارد نشده است. مقامات امین اویل قبول دارند که تا به حال دولت کویت مشغول مذاکرات مربوط به شرکت نفت کویت بوده است و حال که این مذاکرات خاتمه یافته، نوعی تصاحب دولتی امین اویل بعید نخواهد بود. ولی این امر در حال حاضر قطعی نیست و طرفین ظاهراً آرام هستند.

همین امر در مورد شرکت نفت عربی با مدیریت ژاپنی که یک امتیاز مشترک بین کویت و عربستان سعودی است مصداق دارد. در مورد تصاحب ۶۰ درصد سهام شرکت نفت عربی بین این شرکت و دولت کویت توافق حاصل شد، لیکن این توافق هرگز و به طور رسمی به مجلس ملی تسلیم نشده است. در رابطه با عربستان سعودی، دولت سعودی به شرکت نفت عربی دستور داده است تا اتمام مذاکرات آرامکو منتظر بماند. در عین حال، توافق مالی بین دولت کویت و سعودی که معادل ۶۰ درصد سهام مشارکت است به قوت خود باقی است. تصرف کامل شرکت نفت عربی هنوز تصریح نشده است. مقامات شرکت و نیز کاظمی اظهار داشته اند که اداره عملیات خارج از خشکی شرکت نفت عربی بسیار دشوارتر از عملیات کلاسیک داخل خشکی شرکت نفت کویت است. موضوع تصرف کامل شرکت، وسیله یک و یا هر دو دولت موقتاً لاینحل باقی مانده است.

این موضوع، همراه با اشکالات موجود در مورد فروش نفت خام خَفجی که مهم ترین نفت تولیدی شرکت نفت عربی است، موانعی بر سر راه سرمایه گذاری و گسترش ایجاد کرده است. شرکت نفت عربی می رفت تا روزانه ۷۰۰۰۰۰ بشکه نفت تولید کند، اما در حال حاضر سطح تولید معادل نیمی از آن است. در صورت افزایش تولید، ممکن است شرکت نفت عربی بخواهد یک کارخانه کوچک گاز مایع نیز احداث کند، لیکن ترجیح می دهد که دولت احداث این پروژه را در اختیار بگیرد. علاوه بر این، مشکلات مرزی نیز گسترش حوزه نفتی «دورا» را که بخشی از آن در منطقه شرکت نفت عربی است دچار اشکال خواهد کرد. بعضی از پروژه های کوچکتر که مستقیماً با تولید جاری نفتی مرتبط هستند، از قبیل پروژه لک زایی (نفتی) احداث خواهند شد، اما چند ابتکار عمده دربرگیرنده افزایش تولید نفت، نیاز به تصریح ضرایب حقوقی و اقتصادی دارد، و به سرعت انجام نخواهد شد.

به همین ترتیب، به خاطر اختلافات مرزی میان کویت، عربستان سعودی و ایران، شرکت شل نیز نخواهد توانست امتیاز خارج از خشکی خود را گسترش دهد. دولت کویت در سال ۱۹۷۵ به شرکت شل فشار وارد آورد تا در مورد امتیاز خود اقدامی انجام دهد. لیکن شرکت به خاطر اختلافات مرزی از انجام آن خودداری ورزیده است. حضور حوزه گازی دورا و تمایل دولت کویت به بهره برداری از این حوزه غنی سبب خواهد شد که توجه دولت کویت به امتیاز

شل متمرکز گردد؛ به خصوص به خاطر رابطه جدید بین دولت کویت و شرکت که پس از شرکت های گلف و بریتیش پترولیوم به صورت بزرگ ترین خریدار نفت خام کویت درآمده است. ممکن است امتیاز شل نیز مورد مذاکره مجدد قرار گیرد تا نشانگر تغییر اوضاع باشد. در همین حال، دولت کویت در تلاش است تا با همسایگان خود به توافق برسد، گرچه تا به حال عربستان سعودی اصرار ورزیده است که این محدوده از آن اوست ولی دولت کویت نیز معتقد است که این منطقه از آن کویت می باشد.

بقیه امتیازات موجود از آن شرکت نفت اسپانیا و کویت، یعنی شرکت ملی نفت کویت و هیسپانول است. امتیازات شرکت نفت اسپانیا و کویت بخش اعظم غرب کویت را شامل می شود و شرکت نفت کویت در گذشته و شرکت نفت اسپانیا و کویت در زمان حال نتوانسته اند به نفتی که قابلیت تجاری داشته باشد دست یابند. هیسپانول، به دنبال سازماندهی مجدد، تصمیم گرفته است یک بار دیگر شانس خود را آزمایش کند و در نظر دارد تا چاه عمیق (۱۳۰۰۰) به ارزش ۶ میلیون دلار حفر کند. بر اساس نتایج حاصله از حفر این چاهها، احتمالاً شرکت مزبور در سال ۱۳۵۵ تصمیم به «ادامه یا قطع» کار خواهد گرفت.

چ- مسائل نفتی سال ۱۹۷۶ کویت

اولین اولویت برای دولت کویت تحکیم اهداف مهم سال ۱۹۷۵ است. پس از یک سال مشکلات داخلی، کاظمی وزیر نفت، ظاهراً توانسته است تفوق خود را بر بخش نفتی به اثبات برساند. در صورتی که پارلمان قرارداد تصرف شرکت نفت کویت را تأیید کند، روند طولانی مذاکره با دو شرکت بزرگ غربی خاتمه می یابد. خلاصه اینکه، دولت به طور کلی و کاظمی بالاخص باید تصمیم بگیرند که اکنون که کنترل کامل صنعت نفت کویت در دست آنهاست، با آن چه بکنند.

سازمان اصلی صنعت تشکیل شده، لیکن تصمیمات مهم مربوط به سیاست آن باید اتخاذ گردد که طی آن باید نقش شرکت ملی نفت کویت و وظایف آن نیز مشخص گردد. کاظمی در فرصت های مختلفی در سال ۱۹۷۵ اظهار داشت که این شرکت «به عنوان» یک شرکت ملی نفت از نقش مهمی برخوردار خواهد بود. ولی معنی آن چیست؟ به طور مثال، آیا شرکت نفت کویت اختیارات مربوط به فروش نفت و یا اختیارات مربوط به پروژه بهره برداری گاز کویت را به دست خواهد گرفت؟ نقش شرکت نفت کویت و نقش غیرمستقیم گلف و بریتیش پترولیوم چیست؟ در ورای این تصمیمات مربوط به خط مشی، مسائل مربوط به مدیریت مؤثر و ارزشمند یکی از بخشهای مهم منابع نفتی جهان نیز نهفته است.

دومین زنجیره مسائل دولت کویت مربوط به سطوح قیمت ها و تولید است. معمولاً- منابع موثق ادعا می کنند که کاظمی خواستار افزایش تولید و رسیدن آن به سطح ۳ میلیون بشکه در روز است. لیکن اگر قرار باشد سطح تولید به ۲۵/۲ یا ۵/۲ میلیون بشکه در روز افزایش یابد،

قیمت نفت خام کویت احتمالاً بایـد کاهش یابد. در صورتی که دولت کویت این کار را انجام دهد خصومت شـرکای خود را در اوپک برانگیخته و به وحدت آن ضربه خواهد زد.

بـا این وجود فکر می کنیم به دنبـال فشارهایی که اعمال می شود دولت کویت مجبور خواهـد شـد قیمت نفت خود را حـداقل کمی پایین بیاورد، و تعجب نخواهیم کرد که اگر دولت کویت سـطح تولید خود را به سطح تولید سال ۱۹۷۴ افزایش دهد، به هر حـال، دولت کـویت مجبـور است برای اولین بـار عوامـل بـازار بین المللی را مورد ملاحظه قرار دهـد؛ البته در صورتی که بخواهد موقعیت مهم خود را در بازار جهانی حفظ کند.

کویتی هـا احتمالاً در رابطه با پروژه های مهم، در سال ۱۹۷۶ در جبهه های متعـددی حرکت خواهند کرد. همانگونه که اشاره شـد، احـداث پروژه بهره برداری گاز کویت بایـد آغاز شود و برنامه ریزی پروژه های مهم پالایشگاهی و پتروشـیمی نیز آغاز خواهـد شـد. به موازات این پروژه های مهم، خریـدهای مربوط به حمل ونقل نفتی آغاز خواهد گردید. گذشـته از آن، دولت کویت بر شـرکت نفت اسپانیا و کویت، امین اویـل و شـرکت نفت کویت و برنـامه هـای اکتشـاف گـاز نظـارت دقیقی اعمال خواهـد کرد به این امیـد که موفقیت آنها تأمین شود تا بتواننـد چیزی به ذخایر موجود کشور بیفزاینـد. این پروژه ها به سـرمایه گـذاری چنـد میلیارد دلاری نیاز خواهـد داشت، لیکن امیـد می رود که درآمـد و ثروت کشور را افزایش دهنـد. بنابراین، این تلاشها در مرکز تلاشهای عمرانی اقتصادی کویت واقع می شوند.

دولت کـویت بـا بـدوش کشـیدن مسئولیت مـدیریت صـنعت نفت، علاوه بر ملاحظـات معمول، متوجه خواهـد شـد که بـاید ملاحظات اقتصادی و سیاسی داخلی و بین المللی را نیز در نظر بگیرد که روند تصمیم گیری را دچار اشکال خواهد کرد.

از نظر داخلی، فشار متناقض مربوط به افزایش تولید به منظور افزایش درآمد و افزایش گاز موجود حائز اهمیت است. از طرف دیگر، در مورد پایـان یـافتن منـابع و نیز کـاهش ارزش ذخـایر ارزی مـازاد ناشـی از فروش نفت نیز نگرانیهایی وجود دارد. در صحنه بین المللی، کویت سـعی خواهـد کرد به وظایف خود به عنوان یک تولیـد کننـده نفتی عمل کنـد، لیکن همیشه برآورد نیازهای بازار و تطبیق آن با مصوبات اوپک کار ساده ای نیست. یک عنصـر جدید و در مرحله کنونی نگران کننده، کنفرانس همکاری اقتصادی بین المللی است که در آن نمایندگان اوپک، کشورهای رو به رشد و کشورهای پیشـرفته به استثنای کویت با هم ملاقات خواهند کرد.

فکر می کنیم که دولت کـویت عوامـل متعـدد را سـبک و سـنگین خواهـد کرد، لیکن نکته مهم این است که تمایلات دولت کویت نیز خـالی از تنـاقض نیست. بنـابراین، مقامـات کویتی بایـد تصـمیم بگیرنـد که به چه راهی برونـد و یـا چه مصـالحه ای انتخاب نمایند. تا به حال این تصـمیمات یا وسـیله دیگران اتخاذ می شد و یا اصولاً از تصمیم گیری اجتناب می شد. از حالا به بعـد اجتناب از آن دشوار خواهد بود و به جز دولت کویت هیچکس قادر به تصـمیم گیری در مورد آنها نیست. این مهم ترین جنبه جدید در امور نفتی سال ۱۹۷۶ کویت خواهد بود و نحوه

پاسخگویی مؤثر به چالشهای کشور در پی نحوه اداره منابع نفتی آن در سال ۱۹۷۶ و پس از آن خواهد بود. عملکرد دولت کویت و نیز دیگر سازمانهای دخیل کویتی بر آنها و نیز آمریکا که به نحوی از انحا در تولید، حمل و نقل و یا فروش نفت کویت مداخله دارد، تأثیر مهمی خواهد داشت.

رویدادهای نفتی عمان در سال ۱۹۷۵

سند شماره ۳۹

محرمانه۱۶ ژانویه ۱۹۷۶ ۲۶ دی ۱۳۵۴

از: سفارت آمریکا، مسقط ۰۳ الفبه: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، امان، دوحه، جده، کویت، لندن، منامه، تهران

مرجع: ۷۵ مسقط ۳۳ الف، ۷۵ مسقط ۴۴ الف، ۷۵ مسقط ۱۴۱۹

موضوع: رویدادهای نفتی عمان در سال ۱۹۷۵

خلاصه: تولید نفتی عمان در سال ۱۹۷۵ به طور متوسط ۳۴۰۰۰۰ بشکه در روز بود که نسبت به سال ۱۹۷۴ معادل ۱۵ درصد افزایش داشت. دولت در سال ۱۹۷۵ حدود ۲/۱ میلیارد دلار درآمد نفتی نصیب خود کرد و درآمد نفتی آن در سال ۱۹۷۶ بیش از ۴/۱ میلیارد دلار خواهد بود. ولی ممکن است روزهای پررونق نفتی عمان به زودی سپری شود. چون حوزه های شمالی به تدریج ته کشیده، هزینه های عملیاتی افزایش یافته، و احتمالاً تولید پیش بینی شده سال ۱۹۸۰ کمتر از سطح تولید چند سال گذشته خواهد بود. مناطق جدید واقع در مرز عربستان سعودی (مانند بلوک سونینا که اخیراً به کوین تانا اجاره داده شده) نیز چندان مثمرثمر نخواهد بود. حفاری های نفتی خارج از خشکی توسط شرکت سان اویل منجر به پیدایش مقادیر ناچیزی نفت در ۱۸ مایلی جنوب جزیره مُصیره شده است.

به منظور به تأخیر انداختن زمان پایان یافتن نفت، شرکت توسعه نفت عمان در جنوب کشور یک برنامه اکتشافی بسیار فعال را مدنظر قرار داده است. متأسفانه، بخش اعظم نفت مکشوفه در جنوب از نوع نفت سنگین است که تولید آن نیز پرخرج می باشد. لایه های صخره ای ناهموار و مشکلات عمده موجود در انتقال این نفت به ساحل نیز مسائل و مشکلات بیشتری را پدید خواهد آورد. طبق برآوردها هزینه سرمایه ای لازم برای توسعه و بهره برداری نفت ظفار بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار خواهد شد. از آنجا که مهم ترین سهامداران شرکت نفت عمان یعنی دولت عمان یا شرکت شل نیز مایل نیستند این مخارج را متقبل شوند، توسعه ذخایر جنوبی امکان پذیر نخواهد بود مگر آنکه از طریق عربستان سعودی و یا یکی دیگر از «فرشتگان» خاورمیانه ای این منبع مالی لازم تأمین گردد.

در عین هماهنگی بین دولت عمان و مدیریت شرکت نفت عمان، دولت به اعمال فشار بیشتری بر شرکای بخش خصوصی خود پرداخته است. قرارداد ماه دسامبر که منجر به بالا

رفتن عمده قیمت نفت شد، منافع شرکت شل را به شدت کاهش داد. با این وصف دولت عمان در رابطه با تصمیم گیریهای نفتی نسبتاً خونسرد است و مسائلی چون اعطای امتیازات نفتی خالی از هدف و نیرو بوده و بیشتر توأم با آشفتگی است. پایان خلاصه.

تولید: میانگین روزانه تولید نفت عمان در سال ۱۹۷۵ معادل ۳۴۰۰۰۰ بشکه بود که نسبت به سال قبل ۱۵ درصد افزایش یافت. سطح تولید که در شش ماه اول سال گذشته به طور متوسط ۳۱۰۰۰۰ بشکه در روز بود، در دو ماهه آخر سال ۱۹۷۵ به ۳۸۰۰۰۰ بشکه در روز رسید. تولید سال ۱۹۷۶ در سطح ۳۸۰۰۰۰ بشکه در روز به نقطه اوج خواهد رسید و پس از آن سیر نزولی در پیش خواهد گرفت. عوارض و درآمدهای نفتی دولت در سال ۱۹۷۵ حدود ۲/۱ میلیارد دلار بود. در همان حال که شرکت نفت عمان (۶۰ درصد در تصاحب دولت عمان، ۳۴ درصد در تصاحب شرکت نفتی شل، ۴ درصد در تصاحب شرکت نفت فرانسه و ۲ درصد در تصاحب شرکت نفت پارتکس) تنها شرکت تولید کننده به شمار می آمد، چند شرکت خارجی دیگر نیز به اکتشاف مشغول بوده و یا درصدد کسب امتیازاتی در این کشور هستند.

بنا به اظهار شرکت نفت عمان، مناطق شمالی که مولد تمام نفت حاضر در این کشور می باشند به حد بلوغ رسیده، به طور کامل مورد اکتشاف قرار گرفته و گمان نمی رود که بتوان در آنجا به کشفیات جدیدی دست یافت. تولید حوزه های قدیمی تر در نزدیکی فهود سیر نزولی در پیش خواهد گرفت و هزینه تولید چاههای نفتی موجود افزایش خواهد یافت. مدیران شرکت نفت عمان یادآور می شوند که حوزه قَبا هم اکنون معادل ۱۱۵۰۰۰ بشکه در روز و یا یک سوم کل تولید را فراهم می آورد؛ لخویر، که یک حوزه نفتی کوچک است تنها ۱۵۰۰۰ بشکه در روز تولید خواهد داشت، و تا اواخر سال ۱۹۷۶ یعنی پایان احداث خط لوله مربوطه وارد مرحله تولید نخواهد شد.

برآوردهای غیررسمی شرکت نفت عمان در مورد ظرفیت آتی تولیدی در مقایسه با آوریل گذشته بیشتر نشان داده شده است و به شرح زیر است:

سالبرداشت های تقریبی

(هزار بشکه در روز)

۱۹۷۵۳۴۰ (واقعی)

۱۹۷۶۳۸۰

۱۹۷۷۳۶۰

۱۹۷۸۳۲۵

۱۹۷۹۳۰۰

۱۹۸۰۲۶۰

از آنجا که شرکت نفت عمان ترجیح می دهد به طور محافظه کارانه برآوردهای تولیدی را

ارائه نماید، سعی می کند برداشت های احتمالی نفتی درحوزه های جنوبی را در این ارقام وارد نکند. شرکت مزبور هنوز هم معترف است که ذخایر تثبیت شده و مقرون به صرفه از نظر بازیافت در شمال عمان کمتر از ۲میلیارد بشکه است و ذخایر مزبور در کمتر از ۲۰ سال ته خواهد کشید. دولت عمان خوش بین تر است و معتقد است که کل موجودی این ذخایر حدود ۵ میلیارد بشکه است، البته در صورتی که ذخایر ظفار نیز بدان افزوده شود.

با این وصف، دولت شدیداً تلاش می کند تا پروژه های درآمدزا ایجاد کند تا جایگزین درآمد نفتی شوند.

قراردادهای مربوط به امتیازات: بر اساس قرارداد اصلی بین شرکت نفت عمان و دولت این کشور، حدود ۲۵ درصد از حوزه امتیازاتی شرکت نفت عمان پس از ده سال بهره برداری باید به دولت واگذار گردد. در سال های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵، شرکت مزبور به مناطق عظیم نفتی (غالباً غیرمکشوفه) در طول مرز عربستان سعودی دست یافت که دولت عمان سعی کرد آنها را به شرکت های خارجی اجاره دهد. در آوریل ۱۹۷۵ دولت عمان امتیازات مجاور مرز عربستان سعودی را به گروهی مرکب از شرکت نفت فرانسه، شرکت نفت اِرَپ، و شرکت نفت ژاپنی سومیتومو اجاره داد. در ماه نوامبر، دولت عمان امتیاز منطقه سونینا در شمال عمان را به شرکت نفت کوین تانا که یک شرکت اکتشافی کوچک از آن خانواده مارشال هوستون در تگزاس است اعطا کرد. دولت عمان سعی دارد مناطق وسیع ظفار غربی را نیز اجاره دهد.

دولت عمان امیدوار است که مقادیر زیادی نفت در منطقه مجاور مرز عربستان سعودی کشف گردد. شرکت نفت عمان معتقد است که میزان نفت غیرمکشوفه در این منطقه چندان زیاد نیست (که از واقع گرایی بیشتری برخوردار است). همان گونه که یکی از مدیران اکتشافی شرکت نفت عمان یادآور شد «اگر ما فکر می کردیم که احتمال کشف نفت در این منطقه زیاد است، آن را به حال خود رها نمی کردیم.» بعضی از ناظران معتقدند که شرکت کوین تانا به دلیل امکانات نفتی منطقه سونینا را اجاره نکرده است، بلکه می خواهد امتیازات مربوط به جاده سازی و حفاریهای آبی این منطقه را به خود اختصاص دهد.

در حفاریهای خارج از خشکی قدری موفقیت به دست آمد. شرکت سان اویل که در اوایل سال جاری منطقه ای را از شرکت نفت عمان خرید، چاهی در ۱۸ میلی جزیره مصیره حفر کرد. بافت های حاوی نفت و مقداری نفت نیز در اعماق ۷۰۰۰ و ۱۱۰۰۰ پایی به دست آمد، لیکن نفت مزبور از کمیت تجاری برخوردار نبود. سان اویل در نظر دارد در پاییز سال ۱۹۷۶ در منطقه ای دیگر نیز حفاریهایی انجام دهد. شرکت های اِلْفْ و اِرَپ در خارج از شبه جزیره مسندم به حفاری پرداخته اند لیکن نتیجه مثبتی عایدشان نشده است.

نفت جنوب عمان: بخش اعظم اکتشافات شرکت نفت عمان در جنوب عمان به عمل می آید که تاکنون نفت قابل تولیدی را ارائه نکرده ولی ظاهراً ذخایر عظیمی در بر دارد. سه گروه زلزله سنج به کار مشغول بود، و یکی از گروههای اکتشافی نیز دائماً به کار می پردازد.

مدیران شرکت نفت عمان معتقدند که پس از توسعه کامل حوزه های جنوب این منطقه خواهد توانست روزانه ۲۰۰۰۰۰ بشکه بازدهی داشته باشد. شرکت نفت عمان به منظور ایجاد هماهنگی بیشتر در تلاش های اکتشافی خود در جنوب، مناطق مختص به خود را به صورت یک منطقه درآورده است که از هیما و دماغه مصیره تا مرز ظفار و جمهوری دمکراتیک خلق یمن ادامه دارد. وزارت نفت نیز که از امکانات نفتی ظفار به هیجان آمده، در نظر دارد در سال ۱۹۷۶ در سلاله یکی از دفاتر خود را مستقر سازد.

آثار نفتی به دنبال چند حلقه چاه حفر شده در جنوب به دست آمد. دو سفره بزرگ نفتی تاکنون یافته شده که عبارتند از حوزه های امل و مرمول در ظفار شرقی. بیشتر نفت یافته شده در جنوب عمان از نوع نفت سنگین ۱۶ تا ۲۰ درجه و در اعماق ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ پایی است که باید توسط تزریق بخار و دیگر فنون پر خرج تولید تجاری استخراج شود. مقامات شرکت معتقدند که تولید هر بشکه نفت ۵۰/۳ دلار تمام خواهد شد. با این وصف، زمین شناسان شرکت نفت عمان یادآور شده اند که چند بافت زمین شناسی نوید بخش در جنوب وجود دارد که می تواند دربرگیرنده ذخایر عمده نفت سبک نیز باشد.

مقامات شرکت نفت عمان بر مشکلات فنی موجود در اکتشاف منطقه جنوب نیز تأکید دارند. بافت های صخره ای ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون سال (در مقایسه با بافت های ۱۰۰ میلیون ساله شمال) قدمت دارند، و بخش اعظم صخره ها ناهموار است. البته تعداد فسیل های ثابت کننده موجودیت بافتهای حاوی نفت معدود است، و تعابیر مربوط به اطلاعات زلزله سنجی نیز از پیچیدگی بسیار برخوردارند. مقامات شرکت نفت عمان معتقدند که تکنولوژی مورد نیاز اکتشاف و عمران این نفت آن قدر پیچیده است که تنها چند شرکت عمده چون اکسان، شل یا موبیل قادر به توسعه کافی نفت جنوب خواهند بود. شرکت نفت عمان در نظر دارد به جستجوی کامل و وسیع نفت بپردازد که تا سه سال آینده پایان نخواهد یافت و می تواند حدود ۱۰۰ میلیون دلار هزینه دربر داشته باشد.

حتی پس از نقشه برداری کامل از ذخایر جنوب، مشکلات عمده ای در رابطه با انتقال نفت به ساحل وجود خواهد داشت. شرکت نفت عمان در نظر ندارد از طریق خط لوله این نفت خام سنگین را به خط لوله اصلی قبا در شمال متصل سازد. در عوض به بررسی دو راه چاره دیگر پرداخته است:

کشیدن یک خط لوله از دُقم در مرکز عمان. دُقم که یک روستای ماهیگیری کوچک در جنوب غربی جزیره مصیره است، محل فرود تجهیزات اکتشاف نفتی در ده یا ۱۵ سال قبل بود، و به آسانی می توانستند آن را به صورت یک مخزن نفت و یا تجهیزات درآوردند. بادهای تند تابستانی نیز لطمه چندانی به این بند وارد نمی کنند. مضرات موجود در رابطه با دُقم عبارتند از انزوای کامل این منطقه از مناطق پرجمعیت بعدی تا فاصله ۲۰۰ میلی و فاصله بسیار زیاد خط لوله های مستقر در حوزه های بعدی جنوب تا اینجا.

انتقـال نفت توسـط خـط لوله به یکی از بنـادر مصـنوعی مقابل جزایر کوریا موریا. شـرکت نفت عمان احتمالاً این راه را اتخاذ خواهـد کرد آن هم در صورتی که اکثر ذخایر تثبیت شـده جنوب در اطراف حوزه های امل و مرمول در شـرق ظفار واقع شده باشند، تا پمپاژ آن از طریق یک خط لوله کوتاهتر امکان پذیر باشد. مشکلات اصلی این استراتژی مسائل مربوط به راندن نفت به ارتفاعات ۵۰۰۰ پـایی کوهسـتانی و از آنجـا به خط ساحلی منتهی به دریاست. از آنجا که بادهای تنـد تابسـتانی امواج را به ارتفاع ۲۰ پـایی ساحـل بلنـد می کنـد، شـرکت نفت عمـان مجبور است یک اسـکله مصـنوعی و تأسـیسات بارگیری خارج از خشکی نیز احداث کند.

این مشکلات اکتشافی، تولیدی و حمل و نقل، سرمایه ای معادل ۵۰۰ میلیون دلار نیاز خواهد داشت. مهم ترین مانع موجود در راه گسـترش حـوزه هـای جنوبی، یـافتن این منبع مـالی است. شـرکت نفت عمـان می توانـد از طریق درآمـدهای داخلی هزینه اکتشـاف را به عهـده گیرد، لیکن هزینه توسـعه آن قـدر زیـاد خواهـد بود که شـرکت نفت عمـان به منـابع خارجی نیز نیازمند خواهـد شـد. قرارگاههای شل مایل به تأمین این هزینه عمرانی نیست، مگر آنکه شـرکت نفت عمان میزان سود شـرکت شل را بالا ببرد. دولت عمان نیز علی رغم موضع خود به عنوان مهم ترین سـهامدار شـرکت مزبور، نه مایل است و نه می تواند مقادیر عمده ای از این سرمایه را فراهم آورد. گسترش کامل ذخایر جنوب تحقق نخواهد یافت مگر آنکه یکی از «فرشتگان» ثروتمند چون عربستان سعودی برای پر کردن این شکاف به پیش آید.

قیمت گـذاری و پرداخت ها به دولت: هر چند عمان عضو اوپک نیست، ولی از سـیاست قیمت گذاری اوپک پیروی می کند. به دنبال ۱۰ درصـد افزایش قیمت توسط اوپک در ماه اکتبر، دولت عمان نیز قیمت جدیدی در اختیار شـرکت نفت عمان قرار داد. قیمت به ۵۰۵/۱۲ دلار برای هر بشکه از ۲۹۸/۱۲ دلار افزایش یافت، در حالیکه بازخریـد مشارکت نفتی از ۴۰/۱۱ دلار به ۶۳/۱۱ دلار در هر بشـکه (برای تمام نفت های ۳۴ درجه) افزایش یافته بود. مالیاتها (۵/۶۵ درصد) و عوارض (۵۷/۱۶ درصد) نفت خـام، وضع سـابق خود را در پیش گرفت و تغییری نکرد، لیکن دولت عمـان شـرکت نفت عمان را متقاعـد ساخت که از اول اکتبر در ازای هر بشـکه، ۳۷۹/۱ دلـر بپردازد. میانگین خالص برداشت دولت عمان پس از تفریق هزینه عملیاتی و سـرمایه ای دولت، حدود ۲۰/۱۰ دلار در هر بشکه در سال ۱۹۷۶ خواهد بود که بیش از ۲۰/۹ دلار در سال ۱۹۷۵ است.

در عین حال که نه شرکت شل و نه دولت عمان از حساب و منافع داخلی شرکت نفت عمان مطلع نیستند، شواهد موجود نشان می دهـد که عملیـات موجود در عمان برخلاف سالهای گذشـته برای شـرکت شل سود چنـدانی به همراه نـدارد. علت نیز این است که بـا ته کشـیدن چـاه های نفت شـمال هزینه های عملیاتی و سـرمایه نیز افزایش یافته است. بانک مرکزی عمان برآورد کرده است که کل منافع داده شده به شل و شرکت نفت فرانسه توسط شرکت نفت عمان در سال ۱۹۷۴ معادل ۹۰ میلیون دلار بوده است ولی علی رغم افزایش بازده، این سودها

نیز کـاهش یافته است. کل هزینه های عملیاتی، اکتشافی و توسـعه ای از ۹۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۴ به ۱۲۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۵ افزایش یـافته است. سـود نفـتی شـل در عمـان به ازای هر بشـکه نفت از ۷۰/۰ دلـر، به ۳۵/۰ دلـر پس از آخرین قرارداد کاهش یافت، البته طبق محاسبات تقریبی ما و سخنان مدیران شرکت نفت عمان.

دولت عمـان و شـرکت نفت عمـان، هیچیـک، از قرارداد ماه دسامبر راضـی نیسـتند. قیمت بازخریـد (که نشانگر نرخ نفت خام کنونی عمـان در بـازار است) و قیمت تعیین شـده در مقـایسه با سال ۱۹۷۴ افزایش نـاچیزی داشت، چون تقاضـای جهانی برای نفت معتـدل بوده است. دولت عمان قیمتهای بیشتر را ترجیـح می دهـد و قطعاً به شـرکت نفت عمان فشار وارد خواهد آورد تا در قراردادهـای جـاری، هنگـام بهبـود وضـع بـازار تجدیـدنظر کنـد. از طرف دیگر، مـدیران شـل نگران ایـن امر هسـتند که بازپرداخت های نفت کاهش یافته و سـبب کاهش منابع مالی داخلی جهت استفاده در زمینه اکتشافات شود. تعدادی از ناظران یادآور شـده انـد که دولت عمان سـعی دارد در قبال شـرکت نفت عمان موضع شدیـدتری اتخاذ نمایـد که قبلاً هم این کار را انجام داده است. علی رغم این عدم توافق ها، دولت عمان میل دارد سهام شصت درصدی خود در شرکت نفت عمان را حفظ کند، و خواستار تصاحب ۱۰۰ درصد این شـرکت نخواهد شد. عمانیها نیز از تخصص مدیریت و فنی کافی در اداره شرکت و یـا طرح قیمت و اکتشـاف برخوردار نیسـتند. مقامات شـرکت نفت عمان می گوینـد شل مایل است در سالهای آتی به عملیات خود در عمان ادامه دهد، البته تا زمانی که سود عاید در قبال هر بشـکه نفت بین ۳۵/۰-۳۰/۰ دلار باشد. ولی شرکت از دولت عمان می خواهد که در ازای هر بشکه ۵۰/۰ دلار را به گسترش تجاری امتیازات اختصاص دهد.

گـاز طبیعی: گـاز مربوطه تولیـدی در حوزه هـای نفتی جنوب در حـال حاضـر مورد بهره برداری قرار نمی گیرد. دولت عمـان راههـای انتقـال این گاز را به ساحل جهت اسـتفاده در کارخانه نمک زدا و یا کارخانه تهیه کود مورد بررسـی قرار داده است. چنـد شـرکت، از قبیـل تسورو تگزاس و گَس اوشن فرانسه دربـاره احـداث یـک کارخانه گاز مایع نفتی و گاز طبیعی نفتی، با دولت عمـان مـذاکره کرده انـد، لیکن در حـال حاضـر تسورو و گَس اوشن دست از این پروژه هـا برداشـته انـد. دولت عمـان پیشنهادات شرکت های کوچک و سرمایه داران خارجی را چندان جدی تلقی نمی کند.

مشـکل اصـلی این است که ذخایر گازی عمان آن قدر کم است که صدور آن سودآور نیست. کل بازده گازی فهود و حوزه قبا حدود ۲۰۰ میلیون فوت مکعب در روز است، و این مقدار برای سـرپا نگاهداشـتن پروژه صدور گاز مایع کافی نیست. گاز مـایع موجـود را می توان از طریق خطوط لوله ۱۰ اینچی جهت اسـتفاده تأسیسات محلی به ساحل فرستاد. دولت عمان در نظر دارد با استفاده از همین گاز کیفیت نفت خام صادراتی عمان را بالا برد.

نقش دولت عمان در تصمیم گیریهای نفتی: علی رغم اینکه اکثریت سهام شرکت نفت

عمـان از آن دولت این کشور است، این دولت تا به حال در زمینه تصـمیم گیریهای نفتی نقشـی نسـبتاً خونسـردانه را ایفا کرده است. تعداد مقامات دولتی مطلع در امور نفتی بسـیار انگشت شـمار است، و معمولاً در زمینه اکتشاف و عمران از شل مشورت می پذیرنـد. شورای نفتی که در آوریـل ۱۹۷۵ تشـکیل شـد، دسـتخوش تفرقه مشورتی شده است. شـریف لطفی مشاور بانک عمران و بازسازی بین المللی نیز احتمالاً متنفذترین عضو شورا است، و معاون و سرپرست بانک مرکزی یعنی یوسف نعمت الله نیز از اهمیت بسـیاری برخوردار است. از طرف دیگر وزیر نفت یعنی الشـنفاری در مسائـل نفتی کم اطلاع است و به شـدت بر نمایندگان تترا تِک که یک شرکت مشاوره آمریکایی است متکی می باشد.

عـدم تجربه دولت عمـان در امور نفتی در آشـفتگی موجود در اعطـای امتیـازات مشـهود است. یـک شـرکت نفتی که اخیراً با دولت عمـان وارد مـذاکره شـده بود اظهـار داشت که ظاهراً بین مقامات مسـئول نفتی هماهنگی چنـدانی وجود نـدارد. به طور مثال، نماینـدگان شـرکت ها چنـدین بار وادار شـده اند که در جلسات توجیهی در برابر نعمت الله، مشاور حقوقی وزارت نفت حمید الحرثی، مشاور معادن اسـماعیل البوشـی، و علی البطشی از وزارت نفت چندین بار مسائل مربوط به یک منطقه را جهت یادآوری مجـدد تکرار کنند. دولت عمان در زمینه ارائه ارقام گزاف تولید و ذخایر آتی بی تقصیر نبوده است، و ما از این می ترسـیم که مبـادا بعضـی از مقامـات تبلیغـات دروغین خود را نیز بـاور کننـد. مـدتها بایـد بگـذرد تـا دولت عمـان بتوانـد مانند همسایگان خود در خلیج [فارس] شمالی از استقلال در امور نفتی برخوردار گردد. وُل

رویدادهای نفتی امارات شمالی

سند شماره ۴۰

محرمانه۲۳ می ۱۹۷۶ ۲ خرداد ۱۳۵۵

از: سفارت آمریکا، ابوظبی الف ۴۰به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوحه، جده، کویت، منامه، مسقط، تهران.

مرجع: الف) ابوظبی ۷۵/۴/۹ ۵۷ الـف ، ب) ابوظبی ۷۵/۶/۵ ۲۵ الف، ج) ابوظـبی ۷۵/۱۵/۳ ۱۵ الف، د) ابوظـبی ۷۶/۳/۵ ۳۶ الف، ه (ابوظبی ۷۵/۳/۳ ۱۲ الف

موضوع: رویدادهای نفتی امارات شمالی

افسـر گزارشـگر در سـفر اخیر خود به امارات شـمالی فرصت یافت تا با نورمن اسـتاپی (حفاظت شود) نماینده آمریکایی گروه نفتی ام القوین گفتگو کنـد. این وضـعیت نه تنهـا باعث شـد که به عملیات ام القوین عمیق تر نگریسـته شود بلکه نکات جالب توجهی نیز در مورد دیگر فعالیتهای نفتی شمال آشکار گردید.

استاپی در رابطه با فجیره، اظهار داشت که مطالبش مکمل گفتگویی است که وی طی همان سفر با شیخ حمد حاکم آنجا داشته است. در مورد هر یک از امارات جزئیات به شرح ذیل است:

دوبی

در دوبی تگزاس - پاسیفیک امتیازات نفتی خارج و داخل خشکی را از طرف مؤسسه نفتی دوبی عهده دار است. بنا به گفته استاپی، تگزاس - پاسیفیک چاهی در خارج از خشکی حفر کرده بود لیکن پس از رسیدن به عمق ۱۴۰۰۰ پایی درست چند روز قبل از این گفتگوها از ادامه کار دست برداشته بود. این شرکت توجه خود را به نقاط داخل خشکی معطوف خواهد داشت تا بتواند در تابستان ۱۹۷۶ دو حلقه چاه حفر کند.

شارجه

الف- بنا به گزارش استاپی، شرکت کرسنت در نظر دارد طی تابستان جاری دو حلقه چاه نفتی دیگر در حوزه مبارک حفر کند. بنا به گفته استاپی، کرسنت هنوز هم دچار مشکلات است (مرجع الف و قبل از آن) در حالیکه یکی از چاههای آن بیش از انتظار تولید می کند. در حقیقت و با در نظر گرفتن این مشکلات معلوم نبود که آیا این شرکت حاضر است بیش از این در رابطه با گسترش حوزه، سرمایه گذاری کند یا خیر. ولی حالا که سومین حلقه چاه حفر شده نیز وارد مرحله تولید شده، شرکا آماده اند چاههای دیگری در همین حوزه حفر کنند تا شاید بخت به آنها روی آورد.

ب- در رابطه با امتیازات داخل خشکی شارجه، استاپی گفت که کریستال پترولیوم امتیاز خود را بازپس داده و این منطقه بار دیگر منتظر است تا به فروش رسد. ظاهراً خروج کریستال پترولیوم چندان دوستانه نبود چون حاکم شارجه اعلام کرده که این شرکت نتوانسته است شرایط مندرج در قرارداد امتیازی را برآورده سازد (مرجع ب) ظاهراً منظور شیخ سلطان این بود که کریستال پترولیوم تنها اقدام به تکمیل چاه «جان مکوم» کرده ولی اقدام به حفر چاه جدیدی ننموده است. بنا به گفته استاپی، حاکم شارجه گفته بود که قصد دارد شرکت کریستال را به پرداخت ۳۰۰۰۰۰ دلار جریمه محکوم نماید ولی بعدها از این کار منصرف شده است (چون به طور خصوصی و با پرداخت نیمی از مبلغ موردنظر، مسئله فیصله داده شده بود.)

تذکر: از زمان تدوین مطالب فوق، اعلام شده است که شارجه حاضر است امتیازات جدیدی واگذار کند. شرکت طالب این امتیاز نیز نماینده مشترک دو شرکت آمریکایی یعنی نیکلوس اویل اند. گَس و پیناکل است. طبق نوشته مطبوعات، شرکتها توافق کرده اند که سه حلقه چاه ۱۶۰۰۰ پایی حفر نمایند و در طول مدت ۳۰ ماه معادل ۱۲ میلیون دلار سرمایه گذاری کنند. خلاصه اینکه، این بار به میل سلطان چاههای جدیدی حفر خواهد شد. جالب توجه اینکه مدیر قبلی کریستال در شارجه که خواهان حفر چاههای جدید شده بود به عنوان نماینده دو شرکت جدید در شارجه وارد عمل شده است.

پ- در نهایت در خارج از خشکی شارجه نیز امتیاز دیگری به شرکت هوستون اویل و مینرالز واگذار شده که همان منطقه حمریا شمالی شارجه است (که خط ساحلی خلیج فارس

در امتداد شارجه و عمان بین این دو امارت تقسیم گشته است). هوستون اویل و مینرالز که توجه خود را به ام القوین معطوف داشته فعلاً در نظر ندارد در این منطقه اقدام به حفاری کند. (به مطالب پایین رجوع شود).

عجمان

اقدامات زلزله سنجی شرکت «یونایتد ریفانینگ» عجمان (مرجع پ) بی نتیجه ماند و امتیاز در سال ۱۹۷۵ پس داده شد که هیچگونه تخاصمی در این مورد به همراه نداشت.

ام القوین

الف- گروه نفتی ام القوین (مرجع پ) شدیداً مشغول اکتشاف است. شرکت نفتی زاپاتا به عنوان عامل اجرا می کند و گروه نیز به خاطر موجود بودن دستگاه حفاری در ژانویه ۱۹۷۶ یعنی زودتر از موقع مقرر اقدام به حفاری نمود. این چاه که در ۱۴ میلی ساحل قرار دارد در تاریخ ۱۲می دارای عمقی برابر با ۱۵۱۴۰ پا بود. از منطقه ای که امکان تولید داشت، یک نمونه هسته ای برداشته شده است. نمونه دوم می بایستی در تاریخ ۱۲ می از دومین و بزرگ ترین منطقه برداشته می شد. سومین و آخرین منطقه در اعماق ۱۵۸۵۰ پایی آزمایش خواهد شد. پس از آن گروه متوجه خواهد شد که آیا این منطقه دارای نفت هست یا خیر. بنا به گفته استاپی شواهد این منطقه نشان می دهد که گاز موجود بیش از نفت است ولی این امر نیز هنوز به اثبات نرسیده است.

طبق گفته استاپی، حفاری در منطقه ام القوین با ریسک بسیاری همراه است چون بافت نفتی آن شبیه بافت نفتی ابوظبی و رأس الخیمه نیست بلکه نفت گُسل است. استاپی گفت گرچه تمام شواهد دال بر وجود نفت در این بافت است ولی امکان دارد نفت موجود ناشی از قرنها نشت نفت در اثر اقدامات ناموفق انجام شده برای استخراج نفت در حوزه خلیج [فارس] (مانند کویت) باشد. استاپی می گوید اگر این چاه نفت داشته باشد تولید روزانه ۲۰۰۰ بشکه در روز نیز برای این گروه از نظر اقتصادی مقرون به صرفه خواهد شد. طبق قرارداد آنها و دولت ام القوین تا ۵۰۰۰۰ بشکه تولید روزانه ۱۶٪ حق امتیاز پرداخت می شود و میزان آن به تدریج افزایش می یابد. میزان مالیات نیز، مانند دیگر تولید کنندگان کوچک امارات متحده عربی برابر ۵۵٪ خواهد بود.

طبق اظهارات استاپی اگر این چاه موفقیت آمیز نباشد، گروه اقدام به حفر یک حلقه چاه دیگر خواهد کرد. در حال حاضر آنها ۵/۱ میلیون دلار سرمایه گذاری کرده اند که ۳۰۰۰۰۰ دلار آن حق اجاره سال اول است و ۴۰۰۰۰۰ دلار آن برای سال جاری، که تقریباً مبالغ مشابهی نیز در دو سال بعد پرداخت خواهد شد. استاپی معتقد است که این بار حداقل برای یک بار هم که شده حفر چاه جدید آزمایش می شود. اگر این طور باشد، تلاش جدید در نزدیکی مرز

رأس الخیمه یعنی یک منطقه چهار میلی که بر سر آن بین شارجه و رأس الخیمه اختلاف است صورت خواهد گرفت. البته باید اقدامی در این مورد صورت گیرد تا قبل از آغاز حفاری گروه این اختلافات نیز حل شود.

در نهایت استاپی خاطرنشان ساخت که میزان مشارکت گروه ام القوین بر عکس گزارش مرجع پ تفاوت پیدا کرده که ترکیب آن به شرح ذیل است:

زاپاتا اکسپلوریشن

۲/۷۱٪ (گرداننده)

کانادین سوپریور

۲۵٪

یونایتد ریفاینینگ

۲۰٪

آسامرا

۲۰٪

کوانی

۱۰٪

آنادارکو پروداکشن

۲/۷۱٪

گلف اویل

۱۰٪

آنادارکو که یک شرکت آمریکایی است سهام خود را از زاپاتا و گلف که در ماه گذشته به این گروه پیوسته بودند خرید، که ۵٪ از سهم یونایتد ریفاینینگ و ۵٪ از آسامرا خریداری کرده بودند. در نتیجه ۵۵٪ سهام از آن شرکتهای آمریکایی و ۴۵٪

بقیه از آن شرکتهای کانادایی است. استاپی خاطرنشان ساخت که اکثراً از پیوستن گلف به این گروه ناراضی بودند چون یک شرکت بزرگ است و منافع آن با منافع شرکت های کوچکتر که گروه را به انحصار خود درآورده بودند در تضاد بود. علاوه بر این، استاپی معتقد است که همین تغییر سهامداران نوعی عنصر بی اعتمادی در عملیات ام القوین پدید آورده است. ولی گویا راه دیگری وجود نداشت چون چهار شرکت اولیه (کانادین سوپریور، یونایتد، آسامرا و کوانی) به دنبال عملیات رأس الخیمه با کمبود سرمایه روبرو شده بودند (به مطلب پایین رجوع شود). خلاصه اینکه، گرچه آنها به امکانات نفتی ام القوین امید دارند ولی به سرمایه بیشتری نیاز داشتند که گلف آن را در اختیار داشت.

ب- ام القوین یک امتیاز نیز به هوستون اویل و مینرالز فروخته که بخش کوچکی از آن در شارجه واقع شده است. این شرکت که یک سازمان آمریکایی است در حال حاضر تنها سهامدار این امتیاز است و دفتری در ام القوین تأسیس کرده که نماینده اش نیز یک آمریکایی مقیم آنجا به نام رابرت هارینگتون است (که در واقع در شارجه زندگی می کند). این شرکت در نظر دارد در تابستان دو حلقه چاه در داخل خشکی حفر کند که اولین آنها در ژوئن و در نزدیکی مرز رأس الخیمه (در داخل خشکی) و چاه دوم در سپتامبر در جزیره فلج المعلا- واقع خواهند شد. قرار است عمق اولین چاه ۶۰۰۰ پا باشد که به نظر استاپی در این نقطه به نفت نخواهد رسید. ولی هوستون اویل معتقد است که پس از رسیدن به این نقطه متوجه خواهند

شد که تلاششان به ثمر می رسد یا نه.

قرار است چاه واقع در فلج المعلا تا عمق ۱۶۰۰۰ پایی حفر شود که معقول تر به نظر می رسد.

رأس الخیمه

با وجود اینکه (مرجع ت) مهم ترین مطالب مربوط به رأس الخیمه است، ولی استاپی در مورد عملیات ویتول نکات جالبی بیان داشت. همانگونه که قبلاً اشاره شد، تلاش اکتشافی رأس الخیمه بسیار گران یعنی معادل ۲۴ میلیون دلار تمام شده است که نیمی از این مبلغ تنها صرف حفاری شد، که در برابر مخارج حفاری ام القوین می باشد. علاوه بر این، ویتول حفاری خود را چهار ماه زودتر از گروه ام القوین شروع کرده ولی گروه ام القوین ۴۰۰ پا از آنها جلوتر هستند. واضح است که ویتول با مشکلاتی روبرو شده که از نظر استاپی خود شرکت این مشکلات را به وجود آورده است [که] (استاپی به این موضوع واقف است چون چهار شرکت تحت نمایندگی او نیز در رأس الخیمه مشغول فعالیت هستند). دستگاه حفاری ویتول [مارک] «روان» است [که] بهترین نوع نیست (آنچه که در ام القوین به کار رفته در وضعیت بسیار خوبی است) ولی استاپی می گوید مهم ترین اشتباه ویتول این است که کارمندانش از استاندارد کافی برخوردار نیستند. مشکلات اجتناب ناپذیر همیشه به وجود می آید اما وقتی که هزینه روزانه حفاری ۴۵۰۰۰-۳۵۰۰۰ دلار باشد به همان سرعت نیز باید بتوان مشکلات را از میان برداشت و در اینجاست که ویتول خوب محاسبه نکرده است. مسئله دیگر این است که در ۹ ماه گذشته ویتول کارگران خود را به مرخصی نفرستاده که همین امر سبب پایین آمدن میزان کارآیی آنها می گردد. بعضی از مشکلات نیز ناشی از رقابت دو امارت هم جوار و نیز رقابت طبیعی بین دو شرکت است که در یک بافت و همزمان مشغول حفاری می باشند؛ ولی با گذشت زمان و تکمیل اولین چاه در رأس الخیمه و کار خوب انجام شده در ام القوین، می توان گفت که اوضاع فرق می کند.

نکته جالب توجه مذکور در (مرجع ت) نحوه مشارکت در صورت دست یافتن ویتول به نفت است، البته از نظر امارات متحده عربی). در حال حاضر هزینه ها تماماً به عهده ویتول است. ولی به محض آغاز مرحله تولید دولت رأس الخیمه ۵۰٪ هزینه های عملیاتی را به عهده خواهد گرفت، و پس از آن نیز نسبت به پرداخت سهم هزینه های اکتشافی اقدام خواهد کرد. علاوه براین ویتول ۱۴٪ حق امتیاز و مقداری مالیات خواهد پرداخت تا سهم دولت معادل ۵۸٪ شود.

فجیره

شرکت رزرواویل دنور (مرجع ث) هنوز هم امتیاز خارج از خشکی فجیره و شارجه را در

ساحل شرق در اختیار دارد. طبق اظهارات حاکم فجیره شیخ حمد، رزرو در دسامبر ۱۹۷۶ حفاری را آغاز خواهد کرد. استاپی معتقد است که این کار تا تابستان آتی شروع نخواهد شد. گویا شرکت به حاکم گفته بود که احتمال دست یابی به نفت ۹۶٪ است. استاپی نیز می گوید که اعضای گروهش کار زلزله سنجی رزرو را دیده و آن را بسیار امیدوار کننده توصیف کرده اند. ولی همیشه باید به یاد داشت که نباید حرفی زده شود که توقع و امید حکام محلی بالا برود. گمان می کنیم که شیخ منظور رزرو را درک نکرده و ما باید به دنبال به دست آوردن نفت باشیم تا ناراحتی ها چندان حاد نشود. در رابطه با حفاری و نیز به خاطر عمق بیش از حد آبهای خلیج عمان، رزرو با مشکلاتی روبرو خواهد شد. بنا به گفته استاپی عمق آبهای این منطقه ۴۰۰ پا (در مقایسه با اعماق ۱۰۵ پایی و ۲۸۰ پایی ام القوین و رأس الخیمه) و بسیار زیاد است، باید در این نقاط از کشتی های حفاری استفاده کرد. علت تأخیر نیز این است که نتوانسته اند چنین تجهیزاتی به دست آورند. در صورتی که نفت به دست آید قرارداد بین شرکت و دولت نیز استاندارد است، یعنی ۱۴٪ حق الامتیاز و ۵۱٪ مالیات است. (گرچه شیخ حمد می گوید که رزرو از او به عنوان یک مذاکره گر سرسخت یاد می کند. یعنی چاپلوسی امتیازهای بسیاری نصیب این شرکت کرده است). گمان نمی رود که شارجه نیز در درآمد و یا کل موضوع سهیم شود.

نتیجه گیری

این امید همیشگی که در مرجع پ نیز از آن یادشده هنوز هم در اندیشه امارات فقیر وجود دارد. تاکنون هیچیک از این امیدها تحقق نیافته، لیکن امیدهای عجمان کاملاً مبدل به یأس گشته اند. ولی دیگران هنوز هم امیدوارند. استرنر

صنعت نفت در قطر

سند شماره ۴۱

محرمانه۸ ژوئیه ۱۹۷۶ ۱۷ تیر ۱۳۵۵

از: سفارت آمریکا، دوحه الف ۱۶به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، جده، کویت، تهران

موضوع: صنعت نفت در قطر

خلاصه: نفت قطر تنها توسط دو شرکت یعنی شرکت نفت قطر و شرکت شل تولید می شود. این شرکتها روزانه در حدود ۴۷۰۰۰۰ بشکه نفت یعنی حداکثر میزان تولید مجاز شمرده شده توسط دولت قطر را تولید می کنند. قطر علاوه بر این، عواید مربوط به ۱۵۰۰۰ بشکه نفت در روز را از منطقه نفتی مشترک این کشور با ابوظبی دریافت می دارد. علاوه بر این در بخشهای خارج و داخل خشکی اکتشاف صورت می گیرد. دولت از ژانویه ۱۹۷۴ حدود ۶۰ درصد سهام این شرکت ها را به خود اختصاص داد و در دسامبر ۱۹۷۴ اعلام داشت که قصد

دارد کنترل ۱۰۰ درصد این شرکت ها را در اختیار گیرد. در حال حاضر مذاکرات در حال پیشرفت است و مقامات این شرکت ها معتقدند که مقدمات تحویل آنها به دولت قطر تا پایان تابستان جاری صورت خواهد گرفت. مؤسسه نفتی قطر در اول ژانویه ۱۹۷۵ تشکیل شد تا بر منافع دولت در شرکت نفت قطر و شل نظارت داشته باشد و در نهایت مسئولیت تمام جنبه های عملیاتی، پالایش و بازاریابی را به عهده گیرد. ولی به علت کمبود نفرات کارآزموده، این سازمان در فعالیت های نفتی به صورت اسمی شرکت داشته و دولت قطر مجبور است حتی پس از در اختیار گرفتن کنترل تمام این شرکتها باز هم به تخصص خارجی در صنعت نفت متکی باشد. قطر سالهاست که از سیاست صرفه جویی در منابع نفتی پیروی کرده و تنها ۷۵ درصد ظرفیت تولیدی، مورد بهره برداری قرار گرفته است. قطر علاوه بر نفت، مقادیر بسیاری گاز غیرمرتبط با نفت دارد. گرچه این حوزه ها به طور کامل مشخص نشده اند، ولی کل ذخایر گازی این کشور برابر با ۱۳۰ میلیارد فوت مکعب برآورد شده است. دولت، شرکت گاز قطر را با همکاری شل ایجاد کرده است تا بتواند چند پروژه مربوط به مطالعه امکانات گازی و بهره برداری آن را انجام دهد. پایان خلاصه.

تولید و اکتشاف

شرکت نفت قطر: شرکت نفت قطر کنسرسیومی است متشکل از اعضای مشابه شرکت نفت عراق. شرکت های عضو عبارتند از: بریتیش پترولیوم، رویال داچ شل، شرکت نفت فرانسه، موبیل و پارتکس. در حال حاضر، این شرکت ها ۴۰ درصد سهام شرکت نفت قطر را در اختیار دارند، ولی قرار است که دولت قطر پس از چندی سهام کامل آن را در اختیار گیرد. تاریخ تولید نفت در قطر با تأسیس شرکت نفت قطر که امتیاز آن را در سال ۱۹۴۵ کسب کرد، آغاز شد. این امتیاز در ابتدا شامل تمام شبه جزیره قطر و مناطق خارج از خشکی بود، اما به تدریج کاهش یافت تا اینکه شامل حوزه دُخان و مناطق مجاور ساحل غربی قطر گردید. تولید شرکت نفت قطر در سال ۱۹۷۳ معادل ۶/۹۱ میلیون بشکه (یا ۲۵۱۰۰۰ بشکه در روز) گردید. در سال ۱۹۷۴ دولت قطر سقف تولیدی ۲۲۵۰۰۰ بشکه در روز را برای شرکت نفت قطر مشخص کرد آنهم بنا به دلایل صرفه جویانه، و در آن سال تولید به سطح ۲۲۳۰۰۰ بشکه در روز رسید یعنی ۹ درصد کاهش یافت. تولید شرکت نفت قطر در سال ۱۹۷۵ به دنبال کاهش قیمت های نفتی در ابوظبی که نفت قطر را در مقایسه با دیگر عرضه کنندگان، گرانقیمت نشان می داد، ۲۰ درصد دیگر کاهش یافت. پس از امتناع دولت قطر نسبت به جرح و تعدیل قیمت ها، برداشت نفتی در ژانویه ۱۹۷۵ کاهش یافت و شرکت نفت قطر بازخرید قراردادهای خود را لغو کرد و تولید در ژوئیه ۱۹۷۵ به پایین ترین مقدار یعنی ۱۰۴۰۰۰ بشکه در روز رسید. تصمیم قطر مبنی بر اعمال ۱۰ درصد افزایش قیمت اعلام شده توسط اوپک در سپتامبر ۱۹۷۵، قیمت نفت این کشور را با قیمت دیگر نفت های خام خلیج [فارس] متناسب ساخت.

از آن پس، تولید در سطح ۲۲۵۰۰۰ بشکه در روز تقریباً ثابت مانده است.

شرکت نفت قطر نفتی مرغوب و کم سولفور از سه ذخایر موجود در حوزه دُخان تولید می کند. نفت خام مرکب از قوه جاذبه ۴۰ ۴۱ درجه و محتوای سولفور ۲/۱ ۱/۱ درصد برخوردار است. این نفت خام توسط لوله های نفتی از شبه جزیره قطر به یک پایانه آبی در ساحل شرقی – ام سعید – منتقل می شود. گاز مربوطه تولیدی در دُخان به عنوان سوخت در یک کارخانه کود شیمیایی به مصرف می رسد، و از سال ۱۹۷۵ در کارخانه گاز مایع طبیعی ام سعید به صورت گازهای پروپان و بوتان درآمده و صادر می شود. ۶۰ درصد سهام این کارخانه نیز مانند دیگر بخشهای شرکت نفت قطر از آن دولت قطر است.

شرکت شل قطر: شرکت شل قطر در سال ۱۹۶۴ بهره برداری از منطقه امتیازی خود را در شمال شرق منطقه اصلی قطر آغاز کرد. ۶۰ درصد از سهام شل نیز مانند سهام شرکت نفت قطر از آن دولت قطر است. میزان تولید شرکت شل در سال ۱۹۷۳ به ۳۲۰۰۰۰ بشکه در روز رسید و پس از آن با تحمیل اقدامات توأم با صرفه جویی از طرف دولت، برداشت آن به ۲۹۵۰۰۰ بشکه در روز تقلیل یافت. شل نیز در سال ۱۹۷۵ تحت تأثیر کاهش قیمت قرار گرفت و کاهش شدید تولیدی را تجربه کرد تا اینکه قراردادهای بازخرید جدید در نوامبر ۱۹۷۵ منعقد گردید. از اول ژانویه ۱۹۷۶ دولت بار دیگر تولید را محدود کرد و میزان تولید شل را ۵۰۰۰۰ بشکه در روز کاهش و به میزان ۲۴۵۰۰۰ بشکه در روز رساند. اعلام شد که هدف از کاهش، صرفه جویی در گاز طبیعی است که در آن زمان به هدر می رفت. یک کارخانه گاز طبیعی که قرار است احداث آن در سال ۱۹۷۸ به پایان برسد از گاز تولیدی توسط شل بهره برداری خواهد کرد.

نفت خام شل نیز از سه حوزه خارج از خشکی استخراج می گردد و از طریق خطوط لوله به پایانه صادراتی واقع در جزیره هلول منتقل می گردد. نفت مرکب این شرکت، از قوه جاذبه ۸/۳۶–۳۶ درجه و محتوای سولفور ۴۵/۱ تا ۵۰/۱ درصد برخوردار است.

حوزه البوندوق: علاوه بر ۴۷۰۰۰۰ بشکه تولیدی شل و شرکت نفت قطر، این کشور از حوزه تحت کنترل مشترک خود با ابوظبی یعنی حوزه البوندوق نیز عوایدی دریافت می دارد. این حوزه حدود ۳۰۰۰۰ بشکه در روز تولید می کند و عملیات آن به عهده مارین اریاز ابوظبی است. شرکت نفت البوندوق مرکب از سه سهامدار است که عبارتند از بریتیش پترولیوم، شرکت نفت فرانسه و یونیورسال پترولیوم دولپمنت (ژاپنی). در حال حاضر دولت در این منطقه فعالیتی ندارد و تمام نفت برداشتی نصیب شرکت ژاپنی می گردد. عواید ناشی از این برداشت نیز به طور مساوی بین دو دولت تقسیم می شود.

اکتشاف

وینترشال ا. جی. خارج از خشکی قطر: در ژوئیه ۱۹۷۳ یک کنسرسیوم شش شرکته به

سرپرستی شرکت نفت کاچ (۳۵ درصد) و وینترشال (۵/۳۲ درصد) امتیاز مربوط به منطقه خارج از خشکی شمال و غرب شبه جزیره قطر را به خود اختصاص داد. شرایط قرارداد فیمابین گروه و دولت متضمن هزینه ای به مبلغ ۶ میلیون دلار در زمینه اکتشاف تا ژوئیه ۱۹۷۷ گردید که پس از آن کنسرسیوم می تواند این قرارداد را رها کرده و یا آن را به مدت چهار سال تجدید کند. مسئول عملیاتی این کنسرسیوم وینترشال است. اعلام تصمیم دولت مبنی بر در اختیار گرفتن ۱۰۰ درصد صنعت نفت، انعقاد یک قرارداد جدید را به جای قرارداد مشارکت منعقده در سال ۱۹۷۳، ایجاب می نمود. مذاکره درباره انعقاد یک قرارداد مشارکت در تولید و مشکلات مربوط به دستیابی به ماشین آلات حفاری در آبهای عمیق، حفر اولین چاه را تا فوریه ۱۹۷۶ به تأخیر انداخت. حفر چاه اخیراً در منطقه ای واقع در شمال شبه جزیره و کمی به سمت غرب منطقه شل به پایان رسید و نتایج آزمایش های اولیه حاکی از وجود نفت در منطقه عربی (در اعماق ۷۰۰۰ پایی) و گاز طبیعی آزاد غیرمرتبط با نفت در بافت های خوف (در اعماق ۱۰۰۰۰ پایی) است. طبق برداشت سفارت آمریکا ذخایر نفتی اینجا از عمق مناسب تولیدی برخوردار نیست. وینترشال همیشه خواستار حفاری در مناطق آبی کم عمق در خارج از ساحل غربی قطر و در مجاورت منطقه شرکت نفت قطر بوده است ولی به علت اختلاف مرزی و ارضی موجود بین قطر و بحرین قادر به حفاری در این نقاط نبوده است.

قرارداد مشارکت تولیدی بین وینترشال و دولت قطر مقرر می دارد که هزینه کامل اکتشاف و گسترش حوزه های نفتی باید توسط شرکت ها پرداخت گردد. اگر نفت یافته شده دارای اهمیت تجاری باشد، ۴۰ درصد تولید به شرکتها داده می شود تا بتوانند هزینه های اکتشاف و گسترش تولید را از طریق آن تأمین نمایند. ۶۰ درصد باقیمانده بین دولت قطر (به نسبت ۸۰ درصد) و شرکت ها (به نسبت ۲۰ درصد) تا میزان ۲۵۰۰۰ بشکه در روز تقسیم می گردد. اگر تولید بیش از ۲۵۰۰۰ بشکه در روز باشد درصد مربوط به شرکت ها سیر صعودی می پیماید تا اینکه در سطح تولیدی ۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز یا بیشتر، نسبت تقسیم تولید ۹۰ درصد به ۱۰ درصد می شود.

اعضای کنسرسیوم امیدوارند که حتی پس از تحویل ۱۰۰ درصد مدیریت شل و شرکت نفت قطر به دولت این کشور، شرایط قرارداد به قوت خود باقی باشد.

شرکت نفت هولکار: در ژانویه ۱۹۷۶، شرکت جدیدالتأسیس ۱۰۰ درصد آمریکایی هولکار یک امتیاز دوساله در خارج از خشکی شرق منطقه اصلی به دست آورد. این منطقه قبلاً در اختیار شرکت نفت منحل شده قطر (ژاپنی) بود که در سه نقطه در سالهای فعالیت خود یعنی از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۲ به نفت دست یافته بود. لیکن در آن موقع با قیمت های موجود از نظر تجاری مقدار نفت یافته شده تولید آن را ممکن نمی ساخت. به نظر هولکار، افزایش بعدی قیمت ها این حوزه های کوچک تر را پرمنفعت ساخته، و طبق شرایط قرارداد این شرکت باید علاوه بر حفاری مجدد و رسانیدن چاهها به سطح تولید، یک برنامه اکتشافی ۱۲ میلیون دلاری

را در دو سال مدت امتیاز خود به اجرا درآورد. قرارداد مشارکت تولیدی هولکار و دولت قطر مشابه قرارداد منعقده با گروه وینترشال است. هولکار برنامه حفاری خود را درست پس از انعقاد قرارداد آغاز کرد، اما طبق برداشت ما رساندن چاهها به مرحله تولید به خصوص به علت وجود هیدروسولفید زیاد نفت به تأخیر افتاده است.

سازمان نفتی دولتی

سوابق و سیاست: همان گونه که در دیگر کشورهای منطقه رایج بود، دولت قطر قبل از ۱۹۷۳ هیچ سهمی از شرکت های نفت در حال فعالیت در اختیار نداشت و عواید نفتی خود را از طریق پرداخت های مالیاتی و عوارض دریافت می کرد. دولت در تاریخ اول ژانویه ۱۹۷۳، ۲۵ درصد سهام شرکت شل و شرکت نفت قطر را خواستار شد. قرارداد بعدی که در تاریخ اول ژانویه ۱۹۷۴ منعقد گردید، سهم دولت را به ۶۰ درصد افزایش داد، و در دسامبر ۱۹۷۴ دولت اعلام کرد که تصمیم گرفته است ۱۰۰ درصد شرکت های در حال عملکرد را در اختیار گیرد اما این تصمیم هنوز به مرحله اجرا درنیامده است.

بر اساس قرارداد مشارکت ۱۹۷۴، شرکت ها پس از پرداخت مالیات بر درآمد و عوارض که در حال حاضر به ترتیب ۸۵ درصد و ۲۰ درصد است، می توانند ۴۰ درصد از نفت خام تولیدی را به خود اختصاص دهند. علاوه بر این، شل و شرکت نفت قطر با دولت این کشور قراردادهایی منعقد ساخته اند که طی آن ۶۰ درصد نفت خام مربوط به دولت (۳۶ درصد کل تولید) را به ۹۳ درصد قیمت تعیین شده خریداری کنند. باقیمانده تولید که برابر ۲۴ درصد کل تولید است توسط خود دولت آن هم به ۹۳ درصد قیمت تعیین شده فروخته می شود. شرکت های امرادا، هس، چارتر اویل و یونیون راینیکر در مارس ۱۹۷۴ یک قرارداد خرید سه ساله با دولت قطر امضا کردند.

در رابطه با سیاست نفتی، دولت قطر دائماً از سیاستهای اوپک پیروی کرده است. در سال ۱۹۷۴ می توانستیم قطری ها را در رابطه با قیمت نفت میانه رو بخوانیم چون از موضع عربستان سعودی در مسائل اوپک پیروی می کردند. ولی از سال ۱۹۷۵، دولت به افزایش دهندگان قیمت نفت در اوپک پیوسته و در اجلاسیه های اخیر اوپک بر بالا رفتن قیمت های نفتی اصرار می ورزیده است. مقامات نفتی معتقدند که محدودیت تولید و ذخایر قطر برخلاف عربستان سعودی که ذخایر عظیمی دارد، ضرورت های متفاوتی برای قطر پدید آورده است.

اداره امور نفتی: یکی از دو اداره موجود در وزارت دارایی و نفتی، یعنی اداره امور نفتی تنها عنصر دولتی است که در زمینه هماهنگی منافع نفتی خارجی برای اکتشاف، عملیات و بازاریابی و نیز توصیه های مربوط به سیاست های نفتی مسئولیت دارد. سرپرستی وزارت دارایی و نفتی را شیخ عبدالعزیز بن خلیفه آل ثانی (که فرزند امیر است) عهده دار است و سرپرستی اداره امور نفتی را نیز علی جیده به عهده دارد.

می گوینـد وزیر در زمینه سیاسـی و فنی نفتی اطلاعات وسـیعی نـدارد و جیـده که فردی مطلع و باهوش است، نقش مهمی در تمام جنبه های تصـمیمات نفتی ایفا می کنـد. وی معمولاً سـرپرستی تیم مـذاکره کننـده در امور مربوط به قراردادهای خرید و تصرف ۱۰۰ درصـد شـرکت هـا را به عهـده دارد و در هیـأت هـای نماینـد گی قطر در اوپـک از چهره های بسـیار با اهمیت و برجسته تلقی می گردد. جیده مبتکر قرارداد مشارکت در تولید با شرکت های وینترشال و هولکار بوده است.

با در نظر گرفتن بافت الیگارشـی گونه حکومت، می توان گفت که اداره امور نفتی قطر به هیچوجه مسائل نفتی را در انحصار خود نگرفته است. امیر قطر معمولاً همه تصمیمات نفتی را تصویب می کند و از مشاورین مهم خارج از این نهاد نفتی خواستار ارائه نظریـات و توصـیه هایشـان می گردد. در زمینه مسائل مهم مربوط به خطی مشـی، اداره امور نفتی، تنها یکی از سه یا چند سازمان یا افراد موجود در قطر است که پیشنهادات خود را تقدیم امیر می کند.

مؤسـسه عمومی نفتی قطر: مؤسسه عمومی نفتی قطر یک سازمان ۱۰۰ درصد دولتی است که در تاریخ ۴ ژوئیه ۱۹۷۴ به فرمان امیر تأسـیس گردید تا جای شـرکت ملی نفت قطر را پر کند. مؤسـسه عمومی نفتی قطر کار خود را در تاریخ اول ژانویه ۱۹۷۵ همراه با هیأت مدیره ای به سرپرستی وزیر دارایی و نفت و متشکل از چهره های مهم دولت قطر در زمینه امور نفتی رسماً آغاز کرد. اعضای هیأت مـدیره مؤسـسه عمومی نفتی قطر عبارتند از؛ عیسـی الکواری، وزیر اطلاعات و رئیس دفتر امیر؛ علی جیده، سرپرست امور نفتی؛ عبدالله سلّط معاون سـرپرست امور نفتی؛ طاهر حیدری، مشاور عالی وزارت دارایی و نفت؛ سعید میشال، سرپرست مرکز گسترش فنی.

قـدرت تفویض شده به مؤسـسه عمومی نفتی قطر بسـیار وسـیع است و تمام جنبه های صـنعت نفت در خارج و داخل کشور را دربر می گیرد. این وظایف عبارتنـد از اکتشاف، حفاری، تولیـد، پالایش و حمل و نقل و فروش نفت خام و محصولات گازی و پالایش یافته. علاوه بر این، سـهام دولت در شـرکت شل و شـرکت نفت قطر به مؤسـسه عمومی نفتی قطر واگـذار شـد و نیز سهام دولت قطر در دیگر سـرمایه گذاری های مربوط به انرژی چه در داخل کشور و چه در منطقه در اختیار آن قرارداده شد. مؤسـسه عمومی نفتی قطر با سـرمایه اولیه ۵۰۰ میلیون دلـار که بعـدها به یـک میلیارد دلار تبـدیل شـده بود آغاز به کار کرد. بخشـهای موجود در این مؤسـسه عبارتند از بخش مهندسـی زمین شناسی و نفتی، پالایش، تصفیه گاز و پتروشیمی، مهندسی و احداث، بازاریابی و حمل و نقل و دارایی.

علناً اعلـام شـده است که دولت پس از به دست گرفتن کنترل ۱۰۰ درصـد صـنعت نفت، کنترل تمام جنبه های عملیات نفتی حوزه هـا را به مؤسـسه عمومی نفتی قطر خواهـد سپرد. در عین حـال که مسئولیت هـای عملیاتی و بازاریابی به عهـده مؤسسـه عمومی نفتی قطر است، وزارت دارایی و نفت نیز مسئول تعیین خط مشی در رابطه با استراتژی های اوپک و تعیین

قیمت نفت و شرایط پرداخت و تعیین سقف تولید است.

عملاً هجده ماه پس از آنکه قرار بود عملیات آغاز شود، مؤسسه عمومی نفتی قطر [هنوز] آغاز به کار نکرده و علت اصلی آن نیز کمبود کارمند است. تاکنون تنها ۲۰ سمت اجرایی و یا حرفه از ۸۰ سمت موجود پر شده است. هنوز برای احراز سمت مدیرکل شخصی یافته نشده است. کمبود شدید مسکن و امتناع دولت از تصویب پرداخت حقوقها و مزایای زیاد موانعی بر سر راه استخدام کارمندان عالیرتبه ایجاد کرده است. شاید بتوان یکی از مهم ترین علل عدم تکامل مؤسسه عمومی نفتی قطر را عدم تمایل چهره های مهم داخل و خارج از نهادهای نفتی دانست که فکر می کنند اگر این مؤسسه کار خود را آغاز کند آنها اختیارات خود را از دست خواهند داد. در دولتی که حدود و اختیارات و مسئولیت ها به خوبی مشخص نشده و نفوذ هر شخص بستگی به رابط های وی در سمت های سازمانی دارد، و این واقعیت که اعضای هیأت مدیره مؤسسه عمومی نفتی قطر از جمله افراد سرشناس دولتی هستند و نسبت به قدرت یکدیگر حسادت می ورزند و سعی می کنند تغییری صورت نگیرد تا نفوذ دیگری افزایش نیابد، وضع طوری است که همه توافق کرده اند که افزایش نفوذ مؤسسه عمومی نفتی قطر مساوی با کاهش نفوذ خود آنهاست.

گاز طبیعی: در قطر ذخایر عمده ای از گاز مرتبط و غیرمرتبط با نفت وجود دارد که بهره برداری نشده است. گاز مرتبط با نفت حوزه دُخان شرکت نفت قطر به عنوان سوخت نیروگاهها و کارخانه کود شیمیایی و کارخانه گاز مایع طبیعی مورد استفاده قرار می گیرد. گاز مرتبط با نفت حوزه های خارج از خشکی در هوا سوزانیده می شود، ولی یک کارخانه گاز مایع طبیعی ثانی در دست احداث است. قرار است احداث این کارخانه در سال ۱۹۷۸ پایان یابد که از اکثر گاز تولیدی بهره برداری خواهد کرد. باقیمانده گاز موجود نیز به عنوان سوخت یک مجتمع پتروشیمی در دست احداث به کار گرفته خواهد شد.

مقادیر زیادی از گاز غیرمرتبط با نفت نیز در مناطق خارج و داخل خشکی وجود دارد. ذخایر این نوع گاز در بافت های زمینی خوف در اعماق ۱۰۰۰۰–۹۰۰۰ پایی نهفته است. گاز واقع در داخل خشکی خوف در طبقات تحتانی حوزه نفتی دُخان واقع شده، و قرار است گاز ناشی از این حوزه نیز در یک نیروگاه جدید در دست احداث در نزدیکی دوحه مورد استفاده قرارگیرد. این نیروگاه که قرار است احداث آن در اواخر سال ۱۹۷۷ پایان یابد اولین تأسیساتی است که از گاز خوف استفاده خواهد کرد. در خارج از خشکی، شل، در بافت زمینی خوف چند حلقه چاه حفر کرده تا وجود بزرگ ترین منبع گازی منطقه را اثبات کند. در مورد میزان و وسعت واقعی این حوزه اطلاعات دقیق در دست نیست، اما بعضی از برآوردها حدود ۱۳۰ میلیارد فوت مکعب است. می گویند که این حوزه وارد منطقه وینترشال می شود.

در سال ۱۹۷۴، دولت قطر و شل شرکت گاز قطر را با مشارکت ۳۰–۷۰ به وجود آوردند. شرکت گاز قطر کارخانه گاز مایع طبیعی در دست احداث را تصاحب خواهد کرد و مطالعاتی

در دست انجام است تا برای استفاده از گاز غیرمرتبط با نفت حوزه شل، یک کارخانه گاز مایع طبیعی دیگر به ارزش ۵/۱ میلیارد دلار ساخته شود.

آینده: هجده ماه پس از آنکه امیر اعلام کرد دولت صد در صد صنعت نفت کشور را تحت کنترل خواهد گرفت، مذاکرات جدی بین دولت و شرکت ها در حال انجام است. طرفین تا به حال در مورد شرایط تحویل بقیه صنعت به دولت به توافق نرسیده اند، ولی احتمالاً تا پایان تابستان جاری راه حلی پیدا خواهد شد. گذشته از نتیجه این کار، شرکت های مزبور باز هم نقش مهمی در گردش صنعت نفت قطر تا چند سال بعد ایفا خواهند کرد. با وجود فقدان قطریهای آموزش دیده و واجد شرایط، این شرکت ها بخش اعظم نفرات لازم در زمینه صنعت نفت را چه مستقیماً و چه از طریق یک شرکت قطری تأمین خواهند کرد.

در حال حاضر دولت در رابطه با تحقیقات زلزله سنجی دقیق در خارج و داخل خشکی با چند شرکت در حال مذاکره است. این تحقیق برآورد دقیق تری از ذخایر نفتی قطر فراهم خواهد ساخت که گمان می رود حدود ۶/۳ میلیارد بشکه بوده و کشور را قادر خواهد ساخت که به مدت ۲۰ سال دیگر نفت تولید کند. در حال حاضر تمام نفت خام قطر به خارج صادر می شود، ولی دولت در نظر دارد با احداث پالایشگاهی به ظرفیت ۸۰۰۰۰ بشکه در روز، وارد بازار محصولات نفتی شود. گرچه احتمال پیدایش ذخایر دیگر نفت بسیار است که تولید را طولانی تر خواهد کرد، ولی ظاهراً آینده اقتصاد قطر بر گاز استوار خواهد بود. ذخایر موجود در بافت خوف آن قدر وسیع است که گمان می رود بتواند نیاز یک کارخانه گاز مایع طبیعی را به مدت ۲۰۰ سال برآورده سازد.

یانگ

دورنمای نفتی عمان

سند شماره ۴۲

محرمانه۲۱ ژوئیه ۱۹۷۶ ۳۰ تیر ۱۳۵۵

از: سفارت آمریکا، مسقط الف ۵۳به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، دوحه، کویت، لندن، منامه، تهران.

مرجع : الف) مسقط ۰۳ الف، ب) مسقط ۲۶۱، ج) مسقط ۴۰۲

موضوع: دورنمای نفتی عمان

خلاصه: در سال جاری عمان به صورت یک تولید کننده نفت متوسط در دهه آینده درخواهد آمد. ناظران قبلاً معتقد بودند

که عمان نخواهـد توانست به منافع نفت تجاری جدیـدی دست یابـد تا بتوانـد کاهش تولیـد حوزه های شـمالی خود را جبران کند. در سال ۱۹۷۶، اکتشافات جدید داخل خشـکی توسط شـرکت نفت عمان در ظفار و نیز اکتشافات موفقیت آمیز خارج از شبه جزیره «مسـندم» عمانیها را امیـدوار کرده است که درآمدهای نفتی آتی کامیابی اقتصادی عمان را به همراه خواهد داشت. گرچه برآوردهای مدیران خارجی همراه با

محافظه کاری است، ولی مشخص است که شل و دیگر شرکت های نفتی خارجی به اکتشافات خود افزوده اند و ارزیابی های آنها نیز در مورد امکانات عمان بهبود بیشتری داشته است.

پس از حدود یک سال عدم فعالیت، اخیراً حرکتهایی در جهت بهره برداری از منابع هیدروکربور عمان به عمل آمده است. شرکت توسعه نفت عمان در حال تهیه پیشنهادی است تا با ارائه آن به دولت عمان نحوه تولید ظفار را در سال ۱۹۷۹ مشخص سازد. اخیراً دولت عمان سرمایه لازم برای احداث خط لوله گاز طبیعی را از داخل کشور به سمت ساحل به دست آورده است که سبب رشد معتدل صنعت در منطقه پایتخت خواهد شد. این رویدادها نفوذ وزارت نفت را در محافل دولتی عمان تقویت خواهد کرد. متأسفانه، وزارتخانه از نظر افراد عمانیِ با تجربه و آگاه در این زمینه با کمبود روبرو است و بیشتر به مشاورین آمریکایی متکی است. پایان خلاصه.

دورنمای تولید آینده

آینده عمان به عنوان یک تولید کننده متوسط نفتی به سرعت و موفقیت اکتشافات نفتی در جنوب این کشور بستگی دارد. تولید نفت حوزه های شمالی اکنون به اوج رسیده است، و در ده سال آینده تولید سیر نزولی خواهد پیمود. مقامات نفتی در عمان معتقدند که حوزه های شمالی تا پایان قرن حاضر روزانه معادل کمتر از ۵۰۰۰۰ بشکه نفت تولید خواهند کرد. جبران این نزول تولید تنها از طریق تولید نفت متوسط و سنگین منطقه ظفار امکان پذیر خواهد بود. یکی از مدیران عالیرتبه شرکت نفت عمان معتقد است که با وارد شدن نفت ظفار به مرحله تولید، کاهش تولید کنونی از بین خواهد رفت و عمان خواهد توانست در سال ۱۹۸۵ نیز روزانه معادل ۳۷۰۰۰۰ بشکه نفت تولید کند. مقامات وزارت نفت معترفند که در پنج سال آینده بازده نفتی کاهش خواهد یافت لیکن در دهه آینده سطح تولید به سطح پیشین بازخواهد گشت و بعدها فراتر از آن خواهد رفت.

تولید در سال ۱۹۷۶

تولید در سال ۱۹۷۶ معادل ۳۶۸۰۰۰ بشکه در روز خواهد بود. این رقم ۴۰۰۰ بشکه در روز کمتر از میزان قابل انتظار است و علت آن نیز میزان بیش از حد اسید نفتنیک موجود در تولید چاه نفتی قرن العلم منطقه قبا می باشد. شرکت نفت عمان تولید نفت قرن العلم را به ۱۰۰۰۰ بشکه در روز محدود کرده است تا مخلوط و ترکیب تمام نفت عمان خارج از محدوده تعیین شده نباشد. مدیران شرکت نفت عمان چندان هم نگران اسید موجود در نفت قرن العلم نیستند، چون هیچیک از حوزه های دیگر این مسئله را ندارد، و کاهش تولید یک وسیله مؤثر در جهت صرفه جویی است. حوزه لخویر در ماه اوت روزانه معادل ۷۰۰۰ بشکه نفت تولید خواهد کرد (ولی انتظار می رود که در صورت بهره برداری کامل بتواند روزانه ۱۵۰۰۰ بشکه تولید کند).

نفت جنوب عمان

مدیران شرکت نفت عمان بیش از سال گذشته به عمران مناطق نفتی ظفار علاقه نشان می دهند. این امر نیز نتیجه چند حفاری آزمایشی موفقیت آمیز بود که نشان داد نفت ظفار سبک تر بوده و به سهولت استخراج می شود. شرکت نفت عمان در تلاش عظیم تجربی خود از ۵ گروه زلزله سنج و سه تیم حفاری استفاده می کند.

آزمایشی بسیار موفقیت آمیز در نصیر در مجاورت حوزه مرمول صورت گرفت. نفت ۲۵ درجه غلظت متوسط با فشار قوی در اعماق ۸۰۰۰ پایی کشف شد. ذخایر نفتی حدود ۱۶۰ پا عمق داشته و یک بافت دولومیت میان دو لایه نمکی قرار گرفته است.

مقامات شرکت نفت عمان از اولین چاه نصیر بسیار راضی هستند، گرچه معتقدند که باید چند چاه موفقیت آمیز دیگر نیز حفر شود تا حوزه نصیر از نظر تجاری با ارزش قلمداد شود.

حوزه های مرمول و امل از موفقیت بیشتری برخوردار بوده است. یکی از چاههای نفت مرمول در حال حاضر روزانه ۱۰۰ بشکه نفت تولید می کند، و دو چاه آزمایشی دیگر نیز به زودی حفر خواهد شد. دو حلقه چاه موجود در حوزه امل روزانه چند صد بشکه نفت تولید می کند و مقامات شرکت نفت عمان معتقدند که در سه سال آینده حوزه امل قادر خواهد بود روزانه بیش از ۲۰۰۰۰ بشکه نفت تولید کند. نفت حوزه های امل و مرمول کلاً از نوع متوسط (۲۴ درجه) بوده و به سادگی و بدون به کار بردن وسایل گران قیمت تزریق بخار از چاه ها استخراج می شود. بهترین مانع موجود در این زمینه وجود یک سفره آب زیرزمینی است که می تواند تولید را با مشکلاتی همراه سازد. در عین حال که شرکت نفت عمان از ارائه برآوردهای دقیق در مورد ذخایر نفت مرمول و امل امتناع می کند، ولی شواهد موجود حاکی از وجود بیش از یک میلیارد بشکه نفت در این منطقه است.

به علت وجود دورنمای مساعد ظفار، شرکت نفت عمان آماده است تا در سال آینده در مورد تولید نفت منطقه ظفار پیشنهاد قاطعی به دولت عمان بدهد. پیشنهاد شرکت نفت عمان دربرگیرنده احداث یک خط لوله از حوزه امل به دماغه کوریا موریا است تا نفت در آنجا ذخیره شود و پس از آن حمل و نقل گردد و هزینه تانکرها و مخزن معادل ۱۰۰ میلیون دلار خواهد بود، و توسعه کامل چاههای امل و مرمول به ۶۰ میلیون دلار هزینه دیگر نیاز خواهد داشت. ظاهراً شل به عنوان مهم ترین سهامدار خصوصی شرکت نفت عمان آماده است قدری از سرمایه موردنیاز را فراهم آورد، ولی انتظار دارد دولت عمان بخش اعظم سرمایه مورد نیاز را فراهم آورد، اگر کارها بر وفق مراد به پیش رود، در سال ۱۹۷۹ نفت امل صادر خواهد شد و در صورت امکان حوزه های مرمول و نصیر نیز به خط لوله امل مرتبط خواهند شد.

امتیازات خارج و داخل خشکی

نتایج اکتشافات خارج و داخل خشکی توسط شرکت های نفتی مستقلِ مختلط بوده است.

تـاکنون شـرکت نفت فرانسـوی اِلـف در تنگه هرمز مهم ترین مـوفقیت را کسب کرده است (مرجع ب). شـرکت اِلف در عمق ۱۲۰۰۰ پـایی به نفت ۴۱ درجه دست یـافت که در منطقه آبهـای ایران واقع شـده است؛ این نفت در بخش تحتـانی یـک لا‌یه نمکی یـافت شـد که از بافت شـکننده خوبی برخوردار است. مـدیر مقیم عمان اِلف معتقـد است که چنـدین سال طول خواهد کشـید تـا این نفت از نظر تجـاری مورد بهره برداری قرار گیرد، (چون شـرکت مزبور در عایق بنـدی چاه با دردسـرهای زیادی روبه رو شده بود).

قرار است در زمسـتان جـاری یـک چاه دیگر حفر شود، لیکن اِلف نسـبت به نیازهای سـرمایه ای خود حساسـیت بسـیاری پیـدا کرده است و در نظر دارد در این حوزه بـا یـک شـریک عمـده آمریکـایی به اکتشاف بپردازد. شـرکت نفت سان اویل، که در اولین اکتشاف نفتی خود در جنوب مصیره در سال ۱۹۷۵ به نفت دست یافت، چاه دیگری در ماه اکتبر حفر خواهد کرد، ولی مدیریت این شرکت در مورد دورنمای دست یابی به نفت محتاطانه سخن می گوید.

اکتشاف داخل خشکی توسط شرکت های مستقل با جدیت چندانی آغاز نشده است. شرکت نفت کوین تانا اورسیز اینترنشنال که متعلق به شـرکت نفت مارشـال تگزاس است به اکتشـاف مس در عمـان پرداخته است و اولین کار زلزله سـنجی خود را در منطقه سونینـا آغـاز کرده است و سـال بعـد اولین حفاریهـای خود را آغـاز خواهـد کرد. مقامـات وزارت نفت معتقدنـد که به احتمـال زیـاد شـرکت نفت کوین تانـا به مقـادیر کم تـا متوسـط نفت دست خواهـد یافت. شـرکت های نفتی اِلف و سومیتومو اکتشافـات مقـدماتی را در منطقه بوطبول در مرکز عمـان آغـاز کرده انـد، لیکن اکثر ناظران معتقدنـد که شانس دست یابی به نفت در این منطقه بسیار ناچیز است.

علاوه بر این، دولت عمـان در خـارج از حوزه امتیـاز شـرکت نفت عمـان در جنوب ظفار دارای سه منطقه نفتی است که مایل است آنها را به شـرکت های مهم نفتی واگـذار کند تا با سـرمایه و مهارت خود آنها را گسترش داده و مورد بهره برداری قرار دهند. شـرکت گلف که به دنبال منابع دیگر نفتی است، نسبت به خرید یکی از این مناطق اظهار علاقه کرده است (و در مورد احتمال مشارکت در منطقه سونینا نیز مذاکراتی انجام داده است). شرکت های آرکو، موبیل و آموکو نیز با وزارت نفت تماس برقرار کرده اند.

خط لوله گاز

در ژوئن سال ۱۹۷۶ عمان برای احداث یک خط لوله گازی بین حوزه گازی یبال در شـمال بخش داخلی کشور و حوزه غبره در بخش ساحلی سرمایه لازم را تأمین کرد. وام ۶۰ میلیون دلاری دریافت شده از کویت و ابوظبی با نرخ بهره ۴ درصد به این کشور داده شـده است. بخش اعظم خـط لوله ۲۰ اینچی مورد نیـاز در کشور فراهم شـده، ولی ۱۱ کیلومتر خـط لوله دیگر باید خریداری شود تا احداث لوله کامل شود.

دولت عمـان توافق کرده است که منـاقصه شـرکت هـای بین المللی جهت احـداث خـط لوله و نظـارت بر احـداث آن توسـط شرکت نفت عمان مورد بررسـی قرار گیرد. دولت های کویت و ابوظبی نیز در انتخاب شرکت ها مؤثر خواهند بود. ظاهراً چند شرکت مهم آمریکایی در انجام این کار علاقه نشان داده اند.

طبق پیش بینی دولت عمـان پروژه خط لوله در عرض ۵ سال سـرمایه مصرف شده را بازپس خواهد داد، البته به خاطر نفتی که به جای تأمین انرژی دسـتگاههای نمک زدا به خارج صادر خواهد شد. این خط لوله به رشد صـنعتی در منطقه پایتخت کمک خواهد کرد؛ مقامات وزارت نفت در نظر دارند یک کارخانه ذوب آلومینیوم بسازند که با اسـتفاده از گاز طبیعی به کار افتد و نیز در نظر دارند یک شـبکه ارزان قیمت توزیع گاز نیز برای شـهرک های جدید در نزدیکی فرودگاه بین المللی «سیب» ایجاد کند. گاز طبیعی عمان مدتی دوام خواهد یافت، چون ذخایر تثبیت شده حوزه یِبال معادل ۴ میلیون فوت مکعب برآورد شده و در حوزه سونینا نیز ممکن است گاز بیشتری وجود داشته باشد.

بازاریابی نفتی

عمـان در فروش تمـام نفت تولیـدی خود با مشـکلاتی روبه رو نیست. نفت خام مختلط عمان که میانگین غلظت آن ۳۵ درجه است، بهتر از نفت سبک عربی به شمار می آید. قیمت جاری نفت عمان معادل ۷/۱۱ دلار برای هر بشکه است.

علاوه بر فروش نفت به سهامداران خصوصی (شل، شرکت نفت فرانسه و پارتکس)، دولت عمان مستقیماً به شرکت های نفتی روزانه ۸۰۰۰۰ بشـکه نفت می فروشـد. شـرکت سـی ایچی ژاپنی نیز روزانه معـادل ۵۰۰۰۰ بشـکه خریـداری می کند و گفت روزانه معادل ۳۰۰۰۰ بشـکه نفت به دست می آورد. مقامات شرکت نفت عمان از نوسانات اخیر سفارشات شرکت ایچ راضی نیسـتند، چون برنـامه تحویـل نفت شـرکت نفت عمـان را به هم ریخته است، لیکن ایتو و گلف در مورد تساوی جریان نفت به توافق رسیده اند.

نقش دولت عمان

مقامات دولت عمان پس از طی یک دوره رویارویی با شـرکت شل در زمسـتان و بهار گذشـته، از عملکرد شرکت نفت عمان بیشتر راضـی شده اند. هشتاد درصد مالیات و ۲۰ درصـد حق امتیاز نفت خام که در ماه مارس مقرر گردید بافت مالیاتی عمان را مطـابق بـافت مالیاتی دیگر کشورهای اوپک گردانـد (مرجع پ)، و منافع شل در نتیجه عملیات ۲۵/۰ دلار به ازای هر بشکه تقلیل یافت. دولت عمان معتقـد است که شـرکت شل در فروش نفت با وجود کاهش تقاضای بازار تلاش مکفی به خرج داده و لازم نیست قراردادهای آن مورد تجدیـدنظر واقع شود. پیشـرفت عمـده شـرکت نفت عمان در گسترش ظفار روابط را بهبود بخشیده و اذیت و

آزار شرکت های نفتی توسط دولت عمان را کاهش داده است. دولت عمان برای به دست آوردن بیش از ۶۰ درصد سهام شرکت نفت عمان فشار چندانی اعمال نمی کند و گویا میل ندارد در مشکلات مدیریتی شرکت شل سهیم شود. با این وجود، از نوامبر ۱۹۷۵ دولت عمان نشان داده است که می خواهد نقش مهم تری در تصمیم گیریهای نفتی ایفا کند، و به طور کامل به مشورتهای مقامات شرکت شل در رابطه با شرکت نفت عمان گردن نمی نهد و با استفاده از مشاورین خارجی و شرکت های نفتی مستقل، فعالیت های شرکت نفت عمان را زیرنظر می گیرد.

از آنجا که نفت منبع حیاتی اقتصادی عمان است و دولت این کشور نیز باید فعالیت بیشتری از خود نشان دهد، قدرت وزارت کشاورزی، ماهیگیری، نفت و معادن عمان نیز در حال افزایش است. ولی معلوم است که مقامات برجسته وزارت نفت قادر نیستند امور نفتی را جهت بخشند. وزیر سیداحمد الشنفاری بسیار ضعیف و فاقد قاطعیت بود و از تجارت نفتی سردر نمی آورد.

علی البطشی، سرپرست مالی وزارت نفت و معاون وزیر، فردی بسیار آگاه و مطلع است و مسئولیت های بسیاری در زمینه تصمیم گیریها دارد. بطشی گذشته از حسابداری از تخصص فنی چندانی برخوردار نیست و بیشتر بر مشاورتهای تخصصی تکیه می کند. خلیفه الرنیایی، سرپرست جدید خدمات فنی، همین اواخر کارشناسی ارشد زمین شناسی خود را از دانشگاه تگزاس دریافت کرده، لیکن فاقد تجربه است. بطشی و رنیایی اهل آفریقای شرقی هستند، و به همین دلیل ممکن است مورد تنفر عمانیها نسبت به «زنگباریها» واقع شوند.

بنابراین مسئله طرح ریزی و تصمیم گیری به عهده شرکت های مشاورتی آمریکایی تترا تک (با کمک شرکت توماس برگر، که سرپرست پیشین آرامکو بود) است. تترا تک به تدریج به صورت یک تصمیم گیرنده و نیز یک سازمان مشورتی فنی درآمده است، و احتمالاً یکی از نیرومندترین شرکت های خصوصی آمریکایی در عمان است.

گمان نمی رود که دولت عمان بخواهد و یا بتواند نقش عمده ای در مذاکرات نفتی بین المللی و یا سیاسی از قبیل مشارکت در اوپک ایفا کند. وُل

یادداشت های نفتی امارات شمالی

سند شماره ۴۳

محرمانه۱۵ فوریه ۱۹۷۸ ۲۶ بهمن ۱۳۵۶

از: سفارت آمریکا، ابوظبی ۱۳۵۸به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوحه، جده، کویت، لندن، منامه، مسقط، تهران

مرجع: الف) ابوظبی ۸۱A ، ب) ۷۷ابوظبی ۸۲A

موضوع: یادداشت های نفتی امارات شمالی

طی سفر اخیر سفیر به امارات شمالی در تاریخ ۲۸ تا ۳۰ ژانویه، در مورد وضع نفتی این

منطقه از امارات متحده عربی، وی اطلاعات ذیل را به دست آورد.

رأس الخیمه

بنا به گفته شیخ سلطان حاکم شارجه، هزینه های عمرانی چاههای نفتی در دست حفر در خارج از خشکی رأس الخیمه از طریق وامهایی تأمین شده که توسط هیأت وزیران امارات متحده عربی به رأس الخیمه داده شده است (به بند ۷۷و۲ ابوظبی ۱۹۳۵ رجوع شود)

رأس الخیمه ۵۰٪ هزینه ده میلیون دلاری اولین چاه حفر شده را پرداخت کرده، بقیه هزینه را کنسرسیومی متشکل از ۹ شرکت نفتی که ابتدا توسط روتردام گروپ ویتول سرپرستی می شد تقبل کرد (در حال حاضر این سرپرستی به عهده دوچه شاختابو و دمینکس که سهام ویتول را خریداری کرده، گذاشته شده است) ولی هزینه دو حلقه چاه دیگر را که به ترتیب ۹ و ۸ میلیون دلار بود دولت رأس الخیمه به طور کامل تأمین کرد. همین امر در مورد چهارمین حلقه چاهی که در آبهای مورد اختلاف با عمان واقع است نیز صادق می باشد. شیخ سلطان گمان نمی کرد که هیأت ارزی امارات بتواند پول خود را پس بگیرد چون تولید این چاهها خارج از خشکی بسیار ناچیز است و برای بهره برداری از دو حوزه کوچک مکشوفه باید هزینه های عمرانی بسیاری صرف گردد. (منابع موجود در رأس الخیمه به ما گفته اند که کل تولید دو چاه (ب ۱ و الف ۱) روزانه ۶۵۰۰ بشکه نفت و ۱۷ میلیون فوت مکعب گازِ مرتبط است). ولی این مقدار تولید نمی تواند رأس الخیمه را به صورت یک تولید کننده نفت درآورد. شرکت نفت کرسنت پنجمین چاه جدید خود را در جنوب جزیره ابوموسی حفر خواهد کرد. شیخ سلطان، حاکم شارجه بافت جدید را بسیار عظیم و امیدوارکننده توصیف کرده ولی مدیر شرکت کرسنت یعنی حمید جعفر در مورد آن اظهارنظر نکرده است. وی گفت شرکت آمریکایی (بوتس) به علت مشکلاتی که کرسنت در حوزه مبارک داشت می خواست در این بافت اقدام به حفاری کند. در حال حاضر تولید این حوزه حدود ۲۸۰۰۰ بشکه است. این بافت از نظر بهره برداری مشکلاتی پدید آورده چون شرکت مزبور با ریزش طبقات که مشکلات فنی را به وجود می آورد روبرو می شود.

بنا به گفته جعفر، امارت شارجه مایل است حفاری در جزیره سر ابو نویر (که در قلمرو آبی ابوظبی واقع شده) را آغاز کند، ولی هنوز مشخص نشده که مرز آبی جزیره باید سه میل یا ۱۲ میل دریایی باشد. ابوظبی مخالف این نیست که جزیره از آن شارجه باشد ولی محدوده ۱۲ میل دریایی را نیز نمی پذیرد. در حقیقت، خط مرزی آبی اطراف جزیره ابونویر مشخص نشده که علت آن نامشخص ماندن این مسئله است. کرسنت مایل است در منطقه ای واقع در محدوده ۱۲ میلی جزیره به حفاری بپردازد. از آنجا که وضع اقتصادی شارجه چندان خوب نیست و هزینه های زیادی از نظر ساختمان سازی بیش از حد متقبل شده، شیخ سلطان از رئیس امارات متحده عربی و حاکم ابوظبی یعنی شیخ زاید خواهد خواست تا به حل مسئله مرزی به

خصوص در رابطه با جزیره سر ابو نویر بپردازد.

فجیره

شیخ حمد حاکم فجیره اظهار داشت که گروه رزور (متشکل از یک کنسرسیوم آمریکایی و کانادایی) نتیجه اولین حفاری آبی خود را که تابستان گذشته و به دنبال ریزش طبقات بافتی آن را رها ساخته بود، ارزیابی کرده است. قرار است یک حلقه چاه جدید در نزدیکی چاه قبلی (حدود ۱۲ میلی شرق فجیره در خلیج عمان) حفر گردد.

این بافت نیز مشابه بافت موردنظر شرکت نفتی کرسنت در آبهای جزیره ابوموسی بوده و بهره برداری از آن بسیار دشوار است. ولی حاکم بسیار خوش بین بود و معتقد است که می توان به یک بافت مهم از نظر اقتصادی دست یافت. ولی او از بروز شایعات جلوگیری می کند تا از حاد شدن مسائل بین رأس الخیمه و شارجه جلوگیری کرده باشد. (شاید منظور شیخ حمد نه تنها خرجهای گزاف اولیه امارات قبل از درآمد نفتی بلکه بروز ادعاهای مرزی عمان در رابطه با نقاط مورد حفاری باشد.)

دوبی

شرکت نفت دوبی به عملیات عمرانی خود در فلاح جدید (شمال ۳۵/۲۵ شرق ۱۰/۴) و راشد (شرق ۳۰/۵۴ شمال ۲۵/۲۵) ادامه می دهد. حوزه فلاح که در نزدیکی مرز آبی ابوظبی واقع شده، قبلاً از طریق کارهای زلزله سنجی شرکت مارین آریاز ابوظبی کشف گردید ولی در سال ۱۹۶۸ این شرکت اخراج گردید چون شیخ زاید یک ساحل ۱۰ میلی را به دوبی داد (آن هم از طریق منحرف ساختن مرز به سمت چپ قبل از رسیدن به ساحل) تا دوبی نیز حمایت خود را از تشکیل فدراسیون امارات متحده اعلام کند. هاوارد مک کینلی رئیس شرکت نفت دوبی گمان نمی کند که حوزه فلاح بتواند روزانه بیش از ۱۵۰۰۰ بشکه تولید کند ولی احتمال کاهش تولید حوزه فتح را از بین خواهد برد تا تولید نفت دوبی در سالهای ۱۹۸۰ نیز روزانه برابر با ۳۰۰۰۰۰ بشکه باشد. شرکت مارین آریاز ابوظبی نیز قرار است در حاشیه غربی این بافت که در خشکی های منطقه ابوظبی امتداد می یابد حفاریهایی انجام دهد.

حوزه راشد که در جنوب حوزه فلاح واقع شده روزانه ۲۰ میلیون فوت مکعب گاز غیرمرتبط و فشرده (کمتر از ۵۰۰۰ بشکه در روز) تولید خواهد کرد. از گاز حاصله در منطقه صنعتی جبل علی استفاده خواهد شد. با وجود روزانه ۸۰ میلیون فوت مکعب گاز حاصله از حوزه فتح، ۲۰ میلیون فوت مکعب از حوزه راشد و ۴۰ میلیون فوت مکعب از ام القوین، مجتمع صنعتی جبل علی از انرژی کافی برخوردار خواهد بود و طرح احداث یک کارخانه مولد گاز مایع نیز به اجرا درخواهد آمد.

دیکمن

مشکلات کرسنت پترولیوم در رابطه با مالیات و عوارض

سند شماره ۴۴

محرمانه۱۵ فوریه ۱۹۷۸ ۲۶ بهمن ۱۳۵۶

از: سفارت آمریکا، ابوظبی الف ۰۰۸به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

موضوع: مشکلات کرسنت پترولیوم در رابطه با مالیات و عوارض

به پیوست یک نسخه از گزارش گفتگو بین آقای حمید جعفر مدیر شرکت کرسنت پترولیوم و سفیر در رابطه با مشکلات مالی این شرکت در حوزه عملیاتی مبارک ارسال می گردد. این شرکت معتقد بود که موضوع در تابستان سال ۱۹۷۵ حل شده اما اخیراً بار دیگر مطرح شده چون بنا به گفته جعفر، شرکت ملی نفت ایران در رابطه با حوزه هایی که در آن سهیم است از نظر مالیات و عوارض اعمال فشار می کند.

از نظر کرسنت، این حوزه حائز اهمیت چندانی نیست و هزینه های عمرانی خیلی بیش از انتظار بود چون سقوط طبقات، باعث به وجود آمدن مشکلات فنی در رابطه با بافت نفتی شده است. کرسنت به حفر چاه جدیدی در جنوب جزیره ابوموسی اقدام کرد که ممکن است در صورت تحمیل مالیات و عوارض بیشتر از طرف حاکم شارجه و به اصرار شرکت ملی نفت ایران عملیات خود را متوقف سازد. این امر بر اقتصاد شارجه تأثیر بسیار خواهد داشت، در حالیکه وضع اقتصادی آن با گسترش بیش از حد و پروژه های شهری جاه طلبانه به عنوان پیش درآمدی بر افزایش درآمد نفت و جذب سرمایه بخش خصوصی، بسیار بحرانی است. شرکت ملی نفت ایران اعلام کرده است که در صورت عدم پذیرش مالیات و عوارض بیشتر توسط کرسنت پترولیوم، شرکت ایرانی حاضر است ادامه عملیات را به عهده گیرد، ولی حتی الامکان حرکت ایرانیها به این منطقه تشنجات سیاسی را سبب خواهد شد که در سال ۱۹۷۱ و در زمان تصرف جزایر تنب و اصرار ایران بر مشارکت در حاکمیت جزیره ابوموسی همراه با شارجه در خلیج [فارس] به وجود آمد. دیکمن

گزارش ملاقات

محرمانه۱۲ فوریه ۱۹۷۸ ۲۳ بهمن ۱۳۵۶

شرکت کنندگان: حمید جعفر، مدیرکل کرسنت پترولیوم، فرانسوا ام. دیکمن سفیر آمریکا

موضوع: مشکلات شرکت کرسنت پترولیوم

بعد از ملاقاتمان در هفته گذشته (رجوع شود به ابوظبی الف ۰۰۷) حمید جعفر بار دیگر به سفارت آمد تا درباره یکی از مشکلات کرسنت پترولیوم که ناشی از افزایش میزان مالیات و عوارض عملیاتی آن در حوزه مبارک یعنی خارج از جزیره ابوموسی است، گفتگو کنند. این وضع که بنا به گفته او در نتیجه اعمال فشار شرکت ملی نفت ایران بر شارجه پدید آمده

منجر به یک رویارویی و تصـمیم گیری بوتس که گرداننده و سـهامدار اصـلی کرسنت است خواهد شد، تا ببیند که آیا ماندن در شارجه مقرون به صرفه است یا نه.

جعفر توضیح داد که حوزه مبارک که در خارج جزیره ابوموسی قرار گرفته از نظر عملیاتی چندان مهم نبوده است. طبق برآورد بوتس ذخایر قابل بازیافت معادل ۶۰ میلیون بشکه بوده که برآورد شرکت ملی نفت ایران ۷۵ میلیون بشکه است. از آغاز تولید در سال ۱۹۴۷، کرسنت تقریباً بیش از ۴۵ میلیون بشکه نفت استخراج کرده است و میزان تولید حوزه قطعاً سیر نزولی پیدا خواهد کرد. بوتس پس از آغاز مرحله تولید، نمی دانست که وسعت حوزه تا چه حدود است اما تولید را آغاز کرد، چون افزایش قیمت نفت، بهره برداری از این حوزه را بر اساس پروتکل امضا شده بین بوتس و شارجه در نوامبر ۱۹۷۱ مقرون به صرفه از نظر اقتصادی می دید. در آن زمان میزان مالیات بر درآمد ۵۵٪ و حق الامتیاز معادل ۵/۱۲٪ بود.

جعفر گفت پس از ادامه تولید، شرکت ملی نفت ایران (که شارجه نیمی از درآمد نفتی حاصل از حوزه ابوموسی را طبق توافق سال ۱۹۷۱ یعنی قبل از تشکیل امارات متحده عربی به ایران می پردازد) اصرار داشت که شرکت کرسنت مالیات و حق الامتیاز بیشتری بپردازد. گرچه میزان مالیات و حق الامتیاز در کشورهای اوپک سه بار یعنی از زمان امضای پروتکل بین بوتس و شارجه در سال ۱۹۷۱ افزایش یافت، ولی از شرکت خواسته نشد که در این زمینه تغییراتی بپذیرد. ولی پس از پیدایش و قبول «فرمول ابوظبی» در آبان ۱۹۷۴ برای کشورهای عضو اوپک یعنی ۸۵٪ مالیات و ۲۰٪ حق الامتیاز، شرکت ملی نفت ایران خواستار ایجاد تغییر در میزان مالیات و حق الامتیاز مربوط به حوزه مبارک گردید. ولی از آنجا که امتیاز توسط شارجه واگذار و پروتکل ۱۹۷۱ اساس آن بود، کرسنت نیز خود را با شارجه طرف می دانست نه با شرکت ملی نفت ایران.

کرسنت در پاسخ به دولت شارجه در اوایل سال ۱۹۷۵ خاطرنشان ساخت که این حوزه دارای اهمیت بسیاری نیست، چون میزان سرمایه گذاری سهامداران بیش از انتظار (۱۳۰ میلیون دلار به جای ۷۰ میلیون دلار) بود. علت نیز مشکلات بافتی و سقوط طبقات است، و فرمول جدید مالیات و حق الامتیاز اوپک در مورد عملیات بزرگ مصداق دارد (مانند حوزه آرامکو) و نه در مورد حوزه های کوچک. شرکت ملی نفت ایران از شارجه خواست که به قرارداد خود با شرکت کرسنت خاتمه داده و در مورد میزان مالیات و عوارض تصمیم گیری و در مورد آن مصالحه نکند. حاکم شارجه این امر را نپذیرفت و اظهار داشت که هرگونه تغییر باید بر اساس پروتکل صورت پذیرد. پروتکل شارجه و کرسنت شامل یک بند است که در آن ذکر شده که اگر دولت شارجه بخواهد تغییراتی در زمینه درآمدهای نفتی خود بدهد، شرکت مزبور و دولت باید مشخص کنند که آیا این تغییر به نفع طرفین است و آیا شرکت استطاعت آن را دارد. البته باید وضع اقتصادی شارجه نیز در نظر گرفته شود. با در نظر گرفتن موضع حاکم شارجه، شرکت ملی نفت ایران عقب نشینی کرد.

در بهار سال ۱۹۷۵، جعفر و دیگر نمایندگان کرسنت به تهران رفته بودند تا به شرکت ملی نفت ایران توضیح دهند که افزایش مالیات و حق الامتیاز چه تأثیری بر عملیات سهامداران

خواهد داشت. این ملاقاتها نتیجه ای به همراه نداشت. به شرکت کرسنت پاسخ داده شد که شرکت ملی نفت ایران پس از مطالعه مطالب ارائه شده نتیجه را اعلام خواهد کرد. این موضوع مختومه تصور می شد تا اینکه در اوت ۱۹۷۵ حاکم شارجه یعنی شیخ سلطان تصمیم گرفت کتباً شرایط قرارداد را تغییر ناپذیر و همان ۵۵٪ مالیات و ۵/۱۲ درصد حق الامتیاز را اعلام کند.

بنا به گفته جعفر این موضوع تا ماه اوت مسکوت ماند. در همین حال شرکت وفادارانه کار و سرمایه گذاری کرده بود، با این امید که در شرایط مالی تغییری داده نخواهد شد. متأسفانه پس از اصرارهای شرکت ملی نفت ایران حاکم شارجه جلسه ای با کرسنت تشکیل داد و خواستار افزایش مالیات به ۶۵/۶۶٪ و حق الامتیاز به ۵/۱۴٪ از ماه ژوئیه سال ۱۹۷۵ گردید. اگر کرسنت آن را می پذیرفت غائله ختم می شد و ادعای دیگری مطرح نمی شد. ولی بنا به گفته جعفر این کار برای کرسنت ۳۰ میلیون دلار خرج به همراه داشت. پس از تشکیل جلسه سهامداران کرسنت، به شارجه اطلاع داده شد که افزایش مالیات و حق الامتیاز از ماه اوت ۱۹۷۵ پذیرفته خواهد شد و نه قبل از آن.

شرکت فکر می کرد که شارجه این پیشنهاد را پذیرفته است لیکن با امتناع شرکت ملی نفت ایران روبرو شد. شرکت ایرانی می گفت که کرسنت باید از ژوئیه ۱۹۷۵ معادل ۷۷٪ مالیات و ۵/۱۴ درصد حق الامتیاز بپردازد. کرسنت نیز به هیچوجه قادر به پذیرفتن این موضوع نبود.

به علت نارضایتی شیخ سلطان از موضع کرسنت، جان بورتا رئیس بوتس در سپتامبر ۱۹۷۷ به شارجه آمد و گفت که ۷۷٪ مالیات و ۵/۱۴٪ حق الامتیاز را از ژوئیه ۱۹۷۵ می پذیرد ولی تاریخ قبل از آن را خیر. اختلاف بین این پیشنهاد و میزان ۶۵/۶۶٪ در هر بشکه یک دلار بود. اگر باقیمانده نفت حوزه حدود ۱۵ میلیون بشکه – طبق برآورد کرسنت – باشد ۱۵ میلیون دلار دیگر باید پرداخت شود. ولی اگر برآورد شرکت نفت ایران – ۷۵ میلیون بشکه – درست باشد این رقم به ۳۰ میلیون دلار خواهد رسید.

با وجود مناسب بودن این راه حل، ایرانیها با آن توافق نکردند. حاکم شارجه نیز نامه ای به نخست وزیر –یعنی آموزگار– نوشت و در آن ایرانیها را غیرمنطقی توصیف کرد، یعنی پیشنهاد آنها سبب وارد آمدن خساراتی به کرسنت خواهد شد که آن شرکت نیز به نوبه خود مجبور می شود از شارجه خارج گردد. به نظر جعفر این کار اشتباه بود چون آموزگار از شرکت ملی نفت ایران توضیح خواسته بود و کارمندان شرکت نیز به دفاع از نتیجه گیری خود پرداخته و مدعی بودند که حاکم شارجه بی تجربه بود و توسط شرکت کرسنت خام شده است. بورتا بار دیگر به شارجه آمد و در تاریخ ۷ فوریه با شیخ سلطان ملاقات کرد. این بار شیخ سلطان گفت که ایرانیها به وی فشار زیادی وارد کرده اند بنابراین کرسنت باید ۷۷٪ مالیات و ۵/۱۴٪ حق الامتیاز را تا اول ژانویه ۱۹۷۷ بپردازد. در نتیجه بورتا موضع خود را با کمال ناراحتی پس گرفت. یعنی شرکت می بایست ۱۲ میلیون دلار بپردازد.

کرسنت نمی دانست که آیا شرکت ملی نفت ایران پیشنهاد اخیر سلطان را می پذیرد یا نه.

شرکت ایرانی به حاکم گفته بود که حاضر است پس از متوقف شدن عملیات کرسنت عملیات را به تنهایی انجام دهد. شیخ سلطان نیز بورتا را در جریان امر قرار داده بود. کرسنت ۵۰ میلیون دلار سرمایه گذاری کرده و چاه جدیدی نیز در دست حفاری داشت. در صورت ملی شدن کرسنت، اگر این شرکت ۵۰ میلیون دلار دریافت کند خوب است، لیکن وی معتقد است که اگر شرکت مزبور حاضر به ترک محل شود، شرکت ملی نفت ایران از شارجه خواهد خواست که میزان مالیات و حق الامتیاز را تا سال ۱۹۷۵ محاسبه کند که معادل ۵۰ میلیون دلار می گردد و چیزی به شرکت نخواهد رسید.

جعفر گفت اگر این موضوع حل نشود، کرسنت با وزارت امور خارجه تماس خواهد گرفت تا سفارت آمریکا در ابوظبی نیز در این باره با شیخ سلطان تماس بگیرد. احتمالاً کرسنت از وزارت امور خارجه خواهد خواست که از طریق سفارت آمریکا در ابوظبی شیخ سلطان را وادار به تماس با آموزگار یا شاه بکند تا معلوم شود که اگر کرسنت از شارجه خارج شود بر اقتصاد شارجه تأثیر عمیق برجای خواهد گذاشت، چون اگر شرکت ملی نفت ایران جای آن را بگیرد ثبات آن از نظر سیاسی برهم خواهد خورد. اگر شرکت ملی نفت ایران اداره این حوزه را در اختیار بگیرد تمام تشنج های سال ۱۹۷۱ که ناشی از آزمایش نیروی ایران در برابر امارات عربی ضعیف بود بار دیگر تکرار خواهد شد. وی گفت شاید کرسنت از وزارت امور خارجه بخواهد از طریق سفارت آمریکا در ایران با رهبران ایران تماس گرفته و به شرکت ایرانی دستور دهند که دنباله موضوع را رها کند تا کرسنت نیز به کار خودش بپردازد.

مشکلاتی که در رابطه با مالیات و عوارض برای کرسنت پترولیوم...

سند شماره ۴۵

محرمانه۱۸ فوریه ۱۹۷۸ ۲۹ بهمن ۱۳۵۶

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی ۴۰۳۴به: سفارت آمریکا، ابوظبی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در جده، کویت، منامه، دوحه، مسقط، لندن، تهران

مرجع: ابوظبی ۴۴۳ و ۴۱۹

موضوع: مشکلاتی که در رابطه با مالیات و عوارض برای کرسنت پترولیوم

پدید آمده است

۱- بورتا از شرکت بوتس و اِلی مشاور حقوقی بوتس در شارجه طی تماسهای خود با وزارت امور خارجه موارد مطروحه در تلگرام ابوظبی ۴۴۳ را در میان گذاشته اند. بورتا تأکید داشت که در صورتی شرکت کرسنت خواهد توانست سرمایه خود را بازیابد که شارجه به اقدامات متقابل مبادرت نورزد. وی گفت در غیر این صورت کرسنت چاره ای جز متوقف کردن عملیات

و اقـامه دعوی نخواهـد داشت. بورتـا و الی گفته انـد که در نهـایت این امر به وضع اقتصـادی وخیم شارجه ضـربه وارد خواهد ساخت و در صورتی که شرکت ملی نفت ایران بتواند امتیازات نفتی را به دست آورد در روابط بین ایران و اعراب بحران های سیاسی بسیاری

به وجود خواهد آمد.

۲- وزارت امور خارجه این امر را با نگرانی دنبال می کند زیرا اجرای یکنواخت توافق بین ایران و شارجه در مورد ابوموسی (که امارات متحده عربی آن را به رسمیت نشناخته) در رابطه با جوّ همکاری در خلیج فارس اهمیت بسیار دارد. واحدهای مخاطب به یاد می آورند که قرارداد ابوموسی به سختی و با تلاش بسیار امضا شده و مسائل ضد و نقیض بسیاری به وجود آورده بود که منجر به قتل حاکم شارجه شد ولی با گذشت زمان عناصر ناسیونالیست عرب آن را به عنوان یک بهانه انتقادی به دست فراموشی سپردند.

با این وجود، برخلاف توجه ایرانیها به جزایر تنب، این موضوع یک نکته مثبت به حساب می آید، چون متعاقب پیگیری، آن عراق با انگلستان قطع رابطه کرد و لیبی نیز شرکت نفت انگلیس را ملی اعلام کرد. از نظر وزارتخانه، حضور صاحب امتیاز شارجه در فعالیتهای نفتی ابوموسی تداوم حکومت غیرنظامی شارجه بر این جزیره است و ورود شرکت ملی نفت ایران به این جزیره برای اعراب حوزه خلیج [فارس] به سادگی قابل توجیه نیست.

۴(۱)- جهت اطلاع ابوظبی: به سفیر دیکمن اجازه داده شد تا موضوع را در شارجه مطرح کند و نکات ذیل را با دولت مرکزی در میان بگذارد.

دولت آمریکا از مشارکت شرکت های آمریکایی در زمینه توسعه نفتی شارجه استقبال کرده است تا همکاری بین آمریکا و امارات متحده عربی ادامه یابد.

می دانیم که کرسنت و شارجه با جرح و تعدیل شرایط مالی کنونی موافق هستند تا منعکس کننده شرایط دقیق تر امتیازهای دیگر منطقه باشد.

ولی باید یادآور شویم که در رابطه با امتیازات کوچک تر، دولتهای میزبان روش انعطاف پذیرتری در کاربرد شرایط جاری اوپک مدنظر قرار داده اند و نیاز سیاسی ادامه عملیات را شرایط مساعدتر مالی تشخیص داده اند.

گرچه دولت آمریکا در مورد محتوای اصلی شرایط مالی موضعی نگرفته، ولی امیدواریم که تمام طرفین بتوانند به راه حلی دست یابند تا فعالیت های کرسنت در آنجا ادامه پیدا کند.

ما معتقدیم شارجه نیز معترف است که توقف عملیات صاحب امتیاز به نفع هیچکس نیست و به همین جهت باید با در نظر گرفتن شرایط مندرج در قرارداد امتیاز، مسئله حاضر را حل کرد (پایان جهت اطلاع شارجه).

۵- جهت اطلاع تهران: با در نظر گرفتن اهمیت سیاسی قرارداد ابوموسی و اینکه شاه و نخست وزیر کنونی فعالانه تلاش می کنند تا این قرارداد تحقق یابد، تعجب می کنیم که چرا دولت ایران به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده است تا به دنبال منافع ناچیز مالی باشد؛ آن هم تا جایی که عامل مهمی در رابطه با قراردادی است که همکاری در خلیج [فارس] را سبب

۱- در اصل سند شماره ۳ وجود ندارد. م.

شده است، به حساب می آید. سفارت مایل است به دولت ایران در مورد نحوه برخورد دیکمن در امارات متحده عربی توصیه هایی داشته باشد و بدون جنجال، نگرانی ما را در مورد حفظ منافع شرکت های آمریکایی و نیز تأثیرات سیاسی توقف عملیات شرکت نفتی حاضر در ابوموسی یادآور شود. ونس

وضع مالی دوبی

سند شماره ۴۶

سرّی۲۲ اوت ۱۹۷۸ ۳۱ مرداد ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا، ابوظبی به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در آتن، دوحه، جده، کویت، لندن، منامه، مسقط، تهران

مرجع: ۷۷ ابوظبی ۰۰۶۹ الف

موضوع: وضع مالی دوبی

آغاز خلاصه: مقاله ای که در نشریه یورومانی (Euromoney) مورخه اوت ۱۹۷۸ درج شده است، برای اولین بار تأثیر پروژه های مهم دوبی را بر اقتصاد این امارت تشریح می کند. این مقاله زمانی منتشر شد که دوبی سعی داشت ۵۰۰ میلیون دلار وام جدید دریافت نماید تا بتواند هزینه های پیش بینی نشده را تأمین کند. ما کلاً با مندرجات مقاله در مورد میزان قروض دوبی و نرخ بهره آن که به ۲۵ درصد می رسد موافقیم ولی با نتیجه گیری آن مبنی براینکه دوبی خواهد توانست با پرداخت دقیق وامهای خارجی خود مانع از کسری بودجه در چند سال آینده گردد مخالفیم چون این نتیجه گیری بسیار خوش بینانه است.

بر اساس آخرین اطلاعات دریافتی، مطلع شده ایم که دوبی خود را به خطر افکنده و این وضع در دو یا سه سال آینده از وخامت بیشتری برخوردار خواهد شد مگر آنکه حاکم یعنی شیخ راشد تصمیمی بر خلاف انتظار مردم اتخاذ کند. پایان خلاصه.

مقاله اخیر توسط شریف قالب یکی از اقتصاددانان چیس بانک تدوین یافته و به تاریخ اوت ۱۹۷۸ در نشریه یورومانی برای اولین بار به هزینه مالی سرسام آور این امارت در رابطه با پروژه های مهم آن می پردازد. این مقاله زمانی منتشر شد که دولت دوبی توسط مهدی تاجر از بانک بازرگانی انگلیس – مورگان گرنفل– درخواست ۵۰۰ میلیون دلار وام برای اتحادیه های صنفی کرده است. معادل نیمی از این وام جهت بازپرداخت اعتبارهای موجود و نیمه دیگر برای تأمین هزینه پروژه های مهم دیگر از قبیل احداث پروژه خشکی دوبی و مجتمع بندری جبل علی به کار خواهد رفت.

هزینه های پیش بینی نشده

مهم ترین هزینه پیش بینی نشده به بندر خشکی دوبی مربوط است که به «رؤیای راشد» معروف شده است. این پروژه که قرار بود قبلاً با هزینه ۲۲۳ میلیون دلار ساخته شود (که سه

برابر هزینه بنـدر خشـکی اوپـک عربی در بحرین است) در سال ۱۹۷۶ به خـاطر هزینه هـای پیش بینی نشـده و تغییرات لازم به ۳۶۰ میلیون دلار افزایش یافت. یک وام پنج ساله ۱۵۰ میلیون دلاری همراه با یک اعتبار صادراتی انگلیس به مبلغ ۵/۳۵ میلیون دلـر برای تأمین هزینه های مورد نیاز فراهم شـد. لیکن از پایان سال گذشـته معلوم شـد که منابع مالی بیشتری لازم است چون کف اسـکله بایـد تقویت شود و گذشـته از این بعضـی هزینه های پیش بینی نشـده دیگر به وجود آمده است. چنین تصور می شود که با ۱۵۰ میلیون دلـر وام دیگر و نیز تأمین مقـدار بیشتری وام صادراتی، می توان پروژه را به پایان رسانـد. حتی پس از پایان نیز این اسکله تنها به کمک یک یارانه ماهیانه ۵/۲ میلیون دلاری قادر به عمل خواهد بود و درآمد حاصله از آن هیچگاه نخواهـد توانست اصل وام و یا حتی مقـدار بهره وامهایی که برای احـداث آن به کار رفته جبران کنـد. از آنجا که شـیخ راشـد مـدیر این اسـکله را تعیین نکرده، این اظهارات منفی در مورد وضع مالی بسـیار فرضـی و محافظه کارانه است. راشـد در تلاش است تا اوپک عربی را متقاعـد سازد که این اسـکله و اسـکله موجود در بحرین را تحت یک مدیریت درآورد تا از رقابت بین این دو نیز جلوگیری به عمل آید.

هزینه پیش بینی نشـده دیگر مربوط به بنـدر جبـل علی است. طبق اظهارات و مطالب منـدرج در مقاله یورومانی، هزینه برآورد شده این بندر ۷۴ اسکله ای (به استثنای کارخانه آلومینیوم، پروژه گاز مایع، نیروگاه برق و نمک زدایی) ۷۶۹ میلیون دلار بود. لیکن بر اساس اطلاعات دریافتی از دفتر دوبی تا تاریـخ ۱ می ۱۹۷۸ جمعاً ۷۰۰ میلیون دلار خرج شده، در حالیکه کار مربوط به نیمی از این بنـدر به پایـان رسـیده است. علاوه بر این، به مقامات دوبی توسط مشاورین آنها سـر ویلیام هالکرو – و شـرکا – اطلاع داده شده که اگر قرار باشد جبل علی جاذب شرکت ها و یا صنایع باشد باید از زیربنای خاصی نیز برخوردار باشد.

حداقل نیاز مسـکن، جاده ها، تأسیسات توزیع برق، تأمین آب، فاضـلاب، تسـهیلات مورد نیاز دیگر و غیره برای نیروی کاری معادل ۷۶۰۰ نفر و نیز گروه مـدیریتی معادل ۸۵۰ نفر حدود ۱۷۵ میلیون دلـر تا آخر سال ۱۹۸۰ خرج برمی دارد. بـه این مبلغ بایـد چنـد هزینه فرعی دیگر از قبیـل متصـل ساختن شاهراه ابوظبی و دوبی، کشـیدن کابل های جدیـد تلفن، راههای موردنیاز دیگر، دفاتر و مسـکن بیشتر نیز اضافه شود که برای خود بندر و عاملان آن مورد نیاز است و تقریباً ۷۰ میلیون دلار دیگر خرج برمی دارد. با وجود اینکه اعلام شـده تاریخ پایان کار این بندر از ۱۹۸۰ به ۱۹۸۲ موکول گردیده و نیز تعداد اسکله ها کاهش خواهد یافت، شـیخ راشد علناً گفته است که تصـمیم دارد این بندر را به موقع تکمیل کند. ولی راشد در مورد پیشنهاد هالکرو مبنی بر ایجاد زیربنای لازم و تصمیمات لازم تأخیر روا داشته است.

هزینه هـای پیش بینی نشـده پروژه ذوب آلومینیـوم جبـل علی از ۵۵۰ میلیون دلـر به ۸۲۰ میلیون دلـر افزایش یـافته ولی مانند پروژه هـای دیگر چنـدان حاد نیست. اقتصاد ذوب آلومینیوم ترغیب کننـده است چون قیمت آلومینیوم در اوایل دهه ۱۹۸۰ بالا خواهد رفت. هزینه سه کوره

تـأمین شـده و قرار است منبع لازم برای کوره چهـارم نیز تـأمین شود، البته در صورتی که بـازار کنونی بتوانـد مقاومت خود را حفظ کند. اگر منابع مالی مورد نیاز دیگر نیز تأمین شود هزینه کوره ذوب به ۱ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت.

هزینه مربوط به پروژه گـاز ماننـد هزینه پروژه ذوب آلومینیوم افزایش نیـافته است، بنـابراین برآورد هزینه های آماده سازی آن ضرورتی نـدارد. لیکن هزینه هـا افزایش خواهـد یافت چون دوبی نخواهـد توانست از حوزه ام القوین روزانه معادل ۴۰ میلیون فوت مکعب (نگـاه کنیـد به ابوظبی الف–۷۰۰) و از بخش مکشوفه توسـط کوین تانـا در عمـان (نزدیکی بریمی) همین مقـدار گاز را به دست آورد. دومین چاه گازی خارج از خشـکی نیز توسط گروه نفتی ام القوین مسـدود شد و نشان می دهد که این گروه قادر نیست در این رابطه به تعهدات خود عمل کند. دومین چاه گازی که در منطقه کوین تانا حفر شده نیز نتایج مطلوبی نداشـته است. گـاز مرتبـط حوزه های فتـح و حوزه جنوب غربی فتـح نیز نمی توانـد نیاز این پروژه گازی را تأمین کرده و گاز مازاد آن را در پروژه های صـنعتی جبل علی به کار برد، شیخ راشد برای استفاده از بخشی از گاز ابوظبی که سوزانده می شود حاضر به مذاکره نشده است.

وامهای خارجی و بهره وامهای دوبی

محاسبات مندرج در مقاله یورومانی مبنی بر اینکه دوبی ۷/۱۳۵ میلیون دلار بین اکتبر ۱۹۶۷ تا ژوئن ۱۹۷۳ و ۸۳/۱ میلیارد دلار از دسامبر ۱۹۷۳ به صورت وام و اعتبار صادراتی دریافت داشـته تقریباً با ارقامی که در تلگرامهای مرجع سـفارت گزارش شده مطابقت دارنـد. ولی کلاً دربرگیرنده ۲۰۰ میلیون مارک آلمانی (یا ۱۰۰ میلیون دلار) وام دریافتی برای پروژه ذوب آلومینیوم در ماه می ۱۹۷۸ نیست. گذشته از اینها این محاسبات بعضی از وامهای غیر رسمی از قبیل ۱۴۰ میلیون دلار بدهی دولت دوبی به بریتیش بانـک میـدل ایست را دربر نمی گیرد که برای شـرکت برق دوبی دریافت شـده که اکثر آن توسط دولت یارانه می شود. شـرکت برق دوبی هر کیلو وات سـاعت برق را به قیمت ۱۵ فلس به افراد مقیم، مدارس و بیمارسـتانها می فروشد و برای صنایع، دفاتر تجاری و غیره قیمت آن ۲۵ فلس است؛ در حالیکه تولید هر کیلو وات ساعت ۳۶ فلس خرج برمی دارد. علاوه بر این راشد در ازای سرمایه گذاری، به سهامداران ۱۵ درصد سود می دهد و مسـئولیت هزینه های سرمایه ای شرکت برق دوبی را نیز به عهده می گیرد.

مسـئولیت تأمین هزینه بهره وامهای خارجی دبی نیز طبق مطالب مقاله به عهـده شـرکت نفت دبی است و چون تنها منبع درآمد این امـارت است، شـیخ راشـد نیز آن را تنها عامل تأمین هزینه مربوط به بهره وامهای خارجی اعلام کرده است. گرچه وامهای بازپرداخت شـده تا حدودی از بدهیهای کلی این امارت کاسـته ولی بدهیهای خارجی آن به صورت وام خارجی و اعتبار میان مدت صادراتی حداقل ۷/۱ میلیارد دلار است که با ارقام بانک های تجاری مطابقت دارد.

تجزیه و تحلیل یورومانی میزان بهره بدهیهای خارجی دوبی را در سال ۱۹۷۸ معادل ۲۹۵

میلیون یا ۳/۲۲ درصـد که پنـج برابر درآمـد دولت کویت است تخمین زده است. این برآورد مبتنی بر اطلاعاتی است که دفتر دوبی مستقلاً دریافت کرده است. گذشته از ۲۰۰ میلیون دلار وام کلی و ۱۵۰ میلیون دلار وام مربوط به شرکت برق دوبی (که در می ۱۹۷۷ دریافت و بایـد در طول سه سال بازپرداخت شود)، وام ۱۰۰ میلیون دلاری ذوب آلومینیوم (که باید در مدت ۱۱ سال بازپرداخته شود) و قروض غیر رسمی دیگر مانند (وامهای BME جهت استفاده در شرکت برق دوبی) بازپرداخت وام آن در هفت سال آینده و با در نظر گرفتن تکالیف موجود به شرح ذیل خواهد بود:

سرّی

۱۳۳ میلیون دلار۱۹۷۸

۳۴۵ میلیون دلار۱۹۷۹

۴۲۸ میلیون دلار۱۹۸۰

۳۴۹ میلیون دلار۱۹۸۱

۲۸۹ میلیون دلار۱۹۸۲

۱۸۹ میلیون دلار۱۹۸۳

۹۸ میلیون دلار۱۹۸۴

در مقاله یورومانی آمده است که باید سالانه ۲/۱۴۶ میلیون دلار دیگر برای مدت سه سال متوالی پرداخت شود تا وام دریافتی در اوت ۱۹۷۷ نیز پرداخت گردد. اگر همین رقم را به بـازپرداخت وام سـال ۱۹۷۸ اضافه کنیم، بـدهی سال ۱۹۷۸ معادل ۲۸۰ میلیون دلـر، سال ۱۹۷۹ معادل ۴۹۲ میلیون دلـر و سال ۱۹۶۰ معادل ۵۷۵ میلیون دلار خواهـد شـد. طبق پیش بینی یورومانی درآمـد دولت دوبی از ۳۲۵/۱ میلیـارد دلار در سال ۱۹۷۸ به ۳۶۳/۱ میلیـارد دلار در سال ۱۹۷۹ و ۴۴۷/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ خواهد رسـید در حالیکه قیمت نفت در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ معادل ۵ درصد افزایش خواهد یافت. همین امر سبب می شود که بـازپرداخت وامها در سال ۱۹۷۹ معادل ۳۶ درصد و در سال ۱۹۸۰ معادل ۴۰ درصـد باشد. حتی اگر قرار باشد قیمت نفت بیش از این افزایش یابـد، میزان بازپرداخت وامهای دوبی باز هم بیش از ۳۵ درصد در دو سال آینده خواهد بود. بنابراین جای تعجب نیست اگر دوبی بار دیگر در صدد یافتن منابع مالی دیگر باشد.

کسری و یا اضافه بودجه

مقاله یورومانی چنین نتیجه می گیرد که وضع مالی دوبی پس از سال ۱۹۸۱ بهبود خواهد یافت و این شیخ نشین بدون اینکه با

کسری بودجه ای مواجه شود خواهد توانست در سال ۱۹۸۲ ۱۹۷۹ تمام بـدهی خود را بپردازد. بر اساس آخرین اطلاعات، ما معتقـدیم که این نتیجه گیری بسیار خوش بینانه است؛ حتی اگر وام جدیـدی دریافت نشود و در چنـد سال آینـده دوبی پروژه جدیدی برای احداث در مدنظر نداشته باشد. در سال ۱۹۷۷، هزینه جاری دوبی (شامل یارانه آن

به شهرداری دوبی) بالغ بر ۱۴۰ میلیون دلار و هزینه پروژه های آن معادل ۸۱۰ میلیون دلار بود. به این ارقام می توان ۶۰ میلیون دلار بازپرداخت وام و ۲۰۰ میلیون دلار یارانه و هزینه سرمایه شرکت برق دوبی را نیز افزود. از آنجا که بخشی از هزینه پروژه و سرمایه از طریق وامهای خارجی یا اعتبار تأمین می شود، دولت دوبی قادر بود ذخایر ارزی خارجی داشته باشد در حالیکه درآمد آن با هزینه های آن برابر بوده است. ولی در سال ۱۹۷۹ هزینه سرمایه و جاری حداقل ۱/۱ میلیارد دلار، بازپرداخت وامها نزدیک به ۳۰۰ میلیون دلار، یارانه و هزینه سرمایه «دوبی الکتریک» ۲۵۰ میلیون دلار خواهد بود. در صورت ادامه همین روند ارقام مربوط به سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ بیشتر از اینها خواهد بود. بدون تأمین هزینه لازم برای تکالیف موجود و یا برداشت از ذخایر ارزی دولتی (که بین ۲ میلیارد و پانصد میلیون دلار برآورد شده)، دوبی در سه سال آینده حتماً با کسری بودجه روبرو خواهد شد. کمبود مالی از هم اکنون محسوس شده است. شیخ راشد مانند غربی ها در رابطه با بازپرداخت وامهای خود حدود ۴۵ روز تأخیر روا داشته است. او از طریق مهدی تاجر به شرکت نفت دوبی فشار وارد می آورد تا تولید خود را به مقدار روزانه ۴۰۰۰۰ بشکه دیگر بالا ـ برد. این شرکت روزانه ۳۶۰۰۰۰ بشکه تولید می کند که حداکثر ظرفیت تولیدی است؛ آن هم در صورتی که قرار باشد از حوزه نفتی به طرز صحیحی بهره برداری کند. در چند ماه گذشته، شرکت نفت دوبی قادر بود تولید خود را به این سطح برساند چون نتایج بهتر بود ولی حتی با تزریق آب و انجام کار حفاری بیشتر، امکان افزایش آن وجود ندارد. حتی اگر حوزه جدید نیز قابل بهره برداری شود، تولید کلی دوبی در سال ۱۹۸۰ سیر نزولی خواهد داشت و تا سال ۱۹۸۲ کمی بیش از ۳۰۰۰۰۰ بشکه خواهد بود و پس از آن در یک دوره ده ساله به روزانه ۲۰۰۰۰۰ بشکه خواهد رسید.

نتیجه گیری

گرچه دولت دوبی یکی از اولین دولتهای جهان عرب بود که برای تأمین هزینه لازم پروژه های خود به بازار سرمایه بین المللی روی آورد، ولی معلوم نیست که درخواست وام جدید ۵۰۰ میلیون دلاری آن مورد قبول واقع خواهد شد یا نه. عدم موفقیت آن در دریافت این وام بر موضع دوبی و حیثیت شیخ راشد به عنوان یک بازرگان لطمه خواهد زد. به هر حال، راشد در چند سال آینده با رویدادهای ناخوشایندی روبرو خواهد بود: یعنی مجبور خواهد شد یا از ذخایر رسمی دولت برداشت کند، یا کار مربوط به پروژه های خود را به تأخیر اندازد و یا به جلب حمایت مالی امارت ابوظبی بپردازد تا بتواند کار مربوط به پرخرج ترین پروژه هایش را ادامه دهد. با در نظر گرفتن هدف راشد در مستقل ساختن امارت خود از نظر سیاسی و بازرگانی از دیگر امارات، هیچیک از این رویدادها یا روشها دلخواه نیست. لیکن گرگ هم اکنون در برابر طعمه ایستاده و باید سخت ترین تصمیم را به سرعت اتخاذ کند.

دیکمن

سفر پیشنهادی کوپر، معاون وزیر، به منطقه

ص: ۱۲۷

سند شماره ۴۷

محرمانه۹ اکتبر ۱۹۷۸ ۱۷مهر ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا، ابوظبی ۲۶۸۷به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در قاهره، منامه، تهران.

مرجع: الف) وزارت امور خارجه ۲۵۲۸۴۳، ب) منامه ۲۲۰۲

موضوع: سفر پیشنهادی کوپر، معاون وزیر، به منطقه

۱- سفارت از سفر کوپر معاون وزیر و آقای مورس استقبال می کند. از نظر ما این سفر موقعیت بسیار مناسبی برای تبادل نظر مقامات عالیرتبه در مورد منافع دوجانبه با تصمیم گیرندگان مالی و اقتصادی امارات متحده عربی پدید می آورد.

۲- سفارت در تلاش است تا ترتیب ملاقات معاون وزیر با وزیر امور خارجه احمد خلیفه السویدی (که نقش مهمی در فرمول بندی کمک های مالی امارات متحده عربی داشته)، العتیبه وزیر نفت و معادن طبیعی، سعید غُباش وزیر برنامه ریزی (سفیر اسبق امارات در واشنگتن) را بدهد. غُباش در جریان سفر معاون وزیر قرار گرفته و در تاریخ ۲۵ ۲۶ اکتبر به ابوظبی خواهد آمد. در حال حاضر سویدی در نیویورک به سر می برد تا در مجمع عمومی سازمان ملل شرکت کند، و العتیبه نیز در شهر نیست. هنوز قادر به تعیین وقت ملاقات نیستیم مگر آنکه آنها به اینجا مراجعت کنند. قرار است هر دوی آنها در تاریخ ۲۵ ۲۶ اکتبر در اینجا باشند.

۳- علاوه بر موارد فوق، در نظر داریم ضیافت هایی (شام یا ناهار) ترتیب دهیم تا با چهره های اقتصادی دیگری چون عبدالملک الحمر، مدیرکل هیأت ارزی امارات متحده عربی ناصرالنویس، مدیرکل صندوق عمران اقتصادی ابوظبی محمد هبروش، مدیرکل سرمایه گذاری ابوظبی؛ و جواد هاشم مدیرکل صندوق پولی عربی، ملاقات گردد.

۴- بند ۲ مرجع الف حاکی از آن است که معاون وزیر مایل است با تجار محل نیز ملاقاتهایی داشته باشد. ما هنوز مطمئن نیستیم که او میل داشته باشد با تجار بومی ابوظبی که تعداد آنها بسیار کم است و یا شهروندان آمریکایی و اتباع کشورهای ثالث که به عنوان نمایندگان شرکت های آمریکایی مستقر در ابوظبی هستند، ملاقات کند. فکر نمی کنیم در هیچیک از گروههای مزبور کسانی وجود داشته باشند که بتوانند در مورد سیاست پولی بین المللی، امور نفتی و یا مسائل شمال و جنوب بحث و تبادل نظر کنند. اگر می دانستیم که معاون وزیر در چه موردی گفتگو خواهد کرد، برنامه ملاقاتها را طوری تهیه می کردیم تا تجار محلی و شخصیتهای بانکی مناسب و مطلع در آنها شرکت کنند.

۵- در رابطه با پیشنهاد مرجع ب، سفارت مایل نیست مانع از سفر معاون وزیر به بحرین شود. ولی باید یادآور شویم که ورود

معاون وزیر به ابوظبی در ساعت ۴۵/۲۲ دقیقه ۲۵ اکتبر سبب می شود که امکان هیچگونه ملاقاتی در آن زمان وجود نداشته باشد. از آنجا که دفاتر دولت امارات متحده عربی رأس ظهر پنجشنبه برای گذرانیدن تعطیلات آخر هفته تعطیل

می گردد، معاون وزیر تنها خواهد توانست در ابوظبی یکی دو ملاقات داشته باشد. در صورتی که ایشان در بحرین توقف داشته باشند، آیا می توانند این کار را در راه خود از ابوظبی به تهران در تاریخ ۲۶ اکتبر انجام دهند؟

۶- مقام بررسی بازدید های سفارت آقای بروکس رامپل مایر و دستیار ایشان افسر اقتصادی فرانک اسپیلمن خواهد بود. تلفن های سفارت ۶۱۵۳۴، ۶۱۵۳۵، یا ۶۱۹۹۸ است. تلفن محل سکونت رامپل مایر ۶۱۶۹۷ و تلفن محل اقامت اسپیلمن ۶۹۰۸۳ است.

۷- به محض اینکه ترتیب ملاقات با مقامات مندرج در بندهای ۲ و ۳ فوق داده شد، پیشنهادات خود را برای معاون وزیر ارسال خواهیم داشت تا تصویب شود.

رامپل مایر

سفر کوپر، معاون وزیر، به ابوظبی

سند شماره ۴۸

محرمانه۴ نوامبر ۱۹۷۸ ۱۳ آبان ۱۳۵۷

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - ۱۰۰۲

به: سفارتخانه های آمریکا در قاهره، دوحه، جده، کویت، منامه، لندن، پاریس، بغداد، تهران، مسقط

موضوع: سفر کوپر، معاون وزیر، به ابوظبی

۱- خلاصه: ریچارد کوپر معاون وزیر در امور اقتصادی از تاریخ ۲۵ تا ۲۶ اکتبر با مقامات اقتصادی و سیاسی عالیرتبه امارات متحده عربی در ابوظبی ملاقاتهایی داشت. در این گفتگوها معاون وزیر درباره (الف) وضع اقتصاد جهان و امکان تقویت دلار، (ب) ادامه اعتدال و حتی جلوگیری از افزایش قیمت نفت اوپک و (پ) نیاز به انعطاف پذیری بیشتر گروه ۷۷ به خصوص در رابطه با مذاکرات شمال و جنوب در اجلاس آنکتاد ۵ مانیل تبادل نظر کرد.

۲- مقامات امارات متحده عربی از سفر معاون وزیر که فرصتی برای پیگیری این مذاکرات با آمریکا را پدید آورده بود قدردانی کردند. در پاسخ به نکات مطروحه توسط معاون وزیر آنها (الف) ابراز اطمینان کردند که شرایط موجود و اقدامات آمریکا به منظور تقویت دلار در نهایت موفق خواهد شد اما یادآور شدند که در همین حال امارات متحده عربی به خاطر کاهش ارزش دلار و افزایش بیش از حد قیمت کالاها و خدمات وارداتی حدود ۱۲ تا ۱۵ درصد خسارت متحمل شده است؛ (ب) آنها اعلام کردند که قصد دارند در کنفرانس شهریور ماه اوپک در مورد قیمت نفت اعتدال پیشه کنند لیکن یادآور شدند که امارات متحده عربی قیمت های اعلام شده را رعایت خواهد کرد؛ و (پ) اظهار داشتند که برخورد بین کشورهای

اروپایی و گروه ۷۷ در مذاکرات شمال و جنوب خوشایند نبوده و باید از ادامه آن جلوگیری شود. آنها گفتند که بهتر است این گونه موارد در اجلاسیه های کوچکتری مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد. علاوه بر این، مقامات امارات اظهار داشتند که کمک های کشورهای پیشرفته به

کشورهای رو به رشد باید افزایش یابد و از آمریکا خواستند ژاپن و آلمان غربی را به افزایش کمک های خود متقاعد سازند. در این گفتگوها به قرارداد کمپ دیوید، کمک به مصر و اوضاع در ایران نیز پرداخته شد. پایان خلاصه.

۳- معاون وزیر کوپر، همراه با کاردار و ادوارد مورس مشاور معاون وزیر طی سفر دو روزه معاون وزیر به ابوظبی با مقامات سیاسی و اقتصادی امارات ملاقاتهای فشرده ای داشتند. شرکت کنندگان دیگر عبارت بودند از سعید غُباش وزیر برنامه ریزی، مناسعید العتیبه وزیر نفت، ناصرنویس مدیر صندوق مالی ابوظبی، سویدی وزیر امور خارجه، راشدعبدالله وزیر کشور، محمد هبروش مدیرکل شرکت سرمایه گذاری ابوظبی، و عبدالملك الحمر مدیرکل هیأت ارزی ابوظبی. دولت امارات از معاون وزیر به عنوان میهمان خود پذیرایی می کرد و معاون وزیر اقتصاد و تجارت یعنی سعید غانم نیز به افتخار دکتر کوپر ضیافت شامی ترتیب داد.

۴- امکانات دلار. در گفتگو با مقامات امارات متحده عربی معاون وزیر سه موضوع مهم را مطرح کرد. اولین موضوع دورنمای بهتر تقویت دلار در مقایسه با دیگر ارزهای موجود بود. معاون وزیر گفت هیچیک از مقامات نباید در کوتاه مدت تغییرات ارزی را پیش بینی کند ولی در درازمدت، در نتیجه سه عامل وی پیش بینی می کند که ارزش دلار به طرز عمده ای افزایش یابد که سه عامل عبارتند از:

الف- شتاب میزان رشد اقتصاد اروپا و ژاپن در سال ۱۹۷۹ همراه با کاهش رشد صادرات آمریکا، به خصوص صنایع سرمایه ای به دیگر کشورهای صنعتی.

ب- تصویب برنامه انرژی پیشنهادی کارتر توسط کنگره، تقاضای نفتی آمریکا را در سال ۱۹۸۵ به روزانه کمتر از ۳ میلیون بشکه در روز خواهد رساند. البته باید آن را با میزان واردات غیر انرژی مقایسه کرد.

پ- اخیراً رئیس جمهور برنامه ضد تورمی اعلام کرده که شامل صرفه جویی در هزینه های دولت فدرال، تجدید نظر در مورد تأثیر تورم زای اقدامات محیطی و دیگر اقدامات دولت، مهمتر از همه تعیین شاخص های غیر اجباری دستمزد قیمت است که باید تمام شرکت ها درباره با آن همکاری کنند. این سیاست جدید تورم قیمت را که از هم اکنون یعنی از اوایل سال ۱۹۷۸ سیر نزولی پیدا کرده دچار محدودیت خواهد ساخت. نفوذ میزان تورم داخلی آمریکا به عنوان ضریبی در نوسانات تبدیل ارز خارجی اغراق آمیز بوده است. در نتیجه این رویدادها و کاهش ارزش گذشته دلار، معاون وزیر معتقد است که وضع کسری بودجه جاری آمریکا بهبود یافته و در سال ۱۳۵۸ معادل ۴۰ ۳۰ درصد خواهد بود.

۵- در واقع تمام مقامات امارات متحده عربی مورد تماس، نگرانی خود را در مورد نوسانات ارزش دلار اعلام داشته اند. عتیبه اظهار داشت که امارات متحده عربی ماهانه ۱۵ ۱۲ درصد از قدرت خرید خود را از دست می دهد. دیگران از تأثیر کاهش ارزش دلار بر منابع ارزی امارات متحده عربی در خارج یاد می کنند که بسیاری از آنها به صورت دلار است.

هبروش گفت که وی مطمئن است دلار به موقع تقویت خواهد شد. عتیبه نیز گفت که امارات متحده عربی سعی دارد صبر کند تا فرصتی برای برخورد با مشکلی که فکر می کند تقصیر آن متوجه ما نیست به دست آید. دولت امارات متحده عربی همیشه پیشنهاد اوپک را در مورد تغییر ارز مخصوص پرداخت قیمت نفت از دلار به یک ارز دیگر نپذیرفته است. ولی به عنوان یک کشور کوچک، امارات عربی نمی تواند همیشه منتظر بهبود این وضع باشد. از داخل و خارج فشارهایی بر امارات عربی وارد می شود تا اقدامی مناسب در جهت جبران کاهش ارزش دلار انجام دهد.

۶- قیمت و عرضه نفت: دومین نکته طرح شده توسط معاون وزیر در مورد اجلاس آتی وزیران اوپک در ابوظبی بود. آمریکا معتقد است که بنا به دلایل زیر می توان مانع از افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۹ شد:

الف- افزایش قیمت نفت بر تورم جهانی تأثیر روانی مستقیم و غیرمستقیم دارد. افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۹ مخالف هدف دو جانبه مان - پایین آوردن میزان تورم جهانی است.

ب- هنوز اروپا به طور کامل نتوانسته است دوران خروج از عقب افتادگی اقتصادی اواسط سالهای ۱۹۷۰ را پشت سر بگذارد. دولت آمریکا از این نگران است که مبادا افزایش قیمت نفت، ثبات سیاسی اروپا را بر هم زند.

پ. ارزیابی آمریکا این است که بازار نفت در کوتاه مدت مانند سال ۱۹۷۸ خواهد بود چون نفت غیر اوپک از آلاسکا، دریای شمال و مکزیک به بازار عرضه خواهد شد. دلایل خاصی عامل افزایش تقاضای نفتی است که عبارتند از ذخیره سازی، خرید بیش از حد به خاطر نگرانی از افزایش قیمت در سال ۱۹۷۹ و کاهش برداشت آرامکو که در نتیجه موجب به فروش رفتن بیش از حد نفت سبک سعودی در سال ۱۹۷۸ گردید. اما اینها عواملی موقتی و زودگذر هستند. معاون وزیر گفت بنا به همین دلایل وی خواستار میانه روی شدید در قیمت گذاری نفتی است. در همین حال وی از نقش معتدل و سازنده امارات در قیمت گذاری نفت، به نمایندگی آمریکا قدردانی کرد.

۷- عکس العمل کلی مقامات امارات متحده عربی این بود که امارات نقش معتدلی ایفا خواهد کرد لیکن افزایش قیمت نفت آن هم به روش سیاسی اجتناب ناپذیر بوده است. راشدعبدالله اظهار داشت که «امارات متحده عربی سعی خود را به کار خواهد گرفت.» بنا به گفته غُباش امارات متحده عربی نمی خواهد مسبب آشفتگی وضع دنیا باشد ولی باید طبق توافق عمومی عمل کند. به نظر هبروش نظریه میانه روها در اجلاس ابوظبی غالب خواهد شد، اما افزود «به عنوان میزبان کنفرانس، باید بی طرفی خود را حفظ کنیم.» عتیبه گفت دبیرکل کنفرانس جیده در تماسی از او خواسته که عربستان سعودی را متقاعد کند تا با افزایش قیمت مورد نظر اوپک موافقت نماید. بنابراین باید تلاش کرد تا مانع از بروز اختلافی که در سال ۱۹۷۶ در دوحه رخ داد، شد. عتیبه گفت امکان جلوگیری از افزایش قیمت نفت نیست چون

این کـار برای جبران کـاهش ارزش دلاـر و تـأثیر تورم جهانی ضـروری است. حتی افزایش اسـمی قیمت نفت نیز خوب اسـت چون سـبب تحرک بیشتر سـیاست رئیس جمهور کـارتر در زمینه صـرفه جویی انرژی می گردد. عتیبه به اهمیت حفظ سـلامت بـازار مصـرف نفت جهـانی واقف است، لیکن قیمت نفت اوپـک نیز بایـد برای مردم کشورهـای عضو این سازمان قابل توجیه باشـد. عتیبه در نظر دارد قبـل از تشـکیل کنفرانس به پـایتخت هـای کشورهای اوپک سـفر کنـد تا در مورد قیمت نفت قبلاً از آرای عمومی مطلع گردد.

۸- معاون وزیر در مورد نگرانی آمریکا از تلاش عراق سـخن گفت. چون این کشور در نظر دارد در کنفرانس، سبب افزایش قیمت نفت شود و نفت را در اصل به یک مسـئله سیاسـی تبـدیل کنـد. سویدی گفت در مورد این پیشـنهاد عراق خبری ندارد ولی او و دیگر مقامـات امـارات متحـده عربی اعلاـم کرده انـد که در اجلاـس بغـداد راجع به نفت سـخن نخواهنـد گفت. در اجلاـس بغـداد به هیچوجه نبایـد دربـاره موضوعی سـخن گفت که به هر حـال شامـل منـافع اعضای غیرعرب اوپک نیز بشود. مقامات امارات متحده عربی از معاون وزیر خواستند که این موضوع را جدی تلقی نکند.

۹- سـیاست تولید نفت امارات متحده عربی در گفتگوهایی با غُباش و عتیبه مطرح شد. غُباش گفت که به نظر او امارات عربی بیش از نیـاز مالی خود نفت تولیـد می کنـد. از آنجا که عمر نفتی امارات حـدود ۵۰ سـال است، بایـد این منبع را حفظ کرد تا بتوانـد اساس رشـد آتی امارات متحـده عربی باشـد. بر عکس عتیبه اظهار داشت که ابوظبی در نظر دارد تولیـد نفت خود را از ۵/۲ میلیون بشکه در روز تا سال ۱۹۸۲ به حدود ۵/۴ تا ۵ میلیون بشکه در روز برساند. ابوظبی دارای ذخایر گازی بسیار عظیم و دست نخورده است که می تواند آن امارت را به صورت یکی از بزرگ ترین تولید کنندگان گاز طبیعی جهان درآورد.

معاون وزیر از اینکه امارات بنا به میل آمریکا تلاش دارد تا بیش از نیاز مالی خود تولید کند قدردانی کرد چون جهان صـنعتی در دهه آینده هنوز هم بر انرژی هیدروکربن متکی خواهد بود تا اینکه منابع انرژی جدیدی به دست آید.

۱۰- مـذاکرات شـمال و جنوب. سومین موضوع طرح شده توسط معاون وزیر مربوط به مذاکرات شـمال و جنوب بود. تعدادی مسائـل واضـح در چنـد نشـست مـذاکرات مورد تبـادل نظر واقع خواهـد شـد. یکی از مهم ترین مسائل آغاز مـذاکرات درباره تشـکیل یـک صـندوق مشترک است. آمریکا و دیگر کشورهای صـنعتی آماده انـد تا درباره این موضوع قـدری انعطاف نشان دهنـد، لیکن اصـرار دارنـد که صـندوق مشترک بر اسـاس حمایت از اعضا به وجود آیـد. ولی نگرانی ما از این است که مبادا گروه ۷۷ به خـاطر نظریـات متفـاوت از این انعطاف برخوردار نباشـند. آمریکا می دانـد که شایـد امارات متحـده عربی به طور غیرمسـتقیم از این صـندوق مشترک نفع می برد، ما امیدواریم که امارات با اسـتفاده از نفوذ خود، گروه ۷۷ را به نادیده گرفتن ندای رادیکالها تشویق کند که بیشتر رویارویی را به همکاری ترجیح می دهند. و سعی کند گروه ۷۷

را به انعطاف پذیری بیشتر در مذاکره با کشورهای صنعتی دعوت نماید. اگر انعطاف پذیری طرفین کافی باشد، مسائل بنیادین آمریکا حول و حوش صندوق مشترک متمرکز خواهد شد. آمریکا از دولت امارات متحده عربی انتظار دارد که در جلسات منطقه ای مقدماتی گروه ۷۷ نیز که قبل از اجلاس نهایی آنکتاد در مانیل برگزار می شود از انعطاف پذیری بیشتر حمایت کند.

۱۱- سویدی و راشد عبدالله هر دو خواستار ادامه مذاکرات شمال و جنوب بوده و معتقدند که رویارویی کشورهای روبه رشد و توسعه یافته به نفع طرفین نیست. عتیبه گفت وی سعی دارد عقاید خود را در مورد نحوه پیشرفت مؤثر مذاکرات شمال و جنوب فرمول بندی کند. بدون اینکه وارد جزئیات شود، عتیبه اظهار داشت بهتر است مسائل در اجلاسیه های کوچک تری متشکل از گروه های کار مطرح شود. باید گروههای کار متخصص نیز تشکیل شود، گرچه این کار بسیار دشوار است. عتیبه به آغاز مذاکرات عرب - آمریکا در مورد مسائل اقتصادی که مشابه مذاکرات آمریکا و اروپا است، ابراز علاقه کرد. کوپر معاون وزیر نیز معتقد است که CIEC مفید بوده و نشانگر ارزش مشارکت چند کشور نسبتاً محدود می باشد. ایجاد توافق بین اعضای گروه ۷۷ مشکل است. توجه به مسائل ویژه، مانند FUBBER می توانند مشارکت را تنها به طرفین ذیربط محدود سازد. عتیبه نیز معترف است که اختلاف سلیقه های موجود در جامعه اقتصادی اروپا و نیز در میان اعراب مشکلاتی در مذاکرات اعراب و اروپاییها پدید آورده است.

۱۲- چند تن از مقامات امارات متحده عربی به کوپر معاون وزیر اظهار داشتند که میزان کمک های کشورهای پیشرفته به خصوص آلمان غربی و ژاپن به هیچوجه کافی نیست. سویدی و هبروش گفتند که آمریکا باید با استفاده از نفوذ خود این کشورها را به تلاش بیشتر در این زمینه ترغیب کند. نکته اینجاست که امارات متحده عربی ۲۵ درصد از درآمد خود را به کمک های خارجی اختصاص داده اما این مقدار کمک، انتقاد بسیاری برانگیخته است. دیگران نیز باید سهم به سزایی در این رابطه داشته باشند تا باری از دوش امارات متحده عربی برداشته شود. معاون وزیر در پاسخ از کمک های بی دریغ امارات متحده عربی برای توسعه دیگر کشورها قدردانی کرد. آخرین اجلاس اقتصادی مسئله کمک را نادیده نگرفته بود و دولت آمریکا سعی داشت ژاپن را متقاعد سازد که میزان کمک های امتیازی خود را در مدت سه سال افزایش دهد که فوکودا نخست وزیر نیز از آن حمایت کرده بود. آمریکا میزان کمکهای خود را در سال ۱۹۷۹ برخلاف سال ۱۹۷۸ افزایش خواهد داد.

۱۳- هنگام بحث درباره سیاست مالی ابوظبی با معاون وزیر، نویس اعتراف کرد که سرمایه گذاری در منابع انسانی شرط اصلی پیشرفت است. ولی در همان حال، وی اظهار داشت که سیاست این امارت در تأمین اولیه بر تأمین زیربنا و سپس به پروژه های صنعتی متکی است و دیگر «فعالیت های اجتماعی» از قبیل آموزش و پرورش باید وسیله دیگر نهادها از نظر

مالی تأمین گردد. ابوظبی نه تنها در این زمینه بلکه در زمینه پروژه های «سیاسی» نیز سرمایه گذاری نمی کند، ولی می تواند از طریق دیگر آژانس های امارات متحده عربی وامهایی در اختیار آنها قرار دهد. صندوق عمران اقتصادی ابوظبی هزینه محلی پروژه ها را تأمین نمی کند اما در مورد هند و مصر استثنائاً این کار را انجام می دهد. چون تجهیزات و نیروی کار مربوط به خود این کشورهاست معاون وزیرگفت این کار دارای جنبه های مثبت بسیاری است و آمریکا نیز سعی دارد در مورد کشورهایی که علاوه بر نیروی کار بسیار، قادرند خود کالاها را تهیه کنند از تأمین هزینه تفاوت ارز خارجی جلوگیری کند.

۱۴- سناتور «گود» از هبروش سؤال کرد که نظر امارات متحده عربی در مورد سازمان خلیج [فارس] برای عمران مصر چیست. هبروش گفت که سرمایه این سازمان افزایش نخواهد یافت. تمام سرمایه گذاران از نحوه کار سازمان و نیز عدم موفقیت طراحان اقتصادی مصر در جلب اعتماد آنها ناراضی هستند چون فعالیت های آنان نتوانسته است سبب تأمین منابع مالی لازم برای سرمایه گذاریهای مجدد گردد.

هبروش گفت «ما تلاش کافی کرده ایم. اکنون نوبت کمک کشورهای دیگر است.» کوپر معاون وزیر نیز گفت عملکرد مصر تاکنون موفقیت آمیز نبوده است. در همان حال، کشورهای وام دهنده، کمک های خود را به مصر ارائه می کنند و ما امیدواریم که امارات متحده عربی نیز با خوش بینی با این مسئله برخورد کند. مردم مصر احتمالاً توقعات بیش از حد انتظار در رابطه با منافع اقتصادی ناشی از امضای قرارداد مصر و اسرائیل دارند. تلاشهای کشورهای کمک دهنده، اوضاع مصر را با ثبات نگاه خواهد داشت. بنابه اظهار هبروش رسانه های مصر چنین تلقین کرده اند که پس از امضای قرارداد صلح، وضع اقتصادی مصر بهبود چشمگیری پیدا خواهد کرد. نقطه نظرات امارات متحده عربی در مورد مخارج مصر نیز به اطلاع دولت مصر رسیده است.

۱۵- خاورمیانه. قرار داد کمپ دیوید در ملاقات با عتیبه و سویدی نیز مطرح گردید. عتیبه گفت امارات متحده عربی خواستار حل کامل مسئله خاورمیانه است. آمریکا نباید تنها تلاش خود را به صحرای سینا متوجه سازد بلکه باید فلسطینی ها را نیز که هسته اصلی این مسئله هستند مورد توجه قرار دهد. وی گفت حل همه جانبه این مسئله نه تنها سبب جلب اعتماد مردم منطقه نسبت به آمریکا می شود بلکه سادات را نیز از انزوا خارج می سازد. معاون وزیر در مقام تأکید گفت از نظر دولت آمریکا تلاشهای کنونی سبب موفقیت طرح صلح در خاورمیانه خواهد شد. کارتر رئیس جمهور و ونس وزیر خارجه هر دو عمیقاً سرگرم مذاکرات مربوطه هستند.

۱۶- ایران. معاون وزیر از سویدی خواست که ارزیابی خود را در مورد اوضاع داخلی ایران ارائه کند. وزیر خارجه گفت «این مسئله نگرانی بسیاری برای ما فراهم آورده است.» امارات متحده عربی مایل است امنیت و ثبات سیاسی ایران حفظ شود چون این کشور در منطقه خلیج

[فارس] وزنه ای در برابر تجاوزات کمونیست ها از شمال تا شاخ آفریقا به حساب می آید. دولت امارات متحده عربی با ایرانیها تماس دارد و امیدوارند که وضع به زودی آرامش پیدا کند تا شاه نیز قادر باشد سیاست آزاد سازی خود را دنبال کند. معاون وزیر گفت دولت آمریکا به خوبی در جریان اوضاع ایران قرار دارد ولی از نقش عناصر شیعه در اوضاع جاری چندان با خبر نیست. با وجود اینکه می دانیم شیعیان از فرقه ای متفاوت هستند، آیا در جهان اسلام راهی وجود دارد که مخالفین مذهبی شاه را نسبت به برنامه مدرن سازی اش به اعتدال بکشانند؟ سویدی در پاسخ گفت آمریکا می بایست از سالها قبل اقدام می کرد و علاوه بر ارائه سلاحهای مورد نیاز شاه به او می فهماند که باید انعطاف بیشتری در سیاست هایش نشان دهد تا ثبات اوضاع از بین نرود.

در حال حاضر نه تنها ایران بلکه دوستان ایران در خلیج [فارس] و نیز منافع غرب در خلیج فارس به خطر افتاده است. در کشورهای رو به رشد دیگر نیز آمریکا باید حاکمین مستبد و یا سنتی را متقاعد سازد که به آرمانها و خواست های طبقه تحصیل کرده ارج نهند. معاون وزیر خاطرنشان ساخت که در ایران نه تنها شاه بلکه عناصر شیعه نیز باید متقاعد شوند که جهان دستخوش تغییر شده است.

۱۷- نظریه سفارت: سفر کوپر معاون وزیر، یکی از مقامات برجسته وزارت امور خارجه پس از استقلال امارات متحده عربی در سال ۱۹۷۱ با استقبال کم نظیری روبرو بود. واضح بود که آنها می خواهند با یکی از سیاستمداران برجسته واشنگتن در وطن خود به مذاکره بپردازند. ابراز اطمینان های معاون وزیر در مورد وضع رو به بهبود دلار ممکن است بر مقامات امارات متحده عربی تأثیر آنی نداشته باشد (امارات متحده عربی، همراه با قطر و بحرین در ۲۶ اکتبر به ارزیابی مجدد ارزش پولی خود پرداختند)، اما علت اصلی سفر معاون وزیر این بود که می خواست نظر ما را در مورد بهبود وضع دلار به مقامات امارات برسانند و نیز از سیاست آینده نفتی و سرمایه گذاری آنها باخبر شود. در مورد قیمت نفت، امارات متحده عربی جانب اعتدال را از دست نخواهد داد، ولی در کنفرانس سپتامبر اوپک، امارات به هیچوجه با افزایش قیمت مخالفت نشان نخواهد داد. امارات در مورد قیمت نفت خود با عربستان سعودی هماهنگ خواهد بود و سعی خواهد کرد تا در کنفرانس، قیمت نفت را برای سال ۱۹۷۹ به طرز معتدلی افزایش دهد. امارات متحده عربی هنوز هم در مذاکرات شمال و جنوب نقش چندان فعالی ندارد و پیشنهاد عتیبه نیز برای محدود کردن شرکت کنندگان اجلاس چندان سازنده نیست. این سفر به هر حال نشان داد که آمریکا از نقطه نظرات رهبران امارات در مورد این مسائل استقبال کرده و در حفظ منافع آنها در مذاکرات مربوط به ارائه کمک به کشورهای در حال رشد مفید خواهد بود. سفارت امیدوار است بتواند از این سفر بهره کافی ببرد و بتواند در مورد مسائل چند جانبه مورد علاقه طرفین با رهبران امارات به تبادل نظر بیشتری بپردازد و نیز نشان دهد که ما میانه روی امارات را در مسائل منطقه ای و اقتصادی دست کم نمی گیریم ولی امیدواریم که مذاکرات ما ادامه یابد.

۱۸- پیش نویس پیام فوق و انتقال آن مورد تأیید کوپر معاون وزیر قرار گرفته است. طبق ماده «ای»، واحد از وزارت امور خارجه می خواهد که پیام را به واحدهای ذیل مخابره کند: قاهره، دوحه، جده، کویت، لندن، منامه، پاریس، دفتر حفاظت منافع آمریکا در بغداد، تهران.

ونس

ملاقات وزیر بلومنتال با شیخ خلیفه ولیعهد ابوظبی

سند شماره ۴۹

محرمانه ۳۰ نوامبر ۱۹۷۸ ۹ آذر ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا، ابوظبی ۳۱۶۲به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی.

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در قاهره، جده، تهران، دوحه، مسقط، منامه.

مرجع: گزارش وزارت خزانه داری ز ۱۵۰۰، ۲۹ نوامبر ۱۹۷۸

موضوع: ملاقات وزیر بلومنتال با شیخ خلیفه ولیعهد ابوظبی

آغاز خلاصه: طی ملاقات مورخ ۱۹ نوامبر با ولیعهد ابوظبی شیخ خلیفه، وزیر بلومنتال از وی خواست تا در رابطه با قیمت نفت اعتدال را حفظ کرده و نیز تلاشهای شدید کارتر رئیس جمهور را در جهت کاهش تورم و بالا بردن ارزش دلار برای وی یادآور شد و تأکید کرد که هرگونه افزایش چشمگیری که در قیمت های نفتی پدید آید وضع جدید دلار را به خطر خواهد انداخت و منافع درازمدت امارات متحده عربی بر باد می رود. رئیس هیأت همراه وزیر از حمایت دو حزب آمریکا از برنامه ضد تورم رئیس جمهور یاد کرد و خاطرنشان ساخت که میانه روی سعودی و امارات متحده عربی در کنگره به خصوص مسائل خاورمیانه ای آن تأثیر بسیار مساعدی داشته است. ولیعهد ضمن قدردانی از برنامه رئیس جمهور، به ذکر مطالبی درباره نقش امارات متحده عربی در به اعتدال کشانیدن قیمت نفت پرداخت، لیکن گفت که این بار امارات متحده عربی به عنوان میزبان کنفرانس اوپک باید از بروز اختلافات شدید در میان اعضا جلوگیری کند. ولیعهد با استفاده از این فرصت خواستار تغییر سیاست تسلیحاتی آمریکا در قبال امارات متحده عربی شد چون عدم ثبات منطقه افزایش یافته است. پایان خلاصه.

۱- بلومنتال وزیر خزانه داری، همراه با سفیر دیکمن، سناتور لوگار، نمایندگان کنگره هاید، کاوانو و استانتون، دستیار وزیر برگستن و نماینده مدیر بخش خاور نزدیک توینام با ولیعهد ابوظبی شیخ خلیفه بن زاید روز ۱۹ نوامبر ملاقات نمودند. این اولین ملاقات عمده وزیر پس از ورود به ابوظبی بود. طرفین ابوظبی در ملاقات عبارت بودند از شیخ حمدان وزیر دارایی، احمد سویدی وزیر خارجه، عتیبه وزیر نفت، هبروش مدیر اداره مالی ابوظبی و مَدفع سفیر امارات متحده عربی در واشنگتن.

۲- پس از احوال پرسـی هـای معمول، وزیر بلومنتال با ارائه آخرین ارزیابی ما از اوضاع ایران جلسه را افتتاح کرد و خاطرنشان ساخت که گویا از نظر تولیـد نفت روزانه معادل ۶/۳ میلیون بشـکه ثبات بیشتری یافته است. وزیر بر حمایت علنی کارتر از شاه تأکید کرد و گفت

امیدوار است که شاه بتواند پس از اعطای آزادیهای بیشتر و پس از بازگشت ثبات به ایران انتخابات را برگزار کند. شیخ خلیفه از اهمیت حمایت از شاه سخن گفت و اظهار داشت که ثبات به ایران اجازه خواهد داد تا تولید نفت خود را بار دیگر افزایش دهد.

۳- وزیر سپس به کنفرانس آینده اوپک در ابوظبی اشاره کرد. کارتر از نقش متعهدانه امارات متحده عربی در مقاومت علیه فشارهای مبتنی بر افزایش قیمت قدردانی کرد و گفت که امیدوار است این سیاست ادامه یابد. شیخ خلیفه پاسخ داد که همگان از نقش معتدل امارات متحده عربی آگاهند، لیکن به عنوان میزبان اوپک، وظیفه خود می داند که با جلب توافق همگانی از بروز تفرقه در میان اعضا جلوگیری کند. وزیر بلومنتال از موضع خاص امارات متحده عربی به عنوان میزبان کنفرانس تشکر کرد، با این وجود گفت امیدوار است که این موضوع مانع از تلاش امارات متحده عربی در جهت نگاه داشتن قیمت های اعتدالی نباشد.

۴- وزیر بلومنتال با اشاره به وضع دلار از اقدامات شدید رئیس جمهور کارتر برای بهبود وضع دلار سخن گفت. ولی، افزایش چشمگیر در قیمت نفت، آن هم در ژانویه، پیشرفتهای حاصله در این زمینه را با ناکامی روبرو خواهد ساخت چون افزایش قیمت نفت، سبب پیدایش یک تورم جدید جهانی خواهد شد. صادرکنندگان نفت از افزایش قیمت ها سودی نخواهند برد چون مجبور به پرداخت پول بیشتر در ازای واردات خود می شوند و ارزهای خارجی آنها نیز کاهش خواهد یافت. به عبارت دیگر هر پنج درصد افزایش قیمت سبب افزایش معادل ۴/۰ درصد در تورم جهانی خواهد شد. شیخ خلیفه از اقدامات دولت آمریکا به منظور تقویت دلار قدردانی کرد و گفت امیدوار است دلار از ثبات بیشتری برخوردار گردد، ولی خاطرنشان ساخت که گرچه قیمت نفت در دو سال گذشته ثابت بوده، ولی قیمت کالاها و خدمات وارداتی امارات متحده عربی افزایش عمده ای یافته اند.

۵- وزیر گفت روند تورم مدتهاست که سیر صعودی داشته لیکن می توان آن را مهار کرد. قیمت ها پایین نخواهند آمد ولی می توان تورم را عمدتاً کاهش داد. رئیس جمهور کارتر اکنون گامهایی در جهت کاهش رشد اقتصادی در آمریکا برداشته، گرچه ممکن است معنی آن بیکاری، کاهش بودجه فدرال و حمایت از میزان تخفیف بی سابقه اخیر باشد. کنگره نیز لایحه انرژی را تصویب کرده است که صرفه جویی بیشتر را ترغیب خواهد کرد، لیکن در این راه کارتر به تداوم حمایت کنگره و مردم آمریکا نیاز دارد تا برنامه اش موفق گردد. وزیر یادآور شد که اگر قیمت نفت افزایش نیابد جلب حمایت مردم آمریکا با سهولت بیشتری انجام خواهد گرفت. قیمت نفت را نیز باید از نظر سیاسی مشاهده کرد. سیاست های معتدل کشورهای صادرکننده نفت در رسیدن به صلح در خاورمیانه و حفظ یک بنیه دفاعی قوی جهت سرکوب خطرهای ناشی از عناصر تندرو و مقاصد تهاجمی شوروی به کارتر کمک خواهد کرد.

۶- سناتور لوگار، با یادآوری این مطلب که سه تن از اعضای هیأت همراه از حزب اقلیت هستند گفت که هر دو حزب جمهوری خواه و دمکرات از اقدامات رئیس جمهور کارتر در

جهت کاهش تورم و تقویت دلار حمایت می کنند. اکثریت مردم آمریکا کاهش قیمت نفت را به عنوان بخشی از تلاش جهانی جهت کنترل تورم تلقی خواهند کرد. استانتون نماینده کنگره، نیز همین مطالب را اظهار داشت. وی معتقد است که روش متعادل کنگره در قبال مسئله خاورمیانه در دو سال گذشته نتیجه مستقیم نقش مثبت عربستان سعودی و امارات متحده عربی در اوپک بوده است. شیخ خلیفه از مطالب طرح شده توسط اعضای هیأت همراه تشکر کرد و گفت که امارات متحده عربی اعتدال خود را حفظ خواهد کرد لیکن به عنوان میزبان کنفرانس اوپک درست نیست که قبلاً گفته شود که چه موضعی را اتخاذ خواهد کرد.

۷- پس از آن، وزیر بلومنتال، به ذکر اظهاراتی در مورد نقش مهم امارات متحده عربی در زمینه کمک خارجی پرداخت. دولت آمریکا از این نقش امارات متحده عربی قدردانی می کند چون حتی برای آمریکا به عنوان یک کشور نمونه درآمده است. وزیر گفت امیدوار است امارات متحده عربی به برنامه کمک های خارجی خود به خصوص در رابطه با بانک جهانی و مصر ادامه دهد، چون آمریکا نیز مهم ترین برنامه کمکی خود را به همین بخش اختصاص داده است. این اختصاص نتیجه تعهد شدید رئیس جمهور کارتر در ایجاد صلح در خاورمیانه و اجرای قرارداد کمپ دیوید بوده که امیدوار است امارات متحده عربی آن را درک کرده و تحت حمایت خویش قرار دهد. شیخ خلیفه تأکید کرد که امارات متحده عربی نقش خود را در این زمینه حفظ خواهد کرد. وی از وزیر خارجه سویدی خواست تا در مورد جنبه های سیاسی موضوع اظهارنظر کند، چون اخیراً در کنفرانس بغداد شرکت داشته است.

۸- پس از تشکر از این سفر، سویدی گفت صلح خاورمیانه برای امارات متحده عربی از نظر امنیتی، عمرانی و نیز ثبات منطقه حائز اهمیت بسیار است. امارات متحده عربی از تلاشهای کارتر در خاورمیانه قدردانی می کند، اما معتقد است که قرارداد کمپ دیوید مسائل بسیار حیاتی و مهمی را در نظر نگرفته است. یعنی اصولاً ـ به فلسطینی ها، اردنی ها و سوریها اشاره ای نکرده است. این طرفها نیز باید وارد صحنه شوند تا صلحی پایدار در خاورمیانه ایجاد شود. تا زمانی که به تمام مردم فلسطین اجازه مشارکت در روند صلح داده نشده، امارات عربی نمی تواند تصور کند صلحی در خاورمیانه به وجود خواهد آمد.

۹- وزیر بلومنتال در پاسخ گفت که کارتر این مطالب را درک کرده و منافع و زیانهای تمام طرفین را در نظر گرفته است تا صلح ایجاد گردد. قرارداد کمپ دیوید آخرین قرارداد نیست اما می تواند به عنوان گامی در جهت از بین رفتن اولین مانع موجود بر سر راه صلح باشد. صلح برای اقتصاد کشورهای عربی و نیز اسرائیل بسیار مفید است و به کشورهای منطقه فرصت می دهد تا با دیگر خطرات موجود در منطقه دست و پنجه نرم کنند؛ که می توان مقاصد تهاجم آمیز شوروی و خطر عناصر تندرو را از این مقوله به حساب آورد.

۱۰- قبل از پایان ملاقات، شیخ خلیفه مسئله سیاست تسلیحاتی آمریکا را در قبال امارات متحده عربی مطرح کرد. با یادآوری افزایش ثبات منطقه، وی گفت که امارات متحده عربی

بارها مسئله را با سفیر کنونی و قبلی مطرح کرده بود تا منجر به خرید تعدادی از تجهیزات دفاعی گردد، ولی هیچگاه این تقاضاها پذیرفته نشد. وزیر پاسخ داد که دولت آمریکا هر یک از تقاضاهای مربوط به خرید تسلیحات را از دید نیاز و خطر احتمالی مورد بررسی قرار می دهد. از نظر ما ایجاد ارتباط دوستانه بین امارات متحده عربی و کشورهای همجوار بهتر می تواند به امنیت امارات منجر گردد. ما گمان نمی کنیم که تسلیحات بتوانند متضمن امنیت باشند. در محدوده این سیاست خودداری، ما آماده بررسی تقاضای مربوط به تجهیزات دفاعی هستیم اما پاسخ دولت آمریکا نیز مطابق همین سیاست باید باشد. شیخ خلیفه گفت در حال حاضر امارات عربی دارای روابط بسیار خوبی با همسایگان خود است لیکن احساس می کند که تأسیسات حیاتی آن به خصوص تأسیسات نفتی باید از وسایل حفاظتی خوبی برخوردار باشند. وی سؤال کرد که آیا در صورت ارائه مجدد فهرستی از تجهیزات دفاعی مورد نظر امارات می توان موضوع را به نظر دولت آمریکا رساند. وزیر بلومنتال پیشنهاد کرد که در این مورد با سفیر گفتگو شود. در چارچوب سیاست جهانی تسلیحاتی آمریکا و سیاست خودداری در خلیج [فارس] جنوبی، دولت آمریکا از هیچ کمکی فروگذار نخواهد کرد.

۱۱- نظریه سفارت: شیخ خلیفه و همراهانش از سفر وزیر به امارات بسیار خشنود به نظر می رسیدند. به عنوان معاون فرمانده کل قوا، شیخ خلیفه گفت مایل است با یکی از مقامات کابینه آمریکا در مورد مسئله دیرین عدم تمایل آمریکا به فروش تجهیزات دفاعی پیشرفته به امارات متحده عربی بحث و تبادل نظر کند. به نظر رسید تأکید سخت وزیر بلومنتال در رابطه با سیاست تسلیحاتی ما مانع از آن نخواهد شد که شیخ خلیفه بار دیگر موضوع سیاست تسلیحاتی را در خلیج [فارس] جنوبی با سفیر عنوان نکند و از رویدادهای ایران، افغانستان، جمهوری دمکراتیک یمن و شاخ آفریقا به عنوان عواملی جهت تجدید نظر درباره این سیاست یاد نکند. دیکمن

روابط با کشورهای کمونیستی

سند شماره ۵۰

سری۶ دسامبر ۱۹۷۸ ۱۵ آذر ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا، ابوظبی الف ۰۰۵۶به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوحه، جده، کویت، لندن، منامه، مسقط، پاریس، تهران.

مرجع: الف) وزارت امور خارجه ۲۷۰۰۲۹، ب) وزارت امور خارجه ۲۸۱۵۱۳، پ) CM USICA ۵۴۴ ، ت) وزارت امور خارجه CA ۶۸۸۴ مورخ ۸/۱۰/۷۳ ث) ابوظبی ابوظبی ۷۶ الف مورخ ۱۱/۸/۷۷

موضوع: روابط با کشورهای کمونیستی

آغاز خلاصه: (محرمانه) در سیاست امارات متحده عربی مبنی بر اجتناب از برقراری روابط

دیپلماتیک و کنسولی با کشورهای کمونیستی تغییری پدید نیامده است. با این وصف رشد رادیکالیسم تحت الحمایه شوروی در منطقه خاورمیانه در سال ۱۹۷۸ نظریه آنهایی را که معتقدند امارات متحده عربی باید با کشورهای کمونیستی روابط عادی سیاسی و اقتصادی برقرار سازد تا موضع عدم تعهد آن نشان داده شده و فرصت های تجاری را افزایش دهد، تعمیم خواهد بخشید. لیکن در آینده نزدیک در این سیاست تغییر عمده ای پدید نخواهد آمد چون شیخ زاید رئیس جمهور امارات متحده عربی از نظریات ضدکمونیستی عربستان سعودی حمایت کرده و از خرابکاریهای کمونیسم محلی به دل ترس راه می دهد.

(بدون طبقه بندی) بعضی از کشورهای کمونیستی سعی داشتند با تلاشهای مهم خود روابط اقتصادی و تجاری با امارات متحده عربی را در سال ۱۹۷۸ گسترش دهند و در همین رابطه چین، چکسلواکی و مجارستان در امارات شمالی عربی نمایشگاههایی دایر کردند. حتی آلبانی نیز یک نمایشگاه در این منطقه برگزار کرده است. صادرات کمونیستی به امارات متحده عربی افزایش ملایمی در سال ۱۹۷۷ داشت و چین و لهستان درصد مهمی به خود اختصاص دادند (به ترتیب ۳۸ درصد و ۵۴ درصد). لیکن واردات کمونیستی به امارات متحده عربی به طور کلی از ۴ درصد به ۳ درصد کاهش یافت. لهستان نیز مقادیر بسیار ناچیزی نفت از ابوظبی خریداری کرده است. (بدون طبقه بندی) در سال ۱۹۷۸ بین امارات متحده عربی و کشورهای کمونیستی فروش نظامی یا آموزشی صورت نگرفت.

(بدون طبقه بندی) فعالیت های فرهنگی کمونیستی نیز محدود به یک نمایش فولکلوریک از طرف چکسلواکی و نمایش مد لباس مجارستان در نمایشگاههای تجاری این کشورها بود. در طول همین سال کشورهای کمونیستی فعالیت آموزشی و اطلاعاتی چندانی از خود نشان ندادند.

(خیلی محرمانه) نهضت کمونیستی محلی در این نقطه وجود ندارد لیکن بعضی از کمونیست های خارجی در میان کارگران بیگانه امارات متحده عربی مشغول فعالیت هستند. پایان خلاصه.

بخش اول ارزیابی روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی

(سری) روابط سیاسی

در هنگام تهیه این گزارش در سیاست خارجی ضدکمونیستی امارات متحده عربی تغییری مشاهده نشد. علی رغم تصمیم سلطان نشین عمان جهت برقراری روابط دیپلماتیک با چین، امارات متحده عربی اقدام به چنین عملی نکرده است. در ماه ژوئن، السویدی وزیر خارجه به سفیر آمریکا گفت که امارات متحده باید فواید حاصله از روابط دیپلماتیک خود با چین و دیگر کشورهای کمونیستی در رابطه با مخالفت های همسایگان اصلی امارات متحده عربی یعنی ایران و عربستان سعودی را مورد ارزیابی دقیق قرار دهد. السویدی گفت دولت امارات متحده عربی به

این نتیجه رسیده است که بهتر است با چین روابط دیپلماتیک برقرار نسازد (ابوظبی ۱۶۸۸) (خیلی محرمانه) با این وجود امارات متحده عربی نگران افزایش موج رادیکالیسم تحت الحمایه شوروی در خاورمیانه است که موجبات تشنج بسیاری در شبه جزیره عربی شده است. نقش شوروی و کوبا در نبرد شاخ آفریقا، کودتاهای یمن جنوبی و افغانستان که نفوذ شوروی را در این کشورها افزایش داده است و خطری که از طرف چپگرایان و عناصر افراطی مذهبی حکومت شاه را تهدید می کند، همگی نقشه های شوروی برای محاصره خلیج فارس و کنترل منابع نفتی و بنادر آبی این منطقه عنوان می گردد. در همین رابطه نگرانی دیگر امارات متحده عربی تلاش کنونی آمریکا در تقویت صلح بین مصر و اسرائیل است که از حمایت اعراب برخوردار نبوده و رژیم ضدکمونیست سادات را منزوی و تضعیف کرده و نیروی اعراب رادیکال و رژیم های ارتدادی مانند عراق را در برابر اعراب میانه رو همکار با آمریکا تقویت کرده است. رهبریت امارات متحده عربی نسبت به این فشارهای رادیکال روزافزون مصونیت ندارد. در همان حال سیاست ها و اقدامات دولت آمریکا در منطقه، مانند عدم حمایت نظامی از سومالی در نبرد اوگادن آن طور نبوده است که بتواند این نیروهای رادیکال را محدود سازد.

(خیلی محرمانه) در جو کنونی، مقاومت نیرومند پیشین امارات متحده عربی در برابر برقراری روابط سیاسی با کشورهای کمونیستی علی رغم ترس و عدم اعتماد رهبریت این کشور نسبت به مقاصد کمونیستی در منطقه، تضعیف خواهد شد. در محافل امارات متحده عربی این اعتقاد رایج است که روابط عادی با کشورهای کمونیستی می تواند اثرات و اعتبار امارات را در موضع عدم تعهد خود بالا ـ برده و در برابر انتقادات اعراب کمونیست و رادیکال در خصوص گرایش غربی این کشور مصونیت بخشد. اگر در رژیم ایران در نتیجه اغتشاشات ضدشاهی تغییری پدید آید ندای حامیان این سیاست تقویت خواهد شد. ممکن است حامیان عادی شدن روابط با کشورهای اروپای شرقی و چین در اثر نفوذ اقتصادی و دیگر منافع، خواستار اتخاذ این سیاست شده باشند. این موضوع در رابطه با امارات شمالی از قبیل شارجه و دوبی که نابسامانی های اقتصادی سبب شده به جذب تجارتهای جدید روی آوردند صحت بیشتری دارد. در سیاست امارات تغییری ناگهانی پدید نخواهد آمد چون شیخ زاید بر نظریات ضدکمونیستی و عربستان سعودی تکیه بسیار دارد و علاوه بر این، مقامات امنیتی امارات ترس از آن دارند که حضور دیپلماتیک دائمی کمونیستی منجر به خرابکاریهای سیاسی در امارات شود. با این وجود در تماسهای بین امارات و کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۷۸ افزایش قابل ملاحظه ای به چشم می خورد و نشان می دهد که حتی این کشور عربی سنتی نیز در رابطه با تلاشهای کشورهای کمونیستی به منظور توسعه حضور خود در منطقه مصونیت ندارد.

(بدون طبقه بندی) روابط تجاری و اقتصادی. مقاله مندرج در نشریه خلیج تایمز دوبی در ۳۰ دسامبر اعتراف کرده است که مخالفت با ایجاد روابط رسمی با کشورهای کمونیستی در بسیاری از پایتخت های خلیج [فارس] معتدل تر شده است. این مقاله مدعی است کشورهای

اروپـای شـرقی در رابطـه بـا این رویـداد محتاطـانه عمـل کرده و به جـای برقراری روابـط سیاسـی به برقراری روابـط تجـاری و اقتصادی اولویت می دهنـد. این مقاله از گزارشـهای بی نام و نشان یاد می کند که طی آن تماسـهایی بین سازمان عمران نفتی رومانی، روم پترول و شـرکت ملی نفت ابوظبی رخ داده و رومانی خواسـتار همکاری در زمینه نفت و سرمایه گذاری مشترک بین رومانی و امارات متحده در زمینه ساختمان حوزه ها شده است.

(بـدون طبقه بنـدی) علی رغم فقـدان روابـط دیپلماتیـک، کشورهـای اروپای شـرقی روابط تجاری خود را در طول سال ۱۹۷۸ گسترش دادنـد. چکسلواکی یـک نمایشـگاه تجـاری و برنـامه فولکور در ماه مارس (الف ۰۱۹، ۲ آوریـل ۱۹۷۸) در شـارجه برگزار کرد که گویـا ۶۰۰۰۰ نفر تماشـاچی را جـذب کرده بود. چنـد شـرکت ساختمـانی لهسـتانی نیز در اواخر اکتبر و اوایل نوامبر یـک مرکز اطلاعـات در نمایشـگاه ساختمـانی خاورمیـانه ای دوبی برگزار کردنـد. در اواخر نوامبر معـاون وزیر تجارت خارجی مجارسـتان، هم زمان با برگزاری نمایشگاه و نمایش مد لباس این کشور از امارات متحده عربی دیدار کرد. او ملاقات های پر سر و صدایی با معاون رئیس جمهور امارات و فرمانروای دوبی شیخ راشد بن سعید آل مکتوم و فرزندش، وزیر دارایی و صنایع شیخ حمدان بن راشد آل مکتوم داشت و به بحث درباره همکاریهای اقتصادی پرداخت. نمایندگان تجاری مجارستان با مقامات اطاق بازرگانی و صـنایع ابوظبی دیدار کردند و درباره برگزاری احتمالی نمایشگاه مجارستان در آن امارت در سال ۱۹۷۹ بحث و تبادل نظر کردنـد. چکسـلواکی و مجارسـتان علناً اظهار داشـتند که امیدوارند بتوانند دفاتر دائمی تجاری خود را در امارات متحـده عربی تأسـیس کننـد. (رومانی قبلاً دو تن از نماینـدگان شـرکت صادراتی خود را به مـدت چند سال در این نقطه مسـتقر کرده بود.) یک هیأت بازرگانی چهار نفره آلبانیایی در اواسط ژوئیه از ابوظبی دیـدار کردند. بنا به گزارش خلیج تایمز موقعیت برای این سفر مناسب نبود و قرارداد بازرگانی خاصی بین دو کشور منعقد نگردید.

(بدون طبقه بندی) روابط بازرگانی با چین کمونیست نیز امسال از فعالیت خاصـی برخوردار بود. یک نمایشـگاه تجاری چینی در اوایل سال ۱۹۷۸ در دوبی برگزار گردیـد و در ماه اکتبر نماینـدگان اتاق بازرگانی و صـنایع ابوظبی و دوبی قبل از سـفر به تایوان و کره شمالی از نمایشگاه تجاری کانتون دیدار کردند.

(بـدون طبقه بنـدی) در رابطه بـا تجـارت بین امـارات و کشورهای کمونیستی ارقام خاصـی موجود نیست. ارقام مربوط به سال ۱۹۷۷ (که فقط صادرات و واردات امارات دوبی و ابوظبی را در بر می گیرد) نشان می دهد که چین مهم ترین شریک تجاری امـارات است. صـادرات چین به امارات در سال ۱۹۷۷ نسبت به سال ۱۹۷۶ معادل ۳۸ درصـد افزایش داشت و تقریباً نیمی از صـادرات کمونیستی به امـارات را در سال جاری تشـکیل می داد. در میان کشورهای اروپای شـرقی لهسـتان در سال ۱۹۷۷ به صادرات خود در این امارات ۵۴ درصـد افزود که بخش اعظم این افزایش مربوط به فروش ۱۵ میلیون دلاری دیگ های بخار نیروگاه برق امارت ابوظبی

است. بلغارستان و چکسلواکی در سال ۱۹۷۷ درصد کمتری به خود اختصاص دادند و واردات امارات از رومانی یعنی مهم ترین شریک تجاری امارات نیز ۱۴۰ درصد کاهش یافت. شوروی، مجارستان و آلمان شرقی نیز در سال ۱۹۷۷ در میزان صادرات خود به امارات متحده عربی شاهد سیر نزولی بودند. به طور کلی، صادرات کشورهای کمونیستی به امارات در سال ۱۹۷۷ به طور مطلق بهبود یافته بود، و از ۴۳/۳۶ میلیون دلار به ۳۴/۱۵۹ دلار افزایش یافت. لیکن از ۴ درصد واردات امارات به ۳ درصد تقلیل یافته است. (به جداول ۱ و ۲ پیوست مراجعه کنید) [جداول ۱ و ۲ را در لوح فشرده ملاحظه کنید].

(بدون طبقه بندی) لهستانیها تنها کشور کمونیست خریدار نفت امارات بوده و ۱/۱ درصد کل صادرات نفتی ابوظبی را در سال ۱۹۷۷ به خود اختصاص داد.

(بدون طبقه بندی) تلاش خطوط هوایی کشورهای کمونیستی به منظورکسب امتیاز فرود در سال ۱۹۷۷ ثمری نداشت. ارسال گوشت و دیگر مواد غذایی توسط خطوط حمل و نقل هوایی رومانی و دیگر کشورهای اروپای شرقی ادامه دارد. لیکن خط هوایی لهستان تنها توانست از دوبی امتیاز فرود عملیاتی در سفر هفتگی خود بین ورشو و بانکوک کسب کند و نتوانست امتیاز آمد و شد معمول را به دست بیاورد.

(بدون طبقه بندی) آموزش نظامی

کشورهای کمونیست در سال ۱۹۷۸ نتوانستند تجهیزات نظامی و آموزشی مهمی به نیروهای مسلح امارات متحده عربی بفروشند. در ماه نوامبر وزیر دفاع امارات یعنی شیخ محمدبن رشید آل مکتوم به روزنامه کویتی گفت امارات متحده عربی در نظر ندارد موشک های زمین به هوا از شوروی خریداری کند لیکن ممکن است مقداری سلاح سبک از کشورهای کمونیستی خریداری کنند.

(محرمانه) در نتیجه سفر مرموز و بی سر و صدای تابستانی دو برادرزاده رئیس امارات و فرمانروای ابوظبی شیخ زاید به آلمان شرقی شایع شد که امارات در نظر دارد از کمونیست ها تسلیحات خریداری کند. علی رغم شایعات دیپلماتیک مبنی بر اینکه شیخ حمدان بن محمد آل نهیان معاون نخست وزیر و برادرش شیخ مبارک وزیر کشور در مذاکرات محرمانه خرید سلاح شرکت جسته اند، باید گفت که آنها احتمالاً با یکدیگر به آلمان شرقی رفته بودند تا تحت درمان و مداوا قرار گیرند. این سفرها ممکن است منجر به بکارگیری نفرات پزشکی آلمان شرقی در ابوظبی شود.

بخش دوم عضویت حزب کمونیست محلی

(محرمانه) در امارات متحده عربی سازمان کمونیستی و یا نیمه کمونیستی آنچنانی وجود ندارد. البته ممکن است بعضی از کمونیست ها در میان کارگران خارجی عربی، ایرانی و آسیای

جنوبی نفوذ کرده باشند لیکن در مورد موقعیت سازمانی و فعالیت آنها اطلاعی در دست نیست.

بخش سوم روابط دیپلماتیک، کنسولی و نمایندگی تجاری با کشورهای کمونیستی

(بدون طبقه بندی) از طرف کشورهای کمونیست نماینده دیپلماتیک و یا کنسولی در امارات متحده عربی مستقر نشده است. بعضی از دیپلماتهای اروپای شرقی مقیم کویت در رابطه با برنامه برگزاری نمایشگاههای تجاری، از امارات متحده دیدار کرده اند.

(بدون طبقه بندی) نمایندگی رسمی تجاری مقیم نیز در امارات مستقر نشده است. لیکن از طرف رومانی و مجارستان در دوبی دفاتر تجاری تأسیس شده که تعداد کارکنان آنها یک یا دو نفر مجارستانی و یا تبعه رومانی هستند.

بخش چهارم ارزیابی فعالیتهای فرهنگی و اطلاعاتی

(بدون طبقه بندی) مبادلات فرهنگی و آموزشی

فعالیت های فرهنگی کشورهای کمونیستی محدود به نمایش فولکلوریک چکسلواکی و نمایش مد لباس مجارستان در نمایشگاههای تجاری آنها در امارات بوده است. مبادلات آموزشی در رابطه با شهروندان امارات اصلاً وجود ندارد ولی وابستگان کارگران خارجی مقیم امارات ممکن است از طرف کمونیست ها بورس تحصیلی دریافت کرده باشند. فیلم، انتشارات و دیگر مطالب فرهنگی کمونیستی نیز به امارات وارد نمی گردد.

(خیلی محرمانه) فعالیت های اطلاعاتی

هیچیک از کشورهای کمونیستی، نتوانسته اند در امارات دفتر خدمات ارتباطاتی و یا روزنامه نگار مستقر کنند. ولی گویا بعضی از گزارشگران خبرگزاری تاس گهگاه به امارات سفر کرده اند و به دو تن از روزنامه نگاران روسی نیز از طرف وزارت اطلاعات امارات متحده عربی اجازه داده شده بود تا برای تهیه گزارش از اجلاس وزیران نفت اوپک به این کشور وارد شوند.

دیکمن

حل اختلافات موجود بر سر مالیات و حق الامتیازات نفتی

سند شماره ۵۱

محرمانه ۲۰ دسامبر ۱۹۷۸ ۲۹ آذر ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا، ابوظبی الف ۰۰۵۷به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در تهران، دوحه، مسقط

مرجع: ابوظبی ۳۱۴۷

موضوع: حل اختلافات موجود بر سر مالیات و حق الامتیازات نفتی

(محرمانه – آر.دی.اس. ۴–۲۰/۱۲/۸۸) متن یادداشت قرارداد مورخ ۲ نوامبر ۱۹۷۸ بین

بوتس اویـل گـاس (نمایندـه شـرکت کرسـنت) و حـاکم شارجه در مورد افزایش مالیات و حق الامتیاز به آگاهی وزارت امور خـارجه می رسـد. شـرایط و روش پرداخت در تلگرام مرجع مطرح شـده است. متن قرارداد در تاریـخ ۱۱ دسامبر توسط حمید جعفر از کرسنت در اختیار سفیر قرار داده شد تا با آن به عنوان یک سند محرمانه برخورد شود.

(محرمانه- جی.دی.اس — ۱۲/۱۲/۸۴) همانگونه که از محتوای متن برمی آید، مالیات و حق الامتیاز در دو مرحله افزایش یافته است: یکی در شـش ماهه اول سال ۱۹۷۷ یعنی از ۵۵٪ به ۶۵/۶۵٪ و دیگری در شـش ماهه آخر سال ۱۹۷۷ که ۷۷٪ بود و می بـایست از تاریـخ اول ژانویه به مرحله اجرا درآیـد. میزان حق الامتیـاز نیز از ۵/۱۲ درصد به ۵/۱۴٪ در تاریـخ اول ژوئیه ۱۹۷۷ افزایش یـافت و از آن پس ثـابت مانـد، میزان مالیات و حق الامتیاز قابل پرداخت از تاریـخ اول ژوئیه ۱۹۷۷ تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۸ معادل ۱۳۱۰۷۸۲۴ دلار است. از تاریـخ اول ژوئیه ۱۹۷۸ قسط بنـدی خواهد شد تا از اول ژوئیه ۱۹۷۸ به ترتیب پرداخت گردد تا میزان نفت صادراتی نیز به ۷۵ میلیون بشکه برسد.

ضمیمه:

۱- موافقتنامه (محرمانه- جی.دی.اس — ۲۰/۱۲/۸۴)

(محرمانه — جی.دی.اس — ۱۲/۱۲/۸۴) اعلام می گردد که نفت صادر شـده از حوزه مبارک تا تاریـخ اول ژوئیه ۱۹۷۸ معادل ۵۰۲۹۲۸۱۸ بشـکه بوده است. یعنی مبلغ قابل پرداخت ۱۳۱۰۷۸۲۴ باید به رقم ۷۰۷۱۸۲/۲۴ تقسـیم گردد تا به قیمت هر بشکه ۵۳۰۵۳/۰ دلار اضافه گردد آن هم تا زمانی که تولیـد کلی معادل ۷۵ میلیون بشـکه شود. در صورتی که رقم معادل ۷۵ میلیون بشکه نشود، بنا به گفته منبع، کرسنت مسئول پرداخت اختلاف و یا تقسیم حق الامتیاز بر تعداد بشکه نفت صادر شده نیست.

(محرمـانه — جی.دی.اس- ۱۲/۱۲/۸۴) در ازای این قرارداد، حـاکم شـارجه توافق کرده است که مالیـات و حق الامتیـاز حوزه مبارک را بعـدها افزایش ندهـد و شـرکت نیز اقامه دعوی خود را که ناشـی از نارضایتی موجود درباره شـرایط مالی بود دنبال نکند.

(محرمانه- جی.دی.اس — ۱۲/۱۲/۸۴) شـرکت ملی نفت ایران در حل این اختلاف نقش بی تفاوتی ایفا کرده است. همانگونه که قبلاً در ابوظبی ۲۷۷۱ گزارش شده بود، پس از ملاقات سهامداران کرسنت و جان بورتا در شارجه در تاریخ ۲۵ شهریور به منظور تشـریح این مطلب که حوزه مبارک ۷۰ میلیون بشـکه نفت در بر ندارد، شـیخ سـلطان یک فرمول افزایش مالیات و حق الامتیـاز دو مرحله ای پیشـنهاد کرده بود که در نـتیجه تولیـدهای آتی می بـایست پرداخت می شـد. بارِتـا گفته بود که بایـد با سهامـداران دیگر نیز مشـورت نمایـد ولی حـاکم شـارجه پیشـنهاد خـود را به اطلاـع شـرکت ملی نفت ایران رسانیـده بود. این شرکت نیز به نوبه خود پیشنهاد «بارِتا» را رد کرده و پروفسور نفیسی استاد اقتصادی تهران را به عنوان وکیل شارجه در دادگاه

بین المللی اعزام نموده بود. حاکم شارجه که از پاسخ شرکت ملی نفت ایران بهت زده شده بود به اسماعیل عبدالوهاب (رئیس شرکت نفت و معادن) دستور داد که با شرکت ملی نفت ایران تماس بگیرد. اسماعیل به شرکت ملی نفت ایران گفت این پیشنهاد از طرف بارِتا عنوان نشده بلکه حاکم شارجه آن را مطرح کرده است. شرکت ملی نفت ایران نیز پس از تعجب گفت که اطلاعات خود را از طریق قاضی یسری دویک (که مشاور حقوقی فلسطینی الاصل شارجه است) دریافت می کرده است. پس از آنکه شیخ سلطان متوجه شد، طی تلگرامی توضیح داد که این پیشنهاد خود او بوده است چون ادامه شکایات شرکت کرسنت مانع از جذب خریداران امتیازات نفتی دیگر توسط شارجه می شده است. بنابراین شرکت ملی نفت ایران نیز موافقت خود را اعلام کرد و مسئله را بیش از این کش نداد. بنا به گزارشات واصله قاضی دویک نیز دیگر در امور نفتی شارجه دخالتی ندارد.

دیکمن

فرار سرمایه از عمان

سند شماره ۵۲

محرمانه۳۱ مارس ۱۹۷۹ ۱۱ فروردین ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط ۵۰۹به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در برن، دوحه، جده، کویت، منامه، پاریس، ریاض، تهران

مرجع: کویت ۱۴۳۵

موضوع: فرار سرمایه از عمان

۱- گزارش مرجع در مورد فرار سرمایه از کویت و علل آن، مشابه همین رویداد در عمان است. نرخ بهره مربوط به وامها در حال حاضر کمتر از ۱۰ درصد است که کمتر از سطوح نرخ بهره بین المللی است. در نتیجه سرمایه بیشترین حد بازدهی را داشته است. در داخل نیز همین امر نشانگر رشد کند عرضه پولی و فشار صعودی نرخ بهره است که بانک مرکزی تلاش می کند آن را پایین نگاه دارد. بانک های محلی نیز در صدور اعتبار به مشتریان مهم خود روش جیره بندی در پیش گرفته اند و آنان نیز با باز کردن حساب در بانکهای دیگر به امید اینکه بتوانند اعتبار بیشتری کسب کنند، عکس العمل نشان داده اند. وضع صدور اعتبار به شدت بحرانی است، چون بانکها با صدور اعتبار در بازارهای بین المللی بیش از بازارهای محلی سود می برند، به همین دلیل مشتریان آنها نیز برای تحصیل منابع مالی با نرخهای بهره بیشتر به منابع خارجی روی می آورند.

۲- ریال عمان وابسته به دلار است و فرار سرمایه و منابع مالی تحت کنترل درنیامده است. بنابراین اقتصاد محلی شدیداً وابسته

بـه بـازار بین المللی است و در درازمـدت نرخهـای بهره بایـد معـادل نرخ هـای بهره بین المللی شـود. گمـان نمی رود که فرار سرمایه در حال حاضر ناشی از

عواملی غیر از عوامل اقتصادی باشد. در مورد رویدادهای ایران نوعی حساسیت پدید آمده است، ولی کارها روال عادی خود را حفظ کرده است. وایلی

مقاصد کشورهای حوزه خلیج [فارس] عضو اوپک در رابطه...

سند شماره ۵۳

محرمانه۳ آوریل ۱۹۷۹ ۱۴ فروردین ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، ابوظبی ۰۸۸۲به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در الجزیره، بغداد، بن، بروکسل، قاهره، دمشق، ژنو، جاکارتا، کویت، منامه، لندن، مسقط، اوتاوا، پاریس، تهران، توکیو، تریپولی

مرجع: الف) وزارت امور خارجه ۰۷۹۵۷۲؛ ب) ابوظبی ۰۷۵۳

موضوع: مقاصد کشورهای حوزه خلیج [فارس] عضو اوپک در رابطه

با قیمت نفت و سطح تولید

۱- (محرمانه- تمام متن)

۲- خلاصه: معاون وزیر نفت ابوظبی در مقام تأیید گفت، آن دسته از کشورهای عضو اوپک که پس از انقلاب ایران تولید خود را بالا برده بودند در کنفرانس مشورتی ژنو توافق کرده اند که در صورت بازگشت سطح تولید نفت ایران به ۴ میلیون بشکه در روز به تدریج به سطح تولید قبلی خود بازگردند. امارات متحده عربی در نظر ندارد در سطح تولید خود تغییر چندانی صورت دهد؛ حوزه کوچکی که در اواسط سال ۱۹۷۹ آغاز به کار خواهد کرد از این قاعده مستثنی است. میانه روهای اوپک نیز به علت وضع بحرانی بازار نفتی که بسیاری را وادار به کاربرد اضافه بها کرده، قادر نیستند قیمت نفت در فصل چهارم را معادل قیمتها در سال ۱۹۷۹ نگاه دارند. اوپک از افزایش قیمت در کوتاه مدت استفاده می کند ولی اساس فرمول قیمت گذاریهای آتی آن را تشکیل نخواهد داد. از آنجا که آمریکا قبل از کنفرانس ژنو بیانیه ای مرتبط با انرژی صادر نکرده، هواداران افزایش قیمت نفت نیز از فرصت استفاده کرده اند. پایان خلاصه.

۳- در تاریخ ۳ آوریل با عبدالله اسماعیل معاون وزیر نفت ابوظبی ملاقات کردم تا نکات طرح شده در تلگرام مرجع (الف) را به نظر ایشان رسانیده باشم. عتیبه وزیر نفت هنوز به اینجا بازنگشته (او به لندن رفته است تا در جشن فارغ التحصیلی سومین فرزند شیخ زاید – محمد- در تاریخ ۶ آوریل شرکت کند). اسماعیل هنوز هم نتوانسته تصمیمی در رابطه با قیمت نفت خام سنگین امارات اتخاذ کند ولی در رابطه با نفت سبک امارات عربی این تصمیم اتخاذ شده (در تلگرام جداگانه گزارش

گردید) است.

۴- اسماعیل گفت، همانطور که طی ملاقات گذشته گفته بود (مرجع ب) در اوپک بیش از همه درباره مسئله تولید نفت ایران گفتگو به عمل آمد. بنا به گفته او، نمایندگان ایران اظهار داشته بودند که می خواهند سطح تولید ایران را به ۴ میلیون بشکه در روز برسانند تا حدود ۳/۳

میلیون بشکه به خارج از کشور صادر گردد. ایرانیها شدیداً از کشورهایی که به خاطر انقلاب ایران تولید خود را بالا بردند خواستند که تولید خود را کاهش دهند.

منظور آنها پنج کشور عمده یعنی: عربستان سعودی، کویت، عراق، ونزوئلا و نیجریه بود، در حالیکه چند کشور دیگر نیز تا حدودی تولید خود را بالا برده بودند. ایرانیها گفتند که به قوانین و تصمیمات اوپک در رابطه با قیمت گذاریها گردن خواهند نهاد.

۵- برای اینکه ایران از نظر سیاسی خشنود شود و صنعت نفت ایران نیز بتواند روی پای خود بایستد، پنج کشور فوق توافق کردند که در صورت رسیدن سطح تولید نفت ایران به ۴ میلیون بشکه در روز، آنان به تدریج تولید خود را کاهش دهند. از آنجا که ایرانیها نمی دانستند سطح تولید چه خواهد بود و آیا خواهند توانست این سطح تولید را حفظ کنند، زمان مشخصی برای کاهش تولید پیشنهاد نشد، فقط در مورد آن به طور اصولی توافق به عمل آمد.

۶- وی گفت امارات متحده عربی در سال ۱۹۷۹ تولید خود را افزایش نداده اما سطح تولید ایران هر طور باشد امارات تولید خود را کاهش نخواهد داد. با وارد شدن حوزه «امرادا هس ارزنه» به مرحله تولید در اوایل تابستان جاری، سطح تولید ابوظبی به ۴۰۰۰۰ بشکه در روز خواهد رسید چون این حوزه جدید است و محدودیت تولید درباره حوزه های داخل و خارج از خشکی به کار می رود.

۷- در رابطه با قیمت ها، عربستان سعودی و امارات متحده عربی بر اساس توافق، قیمت نفت فصل چهارم را مطابق تصمیم کنفرانس اوپک در ابوظبی در سال ۱۹۷۸ بالا برده اند. ولی به خاطر بحرانی بودن وضع بازار اکثر اعضای اوپک خواستار تعیین اضافه بها نیز شده اند. اضافه بهای تعیین شده توسط الجزایر و نیجریه در رابطه با نفت سبک صادراتی مشکلاتی برای امارات متحده عربی به وجود آورده که نمی توانند به سطح قیمت نفت در فصل چهارم پای بند باشند (تلگرام جداگانه). وی تأکید کرد که اضافه بها به صورت اقدام میانه باقی می ماند و نمی تواند به عنوان اساس افزایش قیمت های بعدی اوپک نگریسته شود. بسیاری از تغییرات به وضع بازار در سه ماه آینده بستگی دارد چون اوپک در نظر دارد در اجلاس آتی خود در ماه اوت به بحث درباره مسئله اضافه قیمت بپردازد. در صورتی که تقاضا پایین بیاید آنها خواهند توانست یک سیستم منظم و منطقی به کار گیرند تا با فرمول قیمت گذاری سال ۱۹۷۸ کنفرانس در ابوظبی مطابقت داشته باشد.

۸- تأثیر عرضه بر قیمت نفت و تأثیر ناشی از آنها بر کشورهای رو به رشد نیز مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. وزیران توافق کردند به شرکت های نفتی اعلام کنند که نباید میزان نفت ارسالی به کشورهای رو به رشد را کاهش دهند و در صورت تخلف از این امر شدیداً تأدیب خواهند شد. در صورتی که کشورهای تولید کننده مستقیماً به کشورهای رو به رشد نفت بفروشند، طبق توافق همان میزان نفت مورد نظر را به آنها خواهند داد.

وزیران نفت به کشورهای متبوع خود پیشنهاد خواهند کرد که این مسئله را مورد بررسی

قرار دهند لیکن پیشنهاد خاصی ندارند. وی گفت اگر این نتیجه حاصل نمی شد کشورهای رو به رشد می توانستند مستقیماً علیه اوپک شکایت کنند.

۹- اسماعیل گفت آن دسته از کشورهای اوپک که دارای تولید مازاد هستند پس از عادی شدن وضع تولید ایران سطح تولید خود را کاهش خواهند داد تا دیگر کشورهای اوپک بتوانند از «اضافه بها» استفاده کنند. وی با در نظر گرفتن ملاحظات فنی و نیاز به درآمد بیشتر باید گفت که موضوع سطح تولید موضوع بحث اصلی بوده است. او نیز معتقد است که در صورت کاهش سطح تولید عربستان سعودی، کویت و دیگران، وضع بازار و بحران آن ادامه نخواهد یافت، ولی گفت که هدف اجلاس تحقق نیازهای سیاسی ایران بوده است. علاوه بر این، سعودیها و کویتی ها با افزایش تولید بیش از حد نیاز خود، به دیگران لطف می کرده اند. اسماعیل گفت اوضاع کنونی بازار و نه رویدادهای سیاسی خاورمیانه در تصمیمات مربوط به تولید و قیمت نفت دخیل بوده اند.

۱۰- با اشاره به اینکه دولت آمریکا انتظار دارد به زودی چند اقدام مورد نظر را اعلام کند تا درخواست آژانس انرژی بین المللی نیز برآورده شود، اسماعیل گفت اگر رئیس جمهور کارتر قبل از ۳ آوریل بیانیه انرژی خود را اعلام می کرد وضع خیلی بهتر از اینها می شد. وی از واشنگتن به خاطر درگیری در مسئله موافقت نامه مصر و اسرائیل قدردانی می کند ولی یادآور شد عدم اطمینان در خصوص چگونگی سیاست انرژی آمریکا در نتیجه تعدد دست اندرکاران، ایالات متحده در مورد این قضیه، فرصت مغتنم در اختیار طالبان قیمت گزاف تر نفت قرار می گیرد. دیکمن

عمان در نظر دارد قیمت نفت خود را بالا ببرد

سند شماره ۵۴

محرمانه۲۴ آوریل ۱۹۷۹ ۴ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط ۰۶۶۶به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوحه، کویت، لندن، منامه، تهران، توکیو.

موضوع: عمان در نظر دارد قیمت نفت خود را بالا ببرد

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- مشاور نفتی آمریکایی در وزارت کشاورزی، ماهیگیری، نفت و معادن محرمانه به سفارت اطلاع داده است که دولت عمان به شرکت «سی. ایتو» ژاپنی گفته است که قیمت نفت عمان از اول آوریل ۱۸ دلار برای هر بشکه خواهد بود و این شرکت در حال حاضر روزانه ۵۰۰۰۰ بشکه نفت برداشت می کند. پس از طرح این موضوع با شرکت ژاپنی، دولت عمان در

نظر دارد همین موضوع را به دیگر خریداران نفت خود، شرکتهای گلف و شل نیز اطلاع دهد.

۳- در همین حال یک شرکت دیگر ژاپنی به دولت عمان اطلاع داده است که حاضر است نفت مورد نیاز خود را به قیمت ۵/۱۸ دلار خریداری کند. کمی پس از آن، یکی از واسطه های

مشهور و با تجربه کویتی اعلام کرد که حاضر است با انعقاد یک قرارداد یک ساله هر بشکه نفت عمان را به قیمت ۷/۱۹ دلار بخرد. دولت عمان در حال حاضر به بررسی این پیشنهادها مشغول است.

۴- بنا به گفته مشاور آمریکایی، دولت عمان نمی داند چگونه اقدام نماید. قیمت های بیشتر اغوا کننده است، لیکن دولت عمان مایل است با خریدار، سهامدار و گرداننده مهم حوزه تولید شرکت نفت عمان، شرکت شل، روابط حسنه دیرین خود را حفظ کند.

۵- نظریه: سفارت مایل است ارزیابی وزارتخانه را در مورد وضع بازار نفتی دریافت کند. درست است که عمان در حال حاضر روزانه بیش از ۳۰۰۰۰۰ بشکه نفت به فروش می رساند، ولی این قیمت ها باید نصیب ما شود؛ احتمالاً نیز رابطه بسیاری با قیمت های موجود در بازار سیاه دارند و با قیمت های قراردادهای درازمدت نفتی مرتبط نیستند. با این وجود موضوع موازنه پرداخت های آمریکا و پیشنهاد ما در زمینه کنترل تورم وحشتناک به نظر می آیند، به ویژه آنکه افزایش اخیر سطح تولید نفت ایران حتماً بر قیمت های بالای بازار سیاه در این چند ماه تأثیر منفی داشته است.

وایلی

مقاله مجله فورچون

سند شماره ۵۵

بدون طبقه بندی۴ می ۱۹۷۹ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: اخبار آمریکا، واشنگتن دی سی ۱۲۰۶۵به: سفارت آمریکا، جده

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در کویت، منامه، ریاض، امان، بیروت، خارطوم، تهران، تل آویو، مسقط، ابوظبی، داکا، اسلام آباد، دهلی نو، بغداد.

[موضوع]: مقاله مجله فورچون

(مطالب سرویس خارجی ذیل نباید منتشر گردد)

مقاله زیر تحت عنوان «مشکلات وزیر خارجه مردد ما در امور خاورمیانه» که توسط «جوآن کامرون» نگاشته شده در نشریه مورخ ۱۷ اردیبهشت مجله فورچون منتشر می گردد. (آغاز متن)

محیط کنونی، محیط کار عادی جیمز شلزینگر نبود. در سپیده دم، او دوربینی به دست گرفته و پرندگانی را که در ساحل عربستان سعودی پرواز داشتند، تماشا می کرد. آن هم موقعی که از مذاکرات نفتی خود با مقامات دولتی این کشور فراغت

یافته بود. افکارش از پرنـده ها به مسـئله ای متمرکز می شـد که فکر او را از زمان تصـدی وزارت دفاع در زمان رئیس جمهور نیکسون و فورد به خود مشـغول داشـته بود. برای حفـظ بهـترین گنجینه جهـان یعنی نفتی که در زیر شـنهای کشورهـای حوزه خلیـج فـارس نهفته است، چه بایـد کرد؟ او می دانست که اگر توازن یـا تعـادل قـدرتها در منطقه به هم بخورد، به این گنجینه آسیب بسیار وارد خواهد آمد. گذشته از این، اینکه شوروی با چه سهولتی می تواند مداخله کرده و جریان نفت خلیج [فارس] را قطع

کند. اینکه خنثی سازی این خطر توسط امریکا چقدر دشوار است نیز، فکر او را به خود مشغول داشته بود.

این موضوع مربوط به یک سال قبل بود. از آن موقع به بعد خطر بیشتر شده است. ایران که هنوز هم دستخوش انقلاب است می تواند ناآرامیها را به آن سوی مرزهای خود منتقل کند. قرارداد صلح بین مصر و اسرائیل گرچه موقعیت استراتژیک آمریکا را بهبود بخشیده ولی سبب تقویت و شدت احساسات ضدآمریکایی در سرتاسر خلیج [فارس] شده است.

ولی تا به حال هیچیک از این رویدادها نتوانسته است سبب کاهش یا توقف جریان نفت از مهم ترین صادر کننده آن یعنی عربستان سعودی گردد، نتایج قطع صدور نفت به خصوص از عربستان سعودی برای اروپا، ژاپن و کشورش بسیار ترس آور خواهد بود. بیش از نیمی از نفت مصرفی اروپا و ۵۸ درصد نفت مصرفی ژاپن از طریق عربستان سعودی، عمان، امارات متحده عربی، قطر، ایران، کویت، عراق و بحرین تأمین می گردد. در حال حاضر نفت این کشورها بخش نسبتاً کوچکی از واردات نفتی آمریکا را تشکیل می دهد که ۱۱ درصد است. ولی در سال ۱۹۸۵ بیش از نیمی از نیاز ما از طریق واردات تأمین خواهد شد و نفت خلیج [فارس] نیز نقش عمده ای در آن خواهد داشت.

هارولد براون، وزیر دفاع نیز اعلام داشت که خطرات نظامی که می توانند بر جریان نفت تأثیر داشته باشند «بسیار جدی و حاد بوده و ما باید خود را آماده مقابله با آنها بنماییم.» این خطرات به اشکال گوناگون و به طور ناگهانی ظاهر خواهند شد. تصرف عمان توسط شورشیان تحت حمایت یمن جنوبی، «گلوگاه» نفتی خلیج فارس را که همان کانال ۱۹ میلی تنگه هرمز است به خطر خواهد انداخت. حملات تروریستی علیه حوزه های نفتی فاقد حراست عربستان سعودی و نیز علیه مراکز توزیع نفت این کشور می تواند سبب قطع جریان نفت گردد. بروز درگیری بین عراق و کویت یا عربستان سعودی در پی اختلافات دیرین ارضی نیز یک خطر واقعی دیگر به حساب می آید.

مهم ترین خطر که از نظر طراحان نظامی واشنگتن وقوع آن بعید است، حرکت آشکار شوروی به درون منطقه است. نفت خلیج [فارس] ممکن است برای شوروی و اقمارش از نظر اقتصادی بسیار اهمیت داشته باشد. گرچه شوروی فاقد ارز خارجی برای پرداخت قیمت نفت اعراب است، ولی دارای بیست و چهار لشکر زمینی و هفت لشکر هوابرد و حدود ۵۰۰ هواپیمای تاکتیکی درجه یک در ناحیه قفقاز و چهار تا شش فروند ناو جنگی مستقر در اقیانوس هند است. بنا به گفته براون این نیروها از آمادگی چندانی برخوردار نیستند ولی اگر قرار بر آغاز جنگ باشد یعنی بنا به گفته پنتاگون اگر «آمادگی درجه یک» آغاز شود، آمریکا نیز باید اقداماتی در جهت خنثی سازی آن به وجود آورد.

براون و برژینسکی مشاور امنیتی رئیس جمهور کارتر اعلام کرده اند که آمریکا از هرگونه اقدامی از جمله نیروی نظامی استفاده خواهد کرد تا منافع ما را در عربستان سعودی حفظ

نماید. لیکن طراحی یک اقدام نظامی در خلیج [فارس]، مقامات وزارت دفاع را دچار کابوس ساخته است. زیرا نیروهای مسلح شاه ایران که به عنوان یک عامل پدید آورنده ثبات اعتماد شده بود نتوانست به این مسئله بپردازد. یکی از مشاورین براون اعتراف می کند که در مورد نوع اقدام اضطراری آمریکا در خلیج [فارس] مطالعه چندانی نشده است. زمان هشدار تا چه حد است، چه نوع نیروهایی و با چه سرعتی باید توسط آمریکا به کار گرفته شود. علاوه بر این مشورت چندانی درباره مشخص شدن نیروهای همپیمان آمریکا نیز به عمل نیامده است. دولت آمریکا معتقد است که در صورت بروز جنگ، آمریکا در اروپا متحدان چندانی نخواهد داشت. ولی، شواهد موجود در بریتانیا امیدوار کننده است، چون محافظه کاران این کشور پیشنهاد کرده اند که یک ناوگان مشترک متشکل از اروپا و آمریکا در جزیره دیه گو گارسیا که پایگاه دریایی انگلیس در اقیانوس هند است، تشگیل گردد.

بنا به گفته یکی از مقامات وزارت دفاع، با وجود اوضاع کنونی «گمان نمی رود» که آمریکا از نظر تعداد از آنچنان نیرویی جهت مقابله با خطرهای احتمالی علیه منافع اقتصادی خود برخوردار باشد، وی در تشریح می افزاید «این کشور، هرگز دارای نیرویی نبوده است که بتواند در نقاطی که تسلیحات استراتژیک نقش دافع ندارند منافع حیاتی خود را حفظ کند.» با یادآوری بحران موشکی سال ۱۹۶۲، یکی از مقامات عالیرتبه نظامی آمریکا می گوید «خلیج فارس، کوبای بعدی ما خواهد بود.»

آمریکا که فاقد یک استراتژی صریح و نیروهای مجری آن است، برای خنثی سازی خطرات آشکار به مذاکرات شدید و دیپلماسی ناوی متوسل شده است. هنگامی که در زمستان گذشته یمن جنوبی با کمک مستشاران کوبایی و آلمان شرقی و نیز با دریافت اسلحه از شوروی به یمن شمالی حمله ور شد، ناو هواپیمابر کانستلیشن و ناوچه های همراه آن به سرعت وارد دریای عربی شدند. ارسال این ناو هواپیمابر یک «هشدار جهانی» بود و به روسها خط تمایز ترسیم شده در خلیج فارس را نشان می داد، نمایش قدرت تا مدتها ادامه خواهد داشت. بنا به گفته پنتاگون پس از بازگشت کانستلیشن به وطن، ناو هواپیمابر دیگری جای آن را خواهد گرفت.

پرواز اسکادران اف ۱۵ به عربستان سعودی، سودان و مراکش در همان زمان، نشانگر یک پیام دیپلماتیک متفاوت بوده که عربستان سعودی می بایست آن را دریافت کرده باشد. پس از سرنگونی شاه، عربستان سعودی در اعتماد به آمریکا به عنوان یک هم پیمان تردید پیدا کرده است، [آمد] با مأموریت این جتهای جنگنده، واشنگتن به این کشور فهماند که در موقع لزوم به سرعت به یاری آن خواهد شتافت. دو فروند هواپیمای پیشرفته آواکس نیز که پس از پرواز اف ۱۵ها، وارد عربستان سعودی شدند، نشان می دهند که آمریکا با پیشرفته ترین تجهیزات شناسایی خود به دفاع از حریم هوایی این کشور خواهد پرداخت.

علاوه برکاربرد محتاطانه نیروی هوایی برای رسیدن به اهداف سیاسی، آمریکا در تلاش

است تا محدودیت نظامی خود را در این منطقه دور افتاده با یک استراتژی دوپهلو از بین ببرد.

طراحان سیاسی آمریکا می گویند یک جنبه این سیاست عبارت است از تقویت امنیت داخلی کشورهای حوزه خلیج [فارس] در برابر آنچه که دولت کارتر عدم ثبات سیاسی روزافزون نامیده است. طبق دید مقامات واشنگتن، فساد همه جانبه، ثروت بیش از حد و حضور تعداد بیشماری از کارگران فلسطینی و یمنی و دیگر کارگران خارجی این بی ثباتی را شدت می دهد. (تعداد کارگران خارجی در کویت به نسبت دو به یک از بومیان این کشور بیشتر است) کارگران مهاجر از امتیازات شهروندان کویتی برخوردار نیستند، گرچه مدتهای مدیدی در این کشور به سر می برده اند. این افراد ناراضی می توانند به سرعت توسط نهضتهای مخالف موجود در خاورمیانه به کار گرفته شوند. به منظور حفظ ثبات، وزارت امور خارجه آمریکا و پنتاگون درصدد ترغیب وحدت منطقه ای و افزایش کمکهای تسلیحاتی برآمده اند. ارسال تسلیحات به یمن شمالی در حال حاضر افزایش یافته است.

جنبه دوم استراتژی، که هنوز به مرحله اجرا گذاشته نشده است، یافتن راهی برای گسترش حضور آمریکا و یا حرکت سریع آن در منطقه خلیج [فارس] هنگام بروز بحران است. پیشنهاد معتدلی جهت افزایش میزان نیروهای ناچیز دریایی در خاورمیانه که هم اکنون شامل یک ناو موشک انداز، یک ناوشکن و یک ناو فرماندهی است، ارائه شده (ناو هواپیمابر کانستلیشن موقتاً از ناوگان هفتم به این منطقه مأمور شده است). پیشنهاد مهم تر عبارت است از تشکیل یک ناوگان جدید در اقیانوس هند. این ناوگان به اصطلاح پنجم، مرکب از یک ناو هواپیمابر، یک گردان نظامیان ضربتی مجهز به تانک که به وسیله ناو یا ناوهای دیگری به منطقه اعزام خواهد شد، توپخانه، هلیکوپتر و هواپیمای هاریر عمودپرواز خواهد بود. لیکن، برای به وجود آمدن این ناوگان جدید باید نیروی ناوهای هواپیمابر آمریکا از دوازده فروند بیشتر شود که هزینه آن نیز میلیاردها دلار خواهد بود.

طراحان دفاعی آمریکا هنوز هم از اقدامات لازم لجستیکی دوربرد برای اینچنین نیروی خاورمیانه ای وحشت دارند. با گذشت زمان، ممکن است قرارداد مصر و اسرائیل سبب انعقاد قراردادی شود تا بتوان از شبکه وسیع پایگاههای هوایی، دریایی موجود در این دو کشور بهره برداری کرد. اما در حال حاضر آمریکا فاقد پایگاههای زمینی در منطقه خلیج [فارس] است، ولی می تواند از تأسیسات دریایی بحرین واقع در سواحل عربستان سعودی و نیز یکی از پایگاههای هوایی سابق در جزیره مصیره استفاده محدود کند. پایگاه دیه گو گارسیا ۲۲۰۰ میل از منطقه دورتر و پایگاه دماغه «سوبیک» نیروی دریایی در فیلیپین نیز ۵۰۰ میل دورتر است.

شاید بتوان با سعودیها به توافق رسید تا با گسترش پایگاههای موجود نظامی آن کشور، آمریکا نیز بتواند از آنها استفاده کند. یکی دیگر از راه حلها جلب توافق جهت ذخیره سازی قبلی تجهیزات است تا بتوان در مواقع ضروری از آنها استفاده کرد.

این تلاشها تا به حال موفق نبوده است. کشورهای حوزه خلیج فارس خواستار حمایت

بدون حضور آمریکا هستند. طی یک همه پرسی از سفیران آمریکا در کشورهای منطقه معلوم شد که ایجاد نیروهای زمینی و یا افزایش نیروهای دریایی در منطقه به جای تقویت کشورهای ذیربط آنها را ضعیف تر خواهد کرد و گروههای تندرو از احساسات «ضدامپریالیستی» که از دیرباز یعنی زمان استفاده از سرزمینهای عربی به عنوان مستعمرات توسط قدرتهای اروپایی و انگلیسی در اذهان باقیمانده، بهره برداری خواهند کرد.

نظریات سفیر کویت در آمریکا، خالد محمدجعفر نمایانگر ابهام موجود در طرز تفکر بسیاری از کشورهای حوزه خلیج [فارس] است ولی با کمال بی توجهی می گوید: «هیچکس از شما نخواهد خواست که وارد منطقه شوید چون ما نمی دانیم که خطر از کدام طرف متوجه ما شده است.» وی معتقد است که حمله عراق به کویت و یا تهاجم شوروی به منطقه نوعی خیال پردازی است ولی آیا هیچکس نگران امکان خرابکاری فلسطینی ها و یا یمنی ها در کویت نیست؟ وی در پاسخ می گوید: «این حرف مضحک است چون آنها برادران ما هستند.» بنا به گفته سفیر، کشورش مهم تر از هر چیز از آن می ترسد که مبادا درگیر مناقشات بین آمریکا و شوروی و یا دیگر قدرتها بشود. وی علاوه بر این نگران بهره برداری آمریکا از اسرائیل به عنوان یک نیروی نظامی است. گذشته از این، جعفر به آمریکا به عنوان یک هم پیمان اعتماد ندارد و می گوید «دوستی شما با شاه برای او چه فایده ای داشت؟ شما ۴۰۰۰۰ نفر در ایران داشتید، آنها در آنجا چه می کردند؟ شما شاه را وادار کردید تا برای خرید هواپیماها و دیگر تسلیحات هزینه های گزافی بپردازد، ولی او رفته است و هواپیماهایش نیز ساقط شده اند.» امروزه در خاورمیانه همه اینگونه صحبت می کنند. ولی با این حال جعفر صریحاً می گوید که کویت به آمریکا به عنوان یک دوست واقعی ارج می نهد، گرچه طبق ادعای وی شرکتهای نفتی آمریکایی در رابطه با پرداخت های نفتی کویت را فریب می دادند.

اکثر مقاماتی که با طرحهای مربوط به بحران خاورمیانه سر و کار دارند، معتقدند که این طرز فکر ابهام آمیز عربی علیه آمریکا در آینده نزدیک تغییر نخواهد کرد. یعنی آمریکا باید به نظامیان، ناوها و هواپیماهای خودش که هزاران میل دورتر از خلیج فارس مستقر شده اند متکی باشد تا بتواند هرگونه نیاز نظامی خاورمیانه ای را تأمین کند.

در تئوری، آمریکا دارای نیروهای قراردادی غیرهسته ای است که قادرند از پس یک جنگ عمده برآیند، که معمولاً «استعداد جنگی ۲/۱۱» می نامند. مهم ترین نیروهایی که آمریکا طرح ریزی کرده تا در مواقع ضروری در خاورمیانه به کار ببرد و پنتاگون آنها را استعداد نیمه جنگی می نامد، مرکب است از چهار تا پنج لشکر دریایی و ارتش ۹۲۰۰۰ نفره، و پنج تا شش جناح هوایی و دریایی توأم با ۷۲ تا ۱۰۲ فروند هواپیمای تاکتیکی در هر یک از جناحها. پنتاگون می تواند بدون کاهش نیروهای موجود در نقاط دیگر یک یا دو گروه هواپیمابر (یا به طور موقتی) شامل ۹۵ هواپیما به این نیروها بیافزاید. ویلیام کافمن استاد انستیتو تکنولوژی ماساچوست که از سالهای دهه ۱۹۶۰ با وزیران دفاع در بخش طراحی همکاری داشته،

می گویـد اگر ایـن نیرو همیشـه آمـاده بمانـد و تمرینـات لازم انجـام دهـد می توانـد در برابر هرگـونه خطری که منطقه خلیج [فارس] را تهدید نماید، به عنوان یک «دافع بالقوه» عمل کند.

اولین نیروهایی که به خاورمیانه اعزام خواهنـد شـد عبارتنـد از لشـکر ۸۲ هوابرد فورت براگ کارولینای شـمالی و لشـکر ۱۰۱ هوابرد فورت کـامپ بل کنتاکی که هر یک به ترتیب دارای ۱۵۲۰۰ و ۱۷۹۰۰ نفر نیروی انسانی می باشند. هر دو واحد مزبور از واحدهای سـبک پیاده به شمار رفته و فاقد تانک و توپخانه سبک هستند و به جای مقاومت طولانی در برابر نیروهای زرهی دشمن تنها به عملیات ضربتی سریع می پردازند. چتربازان لشکر ۸۲ بسیار مجرب هستند، گرچه فرمانده آنها می گوید که این لشـکر از نظر افراد وظیفه و بعضـی از تجهیزات دچـار کمبودهایی است. در لشـکر ۸۲ همیشه یـک هنـگ به حالت آماده باش است. درست هجـده سـاعت پس از صـدور فرمان، عناصـر اولیه هنگ مزبور همراه با جیپ ها، کامیونها و توپخانه های سـبک چتردار آمـاده انـد تا فرودگاه پاپ را ترک کرده و با هواپیماهای حمل و نقل عازم جبهه مورد نظر شونـد. طرح تمرینات نشان می دهـد که این لشـکر قادر است ۲۰۰ نفر را در عرض ۳۵ ساعت، ۱۲۰۰ نفر را در ۴۸ ساعت، ۳۰۰۰ نفر را در عرض ۸۲ ساعت و کل لشکر را در عرض ۲۶۴ ساعت، آن هم در صورت موجود بودن تعداد کافی هواپیماهای حمل و نقل، از کارولینا به ترکیه منتقل سازد.

بنـا به دلایـل منطقی پنتـاگون نمی خواهـد فاش سازد که چه واحـدهایی این نیروی به اصـطلاح ضـربتی را در شـرایط متفاوت تشکیل می دهند. ولی، تحلیل گران جنگ در خارج از وزارت دفاع سناریوهای مختلفی طرح ریزی کرده و مشخص کرده اند که چه نوع نیرویی باید عکس العمل لازم را در شرایط خاص نشان دهد. یکی از این تحلیل گران جفری رکورد مشاور نظامی سناتور سام نان از ایالت جورجیاست که قبلاً نیز عضو بخش تجزیه و تحلیل معروف انستیتوی بروکینگز بوده است. «رکورد» به پیـدایش چهـار سـناریو کمـک کرد که به نوبه خود سبب پیـدایش این مقـاله گردیـد. حـدود این سـناریوها از یک کودتا در عربسـتان سـعودی توسـط تروریست هـا و یـا افسـران ناراضـی (احتمـال متوسـط) شـروع و تـا هجوم شوروی از ایران به سـمت کشورهای خلیج [فارس] (احتمال کم) خاتمه می یابد.

البته این گونه بازیهای جنگی تمرینات کاملاً ساده ای هسـتند که هر چند بر فرض استوار هستند، ولی بسیار ارزشمند می باشند چون طراحان استراتژی ها با اسـتفاده از آنها می توانند پیش بینی کنند که چه نیرویی برای مقابله با دشـمن و یا دیگر سناریوها موفق می شونـد ولی در اجرای آنهـا بـا موانع و محـدودیتهایی روبرو خواهنـد شـد. ابتـدا بایـد گفت که آمریکـا هنوز از چنان اسـتعداد حمل و نقل هوایی برخوردار نیست که بتواند همزمان نیروی ضـربتی پیاده و نیاز جناحهای تاکتیکی هوایی را از نقطه ای به نقطه دیگر اعزام کند.

بـار اصـلی نقـل و انتقـال افراد و تجهیزات بر دوش بخش نقل و انتقال استراتژیک نیروی هوایی یعنی ۷۰ فروند هواپیمای غول آسای C-۵A و ۲۳۴، هواپیماهای کوچکتر باری C-۱۴۱، و

نیز چند صد تانک KC ۱۳۵ سوخت رسانی قرار خواهد گرفت. طبق محاسبه طراحان لشکر ۸۲، انتقال یک لشکر از آمریکا به خاورمیانه یعنی ۶۰۰۰ میل دورتر نیاز به ۹۲۰ فروند هواپیمای C-۱۴۱ دارد. اسکادران های تاکتیکی هوایی مجبورند با استفاده از همین بخش تجهیزات و افراد پشتیبانی خود را به منطقه نبرد اعزام کنند.

به طور مثال، ارسال دوازده فروند هواپیمای اف ۱۵ از لانگلین ویرجینیا به عربستان سعودی از زمستان گذشته سبب شد که چهل و دو فروند هواپیما شامل تانکرهای C ۱۴۱ ، A ۵-C ، ۱۳۵KC و دیگر هواپیماهای پشتیبانی نیز آنان را در سفر همراهی نمایند (که چندین میلیون دلار خرج برداشت). گرچه کمبود در زمینه انتقال هوایی به سهولت قابل سنجش نیست، ولی افسران نیروی هوایی می گویند که مشکل عمده حرکت همزمان نظامیان و اسکادران هاست.

انجام عملیات در گرمای طاقت فرسای خاورمیانه نیز وحشتناک است. ناوهای هواپیمابر مستقر در منطقه خلیج [فارس] دریافته اند که سیستم های خنک کننده آنها نمی توانند دستگاههای حساس الکترونیک را خنک نگاه دارند. بنا به گفته سرلشکر «ادوارد جی مگار» تانک ها و دیگر تجهیزات مکانیزه در اثر گرما و طوفان شن به سرعت فرسوده می شوند. ابزار مخصوص تعمیر تانک ها نیز باید در سطل های آب فرو برده شوند تا گرمای آنها از بین رفته و قابل استفاده باشند. حرارت ۱۲۰ درجه منطقه خلیج [فارس] مانور نیروهای پیاده را محدود می سازد. سپهبد «ولتی وارنر» فرمانده سپاه ۱۳ هوابرد که لشکر ۸۲ وابسته به آن است می گوید «بین ساعات ۱۱ صبح تا ۲ بعد از ظهر کاری نمی توان کرد مگر آنکه به حفر چاله ای پرداخت تا از دید تانک ها و هواپیماهای دشمن محفوظ ماند. «طبق گفته سپهبد وارنر، تدارک آب افراد پیاده در این گرمای سوزان یک کار لجستیکی بسیار دشوار است چون هر نفر روزانه به دوازده گالن آب نیاز دارد.» گذشته از مشکلات عملیاتی ویتنام، لازمه کاربرد مؤثر نیروهای ضربتی، قاطعیت سیاسی است. سوابق کارتر نشان می دهد که اتخاذ این تصمیمات با کندی صورت می گیرد. اینها نیز شامل زنجیره ای از تصمیمات ناچیز و کم اهمیت است که معمولاً- در محفل کوچک از مقامات مرکب از رئیس جمهور و وزیران دفاع و خارجه و مشاور امنیت ملی اتخاذ می گردد. پس از آغاز بحران ایران، کاخ سفید هرگز نتوانست در مورد زمان دقیق مداخله، تصمیم گیری کند. این وضع در تصمیم گیری ناهنجار مربوط به حرکت ناو هواپیمابر کانستلیشن از فیلیپین به منطقه خلیج [فارس] که پس از حرکت این ناو از سنگاپور صادر شده بود، منعکس گردید.

محافظه کاری طبیعی مرتبط با هرگونه حرکت نظامی به خاطر «فاجعه ویتنام»، بیشتر مشهود شده است. تجارب جنگ مزبور تأثیراتی بسیار منفی بر اذهان مشاورین عالیرتبه کارتر بر جای گذاشته است. به همین دلیل آنها معتقد شده اند که تنها راه حفظ تداوم جریان نفت خاورمیانه روشهای دیپلماتیک است و نه روشهای نظامی. یکی از مقامات وزارت دفاع که نقش مهمی در جنگ ویتنام داشت می گوید: «در نتیجه این تجربه، تردید مربوط به کارآیی قدرت نظامی در

حل مشکلات سیاسی داخلی خلیج فارس و یا نقاط دیگر افزایش یافته است.» در حالیکه بعضی این تردیدها را معادل عدم قاطعیت خوانده اند. این مقام می گوید «ما ترجیح می دهیم که آن را منطق و درایت بخوانیم.»

اکثر نمایندگان کنگره آمریکا نیز به همین علت خواهان کاربرد نیرو در خارج نیستند. قطعنامه قدرتهای جنگی که در سال ۱۹۷۳ تصویب گردید رئیس جمهور را ملزم می سازد که در صورت نیاز به درگیر شدن نیروهای آمریکایی در عملیات مرزی، ابتدا باید کنگره را در جریان امر قرار دهد.

مقامات دولت آمریکا نیز معتقدند که تنها در صورت مداخله مستقیم شوروی است که کنگره آمریکا با استفاده از نظامیان آمریکایی در منطقه خلیج فارس موافقت خواهند کرد. ارسال جنگنده های غیر مسلح اف ۱۵ به خاورمیانه در عین حماقت، نشانگر این محافظه کاری، حتی از نظر بعضی از مشاورین کارتر است و این کار تحت تأثیر محدودیتهای ناشی از قطعنامه ۱۹۷۳ صورت گرفت.

ولی اگر آمریکا مشخص نکند که در چه زمان و مکانی به مقاومت در منطقه خلیج [فارس] خواهد پرداخت خطر عظیمی را به جان خریده است. در مورد ایران نیز سیاستمداران آمریکا آن قدر تأمل کردند که فرصت های لازم برای هرگونه اقدام کاملاً از بین رفت. این وضع می تواند سبب پیدایش وضعی شود که در آن یک نیروی متخاصم با محاسبه اینکه آمریکا اقدامی نخواهد کرد به یک حرکت تهاجمی دست بزند، ولی با عکس العمل خشونت آمیزی از سوی آمریکا مواجه خواهد شد که جای مانوری برای او باقی نخواهد گذاشت.

یکی از مشاورین امنیتی کارتر می گوید: «اگر خدا نفت اعراب را کمی نزدیک به غرب قرار می داد، ما مشکل کنونی را نداشتیم» این گفته ممکن است مربوط و یا نامربوط به مطلب ما باشد.

ولی جای تأسف است که این مقدار نفت در نقاطی واقع شود که از نظر سیاسی اسباب مزاحمت هستند. ولی نباید به این بهانه از طراحی دقیق جهت حفظ منافع آمریکا در خلیج فارس، یا از بین بردن نقائص موجود در نیروهای ضربتی و یا وسایل انتقال هوایی، دریایی آنها طفره رفت. آنچه هنوز لاینحل مانده مسئله پایگاههای نظامی است که علت آن نیز عدم استفاده از تأسیسات موجود در آفریقای جنوبی و یا عدم گسترش پایگاههای دیه گو گارسیا توسط آمریکاست. کشورهای عرب صمیمی هنوز نمی دانند که آیا ما مایل هستیم نسبت به منطقه آنها به تعهداتی عمل کنیم یا خیر؟

بنا به گفته جورج بال معاون اسبق وزیر خارجه آمریکا، کنگره و کاخ سفید آمریکا را در برابر فشارهای اعمال شده از طرف کشورهایی که ما به نفت آنها نیازمندیم آسیب پذیر ساخته اند. بخش اعظم مشکلات آمریکا در خلیج [فارس] ناشی از اعمال و رفتارهای خود آنان بوده است.

چه کسی خط مشی نفتی امارات متحده عربی را...

ص: ۱۵۷

سند شماره ۵۶

سری۱۱ ژوئیه ۱۹۷۹ ۲۰ تیر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، ابوظبی ۱۸۰۵به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در الجزیره، بن، بغداد، کاراکاس، دمشق، دوحه، جاکارتا، جده، کویت، لاگوس، لندن، منامه، مسقط، اُتاوا، ژنو، اسلو، پاریس، توکیو، تهران

مرجع: الف) ابوظبی ۱۲۹۲، ب) ابوظبی ۱۳۵۴، ج) ابوظبی ۱۶۹۵

موضوع: چه کسی خط مشی نفتی امارات متحده عربی را

تعیین می کند مباحثات شدت می گیرد

۱- (سری – تمام متن)

۲- خلاصه: توجه به نقش مدیرکل شرکت نفت ابوظبی، «حمرا کروها» در تعیین خط مشی نفتی امارات متحده عربی یا حداقل ابوظبی، در نتیجه دو رویداد، از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. یکی از این رویدادها چاپ مقاله ای در نشریه حوادث مورخ ۶ ژوئیه است که توسط سالم [اللوزی] نوشته شده و در آن از «کروها» به عنوان تنها شخصی که تصمیمات مربوط به سیاست نفتی امارات متحده عربی را اتخاذ می کند یاد کرده و می نویسد که وزارت نفت در این زمینه فاقد هرگونه نقشی است. رویداد دیگر استعفای احتمالی عبدالله اسماعیل معاون وزیر نفت ابوظبی است که به علت عدم توافق موجود در رابطه با خط مشی تولید و قیمت نفت در تاریخ ۱ اکتبر تسلیم خواهد شد، چون سیاست شرکت ملی نفت ابوظبی، روابط نفتی امارات متحده عربی و عربستان سعودی را تیره ساخته است.

رفتن اسماعیل بر وزیر نفت، عتیبه فشار بسیاری وارد خواهد کرد تا یا مجبور به استفاده از قدرت خود به عنوان وزیر نفت شود و یا به خاطر عدم تمایل به درگیر شدن با شرکت ملی نفت ابوظبی و مدیر آن شیخ «طحنون بن محمد» که شدیداً تحت تأثیر «کروها» است تحقیر شود. پایان خلاصه.

۳- در تاریخ ۱۱ ژوئیه قبل از عزیمت عبدالله اسماعیل برای گذراندن چند هفته تعطیلات با وی که معاون وزیر نفت است تماس گرفتم. اسماعیل در تأیید آنچه که شنیده بودم گفت که دولت ابوظبی را از تاریخ ۱ اکتبر ترک خواهد گفت و شیخ خلیفه ولیعهد ابوظبی نیز استعفای او را پذیرفته است. وی تا سپتامبر ۱۹۷۹ سرپرستی هیأت اداره کننده اوپک را به عهده خواهد داشت. اسماعیل گفت سعی داشت سال قبل استعفا دهد لیکن وزیر خارجه، سویدی او را از این کار منع کرده بود و وزیر نفت، عتیبه نیز مانع از این کار شده بود. ولی در نتیجه سیاست نفتی امارات متحده عربی از سپتامبر ۱۹۷۹ و کنفرانس

اخیر اوپک او طاقت خود را از دست داده و پس از ۱۱ سال خدمت برای وزارت نفت ابوظبی و ۲۸ سال تجربه در امور نفتی، دولت این امارت را ترک می گوید (وی قبلاً معاون وزیر نفت عراق بود).

۴- اسماعیل گفت علت استعفای وی این است که احساس می کند نمی تواند نقش مؤثری

ایفا کند، ولی تلاش می کرد تا بر اساس تجربه عمیق خود در امور نفتی درصدد مشاوره و ارائه توصیه برآید، ولی متوجه شده که شرکت ملی نفت ابوظبی همیشه عکس آن تصمیمات را اتخاذ می کند.

در حال حاضر سیاست نفتی ابوظبی کاملاً- توسط حمرا کروها (دومین نفر پس از سوناتراک) تعیین می گردد. امتناع وی از پذیرفتن پیشنهادات وزارت نفت برای افزایش موقتی تولید، عدم پیروی از سیاست مربوط به قیمت گذاری و اصرار بر اینکه سیاست قیمت گذاری نفتی امارات متحده عربی باید در مقایسه با نفت الجزایر و نه عربستان سعودی در هفت ماه گذشته تعیین گردد، به وجهه سیاسی امارات متحده عربی لطماتی وارد ساخته و روابط نفتی آن را با عربستان سعودی تیره کرده است. وی گفت در صورتی که نتواند در تصمیم گیریها مؤثر واقع شود نباید در مجامع بین المللی به عنوان نماینده امارات متحده عربی حاضر شود.

۵- یادآور شدم که در مورد نقش کروها و تغییر سیاست نفتی امارات متحده عربی و جدا شدن آن از سیاست نفتی عربستان سعودی در نشریه الحوادث مورخ ۶ ژوئیه که در لندن منتشر می گردد توسط سردبیر «سالم اللوزی» مطالبی نوشته شده (بندهای مربوط به این موضوع به مخاطب های مناسب ارسال می گردد). اسماعیل گفت در دولت متبوعش این مقاله را دریافت کرده و همه از وجود آن مطلع هستند، ولی نمی داند که تأثیر آن چیست. وی گفت شاید محرک اصلی سعودیها باشند. در همین رابطه وی به مطالب بسیار جالب توجهی در رابطه با نقش کروها در کنفرانس اوپک اشاره کرد. پس از تشکیل کنفرانس سعودیها و اماراتیها توافق کردند که با تشکیل یک گروه، سقف قیمتی را پدید آورند (که معمولاً تلاش بر این است که قیمت جدیدی تعیین شود). به نماینده امارات متحده عربی یعنی شیخ یحیی دستور داده شد تا اختلاف قیمت ها را که از تاریخ اول ژانویه وجود داشت اعمال نماید. پس از پافشاری نماینده امارات متحده عربی در این خصوص، نماینده الجزایر در کمیته که گویا قنّوعی بود جلسه را ترک کرد تا پس از بازگشت کروها به جلسه بازگردد. وی گفت او با اظهارات یحیی به عنوان موضع امارات عربی موافق نیست و اعلام داشت که امارات موافق دو برابر شدن تفاوت قیمتهاست چون همین فرمول بندی در مورد نفت خام ابوظبی به کار رفته است (به بند ۵ مرجع (پ) رجوع شود). کروها در اوپک به این گروه گفته بود که باید قیمت مورد نظر خود را در رابطه با قیمت نفت خام الجزایر تعیین کند نه قیمت نفت عربستان سعودی. کمی پس از آن، معاون وزیر نفت عربستان سعودی، «العزیز الترکی» با هیأت امارات عربی تماس حاصل کرد و سؤال نمود که چرا تغییر سیاست داده اند. یمانی وزیر نفت عربستان سعودی نیز از عتیبه به خاطر همین موضوع ناراحت بود و به نظر اسماعیل این امر بر روابط نفتی صمیمانه امارات متحده عربی و عربستان سعودی لطماتی وارد می سازد.

۶- اسماعیل گفت که وی سریعاً از وزیر نفت، عتیبه (که البته مدیرکل شرکت نفت ابوظبی نیز هست) خواست که درحین پذیرش استعفای وی دو موضوع را در نظر بگیرد، یکی اینکه

یا به عنوان وزیر و مدیرکل نفتی عقاید خود را ابراز کند و یا اینکه مسئولیت عکس العمل خصمانه سیاسی علیه امارات عربی را به عهده گیرد و اجازه دهد که به خاطر این بی تفاوتی تحقیر گردد. او نیز منتظر استعفا بود و مقاله اللوزی نیز بحث و جدل درباره این سؤال را که آیا امارات متحده عربی نیز باید سطح تولید نفت خود را بالا ببرد یا نه تشدید خواهد کرد. وی گفت عتیبه سعی دارد شیخ زاید و ولیعهد ابوظبی، شیخ خلیفه را متقاعد سازد که اجازه دهند تولید نفت داخل خشکی ابوظبی در سال ۱۹۸۰ حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یابد. از آنجا که این تصمیم را در ماه سپتامبر هر سال اتخاذ می کنند، وی امیدوار بود که قبل از عزیمتش «اخبار خوب» را دریافت کند. وی احساس می کرد که امارات متحده عربی دلایل سیاسی بسیار قاطعی در اختیار دارد که بر طبق آنها به جهان ثابت کند یک کشور تولید کننده مسئول است. وی متقاعد شده بود که افزایش تولید به خصوص در زمانی محدود و به علت وجود تأسیسات تزریق آب متعدد، به ذخایر نفتی آسیبی وارد نخواهد ساخت. علاوه بر این نشان داده می شد که تصمیمات مربوط به سیاست نفتی را امارات متحده عربی بدون در نظر گرفتن منافع الجزایر اتخاذ می کند.

۷- نظریه: هنوز معلوم نیست که آیا تبادل نظر و گفتگو درباره شناخت کسانی که تصمیمات نفتی امارات را اتخاذ می کنند منجر به افزایش تولید نفت این امارات خواهد شد و یا سیاست های نفتی امارات (و یا حداقل ابوظبی) با سیاست سعودیها منطبق خواهد شد یا خیر؟ کروها هنوز هم بر شیخ «طحنون» سرپرست شرکت نفت ملی ابوظبی که تنها چهره سیاسی ناآشنا به موارد فنی است نفوذ بسیاری اعمال می کند. از آنجا که عتیبه نیز در گذشته سعی نکرده در برابر طحنون ایستادگی کند (چون عتیبه شیخ نیست ولی طحنون یکی از اعضای قدرتمند شاخه بنی محمد از خانواده حاکمه است) در حال حاضر نیز به این کار خود ادامه خواهد داد. این موضوع باید وسیله شیخ زاید حل شود مگر آنکه زاید نیز تصمیم بگیرد که سیاست نفتی را در اختیار طحنون و کروها باقی بگذارد. نخست وزیر و حاکم دوبی، شیخ راشد نیز مایل نیست در سیاست مربوط به تعیین قیمت نفت دخالتی داشته باشد. با در نظر گرفتن مشکلات ارزی دوبی، راشد نیز سعی کرده است از منطبق شدن سیاست نفتی دوبی و ابوظبی جلوگیری نماید (به تلگرام جداگانه توجه شود) علاوه بر این راشد نمی خواهد کاری کند که راه مداخله دولت فدرال در سیاست های نفتی هر یک از امارات که بر اساس قانون اساسی باید توسط خود آنها مشخص شود، باز گردد.

۸- استعفای اسماعیل سبب محروم ماندن ابوظبی از وجود یک مسئول دولتی لایق خواهد شد. علاوه بر این سفارت نیز ناظر مطلع و رک گوی خود را در زمینه امور اوپک از دست خواهد داد. جانشین او هنوز مشخص نشده است. دولت سعی دارد یکی دیگر از اهالی ابوظبی را که دارای شرایط لازم باشد بیابد ولی کاندیدای مناسبی نیافته است. اسماعیل که یک حقوقدان است در نظر دارد دفتری در لندن ایجاد کرده و به عنوان مشاور حقوقی در امور

مربوط به امتیازات نفتی عمل کند. ولی ولیعهد ابوظبی، شیخ خلیفه از او خواسته که این دفتر را در ابوظبی ایجاد کند تا او بتواند از تجارب او بهره بگیرد. اسماعیل گفت که او برای مدتی این کار را خواهد کرد. دیکمن

خریدهای دوجانبه نفتی فرانسه

سند شماره ۵۷

محرمانه۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹ ۲۵ تیر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، ابوظبی ۱۸۳۸به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در بن، بغداد، کپنهاک، دوبلین، لندن، لوکزامبورگ، پاریس، رم، تهران، توکیو، جده، بروکسل.

مرجع: الف) پاریس ۲۲۵۹۶، ب) ۷۶ابوظبی ۳۳۷۵، ج) ابوظبی ۳۳۹

موضوع: خریدهای دوجانبه نفتی فرانسه

۱- (محرمانه — تمام متن)

۲- تحلیل جالب سفارت آمریکا در پاریس در مورد افزایش قراردادهای خرید نفتی دوجانبه فرانسه از کشورهای عرب صادر کننده نفت در امارات متحده عربی نیز منعکس است. طی ملاقات اخیر عتیبه وزیر نفت فعلی امارات گفت که وزیر خارجه فرانسه، «فرانسوا پونس» طی سفر خود به امارات در ماه سپتامبر (مرجع ب) از عتیبه سؤال کرده بود که آیا امارات متحده عربی می تواند روزانه ۶۰۰۰۰ بشکه نفت بیشتر در اختیار شرکت نفت فرانسه قرار دهد. عتیبه نیز پاسخ داده بود که ابوظبی این مقدار نفت مازاد را در اختیار ندارد ولی امارات متحده باید تصمیم جدیدی درباره افزایش تولید اتخاذ نماید. وی قول داد که امارات متحده عربی برای کمک در این راه از هیچ کاری فروگذار نخواهد کرد. همین موضوع طی سفر سفیر سیار فرانسه بار دیگر در ماه ژانویه مطرح گردید (مرجع پ).

۳- بنا به گفته عتیبه، پس از این تماس فرانسویها، شیخ زاید و دیگر رهبران امارات متحده عربی به شرکت ملی نفت امارات و وزارت نفت دستور دادند که به خاطر نقش مفید فرانسه در جهان عرب از نظر سیاسی امکانات موجود را بررسی نمایند. جالب توجه این است که مدیر شرکت نفت ملی امارات، حمرا کروها صریحاً مخالفت خود را نسبت به افزایش میزان نفت ارسالی به فرانسه اعلام کرد. کروها گفته است که نفت مازاد باید در بازار سیاه و با استفاده از قیمت های بالا به فروش برسد. ولی به محض اینکه وزارت نفت مطلع شد شرکت نفت محصول مازاد خود را در ماه فوریه در بازار سیاه به فروش رسانیده (بنا به گفته عتیبه این عمل متوقف شده است) و از آنجا که امارات متحده عربی قادر نخواهد بود در آینده نزدیک نفت مازادی

بیش از این تولیـد کند (عتیبه امیدوار است که این وضع در سال ۱۹۸۰ تغییر یابد) ترتیبی داده شد تا روزانه ۳۰۰۰۰ بشکه نفت دیگر به فرانسه تحویل داده شود.

۴- سؤال شد که آیا کاهش ۵ درصدی برداشت شرکت های مهم نفتی مرتبط با شرکت ملی

نفت امارات نصیب فرانسه خواهد شد؟ عتیبه در پاسخ اظهار داشت که ۳۰۰۰۰ بشکه مورد نظر از دو منبع تأمین خواهد شد (الف) شرکت ملی نفت امارات طبق قراردادی می تواند میزان برداشت شرکت ها را تا ۵ درصد پایین بیاورد (ب) و می تواند مقداری از نفتی را که قرار است در داخل پالایش شود در این راه مصرف کند.

۵- تذکر: در گزارشاتی که جدیداً و به تاریخ ۹ ژوئیه به دست ما رسیده (فقره ۷)، گزارشی حاکی است که عتیبه نیز اختصاص ۳۰۰۰۰ بشکه نفت اضافی به فرانسه را تأیید کرده است.

دیکمن

ابتکار دیپلماتیک امارات متحده عربی

سند شماره ۵۸

سری۳ اوت ۱۹۷۹ ۱۲ مرداد ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، ابوظبی ۱۹۴۲به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در بن، بروکسل، بلگراد، کپنهاک، قاهره، دوبلین، دوحه، جده، لندن، لوکزامبورگ، منامه، مسقط، پاریس، رم، تهران، توکیو.

موضوع: ابتکار دیپلماتیک امارات متحده عربی

۱- (سری – تمام متن)

۲- خلاصه: در نتیجه سفر کوتاه اخیر ژیسکاردستن رئیس جمهور فرانسه به ابوظبی، امارات متحده عربی به طور ضمنی طرحی را شروع کرده که نظرات اعراب را راجع به مسایل زیر بداند.

الف: گسترش گفتگوهای اروپایی عربی به طوری که آفریقا را نیز دربرگیرد.

ب: بررسی احتمال مذاکرات تولید کننده مصرف کننده در سطح دولتها راجع به عرضه نفت و قیمت آن به منظور وادار ساختن اروپا جهت پشتیبانی بیشتر از اعراب.

پ: بررسی مواضع راجع به امنیت خلیج فارس در سایه گفتگوهای اخیر در آمریکا درباره استفاده نیروی نظامی ویژه برای امنیت خلیج فارس و اخطار اخیر وزارت امور خارجه آمریکا به نفتکش هایی که از تنگه هرمز عبور می کنند.

۳- در دیدار خداحافظی با راشد عبدالله وزیر امور خارجه امارات متحده عربی، من از وی راجع به هدف مسافرت اخیرش به

کشورهای خلیج فارس که شامل عربستان سعودی، عراق، کویت، بحرین، قطر و عمان می شد سؤال کردم. روزنامه ها گزارش کرده بودند که وی پیامهایی از جانب شیخ زاید رئیس امارات متحده عربی به این دولتها رسانیده است. همچنین به گزارش روزنامه کویتی الوطن، در نتیجه این طرح امارات متحده عربی، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس توافق کرده اند یک کنفرانس در سطح رؤسای کشورها برای بحث درباره وقایع سیاسی منطقه خلیج [فارس]، بحران جهانی انرژی و استراتژی واحد راجع به مسئله کاهش تولید نفت خام تشکیل شود. من اشاره کردم این غیرمنتظره است که امارات متحده عربی چنین طرح دیپلماتیکی ارائه دهد.

۴- عبدالله گفت که مقاله روزنامه الوطن درست نیست. وی گفت که مسافرتش به کشورهای حوزه خلیج [فارس] که در آینده شامل کشورهای دیگر عربی خواهد شد (او مخصوصاً از لیبی نام برد)، نتیجه توقف اخیر ژیسکاردستن رئیس جمهوری فرانسه در ابوظبی است (یادداشت های شماره ۱۸۴۴ و ۱۸۴۹ ابوظبی). عبدالله گفت گفتگوهای وی روی سه موضوع متمرکز بوده است:

الف: اول اینکه آیا امکان دارد گفتگوهای اعراب و اروپاییان گسترش یابد به طوری که شامل کشورهای آفریقایی نیز شود. ژیسکاردستن در گفتگوهایش با شیخ زاید در ابوظبی راجع به تلاش برای تحکیم روابط و گسترش گفتگوهای بین اروپا، خاورمیانه و آفریقا به منظور جلوگیری از رشد نفوذ کمونیستها در قاره آفریقا، صحبت کرده است.

ب: موضوع دوم راجع به انرژی بوده است؛ با توجه به علاقه و میل فرانسویها برای مذاکرات تولید کننده مصرف کننده بین دولتها راجع به تولید و قیمت نفت. عبدالله گفت وی راجع به امکان انجام مذاکرات بین دولتهای عربی تولید کننده نفت و دولتهای اروپایی مصرف کننده نفت در خصوص احتیاجات نفتی آنها و همچنین قیمت نفت بر پایه طرح مرحله ای و زمان بندی شده صحبت کرده است. عبدالله گفت که اروپایی ها رابطه بین نفت و مسئله خاورمیانه را تشخیص می دهند و این مهم است و عربها راهها و وسایل زیادی برای گرفتن حقوقشان ندارند و اروپایی ها باید به کشورهای عربی کمک کنند تا به اهداف خویش برسند. منظور این بود که ببینیم که آیا یک مذاکرات اروپایی عربی راجع به عرضه آینده نفت باعث پشتیبانی بیشتر اروپایی ها از نظرات سیاسی اعراب خواهد شد یا نه.

پ: موضوع سوم بررسی اوضاع فعلی خاورمیانه، سفر اخیر یاسر عرفات به وین و اوضاع امنیتی در خلیج فارس مخصوصاً اعلامیه بعضی ها در آمریکا که خواهان نیروهای نظامی آمریکا برای امنیت در خلیج فارس هستند و به ویژه اخطار اخیر وزارت امور خارجه آمریکا در مورد حمله احتمالی به نفتکشهایی که از تنگه هرمز عبور می کنند بوده است. ملاقات یاسر عرفات در وین چیز به خصوصی نداشت فقط یک کانال ارتباطی دیگر را باز کرد. اخطار آمریکا راجع به خلیج [فارس] و نیز این گونه اعمال و تلاشهای ناپخته از سوی وسایل ارتباط جمعی و برخی از سیاستمداران در آمریکا به خاطر ترسانیدن تولید کنندگان نفت است. راجع به این موضوعات زیاد غلو شده است. به هر حال اینها باید جدی گرفته شود چرا که همیشه احتمال دارد اسرائیلی ها اوضاع را شلوغ و درهم کنند تا بهانه ای برای مداخله یابند. در این رابطه، این مطلب جالب است که به نظر عبدالله، اخطار آمریکا در مورد تنگه هرمز از گزارش جاسوسی اسرائیل سرچشمه می گیرد. او عقیده داشت که این گزارش به وسیله اسرائیلی ها طراحی شده تا اوضاع را در خلیج [فارس] مختل کنند و بهانه ای به دست بگیرند تا در آینده به بهانه حمایت از منافع غرب در منطقه مداخله نماید.

۵- من راجع به نظر عبدالله درباره اخطار ما به کشتی هایی که از تنگه هرمز عبور می کنند

صحبت کردم و گفتم که ما گزارشهای اطلاعاتی از منابع مختلف دریافت کرده ایم که حکایت از احتمال چنین حمله ای دارد. ضمن اینکه اینگونه وقایع احتمالاً ـ تنگه را نخواهد بست ولی بدون شک اثرات روانی خیلی بدی خواهد داشت. ما خودمان را در موقعیتی یافتیم که اگر به کشتی ها در خلیج [فارس] اخطار نمی کردیم مورد سرزنش قرار می گرفتیم. اگر پس از اینکه ما این گزارشات را دریافت کرده بودیم و اخطاری هم به کشتی ها نکرده بودیم، چنین اتفاقی افتاده بود، بهای سختی باید پرداخت می کردیم. با هشدار دادن به کشتی هایی که از تنگه هرمز عبور می کنند آنها را تشویق کرده ایم که حواسشان بیشتر جمع باشد. آن چیزی شبیه دریافت تهدید بمب از طریق تلفن بود. شما هیچ وقت نمی دانید که این تهدید تلفنی یک شوخی تلفنی است یا خیر و جرأت هم نمی کنید که در این مورد ریسک کنید. عبدالله اشاره کرد که در نتیجه اخطار آمریکا نرخ بیمه شرکت بیمه لویدز برای کشتی هایی که وارد تنگه می شوند شدیداً بالا رفته است و خلیج فارس به عنوان یک منطقه جنگی اعلام شده است، در نتیجه اعلام خطر جنگ نرخ بیمه خصوصی دریافت می شود.

۶- عبدالله از اظهار نظر درباره عکس العمل کشورهایی که وی به آنها سفر کرده بود، (در قبال طرح امارات متحده عربی) امتناع ورزید. هر چند که وی گفت اوضاع در عراق در حال حاضر بحرانی است و این به خاطر سعی صدام حسین برای کنترل بیشتر چپی ها در عراق است. وی گفت که همه در بغداد، حافظ اسد و سوریه را مقصر تلاش برای کودتای اخیر می دانند و این پاکسازیها به منظور حذف عوامل طرفدار سوریه می باشد. او نمی دانست که دیگر چگونه اتحاد بین عراق و سوریه پایدار خواهد ماند.

۷- نظریه: مشکل است دقیقاً مشخص کنیم که چه انگیزه ای باعث شده است که امارات متحده عربی این طرح عجیب و غریب و احساساتی را ارائه کند؛ طرحی که در پی توقف کوتاه رئیس جمهور فرانسه در امارات متحده عربی به وجود آمده است. احتمالاً رهبری امارات متحده عربی به وسیله فرانسویها متقاعد شده اند که اروپایی ها را می توان از آمریکایی ها در مسئله خاورمیانه جدا انگاشت. همچنین احتمال دارد فرانسویها به امارات متحده عربی گفته اند که معتقدند مذاکرات فعلی مصر اسرائیل و آمریکا راجع به کرانه غربی رود اردن و نوار غزه شکست خواهد خورد و ارتباط نزدیک عربها با اروپاییها می تواند در صورت به بن بست رسیدن مذاکرات فعلی صلح خاورمیانه، موقعیت عربها را در طرح صلح دیگری استحکام بخشد.

۸- نظریه بعدی: ضمن اینکه عکس العمل کشورهای خلیج [فارس] نسبت به اخطار ما به کشتی ها این است که دولت آمریکا نسبت به گزارش اطلاعاتی مشکوکی خیلی عکس العمل نشان داده و تند رفته است و مسئول بالا رفتن نرخ جدید بیمه می باشد، موضوع اینکه امارات متحده عربی قدمهایی در جهت مشورت با سایر دولتهای خلیج [فارس] برداشته است ممکن است باعث شود اهالی منطقه نسبت به نیاز به یک نیرو و سیستم نگهبانی برای تنگه هرمز توجه بیشتری نشان دهند. سیستم امنیتی منطقه ای خلیج [فارس] به این زودیها انجام نخواهد

یـافت امـا در این میان کشورهای خلیـج [فارس] ممکن است بیشتر حواسـشان متوجه این خطر باشـد که امکان دارد گروههای فلسـطینی تنـدرو عملیات عجیبی در خصوص کشتیرانی در خلیـج [فارس] انجام دهنـد. اگر هیچ چیز دیگری محرک آنها برای این کار نشود، افزایش نرخ بیمه خواهد شد. دیکمن

خلاصه اطلاعات ۸۸۱ ۲۳ اوت ۱۹۷۹

سند شماره ۵۹

سری۲۳ اوت ۱۹۷۹ ۱ شهریور ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی ۱۹۳۵

به: مرکز جمع آوری اطلاعات، با اولویت

موضوع: خلاصه اطلاعات ۸۸۱ ۲۳ اوت ۱۹۷۹

هشدار اطلاعاتی: این سـند حاوی منابع و روشهای حساس اطلاعاتی غیرقابل رؤیت برای بیگانگان است. (بندهای ۱ تا ۷ سری – غیرقابل رؤیت برای بیگانگان است.)

۱ – EC-ARA وزارت امور خـارجه: کنفرانس پیشـنهادی: تجزیه و تحلیـل سـیا شامـل موارد ذیل: تشـکیل جلسه ای مرکب از وزیران انرژی کشورهای جامعه اروپا و چنـد کشور تولیـد کننـده نفت حوزه خلیـج فارس که توسط فرانسه و کویت برای پاییز جاری در نظر گرفته شده می تواند به رشد بیشتر روابط اروپای غربی و خاورمیانه منجر گردد.

۲– به دنبال عدم پذیرش مداوم روند صـلح کمپ دیوید از جانب اعراب و نیز فقدان هرگونه نقش سازمان آزادیبخش فلسطین در این روند، بعضـی از کشورهای اروپای غربی احساس خطر کرده اند. طرز رفتار اسـرائیل در لبنان و نیز حرکت های اسرائیل در جهت تأسیس یهودی نشین های جدید در سرزمینهای اشغالی و نیز تلاشهای اخیر ساف جهت کسب اعتبار و شهرت بیشتر، اروپاییـان را در مسیری به طرفـداری از ساف قرار داده است. بسـیاری از آنها نیز می خواهنـد به اروپا نقش بیشتری ببخشـند تا مکمل تلاش آمریکا در رابطه با اسـرائیل باشـد؛ تعـدادی نیز هسـتند که شـکاف موجود در روابط بین اعراب و غرب را که در نتیجه کناره گیری اکثر اعراب از آمریکا ایجاد شده پر می کنند.

۳– انگیزه اروپاییـان: برداشت اروپاییان از منافعشان بیش از همه از وابسـتگی عمـده این قاره به نفت خاورمیانه متأثر می گردد. شش کشور حوزه خلیـج فارس حدود ۶۰ درصـد واردات نفتی جـامعه اروپایی را در سه ماهه اول سال ۶۹۷۹ تأمین کرده اند. مشـکلات مربوط به عرضه ناشـی از وضـعیت ایران و نیز افزایش قیمت اخیر اوپک تقریباً موجب بروز عکس العمل «پاولف»ی کشورهـای اروپـایی گردیـده و در تلاش برآمـده انـد تـا در زمینه قیمت هـا و نیز عرضه نفت تضـمین های «ویژه ای» دریافت

نمایند. نگرانی از تأمین هزینه خریدهای نفتی نیز از سال ۱۹۷۳ بسیار شدید بوده است.

۴- اروپاییها تا به حال دریافته اند که روش برخورد چند جانبه آنها با تولید کنندگان نفت

تـأثیر و کـارآیی لازم را نـدارد. مـذاکرات اروپاییها و اعراب که از سال ۱۹۷۴ آغاز گردیـد تا موجب ارتقای سـطح همکاری اقتصادی گردد، اکنون به حالت تعلیق درآمـده است. تشکیل جلسه ای بین نمایندگان جامعه اروپا و اوپک در اواخر ماه ژوئن نیز بی نتیجه ماند.

۵- شایـد اروپاییها درصـدد دنبال کردن روش برخورد چنـد جانبه جدیدی باشـند. به این طریق راهی برای کانالیزه کردن موج فعالیت های دیپلماتیک اخیر بین تک تک کشورهای اروپایی و تولیـد کنندگان نفتی ایجاد می شود که تاکنون منجر به انجام معاملات بین دولتین گردیـده است. برخورد مشترک با اعراب، به اروپای غربی کمک می کند تا خواسـتار برخوردی مشترک با سیاست انرژی شوند.

۶- به نظر فرانسه، شایـد این کنفرانس، عراق را نیز به پیوسـتن به اعراب میانه رو ترغیب کنـد چون فرانسه شدیـداً به نفت عراق وابسـته بوده و در برنامه هسـته ای عراق نیز مـداخله شدیدی دارد. فروش تسلیحات این کشور به خاورمیانه که ۶۰ درصد کل صادرات تسلیحاتی فرانسه را تشکیل می دهد، فرانسه را به صورت کشوری دارای منافع بسیار در این منطقه درآورده است.

۷- دیگر کشورهای اروپایی مانند فرانسه فعال نیستند. آلمان غربی، گرچه به بازنگری سیاست های خود پرداخته ولی هنوز هم خود را در قبال اسـرائیل و خط مشـی آمریکا مسـئول می داند. آلمان غربی و انگلسـتان هر دو اصـرار داشـته اند که آمریکا در جریـان تلاشـهای جـامعه اروپـایی قرار داشـته باشـد و قبـل از برگزاری اجلاـس وزیران انرژی در توکیو نیز فرصت کـافی برای مشورت وجود خواهد داشت. هلندیها نیز، علیرغم شواهد اخیر که نشانگر بهبود و عادی شدن روابط با عربستان سعودی است، می توانند به عنوان حامیان دیرین اسرائیل در جامعه اروپایی، از موضع توأم با خویشتن داری بیشتری استفاده کنند.

۸- (سـری) منافع اعراب: اعرابی که احتمالاً شـرکت می کنند عبارتند از بحرین، کویت، عمان، قطر، عربسـتان سعودی، امارات متحده عربی و احتمالاً عراق (که بنا به گزارشـهای رسیده خواسـتار مشارکت الجزایر و لیبی نیز است). آنها خواستار مذاکره با اعضـای جـامعه اروپـا هسـتند تا بتواننـد حمایت آنها را در قبال موضع اعراب درباره مـذاکرات خودمختاری فلسـطینی ها جلب کنـد. آنها احتمالاً از اروپاییها خواهند خواست که سازمان آزادیبخش فلسـطین را به رسـمیت شـناخته و از آمریکا نیز بخواهند همین کار را انجام دهد. آنها معتقدند که بدون حضور ساف مسئله اعراب و اسرائیل لاینحل باقی می ماند.

(بند ۱۲ ۹ سری – غیرقابل رؤیت برای بیگانگان)

۹- چشم انـدازها: برگزاری کنفرانس اعراب و اروپاییان در پاییز جاری در زمینه نفت یا مسائل اقتصادی به نتیجه خاصـی منجر نخواهد شد مگر آنکه با مسائل سیاسی نیز به نحوی ترکیب شود. موضع گیری مشترک اروپای غربی و اعراب در مورد مسائل نفتی آن قـدر قوی نیست که به خودی خود، به نتایـج جدیدی منجر شود. علاوه بر این، میزان و میدان مانور هر یک از طرفین نیز محدود است. کشورهای حوزه خلیج [فارس] از حقوق حاکمیت خود در

زمینه منابع نفتی دفاع خواهند کرد. اروپاییان نیز به نوبه خود با آن دسته از قراردادهای نفتی که با تعهدات بین المللی شان جور نباشد موافقتی نکرده و به هیچوجه در جهت متوقف ساختن تلاشهای آمریکا در حل مسئله خاورمیانه حرکت نخواهند کرد.

۱۰- اگر تنها به مسائل سیاسی پرداخته شود، کنفرانس فشار بسیاری به روند صلح جاری تحمیل خواهد کرد. تلاشهای ویژه کنفرانس در مورد فعالیت های آمریکا نیز بیش از همه به عکس العملهای اسرائیل بستگی خواهد داشت.

۱۱- هرگونه افزایش در عرضه نفت برای اروپاییها، حداقل منافع کوتاه مدتی نیز برای کل کشورهای صنعتی و نیز آمریکا به همراه خواهد داشت. از طرف دیگر، «تضمین های» تولید کنندگان نفت به اروپاییها نیز ممکن است عملاً به ضرر آمریکا و دیگران تمام شود. همکاری نزدیک اقتصادی بین اروپاییها و اعراب حوزه خلیج [فارس] احتمالاً- از دست رفتن بعضی از امتیازات بازرگانی آمریکا را نیز به دنبال خواهد داشت. تا جایی که ممکن است اروپاییها و اعراب، دلار را از قیمت نفت و درآمدهای نفتی خویش جدا کرده، توجه و علاقه آنان به ثبات دلار کاهش خواهد یافت و هزینه واردات نفتی آمریکا حتی در صورت افزایش اسمی قیمت ها، بالا خواهد رفت.

۱۲. این کنفرانس چه برگزار شود و چه نشود، پیشرفت حاصله از زمینه برقراری روابط نزدیکتر بین اروپاییها و اعراب ناهمگن خواهد بود. برای هیچیک از طرفین نیل به مواضع هماهنگ آسان نخواهد بود و مذاکرات نیز بدون اشکال به پیش نخواهد رفت. اروپاییان اصولاً در پی منافع اقتصادی هستند، ولی اعراب منافع سیاسی و استراتژیک را ترجیح می دهند. با این وجود، برقراری رابطه نزدیک تر در آینده ممکن می شود. در این حال، اروپای غربی در مورد مسئله اعراب و اسرائیل به طور کلی و وضعیت فلسطینی ها به ویژه، بیشتر به جانب مواضع اعراب میانه رو سوق داده خواهد شد.(۱)

نظرسنجی از افکار عمومی درباره حضور سربازان برای...

سند شماره ۶۰

محرمانه۱۲ سپتامبر ۱۹۷۹ ۲۱ شهریور ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی ۰۴۵۴

به: تمام پست های دیپلماتیک ایالات متحده در آسیای جنوبی و خاورنزدیک

موضوع: نظرسنجی از افکار عمومی درباره حضور سربازان برای

اطمینان یافتن از جریان نفت خاورمیانه

۱ گزارش زیر در مورد مواضع ایالات متحده نسبت به استفاده از سربازان در شرایط مختلف جهت اطلاع شما ارائه می شود.

۱- ادامه سند خارج از موضوع بود و ترجمه نشد.

۲ تمایـل عـامه به اعزام سـربازان آمریکایی به خاورمیانه برای اطمینان یافتن از جریان کافی نفت عمـدتاً به شـدت کاهش نفت بستگی دارد. بر اساس یک تحقیق اخیر، اکثریت بزرگی (۷۳ درصد) با استفاده از نیروی نظامی برای مبادرت به اعمال فشار بر اوپک جهت تولید نفت بیشتر مخالف هسـتند. تحقیق دیگری به این نتیجه رسید که اکثریت کوچکتری (۵۲ درصد) با استفاده از نیروی نظامی برای اعاده حمل نفت به ایالات متحده، در صورت قطع کامل آن، مخالف هستند.

۳ نظرخـواهی مـاه ژوئیه (مؤسـسه) «روپر» به این نـتیجه دست یـافت که اکـثریت عظیمی از آمریکائیـان بـا اسـتفاده از سـربازان آمریکایی برای مجبور ساختن اوپک به افزایش تولید نفت آن مخالف هستند:

بیشـتر نفـت مـا از کشورهـای عضـو اوپـک یعنی لیـبی، ایران، ونزوئلا، عربسـتان سـعودی و دیگر ملـل عرب وارد می شـود. کشورهای عضو اوپک اخیراً میزان نفت تولیـدی خود را کاهش داده و اعلام کرده اند قصد ندارند تولیدشان را اکنون و یا در هیـچ زمـانی در آینـده نزدیک افزایش دهنـد. آیا شـما فکر می کنیـد ایالات متحـده بایستی به اعمال فشار بر کشورهای عضـو اوپک برای تولیـد نفت بیشتر اقـدام کنـد و در این راه چنانچه لازم باشـد برای دستیابی به آن از نیروهای نظامی ایالات متحـده بهره جوید؟

۷۳ درصد ایالات متحده نباید از نیروی نظامی استفاده کند.

۱۷ درصد ایالات متحده باید از نیروی نظامی استفاده نماید.

۱۰ درصد نمی دانم

۴ نظرخواهی (مؤسـسه) «گالوپ» در نوامبر گذشـته به این نتیجه دست یافت که برای اعزام سـربازان آمریکایی در صورت قطع کامل حمل نفت از جانب اعراب به ایالات متحده، تمایل بیشتری وجود دارد. ۳۶ درصد از جامعه از اعزام سربازان تحت چنان شرایطی حمـایت کردنـد ولی در هر حال اکثریت (۵۲ درصـد) مایل به پاسـخ های غیرنظامی بودند: ۱۳ درصـد مایل به اعمال تحریمات اقتصادی علیه کشورهای عربی تولیـد کننده نفت بودند، ۳۴ درصد اظهار داشـتند ایالات متحده بایستی بر مذاکرات تکیه کند، و ۵ درصد گفتند که ایالات متحده به هیچ کاری نباید دست بزند. پاسخ های منفی ۱۲ درصد بود.

۵ تمایلات آمریکائیـان برای اسـتفاده از سـربازان آمریکایی در شـرایط مختلف با یکـدیگر اختلاف فاحشـی دارد. گالوپ در نظرخواهی خود به این نـتیجه دست یـافت که اکثریت جـامعه (۵۸ درصـد) از اعزام سـربازان «در صورت امتنـاع پاناما از دادن اجازه به ایالات متحده برای اسـتفاده از کانال» حمایت کردند و یا «چنانچه سـربازان روسـی اروپای غربی را اشغال نمایند»، ۵۴ درصـد از این نظر حمایت کردنـد. حـدود دو پنجم، از اعزام سـربازان برای مقابله با حمله ای از جانب روسـیه به ژاپن حمایت نمودند (۴۲ درصـد). تنهـا حـدود یک پنجم از اعزام سـربازان برای دفاع از: (۱) اسـرائیل در مقابل تهاجم و اشـغال آن توسط نیروهای عرب (۲۲ درصد)، (۲)

کره جنوبی در قبال تهاجم و اشغال خاکش توسط کره شمالی (۲۱ درصد)، (۳) و یا اشغال یوگسلاوی توسط روسیه (۱۸ درصد)، حمایت نمودند.

ونس

مذاکرات خلیج [فارس] و جامعه اقتصادی اروپا

سند شماره ۶۱

محرمانه۱۶ سپتامبر ۱۹۷۹ ۲۵ شهریور ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، ابوظبی ۲۲۲۰به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در الجزیره، بن، بروکسل، قاهره، کاراکاس، دمشق، دوحه، ژنو، جاکارتا، لاـگوس، کویت، تهران، لندن، منامه، مسقط، اُوتاوا، اُسلو، پاریس، توکیو.

موضوع: مذاکرات خلیج [فارس] و جامعه اقتصادی اروپا

۱- (محرمانه — تمام متن)

۲- خلاصه: ظاهراً امارات متحده عربی نسبت به پیشنهاد فرانسه و کویت درباره مذاکرات خلیج [فارس] و جامعه اقتصادی اروپا به شدت علاقه مند است. ولی ممکن است گامهای بعدی کشورهای خلیج [فارس] برای فرمول بندی موضع خود در این مذاکرات با تصمیم وزیران اوپک برای دنبال کردن مذاکرات بین جامعه اقتصادی اروپا و اوپک خالی از ارتباط نباشد. این در حالی است که علاقه زیادی نسبت به این مسئله نشان داده شده کمیته اوپک پیشنهادات خود را در ۲۲ اکتبر برای وزیران اوپک تهیه می کند و آنها نیز یا در اجلاس معمول خود در ماه دسامبر و یا در یک اجلاس فوق العاده در ماه نوامبر درباره آن تصمیم خواهند گرفت. پایان خلاصه.

۳- بنا به اظهار منبع ما در سفارت انگلیس، عتیبه وزیر نفت امارات متحده عربی به مذاکرات خلیج [فارس] و جامعه اقتصادی اروپا علاقه بسیار نشان داده است. وقتی مقام سفارت انگلیس از وی سؤال کرد که به نظر وی این مذاکرات باید چه مسائلی را دربر گیرد وی گفت «انرژی». ولی عتیبه نگفت که منظور وی کدام جنبه خاص انرژی است که در مذاکرات باید بحث شود.

۴- در ملاقات مقام سفارت در ۱۲ سپتامبر با عبدالله اسماعیل معاون وزارت نفت ابوظبی که در حال حاضر سرپرست هیأت مدیره اوپک نیز می باشد، ما از وی در مورد اوضاع مذاکرات پیشنهادی خلیج [فارس] و جامعه اقتصادی اروپا سؤال کردیم. وی گفت تا آنجا که می داند از سوی کشورهای خلیج [فارس] در این باره تصمیمی گرفته نشده، چون آنها منتظر نتیجه بررسی کمیته اوپک در مورد استراتژی آتی پیشنهاد مذاکرات وسیع بین اوپک و جامعه اقتصادی اروپا هستند. اسماعیل گفت

این مسئله نیز به وسیله یمانی وزیر نفت سعودی به کمیته استراتژی محول گردید. این کمیته قرار است در اوایل اکتبر در ژنو به مدت دو هفته تا

۲۲ اکتبر اجلاسهای خود را تشکیل داده و در پایان گزارشات و پیشنهادات خود را به وزیران اوپک تقدیم نماید. آنان نیز باید تصمیم بگیرند که آیا لازم است برای عنوان کردن موضوع یک جلسه فو ق العاده تشکیل دهند و یا منتظر بمانند تا موعد اجلاس معمول ماهانه وزیران فرا رسد.

۵- اسماعیل یادآور شد در هر مذاکراتی که محدود به جامعه اقتصادی اروپا و تولیدکنندگان عربی نفت خلیج [فارس] باشد مشکلاتی وجود دارد. وی گفت اروپا ییها فقط به دو مسئله علاقه مند هستند: افزایش تولید و میانه روی در زمینه قیمت نفت. از طرف دیگر تولید کنندگان خلیج [فارس] مشکل خواهند توانست درباره آنچه که از این مذاکرات انتظار دارند به توافق برسند. صحبت درباره انتقال انرژی متفاوت است. کشورهای خلیج [فارس] به تنهایی نمی توانند در مورد قیمت نفت و عرضه آن جوابگو باشند و اوپک به طور کلی باید به آن پاسخ دهد. البته بعضی از اعراب خیلی خوششان می آید که این مذاکرات مسائل سیاسی خاورمیانه را نیز دربر گیرد. اسماعیل گفت این واقعیت که سعودیها نیز نسبت به مذاکره با اروپاییان علاقه مند هستند، نشان می دهد که آنها نیز از سیاست خاورمیانه ای آمریکا پس از کمپ دیوید ناراضی هستند.

۶- نظریه: از نقطه نظر امارات متحده عربی امکان مذاکره بین جامعه اقتصادی اروپا و کشورهای تولید کننده نفت خلیج [فارس] وجود دارد ولی برخلاف عقیده بسیاری از اعراب غیرتولید کننده نفتی، تحقق آن به این زودیها امکان پذیر نیست (تونس ۷۱۱۱۱). حتی گروه کوچک و هماهنگی چون کشورهای تولیدکننده خلیج [فارس] نیز نخواهند توانست مشکلات خود را با عراق برطرف نمایند، به خصوص اگر مسائل سیاسی نیز به همراه مسائل اقتصادی در این مذاکرات مطرح گردد.

دبلیو. رامپل مایر

مذاکرات خلیج [فارس] و جامعه اروپایی

سند شماره ۶۲

محرمانه۱ اکتبر ۱۹۷۹ ۹ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، منامه ۱۹۵۷به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، امان، آتن، بیروت، بن، بروکسل، قاهره، دوبلین، جده، کویت، دمشق، مسقط، پاریس، تهران.

موضوع: مذاکرات خلیج [فارس] و جامعه اروپایی

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: در طائف، وزیران خلیج [فارس] در زمینه دستور کار مذاکرات خلیج [فارس] و جامعه اروپایی که دربرگیرنده

گفتگو درباره امنیت عرضه و سرمایه گذاریهای نفتی و خرید کالاها و خدمات اروپایی توسط کشورهای حوزه خلیج [فارس] است توافق دست یافته اند.

هدف سیاسی مرتبط با این مذاکرات، اعمال فشار بر آمریکا در مورد مسئله فلسطین است. این مذاکرات ممکن است به نوعی تعهد گروهی منجر نشود، اما می تواند بعضی از کشورها (از جمله فرانسه) را از وضعیت بهتری در زمینه انعقاد قرارداد مرتبط با عرضه نفتی برخوردار سازد. بدین ترتیب، مذاکرات جامعه اروپایی و خلیج [فارس] ممکن است به جهتی سوق داده شود که به نفع منافع آمریکا نباشد. پایان خلاصه.

۳- طی ملاقاتی که در تاریخ ۲۷ سپتامبر صورت گرفت (یوسف الشیراوی وزیر عمران و صنایع (که سمت وزارت نفت را نیز عهده دار است) سفیر را در زمینه کنفرانس اخیر وزیران نفت خلیج [فارس] که در تاریخ ۲۳ سپتامبر در طائف برگزار گردید توجیه نمود. کشورهای شرکت کننده در کنفرانس عبارت بودند از عربستان سعودی، عراق، قطر، کویت، امارات متحده عربی، عمان و بحرین.

۴- بنا به گفته شیراوی شرکت کنندگان از عدم موفقیت مذاکرات وسیع تر جامعه اروپا و خلیج [فارس] که به نظر شیراوی با مشکلات ناشی از جمع بندی منافع متضاد کشورهای عربی در یک زمینه مشترک مرتبط بود، عبرت گرفته اند. کشورهای تولید کننده نفت حوزه خلیج [فارس]، که کویت در رأس آنها قرار داشت، گمان می کردند که مذاکرات، زمانی جنبه موفقیت آمیز پیدا می کند که گروه کوچک تر و منسجم تری از کشورهای عربی یک دستور کار محدود را مدنظر قرار دهند.

۵- بنابراین، در طائف وزیران نفت موافقت کردند مذاکرات محدود به موارد ذیل باشد: (الف) امنیت عرضه نفت (شیراوی تأکید نمود که قیمت نفت مورد مذاکره قرار نخواهد گرفت؛ زیرا تعیین قیمت و مذاکره درباره آن در حیطه مسئولیت های اوپک قرار دارد)؛ (ب) امنیت سرمایه گذاریهای کشورهای عربی در اروپا و امنیت کشورهای اروپایی در حوزه خلیج [فارس]؛ (پ) نقش اروپا به عنوان تأمین کننده کالاها و خدمات صنعتی مورد نیاز کشورهای حوزه خلیج [فارس]؛ و (ت) اتخاذ یک استراتژی دوجانبه در جهت تماس با جهان سوم. شیراوی افزود که نکته آخر نتیجه مستقیم انتقاد از کشورهای صنعتی اروپا و اعراب تولید کننده نفت توسط کشورهای جهان سوم به خاطر سیاست هایشان در زمینه قیمت گذاری است. شیراوی همچنین خاطرنشان ساخت که ژاپنی ها نیز اعلام داشته اند مایلند باب مذاکرات مشابهی را با کشورهای حوزه خلیج [فارس] بگشایند و کشورهای حوزه خلیج [فارس] نیز به این درخواست پاسخ مثبت داده اند. در نهایت، مذاکرات ممکن است بسط یافته و دربرگیرنده تمام کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی شود. شیراوی تأکید نمود که با این وصف در حال حاضر انجام مذاکره با آمریکا امکان پذیر نیست زیرا اوضاع کلی سیاسی چنین اقتضا می کند.

(نظریه: شیراوی در مورد این مطلب بیش از این سخن نگفت، اما به نظر ما او به شکافی اشاره دارد که کشورهای حوزه خلیج [فارس] پس از قرارداد کمپ دیوید، بین خود و آمریکا

به وجود آورده اند. پایان نظریه).

۶- بنا به گفته شیراوی، عراق مایل بود دستور کار جنبه سیاسی بیشتری پیدا کند، اما دیگر شرکت کنندگان خواست وی را نپذیرفته بودند. اما شیراوی نیز اذعان دارد که در مذاکرات پیشنهادی، یک عنصر سیاسی نهفته است. با نشان دادن این مطلب که آنها می توانند از اروپا به عنوان یک برگ برنده در زمینه مسائل نفتی و مالی استفاده کنند، کشورهای خلیج [فارس] امیدوار بودند بتوانند به آمریکا فشار بیشتری وارد سازند تا مسئله خاورمیانه را به نحوی حل کند که مورد قبول اعراب نیز باشد.

۷- شیراوی گفت که وزیران نفت در طائف یک کمیته کار تعیین کرده اند تا جزئیات دستور کار را مشخص نماید و این کمیته طی دو هفته آینده دائماً تشکیل جلسه خواهد داد. برگزاری اولین جلسه متشکل از نمایندگان کشورهای حوزه خلیج [فارس] و جامعه اروپایی تا قبل از سال نو امکان پذیر نخواهد بود زیرا قرار است تا آن زمان جلسات مختلف دیگری تشکیل شود و علاوه بر این تعطیلات مسلمانان و مسیحیان نیز در پیش است.

۸- شیراوی نسبت به عکس العمل آمریکا در قبال مذاکرات پیشنهادی خلیج [فارس] و جامعه اروپا قدری حساسیت نشان داد. در قسمتی از گفتگو وی سؤال کرد که آیا آمریکا قصد دارد به این پروژه «حمله ور» شود. سفیر نیز در پاسخ اظهار داشت که آمریکا در این زمینه انتقاداتی دارد؛ ما می خواستیم کاملاً در جریان امور قرار بگیریم تا بتوانیم پاسخ مناسب را نیز آماده کنیم.

۹- هنگامی که سفیر در گفتگو با «بن دین» سفیر هلند در تاریخ ۲۹ سپتامبر به بررسی مطالب عنوان شده توسط شیراوی پرداخت، سفیر هلند اظهار تعجب نمود. وی گفت تصور نمی کند که تک تک دولت های حوزه خلیج [فارس] از جمله قطر با قراردادهای تضمینی درازمدت عرضه نفتی که از کنترل و حاکمیت آنها بر تصمیمات مربوط به تولید خواهد کاست موافقت نمایند. وی گفت، امنیت عرضه، قراردادهای مستقیماً منعقده بین یک دولت و دولت دیگر و انعقاد قراردادهای وسیع در زمینه های دیگر مانند فروشهای نظامی، اهداف درازمدت فرانسه را تشکیل می دهند، اما دولت فرانسه نیز گمان نمی کند که این مذاکرات به توافق مطلوب منجر شود. فرانسه قصد دارد در حین مذاکرات حمایت از اعراب موضع گیری کند، گرچه می داند این کار برای دیگر طرفین وی در جامعه اروپا قابل قبول نیست اما این عمل راه را برای نیل به توافق های دوجانبه بین فرانسه و کشورهای حوزه خلیج [فارس] هموار می سازد.

۱۰- نظریه: این اولین باری است که ما با دولت بحرین در مورد مذاکرات اروپا و خلیج [فارس] سخن به میان آورده ایم. شیراوی در گفتگو با سفیر انگلیس اعتراف کرده است که گمان نمی کند این مذاکرات برای بحرین حائز اهمیت باشد و بالعکس و قبل از کنفرانس طائف نیز این موضوع را با جدیت دنبال نکرده بود. به همین علت بهتر است منتظر تأیید نتایج

کنفرانس طائف از سوی دیگر شرکت کنندگان باشیم و پس از آن در مورد موضع گیری آمریکا در قبال آنها تصمیم گیری نماییم. در نتیجه آنچه که گفته شد، لحن و محتوای مذاکره پیشنهادی خلیج [فارس] و جامعه اروپایی به نفع منافع آمریکا نیست.

پلترو

عتیبه مذاکرات خلیج [فارس] جامعه اقتصادی اروپا ...

سند شماره ۶۳

محرمانه۲۷ اکتبر ۱۹۷۹ ۵ آبان ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی ۰۱۱۸به: سفارت آمریکا، ابوظبی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در وین، امان، بیروت، بن، دمشق، دوحه، دوبلین، کویت، لندن، رم، تهران

مرجع: وزارت امور خارجه ۲۰۹۶۹۹

موضوع: عتیبه مذاکرات خلیج [فارس] جامعه اقتصادی اروپا را

به مسئله ساف ربط می دهد

گویا عتیبه در مصاحبه ای حقوق فلسطینی ها را در ایجاد یک حکومت مستقل در نوار غزه و ساحل غربی به مذاکرات نفتی کشورهای خلیج [فارس] و جامعه اقتصادی اروپا ربط داده است. خواهشمند است در اولین فرصت مسئله را برای وی تشریح کنید. هنگام مطرح کردن موضع آمریکا از تلگرام مرجع استفاده کنید تا بدانند که آمریکا با شمول مسائل سیاسی در مذاکرات مربوط به انرژی مخالف است.

کریستوفر

«نقش نظامی غرب، به ویژه آمریکا، در خلیج فارس»

سیاست تسلیحاتی آمریکا در قبال کشورهای حاشیه جنوبی...

سند شماره ۶۴

سری۱۵ اوت ۱۹۷۲ ۲۴ مرداد ۱۳۵۱

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

به: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، امان، جده، کویت، لندن، تهران

مرجع: وزارت امور خارجه ۱۴۴۷۹۲ ۹ اوت ۱۹۷۲

موضوع: سیاست تسلیحاتی آمریکا در قبال کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس

برای هر یک از مخاطبین یک نسخه از پیش نویس سیاست تسلیحاتی در قبال کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس ارسال می شود (تلگرام مرجع). این پیش نویس وسیله کمیته معاونین وزیران تأیید و تصویب شده است و در مرحله ای است که باید مورد تأیید و تصویب کاخ سفید نیز قرار گیرد. راجرز

به پیوست: سیاست تسلیحاتی در قبال کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس

سری۱۲ ژانویه ۱۹۷۲ ۲۲ دی ۱۳۵۰

از: بخش امور خاور نزدیک، جوزف. ج. سیسکوبه: معاون وزیر

سیاست تسلیحاتی آمریکا در قبال کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس

گزارش پیوست سیاست تسلیحاتی آمریکا در قبال کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس است که در پاسخ به NSDM۹۲ و یادداشت ۱۷ اوت « دیک هلم» برای شما ارسال می گردد و وسیله کمیته معاونین وزیران برای مطالعه و بررسی تهیه شده است.

ضمیمه: گزارش به کمیته معاونین وزیران

پیش نویس گزارش به کمیته معاونین وزیران

فروش سلاحها و خدمات دفاعی به شیخ نشینهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و عمان

مقدمه

در حال حاضر نُه شیخ نشین حاشیه جنوبی خلیج فارس و شیخ نشین عمان برای خرید سلاحها و خدمات دفاعی آمریکا که در برنامه فروشهای نظامی خارجی گنجانده شده واجد شرایط نیستند. پس از استقلال این کشورها، انگلیس فروش تجاری تجهیزات نظامی به آنها را تأیید نکرد و آنها خود باید منبع دریافت سلاحهای مورد نیاز خود را بیابند. در گذشته تعداد محدودی از تجهیزات ساده آمریکایی از قبیل سلاحهای کوچك و مهمات از طریق منابع تجاری و با تأیید انگلیس در اختیار بعضی از این کشورها قرار داده شد. تغییر اوضاع ایجاب می کند که دولت آمریکا سیاست قطعی تری در قبال فروش سلاحها و خدمات دفاعی به منطقه تا پایان سال ۱۹۷۵ در پیش گیرد.

البته برآورد بازار تجهیزات و خدمات نظامی منطقه تا چند سال آینده کار دشواری است. فروش کلی نظامی که در بیست سال گذشته منحصراً توسط انگلستان و بلژیك در این منطقه انجام گرفت بالغ بر ۱۰ میلیون دلار بوده است ولی احتمالاً سرعت بیشتری خواهد یافت. اگر در مقام مقایسه برآییم می بینیم کویت که ثروتمندتر و پرجمعیت تر و به طور کلی پیشرفته تر از شیخ نشینهای جنوبی خلیج فارس و عمان است، در همین مدت ۴۳ میلیون دلار خود را به خرید تسلیحات اختصاص داده است.

۱- منافع آمریکا

حوزه ای برای گسترش روابط تجاری آمریکا در کشورهای کوچك نفتی بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان وجود دارد. آنها جمعاً یك بازار نیم میلیارد دلاری را تشکیل می داده اند که سهم آمریکا از آن فقط ۱۰ درصد بوده است؛ و در تولید نفت آنها نیز آمریکا سهم عمده دارد. ولی رابطه آمریکا با این کشورهای در حال ظهور نوعی رابطه سیاسی و غیرمستقیم است. توسعه سیاسی و اقتصادی همراه با ثبات این کشورهای کوچك استراتژیك در رابطه با منافع مهم و مستقیم اقتصادی آمریکا در عربستان سعودی، کویت و ایران بسیار با اهمیت است. تا زمانی که قراردادهای امتیازاتی کنونی پابرجا بماند آمریکا از نفت خام عربستان سعودی، کویت و ایران سود مهمی خواهد برد. روابط آنها در صنعت بین المللی نفت هر چه باشد، ذخایر عظیم نفت خام و ذخایر ارزی کشورهای بزرگ تر خلیج [فارس]، روابط آمریکا با این کشورها را دارای اهمیت استراتژیك و تجاری خواهد کرد. تا آنجا که به شیخ نشین های حاشیه جنوبی خلیج فارس و عمان مربوط می شود، منافع وسیع آمریکا ایجاب می کند که نه تنها روابط دوستانه برقرار بماند بلکه امنیت و توسعه منظم نیز در آنجا برقرار گردد. از نظر

ماهیت منافع آمریکا در خلیج [فارس] و اوضاع آنجا، آمریکا در بالا بردن میزان امنیت منطقه اهداف زیر را دنبال می کند:

الف) نفوذ گروههای رادیکال خارجی و یا داخلی ضدآمریکایی یا ضدغربی را مورد مطالعه قرار می دهد؛

ب) کشورهای دوست ساحلی از قبیل ایران، عربستان سعودی و کویت را به همکاری در به عهده گرفتن مسئولیت امنیت تمام منطقه خلیج [فارس] دعوت می نماید؛

پ) انگلیس را به ایجاد نیروهای مؤثر داخلی تشویق می نماید؛

ت) انگلیس را از ایفای نقش دوفاکتو در برقراری امنیت بخش جنوبی خلیج [فارس] و عمان به تدریج وارد یک مرحله گذار می نماید؛

ث) و در ظاهر و در واقعیت سعی دارد از ایفای نقش حامی و طرفدار بخش جنوبی خلیج[فارس] و عمان به جای انگلیس امتناع ورزد.

۲- اوضاع امنیتی

با وجودی که وظیفه رسمی انگلیس در حمایت از کشورهای بخش جنوبی خلیج[فارس] رو به اتمام است، ولی این کشور در ابقای ثبات حاشیه جنوبی خلیج[فارس] منافعی دارد. برای حمایت از امنیت بخش جنوبی خلیج [فارس]، انگلیس در نظر دارد افسران انگلیسی را تعویض کرده تجهیزات نظامی در اختیار نیروهای محلی قرار دهد و با آنها قراردادهایی منعقد سازد که در صورت نیاز، نیروهای انگلیس بتوانند برای بازدید مکرر از بنادر و تمرینات آموزشی وارد منطقه شوند. در رابطه با خطرات نظامی که ممکن است علیه بخش جنوبی خلیج[فارس] وجود داشته باشد، این قراردادهای انگلیسی تلاش می کنند توانایی و استعداد دفاعی کشورها را بالا ببرند.

تهدید

حضور دریایی شوروی در خلیج[فارس] افزایش خواهد یافت ولی نوعی خطر نظامی مستقیم به شمار نمی رود و برای حمایت از نفوذ دیپلماتیک شوروی است. نقش چین کمونیست در منطقه تجاری است و در صورتی که امکان داشته باشد به جای ایفای نقش نظامی مرسوم، به عملیات منحرف کننده می پردازد. مداخله نظامی عراق در جنوب خلیج[فارس] و یا کویت با عکس العمل ایران و اعراب و نیز ضعف های خود عراق خنثی می گردد. متأسفانه باید گفت دو کشوری که در آینده خواهند توانست مسئولیت امنیت خلیج[فارس] را به دنبال «خروج» انگلیس تقبل نمایند -ایران و عربستان سعودی - تنها نیروهای «مهاجم» علیه کشورهای خلیج[فارس] جنوبی به شمار می روند. ولی مداخله ایران و یا عربستان سعودی در آینده قابل پیش بینی، یا به منظور دست یابی به اهداف ارضی محدود در

نقاط مورد اختلاف خواهد بود که بحث و مذاکره درباره این مسائل هم اکنون آغاز شده است و یا دست یابی به اعاده نظم – در صورت وقوع عدم ثبات سیاسی – خواهد بود که ما هم سعی داریم این عدم ثبات سیاسی از بین برود.

عوامل داخلی تنها خطرات جدی واقعی علیه ثبات حاشیه جنوبی خلیج[فارس] هستند. هسته های بسیاری از نهضت های انقلابی عربی در سرتاسر منطقه پراکنده اند. اطلاعات موجود نشان می دهد که این گروههای خرابکار از نظر تعداد اعضا کوچک بوده و سازماندهی درستی نداشته و در حال حاضر نیز تحت نظارت و کنترل هستند. آنان از طرف عراق و جمهوری خلق یمن از نظر ایدئولوژیک و تبلیغاتی حمایت می شوند و عراق سلاح و آموزش در اختیار عناصر بعثی حاشیه جنوبی خلیج [فارس] قرار می دهد. اگر کمونیست های چین و روسیه حضور دیپلماتیک خود را در جنوب خلیج[فارس] افزایش دهند باید انتظار داشت که به حمایت از این گروههای خرابکار نیز بپردازند که نیروی واقعی آنها در برابر هیأت حاکمه قبل از خروج کامل انگلیس به مرحله آزمایش گذاشته نخواهد شد. تمام این عناصر انقلابی با منافع آمریکا در منطقه متخاصم هستند. آنها با استفاده از خصومت ناسیونالیستی اعراب در قبال حمایت آمریکا از اسرائیل به تحریک احساسات ضدآمریکایی در بین جمعیت های آگاه از نظر سیاسی می پردازند. بروز این عکس العملهای مردمی سبب خواهد شد که حکام خلیج[فارس] نتوانند با آمریکا، به خصوص در امور برقراری امنیت، همکاری نمایند.

در استان ظفار عمان غربی یک گروه انقلابی به نام جبهه خلق آزادیبخش خلیج غربی با کمک جمهوری دمکراتیک خلق یمن و تعدادی از کمونیست های چینی و احتمالاً ـ تحت حمایت عراق توانسته است کنترل انقلاب جدایی طلب را به دست گیرد و اعلام کرده است که منطقه ظفار دیگر تحت کنترل نیروهای سلطان عمان نیست. با وجود اینکه ظفار از دیگر بخش های عمان و خلیج فارس جداست حالت ارتجاعی این نیروی کوچک چریکی و هدف آن که «آزادسازی» بخش عربی خلیج[فارس] است، اگر دارای فوریت نباشد، نشانگر جدیتی است که در خطر رادیکالها علیه ثبات سیاسی کل منطقه نهفته است. و تعدادی از ظفاریهایی که در نیروهای مناطق بی طرف خدمت می کنند نیز به عنوان مخالفین سیاسی شناخته شده و احتمالاً با جبهه خلق آزادیبخش خلیج عربی همکاری دارند.

نیروهای دفاعی و امنیتی

هیچیک از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج[فارس] قادر به مقاومت در برابر حمله کشور بزرگی چون ایران نیستند. ولی در رابطه با مأموریت اصلی آنها که همانا برقراری نظم داخلی است نیروی دفاعی و امنیتی آنها از نظر تعداد، تجهیزات و آموزش کافی به نظر می رسد. نیروی دفاعی بحرین نسبت به کل جمعیت این کشور که بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفر است بالغ بر ۲۰۰۰ نفر می باشد. قطر (جمعیت کمی بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر) حدود ۲۵۰۰ نفر نیروی مسلح

دارد. امارات متحده عربی که کمتر از ۲۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد دارای یک نیروی مسلح دفاعی و امنیتی ۹۰۰۰ نفره است که مهم ترین بخش این نیروها را نیروی ۱۸۰۰ نفری پیشاهنگ عمان بیطرف و نیروی ۶۰۰۰ نفری دفاعی ابوظبی تشکیل می دهند. نیروهـای دفـاعی و امنیتی کشورهـای جنوبی خلیـج[فـارس] و واحـدهای اطلاعاتی این کشورها نیز به وسـیله انگلیس رهبری و هدایت می گردند. آنها از توانایی و قدرت آتش برای مبارزه علیه قیام عناصر انقلابی ضد رژیمهای محلی برخوردارند.

نیروهای مسلح سلطان عمان که به افسران و تجهیزات انگلیسی مجهز شده اند ظاهراً در خنثی کردن فعالیت گروههای کوچک عصـیانگر در کوهسـتانهای دور افتاده ظفار موفقیت هایی به دست آورده انـد. نتیجه مبارزه کنونی هر چه باشد، باید گفت این نیرو از نظر تعـداد، تجهیزات و تحرک قـادر است فعـالیت هـای چریکی منطقه را محـدود کرده، به حمـایت از رژیم در مناطق حیاتی مسقط و عمان بپردازد.

خلاـصه اینکه نیروهـای امنیتی کشورهـای خلیـج[فـارس] جنوبی و عمان از نظر فیزیکی قادرنـد امنیت داخلی را در مناطق مهم برقرار کرده و به حمایت از رژیمهای موجود مبادرت ورزند. اینکه آیا این نیروها به هیأت حاکمه وفادار خواهند ماند و یا خود به صورت یک نیروی انقلابی محرک درخواهنـد آمـد، احتمالاً مسـئله اصـلی ثبات سیاسـی منطقه خواهد بود. به طور خلاصـه باید گفت امنیت کشورهای حاشیه جنوبی خلیج [فارس] و عمان بیشتر یک مسئله سیاسی است تا نظامی.

نقش انگلیس

با وجود اینکه تمام شـیخ نشـینهای خلیـج[فارس] از تصـمیم انگلیس مبنی بر اعطای اسـتقلال کامل به آنها اسـتقبال کردند ولی هیچیک از آنها به جز قطر با خروج نیروهای نظامی عملیاتی انگلیس از خلیـج[فارس] موافقت نکردند و همه این کشورها و نیز قطر مـوافقت کرده انـد که انگلیس به ایفـای نقش به عنوان نیروی دفـاعی محلی ادامه دهـد و افسـران انگلیسـی بر اسـاس تغییر قرارداد در آنجا بمانند. انگلیس در عمان نیز به همین نقش خود ادامه خواهد داد.

نقش افسـران انگلیسـی در برقراری امنیت داخلی خلیـج[فـارس] و عمان بسـیار حائز اهمیت است، چون شایع است که نیروهای دفـاعی و امنیتی محلی که مرکب از مزدوران عربی و غیرعربی هسـتند نسـبت به افسـران انگلیسـی بیش از رژیم هایی که داعیه دفاع از آنها را دارنـد وفادار هسـتند. آیا این فرضیه، اکنون که کنترل امنیت جنوب خلیـج[فارس] از دست انگلیس خارج و به عهـده حکام محلّی گذاشـته شده باز هم کاربرد خواهد داشت یا خیر، در حال حاضـر غیرقابل پاسـخگویی است؛ علاوه بر این معلوم نیست مسـئله اسـتقبال از افسـران انگلیسـی تا چه حدی ادامه داشته باشد. ولی واقعیت این است که تداوم حضور انگلیس در برقراری امنیت در جنوب خلیج[فارس] و عمان عامل ایجاد ثبات بوده و به نفع آمریکاست.

انگلیس منبع اصلی ارائه تجهیزات، آموزش و نیز رهبریت نظامی در نیروهای دفاعی عمانی و خلیج[فارس] بوده است. انگلیس سعی دارد این موقعیت را حفظ نماید چون علاوه بر منافع تجاری، کنترل منبع تسلیحاتی خلیج[فارس] می تواند کارایی و نفوذ نقش مستشاری انگلیس را نیز افزایش دهد. ظهور دیگر کشورها به عنوان منابع تسلیحاتی منطقه، از نفوذ انگلیس در امور امنیتی خلیج[فارس] و عمان خواهد کاست. ما نباید حساسیت شدید انگلیس را نسبت به نقش فزاینده نیروی بیگانه در خلیج[فارس] در نظر داشته باشیم.

نقش انگلیس در خلیج[فارس] دیر زمانی است که هدف انتقادهای ناسیونالیستی واقع شده است؛ گروههای انقلابی به مبارزه علیه حضور انگلیس که سعی در بر هم زدن برنامه های آنها را دارد خواهند پرداخت. حتی گروههای حاکمه میانه روی منطقه نیز گهگاه این نقش انگلیس را مورد انتقاد قرار می دهند، به خصوص اگر این ایفای نقش شدید باشد. ایران و به خصوص عربستان سعودی نسبت به تداوم نفوذ انگلیس حساسیت نشان خواهند داد. با این وجود تداوم حضور انگلیس در امور امنیتی خلیج[فارس] مورد قبول دولت و دشمن است و ریشه در تاریخ دارد و آشناست و مهم تر از همه در حال ضعیف شدن است. از طرف دیگر، حضور آمریکا یا یک نیروی خارجی دیگر در صحنه خلیج[فارس] به خصوص اگر قرار باشد جانشین انگلیس شود به وسیله بعضیها یک اقدام جدید تحریک آمیز و خطرناک تلقی خواهد گردید. علاوه بر این، انگلیس مانند آمریکا برای حمایت از اسرائیل هدف حملات گروههای ناسیونالیستی قرار نمی گیرد.

نقش آمریکا

مسئله نقش آمریکا در اینجا مطرح می شود، حال چه آمریکا بخواهد و چه نخواهد منبع اصلی تجهیزات و خدمات نظامی کشورهای خلیج[فارس] و عمان واقع می گردد. حتی اگر کشورهای جنوب خلیج[فارس] مایل باشند به انگلیس از نظر کمک های امنیتی متکی باشند، باز هم مایل خواهند بود منبع جایگزین دیگری داشته باشند و آمریکا اولین انتخاب آنها خواهد بود.

ممکن است رژیمهای محلی بخواهند از حمایت آمریکا علاوه بر کمک های انگلیس استفاده کنند و سازندگان آمریکایی تجهیزات نظامی توجه رهبران خلیج[فارس] و عمان را به سلاحهای آمریکایی از قبیل تجهیزات نسبتاً پیچیده چون هواپیما، کشتی های گشتی و سلاحهای ضدهوایی جلب خواهند کرد. با ثروتی که این ملت ها در اختیار دارند خواهند توانست سلاحهای مورد نیاز خود را از هر جای دیگر خریداری کنند. اگر آمریکا تقاضای آنها را به خاطر نقش انگلیس نپذیرد، موجبات رنجش خاطر این رژیمها فراهم خواهد آمد و سبب خواهد شد که آنها به منابع تسلیحاتی دیگر چون اروپای غربی به استثنای کشورهای کمونیستی روی آورند. ولی اگر تقاضاهای آنها را در مورد تجهیزات و خدمات آمریکایی

برآورده سازد چند مسئله پیش خواهد آمد. فروش تجهیزات دریایی و هوایی و غیره که برای این نیروها تاز گی دارد، ممکن است آموزش و تعمیرات درون کشوری توسط آمریکا را ایجاب نماید که به معنی جایگزین شدن آمریکا به جای انگلیس خواهد بود. علاوه بر این، ما باید خود را آماده پذیرش این واقعیت بکنیم که اگر به یک کشور تجهیزاتی بفروشیم کشورهای دیگر نیز خواهان خریدهای مشابه خواهند شد.

از نظر نقش آمریکا و انگلیس، بحرین واجد شرایط خاصی است. بحرین مرکز شبکه نظامی و سیاسی انگلیس در کنترل جنوب خلیج[فارس] بوده است، ولی خروج انگلیس سبب می شود که فقط نیروی دریایی آمریکا در آنجا بماند و منافع نفتی نیز به جای انگلیس از آنِ آمریکاست. در حالیکه بحرینی ها برای جلب حمایت به کشورهای بزرگتر منطقه و آمریکا روی می آورند، منافع انگلیس در این کشور نیز برخلاف بقیه نقاط جنوب خلیج[فارس] به سرعت از بین می رود.

۳- نتیجه گیری

خطری که ثبات کشورهای حاشیه جنوبی خلیج [فارس]و عمان را تهدید می کند یک خطر سیاسی است تا نظامی. این کشورها و کشور عمان نیاز چندانی به تجهیزات اضافی نظامی نداشته و منابع خود را می توانند در مورد اهداف غیرنظامی دیگر مصرف نمایند. با این وصف آنها سلاحهای بیشتری خواهند خواست و قادر نیز هستند مبالغ لازم را بپردازند. فروش تجهیزات نظامی در منطقه به نسبت فروش تسلیحاتی جهانی حائز اهمیت نیست، لیکن شرکت های آمریکایی را از موقعیت ممتازی برخوردار می سازد. ممکن است کشورهای جنوب خلیج[فارس] و عمان بر تجهیزات و آموزشهای نظامی انگلیس متکی باشند ولی نمی خواهند انگلیس تنها منبع تسلیحاتی و آموزشی آنها باشد. ما باید خود را آماده سازیم تا در صورتی که انگلیس قادر نباشد سلاح در اختیار آنها بگذارد و یا در مورد سلاحهای آمریکایی ترجیح قابل ملاحظه ای رؤیت شود، مقدار معقولی از سلاحهای آمریکایی را به آنها بفروشیم.

امتناع آمریکا از پاسخ به تقاضاهای کشورهای خلیج [فارس] و عمان در قبال وسایل دفاعی و به خصوص در قبال میزان منطقی سلاحهای ساده، نوعی توهین به این کشورها بوده و سبب ورود دیگر کشورها، احتمالاً- اروپای غربی و شاید کشورهای کمونیستی به این منطقه خواهد شد.

در چند سال آتی سیاست ما در زمینه فروش تجهیزات و خدمات دفاعی به این کشورها باید طوری باشد که تا حد امکان، نقش انگلیس در امنیت منطقه، منافع تجاری و اجتناب ناپذیر رابطه مستقیم و نزدیکتر آمریکا با این کشورها را کاهش ندهد. همچنین مهم است که ما در انتخاب نوع تجهیزاتی که مایل به فروش آنها هستیم دقت کرده، فروش تجهیزات نسبتاً ساده ای را که می تواند کمکی در ایجاد ثبات باشد تأیید نماییم و به این کشورها بقبولانیم که به دست آوردن سلاحهای پیچیده و گرانقیمت درست نیست چون ممکن است به جای حفظ امنیت منطقه موجبات بر هم زدن آن را فراهم آورد.

ص: ۱۸۰

۴- پیشنهادات

لازم است در پیش بینی تقاضاهای کشورهای حاشیه جنوبی خلیج [فارس] و عمان برای خرید تجهیزات و خدمات نظامی آمریکا، دولت آمریکا سیاستی واقعگرایانه اتخاذ نماید که بدون ایجاد تناقض، قابلیت کاربرد داشته باشد و به اهداف امنیتی آمریکا در منطقه کمک کند. ما باید با در نظر گرفتن این واقعیت که در حال حاضر آمریکا منبع اصلی تجهیزات و خدمات نظامی عربستان سعودی و ایران یعنی دو کشور مسئول در امنیت خلیج[فارس] است و اخیراً رئیس جمهور نیز شرایط کویت را برای ورود به لایحه فروش نظامی خارجی تأیید کرده است، سیاست خود را در این زمینه اتخاذ نماییم. همچنین باید نشان بدهیم که از نقش بی چون و چرای انگلیس در برقراری امنیت کشورهای حاشیه جنوبی خلیج [فارس] و عمان آگاه بوده و تا زمانی که مورد قبول مقامات و افراد محلی باشد ما نیز نسبت به آن اعتراض نداریم.

اگر سیاست آمریکا، خلیج[فارس] را منطقه انحصاری نفوذ تسلیحاتی انگلیس بداند نوعی کوته فکری نشان داده است و کشورهای منطقه آن را غیرمعقول و غیرقابل پذیرش خواهند دانست. از طرف دیگر، سیاست آمریکا مبنی بر فروش همه نوع تجهیزات نظامی به منطقه ممکن است این تصور را به وجود آورد که آمریکا می خواهد جای انگلیس را به عنوان حامی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج[فارس] بگیرد و دیگر کشورها از جمله شوروی را به مبارزه بر انگیزد، و سبب خواهد شد کشورهای منطقه به جای مصرف کردن منابع خود در اهداف غیرنظامی، را برای خرید سلاحهای نظامی غیرضروری مورد استفاده قرار دهند.

برای برقرار کردن موازنه منافع خود در منطقه، سیاست زیر را پیشنهاد می کنیم:

الف- با انگلیس مشورت نماییم و به آنها نشان دهیم که مایل هستیم رابطه آمریکا و انگلیس در همکاری پیرامون برقراری امنیت خلیج[فارس] ادامه یابد و با آنها درباره خطوط اصلی و منطق نهفته امنیت صحبت و مذاکره نماییم.

ب- ما باید تلاشهای بخش تجارتی آمریکا را در فروش مقدار معقولی از تجهیزات و خدمات دفاعی مورد نیاز واقعی امنیتی منطقه از قبیل تجهیزات ارتباطی، سلاحهای کوچک، توپخانه سبک، هواپیماهای شناسایی سبک، وسایل حمل و نقل نظامی، هلیکوپتر و وسایل گشتی ساحلی و غیره مورد تأیید و تصویب قرار دهیم. ما باید تقاضاهای فروش را مورد ملاحظه قرار داده و گواهی کنترل صدور مهمات را در قبال هر مورد خاص صادر نماییم.

پ- ولی کانالهای تجاری برای خرید بعضی از انواع تجهیزات مناسب نیستند و ما انتظار داریم تقاضاهای کشورهای خلیج[فارس] از طریق لایحه فروش نظامی خارجی برآورده شود. ابتدا باید ببینیم که آیا می توانیم این تجهیزات را از طریق انگلیس و شاید عربستان سعودی، ایران و کویت به آن نقاط منتقل نماییم یا خیر. اگر این کار امکان نداشته باشد باید آماده شویم که تعداد محدودی از این تجهیزات را از طریق فروش نظامی خارجی در اختیار آنها قرار دهیم.

ت- در رابطه با فروش مستقیم از طریق فروش نظامی خارجی و انتقال از یک کشور دیگر،

بایستی طبق بخش ۳ (الف) (۱) لایحه فروش نظامی خارجی، صـلاحیت کشورهای حاشـیه جنوبی خلیج[فارس] و عمان مورد تأیید قرار گیرد و رئیس جمهور ثابت نماید که فروش این تجهیزات می تواند «امنیت آمریکا را تقویت کرده و صلح جهانی را افزایش دهـد.» و بایـد این کشورهـا را نیز در فهرست کشورهـای دارای صـلاحیت فروش نظـامی خـارجی وارد نماییم. این امر سبب می شود که رئیس جمهور مجبور نباشد تنها به تعیین صلاحیت مشغول شود.

ث- البته فروشهایی که حضور نیروهای نظامی آمریکایی را در سطح مستشار و یا ابقای وسایل در جنوب خلیج[فارس] و عمان ایجاب می کنـد نبایـد مورد تأییـد قرار دهیم. البته شـرکت های خصوصـی می تواننـد این کار را انجام دهنـد مشـروط بر اینکه مسئله سلاحهای آمریکایی باشد. ما سعی داریم از رقابت با انگلیس در سطح مستشاری اجتناب ورزیم.

ج- در سـیاست کلی خود، ما نبایـد تقاضاهای کشورهای حاشـیه جنوبی خلیج [فارس] و عمان را برای خرید تجهیزات پیچیده نظامی از قبیل توپخانه سنگین، ناوهای جنگی، هواپیماهای جنگی و تانک تصویب نماییم.

تقاضاهایی که در مورد این تجهیزات می شود بایستی به طور جداگانه مورد ملاحظه قرار گرفته با ضرائبی از قبیل خطر نظامی، تعادل نظامی منطقه، امکان ایجاد مسابقه تسلیحاتی محلی و امکان افزایش تشنج منطقه ای، تأثیری که اینگونه فروشها بر موازنه پرداخت هـای آمریکـا خواهـد داشت و راههـای دیگر (مثلاًـ خریـد از بلوک شوروی) در صورت عـدم پاسـخگویی مـا به این تقاضاها و غیره، سبک و سنگین شوند.

سیاست تسلیحاتی آمریکا در قبال کشورهای حاشیه جنوبی خلیج [فارس]

سند شماره ۶۵

سری۲۹ اوت ۱۹۷۲ ۷ شهریور ۱۳۵۱

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

به: ابوظبی، امان، جده، کویت، منامه، مسقط، لندن، تهران

مرجع: الف ۸۳۰۲ - ۱۵ اوت ۱۹۷۲

موضوع: سیاست تسلیحاتی آمریکا در قبال کشورهای حاشیه جنوبی خلیج [فارس]

نسخه ای از یادداشت شماره ۱۸۶ تصمیم شورای امنیت ملی که نشانگر تصویب ریاست جمهور درباره فروش تجهیزات نظامی به کشورهـای حاشـیه جنوبی خلیـج فـارس و عمان بر اساس اولویت های خاص در یادداشت کمیته معاونین وزیران است برای شما به پیوست ارسال می گردد (تلگرام مرجع)

برای منـامه و مسـقط چون واحـدهای شـما این تلگرام مرجع را دریافت نکرده انـد، رونوشت هایی از این یادداشت را به همراه این نامه هوایی برایتان ارسال می داریم.

راجرز

ضمیمه: یادداشت شماره ۱۸۶ تصمیم شورای امنیت ملی

ص: ۱۸۲

کاخ سفید

واشنگتن

سری۱۸ اوت ۱۹۷۲ – ۲۷ مرداد ۱۳۵۱

یادداشت شماره ۱۸۶ تصمیم شورای امنیت ملیبه: وزیر امور خارجه، وزیر دفاع

سرپرست کمیته معاونت وزیران شورای امنیت ملی

موضوع: فروش تجهیزات نظامی آمریکا به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و عمان

رئیس جمهور گزارش کمیته معاونین وزیران را که به همراه یادداشت ۲۴ آوریل سرپرست کمیته معاونین وزیران در شورای امنیت ملی تحت عنوان «فروش تجهیزات و خدمات دفاعی به شیخ نشین های جنوب خلیج فارس و عمان» ارائه شده بود مورد ملاحظه قرار داد.

رئیس جمهور اظهار داشت که سیاست ما درباره این مسئله باید بر اصولی استوار باشد که مسئولیت امنیت منطقه خلیج[فارس] به عهده کشورهای منطقه گذارده شود و برای نیل به این هدف آمریکا آنها را تشویق به همکاری خواهد کرد و نقش انگلیس در منطقه باید ادامه یابد و در همان حال و با پیروی از سیاست های بالا، آمریکا نیز باید نقش فعال و مستقیم خود را ایفا نماید. تداوم نقش آمریکا مشورتهای نزدیک با انگلیس و کشورهای غیرمتخاصمی را که درگیر تأمین امنیت منطقه خلیج هستند ایجاب می کند. رئیس جمهور فروش تجهیزات نظامی بر اساس روش انتخابی در یادداشت کمیته معاونین وزیران را به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و عمان تصویب کرده است و شرایط زیر به خصوص مورد تأیید قرار گرفته است:

شرکت های خصوصی آمریکایی می توانند میزان معقولی از تجهیزات و خدمات دفاعی مورد نیاز امنیتی این کشورها را به آنها بفروشند و تحت حمایت قرار می گیرند.

در صورتی که کانالهای تجاری کفایت ننمایند این کشورها باید برای دریافت تجهیزات و خدمات نظامی لایحه فروش نظامی خارجی واجد شرایط درآیند، البته در صورتی که هدف، گسترش همکاری در میان کشورهای منطقه باشد.

به عنوان یک سیاست کلی، فروش این تجهیزات باید به نحوی انجام پذیرد که حضور نیروهای نظامی آمریکا را در زمینه آموزش و تعمیر و نگهداری به طور موقت در این مناطق تعیین نماید. شرکت های خصوصی آمریکایی در رابطه با فروش تجهیزات نظامی آمریکایی می توانند از نظر اداری و آموزش، نیروهای خود را به منطقه گسیل دارند، لیکن باید از هرگونه تلاشی که سبب به هم خوردن نقش مستشاری انگلیس می گردد امتناع و اجتناب ورزند.

فروش سلاحها و دیگر تجهیزاتی که ممکن است برای بر هم زدن ثبات مؤثر باشد، در رابطه با منافع آمریکا در منطقه مورد مطالعه وسیع قرار خواهد گرفت.

کمیته معاونین وزیران شورای امنیت ملی باید بر اجرای این سیاست نظارت داشته و قبل از صدور جواز و تصویب اعتبار، تقاضاهای عمده فروش را مورد بررسی و تجدید نظر قرار دهد.

هنری. ا. کی سینجر

سیاست تسلیحاتی برای کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس

سند شماره ۶۶

محرمانه ۳۰ نوامبر ۱۹۷۲ ۹ آذر ۱۳۵۱

از: سفارت آمریکا، تهران، ۷۱۹۰به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در امان، بیروت، جده، کویت

از نمایندگی کویت درخواست می شود این تلکس را برای ابوظبی و مسقط نیز ارسال دارد.

موضوع: سیاست تسلیحاتی برای کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس

خطوط اصلی تصمیم دولت آمریکا درباره سیاست تسلیحاتی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به وسیله کاردار در ۲۹ نوامبر به میرفندرسکی معاون وزارت امور خارجه ارائه شد. او از این تبادل اطلاعات اظهار قدردانی نمود که این امر می تواند به ما در نظارت بر اعمال دولت ایران در عمان و یمن کمک کند. فارلند

سفر فرمانده نیروهای خاورمیانه ای به قطر

سند شماره ۶۷

محرمانه ۱۰ ژانویه ۱۹۷۶ ۲۰ دی ۱۳۵۴

از: سفارت آمریکا، دوحه به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، جده، کویت، منامه، مسقط، تهران.

مرجع: دوحه ۱۳۱۵، دوحه ۱۴۳۸

موضوع: سفر فرمانده نیروهای خاورمیانه ای به قطر

۱- خلاصه: پس از تأیید دولت قطر، دریاسالار «توماس. جی. بیگلی» فرمانده نیروهای خاورمیانه ای در تاریخ ۸-۷ ژانویه به طور «خصوصی» از قطر بازدید کرد. بین دریاسالار و شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی فرمانده کل نیروهای مسلح قطر رابطه خوبی ایجاد شد و این دیدار ظاهراً راه را برای ورود ناوهای آمریکا به قطر هموار کرده است. پایان خلاصه.

۲- دریاسالار توماس . جی. بیگلی در تاریخ ۸ ۷ ژانویه وارد دوحه شد. در این دیدار که سفیر وی را همراهی می کرد، بیگلی با شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی فرمانده کل نیروهای مسلح قطر و فرزند امیر در تاریخ ۷ ژانویه ملاقات نمود و همان روز شیخ

حمد برای صرف ناهار به اقامتگاه سفیر آمد و به دریاسالار بیگلی پیوست.

۳- در ماه دسامبر و به درخواست سفیر،شیخ حمد از امیر قطر برای سفر دریاسالار بیگلی تأییدیه ای دریافت کرد. ولی حمد اظهار داشت که دولت قطر مایل است این بازدید جنبه خصوصی داشته و فاقد هرگونه تبلیغات باشد. در آن موقع سفیر اظهار داشت که ما در نظر داریم در این سفر بار دیگر موضوع ورود ناوهای آمریکایی را به دوحه در حضور بیگلی مطرح سازیم. حمد این بار نیز از «مشکلات سیاسی» ناشی از ورود این ناوها برای دولت قطر سخن به میان آورد و گفت مطرح شدن آن اشکالی ایجاد نمی کند (تلگرامهای مرجع).

۴- ملاقات ۷ ژانویه، دریاسالار به تفصیل در مورد مأموریت نیروهای خاورمیانه با شیخ

حمـد سـخن گفت و به ورود ناوهـای آمریکـایی به بنـادر منطقه پرداخت و در مورد آموزشـهای مشترک سـعودیها، کویتیها و دیگران در عرشه ناوها گفتگو کرد. وی بر روابط دوستانه بین نیروهای خاورمیانه با تمام کشورهای منطقه از جمله ایران تأکید کرده و گفت امیدوار است نیروهای خاورمیانه ای بتوانند در آینده نزدیک وارد دوحه نیز بشوند.

۵- حمد بار دیگر اظهار داشت که در صورت ورود این کشتی ها به دوحه بین دولت قطر و دیگر کشورهای عرب «مشـکلات سیاسـی» پدیـدار خواهـد شـد. با این حال وی اظهار داشت که ناوهای فرمانـدهی نیروهای خاورمیانه به دیگر بنادر منطقه وارد شده و در سال گذشته به انگلیسی ها، فرانسویها، هندیها و حتی عراقیها اجازه ورود به بنادر این کشور داده شده است. در اینجا حمـد اظهار داشت که دولت قطر با درخواست ورود ناو به دوحه با دیـد مثبتی برخورد خواهـد نمود. ما به حمد اطمینان دادیم که درخواست رسمی در آینده نزدیک تسلیم دولت قطر خواهد شد.

۶- نظریه: مخـاطبین به یـاد دارنـد که دولت قطر حـدود یـک سـال قبـل چنین درخواستی را رد کرده بود، چون معتقـد بود که آمریکاییها می خواهنـد به کشورهای تولیـد کننده نفت حوزه خلیج [فارس] حمله ور شوند. ظاهراً این نظریه خریداری ندارد و می توانیم چنین تصور کنیم که امیر بیش از این بـا ورود ناوهـای مـا به بنادر کشور مخالفت نخواهـد کرد زیرا خود حمـد قادر نیست بدون اجازه امیر حتی آب بخورد. ولی تغییر رویه نهایی دولت قطر، زمانی آشکار خواهد شد که ما تقاضای رسمی خود را مطرح سازیم، ولی خوش بین هستیم. دریاسالار بیگلی رابطه خوبی با شـیخ حمد ایجاد کرده و سفر وی به موقع انجام گرفته و عامل خوبی در حل مشکل مربوط به بازدید ناو نیروی دریایی آمریکا از قطر است. پاگانلی

محدودیت های احتمالی انتقال سلاح به خلیج فارس

سند شماره ۶۸

سری۶ آوریل ۱۹۷۶ ۱۷ فروردین ۱۳۵۵

[موضوع]: محدودیت های احتمالی انتقال سلاح به خلیج فارس

خلیج فارس

۴(۱) محدودیت های احتمالی در مورد انتقال سلاح به خلیج فارس

به نظر می رسـد راه حـل آسان و سـریعی در ایجاد تفاهم کلی برای محـدود سازی انتقال سـلاح به خلیـج فارس وجود نداشـته باشد. وجود سؤالات بی جواب در مورد آینده امنیت سیاسـی و نظامی منطقه ایجاب می کند که سیاست انتقال سـلاح آمریکا از شدت و حدّت بسیاری برخوردار نباشد. ممکن است طی شرایط خاصی انتقال سلاح به کشور خاصی قابل توجیه و

۱- بخش پیشین سند یافت نشد.

طی شرایط دیگری خودداری از این کار به نفع آمریکا باشد. به هر حال، باید انتقال سلاح به خلیج[فارس] تحت کنترل شدیدتری درآید تا اهداف سیاست آمریکا تحقق یابد و در همان حال با به وجود آوردن چند کنترل منطقه ای، ثبات خلیج[فارس] نیز افزایش یابد. در همین رابطه اقدامات یک جانبه آمریکا می توانند شامل (۱) ایجاد محدوده دلاری در مورد قراردادهای جدید و یا شاید تعیین محدوده فروش به هر کشور باشد تا از کل خریدهای یک کشور در پنج سال گذشته فراتر نرود؛ (۲) فهرستی از سیستم های تسلیحاتی ممنوع الفروش به کشورهای دیگر چون ناوهای LPH/LHA و نیز دیگر تجهیزات و موشک هایی با برد ۲۵-۱۵ میل تهیه شود، چون این وسایل می توانند توانایی کشور را در نبرد نیروهای خود در خارج افزایش دهد.

در صورتی که آمریکا تصمیم بگیرد به طور یک جانبه صدور تسلیحات خود را به خلیج[فارس] کاهش دهد، نوع سیستم های تسلیحاتی و شدت کاهش صدور می تواند مشخص نماید که آیا دیگر عرضه کنندگان غربی خواهند توانست نیازهای آن کشور را در کوتاه مدت برآورده سازند یا خیر. به طور مثال عرضه کنندگان غربی می توانند مقادیر زیادی نفربرهای زرهی و توپخانه در چند سال آینده به فروش برسانند. از طرف دیگر، عرضه تجهیزات بسیار پیشرفته چون هواپیماهای جت یا احتیاج به گسترش خط تولید دارد و یا آنکه باید متقاضیان را در صف نگاهداشت، در نتیجه انتظار زمان تحویل آنها نیز طولانی تر گردد. گرچه شوروی قادر است به سرعت نیازهای کشورهای حوزه خلیج[فارس] را تأمین نماید ولی هیچیک از کشورهای میانه رو این حوزه نمی خواهند با شوروی قراردادهای عظیم تسلیحاتی منعقد سازند.

علی رغم مشکلات نهفته در ایجاد امنیت سیاسی و نظامی خلیج[فارس]، آمریکا باید سیاست تسلیحاتی خود را مشخص کند، تا ما نیز بتوانیم به سؤالات اساسی تری در رابطه با آینده سیاسی و استراتژیک خلیج فارس پاسخ دهیم.

رهنمودهای ذیل می تواند در مورد سیاست انتقال سلاح ما به کار رود:

۱- مشخص کردن سیستم های تسلیحاتی بر هم زننده ثبات

صریحاً می توان گفت که بین فروش یک اسکادران جت بمب افکن شکاری و فروش ۱۰۰ تانک و یا ۲۰۰ نفربر زرهی تفاوتی وجود دارد، گرچه تمام این تجهیزات «تهاجمی» هستند و هزینه آنها نیز تقریباً یکسان است. برای ارزیابی این اختلافات و اطمینان از اینکه کدامیک از این تسلیحات برای کشورهای همجوار محرک تر و خطرناک تر است باید به سؤالات مهم ذیل پاسخ داده شود:

(الف) نقش محیط فیزیکی و یا جغرافیایی که در آن تسلیحات مزبور به کار خواهند رفت چیست؟ عواملی چون هوای صاف، زمین هموار، فقدان پوشش و استتار چه تأثیری بر خرید این تسلیحات خواهد داشت؟

(ب) در رابطه با توازن موجود در منطقه، عکس العمل کشورهای همجوار در رابطه با یک

سیستم تسلیحاتی چگونه خواهد بود؟

مثلاً هند در رابطه با خریدهای تسلیحاتی مهم توسط ایران بی تفاوت نخواهد ماند چون برنامه مشترک دفاعی پاکستان و ایران در نهایت خطری برای مرزهای غربی هند به وجود خواهد آورد.

(پ) توانایی های فنی این سیستم های تسلیحاتی چگونه است؟

در رابطه با عوامل فوق، خرید تجهیزاتی چون موشک های سام و رادارهای دفاع هوایی می تواند مورد ترغیب قرار گیرد و در عین حال فروش سیستم هایی چون موشک های دوربرد و یا جنگنده های جدید ضربتی چون A-۴M و A-۷ را به تأخیر انداخت.

۲- بررسی سیستم های «تهاجمی» در برابر سیستم های «تدافعی»

در رابطه با جوّ نظامی موجود در خلیج فارس باید بین سیستم های تسلیحاتی «تهاجمی» و «تدافعی» تمایزهایی قایل شد. با این وجود، واضح است که بعضی سیستم ها می تواند توانایی هایی را در زمینه اقدامات تهاجمی پدید آورد. (به خصوص در رابطه با حملات نفوذی به شهرها) و می تواند زمینه آشوب های کلی تری را فراهم بیاورد. از آنجا که هیچیک از کشورهای خلیج[فارس] نمی توانند جنبه های قانونی رفتار نظامی را رعایت نمایند، بهترین راه حل، پی ریزی نوعی سیاست عرضه تسلیحاتی است که بتوان از طریق آنها ارائه بعضی از سیستم های تسلیحاتی را کاهش داد تا توانایی آنها در زمینه اجرای بعضی از مأموریت های نظامی نیز کاهش یابد.

سؤالاتی که باید پاسخ داده شود عبارتند از:

(الف) کشورهای خریدار همجوار چه نوع مأموریت های نظامی را محرک و خطرناک قلمداد می کنند؟

(ب) این مأموریت ها با چه نوع سیستم های تسلیحاتی قابل اجراست (و باید به همین علت فروش محدودی داشته باشند)؟

۳- محدودیت های نیروهای آمریکایی

کشورهای حوزه خلیج[فارس] از نظر آموزش و مشورتهای فنی در زمینه تجهیزات نظامی که توسط ما عرضه می گردد به نیروهای آمریکایی متکی هستند. به عنوان یکی از راههای محدود سازنده خرید تسلیحات و به خصوص سیستم های تسلیحاتی پیشرفته، باید تعداد نیروهای نظامی مستشاری و یا قراردادی که می توان در اختیار آنها قرار داد محدود کرد و یا فروش تسلیحات موردنظر را محدود به تکنسین های مربوطه نمود. این محدودیت سبب محدود شدن احساسات ضدآمریکایی در حین بی ثباتی داخلی شده و در صورت بروز خصومت های محلی، از افزایش بی حد و حصر نظامی آمریکا نیز ممانعت به عمل خواهد آورد.

۴- محدود کردن ذخایر مهمات و قطعات یدکی

باید دقت بسیاری به خرج داد تا مانع از ایجاد ذخایر، آن هم به مقدار افراطی و بیش از حد نیاز شد.

۵- تسلیحات مناسب برای تروریست ها

سیستم های تسلیحاتی خاصی چون موشک های زمین به هوای قابل حمل توسط نفر و صدا خفه کن ها می توانند توسط تروریست ها مورد استفاده واقع شوند. با وجود اینکه شوروی موشک های سام ۷ را به کشورهای عرب صادر کرده است، به نفع آمریکاست که از صدور موشک هایی چون «رد آی» [چشم قرمز] و لاو جلوگیری به عمل آورد تا تعداد آنها که می تواند توسط تروریست ها به کار رود محدود گردد و در نتیجه از خصومت های سیاسی ناشی از کاربرد سیستم های ساخت آمریکا توسط تروریست ها نیز جلوگیری به عمل آید.

قراردادهای احتمالی بین المللی جهت محدودسازی جریان تسلیحات

گرچه دو ابرقدرت موجود به احتمال رویارویی نهایی در نتیجه بروز هرگونه خصومت جدی در خلیج[فارس] اعتراف دارند، جلب توجه مسکو به محدودسازی دوجانبه تجهیزات مهم نظامی در کشورهای خلیج[فارس] دشوار است مگر آنکه کشورهای خلیج[فارس] نیز راضی به این کار باشند. برخوردهای رسمی آمریکا با شوروی در قبال محدود سازی دوجانبه تسلیحاتی در رابطه با تضاد اعراب و اسرائیل در گذشته ناموفق بوده است. به منظور کسب موفقیت در این زمینه، محدودسازی جریان تسلیحاتی به خلیج فارس باید با تمایل کشورهای حوزه خلیج[فارس] مرتبط باشد. آمریکا یا دیگر عرضه کنندگان، باید آماده قبول خطرات سیاسی و اقتصادی ناشی از کشورهای خلیج[فارس] باشند چون در صورت محدود شدن عرضه تسلیحات، آن هم بدون رضایت دریافت کنندگان خلیج[فارس] این اقدامات ممکن است علیه آنها صورت گیرد.

به منظور عقد قرارداد کنترل تسلیحاتی باید چند مسئله مهم حل شود. اولین مسئله این است که کدامیک از کشورها باید در این مذاکرات شرکت نمایند. ایران مطمئناً می خواهد به همراه عراق، افغانستان و هند در این مذاکرات شرکت جوید. سعودیها در این مذاکرات شرکت نخواهند کرد مگر آنکه اسرائیل و چند کشور تندرو عربی نیز در مذاکرات درگیر شوند. بنابراین محدودسازی اینگونه مذاکرات به کشورهای خلیج[فارس] اگر غیرممکن نباشد دشوار هست. منطقه مورد نظر، بازاری عظیم برای تسلیحات نظامی بوده و یکی از منابع خطیر نفتی غرب به حساب می آید، به همین جهت نمی توان انگیزه ملل عرضه کننده تسلیحات را از بین برد تا بتوان به یک قرارداد محدودکننده تسلیحاتی دست یافت، چون منبع مهم درآمد آنها از بین می رود. بنابراین وسعت منطقه و نیز تعداد زیاد کشورهایی که باید در این مذاکرات شرکت

داشته باشند حتی تصور مذاکرات تسلیحاتی را نیز دشوار می سازد.

تلاش کشورهای عرضه کننده برای تحمیل این کنترلها، آن هم بدون رضایت کشورهای دریافت کننده، بدون شک از نظر کشورهای خلیج[فارس] خالی از حب و بغض نخواهد بود. با مشاهده سابقه تسلیحاتی شرق و غرب، بسیاری از این کشورها خواهند گفت که تلاش کشورهای عرضه کننده در جهت محدودسازی انتقال خارجی تسلیحات، امری مزورانه است؛ علاوه بر این، آنها این تلاش را امتیازی غیرمنصفانه برای کشورهایی می دانند که با یکی از قدرتهای مهم قراردادهای امنیتی ویژه ای منعقد ساخته و طی سالهای متمادی تجهیزات نظامی مهمی دریافت داشته اند.

ولی نباید کاملاً مأیوس شد، چون بعضی از کشورهای خلیج[فارس] در رابطه با جذب تسلیحات اضافی به محدودیت های منابع خود واقف بوده و نسبت به کاهش تحویل یا ارسال تسلیحات نارضایتی نشان نمی دهند، تأثیر اختصاص بیش از حد منابع مالی بر سفارشات نظامی از هم اکنون در ایران مشهود است. گرچه شاه از آمریکا به خاطر تأخیر در ارسال تجهیزات نظامی انتقاد کرده، ولی به طور محرمانه به مقامات وزارت دفاع آمریکا گفته است که این کندی ارسال «ممکن است دارای خیر و برکتی باشد.» پس شاه دریافته است که با وجود تحریک توقع و چشمداشت ارتش خود در سالهای اخیر، وی نمی تواند یکباره خود را منزوی ساخته و گوشه عزلت برگزیند.

با وجود عدم کارآیی یک قرارداد یک جانبه جهت کنترل جریان تسلیحات به خلیج فارس، و با وجود مخالفت کشورهای خلیج[فارس] با هرگونه قرارداد محدود سازی تسلحیاتی که از خارج منطقه تحمیل شود، می توان گفت که آمریکا باید سه راه احتمالی را در پیش بگیرد:

آمریکا می تواند تلاشهای خود را ادامه دهد تا همکاری کشورهای خلیج[فارس]، به خصوص ایران و عربستان سعودی را در پیدایش توافق امنیتی خلیج[فارس] جلب نماید، و هدف این توافق ایجاب خواهد کرد که انتقال تسلیحات به صورتی معقول باشد و در مورد انواع خاص تسلیحات نیز حد و حدودی معین گردد.

گفتگوهایی می تواند بین آمریکا و شرکایش درسازمان پیمان آتلانتیک شمالی آغاز شود تا با محدودسازی صدور بعضی از سیستم های تسلیحاتی به منطقه، همچون سیستم های جدید پیشرفته، تسلیحات هسته ای و یا تسلیحات مناسب برای تروریست ها، منافع این سازمان نیز حفظ شود. در صورت توافق ناتو می توان با شوروی نیز وارد مذاکره گردید. در طرح چنین تصمیماتی، باید کشورهای حوزه خلیج[فارس] را نیز کاملاً در جریان امر قرار داد و این خطر نیز همیشه وجود دارد که ممکن است استراتژیهای اتخاذی قبل از موقع مقرر فاش شود، ولی مشورت با آنها مانع از بروز عکس العملهای خصمانه ناشی از ترس در برابر همدستی عرضه کنندگان خواهد شد.

آمریکا باید با شوروی تماسهایی داشته باشد تا بتواند توجه آن کشور را به محدودسازی

صدور تسلیحات به منطقه جلب نماید. همانطور که قبلاً گفته شد، اینگونه تماسها نیز باید با مشورت با کشورهای دریافت کننده صورت گیرد تا نشان داده شود که کشورهای حوزه خلیج[فارس] از این ابتکار آمریکا حمایت می کنند و علاوه بر این مانع از بروز اقدامهای متقابل سیاسی و اقتصادی این کشورها علیه آمریکا گردد. توافق محدودسازی دوجانبه به نفع آمریکاست چون علاوه برکاهش جریان تسلیحات روسی به منطقه، سبب برقراری تعادل تسلیحاتی سبک تر شده و امنیت کشورهای دوست در حوزه خلیج[فارس] را نیز تأمین می نماید. اینگونه تماسها می تواند اتهام کنگره را مبنی بر عدم توجه نسبت به کنترل تسلیحاتی نیز از بین ببرد. گرچه شوروی در گذشته نیز علاقه چندانی به محدودسازی دوجانبه نشان نداده است، ولی ممکن است در مورد خلیج[فارس] به این کار تن دهد تا برتری نظامی ایران در منطقه کاهش یابد و دوستان شوروی در منطقه از قدرت نسبی بیشتری برخوردار شوند.

در صورتی که پس از بررسی دقیق مسئله برقراری تماس با شوروی به نفع آمریکا تشخیص داده شد، در مذاکرات باید دید که آیا شوروی به محدودسازی تسلیحات علاقه مند است یا خیر. در صورت تمایل شوروی، باید تجزیه و تحلیل سیستماتیک به عمل آید تا قابلیت کاربرد و روشهای مربوط به توافق ارزیابی شود که ممکن است به طور مثال، شامل موارد ذیل باشد:

توافق در مورد عدم صدور بعضی از سیستم های استراتژیک چون موشک های زمین به زمین با برد ۱۰۰ میل و یا هواپیماهای بمب افکن که بتوانند ۲۰۰۰۰ پوند یا بیشتر مواد منفجره حمل نمایند.

توافق در مورد ایجاد محدودیت کمّی بعضی از سیستم های تسلیحاتی مهم، به صورتی که برای هر سیستم خارج از رده، یک سیستم تحویل داده شود. این محدودیت می تواند به صورت منع صدور یا محدودسازی تعداد سیستم های تسلیحاتی مهم باشد؛

توافق بر سر عدم صدور سیستم هایی که تا به حال به منطقه صادر نشده است.

ورود فرمانده نیروی خاورمیانه ای و ناو نیروی دریایی آمریکایی لاسال به قطر

سند شماره ۶۹

محرمانه ۳۰ آوریل ۱۹۷۷ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۶

از: سفارت آمریکا، دوحه – ۵۲۵به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در جده، منامه، کویت، مسقط، تهران

موضوع: ورود فرمانده نیروی خاورمیانه ای و ناو نیروی دریایی آمریکایی لاسال به قطر

خلاصه: سفر فرمانده نیروی خاورمیانه ای و ناو لاسال به قطر ظاهراً در نحوه همکاری این کشور با نیروی نظامی آمریکا تغییر

مهمی ایجاد کرده است. توجه مقامات عالیرتبه، پـذیرایی عموماً گرم و تبلیغات وسیع درباره این دیدار حکایت از آن دارد که دولت قطر بیش از پیش به نزدیکی بیشتر روابط علاقه مند شده است. همین امر سبب شده که دولت قطر درخواست

نمایـد نیروهای مسـلحش آموزش ببینـنـد. به هر حال سـفر بسـیار موفقیت آمیز بوده و موجب افزایش غرور و حضور آمریکا در قطر است. پایان خلاصه.

۱- فرمانده نیروهای خاورمیانه دریادار «ویلیام کراو» و ناو نیروی دریایی آمریکا به نام لاسال تحت فرماندهی سـروان «جی. اچ. فترمن» با رئیس ستاد «سروان آ. اسمیت» در تاریخ ۲۵ تا ۲۷ آوریل وارد دوحه شد.

۲- فعالیت ها عبارت بودند از ملاقات با شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی فرمانده کل نیروهای مسلح قطر و فرزند ارشد امیر که در این ملاقات شـیخ عبدالله بن خلیفه آل ثانی، فارغ التحصیل از مدرسه نظامی «سند هرست» که روز به روز نقشهای مهم تری در نیروهای مسلح عهده دار می شود و فرزند سوم امیر است حضور داشت؛ معاون فرمانده نیروی هوایی قطر، سرتیپ محمد العتیبه در عرشه کشتی به ملاقات ما آمد، ملاقات با شیخ عبدالعزیز بن خلیفه آل ثانی وزیر دارایی و نفت و فرزند دوم امیر؛ ملاقات با شیـخ سُـهِیمْ بن حمـد آل ثـانی وزیر خـارجه این کشور صورت نگرفت، لیکن سُـهِیمْ در ضـیافت برگزار شـده توسـط سـفیر به ملاقات دریادار کراو آمـد. (در این ضـیافت شـیخ عبدالله نیز حضور داشت). در ضـیافت ناهار واقع در عرشه کشتی، سـرهنگ صلاح الدین فرمانده جدید نیروی دریایی (وی از اهالی مصر است) و دیگر افسران ارشد نیروی مسلح قطر شرکت نمودند.

فرمانـده کل نیروهای مسـلح قطر نیز در هتل گلف برای فرمانده نیروهای خاورمیانه و افسـران ناو لاسال میهمانی ناهاری ترتیب داد. سفیر ضیافتی ترتیب داد که در آن حدود ۵۰۰ نفر میهمان شرکت داشتند که عبارتند از وزیر خارجه سُهِیمْ و سُهِیمْ عبدالله. در ضیافت برگزار شده در عرشه کشتی برای ۵۰۰ میهمان موسیقی نیز نواخته شد.

۳- فعالیت های دیگر عبارت بودنـد از بازدیـد حـدود ۹۰۰ نفر از نـاو لاسال، پـذیرایی شخصـی از افسـران و دیگر دریانوردان لاسال توسط جامعه آمریکاییان مقیم قطر؛ و دیدارهای ورزشی، بازدید از موزه ملی و غیره.

۴- در مـورد ایـن دیـدار تبلیغـات کـافی انجـام شـد و تمـام ملاقاتهـا و ضـیافت سـفیر در تلویزیـون منعکس گردیـد. در بـولتن خبرگزاری قطر نیز در مورد ناو و فعالیت های انجام شده در این مدت مطالبی منعکس گردید.

۵- در ملاقات با شیخ حمد، دریادار «کراو» وی را در مورد حضور نیروهای خاورمیانه در بحرین توجیه نمود. حمد گفت نمی دانـد که چرا دولت بحرین نمی خواهـد حضور نیروی دریایی آمریکا در آنجا ادامه پیـدا کنـد. وی گفت چنین حضوری برای دولت قطر هیچگونه مشکلی پدیـد نمی آورد، وی اظهار داشت که در این مورد با بحرینی ها صـحبت نخواهـد کرد. در مورد وضـعیت عمومی امنیتی، حمـد در خصوص رویدادهای اخیر آفریقا، به خصوص آنگولا و اتیوپی عمیقاً ابراز نگرانی نمود. وی در حین همین گفتگو در مورد امکان آموزش نیروهای مسلح قطر و افسران آن کشور در آمریکا و همراه با نیروهای خاورمیانه ای سخن گفت. سرتیپ

العطیه همان داستان همیشگی را گفت که قطریها از آمریکا کمک امنیتی می خواهند اما ما هیچگاه نسبت به درخواست های دولت قطر عکس العملی نشان نداده ایم؛ العطیه در مورد کمک آموزشی برای نیروهای قطری بسیار آرامتر از حمد بود. در ملاقات با عبدالعزیز وزیر دارایی و نفت قطر در مورد خطر ربوده شدن تانکرهای نفت کش در خلیج [فارس] صحبت شد. عبدالعزیز خاطرنشان ساخت که با وجود خطراتی که در زمینه ربودن تانکرها وجود دارد باید بتوانیم در این مورد با یکدیگر همکاری نماییم. علاوه بر این در مورد پیشنهادات رئیس جمهور کارتر در مورد انرژی گفتگوهایی انجام شد که جداگانه گزارش شده است.

۶- دیدار و سفر فرمانده نیروهای خاورمیانه ای و ناو لاسال موفقیت آمیز بوده و پذیرایی گرم و ملاقات اعضای عالیرتبه خاندان سلطنتی بسیار جالب توجه بود. ملاقات فرمانده کل نیروهای مسلح قطر با فرمانده نیروهای خاورمیانه و حضور وی در ضیافت ناهار و نیز حضور وزیر خارجه در ضیافت برگزار شده توسط سفیر، نشانگر توجه خاندان سلطنتی به این سفر است. طرح موضوع آموزش توسط حمد نشانگر تغییر روحیه گذشته وی می باشد. تبلیغات وسیعی که درباره این بازدید به راه افتاد نشان می دهد که دولت قطر خواستار همکاری نزدیکتر با نیروهای خاورمیانه ای و با ارتش آمریکاست.

صمیمیت قطریها بدون شک ناشی از صراحت و دوستی و ظاهر بسیار آراسته و رفتار مؤدبانه سروان فترمن و اسمیت و دیگر افسران و خدمه لاسال می باشد. این سفر قطعاً وجهه آمریکا و میزان حضور آن را در قطر افزایش داده و به همین دلیل امکان همکاری نزدیکتر بین آمریکا و قطر پدید آمده است. پیشنهاد می شود از فرمانده نیروهای خاورمیانه، افسران و خدمه لاسال به خاطر تلاش بی شائبه در گسترش روابط ما با این کشور قدردانی به عمل آید.

پاگانلی

علاقه نیروهای مسلح قطر به آموزش دیدن با نیروهای...

سند شماره ۷۰

محرمانه ۳۰ آوریل ۱۹۷۷ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۶

از: سفارت آمریکا، دوحه - ۵۲۶به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در جده، کویت، مسقط، تهران.

مرجع: دوحه ۵۲۵

موضوع: علاقه نیروهای مسلح قطر به آموزش دیدن با نیروهای

خاورمیانه ای و افسران در آمریکا

۱- در ملاقات روز ۲۵ آوریل شـیخ حمد بن خلیفه آل ثانی فرمانده کل نیروهای مسلح قطر با فرمانده نیروهای خاورمیانه ای و سفیر، امکان مشارکت نیروی دریایی قطر در مانورهای مشترک ناوهای نیروی خاورمیانه ای، آموزش این نیروها بر روی عرشه این ناوها، توسط حمد پیش کشیده شد. (اظهارنظر: اکنون دو سال است که ما این مسئله را با حمد در میان می گذاریم

و همیشه به سردی از آن استقبال شده است. پایان اظهارنظر).

ما از ابتکار عمل حمد استقبال کرده و گفتگوهای قبلی را به سمع وی رسانیدیم. ما مطمئنیم که حمد اجازه می دهد اقدامات عملی داشته باشیم و فرمانده جدیدالانتصاب ارتش دریایی سرهنگ صلاح الدین غرّاب نیز که در آنجا حضور داشت در جریان امر قرار گرفت. در گفتگوهای بعدی، سفیر به پیگیری اقدامات پرداخت و او اظهار داشت که به زودی با وی در این زمینه تماس برقرار خواهد ساخت.

۲- علاوه بر این حمد به آموزش در تأسیسات نظامی آمریکا علاقه نشان داد و گفت مایل است «افسران قطر» در آنجا آموزش ببینند. وی گفت قطریها از وضع سند هرست و تأسیسات دیگر راضی نبوده و می خواهند بدانند که آمریکا در این رابطه قادر به انجام چه کاری است.

۳- نظریه: در رابطه با بند ۱ باید گفت که مطرح شدن مسئله آموزش با نیروهای خاورمیانه ای از طرف حمد حائز اهمیت است و ما با هماهنگی با نیروهای خاورمیانه ای مسئله را پیگیری خواهیم نمود. در مورد بند ۲ نیز ظاهراً منظور حمد آموزش دانشگاهی نظامی و آموزش کوتاه مدت افسری در آمریکاست. لطفاً ما را در جریان مقررات مربوط به ورود بیگانگان به دانشگاههای نظامی آمریکا قرار دهید.

علاوه بر این اطلاع دهید که آیا در تأسیسات آموزشی آمریکا به بیگانگان آموزشهای نوع OCS نیز داده می شود یا خیر.

پاگانلی

کویت- هواپیماهای اسکای هاوک

سند شماره ۷۱

سرّیمارس ۱۹۷۸- اسفند ۱۳۵۶

شماره گزارش: ۴/۱۴۰۲۰۱۰

موضوع: کویت- هواپیماهای اسکای هاوک

اطلاعات احتمالاً صحیح است.

در تاریخ ۵ مارس ۱۹۷۸ دو هواپیمای اسکای هاوک که خلبانان آمریکایی آنها را هدایت می کردند در پایگاه هوایی (وفره بیاض) در جنوب غربی کویت به زمین نشستند.

این هواپیماها از طریق فرودگاهی در جنوب مصر از ایالات متحده به کویت انتقال یافته بودند. با پیوستن این دو هواپیما به ناوگان هوایی کویت، این کشور هم اینک دارای ۱۷ فروند هواپیمای اسکای هاوک است.

ایالات متحده قرار است تا پایان سال ۱۹۷۸ نوزده هواپیمای اسکای هاوک دیگر نیز به نیروی هوایی کویت تحویل دهد.

بهره برداری از پایگاه هوایی (وفره بیاض) در منطقه مناقیش در ماه نوامبر ۱۹۷۷ شروع شده است.

گزارش سفر مدیر سازمان مساعدتهای امنیتی دفاعی (آمریکا) به خاورمیانه

سند شماره ۷۲

سری۱۱ تا ۲۸ آوریل ۱۹۷۸-۲۲ فروردین تا ۸ اردیبهشت ۱۳۵۷

از: قرارگاه گروه کمک مستشاری نظامی آمریکابه: سازمان مساعدتهای امنیتی دفاعی

موضوع: گزارش سفر مدیر سازمان مساعدتهای امنیتی دفاعی (آمریکا) به خاورمیانه

عمومی

(بدون طبقه بندی) سپهبد ارنست گریوز مدیر سازمان مساعدتهای امنیتی دفاعی در ماه آوریل ۱۹۷۸ به عربستان سعودی و ایران سفر کرد. از زمان انتصاب به عنوان مدیر سازمان مساعدتهای امنیتی دفاعی در اول ماه مارس ۱۹۷۸ این اولین سفر سپهبد گریوز به خارج از آمریکا و نیز اولین سفرش به عربستان سعودی و ایران که دارای برنامه های وسیعی در زمینه فروش نظامی خارجی آمریکا هستند، محسوب می گردد. پس از سفر به عربستان سعودی و ایران، سپهبد گریوز از تاریخ ۲۶ تا ۲۷ آوریل در کنفرانس کمک امنیتی سالانه فرماندهی اروپا در هایدلبرگ آلمان شرکت نمود. مهم ترین هدفی که در این سفر دنبال می شد نگرشی کلی بر برنامه های کمک امنیتی دولت آمریکا در هر دو کشور، ملاقات با مقامات ذیربط دو مملکت و مشاهده نحوه اجرای برنامه های خاص بود.

عربستان سعودی (۱۱ تا ۱۷ آوریل)

(بدون طبقه بندی) سفر به عربستان سعودی اصولاً به منظور آشنا شدن وی با این کشور صورت گرفته بود. ولی مقامات نظامی عربستان سعودی درخواست کردند که یک روز کامل برای بحث و تبادل نظر در مورد برنامه های جاری کمک امنیتی دفاعی اختصاص داده شود. آخرین بار از ژوئن ۱۹۷۷ و طی بازدید مدیر قبلی، سپهبد «هاوارد ام. فیش» از عربستان سعودی فرصت انجام این کار پیش آمده بود. در آن سفر طرفین توافق کرده بودند که اینگونه تماسها هر شش ماه یک بار برقرار شود. همچنین پیشنهاد شده بود که در ژانویه ۱۹۷۸ نیز ملاقاتی در واشنگتن صورت گیرد. پس از تغییر مدیریت، این کار ممکن نشد، بنابراین مقامات وزارت دفاع و هوانوردی عربستان سعودی با استفاده از سفر سپهبد گریوز مراتب را بار دیگر مطرح کردند.

(بدون طبقه بندی) سپهبد گریوز عصر روز ۱۱ آوریل وارد ظهران شد. عناصر نظامی آمریکایی مقیم عربستان سعودی سپهبد گریوز را در موارد مختلف توجیه نمودند و وی توانست از تأسیسات متعددی بازدید کند. تأسیسات مورد بازدید عبارتند از پایگاه نظامی شاه خالد در الباطن، بندر وزارت دفاع و هوانوردی در المیشاب، پروژه های در دست احداث سپاه مهندسی در ریاض، پایگاههای دریایی دمّان و جُبیل و تأسیسات نیروی هوایی در ظهران، برای جزئیات بیشتر به جدول الف رجوعِ شود. [جدول یافت نشد]

(محرمانه) در تاریخ ۱۵ آوریل پس از برگزاری جلسات توجیهی بسیار مفصل در مورد

برنامه مدرن سازی گارد ملی عربستان سعودی توسط مدیر آمریکایی برنامه، سپهبد گریوز با معاون مالی و اداری برنامه «شیخ تویجیری» که نکات ذیل را مطرح نمود ملاقات کرد: آمریکا به عنوان رهبر جهان آزاد مسئولیت عظیمی برعهده دارد. دولت عربستان سعودی و دولت آمریکا مشترکاً علیه کمونیسم مبارزه می کنند. سؤالی که در اینجا باقی می ماند این است که عربستان سعودی از رابطه اش با آمریکا چه نفعی می برد؟ ادامه تصرف سرزمینهای عربی توسط اسرائیل مسئله ای حاد است که می تواند اعراب را وارد درگیری دیگری بنماید. آمریکا باید تلاش کرده و از بروز جنگ دیگری ممانعت به عمل آورد. اعراب تندرو مایل به ادامه تضاد هستند تا راه برای پیشرفت کمونیسم هموار شود و آمریکا به عنوان هم پیمان اسرائیل که خود فرصت هایی برای کمونیسم پدید می آورد، بیش از پیش شناسایی شود. آمریکا باید در صدد تحمیل راه حلی باشد که در نهایت به نفع اسرائیل نیز باشد.

(بدون طبقه بندی) در تاریخ ۱۶ آوریل، تمام روز صرف گفتگو با مقامات وزارت دفاع و هوانوردی کشور شد. این گفتگوها صبح آن روز با رؤسای نیروها و ستادها و بعد از ظهر آن روز با معاون وزیر دفاع یعنی شاهزاده ترکی ابن عبدالعزیز انجام شد. جزئیات گفتگو با مقامات وزارت دفاع و هوانوردی و نیز اقدامات پیگیری آن به جدول ب ضمیمه شده است. [جدول یافت نشد]

(محرمانه) شکایت سعودیها به طور خلاصه به چند مسئله دیرین از جمله افزایش تورمی هزینه برنامه فروش نظامی خارجی و تأخیر در مرحله ارسال تجهیزات و امثالهم مربوط می شد، اما معلوم بود که مهم ترین نگرانی آنها مربوط به درخواست خرید هواپیمای اف-۱۵ است. سؤال دیگر آنها این بود که آیا ایجاد تأخیر، حذف برنامه ها، یا ناقص بودن تجهیزات ممکن است نتیجه تلاش تعمدی کسانی باشد که می خواهند روابط بین دولتین آمریکا و عربستان سعودی را تیره کنند. در اینجا شاهزاده ترکی به بروز مسائلی که در زمینه ارسال اولیه تانکهای ام-۶۰ به وجود آمده بود اشاره کرد. وی گفت این مشکلات هیچگاه در مورد دیگران وجود نداشته، حتی اسرائیل توانسته است از تانکهای ام-۶۰ در صحرای سینا و دیگر مناطق صعب العبور استفاده کند. سؤالات مشابهی نیز در مورد حذف بعضی از مهمات، آن هم زمانی که عربستان سعودی تفاهم نامه های مربوطه را امضا کرده بود، مطرح گردید که یکی از آنها مربوط به مهمات ضدتانک، توپهای تانک ام- ۶۰ می باشد، گرچه گفته شد که این مشکلات موقتی هستند، ولی ارتشبد حُمید اظهار داشت که بعضی از نظامیان کشور معتقدند که آمریکا نمی خواهد مهمات مربوط به سلاحهایی را که به فروش می رساند، تأمین کند.

(محرمانه) گذشته از این نگرانیهای سعودی که شاید ناشی از تعلیق تصمیم گیری در مورد هواپیماهای اف ۱۵ باشد، چنین به نظر می رسد که سعودیها نقش و حضور گروه کمک مستشاری نظامی و گروه آموزش نظامی آمریکایی در این کشور را مورد ارزیابی و سنجش مجدد قرار می دهند. برداشت آمریکا این بوده که سعودیها خواهان ادامه کار بیشتر نیروهای آمریکایی می باشند، ولی رویدادهای اخیر حکایت از امکان تغییر این خط مشی دارد. وزارت

دفاع و هوانوردی، پذیرش موافقت نامه های مربوط به پشتیبانی از گروه آموزش نظامی آمریکایی را به تعویق می اندازد، در مورد شمار نیروها به خصوص در بخش اداری سؤالاتی مطرح می کند و محدودیت هایی نیز در مورد نیروهای همراه و ایجاد مسکن خانوادگی به وجود آورده است. ظاهراً تلاش سپهبد گریوز، برای جلب موافقت وزارت دفاع و هوانوردی با پذیرش پنج افسر (که در حال به پایان رسانیدن دوره آموزش می باشند) به عنوان همراه موفق بوده است، ولی پس از آنکه وی عازم تهران شد در این تصمیم نیز تغییراتی پدید آمد.

(خیلی محرمانه) نتیجه اینکه، مسافرت وی به عربستان سعودی در بررسی برنامه های جاری فروش نظامی خارجی بسیار مثمرثمر بوده و در مورد نحوه اجرای آن در داخل کشور اطلاعات دست اول تهیه شده و علاوه بر این، بین مقامات مهم آمریکایی و سعودی نیز مذاکرات مهمی انجام گرفته است. با وجود مشکلات، می توان گفت که عصبیت سعودیها در مورد بروز نتیجه بررسی کنگره درباره فروش هواپیماهای اف- ۱۵، حساسیت آنها را افزایش داده است.

ایران (۱۷ تا ۲۵ آوریل)

(بدون طبقه بندی) در سفر به ایران نیز هدفهای مشابهی چون آشنایی با این کشور و بررسی برنامه فروش نظامی خارجی، آشنایی با رهبریت نظامی ایران و ارزیابی عناصر نظامی تیم کشوری، دنبال می شد.

(بدون طبقه بندی) سپهبد گریوز روز ۱۷ آوریل درست موقعی وارد تهران شد که توانست در ضیافت شام سفیر به افتخار ارتشبد «آر. ای. هایزر» و معاونت فرماندهی کل نیروهای آمریکا و اروپا که مشغول ارزیابی فرماندهی و کنترل ایران بود، حضور به هم رساند. در این ضیافت فرصتی پدید آمد تا وی بتواند با گروه کوچکی از فرماندهان نیروهای ایرانی ملاقات نماید که خود آغازی بسیار مؤثر بود. چهار روز از روزهای اقامت سپهبد گریوز صرف سفر و بازدید تأسیسات نیروهای ایرانی در سراسر این کشور پهناور گردید. در این سفر وی موفق به بازدید از مرکز پشتیبانی و تعمیر هلیکوپتر در تهران؛ مرکز آموزش هوانیروز در اصفهان؛ پایگاه اف-۱۴ در اصفهان؛ محل استقرار موشک های هاوک در بوشهر؛ بخش هوابرد نیروی دریایی در بوشهر؛ کارخانه اردنانس تهران؛ پایگاه هلیکوپترهای ارتش در کرمانشاه؛ مرکز آموزش نیروی دریایی در بندر پهلوی؛ قرارگاهها و تعمیرگاههای کشتی نیروی دریایی در بندر عباس؛ پایگاه هواپیماهای اف-۴ و P-۳ F در بندرعباس؛ پایگاه هوایی و دریایی در چا بهار (در دست احداث) شد. جزئیات و برنامه سفر در جدول ج آمده است. [جدول یافت نشد]

(محرمانه) در این سفر هیچگونه مسئله حادی مطرح نشد، ولی در مورد چند موضوع و مسئله گفتگوهایی صورت گرفت. ظاهراً ایران در جذب و کاربرد تجهیزات خریداری شده در نیروهای مسلح خویش به پیشرفت های قابل ملاحظه ای دست پیدا کرده است و گروه کمک مستشاری نظامی آمریکا نیز به خوبی با وظایف خویش آشناست و توانسته مشکلات سازماندهی خویش را در رابطه با مدیریت برنامه فروش نظامی خارجی در قبال نقش سنتی

مستشاری مرتفع سازد. سفیر نیز به تمام برنامه های وزارت دفاع در ایران آشنایی و توجهی خاص نشان می دهد.

(محرمانه) نگرانیها و مشاهدات خاص به شرح زیر است:

فهرست تجهیزات مورد نیاز

نیازهای درازمدت ایران که به درخواست آمریکا در دسامبر ۱۹۷۷ مطرح گردید، انجام ارزیابی کامل و سریع توسط آمریکا را ایجاب می کند. پس از آن وزارت امور خارجه خواهد توانست پاسخ مناسبی به ایران بدهد.

سیستم های رزمی دریایی برای ناوچه های آلمانی و هلندی

نیروی دریایی ایران اعلام نمود که مایل به دریافت این سیستم هاست. به همین دلیل مرحله بررسی به سرعت در حال پایان یافتن است. در مورد مشکلاتی از قبیل انطباق پذیری فنی تجهیزات آمریکایی با ناوچه های خارجی و نیز میزان مشارکت و مسئولیت آمریکا در آموزش و امور لجستیکی نیز پیش بینی هایی شده است.

چا بهار

این یک بندر و پایگاه دریایی بسیار عظیم است که در بخش جنوب شرقی فاقد پیشرفت ایران،در دست احداث است. یک شرکت آمریکایی به نام «براون اوروت» مستقیماً با نیروهای دریایی ایران پیمانی منعقد ساخته است. این پروژه مرحله به مرحله ساخته خواهد شد و کل هزینه آن ۴ میلیارد دلار برآورد شده است. مرتفع ساختن مشکلات و وسعت این پروژه دورافتاده به خصوص در رابطه با بخش کشتی سازی، با در نظر گرفتن میزان هزینه برآورد شده کنونی نیل به اهداف موردنظر را دشوار می نمایاند.

(بدون طبقه بندی) یادداشت های مکالماتی گفتگو با ارتشبد توفانیان معاون وزیر جنگ؛ ارتشبد ازهاری رئیس ستاد عالی فرماندهی؛ دریاسالار حبیب اللهی فرمانده نیروی دریایی ایران؛ سپهبد ربیعی فرمانده نیروی هوایی و سفیر سولیوان در جداول د ۱ آمده است. [جدول یافت نشد]

ورود فرمانده نیروهای خاورمیانه ای و ناو سمز به قطر

سند شماره ۷۳

خیلی محرمانه۸ می ۱۹۷۸ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا، دوحه ۵۱۱به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، جده، کویت، منامه، مسقط، تهران

موضوع: ورود فرمانده نیروهای خاورمیانه ای و ناو سمز به قطر

۱- خلاصه: ورود فرمانده نیروهای خاورمیانه ای و ناو سمز (SEMMES) به قطر به طرز

بی سابقه ای موفقیت آمیز بود. میزبانان قطری که تحت تأثیر رفتار درست و ظاهر باشکوه افسران، خدمه و خود ناو قرار گرفته بودنـد، به گرمی از آنهـا اسـتقبال نمودنـد. احتمـال همکـاری در زمینه آموزش و تمرین بین فرمانـده نیروهـای خاورمیانه ای و ارتش دریایی قطر نیز وجود دارد. پایان خلاصه.

۲- دریادار توماس جی. بیگلی توسط ناو جنگی سـمز آمریکا تحت فرمانـدهی فردریک ام. ویلیامسون از تاریـخ ۴ تا ۶ می از قطر بازدیـد نمود. پس از جنگ اعراب و اسـرائیل در سال ۱۹۷۳، این اولین ورود یـک نـاو آمریکایی به این کشور بود. اولین تقاضای ما در سال ۱۹۷۵ برای انجام این سـفر مورد قبول دولت قطر واقع نشد، چون گمان می کردند که آمریکا در نظر دارد به کشورهای تولید کننده نفت حوزه خلیج [فارس] حمله ور شود.

۳- سـرتیپ محمد العطیه معاون فرمانده نیروهای مسـلح قطر میزبان این دیدار بود. (فرمانده کل نیروها شـیخ حمد بن خلیفه آل ثانی فرزند ارشد امیر قطر در داخل کشور بود ولی به علت اینکه به تازگی پس از معالجات پزشـکی از اروپا برگشـته بود نمی توانست در آنجـا حضور داشـته باشـد). العطیه بـا دریاسالار بیگلی و فرمانـده ویلیامسون که با سـفیر همراه بودنـد بارها ملاقات نمود. علاوه بر این، العطیه یک ضـیافت سـنتی (کباب بره) به افتخار فرمانـده نیروهای خاورمیانه ای و افسـران ناو سـمز برگزار کرد. در این سفر با وزیر خارجه شیخ سهیم بن حمد آل ثانی نیز ملاقات گردید.

۴- فعالیتها عبارت بودند از صـرف ناهار بر روی عرشه ناو سمز به افتخار افسران ارشد نیروی مسلح قطر و رؤسای نمایندگیهای سیاسـی و ضـیافتی دیگر در باغ محل اقامت سـفیر که در آن حـدود ۳۵۰ نفر از مقامـات دولت قطر، تجـار، اعضای سـفارتها و جامعه بیگانگان مقیم آن کشور حضور داشتند.

خدمه ناو سـمز با قطریها به بازی بسـکتبال (ما برنده شدیم) و فوتبال پرداختند و در بازی فوتبال ما باختیم. زیرا قطریها در بازی های منطقه خلیج[فارس] سوم شده بودند. حدود ۲۵۰ نفر از عرشه ناو سمز بازدید کردند و ۲۰۰ نفر از نیروهای ناو از مناظر و دیدنیهای محلی به خصوص موزه ملی قطر دیدار به عمل آوردند.

۵- از نظر سیاسـی، مـا از وزیر خـارجه قطر خواستیم که نظرات خود را در مورد حضور نیروی دریـایی آمریکـا در بحرین ابراز نمایـد. سُـهیم در اینجا سؤال کرد که آیا نیروی خاورمیانه ای در این منطقه نقش حفاظتی ایفا می کند یا خیر. دریاسالار بیگلی در پاسـخ گفت که این نیرو در منطقه اهـدافی چون حضور و حسن نیت را دنبـال می کنـد. در بخش نظـامی، عـتیبه به امکـان برگزاری مانورهـای مشترک بین ناوهـای نیروی خاورمیـانه و نیروی دریـایی قطر و نیز امکـان آموزش نیروهای قطری در روی عرشه ناو آمریکایی اظهار علاقه نمود. (نظریه: ما موضوع را با العطیه و شـیخ حمد پیگیری خواهیم کرد). در مورد امنیت خلیج [فارس] و جمهوری دمکراتیک خلق یمن نیز گفتگوهایی انجام شد.

۶- نظریه: سفر فرمانده نیروهای خاورمیانه ای و «سمز» بسیار موفقیت آمیز بود. رفتار شایسته افسران و خدمه ناو و ظاهر آراسته ناو جوّ بسیار صمیمانه ای در میان میزبانان قطری ایجاد کرده بود. بارها از ما دعوت شد که بار دیگر به دوحه سفر کنیم. این سفر در زمینه حضور آمریکا در اینجا بسیار موفق بوده و کمک زیادی به روابط آمریکا و قطر کرده است. با سپاسگزاری عمیق از دریاسالار بیگلی، فرمانده ویلیامسون و افسران و خدمه سمز به خاطر کمک بسیارشان در بالا بردن وجهه آمریکا در اینجا.

پاگانلی

گزارش سیاسی در مورد ثبات خلیج [فارس] و امنیت منطقه

سند شماره ۷۴

سری۲۳ دسامبر ۱۹۷۸ ۲ دی ۱۳۵۷

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - ۱۳۹۳به: سفارت آمریکا، تهران

موضوع: گزارش سیاسی در مورد ثبات خلیج [فارس] و امنیت منطقه

(سری - تمام متن)

۱- در رابطه با نگرانی واشنگتن در مورد ثبات منطقه به دنبال وقایع ایران، از اقدام کنندگان مخاطب خواسته می شود که با اولویت به گزارش بافت و عامل تحرک سیاسی هر یک از کشورهای خلیج [فارس] بپردازند. آنچه واشنگتن می خواهد عبارت است از ارزیابی(۱) اوضاع داخلی هر یک از کشورهای خلیج [فارس](۲) درک دولت های منطقه درباره تعادل نیرو در منطقه و نظر آنها درباره امنیت آنها، و (۳) تغییرات احتمالی در سیاست های خارجی.

۲- ضرایبی که باید در این زمینه در نظر گرفته شوند عبارتند از:

پایه قدرت رژیم، میزان نیرو و وفاداری آن؛ که در این زمینه نقش خانواده حاکم را به عنوان یک منبع ثبات نیز باید مورد بحث قرار داد؛

تأثیر نیروهای امنیتی در تداوم ثبات؛

نقش عناصر خارجی در جامعه؛

نفوذ همسایگان نیرومندتر و نیز نفوذ نهضت های سیاسی عربی و اسلامی بر شرایط سیاسی هر کشور؛ و

تمایل و یا عدم تمایل به همکاری نزدیکتر میان دولت های خلیج [فارس] به دنبال وقایع ایران.

۳- در این رابطه بهتر است واحدهای دیپلماتیک درباره نظر هر یک از کشورهای خلیج[فارس] در مورد نقش امنیتی آمریکا در منطقه و نظر آنها درباره اینکه آیا سیاست تسلیحاتی ما با نگرانی درباره امنیت خلیج [فارس] مطابقت دارد و دیگر اینکه آیا دولت های مزبور در آینده مایل خواهند بود در زمینه برقراری امنیت با آمریکا همکاری نمایند، گزارشاتی ارسال دارند. در همین رابطه بهتر است از عکس العمل کشورهای مزبور در تداوم و یا گسترش

حضور تأسیسات و یا نیروهای نظامی آمریکا در منطقه نیز اطلاعاتی برای ما بفرستید.

۴. ما اعتراف می کنیم که وزارتخانه از میزان کار سنگینی که بر دوش هر یک از واحدهای مخاطب قرار داده آگاه است و نمی خواهد با ایجاد برنامه زمانی مشخص و نحوه تهیه گزارش به آن کارها اضافه نماید. ولی با تغییرات سریعی که در متن شرایط سیاسی، نظامی و امنیتی پس از وقایع ایران در خلیج[فارس] به وجود آمده است واشنگتن نیز نیاز شدیدی به دریافت گزارش های مربوط به امور سیاسی، نظامی و امنیتی دارد. با در نظر داشتن این مسئله و ماهیت وسیع منابع (که محققین اخیراً درباره آن تأکید کرده اند)، ما به دریافت ارزیابی سفارت (تا ۲۷ دسامبر در صورت امکان) در مورد سؤالات زیر راغب هستیم: (الف) در رابطه با گزارشهای مربوط به امور نظامی و امنیتی: آیا انتصاب یک وابسته نظامی منطقه ای به یکی از واحدهای دیپلماتیک خلیج [فارس] که مسئول ارسال گزارش امنیتی منطقه ای و کشوری، باشد از نظر سفارت درست است و آیا توسط دولت میزبان مورد قبول واقع می گردد؟ آیا این فرد خواهد توانست به افراد و منابعی دسترسی داشته باشد که سفارت در تهیه گزارشهای مربوطه این امکانات را ندارد، البته باید توجه شدید و فزاینده واشنگتن را به اطلاعات و جاسوسی در نظر داشت؟ (ب) در رابطه با گزارشهای سیاسی: آیا ارسال افراد موقتی و یا بازدید مقامات سیاسی از منافع منطقه ای جهت فرستادن گزارش مفید است؟ آیا این فرد خواهد توانست باری از دوش دیگر مقامات سفارتی بردارد؟ میزان دسترسی او به منابع و افراد چگونه است؟ اگر این فرد در مورد منطقه تجاربی داشته باشد آیا خواهد توانست با در نظر گرفتن نیازهای واشنگتن به کارهای سفارت کمک نماید؟ (پ) در رابطه با نیاز شدید واشنگتن به دانستن رخدادهای سیاسی کشورهای خلیج [فارس]: آیا در این جوامع بخش ها یا افرادی وجود دارند که منابع اطلاعاتی باشند و سفارت به علت کمبود نیرو نتوانسته است در گذشته با آنها تماس حاصل نماید؟ منظور ما از این بخش ها دانشجویان، کارمندان دولتی و نظامی میان رتبه و رهبران قبیله (اگر مناسب است)، رهبران مذهبی و بازرگانان طبقه متوسط و غیره است.

۵- این وزارتخانه می داند که همه مخاطب های اقدام کننده در سالهای اخیر درباره این مسائل در گزارشات خود کار کرده اند و بعضی از این گزارشها (مسقط ۱۶۱۱، منامه ۱۶۶۴، کویت ۶۶۵۰، دوحه ۱۵۷۷) اخیراً دریافت شده است. علاوه بر این در مورد طرح گزارشی واحدها چیزهایی دریافت خواهیم کرد و در رابطه با آن شما را از نیاز گزارش خود آگاه خواهیم نمود.

۶- این وزارتخانه مایل است بگوید که واحدها باید در گزارشهای خود به سؤالات مربوطه در رابطه با شرایط خاص دولت میزبان و منابع خودشان پاسخ دهند. به طور مثال، گزارش الف ۷۴ ابوظبی که در نوامبر ۱۹۷۷ (پیام سالانه سفیر در مورد «وضع اتحاد») که مانند گزارش ۴۴۱ (۷۶) قبلی ابوظبی است، دقیقاً موردنظر ماست و می دانیم که قرار است سفارت گزارش سالانه خود را تا چند هفته دیگر برای ما ارسال دارد. گزارش تمام واحدها در مورد جمعیت

ایرانی شیعه (مانند گزارش کویت ۶۶۵۰) در مورد روند سیاست خارجی نیز مورد تقاضا و درخواست است.

۷- بخش گزارش سالانه نیز در حال تهیه یک پیش نویس غیررسمی در مورد ارزیابی سیاسی کشور شما می باشد، که البته این متن وضع خاصی ندارد و برای شما ارسال خواهد گردید تا به عنوان نمونه گزارشی توسط شما مورد استفاده قرار گیرد و الزاماً منعکس کننده نتیجه گیریهای ناپخته ای در مورد شرایط است و ما آن را برای شما ارسال خواهیم داشت تا به عنوان یک فرضیه مورد آزمایش قرار دهید و ابتدا تصور کنید که این فرضیه ها درست است ولی در گزارش های خود آن نکات را بسط و گسترش دهید. به همراه آن مطلب دیگری نیز تحت عنوان«تأثیر ایران بر شبه جزیره عربی» برای شما فرستاده خواهد شد.

۸. اقدامات مورد نیاز: (الف) در صورت امکان تا ۲۷ دسامبر واحدها، پاسخ سؤالات طرح شده در بند ۴ را به این وزارتخانه ارسال دارند؛ (ب) درست است که برنامه زمانی معینی تعیین نمی کنیم ولی خوشحال می شویم که سفارتها پاسخ سؤالات آمده در بندهای ۳-۱ را هر چه زودتر ارسال نمایند. کریستوفر

سیاست انگلیس در قبال عمان

سند شماره ۷۵

سری۲ می ۱۹۷۹ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط ۷۳۳به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در امان، منامه، بیروت، دمشق، دوحه، جده، کویت، لندن، مسکو، پاریس، صنعا، تهران

مرجع: الف) وزارت امور خارجه ۷۰۵۹۷، ب) لندن ۶۴۵۶، پ) کویت ۱۷۱۲

موضوع: سیاست انگلیس در قبال عمان

۱- (سری - تمام متن)

۲- خلاصه: علی رغم بیانیه های اخیر مقامات انگلیسی مبنی بر ترس از عدم ثبات در عمان، منابع سفارت انگلیس در مسقط معتقدند که سیاست دولت انگلیس در قبال عمان در چند سال آینده روند کنونی خود را ادامه خواهد داد. افسران انگلیسی در نیروهای مسلح عمان باقی خواهند ماند، در حالیکه حضور آنها کاهش و عمانی کردن نیروها افزایش خواهد یافت. افسران پیمانی انگلیس مورد استفاده بیشتری قرار خواهند گرفت. ولی سفارت انگلیس معتقد است که در میزان تأکید بین اینجا و لندن تفاوتی وجود دارد، به این ترتیب که لندن در مورد آینده نزدیک بدبین است. سفارت انگلیس فکر می کند که تا پنج سال آینده مشکلی به وجود خواهد آمد ولی در حال حاضر چنین نیست. پایان خلاصه.

۳- ما با همکاران خود در سفارت انگلیس در چند هفته گذشته درباره سیاست انگلیس در قبال عمان گفتگوهایی انجام داده ایم. پرس و جوها نیز ناشی از نتیجه گیری افراطی و نظریات

بـدبینانه سـرآنتونی پارسونز معاون وزیر خارجه و «فرانک جود» وزیر مشاور در بخش امور خارجه در مورد این سـلطنت نشـین بوده است. (به مراجع الف و ب نگاه کنید) این گزارش و گزارشات دیگر (مرجع پ) چرخش مهمی در افکار رسمی انگلیس در قبال عمان نشان می دهد، که می تواند منجر به تسریع خروج انگلیس به خصوص در حوزه نظامی گردد.

۴- مـا اساساً بـا کـاردار دونالـد پراگنـل و وابسـته دفـاعی «نیگـل نـاکر» تمـاس داشتیم، لیکن تماسـهای دیگری نیز گرفته ایم. خواهشمند است از این منابع حفاظت لازم به عمل آید.

۵- تمام گفتگوهای ما به یک نتیجه گیری خاص ختم شد: در سیاست انگلیس در قبال عمان در چند سال آینده تغییر چندانی پدیـد نخواهد آمد. درست است که «جود» در گفتگوی خود با «زواوی» وزیر خارجه تندروی کرده است، لیکن بنا به گزارش مطبوعات انگلیسـی، پیام اصـلی وی این بوده است که دولت انگلیس نمی توانـد متضـمن امنیت عمان باشد و کشورهای خلیج [فارس] باید به وحدت میان خود در برقراری این امنیت متکی باشند. این نظریه با منافع قبلی انگلیس در عمان و سیاست پیشین دولت انگلیس مغایرتی ندارد.

۶- پراگنـل اظهار داشت که بین لنـدن (وایت هال) و سـفارت انگلیس در عمان در مورد تأکیـد بر این مسـئله اختلافاتی وجود دارد، به این ترتیب که لندن در مورد استعدادها و کیفیت رهبری سلطان قابوس و دورنمای ثبات عمان نظریات همراه با بدبینی دارد. سـفارت معتقـد است که آشوبهـای داخلی در پنـج سـال دیگر بروز خواهـد کرد، چون دانشـجویان در حـال بازگشت از کشورهای دموکراتیک غربی، گروه قابل ملاحظه ای تشکیل خواهند داد. از طرف دیگر بعضی از مقامات وایت هال معتقدند که در آینده نزدیک از طرف افسران ناراضی ارتش کودتایی علیه قابوس صورت خواهد گرفت. سفارت انگلیس این نظریه را رد می کند چون:

الف) تعداد انگلیسـی ها در میان افسـران این کشور خیلی زیاد است، ب) افسـران عمانی شدیداً به سـلطان وفادار هستند، و پ) اعتراضات مربوط به اشتباهات گذشته سلطان شکل خاصی پیدا نکرده است.

۷- پراگنـل در تأییـد بـاور خـودش که سـیاست انگلیس تغییری نخواهـد کرد، به بیـان مواضع انگلیس در قبـال عمـان از طرف دولت کالاهان قبل از انتخابات اشاره کرد. به نظر ما این بیانیه شدت حمایت انگلیس را در قبال این سـلطنت نشـین مانند برنامه های گذشـته نشان می دهـد که همان خروج افسـران از ارتش به طور تـدریجی و پذیرش انعطاف پذیری است. پراگنل و ناکر هر دو معتقدنـد که این میزان حمایت تا بعـد از انتخابات نیز ادامه خواهد داشت و پیروزی محافظه کاران نیز سـبب خواهد شـد که حضور انگلیس ادامه بیشتری یابد.

نظریه: دولت انگلیس در قبـال اعزام افسـران خـود پول خوبی دریـافت می کنـد بنـابراین از نظر اقتصـادی هزینه ای برای خزانه داری انگلیس به وجود نمی آورد. پایان نظریه.

۸- ناکر گفت دولت انگلیس بدون شک سـلطنت را تشویق خواهد کرد که از افسران رابط انگلیسی در نیروهای مسلح سلطان

به جای افسران کمکی انگلیسی استفاده شود. ولی عمانیها

باید شـرایط خدمت و پرداخت را جذابیت بیشتری ببخشـند تا افراد نظامی انگلیسـی نیز حاضـر به کار شوند. ناکر گفت، دولت انگلیس احتمالاً ـ وزارت دفـاع عمـان را به انجـام این کـار متقاعـد خواهـد ساخت. وی اعتراف کرد که دولت انگلیس همواره نگران درگیر شدن افسران کمکی انگلیس در اختلافات مرزی رایج در این نقطه از جهان بوده است. ولی، درگیر شدن افسران پیمـانی در این مشاجرات نیز موجبات شـرمساری را فراهم خواهـد آورد، چون مطبوعات جهان بین این دو نوع خـدمت تفاوت چندانی نمی بینند.

۹- ناکر سه پیش بینی زیر را در مورد کارهای آتی انگلیس در نیروهای مسلح سه گانه سلطنت نشین ابراز داشت:

الف) نیروی زمینی سـلطان عمان: عمانی کردن این نیرو به خوبی به پیش می رود و خروج افسران کمکی از مواضع فرماندهی و ستادی تا سال ۱۹۸۱ آغاز خواهد شد. ولی پس از آن گروه بزرگی از افسران کمکی به کار آموزش اشتغال خواهند یافت.

ب) نیروی هوایی سلطان عمان: عمانی کردن به خصوص در زمینه خلبانی جت در حال تحقق است، لیکن تا قبل از سال ۱۹۸۵ چهره انگلیسـی این نیرو تغییر چنـدانی در جهت عمـانی شـدن نخواهـد یـافت. نیروهـای فنی را نیز تا چنـد سال دیگر بیگانگان تشکیل خواهند داد.

پ) نیروی دریایی سـلطان عمان: عمانی کردن این نیرو به کنـدی انجام می شود، چون به گفته ناکر افسـران انگلیسـی این نیرو سنت گرا بوده و علاوه بر این تجهیزات الکترونیکی کشتی هـای خریـداری شـده و یا تبـدیل آنها توسط نیروی دریایی عمان، مانع از پیشرفت سریع تر در این زمینه است. ناکر گفت که کندی عمانی شدن این نیرو وی را قدری نگران ساخته است.

۱۰- نظریه: اگر ارزیابی رابطهایمان در سـفارت انگلیس قدری هم درست باشد، ما فکر می کنیم که افسـران انگلیسـی هر قدر که لازم باشد در نیروهای مسلح این سلطنت نشین خواهند ماند تا یک بنیه دفاعی معقول فراهم آید. انگلیس تا حدودی وظیفه خود می داند که این کار را انجام دهد تا از میزان اعتبارش در میان دیگر هم پیمانان کوچک و بزرگش کاسته نشود.

۱۱- لیکن نگرانی های ناشـی از وایت هال واقعیت دارد. این نگرانی ها انعکاس ارزیابی های بسیاری از ناظران غربی در مورد نواقص سـلطان قابوس در نحوه فرمانروایی خود برخلاف ارزشـهای غربی است. با در نظر گرفتن تأثیرات روانی اوضاع ایران و وضع خطرناک سـلطان به خاطر موضع وی در قبال رونـد صـلح کمپ دیوید، به آسانی می توان دریافت که چرا مقامات لندن اظهار نگرانی کرده و مایلنـد قبل از بروز فاجعه از آنجا خارج شونـد. با این وجود لنـدن نیز می داند که انگلیس و دیگر جهان غرب منافعی در این منطقه داشـته و خروج ناگهانی انگلیس بحران را بیشتر خواهد کرد. تا به حال حس وظیفه شناسی انگلیس غالب بوده و به نظر ما ادامه خواهد یافت.

۱۲- پراگنـل گفت که «آیورلوکاس» سـفیر جدیـد انگلیس به زودی وارد مسـقط خواهـد شـد. (توجه: او در یکم ماه می وارد مسقط گردید.) این امر و موضوع انتخابات انگلیس وضع را

روشن تر خواهد ساخت. پراگنل گفت بهتر است چند هفته دیگر به او سر بزنیم. وایلی

مقاله «فورچون» درباره نقش نظامی آمریکا در خلیج فارس

سند شماره ۷۶

محرمانه۴ می ۱۹۷۹ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی ۳۷۳۳به: سفارت آمریکا، کویت با الویت

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در منامه، مسقط، ابوظبی، جده، صنعا، تهران، قاهره، تل آویو، امان، مسکو.

موضوع: مقاله «فورچون» درباره نقش نظامی آمریکا در خلیج فارس

۱ ما متن مقاله فورچون را به وسیله بایگانی بی سیم خود در تاریخ هفتم ماه می برای مخاطبها می فرستیم.

۲ در صورتی که در مورد این مقاله با شما صحبت شد، از سیاست زیر پیروی نمایید:

این مقاله نوعی طرز تفکر است و نشان دهنده سیاست آمریکا نیست.

دولت آمریکا در مورد وجود یا عدم وجود برنامه های اضطراری اظهارنظر نمی کند.

سیاست آمریکا در قبال خلیج فارس از اهمیت عمومی برخوردار است. ما از تلاش دولتهای منطقه برای بالا بردن بنیه دفاعی خودشان حمایت می کنیم. اقدامات ما در مورد توسعه این سیاست اخیراً اتخاذ شده است.

به خاطر اهمیت عمومی، دولت آمریکا معتقد است که منافع مهمی در منطقه دارد و در صورتی که این منافع مورد تهدید واقع شود، این دولت گامهای مناسبی که با مراحل قانونی تطابق داشته باشد، برخواهد داشت. کریستوفر

مقاله «فورچون» درباره نقش نظامی آمریکا در خلیج فارس

سند شماره ۷۷

محرمانه۸ می ۱۹۷۹ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی ۶۶۱۰به: سفارت آمریکا، ابوظبی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در امان، قاهره، دوحه، جده، کویت، لندن، امان، مسکو، صنعا، تهران

مرجع: (الف) وزارت امور خارجه ۱۱۳۷۳۳، (ب) مسقط ۷۶۳

موضوع: مقاله «فورچون» درباره نقش نظامی آمریکا در خلیج فارس

۱ (محرمانه - تمام متن)

۲ علاوه بر مطالبی که در مرجع الف آمده، نمایندگی ها باید دقت داشته باشند که (چنانچه این مقاله مطرح گردید) دولت ایالات متحده هیچ برنامه ای حتی به صورت استفاده محدود از جزیره مصیره در خلیج عمان ندارد.

ونس

درخواست سیستم موشکی هاوک از سوی بحرین

ص: ۲۰۴

سند شماره ۷۸

سری۱۶ ژوئن ۱۹۷۹ ۲۶ خرداد ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، ابوظبی ۱۵۸۰به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوحه، جده، کویت، منامه، مسقط، تهران

مرجع: منامه ۱۲۵۱

موضوع: درخواست سیستم موشکی هاوک از سوی بحرین

۱- (سری - تمام متن)

۲- از سفارت (آمریکا) در منامه به واسطه تکرار ارسال پیام به وزارت امور خارجه در خصوص تقاضای دوباره بحرین در مورد سیستم موشکی هاوک و فرصتی که به من می دهد تا نظراتی ارائه گردد، تقدیر می نماید.

۳- هنوز فضای فکری در وزارت امور خارجه در مورد درخواست مستمر بحرین معلوم نیست، ولی به نظر من این تقاضا نمونه خوبی است که نشان می دهد چرا ما سیاست سلاح کمتر در خلیج [فارس] را ضروری احساس می کنیم و اینکه چرا خودداری از فروش سلاح های پیشرفته طی این همه سال منطقی تصور شده است. در حالیکه بحرین پالایشگاهی دارد که باید حراست شود، در امارات متحده عربی و دیگر کشورهای کوچک تولید کننده نفت در خلیج [فارس] نیز صدها تأسیسات نفتی (سکوهای آبی، کارخانه های تولید گاز مایع، پالایشگاه، انبارهای ذخیره و غیره) وجود دارد که باید به همین ترتیب حفاظت شوند. ما تردید داریم که هر مهاجم مشخص در خلیج [فارس] که در نظر دارد به تأسیسات نفتی صدمه بزنند، بخواهد در بحرین این کار را انجام دهد، چون می تواند هدفهای موفق تری انتخاب کند.

۴- با در نظر گرفتن تجربه سعودی و کویت، هیچیک و یا کشورهای معدودی در شبه جزیره، نیروی انسانی متخصص لازم برای اداره سیستم پیچیده موشکی هاوک در اختیار دارند. در مورد امارات متحده عربی این موضع از طریق اظهارات رئیس ستاد معلوم شد که به ما گفته است اصلاً مایل به دریافت سیستم موشکی هاوک و یا هر سیستم موشکی مشابه و پیچیده ضدهواپیما نیست. ولی به هر حال چنانچه بحرین بخواهد هاوک ها را دریافت کند، دیگر رهبران امارات متحده عربی نظر رئیس ستاد این کشور را تغییر خواهند داد. در نتیجه اگر ما فروش هاوک به بحرین را مورد بررسی قرار دهیم و عربستان سعودی نیز به دلایل سیاسی تأمین مالی آن را به عهده بگیرد، آن گاه این مسئله مانند مسابقه بی ثمر و پرهزینه ای بین دیگر کشورهای خلیج [فارس] برای به دست آوردن سلاح مشابه تشدید خواهد شد، در حالی که هیچ حفاظت واقعی دربر نخواهد داشت.

۵- به نظر من زمان آن فرا رسیده که دولت آمریکا در رابطه با این نوع تقاضاها چنین پاسخ دهد که امنیت کشورهای کوچک حوزه خلیج [فارس] تنها از طریق همکاری امنیتی میان خود این کشورها شامل کویت و احتمالاً عربستان سعودی امکان پذیر می گردد. ما باید اضافه کنیم

که به علاوه ما در پاسخ خود به فروش تسلیحاتی مبتلابه منطقه خلیج [فارس]، این مطلب را مورد بررسی قرار خواهیم داد که آیا یک ترتیبات امنیتی ملموس در منطقه خلیج [فارس] در حال شکل گیری است. دیکمن

تقاضای بحرین برای دریافت سیستم موشکی هاوک

سند شماره ۷۹

سری۱۹ ژوئن ۱۹۷۹ ۲۹ خرداد ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، کویت ۲۹۷۴به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوبی، جده، منامه، مسقط، تهران

مرجع: الف) منامه ۱۲۵۶، ب) ابوظبی ۱۵۸۰

موضوع: تقاضای بحرین برای دریافت سیستم موشکی هاوک

۱- (سری – تمام متن)

۲- خلاصه: بر اساس عوامل نظامی و ملاحظات استراتژیک و چشم اندازهای فزاینده برای همکاری در زمینه امنیت منطقه ای، من حمایت از توصیه سفیر پلترو جهت فروش سیستم کوچک دفاع هوایی موشک هاوک به بحرین را امکان پذیر می دانم. پایان خلاصه.

۳- قبل از ارائه نظر خود درباره تقاضای بحرین برای سیستم موشکی هاوک، من از کارشناسان هاوک از MIRCOM در گروه مستشاری نظامی سفارتمان تقاضا کرده ام تا ارزیابی مختصری درباره عملی بودن ارائه این سیستم تسلیحاتی به بحرین تهیه نمایند. ارزیابی شتابزده VSLOIS/MICOM بر اساس اطلاعات محدود درباره استقرار آتشبارهای هاوک در عربستان سعودی نشان می دهد که سه آتشبار هاوک در بحرین می تواند یک منطقه مهم از نظر حیاتی برای بحرین را مستقیماً در شرق و شمال این جزیره پوشش دهد که به وسیله آتشبارهای هاوک عربستان سعودی مستقر در منطقه ظهران تأمین نمی شود. این ارزیابی همچنین توصیه می کند که نظر به فاصله نزدیک بحرین به حریم هوایی عربستان سعودی، هر سیستم هاوک در بحرین باید در قلمرو شبکه دفاعی عربستان سعودی قرار بگیرد تا به بهترین نحو بتوان آن را به کار گرفت. من طی تلگرام جداگانه این ارزیابی را مخابره می کنم.

۴- نگرانی اولیه من درباره گزارش جالب توجه پلترو (مرجع الف) برای آن بود که یقین حاصل کنم که برای تقاضای بحرین یک توجیه نظامی معقول وجود دارد. بر اساس این ارزیابی نظامی، چنین به نظر می رسد که چنین چیزی وجود دارد.

۵- از لحاظ استراتژیکی همانطوری که من قبلاً ضمن گزارشی خاطرنشان ساختم، معتقد هستم که پی ریزی حضور معتدل ولی مشهود آمریکا در منطقه خلیج فارس یک امر اساسی است. کمترین نوع تهاجمی حضور نظامی آمریکا در زمین از طریق گروه کوچک مستشاری نظامی در ارتباط با یک برنامه کمک امنیتی محدود می تواند حاصل گردد.

۶- من در گذشته چندین بار به وزارت امور خارجه خاطرنشان ساخته ام (هر چند ظاهراً

نتیجه ای نداشته است) که در خلیج [فارس] از ترتیبات امنیت منطقه ای حمایت نمی شود. تا زمانی که ایالات متحده زمینه ای برای آن ایجاد نکند تا مدتها این حمایت وجود نخواهد داشت. تصمیم جهت فراهم کردن موشکهای هاوک برای بحرین در وهله اول به منزله آغاز همکاری نظامی در سطح دوجانبه و احتمالاً در وهله بعدی در سطح منطقه خواهد بود. برای آنکه سیستم موشکهای هاوک بحرین صورت معناداری داشته باشد، باید از لحاظ فرماندهی و کنترل به سیستم عربستان سعودی پیوند داده شود، زیرا حداکثر برد هر یک از این دو سیستم (با شعاع ۳۸ کیلومتر) تا اندازه ای قلمرو هوایی هر دو کشور را دربر خواهد گرفت. ادغام این دو سیستم در یکدیگر ممکن است شامل استفاده سیستم بحرین از رادار دوربرد عربستان سعودی و همچنین سهیم شدن بحرین در پشتیبانی لجستیکی عربستان سعودی (لوازم یدکی و غیره) و تعمیم پشتیبانی پیمانکاری «ریتیون» به خارج از عربستان سعودی باشد. این کار مخارج سیستم موشکی بحرین را به نحو قابل توجهی کاهش خواهد داد، هر چند مخارج اساسی باقی خواهد ماند. ارزیابی نظامی که در تلگرام جداگانه گنجانده شده در این زمینه وارد جزئیات بیشتر می شود، ولی کافی است گفته شود ادغام بخش قابل ملاحظه ای از سیستم های بحرین و عربستان سعودی در یکدیگر باید عملی گردد.

۷- همچنین این امکان وجود دارد که کویتی ها با نیروی دفاع هوایی موشکهای هاوک خود، نسبت به توسعه یک سیستم مشابه از سوی پسرعموهای بحرینی شان که با آنها بسیار نزدیک هستند، ابراز علاقه کنند. من تردید دارم کویتی ها نگران آن باشند که معلومات پیشرفته خود درباره سیستم هاوک را به نمایش بگذارند، و در واقع چنین تحولی ممکن است پیشرفت کنونی آنها در مستقر کردن سیستم هاوک در یک سطح قابل قبول تری را تشدید نماید. بدین ترتیب تبادل کویت با بحرین ممکن است به پی ریزی شالوده یک همکاری امنیتی منطقه ای واقعی کمک کند.

۸- درباره همین موضوع من در برداشت سفر دیکمن (مرجع ب) دشواری هایی یافته ام که اگر آن را درست درک کرده باشم، قبل از اینکه هرگونه فروش تسلیحاتی به منطقه خلیج فارس انجام گیرد، نیازمند همکاری امنیتی منطقه ای «ملموس» می باشد. شاید چشم انداز مربوطه در خلیج[فارس] جنوبی متفاوت باشد ولی اگر از قسمت خلیج[فارس] شمالی نگاه کنیم هنوز هیچگونه نشانه ای از تمایل احتمالی در جهت توسعه یک ترتیبات امنیتی در خلیج [فارس] وجود ندارد.

۹- بنابراین من به این نتیجه می رسم که از نقطه نظر استراتژیکی و معیارهای سیاسی نظامی که در بالا ذکر شد، اگر مایل به فروش سیستم دفاع هوایی موشک هاوک به بحرین باشیم، دست آوردهایی برای موقعیت سیاست ایالات متحده در خلیج فارس دربرخواهد داشت. اگر ما چنین قدمی برداریم، به عقیده من نباید متقابلاً در به دست آوردن منافع بیشتر در چارچوب ترتیبات نیروی دریایی خودمان در بحرین تعلل ورزیم؛ مانند تمدید مدت اقامت در بندر که به کشتیهای نیروی خاورمیانه ای ما داده شده است.

مایسترون

موشکهای هاوک برای بحرین؛ ارزیابی و ملاحظات نظامی

ص: ۲۰۷

سند شماره ۸۰

سری ۲۰ ژوئن ۱۹۷۹ ۳۰ خرداد ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، کویت - ۲۹۸۷به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، دوحه، جده، منامه، مسقط، تهران

مرجع الف) کویت ۲۹۷۴، ب) منامه ۱۲۵۱، ج) ابوظبی ۱۵۸۰

موضوع: موشکهای هاوک برای بحرین؛ ارزیابی و ملاحظات نظامی

۱- (سری - تمام متن)

۲- این پیام حاوی ارزیابی مقدماتی از امکان نظامی استقرار آتشبارهای هاوک در بحرین است که برای سفیر مایسترون تهیه شده و در مرجع الف) بدان اشاره شده است. خلاصه ای از این ارزیابی در بند بعدی آورده شده است.

۳- خلاصه: تحویل یک سیستم موشکی سه آتشباری هاوک به بحرین، تأسیسات کلیدی این کشور را تحت پوشش خود قرار خواهد داد. همچنین سیستم دفاع هوایی بحرین حفاظت از سیستم دفاع هوایی عربستان سعودی در منطقه ظهران را بهبود خواهد بخشید، بدین ترتیب این امکان را فراهم می آورد که با هواپیماهای دشمن در فاصله بیشتری از حریم هوایی عربستان سعودی درگیر شود، تا اینکه آتشبارهای عربستان سعودی بخواهند به تنهایی به این هواپیماها دسترسی داشته باشند. برقراری یک سیستم در بحرین عبارت از تعهد اساسی شامل ترتیبات مهم عملیاتی، نفراتی و لجستیکی و ملاحظات پشتیبانی مستشاری خواهد بود. پایان خلاصه.

۴- از لحاظ نظامی آرایش یک سیستم موشکی هاوک مرکب از سه آتشبار (۱۸ پرتاب کننده) جهت دفاع از تأسیسات استراتژیک که در بند ۷ مرجع (ب) برشمرده شد، عملی است. چنین به نظر می رسد که آتشبارهای هاوک عربستان سعودی مستقر در ظهران، نخواهند توانست از این تأسیسات به اندازه کافی دفاع کنند. حداکثر بُرد هاوک (۳۸ کیلومتر) به آتشبارهای عربستان سعودی اجازه خواهد داد، تنها در صورتی که هواپیماهای دشمن بر فراز اهدافی بر منطقه «سیترا» در منامه نزدیک شوند با موفقیت به این هواپیماها که از شمال شرقی و شرق و جنوب شرقی به آن نزدیک می شوند حمله کنند. سیستم هاوک مستقر در بحرین برای این کشور توانایی شناسایی هواپیماهایی را که در ارتفاع کم و متوسط در فاصله ای حدود ۱۱۰ کیلومتر پرواز می کنند، فراهم خواهد کرد و این امکان را خواهد داد تا در بُرد ۳۸ کیلومتر با هواپیماها درگیر شوند.

۵- به علاوه همکاری بین بحرین و عربستان سعودی امکان شناسایی و درگیری با هواپیماهای دشمن را که از مسیر شمال شرقی، شرق و جنوب شرقی نزدیک می شوند در فاصله دورتری از منطقه ظهران (با تأسیسات بسیار حیاتی آن) در مقایسه با

چیزی که اکنون با آتشبارهای هاوک مستقر در آن سرزمین امکان پذیر است، به وجود خواهد آورد.

۶- ملاحظات عملیاتی: تجربه ما در کویت بیانگر این مطلب است که در استقرار موشکهای هاوک در بحرین ملاحظات عملیاتی ذیل باید در نظر گرفته شود:

الف) با توجه به نزدیکی حریم هوایی عربستان سعودی و بحرین به یکدیگر، سیستم موشکی هاوک در بحرین باید در سیستم موجود در عربستان سعودی ادغام شود تا با حداکثر کارایی مورد استفاده قرار گیرد. یک موافقتنامه بین عربستان سعودی و بحرین درباره ادغام فرماندهی و کنترل لازم خواهد بود. زیرا سیستم های موشکی این دو کشور ممکن است اهدافی را در قلمرو هوایی خود مورد حمله قرار دهند.

ب) برقراری یک تأسیسات فرماندهی در بحرین یعنی یک دستگاه AM/STQ-۷۳ برای هماهنگ کردن عملیات آتشبارها.

پ) ادغام رادارهای هشدار دهنده دوربرد در فرماندهی دفاع هوایی و شبکه کنترل.

ت) برقراری یک شبکه ارتباطاتی در داخل سیستم فرماندهی و کنترل.

۷- ملاحظاتی در خصوص نیروها بر اساس تجربه کویت: قبل از اتخاذ تصمیم درباره به کار بردن سیستم هاوک نیازهای نفرات زیر باید مدنظر قرار گیرد:

الف) نیاز به فراهم کردن چهارصد نفر بحرینی برای انجام عملیات و پشتیبانی از سیستم هاوک. نیاز برای حصول یک توافقنامه فنی و امنیتی بین ایالات متحده و بحرین که به موجب آن مشخص شود که همه پرسنل شاغل در هاوک باید از اتباع بحرین و یا اتباع کشور ثالثی باشند که هر دو طرف آن را تأیید می نمایند. (بر اساس تجربیات پیشین بین کویت و اردن).

ب) نیاز جهت تأمین حفاظت بیست و چهار ساعته از همه تجهیزات هاوک.

پ) نیاز به ایجاد یک گردان دفاع هوایی از سطح اپراتور تا سطح فرمانده گردان و تأمین کادر برای آن.

ت) نیاز برای ادامه پر کردن خلأ نیروی انسانی برای هاوک توسط اتباع بحرینی.

ث) نیاز برای تأمین نفرات برای مستشاران و پیمانکاران آمریکایی.

۸- نیازهای آموزشی مورد انتظار بر اساس تجربه کویت: برنامه آموزشی جهت کاربرد موشکهای هاوک عبارتست از آموزش زبان انگلیسی، آموزش آمادگی حرفه ای و آموزش انفرادی در حد ۳۰ نوع حرفه. یک طرح آموزشی نیازمند دو سال وقت جهت فارغ التحصیل شدن اولین دانشجو است. آموزش تکمیلی پس از بازگشت به بحرین برای کسب حداکثر خودکفایی لازم خواهد بود.

۹- پشتیبانی لجستیکی مورد نیاز بر اساس درسهایی که در کویت آموخته شده است: عناصر پشتیبانی مورد نیاز عبارتند از نگهداری از همه تجهیزات مربوط به سیستم و تجهیزات فرعی، یک موافقتنامه پشتیبانی تدارکات جهت ادامه پشتیبانی قطعات تعمیراتی، اندازه گیری تجهیزات آزمایشی، تغییرات در تجهیزات که به طور مرتب اتفاق می افتد، اعلان هایی برای عملیات

تجهیزات و نگهداری و تسهیلات جهت تأمین جا برای عملیات نگهداری و تدارکاتی. کمک فنی پیمانکاری و خدمات مهندسی از سوی کمپانی (ریتیون) و سیستم های اطلاعات لیتون(۱) و دیگر شرکتهای آمریکایی ضروری است. قراردادهای همکاری پشتیبانی با عربستان

۱- Litton, Data Systems.

سعودی و کویت و اردن ممکن است از تعداد پیمانکاران و تأسیسات آنها در بحرین بکاهد.

۱۰- مدیریت برنامه و پشتیبانی مستشاری پیش بینی شده: بر اساس برنامه مربوط به کویت ما توصیه می کنیم که مدیریت فشرده ای از سوی ارتش آمریکا فراهم شود. یک دفتر مدیریت طرح تحت فرماندهی موشکی در «ردستور. آرسنال. آلاباما) با یک عامل رابط در کویت، همه جنبه های برنامه را توسعه داده، تکمیل و هماهنگ نموده و برای تجهیزات و خدمات قرارداد بسته و از نزدیک استقرار و آموزش در کشور را کنترل می نماید. علاوه بر این کویت از مستشاران نظامی آمریکا به عنوان کارمندان سفارت بهره مند می باشد تا آموزش جاری را فراهم آورده و در بهره برداری از سیستم پس از استقرار به کویت کمک کند. در گروه مستشاری نظامی و پیمانکاران مختلف، حدود ۹۰ نفر در آمریکا و کویت برای اداره کردن و آموزش و کمک به کویتی ها جهت ۴ آتشبار و پشتیبانی مربوطه لازم است.

۱۱- هزینه ها - پیش بینی های تقریبی بر اساس تجربه کویت: برنامه اصلی جهت خرید تجهیزات، آموزش، ادامه برنامه و کمک فنی برای سیستم کویت بالغ بر حدود ۲۰۰ میلیون دلار بوده و بین سالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۹ به مورد اجرا گذاشته شده است. انتظار می رود هر یک سال پس از آن ۲۵ میلیون دلار خرج داشته باشد، بسته به این که سطح پشتیبانی مورد لزوم و پیشرفت آموزش در خود کشور و موافقتنامه های همکاری با کشورهای همسایه به چه ترتیب باشد. سیستم کویت شامل ۲۴ پرتاب کننده موشک است. فرضاً اگر سیستم کوچکتر بحرین شامل ۱۸ پرتاب کننده باشد، بدان معنی نخواهد بود که به تناسب دقیق، از لحاظ مالی هزینه کمتری خواهد پرداخت. با این وجود ممکن است بحرین صرفه جویی های دیگری از لحاظ تطبیق سیستم خود با سیستم عربستان سعودی بنماید. (سیستم عربستان سعودی و کویت اندکی متفاوت هستند) و بدین ترتیب صرفه جویی های مربوط به اندازه ای که در یک سیستم مشترک عملی خواهد بود، اجازه خواهد داد که از لحاظ آموزشی و پشتیبانی لجستیکی و اداره برنامه و پشتیبانی مستشاری، کاهش های متناسبی در هزینه فراهم شود.

مایسترون

سؤالات امیر قطر در مورد پایگاه نظامی آمریکا در خلیج فارس

سند شماره ۸۱

محرمانه۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ ۴ تیر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، دوحه ۷۶۶به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در بغداد، جده، کویت، منامه، مسقط، صنعا، تهران.

مرجع: دوحه ۷۶۵

موضوع: سؤالات امیر قطر در مورد پایگاه نظامی آمریکا در خلیج فارس

۱- (محرمانه — تمام متن)

۲- در ملاقات مورخ ۲۴ ژوئن با امیر خلیفه درباره موضوعی دیگر (تلگرام مرجع)، ایشان

در مورد وضع نیروی دریایی آمریکا در منامه سؤال کرد. من در مقام تشریح گفتم که ناوهای فرماندهی خاورمیانه ای می توانند تنها چند روز در سال را در منامه به سر برده و علاوه بر این در بحرین سوخت گیری نمایند. ولی طبق اطلاع اینجانب برای نیروی دریایی آمریکا هیچگونه تأسیسات تعمیراتی در آنجا وجود ندارد.

۳- امیر خلیفه در ادامه در مورد امکانات نیروی دریایی ما در عمان سؤال کرد. در تشریح مطلب اظهار داشتم که ناوهای فرماندهی خاورمیانه ای دو یا سه بار در سال به این سلطان نشین سر می زنند لیکن ما در آنجا برای نیروی دریایی خود تأسیساتی مستقر نکرده ایم. امیر ظاهراً از پاسخ من راضی نبود. ناگهان این فکر به خاطر من رسید که شاید منظور وی اشاره به شایعات مربوط به خرید یک پایگاه عظیم دریایی در جبل علی دوبی توسط آمریکاست. هنگامی که امیر گفت منظورش همین بوده، به وی گفتم که آمریکا در امارات متحده عربی پایگاهی نداشته و در نظر ندارد پایگاهی به دست آورد. گفتم که داستان مربوط به پایگاه جبل علی چندین بار پایان گرفت ولی هنوز هم گهگاه مطرح می شود.

۴- نظریه: ظاهراً حاکم قطر گفته های مرا پذیرفته بود، اما گمان نمی رود که با تکذیب های من کاملاً متقاعد شده باشد. خلیفه و دیگر مقامات قطر، حتی آنها که در غرب تحصیل کرده اند، آنچنان نیرو و حضوری به آمریکا نسبت می دهند که آن را خداگونه می سازد. به طور مثال من با سفیران عربی در دوحه و مشاورین عالیرتبه امیر صحبت کرده ام و همه آنها گفته اند که شاه نمی توانست حداقل بدون تأیید ضمنی آمریکا سقوط کند. این پدیده عجیب، یعنی باور کردن چیزهایی که به وضوح خلاف واقع هستند، در مورد این تصور نیز صدق می کند که آمریکا واقعاً در جبل علی پایگاهی دارد و یا در نظر دارد چنین پایگاهی را بنا کند.

کیل گور

پروازهای P ۳ به عربستان سعودی

سند شماره ۸۲

سری۱۵ ژوئیه ۱۹۷۹ ۲۴ تیر ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی به: سفارت آمریکا، ابوظبی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوحه، کویت، منامه، مسقط، صنعا، تهران، اسلام آباد، جده

موضوع: پروازهای P ۳ به عربستان سعودی

۱- (سری — تمام متن)

۲- جهت اطلاع شما: مخاطب های اقدام کننده باید مطلع باشند که دولت عربستان سعودی و دولت آمریکا موافقت کرده اند

که در آینـده نزدیـک پروازهای ۳–P شـناسایی خود را آغـاز کننـد. هواپیمـا هر مـاه از حوزه هوایی ظهران به مـدت ۵–۳ روز استفاده خواهد کرد. هر مأموریت شامل پرواز از دیه گو گارسیا به ظهران، ظهران به ظهران و ظهران به دیه گو گارسیا خواهد بود.

مقامات نظامی سعودی در مأموریت شاخه ظهران به ظهران شرکت خواهند کرد و به اطلاعات جمع آوری شده نیز دسترسی خواهند داشت.

۳- هدف این مأموریت، اجرای مأموریت شناسی دریایی در دریای عربی، خلیج عمان، خلیج فارس، خلیج عدن و دریای سرخ است.

پایان جهت اطلاع شما کریستوفر

ارزیابی برنامه های کمک امنیتی آمریکا برای سال مالی ۱۹۷۹ به کویت

سند شماره ۸۳

محرمانه۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹ ۲۶ تیر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، کویت ۳۹۲۴به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، امان، منامه، جده، تهران

مرجع: الف) وزارت امور خارجه ۱۳۳۱۳۶، ب) وزارت امور خارجه ۱۱۵۴۰۹، ج) وزارت امور خارجه ۱۱۵۲۴۴، د) کویت ۱۶۴۷

موضوع: ارزیابی برنامه های کمک امنیتی آمریکا برای سال مالی ۱۹۷۹ به کویت

۱- بلاتکلیفی برنامه کمک امنیتی در مورد کویت

گرچه در مرجع الف از اینجانب درخواست پاسخگویی نشده است (ظاهراً به این خاطر که در اینجا با هیچگونه سرمایه گذاری مالی آمریکا سر و کار نخواهیم داشت)، ولی از نظر من بررسی وضعیت و گسترش بیشتر کمک امنیتی ما به کویت حائز اهمیت است. ما تصمیم گرفتیم افکار خود را به رشته تحریر درآورده و مطالب مربوطه را با وزارت امور خارجه و واحدهای منطقه ای در میان بگذاریم، زیرا در زمینه رابطه کمک امنیتی خویش با کویت، خود را در مقطعی حساس یافته ایم که باید تصمیمات لازم اتخاذ گردد. آنچه در ذیل عنوان می شود، عوامل مهمی است که موضع ما را در این موقعیت زمانی متأثر می سازد:

الف- علیرغم مسئله خاورمیانه و سیاست های خارجی محتاطانه و فاقد هرگونه هم پیمانی کویت، رابطه ما با این کشور سبب فزونی سرمایه گذاریهای آن در آمریکا، افزایش شدید واردات آن از آمریکا و موضع گیری معتدل کویت در زمینه قیمت نفت اوپک شده است.

ب- در جهان عرب و در حمایت از تلاشهای آمریکا به منظور حل مسئله تضاد اعراب و اسرائیل، کویت نقش نسبتاً مثبت و میانه روی ایفا می کند و نقش آن در قبال همسایگانش در منطقه خلیج [فارس]، با علائق و منافع آمریکا در صلح، ثبات و اطمینان از ادامه عرضه نفت خلیج [فارس] مطابقت دارد.

پ- عدم موافقت دولت آمریکا در ارائه (یا مجاز شمردن صدور) سلاح برای تأمین نیازهای مشروع دفاعی کویت، از نظر رهبران این کشور به عنوان عدم توجه آمریکا به کویت (در رابطه با خطری که از جانب عراق آن را تهدید می کند) و نیز عدم پای بندی و صداقت آمریکا در روابط خویش با جهان عرب تلقی خواهد شد.

ت- کویتی ها، حداقل در مورد جنگ افزارها و آموزش نظامی، همیشه سعی کرده اند که ابتدا آن را از آمریکا خریداری کنند ولی در نهایت مجبور شده اند به منبع دیگری روی آورند. (مثال: خرید تانکهای چیفتن انگلیسی پس از اینکه تانک های ام-۴ آمریکایی به آنها فروخته نشد؛ خرید موشکهای سام-۷ روسی پس از آنکه از ارائه موشکهای استینگر به آنها امتناع شد؛ خرید موشک های لونای روسی زمانی که موفق به خرید موشک های لنس آمریکایی نشدند؛ خرید هواپیمای میراژ ۱ فرانسوی پس از آنکه با درخواست آنها برای خرید هواپیماهای A۷- آمریکایی موافقت به عمل نیامد؛ و خرید قریب الوقوع قایقهای گشتی انگلیسی مجهز به موشک بعد از آنکه دولت آمریکا از انعقاد قرارداد فروش نظامی خارجی در مورد این گونه تجهیزات سر باز زد.)

ث- به استثنای مورد مربوط به فروش ۱۷۵ نفربر زرهی که قرارداد آن نیز به تازگی (۱۲ ژوئیه) لغو گردیده، حدود دو سال است که آمریکا هیچگونه قرارداد فروش عمده خدمات و جنگ افزار با این کشور نداشته است، حال آنکه انگلیسی ها و فرانسویها هر یک قراردادهای فروش جنگ افزارهایی، هر یک به ارزش ۱۰۰ میلیون دلار با کویت امضاء کرده و ژاپنی ها و یوگسلاوها نیز در حال احداث یک پروژه بزرگ نظامی در آنجا هستند. بدین ترتیب، در کویت اصولاً ما در حال اجرای مفاد قراردادهای فروش عمده قبلی مربوط به هواپیماهای A-۴ و سیستم موشکی هاوک-۱ بوده ایم و بس.

ج- در حال حاضر نیز قرار است کویتی ها دو درخواست دیگر را مطرح سازند که یکی از آنها مربوط به هویتزرهای خودکششی ۱۵۵ میلی متری یعنی نوعی توپ ضدهوایی است (تا سیستم پدافند هوایی هاوک-۱ آن تکمیل شود)؛ و دیگری به موشک اندازهای تاو و سیستم فرماندهی و کنترل مربوط می شود. طبق برآورد ما ارزش کلی این اقلام جدید، که شرح مفصل آن در ذیل خواهد آمد، بسته به خدمات و نوع و کمیت اقلام انتخابی بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار خواهد بود. (ارزش قراردادهای جاری منعقده در رابطه با خدمات و جنگ افزارهای آمریکایی تقریباً معادل ۷۰۰ میلیون دلار است).

چ- سیاست فروش تسلیحاتی ما به کویت که تا قبل از تجدیدنظر در سیاست صدور تسلیحات آمریکا در ماه می ۱۹۷۷ عمدتاً با ناتوانی آمریکا در ایجاد هماهنگی به منظور اجرای مفاد قراردادهای فروش قبلی، ملاحظات سیاسی عمومی منطقه خلیج [فارس]، و توان جذب غیرمکفی کویت، محدود شده بود، اکنون نیز بر طبق آنچه که در مرجع های (ب و پ) گفته شده، تابع محدودیت های بیشتر صدور تسلیحاتی خواهد گردید.

با این وصف، وضعیت ما در اجرای قراردادهای فروش گذشته و آتی، به خصوص پس از استقرار دفتر رابط نظامی آمریکا در کویت در سال جاری که دارای ۱۷ کارمند بوده و در مورد فروش نظامی خارجی در ازای دریافت وجه نقد عمل می کند، به طرز چشمگیری بهبود یافته است (دفتر رابط آمریکا در کویت).

۲- ارزیابی فروشهای نظامی به کویت به عنوان «اجرای یک سیاست خارجی استثنائی»

از نظر نظامی، گرچه انتقال تسلیحات متعارف به کویت را نخواهیم توانست به عنوان عاملی مؤثر در پیشبرد اهداف امنیتی ملی خویش توجیه نماییم، ولی از نظر سیاسی و اقتصادی می توان برای ادامه محدود کردن فروش تسلیحات به این کشور مورد منطقی ایجاد کرد. در همین رابطه، اینجانب ارزیابی ذیل را در زمینه عوامل مرتبط با منافع ملی مان تقدیم می نمایم:

الف- منافع آمریکا. به خاطر وجهه مالی خارجی آن که از منابع نفتی آن کشور نشأت می گیرد و نیز مفهوم سیاسی ذخایر عظیم نفتی اش، کویت علی رغم کوچکی اش برای آمریکا اهمیت قابل ملاحظه ای دارد. آن دسته از منافع آمریکا که در نتیجه برقراری یک رابطه کمک امنیتی با کویت تأمین می گردد به شرح زیر است (اقتباس از ارزیابی سالانه سیاستها و منابع، مرجع پ.)

(۱) آرامش و ثبات. منافع نهفته آمریکا در آرامش و ثبات سیاسی کویت و به طور کلی در خاورمیانه، با منافع جهانی و منطقه ای آمریکا کاملاً مطابقت داشته و با آنها مغایرتی ندارد. نقش و نفوذ همراه با اعتدال و میانه روی دولت کویت در میان کشورهای خط مقدم و سازمان آزادیبخش فلسطین که ناشی از کمک های مالی قابل ملاحظه ای است که توسط آن ارائه شده، می تواند در حمایت از تلاشهای آمریکا در حل مسئله تضاد اعراب و اسرائیل مؤثر واقع شود. ثبات کویت را خطراتی نیز تهدید می کند که در داخل آن مملکت به صورت یک اقلیت عظیم فلسطینی (برابر با یک چهارم جمعیت کویت) که تاکنون بدخیم نبوده خودنمایی می کند و از خارج نیز خطری دیگر به صورت تهاجم احتمالی عراق وجود دارد که علاقمند به تصرف دو جزیره کویتی است که کاملاً بر کانال کشتیرانی منتهی به بندر ام القصر مسلط است.

(۲) تضمین ادامه عرضه نفت و تعادل قیمت نفت کویت گرچه برخلاف همسایگانش یعنی عربستان سعودی و عراق، یک تولید کننده عمده نفتی به شمار نمی آید، ولی میانگین تولیدی ۲ میلیون بشکه در روز کویت برای خریداران نفت در خاورمیانه به خصوص ژاپن و نیز بعضی از کشورهای اروپایی حائز اهمیت است. افزایش تولید گاز مایع شده نفتی که قرار است در پایان سال ۱۹۷۸ آغاز شود، بسته به نتایج مذاکرات جاری بین کویت و شرکت های بزرگ آمریکایی دارد و ممکن است به مقادیر هنگفتی به آمریکا صادر شود. موجودیت این مایع انرژی زا و ارائه آن به قیمت مناسب و منطقی مراکز اقتصادی دریافت کنندگان، از اهمیت چشمگیری برخوردار خواهد بود. نقش فعال دولت کویت در سازمان اوپک و طرز برخورد آن با سطوح قیمت و تولید نفت خام نیز در رابطه با منافع جهانی آمریکا چشمگیر است.

(۳) ارتقاء میزان سرمایه گذاری و تجارت. غنای مالی کویت و به ویژه ذخیره عظیم مالی آن، به دنبال افزایش قیمت نفت موازنه پرداخت ها و چرخش مجدد دلارهای نفتی در صادرات آمریکا شایان توجه است. دولت کویت بخش اعظم دارایی های خود را در آمریکا سرمایه گذاری کرده و در رابطه با نقل و انتقال آنها هم بسیار محافظه کارانه عمل می کند که

پیگیری این خط مشی نیز به نفع آمریکاست. در عین حال که نیاز وارداتی کویت به خاطر کوچکی قلمرو آن محدود است، ولی حجم فروش کالا ـ و خدمات آمریکایی به آن کشور شدیداً به نفع موازنه پرداختها در موازنه تجاری دو کشور افزایش یافته است. عملاً می توان گفت کویت به سومین وارد کننده بزرگ کالاها و خدمات آمریکایی (پس از عربستان سعودی و الجزایر) در جهان عرب درآمده است.

ب- تهدیدات نظامی و عکس العملهای کویت. کویتی ها عراق را عمده ترین خطر موجود علیه خود تلقی می کنند که این امر اصولاً ناشی از اغتشاشات مرزی دیرین بین دو کشور و نیز خصومت ایدئولوژیکی عراق با کویت و دیگر رژیمهای سنتی حوزه خلیج [فارس] است. احتمالاً کویتی ها معتقدند که این خطر همیشه به قوت خود باقی خواهد ماند؛ گرچه ممکن است در نتیجه موفقیت نهایی تلاشهای جاری که به منظور بهبود وضع مذاکرات مرزی دوجانبه انجام می شود، در ذهن آنها تا حدودی تخفیف یابد. ایدئولوژی، ژئوپولتیک و رفتار غیرقابل پیش بینی رژیمهای آینده عراق از جمله مهم ترین عواملی محسوب می شوند که بر این طرز تفکر کویتی ها تأثیر دارد. به عنوان عکس العملی در قبال این خطرات داخلی و خارجی، کویت به اتخاذ یک استراتژی نظامی مبادرت کرده که هدف از آن ایجاد یک نیروی نظامی عکس العمل سریع، کوچک و مدرن (دفاع هوایی و ضدزره با قدرت آتش بسیار قوی) است تا بتواند حتی برای مدت زمانی بسیار کوتاه به عنوان عامل بازدارنده در برابر نیروهای مهاجم عمل کند و این فرصت را برای کویت پدید آورد تا از همسایگان و دوستان بزرگترش و احتمالاً ـ از آمریکا و سازمان ملل کمک نظامی و دیپلماتیک درخواست کند. از نظر سیاسی، کویت سعی دارد با تمام همسایگانش و نیز اقلیت فلسطینی موجود در داخل کویت روابط حسنه خود را حفظ کند. این کار را هم از طریق اتخاذ سیاست های خارجی مناسب که مانع از بروز ناراحتی آنها شود و هم با ایفای نقش رهبری در حل مسائل ضد و نقیض موجود در منطقه و امور سیاسی عربی انجام می دهد. از آنجا که کویت در برابر خرابکاری و تهاجم داخلی نیز آسیب پذیر است، داراییهای عظیم خود را به طور همزمان در جهت تطمیع و جلب رضایت رهبران دشمنان بالقوه خود و خرید تسلیحات موردنیاز به کار گرفته است.

پ- نظر سفارت در مورد خطرات و عکس العملها

نظریات ما در مورد خطراتی که کویت در معرض آنها قرار گرفته و نیز درباره عکس العمل هایی که این کشور در قبال آنها نشان داده با نظریات خود کویتی ها تفاوت چندانی ندارد. در اینجا باید خاطرنشان شود که سیاست خارجی این کشور مبنی بر اتخاذ روش «میانه روی در بلوک موجود» بر سر تمام مسائل مهم عربی و منطقه ای، در حال نیل به نتیجه قابل انتظار است. در رابطه با استراتژی نظامی کویت هم باید گفته شود که کویتی ها در حل مسئله مهم خود یعنی فقدان نیروی انسانی آموزش دیده و مجرب مورد نیاز برای تشکیل یک نیروی عکس العمل سریع، حرکت لاک پشتی و کند دارند.

در این مورد آنها می توانند سریع تر عمل کنند ولی موانعی نیز در این راه وجود دارد یعنی ابتدا باید سیستم سربازگیری برای دو برابر شدن نیروی انسانی موجود در نیروهای مسلح به کار گرفته شود و پس از آن منابع لازم برای ارائه آموزش کافی و ابقای این نیروها صرف شود. برنامه زمانی طولانی که برای تحویل تسلیحات خریداری شده و نیز سلاحهایی که درباره آنها در آینده قراردادهایی منعقد خواهد شد، باید خود پدیدآورنده فرصت هایی باشد که طی آن می توان با این مسائل برخورد ضروری داشت. راه حل منطقی دیگری که در رابطه با مسئله نیروهای نظامی کنونی این کشور وجود دارد این است که یا این نیروها به طور کامل غیرمسلح بمانند و یا با یکی از قدرتهای «محافظت کننده» منطقه ای یا جهانی نوعی هم پیمانی ایجاد شود. ظاهراً کویتی ها هر دو راه حل را نپذیرفته اند، ولی می توان گفت که از نظر فرضی راه حل اول در مورد آن صادق تر است، زیرا کویت هر قدر در مسلح کردن نیروهای خود بکوشد باز هم در مقایسه با نیروهای مسلح همسایگان خود ضعیف خواهد بود. به همین دلیل ما به این نتیجه رسیده ایم که در عین حالی که یک کویت مسلح تر احتمالاً خواهد توانست مانع از انجام تهاجماتی علیه خود شود، ما به کویت در دفاع از قلمرو خویش کمک کنیم زیرا در این راه میزان حسن نیت و نفوذ خویش را در این کشور بالاـ برده ایم، و در همان حال فروشهای نظامی آمریکا به کویت نیز باعث به هم خوردن توازن قدرت نظامی منطقه ای نشده است.

ت- خریدهای احتمالی کویت طی سال مالی ۱۹۷۹

در مرجع (الف) خاطرنشان شده که در رابطه با درخواست های مربوط به اقلام و خدمات دفاعی طی سال ۱۹۷۹ نوعی «اولویت» تعیین شود. در حقیقت، گمان نمی کنیم که دولت کویت از نظر منابع مالی، در داخل کشور تعیین اولویت را ضروری بداند، زیرا قادر است هر وسیله ای را که بخواهد نقداً خریداری کند. از نظر زمان دریافت، اولویت های کاملاً نظامی و محدودیت های مربوط به قدرت جذب نیز مسائلی است که قابل برآورد است. طبق آنچه قبلاً گفته شد، ما هنوز هم تعدادی از درخواست های کویت را در اختیار داریم که کار مربوط به آنها به پایان نرسیده است. این موارد عبارتند از:

(۱) فروش نظامی خارجی هویتزرهای خودکششی ۱۵۵ میلی متری (ام ۱۰۹).

این درخواست به تعویق افتاده است زیرا تحقیقات مقدماتی دولت کویت در واشنگتن نشان داده که قادر نخواهد بود این سلاحها را تا قبل از ۱۹۸۲ دریافت کند. بر اساس ارزیابی نظامی رئیس دفتر روابط کویت که نیاز دفاعی به این نوع توپ را مشروع و اساسی می داند، اینجانب پیشنهاد کرده ام فروش آن مورد تصویب قرار گیرد و یک آتشبار از آن زودتر از موعد ذکر شده به این کشور تحویل گردد تا مرحله آموزش مربوطه آغاز شود، ولی بقیه هویتزرهای خریداری شده در سال ۱۹۸۲ به این کشور ارسال شود (کویت ۳۶۷۰).

(۲) قیمت و اطلاعات مربوط به قابلیت توپ ضدهوایی وُلکان.

احتمالاً در سال مالی ۱۹۷۹ در رابطه با قیمت و قابلیت توپ ضدهوایی امرسون امراد ۳۰

به عنوان جانشین سیستم متحرک وُلکان (که دستگاهی بسیار پیچیده است و عملکرد آن نه چندان مؤثر) درخواستی تسلیم خواهد شد تا از آن به عنوان توپ قایقهای گشتی انگلیسی الاصل هم استفاده شود.) از آنجا که آمریکا سیستم هاوک ۱ را به کویت فروخته است، به نظر من چاره ای نداریم جز اینکه اقدام به فروش یک سیستم توپ ضدهوایی نیز بنماییم تا سیستم پدافند هوایی آن کشور تکمیل شود. در حقیقت، من توانسته ام وزیر دفاع کویت را از خرید توپهای ضدهوایی روسی منصرف سازم، چون او نیز به سیستم نظامی ما به عنوان بهترین سیستم موجود اعتراف دارد و علاوه بر این چنین استدلال کردم که به خصوص با نظر در گرفتن وضعیت طبقه بندی شده سیستم هاوک، توپهای پدافند روسی با این سیستم موشکی سازگار نیستند (۷۶ کویت ۵۷۱۰۸).

(۳) علاوه بر آنچه که تاکنون گفته شد، درخواستی نیز برای فروش موشک اندازهای بیشتر تاو تسلیم خواهد شد تا تعداد موشک اندازهای موجود کویت از این نوع (۵۰ موشک انداز) افزایش یافته و نیز بتوانند از آنها به جای چند موشک تاو و نصب شده بر روی PACS های جدید خود استفاده کنند.

(۴) علاوه بر این، ما مطمئن هستیم که کویتی ها بالاخره به این نتیجه خواهند رسید که به یک سیستم کنترل و فرماندهی نظامی نیازمندند تا حداقل اگر نتوانند تمام نیروهای زمینی، دریایی و هوایی خود را هماهنگ کنند، بتوانند نیروهای دفاع هوایی خود را تحت پوشش آن قرار دهند. این درخواست ممکن است در سال مالی ۱۹۷۹ ارسال شود، ولی ممکن است تا مدتها بعد نیز حتی مطرح نگردد.

(۵) طبق انتظار ما، ممکن است این کشور خواستار دریافت کامیونهای نظامی بیشتری نیز بشود.

ث- کاربرد تجهیزات آمریکایی توسط کویت: تأثیر آن بر منافع آمریکا.تمایل دولت کویت نسبت به دریافت توپخانه، نفربرهای زرهی مدرن و موشک اندازهای تاو از ترس این کشور به خصوص در قبال خطر زرهی عراق و نیز به طور کلی قدرت فائق نظامی همسایگانش سرچشمه می گیرد. در مورد کویت حتی قابل تصور نیز نیست که این کشور بخواهد از سلاحها استفاده تهاجمی به عمل آورد و حتماً از آنها در ضد حمله استفاده خواهد نمود، زیرا کاربرد آنها به صورت تهاجمی خطر نابودی ملی را شدت خواهد بخشید. تجهیزات دفاع هوایی خاطرنشان شده در بند قبلی نیز به صورت تدافعی استفاده خواهد شد تا آن کشور را در برابر قدرت هوایی غالب عراق و اهداف نظامی ثابت و جبهه های جنگی متحرک و اهداف دریایی محافظت کند. از تجهیزات فرماندهی و کنترل کویت هم در راه هماهنگ سازی بیشتر نیروهای دفاعی کویت در وضعیت های رزمی استفاده خواهد شد، به این امید که سیستم های مخابراتی مدرن همراه با قدرت آتش و تحرک بتواند مقصود بیان شده در رابطه با استراتژی ملی آمده در بند (۲ب) فوق را عملی سازد. استفاده آتی از تسلیحات آمریکایی در این حالت های دفاعی

می توانـد به منـافع آمریکـا که در ثبـات خاورمیـانه (و به خصـوص منطقه خلیـج [فـارس]) نهفته است خـدمت کنـد. همین امر امکانـات مـا را در محـدود سـاختن گسترش نفوذ شوروی در کویت و منطقه خلیـج [فـارس] و نیز اعمـال نفوذ مـا بر یک نهاد جدید کویتی یعنی نهاد نظامی آن که در آینده به صورت یک عامل مهم سیاسی خودنمایی خواهد کرد، افزایش می دهد.

عامل ثبات هم به نوبه خود به نفع سرمایه گذاری و تجارت آمریکاست و مهم تر از همه ادامه صدور نفت کویت را به اروپا و ژاپن بیش از پیش تضـمین خواهـد کرد. حضور نیروهای آمریکایی لازم برای تحقق این خریدهای احتمالی و کمک به جذب آن توسـط نیروهـای نظـامی کویت نیز ارتباط بی چون و چرایی با منافع آمریکا در این کشور دارد. درست است که وزارتخانه بر اساس تجربیات خویش در نقاط دیگر بهتر از هر ارگان دیگری قادر است تعداد نیروهای مورد نیاز در این کشور را برآورد نمایـد ولی طبق برآورد تقریبی ما میزان نیروهای کمک امنیتی آمریکا دو یا سه برابر خواهـد شد، یعنی از تعداد ۱۰۰ نفری که در کـویت به سـر می برنـد به ۱۸۰ تا ۲۸۰ نفر بـالغ خواهـد شـد که تنهـا بخشـی از آنها را کارمنـدان دولت و بقیه را نیروهای غیرنظـامی قراردادی تشـکیل خواهنـد داد. از نظر کـل تعـداد آمریکائیان مقیم این کشور نیز شـمار آنها از ۲۷۰۰ نفری کـه هم اکنون در کویت به سر می برند، با احتساب شمار وابستگان آنها، به سطح ۳۳۰۰ نفر خواهد رسید. حضور این تعداد آمریکایی در کویت به نظر ما هیچگونه مسئله یا مشـکل سیاسـی یا فرهنگی پدیـدار نخواهد ساخت زیرا تعداد بیگانگان مقیم این کشور هم اکنون بیش از اتباع کویتی است و گذشـته از این، همه در اینجا آمریکائیان را دوست داشـته و آنها از رتبه اجتماعی برتری برخوردارند.

۳- دیگر منابع تجهیزاتی و خدماتی.

افسـران نظامی حرفه ای کویت همیشه ترجیـح می دهنـد که سیسـتم های تجهیزاتی مهم مورد نیاز خود را از آمریکا خریـداری کنند. این احساس نیز ظاهراً از تحسین برانگیز بودن تکنولوژی آمریکایی و نیز اقدامات مداوم ما در پی گیری مسائل مربوط به تجهیزات فروخته شـده قبلی سرچشـمه می گیرد. بـا این وصف آنهـایی که بر کویت حـاکم هسـتند، حتی برخلاـف اعتراضات نظامیـان حرفه ای در منابع تأمین تسـلیحات و تجهیزات موردنیاز کویت تنوع ایجاد می کننـد و از چنـد کشور اروپایی (و اخیراً روسـی) خرید می کنند. خرید تجهیزات و خدمات آمریکایی نیز ظاهراً دو علت اساسـی دارد: عامل اول سیاسی است و مرتبط با سیاست خارجی این کشور، یعنی کویت با خرید تسـلیحاتی خود همان سیاست خارجی دوستی با همه کشورها را دنبال می کنـد؛ و عامـل دوم، عـدم همکـاری آمریکا در تصویب یک مورد فروش نظامی چه به دلیل سیاسـی و چه به دلیل عـدم وجود اقلام مربوط به آن، می باشـد. (به مثالهای طرح شـده در بنـد (ا-د) رجوع شود.) گذشـته از این، تصـمیماتی که علیه تجهیزات آمریکایی، با در نظر گرفتن خصوصیات مثبت بعضی دیگر از تجهیزات اتخاذ می شود، نتیجه عیوب و نقائصی است که توسط عرضه کنندگان خارجی روی آنها گذاشته می شود، که البته برای اثبات این موضوع

شواهـد قطعی در اختیـار نـداریم. (تمام فروش های نظامی و بازرگانی آمریکایی در نتیجه مـذاکرات مسـتقیم با مقامات دولت کویت تحقق یـافته است.) به نظر مـا این الگو در آینـده نیز دنبـال خواهـد شـد، زیرا در سیاست خارجی کویت تغییری نمایان نشـده و علاوه بر این، برای اکثر خریـدهای موردنظر و احتمالی کویت که در بند (۲د) مشخص شده معادل های غیرآمریکایی وجود دارد. از جمله مواردی که از این قاعـده مسـتثنی است (یعنی مواردی که در آنهـا کویت «چاره ای» جز خریـد تسـلیحات (آمریکایی نـدارد) می توان از سیسـتم کنترل و فرمانـدهی، حداقل بخشـهایی از آن که مربوط به پدافند هوایی است و توپهای ضـدهوایی نـام برد، بهره جست زیرا ممکن است ملاحظات امنیتی دولت آمریکا به ما اجازه ندهـد که بگـذاریم نیروهای یک کشور ثالث، هنگام استقرار تجهیزات جدید در کنار تجهیزات و تکنولوژی طبقه بندی شده آمریکایی که هم اکنون در کویت موجود است وارد فعالیت شوند.

۴- (۱)رهبران کویت نیز قطعاً موافقند که مسلح شدن ملت ها برای تأمین امنیت خود امری [ناخوانا] است و احتمالاً در صورتی که امنیت کویت در معرض تهدیـد قرار نگیرد، با محـدود شـدن خریدهای تسـلیحاتی در سراسـر جهان و حتی در منطقه خلیج [فارس] نیز موافقت خواهنـدکرد. ولی در غیاب یک قرارداد معتبر منعقده بین تولید کننده و عرضه کننده برای تحقق بخشـیدن به این خواست، کویتی ها در برابر هرگونه تقاضای آمریکا مبنی بر خودداری از خرید نوع خاصـی از سیستم های تسلیحاتی به خـاطر تـأثیر آن بر کنترل تسـلیحاتی در منطقه، مقاومت خواهنـد کرد. با این وجود، پس از اعتراض ما به خاطر خریـد موشـک های روسی توسط کویت، دولت این کشور نسبت به این مسئله بیش از پیش حساسیت به خرج می دهد.

واقعیـت بی چـون و چرایی کـه متأسـفانه بر همه کویـتی هـا روشن است این است که ضـعف نظـامی کشورشـان در مقـایسه با همسایگان آنها وضـعیتی است که حتی با دو برابر شـدن سـطح نیروی انسانی نیروهای مسـلح این کشور و نیز خرید خدمات و تجهیزات فوق الذکر تغییری نخواهد کرد. کویتی ها به این مسئله وقوف کامل دارند و با استراتژی کنونی خود تنها سعی در به تعویق انـداختن فتـح کشورشان [توسط دشـمنان] را دنبال می کننـد و تغییر موازنه قدرت در خلیج [فارس] که در بند (۲ب) به آن اشاره شد، هدف نهایی آنها نیست.

۵- نتیجه گیری و نظریه.

دولت کویت در بخش اعظم برنامه تسـلیحاتی خود همان توصـیه هایی را به کار بسـته که در تحقیقات نظامی آمریکا در مورد نیازهـای دفـاعی آن کشور، در سـال ۱۹۷۲ در اختیـار کـویت قرار داده شـده بود. حـتی قبـل از تجدیـدنظر در سـیاست انتقـال تسـلیحاتی مـان، من معتقـد بودم که آمریکـا بایـد درخواست هـای دولت کویت را در زمینه خریـد اقلاـم ضـروری برای دفـاع مشروع از سرزمین خود مورد بررسی قرار دهد. در همان زمان من به این نتیجه رسیده بودم که چون

۱- بخشی از بند ۴ ناخواناست.

سیستم موشکی پیشرفته هاوک-۱ و هواپیماهای۴A- را به کویتی ها فروخته ایم، خود را ملزم به تجهیز سیستم دفاع هوایی آنها و ارائه سیستم کنترل و فرماندهی برای هدایت آن سیستم ها ساخته ایم. البته نباید از روی همدردی در مورد تقاضای کویتی ها مبنی بر دریافت تسلیحات محرمانه و پیشرفته ای که انتقال آنها به منطقه خلیج [فارس] می تواند عامل از بین بردن ثبات آن باشد به بررسی پرداخت. به همین دلیل بود که من به وزارت امور خارجه پیشنهاد کردم که در رابطه با خرید موشک های سام- ۷ و فراگ روسی توسط کویت مطالب مندرج در بند ۴ را با کویتی ها در میان بگذاریم. البته می دانم در صورت تصویب حجم دلاری فروشهای بالقوه نظامی به کویت در سال مالی ۱۹۷۹ می تواند مسئله برانگیز باشد. ولی با در نظر گرفتن زمانِ بسیار طولانی تحویل سلاحهای مورد درخواست، دولت کویت محدودیت های تحمیلی بر تأمین اقلام ضروری نیازهای مشروع دفاعی خود را به سهولت درک نخواهد کرد. برخلاف اکثر مشتریان برنامه فروش نظامی خارجی ما، کویتی ها از ابتدای امر در صدد ساختن یک بنیه دفاعی معتدل برای خود بوده اند.

مایسترون

پروازهای ۳-P به عربستان سعودی

سند شماره ۸۴

سری۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹ ۲۶ تیر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، ابوظبی ۱۸۴۱به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در جده، جیبوتی، اسلام آباد، کویت، مسقط، ریاض، صنعا، تهران.

مرجع: الف) وزارت امور خارجه ۱۸۳۷۲۹، ب) ابوظبی ۱۵۷۴

موضوع: پروازهای ۳-P به عربستان سعودی

۱- (سری - تمام متن)

۲- چنانچه پروازهای مربوطه جهت عبور بر فراز امارات متحده عربی برنامه ریزی گردد، مخاطبین بایستی آگاه باشند که سفارت احتمالاً مشکلاتی در کسب مجوز کریدور هوایی پروازها از دولت امارات متحده عربی خواهد داشت. تلگرام مرجع (ب) مشکلاتی که ما طی پرواز اخیر ۳-P با آن مواجه بودیم، تشریح می کند.

۳- از آنجا که تلگرام مرجع (الف) دلالت می کند که این پروازها با حمایت و مشارکت عربستان سعودی انجام می گیرد، ما پیشنهاد می کنیم دولت عربستان سعودی ممکن است به طرح موضوع با دولت امارات متحده عربی به منظور تسهیل در کسب مجوز پروازها علاقمند باشد. به عقیده ما این امر، مسئله را برای ما بسیار ساده تر خواهد ساخت تا به موقع بتوانیم مجوز پروازها

را – چنانچه هواپیما بخواهد طبق برنامه از فضای امارات متحده عربی استفاده کند– دریافت کنیم. دیکمن

مانور بیکان کامپس ۷۹

ص: ۲۲۰

سند شماره ۸۵

محرمانه۲۳ سپتامبر ۱۹۷۹ ۱ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط ۱۷۱۳به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در لندن، بغداد، اسلام آباد، جده، کویت، منامه، دهلی نو، پاریس، صنعا، تهران

مرجع: الف) فرماندهی خاورمیانه ز۱۵۰۹۲۰ سپتامبر ۷۹، ب) CNO واشنگتن دی. سی ز۱۳۲۳۳۴ سپتامبر ۷۹، پ) فرماندهی ناوگان هفتم ز۹۱۱۰۰ سپتامبر ۷۹، ت) وزارت امور خارجه ۲۲۹۸۴۰، ث) ۱۵۱۲ USCA۷، ج) فرماندهی ناوگان هفتم ز۲۴۰۳۰۲ اوت ۷۹.

موضوع: مانور بیکان کامپس ۷۹

۱- (محرمانه – تمام متن)

۲- تلگرامهای مرجع حاکی از آن است که تدارکات مربوط به عملیات گسترده چند ملیتی مشترک (بیکان - کامپس ۵۸) که «در نوع خود بی نظیر است به خوبی آماده شده است و با هیچیک از عملیات قبلی انجام شده در اقیانوس هند مرتبط نیست.» آخرین پیام دریافتی ما در مورد موضوع (تلگرام مرجع الف) حاوی این تقاضاست که «در صورت احتمال مشارکت نیروی دریایی یا هوایی دولت میزبان مشورتهایی صورت گیرد.»

با این وصف وزارتخانه (مرجع ث) خاطرنشان ساخته بود، «که ترتیب عملیات به گونه ای است که باید قبل از اجرای مرحله بعدی، وزارت دفاع، وزارت امور خارجه و دیگران حاضر در واشنگتن را رسماً توجیه کند.»

۳- در رابطه با عمان عملیات بیکان کامپس، پیشنهاد عملیات مشترک با نیروی دریایی و نیروی هوایی عمان را می دهد که شامل حملات دریایی و زیردریایی علیه گروه میانی و نیز شامل مشارکت نیروی دریایی عمان در خارج از «ریسوت» - یکی از بنادر ظفار که از مرز جمهوری دمکراتیک خلق یمن و عمان چندان فاصله ای ندارد، است- و علاوه بر این در حوالی جزیره مصیره که مطبوعات درباره استقرار نیروهای آمریکایی در آنجا جنجال زیادی برپا کرده اند نیز عملیاتی صورت خواهد گرفت.

۴- بسیاری از تلگرامهای مرجع، و نیز تلگرامهای دیگری که مرجع نیستند، متقاضی کسب اطلاعات در مورد «جزئیات عملیات» شده اند، چون گمان می کرده اند که متعاقب آن سیاست مزبور باید تصویب و تأیید گردد.

۵- طبق اطلاع وزارتخانه، ما چند روز جالب را پشت سر گذاشته ایم، چون طی این چند روز یک روزنامه کویتی ورود یک

تیم ۱۲ نفره تحقیقات نظامی کوتاه مدت (دو هفته ای) را اشتباه گرفته و آن را ورود یک نیروی نظامی آمریکایی «۲۰۰۰۰» نفره عنوان کرده بود و رادیو مسکو نیز تکذیب سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا را دروغ و غیرمنطقی قلمداد نموده بود. بغداد نیز حملات علنی خود را علیه عمان آغاز کرده که چرا یک پیشنهاد منطقه ای را مطرح کرده تا امنیت تنگه هرمز

افزایش یابد. بنا به گفته عراقیها، این گونه ترتیبات امنیتی، آغازی است بر گسترش سلطه نظامی آمریکا در خلیج [فارس] (JN۲۰۱۰۲۶). این واقعیت که عملیات بیکان کامپس نیز در همان ماهها صورت می گیرد که طی آن عملیات سنتو انجام شده بود (میدلینک)، موجبات انتقادات بیشتر عراقیها و دیگران را در منطقه فراهم می آورد. عامل مهمتر ابراز نگرانی سعودیها مبنی بر این است که مبادا افزایش فعالیت نظامی آمریکا در منطقه نقصان های سیاسی خصمانه ای پدید آورد. آخرین نمونه این ابراز نگرانیهای سعودی در سخنرانی پسر وزیر دفاع این کشور یعنی فرزند سلطان در مرکز کندی بود که توسط نشریه لوس آنجلس تایمز در تاریخ ۲۰ سپتامبر گزارش شده بود. «بندر» هشدار داد که «به اهتزاز درآمدن پرچمهای بیگانه و نمایش قدرت آنها» در منطقه، به سهولت موجب تضعیف روابط حسنه و مشترک خواهد شد.

۶- در رابطه با حملات علنی علیه عمان و هشدارهای سعودیها، به نظر من بهتر است که فعل و انفعال نظامی خود را گسترش نداده و تنها به عبور و مرور نیروی دریایی خود در تنگه هرمز و «ارتباط های» بین نیروی هوایی عمان و هواپیماهای مستقر بر ناوهای هواپیمابر خود در اقیانوس هند اکتفا کنیم. گسترش فعل و انفعال بین نیروهای ما، موضع سلطان را در جهان عرب تضعیف خواهد کرد و مطالب بسیاری در اختیار دستگاههای شایعه پراکنی دشمنان وی قرار خواهد داد.

۷- علاوه بر این، من از این مطلب نگرانم که چرا نیروی دریایی قبل از کسب توافق رسمی در مورد امکانات سیاسی عملیات، این گونه تدارک عملیاتی برای مانور بیکان کامپس تهیه دیده است. در این منطقه با هم پیمانانی سر و کار نداریم که با برداشت های امنیتی- سیاسی جهانی و منطقه ای ما هم عقیده باشند. در صورتی که صف آرایی نیروهایمان در متن صحیح سیاسی منطقه صورت نگیرد، به منافع خود بیش از همه ضربه زده ایم.

۸- به نظر من تا زمانی که توافق مربوط به امکانات سیاسی این مانور کسب نشده، وابسته دفاعی نباید طرح ریزیهای بیشتری انجام دهد. وایلی

مانور بیکان کامپس

سند شماره ۸۶

سری۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹ ۳ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، اسلام آباد ۹۲۱به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، بغداد، دوحه، کویت، لندن، مسکو، مسقط، پاریس، صنعا، تهران.

مرجع: مسقط ۱۷۱۳

موضوع: مانور بیکان کامپس

۱- (سری - تمام متن)

۲- اوضاع عمان در رابطه با بیکان کامپس ۷۹ سبب پیدایش رویدادهایی شده که تمام مخاطب ها ممکن است در جریان آنها واقع نشده باشند. به نظر اینجانب عقیده سفیر وایلی را

که دولت آمریکا باید در مورد مسائل سیاسی و امنیتی قبل از آغاز هرگونه تماس عملیاتی، توافق آرا را به دست آورد؛ تشدید می کند.

۳- اگر قرار است در مورد عمان و عربستان سعودی جانب احتیاط را از دست ندهیم در مورد پاکستان نیز باید همین کار انجام شود. طبق قضاوت ما، اگر قرار باشد عمان و عربستان سعودی در این عملیات شرکت جویند پاکستان نمی تواند یکی از طرفین این مانور دریایی چند ملیتی باشد. در واقع، دریاسالار «نیازی» رئیس ستاد نیروی دریایی پاکستان در ماه ژوئن به دریاسالار «پاکس پاکر» گفته بود که تنها راه پیوستن پاکستان به این عملیات مشترك (بدون ذکر نام عملیات بیکان کامپس) این است که عربستان سعودی از پاکستان برای این کار دعوت به عمل آورد. در این صورت نیز ممکن است وزارت امور خارجه پاکستان به مخالفت برخیزد.

۴- اکنون که اعتبار پاکستان از نظر عدم تعهد به خوبی پیش رفته، حساسیت ها نیز احتمالاً کاهش یافته است؛ ولی به نظر من حساسیت های اصلی هنوز به قوت خود باقی بوده و این حساسیت ها با توجه به این که انتخابات سراسری در اینجا در همان زمان بوده و مانور بیکان کامپس همانند تمرینات سالانه سنتو نیز در فصل مشابه قرار دارد، تشدید می شود. علاوه بر این هرگونه اشاره یا اظهارنظر دولت های عربی مبنی بر اینکه این عملیات با تشکیل نیروهای ضربتی مرتبط است، برای پاکستانی ها عامل عکس العمل قوی به حساب خواهد آمد؛ این موضوع بعضاً به دلیل ترس از مقاصد آمریکا نسبت به تأسیسات آتی پاکستان است.

۵- واضح است که ملاحظات سیاسی و امنیتی بسیاری باید در نظر گرفته شود تا عملیات به صورت صحیح آغاز شود. هامل

درخواست ناوهای مین جمع کن توسط عمان

سند شماره ۸۷

سری۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹ ۴ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، لندن ۸۹۶۱ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، بغداد، بن، جده، مسقط، پاریس، رم، تهران، توکیو

موضوع: درخواست ناوهای مین جمع کن توسط عمان

خلاصه: (سری - تمام متن) مقام بخش خارجی از ناگهانی بودن و ناهنجاری تقاضای عمان از کشورهای عربی، اروپایی و آمریکا برای تأمین هزینه مالی و نیروی انسانی مین جمع کن ها برای حراست از تنگه هرمز شگفت زده شده است. دولت انگلیس مایل است در مورد پاسخ به این مطلب با آمریکا مشورت کرده و در صورت ارسال مطالعات بررسی امنیتی تنگه

موجبات امتنان خواهد شد. پایان خلاصه.

۱- در طول ملاقات رئیس بخش خاور نزدیک در ۲۴ سپتامبر در بخش خارجی، «هنی» رئیس اداره خاورمیانه، در مورد عکس العمل دولت آمریکا در رابطه با درخواست شفاهی عمان برای

دریـافت چهـار فرونـد مین جمع کن سؤالاـتی مطرح نمود. «هنی» خاطرنشان ساخت که یادداشت عمان که شامل بررسـی های نیروی دریـایی عمان بود (و احتمالاً بنا به گفته او توسط یکی از افسـران انگلیسـی در وزارت عمان نوشـته شـده است) در چند روز گذشـته به آمریکا، انگلیس، آلمان غربی، ایتالیا، ژاپن، عراق، ایران، عربسـتان سـعودی و امارات متحـده عربی ارسال شده است.

۲- هنی گفـت کـه «H.M.G» قبلاًـ در مـورد مـاهیت این تقاضـا اطلاـعی نداشـته و از شـأن غیر دیپلماتیـک در این امر اظهـار نارضـایتی کرد. این تحقیق دریـایی که به طور مثـال به عنوان یـک سـند درون کشوری عمـان تهیه شـده است، درباره «قابلیت اعتماد» دولت های عربی دریافت کننـده تحقیق، سوءظن ایجاد می کند. علاوه بر این، به گفته هنی، تقاضای عمان برای فراهم آمدن نیروی انسانی خارجی نیز با تمسخر بغداد روبه رو خواهد شد.

۳- عکس العمل مقـدماتی انگلیس در رابطه با این «خبر داغ» این است که ابتـدا پیشـنهاد مشورت داده شود و پس از آن به راه حـل هـای احتمـالی پرداخته شود. هنی در همین حـال گفت که بهتر است عمانیها (به خاطر دست پاچگی شان) مورد تمسـخر واقع نشونـد. انگلیس در نظر دارد تقاضـای عمـان را در حاشـیه اجلاـس خبرگان سازمان ناتو در خاورمیانه مورد بحث و تبادل نظر قرار دهد.

۴- لمبراکیس و مقـام سـفارت گفتنـد که آنها از وجود تقاضای شـفاهی عمان بی خبر هسـتند ولی به وزارتخانه اطلاع خواهند داد که انگلیس مایـل است در مورد ارائه پاسـخ بـا آمریکـا مشورت کنـد. هنی پرسـید که مطـالعه آمریکـا در مورد تنگه هرمز چگونه ارسال و در چه زمانی به دست دولت انگلیس خواهد رسید.

۵- اقدام مقتضـی: چون وزارتخانه احتمالاً با سفارت انگلیس در مورد بررسی تنگه تبادل نظر داشته است، لطفاً اطلاع دهید که آیا متن تحقیقی وجود دارد که به انگلیس داده نشده و آیا ما باید آن را به هنی بدهیم یا خیر.

۶- به نظر می رسد در نتیجه دریافت اعلامیه عمومی عمان همه از آن خبردار شده اند.

بروستر

تقاضای عمان در مورد مین روب ها

سند شماره ۸۸

سری۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹ ۵ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهران ۱۰۴۳۹به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در لندن، ابوظبی، بغداد، دوحه، جده، کویت، مسکو، مسقط، منامه، پاریس، صنعا.

مرجع: الف) مسقط ۱۷۳۲، ب) تهران ۱۰۴۲۲

موضوع: تقاضای عمان در مورد مین روب ها

۱- (سری - تمام متن)

۲- سفارت آمریکا در تهران نیز مانند مرجع (الف)، معتقد است آمریکا در پاسخ گفتن به تقاضاهای عمان در مورد مین یابها باید شدیداً جانب احتیاط را رعایت کند.

۳- همانگونه که در مرجع (ب) گفته شده، ایران در مورد فعالیت های نظامی آمریکا در منطقه خلیج [فارس] بسیار نگران و به آنها به دیده شک و تردید می نگرد. همکاری آمریکا با عمان در اموری چون تنگه هرمز که به نظر ایرانیها در حوزه نفوذ آنهاست برای تهران قابل پذیرش نیست.

لینگن

تقاضای عمان مبنی بر دریافت کمک برای امنیت خلیج [فارس]

سند شماره ۸۹

محرمانه۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹ ۷ مهر ۱۳۵۸

از: هیأت نمایندگی آمریکا، سازمان ملل ۶۶۶۱

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، بغداد، دوحه، جده، کویت، لندن، منامه، مسقط، تهران.

موضوع: تقاضای عمان مبنی بر دریافت کمک برای امنیت خلیج [فارس]

۱- در مشورتهایی که در ۲۵ سپتامبر در لندن صورت گرفت «تثام» معاون سرپرست بخش خاورمیانه ای FCO به «گلسپی» مقام سفارت در لندن و «لمبراکیس» میهمان او از بخش خاور نزدیک گفت که عمانیها در میان کشورهای منطقه و دولت های غربی پیرامون مسئله امنیت تنگه هرمز گفتگو می کنند و زمانی که فهمید واشنگتن در این باره چیزی دریافت نکرده است، «تثام» یک نسخه از متن ارائه شده به انگلیس را به ما داد (که به ARP و RA خاور نزدیک ارسال شده است)

۲- متن عمانی شامل مطالعه ای درباره امنیت تنگه هرمز بود که ظاهراً توسط افسران انگلیسی نیروهای مسلح سلطان عمان تهیه شده است. «تثام» بدون مطالعه اظهار داشت از اینکه این مطالعه در اختیار کشورهای مختلف قرار گرفته خوشحال نیست. در یک جا به ذکر نیروهای دریایی مستقر در منطقه می پردازد و نیروهای سوری را «غیرقابل اعتماد» قلمداد می کند. تقاضای اصلی عمان درخواست یک کمک ۱۰۲ میلیون دلاری برای خرید نیروی مین جمع کن عمانی متشکل از سه تا چهار قایق برای حفاظت از تنگه است.

۳- انگلیسی ها این ابتکار را بی ثمر می دانند و از اینکه دیگر کشورهای خلیج [فارس] نیز نسبت به آن عکس العمل منفی

نشان داده اند تعجب نمی کنند.

بنا به گزارشهای رسیده عمانیها در نظر دارند مسئله را با کشورهای اوپک و کشورهای مهم مصرف کننده نفت از قبیل ژاپن و آمریکا در میان بگذارند.

بنت

تقاضای عمان جهت دریافت مین جمع کن

سند شماره ۹۰

محرمانه۴ اکتبر ۱۹۷۹ ۱۲ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهران ۰۶۹۶به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در لندن، دوبی، بن، دوحه، جده، کویت، منامه، مسکو، مسقط، رم، پاریس، صنعا

مرجع: الف) تهران ۱۰۴۳۹، ب) تهران ۱۰۶۵۸

موضوع: تقاضای عمان جهت دریافت مین جمع کن

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- در هفته گذشته با آشکار شدن تقاضای عمان برای دریافت مین جمع کن، منافع ایران در خلیج فارس و شک و سوءظن آن نسبت به فعالیت های آمریکا در منطقه نیز آشکار شد. ایرانیها ظاهراً معتقدند که در پشت طرح عمان انگیزه های آمریکایی نهفته است. این برداشت آنها ظاهراً در نتیجه گزارش مطبوعات عربی که مدعی هستند این طرح با حمایت آمریکا، انگلیس و آلمان غربی تهیه شده، به وجود آمده است.

۳- عکس العمل عمومی در رابطه با طرح عمان کاملاً منفی بوده است. در نیویورک، وزیر خارجه یزدی به گزارشگران الانباء گفت «ایران با تبدیل منطقه خلیج فارس به صحنه ابرقدرت ها مخالفت خواهد کرد.» و دیگر اینکه ایران طرح عمان را برای حفاظت تنگه هرمز رد کرده است. دکتر چمران وزیر دفاع جدید ایران در مصاحبه خود با یک روزنامه لبنانی در مورد «مداخله» آمریکا در خلیج فارس گفت که ایران با هرگونه مداخله خارجی در خلیج فارس مخالف است. علاوه بر این سفیر ایران در کویت، علی شمس اردکانی، در مصاحبه خود با روزنامه فارسی زبان بامداد از مقاصد آمریکا برای ایجاد یک نیروی اضطراری صدهزار نفری در خلیج فارس و تبدیل عمان به پلیس منطقه شدیداً انتقاد کرد. وی گفت ایران به علت موقعیت جغرافیایی خود قادر است از تنگه هرمز حمایت و حراست کند.

۴- ولی فرمانده نیروی دریایی دریاسالار مدنی در ۲۷ سپتامبر به مطبوعات گفت که نیروهای آمریکا در خلیج فارس تأثیری بر ایران نخواهند داشت و «نیروهای آمریکایی بارها به خلیج فارس آمده اند.» مدنی در گفتگوهای خود از قدرت نمایی های نیروی دریایی در مانور خود در خلیج فارس نیز سخن گفت.

نظریه: این مانورها ربطی به اعلامیه عمانی ها نداشته است ولی احتمالاً- می خواسته اند که ایرانیها و کشورهای همسایه از قدرت نیروی دریایی مطلع باشند. ولی اگر عملیات نیروی دریایی در دریا موافقیت آمیز هم باشد، نمی توان آن را یک قدرت بالقوه به حساب آورد (به گزارش وابسته دفاعی آمریکا به شماره ۷۹ ۰۳۱۱ ۶۸۴۶ برای دریافت اطلاعات بیشتر مراجعه کنید).

۵- گرچه طرح عمانیها چندان مشخص و واضح نیست، ولی سفارت مایل است بار دیگر

درباره اهمیت نظریات ایران درباره نقش خود و نقش آمریکا در خلیج فارس متذکر شود. همانگونه که در گزارش تهران ۱۶۵۶۸ یادآور شدیم، مهم است که ما هم از جریان ورود نیروها به منطقه و طرحهای آینده خبر داشته باشیم.

۶- مطبوعات فارسی داستانهای اغراق آمیزی درباره نیروهای مستقر در بحرین چاپ می کنند. برای خنثی کردن این مقالات لازم است ما از تعداد و ترکیب تأسیسات آمریکا در بحرین مطلع شویم. لینگن

درخواست قطر مبنی بر خرید تسلیحات دریافت شد

سند شماره ۹۱

سری۲۸ اکتبر ۱۹۷۹ ۶ آبان ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، دوحه ۱۲۴۴به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در جده، کویت، منامه، مسقط، تهران

مرجع: الف) دوحه ۱۲۱۳ ب) دوحه ۱۲۲۱

موضوع: درخواست قطر مبنی بر خرید تسلیحات دریافت شد

۱- (سری - تمام متن)

۲- طی ملاقات مورخ ۲۰ اکتبر بین معاون فرمانده کل نیروهای مسلح قطر سرتیپ محمدالعطیه و ناخدای کنونی ناو لاسال آمریکایی، سرتیپ گفت قطر مایل است از آمریکا در زمینه دفاعی خریدهای مهمی انجام دهد.

شیخ عبدالله بن خلیفه آل ثانی فرزند سوم امیر خلیفه و فرمانده تام الاختیار ارتش قطر نیز در این ملاقات حضور داشت و در گفتگو شرکت کرد. جهت اطلاع آنها گفتم که سیاست فروش تسلیحات آمریکایی به کشورهای خلیج[فارس] جنوبی محدودیت بسیاری یافته است. این سیاست تحت بررسی است لیکن اینجانب از تغییرات آن مطلع نیستم. با این وجود، اگر قطر تقاضای خود را مطرح کند من نیز آن را همراه با توصیه ای به وزارت امور خارجه خواهم داد و اظهار داشتم که تقاضانامه باید کتبی باشد.

۳- در تاریخ ۲۹ اکتبر، معاون فرمانده کل قوا تقاضانامه کتبی که شامل تجهیزات نظامی زیر است به اینجانب داد ولی مقادیر آن مشخص نشده است:

۱) رادار

۲) موشک های پیشرفته هاوک

۳) توپ های ضدهوایی

۴) توپخانه هویتزر ۱۵۵ میلی متری قابل تحرک

۵) توپخانه هویتزر ۸ میلی متری قابل تحرک

۶) موشک های هوا به دریا

۷) موشک های دریا به دریا (اژدر)

۸) هواپیماهای شکاری مدرن

۴- نظریه و اقدام مقتضی: علیرغم شواهد موجود در دو سال گذشته مبنی بر اینکه قطر می خواهد بنیه دفاعی خود را بهبود بخشد، تنها تقاضانامه دریافتی ما از سوی این کشور، در رابطه با فروش چند هویتزر ۱۵۵ میلی متری بوده است. وزارتخانه این تقاضانامه را نپذیرفته بود. ولی پس از انقلاب ایران، کشورهای کوچک خلیج [فارس] مانند قطر نمی توانند در سایه عربستان سعودی و دیگر غول منطقه ای یعنی ایران به امنیت خود امیدوار باشند. و قطر اخیراً در رابطه با اعدامها، اظهارات نامربوط و بی ثباتی ایران خود را آسیب پذیر یافته است. چند کشور دیگر کوچک نیز ظاهراً همینگونه فکر می کنند و تصمیم آنها در کنفرانس طائف - تاریخ ۱۶ اکتبر- برای تقویت بنیه دفاعی خود نیز نشانگر همین روحیه است.

۵- ادامه نظریه: رژیم اسلامی تهران در ابتدا به مذاق دولت قطر خوش آمد. لیکن اعدامها و ادعاهای بی ربط ارضی در مورد خلیج [فارس]، رژیم سنت گرای قطر را گوش به زنگ کرده است. این موضوع در قرارداد قطر با دیگر کشورهای عضو کنفرانس طائف مبنی بر تقویت بنیه دفاعی و گسترش روابط بهتر با تهران گنجانده شده است. همه آنها امیدوارند که بتوانند رژیم ایران را به میانه روی بکشانند، لیکن ترس از آن دارند که مبادا این کشور سقوط کند و در نهایت کمونیست ها به قدرت برسند. تقاضای خرید اسلحه و تقاضای آموزش در ناوهای نیروی خاورمیانه ای نشانگر همین ترس است.

۶- ادامه نظریه: قطر در اصل بی دفاع است. افسران انگلیسی وابسته به نیروهای مسلح قطر می گویند که در دفاع از تأسیسات نفتی مستقر در خارج از خشکی و حتی تأسیسات داخل خشکی بنیه دفاعی چندانی وجود ندارد. عامل دیگر این است که دولت قطر باید به زودی در مورد گسترش حوزه گازی غیرمرتبط خارج از خشکی در شمال غربی کشور تصمیمی اتخاذ کند. حدود پنج تا شش میلیون دلار باید صرف این حوزه شود، در حالی که نظام دفاعی کنونی به هیچوجه قادر به حراست از این تأسیسات نیست.

به نظر من قطر هماهنگ با عربستان سعودی و دیگر همسایگان خود در خلیج [فارس] در مورد این شبه جزیره اقدام کرده است. امیدوارم وزارتخانه با احساس همدردی بیشتری نیازهای قطر را مورد بررسی قرار دهد. اگر ما آن را تصویب کنیم قطر احتمالاً تمام موارد ذکر شده را خریداری نخواهد کرد و علاوه بر این گمان نمی رود که هیچیک از آنها را به مقادیر زیادی خریداری نماید. مضاف بر این من امیدوارم که در مورد این تقاضا اقدام عاجل به عمل آید. در سفارت، ما فاقد تخصص نظامی جهت ارزیابی این تقاضانامه هستیم. شاید سفر یک و یا چند تن از نظامیان قطر به واشنگتن و گفتگو با متخصصین آمریکایی بتواند روشن سازد که چگونه وضع دفاعی قطر را بهبود بخشد.

۷- عکس العمل عاجل آن وزارتخانه موجب امتنان و سپاسگزاری خواهد بود.

کیل گور

تقاضای بحرین برای دریافت سیستم موشکی هاوک

ص: ۲۲۸

سند شماره ۹۲

سری ۳۰ اکتبر ۱۹۷۹ ۸ آبان ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی ۳۳۸۰به: سفارت آمریکا، منامه

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، دوحه، جده، مسقط، صنعا، تهران

مرجع: منامه ۱۵۱۲

موضوع: تقاضای بحرین برای دریافت سیستم موشکی هاوک

۱- سری - تمام متن

۲- خلاصه: ما آماده هستیم با دولت بحرین درباره تقاضای آن کشور جهت خرید سیستم دفاع هوایی موشکی هاوک وارد مذاکرات جدی شویم. موافقت ما جهت گفتگو با دولت بحرین درباره سیستم موشکی هاوک منوط به آن است که آتشبارهای بحرین با شبکه دفاع هوایی عربستان سعودی چنان ارتباط پیدا کند که به وسیله بحرینی ها و سعودی ها مشترکاً به کار رود. تصور می کنیم دولت بحرین در این باره از عربستان سعودی تقاضای پول خواهد کرد. موافقت ما برای بحث جهت عرضه سیستم موشکی هاوک به بحرین مشروط به استثنا قایل شدن در سیاست آشکار ملی و روال های بررسی عادی ۳۶(ب) - تصویب رئیس جمهور و بررسی کنگره - خواهد بود. پایان خلاصه.

۳- سابقه: سیستم موشکی هاوک می تواند تنها در بُعد نقش دفاع هوایی به کار رود. بُرد آن (حدود ۳۵ کیلومتر) و مأموریت این سلاح برای بحرین (و سایر کشورهای خلیج [فارس]) جهت به کار بردن در مقابل حمله هوایی بسیار مناسب است. سیاست ایالات متحده در بیشتر سالهای دهه گذشته عبارت از پشتیبانی پی گیر و همکاری در میان کشورهای عربی میانه رو خلیج فارس در امور دفاعی و آموزش و پرورش و صنعتی کردن کشور و سایر زمینه ها بوده است. فروش سیستم موشکی هاوک به عنوان یک اظهارنظر مشخص مبنی بر جدی بودن مقاصد ما خواهد بود. علاوه بر این استقرار چنین سیستم موشکی دفاع ضدهوایی ما را قادر خواهد ساخت تا از تقاضاهای احتمالی بحرین در خصوص هواپیماهای دارای بال ثابت طفره رویم. پایان خلاصه.

۴- شما مجاز هستید نکات ذیل را برای دولت بحرین عنوان کنید. ما پیشنهاد می کنیم که شما به ولیعهد و وزیر دفاع و همچنین وزیر امور خارجه مراتب را اطلاع داده و درباره طرح این نکات به سایر مقامات بحرینی طبق صلاحدید خود اقدام نمایید.

ما با گفتگوهای جدید و مفصل با دولت بحرین درباره تقاضای آن کشور جهت خرید سیستم موشکی هاوک موافق هستیم.

دولت بحرین باید آگاه باشد که هرگونه توافق نهایی منوط به استثناء قایل شدن در سیاست آشکار ملی و روال های عادی بررسی ۳۶ (ب) - تصویب رئیس جمهور و بررسی کنگره- است.

موافقت ما مبتنی بر این استنباط است که عربستان سعودی حاضر است خرید این سیستم را از نظر مالی تضمین کند. ما درباره این سیستم مشکل سیاسی نداریم بلکه معتقد هستیم که یک سیستم موشکی که جداگانه از سوی بحرین تماماً تأمین مالی شود از لحاظ اثرات هزینه قابل توجیه نخواهد بود.

ما دستیابی بحرین به سیستم موشکی هاوک را یک گام مهم در پیشبرد همکاری دفاع هوایی منطقه ای تلقی می کنیم و معتقدیم که تنها در چنین چارچوب منطقه ای این سیستم معنی خواهد داشت.

ما در نظر داریم درباره مفاد تصمیم خود، دولت عربستان سعودی را آگاه سازیم.

ما حداکثر ارتباط ممکن بین سیستم موشکی بحرین و سیستم موشکی عربستان سعودی را تشویق می کنیم و انتظار داریم که لااقل فرماندهی های دفاع هوایی دو کشور به وسیله یک شبکه ارتباطی مشترک و همچنین به وسیله استفاده از رادارهای دوربرد مشترک به یکدیگر مرتبط گردد.

یک چنین ارتباطی مانع از آن نخواهد شد که بحرین بتواند مستقلاً از خود در برابر حملات هوایی دفاع کند، بلکه در امور پشتیبانی لجستیک این سیستم، برای بحرین مقرون به صرفه خواهد بود و تا حد ممکن از دوباره کاری در سیستم ها اجتناب خواهد گردید.

دولت ایالات متحده تنها در عرضه این سیستم موشکی و اجزای آن به بحرین درگیر خواهد بود.

هر چند فروش این سیستم طبق برنامه روش نظامی خارجی انجام خواهد شد، [اما] به علت ارزش دلاری آن، ما پیش بینی نمی کنیم که در ارتباط با این فروش، حضور رسمی گسترده یا درازمدت [در بحرین] داشته باشیم.

ما تصور می کنیم که تکنسین ها و آموزش های ضروری طبق قراردادها به شرکت های خصوصی آمریکا واگذار خواهد شد، همانطور که در عربستان سعودی و کویت این کار انجام خواهد شد. این کار با همکاری نزدیک سعودی ها انجام خواهد گرفت تا از دوباره کاری تلاش ها و هزینه های غیرضروری پرهیز شود.

به محض اینکه بحرین به ما اطلاع دهد که تأمین مالی از ناحیه عربستان سعودی قطعی است و بحرین و عربستان سعودی درباره ارتباط دادن دو سیستم هوایی خود به توافق کلی رسیده اند، ما حاضر هستیم بر اساس شرایط بازپرداخت، گروهی از کارشناسان دفاع هوایی را به بحرین اعزام کنیم تا با وزارت دفاع به مشورت پرداخته و نیازهای فنی جهت برقراری یک سیستم دفاع هوایی را بررسی کنند.

در صورت توافق دولتین بحرین و عربستان سعودی، این گروه همچنین می تواند برای بررسی نیازهای مربوط به مرتبط ساختن قابلیت های دفاع هوایی دو کشور به عربستان نیز سفر کند.

چنانچه دولت بحرین تصمیم بگیرد این موضوع را بیشتر پی گیری کند باید از طریق

سفارت تقاضا کرده و نامه پیشنهادی برای گروه ارسال کند.

استقرار و کاربرد این سیستم تسلیحاتی پیچیدگی های بسیاری دارد. موشک هاوک نه تنها گران قیمت است بلکه نیازمند افسران و افرادی با تحصیلات عالی برای استفاده مؤثر از آن است. یک آتشبار موشک هاوک مرکب از دو واحد آتش به تعداد کل شش پرتاب کننده می باشد که توسط تکنسین های رادار و کامپیوتر پشتیبانی می شود. به طور عادی هر آتشبار بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر و چند صد نفر دیگر جهت پشتیبانی در امور لجستیکی، اداری و فنی است.

یک آتشبار هاوک متشکل از شش پرتاب کننده حدود ۳۰ میلیون دلار ارزش دارد. ارزش هر موشک ۱۳۵ هزار دلار است. هر پرتاب کننده در هر بار دارای سه موشک است. به این مبلغ نیازهای قابل ملاحظه حفاظت و لجستیک و آموزش اضافه می شود. ما معتقدیم که جمع کل قیمت با توجه به تجهیزات مورد نیاز برای بحرین و میزان استفاده بحرین از تسهیلات پشتیبانی عربستان سعودی، ممکن است بین ۷۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار هزینه در برداشته باشد.

بنابراین با توجه به کلیه موارد فوق، اگر دولت بحرین خواهان خرید سیستم موشکی هاوک باشد بایستی آگاه باشد که این سیستم ظرف ۲ تا ۳ سال آینده از خط تولید خارج خواهد شد و سفارش ها باید طی ۱۲ماه آینده ارسال شود. (برای اطلاع شما: ایالات متحده سیستم موشکی دفاع هوایی جدیدی به نام پاتریوت وارد عمل خواهد کرد.)

۵- برای ابوظبی، دوحه و مسقط: اگر دولتهای میزبان نسبت به سیستم موشکی هاوک اظهار علاقه نمایند، شما مجاز هستید آنها را بر اساس مفاد این تلگرام مطلع ساخته و اضافه کنید که ما آماده هستیم به طور کلی با آنها درباره موضوع نیازهای دفاع هوایی در یک چارچوب منطقه ای وارد گفتگو شویم ولی نمی توانیم برای فروش یک سیستم مشخص تا زمانی که درباره نیازهای نظامی توافق مشترک حاصل نکرده ایم، تعهدی بدهیم.

۶- برای جده: مفاد این پیام با «وست» سفیر آمریکا مورد بحث قرار گرفته است. او این موضوع را پس از بازگشت به عربستان سعودی با شاهزاده سلطان در میان خواهد گذاشت.

ونس

نیروی دریایی آمریکا در بحرین

سند شماره ۹۳

بدون طبقه بندیاول نوامبر ۱۹۷۹ ۱۰ آبان ۱۳۵۸

از: مرکز اطلاعات ایالات متحده واشنگتن دی. سی ۶۰۱۵به: سفارت آمریکا، مسقط

رونوشت به: سفارتخانه های آمریکا در جده، تهران، منامه، دوبی، کویت

موضوع: نیروی دریایی آمریکا در بحرین

نمود حضور ارتش آمریکـا در اینجـا، بحرین، آنچنان ضـعیف است که می توان گفت عملاً از دیـده ها پنهان است. پرچم راه راه و ستاره دار آمریکا بر فراز تأسیسات نیروی دریایی که به ۵ کشتی نیروی خاورمیانه سرویس می دهد، در اهتزاز نیست. این کشتی ها در خلیج فارس و

غرب اقیانوس هند گشت می زنند. یک ستوان جوان آمریکایی می گوید: «ما از دولت بحرین هر سال اجازه می گیریم که یک بار یعنی در روز ۴ ژوئیه پرچم آمریکا را به اهتزاز درآوریم.» نیروی دریایی می گوید در اینجا ۶۰ افسر و سرباز یک «واحد پشتیبانی اجرایی» را تشکیل می دهند. لفظ «پایگاه» از طرف بحرینی ها و آمریکا به کار نمی رود. آمریکاییها باید برای بیرون رفتن لباس «غیرنظامی» بپوشند. دروازه ورودی علامت شناسایی ندارد و به جای ملوانان آمریکایی، به وسیله مأمورین امنیتی بحرین حفاظت می شود.

چرا نیروی دریایی چهره نشان نمی دهد؟ چون بحرین چنین می خواهد. همچون بسیاری کشورهای جهان سوم، دولت (بحرین) یک پایگاه نظامی خارجی را با استقلال سازگار نمی داند. یکی از اعضای کابینه می گوید: «ما تأسیسات نظامی آمریکایی در اینجا نداریم.» اما وقتی پرسیده می شود آن ۶۰ آمریکایی در منامه چه می کنند تنها جوابش این است: «ما بانکهای خارجی زیادی با ۶۰ یا ۷۰ نفر کارمند در اینجا داریم.» ناو فرماندهی نیروی خاورمیانه ای که یک زیردریایی تبدیل یافته، با نام لاسال است دائماً در منطقه حضور دارد. خدمه اش سالی یک بار به خانه بازگردانده می شوند.

چهار کشتی دیگر حاضر در منطقه، کشتیهای جنگی از ناوگان ششم آمریکا در مدیترانه هستند که در منطقه رفت و آمد می کنند. آنها فقط دیدارهای اندکی از بحرین داشته اند چون دو سال پیش دولت منامه از آنها خواست که بروند. حتی هنگام این دیدارهای اندک، آنها وارد اسکله های تجاری می شوند. واحد پشتیبانی ساحلی نیروی دریایی خدماتی از قبیل تدارکات، نقل و انتقال نیروها و پست را انجام می دهند. همچنین، هواپیماهای باربری اغلب از ناو فرماندهی به فرودگاه بحرین پرواز می کنند تا مواد و ملزومات را عرضه کرده و ملوانان را تعویض کنند.

تأسیسات آمریکایی در منامه یک دسته ساختمانهای کوتاه قهوه ای رنگ و انبارهای سبزر نگی است که در یک دماغه کوچک پیشرفته در اراضی آبگیر و مردابی خلیج فارس به مساحت ۶ جریب آمریکایی [۴۰۹۵ متر مربع] واقع شده اند. آمریکا یک اجاره ۲ میلیون دلاری را سالانه به بحرین می پردازد و هر سال درباره قرارداد اجاره مذاکره می شود. یک مدرسه وزارت دفاع برای فرزندان نیروهای آمریکایی مستقر در پایگاه وجود دارد که در آن فرزندان تجار خارجی و اهالی منطقه نیز درس می خوانند. فقط ۲۰ درصد از ۷۰۰ شاگرد مدرسه آمریکایی هستند.

از بقیه یکی هم فرزند حاکم بحرین است. ژنرال «رابرت چونینگ» فرمانده نیروهای خاورمیانه ای و همسرش خانه ای در بحرین به دعوت دولت بحرین دارند. واحد ساحلی ۴۷ خانواده مقیم دارد اما خانواده کلیه نیروهای دریایی باید در آمریکا بمانند. آمریکا به منظور اجتناب از رنجاندن امیر از خود انعطاف نشان می دهد. واحد ساحلی حتی اگر فقط اداری نیز باشد موجودی مهمی در خلیج فارس است.

دو ابرقدرت در خلیج فارس

سند شماره ۹۴

[موضوع]: دو ابرقدرت در خلیج فارس

...(۱) بنـادر و پایگاههـای دریایی را در برخی کشورهای منطقه در حکم علایمی برای نشان دادن حضور نظامی در این منطقه و کمـک به دوسـتان و متحـدان به منظور تقویت اسـتعداد بـالقوه اقتصـادی و نظـامی آنهـا تلقی می کنـد و بـدین ترتیب اتحاد شوروی بر این باور است که هیچگونه پایگاه نظامی در منطقه ندارد. از سوی دیگر، ایالات متحده با این اسـتدلال موافق نیست و این اقدام اتحاد شوروی را بیانگر حضور نظامی این کشور در منطقه می داند.

اگرچه هر دو ابر قـدرت، ظـاهراً، از کاهش مسابقه تسـلیحاتی در منطقه حمایت می کننـد، [اما] به نظر می رسـد که با توجه به ملاحظات کنونی، هیچ اقدام عمده ای در این ارتباط از سوی آنها اتخاذ نشود.

بـا توجه به این ملاحظـات و نظر به منـافع هر دو ابرقـدرت در منطقه اقیـانوس هنـد، پیش بینی می شود که آنهـا به فعالیت های نفوذی خود در کشورهـای سـاحلی منطقه ادامه دهنـد، که در نـتیجه این سـیاست، احتمـال افزایش آشوب هـا، جنـاح گرایی و گروه بندی ها در منطقه نیز همچنان وجود خواهد داشت.

«تنگه هرمز»

۱- بقیه سند یافت نشد.

تنگه هرمز منطقه کنترل تردد نفتکش های خلیج فارس

سند شماره ۹۵

محرمانه ۱۰ اوت ۱۹۷۸ ۱۹ مرداد ۱۳۵۷

دفتر اطلاعات و تحقیقات وزارت امور خارجهتهیه کننده: آر. دبلیو. اسمیت

موضوع: تنگه هرمز منطقه کنترل تردد نفتکش های خلیج فارس

تنگه هرمز توجه جهان را به خود معطوف داشته است چرا که تنها راه عبور نفتکشها به مقصد خلیج فارس و بالعکس است. نزدیک به نیمی از نفت مصرفی دنیای غیرکمونیستی از طریق این تنگه می گذرد.

ایران و عمان که به وسیله تنگه هرمز از هم جدا می شوند، آشکارا اهمیت استراتژیک موقعیت جغرافیایی شان را در کنار این گذرگاه درک می کنند. سیاست های کشتیرانی آنها با توجه به مسئله کشتیرانی به طور کلی و تردد نفتکش ها به طور مشخص، مورد توجه جهانی است.

مشخصه های موقعیت

تنگه هرمز که بین ایران در شرق و شمال، امارات متحده عربی در غرب و عمان در غرب و جنوب قرار دارد، تنها راه عبور از خلیج فارس به خلیج عمان و اقیانوس هند است. محدوده های جغرافیایی تنگه می تواند در قسمت خلیج عمان به وسیله یک خط که «رأس دبّه» (در امارات متحده عربی) و «دماغه کوه» (در ایران) را به هم وصل می کند مشخص شود. در بخش خلیج فارس خطی که «رأس شیخ مسعود» (عمان) و جزیره هنگام (ایران) را به هم وصل می کند، محدوده های غربی تنگه جغرافیایی را معین می کند (به نقشه ضمیمه مراجعه

نمایید).

طول تنگه هرمز حدود ۱۰۴ مایل(۱) است. عرض آن از حداقل حدود ۵/۲۳ مایل بین جزایر لارک (ایران) و قوین بزرگ (عمان) تا حداکثر حدود ۵۲ مایل بین «رأس دبّه» و «دماغه کوه» امتداد دارد. به علت دعاوی ۱۲ مایلی دریای سرزمینی ایران و عمان، حدود ۴/۱۵ مایل طول تنگه بین لارک و قوین بزرگ تماماً تحت رژیم دریایی سرزمین مورد ادعا قرار می گیرد.(۲)

به طور کلی عمق تنگه کمتر از ۶۰ «فَتم» [فَتم واحد عمق پیمایی دریایی و معادل ۶ فوت است] می باشد. در شمال شبه جزیره مسندم (عمان) مناطق کوچکی قرار دارد که عمق آن به ۱۰۰ فَتم می رسد. در طول خطوط اصلی کشتیرانی، عمق بین ۴۵ تا ۶۰ فَتم متغیر است.

کشتیرانی

تنگه هرمز به علت تردد نفتکش هایی که نفت خلیج فارس را به بازار جهانی حمل می کنند شاید استراتژیک ترین تنگه در دنیا باشد. به طور جاری تقریباً ۴۵ درصد نفت مصرفی از ناحیه جهان غیرکمونیست به وسیله کشورهای حوزه خلیج فارس تولید می شود. (۳)۹۹ درصد این نفت، تقریباً ۲۰ میلیون بشکه در روز، از طریق تنگه هرمز عبور می کند.

در سال ۱۹۷۷، ایالات متحده حدود ۳ میلیون بشکه در روز نفت از خلیج فارس وارد می کرد که تقریباً معادل ۳۴ درصد کل واردات ایالات متحده، ۷/۸ میلیون بشکه در روز یا معادل ۱۶ درصد کل مصرف، ۴/۱۸ میلیون بشکه در روز بود. ۶۱ درصد از کل واردات نفت، ۱/۱۳ میلیون بشکه در روز اروپای غربی از خلیج فارس، تأمین می گردد. واردات ۹/۳ میلیون بشکه در روز ژاپن از خلیج فارس نمایانگر ۷۲ درصد کل واردات نفتی ژاپن می باشد.

تردد نفت کشها به طور کلی از طرح ترافیک جداسازی تنگه هرمز تبعیت می کند که از سوی «سازمان بین الدولی مشورتی دریانوردی» (IMCO)، «آژانس تخصصی سازمان ملل مسئول سلامت کشتیرانی و کارایی دریانوردی» تهیه شده است.

استفاده از برنامه جداسازی ترافیک اجباری نیست: ناخداها پس از ارزیابی وضعیت تصمیم می گیرند که از راه های عبوری توصیه شده تبعیت نمایند. به هر حال مشخص است که تردد کشتی ها در نقطه مقابل مسیر توصیه شده ترافیک در بین مسیرهای ترافیک مصوب از سوی

۱- ۱/ تمام اشکال مایل که در این گزارش به آن اشاره شده است ناتیکال مایل [مایل انگلیسی] است. یک ناتیکال مایل = ۱۵ ۱ متر می باشد. / مایل قانونی = ۸۵۲

۲- ایالات متحده هیچگونه ادعایی در مورد دریای سرزمینی در پهنه ای بیش از اندازه ۳ مایل را به رسمیت نمی شناسد. در قانون مذاکرات دریاها در سازمان ملل به هر حال، ایالات متحده تمایل خود را جهت پذیرش حداکثر پهنه دریای سرزمینی به مقدار ۱۲ مایل همراه با عبور ترانزیت از طرفین، برفراز و تحت تنگه ها در د اخل چارچوب یک قانون قابل درک و قبول

مربوط به قرارداد دریا اعلام کرده است.

۳- در زمینه تولید کلی، ۸ کشور تولید کننده نفت خلیج فارس اینها هستند : عربستان سعودی ، ایران ، عراق ، کویت، امارات متحده عربی، قطر، عمان و بحرین.

IMCO، ناقض ماده ۱۰ قانون IMCO ، مربوط به برنامه جداسازی ترافیک است. امن ترین راه برای یک کشتی که مایل به پیروی از مسیر توصیه شده نیست، این است که کاملاً- خارج از مرزها قرار گرفته و عبور و مرور سازمان داده شده را مختل نکند.

برنامه مصوب IMCO برای جداسازی ترافیک در عبور و مرور تنگه هرمز در نقشه ضمیمه نشان داده شده است. دو مسیر داخل باند نیز وجود دارد که به سوی شمال و جنوب جزایر عمان یعنی قوین بزرگ و قوین کوچک حرکت می کند. مسیر خارج باند نزدیک تر به سرزمین اصلی عمان و درست در شمال شبه جزیره مسندم قرار دارد.

دعاوی کشتیرانی

در سال ۱۹۷۲ عمان فرمانی صادر کرد که در میان آن خطوط اصلی مستقیم در اطراف سواحل بخش عمان را مشخص کرد. اگرچه در این فرمان آمده بود که محدوده های «دقیق» دریای سرزمینی، به همراه پیچیدگی خطوط اصلی در نمودارهای رسمی نشان داده می شود، اما از انتشار چنین نقشه هایی اطلاعی در دست نیست.(۱)

عمان جزایر قوین بزرگ و قوین کوچک را به عنوان بخشی از خط اصلی اش در نظر گرفته و آبهای منطقه بین این جزایر و سرزمین اصلی را آبهای داخلی می داند. طی مذاکرات ایران عمان بر سر بخش فلات قاره در سال ۱۹۷۳، موضوع جزایر به عنوان خط اصلی عمان، به یک بن بست اولیه منجر گردید. شناسایی این جزایر به عنوان بخشی از خط اصلی عمان، به نتیجه موفقیت آمیزی در مرزهای فلات قاره تنگه هرمز منجر گردید.(۲)

یکی از خطوط مسیرهای کشتیرانی داخل محدوده و خارج محدوده IMCO بین شبه جزیره مسندم و جزایر قوین بزرگ و قوین کوچک قرار دارد. (۳)کشتی هایی که از این مسیرهای IMCO در تنگه هرمز پیروی می کنند بایستی از طریق آبهای داخلی مورد ادعای عمان به علاوه دریای سرزمین عمان عبور نمایند.

ایران و عمان، هر دو مدعی ۱۲ مایل آب سرزمینی هستند. همانگونه که در نقشه نشان داده شده است، آبهای سرزمینی آنها در بخش شمالی تنگه روی هم قرار می گیرد. بنابراین عبور و مرور از طریق تنگه، نمی تواند بدون داخل شدن حداقل به یکی از «رژیم های» دریای سرزمینی

۱- جهت تجزیه و تحلیل کاهش [مسیرها در فرمان سال] ۱۹۷۲ به محدوده های دریاها، شماره ۶۱ ، خطوط اصلی مستقیم : عمان (فرضیه ای) ،دفتر جغرافی دان، ۴ ژوئن ۱۹۷۵ مراجعه کنید.
۲- طبق قرارداد ۱۹۷۵ ژنو در مورد دریای سرزمینی و منطقه متوالی، کشورها بایستی به روشنی خطوط اصلی تنگه را در ۶]). عمان نه به عنوان بخشی از قرارداد، چنین] نقشه ها مشخص کنند که بر اساس آن تبلیغاتی صورت بگیرد . (بند ۴ نقشه ای منتشر نکرده است. با این حال برخی سئوالات مبنی بر اینکه ادعای این کشور اثراتی داشته است، وجود دارد.

۳- برای تجزیه و تحلیل این محدوده، به منبع ذیل مراجعه شود. « محدوده های دریاها » شماره ۶۷ ، محدوده فلات قاره : ایران عمان، دفتر جغرافی دان، ۱ ژانویه ۱۹۷۶

مورد ادعا، انجام پذیرد.

طراحی ایران برای تسلط تنگه

ممکن است آینـده عبور و مرور نفتکش ها، مادام که ایران تلاش می کنـد بر منطقه خلیج فارس تسـلط یابد، توسط این کشور مختـل گردد. به نظر می رسـد نقطه تمرکز توجه ایران تنگه هرمز باشـد. از اوایل سالهای ۱۹۷۰ حوادثی رخ داده، که نمایـانگر اهمیتی است که ایران برای این منطقه قایل است.

در پی خروج بریتانیا از خلیـج فارس در سال ۱۹۷۱، در دسامبر این سال ایران سه جزیره (ابوموسـی و دو تنب) که مورد ادعای امـارات متحـده عربی است را تصـرف کرد. این سه جزیره به طور استراتژیـک در خلیـج فارس [و] در فاصـله نزدیکی از دهانه تنگه هرمز واقع است. با شروع سال ۱۹۷۳، ایران بنا به تقاضای دولت عمان نیروهای نظامی برای جنگ علیه نیروهای شورشـی در اسـتان ظفـار به عمان گسـیل داشت. تا اواسط سال ۱۹۷۷ اکثر نیروهای ایران فراخوانـده شدنـد ولی حضور محدود نظامیان ایران در عمان ادامه دارد.

طی گفتگوهـای ایران عمـان در خصوص مرزهای کشتیرانی در سال ۱۹۷۳، گزارش شـد که ایران از عمـان درخواست کرد تا (۱) وارد موافقت نـامه ای شود که طی آن دو کشور مشترکـاً کلیه کشـتی هـای عبوری در تنگه را بازرسـی نماینـد تـا از حمل اسـلحه به خلیج فارس جلوگیری کنند و (۲) وارد موافقت نـامه ای جهت جلوگیری از آلودگی در تنگه و خلیـج فارس گردد. طی موافقت نامه اخیر ممکن است از همه کشتی ها خواسـته شود تا در ایسـتگاههای معینی توقف نماینـد و مواد آلوده نفتی را دور بریزند. از کشتی ها، جهت عملیات تخلیه هزینه هایی دریافت می گردد.

بر سـر هیچیـک از اقـدامات کنترل نظامی و برنامه جلوگیری از آلودگی توافقی حاصل نشـد. هـدف اصـلی ایران این است که کنترل مؤثری بر عبور و مرور تنگه داشـته باشـد و قـادر به یـک حضور دریایی در تنگه باشـد. در حالیکه احتمالاً عمان که در مـورد کنـترل تسـلیحات و آلـودگی نگرانی بزرگی داشت، ممکن است در وهله اول به قرار گرفتن در یـک «اتحـاد بزرگ» از لحـاظ ژئوپولتیکی تشویق شـده باشـد. اگرچه هیـچ توافق رسـمی دریایی بین دو کشور حاصل نشـده، آنها از نزدیک در مورد گشت دریایی همکاری کرده اند.

در آوریل ۱۹۷۸ کنفرانسـی درباره آلودگی در خلیج فارس در کویت برگزار گردید و منجر به تصویب چندین موافقتنامه شد که اسـاس اقـدامات هماهنگ توسط کشورهای خلیـج [فارس] و برنامه محیط زیست سازمان ملل برای قطع آلودگی کشتیرانی در منطقه پی ریخت. اگر چه این موافقت نـامه هـا کلی هسـتند ولی برای کشورهـا زمینه هـایی جهت اتخـاذ اقـدامات لازم در مبارزه با آلودگی کشتی ها، هواپیماها، منابع مستقر در خاک، از بین رفتن بستر دریا و سایر فعالیتهای بشر مهیا می کند.

ممکن است وجود این توافقنامه های چند جانبه در آینده یک پایه منطقی برای توافقنامه های

استاندارد دوجانبه بین ایران و عمان در خصوص مسئله آلودگی تنگه هرمز باشد.

ایران و عمان در قانون کنفرانس دریاها، بر بندهای مربوط به متن مذاکرات غیررسمی که آزادی کشتیرانی و پرواز از طریق یا برفراز تنگه های بین المللی را تدارک می بینند، صحه نگذاشته اند. دو کشور مخالفت خود را بارها اعلام کرده اند و در مواجهه با حمایت جهانی از این بندها، تمایل خود را بر حداقل اعمال کنترل بر تنگه اعلام کرده اند.

نتیجه

بر اساس شواهد قابل دسترس، به نظر می رسد که حق عبور از تنگه هرمز هرگز برای نفتکش ها نفی نشده است. در عین حال شواهدی وجود دارد که ممکن است در آینده از سوی ایران و احتمالاً عمان محدودیت های مشخصی برای عبور نفت کشها در پیش گرفته شود. به نظر می رسد چنانچه این قبیل محدودیت ها رخ دهد به صورت اقدامات کنترل آلودگی از ناحیه ایران و با توافق و کمک عمان، اعمال خواهد شد.

اگرچه ممکن است این دو کشور حاشیه تنگه از کنترل آلودگی نفع ببرند، [اما] دیگر کشورها شامل ایالات متحده نگران اقدامات کنترل گسترده و اثرات آن بر کشتیرانی از طریق تنگه حیاتی هرمز هستند. کشورهای جهان وارد کننده نفت به علت وابستگی شان به نفت که به وسیله نفت کش ها از طریق تنگه هرمز عبور می کند، سیاست های مربوط به کشتیرانی از سوی ایران و عمان را با دقت زیرنظر خواهند داشت.

برنامه اضطراری امنیت تنگه هرمز

سند شماره ۹۶

سری۵ می ۱۹۷۹ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، ابوظبی ۱۱۹۶به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی با اولویت

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در بن، دوحه، کویت، لندن، منامه، مسکو، پاریس، تهران، توکیو.

مرجع: به مسقط ۷۳۱ مراجعه شود

[موضوع]: برنامه اضطراری امنیت تنگه هرمز

۱- سری — تمام متن

۲- خلاصه: ما نیز موافقیم که باید درباره برنامه اضطراری امنیت تنگه هرمز بیشتر پیش بینی شود. امارات متحده عربی نیز

درباره این مسئله فکر کرده است و به خصوص به امنیت تأسیسات نفتی خارج از خشکی که ممکن است بیش از تنگه مورد تهدید و خطر واقع شود اندیشیده است. ولی در رابطه با اقدامات امنیتی پیشنهادی یک مسئله فراموش شده است؛ و آن نیز تشویق دولت عمان به همکاری با امارات متحده عربی است. تلاش بسیار باید مبذول گردد تا عمان و امارات متحده عربی دریابند که پس از رفتن شاه آنها خودشان باید اقداماتی برای

برقراری امنیت خلیج [فارس] انجام دهند. اگر آنها موفق به برقراری آن نشوند، دیگران این کار را برای آنها انجام خواهند داد که در نتیجه با منافع آنها مغایرت خواهد داشت. پایان خلاصه.

۳- ما از پیشنهاد سفیر وایلی درباره اینکه باید در مورد نقشه اضطراری امنیت تنگه هرمز بیشتر فکر کنیم خوشحال هستیم. ما نیز می دانیم که هواپیماهای کوچک به آسانی و با استفاده از جزایر و مناطق بخش مسندم خواهند توانست حملاتی انجام دهند، لیکن اقدامات آنها چندان مؤثر نخواهد بود مگر اینکه از جای دیگر از نظر لجستیکی حمایت شوند که ممکن است به طور مثال ایران باشد. این بدین معنی است که آنها باید زمانی از تنگه عبور کنند که هلیکوپترها بتوانند آنها را یافته و با آنها به نبرد بپردازند.

۴- عمانیها نسبت به شیخ «صغر» از رأس الخیمه بسیار مظنون هستند. ولی ما نمی دانیم که منظور عمانیها از عناصر ناجور رأس الخیمه چیست. البته ما نیز می دانیم که «صغر» از اهداف خود در منطقه مسندم پیروی می کند و تا حدی نیز موجبات شرمساری دولت مرکزی یا فدرال امارات متحده عربی را فراهم آورده است، لیکن فکر نمی کنیم که این اقدامات ناچیز ارضی بتواند به عنوان خطری علیه امنیت تنگه هرمز و یا حاکمیت سلطان در منطقه مسندم به شمار آید. مهم ترین خطری که حاکمیت سلطان را در مسندم تهدید می کند کامیابی اقتصادی قابل مقایسه (اگر به طور نسبی صحبت کنیم) رأس الخیمه و فجیره است که نزدیک ترین همسایگان امارات متحده عربی هستند و سبب شده است که قبایل شیعی در امارات متحده عربی و به خصوص در منطقه رأس الخیمه سکنی گزینند. صغر نیز سعی کرده است جمعیت و نیروی انسانی خود را در آنجا افزایش دهد و به آنها مسکن، کار و دیگر انگیزه ها را داده است. ولی ما فکر نمی کنیم که صغر نگرش سیاسی کافی نداشته باشد و یا تحت تأثیر مشاجرات خود با عمان، از ماجراهایی حمایت کند که با کشتیرانی در تنگه هرمز پیوند دارد و موجب وقفه در توانایی ابوظبی در صدور نفت شود که موفقیت کامل امارات متحده به آن بستگی دارد.

۵- تنگه هرمز نه تنها برای آمریکا و جهان غرب بلکه برای امارات متحده عربی و دیگر کشورهای ساحلی خلیج فارس نیز حائز اهمیت است. هرگونه مداخله در تنگه هرمز بر اقتصاد آنها نیز تأثیر خواهد بخشید. امارات متحده عربی نیز درباره امنیت تنگه هرمز و بسیاری از تأسیسات نفتی خارج از خشکی (که بیش از تنگه هرمز می توانند هدف خرابکاری و حملات ناگهانی واقع شوند) اندیشیده است. امارات متحده سفارش ساخت سه ناو گشتی به آلمان غربی داده است که به موشک های اگزوست مجهز شوند. این کشور همچنین در حال خرید ناوهای گشتی ساحلی ساخت آمریکاست تا بتواند امنیت ساحلی را نیز بیشتر برقرار سازد.

۶- ما نیز معتقدیم که اقدامات پیشنهادی بند ۱۳ تلگرام مرجع باید مورد ملاحظه و تعمق قرار گیرد. به نظر ما با کمک به امارات متحده عربی در جهت بهبود وضعیت نیروی دریایی و بالا- بردن کیفیت نیروهای خود، چه به طور رسمی و چه به صورت آموزش در محل، ما نیز می توانیم به این کشور یاری دهیم، به خصوص اگر وقایع داخلی سیاسی اخیر به اتحاد نظامی

بیشتر در این منطقه منجر شده باشد.

۷- لیکن در مورد برقراری امنیت تنگه هرمز اقدام دیگری نیز می توان انجام داد که در پیام سفیر وایلی در نظر گرفته نشده و به نظر ما از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این اقدام همانا متقاعد ساختن دولت عمان به همکاری با همسایه خود، امارات متحده عربی تا زمانی که «حسین آل رحمه» نماینده دولت عمان در امارات متحده بماند که حتی «اختیارات سلطنت عمان را در دوبی» نداشته و حتی نمی تواند ویزا صادر نماید، ما از وضع خوبی برخوردار نخواهیم بود. در حالیکه تلاش بر آن است تا کشورهای خلیج [فارس] با همکاری نیروی خاورمیانه و نیروی دریایی فرانسه به نظارت بر تنگه بپردازند، ولی باید اعتراف کرد که آمریکا، انگلیس و دیگران باید اقدامات بیشتری انجام دهند تا بتوانند عمانیها و امارات متحده عربی را در زمینه امور امنیتی مورد علاقه دو طرف، به همکاری وادار سازند. قبل از هر کار، عمانیها باید به برقراری روابط دیپلماتیک با امارات متحده عربی و انتصاب سفیر در آنجا بپردازند. گام بعدی این است که سران نظامی دو کشور اجلاسهایی تشکیل داده و درباره امنیت تنگه هرمز و اقدامات احتمالی دیگر (به طور مثال، گشتی دریایی مشترک، مانورهای دریایی مشترک، بهره برداری از بندر یا فرودگاه رأس الخیمه توسط هواپیماهای گشتی عمان) بحث و تبادل نظر نموده و نتایج را به رهبران سیاسی مربوطه ارجاع نمایند. البته می دانیم که تعدادی موانع عملی و سیاسی در دو طرف وجود دارد که پیشنهاد این سناریو را از اجرای آن آسانتر می نماید. با این وجود باید تلاش کنیم که عمانی ها و امارات متحده بفهمند که پس از رفتن شاه آنها خودشان باید برای برقراری امنیت خلیج [فارس] اقداماتی انجام دهند. اگر آنها دست به اقدام نزنند دیگران اقدام خواهند کرد، که ممکن است بدون همکاری دوجانبه با منافع آنها مغایرت داشته باشد. دیکمن

امنیت در تنگه هرمز

سند شماره ۹۷

سری ۲۰ می ۱۹۷۹ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط ۰۸۷۵به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، بغداد، بن، جده، کویت، لندن، منامه، مسکو، پاریس، تهران، توکیو.

مرجع: الف) ابوظبی ۱۱۹۶، ب) مسقط ۷۳۱

موضوع: امنیت در تنگه هرمز

۱- (سری - تمام متن)

۲- سفارت از همیاریهای آگاهانه سفیر دیکمن نسبت به پیشنهاد ما در رابطه با بهبود امنیت تنگه هرمز استقبال کرده و با

بسیاری از نکات طرح شده توسط سفیر موافق است.

۳- لیکن با این نظر که باید در پیگیری اهداف امنیتی بر همکاری منطقه ای تأکید داشته

باشیم موافق نیستیم. درست است که همکاری بیشتر منطقه ای ما را در بهبود وضع امنیتی تنگه هرمز یاری خواهد داد، ولی به نظر من تحقق این همکاری تا حدود زیادی غیرممکن است. البته تمام اقدامات ممکن را باید برای فراهم آوردن زمینه مساعد انجام دهیم، اما منافع ما در این منطقه آن قدر عمیق است که نمی توانیم بر همکاری منطقه ای به عنوان ستون اصلی سیاست امنیتی خود تکیه کنیم. تاریخ، فرهنگ و سازمان قبیله ای مردم منطقه، به سهولت افزایش همکاری منطقه ای را پدید نمی آورد، و ما از اهرمی آنچنان مؤثر برخوردار نیستیم که با وجود عدم تمایل طرفین مربوطه، بتوانیم آنان را وادار به همکاری بیشتر بنماییم.

۴- نمی دانم چرا عمان در بازگشایی سفارت خود در امارات متحده عربی تأمل و تأخیر روا داشته است، و تنها بی توجهی و دیوانگی سلطان می تواند توجیه گر این موضوع باشد. ولی این شرایط تصویرکننده مشکلاتی است که با آنها روبه رو خواهیم شد، آن هم در صورتی که طبق پیشنهاد سفیر دیکمن بر همکاری منطقه ای تأکید نماییم. به نظر من معقول تر این است که برنامه هایمان را طوری طرح ریزی نماییم که گویا همکاری مؤثر منطقه ای بروز نخواهد کرد. اگر هم این همکاری پیش آید، از آن به گرمی استقبال خواهیم کرد.

وایلی

ابتکار دیپلماتیک احتمالی عمان در رابطه با امنیت تنگه هرمز

سند شماره ۹۸

محرمانه۲۱ ژوئیه ۱۹۷۹ ۳۰ تیر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط ۱۲۵۷به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در بغداد، ابوظبی، قاهره، جده، کویت، لندن، منامه، تهران، توکیو

موضوع: ابتکار دیپلماتیک احتمالی عمان در رابطه با امنیت تنگه هرمز

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- طی ملاقات مورخ ۱۷ ژوئیه توسط کاردار و دریاسالار چونینگ، فرمانده جدید نیروهای آمریکایی در خاورمیانه، با سرهنگ «سالم الغزالی» و سرگرد «پیتر تویتس» رئیس ستاد مشترک، غزالی و تویتس فاش ساختند که دولت عمان مشغول بررسی خطرات تروریستی در تنگه هرمز است. وزارت دفاع قریباً این گزارش را به وزارت امور خارجه تسلیم خواهد کرد. با در نظر گرفتن اقدام وزارت امور خارجه، دولت عمان بین کشورهای خلیج [فارس]، کشورهای اروپایی، آمریکا و ژاپن دست به اقدامات دیپلماتیک خواهد زد تا اقدامات مشترکی در همین رابطه پدید آید. این ابتکار ممکن است موجب پیدایش یک

اجلاس چند جانبه گردد، ولی طبق گفته غزالی احتمالاً دولت عمان فرستادگان ویژه خود را به پایتخت های مورد نظر جهت مشورت گسیل خواهد داشت.

۳- سپس غزالی بخشی از گزارش وزارت دفاع خطاب به وزارت امور خارجه را به

فرمانـده نیروهای آمریکایی در خاورمیانه نشان داد. مهم ترین نتیجه گیریهای این بخش عبارتنـد از: الف) اقدامات شـناسایی و اطلاعاتی عمان می توانـد مانع از انجام حملاتی به نفتکش هایی که از تنگه عبور می کننـد بشود، ولی رادارهای بیشتری مورد نیاز است. ب) امکان ربوده شـدن نفتکش نیز وجود دارد، ولی جهان آن را رویدادی محدود به حساب خواهد آورد و این امر تـأثیر چنـدانی بر حرکت کلی تانکرهای حامل نفت نخواهـد داشت. پ) مهم ترین خطر عبارت است از مین گـذاری در مسـیر تانکرها، چون این کار مانع از حرکت آنها از طریق تنگه هرمز خواهـد شـد تا اینکه در مورد فقـدان مین در مسـیر خود مطمئن شونـد. بـدین ترتیب حمل و نقل نفت احتمالاً دو سه ماه متوقف خواهـد گردیـد و نتایـج اسـفباری برای جهان به همراه خواهد آورد. ت) عمـان فاقـد تسلیحات یـا اقـدامات ضـدّ مین در نیروی خود است. ث) هزینه خریـد ناوهای مین جمع کن نیز بسـیار سنگین است.

۴- در تشـریح ابتکـار دولت عمـان، غزالی گفت که [تنهـا] نفت تولیـدی توسـط عمان از طریق تنگه هرمز به نقاط دیگر جهان ارسال نمی گردد. منظور وی این است که دیگر کشورهای خلیج [فارس] منافع بسـیاری دارند که در گرو این همکاری امنیتی است و ضـرری متوجه عمان نخواهـد شد. علاوه بر این، وی گفت کشورهای مهم مصـرف کننده نفت نیز منافعی دارند که در گرو این اقدام مشترک است.

به عبـارت دیگر، طبق گفته غزالی، عمـان این ابتکار را در پیش گرفته است چون می دانـد که در حراست از این تنگه مهم که در مجاورت کشورش قرار دارد «مسئولیت» خطیری دارد.

۵- نظریه: گذشـته از اسـتدلالهای طرح شـده توسط غزالی، بایـد گفت که عمان نیز در این ابتکار منافعی دارد. فرض کنیم که وزارت امور خارجه در مورد گزارش وزارت دفاع اقـداماتی صورت دهد، به این ترتیب ابتکار مزبور به دیگر کشورهای عرب خلیـج [فـارس] یـادآوری می کنـد که آنها نبایـد تنها به خاطر کمپ دیویـد، عمان را منزوی نماینـد. علاوه بر این دولت عمان خواهد توانست نشان دهد که حراست از این تنگه از نظر اقتصادی برای دیگر کشورها بیش از عمان منفعت دارد. سیزر

ملاقاتساندرز، معاون وزیر، در تاریخ ۲۵ ژوئن با سفیر جدید عمان

سند شماره ۹۹

محرمانه۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹ ۶ مرداد ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی ۶۳۶۱به: سفارت آمریکا، مسقط

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، بغداد، قاهره، دوحه، جده، کویت، لندن، منامه، تهران، توکیو

مرجع: مسقط ۱۲۵۷

موضوع: ملاقاتساندرز، معاون وزیر، در تاریخ ۲۵ ژوئن با سفیر جدید عمان

۱- (محرمانه – تمام متن)

۲- سفیر جدید عمان بنام سلیمان در تاریخ ۲۵ ژوئیه با ساندرز معاون وزیر ملاقات کرد. پس از احوال پرسی های معمول، سلیمان در مورد وضع مذاکرات صلح، به خصوص نقش رو به رشد فلسطینی ها در مذاکرات سؤال کرد. وی خاطرنشان ساخت که آرمان فلسطینی موضوع اصلی وحدت کشورهای عربی است. بنابراین از نظر دولت عمان ایجاد پیشرفت بیشتر در این جهت بسیار حائز اهمیت است.

۳- ساندرز پس از اشاره به قدردانی دولت آمریکا در رابطه با موضع مفید عمان در قبال قراردادهای کمپ دیوید و حمایت آن کشور از سادات، گفت دولت آمریکا امیدوار است پیشرفت مهمی در زمینه ایجاد خودمختاری در ساحل غربی نوار غزه صورت پذیرد. وی گفت دولت آمریکا امیدوار است این پیشرفت قبل از پایان سال آینده صورت پذیرد. ساندرز اظهار داشت که این پیشرفت ضمن اهمیت، منافع خاصی برای دولت عمان دربر دارد و می تواند اعراب میانه رو را متقاعد سازد که قرارداد کمپ دیوید می تواند پیشرفتهای مهمی سبب شده و فشار وارده بر عمان از طرف بلوك عرب را تخفیف بخشد. ساندرز همچنین یادآور شد که گذشته از مذاکرات جاری بین مصر و اسرائیل در مورد ساحل غربی نوار غزه، در مورد قطعنامه ای مبتنی بر حقوق فلسطینی ها در شورای امنیت سازمان ملل طی هفته های آتی گفتگوهایی صورت خواهد گرفت.

۴- سلیمان خاطرنشان ساخت که منافع عمان در مسئله فلسطین تنها جنبه انتزاعی ندارد، بلکه به طرز قریبی با نگرانیهای امنیتی دولت عمان نیز ارتباط دارد. در همین رابطه وی به هشدار دریایی اعلام شده از طرف دولت آمریکا درباره احتمال بروز فعالیت های تروریستی در تنگه اشاره کرد.

وی گفت دولت متبوعش در نظر دارد فعالانه به تأسیس یک «نیروی ویژه» بپردازد که بتواند با اعمالی از قبیل مین گذاری و یا حمله از طریق قایق های کوچك مبارزه نماید.

توینام اظهار داشت که در گفتگوی اخیر خود با فرمانده نیروهای آمریکا در خاورمیانه اطلاع یافته است که نیروی دریایی دولت عمان در هنگام اجرای عملیات گشتی در جزایر تنگه، ضمن «تمرینات جنگی» با نیروهای آمریکا در خاورمیانه، وضع خود را بسیار بهبود بخشیده است.

سلیمان یادآور شد که طرز تفکر دولت عمان در رابطه با تنگه هرمز هنوز در مراحل اولیه است ولی امیدوار است آمریکا نیز درباره مذاکرات مربوطه تفاهم نشان دهد.

ساندرز و توینام گفتند که ما امیدواریم دولت های منطقه بتوانند با همکاری یکدیگر با اینگونه مخاطرات مقابله نمایند و دولت آمریکا نیز قطعاً آماده است تا به روش های مفید نسبت به این مسئله پاسخ دهد.

ونس

گزارش گشتی سامپسون آمریکا در تنگه هرمز

سند شماره ۱۰۰

سری۶ اوت ۱۹۷۹ ۱۵ مرداد ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، منامه ۱۶۰۷به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، دوحه، جده، کویت، مسقط، تهران.

موضوع: گزارش گشتی سامپسون آمریکا در تنگه هرمز

۱- (سری – تمام متن)

۲- ناخدای ناو جنگی سامپسون آمریکایی که نابود کننده سلاحهای هدایت شونده است در تاریخ ۴ اوت درباره مأموریت خود در تنگه هرمز که اخیراً پایان یافته است با سفیر گفتگو نمود. در پاسخ به اطلاعات رسیده درباره اقدامات جبهه آزادیبخش خلق فلسطین علیه تانکرهای نفتی که از تنگه هرمز می گذرند، ناو سامپسون آمریکایی در یک عملیات شبانه روزی شش روزه ۲۵ عملیات گشت زنی در سرتاسر تنگه انجام داد. هیچ حرکت یا رویداد مشکوکی مشاهده نشد.

۳- در هنگام روز یکی از دو قایق گشتی عمان از یک بندر نامعلوم در شبه جزیره مسندم برای شرکت در عملیات گشت زنی سر می رسید. ارتباط رادیویی و همکاری بین سامپسون و آن قایق گشتی عالی بود. قایق گشتی عمان لنج هایی را که از تنگه عبور می کردند متوقف می کرد و به بررسی اوراق، مسافرین و محموله آنها می پرداخت. سامپسون سعی در توقف و یا ایجاد ارتباط با لنج هایی که تعدادشان زیاد بود و در طول و عرض تنگه از طرف ایران و به سوی این کشور در رفت و آمد بودند ننمود. سامپسون روز بعد به نیروی دریایی عمان گزارش داد که در هنگام شب نیز این لنج ها رفت و آمد می کنند ولی آنها گفتند که در این باره کاری نمی توانند انجام دهند.

۴- نتیجه گیریهایی که ناخدا در رابطه با این عملیات کرده بود عبارتند از: الف) دولت عمان قادر نیست رفت و آمد و فعالیت شبانه لنج ها را کنترل نماید، ب) امکان دارد گروه کوچکی از تروریستها با استفاده از یک یا دو لنج مزبور در طول شب به یک تانکر نزدیک شوند و یا در طول شب کار خود را در تنگه انجام دهند، و پ) در طول شب این لنج ها به آسانی خواهند توانست مین ها را در تنگه کار بگذارند. تعداد کمی از این مین ها خواهد توانست رفت و آمد تانکرها را حداقل به مدت دو هفته به تعویق بیاندازد چون آمریکا و نیروهای دریایی خلیج [فارس] وسایل جمع آوری مین را در این منطقه ندارند.

۵- ناخدا گفت که شرایط کار در تنگه هرمز در طول فصل تابستان بسیار کمرشکن است. میانگین درجه حرارت دریا ۹۸ درجه فارنهایت بود و می بایست آب دریا را قبلاً با وسایل مکانیکی و برای استفاده در خنک کردن موتورها سرد نمود. این امر سبب می شود تأثیر دستگاههای خنک کننده هوا نیز در شرایط کاری در درجه حرارت ۸۵ ۸۰ مثبت نباشد.

طوفانهای شن نیز قدرت دید را از بین می برد. گاهی یک کشتی نمی توانست کشتی دیگری

را که در فاصله چهار هزار پایی در حرکت بود ببیند. از طرف دیگر، در روزهای روشن و آرام، یکباره شش کشتی در حال رفت و آمد از تنگه مشاهده می گردید.

۶- نظریه: آنچه در بالا گفته شد نشانگر پیچیدگی هایی است که در عملیات گشت زنی تنگه هرمز وجود دارد. پلترو

آسیب پذیری های تنگه هرمز

سند شماره ۱۰۱

سری۲۹ اوت ۱۹۷۹ ۷ شهریور ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی ۱/۲۲۶۸۷۴·به: سفارت آمریکا، ابوظبی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در اسلام آباد، جده، کویت، لندن، منامه، مسقط، دهلی نو، صنعا، تهران

موضوع: آسیب پذیری های تنگه هرمز

ممکن است فلسطینی های تندرو بخواهند در تنگه هرمز به یک کشتی حمله کنند؛ با اینکه می دانند قادر به غرق ساختن آن و یا بستن تنگه هرمز نیستند. این حرکت به طور حیرت انگیزی توانایی فلسطینی ها را در حمله ور شدن به منافع آمریکا و اروپا نشان خواهد داد. البته غرق کردن یک کشتی سبب بسته شدن آبراهی، که حدود یک سوم نفت مورد نیاز روزانه جهان از طریق آن عبور می کند، نمی شود.

با این وصف، نفس این کار سبب ایجاد تشنج گردیده، احتمالاً بی ثبات شدن دلار را در بازار پول بین المللی به همراه خواهد آورد و قیمت نفت در بازار سیاه را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

تنگه هرمز

مهم ترین کانال کشتیرانی که از طریق هرمز می گذرد کوتاه ترین راه در اطراف شبه جزیره مسندم و یا عمان به شمال می رود که ۳۰ تا ۳۵ کیلومتر طول و ۸ تا ۱۳ کیلومتر عرض دارد. معبر ورودی و معبر خروجی تنگه شامل یک منطقه ممنوعه به عرض ۲ کیلومتر است. عمق کانال نیز بین ۷۵ تا ۲۰۰ متر تغییر می کند.

معبر خروجی کانال آن قدر عمیق است که حتی اگر دو نفتکش عظیم الجثه نیز در آن غرق شوند باز هم مانعی برای کشتیرانی به وجود نخواهد آورد.

صادرات نفت خام

محموله ۲۰ ۱۸ میلیون بشـکه در روز کشورهای تولید کننده نفت منطقه چون عربسـتان سـعودی، ایران، عراق، کویت، امارات متحـده عربی، قطر و بحریـن، حـدود ۵۰ درصـد واردات نفت خـام و محصولاـت پالاـیش یـافته جهان را تشـکیل می دهـد. به استثنای مقدار نفتی که از

طریق خط لوله صادر می شود، کل صادرات نفتی این کشورها از طریق تنگه هرمز می گذرد (بدون طبقه بندی).

سه خط لوله منطقه که دارای ظرفیت روزانه ۵/۲ میلیون بشکه هستند از طریق دریای مدیترانه نفت صادر می کنند و در صورت بسته شدن تنگه هرمز بخشی از خسارات وارده را می توان از طریق افزایش صادرات از این دریا جبران کرد.

خط لوله نفتی عراق ترکیه با حداکثر ظرفیت خود، ۶۰۰۰۰۰ بشکه در روز مشغول به کار است؛ و دو خط لوله دیگر، خط لوله عراق سوریه و خط لوله «تپ» سعودی روزانه در مجموع ۲۵۰۰۰۰ بشکه نفت را حمل می کنند. خط لوله چهارمی که حوزه های نفتی عربستان سعودی را به دریای سرخ مرتبط می سازد تا اوایل سالهای ۱۹۸۰ به پایان نخواهد رسید. راه خروج و یا راه کشتیرانی جایگزین دیگری در آینده نزدیک برای ادامه صدور نفت منطقه وجود ندارد. (بدون طبقه بندی)

آسیب پذیری

واردات نفتی آمریکا از طریق منطقه خلیج فارس معادل یک سوم کل واردات نفتی آمریکا و حدود یک ششم مصرف کل آمریکا را شامل می گردد. از طریق خلیج فارس حدود سه چهارم نیازهای نفتی ژاپن تأمین می گردد؛ و اروپای غربی نیز حدود ۶۰ درصد نیاز نفتی خود را از این طریق به دست می آورد. (بدون طبقه بندی)

گرچه عبور نفت منطقه مهم ترین مسئله مورد نگرانی صحنه بین المللی است، لیکن میزان واردات مصرفی و کالاهای صنعتی کشورهای خلیج [فارس] از غرب نیز با ایجاد وقفه در کشتیرانی در این تنگه آسیب خواهد دید.

بخش اعظم مواد خام و تجهیزات ساختمانی و بخش اعظم مواد غذایی ملتهای خلیج [فارس] از خارج وارد می گردد. کشورهای خلیج [فارس] در سال ۱۹۷۷ معادل ۴۵ میلیارد دلار کالا وارد کردند و حدود ۸۰ درصد این واردات به وسیله اروپای غربی، ژاپن و آمریکا تأمین می گردد. (بدون طبقه بندی).

چون در خشکی برای حمل و نقل این میزان واردات، سیستم معتبر و قابل اعتمادی وجود ندارد، واردات از طریق تنگه هرمز انجام می شود. حمل و نقل واردات از خشکی باید از طریق ترکیه یا شوروی یا سوریه انجام شود که خود این کشورها مهم ترین تولید کنندگان و عرضه کنندگان کالاهای صنعتی و یا مواد غذایی به خلیج [فارس] به شمار نمی روند. علاوه بر این، این کشورها با کشورهای حوزه خلیج [فارس] نیز از نظر سیاسی در تضاد بوده اند. عربستان سعودی که به دریای سرخ دسترسی دارد تنها کشوری است که میزان وابستگی آن به تنگه هرمز بسیار کم است. (بدون طبقه بندی).

ونس

امنیت تنگه هرمز

سند شماره ۱۰۲

سری۳۱ اوت ۱۹۷۹ ۹ شهریور ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی ۲۳۵۰به: سفارت آمریکا، ابوظبی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوحه، جده، کویت، اسلام آباد، لندن، دهلی نو، منامه، مسقط، صنعا، تهران

موضوع: امنیت تنگه هرمز

۱- (سری – تمام متن)

۲- دو پیام که به ارزیابی مسئله امنیت تنگه هرمز می پردازد برای همه نمایندگی های ذیربط ارسال می گردد. پیام نخست که به وسیله فرمانده نیروهای خاورمیانه تهیه شده و به ارزیابی آسیب پذیری تنگه هرمز پرداخته و پیام دیگر که به وسیله جامعه اطلاعاتی تهیه شده و به ارزیابی همان مسئله پرداخته، مکمل یکدیگر هستند و بایستی بتواند ارزیابی دولت آمریکا را در قبال این مسئله که در هفته های اخیر توجه بسیاری به خود جلب کرده در اختیار شما قرار دهد.

۳- مخاطبین باید توجه داشته باشند که در بند اول پیام جامعه اطلاعاتی در مورد مسئله تأثیر غرق شدن یک تانکر نفتی صحبت شده است: این کار تنگه را مسدود نخواهد کرد. ولی تأثیر روانی بسیار خواهد داشت.

البته تأثیرهای اقتصادی نیز به همراه خواهد داشت چون سبب بالا رفتن تعرفه ها خواهد گردید که آن هم به نوبه خود موجب افزایش قیمت نفت خواهد شد. (هنوز چیزی نگذشته است که کویت نسبت به تعرفه کشتیرانی در خلیج [فارس] اعتراض کرده و از پرداخت آن امتناع ورزیده است.)

۴- با اشاره به بند ۲۲ (پ) پیام فرماندهی نیروهای خاورمیانه که آغاز آن اینگونه است: «به محض اینکه یک کشتی غرق شود رفت و آمد به مدت دو ماه امکان پذیر نخواهد بود...،» ما متوجه شدیم که برآورد جامعه اطلاعاتی این است که با در نظر گرفتن تواناییهای منطقه، دو هفته طول می کشد تا عملیات مین یابی کانال آغاز و پایان یابد (عربستان سعودی در حال حاضر مین روب در اختیار دارد، ایران پنج مین روب دارد لیکن با وضع کنونی اقدامات ایران خالی از اشکال نخواهد بود، عراق نیز پنج مین روب دارد ولی دو روز طول می کشد تا بتواند کشتی های خود را وارد تنگه نماید. ولی مین گذاری کانال به وسیله تروریستها کاری بسیار دشوار خواهد بود.

ما دریافته ایم که مین های زمینی در آنجا تأثیری نخواهد داشت چون عمق آب بیش از ۲۰۰ متر است. اگر تروریستها بخواهند از مین های شناور استفاده کنند متوجه می شوند که مین ها در عرض چند روز با جریان آب از تنگه خارج خواهند شد.

ونس

تحقیق عمان در مورد امنیت تنگه هرمز

سند شماره ۱۰۳

سری۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹ ۴ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط ۱۷۳۲به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در بن، دوحه، کویت، لندن، منامه، پاریس، رم، تهران، توکیو.

مرجع: الف) مسقط ۱۴۵۰، ب) وزارت امور خارجه ۲۳۰۲۳۵، پ) وزارت امور خارجه ۲۲۶۸۷۴

موضوع: تحقیق عمان در مورد امنیت تنگه هرمز

۱- (سری - تمام متن)

۲- یوسف العلوی معاون وزیر خارجه عمان در ملاقات خود با سفیر و معاون نمایندگی در ۱۸ سپتامبر یک نسخه از گزارش تحقیقی عمان در مورد امنیت تنگه هرمز را به ایشان داد. بنا به این گزارش ربوده شدن یکی از تانکرها در تنگه سبب می شود که تروریستها یک وسیله تبلیغاتی به دست آورند، لیکن مین گذاری مهم ترین خطری است که آمد و شد تانکرها را در تنگه تهدید می کند. حتی اگر مین و یا مین های کار گذارده شده در تنگه خسارتی به بار نیاورند و فقط یکی از آنها مشاهده شود، باعث می شود رفت و آمد تانکرها در تنگه متوقف شود و حدود ۲۰ روز طول می کشد که عملیات مین جمع کنی به پایان برسد. طبق مطالعه عمانیها، بهترین راه حل این است که مقداری پول در اختیار عمان قرار داده شود تا بتواند مین یاب خریداری کرده و به گشت زنی در تنگه پرداخته و جلوی مین گذاریها را بگیرد. علوی مدعی است که یمن جنوبی می تواند مین های ساخت شوروی را از داخل لنج ها به آب پرتاب کند و چون جریان آب قادر نیست این مینها را از تنگه بیرون ببرد، رفته رفته در بستر دریا قرار می گیرند.

۳- سرمایه: طبق برآورد علوی، یک مین جمع کن و تجهیزات کمکی آن معادل ۴۰ میلیون ریال عمانی (که برابر با ۱۱۷ میلیون دلار است) خرج برمی دارد. سرپرست امور سیاسی وزارت امور خارجه «ملالاـه حبیب» (که اخیراً به سمت سفیر در ایران انتخاب شده است) برای ارائه پیشنهاد عمان به بغداد و تهران رفته است تا تقاضای این کشور را برای دریافت کمک نیز مطرح نماید. (برای اطلاعات بیشتر درباره عکس العمل منفی عراق به تلگرام مرجع سپتامبر مراجعه کنید). عمان از طرف عراق و ایران انتظار کمک ندارد ولی خواسته است قبل از اتفاق هر رخدادی آنها را مطلع کرده باشد تا بعدها نگویند که آنها از ماجرا خبر نداشته اند.

۴- عمان درباره عملیات مین جمع کنی خود از شش کشور اصلی مصرف کننده نفت یعنی انگلیس، فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا، ژاپن و آمریکا درخواست کمک کرده است. علوی یک نسخه از این پیشنهاد را به ما داد که سفیر گفت آن را به واشنگتن خواهد فرستاد و از دولت آمریکا خواهد خواست تا نظریات خود را در مورد امکان ارائه کمک به آنها بدهد.

۵- در محموله پستی بعدی یک نسخه از گزارش و یادداشت دیپلماتیک عمان که حاوی تقاضای کمک عمان است به واشنگتن برای امور خاور نزدیک فرستاده خواهد شد. البته یک نسخه از این مطلب را در اختیار گروه تحقیق نظامی نیز قرار می دهیم.

۶- نظریه: بررسی عمانیها که به سفارت داده شده قدری تصنعی بود و فاقد تحلیل های فنی و حرفه ای مربوط به امور کشتیرانی در خلیج [فارس] است. گرچه راه جدیدی که عمانیها در حال ایجاد آن هستند برای مین گذاری مناسب است ولی طریق موجود برای این کار اصلاً مناسب نیست. اگر خطری مشاهده شود، کشتیرانی را به آسانی می توان به وضعیت کنونی باز گرداند.

از طرف دیگر، گویا عمانیها خطرات دیگر را سرسری گرفته اند. خصوصاً اینکه عمانیها در این بررسی (و مطالعه ای که به وسیله جامعه اطلاعاتی آمریکا تهیه شده) گویا متوجه نشده اند که امکان دارد تروریستها با استفاده از قایق های کوچک بخواهند سکان کشتی های نفت کش را از کار بیندازند. چون اگر سکان هدایتی این نفت کش ها از کار بیفتد تانکرها به سرعت در آب فرورفته و در اثر برخورد با امواج و صخره ها در هم می شکنند. به نظر ما سکان هدایتی آنها می تواند هدف خوبی برای قایق ها و یا لنج های سریع حامل موشک های هدایت شونده باشد. این مطالعه همچنین راجع به تحویل چهار مین جمع کن به عربستان سعودی که دو فروند آنها قرار است به عملیات جمع آوری مین در بندر جبیل خلیج فارس مشغول باشند نیز چیزی نگفته است.

۷- من توصیه می کنم قبل از پاسخ به عمانیها ابتدا مطالعه ای کامل در مورد جنبه های فنی امنیتی تنگه و با استفاده از تخصص خودمان در مورد مین های دریایی، عملیات خنثی سازی مین و عملیات پلیس ساحلی در زمینه کانالهای کشتیرانی دور از خشکی بنماییم. به نظر من تحقیقاتی که تاکنون ارائه و تهیه شده به طور عمقی با این مسائل برخورد نکرده است. می توانیم پس از آگاهی از جنبه های فنی مسئله به عمانیها نشان بدهیم که چگونه باید همکاری کشورهای ذینفع را در برقراری امنیت تنگه جلب نمایند.

۸- پیشنهادات: سفارت توصیه می کند بخش امور خاور نزدیک گروهی را تشکیل دهد که به مطالعه جنبه های فنی امنیت تنگه بپردازند، البته قبل از ارائه پاسخ به عمانیها. در این مطالعه و تحقیق باید درباره مشکلات مین گذاری، عملیات ضد مین گذاری، آسیب پذیری تانکرها در برابر قایق های کوچک، و راههای گشتی و شناسایی، با استفاده از تخصص موجود در وزارت دفاع، گارد ساحلی، سازمان سیا و جاهای دیگر در دولت آمریکا بررسی نماییم. پس از آنکه این تحقیق پایان یافت، آن را به همراه پیشنهاد درباره اقدامات بعدی، به سفارت در مسقط ارسال نمایید تا ما هم آن را به عمانی ها بدهیم و روش تماس گرفتن با کسانی را که مایلند در هزینه این عملیات مشارکت نمایند، به آنها نشان بدهیم.

وایلی

عصبانیت بحرین در قبال ابتکار عمان در مورد تنگه هرمز

ص: ۲۴۹

سند شماره ۱۰۴

محرمانه۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹ ۴ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، منامه ۱۹۳۹به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، بغداد، بن، قاهره، دوحه، کویت، لندن، مسقط، پاریس، رم، صنعا، تهران.

موضوع: عصبانیت بحرین در قبال ابتکار عمان در مورد تنگه هرمز

۱- (محرمانه — تمام متن)

۲- وزیر خارجه بحرین شیخ محمدبن مبارک آل خلیفه در گفتگوی ۲۵ سپتامبر خود با سفیر از ابتکار عمان جهت تأمین کمک مالی از ملتهای خلیج [فارس] و مصرف کنندگان مهم نفتی جهت گسترش توانایی جمع آوری مین های تنگه هرمز شدیداً انتقاد کرد. وی گفت مهم ترین خطاهای حیاتی موجود در پیشنهاد عمان، عبارتند از عدم موقعیت دولت عمان در مشورت با دولت های دوست خود در منطقه و عدم درک آن از این مسئله که یک پروژه امنیتی مشترک با مداخله آمریکا در خلیج [فارس]، از سوی سایر کشورهای منطقه قابل قبول نیست.

۳- وزیر خارجه در ادامه گفت: «اصلاً گمان نمی رفت» که عمان فرستاده خود را قبل از اعزام به عربستان سعودی (و بحرین) به عراق بفرستد. طبق انتظار، زمانی که فرستاده عمانی یعنی یوسف العلوی به بحرین رسید، عراق ابتکار عمانی را یک پیمان بغداد جدید توصیف کرد و اعتبار آن را کلاً از بین برد. شیخ محمد گفت، ما می توانستیم به عمانیها بگوییم که برخورد یک جانبه عمان با عراق شکست خواهد خورد و علت آن نیز طرز برخورد عمان با معاهده مصر و اسرائیل است.

۴- وزیر خارجه ظاهراً در ادامه انتقادات خود علاوه بر عصبانیت از برقراری تماس عمانیها با عراق قبل از گفتگو با دولت های میانه رو از این ناراحت بود که درباره این پروژه قبل از گفتگو با برادران عرب خود با دولت آمریکا مذاکره کرده است. سفیر گفت درباره صحت این گفته تردید ندارد (تا آن موقع گزارش مسقط ۱۷۳۲ را دریافت نکرده بودیم) لیکن وزیر خارجه گفت که نسبت به صحت آن اطمینان کافی دارد. (اظهارنظر: بنا به عقیده وزیر خارجه، این موضوع نشان می دهد که عمانیها تا چه حد از طرز تفکر منطقه و روش مورد قبول آن دور افتاده اند. در مورد این مسئله، بحرینی ها انتظار داشته اند که مشورتهای درون عربی به خودی خود قبل از انتشار به «خارج» صورت پذیرد. همانطور که روزنامه «خلیج» در تاریخ ۲۰ سپتامبر متذکر شده وی گمان می کند که آمریکا، عمان را در صدر این پروژه قرار داده است. پایان اظهارنظر).

۵- در گفتگو پیرامون شایستگیهای پیشنهاد عمان، شیخ محمد گفت بد نبود عمان در تلاش به دست آوردن تجهیزات جمع آوری مین ۱۲۰ میلیون دلاری خود به کشورهای خلیج [فارس] روی می آورد. منافع مشترک حاصله به رسمیت شناخته شده است و این مقدار پول نیز در توان مالی این کشورها وجود دارد. ولی این مذاکرات می بایست تنها دربرگیرنده کشورهای

منطقه

بوده باشد و نه ملتهای مصرف کننده نفت. وی گفت پس از انجام این امور، عمان می توانست از هر کشور دیگر و یا حتی آمریکا تجهیزات مورد نیاز خود را خریداری کند. لیکن بنابر شواهد موجود هیچگونه تعهدی به فرستاده عمان داده نشده بود و وی نمی داند که این پروژه چگونه انجام خواهد شد.

۶- نظریه: احتمالاً ـ این روش دیگری است برای ابراز این موضوع که به نظر بحرین ابتکار عمان چه در فرض و چه در اجرا با موفقیت چندانی روبه رو نخواهد شد. لحن انتقادی وزیر خارجه خالی از احساس همدردی نیز نبود. امنیت تنگه از نیازهای بسیار ضروری به حساب می آید و طبیعی است که عمان به خاطر وضع جغرافیایی خود این وضع را در پیش بگیرد. لیکن عمان در تاکتیک های خود به خطا رفته است، که بنا به گفته وزیر خارجه، ناشی از عدم تجربه دیپلماتیک عمانیها و نیز ناشی از انزوای کنونی آنها نسبت به حساسیت های جاری عربی است. وزیر خارجه در مورد غیرقابل قبول بودن مشارکت آمریکا در این پروژه گفت دولت وی معتقد است که بین عدم پیشرفت «ناراحت کننده» مسئله فلسطینی ها در مذاکرات جاری و تمایل بحرین به همکاری با آمریکا در موضوعات دیگری از قبیل امنیت خلیج [فارس] ارتباطی وجود دارد. پلترو

پیشنهاد عمان درباره تنگه هرمز و احتمال برگزاری...

سند شماره ۱۰۵

محرمانه۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹ ۷ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط ۱۷۵۱به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در بغداد، امان، دوحه، جده، کویت، لندن، منامه، پاریس، رم، صنعا، تهران، توکیو.

مرجع: الف) مسقط ۱۷۳۲، ب) سرویس خبر پراکنی خارجی امان ز ۲۴۱۵۵۰ سپتامبر ۷۹، پ) سرویس خبر پراکنی خارجی امان ز ۲۳۱۰۳۰ سپتامبر ۷۹، ت) سرویس خبر پراکنی خارجی لندن ز۲۲۱۰۲۶ سپتامبر ۷۹، ث) بغداد ۱۹۹۵، و) مسقط ۱۶۸۰، ج) سرویس خبر پراکنی خارجی ز۲۵۱۲۳۱ سپتامبر ۷۹، چ) لندن ۱۸۹۶۱، ح) تهران ۱۰۴۳۹.

موضوع: پیشنهاد عمان درباره تنگه هرمز و احتمال برگزاری

اجلاس امنیتی خلیج [فارس]

۱- (محرمانه – تمام متن)

۲- «ملالاه حبیب» رئیس امور سیاسی وزارت امور خارجه عمان اخیراً از سفر خود به بغداد و تهران که به منظور ارائه پیشنهاد عمان در مورد تنگه هرمز انجام شده بود (مرجع الف) و در ۲۵ سپتامبر با مروری بر عکس العمل کشورهای خلیج [فارس] در رابطه با این پیشنهاد در اختیار معاونت نمایندگی قرار داده شد، بازگشت.

۳- عراق و کویت. عراقیها هنوز آنچه را که حبیب در اختیار وزیر خارجه عراق، «حمادی»

قرار داده بود نخوانده بودند که روزنامه الثوره به آن به عنوان فرم جدیدی از پیشنهاد قبلی امنیتی عمان در اواخر **۱۹۷۶** حمله ور شد. شیخ سالم الصباح وزیر دفاع و وزیر امور خارجه کویت قبل از آنکه العلوی معاون وزیر خارجه عمان قادر باشد به کویت وارد شده و پیرامون پیشنهاد این کشور توضیحی بدهد، از مواضع عراق در رابطه با آن استفاده کرد. انتقاد از پیش پرداخته شده و غیرآگاهانه از عقاید عمان قابل توجیه نبود. عمان پیشنهاد معاهده امنیتی منطقه ای را نداده بود، بلکه خواهان آن بود که منطقه مقداری از منابع مالی خود را در اختیار نیروهای گشتی عمان قرار دهند تا این کشور بتواند در حوزه مسئولیت خود در عمان به برقراری امنیت بپردازد. پیشنهاد عمان هنوز از پختگی خاصی برخوردار نبود، و برای تغییر آن، عمان حاضر بود پیشنهادات سازنده کشورهای غیرمتخاصم خلیج [فارس] را بپذیرد.

۴- ایران. حبیب پیشنهاد عمان را به معاون وزارت امور خارجه و معاونش در ایران تقدیم کرد. ایرانیها نسبت به عقاید عمان حالت خصمانه نداشتند، ولی روشن بود که پاسخ ایران پس از مورد ملاحظه قرار گرفتن پیشنهاد توسط مقامی بالاتر از دکتر یزدی وزیر امور خارجه (که در آن زمان در تهران و در تشییع جنازه طالقانی شرکت کرده بود) داده خواهد شد.

۵- عربستان سعودی و بحرین. در تاریخ ۲۰ سپتامبر، العلوی با وزیر خارجه سعودی شاهزاده سعود و همتای بحرینی اش ملاقات نمود. العلوی به طور مختصر به بحث درباره نتایج مأموریت خود و حبیب پرداخت، ولی حبیب معتقد بود که سعودیها و بحرینی ها به نحو منطقی پیشنهاد را مورد استقبال قرار داده بودند. (وقتی که سؤال شد آیا عربستان سعودی ممکن است با استفاده از مین روب های جدید خود به عمانی ها در برقراری امنیت تنگه هرمز کمک کنند یا نه، حبیب گفت آنها اصولاً از این عقیده طرفداری چندانی نکرده بودند.)

۶- اجلاس احتمالی نخست وزیران خلیج [فارس] (مرجع ث) پیشنهاد معتدل عمان درباره ایجاد یک صندوق مالی منطقه ای، در مطبوعات صرفاً به عنوان نوعی پیمان واردکننده نیروهای بیگانه تلقی و مورد حمله قرار گرفت. با در نظر گرفتن سوءظن محلی و تفسیر نادرست (تلگرام مربوط به عراق را بخوانید)، حبیب فکر نمی کند که در حال حاضر اجلاسی جهت بحث درباره موضوع حساسی چون امنیت منطقه ای تشکیل گردد.

۷- چون العلوی به تازگی از کویت بازگشته بود، حبیب نمی توانست درباره سفر العلوی به کویت به ما چیزی بگوید. ولی اگر بخواهیم به مطبوعات کویتی اعتماد نماییم، باید بگوییم که کویتی ها این بار هم موضع عراق را در مورد پیشنهاد عمان تکرار کرده اند.

۸- نظریه: ابتکار عمان را می توان به این ترتیب توصیف کرد که در سطوح سیاسی و فنی کارایی و کاربرد ندارد. تا ۱۸ سپتامبر یعنی هنگامی که حبیب عازم بغداد و تهران شده بود درباره این ابتکار چیزی به سفارت گفته نشده بود. ما از حبیب پرسیدیم که چرا قبل از سفر به بغداد با کشورهای دوست در خلیج [فارس] جنوبی مشورت نکرده است وی در جواب گفت این بخش از مشورت ها به عهده العلوی بوده که در آن زمان به مسایل دیگر مشغول بود.

۹- ظاهراً عمانیها می خواسته اند قبل از آنکه اتفاقی در تنگه هرمز بیفتد برای تبرئه خود در قبال اتهامات مبنی بر اینکه آنها برای دفاع از تنگه به قدر کافی تلاش نکرده اند کاری کرده باشند. آنها می خواهند بتوانند بگویند که تلاش خود را کرده و چون دیگر دوستان با آنها همکاری نکرده اند این مسئولیت از عمان ساقط شده است.

۱۰- گرچه عمانیها انتظار نداشتند عراق عکس العمل مثبت نشان دهد ولی از شدت عکس العمل منفی آنها نیز حیرت زده شده اند. آنها فکر می کردند که در ماههای اخیر عراق در رابطه با آنها قدری ملایم تر شده است.

۱۱- در رابطه با پاسخ آمریکا نسبت به روش عمان درباره امنیت خلیج [فارس]، ما هنوز هم معتقدیم که توصیه های ما که در مسقط ۱۷۳۲ مطرح شده دارای اعتبار است. امیدواریم پاسخ ما به سرعت عملی شود چون ظاهراً عمانیها سعی دارند از ناراحتی هایی که برایشان در نتیجه این مشورت های سیاسی در منطقه پیش آمده بهره برداری کنند. وایلی

گفتگوی دوجانبه ساندرز با یوسف العلوی معاون وزیر خارجه عمان

سند شماره ۱۰۶

محرمانه۱۸اکتبر ۱۹۷۹ ۱۶ مهر ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی ۳۹۵۳

به: سفارت آمریکا، مسقط با اولویت

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، امان، بغداد، قاهره، دمشق، دوحه، جده، کویت، منامه، صنعا، تهران.

موضوع: گفتگوی دوجانبه ساندرز با یوسف العلوی معاون وزیر خارجه عمان

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: در گفتگوی دوجانبه ۴ اکتبر، علوی معاون وزیر تأیید کرد که عمان به حمایت خود از تلاشهای صلح آمریکا در خاورمیانه ادامه خواهد داد. وی امیدوار است که دولت آمریکا سریعاً به ابتکار عمان در رابطه با تنگه هرمز پاسخ مثبت بدهد. و فکر می کند که پاسخ آمریکا مثبت خواهد بود. پایان خلاصه.

۳- آقای ساندرز در گفتگوی دوجانبه در نیویورک در تاریخ ۴ اکتبر با یوسف العلوی معاون وزیر خارجه عمان درباره مسائل ذیل تبادل نظر کرد.

صلح خاورمیانه

در مقـدمه، آقـای سانـدرز مراتب سپاسـگزاری آمریکـا را از حمـایت عمان در قبال تلاشـهای صـلح آمریکا در خاورمیانه ابراز داشت. مـا می دانیم که این حمایت برای عمان مضـراتی نیز داشـته است که از آن جمله می توان انزوای آن را در جهان عرب برشمرد. آقای العلوی پاسخ داد که حمایت عمان بر این محاسبه استوار است که در درازمدت روابطش با کشورهای عربی

عادی خواهد شد. وی در همین حال از پیشرفت ماههای اخیر در مورد مسئله فلسطینی ها راضی است. اگر این روند ادامه یابد موضع عمان سهل الوصول تر خواهد شد. در حال حاضر چند کشور عربی به درستی موضع عمان پی برده اند. عمان موضع خود را حفظ خواهد کرد و به ترغیب استقرار صلح در خاورمیانه خواهد پرداخت.

در ادامه اظهارنظرهای نویدبخش معاون وزیر، آقای ساندرز گفت که اکنون به سادگی می توان «مانع» موجود در روابط آمریکا و اعراب را رؤیت نمود. وزیر ونس اخیراً به شاه حسین گفته بود که نکته مورد بحث بین شاه حسین و عرفات، رابطه فلسطینی ها با اردن و اسرائیل، با تلاش آمریکا در جهت تحقق خودمختاری کامل فلسطینی ها در ساحل غربی و نوار غزه مطابقت دارد. به وجود آمدن مباحثات منطقی در بخش عربی امیدوار کننده است و دیگر آنها صرفاً به محکوم شمردن کمپ دیوید نمی پردازند.

لبنان

آقای ساندرز معاون وزیر را در جریان تلاشهای آمریکا در لبنان قرار داد. وی گفت ما سعی داریم به یک منطقه آتش بس یا «منطقه صلح» در جنوب لبنان دست یابیم. در مراحل بعدی سعی خواهیم کرد بر اساس قطعنامه ۴۲۵ اختیارات را به دست دولت لبنان بسپاریم.

آقای العلوی سؤال کرد که آیا در مورد مسئله لبنان، آنچنان که وی شنیده است، به زودی کنفرانسی تشکیل خواهد شد. آقای ساندرز گفت که کلمه «کنفرانس» درست نیست و گفت که ما با دیگر دولت ها در نیویورک درباره اقدامات مقتضی به مشورت پرداخته ایم. پس از پایان این مرحله، ما عقاید خود را مشخص خواهیم کرد و با دولت لبنان و دیگر گروههای ذیربط بیروت همکاری خواهیم نمود.

پیشنهاد عمان در رابطه با تنگه هرمز

گفتگو به پیشنهاد دیپلماتیک عمان در مورد تنگه هرمز متمرکز گردید. آقای العلوی گفت که هدف از این تلاش مطرح ساختن موضوع و نشان دادن خطرات موجود است. زمانی می توان با این مسئله مقابله کرد که دیگر دولت ها نیز از تلاش عمان در تجهیز ظرفیت های حفاظتی آن حمایت به عمل آورند.

آقای العلوی گفت عمان می داند که عراق از طرح مزبور حمایت نخواهد کرد. بغداد دائماً با برخورد جمعی با مسئله امنیت خلیج [فارس] مخالفت می ورزد ولی عمان نمی خواست چنین نتیجه گرفته شود که عراق در این موضوع منزوی شده است. در رابطه با عکس العمل دیگر دولتها، سعودیها اظهار علاقه کرده و ظاهراً مانند عمان فکر می کنند. کویت، بحرین، قطر و امارات متحده عربی نیز پاسخ مثبت داده اند لیکن ظاهراً از این حرکت متعجب شده اند. کویت مجبور است رابطه خود با عراق را در نظر گیرد و عمان نیز هنوز منتظر دریافت عکس العمل

اروپا و آمریکاست ولی امیدوار است این عکس العمل مثبت باشد.

آقای العلوی و سفیر عمان در آمریکا،صادق سلیمان که در این گفتگو نیز حضور داشت، گفتند که می خواهند بدانند، دیگر کشورها در گفتگو با آمریکا و در رابطه با ابتکار عمان چه عکس العملی نشان داده اند. آقای ساندرز پاسخ داد که چند کشور معتقدند که این پیشنهاد شایسته است، لیکن آنها ناراحت هستند که چرا ابتدا با ایران و عراق تماس گرفته شده است. علاوه بر این، موضع عمان در قبال کمپ دیوید مانعی برای یک عکس العمل مثبت بود. العلوی اظهار داشت که مسئله دیگری نیز وجود دارد و آن این است که کشورهای دیگر «تصور می کنند» آمریکا عمان را وادار به اتخاذ این روش کرده است. ولی العلوی معتقد است که عمان عدم صحت این موضوع را به آنها ثابت کرده است.

آقای ساندرز گفت که نباید طرح عمان را نظریه ای پدید آمده از سوی آمریکا تلقی نمود، و او در گفتگوهای خود نیز این مطلب را تصریح کرده است. آقای ساندرز با یادآوری این مطلب که تنها چند روز قبل ما از این مسئله مطلع شده ایم، به العلوی اطمینان داد که ماهیت «بسیار حرفه ای» آن مورد بررسی دقیق قرار خواهد گرفت. العلوی تأکید کرد که امیدوار است هرچه زودتر پاسخ دولت آمریکا را دریافت دارد. دریافت این پاسخ سریع به موضع عمان کمک خواهد نمود. وی ظاهراً چنین تصور کرده است که پاسخ حاصله مثبت خواهد بود.

آقای ساندرز با اعتراف به این واقعیت که نمی توان در «وهله اول موضوع را با همه در میان گذاشت» سؤال کرد که چرا قبل از تماس با کشورهای دیگر با ایران و عراق تماس حاصل شده است. پاسخ آقای العلوی و سفیر سلیمان دارای دو جنبه بود.

الف) العلوی مسئول مسافرت به دیگر کشورها بود، ولی یکی دیگر از مقامات وزارت امور خارجه مکلف به مسافرت به ایران و عراق شده بود. و چون مقام وزارت امور خارجه وقت آزاد بیشتری داشت زودتر به انجام این مأموریت پرداخته بود.

ب) اینگونه مشورتها، هنگامی که عمان سعی داشت خطوط دریانوردی تنگه هرمز را تغییر دهد صورت گرفت و از سوی دیگر کشورها و حتی عراق عکس العمل منفی پدید نیامد.

انقلاب ایران و امنیت خلیج [فارس]

آقای ساندرز سؤال کرد که عمان پس از انقلاب ایران امنیت خلیج [فارس] را چگونه ارزیابی می کند. آیا با شیعیان عمان اختلافاتی وجود دارد؟ آقای العلوی گفت که شیعیان عمان با ایرانیها «مرتبط» نبوده و خود را کاملاً عمانی می دانند. نگرانی مهم تر طبق گفته العلوی، امکان کمک ایران به جبهه آزادیبخش خلق فلسطین و یا دیگر گروههای تندرو فلسطینی است. این گروهها ممکن است از ایران به عنوان پایگاهی جهت تهدید تنگه هرمز استفاده کنند و از طریق همین تهدیدات ثبات رژیم عمان را بر هم زنند.

آقای ساندرز معاون وزیر را در جریان نظریات آمریکا در رابطه با امنیت خلیج [فارس] قرار

داد. با اعلام این مطلب که امنیت باید توسط کشورهای منطقه ایجاد شود، وی گفت که اکثر کشورهای خلیج [فارس] از آمریکا می خواهند نقش جهانی خود را ایفا نماید. بدین ترتیب، هنگامی که رئیس جمهور کارتر چند روز قبل اظهار داشت ما نیروهای خود را در اقیانوس هند افزایش داده ایم، منظور وی افزایش حضور «در مسافت دور» بود. ما مراقب نیازهای امنیتی منطقه هستیم ولی حساسیت های سیاسی آن را نیز در نظر داریم. ما نمی خواهیم «در جهان به عملیات گشت زنی» بپردازیم، ولی هرگاه که لازم باشد در این زمینه کمک خواهیم کرد.

العلوی گفت به نظر سلطان قابوس حضور آمریکا در منطقه باید با حضور شوروی در منطقه همسان باشد. در همان حال وی معتقد است که کشورهای خلیج [فارس] باید با همکاری یکدیگر با این خطرها روبرو شوند، البته به استثنای عراق که گویا مایل به همکاری در این زمینه نیز نیست. خوشبختانه دیگر کشورهای عربی خلیج [فارس] نیز به این نیاز پی برده اند.

اعزام تیم تحقیق آمریکا به عمان

سفیر سلیمان سؤال کرد که آیا گروه تحقیق آمریکایی که اخیراً به عمان سفر کرده بود گزارش خود را کامل کرده است؟ آقای ساندرز پاسخ داد که وی فرصت بررسی توصیه های تیم را نداشته است چون به تازگی از سفر بازگشته است.

نقش سفیر سلیمان

در ادامه آخرین اظهارنظر العلوی مبنی بر اینکه دولت آمریکا باید آزادانه و به طور کامل از سفیر سلیمان «بهره برداری کند»، آقای ساندرز گفت سفیر باید در آمریکا به مسافرت پرداخته و با افراد آمریکایی بیشتر صحبت کند. روش عمان در رابطه با منافع آمریکا و اعراب قابل تعمق است و سفیر باید در نشان دادن این روش سازنده مساعی بیشتری نشان دهد.

ونس

امنیت منطقه خلیج [فارس] طرح عمان درباره هرمز

سند شماره ۱۰۷

محرمانه ۹ اکتبر ۱۹۷۹ ۱۷ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، کویت ۴۶۳۳ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، بغداد، بن، منامه، مسقط، لندن، پاریس، رم، صنعا، تهران

مرجع: الف) مسقط ۱۷۳۲، ب) SECTO ۸۰۱۵، پ) سرویس خبر پراکنی خارجی LD۳۱۷۰۶، ت) منامه ۱۹۳۹.

موضوع: امنیت منطقه خلیج [فارس] طرح عمان درباره هرمز

۱- (محرمانه – تمام متن)

۲- خلاصه: راشد الراشد معاون وزارت امور خارجه، در اظهارنظر پیرامون ابتکارات عمان جهت حفاظت از تنگه هرمز، از موضع استاندارد دولت کویت مبنی بر اینکه برای دولت های خلیج [فارس] تنها راه برقراری امنیت ایجاد نظم در داخل خودشان است صحبت کرد و گفت در این صورت نیازی به پیمانهای اتحاد نخواهد بود. به عقیده وی عمانیها به جای ناوهای مین جمع کن به اصلاح داخلی نیازمندند. آنها نتوانسته اند هیچیک از خطرهایی را که متوجه تنگه است از میان بردارند، بنابراین کویت نمی تواند آن را جدی تلقی کند. نحوه بازاریابی برای طرح هایشان در رابطه با کویت بسیار توهین آمیز است، چون کویت با عمان بیش از ایران و عراق اشتراک منافع دارد و به نظر وی عمانی ها در مورد این پیشنهاد خود نمی توانند چندان جدی باشند. الراشد احتمالاً باور نمی کند که عمانیها می خواهند از نیروهای غربی برای حراست از تنگه هرمز استفاده کنند. پایان خلاصه.

۳- معاون نمایندگی و من در ۱۶ اکتبر با راشد الراشد معاون وزارت امور خارجه ملاقات کردیم تا پیرامون سخنان رئیس جمهور در مورد نظامیان شوروی در کوبا گفتگو کرده (تلگرام گزارشی سپتامبر) و در مورد حضور دریایی آمریکا در اقیانوس هند نیز شرحی داده باشم. پس از آن از الراشد خواستم که نظر خود را درباره ابتکار عمان برای برقراری امنیت در تنگه هرمز بیان نماید. در مقام توضیح گفتم که مبتکر این طرح آمریکا نبوده است، و هدف من نیز قبولاندن موضع عمان نیست لیکن مایلم عکس العمل دولت کویت را درباره این طرح بدانم چون نمی توان به سخنان عمومی منفی در قبال این ابتکار متکی بود (کویت ۴۳۷۷).

۴- الراشد با «قدری فلسفه بافی» در مورد روحیه دولت کویت در قبال امنیت منطقه مانند گذشته سخن آغاز کرد. وی گفت کویتی ها می دانند که «امنیت یک ملت مربوط به خود آن ملت است»، بنابراین عنصر اصلی این امنیت اعتماد مردم به خود و رهبرانشان است. برای ایجاد این اعتماد باید عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه و مناسب منابع در میان مردم صورت پذیرد. ثالثاً، مشکل موجود در میان ملتهای خلیج [فارس] باید از بین برداشته شود و کویت در این جهت فعالیت بسیار کرده است. و بالاخره اینکه تمام کشورهای منطقه باید از اتکای کامل به بیگانگان امتناع ورزند. بنابراین به عقیده کویت برای برقراری هرگونه معاهده امنیتی رسمی ابتدا باید این چهار شرط را برآورد و اگر این شرایط بر هر یک از کشورهای خلیج [فارس] حاکم باشد اصلاً نیازی به اینگونه اتحادها و پیمانها نیست.

۵- سلطان قابوس: با گفتن این که این مطالب باید محرمانه بماند و با درخواست از معاون نمایندگی که دست از یادداشت برداری بکشد، راشد گفت که رابطه بین قابوس و «افراد نظامی اش» تنها مانع ایجاد امنیت در عمان است. وی گفت عمان و جمهوری دمکراتیک خلق یمن هر دو از دو طریق جداگانه به همین موضع می رسند. در هر دوی این کشورها رهبریت متکی به تعدادی مستشار خارجی است و در تماس کافی با مردم نیستند. الراشد گفت دولت آمریکا از نقایص موجود در رژیم عمان آگاه است و می تواند در تصحیح این نقایص مداخله

نمایـد. البته وی معتقد نیست که رهبریت باید عوض شود بلکه معتقد است که باید قابوس را متقاعد ساخت که در مقابل مردم خود بهتر عمل کند و خود را در میان مستشاران مورد بحث محصور ننماید.

۶- هیـچ خطری متوجه تنگه هرمز نیست: الراشد پیامی را که عمانی ها با تاکتیک های خاص خود به کشورهای خلیج [فارس] ارسـال داشـته انـد کم اهمیت خوانـد. وی می گویـد عمان ابتـدا راه حل را یافته است و هم اکنون به دنبال مشکل است تا در مورد راه حل کاربرد داشته باشد. العلوی معاون وزارت امور خارجه عمان در توقف خود در کویت در ۲۴ سپتامبر نتوانسته بود به این سؤال راشـد که چه کسـی تنگه هرمز را تهدیـد می کنـد پاسـخ گوید. «شـما افرادی را که می خواهند کشتی ها را غرق نماینـد به ما نشان دهیـد ما راه مبارزه با آنها را می دانیم.» الراشد گفت قطع جریان نفت برای هیچکس منافعی به همراه ندارد، حتی عوارض حاصـله از صدور نفت شـریان حیاتی فلسطینیها را تشکیل می دهد. گفتم ممکن است بعضی از ارتدادیون به این کار مبادرت ورزنـد، و وی در پاسـخ گفت هر کشور تعـدادی آنارشـیست دارد که بایـد با آنها درافتـد. وی معتقـد است هیچ گروه یا نیروی دریایی موجود از تکنولوژی لازم برای مین گـذاری تنگه ها برخوردار نیست و آمریکا نیز در اثر تجربه خود در مین گذاری بندر «هایفونگ» این را می داند.

۷- عمانی ها چنـدان هم جـدی نیسـتند: درستماننـد بحرینیها، طبق گزارشـهایی که از منابع رسـیده است، الراشـد نیز از نحوه بازاریابی عمانیها برای طرح خودشان احساس تنفر نمود. «آنها پس از سـفر به بغداد و تهران به کویت آمدند» و فرستاده عمانی در اوایل بعد از ظهر وارد کویت گردید و صـبح روز بعد خواستار ملاقات با یک مقام بلندپایه دولتی گردید و حتی مایل نبود که شب را در اینجـا به سـر برد. بنـابراین می توان گفت عمانیها نمی خواسـته انـد حمایت دوسـتان طبیعی خود را در این زمینه جلب نمایند.

۸- راشد گفت از عمانی ها پرسـیده است که نیروی انسانی لازم برای کشتی های گشتی تنگه را چه کسی فراهم خواهد کرد، که آنهـا باز هم نتوانسـته بودنـد جواب قانع کننـده ای بدهنـد. وی گفت عمان نمی توانـد به تنهایی این نیروی انسانی را فراهم آورد، و اسـتخدام «پاکسـتانیها» و یـا دیگر بیگانگـان برای انجام این وظیفه خطیر دعوت به خرابکاری با رشوه دادن است و در نتیجه امنیت تنگه بیش از پیش به خطر می افتد. راشد در پایان گفت البته کویت علاقه مند به امنیت محموله های نفتی عبوری از تنگه هرمز است، لیکن مایل است با این مسئله به طور جدی و منظم برخورد نماید.

۹- نظریه: من انتظـار داشـتم که راشـد بین افکـار عمانیها در مورد حفاظت کشتیرانی در تنگه هرمز و نیروهای خاورمیانه ای ما ارتباط قایل شود و این موضوع را عمداً پیش کشیدم و گفتم که آمریکا برانگیزنده این فکر و ابتکار نبوده است. راشد بین این دو، ارتباط قایل نشد فقط به رژیم عمان به عنوان رژیمی که با مردمش در تماس نیست حمله کرد. و البته اصلاً اشاره نکرد

که ممکن است این ایـده عمـانی هـا منجر به ورود نیروهـای آمریکـایی یا اروپایی به منطقه خلیـج [فارس] شود، بر عکس وی مطبوعات بغداد به طور مؤثر از این نتیجه گیریها کرده است.

۱۰- اظهـارنظر بیشتر: فرصت نکرده بودم محتوای گفتگوی سانـدرز معـاون وزیر را بـا وزیر خـارجه بحرین (مرجع ب) مطـالعه کنم چون درست قبـل از ملاقات صبحگاهی من با راشـد دریافت گردیـده بود. نکاتی که سانـدرز با وزیر امور خارجه بحرین (بند ۱۰، مرجع ب) درباره منبع اصـلی امنیت خلیـج [فارس] مطرح کرده بود و نیز این واقعیت که آمریکا از حساسیت مـداخله خود آگاه است، همه مورد قبول راشـد می باشـند، ولی با اسـتفاده از موقعیت و با در نظر گرفتن عقایـد محلی درباره «نیروهای واکنش سریع» و هیجان مشهود درباره ابتکار عمان، در این رابطه موضع آمریکا را به وزارت امور خارجه یادآور خواهم شد.

ساترلند

«زندگی نامه هایی از شیوخ خلیج فارس»

بحرین و فرمانروای آن

سند شماره ۱۰۸

سریسپتامبر ۱۹۷۱ شهریور ۱۳۵۰

سازمان اطلاعات مرکزی (سیا)

[موضوع]: بحرین و فرمانروای آن

یادداشت اطلاعاتی

شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه

فرمانروای بحرین جدیدالاستقلال

هشدار

این سند حاوی اطلاعاتی است که به تعریف فصل ۱۸ بخشهای ۹۷۳ و ۹۷۴ مجموعه قوانین اصلاح شده ایالات متحده از دفاع ملی ایالات متحده تطبیق دارد. انتقال یا افشای محتویات آن به افراد فاقد صلاحیت یا دریافت آن توسط این افراد طبق قانون ممنوع است.

تعیین تاریخ خروج خودبخودی از طبقه بندی نامقدور است.

کشور بحرین

مساحت: ۲۳۰ میل مربع به اضافه چند جزیره کوچکتر

جمعیت: ۲۱۰۰۰۰ نفر

مذهب: مسلمان

زبان: عربی

رهبر دولت: شیخ عیسی

بحرین

امیر عیسی بن سلمان آل خلیفه

شیخ عیسی فرمانروای بحرین در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۷۱ استقلال جزیره کوچک خود را از انگلیس اعلام کرد. شیخ عیسی در نوامبر ۱۹۶۱ به عنوان امیر بحرین جانشین پدرش سلمان بن حمد آل خلیفه گشت. او نه به خاطر ابتکارات خود، بلکه به علت تغییر اوضاع خلیج فارس از اهمیت بسیاری برخوردار شده است. پس از خروج بریتانیا در اواخر سال ۱۹۷۱، کشور نفت خیز وی در خلیج [فارس] موقعیتی مهم از نظر سیاسی و اقتصادی خواهد داشت.

پس از اعلام استقلال توسط شیخ عیسی، دو قدرت خلیج فارس یعنی ایران و عربستان سعودی با ارسال پیامهای تبریک این کشور را به رسمیت شناختند. آمریکا نیز به دولت بحرین اطلاع داد که «... آمریکا از اعلامیه استقلال بحرین استقبال کرده و ... و در صورت درخواست، کشور بحرین را به رسمیت خواهد شناخت.» در تاریخ ۱۸ اوت، شورای امنیت سازمان ملل به مجمع عمومی این سازمان توصیه کرد که درخواست عضویت بحرین را در این سازمان با نظر مثبت مورد ملاحظه قرار دهد.

شیخ عیسی که ظاهراً میل ندارد به عنوان وارث مسلم به فرمانروایی بپردازد، در به دست گرفتن ابتکار به عنوان فرمانروا تأمل بسیار نشان داده، لیکن میل نداشته است که اختیارات خود را نیز از دست بدهد. او با مشکلات و خطراتی که همیشه بر سر راه یک مدیر و سرپرست با نبوغ قرار دارد دست به گریبان است که عبارتند از: اختلافات مذهبی،نژادی و اقتصادی و عدم محبوبیت خود در میان توده های مردمی. بسیاری از زیردستان وی سرنگونی وی را با استقبال پذیرا خواهند شد. علاوه بر این شیخ عیسی به خاطر جاه طلبی های سیاسی احتمالی برادر و رقیب بالقوه خود یعنی شیخ محمد بن سلمان آل خلیفه که رئیس پلیس و امنیت عمومی است در معرض خطر قرار گرفته است. استقلال، هیچیک از مشکلاتی را که بحرین دچار آن شده، از بین نخواهد برد.

استقلال بحرین گذشته و دورنما

بحرین از سالهای ۱۸۵۰ یکی از نُه امارات خلیج فارس به شمار می رفت که با انگلیس روابط ویژه ای برقرار کرده بود. بر اساس هر یک از معاهده های منعقده، انگلیس روابط خارجی و دفاعی هر یک از امارات را اداره می کرد؛ حال آنکه خدمات داخلی دولتی آنها نیز توسط انگلیس رتق و فتق می گشت. در سال ۱۹۶۸ انگلیس اعلام کرد که قصد دارد تا پایان سال ۱۹۷۱ از خلیج[فارس] خارج گردد، و در همان حال پیشنهاد کرد که این نُه امارت فدراسیونی تشکیل دهند و فدراسیون امارات عربی خوانده شوند. هر یک از شیوخ از انزوای استقلال در جهان خصومت بار ترس به دل راه می داد... کویت و عربستان سعودی نیز در امور همسایگان کوچک خود مداخله کرده و از آنها می خواستند که سرانجام این فدراسیون را تشکیل دهند. لیکن هر یک از این شیوخ ترس از آن داشت که مبادا در نتیجه متحد شدن با شیوخ دیگر

اهمیت و قدرت خود را از دست بدهد. انگلیس معاونین فرمانروایان را در اکتبر ۱۹۷۰ به یک اجلاس سازمانی در ابوظبی دعوت کرد. هر یک از شیوخ در تلاش برای حفاظت از منافع خود و نفی دیگران بود، و در نتیجه مشاجرات حاصله پیرامون نمایندگی، رأی و بودجه، مسئله تشکیل فدراسیون لاینحل ماند.

بحرین پیشرفته ترین و از نظر اقتصادی در بین این نُه امیرنشین مهم ترین بوده و حدود نیمی از جمعیت آنها را در بر گرفته است. پس از پیشنهاد شرایط تشکیل فدراسیون که مورد قبول دیگر امارات قرار نگرفت، بحرین توانست از آنها جدا شود. شش امارت از هشت امارات باقیمانده در تاریخ ۱۸ جولای ۱۹۷۱ یعنی یک ماه قبل از اعلام استقلال توسط بحرین، تشکیل اتحادیه امارات عربی را اعلام نمودند. ولی بحرین در اعلامیه خود اظهار داشت که در آینده تحت شرایط صحیح و مناسب حاضر به تشکیل فدراسیون با دیگران خواهد بود. این بیانیه پاسخی در قبال تقاضاهای کویت و عربستان سعودی نیز به حساب می آمد.

سیاست ها و اوضاع داخلی

بحرین با وجود کوچکی یک تمامیت منسجم نیست. بیست درصد ساکنین آن را افراد غیر تبعه تشکیل می دهند؛ بعضی از آنها از کشورهای عربی آمده اند، لیکن بسیاری از آنها خود را تبعه ایران که یک کشور غیرعربی است، می دانند. جمعیت محلی نیز دچار اختلافات اجتماعی، اقتصادی و مذهبی است. از دو گروه مسلمان بحرین، سنی ها از نظر مذهبی خود را وابسته به شبه جزیره عربی و شیعیان خود را وابسته به شیعیان ایران می دانند.

به قدرت رسیدن شیخ عیسی با خوش بینی روبه رو گردید. طبقه تجار محافظه کار که تنها به وضع موجود انباشت ثروت وابسته است، اظهار همدردی می کرد. گروههای جوان و تحصیلکرده علاقه مند به اصلاحات اجتماعی، امیدوار بودند. شیخ عیسی نیز ظاهراً به روش های غربی علاقه داشت و مدرنتر از پدرش می نمود و اقداماتی در جهت اصلاحات اجتماعی انجام داد و احداث چند پروژه مسکن عمومی را نیز پایه گذاری کرد.

با این وصف، امیر، شخصی اساساً محافظه کار بود و الزاماً سیاستش بر این است که کاری انجام ندهد. با خروج انگلیس از مشارکت فعال در دولت، امیر محافظه کاری بیشتری پیشه کرد و در اتخاذ تصمیمات روزمره قاطعیت چندانی از خود نشان نمی داد او به هیچیک از گروهها اجازه دخالت در امور دولت را نمی داد، و عدم اعتماد او به زیردستان خود مانند عدم اعتماد اعراب ناسیونالیست موجود در آنها نسبت به او بود. او شورش سال ۱۹۴۲ زنگبار را نمونه بارز تأسیس دموکراسی پارلمانی در یک جامعه ناآگاه ذکر می کرد.

سیاست داخلی شیخ عیسی خشم جوانان ناسیونالیست و تندرو را برانگیخت و او را آلت دست انگلیس و مرتجع قلمداد می کردند. بعضی از رفتار شخصی او نیز تنفر دیگر بحرینی ها را نسبت به او برانگیخته است: او به جمع آوری ثروت و زن علاقه بسیار دارد و معمولاً مردم به

او دسترسی ندارند. تمام این عوامل دست به دست هم داده، فعالیت های مخرب پنهانی را در جهت سرنگون کردن خانواده حاکمه موجب شده است.

سیاست خارجی

در سال ۱۹۶۸ و قبل از اعلام خروج انگلیس از خلیج [فارس]، عیسی در اداره امور خارجی تجربه بسیار محدودی داشت. در آن زمان انگلیس امور خارجی و دفاعی کشور را اداره می کرد و عیسی نیز اجازه می داد که توسط آنها هدایت شود. از زمان انتشار اعلامیه انگلیس، شیخ عیسی لزوم به دست گرفتن ابتکار و استقلال عمل را دریافته است. ولی او که نمی داند چطور باید این کار را انجام دهد تنها به شکوه و شکایت پرداخته است. او از انگلیسی ها ناراضی است و ادعا می کند که آنها مسئولیت های خود را نادیده می انگارند. (اشاره بدین مطلب که اداره بحرین از مسئولیت های انگلیس است موجبات رنجش خاطر ناسیونالیست های عربی را فراهم آورده است). شیخ عیسی به عنوان نمونه عدن را ذکر می کند: خروج سریع انگلیس در نوامبر ۱۹۶۷ از عدن سبب شد که جبهه آزادیبخش ملی چپگرا با توسل به زور در یمن جنوبی به قدرت برسد. او با اشاره به وضع خود می گوید که اینگونه اقدامات انگلیس سبب می شود که مردم با توسل به خشونت به قدرت برسند. مهم ترین عامل نگرانی شیخ عیسی این بود که ایران ادعا می کرد بحرین از آن ایران است، تا اینکه پس از تحقیقات سازمان ملل پس از می ۱۹۷۰ ایران دعوی خود را پس گرفت. (ایران بر سر بحرین حدود یک قرن با انگلیس اختلاف داشت؛ ولی اکثر بحرینی ها ترجیح می دادند مستقل باشند.) شیخ عیسی برای از بین بردن این خلاء قدرت در سال ۱۹۷۲ فعالانه از تشکیل فدراسیون امارات عربی حمایت می کرد. ولی مشکلات موجود بر سر راه تشکیل فدراسیون سبب شد که وی نیز استقلال را انتخاب کند.

طرز تلقی نسبت به آمریکا

شیخ عیسی تنها فرمانروای عربی بود که در طول جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ اجازه داد نفت این کشور توسط نیروهای آمریکا در ویتنام مورد استفاده قرار گیرد. او گفته است که میل دارد آمریکا حضوری قابل رؤیت، به شکل یک حضور در حکومت، در بحرین داشته باشد. پس از تکمیل مراحل به رسمیت شناسی، سفیر آمریکا در کویت نیز احتمالاً با حفظ سمت به سفارت این کشور در بحرین منصوب خواهد شد. سفارت آمریکا در منامه نیز در اواسط سپتامبر ۱۹۷۱ افتتاح خواهد شد.

سوابق و مشاغل پیشین

شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه بزرگ ترین فرزند از سه فرزند فرمانروای اسبق در تاریخ ۳

ژوئن سال ۱۹۳۳ در «جرا» متولد شد. (خانواده خلیفه در سال ۱۷۸۲ بحرین را فتح و از آن زمان در آنجا فرمانروایی کرده است.) شیخ عیسی نزد معلمین خصوصی توانست تحصیلات دوره ابتدایی را بگذراند. در سال ۱۹۵۲ او در شورای سلطنت خدمت نمود و در سال ۱۹۵۵ ریاست شورای شهرداری و کمیته آب را به عهده گرفت و در سال ۱۹۵۷ عضو شورای سلطنتی گردید. چون استعدادهای وی در زمینه مدیریت درخشان نبود، وظایف تشریفاتی به عهده او گذارده شد، که از جمله آنها شرکت وی در مراسم تاجگذاری شاه عراق در سال ۱۹۵۲ را می توان نام برد. او اصلاً به نحوه عملی اداره امور دولت توسط پدرش توجه نمی کرد. در سال ۱۹۵۷ بنا به توافق خانوادگی، وی وارث مسلم فرمانروایی اعلام گردید و در سال ۱۹۶۰ به محض فوت پدر، امیر بحرین شد.

عدم قاطعیت شیخ عیسی پس از رسیدن به قدرت، وی را آماج انتقادات مخالفین قرار داد و مهاجرین عربی نیز فعالانه از آنها بهره برداری می کردند. او در سال ۱۹۶۲ با کمال قاطعیت و عزمی راسخ تعدادی از معلمین مصری را که دانشجویان را برای اتحاد اعراب به تظاهرات تحریک کرده بودند، اخراج کرد. عکس العمل وی در قبال اعتصاب شرکت نفت بحرین در سال ۱۹۷۴ کاملاً- فاقد کفایت و لیاقت بود. در طول همین اعتصاب و تظاهرات دانشجویی متعاقب آن، برای اولین بار صدای اعتراض و مخالفت علیه خود فرمانروا شنیده شد. در حالیکه نحوه کنترل و اداره شورشهای داخلی توسط شیخ عیسی در طول جنگ اعراب و اسرائیل یعنی دو سال پس از اعتصاب مزبور، تمجید و تحسین ناظران غربی را برانگیخت.

در مارس ۱۹۶۸ فرمانروا تشکیل گارد ملی را (که اکنون نیروی دفاعی بحرین خوانده می شود) به فرماندهی فرزند و وارث فرمانروایی، شیخ حمد بن عیسی که اخیراً از دانشکده افسری «مونس» در «الدرشات» انگلیس فارغ ا لتحصیل شده است، اعلام نمود. گارد ملی تحت کنترل رئیس پلیس و امنیت عمومی نبوده و محمد برادر شیخ عیسی نسبت به تشکیل آن روی خوشی نشان نداده است.

سفرها

شیخ عیسی مسافرت های بسیاری انجام داده است. او در سال ۱۹۵۲ به انگلیس، فرانسه و ایتالیا و در سال ۱۹۵۴ به انگلیس و آمریکا از طرف شرکت «بَکَ» سفر نمود، و در سال ۱۹۵۵ و ۱۹۵۷ نیز در اروپا به سر می برد.

از زمان رسیدن به قدرت وی در سالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۶۶ به انگلیس سفر کرد و چند بار نیز از عربستان سعودی و کویت بازدید به عمل آورد.

در اوایل سال ۱۹۶۷ شیخ عیسی سعی داشت به استحکام روابط در منطقه بپردازد؛ و به همین منظور به قطر، کویت، عربستان سعودی و دوبی سفر کرد. سفر او به قطر در سال ۱۹۶۷ سفر اولین فرمانروای بحرین به این کشور در ۱۰۰ سال گذشته به حساب می آید. در سال

۱۹۶۸ وی به عنوان میهمـان شـرکت نفت کـالتکس («بَیک» نیز احتمالاً ـ یکی از شـاخه های کالتکس است) به آمریکا سـفری داشت. در طـول همین سـفر وی از پـاریس نیز بازدیـد کرد. در سـال ۱۹۶۹ او به قـاهره رفت تـا در تشـییع جنازه ناصـر، رئیس جمهور متحده عربی شرکت جوید و پس از آن برای ملاقات با شاه به تهران سفر کرد.

خصوصیات فردی

شیخ عیسی مردی کوتاه قد (۵ پا و ۵ اینچ) و چاق بوده و معمولاً لباس عربی به تن می کند. او خجول و خوش برخورد بوده و از سـرگرمیهای غربی و کلوب های شبانه خوشش می آید. او در انظار مشروب نمی نوشد لیکن در کوکتل پارتیها شرکت می کند. او زمانی از طرفداران ماشین های اسپورت بود و در سال ۱۹۶۰ در یک سانحه شدید اتومبیل زخمی شد.

فرمـانروا یک مسـلمان سـنی مـذهب است. او و همسـرش «هیسا» در سال ۱۹۴۹ ازدواج کردنـد. او حـداقل چهار فرزند پسـر به نامهای صـمد، رشـید، عبدالله و محمد و یک فرزند دختر به نام منیره دارد. شیخ عیسی علاوه بر زبان اصلی خود یعنی عربی به زبان انگلیسی نیز صحبت می کند.

احمد سویدی، وزیر خارجه امارات متحده عربی

سند شماره ۱۰۹

محرمانه۲۴ می ۱۹۷۲ ۳ خرداد ۱۳۵۱

سفارت آمریکا، تهران گزارش پرونده

موضوع: احمد سویدی، وزیر خارجه امارات متحده عربی

در گفتگـوی مورخ ۲۲ می بـا ان. دبلیو براون، دبیر سوم سـفارت انگلسـتان در تهران، براون یـادآور شـد که دولت متبوعش به احمـد سویـدی وزیر خارجه امارات متحـده عربی اعتماد نـدارد، و سویدی را مسـئول اعمال ضد و نقیض حاکم امارات متحده عربی یعنی زایـد می داند. براون، سویدی را فردی «چپگرا و دارای احساسات ناسـیونالیستی عربی» توصـیف نمود که می تواند مشکلات زیادی پدید آورد. پس از آنکه گفتم در طول سفر کوتاه خود به منطقه متوجه شدم که سویدی مردی بسیار توانا در منطقه است، براون پاسـخ داد که او نسـبتاً صـلاحیت دار است و یـک سـر و گردن بالاتر از دیگران در ابوظبی و نیز احتمالاً در تمام امارات متحـده عربی است. در ادامه، براون اظهار داشت که «فرد دانای ارشاد نشـده» بدترین «نوع از افراد موجود است» و یادآور شد که از نظر دولت انگلستان، مشکلات آنها در رابطه با زاید و سویدی هنوز برطرف نشده است.

از نظر هر دوی آنهـا، امـور بین المللی «یـک بـازیچه جدیـد» است و به گفته براون، انگلسـتان از این وضع به هیچوجه خشـنود نیست.

سی. دبلیو. مک کاسیکل

فیصل بن علی بن فیصل آل بوسعید سفیر عمان در آمریکا...

ص: ۲۶۵

سند شماره ۱۱۰

سریژوئن ۱۹۷۳ خرداد ۱۳۵۲

سازمان اطلاعات مرکزی (سیا)گزارش بیوگرافی

[موضوع]: فیصل بن علی بن فیصل آل بوسعید سفیر عمان در آمریکا

هشدار

این سند حاوی اطلاعاتی است که به تعریف فصل ۱۸ بخشهای ۷۹۳ و ۷۹۴ مجموعه قوانین اصلاح شده ایالات متحده از دفاع ملی ایالات متحده تطبیق دارد. انتقال یا افشای محتویات آن به افراد فاقد صلاحیت یا دریافت آن توسط این افراد طبق قانون ممنوع است.

تعیین تاریخ خروج خود به خودی از طبقه بندی نامقدور است.

عکس سند کلیشه شود.

سریرؤیت برای بیگانگان ممنوع

فیصل بن علی بن فیصل آل بوسعید

سفیر عمان در آمریکا و نماینده دائمی این کشور در سازمان ملل متحد

در تاریخ ۱۴ ژوئن ۱۹۷۳ فیصل بن علی بن فیصل آل بوسعید اعتبارنامه خود را به عنوان سفیر عمان در آمریکا تقدیم نمود. او با حفظ سمت در مقام نمایندگی دائمی عمان در سازمان ملل انجام وظیفه خواهد کرد که از آوریل ۱۹۷۲ نیز در این مقام خدمت می کرده است.

شیخ فیصل که از زمان ورود به نیویورک در محافل سازمان ملل فعالیت چندانی نشان نمی داد تنها یک بار به نمایندگی آمریکا در سازمان ملل سر زد. در آن زمان وی صمیمانه در مورد لزوم روابط با آمریکا، اهمیت خلیج فارس از نقطه نظر منافع آمریکا و اهمیت روابط حسنه بین ایران و عمان سخن می راند. او در مورد خاورمیانه از خط عربی دنباله روی می کرد، لیکن نظریات خود را با میانه روی ابراز می داشت.

فیصل که دارای گرایشات سیاسی است، کمونیسم را مورد مطالعه قرار داده و با کمونیست های چین و شوروی در تماس بوده است. او قبلاً عضو شورای فرماندهی انقلابی نهضت انقلابی عمان بود.

زندگی و سوابق پیشین

فیصل بن علی بن فیصل آل بوسعید در سال ۱۹۲۷ در مسقط متولد شد. وی عموی سلطان قابوس ابن سعید است. فیصل دوران تحصیل را در عمان، عراق و اروپای شرقی گذراند. او مدعی است که انجمن آمریکایی دوستان خاورمیانه به او بورسیه تحصیل نداده بود.

فیصل یک بار به یکی از مقامات آمریکا گفت که در سال ۱۹۵۲ سرپرست آموزش و پرورش بود، لیکن به علت اختلاف با سلطان وقت، به قاهره تبعید و در آنجا به عنوان یک

ناشر اخبار به کار مشغول شد. ظاهراً این اختلاف بر سر امتناع فیصل از ریش گذاشتن بود. ولی در اواسط سال ۱۹۶۴ به یک گزاشگر چینی گفته بود که وی به عنوان دبیر وزارت امور خارجه در مسقط مشغول به کار بوده، لیکن در سال ۱۹۵۷ جهت مبارزه علیه امپریالیسم انگلیس به قاهره می رود. فیصل در مقام یک سخنگوی، مطالب زیادی علیه انگلیس در رادیو بیان می کرد. در سال ۱۹۵۹ وی در کنفرانس وحدت آفریقا و آسیا در قاهره شرکت جست. فیصل به نهضت انقلابی عمان به سرپرستی «غالب بن علی آل هیناوی» امام تبعید شده عمان پیوست. (امام مزبور رهبر معنوی مهم ترین گروه عمان یعنی مسلمانان عبادی است؛ وی به عنوان یک شورشی در سال ۱۹۶۰ از عمان اخراج گردید و پس از آن نهضت انقلابی عمان را تشکیل داد.) در سالهای ۱۹۶۰ ۱۹۶۱ فیصل ریاست دفتر امامت عمان در دمشق را به عهده داشت. در اواخر سال ۱۹۶۳ وی به همراه امام مزبور به پایتخت های عربی سفر کرد تا درباره نهضت انقلابی عمان تبلیغ کند و در ژوئیه ۱۹۶۴ به ریاست دفتر امامت عمانی در پاریس منصوب شد. او در سال ۱۹۶۵ به آمریکا آمد تا نظرات امام را در سازمان ملل مطرح سازد. در سال ۱۹۶۶ بار دیگر به عنوان نماینده دفتر امامت به دمشق بازگشت.

در اواسط سال ۱۹۶۷ فیصل از امام روی گرداند و با طارق بن تیمور آل بوسعید عمو و برادر سلطان وقت هم پیمان شد. (طارق که در تبعید به سر می برد در تلاش برای جانشینی به جای برادرش به دنبال جلب حمایت بود.) وی مدتی معاون طارق بود. ولی فیصل در سال ۱۹۶۹ در قاهره اظهار داشت که با وجود حمایت از طارق میل ندارد همکار نزدیک وی شناخته شود، چون گرایش طارق به غرب او را نیز متمایل به غرب نشان خواهد داد.

پس از آنکه سلطان قابوس بن سعید آل بوسعید در سال ۱۹۷۰ پدر خود را سرنگون کرد، فیصل به سرپرستی وزارت آموزش و پرورش منصوب گردید. در این مقام وی با شایستگی کار کرد، چون وزیر این وزارتخانه یعنی سعود بن علی آل خلیفه از تجربه و تحصیلات رسمی کافی برخوردار نبود. فیصل چند پروژه را که شامل گردآوری اسناد، تشکیل یک موزه و یک کتابخانه بود آغاز کرد. در مارس ۱۹۷۱ فیصل به سمت وزارت اقتصاد عمان منصوب شد. کمی پس از آن نیروهای سفارت آمریکا برنامه های عملی و غیرعملی اقتصادی وی را ارزیابی کردند. یک منبع فرانسوی وی را فردی پرکار، انعطاف پذیر و «مبتکر عقاید خوب» خواند. زمانی وی میل داشت به آمریکا آمده در زمینه مشاورت تخصصی اقتصادی آموزش ببیند.

در تابستان سال ۱۹۷۱ بین فیصل و دیگر همکاران وی در کابینه درگیری آشکار شد، چون او اصرار داشت به عنوان عضو خانواده آل بوسعید بر وزیران غیرفامیل ارجحیت داشته باشد. در ژوئیه ۱۹۷۱ فیصل از سمت وزارت اقتصاد برکنار گردید. ولی معلوم نیست که بین درگیری وی با دیگر وزیران و خروج وی از کابینه رابطه ای وجود داشته باشد. فیصل ظاهراً از آن زمان تا ژانویه ۱۹۷۲ به مقامی منصوب نشد، لیکن پس از آن در فهرست کارداران وزارت امور خارجه درآمد.

سفرها

فیصـل در ژانویه و فوریه ۱۹۶۴ جهت تمـاس بـا کمونیست های چین به سوئیس سـفر کرد. او در سال ۱۹۶۵ به عنوان نماینده عمـان در کنفرانس ضـدپایگاههای نظـامی خارجی جاکارتا و در سال ۱۹۶۶ در کنفرانس سه قـاره در هاوانا شـرکت کرد. در بهار سال ۱۹۷۱ فیصل به عنوان وزیر اقتصاد به مدت سه هفته از انگلیس و اسـکاتلند بازدید کرد. او از شـرکت های ساختمانی و مـاهیگیری بازدیـد کرد و برای اداره مـاهیگیری عمـان یک کشتی سـفارش داد و در مورد غلات و آب و هوا با متخصصـین انگلیسی به گفتگو نشست.

سوابق شخصی

فیصـل گـاهی بـا لبـاس عربی و در حـالیکه خنجری به کمر داشت به کـار می پرداخت. او یک بار به یکی از مقامات سـفارت آمریکا گفت که دولت آمریکا باید به دانشجویان عمانی بورس تحصیل اعطا کند. او گاهی بسیار لجباز می شود. طی یکی از مصاحبه ها «با حالتی تهاجمی» درخواست کرد که به وی اجازه داده شود به صورت یک جهانگرد به آمریکا سـفر کنـد. یکی از مقامات سـفارت آمریکا اخیراً گزارش داد که فیصل بسـیار خرافاتی و به کتابهای خواب عقیده دارد. او مجرد است. سـفیر با حرص بسـیار کتاب می خواند و از موسـیقی کلاسـیک غربی نیز لذت می برد. او به زبان انگلیسـی مسلط است و قدری فرانسه نیز می داند.

۱۹ ژوئن ۱۹۷۳

احمد عبدالنبی مکی سفیر عمان در آمریکا و نماینده...

سند شماره ۱۱۱

سری غیرقابل رؤیت برای بیگانگانژانویه ۱۹۷۴ دی ۱۳۵۲

سازمان اطلاعات مرکزی (سیا)گزارش بیو گرافی

[موضوع]: احمد عبدالنبی مکی سفیر عمان در آمریکا و نماینده

دائمی این کشور در سازمان ملل متحد

هشدار

این سند حاوی اطلاعاتی است که به تعریف فصل ۱۸ بخشهای ۷۹۳ و ۷۹۴ مجموعه قوانین اصلاح شده ایالات متحده، بر دفاع ملی ایالـات متحـده تـأثیر دارد. انتقـال یا افشای محتویات آن به افراد فاقـد صـلاحیت یا دریافت آن توسط این افراد طبق قانون

ممنوع است.

تعیین تاریخ خروج خودبخودی از طبقه بندی نامقدور است.

احمد عبدالنبی مکی

سفیر عمان در آمریکا و نماینده دائمی این کشور در سازمان ملل متحد

در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۷۳ آمریکا انتصاب احمد مکی را به عنوان سفیر جدید عمان در

آمریکا پذیرفت. او به عنوان نماینده دائمی کشورش در سازمان ملل نیز انجام وظیفه خواهد کرد. مکی که به تازگی پا به سن ۳۴ سالگی گذاشته و جدیداً به خدمت دولت درآمده، در چشم مقامات آمریکایی یکی از با استعدادترین افراد دولت عمان به حساب می آید. او فردی است آگاه، باسواد و میانه رو.

او قبل از انتصاب کنونی، به مدت ۲ سال معاون وزیر امور خارجه کشورش بود و به همراه و یا از طرف سلطان قابوس بن سعید آل بوسعید به خارج سفر می کرد. سلطان قابوس شخصاً وی را به عنوان سفیر انتخاب کرده است که نشان می دهد سلطان قابوس بر روابط عمان و آمریکا اهمیت بسیار قائل است.

تجربه های دیپلماتیک

مکی علی رغم جوانی اش یک دیپلمات باتجربه است. مکی در اوت ۱۹۷۱ در سمت معاون نخست وزیر وقت طارق بن تیمور آل بوسعید، به عنوان سرپرست هیأت نمایندگی سلطان به بیروت آمد تا با نمایندگان «غالب الهیناوی» امام تبعیدی عمان در اتحادیه عرب گفتگو و مذاکره نماید. مکی از اکتبر ۱۹۷۱ تا ژانویه ۱۹۷۲ سرپرستی نمایندگی دائمی عمان را در سازمان ملل به عهده داشت و در جلسات بیست و ششم و بیست و هفتم مجمع عمومی این سازمان نیز شرکت کرد. اخیراً نیز وی در مذاکرات سری بین ایران و عمان جهت تعیین خط وسط بین دو کشور - مرز بین المللی در تنگه هرمز - شرکت داشته است.

نظریات مربوط به کمک خارجی

در اوایل سال ۱۹۷۱ مکی آشکارا به تحسین تخصص فنی و علمی آمریکا پرداخت و گفت در زمینه اکتشاف و گسترش منابع طبیعی، آمریکا می تواند کمک های بسیار زیادی به عمان داشته باشد. در آن زمان وی آمریکا را به حضور در عمان تشویق می کرد. لیکن هنگامی که مقامات آمریکایی در آوریل ۱۹۷۲ با وی در مورد ارسال پاسداران صلح به عمان گفتگو کردند، وی آنها را بسیار تازه کار قلمداد کرد. مکی معتقد است که عمان در زمینه برنامه ریزی کشاورزی، ماهیگیری و نفت به متخصصین بسیار با تجربه نیاز دارد.

مکی ظاهراً نسبت به انگلیس و به خصوص مستشاران انگلیسی حاضر در دولت عمان بدبین است. او از ورود بیگانگان به بخش خدمات مدنی متنفر است.

زندگی و سوابق پیشین

احمد عبدالنبی مکی در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۳۹ متولد شد. وی گفت که از آمریکا و انگلیس تقاضای بورس تحصیلی کرده بود، لیکن هیچیک از آنها این امر را نپذیرفته بودند. در سال ۱۹۶۵ وی در دانشگاه قاهره که در آنجا سرپرستی سازمان دانشجویان عمان را به عهده

داشت، در رشته بازرگانی لیسانس گرفت. بعدها برای ادامه تحصیل به پاریس رفت، و بنا به گفته خودش سعی کرد فلسفه سیاسی را که در مصر آموخته بود از یاد ببرد. مکی که ظاهراً در نتیجه تجربه های خود در مصر از خواب بیدار شده بود، گفته است که بسیاری از عمانی های دارای تحصیلات کمونیستی پست های مهمی در عمان اشغال کرده اند.

مکی مشاور یک شرکت کانادایی در ابوظبی بوده و علاوه بر آن با یونسکو نیز همکاری می کرد؛ تاریخ و مدت استخدام وی در این مشاغل معلوم نیست. او در اواخر سال ۱۹۷۰ مشاور شخصی طارق بن تیمور آل بوسعید شد و تا زمان انتصاب در سازمان ملل در همان مقام باقی ماند. در فوریه ۱۹۷۲ او به عمان فراخوانده شد تا پست های معاونت وزارت امور خارجه و سرپرست اداره بین المللی وزارت امور خارجه را برعهده گیرد.

سوابق شخصی

مکی که یک فرد پرکار است، گاهی در گفتگوها نقش مسلط را به دست می آورد. او سابق براین با «پی یِدا مانسو فرنانـدز» اسپانیایی ازدواج کرده و یک فرزند دختر به نام «دینا» دارد. برادر مکی یعنی سالم حسن مکی رئیس وزارت منابع طبیعی و نفتی است.

مکی به راحتی به زبان انگلیسی تکلم می کند و خانم مکی نیز قدری انگلیسی می داند. هر دوی آنها به زبان فرانسه نیز صحبت می کنند.

۴ ژانویه ۱۹۷۴

اطلاعات بیوگرافیک: صادق جواد سلیمان...

سند شماره ۱۱۲

محرمانه۵ دسامبر ۱۹۷۵ ۱۴ آذر ۱۳۵۴

از: وزارت امور خارجه، ۷۳۰۴ الف به: سفارت آمریکا، قاهره

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در مسقط، تهران.

موضوع: اطلاعات بیوگرافیک: صادق جواد سلیمان

(کنسول سفارت، سفارت عمان، واشنگتن)

طبق برداشت وزارت، سلیمان به زودی به عنوان سفیر جدید عمان در مصر منصوب خواهد شد، گرچه این موضوع هنوز علناً

اعلام نشده است.

سلیمان در تاریخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۳۳به عنوان فرزند یک مغازه دار کوچک در «موترا» عمان متولد شد. تحصیلات اولیه وی چندان منسجم نبوده و وی بخش اعظم اوقات خود را صرف کار در مغازه پدرش می کرد و مشغول تجارت بین بندر و دیگر مناطق ساحلی عمان بود. وی هنوز هم ظاهر خشن تجار بخش های کوهستانی را و حتی تجار ظفاری را که بر شترهای عظیم الجثه خود سوار بوده و عمامه ای بزرگ بر سر داشتند که بر روی آنها فهرست خریدهای موردنیاز مردم نصب شده بود و در کنارشان کیسه های بزرگ پول (معمولاً دلارهای ماریا ترزا)

که مهم ترین وسیله یا پول تجارت آن زمان بود، به یاد می آورد.

در سال ۱۹۵۲، در نتیجه به توصیه پدرش، سلیمان با کشتی از موترا به دوبی رفت. وی می گوید در آن زمان این کار برای جوانانی که در عمان از تحصیل تحت حکومت جابرانه سلطان تیمور محروم می شدند معمول و مرسوم بود. پس از شش ماه اقامت در دوبی که به طور پراکنده کار می کرد، وی به بحرین رفت و در بانک انگلیس (بانک شرق؟) به کار مشغول شد. بانک مزبور قصد داشت سلیمان را پس از طی دوره آموزشی در بحرین به عربستان سعودی بفرستد، لیکن وی احساس می کرد که زندگی در عربستان سعودی محدودتر از عمان خواهد بود و به همین دلیل به کویت رفت.

در کویت از سال ۱۹۵۴ تا سال ۱۹۶۳ در یک کارگاه دولتی به عنوان مسئول تدارک و تجهیز دفاتر متعدد دولت کویت به کار پرداخت. در همین مدت وی به تحصیل نیز پرداخت. وی می گوید از طریق کنسولگری آمریکا درسهای بسیاری را از دانشگاه لندن گذرانید. وی در امور اقتصاد، زبان انگلیسی و عربی و تاریخ درسهایی گذراند و توانست پایان نامه ای معادل پایان نامه دبیرستان انگلستان را دریافت نماید. (حدود یک سال تحصیلات کالج) در سال ۱۹۶۲ وی در نشریه کویتی تایمز به کار پرداخت و در بخش سردبیری به تهیه مطالب از نشریه عربی برای نشریه انگلیسی زبان پرداخت.

در سال ۱۹۷۰، سلیمان برای اولین بار به خارج از جهان عرب یعنی اروپای غربی سفر کرد. وی به ایتالیا و آلمان رفت و هنگامی که در زاگرب به سر می برد دریافت که سلطان پیر سرنگون شده و به جای وی قابوس بر تخت سلطنت نشسته است. وی به کویت بازگشت و بار دیگر در روزنامه تایمز کویت به کار پرداخت. در سال ۱۹۷۲ وی به مسقط رفت، چون می دانست که دولت جدید قابوس به استخدام عمانی های خارج از وطن مشغول است. ولی یکی از اقوام احمد مکی معاون وزیر خارجه وقت بود. مکی هنوز هم یکی از حامیان سلیمان به حساب می آید. سلیمان به کویت بازگشت و در سال ۱۹۷۳ دعوت نامه ای برای کار در وزارت امور خارجه عمان دریافت کرد.

با کمترین آموزش رسمی، از ژوئیه ۱۹۷۳ سلیمان به سفارت عمان در واشنگتن منصوب شد. وی به مقام دبیر اولی رسید و در سال ۱۹۷۴ به عنوان کنسول سفارت به کار مشغول شد. وی در این سفارت که مرکب از سه مقام بود به عنوان مقام دوم کار می کرد و در غیاب سفیر مکی به عنوان کاردار عمل می کرد.

سلیمان فردی متفکر، کنجکاو و دارای نظریات جنجال سیاسی کمتری است. وی شدیداً معتقد است که دولت های عربی باید با کندی هم که شده در جهت نوعی از مشروطه اقدام کنند. وی معتقد است

دولت عربستان سعودی بسیار محافظه کار است و نمی تواند به عنوان یک نمونه سیاسی در خاورمیانه درآید. و می گوید این محافظه کاری به کشورهای تندرو منطقه چون جمهوری دموکراتیک خلق یمن از نظر ایدئولوژیک امتیاز بسیار می دهد. وی معتقد است عمان نیز باید در جهت پدید آوردن نوعی از مشروطه قدم بردارد، لیکن زمان را برای این کار مناسب نمی داند. او از طرفداران سید طریق عموی سلطان قابوس و نخست وزیر پیشین عمان است، که خواستار ایجاد سلطنت مشروطه در عمان می باشد.

ظاهراً سلیمان تحت تأثیر سالهای اقامت خود در کویت قرار گرفته است. وی کویت را کشوری پیشرفته و همراه با آزادیهای قابل ملاحظه دموکراتیک و نهادهای دموکراتیک بسیار می داند و آن را در عین حال دارای خانواده حاکمه نیرومند می داند. هنگام کار در تایمز کویت، وی شاهد آزادی کامل مطبوعات کویت در مورد رویدادهای خبری خارج از کویت بود، لیکن معتقد است که این نشریات در انتقاد از خانواده سلطنتی آزاد نیستند.

سلیمان از نقش خارجی ها در دربار سلطان متنفر و منزجر است. وی می گوید که او و دیگر عمانیها مانند سفیر مکی مایل هستند این وضع را در موقع مناسب تغییر دهند. خلاصه اینکه نظریات وی منعکس کننده نظریات یک ناسیونالیست میانه رو ناراضی است.

سلیمان دیپلماتی آگاه است و در طول خدمت خود در واشنگتن به رویدادهای سیاسی آمریکا علاقه نشان می داد و از هر فرصت برای فراگرفتن تجارت دیپلماتیک بهره برداری کرده است. عمق درک سیاسی و کنجکاوی وی مربوط به محدودیت تحصیلات رسمی اوست. اگر بخت یار وی باشد، احتمالاً یک حرفه دیپلماتیک بسیار مهم را در پیش خواهد داشت. او دارای همسری به نام فخریه و سه فرزند است.

انتصاب سفیر جدید عمان در ایران

سند شماره ۱۱۳

محرمانه۴ ژوئن ۱۹۷۹ ۱۴ خرداد ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، کویت ۲۶۸۶به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در مسقط، تهران

مرجع: الف) وزارت امور خارجه ۱۳۲۰۱۶، ب) مسقط ۷۸۴، پ) کویت ۲۹۹۳

موضوع: انتصاب سفیر جدید عمان در ایران

۱- (محرمانه – تمام متن)

۲- سفیر عمان در کویت، «قاسم الجمالی» به طور محرمانه در ضیافتی که برای بازدید رئیس جمهور بنگلادش در ۳ ژوئن ترتیب داده شده بود به من گفت به عنوان سفیر جدید کشورش در ایران برگزیده شده است و فکر می کند در پایان رمضان کار جدید خود را آغاز کند.

۳- سفیر الجمالی گفت که جان سفیر کنونی عمان در تهران چندین بار مورد تهدید قرار گرفته بود و همین موضوع سبب عصبی شدن و تمایل وی به مراجعت از ایران شده است. الجمالی در مورد ناراحتی هایی که ممکن است در انتصاب جدید برایش پیش بیاید اصلاً نگران نبود، فقط می گفت که چون مدارس انگلیسی زبان تهران تعطیل شده اند وی نمی تواند همسر و

دو فرزندش را به همراه خود به آنجا ببرد.

۴- سفیر عمان با من و دیگر کارمندان سفارت آمریکا بسیار صمیمانه برخورد می کرد. با وجود مشورتهای زیادمان قبل از وارد شدن به صحنه سیاسی کمپ دیوید و قراردادهای مصر و اسرائیل، پس از حمایت اخیر سلطان عمان از اعمال رئیس جمهور سادات، به طور مکرر و بیشتر با یکدیگر مشورت می کردیم.

۵- الجمالی در کویت بسیار فعال بود و با اعضای مختلف جامعه محلی کویتی و غیرکویتی دائماً در تماس بوده است. او به جمع آوری اطلاعات «جاسوسی» بسیار علاقه مند است و دائماً هم آنها را با من در میان می گذاشت. ظاهراً وی با وزارت امور خارجه نیز دائماً در تماس است. بنا به گزارشات، وی از مواضع کنونی عمان کاملاً حمایت کرده است.

۶- سفیر الجمالی می تواند یکی از بهترین رابط ها برای سفارت آمریکا در تهران باشد. نمی دانم که آیا وی خواهد توانست با همان حرارت پیشین در ایران نیز به جمع آوری اطلاعات بپردازد یا نه، ولی بد نیست آخرین مواضع آمریکا که نشانگر منافع دوجانبه نیز هست با وی در میان گذاشته شود.

۷- خانم مونا الجمالی یک زن زیبا و دارای شخصیتی آرام و جالب است. وی بیش از دیگر همسران سفیران در اجتماعات محلی فعال بوده و در میهمانی دیپلماتهای کویتی چندین بار چای سرو کرده است.

مایسترون

حکام شیخ نشین های خلیج فارس

سند شماره ۱۱۴

سری

[موضوع]: حکام شیخ نشین های خلیج فارس

ابوظبی شیخ زاید بن سلطان آل نهیان

وی در سال ۱۹۶۶، پس از برکناری برادر محافظه کار و پول دوستش شاخبت (که بنا به گفته ای منابع عظیم ثروتش را در جعبه هایی در زیر تخت خود نگاه می داشت) به دست انگلیس به قدرت رسید. در ابتدای تکیه زدن بر تخت فرمانروایی، انگلیس او را به دیده احترام می نگریست لیکن سیاست های نادرست مالی و ولخرجی هایش که ابوظبی را به ورطه ورشکستگی کشاند، سبب شد انگلیس در طرز فکر خود نسبت به او تجدیدنظر کند. گرچه درآمد نفتی ابوظبی (که امسال حدود ۹۰ میلیون پوند انگلیس خواهد بود) امتیاز رهبری او را در میان شیخ نشینها بیشتر می کند، لیکن گمان می رود رقیب اصلی او یعنی شیخ راشد از دوبی مدیر و رهبر شایسته تری باشد. زاید ظاهراً مردی منطقی است و از لزوم همکاری بین ایران و

شیخ نشین ها شدیداً حمایت می کند. در دو سال گذشته او چند بار به ایران سفر کرد. او یک فرزند پسر به نام خلیفه دارد که احتمالاً معاون یا جانشین فرمانروا خواهد بود.

عجمان شیخ راشد بن حمید

راشد که یک چهره مردمی میانه رو در میان شیخ نشین ها است وزنه سیاسی چندانی به حساب نمی آید. عجمان که یک جزیره کوچک محصور در شارجه است، پایگاه سیاسی چندانی برای وی فراهم نیاورده و احتمالاً او را به عنوان یک چهره ثانی در دورنمای خلیج فارس حفظ خواهد کرد. یکی از دختران وی همسر فرمانروای فجیره است.

بحرین شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه

شیخ عیسی که از سال ۱۹۶۱ فرمانروای بحرین بود کمتر از برادرش یعنی شیخ محمد بن سلمان آل خلیفه توانمند است، چون برادر وی مهم ترین فرمانروای با نبوغ خانواده حاکمه به حساب می آمد. تصمیم انگلیس مبنی بر خروج از بحرین سبب شد که عیسی به لزوم به دست گرفتن استقلال و ابتکار عمل پی ببرد، و تلاش کرد اعتبار بیشتری برای خود دست و پا کند. محافظه کاری اساسی او سبب تحریک ناسیونالیست ها و شورشیان عرب که او را بازیچه انگلیس می خوانند شده است. به نظر ناظران در بحرینی که رادیکالهای مختلف عربی در آن نفوذ کرده اند، عیسی شانس زیادی برای حضور در قدرت در چند سال آینده نخواهد داشت.

دوبی شیخ راشد بن سعید بن مکتوم

راشد که مستعدترین و آگاه ترین حکام شیخ نشین ها است، به نظر بسیاری از جمله معدود شیوخی است که تضادهای سیاسی و اقتصادی موجود درخلیج فارس را به خوبی درک کرده است. تقریباً به تنهایی او دوبی را به صورت یک شهر – کشور مترقی – درآورده است. راشد در فدراسیون امارات عربی نقش مهمی داشته گرچه این نقش همیشه سازنده نبوده است. در واقع او و دامادش شیخ احمد از قطر متهم به در هم شکستن اتحاد فدراسیون در پاییز گذشته شده بودند. راشد نیز مانند زاید، حامی همکاری ایران و شیخ نشینهاست، و چندین بار به ایران سفر کرده است. در پایان اجلاس فدراسیون امارات عربی، بعضیها وی را متهم کردند که بنا به دستور ایران سعی دارد در کنفرانس خرابکاری کند.

فجیره شیخ محمد بن حمد الشرقی

شیخ محمد که در میان شیخ نشین ها از محبوبیت چندانی برخوردار نیست از طرف انگلیس نیز مورد اعتماد شمرده نمی شود، چون او را یک توطئه گر می دانند. او در منطقه خلیج [فارس] از نظر سیاسی دارای اهمیت چندانی نیست.

قطر شیخ احمد بن آل ثانی

احمد که پس از خلع پدرش در سال ۱۹۶۰ به قدرت رسید، هرگز نتوانست قدرت و

اندیشه مشابه با عمو، ولیعهد و معاون فرمانروا یعنی خلیفه را نشان دهد. احمد می داند که خلیفه سعی دارد در فرصت مناسب وی را سرنگون سازد ولی او تاکنون از این کار ممانعت به عمل آورده است. او به قیمت تحمل برچسب طرفداری از غرب در سیاست های عربی خود را بی طرف نگاه داشته است. اعلام خروج انگلیس از خلیج [فارس] سبب شد که احمد فعالیت سیاسی بیشتری از خود نشان دهد، ولی هنوز معلوم نیست که این انرژی از خلیفه و یا از خود او ناشی می شود.

رأس الخیمه شیخ صقر بن محمد القاسمی

شیخ صقر که یک فرمانروای خوب و سخت کوش است آگاهیش بیش از حد میانگین است و دوبار به ایران سفر کرد تا پیرامون ادعای ایران در مورد تصرف جزایر تنب که رأس الخیمه نیز دعوی تصرف آن را دارد مذاکره نماید. ایرانیها در گذشته فکر می کردند که صقر به دعوت آنها پاسخ گوید، لیکن تلاش ایرانیها تاکنون نتیجه مثبتی نداشته است. در مانورهای فدراسیون امارات عربی، صقر همیشه خود را با احمد از قطر و راشد از دوبی پیوند داده و اصرار داشته که قرارگاههای دفاعی پیشنهادی در پایتخت او واقع شود.

شارجه شیخ خالد بن محمد القاسمی

خالد که یک محافظه کار بوده و بنا به گزارشهای رسیده یاران بدوی را ترجیح می دهد، قبل از رسیدن به قدرت در سال ۱۹۶۵ یک مغازه رنگ فروشی پرمنفعت در دوبی دایر کرده بود. در اثر فشار ایران در مورد جزیره ابوموسی، او با لجبازی تمام ادعای آن کشور را نپذیرفته است. ایران فکر می کرد که مسئله دعوی ابوموسی خیلی سخت تر از دعوی تنب باشد، چون شیخ نسبت به عکس العمل های تندروانه خیلی بیش از شیخ رأس الخیمه حساسیت نشان می داد.

ام القوین شیخ احمد بن رشید آل مولی

از احمد که چه در خارج و چه در داخل محبوب است و مردی با استعداد خوانده می شود به عنوان فردی دانا، رک گو، لایق و صلح طلب یاد می شود که معمولاً برای واسطه شدن در اختلافات ساحلی شیخ نشین ها از وی یاری طلبیده می شود. ولی چون شیخ نشین او کوچک است، نمی تواند در زمره فرمانروایان قدرتمند تر درآید و در امور خلیج [فارس] نیز نقش چندان مهمی ندارد.

مسقط و عمان شیخ قابوس بن سعید آل ابوسعید

تنها فرزند و وارث سلطان سعید بن تیمور آل بوسعید که اخیراً به جای پدر بر تخت نشست، در ۱۸نوامبر ۱۹۴۰ متولد شده است. او دوره دبیرستان را به انگلیس رفت و در

سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۲ در دانشگاه سند هرست انگلیس به تحصیل پرداخت. او گویا تحصیلات خود را به خوبی به پایان رسانیده بود. به علت حسادت و محافظه کاری، پدرش چندین سال او را مخفی نگاه داشت. به علت دوران طویل تحصیلات در انگلیس طرفدار بریتانیاست و در یکی از هنگ های انگلیس نیز از اوت ۱۹۶۲ تا فوریه سال ۱۹۶۳ خدمت کرده است. کسانی که قابوس را ملاقات کرده اند او را فردی آگاه، سخت کوش و کاملاً توانا توصیف می کنند.

ولیعهد بحرین؛ شیخ حمد بن عیسی بن سلمان آل خلیفه

سند شماره ۱۱۵

محرمانه

موضوع: ولیعهد بحرین؛ شیخ حمد بن عیسی بن سلمان آل خلیفه

محل و تاریخ تولد: بحرین، ۱۹۴۹

وی علاوه بر ولیعهدی، وزیر دفاع و فرمانده کل نیروهای مسلح نیز است.

وی در بحرین و انگلستان (سند هرست) تحصیل کرده است. و با یک دختر تحصیلکرده بحرینی ازدواج کرد که با او در انجام امور مشترک مساعی دارد. هر دوی آنها به زبان انگلیسی صحبت می کنند و حداقل یک فرزند (پسر) دارند.

حمد طرفدار غرب بوده و با مستشاران اردنی مستقر در ارتش خود رفتاری صمیمانه دارد.

فکر می کنم که حمد به آمریکا سفر کرده و مسافرتهای بسیار دیگری نیز انجام داده است. وی فردی جوان و خوش برخورد و در وهله اول گوشه گیر است ولی این اشکال نیز خیلی زود مرتفع می گردد. بحرین دارای یک ارتش ۱۱۰۰ نفری است، نیروی دفاعی بحرین متشکل از یک گردان پیاده و یک دسته زرهی (تانک و نفربر) است. علاوه بر این، یک نیروی گارد ۳۰۰ نفره متشکل از افراد قبیله ای عربستان سعودی نیز در این کشور وجود دارد.

بخش دوم/ روابط نظامی ایران و آمریکا

مراحل انتقال [تسلیحات] به کشور ثالث

سند شماره ۱۱۶

محرمانه۱۷ نوامبر ۱۹۷۴- ۲۶ آبان ۱۳۵۳

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی به: سفارت آمریکا، تهران

مرجع: الف- تهران ۸۷۵۲، ب- تهران ۹۶۴۴، پ- امان ۵۶۲۸

موضوع: مراحل انتقال [تسلیحات] به کشور ثالث

۱- پیرو درخواست مطرح شده در مرجع الف می توانید اطلاعات زیر را در ارتباط با رویه های دولت ایالات متحده برای انتقال اقلام دفاعی با مبدأ آمریکایی به کشورهای ثالث به مقامات ذیربط دولت ایران ارایه دهید. ادامه متن (بدون طبقه بندی).

۲- رویه های دولت ایالات متحده در ارتباط با انتقال اقلام دفاعی با مبدأ آمریکایی به کشور ثالث بر قوانین آمریکا و مقررات دولت مبتنی است. مرجع اساسی قانونی مربوط به چنین انتقال هایی بخش ۵۰۵ (E) از قانون اصلاح شده مساعدت های خارجی مصوب ۱۹۶۱، و بخش A۳ از قانون اصلاح شده فروش های نظامی خارجی مصوب ۱۹۶۸ است. (هر دو بخش دارای زبانی مشابه است به جز اشاراتی که در آنها به بخش یا بند قبلی قانون شده است) بدین شرح: «رئیس جمهور نمی تواند با هیچ درخواستی برای تصویب انتقال هرگونه سلاح، سیستم تسلیحاتی، مهمات، هواپیما، قایق نظامی، کشتی نظامی و یا سایر تجهیزات جنگی به یک کشور دیگر موافقت کند... مگر آنکه ایالات متحده خود حاضر باشد رأساً اقلام دفاعی مورد تقاضا را به آن کشور انتقال دهد و رئیس جمهور باید پیش از اعلام موافقت با چنین درخواستی، رئیس مجلس نمایندگان و کمیته روابط خارجی سنا را کتباً از قصد خود، دلایل موافقت با درخواست، اقلام دفاعی مورد نظر و کشور خارجی که قرار است اقلام دفاعی مزبور به آن انتقال یابد، مطلع سازد. علاوه بر این رئیس جمهور نمی تواند... با انتقال هر گونه اقلام دفاعی قابل توجه مندرج در فهرست تجهیزات نظامی ایالات متحده موافقت نماید مگر اینکه کشور خارجی درخواست کننده با خارج کردن اقلام دفاعی مورد نظر از حالت نظامی پیش از انتقال آنها موافقت نماید، و یا کشور خارجی دریافت کننده کتباً به دولت ایالات متحده تعهد دهد که چنانچه اقلام دفاعی مورد نظر از حالت نظامی خارج نشده باشند بدون کسب اجازه از رئیس جمهور، آنها را به یک کشور یا شخص خارجی دیگر انتقال نخواهد داد.»

۳- بخش هایی که در بالا- از قانون مساعدت های خارجی و قانون فروش های نظامی خارجی ذکر شد برای انتقال هر گونه اقلام دفاعی چه با مبدأ مساعدت های نظامی (قانون مساعدت های خارجی) و چه با مبدأ فروش های نظامی خارجی به شخص ثالث، به استثنای انهدام اقلام اسقاطی، صدق می کند (حتی در ارتباط با انهدام اقلام اسقاطی نیز کسب اجازه ضروری است.) این امر بدین معناست که چنانچه ایالات متحده یک هواپیمای نظامی را در اختیار کشوری قرار می دهد، حال چه به صورت کمک های بلاعوض تحت قانون مساعدت های خارجی و چه از طریق فروش نقدی یا اقساطی تحت قانون فروش

های نظامی خارجی، مفاد این بخش های

قانونی باید رعایت شود. این امر در ارتباط با اقلام دفاعی تولید شده تحت لیسانس آمریکا در خارج از کشور، چنانچه محصول نهایی شامل اقلام دفاعیِ مشمول قانون مساعدت های نظامی خارجی و یا فروش های نظامی خارجی باشد، صدق می کند. سیاست های ایالات متحده چنین اقتضا می کند که معیارها و رویه های یکسانی نیز در ارتباط با [انتقال های مجدد] همه اقلامی که از طریق فروش های نظامی خارجی تأمین شده اند، به کار گرفته شود. صرف نظر از اینکه یک قلم چند بار ممکن است انتقال یابد، هر بار باید این مراحل طی شود.

۴- سه محور اصلی مطرح شده در این بخش های قانونی عبارتند از: (۱) آیا ایالات متحده خود حاضر است اقلام دفاعی تقاضا شده را رأساً به کشور مورد نظر انتقال دهد؛ (۲) اطلاع قبلی به کنگره در صورتی که رئیس جمهور قصد موافقت با درخواست انتقال را داشته باشد؛ و (۳) خارج کردن اقلام دفاعی مورد نظر از حالت نظامی و یا کسب تعهدنامه کتبی از کشور دریافت کننده در ارتباط با اقلام قابل توجه دفاعی (پیش از موافقت با درخواست). در ارتباط با محور اول، ممکن است کشور ثالثی که برای دریافت اقلام پیشنهاد شده است به موجب قانون مساعدت های خارجی و یا قانون فروش های نظامی خارجی صلاحیت دریافت مستقیم هیچکدام و یا برخی از اقلام دفاعی را از ایالات متحده نداشته باشد، و یا شاید کشور مزبور به موجب سیاست های جاری دولت سلب صلاحیت شده باشد. در هر دو حالت، آمریکا رأساً اقلام دفاعی را به کشور مورد نظر انتقال نخواهد داد و بنابراین نمی تواند انتقال آن اقلام را به کشور مورد نظر از یک کشور دیگر تصویب کند.

شرط اطلاع قبلی به کنگره در ارتباط با تصویب انتقال های شخص ثالث در سال ۱۹۷۳ توسط کنگره در قانون مساعدت های خارجی گنجانده شد. پیش از آن کنگره فقط گزارش های نیم سالانه ای در ارتباط با این نوع انتقال ها دریافت می کرد.

تعهد مربوط به انتقال شخص ثالث که باید به موجب قانون مساعدت های خارجی و قانون فروش های نظامی خارجی از دریافت کننده پیشنهادی کسب شود، باید دارای شرایط زیر باشد: (الف) کتبی باشد؛ (ب) به دولت ایالات متحده تسلیم شود؛ و (پ) تصویب پیش از انتقال کسب شود.

۵- چنانچه [یک کشور] اقلام دفاعی قابل توجهی تحت شرایط صرفاً تجاری کسب کند، یعنی بدون طی مراحل برنامه مساعدت های نظامی و فروش های نظامی خارجی، آنگاه شرایط قانونی فوق در مورد آن قابل اجرا نخواهد بود. با وجود این، ایالات متحده همسو با سیاست هایش و مقررات اجرایی، همچنان معیارهای مربوط به صلاحیت کشورهای دریافت کننده و تعهد شخص ثالث را به کار خواهد بست. شرط تعهد شخص ثالث همیشه در ترتیبات مربوط به صدور مجوز و یا اسناد صادرات از سوی دولت آمریکا گنجانده می شود، که به موجب آن کشور دریافت کننده تعهداتی در قبال انتقال اقلام دفاعی مورد نظر به دولت آمریکا تسلیم می کند، که این شرط در مورد انتقال های بعدی اقلام مزبور نیز صادق خواهد بود.

۶- این مسئله که چه چیزی یک قلم دفاعی «قابل توجه» را در فهرست تجهیزات نظامی ایالات متحده تشکیل می دهد در پاورقی های مربوط به بخش های (۱۲۳ .۱۰)D و (۱۲۴ .۱۰ (۲) (M مقررات انتقال بین المللی سلاح توضیح داده شده است (برای اطلاع می توانید رجوع کنید به ۱۰. ۱۸۰ FAM، ضمیمه A) نسخه های این مقررات از اداره انتشارات دولت ایالات متحده قابل تهیه است. با وجود این، مسئله فوق در گذشته مشکلی ایجاد نکرده است، زیرا عملاً همه درخواست های انتقال شخص ثالث به اقلام قابل توجه، نظیر آنچه در جمله اول بخش های مربوط به قوانین مساعدت های خارجی و فروش های نظامی خارجی آمده، مربوط بوده است. چنانچه ابهامی در این ارتباط وجود داشته باشد، کشوری که پیشنهاد انتقال را ارایه داده است باید از دولت ایالات متحده کسب تکلیف کند.

۷- کشوری که پیشنهاد انتقال اقلام دفاعی را دارد باید با تسلیم درخواست تصویب پیشنهادش به دولت آمریکا، مراحل رسیدگی را به جریان بیاندازد. در ارتباط با انتقال شخص ثالث، وزارت امور خارجه وظایف ریاست جمهوری را بر عهده دارد. بنابراین درخواست انتقال اقلام دفاعی باید به وزارت امور خارجه تسلیم و رونوشت آن برای اطلاع به وزارت دفاع ارسال گردد. وزارت امور خارجه پس از مشورت با وزارت دفاع در این مورد تصمیم گیری و (در صورت لزوم) آن را جهت تصویب به کنگره ابلاغ می کند. پس از یک دوره انتظار ده روزه به دنبال ابلاغ تصمیم به کنگره، به کشوری که درخواست تصویب انتقال اقلام دفاعی را تسلیم کرده است اطلاع می دهیم که قصد تصویب درخواست مزبور را داریم، ولی پیش از آن تعهدات مربوط به انتقال شخص ثالث باید از دریافت کننده پیشنهادی کسب و تسلیم دولت ایالات متحده گردد. ایالات متحده خود رأساً از طریق سفارتش در کشور پیشنهادی، مبادرت به این امر خواهد کرد. پس از دریافت تعهدات مزبور و حصول اطمینان از مطابقت آنها با قوانین و مقررات ایالات متحده، به کشوری که درخواست تصویب انتقال را کرده است ابلاغ می کنیم که موافقت نهایی با این درخواست صورت گرفته است. پایان متن (بدون طبقه بندی)

۸- برای اطلاع شما، در ارتباط با گزارش انتقال هواپیماهای اف-۵ از سوی دولت ایران به اردن، چنانکه در تلکس مرجع ب گفته شد، وزارت امور خارجه پیش از به جریان انداختن مراحل انتقال شخص ثالث که در بالا ذکر شد، منتظر روشن شدن تعداد هواپیماهای فوق است.

کیسینجر

انتقال سلاح از سوی ایران

سند شماره ۱۱۷

محرمانه۲۷ اوت ۱۹۷۵- ۵ شهریور ۱۳۵۴

از: سفارت آمریکا، تهران به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

موضوع: انتقال سلاح از سوی ایران

۱- چنانکه وزارت آگاهی دارد، به کرّات توجه مقامات دولت ایران را به قوانین و مقررات

دولت ایالات متحده در ارتباط با انتقال [تسلیحات] به کشورهای ثالث جلب کرده ایم، و باز هم این کار را خواهیم کرد. سفیر اخیراً در تاریخ ۱۸ اوت درباره این موضوع با شاه گفتگو کرد. او نیز مثل همه مقامات عالی رتبه ایرانی کاملاً از این قوانین و شرایط آگاه است و مطمئن هستیم که قصد رعایت کلیه این مقررات را دارد.

۲- با وجود این، فشارهای خارجی و ماهیت سازمان ارتش ایران بر خلاف این قصد و اراده است. ابتدا اینکه ایران سخت افزار نظامی معتنابهی کسب کرده و دارد کسب می کند. ایران در محاصره کشورهای فقیرتری است که خود را با تهدیدهای امنیتی و در نتیجه نیاز به تجهیزات نظامی مواجه می بینند. ایران در حکم کشوری با سنت دیرینه همبستگی اسلامی و کمک به همسایگان فقیرترش و همچنین آرمانش برای نفوذ در منطقه، احساس می کند که باید به درخواست مساعدت های نظامی همسایگانش، به ویژه اردن و پاکستان پاسخ مثبت دهد. مسئله انتقال سلاح دو سر دارد که آمریکا می تواند بر هر دو اعمال نفوذ کند، یعنی دریافت کننده و انتقال دهنده. تا به حال ما عمدتاً مسئله را از سر دومش، یعنی انتقال دهنده، مورد بحث و بررسی قرار داده ایم.

۳- نکته دوم اینکه ارتش ایران ماشینی با بازده کامل نیست که فرمانی از سوی مافوق صادر شود و بدون هیچ انحرافی از سوی زیردست اجرا گردد. چنانچه انتقال [تسلیحات] به دست افسران بی تجربه ای انجام گیرد که با قوانین دولت ایالات متحده آشنایی ندارند، آن وقت باید منتظر نقض غیرعمدی قوانین نیز باشیم. نیروهای مسلح ایران دارای نیروهای کارآزموده و یا کاملاً هماهنگی نیستند که چنین امکانی به صفر برسد.

۴- بنابراین، پیشنهاد می کنیم از سفیران آمریکا در امان و اسلام آباد خواسته شود تا با مقامات عالی رتبه کشورهای میزبان (از جمله حسین و بوتو) تماس بگیرند و خطرات ذاتی ترتیبات پنهانی انتقال تجهیزات نظامی با مبدأ آمریکایی از ایران به کشورهای ثالث را برای آنها تشریح کنند. چنین ترتیباتی بالاخره فاش خواهد شد. باید تأکید شود چنانچه قوانین و مقررات ایالات متحده نقض گردد، در نتیجه واکنش کنگره، احتمالاً به نقش آمریکا در این منطقه و روابط نظامی این کشور با ایران، اردن و پاکستان لطمه وارد خواهد شد. محور گفتگوها باید اصرار بر این نکته باشد که دولت اردن و دولت پاکستان ما را از تقاضایشان برای تجهیزات نظامی با مبدأ آمریکایی از ایران مطلع سازند. زمانی که از پیش نسبت به انتقال چنین تجهیزاتی اطلاع یابیم، آنگاه می توانیم رویه های لازم برای انجام انتقال مزبور را آغاز کنیم؛ البته اگر چنین ترتیباتی با سیاست های ایالات متحده موافق باشد.

۵- به اعتقاد ما چنانچه وزارت چنین طرحی را مفید تشخیص می دهد، باید در اسرع وقت رهنمودهایی در اختیار سفیران آمریکا در امان و اسلام آباد قرار گیرد، البته پیش از آنکه تیمسار توفانیان بابت انتقال تجهیزات نظامی بیشتر به پاکستان (که در یک تلکس جداگانه برایتان ارسال می گردد) با ما تماس بگیرد. اگر چنین پیشنهادی به جای اینکه در اختیار توفانیان قرار

بگیرد به نیروی هوایی و یـا نیروی زمینی ارتش شاهنشاهی ارسال می شـد، احتمالاً مراحل کار بـدون مشورت با ما صورت می گرفت. همین مسئله بر لزوم حل مشکل انتقال [تجهیزات نظامی] از هر دو سو، یعنی انتقال دهنده و دریافت کننده، تأکید دارد.

هلمز

درخواست شاه برای اطلاعات مربوط به انتقال [تسلیحات] به کشور ثالث

سند شماره ۱۱۸

محرمانه ۲۱ اکتبر ۱۹۷۵- ۲۹ مهر ۱۳۵۴

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی به: سفارت آمریکا، ایران

مرجع: تهران ۶۴۷۹

موضوع: درخواست شاه برای اطلاعات مربوط به انتقال [تسلیحات] به کشور ثالث

۱- موارد زیر رهنمودی برای پاسخ به درخواست شاه (بندهای ۲ و ۳ تلکس مرجع) برای اطلاعات مربوط به قوانین آمریکا در انتقـال اقلام نظامی تولیـد شـده در یک کشور خارجی با اسـتفاده از اطلاعات فنی کسب شـده از ایالات متحـده به یک کشور ثالث است.

۲- قوانین آمریکا به منظور کنترل انتقال تجهیزات و فناوری دفاعی برای حصول اطمینان از همسو بودن صـدور اقلام حساس با سیاست خارجی ایالات متحـده، وضع شده است. قوانین موجود حوزه شـمول کنترل های مزبور را به کل صادرات تجهیزات و فناوری نظامی، و نه فقط اقلام موجود در انبارهای نیروهای مسـلح ایالات متحـده، بسط می دهـد. محدود ساختن حوزه شـمول چنین کنترل هایی به اقلام موجود در انبار های ایالات متحده، در واقع نقض غرض کنترل های صادراتی خواهد بود، زیرا کلیه صادرات بالقوه تجهیزات و فناوری دفاعی در این مقوله جای نمی گیرند.

۳- اختیـارات دولت در ارتبـاط بـا انتقـال فنـاوری دفاعی به موجب دو مرجع اساسـی محـدود می شود. ابتـدا قانون فروش های نظامی خارجی است که به موجب آن انتقال هر گونه اقلام دفاعی فروخته شـده از سوی آمریکا در چارچوب این قانون باید به تصویب دولت آمریکـا برسـد. طبق تفسیر، قـانون مزبور اقلـام دفـاعی را نیز که با اسـتفاده از اطلاعات فنی ارایه شـده از سوی دولت ایالـات متحـده در چـارچوب این قـانون در خـارج از کشور تولیـد می شونـد شامـل می شود. قـانون فروش های نظامی خارجی فقط اجازه تصویب مورد به مورد را به دولت آمریکا داده است. دومین مرجع «مقررات انتقال بین المللی سـلاح» است که به استناد بند ۴۱۴ قانون اصـلاح شده امنیت متقابل مصوب ۱۹۵۴ تـدوین شده است. مقررات فوق ناظر بر صادرات تجاری اقلـام و فنـاوری موجـود در فهرسـت تسـلیحاتی ایالـات متحـده و همچنیـن صـدور مجوز تولیـد چنیـن اقلـامی در خـارج از

آمریکـاست. طبـق این مقررات، شـرط موافقت بـا صـدور مجوز تولیـد اقلام مزبور در هر کشور، آن است که کشور دریـافت کننـده مجوز موافقت کنـد که بـدون موافقت قبلی دولت ایالات متحـده هیچگونه اقلامی را که با اسـتفاده از فناوری خریداری شده

از آمریکا تولید می کند، به هیچ شخصی خارج از حوزه مشخص شده در مجوز، که در واقع حوزه مجاز برای فروش آن اقلام است، انتقال ندهد. طبق مقررات انتقال بین المللی سلاح، ایالات متحده به لحاظ تئوری می تواند در مجوز اصلی با حوزه فروش وسیعی موافقت کند. با وجود این، رویه ایالات متحده عملاً این بوده که همسو با مسئولیت هایش برای اجرای اهداف بند ۴۱۴ قانون فوق، حوزه فروش را بسیار محدود کند. در بسیاری از موارد، حوزه فروش به کشوری که فناوری را خریداری کرده، محدود می شود. موافقت با انتقال اقلام به خارج از حوزه فروش مشخص شده در مجوز، فقط با بررسی های مورد به مورد امکان پذیر است.

۴- علاوه بر این محدودیت های دولتی، ممکن است ملاحظات تجاری مهمی نیز وجود داشته باشد. هر شرکت آمریکایی به هنگام تقاضای مجوز صادرات فناوری، حوزه فروش پیشنهادی خود را نیز بر اساس طرحش برای تقسیم بازار بالقوه محصول مورد نظر با خریدار خارجی به ضمیمه تسلیم می کند. ممکن است دولت آمریکا در بررسی تقاضای مزبور از شرکت فروشنده بخواهد حوزه پیشنهادی محدودتری انتخاب کند. پس از آنکه مجوز صادر شد، درخواست برای تصویب فروش محصول مورد نظر به خارج از حوزه فروش مجاز باید توسط شرکت آمریکایی به دولت آمریکا تسلیم شود و نه خریدار خارجی؛ احتمال دارد شرکت آمریکایی به منظور حفظ بازار خودش از تسلیم چنین درخواستی به دولت خودداری کند. دولت ایالات متحده هیچ کنترلی، تأکید می کنم، هیچ کنترلی بر چنین تصمیماتی ندارد.

۵- در ارتباط با قابل اجرا بودن قوانین و مقررات ایالات متحده در ارتباط با موارد خاصی که شاه ذکر کرده است، بند ۲ همین پیام دلایل لزوم تصویب قبلی انتقال هر گونه تسلیحاتی که دولت ایران ممکن است تحت قراردادش با شرکت «اِرس» تولید کند به کشورهای ثالث را توضیح می دهد. حتی تحت مقررات انتقال بین المللی سلاح نیز برای سلاح ها و هلیکوپترهای نظامی و سایر اقلام قابل توجه، رویه دولت آمریکا در تصویب مجوز تولید این بوده که با تصویب حوزه های نسبتاً محدود حوزه فروش در مجوز اصلی، گزینه بررسی های مورد به مورد پیشنهاد برای فروش محصولات مورد نظر را برای خود محفوظ نگاه دارد. تعقیب چنین رویه ای به آمریکا اجازه می دهد در صورت تغییر روابط دیپلماتیک و لزوم تغییر سیاست ها از منافع خود حفاظت کند. می توان تصور کرد که روابط ایالات متحده با کشوری که در محدوده یک حوزه فروش بزرگ قرار دارد ممکن است به قدری تغییر کند که دیگر ایالات متحده مایل نباشد آن کشور تجهیزاتی را که با استفاده از فناوری آمریکایی ساخته شده است، خریداری کند. ما، در حال حاضر نمی توانیم نظریه ای داشته باشیم.

۶- در بحث بر سر مسئله هلیکوپترها با شاه، پیشنهاد می کنیم این خط را دنبال کنید که تجربه نشان داده تصویب مورد به مورد درخواست ها لزوماً کار شاقی نیست و اینکه دولت ایالات متحده حاضر است درخواست برای تصویب انتقال هلیکوپترهایی را که ممکن است در ایران تولید شود فوراً مورد بررسی قرار دهد. فرض ما این است که اولین هلیکوپترهای تولید

شده در ایران برای رفع نیازهای داخلی مورد استفاده قرار گیرد و در سالهای اولیه تولید، کمتر تقاضایی برای انتقال هلیکوپترها مطرح شود. هر زمان صنایع هلیکوپتر سازی ایران به نقطه ای رسید که صادرات زیاد هلیکوپتر امکان یافت، چنانچه شرکت آمریکایی صاحب فناوری تمایلی به این امر داشت، دولت آمریکا حاضر است مسئله بسط حوزه فروش را مورد بازبینی قرار دهد. در حال حاضر نمی توانیم هیچ تعهدی بر عهده بگیریم.

اینگرسل

درخواست شاه برای اطلاعات مربوط به انتقال [تسلیحات] به کشور ثالث

سند شماره ۱۱۹

سرّی ۳۰اکتبر ۱۹۷۵- ۸ آبان ۱۳۵۴

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

مرجع: الف- وزارت امور خارجه ۲۴۹۵۴۸، ب- تهران ۶۴۷۹

موضوع: درخواست شاه برای اطلاعات مربوط به انتقال [تسلیحات] به کشور ثالث

۱- توجه شما را به مطالب مندرج در مرجع ها در ارتباط با امکان فروش سیستم های تسلیحاتی تولید شده تحت لیسانس آمریکا در ایران به کشورهای ثالث جلب می کنم. چنانکه آگاه هستید، مسئله تولید مشترک تجهیزات دفاعی اهمیت ویژه ای برای شاه در تلاشش برای ارتقای پایه فنی ایران دارد. یکی از ابعاد اقتصادی مهم طرح شاه شامل صدور اقلام تولید شده در ایران به کشورهای منطقه است. ماههاست که آژانس های مستقر در واشنگتن، شرکت های آمریکایی، و ما مشغول بحث و گفتگو درباره این مسایل بوده ایم و ظاهراً داریم به تصمیمات مهم و نهایی در ارتباط با تولید هلیکوپتر و موشک های تاو و «ماوریک» نزدیک می شویم. شاه خیلی واضح گفته است که مصر به خرید هلیکوپترهای تولید شده در ایران ابراز تمایل کرده است.

۲- به اعتقاد ما دولت ایران مستحق آن است که اطلاعات دقیق تری از آنچه در مرجع الف درباره مواضع آمریکا در قبال فروش سیستم های تسلیحاتیِ تحت لیسانس آمریکا در ایران به کشورهای منطقه آمده است، دریافت کند. ما هیچ مشکلی در ارتباط با ابلاغ بخش مربوط به قوانین و مقررات ایالات متحده به دولت ایران نداریم زیرا شخصیت های اصلی ایران با قوانین مرتبط با انتقال تجهیزات خریداری شده آشنا هستند. ولی مشکلی که صرفاً با ابلاغ قوانین وجود دارد این است که پاسخی به دل مشغولی شاه نمی دهد. او صدها میلیون دلار در پروژه های تولید مشترک سرمایه گذاری خواهد کرد، بنابراین باید حتی الامکان اطلاعات کاملی درباره امکانات اقتصادی این تعهدات داشته باشد. آیا او می تواند به فروش های منطقه ای متکی و امیدوار باشد یا خیر؟ مطمئناً تأیید می کنید که هیچ شاه یا تاجر باکفایتی بدون انتظار سود یا مسایل جبرانی دیگری نظیر

آموزش و انتقال فناوری، دست به اجرای چنین پروژه هایی نمی زند.

۳- به این نکته توجه داشته باشید که برخورد انتزاعی دولت آمریکا با این مسئله که آیا فروش سیستم های تسلیحاتی تولید شده در ایران را تصویب خواهیم کرد یا خیر، برای دولت ایالات متحده بسیار دشوار است. مسئله فروش های آتی برخی تسلیحات به برخی کشورها نیز بسیار مشکل ساز خواهد بود، ولی به اعتقاد ما این مشکلی است که می تواند، و باید، هم اینک حل شود. بنابراین، در صورت موافقت شما، اطلاعات حقوقی مندرج در مرجع الف را در اختیار دولت ایران قرار بدهیم و از ایرانی ها بخواهیم تا اطلاعاتی درباره طرح های پیشنهادی شان برای فروش سیستم های دفاعی به کشورهای منطقه به ما ارایه دهند. آنگاه از وزارتخانه خواهیم خواست تا تصمیم بگیرد آیا ایرانی ها اجازه دارند برای فروش مثلاً فلان تعداد هلیکوپتر به مصر ظرف مثلاً فلان مدت برنامه ریزی کنند یا خیر. به عبارت دیگر، اجازه بدهید بررسی های مورد به مورد را به جای آنکه پس از سرمایه گذاری ایران در تأسیسات تولید مشترک انجام دهیم، همین حالا انجام دهیم. البته بدیهی است که می توانیم در پاسخ مان به ایران مفادی نیز برای تعویق اجرای این برنامه ها جهت حفاظت از مواضع مان در صورت بروز هرگونه رویداد غیرمنتظره در آینده، بگنجانیم.

هلمز

درخواست شاه برای اطلاعات مربوط به انتقال [تسلیحات] به کشور ثالث

سند شماره ۱۲۰

محرمانه۵ نوامبر ۱۹۷۵- ۱۴ آبان ۱۳۵۴

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی به: سفارت آمریکا، تهران

مرجع: الف- تهران ۱۰۵۷۳، ب- وزارت امور خارجه ۲۴۹۵۴۸

موضوع: درخواست شاه برای اطلاعات مربوط به انتقال [تسلیحات] به کشور ثالث

سفیر: از معاون وزیر اینگرسل

۱- مواضع مان را در پرتو نگرانی های قابل درک شما که موجب ارسال آن پیام شد بار دیگر مرور کردم. مایل بودم می توانستم در حال حاضر کمک بیشتری به شما بکنم، ولی به خود اطمینان خاطر داده ام که سیاست ما با تصمیم رئیس جمهور و همچنین منافع دولت ایالات متحده همخوانی دارد.

۲- متعاقب تحقیقاتی که از سوی کمیته معاونت وزیران بر روی مسایل مربوط به تولید مشترک در ایران صورت گرفت، ماه مارس گذشته به رئیس جمهور توصیه کردم که فروش کلیه اقلامی که به طور مشترک در ایران تولید شده، به کشورهای ثالث، باید قبلاً به طور کتبی و مورد به مورد به تصویب ایالات متحده برسد... دولت ایران باید در طول مذاکراتی که بابت

یک پیشنهاد خاص صورت می گیرد از این امر اطلاع یابد. این توصیه در تاریخ ۲ می به تصویب رئیس جمهور رسید.

چگونگی توضیح این مسئله را در گفتگوهای آینده شما با شاه به خودتان وامی گذارم، ولی

به هر حال باید اطمینان حاصل کنید که او کاملاً سیاست ما را درک کرده باشد.

۳- پاسخ ما به درخواست شاه برای ابراز مواضع قطعی مان در ارتباط با این موضوع (مرجع ب) در واقع تا حدود زیادی بر جنبه های حقوقی - قانونی آن متمرکز بود، به این دلیل که به اعتقاد ما باید بتوانید توضیح کاملاً روشنی از محدودیت های حاکم بر اقدامات ما به ایشان ارایه دهید. بسیار گمراه کننده- و شاید هم بدتر از آن- بود که نشان دهیم حاضریم تعهداتی بر عهده بگیریم که در واقع ممکن است تحت شرایط متفاوتی در آینده توان ایفای آن را نداشته باشیم. آنگونه که از وضعیت موجود برداشت کرده ام، چنانچه ایران تصمیم بگیرد یک یا چند پروژه تولید مشترک را به مورد اجرا بگذارد، سالها طول می کشد تا اولین اقلام مورد نظر از خط تولید بیرون بیاید.

فرض ما این است که اولویت ایران برای تأمین نیازهای داخلی و پر کردن انبارهای خودش باشد و همین مسئله می تواند تا زمانی که امکان صادرات اقلام فوق جدی تر شود، اهمیت صادرات را به تعویق بیاندازد.

۴- چنانکه می دانید، انتقال تجهیزاتِ تحت کنترل ایالات متحده به کشورهای ثالث فقط می تواند به کشورهایی مجاز باشد که ایالات متحده خودش حاضر است مستقیماً همان تجهیزات را به آن کشورها انتقال دهد و یا بفروشد. بنابراین نباید وانمود کنیم که در حال حاضر می دانیم چه سیاست هایی در موقعیتی نامعلوم در آینده در این ارتباط قابل اجرا خواهد بود، به ویژه در ارتباط با مصر.

در حال حاضر، مسئله کلی روابط آتی دو کشور در زمینه تأمین ملزومات نظامی در حال بررسی است. بسته به نوع نتایجی که به دست خواهد آمد، ممکن است مشورت مفصل با کنگره ضروری باشد. این هم یک دلیل خاص و اضافی برای اینکه در حال حاضر نمی توانیم هیچگونه تعهدی در قبال فروش آتی تجهیزات تولید شده مشترک در ایران را به مصر تقبل کنیم.

۵- زمانی که برای توضیح این مسئله به دیدار شاه رفتید، پیشنهاد می کنم در خلال توضیحاتتان درباره جوانب حقوقی این مسئله، به ایشان تأکید نمایید که تجربه نشان داده که شرایط ایالات متحده در این ارتباط بی اندازه شاق نیست. می توانید به ایشان اطمینان بدهید که به محض ابلاغ هر درخواست، در اسرع وقت به آن رسیدگی خواهد شد. علاوه بر این، با توجه به روابطِ به ویژه نزدیک ایالات متحده و ایران و اشتراک بسیاری از منافع، دلمشغولی ها و دیدگاههای سیاسی-استراتژیک دو کشور، انتظار داریم در اکثر موارد، فروش یا انتقال [تسلیحات] از ایران با نظر مساعد مواجه گردد.

به اعتقاد من شما نباید پا را از این فراتر بگذارید و نباید آنگونه که در بند ۳ پیامتان نوشته اید از دولت ایران درخواست اطلاعات نمایید.

کیسینجر

درخواست شاه برای کسب اطلاعات مربوط به انتقال [تسلیحات] به کشور ثالث

ص: ۲۸۸

سند شماره ۱۲۱

محرمانه ۱۰ نوامبر ۱۹۷۵– ۱۹ آبان ۱۳۵۴

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه آمریکا، واشنگتن دی.سی

مرجع: الف– وزارت امور خارجه ۲۱۰۲۱۵از ۲۱ اکتبر ۱۹۷۵، ب– وزارت امور خارجه ۰۴۱۶۰۱از ۴ نوامبر ۱۹۷۵

موضوع: درخواست شاه برای کسب اطلاعات مربوط به انتقال [تسلیحات] به کشور ثالث

۱– نامه مورخ ۹ نوامبر سفیر به وزیر دربار. تحویل ملزومات بسیار به موقع است زیرا مذاکرات کارخانه بل و دولت ایران برای تولید مشترک هلیکوپتر در مرحله بسیار حساسی است.

۲– رونوشت نامه با پُست ارسال می گردد.

هِلمز

***

تهران– ۹ نوامبر ۱۹۷۵

عالیجناب اسدالله علم

وزیر دربار همایونی– تهران

وزیر محترم

چندی پیش اعلیحضرت همایونی از بنده خواستند قوانین و سیاست های دولت ایالات متحده را در ارتباط با فروش و یا انتقال اقلام نظامی که ممکن است با استفاده از اطلاعات فنی کسب شده از ایالات متحده در ایران ساخته شوند، به اطلاع ملوکانه برسانم. پوزش بنده را از بابت تأخیر در ارایه اطلاعات مزبور که به تازگی از واشنگتن دریافت شده است، بپذیرید.

اجازه می خواهم پیش از آنکه مقتضیات حقوقی مسئله را مورد بحث قرار دهم، مواضع ایالات متحده را با بیان دو اصل بنیادینی که راهنمای اقدامات ما در این زمینه است، به اجمال توضیح دهم. اول اینکه انتقال اقلام دفاعی تولید شده با استفاده از فناوری آمریکایی به کشورهای ثالث، فقط به آن دسته از کشورهایی مجاز است که ایالات متحده خود حاضر باشد تجهیزات فوق را مستقیماً به آنها انتقال دهد و یا بفروشد، و دوم اینکه ایالات متحده درخواست برای انتقال اقلام دفاعی را فقط به صورت مورد به مورد و در زمان ابلاغ پیشنهاد انتقال آن اقلام به کشور ثالث مورد بررسی قرار خواهد داد. تجربه نشان

داده است که شرایط ایالات متحده برای بررسی درخواست انتقال [تسلیحات] بی اندازه شاق نیست و به ایران اطمینان می دهیم که در زمان ابلاغ هر درخواست به دولت ایالات متحده، در اسرع وقت به آن رسیدگی خواهد شد. علاوه بر این، با توجه به روابطِ به ویژه نزدیک ایالات متحده و ایران و اشتراک بسیاری از منافع، دلمشغولی ها و دیدگاههای سیاسی- استراتژیک دو کشور، انتظار داریم که در اکثر موارد، فروش یا انتقال [تسلیحات] از ایران با نظر مساعد مواجه گردد.

در آمریکا قوانین ناظر بر کنترل انتقال تجهیزات و فناوری دفاعی، به منظور حصول اطمینان از

همسو بودن صدور اقلام حساس با سیاست خارجی ایالات متحده وضع شده است. قوانین موجود حوزه شمول کنترل های مزبور را به کل صادرات تجهیزات و فناوری نظامی، و نه فقط اقلام موجود در انبارهای نیروهای مسلح ایالات متحده، بسط می دهد. محدود ساختن حوزه شمول چنین کنترل هایی به اقلام موجود در انبار های ایالات متحده، در واقع نقض غرض کنترل های صادراتی خواهد بود، زیرا کلیه صادرات بالقوه تجهیزات و فناوری دفاعی در این مقوله جای نمی گیرند. با توجه خاص به شمول قوانین ایالات متحده در ارتباط با فروش سلاح های تولید شده در ایران با مشارکت شرکت آمریکایی «ارِس»، انتقال هر گونه سلاح تولید شده تحت این قرارداد که در آن از فناوری آمریکایی استفاده شده باشد، باید قبلاً به تصویب ایالات متحده برسد.

اختیارات دولت در ارتباط با انتقال فناوری دفاعی به موجب دو مرجع اساسی محدود می شود. ابتدا قانون فروش های نظامی خارجی است که به موجب آن انتقال هر گونه اقلام دفاعی فروخته شده از سوی آمریکا در چارچوب این قانون، باید به تصویب دولت آمریکا برسد. طبق تفسیر، قانون مزبور اقلام دفاعی را که با استفاده از اطلاعات فنی ارایه شده از سوی دولت ایالات متحده در چارچوب این قانون در خارج از کشور تولید می شوند نیز شامل می شود. قانون فروش های نظامی خارجی فقط اجازه تصویب مورد به مورد را به دولت آمریکا داده است. دومین مرجع، مقررات انتقال بین المللی سلاح است که به استناد بند ۴۱۴ قانون اصلاح شده امنیت متقابل مصوب ۱۹۵۴ تدوین شده است. مقررات فوق ناظر بر صادرات تجاری اقلام و فناوری موجود در فهرست تسلیحاتی ایالات متحده و همچنین صدور مجوز تولید چنین اقلامی در خارج از آمریکاست. طبق این مقررات، شرط موافقت با صدور مجوز تولید اقلام مزبور در هر کشور آن است که کشور دریافت کننده مجوز، موافقت کند بدون موافقت قبلی دولت ایالات متحده هیچگونه اقلامی را که با استفاده از فناوری خریداری شده از آمریکا تولید می کند، به هیچ شخصی خارج از حوزه مشخص شده در مجوز، که در واقع حوزه مجاز برای فروش آن اقلام است، انتقال ندهد. طبق مقررات انتقال بین المللی سلاح، ایالات متحده به لحاظ تئوری می تواند در مجوز اصلی با حوزه فروش وسیعی موافقت کند. با وجود این، رویه ایالات متحده عملاً این بوده است که همسو با مسئولیت هایش برای اجرای اهداف بند ۴۱۴ قانون فوق، حوزه فروش را بسیار محدود نماید. در بسیاری از موارد، حوزه فروش به کشوری که فناوری را خریداری کرده است، محدود می شود. موافقت با انتقال اقلام به خارج از حوزه فروش مشخص شده در مجوز، فقط با بررسی های مورد به مورد امکان پذیر است. (صفحه ۳ سند یافت نشد)

در صورتی که اعلیحضرت همایونی، یا خود شما و یا تیمسار توفانیان مایل به توضیح بیشتر باشند، با کمال میل در خدمت خواهم بود.

با احترام و ارادت شخصی

ریچارد هلمز

سفیر

مراحل انتقال [تسلیحات] به کشور ثالث

سند شماره ۱۲۲

بدون طبقه بندی ۱۶ نوامبر ۱۹۷۵- ۲۵ آبان ۱۳۵۴

از: بخش سیاسی اچ. پرشتبه: هیأت مستشاری نظامی- رئیس ستاد- سرهنگ فریلند

موضوع: مراحل انتقال [تسلیحات] به کشور ثالث

درخواست ایران برای انتقال اقلام دفاعی ساخت ایالات متحده (چه از محل برنامه مساعدت های نظامی و چه از محل خریدهای نظامی خارجی) به کشورهای ثالث باید طبق مراحل زیر صورت گیرد:

۱- دولت ایران درخواست خود را برای انتقال برخی تجهیزات دفاعی به یک کشور خاص به سفارت تسلیم می کند. در گذشته، معاون وزیر جنگ در امور تسلیحات این درخواست را از سوی دولت ایران انجام داده است.

۲- سفارت درخواست ایران را به وزارت امور خارجه و وزارت دفاع مخابره می کند. این وزارتخانه ها تصمیم می گیرند که درخواست ایران را قبول و یا رد نمایند. اصلی ترین ملاحظه در این تصمیم گیری آن است که آیا ایالات متحده خود حاضر است چنین اقلامی را به دریافت کننده مزبور انتقال دهد یا خیر.

۳- چنانچه با این درخواست موافقت شد، ایالات متحده از کشور دریافت کننده می خواهد تا کتباً تضمین نماید که اقلام انتقال یافته را بدون اطلاع قبلی ایالات متحده به کشور دیگری انتقال نخواهد داد.

۴- زمانی که این تضمین کتبی دریافت شد، وزارت امور خارجه درخواست مزبور را به مجلس سنا و مجلس نمایندگان ابلاغ می کند. معمولاً تشریفات تصویب درخواست فوق در کنگره ۱۰ روز طول می کشد.

۵- پس از تصویب در کنگره، سفارت به دولت ایران اطلاع می دهد که با انتقال اقلام مورد نظر موافقت شده است.

شایسته است بخش های خدمات، مراحل فوق را به طور مقتضی به اطلاع همتایان [ایرانی] خود برسانند، و در عین حال توجه آنها را به نکات زیر جلب نمایند:

- تلاش ایالات متحده بر آن است که درخواست های ایران برای انتقال سلاح در اسرع وقت مورد رسیدگی قرار گیرد. در گذشته حتی یک درخواست ایران برای انتقال سلاح نیز رد نشده است.

- به منظور تسریع رسیدگی به درخواست ایران برای انتقال اقلام دفاعی، باید این درخواست به محض اتخاذ تصمیم از سوی دولت ایران به سفارتخانه ابلاغ شود. بهترین کانال ارتباطی معاون وزیر جنگ در امور تسلیحات است.

- تأکید نمایید که هیچگونه اقلام دفاعی نباید قبل از کسب موافقت دولت آمریکا به

کشور ثالث انتقال یابد. در صورت نقض این مسئله، طبق قوانین آمریکا عواقب وخیمی گریبانگیر برنامه های فروش تسلیحات به ایران خواهد شد.

- بر این باوریم که با همکاری متقابل، هر گونه پیشنهاد انتقال [تسلیحات] به کشور ثالث مراحل مقتضی را به نحو احسن طی خواهد کرد.

سروان. اچ. پرشت

گزارش اقتضائات مساعدت های امنیتی

سند شماره ۱۲۳

محرمانه

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه آمریکا، واشنگتن دی.سی

مرجع: وزارت امور خارجه - ۱۶۷۹۰۱

موضوع: گزارش اقتضائات مساعدت های امنیتی

گزارشی که به پیوست ارسال می گردد بنا بر دستور مندرج در تلکس مرجع وزارت امور خارجه و پیام های توضیحی بعدی تهیه شده است. بخش های این گزارش بر اساس توضیحات مندرج در بند ۳ تلکس وزارت امور خارجه به شماره ۱۶۷۹۰۱ تنظیم شده است، ولی برخی از بخش های درخواستی در بند مزبور پوشش داده نشده اند، که این امر بر اساس درک ما از دستورات وزارتخانه و پیام های توضیحی بعدی بوده است.

گزارش پیوست محصول مشترک هیأت مستشاری نظامی آمریکا و بخش های متفاوت سفارت است.

سولیوان

گزارش روابط ایران و آمریکا در چارچوب برنامه مساعدت های امنیتی

الف- (۱) منافع آمریکا در ایجاد رابطه مساعدت امنیتی با ایران:

اهمیت اصلی ایران به موقعیت مهم جغرافیایی آن، جایگاهش در حکم یک تولید کننده عمده نفت و کشوری دارای ذخایر گازی عظیم، وابستگی شدید برخی از هم پیمانان اصلی ما و همچنین وابستگی کمتر ما به نفت ایران، و نقش نوظهور ایران در رهبری منطقه خلیج فارس به طور اخص و در منطقه به طور اعم است. ایران اساساً کشوری متمایل به غرب است، و این تمایل

ناشی از مقاومت سنتی ایران در برابر هژمونی شوروی (و قبل از آن روسیه) بوده است. ایالات متحده آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم به این سو تلاش کرده است با حمایت از ایران در ایجاد اقتصاد و ارتشی قوی- و در نتیجه با ثبات- این نقش را تقویت کند. ایران نیز از طریق همکاری در چارچوب پیمان سنتو به طور دو جانبه حقوق، اختیارات و تسهیلاتی در اختیار ایالات متحده قرار داده است. به طور خلاصه، تقویت روز افزون ایران سهم به سزایی در حفظ منافع ملی مشترک ما دارد.

اهداف مشخص مساعدت های امنیتی شامل موارد زیر می شود:

- مساعدت به ایران در پرورش توانایی استفاده و تعمیر و نگهداری سیستم های تسلیحاتی کسب شده از ایالات متحده،

- مساعدت به ایران در توسعه نیرو های نظامی متعارف به منظور تضمین امنیت کشور، که به نوبه خود به حفظ ثبات کشور و حفاظت از منافع آمریکا کمک خواهد کرد،

- مساعدت به ایران در ایجاد و حفظ نیروهای رزمی و پشتیبانی لجستیک به منظور برآوردن نیازهای پیش بینی شده،

- مساعدت به ایران در ایجاد و حفظ توان کافی و عملیاتی بسیج نیروها،

- حمایت از ایجاد و حفظ همکاری های نزدیک تر منطقه ای به منظور مقاومت در برابر نفوذ کمونیسم علاوه بر اهداف دیگر،

- تضمین دسترسی مستمر ایالات متحده و جهان آزاد به منابع نفت و گاز،

- تشویق مشارکت ایران در ترتیبات امنیتی جمعی طرفدار غرب.

الف- (۲) تهدیدهای خارجی و داخلی به زعم ایران:

ایران تهدید اصلی را از سوی اتحاد شوروی متوجه خود می داند. البته منظور این نیست که ایران حمله مستقیم اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به کشورش را محتمل ترین رویداد فرض می کند. در واقع ایران اذعان دارد که در صورت وقوع چنین حمله ای، در بهترین وجه، حتی با توجه به برنامه گسترده مدرن سازی ارتش، نیروهای مسلح ایران فقط می توانند امید داشته باشند که برای مدت بسیار کوتاهی- شاید فقط چند روز- در برابر یک حمله همه جانبه شوروی مقاومت کنند- یعنی تا وارد عمل شدن نیروهای سیاسی جهان آزاد. با وجود این، اتحاد جماهیر شوروی از نظر ایران تهدید غیر مستقیمی به همان اندازه بزرگ، از طریق دولت هایی که نیابتی عمل می کنند نظیر عراق، متوجه ایران ساخته است. از نظر ایران، رویدادهای اخیر افغانستان این تهدید را پیچیده تر ساخته است. اگرچه پاکستان نزدیک ترین شریک ایران در منطقه است، بی ثباتی این کشور نیز مایه نگرانی ایران را فراهم آورده است، و نهایتاً اینکه در جنوب، ایران به وضوح لزوم باز نگاه داشتن تنگه هرمز و ثبات وضعیت در خلیج فارس و دریای عمان به منظور تأمین ضرورت استمرار جریان نفت که اقتصاد ایران شدیداً به آن وابسته است را حس می کند.

استراتژی ایران برای فائق آمدن بر تهدیدهای خارجی کاملاً واضح و بدون ابهام است. چنانکه در بالا ذکر شد، ایران حمله اتحاد جماهیر شوروی به کشورش را محتمل نمی داند. اگر چنین حمله ای واقع شود، هیچ راهی برای مقاومت یک تنه ایران در برابر آن متصور نیست. نیروهای ایرانی باید به منظور دلسرد کردن متجاوز دست به اقدامات ایذایی بزنند و از این رهگذر

زمان لازم را برای وارد عمل شدن جهان آزاد جهت مذاکره و ختم تجاوز به دست

آورند. در یک درگیری عمده با عراق، پیش بینی می کنیم که نیروی هوایی شاهنشاهی ایران می تواند پایگاههای هوایی عراق را از کار بیندازد و برتری هوایی را از آن خود کند. عملیات نیروی زمینی شاهنشاهی ایران نیز با هدف دفاع و، در صورت لزوم، بازپس گیری خاک ایران، انجام خواهد شد. همزمان با آن، نیروی هوایی شاهنشاهی و نیروی دریایی شاهنشاهی ایران مسئولیت دفاع از تأسیسات مهم نفتی و خطوط دریایی ایران را بر عهده خواهند داشت. عوارض طبیعی در ایران قابلیت جابجایی نیروها را در این کشور پهناور به مسئله ای بسیار مهم مبدل ساخته است. با توجه به رویدادهای اخیر افغانستان، ایران تلاش دارد سیستم های هشدار سریعتر ی در مناطق شرقی کشور مستقر سازد و همچنین در حال بررسی اقداماتی برای ارتقای قابلیت جابجایی تاکتیکی نیروی های نظامی خویش است.

تهدیدهای داخلی برای ثبات و امنیت ایران عمدتاً از دو منبع نشأت می گیرند. مهمترین منبع گروههای مخالفی هستند که اخیراً تظاهراتی را در این کشور به راه انداخته اند. در میان این مخالفان، رهبران مذهبی به ویژه می توانند موجب تحریک مردم و ایجاد آشوب در راهپیمایی ها و مراسم دیگر شوند. برخی از این مخالفان از هم پیمانان بالقوه شان در عراق، لبنان و لیبی الهام، و در برخی موارد کمک های عمده تری، می گیرند. منبع دومی که در حال حاضر اهمیت کمتری دارد، ولی به طور بالقوه خطرناک تر به حساب می آیند، گروههای تروریستی در درون ایران هستند. فعالیت آنها در حال حاضر که فرایند آزادسازی فضای سیاسی رو به پیشرفت است، در سطح حداقل قرار دارد. این گروههای تروریستی که ظرف سه سال گذشته از دست نیرو های امنیتی ایران لطمه فراوانی دیده اند، ولی هنوز کاملاً محو نشده اند، توانایی سرقت، آدم ربایی، ترور و سایر فعالیت های مخل نظم عمومی را دارند.

دولت ایران یک استراتژی دو لایه را برای مقابله با تهدیدهای داخلی اتخاذ کرده است. یک لایه شامل افزایش آزادسازی فضای سیاسی به منظور کاهش انگیزه خشونت در میان کسانی است که مایلند فعالیت های سیاسی داشته باشند. شاه در نطقی که به مناسبت روز مشروطه در ۵ اوت ایراد کرد، اظهار داشت که از این پس انتخابات ایران «صد در صد آزاد» خواهد بود و آزادی بیان و مطبوعات به طور کامل اجرا خواهد شد. هدف ایران استقرار یک دموکراسی به سبک غربی است. قانونی که قرار است برای اعطای حق تجمع به تصویب برسد، به نامزدهای انتخابات مجلس اجازه خواهد داد تا گردهمایی های سیاسی برگزار کنند. دولت ایران بدین ترتیب امیدوار است گزینه های مقبول تری نسبت به شورش سیاسی در اختیار مردم بگذارد. دومین لایه استراتژی ایران برای مقابله با تهدیدهای داخلی تلاش برای حفظ نظم عمومی است. مأموریت نیروهای پرشمار امنیتی هر چه بیشتر معطوف به کنترل تهدیدهای تروریستی و در عین حال پشتیبانی از نیروهای پلیس در حفظ نظم عمومی در برابر عناصر تفرقه افکن، و متمایل به خشونت، است. شاه اظهار داشته که در عزم خود برای ادامه آزادسازی فضای سیاسی مصمم است، ولی این فرایند باید در محدوده قانون صورت بگیرد- و حقوق همه محترم شمرده شود.

الف- (۳) تهدید ها به زعم هیأت آمریکایی:

به طور کلی، هیأت آمریکایی نیز نظر ایران درباره تهدیدهای موجود را تأیید می کند، یعنی این نظر که تهدید اصلی از سوی اتحاد جماهیر شوروی و تهدید عاجل تر از سوی عراق، و رژیم های تندرو در خلیج فارس و افغانستان متوجه ایران است.

الف- (۴) نظرات ایران در ارتباط با نوع ارتشی که برای برآوردن نیازها و مقابله با تهدیدها مناسب است: ایران در حال حاضر برنامه بسیار گسترده ای در ارتباط با تقویت نیروهای نظامی و دفاع از کشورش دنبال می کند. نظرات ایران درباره نیازهای ارتش علاوه بر عوامل نظامی مشخص بر عوامل دیگری نیز استوار است:

- تجربه اشغال قبلی ایران توسط قدرت های خارجی و تمایل به بازداشتن قدرت ها از هر گونه اشغال بعدی ایران در آینده.

- نقش سیاسی روز افزون ایران در حکم یک قدرت منطقه ای.

- اثرات جانبی برنامه های نظامی بر اقتصاد غیرنظامی، به خصوص در حوزه نیروی کار ماهر از لحاظ فنی، توسعه زیربنایی و کاربرد تکنولوژی غربی.

- توانایی ایران در کسب اولیه سیستم های تسلیحاتی جدید و نهایتاً نیل به خودکفایی در این زمینه، یعنی کاربرد، حفظ و نگهداری و پشتیبانی سیستم های تسلیحاتی فوق با مساعدت محدود و یا بدون مساعدت خارجی.

- اولویت بالای حفاظت از میدان های نفتی ایران.

- تمایل شاه به عدم وابستگی به فقط یک کشور برای تأمین سلاح.

- برخی شک و تردیدها نسبت به حمایت نهایی آمریکا از ایران در صورت حمله یک قدرت خارجی به این کشور.

- تمایل ایران به کسب توانایی، در صورت امکان، حمایت از حکام سنتی در منطقه در برابر نیروهای انقلابی از آنجایی که، از نظر شاه، چنین حکام سلطنتی یا شبه سلطنتی دارای تداوم و قابلیت پیش بینی در روابط داخلی و منطقه ایشان هستند.

نظرات ایران در ارتباط با نیازهای نظامی مشخص به شرح زیر است:

نیروی زمینی

به دلیل عوارض طبیعی صعب العبور در ایران و فقدان یک شبکه حمل و نقل مناسب، نیروی زمینی شاهنشاهی ایران برای دفاع از مرزها و تأسیسات نفتی استراتژیک مستقر در مناطق همجوار با مرز عراق در مقابل تهدید ارتش بزرگ و بسیار مجهز عراق با سلاح های شوروی، به هلیکوپتر، تجهیزات جابجایی نیرو در زمین، و سلاح های مرتبط نیاز دارد. لشگرها و تیپ هایی باید

برای حفـظ و دفـاع از ثبـات در منـاطق محوله به آنهـا و همچنین انجـام اقـدامات ایـذایی در مقابل حمله شوروی در مناطقی از کشور مستقر شوند. در صورت تجاوز عراق به

خـاک ایران به نیروهـای مختلفی برای دفـاع از مرزهـای غربی نیـاز است. اسـتقرار دو لشـگر پیاده، یک تیپ پیاده، و دو لشـگر زرهی، به همراه یک لشگر زرهی و بخش هایی از لشگر گارد به حالت ذخیره، برای مقابله با حمله عراق لازم است.

برای حفاظت از نواحی مرزی شرق نیز به یک لشگر پیاده نیاز است.

لشـگر زرهی چهـارم نیز، پس از فعـال سـازی کامل، در بخش شـرق-جنوب-شـرق کشور مسـتقر خواهـد شـد و مأموریت آن استقرار پاسگاههای ملی و تأمین امنیت در بخش شرق-جنوب شرقی کشور خواهد بود.

تیپ هـای پیـاده هوابرد بایـد همچون نیروی ذخیره عمـل کننـد، و در عین حـال از تیپ نیروهـای ویژه بایـد در عملیـات ویژه و جنگ های غیرمتعارف استفاده شود.

تمـامی فاکتورهـای برنـامه ریزی در سـطوح بالاـ نشـان می دهـد کـه بخش هـوانیروز ارتش ایران بایـد گسـترش یابـد. به دلیل پهناوری کشور و شبکه حمل و نقل ناکافی آن، افزایش توانایی تحرک هوایی به ارتش ایران کمک خواهد کرد تا از مرزهای کشور و میـدان های نفتی استراتژیکش دفاع کنـد. بین سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۸، هوانیروز ارتش ایران احتمالاً دارای پنـج گروه پشتیبانی مسـتقیم هوانیروز (DSAG)، هر یـک بـا ۱۷۶ هلیکوپـتر و یـک گروه پشتیبـانی عمـومی هوانیروز (GSAG) بـا ۲۵۳ هلیکوپتر خواهـد بود. به منظور دفاع از مرزهای صـعب العبور غربی در برابر بالقوه ترین تهدیـد، یعنی حمله عراق، به دو گروه پشتیبانی مسـتقیم هوانیروز نیاز است. این دو گروه در محل استراتژیکی مستقر خواهند شد که بتوانند در مقابل تهدید روسیه از شمالغربی نیز واکنش نشان دهند. یک گروه پشتیبانی مسـتقیم هوانیروز در جنوب غربی نزدیک خلیج فارس مستقر خواهد شد تـا از واردات کالاـ که از طریق بنـادر خلیـج فـارس وارد کشور می شونـد و همچنین میـدان های عظیم نفتی واقع در آن منطقه حفاظت کننـد. یک گروه پشتیبانی مسـتقیم هوانیروز نیز در محلی استراتژیک در جنوب شـرقی کشور مسـتقر خواهـد شد تا از مرزهای کشور با پاکستان و بقیه خلیج فارس حفاظت کند؛ و نهایتاً یک گروه پشتیبانی نیز در نزدیکی مرزهای شمالی و شرقی کشور مستقر خواهد شد و مأموریت آن حفظ و دفاع از ثبات در مقابل تهدید تجاوز شوروی یا افغانستان است. گروه پشتیبانی عمومی هوانیروز نیز در مرکز کشور مسـتقر خواهـد شـد تـا در صورت لزوم بتوانـد در جهـات مختلف پشتیبانی کنـد. هوانیروز ارتش ایران بایـد مأموریت های جابجایی هوایی را با امکان حمل ۱۰ گردان پیاده و پشتیبانی توپخانه در میـدان نبرد؛ پشتیبانی آتش هوایی (AH-۱J)؛ جنگ ضد تانک؛ پروازهای شناسایی؛ لجستیکی، تدارکاتی، و تخلیه مجروحین را داشته باشد.

این نیرو برای حفاظت از شاه و دربار شامل لشگر گارد و یک تیپ پیاده خواهد بود.

نیروی دریایی

کل نفت صادراتی ایران از خلیج فارس و بخش اعظمی از واردات کشور از همان طریق و

تنگه هرمز در ورودی آن می گـذرد؛ بنابراین، کشور ایران از لحاظ اقتصادی و سیاسـی نیاز به ورود و خروج امن، به و از، این منطقه به و از اقیانوس هند و دریای عربی دارد. ایجاد یک نیروی دریایی مدرن، اهمیتی اساسی برای تأمین امنیت تجارت آزاد در این منطقه برای ایران دارد.

دو کشتی پشتیبانی [ضد زیردریایی] ASW، چهار رزم ناو سی.جی-۹۹۳، چهار ناوشکن-اسکورت کلاس ووسپر، نزدیک به ۱۲ نـاوچه سـریع و قـایق هـای مجهز به سیسـتم موشـک هـای هـدایت شونـده، و شـش تا نه زیردریایی تهاجمی دیزلی توانایی ضدهوایی، ضدسطحی و [ضد زیردریایی] ASW را برای حفاظت از LOCs در خلیج فارس، خلیج عمان، و دریای عربی، و مناطق شمالی دریای هند به ایران خواهد داد. یک اسکادران گشتی/ASW توانایی ASW و ASUW را به واحدهای سطحی خواهد بخشـید. برنامه ریزی برای خارج کردن DDG، و SP/DDG کنونی و توسـعه عملیات در خلیج فارس و دریای عمان خرید ناوچه های مدرن یا کشتی هایی در کلاس مشابه را ضروری ساخته است.

افزوده شـدن دو نوع هاورکرافت و تعدادی هلیکوپتر، توانایی نیروی دریایی شاهنشاهی را برای سـرکوب نفوذ نیروهای برانداز از نوار ساحلی بسیار بلند این کشور ارتقای داده است، که همراه با ایجاد یک نیروی کماندویی دریایی، نیروی واکنش سـریع را برای دفـاع از جزایر سـاحلی ایران در اختیـار این کشـور قرار خواهـد داد. نیروی دریـایی شاهنشـاهی ایران به منظور ارتقـای نیروهای گشتی و ضربتی سطحی خود، دوازده قایق گشتی ۲۷۵ تنی فرانسوی مجهز به سیستم موشک های هدایت شونده را به خدمت گرفته است.

از آنجایی که ساخت و ساز در بنـدر چابهار به تعویق افتاده، گسترش پایگاه بندر عباس به منظور پشتیبانی زیردریایی ها و رزم ناوهای سی.جی-۹۹۳ (کلاـس کورش) برای انجـام عملیـات دریـایی در دریـای عربی و کنترل ورود و خروج به خلیـج فارس ضرورت یافته است.

تهیه کشتی هـای تـدارکاتی بیشتر به نیروی دریایی شاهنشاهی توانایی لجستیکی بیشتری خواهـد بخشـید و اجازه انجام عملیات طولاـنی تری به آنهـا خواهـد داد. کشتی هـای آبی-خاکی چنـد منظوره امور تـدارکاتی پایگاههای ساحلی و جزایر را تسـهیل خواهـد سـاخت. دو کشـتی تعمیرات و یـک سـکوی بزرگ خشـک شـناور نیز می توانـد توانـایی تعمیرات شـناور را که برای گسترش ناوگان ضروری است تأمین کند.

نیروی هوایی

نیروی هوایی شاهنشاهی ایران بایـد توانایی مقابله با تهدید هواپیماهایی با عملکرد بالا را داشـته باشد. به منظور دفاع معنادار از تأسـیسات نفتی بسـیار آسـیب پـذیر کشور، نیروی هوایی شاهنشاهی ایران باید به هواپیماهای پیشـرفته و تسلیحات دفاع هوایی مجهز باشد. علاوه بر این، نیروی هوایی شاهنشاهی ایران باید بتواند از نیروی دریایی شاهنشاهی و نیروهای زمینی

شاهنشاهی ایران پشتیبانی کند.

از آنجایی که واحدهای نیروی هوایی شاهنشاهی ایران فقط دارای هشت پایگاه اصلی یک پایگاه عملیات FORWARD هستند، و از آنجایی که تأسیسات تولید و حمل نفت عمدتاً در منطقه جنوب مجتمع هستند، تقویت توانایی های دفاع هوایی ایران به منظور تأمین امنیت کشور و اقتصاد آن حیاتی است. بنابراین، ابتدا برنامه ای برای تکمیل سریع یک شبکه راداری به همراه یک سیستم ارتقا یافته فرماندهی و کنترل برای هشدار سریع و کنترل کلیه هواپیماهای دفاعی و تاکتیکی تهیه شده است. علاوه بر این، ارتقای سیستم کنترل ترافیک هوایی در کنار سیستم دفاع هوایی کشور امری ضروری است.

وجود اسکادران های فعلی و پیش بینی شده برای ایجاد یک نیروی قوی رهگیری، و در عین حال ایجاد توانایی تلافی جویی علیه پایگاههای هوایی دشمن به منظور نابود کردن تهدید هوایی در مبدأ ضرورت دارند. نیروی هوایی شاهنشاهی ایران در حال حاضر هواپیماهای اف-۵، اف-۴ و اف-۱۴ را در خدمت دارد و در حال خرید هواپیماهای اف-۱۶ است که توانایی پاتک هوایی، بمباران مواضع دشمن، پشتیبانی نزدیک از نیروهای زمینی، و پوشش هوایی به واحدهای دریایی را در اختیار آن می گذارد.

هواپیماهای ایوکس موجب تقویت توانایی فرماندهی و کنترل، کمک به کسب و حفظ برتری هوایی و تجسس دریایی خواهد شد.

موشک های آی- هاوک و سایر موشک های زمین به هوا نیز برای ارتقاء عملیات هواپیماهای رهگیری به منظور دفاع منطقه ای از تأسیسات کلیدی نظیر پایگاههای هوایی و تأسیسات نفتی ضروری هستند.

وجود اسکادران هایی از هواپیماهای شناسایی تاکتیکی برای ارایه اطلاعات به موقع هوایی برای کلیه نیروها ضرورت دارد.

هواپیماهای باربری دوربرد برای پشتیبانی لجستیکی بین ایران و منابع تدارکاتی، و اصلی ترین آنها ایالات متحده، ضروری هستند. به سبب محدود و آسیب پذیر بودن خطوط ارتباطی داخل کشور، باربری هوایی به منظور انجام عملیات تدارکاتی برای نیروی هوایی و زمینی ضرورت دارد.

هواپیماهای مختص سوخت رسانی هوایی برای افزایش بُرد و مدت عملیات جنگنده ها و هواپیماهای شناسایی، و به نوبه خود، افزایش توانایی تجسسی و رزمی آنها ضروری هستند.

پی-۳، با پشتیبانی تجسسی هواپیماهای ایوکس، برای عملیات گشتی و تجسسی هوابرد دریایی مورد استفاده قرار خواهند گرفت. علاوه بر این، از پی-۳ ها برای عملیات ضدزیردریایی به منظور حفاظت از خطوط دریایی ارتباطی در خلیج فارس به کار گرفته خواهند شد.

هلیکوپترها نیز برای انجام عملیات جستجو و نجات و پشتیبانی مستقیم سایر عملیات

پروازی ضروری هستند.

مدرن سازی سیستم های لجستیکی، ارتقای توانایی ارتباطات دور بُرد، و گسترش و بهبود آموزشکده های داخل کشور پیش شرط کسب کارآیی و اثربخشی بالا هستند.

الف- (۵) ارزیابی نیروهای مسلح ایران در ارتباط با منافع و جایگزین های ایالات متحده

پیش بینی می کنیم که با اجرای برنامه های فوق، ساختار دفاعی ایران توانمند و کارآمد خواهد شد. این توانمندی نیز به نوبه خود موجب حمایت از اهداف مساعدت های امنیتی و منافع ملی ایالات متحده خواهد شد. با وجود این، به منظور جذب موثر و مدیریت سیستم های پیچیده ای که ایران قصد اکتسابش را دارد، به ارتقای کنترل فرماندهی، عملیات مشترک، برنامه ریزی دراز مدت، و هماهنگی های داخلی نیاز است. دولت ایران کاملاً از مشکلات موجود و بالقوه توانایی خود در جذب این سیستم ها آگاه است. به همین سبب شاه همکاری نزدیکی با مستشاران ارشد نظامی، چه ایرانی و چه غیرایرانی، برای تضمین ارتقای این توانایی ها دارد.

الف- (۶) رابطه هزینه های دفاعی با متغیرهای اقتصادی

بودجه پیش بینی شده برای امور دفاعی و واردات اقلام نظامی در سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ در ارتباط با کل بودجه و کل واردات، به ترتیب ۲۸ و ۱۰ درصد خواهد بود، که چند درصد کمتر از آمار و ارقام فعلی است. سهم بودجه دفاعی در تولید ناخالص ملی پیش بینی شده چیزی بین ۵/۱۳ و ۹/۱۳ درصد است، که عملاً با میزان فعلی تفاوتی نخواهد داشت. جدول پیوست نسبت بودجه دفاعی را در اقتصاد ایران تا دوره پیش بینی شده ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ نشان می دهد.

در ۲۰ مارس ۱۹۷۸ ذخایر رسمی ارزی و طلای ایران ۷/۱۱ میلیارد دلار بود. با افزودن سرمایه گذاری خارجی و اعتبارات، سبد رسمی دارایی های خارجی ایران در حدود ۲۰ میلیارد دلار است. تا به امروز، هیچ رابطه ای بین سیاست های بودجه ای و ذخایر ارزی ایران وجود نداشته است. بنابراین، از زمانی که ایران برنامه استقراض خارجی خود را در سال ۱۹۷۶-۱۹۷۷ آغاز کرد، این کشور مبالغ هنگفتی وام دریافت کرده ولی در عین حال افزایش حجم ذخایر ارزی آن از سطح استقراض هایش تجاوز می کند. با توجه به ذخایر ارزی فعلی ایران که برابر است با شش ماه هزینه واردات کالا و خدمات، نسبت بسیار پایین بازپرداخت اصل و فرع وام ها (بین ۴ تا ۵ درصد) و رتبه بندی بسیار عالی از لحاظ ریسک اعتباری، می توان فرض کرد که استقراض خارجی می تواند مکمل خوبی برای درآمدهای نفتی و سایر درآمدهای ارزی باشد و هیچ مشکلی در ارتباط با پرداخت اصل و فرع اعتبارات ارزی در دوره ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ پیش نخواهد آمد.

ص: ۲۹۹

۱۹۷۷-۱۹۸۲

هزینه های دفاعی ایران به نسبت کل اقتصاد آن

(به میلیون دلار)

۱۹۷۸۱۹۷۹۱۹۸۰۱۹۸۱۱۹۸۲ ۱۹۷۷

الف. تولید ناخالص ملی ۷۵۸۵۲۸۹۵۰۵۱۰۴۷۲۱۱۲۳۵۷۱۱۴۵۸۱۴۱۷۳۵۱۹

ب. بودجه کلی۳۳۹۰۴۴۱۶۳۰۴۹۹۵۶۵۹۹۴۷۷۱۹۳۷۸۶۳۲۴

پ. بودجه دفاعی

درصد A/C

درصد B/C۱۰۱۶۹

۴/۱۳

۰/۳۰۱۱۶۰۸

۰/۱۳

۹/۲۷۱۳۹۳۰

۳/۱۳

۹/۲۷۱۶۷۱۶

۵/۱۳

۹/۲۷۲۰۰۵۹

۸/۱۳

۹/۲۷۲۴۰۷۰

۹/۱۳

۹/۲۷

ت. واردات کالا و

خدمات۲۲۱۷۳۲۵۴۹۹۲۹۳۲۴۳۳۷۲۲۳۸۷۸۱۴۴۵۹۸

ث. واردات نظامی

(خریدهای نظامی خارجی)

درصد D/R۲۶۸۵

(۲۲۳۹)

۱/۱۲۳۹۳۵

(۳۴۰۰)

۴/۱۵۳۵۷۷

(۲۹۳۵)

۲/۱۲۴۱۵۳

(۳۳۸۳)

۳/۱۲۳۱۹۴

(۲۲۷۰)

۲/۸۴۲۵۹

(۳۱۵۰)

۵/۹

الف- سال ایرانی از ۲۰ مارس شروع می شود.

ب- نرخ برابری دلار ۵/۷۰ ریال بر اساس قیمت فعلی بازار است.

پ- کلیه آمار و ارقام از منابع رسمی دولت ایران صادر شده است، به جز ردیف مربوط به واردات نظامی

ت- ردیف مربوط به واردات نظامی برآورد سفارت است.

الف- (۷) اقلام و خدمات دفاعی که احتمالاً ایران از ایالات متحده درخواست خواهد کرد:

جدول شماره یک میزان اقلام و خدمات دفاعی را که ایران مایل است در طول چهار یا چند سال آینده از ایالات متحده خریداری نماید نشان می دهد. ارزش دلاری هر یک از این اقلام و خدمات در جدول شماره ۲ نمایش داده شده است.

به منظور کمک به مدیریت برنامه خریدهای نظامی خارجی دولت ایران تا سقف مجاز انتقال تسلیحات، برنامه ای در ارتباط با خرید تسلیحات نظامی به همراه دلایل توجیهی آن تهیه شده است که ارایه می گردد. اطلاعات مربوط به قیمت ها و موجودی که در تهیه این برنامه مورد استفاده قرار گرفته بر اساس بهترین برآوردهای موجود در داخل کشور است. برای آنکه دولت ایالات متحده بتواند نیازمندی های پیش بینی شده دولت ایران را تأمین کند، این برنامه افزایشی انباشتی را توصیه می کند. یکی از ملاحظات اصلی به هنگام تهیه این برنامه توانایی های ایران برای جذب این سیستم ها بوده است. یکی دیگر از ملاحظات مهم برای دولت ایران، تدام تولید به منظور پرهیز از هزینه های هنگفت و حفظ پایه آموزی است. هر دو

مورد در برنامه مزبور ملحوظ شده اند.

سیستممقدار برنامه ریزی مقدار قابل توصیه به تفکیک سال تصویب نامه پیشنهاد و قبول

سال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

آماد هلیکوپتر ۱۱----

اس.پی. هویتزر ۱۵۵ م.م.

ام-۱۰۹ ای.۱.بی.۲۱۴۵۸۱۵۶--

اس.پی. هویتزر ۲۰۳ م.م.

ام-۱۱۰ ای۲۸۴۸۱۳--

حمل و نقل دریایی، ام-۵۴۸۱۰۰۱۰۰---

مدرن سازی تانک ها ۲۴۶۰ کیت-۴۶۰ کیت--

تأسیسات بازسازی خودروهای شنی دار ۳۱برنامه ریزی نشده- احتمالاً خرید تجاری

توپ ۲۰ م.م./ ام-۱۹۷ ۴۶برنامه ریزی نشده

جنگنده تاکتیکی اف-۴ ای ۳۱۳۱---

رادارهای سیار۳-۵۳-۵---

آماد آی-هاوک۱۱---

جنگنده های تاکتیکی اف-۱۰۲۰۲۰۱۰۱۴۷۰

تانکر استراتژیک کی.سی-۰۷، ۱۲-۱۲--

هواپیمای باری ای.ام.اس.تی./سی-۱۳۰ ۵۱۰۰/۱۵۰در مرحله تحقیق و توسعه- برنامه ریزی نشده- میزان مورد درخواست معلوم نیست.

رادارهای زمینی دوربرد۱۱-۱۴-۱۱-۱۴--

جنگنده تاکتیکی اف-۱۶ ۱۴۰-۲۴۲۴۴۸

هواپیمای ASW پی-۳سی۷۴-۳-

استاندارد کردن ناوچه ها۱۲۴۴۴-

هلیکوپتر ضد مین آر.ایچ-۵۳ دی۶---۶

اژدر ام.کی-۴۸۴۰۰غیر قابل تحویل

یدک کش (بندر و ساحل)۱۰احتمالاً خرید تجاری

یدک کش (نوع اقیانوس پیما، ۲۲(T-ATF---

تانکر استراتژیک کی.سی-۱۷۴۷۳احتمالاً خرید تجاری

ص: ۳۰۱

۱- با توجه به نیازمندی هایی که در سال قبل مورد موافقت قرار گرفت (حفظ برنامه موجود)

۲- ارتقای تانک های ام-۶۰ به ام-۶۰ ای۳.

۳- از تیم تحقیقاتی برای تعیین نیازمندی ها سئوال شده است.

۴- جهت استفاده برای تضمین کیفیت آتش مهمات ۲۰ م.م. تولید شده در ایران. هیأت مستشاری استفاده از توانایی های موجود دولت ایران را توصیه می کند.

۵- هواپیماهای ای.ام.اس.تی هنوز در مرحله تحقیق و توسعه هستند (نمونه اولیه) و برای خریدهای نظامی خارجی آماده نیستند. هیأت مستشاری خرید موقت ۵۰ هواپیمای سی-۱۳۰ را تا قطعی شدن خرید ای.ام.اس.تی توصیه می کند.

۶- این مقادیر به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و خرید در مقابل سقف ارزش دلاری ارایه شده است و نه سال تحویل اقلام. توصیه برای برنامه های جدید خرید بر اساس تحلیل حوزه های مأموریت، تهدیدها، ملاحظات تولید، ظرفیت جذب سیستم ها و پیش بینی سقف فروش های نظامی دولت آمریکا ارایه شده اند.

برآورد ارزش هر قرارداد خریدهای نظامی خارجی در زمان قبول

۱- هزینه اولیه سیستم ۱سال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

آماد هلیکوپتر ۲۰۰---

اس. پی. هویتزر ۱۵۵ م.م.

ام-۱۰۹ ای. ۱ بی.۴۷۱۲۷--

اس.پی. هویتزر ۲۰۳ م.م.

ام-۱۱۰ ای. ۲۷۸۳--

حمل و نقل دریایی ام-۵۴۶۱۱---

مدرن سازی تانک۹۲--

تأسیسات بازسازی خودروهای شنی دارتأمین مالی تیم تحقیق از محل ذخایر مدیریتی

هزینه تأسیسات نامعلوم- احتمالاً خرید تجاری

توپ ۲۰ م.م. ام-۱۹۷تا اطلاع ثانویه به تعویق بیفتد

جنگنده تاکتیکی اف-۴ ای ۳۹۰---

رادارهای سیار۷---

آماد آی-هاوک ۲۰۰---

جنگنده تاکتیکی اف-۱۴۷۰۰۷۴۰۸۰۰۴۰۰

ص: ۳۰۲

تانکر استراتژیک کی.سی-۷۰۷-۳۵۰--

هواپیماهای باری ای.ام.اس.تی/سی-۱۳۰ای.ام.اس.تی. در مرحله تحقیق و توسعه-برنامه ریزی نشده- میزان درخواست سی-۱۳۰ نامعلوم

رادارهای دوربرد زمینی-۲۰۰--

جنگنده تاکتیکی اف-۱۶-۶۰۰۶۵۰۱۳۰۰

هواپیمای ASW، پی-۳ سی ۱۰۰-۱۰۰-

استاندارد کردن ناوچه ها ۱۴۰۱۵۵۱۷۰-

هلیکوپتر ضد مین آر.ایچ-۵۳ دی---۱۰۰

اژدر ام.کی-۴۸غیر قابل تحویل

یدک کش (بندر و ساحل)احتمالاً خرید تجاری

یدک کش نوع اقیانوس پیما، T-ATF۳۷---

تانکر استراتژیک کی.سی-۷۴۷احتمالاً خرید تجاری

جمع کل ۱۹۱۰۲۲۶۷۱۶۲۰۱۸۰۰

۲- سایر داده های مربوط به هزینه

جریان سالیانه در ارتباط با پشتیبانی ۲۸۳۵۹۰۰۱۰۰۰۱۲۰۰

جریان در ارتباط با نیازمندی مهمات ۳۹۰۱۱۶۴۵۰۵۰

ذخایر مدیریتی۱۰۰۱۰۰۱۰۰۱۰۰

مجموع۲۹۳۳۳۳۸۳۲۲۷۰۳۱۵۰

۱- برآورد هزینه اولیه با ملحوظ کردن محصول نهایی، بعلاوه قطعات یدکی و مهمات اولیه، آموزش و هزینه های جاری عملیات و تعمیر و نگهداری محاسبه شده است.

۲- بر اساس هزینه برآورد شده برنامه های تحویل شده.

۳- هزینه برآورد شده برای آموزش و ایجاد ذخیره جنگی.

الف- (۸) ارزیابی اقلام پیش بینی شده

به پیوست اطلاعات جداگانه ای در ارتباط با هر یک از سیستم های جدیدی که دولت ایران به آن علاقمند است ارایه شده است.

توضیحات

۱- مقادیر مذکور بیانگر سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول در برابر سقف ارزش دلاری دولت ایالات متحده است و نه سال تحویل. توصیه برای خریدهای جدید بر اساس تحلیل حوزه مأموریت، تهدیدها، ملاحظات تولید، ظرفیت جذب سیستم و پیش بینی سقف مجاز خریدهای

نظامی خارجی دولت ایالات متحده آمریکاست.

۲- برآورد هزینه های اولیه سیستم ها با احتساب هزینه محصول نهایی، قطعات و مهمات اولیه، آموزش ها و هزینه های عملیات و تعمیر و نگهداری جاری انجام شده است.

سیستم: شرکت پشتیبانی و نوسازی هلیکوپتری ایران

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

۱۱---

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)۲۰۰

میلیون دلار---

۳- اطلاعات تکمیلی

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز - کاربرد):

نیازمندی های بیشتر به قرارداد WAL در چارچوب خریدهای نظامی خارجی مربوط است- که در ارتباط با عملیات پیمانکار شرکت پشتیبانی و نوسازی هلیکوپتری ایران (IHSRC) است. قرارداد WAL در اواخر ماه سپتامبر ۱۹۷۷ از سوی دولت ایران پذیرفته شد. بعداً مشخص شد ارزش این قرارداد از لحاظ کل کاری که باید انجام می شد، کمتر محاسبه شده است.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

خیر.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

خیر. توانایی های کنونی را ارتقا می دهد.

سیستم: توپ خودکششی هویتزر ۱۵۵ م.م.، ام-۱۰۹ ای. ۱ بی.

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

--۲۱۴۵۸۱۵۶

۲- هزینه های تقریبی اولیه

ص: ۳۰۴

سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۴۷

میلیون دلار۱۲۷

میلیون دلار--

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز -کاربرد):

توپ اس.پی. هویتزر ۱۵۵ م.م./ام-۱۰۹. نیاز به پشتیبانی آتش متحرک بیشتر بر اساس تحلیل تهدیدها (اساساً از طرف عراق) و جبهه گسترده ای که باید از آن دفاع شود استوار است. نیروی زمینی ارتش شاهنشاهی ایران در حال حاضر جبهه ای به بزرگی دو تـا سه برابر آنچه ارتش آمریکا تقریباً همان میزان نیرو در اروپا دارد، دفاع می کنـد. توپ های خودکششـی هویتزر توانایی انتقـال نیروی رزمی بیشتر را به منـاطق مورد نیـاز و تا حـدودی خنثی کردن برتری قابل پیش بینی زرهی و توپخانه ای عراق را ایجـاد می کنـد. نیروی زمینی شاهنشاهی ایران همچنین یک لشـگر زرهی را به منظور تأمین امنیت بخش شـرقی ایران تشـکیل خواهـد داد. تعـدادی از توپ های درخواستی برای تکمیل بخش توپخانه این لشـگر زرهی است. بر اساس تحلیل اخیری که از زمان لازم برای تولید و برنامه های زمانی تحویل اقلام انجام گرفته است، به نظر می رسد بتوان این توپ ها را ظرف مدت سـه سـال به ایران تحویـل داد. اگرچه نیروی زمینی شاهنشـاهی ایران هنوز برنـامه ریزی تفصـیلی برای جـذب تـدریجی هویتزرهای اضـافی انجـام نـداده است، تحلیـل جاری ما از توانایی های آن برای جـذب و آموزش خـدمه و پشتیبانی این توپ ها نشان می دهد که آنها احتمالاً می توانند ظرف مدت چهار تا پنج سال هویتزرهای درخواستی را جذب کنند.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

موضع دفاعی ایران را تقویت می کند و انتظار نمی رود دشمنان بالقوه را به فکر گسترش توپخانه بیندازد.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

خیر. توانایی های کنونی را ارتقا می دهد.

سیستم: حمل و نقل، کاملاً شنی دار، ام-۵۴۸

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

---۱۰۰۱۰۰

۲- هزینه های تقریبی اولیه

ص: ۳۰۵

سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۱۱

میلیون دلار---

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

معمولاً هر دستگاه Cargo Carrier ام-۵۴۸ برای حمل مهمات و خدمه با یک قبضه توپ خودکششی همراه می شود. خرید ۱۰۰ دستگاه ام-۵۴۸ تقریباً سیستم کافی برای برنامه توپ های خودکششی که قبلاً مورد موافقت قرار گرفته و همچنین اولین نامه پیشنهاد برای هویتزرهای خودکششی فراهم می آورد.

تصویب این درخواست نیروی زمینی شاهنشاهی ایران را قادر خواهد ساخت تا خدمه و مهمات لازم را برای استقرار هویتزرهای خودکششی جهت خدمت با گردان های توپخانه صحرایی جابجا کند. بر اساس تحلیل اخیری که از زمان لازم برای تولید و برنامه های زمانی تحویل اقلام انجام گرفته است، به نظر می رسد بتوان این ام-۵۴۸ ها را ظرف مدت سه سال به ایران تحویل داد.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

حداقل. این اقلام توانایی های توپخانه صحرایی موجود را تکمیل می کند و انتظار نمی رود تهدید بیشتری متوجه دشمنان بالقوه سازد.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

خیر. توانایی های کنونی را ارتقا می دهد.

سیستم: کیت ارتقای تانک های ام-۶۰ به ام-۶۰ ای. ۳

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

--۴۶۰-۴۶۰

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۹۲

میلیون دلار

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

ارتقای تانک های ام. ۶۰ ای.۱ نیروی زمینی شاهنشاهی ایران موجب بهبود کیفی نیروهای زرهی بدون نیاز به افزایش نیرو می شود. این اقدام تا حدودی موجب خنثی کردن برتری کمّی نیروهای زرهی عراق و افزایش طول عمر تانک های سری ام-۶۰ نیروی زمینی شاهنشاهی می شود. علاوه بر این، اصلاحاتی که بر روی این تانک ها انجام می شود تا حدودی تانک های ام-۶۰ نیروی زمینی ایران را از لحاظ تکنولوژیکی با تانک های رزمی اصلی ایران، یا همان تانک بهبود یافته چیفتن که در ایران نام «شیر- ایران» دارد، قابل مقایسه می سازد. موجودی این کیت ها هنوز معلوم نیست، زیرا ارتش ایالات متحده هنوز طبقه بندی امنیتی برخی از اجزای این کیت ها را مشخص نکرده است.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

حداقل. توانایی فعلی را ارتقا می دهد و هیچ تهدید قابل ملاحظه ای متوجه دشمنان بالقوه نمی کند.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

خیر. توانایی های کنونی را ارتقا می دهد.

سیستم: تأسیسات بازسازی خودروهای شنی دار

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

۱برنامه ریزی نشده

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

نیازمندی ها هنوز معلوم نیست. قرار است تیم تحقیق نیازمندی را مشخص کند و هزینه آن از محل ذخیره مدیریتی تأمین می شود.

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز - کاربرد):

نیروی زمینی ارتش شاهنشاهی ایران به منظور بهبود وضعیت آمادگی واحدهای توپخانه و زرهی خود به تأسیساتی برای بازسازی خودروهای شنی دار نیاز دارد. این تأسیسات قطعات قبضه

تـوپ هـای خودکششـی، قبضه توپ هـای غیرخودکششـی، خودروهـای زرهی و سـایر تسـلیحاتی که از دولت ایالات متحـده خریداری شده است بازسازی می کند. این تأسیسات با کاهش وابسـتگی نیروی زمینی ارتش شاهنشاهی ایران به آمریکا برای پشتیبانی تسـلیحات، و کاهش ضـرورت تعویض قطعات فرسوده تسلیحاتی در راستای اهداف ایالات متحده عملی خواهد کرد. وجود تأسیسات بازسازی به منظور پشتیبانی موجودی عظیم خودروهای شنی دار و سایر تسلیحات تصویب شده و افزایش طول خدمت این سیستم ها ضروری است.

هزینه های اولیه باید مشخص شود. برآورد نسبتاً دقیق هزینه ها تا زمان تکمیل تحقیقات میسر نخواهد بود.

زمان لازم برای تشـکیل تیم تحقیق، انجام تحقیقات، ارزیابی دولت ایران از نتایـج تحقیقات پیش از درخواست نامه پیشـنهاد و قبول برای این تأسـیسات و فراینـد های اداری نامه پیشـنهاد و قبول حاکی از آن است که سال مالی ۱۹۸۱ اولین سالی است که می توان امید به شروع تأمین مالی تأسیسات فوق داشت.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

خیر.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

خیر. در صورت اجرا توانایی های کنونی را ارتقا می دهد.

سیستم: توپ ۲۰ م.م./ام-۱۹۷

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

۶برنامه ریزی نشده

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

معوق

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

شش توپ ۲۰ م.م. و ام-۱۹۷ از سوی MIO درخواست شده است. هدف از خرید این

توپ ها کنترل کیفی مهمات است. تهیه این سلاح باید تا زمانی که نیروی زمینی ارتش شاهنشاهی توپ مزبور را در انبار داشته باشد، به تعویق بیفتد. خرید پیشنهادی احتمالاً با انتقال این توپ ها از نیروی زمینی به MIO انجام خواهد شد.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

خیر

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

خیر

سیستم: هواپیمای اف-۴ ای

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

---۳۱۳۱

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۳۹۰

میلیون دلار

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

این هواپیماها برای عملیات تدافعی به منظور خنثی کردن تهدید موشک های سام و AAA هدایت شونده توسط رادار بر فراز خاک دشمن و در طول خطوط لجستیکی ارتباطات و پایگاههای هوایی دشمن مورد نیاز است. دولت ایران بر این باور است که هرگاه دشمن عملیات خصمانه خود را شروع کند، بر اساس دکترین IAW شوروی سعی خواهد کرد کنترل حریم هوایی

خاک طرف مقابل را با موشک های بسیار سریع الانتقال سام، AAA و سیستم های هواپیمایی خود کنترل کند.

به منظور مقابله با این اقدام، دولت ایران باید سیستم های سیار سام و AAA همراه با نیروی های زمینی مهاجم و همچنین رادارها و سیستم های ارتباطی لازم برای پشتیبانی این نوع عملیات را خنثی سازد.

نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی توانایی اثبات شده ای برای راه اندازی و تعمیر و نگهداری هواپیماهای اف-۴ ای و همچنین تعداد کافی متخصص تعلیم دیده تعمیر و نگهداری برای

پشتیبانی این هواپیماهای اضافی دارد.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

حداقل. موازنه فعلی را حفظ می کند.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

تعداد هواپیماها در این خرید کمتر از تعداد پیش بینی شده هواپیماهای اف-۴ ای است که تا سال ۱۹۸۵ از رده خارج می شوند.

سیستم: رادار متحرک

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

۵-۵۳-۳---

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۷

میلیون دلار

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

هیأت مستشاری نظامی از سوی وزارت جنگ اطلاع یافته است که فوراً به سیستم تجسس دفاع هوایی در طول مرزهای شرقی ایران نیاز است. دولت ایران به دلیل درگیری های اخیر در افغانستان تهدید جدیدی را احساس کرده است. وزارت جنگ بر این باور است که فوراً به پوشش تجسسی دفاع هوایی نیاز دارد.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

این سیستم، بخش تکمیلی سیستم فعلی هشدار دفاع هوایی است و یک سیستم دفاعی شناخته می شود. انتظار می رود تأثیرات آن ناچیز باشد.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

اضافه شدن ۳-۵ سیستم جدید، سیستم کنونی هشدار دفاع هوایی را برای مقابله با تهدید جدید گسترش می دهد.

ص: ۳۱۰

سیستم: آماد آی- هاوک

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

۱۱---

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۲۰۰

میلیون دلار

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

ایجاد تأسیسات تعمیر و نگهداری در سطح آماد برای سیستم کنونی آی-هاوک. تجهیزات مستقر شده فعلی آی- هاوک قرار است در سال ۱۹۸۰ مورد تعمیر و تغییرات اساسی قرار گیرد.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

خیر.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

به نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی اجازه می دهد توانایی کنونی خود را حفظ کند.

سیستم: هواپیماهای اف-۱۴

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

۷۰۲۰۲۰۲۰۱۰

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۷۰۰

میلیون دلار۷۴۰

میلیون دلار۸۰۰

میلیون دلار۴۰۰

میلیون دلار

ص: ۳۱۱

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

عراق اصلی ترین و فوری ترین تهدید نظامی را متوجه ایران می کند و این امر به دلیل قرار گرفتن آن در نزدیکی میدان های نفتی ایران، قدرت قابل توجه و رو به گسترش نظامی و خطوط تدارکاتی کوتاه آن از اتحاد شوروی است. بُرد جنگنده ها و بمب افکن های عراق به بیش از ۸۰۰ مایل در داخل ایران می رسد. از سال ۱۹۷۳، عراق موجودی جنگنده های خود را به میزان ۵۰ درصد افزایش داده است. (پیش بینی می شود تا اواسط دهه ۱۹۸۰، نیروهای هوایی عراق ارتقا یافته و تهدیدی به مراتب بزرگتر از لحاظ کیفی و کمی متوجه ایران خواهد ساخت.) نقش اصلی اف-۱۴ ها دفاع هوایی است، یعنی رهگیری و انهدام هواپیماهای نفوذی در بیشترین بُرد ممکن.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

افزوده شدن این تعداد هواپیماهای اف-۱۴ توانایی دفاعی ایران را ارتقا می دهد، بدون اینکه سطح انتقال تکنولوژی را افزایش دهد. دولت ایران در حال آموزش های توانایی هوا به زمین نیست و سیاست دفاعی تعریف شده ای دارد. پیش بینی می کنیم این هواپیماها موازنه قوا را در منطقه حفظ کند.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

افزوده شدن این مقدار اضافی اف-۱۴، تکنولوژی جدیدی در منطقه خلیج فارس معرفی نمی کند.

سیستم: هواپیماهای کی.سی-۷۰۷

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

--۱۲-۱۲

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

-۳۵۰

میلیون دلار--

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

این هواپیماها برای پشتیبانی جنگنده های موجود و هواپیماهای ایوکس و جنگنده هایی که

فروش آن تصویب شده است، کافی است. هواپیماهای مزبور نقش تدافعی و همچنین باربری هوایی استراتژیک ثانویه و توانایی سوخت گیری مجدد هوایی را ایجاد می کنند. ناوگان فعلی کی.سی-۷۰۷ برای پوشش دادن به نیازهای عملیاتی کنونی دولت ایران در زمان صلح کافی است، ولی در صورت وقوع جنگ مسلماً فشار زیادی بر آن وارد خواهد شد. پشتیبانی تانکری، توانایی تجهیزات نظامی را برای هواپیماهای پشتیبانی هوایی نزدیک بالا برده و حداکثر زمان پرواز جنگنده ها را افزایش می دهد. این هواپیماها همچنین بُرد لازم برای افزایش پشتیبانی هوایی و دفاع هوایی مرزهای شرقی ایران را از پایگاههای اصلی عملیاتی افزایش می دهد. خرید این تعداد هواپیمای اضافی می تواند هواپیماهای ایوکس و جنگنده هایی را که دولت ایران قصد خریدش را دارد، پوشش دهد. نیروی هوایی شاهنشاهی ایران توانایی خود را در راه اندازی و تعمیر و نگهداری هواپیماهای کی.سی-۷۰۷ ثابت کرده است.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

به نیروی هوایی شاهنشاهی انعطاف پذیری بیشتری برای حفاظت از مناطق وسیع تر با تعداد جنگنده های ثابت را می دهد. انتظار داریم تأثیر کلی حداقل باشد.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

گسترش توانایی فعلی.

سیستم: هواپیماهای ای.ام.اس.تی./سی-۱۳۰

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

۱۰۰/۱۵۰۲۰

سی-۱۳۰۲۰

سی-۱۳۰۱۰

سی-۱۳۰-

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)۲۸۰

میلیون دلار۲۸۰

میلیون دلار۱۴۰

میلیون دلار

مبالغ فوق برنامه ریزی نشده اند.

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

به اعتقاد هیأت مستشاری نظامی، ناوگان نیروی هوایی شاهنشاهی ایران متشکل از ۵۰

هواپیمای سی-۱۳۰ برای انجام عملیات باربری هوایی و تدارکات مورد استفاده قرار می گیرد. این هواپیماها همچون یک دارایی ملی می تواند برای رفع سایر نیازهای ترابری به کار گرفته شود. این امر به دلیل نبود یک شبکه توسعه یافته جاده ای و راه آهن است. دولت ایران اذعان دارد که توانایی حمل و نقل تجهیزات نظامی بسیار بزرگ و سنگین را ندارد. رویدادهای اخیر افغانستان ثابت می کند که در مرزهای شرقی ایران نوعی بی ثباتی وجود دارد و ایران باید یک نیروی هوایی بسیار متحرک را به منظور واکنش سریع برای انجام عملیات دفاعی در صورت لزوم داشته باشد. خرید ۵۰ هواپیمای سی-۱۳۰ اضافی می تواند تا مشخص شدن وضعیت فروش هواپیماهای ای.ام.اس.تی. اقدام موقتی برای رفع این نیاز باشد. چنانچه فروش هواپیماهای ای.ام.اس.تی. به ایران تصویب نشود، خرید ۱۰۰ هواپیمای سی-۱۳۰ اضافه بر ۵۰ هواپیمای اولیه می تواند گزینه دیگری برای رفع نیازهای تاکتیکی دولت ایران به حساب آید. دولت ایران درخواست خرید هواپیماهای سی-۱۳۰ را نداده است.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

به نیروی هوایی شاهنشاهی اجازه می دهد تا از نیروهای موجودش در بُرد وسیع تری استفاده کند. گزینه دیگر برای افزایش تحرک، افزایش بزرگی و شمار نیروهای فعلی است. افزایش توانایی باربری هوایی به نیروی هوایی شاهنشاهی امکان می دهد بدون افزایش چشمگیر سخت افزار و نیرو با تهدیدهای جدید مقابله کند.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

توانایی های فعلی را گسترش و انعطاف پذیری بیشتری به نیروهای موجود می دهد.

سیستم: رادارهای زمینی دوربُرد

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

۱۴-۱۱-۱۴-۱۱--

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۲۰۰

میلیون دلار

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

این رادارها در حکم بخشی از برنامه سیستم دفاع هوایی ایران، تقریباً شبیه به همان رادارهای ای.دی.اس.-۴ است که هم اینک در ارتش ایران خدمت می کند. سیستم فوق عملیات هفت هواپیمای ایوکس را که فروش آنها به ایران تصویب شده است، تکمیل می کند و یک سیستم هشدار دفاعی را در طول کل مرزهای ایران و داخل آن که سیستم های کنونی قادر به پوشش آن نیست، مستقر می سازد (اولین ایوکس در دسامبر ۱۹۸۱ به ایران تحویل داده خواهد شد.)

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

مکملی برای سیستم های موجود و تصویب شده است. رادار اصولاً- یک دستگاه هشدار دهنده است و انتظار نمی رود که افزایش پوشش راداری عدم توازنی در ثبات منطقه ایجاد کند.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

گسترش سیستم هشدار راداری کنونی.

سیستم: هواپیماهای اف-۱۶

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

۱۴۰-۲۴۲۴۴۸

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۶۰۰

میلیون دلار ۶۵۰

میلیون دلار ۳/۱

میلیارد دلار

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

عراق اصلی ترین و فوری ترین تهدید نظامی را متوجه ایران می کند و این امر به دلیل قرار گرفتن آن در نزدیکی میدان های نفتی ایران، قدرت قابل توجه و رو به گسترش نظامی و خطوط تدارکاتی کوتاه آن از اتحاد شوروی است. بُرد جنگنده ها و بمب افکن های عراق به بیش از ۸۰۰ مایل در داخل ایران می رسد. از سال ۱۹۷۳، عراق موجودی جنگنده های خود را به میزان ۵۰ درصد افزایش داده است. (پیش بینی می شود که تا اواسط دهه ۱۹۸۰، نیروهای هوایی عراق ارتقا یافته و تهدیدی به مراتب بزرگتر از لحاظ کیفی و کمی متوجه ایران خواهد ساخت.)

نقش اصلی اف-۱۶ ها دفاع هوایی است، یعنی رهگیری و انهـدام هواپیماهای نفوذی در بیشترین بُرد ممکن. هواپیماهای اف-۱۶ مکملی برای هواپیماهای اف-۱۴ خواهد بود و پیش بینی می شود که به نسبت ۲ اف-۱۶ به ازای ۱ اف-۱۴ به کار گرفته شود.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

افزوده شدن این تعداد هواپیماهای اف-۱۶ توانایی دفاعی ایران را ارتقا می دهد بدون اینکه سطح انتقال تکنولوژی را افزایش دهـد. دولت ایران در حال آموزش های توانایی هوا به زمین نیست و سیاست دفاعی تعریف شده ای دارد. پیش بینی می کنیم این هواپیماها موازنه قوا را در منطقه حفظ کند.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

این هواپیماهای اف-۱۶ تکنولوژی جدیدی به منطقه خلیج فارس منتقل نمی کند.

سیستم: هواپیماهای پی-۳سی.

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

-۷۴-۳

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۱۰۰

میلیون دلار-۱۰۰

میلیون دلار-

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

دولت ایران معتقد است که توانایی کافی برای عملیات تجسسی ASW ندارد. ایران معتقد است که در دوره های پرتنش به پرواز همزمان ۵ هواپیما نیاز دارد، بنابراین به ۱۳ هواپیمای پی-۳سی. احساس نیاز می کند.

درخواست ایران برای هواپیماهای پی-۳سی به دلیل آن است که هواپیماهای پی-۳ اف را که در خدمت دارد، کافی نمی داند. دولت ایران درخواست خرید هفت هواپیمای پی-۳سی. و تبدیل شش هواپیمای پی-۳اف کنونی خود به پی-۳سی را دارد. نیروی هوایی شاهنشاهی ایران ناوگانی متشکل از شش پی-۳ اف در خدمت داشته است.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

انتظار نداریم انتقال این سیستم تأثیری بر ثبات منطقه بگذارد، زیرا ایران تنها قدرت منطقه ایست که توانایی ASW را داراست و سایر دولت های منطقه هیچیک دارای زیردریایی نیستند.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

توانایی کنونی را گسترش می دهد تا نیازهای ایران را در دوره های پرتنش برطرف سازد. هواپیماهای پی-۳سی دارای برخی توانایی های بیشتر نسبت به هواپیماهای پی-۳اف هستند.

سیستم: استاندارد سازی ناوچه ها

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

-۱۲۴۴۴

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۱۴۰

میلیون دلار۱۵۵

میلیون دلار۱۷۰

میلیون دلار-

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

نیروی دریایی شاهنشاهی ایران قصد دارد دوازده ناوچه جدید از تولید کنندگان اروپایی خریداری نماید و مایل است به

منظور عملیاتی کردن، سازگاری، و استانداردسازی آنها با سیستم های رزمی آمریکا و سایر کشتی های آمریکایی موجود در این نیرو آنها را به کار گیرد. قرار است این ناوچه ها جایگزین کشتی های موجود شوند و توانایی نیروی دریایی شاهنشاهی را برای حفاظت از راهروهای دریایی در نواحی شمال ۱۰ درجه عرض شمالی افزایش دهند. قرار است هشت ناوچه اول جایگزین هفت ناوچه رزمی اصلی نیروی دریایی شوند که عمر مفید خدمت آنها سپری شده است (کشتی های آرتمیز، ببر و پلنگ هر کدام بیش از ۳۰ سال عمر دارند و منابع بیش از حدی باید برای نگاه داشتن آنها در سطح حداقل عملیاتی قابل قبول صرف شود. چهار ناوچه کلاس بایندر نیز بین ۱۰ تا ۲۰ سال عمر دارند و مجهز به سیستم های رزمی منسوخ هستند.) چهار ناوچه آخر نیز جایگزین ناوچه های کلاس سام خواهند شد که هم اینک در خدمت نیروی دریایی است.

دوازده ناوچه جدید و ۴ رزم ناو سی.جی-۹۹۳ نیروی دریایی شاهنشاهی را قادر خواهد ساخت تا در مواقع بحران یا درگیری کشتی های تجاری و به ویژه تانکر ها را اسکورت کند. این ناوگان می تواند یک نیروی موثر در برابر تهدیدهای منطقه ای از جمله نیروهای هوایی مستقر در خشکی، زیردریایی ها و نیروهای سطحی مجهز به موشک باشد.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

نیروی دریایی شاهنشاهی می تواند با حفظ خطوط ارتباطی دریایی، سهم مهمی در ثبات منطقه ایفا کند. نیروی دریایی ایران همچنین می تواند از منابع ساحلی ایران دفاع کند، به ویژه تأسیسات نفتی بسیار مهم که به دلیل قرار گرفتن در نزدیکی خلیج فارس بسیار آسیب پذیر هستند.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

بخش عمده ای از سیستم های رزمی ایالات متحده که در ناوچه های جدید برای نیروی دریایی شاهنشاهی به کار رفته است، همان سیستم هایی خواهد بود که در چارچوب برنامه اسپراونس (سی.جی-۹۹۳) برای ایران به تصویب رسیده است. هر جا که این سیستم ها یکسان نیست، تجهیزاتی که در ناوچه ها به کار رفته است پیچیدگی کمتری دارد و راه اندازی و تعمیر و نگهداری آنها ساده تر است. بنابراین، توانایی جدیدی با اجرای این برنامه ایجاد نخواهد شد.

سیستم: آر.ایچ-۵۳دی.

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

۶---۶

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۱۰۰---

میلیون دلار

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

خلیج فارس، تنگه هرمز و خلیج عمان آبراهه ای مهم برای بسیاری از کشور های جهان است که به محموله های نفت از ایران و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس متکی هستند. این

آب ها، که عمدتاً کمتر از ۱۰۰ کله (۱۸۰ متر) عمق دارند، محل خوبی برای عملیات مین گذاری، چه از سوی دشمن و چه از سوی گروههای تروریستی، به حساب می آیند. نیروی دریایی شاهنشاهی قصد دارد یک نیروی MCM سطحی و واحدهای هلیکوپتری تشکیل دهد که قادر به مقابله با تهدید مین گذاری در این آب های کم عمق باشند. نیروی دریایی شاهنشاهی معتقد است که اسکادران فعلی متشکل از شش هلیکوپتر آر.ایچ-۵۳دی. برای پوشش MCM این منطقه مهم کافی نیست.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

هلیکوپترهای آر.ایچ-۵۳دی. یک سیستم تسلیحاتی دفاعی هستند و افزوده شدن شش واحد دیگر به آنها توانایی MCM ایران را افزایش می دهد، و بدین ترتیب یک نیروی موثر را که می تواند ثبات منطقه را افزایش دهد ایجاد می کند.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

افزوده شدن شش هلیکوپتر آر.ایچ-۵۳دی. توانایی جدیدی ایجاد نمی کند بلکه اسکادران MCM فعلی را که ایران به مدت ۱۸ ماه در اختیار داشته است، گسترش می دهد.

سیستم: اژدرهای ام.کی-۴۸

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

۲۵

ابتدائاً ۴۰۰----

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

غیرقابل تحویل---

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

ایران سه زیردریایی را که سابقاً درخدمت نیروی دریایی آمریکا بوده خریداری کرده است تا هسته اصلی نیروهای زیردریایی رو به گسترش آن را تشکیل دهد. تحویل شش زیردریایی آلمانی کلاس ۱۳۰۰ HDW نیز این نیرو را توسعه خواهد داد. دولت ایران مایل است به منظور

مقابله با تهدید تعداد کم ولی رو به رشد از این زیردریایی ها که ممکن است در خلیج عمان و قسمت شمالی اقیانوس هند وارد عملیات شوند، این زیردریایی ها را به پیشرفته ترین سلاح های ASW مجهز کند.

جایگزین های اژدر های آمریکایی ام.کی-۴۸ در حکم تسلیحات موثر شامل اژدرهای ارتقا یافته ام.کی-۳۷ آمریکایی (نورثروپ ان.تی.۳۷سی)، اژدر بریتانیایی ام-۴ ۲۴ تاگرفیش، و اژدر آلمانی SUT است. دولت ایران اژدرهای ام.کی-۴۸ را ترجیح می دهد زیرا این سلاح به بهترین وجه می تواند برای مقابله با تهدید رو به رشد زیردریایی های پیچیده مورد استفاده قرار گیرد.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

خیر- زیرا اژدر ام.کی-۴۸ قابل تحویل به ایران نیست.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

خیر- زیرا اژدر ام.کی-۴۸ قابل تحویل به ایران نیست.

سیستم: یدک کش ها (بندری و ساحلی)

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

۱۶ (۶ بندری و ۴ ساحلی)----

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

خرید تجاری توصیه می شود

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

به دلیل فقدان یدک کش های کافی برای جابجایی کشتی ها در بنادر و بین بنادر، نیروی دریایی شاهنشاهی باید خدمات یدک کشی را به پیمانکاران واگذار نماید. این کمبود بعلاوه گسترش ناوگان و افتتاح یک بندر دیگر، در چابهار، خرید یک ناوگان یدک کش را ضروری می سازد.

درخواست PB برای خرید ۱۰ یدک کش تجاری، بخشی از برنامه استعلام قیمت از تولیدکنندگان سرتاسر جهان است. نیروی دریایی شاهنشاهی ایران یدک کش ها را به صورت تجاری خریداری خواهد کرد.

ص: ۳۲۰

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

خیر

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

خیر، تا جایی که به عملیات یدک کشی مربوط می شود. زیرا این توانایی ها تا حدودی از طریق قراردادهای تجاری نیز قابل دسترس هستند.

سیستم: یدک کش (نوع اقیانوس پیمای T-ATF)

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

۲۲---

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۳۷

میلیون دلار---

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

نیروی دریایی شاهنشاهی در حال حاضر توانایی ارگانیک یدک کشی، نجات و یا نجات زیردریایی در اقیانوس را ندارد و به همین دلیل به دنبال خرید کشتی چند منظوره ای نظیر T-ATF است.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

خیر

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

توانایی ارگانیک پشتیبانی ناوگان اقیانوس پیما را در اختیار نیروی دریای شاهنشاهی می گذارد.

چنانچه توانایی نجات زیردریایی نیز ارایه گردد، توانایی محدود جدیدی کسب خواهد شد.

ص: ۳۲۱

سیستم: هواپیماهای کی.سی-۷۴۷

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

۳----

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

خرید تجاری توصیه می شود

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

این هواپیماها برای پشتیبانی جنگنده های موجود و هواپیماهای ایوکس و جنگنده هایی که فروش آن تصویب شده است، کافی است.

هواپیماهای مزبور نقش تدافعی و همچنین باربری هوایی استراتژیک ثانویه و توانایی سوخت گیری مجدد هوایی را ایجاد می کنند. ناوگان فعلی کی.سی-۷۴۷ برای پوشش دادن به نیازهای عملیاتی کنونی دولت ایران در زمان صلح کافی است ولی در صورت وقوع جنگ مسلماً فشار زیادی بر آن وارد خواهد شد. پشتیبانی تانکری توانایی تجهیزات نظامی را برای هواپیماهای پشتیبانی هوایی نزدیک بالا برده و حداکثر زمان پرواز جنگنده ها را افزایش می دهد.

این هواپیماها همچنین بُرد لازم برای افزایش پشتیبانی هوایی و دفاع هوایی مرزهای شرقی ایران را از پایگاههای اصلی عملیاتی افزایش می دهد. خرید این تعداد هواپیمای اضافی می تواند هواپیماهای ایوکس و جنگنده هایی را که دولت ایران قصد خریدش را دارد پوشش دهد.

نیروی هوایی شاهنشاهی ایران توانایی خود را در راه اندازی و تعمیر و نگهداری هواپیماهای کی.سی-۷۴۷ ثابت کرده است.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه: به نیروی هوایی شاهنشاهی انعطاف پذیری بیشتری برای حفاظت از مناطق وسیع تر با تعداد جنگنده های ثابت را می دهد.

(۲) ایجاد توانایی های جدید: گسترش توانایی فعلی.

ص: ۳۲۲

سیستم: مهمات

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال

تأییدنامه پیشنهاد و قبول

تقاضای کلسال مالی ۷۹سال مالی ۸۰سال مالی ۸۱سال مالی ۸۲

نیروی زمینی شاهنشاهی۴۰

میلیون دلار۲۵

میلیون دلار۲۵

میلیون دلار۲۵

میلیون دلار

نیروی هوایی شاهنشاهی۵۰

میلیون دلار۹۱

میلیون دلار۴۰۰

میلیون دلاربسیار ناچیز

نیروی دریایی شاهنشاهیبسیار ناچیزبسیار ناچیز۲۵

میلیون دلار۲۵

میلیون دلار

۲- هزینه های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

میلیون دلار۱۱۶

میلیون دلار۴۵۰

میلیون دلار۵۰

میلیون دلار

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

نیروی زمینی شاهنشاهی- برآوردها بیانگر پیش بینی خریدهای سالیانه مهمات است.

نیروی هوایی شاهنشاهی- سال مالی ۷۹ برآورد انباشت اولیه تأمین ذخیره یک جنگ ۹۰

روزه.

سال مالی ۸۰ برآورد انباشت نهایی تأمین ذخیره یک جنگ ۹۰

روزه.

سال مالی ۸۱ برآورد مهمات اضافی لازم برای هواپیماهای

اضافی اف-۱۴ و اف-۱۶ است.

نیروی دریایی شاهنشاهی- برآوردها بیانگر پیش بینی خریدهای سالیانه مهمات است.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

خیر

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

خیر؛ مهمات مزبور از نوع مهماتی است که هم اینک در خدمت نیروهای نظامی ایران قرار دارد.

الف- (۹) تأثیر اقتصادی خرید اقلام و خدمات پیش بینی شده بر اهداف اقتصادی و ذخایر ارزی:

تدوین و ابلاغ برنامه ششم توسعه اقتصادی ایران که اهداف توسعه اقتصادی کشور را برای سال های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۲ تعیین می کند، یک سال به تأخیر افتاده است. اطلاعات موجود نشان می دهد که اهداف اقتصادی برای این دوره ۷ درصد رشد تولید ناخالص ملی و ۱۰ درصد رشد اقتصاد غیرنفتی خواهد بود. پیش بینی ها (نگاه کنید به صفحه ۱۰ پیوست یک) مطابق با این میزان رشد تولید ناخالص ملی و احتساب ۱۰ درصد نرخ تورم داخلی صورت گرفته است.

برنامه ریزان اقتصادی ایران از برنامه های دفاعی آتی، حداقل از این جهت که این برنامه ها نیاز به منابع را افزایش می دهد، نفعی نمی برند. علاوه بر این، فرض ها و متدولوژی سازمان برنامه و بودجه شامل هیچگونه موازنه ای بین بودجه نظامی و غیرنظامی نیست. بنابراین، نیازمندی های نظامی به منابع برای این دوره برنامه ریزی با فرض وضعیت نسبی آن در بودجه سالهای اخیر محاسبه شده است. بنابراین، میزان بودجه دفاعی پیش بینی شده (صفحه ۱۰) به موازات رشد کلی بودجه افزایش یافته است، به نحوی که تأثیر خرید اقلام و خدمات نظامی آمریکا بر سایر متغیرهای اقتصادی، چه تولید ناخالص ملی و چه بودجه کلی یا بودجه نظامی، در دوره ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ کمتر از سالهای اخیر خواهد بود. به نسبت کاهش بودجه دفاعی پیش بینی شده، پیش بینی میزان خرید اقلام و خدمات نظامی آمریکایی نیز از ۲۲ و ۲۹ درصد در سال ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ به متوسط ۹/۱۴ درصد کاهش یافته است، بدین معنا که فشار به منابع موجود که باید برای توسعه اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد، کمتر از حال حاضر خواهد بود. به همین ترتیب، تأثیر بر ذخایر ارزی نیز نسبتاً کمتر خواهد بود، به ویژه اگر، چنانکه شرایط حاضر نشان می دهد، قیمت های نفت در اوایل دهه ۱۹۸۰ افزایش یابد.

الف- (۱۰) تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

به تفکیک هر یک از موارد در بخش الف (۸) ذکر شده است.

الف- (۱۱) حقوق بشر:

در سالهای اخیر ایران سعی داشته است تنش های حاصله از اهداف امنیت ملی، تمایل بیشتر به مشارکت سیاسی و فشار برای آزادی های مدنی بیشتر در بحبوحه تنش های اجتماعی ناشی از روند تند مدرن سازی را فرونشاند.

در این شرایط، ایران پیشرفت موقت ولی قاطعی در زمینه آزادی های مدنی داشته است- هم اکنون عملاً همه ناراضیانی که قانون را نقض کرده اند به جای دادگاههای نظامی در دادگاههای غیرنظامی محاکمه می شوند، حالا مقالات بیشتری در انتقاد از دولت به چاپ می رسد، شکنجه در حکم یک ابزار سیاستی پلیس کنار گذاشته شده است، و نامزدهای

انتخاباتی نیز که در حزب رسمی کشور عضویت ندارند می توانند در انتخابات پارلمانی ملی سال ۱۹۷۹ شرکت کنند.

روابط امنیتی ایران با ایالات متحده پیچیدگی های خاصی دارد که شامل ملاحظات عدیده ایست: سنت خودکامگی حکومت در ایران، حساسیت بیش از حد به امنیت کشور، تنش های اجتماعی حاصل از مدرن سازی، و نوع برداشت کشور از ضرورت ثبات در منطقه.

ایالات متحده در برنامه ریزی مساعدت های امنیتی خود باید بر این امر اذعان داشته باشد که حقوق بشر اساسی در ایران دفاع از حق ملت برای ادامه حیات مستقل در برابر فشارهای خارجی، به ویژه از سوی اتحاد شوروی و هم پیمانان در منطقه است. در داخل ایران، حقوق بشر مستقیماً متأثر از رابطه نیروهای امنیتی و حقوق شهروندان آن است. ایران با مشکل تروریسم و تلاش برای براندازی حکومت مواجه است، با وجود این تلاش دارد فضای سیاسی را باز کند.

سیاست ایالات متحده باید تقویت و حمایت از این گام ها به سوی فضای بازتر و اصلاحات باشد. از آنجایی که دخالت نیرو های امنیتی در صحنه سیاست داخلی روز به روز کمتر می شود، سیاست ایالات متحده باید تضمین این امر باشد که نیروهای پلیس ایران می توانند حداکثر نظم را با حداقل خشونت در شرایط جدید که با آزادسازی فضای سیاسی همراه است، فراهم آورد.

با توجه به تهدیدهای خارجی نسبت به حقوق بشر در ایران، سیاست ایالات متحده باید کمک به دولت ایران در راستای کسب تسلیحاتی باشد که متقابلاً توافق داریم برای دفاع نظامی از مرزها و نقش منطقه ای ایران ضروری است.

در ارتباط با مسایل داخلی نظیر کمک به پلیس و نیروهای امنیتی، سیاست ایالات متحده باید تشویق خریدهایی باشد که به روند آزادسازی فضای سیاسی کمک می کند و منع خریدهایی باشد که به این روند کمکی نمی کند. علاوه بر این، همکاری نظامی و انتظامی با دولت ایران باید مشروط بر ادامه همکاری های اطلاعاتی بین دو کشور و همچنین حرکت به سوی معیارهای میثاق حقوق بشر سازمان ملل باشد.

الف- (۱۲) خلاصه ای از مساعدت های اقتصادی و نظامی سایر منابع:

۱- مساعدت های نظامی: نگاه کنید به صفحه ۴۰ پیوست.

۲- مساعدت های اقتصادی: خیر.

مساعدت های نظامی سایر منابع

۱- (بدون طبقه بندی) ایران تجهیزاتی نیز از چند کشور خارجی دیگر خریداری کرده و مستشارانی برای آموزش و پشتیبانی فنی از این کشورها به خدمت گرفته است.

۲- (محرمانه) برخی نمونه های عمده از مساعدت های کشور ثالث عبارتند از:

بریتانیا

تانک های چیفتن، خودروهای شناسایی، ناوچه، موشک های هاورکرافت، مستشاران آموزشی در نیروی دریایی

ایتالیا

هلیکوپتر

اتحاد شوروی

خودرو، توپخانه، تجهیزات پل سازی

فرانسه

قایق های گشتی

آلمان غربی

زیردریایی و ناوچه

هلند

ناوچه

اسرائیل

خمپاره، تجهیزات هدایت آتش

۳- (بدون طبقه بندی) بسیاری از کشورهای دیگر نیز به ایران مساعدت های نظامی داده یا به این روند ادامه می دهند. این کشورها شامل بلژیک، چکسلواکی، مجارستان، ژاپن، لهستان، سوئد، یوگسلاوی و اسپانیا هستند. اگرچه مشارکت اکثر این تولید کنندگان بسیار ناچیز بوده است، این امر نشان می دهد که ایران مایل است از کشورهای صنعتی دیگر، از جمله کشورهای کمونیست، نیز تجهیزات نظامی خریداری کند. از سوی دیگر، خرید از کشورهای ثالث مسایل آموزشی و لجستکی ایران را پیچیده تر می سازد. علاوه بر این، ممکن است این امر در صورت فشار بر منابع انسانی، موجب کاهش آمادگی عملیاتی شود. با وجود این، شاه از این مسایل آگاه است و مجدانه سعی دارد آنها را حل کند.

الف- (۱۳) (ج) نیروی انسانی سازمان مدیریت مساعدت های امنیتی:

در پاسخ به لزوم تهیه گزارش درباره سطوح نیروی انسانی در چارچوب برنامه مساعدت های امنیتی، سطح نیروی انسانی فعلی کاملاً قابل توجیه است زیرا امکان نیل به اهداف مرتبط با اجرای برنامه خریدهای نظامی خارجی را فراهم می آورد. تعداد نیروهای نظامی برای ارایه سیاست ها و هدایت روندها، مدیریت لجستیک، مدیریت قراردادهای خریدهای نظامی خارجی، حمل و نقل و اجرای قراردادها ضروری است. نیروهای غیرنظامی نیز برای امور منشی گری ضرورت دارد. سطح LWR نیز برای خدمات اداری وتایپ و ترجمه ضروری است. هرگونه کاهش در نیروی انسانی از سطح فعلی باید با توجه به تأثیر آن بر برنامه مساعدت های امنیتی انجام شود. تأثیر کاهش نیروی انسانی در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت.

تعداد نیروی انسانی سازمان مدیریت مساعدت های امنیتی

سال مالی ۸۰

سطحنظامیغیرنظامیLWRجمع کل

۱۱۴۲۱۸۳۴۱۹۴

۲۱۶۰۲۲۳۵۲۱۷

ص: ۳۲۶

۳۱۷۹۲۳۳۸۲۴۰

۴۱۸۶۲۶۴۱۲۵۳

سال مالی ۸۱

۱۱۴۲۱۸۳۴۱۹۴

۲۱۵۹۲۲۳۵۲۱۶

۳۱۷۸۲۳۳۸۲۳۹

۴۱۸۶۲۶۴۱۲۵۳

سال مالی ۸۲

۱۱۴۲۱۸۳۴۱۹۴

۲۱۵۹۲۲۳۵۲۱۶

۳۱۷۸۲۳۳۸۲۳۹

۴۱۸۶۲۶۴۱۲۵۳

کاهش احتمالی خرید های نظامی عمده ایران

سند شماره ۱۲۴

محرمانه۲۷ سپتامبر ۱۹۷۸– ۵ مهر ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

موضوع: کاهش احتمالی خرید های نظامی عمده ایران

۱– از شواهد و قراین روزافزون چنین بر می آید که تغییر اخیر محور برنامه های بودجه دولت ایران احتمالاً، در طول سال مالی آتی ایالات متحده، منجر به کاهش چشمگیر خرید تجهیزات نظامی از آمریکا در مقایسه با چند سال اخیر خواهد شد. با وجود این، شواهد موجود از کاهش مبالغ هنگفت پول که برای اجرای برنامه های خرید در چارچوب برنامه خریدهای نظامی

خارجی لازم است، حکایت نمی کند.

۲- ظاهراً دلایل کاهش احتمالی خرید های جدید، تغییر اولویت های دولت ایران به منظور پاسخگویی به نیازهای سیاسی داخلی، تورم و درک هر چه بیشتر ایرانی ها از هزینه های آتی سیستم های نظامی خریداری شده است.

۳- شواهدی که بر اساس آن پیش بینی می کنیم احتمالاً خریدهای نظامی جدید کاهش خواهد یافت، عبارتند از:

الف- تصمیم دولت ایران برای لغو خرید سه هواپیمای ۷۴۷ که قبلاً آنها را درخواست کرده بود.

ب- مشکلات بی سابقه ای که توفانیان در طول هفته های آخر سال مالی جاری ایالات

متحده برای کسب مجوز امضای تعداد زیادی از نامه های پیشنهاد و قبول داشت که منتظر امضا بودند. اگر چه در نهایت بسیاری از این نامه ها امضا شد، دولت ایران ارزش برخی قراردادها را بسیار کاهش داد و اجرای برخی دیگر را نیز به تعویق انداخت.

پ- اشاره خاص و روزافزون افسران ارشد ارتش ایران مبنی بر اینکه برنامه خریدهای عمده برای سال آتی یا کوچکتر خواهد شد و یا به تعویق خواهد افتاد.

ت- اشاره های خصوصی تیمسار ربیعی (فرمانده نیروی هوایی ایران) مبنی بر اینکه خرید تعداد بیشتر هواپیماهای اف-۱۴ احتمالاً قدری به تعویق خواهد افتاد و یا تعداد آنها کاهش خواهد یافت. ربیعی همچنین در برخی مذاکرات به لزوم توانایی بیشتر هوابرد اشاره کرده است.

ث- اظهار نظر «شخصی» توفانیان به نماینده سفارت در روز ۲۵ سپتامبر مبنی بر اینکه تعجبی نخواهد کرد اگر دولت ایران خرید نظامی جدید عمده ای در طول سال آتی نداشته باشد. توفانیان می گوید تکیه کلام شاه در هفته های اخیر عبارت بوده است از «صرفه جویی»، «کاهش» و «به تعویق انداختن». توفانیان افزود که در هفته های آتی شاه و او فهرست نیازمندی های نظامی سال ۱۹۷۷ ایران را کاملاً مرور خواهند کرد.

۴- احتمالاً زمان زیادی طول خواهد کشید تا تصمیمات مشخصی در ارتباط با این روند عمومی اتخاذ شود. ولی با توجه به تحولات جاری در ایران، شواهد موجود حاکی از روندی قابل درک است. در طول هفته های آتی، ما و میهمانان واشنگتنی مان گوش به زنگ خواهیم بود تا ببینیم رویدادهای اخیر، برنامه معاملات تسلیحاتی خارجی ایران را به کدام سو سوق خواهند داد. سولیوان

سند گزارش به کنگره در ارتباط با برنامه مساعدت های نظامی سال مالی ۱۹۸۰

سند شماره ۱۲۵

محرمانه۱۷ دسامبر ۱۹۷۸- ۲۶ آذر ۱۳۵۷

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران سرلشگر گاست

به: سفارت آمریکا، تهران مایلز گرین کنسول امور سیاسی- نظامی

موضوع: سند گزارش به کنگره در ارتباط با برنامه مساعدت های نظامی سال مالی ۱۹۸۰

۱- مرجع تلکس وزارت امور خارجه مورخ ۱ نوامبر ۱۹۷۸ (سرّی)، موضوع فوق.

۲- به پیوست پیش نویس پاسخی که از سوی نیروهای هیأت مستشاری به تلکس مرجع فوق تهیه شده است، ایفاد می گردد. خلاصه گزارش مقادیر و هزینه ها بر اساس اطلاعاتی که در برنامه اولویت بندی هیأت مستشاری نظامی موجود بوده تهیه شده است. توجیه و توصیف برنامه مساعدت های نظامی با توجه به گزارش تسلیمی ژوییه ۱۹۷۸ صورت گرفته است. طبق کتابچه فروش های مساعدت های نظامی، پیش بینی میزان دلاری یا محتویات موافقت نامه های خریدهای نظامی خارجی برای سال بودجه یا سال مالی بعد از آن دارای طبقه بندی هستند،

ولی بعد از ارایه سند گزارش به کنگره، برای بررسی سال مالی که پیش بینی ها برای آن انجام شده است، از طبقه بندی خارج می شود.

۳- از سوی دولت ایران اطلاع یافته ایم که خرید اقلام عمده دفاعی تا اطلاع ثانوی به تعویق خواهد افتاد. در راستای همین امر نیز هزینه هایی که برای سال مالی ۱۹۸۰ محاسبه شده است اصولاً شامل گسترش پایه پشتیبانی لجستیکی و سیستم های مرتبط با اقلامی می شود که قبلًا خریداری شده است.

۴- اطلاع یافته ایم که سفارت اسناد زیر را ارسال و این اقدام را تکمیل خواهد کرد:

الف- یادداشت سفیر به وزارت امور خارجه (که رونوشت های آن بین مقامات ذیربط توزیع خواهد شد.)

ب- اطلاعات مربوط به توجیه این برنامه.

فیلیپ. سی. گاست

سرلشگر نیروی هوایی ایالات متحده

رئیس هیأت مستشاری

توصیف برنامه

۱- اقلام، خدمات و آموزش های دفاعی که احتمالاً از ایالات متحده تقاضا خواهد شد- خریدهای نظامی خارجی- خریدهای تجاری:

میزان اقلام، خدمات و برنامه های آموزشی که احتمالاً ایران در سال مالی ۱۹۸۰ از ایالات متحده خریداری خواهد کرد، به شرح مندرج در جدول شماره ۱ است. ارزش دلاری این خریدها در جدول شماره ۲ درج شده است. این جداول بخشی از برنامه کلی خریدها را نشان می دهد که به منظور کمک به مدیریت برنامه خریدهای نظامی خارجی دولت ایران تا سقف مجاز انتقال سلاح، تهیه شده است. اطلاعات مندرج در ارتباط با قیمت و موجودی بر اساس دقیق ترین برآوردهای ممکن در کشور ایران ارایه شده اند.

۲- آماد هلیکوپتری مندرج در جداول بیانگر نیازمندی مرتبط با قراردادی است که یک سال زودتر مورد تصویب قرار گرفت و در چارچوب برنامه جاری ارایه شده است. تقاضای اضافی در چارچوب خریدهای نظامی خارجی- عملیات پیمانکاری برای شرکت پشتیبانی و نوسازی هلیکوپتری ایران (IHSRC)- به قرارداد WAL مربوط است. قرارداد WAL در اواخر سال ۱۹۷۷ از سوی دولت ایران به تصویب رسید. بعداً مشخص شد که ارزش قرارداد از لحاظ کل کارهایی که باید انجام می شد، کمتر

از میزان واقعی محاسـبه شده است. پیش بینی می شود سیسـتم توپ های هویتزر قدرت دفاعی ایران و توانایی فعلی آن را برای رفع نیاز به پشتیبانی بیشتر آتش متحرک تقویت کنـد. این نیاز بر اساس تحلیل تهدیـد و خط جبهه بسـیار طولانی ایران ارزیابی شده است. معمولاً هر دستگاه حمل دریایی ام-۵۴۸ برای حمل مهمات و خدمه

بـا یـک قبضه توپ خودکششـی همراه می شود و امکان جابجایی سراسـری خـدمه و مهمات لازم را برای اسـتقرار هویتزرهای خودکششـی جهت خـدمت بـا گردان هـای توپخـانه صـحرایی فراهم می آورد. ارتقـای تانـک هـای ام-۶۰ای.۱ نیروی زمینی شاهنشاهی موجب بهبود کیفی نیرو های زرهی بـدون نیاز به افزایش نیرو خواهـد شد. علاوه بر این، اصـلاحات فوق طول عمر سرویس دهی تانک های سری ام-۶۰ نیروی زمینی شاهنشاهی را افزایش و آنها را از لحاظ تکنولوژیکی با تانک هایی که در آینـده در اختیـار آن نیرو قرار می گیرد قابل مقایسه خواهـد کرد. اصـلاح هلیکوپترهای AH-۱J برای حمـل موشک های تاو توانایی آنها را برای اسـتفاده از موشک های ضـد تانک هـدایت شونـده سوار بر هلیکوپتر تا حـدود ۷۰ درصد افزایش خواهد داد. خرید جنگنده های تاکتیکی اف-۱۴ و اف-۱۶ به منظور افزایش توانایی عملیات ضدهوایی، و همچنین کمک به بمباران مواضع دشـمن، پشتیبانی نزدیک هوایی و پوشـش هوایی نیروی دریایی انجام خواهد شد. سیسـتم تانکر استراتژیک کی.سـی-۷۰۷ به منظور پشتیبانی از جنگنـده های موجود و همچنین «ایوکس ها» و جنگنـده هایی که در آینـده خریـداری خواهنـد شد، ضروری است. این تـانکر ها توانایی تجهیزاتی هواپیماهای پشتیبانی نزدیک هوایی را ارتقا داده و طول مـدت عملیات جنگنـده هـا را افزایش خواهـد داد. این تـانکر همچنین بُرد لازم برای عملیـات پشتیبـانی هوایی و دفاع هوایی از مرزها را از پایگاههای عملیاتی اصـلی افزایش می دهـد. خرید موقت هواپیماهای سـی-۱۳۰ قـدرت انعطـاف پـذیری نیروی هوایی شاهنشاهی و زمان واکنش برای پشتیبانی لجستیکی و باربری هوایی را بهبود می بخشـد. افزایش توانایی باربری هوایی امکان اسـتفاده از نیروهای موجود را در سـطحی وسـیع تر، بـدون نیاز به افزایش چشـمگیر سـخت افزار و نیرو به نیروی هوایی شاهنشاهی خواهد بخشـید. هـدف از برنامه PEACE LOG کمـک به نیروی هوایی شاهنشـاهی در نیـل به خودکفـایی لجستیکی تا سال ۱۹۸۳، و انجام عملیات پشتیبانی با کمترین اتکای ممکن به دولت های خارجی است. اعـداد و ارقام مربوط به برنامه PEACE LOG در سال مالی ۱۹۸۰ نشـان دهنـده نیازمنـدی قراردادی است که یک سال زودتر مورد تصویب قرار گرفت و در چارچوب برنامه جاری ارایه شده است. سیسـتم دفاع هوایی بهبود یافته، عموماً متشـکل از یک سیسـتم ارتقا یافته فرماندهی و کنترل مجتمع، رادارهای زمینی دوربُرد، و هواپیماهـای ایـوکس اسـت. رادار زمینی دوربُرد ای.دی.اس-۴ در حکم بخشـی از سیسـتم دفـاع هوایی ایران عملیات هواپیماهای ایوکس را در اسـتقرار یک سیسـتم هشدار دفاعی در کل مرز و داخل ایران که توسط سیستم های موجود پوشـش داده نمی شود، تکمیل خواهـد کرد. نیروی دریایی شاهنشاهی قصد دارد به منظور جایگزین کردن کشتی های موجود و افزایش توانـایی حفـاظت از خطوط دریـایی بسـیار مهم در زمـان بحران یا جنگ، ناوچه هایی را از تولیـد کننـدگان اروپایی خریـداری نمایـد. نیروی دریـایی ایران مایـل است این نـاوچه هـا بـا سیسـتم هـای رزمی آمریکایی به منظور عملیات مشترک، سازگاری و استاندارد سازی، در سایر کشتی های آمریکایی موجود در نیروی دریایی ایران ادغام شوند. سیستم لجستیکی

مجتمع با تعیین نیازمندی ها و کمبودها و سپس نظارت بر برنامه ها به منظور تضمین استقرار یک سیستم کارآمد، چارچوب های سازمانی و نیازهای زیربنایی تکمیلی را برای ایجاد یک سیستم کارآمد لجستکی در نیروی دریایی شاهنشاهی ارزیابی خواهد کرد.

خلاصه ای از میزان اقلام پیش بینی شده

هیأت مستشاری اطلاع یافته است که دولت ایران خریدهای عمده را تا اطلاع ثانوی به تعویق انداخته است.

با توجه به مشخص نبودن قصد دولت ایران، برنامه اولویت بندی هیأت مستشاری نظامی برای سال مالی ۱۹۸۰ به شرح زیر ایفاد می گردد. اقلامی که بیشترین احتمال خرید آنها از سوی دولت ایران وجود دارد شامل سیستم آماد هلیکوپتر، PEACE LOG، مدرن سازی تانک ام-۶۰، سیستم دفاع هوایی بهبودیافته، بعلاوه سیستم های پشتیبانی معمول مرتبط با هر یک از آنهاست.

ردیفسیستمسال مالی ۸۰

۱آماد هلیکوپتر۱

۲(اس.پی) هویتزر ۱۵۵م.م./ام-۱۰۹ای۱بی.۵۰

۳(اس.پی) هویتزر ۲۰۳ م.م./ام-۱۱۰ای۲ *

۴حمل و نقل دریایی، ام-۵۴۸۵۰

۵کیت مدرن سازی تانک، ام-۶۰ای.۳۴۶۰

۶مجهزسازی AH-۱J به موشک های تاو۴۶

۷تأسیسات بازسازی خودروهای شنی دارتعویق تا اطلاع ثانوی

۸جنگنده های تاکتیکی اف-۱۴*

۹تانکر های استراتژیک کی.سی-۷۰۷*

۱۰هواپیماهای باربری سی-۱۳۰۲۰

۱۱PEACE LOG۱

۱۳سیستم دفاع هوایی بهبودیافته-

۱۴جنگنده های تاکتیکی اف-۱۶*

۱۵استاندارد سازی ناوچه ها۱۲

۱۶سیستم لجستیکی مجتمع۱

۱- [ردیف مربوط به سال مالی ۱۹۸۰] مقادیر مذکور بیانگر سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول در برابر سقف مجاز ارزش دلاری دولت ایالات متحده است و نه سال تحویل. توصیه برای خریدهای جدید بر اساس تحلیل حوزه مأموریت، تهدیدها، ملاحظات تولید، ظرفیت جذب سیستم و پیش بینی سقف مجاز خریدهای نظامی خارجی دولت ایالات متحده آمریکاست.

۲- [ردیف ۱] نیازمندی های مربوط به قراردادهای تصویب شده در سال قبل (که در برنامه جاری ارایه شده است)

۳- [ردیف ۵] ارتقای تانک ام-۶۰ به ام-۶۰ای.۳

۴- [ردیف ۱۰] هواپیماهای ای.ام.اس.تی هنوز در مرحله تحقیق و توسعه (نمونه اولیه) قرار دارند و برای خریدهای نظامی خارجی قابل تحویل نیستند. هیأت مستشاری خرید موقت ۵۰ هواپیمای سی-۱۳۰ را تا اتخاذ تصمیم بر سر هواپیماهای ای.ام.اس.دی توصیه می کند.

۵- [ردیف ۳، ۸، ۹،۱۰، ۱۴] وضعیت نامشخص.

۶- [ردیف ۱۳] دولت ایران قبلاً- هفت رادار زمینی دوربُرد ای.دی.اس-۴ را در حکم بخشی از این سیستم خریداری کرده است. رادارهای ای.دی.اس-۴ خرید هواپیماهای ایوکس را که قبلاً تأیید شده است، تکمیل می کند.

سیستم تسلیحاتی- پشتیبانی

خلاصه برآورد هزینه های خرید

(به میلیون دلار)

هیأت مستشاری اطلاع یافته است که دولت ایران خریدهای عمده را تا اطلاع ثانوی به تعویق انداخته است. با توجه به مشخص نبودن قصد دولت ایران، برنامه اولویت بندی هیأت مستشاری نظامی برای سال مالی ۱۹۸۰ به شرح زیر ایفاد می گردد. اقلامی که بیشترین احتمال خرید آنها از سوی دولت ایران وجود دارد شامل سیستم آماد هلیکوپتر، PEACE LOG، مدرن سازی تانک ام-۶۰، سیستم دفاع هوایی بهبودیافته، بعلاوه سیستم های پشتیبانی معمول مرتبط با هر یک از آنهاست.

ردیفهزینه های اولیه سیستمسال مالی ۸۰

۱آماد هلیکوپتر۲۰۰

۲(اس.پی) هویتزر ۱۵۵م.م./ام-۱۰۹ای۱بی.۳۳

۳(اس.پی) هویتزر ۲۰۳ م.م./ام-۱۱۰ای۲ *

۴حمل و نقل دریایی، ام-۵۴۸۶

۵کیت مدرن سازی تانک، ام-۶۰ای.۳۹۲

۶مجهزسازی AH-۱J به موشک های تاو۳۵

۷تأسیسات بازسازی خودروهای شنی دارتعویق تا اطلاع ثانوی

۸جنگنده های تاکتیکی اف-۱۴*

۹تانکر های استراتژیک کی.سی-۷۰۷*

۱۰هواپیماهای باربری سی-۱۳۰۲۰۰

۱۱PEACE LOG۲۰۰

۱۳سیستم دفاع هوایی بهبودیافته-

۱۴جنگنده های تاکتیکی اف-۱۶*

۱۵استاندارد سازی ناوچه ها۲۷۰

۱۶سیستم لجستیکی مجتمع۶۵

جمع کل۱۱۰۱

سایر اطلاعات

۱۷پشتیبانی مرتبط سالیانه۱۰۵۰

۱۸نیاز به مهمات مرتبط۱۳۷

۱۹ذخایر مدیریتی۱۲

جمع کل۲۳۰۰

۱- [سال مالی] ارزش تقریبی قرارداد در زمان قبول پیشنهاد

۲- [هزینه های اولیه سیستم] هزینه های اولیه تقریبی سیستم شامل محصول نهایی، قطعات و مهمات اولیه، آموزش ها و هزینه های جاری عملیات و تعمیر و نگهداری.

۳- [ردیف ۱۷] بر اساس هزینه تقریبی برنامه تحویل شده. هزینه های TAFT/SAA نیز در آن گنجانده شده است.

۴- [ردیف ۱۸] هزینه تقریبی برای آموزش و ایجاد ذخیره جنگی.

۵- [ردیف ۸، ۹، ۱۰، ۱۴] وضعیت نامشخص.

۶- [ردیف ۱] علاوه بر ۲۰۰ میلیون دلاری که باید در سال مالی ۱۹۷۹ تأمین شود.

۷- [ردیف ۲] علاوه بر ۱۳۵ میلیون دلاری که باید در سال مالی ۱۹۷۹ تأمین شود.

۸- [ردیف ۴] علاوه بر ۳۹ دلاری که باید در سال مالی ۱۹۷۹ تأمین شود.

۹- [ردیف ۱۳] برنامه جاری در سال مالی ۱۹۸۰. انتظار نداریم که هیچ قرارداد خرید نظامی خارجی در سال مالی ۱۹۸۰ برای این برنامه به امضا برسد. پنجاه میلیون دلار به منظور ارتقای تأسیسات و عملیاتی کردن هفت رادار زمینی دوربرد که قبلاً از سوی دولت ایران در حکم بخشی از سیستم آی.ای.دی.اس. خریداری شده بود، پرداخت شده است.

۱۰- [ردیف ۱۵] علاوه بر ۸۰ میلیون دلاری که باید در سال مالی ۱۹۷۹ تأمین شود.

۱۱- [ردیف ۱۶] سیستم لجستیکی مجتمع نیروی دریایی شاهنشاهی ایران، علاوه بر ۵ میلیون دلاری که باید در سال ۱۹۷۹ تأمین شود.

منافع ایالات متحده و اهداف مساعدت های امنیتی

۱- منافع آمریکا در ایجاد رابطه مساعدت امنیتی با ایران

اهمیت اصلی ایران به موقعیت مهم جغرافیایی آن، جایگاهش در حکم یک تولید کننده عمده نفت و کشوری دارای ذخایر گازی عظیم، وابستگی شدید برخی از هم پیمانان اصلی ما و همچنین وابستگی کمتر ما به نفت ایران، و نقش نوظهور ایران در رهبری منطقه خلیج فارس به طور اخص و در منطقه به طور اعم است. ایران اساساً کشوری متمایل به غرب است، و این تمایل ناشی از مقاومت سنتی ایران در برابر هژمونی شوروی (و قبل از آن روسیه) بوده است. ایالات متحده آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم به این سو تلاش کرده است با حمایت از ایران در ایجاد اقتصاد و ارتشی قوی- و در نتیجه با ثبات- این نقش را تقویت کند. ایران نیز از طریق همکاری در چارچوب پیمان سنتو به طور دو جانبه حقوق، اختیارات و تسهیلاتی در اختیار ایالات متحده قرار داده است. به طور خلاصه، تقویت روز افزون ایران سهم به سزایی در حفظ منافع ملی مشترک ما دارد.

۲- اهداف مشخص مساعدت های امنیتی شامل موارد زیر می شود

الف- مساعدت به ایران در پرورش توانایی استفاده و تعمیر و نگهداری سیستم های تسلیحاتی کسب شده از ایالات متحده،

ب- مساعدت به ایران در توسعه نیرو های نظامی متعارف به منظور تضمین امنیت کشور، که به نوبه خود به حفظ ثبات کشور و حفاظت از منافع آمریکا کمک خواهد کرد،

پ- مساعدت به ایران در ایجاد و حفظ نیروهای رزمی و پشتیبانی لجستیک به منظور برآوردن نیازهای پیش بینی شده،

ت- مساعدت به ایران در ایجاد و حفظ توان کافی و عملیاتی بسیج نیروها،

ث- حمایت از ایجاد و حفظ همکاری های نزدیک تر منطقه ای به منظور مقاومت در برابر نفوذ کمونیسم علاوه بر اهداف دیگر،

ج- تضمین دسترسی مستمر ایالات متحده و جهان آزاد به منابع نفت و گاز،

چ- تشویق مشارکت ایران در ترتیبات امنیتی جمعی طرفدار غرب.

گزارش شلیک موشک هارپون [اژدر] توسط نیروی دریایی ایران

سند شماره ۱۲۶

محرمانه ۲۰ دسامبر ۱۹۷۸- ۲۹ آذر ۱۳۵۷

از: دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده، تهران به: سازمان اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سی

موضوع: گزارش شلیک موشک هارپون [اژدر] توسط نیروی دریایی ایران

منبع: ۶۸۴۶۰۰۰۸

خلاصه: این گزارش درباره آخرین اطلاعات به دست آمده از شلیک یک موشک هارپون

توسط نیروی دریایی ایران است.

مشروح گزارش: (محرمانه غیر قابل رؤیت برای بیگانگان)

منبع اطلاعات زیر را گزارش کرده است:

۱- دو قایق تندروی موشک انداز LACOMBATTANTE از کلاس KAMAN در این مانور شرکت داشتند. قایق فرماندهی کمان — ۱۱۵ بود. قایق پشتیبان هم از کلاس کمان بود (که نامش را نمی دانیم).

۲- به دلیل مشکل نشت سوخت، قایق فرماندهی کمان — ۱۱۵ کنترل آتش را به قایق پشتیبان سپرد.

۳- هدف تقریباً در ۷۴-۸۰ کیلومتری جنوب قایق موشک انداز بود. موقعیت قایق موشک انداز ۲۱ درجه و ۴۵ دقیقه شمالی و ۱۸۰ درجه شرقی-غربی از چابهار بود.

۴- هدف یک LSU بود.

۵- یک کشتی شوروی در منطقه جنوب شرقی کشتی هدف قرار داشت، ولی فاصله آن مشخص نبود. مشاهده شد هلیکوپتری که از کشتی شوروی برخاسته است پس از اصابت موشک به هدف، به دور هدف چرخ می زند.

۶- منبع گزارش داد که دو موشک هارپون معیوب در انبار نیروی دریایی ایران وجود دارد

موافقت ایالات متحده با تجدید موافقت نامه...

سند شماره ۱۲۷

۳ ژانویه ۱۹۷۹- ۱۳ دی ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: دولت ایران

[موضوع]: موافقت ایالات متحده با تجدید موافقت نامه

حضور هیأت نظامی این کشور در ایران

یادداشت شماره ۰۰۴

سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن تقدیم تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی ایران افتخار دارد عطف به یادداشت های آن وزارتخانه شاهنشاهی محترم به شماره های ۱۸/۷۴۱۱ مورخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۸؛ ۱۸/۸۸۱۶ مورخ ۱۷ اکتبر

۱۹۷۸؛ و ۱۸/۱۰۰۸۰ مورخ ۲۱ نوامبر ۱۹۷۸ مبنی بر تمایل دولت شاهنشاهی ایران برای تمدید موافقت نامه ۶ اکتبر ۱۹۴۷ در ارتباط با هیأت نظامی ایالات متحده در ایران به مدت یک سال دیگر، اظهار دارد که پس از کسب نظرات دولت ایالات متحده، این سفارت اختیار یافته است تا موافقت دولت آمریکا را با تجدید موافقت نامه ۶ اکتبر ۱۹۷۴ به مدت یک سال دیگر که از ۲۱ مارس ۱۹۷۹ شروع خواهد شد، به عرض برساند. سفارت موقع را برای تجدید ارادت خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی ایران مغتنم می شمارد.

سفارت ایالات متحده آمریکا، تهران ۳ ژانویه ۱۹۷۹

وضعیت برخی پیمانکاران نظامی و پروژه هایشان در ایران

سند شماره ۱۲۸

محرمانه۱۷ ژانویه ۱۹۷۹- ۲۷ دی ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

موضوع: وضعیت برخی پیمانکاران نظامی و پروژه هایشان در ایران

۱- در طول چند روز گذشته، کنسول سیاسی-نظامی سفارت وضعیت عملیات و نیروهای چندین شرکت بزرگ آمریکایی را که در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی یا قراردادهای مستقیم در پروژه های نظامی ایران فعالیت دارند بررسی کرده است. نتایج این بررسی عبارتند از: (الف) عملیات و تکمیل پروژه همه شرکت ها تا حد قابل توجهی، و در برخی موارد تا حد بحرانی، کاهش یافته و روند کار رو به کاهش است؛ (ب) به رغم این مسئله، همه شرکت ها قصد دارند تا آنجا که امکان دارد به تعهدات قراردادی شان عمل و اعتبار شرکت را برای آینده حفظ نمایند، هر چند احتمالاً قرارداد دو شرکت در آینده نزدیک تغییراتی خواهد کرد؛ (پ) تعداد نیروهای شرکت ها به حداقل لازم کاهش یافته است، ولی کمتر کسی مایل است هم اکنون ایران را ترک کند و روحیه نیروها به طور تعجب انگیزی بالاست؛ و (ت) علاوه بر احتمال عدم ایفای تعهدات قراردادی، بزرگترین و فوری ترین مشکلات موجود ناشی از سرخوردگی در زندگی روزمره است. در زیر خلاصه وضعیت چند شرکت، و نکاتی که در گفتگو با هیأت مستشاری نظامی به دست آمده، ذکر می گردد.

- لاکهید (برنامه PEACE LOG): کل نیروها به میزان بسیار ناچیزی کاهش یافته و به میزان فعلی ۴۴۰ نفر رسیده است. البته کارمندان جدیدی نیز به تازگی وارد تهران شده اند. مشکلات اصلی محل کار، نبود گرما و روشنایی است، که موجب کاهش بهره وری و غیبت کارمندان ایرانی می شود. مدیران لاکهید قصد دارند پروژه را ادامه دهند ولی معتقدند که هر چه بحران طولانی تر شود، نگاه داشتن نیروها در ایران نیز دشوارتر خواهد شد. شواهد دلالت بر آن دارد که نیروی هوایی شاهنشاهی ایران مایل به ادامه پروژه PEACE LOG است. اصولاً به نظر می رسد برنامه فوق وضعیت خوبی داشته باشد زیرا چندین ماه جلوتر از اهداف تعیین شده است.

- نورثروپ (برنامه پشتیبانی پایگاه هوایی در پایگاه خاتمی، بعلاوه برنامه های آموزش خلبانی و تعمیر و نگهداری هواپیماها): اخیراً استادان خود را از پایگاههای هوایی وحدتی (دزفول) و تبریز فراخوانده است، ولی برنامه پشتیبانی پایگاه هوایی در پایگاه خاتمی (اصفهان) در سطح حداقل ادامه دارد. دولت ایران هزینه فعالیت این شرکت را در سه ماهه جاری پرداخته است. با وجود این، دولت ایران باید خیلی زود هزینه فعالیت آن برای سه ماه آینده را نیز بپردازد. بسته به رویدادهای احتمالی هفته های آتی، شاید شرکت نورثروپ قرارداد پشتیبانی خود را در پایگاه خاتمی خاتمه یا کاهش دهد. ولی، به هر حال، اگر قرار باشد این کار را انجام دهد، بسیار آهسته و احتمالاً در طول دوره ای ۴ تا ۶ ماهه دست به چنین کاری خواهد

زد. احتمالاً شرکت نورثروپ مایل است در صورت امکان و با حفظ آبرو از قرارداد پشتیبانی پایگاه خاتمی خارج شود.

– شرکت هلیکوپترسازی بل اینترنشنال (آماد تهران؛ آموزش و عملیات در اصفهان و کرمانشاه): کل کارمندان شرکت که هم اکنون ۲۶۰۰ نفر هستند، ممکن است به ۲۰۰۰ نفر کاهش یابند، در حالی که شرکت قبلاً قدری بیشتر از ۴۰۰۰ نفر کارمند داشت. از ۹۹۰ اعضای خانواده کارمندانی که در ایران باقی مانده اند، فقط در حدود ۲۶۰ نفر آنها به خروج از ایران تمایل نشان داده اند.

به طور کلی، عملیات این شرکت در اصفهان و کرمانشاه با توجه به وضعیت در کوتاه مدت خوب بوده است، اگرچه نبود بنزین برنامه های آموزش پرواز را تعطیل کرده است. مشکل اصلی در آماد تهران است. نبود گرما و برق، تولید را به قدری بالا‌تر از صفر رسانده است. تنها فعالیت هایی که هم اینك در آماد تهران انجام می شود برنامه ریزی و تعمیر و نگهداری است. علاوه بر این، اگر قرار باشد فعالیت های آماد تهران از سر گرفته شود و ادامه یابد، باید تا ۱۵ فوریه قرارداد جدیدی با شرکت هلیکوپترسازی بل بسته شود. چنانچه برنامه آماد تهران متوقف شود، فعالیت های این شرکت در اصفهان و کرمانشاه نیز تا حد قابل توجهی کاهش خواهد یافت.

– TRW (برنامه ریزی برای نیروی هوایی شاهنشاهی ایران): برخی کارها در حال انجام است. به رغم دلمشغولی کارکنان به وضعیت جاری، روحیه ها خوب است. اکثر اعضای خانواده کارکنان، ایران را ترك کرده اند، به همین دلیل بیشتر کارکنان را در خانه هایی مجتمع ساخته اند که وضعیت سوخت در آن رضایت بخش است.

– ریتیون (موشك آی–هاوك): اگرچه شرکت قصد دارد تا آنجا که ممکن است به تعهداتش عمل کند، ولی فعالیت های آن در هفته های اخیر به میزان ۵۰ درصد کاهش یافته است. کار در کارگاههای تهران نزدیك دو هفته پیش متوقف شد. به تقاضای فرمانده پایگاه وحدتی، کلیه نیروها از تاریخ ۳۱ دسامبر از این پایگاه تخلیه شدند. برنامه عملیات و آموزش در پایگاه بوشهر، به دلیل اینکه همه نیروها در خود پایگاه اقامت دارند، کم و بیش عادی است. همه نیروها و دفاتر شرکت ها به هتل هیلتون انتقال یافته اند.

– گرومن (اف–۱۴): شرکت همچنان کلیه فعالیت های آموزشی و تعمیر و نگهداری را که بدون نیاز به بنزین ممکن باشد در اصفهان و شیراز انجام می دهد. در اصفهان، که مشکلات بسیار عدیده ای وجود داشته است، وضعیت امنیت، غذا و سوخت منازل فعلاً قابل تحمل است. اصلی ترین و فوری ترین مشکل کمبود بنزین است، زیرا کمیابی آن موجب شده است که هر روز فقط نیمی از آمریکایی ها بتوانند به سر کارهایشان بروند. به رغم این مشکلات، مدیران شرکت خوش بین هستند که نیروهایشان می توانند فعلاً در سطح حداقل کار را ادامه دهند.

سولیوان

وضعیت پیمانکاران نظامی

ص: ۳۳۷

سند شماره ۱۲۹

محرمانه۲۳ ژانویه ۱۹۷۹– ۳ بهمن ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

مرجع: سفارت ۰۸۲۲

موضوع: وضعیت پیمانکاران نظامی

۱– (محرمانه– تمام متن).

۲– از زمان ارسال تلکس مرجع تاکنون وضعیت پیمانکاران عمده دفاعی در ایران مدام وخیم تر شده است. سرعت کاهش فعالیت ها و پیچیدگی وضعیت هر دو افزایش یافته اند. در زیر آخرین وضعیت برخی پیمانکاران عمده ارسال می گردد.

۳– شرکت هلیکوپترسازی بل اینترنشنال: تیمسار توکلی، معاون وزارت دفاع در امور تسلیحاتی، به شرکت بل گفته است که وزارتخانه متبوعش قبل از ۱۵ فوریه «ترتیبات» جدیدی را برای آماد تهران با آن شرکت امضا خواهد کرد. ولی در این فرایند، شرکت بل باید دو تغییر عمده در قراردادهایش بدهد: (الف) هزینه «ترتیبات» جدید آماد باید با اختصاص بودجه متعلق به دو قرارداد دیگر شرکت بل (آموزش و عملیات) به این ترتیبات پوشش داده شود، و (ب) به جای برنامه ریزی برای ۲۰۰۰ کارمند در ایران، شرکت باید برای ۱۰۰۰ کارمند در ایران برنامه ریزی کند. واکنش مدیران شرکت این بود که چند روز وقت خواستند تا احتمالات و امکانات آتی را با هیأت مستشاری نظامی در میان بگذارند. نظر شخصی مدیران شرکت در ایران این بود که شرکت می خواهد موقعیت و پروژه خود را حتی الامکان حفظ کند، و اگر دولت ایران تصمیم گرفته که این کار با ۱۰۰۰ نفر انجام شود، بنابراین همین طور می شود.

۴– ریتیون: در تلکس مرجع گفته بودیم که فعالیت های شرکت طبق گزارش ها حداقل ۵۰ درصد کاهش یافته است. هم اینک مدیران شرکت در ایران کاهش فعالیت ها را ۷۵ درصد برآورد می کنند.

۵– نورثروپ: مقامات عالی رتبه نیروی هوایی شاهنشاهی به شرکت گفته اند که هزینه مربوط به سه ماه آینده فعالیت پشتیبانی شرکت در پایگاه خاتمی که از اول مارس شروع می شود پرداخت خواهد شد. با وجود این، شرکت نورثروپ چندان امیدی به این پرداخت ندارد و جداً به تعطیل کردن فعالیت های خود در طول چند ماه آتی می اندیشد.

۶– گرومن: وضعیت گرومن در اصفهان از زمان ارسال تلکس مرجع بسیار تغییر کرده است. اولین مشکل، عدم پرداخت هزینه فعالیت مدرسه آمریکایی ها از سوی دولت ایران است. گرومن فکر می کرد در صورت بسته شدن مدرسه، تعداد زیادی از اعضای خانواده کارکنانش ایران را ترک خواهند کرد. نهایتاً ایران با تسلیم یک چک در روز ۲۲ ژانویه موقتاً هزینه های

مـدرسه را متقبـل شـد و مـدرسه به مـدت چنـد هفته دیگر باز خواهـد بود. البته طبق گزارش ها چک مزبور در روز ۲۳ ژانویه برگشت خورده است. مسئله ای که اوضاع را سردرگم تر کرد،

اعتصابی است که از امروز صبح (۲۳ ژانویه) به رهبری همافرها در پایگاه هوایی خاتمی شروع شده است، و رهبران اعتصاب گفته اند که (الف) هر هواپیمایی که نیروی هوایی شاهنشاهی ایران بخواهد استفاده کند، خراب خواهند کرد، و (ب) مایل نیستند هیچ خارجی در فعالیت های نیروی هوایی مشارکت داشته باشد. گرومن همه نیروهای خود را از پایگاه خارج کرده است. گرومن درخواست کرده است دو هواپیمای دربست دیگر در طول سه روز آینده به اصفهان برود و اسباب و اثاثیه و همچنین کارمندان و اعضای خانواده هایشان را که مایل هستند، از ایران خارج سازد. مدیران شرکت معتقدند که فقط تعداد بسیار اندکی از نیروهایشان در اصفهان باقی خواهند ماند. سولیوان

یادداشت تفاهم

سند شماره ۱۳۰

[موضوع]: یادداشت تفاهم

این یادداشت تفاهم بین دولت ایالات متحده و دولت ایران به منظور اصلاح نامه های پیشنهاد و قبولی که در چارچوب معاملات تسلیحاتی خارجی بین طرفین به امضا رسیده و در حال اجراست، به امضا می رسد.

به موجب این یادداشت تفاهم، دولت ایران موافقت خود را با اقدام سریع دولت ایالات متحده مبنی بر اجرای موارد زیر اعلام می کند:

خاتمه و لغو کلیه اقدامات مربوط به تأمین برنامه ها- اقلام زیر:

- برنامه PEACE ZEBRA – کلیه قراردادهای موضوع برنامه خریدهای نظامی خارجی

- ۱۶۰ هواپیمای اف-۱۶ ای- بی، قطعات یدکی، AGE، Mods، مساعدت های فنی، آموزش و پشتیبانی (آماد فنی و پیمانکار)

- برنامه PEACE SKY- کلیه قراردادهای موضوع برنامه خریدهای نظامی خارجی

- ۷ هواپیمای ای-۳ ای، قطعات یدکی، AGE، Mods، مساعدت های فنی، آموزش و پشتیبانی (آماد فنی و پیمانکار)

- برنامه PEACE ROLL- کلیه قراردادهای موضوع برنامه خریدهای نظامی خارجی

- ۱۶ هواپیمای آر.اف-۴، قطعات یدکی، AGE، Mods، مساعدت های فنی، آموزش و پشتیبانی (آماد فنی و پیمانکار)

- کاهش تعداد اقلام قابل تحویل زیر به میزانی که در جدول ذکر شده است:

شرح اقلاممیزان کاهش

ناوشکن های سی.جی-۹۹۳، اسپراونس۲

زیردریایی، کوسه، اس.اس.۵۶۳۱

موشک، فونیکس، ای.آی.ام-۵۴ ای۴۴۴

موشک، هارپون، آر.جی.ام-۸۴۲۰۹

ص: ۳۳۹

موشک، استاندارد، اس.ام-۱۲۵۸

موشک، آی-هاوک، اکس.ام.آی.ان-۲۳ ب ۳۶۰

موشک، سایدویندر، ای.آی.ام-۹۳۶۲

موشک، اسپارو، ای.آی.ام-۷۳۶۲

اژدر، ام.کی-۴۶۲۱۴

اژدر ام.کی-۳۷۱۷۴

ای.سی.ام، ای.ال.کیو-۱۱۹همه اقلام

حمل و نقل دریایی، ام-۵۴۸۱۱۳

بریج، لانچر۱

هویتزر، ام-۱۱۰، ۸اینچ اس.پی.۹

تاو، ضد تانک۱۱۸۲

دراگن، ضد تانک۱۰۹۳۷

ای.پی.سی، ام-۱۱۳۱۰۸

جیپ، ام-۸۲۵۹۹

تریلر، ام-۱۱۸ ای ۱ (۶ تن)۱۱۷

تریلر، ام-۳۵۳ (۵/۳ تن)۶

مهمات

گلوله های توپ ۹۰ م.م (ای.پی-تی و هیت)؛ ۱۵۵ م.م؛ ۱۷۵ م.م؛

۱۰۵ م.م (هویتزر)؛ ۱۰۵ م.م (برای تانک های ام-۶۰)

۱۰۶ م.م.تمامی تحویل های خودکار به حالت تعلیق درآید و فقط بنا به درخواست ارسال شود

کـاهش کلیه قراردادهای پشتیبانی و تـدارکاتی تکمیلی دولت ایران که در چارچوب برنامه خریـدهای نظامی خارجی به امضـا رسـیده، از جملـه طرح مشـترک پشتیبـانی تـدارکات برای سیسـتم هـای مشـترک تسـلیحاتی کـه می تـوان بـا اسـتفاده از شـیوه درخواست مستقیم از دولت ایالات متحده آنها را اجرا کرد.

کـاهش و تجدیـد ساختـار کلیه قراردادهـای امضـا شـده در چـارچوب برنـامه خریـدهای نظامی خارجی برای اقلام پشتیبانی و خدماتی که پیمانکاران ارایه می دهند تا سطوح ذیل:

پیمانکارقرارداد معاملات تسلیحاتی خارجیسیستمسقف

شرکت بل هلیکوپتر اینترنشنال

,WAK, VZZ

WAL/WDCهلیکوپتر ۵۰۰

شرکت گرومن، هیوز، پرت و ویتنی، شرکت هریس، پی.آر.ی الکترونیکس دیویژن، شرکت تله کام سیستمز، بوز آلن GFZاف-۱۴/فونیکس ۶۰

ریتیون VSJ, WCC, VUUموشک آی-هاوک

تی.اس.کیو-۷۳۲۰

لیتن WAG, WDM

شرکت خدمات هواپیمایی لاکهید

ZAAPEACE LOG۹۷

متفرقه GJJپیمانکار

مهندسی

خدمات فنی ۵۰

کاهش هفتصد و سی (۷۳۰) نیروی نظامی و غیرنظامی دولت ایالات متحده که هم اینک در ایران در حال انجام مأموریت هستند (به رغم اجازه وزارت دفاع آمریکا برای اعزام ۹۶۹ نیرو به ایران) که دولت ایران به موجب قراردادهای معاملات تسلیحاتی خارجی برای گروه مستشاری نظامی، تیم های میدانی مساعدت های فنی و پشتیبانی به آنها حقوق می پردازد به میزان حداکثر ۲۵۰ نیروی مجاز.

دولت ایالات متحده آمریکا، از طریق سازمان مساعدت های امنیتی دفاعی، و دولت ایران، از طریق وزارت جنگ، موافقت می کنند که ظرف مدت سی (۳۰) روز تمامی قراردادها- برنامه های مفتوح خریدهای نظامی خارجی را به منظور حصول اطمینان از این مطلب مرور کنند که فقط آن دسته از خدمات و اقلام دفاعی که به بهترین نحو نیازهای فوری امنیتی ایران را برآورده می سازند و همچنین خرج هزینه برای آنها از محل وجوه امانی دولت ایران به صرفه تر است، تولید و تحویل خواهد شد.

دولت ایالات متحده آن بخش از وجوه خرج شده از حساب صندوق امانی دولت ایران را که بتوان به واسطه خاتمه و یا لغو قراردادهای تأمین قطعات، کاهش تحویل تعداد اقلام سفارش شده، کاهش مبلغ قراردادهای خدمات و پشتیبانی، و همچنین کاهش نامه های پیشنهاد و قبول قابل اجرا، جبران کند (به صندوق امانی دولت ایران) مسترد خواهد ساخت. تمامی مدارک مورد نیاز در خصوص مبالغ غیرقابل استرداد نیز برای بررسی و تأیید دولت ایران در اختیار آن قرار خواهد گرفت. دولت ایالات متحده حتی المقدور هرگونه دارایی باقیمانده و تحویل نشده را به وزارت دفاع آمریکا ویا سایر حساب های برنامه

معاملات تسلیحاتی خارجی خواهد فروخت تا مبلغ کامل آن را به صندوق امانی دولت ایران مسترد سازد. چنانچه قیمت فروش اقلام فوق کمتر از قیمتی باشد که دولت ایران برای آنها پرداخته است، دولت ایالات متحده قبل از فروش آن اقلام با دولت ایران تماس گرفته و موافقت آن را کسب خواهد کرد.

دولت ایران و دولت ایالات متحده به طور مشترک، در روز ۲۴ ژوییه ۱۹۷۹ و یا قبل از آن، طرح های اصلاح شده تأمین قطعات و تجهیزات و جدول زمانی تولید برنامه هایی را که به حالت تعلیق درآمده، از جمله تأثیر آنها بر هزینه ها و برنامه زمانی تحویل اقلام فوق مورد بررسی قرار می دهند تا دولت ایران بتواند برنامه های تحویل قطعات و تجهیزاتی را که باید ادامه یابد، خاتمه یابد و یا لغو شود، منوط به شرایط کلی نامه های پیشنهاد و قبول، مشخص نماید. دولت ایالات متحده نیز موافقت می نماید که سریعاً و پیش از ۲۴ ژوییه ۱۹۷۹ به دولت ایران اطلاع دهد که چه برنامه های تحویل قطعات و تجهیزاتی باید به دلیل انقضای شرایط تولید کاملاً لغو شود. دولت ایالات متحده همچنین موافقت می نماید که توصیه هایی را در ارتباط با این امر که مزایای ادامه اجرای کدام برنامه تحویل قطعات و تجهیزات بیشتر از بار مالی خاتمه و یا لغو قرارداد، به دلیل عدم نیاز دولت آمریکا و یا مشتریان دیگر برنامه خرید های نظامی خارجی به اقلام مزبور، خواهد بود در اختیار دولت ایران قرار دهد. قابل درک است که به منظور پرهیز از خاتمه قرارداد و امکان استرداد مبلغ کامل قراردادها (به صندوق امانی دولت ایران) از محل فروش مجدد دارایی های باقیمانده تحویل نشده، شاید لازم باشد دولت ایالات متحده آمریکا (برای مدت یک دوره کوتاه انتقالی) تا زمانی که فروش آنها به وزارت دفاع ایالات متحده و یا مشتریان دیگر برنامه خریدهای نظامی خارجی تصویب نشده و آنها مسئولیت مالی و هزینه های مربوط به اقلام فوق را بر عهده نگرفته اند، به انجام تعهدات و پرداخت هزینه از محل صندوق امانی دولت ایران ادامه دهد.

دولت ایالات متحده یک حساب بهره دار به نام دولت ایران افتتاح خواهد کرد تا وجوه خرج شده ای که مازاد بر تعهدات مالی دولت ایران به صندوق امانی مسترد می گردد، به آن حساب واریز شده و به آن بهره تعلق گیرد. علاوه بر این، دولت ایالات متحده کلیه وجوه خرج نشده را به این حساب انتقال خواهد داد. دولت ایران مجاز است موجودی این حساب را به هر حساب دیگری که از سوی دولت ایران برای معاملات تسلیحات خارجی تعیین شده است، انتقال دهد.

دولت ایالات متحده دولت ایران را کاملاً در جریان وضعیت حساب صندوق امانی دولت ایران و همچنین حساب جدید قرار خواهد داد.

این یادداشت تفاهم به محض امضا قابل اجرا و موثر است و تا زمانی که اصلاح و یا لغو نشود، کاملاً به قوت خود باقی خواهد ماند.

تهران تهران

۳ فوریه ۱۹۷۹ ۱۴/۱۱/۱۳۵۷

دولت ایالات متحده دولت ایران

اریک اف. فون ماربود سپهبد ج.ت. توکلی

معاون سازمان مساعدت های امنیتی دفاعی معاون وزارت جنگ در امور تسلیحاتی

فرماندهان جدید ارتش ایران

سند شماره ۱۳۱

محرمانه۲۶ مارس ۱۹۷۹– ۶ فروردین ۱۳۵۸

از: سازمان اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سیبه: دفتر وابسته دفاعی، تهران

موضوع: فرماندهان جدید ارتش ایران

۱– (محرمانه غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) دریادار هوشنگ آریانپور (بازنشسته): آخرین اطلاعاتی که درباره زندگینامه این شخص در دست داریم به ۱۵ اوت ۱۹۷۳ باز می گردد. در آن زمان، او جانشین فرماندهی لجستیک فنی در نیروی دریایی شاهنشاهی ایران بود.

آریانپور آموزش های اولیه را در انگلستان گذراند و مدتی در یک کشتی آموزشی متعلق به نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا (۱۹۴۵–۱۹۵۰) خدمت کرد و سپس وارد دانشکده فنی نیروی دریایی سلطنتی شد (۱۹۵۰–۱۹۵۳). او پس از گذراندن موفقیت آمیز امتحان نیروی دریایی بریتانیا در سال ۱۹۵۳ به درجه افسری مهندسی کشتی مفتخر شد. او همچنین در سال ۱۹۶۳ از دانشکده عالی نیروی دریایی ایالات متحده فارغ التحصیل و از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۳ عمدتاً به آموزش نیروها اشتغال داشت. از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۳ فرمانده پایگاه نیروی دریایی بندر عباس بود. متولد ۲۱ ژانویه ۱۹۲۹ در تهران، نام همسرش پروین، دارای دو فرزند، متوسط الجثه، قد ۵ فوت و ۹ اینچ، وزن ۱۵۰ پوند. انگلیسی خوب. طبق گزارش متمایل به آمریکا و طرفدار شاه بوده است.

۲– (محرمانه غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) دریابان محمود علوی (بازنشسته آوریل ۱۹۷۷). آخرین اطلاعاتی که از زندگینامه این شخص در دست داریم به آوریل ۱۹۷۶ باز می گردد، زمانی که به درجه دریاداری ارتقا یافت. در آن زمان او معاون فرماندهی جنگ، برنامه ریزی و سیاستگذاری بود و در همین پُست بازنشسته شد. او از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۱ در آکادمی نیروی دریایی سلطنتی انگلستان آموزش دید و از آن آکادمی فارغ التحصیل شد. او همچنین فارغ التحصیل دانشکده «مید شیپمن» انگلستان (۱۹۵۳) و دانشکده نظامی تهران (۱۹۵۳) است.

او از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۳ در دوره عمومی دانشکده عالی نیروی دریایی ایالات متحده شرکت کرد و در سال ۱۹۷۵ دوره مدیریت دفاعی افسران ارشد را پشت سر گذاشت. او مدتی در پُست افسر ناوبری خدمت کرد، سپس فرمانده یک ناو شد، بعد از آن به ستاد انتقال یافت. دارای هیکلی کوچک، نزدیک ۵ فوت و ۹ اینچ قد، ۱۴۰ پوند وزن، همسرش را طلاق داده، حضانت فرزندش با اوست، انگلیسی خوب. اطلاع زیادی درباره شخصیت او نداریم. به نظر می رسد که طرفدار یک نیروی دریایی مدرن با استفاده از مشاوران و تجهیزات آمریکایی است. طبق گزارش ها او فردی باهوش، پرکار، با نظراتی سنجیده و متمایل به آمریکاست. (بقیه سند ناخواناست)

سند شماره ۱۳۲

محرمانه۲۸ مارس ۱۹۷۹– ۸ فروردین ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهرانبه: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

موضوع: قراردادهای خریدهای نظامی خارجی نیروی دریایی ایران

۱– (بدون طبقه بندی) نامه رسمی زیر امروز از دفتر معاون وزارت دفاع ملی ایران خطاب به سرلشگر گاست، نماینده وزارت دفاع ایالات متحده مقیم در سفارت آمریکا در تهران، به دستمان رسید.

***

مرجع: ۱۴۰۱/۳۰۳–۰۱–۹۶–۲۵ تاریخ ۲۸ مارس ۱۹۷۹

موضوع: قراردادهای خریدهای نظامی خارجی

عطف به یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ و نامه شما مورخ ۲۶ مارس ۱۹۷۹

با ملاحظه و عنایت به نیازمندی های جدید، از دولت ایالات متحده خواهشمند است اقدامات زیر را مبذول دارد:

(۱) خاتمه دادن و لغو کلیه قراردادهای خریدهای نظامی خارجی مربوط به زیردریایی SS-۵۶۵ کلاس TANG

(۲) در ارتباط با زیردریایی SS-۵۶۶ کلاس TANG که تحویل شده است، خواهشمند است دولت ایالات متحده خرید این زیردریایی برای استفاده در نیروی دریایی ایالات متحده و یا فروش آن به کشور ثالث را مورد نظر قرار بدهد.

(۳) خاتمه دادن و لغو قرارداد خریدهای نظامی خارجی به شماره SAY-۴ و کلیه قراردادهای مربوط به خرید ۲ ناوشکن باقیمانده کلاس اسپراونس. همچنین خواهشمند است ایالات متحده بودجه لازم برای بازخرید دو ناوشکن فوق را از دولت ایران، تخصیص دهد.

(۴) فعال سازی قرارداد خرید نظامی خارجی به شماره ABM-۶ و تحویل مابقی موشک های تحویل نشده هارپون و لوازم متعلقه

سرهنگ ج. کامکار

معاون وزارت دفاع ملی در امور تسلیحات

***

۲- (محرمانه) هیچ فرصتی برای گفتگو درباره اقدامات فوق با دریادار علوی و یا سایر مقامات نیروی دریایی ایران پیدا نکرده ایم. وقتی نامه به دستمان رسید، سرهنگ کامکار خاطر نشان ساخت که برنامه های آموزشی خدمه ناوشکن های اسپراونس و زیر دریایی TANG باید خاتمه یابد و نیروهای ایرانی به کشور بازگردند.

۳- (محرمانه) تقاضا برای فعال سازی قرارداد موشک های هارپون که برای نصب بر قایق های گشتی کلاس LA COMBITANTE استفاده می شوند وضعیت بسیار حساسی ایجاد

می کنـد زیرا به اعتقـاد مـا سیسـتم کنترل آتش این قـایق هـا بـا این موشـک هـا تطبیق داده شـده است. خواهشـمند است ما را راهنمایی کنید که آیا موشک های هارپون ۶-ABM طبق خواسته ایران تحویل این کشور خواهد شد یا خیر. در صورت انجام نشـدن این خواسـته، آیا گزینه دیگری که برای نیروی دریایی ایران نسـبتاً جذاب باشد وجود دارد (مثلاً اصـلاح قرارداد FCS برای جایگزین کردن موشک ها؟)

مذاکرات وابسته دفاعی با جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی ایران

سند شماره ۱۳۳

سرّی – غیر قابل رؤیت برای بیگانگان۷ آوریل ۱۹۷۹– ۱۸ فروردین ۱۳۵۸

از: دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده، تهران

به: سازمان اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سی

موضوع: مذاکرات وابسته دفاعی با جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی ایران

منابع: مشاهدات شخصی

خلاصه: (سـرّی غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) این گزارش خلاصه ایست از مذاکرات نماینده دفاعی با دریادار علوی و شامل گزارش گفتگوهـایی است دربـاره انتصـاب دریـادار علوی به این پُست و مسـئولیت هـای جانشـین رئیس سـتاد نیروی دریایی؛ وضـعیت زیردریایی ایران؛ بررسـی وضعیت مستشاران نظامی آمریکایی، کشتی آمریکایی و وابسته دفاعی از سوی ایران؛ تغییر نیروها؛ هلیکوپترهای RH۵۳D؛ و سایر موارد متفرقه.

مشروح گزارش (سرّی- غیر قابل رؤیت برای بیگانگان)

الف- (محرمـانه) پیش زمینه: در تاریـخ ۴ آوریل ۱۹۷۹ سـرهنگ شافر (وابسـته دفاعی) و ناخدا سوم برایتن (هیأت مسـتشاری نظامی) با دریادار علوی، جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی ایران ملاقات کردند. این دیدار بسیار دوستانه، صریح، واقع بینانه و دور از تنش بود. دریادار علوی لباس شخصی به تن داشت و هیچ ایرانی دیگری در جلسه حاضر نبود.

ب- (سـرّی غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) سـئوالات دریادار علوی: در اوایل مذاکرات، دریادار علوی علاقه زیادی به ساختار سازمـانی، وظـایف و مسـئولیت هـای کـل وزارت دفـاع آمریکا نشان داد. سـئوالات او بیشتر حول محور این بود که چه کسـی ارتقای درجه و پُست ها را تأییـد می کنـد، نقش کنگره در انتخاب و تأیید این موارد چیست، و JCS و شورای امنیت ملی چه بخشـی از این تصویر کلی را تکمیـل می کننـد. او دیـاگرامی برایمـان ترسـیم کرد و گفت که فکر می کنـد نظام دفاعی ما بر اساس آن سازمان یافته باشد. ولی قصد واقعی او از چنین صـحبت هایی آن بود که به مدارک مربوط به ساختارهای سازمانی،

وظایف و مسـئولیت ها دست پیدا کند. او همچنین اظهار داشت که در حال بررسـی ساختارهای دفاعی سایر کشورها نیز است. اگرچه علوی اذعـان نکرد و یـا نگفت که مطالعاتی برای سازمان دهی آتی ساختار ارتش- دفاعی ایران انجام می دهـد، کاملاً واضح بود که یا علاقه ای شخصی به این مسئله دارد و یا برای

انجام این مطالعه دستوری صادر شده است. علوی مشخصاً از ما پرسید که کنگره در ارتباط با انتصاب ها و تصویب ارتقا های نظامی چه اقداماتی انجام می دهد و فرمانده عملیات نیروی دریایی چگونه انتخاب و تصویب می شود.

پ- (سرّی غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) زیردریایی ها: دریادار علوی گفت که مایل نیست زیردریایی آمریکایی (کلاس TANG) فعلاً به ایران بیاید. او گفت خدمه ایرانی به دلیل عدم انضباط و نداشتن آموزش های لازم، هنوز آمادگی بازگرداندن زیردریایی را ندارند. او افزود که ناخدا معالی در سفر قریب الوقوعش به ایالات متحده در مورد مسئله بازگرداندن زیردریایی مذاکره خواهد کرد. علوی در ارتباط با خرید زیر دریایی های آلمانی نیز گفت که این خریدها هنوز مفتوح هستند و ایرانی ها مایلند زیردریایی های آلمانی را به خدمت بگیرند.

ت- (محرمانه) انتصاب علوی و وظایف جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی: دریادار علوی گفت به این دلیل به نیروی دریایی بازگشته است که افسران و ناوی های نیروی دریایی او را می خواهند. آنها به او احترام می گذارند هرچند او را افسر سختگیری می دانند که به نظم اهمیت می دهد. علوی گفت به آنهایی که او را انتخاب کرده اند گفته است باید دستش در تصمیم گیری ها باز باشد. نماینده دفاعی از علوی پرسید وقتی اقداماتش در پُست فرماندهی باید به تصویب کمیته برسد، او چگونه می تواند وظایف فرماندهی اش را انجام دهد. علوی در پاسخ گفت اوست که تصمیم می گیرد و نه کمیته. علوی برای مثال گفت که اگر قرار باشد فلان کشتی را از فلان بندر به فلان بندر انتقال بدهد، اوست که تصمیم می گیرد. او افزود احتیاجی به کمیته ها نیست و کمیته ها منحل خواهند شد. وقتی نماینده دفاعی متذکر شد که اکثر تصمیمات نیروی هوایی ایران باید به تصویب کمیته برسد، علوی پاسخ داد که اخیراً با سرتیپ ایمانیان (رئیس ستاد نیروی هوایی) صحبت کرده و به او گفته است که باید استقلال رأی بیشتری از خودش نشان دهد. [ادامه سند یافت نشد]

خریدهای نظامی خارجی نیروی دریایی ایران

سند شماره ۱۳۴

محرمانه۸ آوریل ۱۹۷۹- ۱۹ فروردین ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهرانبه: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

مرجع: الف- وزارت دفاع ۳۱۱۷۱۳ز - ۳۱ مارس ۱۹۷۹، ب- وزارت دفاع ۳۱۲۲۴۹ز- ۳۱ مارس ۱۹۷۹، پ- وزارت دفاع ۰۶۰۰۵۰ز - ۶ آوریل ۱۹۷۹

موضوع: خریدهای نظامی خارجی نیروی دریایی ایران

۱- (محرمانه) اولین تماس های ناخدا سوم برایتن، نماینده نیروی دریایی آمریکا، با رهبری جدید نیروی دریایی ایران در طول چند روز گذشته دلگرم کننده بود. در میان سه نیروی ارتش، ظاهراً نیروی دریایی کمترین صدمه را از انقلاب دیده است و

پیش بینی می کنیم خیلی زود فعالیتش را در صحنه خریدهای نظامی خارجی شروع کند. علاوه بر این، نیروی دریایی

«مراقب خودش نیز هست.» بر خلاف سایر نیروهای ارتش، بازنشستگی افسران ارشد به تعویق افتاده است تا آنها بتوانند از مزایای کامل بازنشستگی بهره مند شوند. علاوه بر این، اطلاع یافته ایم که هیچ افسر ارشد نیروی دریایی در زندان نیست و رهبری جدید نیروی دریایی امیدوار است که افسران دون پایه تری را که «هنوز در زندان به سر می برند در اسرع وقت آزاد کند.» یکی از طرف های تماس در نیروی دریایی، دریادار علوی، کفیل جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی، گفت که «نیروی دریایی ایران در جریان انقلاب با درایت و انسانی رفتار کرد.» در میان نیروهای ارتش، فقط نیروی دریایی است که نسبتاً از نفوذ کمیته ها «آزاد» است. علوی می گوید در همین ارتباط به فرمانده نیروی هوایی گفته است که باید استقلال رأی بیشتر داشته باشد و کمتر از کمیته ها بترسد. علوی مدعی است که در تصمیم گیری ها «دستش باز است.»

۲- (محرمانه) اطلاع یافته ایم که قرار بود هفته گذشته یک تیم چهار نفره خریدهای نظامی خارجی نیروی دریایی ایران به واشنگتن سفر کند ولی به دلیل اینکه دریادار مدنی از وزارت دفاع به فرماندهی نیروی دریایی منصوب شد، این سفر به تعویق افتاد. دریادار علوی می گوید این سفر در آینده نزدیک انجام خواهد شد. او همچنین می گوید این تیم فقط قصد انجام تشریفات مقدماتی را ندارد، بلکه قرار است «وارد مذاکره شود» و دامنه وسیعی از مسایل مربوط به خریدهای نظامی خارجی را حل و فصل کند. مذاکرات مهم نیز از طریق تلفن با ایران انجام خواهد شد. در رأس این تیم ناخدا سوم فریدون معالی قرار دارد که قبلاً عضو هیأت رئیسه پروژه های نیروی دریایی ایران بود. اعضای دیگر نیز (دیکته نام آنها را دقیقاً نمی دانیم) طبق گزارش عبارتند از ناخدا سوم «سلتاد»، ناخدا سوم وحدت (از بخش لجستیک)، و یک نماینده از وزارت دفاع ایران. ژنرال گاست در ملاقاتی که روز شنبه با تیمسار معصومی داشت به سفر معالی اشاره کرد. ولی معصومی چیزی در مورد این سفر نشنیده بود، هر چند سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع در امور تسلیحات، گفته بود که خودش در ترتیب دادن این سفر دخالت دارد. ما پیشنهاد کرده ایم اطلاعات مورد نیاز تیم معالی را در اختیارشان بگذاریم و یا در ایالات متحده کمک شان کنیم، ولی هنوز پاسخی دریافت نکرده ایم. هنوز نمی دانیم که آیا سفر معالی فایده ای دارد یا خیر، به ویژه اگر بخواهند بدون پرداختن به مسایل بزرگتر در مورد برخی برنامه های خرید وارد مذاکره شوند. با وجود این، نیروی دریایی ایران را دلسرد نکرده ایم زیرا اعتقاد داریم که هر تماسی خوب است. دریادار علوی می گوید در صورت لزوم، نیروی دریایی قادر است ظرف مدت یک ماه یا بیشتر وجوه جدیدی بابت پشتیبانی قطعات یدکی بپردازد. مسئله قطعات یدکی در نیروی دریایی مثل نیروی هوایی یک مسئله مهم است. هر چند فکر نمی کنیم که عملاً مسایل مالی حل شود، معتقدیم که باید از هم اکنون امکان اجرای برخی قراردادهای جدید پشتیبانی پایه از نیروی دریایی ایران را (مثل خدمات DRP و ROR و برخی خدمات دیگر) مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم در مورد آنها با مقاماتی که از سوی ایران معرفی می شوند وارد مذاکره شویم.

۳- (محرمانه) رسیدگی به تقاضای ما برای ملاقات با جانشین جدید رئیس ستاد نیروی دریایی ایران (دریادار محمود علوی) و کفیل جدید مدیریت بخش لجستیک (ناخدا بهرام افضلی) تا بعد از برگزاری رفراندوم و نوروز «تصویب» نشد. ناخدا سوم برایتن ابتدا در تاریخ ۳ آوریل به مدت یک ساعت با افضلی ملاقات کرد و سپس در تاریخ ۴ آوریل به همان مدت با دریادار علوی دیدار و گفتگو داشت. هر دوی آنها در جریان وضعیت برنامه خریدهای نظامی خارجی قرار گرفتند و مسایلی که در مرجع (الف) تا (پ) آمده است مورد بحث و بررسی قرار گرفت. از نظر ما هر دو دیدار در ایجاد دیالوگ موفق بود و علوی به ما گفت «هر وقت بخواهیم» می توانیم با او ملاقات کنیم. وقتی ناخدا سوم برایتن صبح شنبه به ملاقات علوی رفت تا متعاقب دیدار قبلی شان برخی مسایلی را که فکر می کرد برای علوی جالب باشد به او بگوید، بدون هیچ مشکلی موفق به ملاقات او شد و برای مدت کوتاهی خیلی دوستانه با او صحبت کرد.

۴- (محرمانه) بازدید از دفتر نماینده نیروی دریایی در ساختمان ستاد. در همان روزِ ملاقات با علوی، از دفتر دریادار مجیدی با ناخدا سوم برایتن تماس گرفتند و به او اطلاع دادند می تواند برای جمع آوری وسایل شخصی دریادار کالین به دفاتر قدیمی نمایندگی نیروی دریایی آمریکا در ساختمان ستاد نیروی دریایی برود. برایتن مشاهده کرد که ایرانی ها دفتر کالین و دفاتر چسبیده به آن را ظاهراً برای پیدا کردن اسلحه کاملاً زیر و رو کرده اند. دفتر اداری نمایندگی نیروی دریایی در آن طرف راهرو هنوز با همان قفل اصلی اش بسته بود. ظاهراً درون آن دست نخورده بود. دفتر تدارکات تمیز و جمع و جور شده بود (همه اقلام پراکنده را درون جعبه گذاشته بودند) و فایل ها را هم به سوی دیوار برگردانده بودند (تا کسی نتواند آنها را باز کند). فایل ها همه دست نخورده بود و ظاهراً هیچ کس آنها را نگشته بود. برایتن اجازه نیافت سایر دفاتر را نیز بازدید کند، ولی در ملاقاتی که بعداً با علوی داشت، علوی به او گفت که می تواند به این دفاتر و یا فایل های طبقه بندی شده دسترسی داشته باشد. علوی گفت: «مسلماً این چیزها به شما تعلق دارد.» ناخدا سوم برایتن به هنگام بازدید از دفاتر نماینده نیروی دریایی موفق شد خیلی کوتاه دریادار مجیدی را نیز ببیند. مجیدی هنوز در همان دفتر قدیمی اش چسبیده به بخش نمایندگی نیروی دریایی آمریکا کار می کند ولی دیگر دارد بازنشسته می شود. ناخدا سوم برایتن همچنین دریادار جهانبانی را دید که از دفتر فرمانده کل نیروی دریایی (که حالا به مدنی تعلق دارد) بیرون آمد ولی فرصت نیافت که با این دریادار قدیمی نیروی دریایی ایران سلام و علیک کند.

۵- (محرمانه) ملاقات با افضلی. افضلی پیش از آنکه به بخش لجستیک بیاید، معاون بخش مدیریت فنی بود. افضلی در مسایل لجستیک آدم واردی است و حرفی برای گفتن دارد. او «غیررسمی» صحبت می کند، ولی ظاهراً در جلسات سیاستگذاری که برای آماده کردن تیم معالی برای مذاکره در واشنگتن تشکیل شده است، نفوذ زیادی دارد. در طول ملاقات با

افضلی شخص دیگری به نام ناخدا مدنی (هیچ رابطه ای با مدنی، فرمانده نیروی دریایی ندارد) نیز حضور داشت که ساکت بود. در طول این ملاقات او حتی یک کلمه هم حرف نزد. هر دو افسر ایرانی اونیفورم به تن داشتند (بدون RIBBON). این دیدار بسیار دوستانه و جدی بود. در ارتباط با برنامه خریدهای نظامی خارجی، افضلی به نکات زیر اشاره کرد: (الف) سازمان «نیروی دریایی ملی اسلامی ایران» هیچ فرقی با سازمان «نیروی دریایی ایران» ندارد و فقط رهبران آن عوض شده اند؛ (ب) جلسات طولانی زیادی برای مهیا کردن تیم معالی برای سفر به واشنگتن تشکیل شده است؛ (پ) تیم معالی شامل نمایندگانی خواهد بود که آمادگی بحث و بررسی کلیه مشکلات اساسی و مبرم را دارند. آنها مجاز به «مذاکره» هستند ولی در عین حال از طریق تلفن کاملاً با ایران تماس خواهند داشت؛ (ت) فقدان پشتیبانی تدارکاتی فعلاً اساسی ترین مشکل است؛ (ث) افضلی در ارتباط با نبود اعتبار کافی در صندوق امانی و تأثیراتش بر تدارکات گفت که امیدوار است ایالات متحده به آنها «کمک» کند تا در تلاش هایشان موفق شوند (معنایش این است که تغییر در رهبری به نفع هیچیک از طرفین نیست). افضلی گفت شایعاتی شنیده است: (۱) حال که کارآموزان نیروی دریایی ایران در آمریکا مهارت های لازم را فرا گرفته اند، دارند به استخدام نیروی دریایی آمریکا در می آیند، (۲) و اینکه نیروی دریایی آمریکا مایل به باز خرید هلیکوپترهای RH۵۳D است. ما شایعه اول را قبلاً نشنیده بودیم و گفتیم شاید برخی از نفرات نیروی دریایی ایران درخواست کرده اند به جای بازگشت به ایران در ایالات متحده بمانند. افضلی نگران این بود که شاید آمریکا این اجازه را به آنها بدهد. ناخدا سوم برایتن دومین شایعه، یعنی تمایل به باز خرید هلیکوپترهای RH۵۳D، را تأیید کرد. افضلی پیشنهاد کرد تمایل خود را به صورت کتبی ابراز کنیم، ولی برایتن پاسخ داد که شاید وقت مناسبی برای این کار نباشد زیرا ممکن است برخی آن را تلاش برای اعمال نفوذ تعبیر کنند. ما نیز موارد زیر را به آنها خاطر نشان کردیم: چنانچه نیروی دریایی ایران در تصمیمش جدی باشد، می تواند فهرستی از تمامی اقلامی که فکر می کند دیگر نیازی به آنها ندارد، همراه با قیمت پیشنهادی تهیه کند. دولت ایالات متحده این فهرست را به منظور بررسی امکان باز خرید و یا خرید آنها برای کشورهای ثالث مورد نظر قرار خواهد داد. ایران می تواند هلیکوپترهای RH۵۳D را نیز در این فهرست ذکر کند. قیمت باز خرید به وضعیت نگهداری اقلام بستگی دارد. (افضلی گفت هلیکوپترهای RH۵۳D «تیپ ۲ یا ۳ نگهداری شده است»). در خاتمه افضلی گفت این ملاقات «بسیار ثمربخش» بوده است. روز بعد وقتی برایتن افضلی را خیلی کوتاه در ساختمان ستاد ملاقات کرد، او گفت «داریم مدارک را بررسی می کنیم» (منظورش گزارش هایی بود که روز قبل به او داده بودیم.»

۶- (محرمانه) ملاقات با دریادار علوی. ملاقات ما ساعت ۱۷:۰۰ صورت گرفت، و با اینکه دیر وقت بود ولی بسیاری از افسران و کارمندان ستاد هنوز در حال کار بودند. هر چند که محل پذیرش میهمانان پُر بود، ولی به محض اینکه ناخدا سوم برایتن به آنجا وارد شد، به

داخـل دفتر علوی راهنمایی شـد. سـرهنگ شافر، وابسـته دفاعی آمریکا، نیز ده دقیقه بعـد به جمع ما پیوست (او از این فرصـت اسـتفاده کرده بود تا با علوی ملاقات کند زیرا پاسخ به درخواست ملاقات از طریق دفتر وابسـته دفاعی به دسـتمان رسیده بود). رفتـار علوی بسـیار دوسـتانه بود. او از این ملاقـات و تمایـل مـا به کمـک تشـکر کرد. علوی به ویژه از تلاش های ناخـدا سوم «هـک» از نیروی دریـایی آمریکـا تشـکر کرد و گفت زمـانی که معاون بخش عملیات، اطلاعات و ارتباطات بود، ناخـدا هک کمک های زیادی به او کرده است. فکر می کنیم این ماجرا به دو سال پیش بر می گردد که علوی هنوز بازنشسـته نشـده بود. علوی گفت پسـرش دانشجوی USC اسـت و یـک برادر هـم دارد که در آمریکـا به سـر می برد. او گفت برادرش اولین عمل پیوند قلب را در ایالات متحده انجام داده است (روی یک نوزاد در پنسـیلوانیا یا نیویورک). علوی خیلی محتاطانه و متواضعانه صحبت می کرد، ولی می خواست خیلی غیر مسـتقیم به مـا بفهمانـد که (الف) «آنهـا اصـرار کرده بودنـد که علوی به خـدمت بازگردد»، (ب) در بین افسـران خیلی «محبوبیت» دارد هر چنـد همه او را آدم «سـختگیری» می شـناختند (که به نظم و انضـباط خیلی اهمیت می دهـد). برایتن همـان روز شاهـد بـود که وقـتی علوی وارد اتـاق شـد، افسـران بلافاصـله به صورت خـبردار از جایشـان پریدنـد. نکـات دیگری که در مورد این ملاقات قابل ذکر است، عبارتنـد از: (پ) علوی نیاز به دانش فنی آمریکا در آینـده را قطعاً ضـروری می دانـد («از نظر او شـش ماه خیلی دیر است»). او گفت به محض تثبیت اوضاع داخل کشور و فراهم آمدن شرایط مساعد، از «تکنسین ها» دعوت می شود به ایران بیایند. (ت) علوی غیر مستقیم گفت دارند خیلی از فرماندهان را عوض می کنند و افراد بسیاری برای احراز پست های جدید معرفی کرده اند که صلاحیت آنها باید تصویب شود. علوی گفت نامزد فرمانـدهی ناوگان، شخصـی به نام ناخدا سـجادی است که فعلاً در آمریکا به سـر می برد. (البته شاید او از نامزدیش خبر نداشـته باشـد). ظـاهراً جانشـین فرمانـده ناوگـان که در پُست خـود ابقـا خواهـد شـد، ناخـدا سوم گلسـتان است. «کفیـل» فعلی فرمانـدهی ناوگان، ناخدا سوم علوی است. علوی گفت به محض تصویب انتصابات جدید، فهرست کاملی از فرماندهان جدید را در اختیـار مـا خواهـد گـذاشت. (ث) معلوم بود علوی علاقـه زیـادی به نحوه سازمـان وزارت دفاع آمریکا و JCS دارد. او سئوالاـتی در مـورد نحـوه انتصـاب هـا، بازنشسـتگی هـا، و اختیـارات آنهـا در ارتبـاط بـا رئیس جمهور و کنگره داشت. علوی همچنین نگاهی نیز به سیسـتم های فرانسه و آلمان داشت و حدس می زنیم که قصد دارد راه حلی برای مسایل «اساسـی» ناشی از سه نیرویی بودن ارتش و بهترین راه را برای رسـمی کردن انتصاب هایی که قصد انجامش را دارند، بیابد. ناخدا سوم برایتن در دیدار صبح شنبه اش با علوی، مراجع اساسی مرتبط با این سئوالات را در اختیار او گذاشت. علوی نیز از این لطف او تشکر کرد. علوی گفت تیمسـار فربـد، رئیس جدیـد سـتاد کـل نیروی های مسـلح، از او خواسـته است در این باره نظر بدهـد. علوی گفت فکر می کند بیشتر از هر کس دیگری در مورد این نوع مسایل سازمانی اطلاع داشته باشد. (ج) علوی در ارتباط با

وضعیت صندوق امانیِ خریدهای نظامی خارجی و تأثیر آن بر تجدید قراردادهای پشتیبانی، همان اطمینان خاطری را نشان داد که افضلی نشان داده بود. او گفت «آمریکا به ما کمک خواهد کرد». او گفت شاید در صورت لزوم بتوانند وجوه بیشتری بابت پشتیبانی قطعات یدکی پرداخت نمایند. او گفت که در حال بررسی باز خرید اقلام (از جمله هلیکوپترهای RH۵۳D) از سوی آمریکا هستند. آنها همچنین قصد دارند زیردریایی های آلمانی را بخرند ولی هنوز برای زیردریایی های کلاس TANG آمادگی ندارند. (حل و فصل مسئله زیردریایی یکی از اهداف سفر ناخدا سوم معالی است). علوی گفت عدم انضباط کامل خدمه می تواند در آینده نزدیک مشکلاتی در بهره برداری ایمن از این زیردریایی ایجاد کند و اینکه کارگاه کشتی سازی آنها ظرفیت پشتیبانی از این زیردریایی را ندارد.

۷- (محرمانه) ناخدا سوم برایتن در این هفته سعی می کند بار دیگر به دفاتر نماینده نیروی دریایی در ستاد دسترسی پیدا کند، مطالب طبقه بندی شده را از بین ببرد و با تیم خریدهای نظامی خارجی، معالی، مستقیماً تماس حاصل کند. به محض کسب اطلاعات جدید شما را در جریان قرار خواهیم داد.

ملاقات بین سرلشگر گاست، رئیس هیأت مستشاری نظامی آمریکا و...

سند شماره ۱۳۵

محرمانه۱۱ آوریل ۱۹۷۹- ۲۲ فروردین ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهرانبه: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: ملاقات بین سرلشگر گاست، رئیس هیأت مستشاری نظامی آمریکا و

سرتیپ صفری در روز ۱۱ آوریل ۱۹۷۹

۱- (محرمانه) در روز ۱۱ آوریل، ژنرال گاست، رئیس هیأت مستشاری، و سرهنگ وارنر از نیروی هوایی ایالات متحده، با سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع، بعلاوه دو تن از نیروهای زیر دستش و سرتیپ صفری، معاون فرماندهی لجستیک ستاد نیروی هوایی ایران، دیدار و گفتگو کردند. هدف از این ملاقات بحث و بررسی نیازمندی های پشتیبانی لجستیکی نیروی هوایی ایران بود. متوجه شدیم صفری از امضای یادداشت تفاهم ۳ فوریه و اقداماتی که متعاقب آن صورت گرفته است، اطلاع دارد.

۲- (محرمانه) سرتیپ صفری به ما اطلاع داد که هفت گروه در حال کار برای مشخص کردن ترکیب آتی نیروی هوایی هستند. آنها در حال بررسی تهدیدها، بازنویسی مأموریت ها، مشخص کردن ساختار مطلوب این نیرو و سپس توجیه هزینه ها هستند. صفری گفت هزینه پشتیبانی سیستم های تسلیحاتی عامل مهمی در نگهداری و استفاده از این سیستم ها خواهد بود. نیروی هوایی تاریخ ۵ می ۱۹۷۹ را برای تکمیل این بررسی ها قرار داده است. کامکار گفت نیروهای دیگر ارتش نیز موظف

به انجـام این بررسـی هـا شـده انـد. وزارت دفاع پس از تکمیل بررسـی های فوق، نتایـج و توصـیه ها را به نخست وزیر تسـلیم خواهد کرد.

۳- (محرمانه) تیمسار صفری نگران تدارکات و پشتیبانی تعمیر و نگهداری ناوگان اف-۴، اف-۵ و سی-۱۳۰ در کوتاه مدت است. او گفت که این وسط گیر کرده است. واحدهای عملیاتی و تعمیر و نگهداری و همچنین رئیس ستاد نیروی هوایی از او سورتی پرواز می خواهند؛ با وجود این، او هیچ ارتباطی با نیروی هوایی ایران برای پشتیبانی از این هواپیماها ندارد. نیروی هوایی ایران مایل است فعلاً تا زمان حل مسایل و مشکلات بزرگتر به اندازه کافی سورتی پرواز برای حفظ تسلط خدمه پرواز و مانور هواپیماها داشته باشد. صفری سپس پرسید که چه ترتیباتی می توان برای تهیه ملزومات مصرفی، قطعات یدکی و قطعات قابل تعمیر اضطراری اندیشید. برای مثال، نیروی هوایی ایران سفارش خود را به قطعات مورد نیاز برای حفظ تسلط خدمه محدود خواهد ساخت. پاسخ دادیم دولت ایالات متحده برای حفظ صندوق امانی مجبور به انجام اقدامات بسیار دشواری شده است، و اینکه برنامه خریدهای نظامی خارجی اساساً از هم پاشیده است. برای استقرار مجدد برنامه خریدهای نظامی خارجی به نامه های جدید پیشنهاد و قبول و مبالغ جدید نیاز است. صفری پرسید آیا موجودی صندوق امانی برای ملزومات اضطراری و تعمیر قطعات قابل تعمیر کافی است. پاسخ دادم که نمی توانم در این باره اظهار نظری کنم، ولی این درخواست را به وزارت دفاع آمریکا مخابره خواهم کرد. خلاصه این مذاکرات آن بود که ستاد نیروی هوایی ایران نامه ای از طریق کانال های معمول به وزارت دفاع آمریکا خواهد فرستاد و از آنها تقاضا خواهد کرد تا تیم کوچکی از فرماندهی لجستیک ستاد نیروی هوایی آمریکا به تهران بیاید و در مورد مشکلات مذاکره کند، رویه های کلی را مشخص نماید، و فعلاً زمینه را برای پشتیبانی موقت فراهم سازد.

۴- (محرمانه) تیمسار صفری بسیار نگران دستورات فنی بود و گفت که احساس می کند به خاطر رویه های منسوخ عملیاتی و تعمیر و نگهداری، پروازهای ناامنی دارند. او خواستار از سر گیری پشتیبانی دستورات فنی بود. گفتم که دستورات فنی می تواند در حداقل سطح اضطراری ارایه گردد و اینکه درخواست او را مخابره خواهم کرد. مسئله دستورات فنی در تلکس جداگانه ارسال خواهد شد.

۵- (محرمانه) نیروی هوایی ایران اذعان دارد که به منظور سفارش ساز و برگ باید AUTODIN را مجدداً برقرار کند. گفتیم دقیقاً نمی دانیم چه کاری می توان کرد، ولی در هر صورت دولت آمریکا احتمالاً- سایت ارتباطی ما را مجدداً فعال نخواهد کرد. گفتیم البته شاید این امکان وجود داشته باشد که در صورت دریافت یک درخواست رسمی به گزینه های دیگری فکر کنیم.

۶- (محرمانه) قبلاً از طرف نیروی دریایی ایران اطلاع یافته بودیم که قرار است تیمی به ریاست ناخدا سوم معالی به واشنگتن سفر کند و یکی از مأموریت های آن مذاکره بر سر مسایل خریدهای نظامی خارجی به جز برنامه آموزشی است. امروز متوجه شدیم که وزارت دفاع ایران سفر فوق را لغو کرده است، زیرا نمی خواهد که یک سازمان منفرد وارد مذاکره

شود. هنوز نمی دانیم آیا معالی ترتیبی برای خاتمه برنامه های آموزشی خواهد داد یا خیر.

۷- (محرمانه) ما انجام دو اقدام را در کوتاه مدت میسر می دانیم. (الف) چنانچه وزارت دفاع ملی ایران تقاضای سفر یک تیم کوچک را برای مذاکره بر سر برنامه موقت پشتیبانی لجستیک به تهران تصویب کرد، قویاً توصیه می کنیم که دولت ایالات متحده نظر مساعد نشان دهد. (ب) چنانچه وزارت دفاع ملی ایران تقاضا کرد یک تیم اطلاعاتی درباره اقدامات جاری مرتبط با یادداشت تفاهم ارایه دهد، قویاً توصیه می کنیم که دولت ایالات متحده با آن موافقت کند. از نظر ما، هر دو اقدام به نفع هر دو دولت است. هیچ یک از این تیم ها هیچ یک از طرفین را متعهد نمی سازد، ولی نقش مفیدی در تعیین روابط نظامی آتی دو کشور خواهند داشت. گاست

قراردادهای خریدهای نظامی خارجی

سند شماره ۱۳۶

محرمانه۱۹ آوریل ۱۹۷۹- ۳۰ فروردین ۱۳۵۸

از: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سیبه: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران

مرجع: هیأت مستشاری نظامی ۰۵۱۱۳۸ز - ۵ آوریل ۱۹۷۹

موضوع: قراردادهای خریدهای نظامی خارجی

۱- (محرمانه) اطلاعات زیر مربوط به مواردی است که در نامه مورخ ۳ آوریل ۱۹۷۹ وزارت دفاع ملی ایران مطرح شده است. (شماره ها مطابق نامه مزبور است)

(۱) (بدون طبقه بندی) کلیه خودروهای ایستگاه فرماندهی M۵۷۷ موضوع قراردادهای خریدهای نظامی خارجی تحویل شده است.

(۲) (محرمانه) خرید ۱۱۳ خودروی حمل و نقل دریایی M۵۴۸ به موجب یادداشت تفاهم مزبور لغو شده است.

(۳) (بدون طبقه بندی) کلیه خودروهای RECOVERY M۵۷۸ موضوع قراردادهای خریدهای نظامی خارجی به ایران تحویل شده است.

(۴) (محرمانه) خرید ۹ قبضه توپ ۸ اینچی هویتزر M۱۱۰ به موجب یادداشت تفاهم مزبور لغو شده است.

(۵) (محرمانه) ۳۰ لوله یدکی توپ های ۱۷۵ م.م. نگاه داشته شده است (بخشی از قرارداد IR-B-VNR).

(۶) (بدون طبقه بندی) کلیه توپ های ۱۷۵ م.م. موضوع قرارداد IR-B-VNR تحویل داده شده اند.

(۷) (بدون طبقه بندی) خرید کلیه موشک های «دراگن» به همراه «لانچر» آنها به موجب یادداشت تفاهم فوق لغو شده اند.

(۸) (محرمانه) کلیه تجهیزات ش.م.ر. نگاه داشته شده اند.

(۹) (بدون طبقه بندی) کلیه قراردادهای باقیمانده در ارتباط با خرید تجهیزات جنگ الکترونیکی برای نیروی زمینی ایران لغو خواهد شد.

(۱۰) (بدون طبقه بندی) کلیه خودروهای ۴/۱ تنی M۱۵۱ و خودروهای M۱۵۱A۲ موضوع قراردادهای خریدهای نظامی خارجی به ایران تحویل داده شده اند.

(۱۱) (محرمانه) محموله قطعات یدکی و تجهیزات برای نیروی زمینی ایران همچنان در حالت تعلیق موقت به سر می برد.

۲- (بدون طبقه بندی) می توانید وضعیت فوق را به اطلاع سرهنگ کامکار برسانید.

ملاقات نیروهای هیأت مستشاری با سرتیپ صفری، معاونت لجستیک...

سند شماره ۱۳۷

محرمانه ۲۵ آوریل ۱۹۷۹- ۵ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهرانبه: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

مرجع: هیأت مستشاری ۱۱ آوریل ۱۹۷۹

موضوع: ملاقات نیروهای هیأت مستشاری با سرتیپ صفری، معاونت لجستیک

نیروی هوایی اسلامی ایران ۲۴ آوریل ۱۹۷۹

۱- (محرمانه) در روز ۲۴ آوریل، سرهنگ دوم استول، ناخدا سوم شیرر و سرهنگ دوم مک ویلیامز با سرتیپ صفری و دو نفر از نیروهایش ملاقات کردند. هدف از این ملاقات گفتگو درباره نیازمندی های پشتیبانی لجستیکی نیروی هوایی ایران بود.

۲- (محرمانه) سرتیپ صفری اطلاع داد که سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع ملی، به هر یک از قوای ارتش گفته است که درباره پشتیبانی لجستیکی جاری و آتی بر اساس برنامه های موجود با دولت آمریکا مذاکره کنند. تیمسار صفری بر تمایل خود به سفر تیم کوچکی از طرف فرماندهی لجستیکی نیروی هوایی آمریکا (OSD/AFCL) به ایران به منظور بررسی و گفتگو درباره مشکلات، نیازهای واقعی و تعیین رویه هایی برای انجام قراردادهای جدید پشتیبانی لجستیکی تأکید کرد.

۳- (محرمانه) تیمسار صفری یک بار دیگر نگرانی خود را، موضوع مرجع (الف)، در ارتباط با عدم دریافت دستورات فنی اظهار داشت. او تقاضا کرد تا زمانی که ارتباطات عادی برقرار شود یک نسخه از دستورات فنی از طریق افسر رابط در پایگاه هوایی «مک گوائر» در اختیار آنها قرار گیرد. (این مسئله موضوع یک تلکس جداگانه است.)

۴- (محرمانه) سرهنگ دوم استول پرسید آیا نیروی هوایی ایران از سهمیه های آتی دانشکده فرماندهی و ستاد- جنگ استفاده خواهد کرد. تیمسار صفری پاسخ داد که این مسئله را با رئیس ستاد در میان می گذارد، ولی کلیه برنامه های آموزشی در حال یک تجدید نظر جامع است، و تا اواخر سال احتمالاً نتایج آن مشخص نخواهد شد. (مسئله سهمیه ها موضوع یک تلکس جداگانه است.)

۵- (محرمانه) سرهنگ دوم استول، ناخدا سوم شیرر را به عنوان نماینده هیأت مستشاری در خصوص هواپیماهای اف-۱۴ معرفی کرد و گفت که ایشان با مراحل تعمیر و نگهداری و عملیات این هواپیما آشنا هستند. سرتیپ صفری خاطر نشان کرد که نیروی هوایی ایران در حال تهیه گزارشی از وضعیت هواپیماهای اف-۱۴ در اصفهان و شیراز است و هر گونه نیاز به تعمیر، پشتیبانی و یا نگهداری را در آینده به اطلاع خواهد رساند. (ناخدا سوم شیرر برای گفتگوهای بیشتر با سرهنگ دوم «علی ها»، نماینده در امور جنگنده ها، ملاقات خواهد کرد.) تیمسار صفری ظاهراً از حضور نماینده ای برای هواپیماهای اف-۱۴ در کشور بسیار خشنود بود. امیدواریم بتوانیم از این فرصت برای کسب اطلاع بیشتر از وضعیت امنیتی هواپیماها، موشک ها و غیره استفاده کنیم.

۶- (محرمانه) سرهنگ دوم مک ویلیامز درخواست کتبی از سوی سرلشگر گاست مبنی بر بازگرداندن ده سیستم مخزن سوخت هوایی توسط هواپیماهای نیروی هوایی آمریکا به تیمسار صفری تسلیم کرد.

تیمسار صفری گفت فکر نمی کند مشکلی برای بازگرداندن این مخازن وجود داشته باشد. درباره این مسئله در آینده با سرلشگر گاست تماس خواهیم گرفت. سرهنگ دوم مک ویلیامز سپس پیشنهاد کرد که به منظور انتقال اموال و HHG دولت آمریکا از ایران، گروه کوچکی از هیأت مستشاری نظامی در قسمت نظامی فرودگاه مستقر شوند. تیمسار صفری گفت که در این ارتباط باید درخواستی کتبی از طرف سفارت آمریکا به وزارت امور خارجه تسلیم شود.

سرهنگ دوم مک ویلیامز از امکان سفر نیروهای نظامی آمریکا با هواپیماهای نیروی هوایی ایران به پایگاه هوایی مک گوائر سئوال کرد. یک بار دیگر تیمسار صفری همان پاسخ بالا را داد. ما فعلاً این دو تقاضا را پیگیری نخواهیم کرد.

۷- (محرمانه) چنانکه در تلکس مرجع نیز آمده است، تیمسار صفری بسیار نگران وضعیت کنونی و آتی برنامه پشتیبانی لجستیکی است. درخواست او برای تشکیل یک تیم مشترک فرماندهی لجستیکی نیروی هوایی آمریکا «در اسرع وقت» بیانگر همین موضوع است. یکبار دیگر توصیه می کنیم دولت آمریکا به این تقاضا پاسخ مثبت بدهد.

گاست

اقدامات شرکت گرومن در رابطه با ایران

سند شماره ۱۳۸

محرمانه۲ می ۱۹۷۹- ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سیبه: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران

موضوع: اقدامات شرکت گرومن در رابطه با ایران

۱– (محرمـانه) وزارت دفـاع امروز بـا خبر شـد که شـرکت گرومن قصـد دارد بیـانیه مطبوعاتی زیر را در ساعت ۱۷ روز ۲ می منتشر کند. این اقدام به رغم توصیه وزارت دفاع و وزارت

امور خارجه انجام می شود که به شرکت گرومن هشدار داده اند اقدام مزبور در زمانی که دولت آمریکا در ارتباط با موافقت نامه هایش با دولت ایران بسیار محتاطانه عمل می کند، مناسب نیست.

پیامدهای احتمالی این اقدام معلوم نیست، ولی به هر حال جهت اطلاع شما آخرین متنی را که به دست آورده ایم و ممکن است با اعلامیه اصلی تفاوت هایی داشته باشد، برایتان ارسال می کنیم.

۲- (بدون طبقه بندی) شروع:

مصالحه گرومن در دعوای حقوقی نمایندگان خرید ایران، مورخ ۲ می ۱۹۷۹

شرکت گرومن امروز اعلام کرد که در دعوای حقوقی ناشی از شکایت چندین نماینده خرید بابت پرداخت حق العمل در قرارداد سال ۱۹۷۴ برای فروش هواپیماهای اف-۱۴ به ایران که بین دولت آمریکا و ایران امضا شده بود، مصالحه کرده است. این ادعاها، که جمعاً شامل ۱/۲۱ میلیون دلار حق العمل بعلاوه ۱۰۰ میلیون دلار ادعای خسارت بابت توطئه ادعایی است، با پرداخت ۹/۱۱ میلیون دلار بعلاوه بهره قابل پرداخت آن برای مدت ۹ ماه، و مبلغ اضافی تا سقف ۴/۴ میلیون دلار بعلاوه بهره قابل پرداخت آن برای مدت ۶ سال حل و فصل شده است. در عین حال، شرکت گرومن اعلام کرده است با توجه به اینکه فعالیت های تجاری آن در ایران خاتمه یافته است، این شرکت دیگر هیچ تعهدی در رابطه با هواپیماهای اف-۱۴ ایران به رسمیت نمی شناسد و تنها تعهدی که در این ارتباط دارد ارسال قطعات یدکی به ارزش ۶/۱ میلیون دلار است که قبلاً ـ در چارچوب یک توافق قبلی برای ارسال قطعات یدکی به ارزش ۲۴ میلیون دلار، به صورت رایگان صورت گرفته است.

چنانچه در ارتباط با موافقت نامه فروش قطعات یدکی ادعایی علیه شرکت گرومن صورت گیرد، در این مصالحه فرمولی پیش بینی شده است که به موجب آن شرکت می تواند بخشی از ۴/۴ میلیون دلاری را که باید به نمایندگان خرید سابقش بپردازد، برای حل و فصل چنین ادعاهایی در طول ۶ سال آینده پرداخت نماید. مبالغ قابل پرداخت بستگی به تاریخ ادعا، نحوه حل و فصل دعوی (مصالحه یا رأی دادگاه) و هزینه های آن برای شرکت گرومن دارد. نمایندگان سابق خرید این تضمین را دارند که از مبلغ ۴/۴ میلیون دلار، حداقل مجموع مبالغی برابر با ۱ میلیون دلار به آنها پرداخته خواهد شد.

شرکت گرومن علت مصالحه را پرهیز از هزینه های سنگین دادرسی اعلام کرد که احتمال داشت نهایتاً از مبلغ مصالحه نیز بیشتر شود. شرکت گرومن فکر نمی کند که وجه المصالحه دعوای حقوقی مزبور و یا سایر موارد، تأثیر به سزایی بر وضعیت مالی آن بگذارد.

دولت سابق ایران مجموعاً ۸۰ هواپیمای اف-۱۴ خریده است که آخرین هواپیمای اف-۱۴ در ماه ژوییه ۱۹۷۸ به ایران تحویل داده شد و شرکت گرومن پول خود را کاملاً دریافت کرده است. پایان

پرداخت حق العمل به مأموران خرید از سوی شرکت گرومن

ص: ۳۵۶

شماره ۱۳۹

محرمانه۴ می ۱۹۷۹- ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سیبه: سفارت آمریکا، تهران

موضوع: پرداخت حق العمل به مأموران خرید از سوی شرکت گرومن

۱- در کمیته ممیزی که ماه فوریه برگزار شد، و در ارتباط با ادعای پرداخت حق العمل از سوی شرکت گرومن به مأموران ایرانی و همچنین منافع احتمالی برای مقامات شرکت گرومن از محل این پرداخت ها تحقیق می کند، از مسئول بخش خاور نزدیک-ایران سئوال شد که آیا مناسب می داند تلاش هایی برای مصاحبه با مقامات کنونی وسابق ایران در ارتباط با این پرداخت ها صورت گیرد. در آن زمان پاسخ دادیم که چنین رویکردی را به مقامات ایرانی توصیه نمی کنیم زیرا می تواند جان آنها را به مخاطره بیندازد. علاوه بر این، شرایط ایران چنان به هم ریخته بود که مطمئن نبودیم پاسخی به درخواست کمیته، ممیزی داده شود.

۲- در گفتگوی بعدی که در تاریخ ۳ می داشتیم، اعضای کمیته همچنان علاقه خود را مصاحبه با ایرانی ها ابراز داشتند. به آنها گفتیم که احتمالاً- حالا- امکان صحبت با تیمسار بازنشسته معصومی، دریاسالار بازنشسته اردلان، و آقای بهرامی وجود دارد. البته به آنها گفتیم که نمی دانیم آیا این افراد تمایلی به گفتگو دارند یا خیر، و اینکه دولت موقت ایران اجازه چنین تماس هایی را می دهد یا خیر، و یا اینکه سفارت اصلاً چنین رویکردی را توصیه خواهد کرد یا خیر.

۳- موجب امتنان است که بدون تماس با دولت ایران، نظرتان را درباره امکان مصاحبه کمیته ممیزی با ایرانی هایی که اطلاعاتی درباره قراردادهای گرومن دارند، به اطلاع برسانید. چنانچه سفارت با ترتیب دادن چنین گفتگوهایی موافقت داشته باشد، آیا صلاح می داند پیش از تماس با اشخاص مورد نظر، تقاضای کمیته ممیزی را به اطلاع دولت موقت ایران برساند؟

۴- علاوه بر این، موجب امتنان خواهد بود اگر سفارت با توجه به شرایط کنونی، اطلاع دهد که آیا تماس با وزارت دادگستری و دفاع ایران برای کسب سوابق موجود در ارتباط با فعالیت های گرومن صلاح است یا خیر. ونس

واگذاری زیر دریایی کوسه و عزیمت پرسنل ایرانی

سند شماره ۱۴۰

محرمانه۶ می ۱۹۷۹- ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

مرجع: الف- وزارت دفاع ۳۰۲۳۲۰ز - ۳۰ آوریل ۱۹۷۹

موضوع: واگذاری زیر دریایی کوسه و عزیمت پرسنل ایرانی

۱- (بدون طبقه بندی) نسخه پیش نویسی از نامه زیر از سوی دریادار علوی، جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی در تاریخ ۵ می ۱۹۷۹ به نماینده نیروی دریایی آمریکا تسلیم شد. (نامه

رسـمی از طریق کانال های دیپلماتیک در راه است.) موضوع این نامه عزیمت خدمه زیردریایی کوسه به ایران در تاریخ ۵ می است.

تاریخ: ۲ می ۱۹۷۹

شماره ۱۶۰۰-۰۴-۳۲/۳۴

از: نیروی دریایی ملی ایران (اداره خریدها)

به: نماینده نیروی دریایی ایالات متحده در ایران (وابسته)

موضوع: زیردریایی کوسه

۱- نظر به اینکه نیروهـای زیردریـایی کلاس TANG [کـوسه] در روز ۵ می ۱۹۷۹ از ایالات متحـده عزیمت خواهنـد کرد، نیروی دریـایی ملی ایران مایل است زیردریایی مزبور به نیروی دریایی ایالات متحـده بازگردانـده و نسـبت به فروش آن اقـدام شود.

دریادار مدنی، رئیس ستاد نیروی دریایی ملی ایران

***

۲- طبق مرجع (الف) رونوشت نامه زیر به طور دستی به دفتر سـرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع در امور تسلیحات، و نسخه های رسمی آن نیز به طور دستی به دفتر دریادار مدنی، رئیس ستاد نیروی دریایی، و دریادار علوی تسلیم شده است.

***

از: نماینده ارشد دفاعی ایالات متحده، سفارت آمریکا، تهران، تاریخ: ۳ می ۱۹۷۹

به: سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع ملی در امور تسلیحات، نیروهای مسلح اسلامی ملی ایران، تهران، ایران

موضوع: واگذاری زیردریایی کوسه (EX-USS TROUT)

۱- ناخـدا سـتوده، نماینده ارشد ارتش ملی ایران در واشـنگتن، طی ملاقاتی که در روز ۱۸ آوریل ۱۹۷۹ با دریادار التوگ، از نیروی دریایی ایالات متحـده، در واشـنگتن دی.سـی داشت اطلاع داد که دولت ایران قصد دارد تا تاریخ ۱۰ می ۱۹۷۹ تمامی خـدمه زیردریـایی کـوسه را به ایران بازگردانـد. نظر به این امر، و همچنین به منظـور روشن کردن وضـعیت کنـونی واگـذاری زیردریایی کوسه، احساس می کنم که تذکر چند نکته در ارتباط با این مسئله مهم باشد:

الف- چنـانکه در نامه مورخ ۵ آوریل ۱۹۷۹ سرلشـگر گـاست به معـاون وزارت دفاع ایران ذکر شـده و همانگونه که دریادار التوگ بار دیگر به ناخدا ستوده تأکید کرده است، دولت ایالات متحده هیچ تمایلی به بازخرید زیردریایی کوسه ندارد.

ب- از آنجایی که مالکیت و مسئولیت های مالی این زیردریایی به عهده دولت ایران است، چنانچه زیردریایی فوق در ایالات متحـده رهـا شود، هر گونه هزینه هـای احتمـالی برای سـلب مالکیت آن بر عهـده ایران و قابل برداشت از صـندوق امانی ایران خواهد بود، مگر اینکه از پیش

ترتیبات دیگری مورد توافق قرار گرفته باشد. دولت ایالات متحده تقاضا دارد که دولت ایران پیش از رها کردن زیردریایی فوق با اطلاعیه ای رسمی آن را مطلع سازد و اجازه برداشت از صندوق امانی را صادر نماید. با وجود این، چنانچه دولت ایران این مجوز و یا رهنمودهای دیگر را صادر نکند و زیردریایی کوسه را رها نماید، دولت ایالات متحده راه دیگری نخواهد داشت به جز اینکه هزینه های احتمالی را در هر صورت از محل صندوق امانی ایران جبران کند.

پ- همانگونه که دولت ایران درخواست نماید و در صورتی که فرصت مناسبی برای فروش زیردریایی مزبور ایجاد شود، دولت ایالات متحده حاضر است زیردریایی مزبور را به یک خریدار ثالث مناسب به قیمت کنونی بازار- بهترین قیمت بفروشد. با وجود این، هیچ تضمینی وجود ندارد که قیمت فروش برابر با مبلغی باشد که ایران پرداخته است. علاوه بر این، دولت ایران موظف است هزینه های نگهداری و تعمیر زیردریایی را تا پایان فروش آن متقبل شود.

ت- چنانچه دولت ایران از ایالات متحده بخواهد زیردریایی فوق را اسقاط کند، دولت آمریکا چنین کاری خواهد کرد، ولی چنین درخواستی باید کتباً صورت گیرد.

ث- چنانچه در زمانی که زیردریایی مزبور تحت تکفل ایالات متحده است، صندوق امانی قادر به پرداخت هزینه ها نشود، و شانسی هم برای فروش آن به یک کشور ثالث نباشد، دولت ایالات متحده برخلاف هر گونه ترتیبات دیگر، مجبور خواهد بود زیردریایی فوق را برای اسقاط بفروشد و وجوه آن را به صندوق امانی واریز نماید.

۲- از گفتگوهای ناخدا ستوده معلوم نبود که آیا دولت ایران قصد دارد نگهداری زیردریایی مزبور را به ایالات متحده واگذار نماید و یا می خواهد تعداد کمی از نیروی های ایرانی را به منظور حفظ امنیت و ایمنی در زیردریایی فوق باقی بگذارد تا تکلیف نهایی زیردریایی روشن شود. خاطر نشان می سازیم چنانچه دولت ایران قصد فروش زیردریایی مزبور را به کشور ثالثی داشته باشد، باید ملاحظات حقوقی و سیاسی این کار به دقت بررسی شود. چنین فروشی، اگر امکان داشته باشد، یک فرایند پیچیده است که در کوتاه مدت انجام نخواهد شد.

۳- هر وقت که مناسب بدانید آماده ایم در مورد این مسئله گفتگو کنیم و نهایت تلاش خود را در مساعدت به شما در سلب مالکیت موقت و نهایی زیردریایی کوسه مبذول خواهیم کرد.

ارادتمند

موریس تی. وارنر جی.آر، سرهنگ نیروی هوایی آمریکا مقیم در سفارت

رونوشت به دریادار مدنی، دریادار علوی در ستاد نیروی دریایی ملی ایران

***

[۴]- (محرمانه) در تماس تلفنی که روز ۵ می با سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع ملی در امور تسلیحات گرفتیم تا او را از مفاد نامه فوق مطلع سازیم، او اظهار داشت که باید تمامی

مسایل مربوط به نیروی دریایی به ستاد آن نیرو ارجاع شود. دریادار مدنی، رئیس ستاد نیروی دریایی، چند روزی است که از تهران خارج شده است ولی پیش بینی می شود روز ششم یا هفتم می به ستاد بازگردد، که در آن تاریخ سعی خواهیم کرد پاسخ او را به بند ۲ نامه فوق جویا شویم. در مرجع (الف) آمده بود که امکان فروش زیردریایی کوسه به یک کشور ثالث وجود دارد. نظر به اینکه جزییات امر را نمی دانیم، در مورد این مسئله با ایشان صحبت نخواهیم کرد. با وجود این، با توجه به بند ۱ نامه مدنی، خواهشمند است اطلاعات بیشتری در مورد امکان فروش زیردریایی و نقش ایران در یافتن یک خریدار دیگر و انجام معامله در اختیارمان بگذارید.

هواپیماهای آر. اف-۴ ای

سند شماره ۱۴۱

۱۴۰۱/۳۰۳-۰۱-۹۶-۸۸ ۷ می ۱۹۷۹- ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: معاون تسلیحاتی وزارت دفاع ملی ایران سرهنگ کامکار. ۸۸-۹۶-۰۱-۱۴۰۱/۳۰۳

به: نماینده وزارت دفاعی آمریکا در ایران سرلشگر گاست

موضوع: هواپیماهای آر. اف-۴ ای

عطف به یادداشت تفاهم فیمابین مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹، با توجه به نیازمندی های جدیدمان، خواهشمند است دولت آمریکا هشت هواپیمای آر.اف-۴ ای خریداری شده تحت کیس های SXK و SXA خریدهای نظامی خارجی را با تجهیزات و قطعات یدکی لازم تحویل نماید.

خواهشمند است در اسرع وقت جدول زمانی تحویل را به این معاونت اطلاع دهید.

سرهنگ جهانگیر کامکار

معاون تسلیحاتی وزارت دفاع ملی

پرداخت حق العمل از سوی شرکت گرومن به مأموران

سند شماره ۱۴۲

محرمانه۷ می ۱۹۷۹- ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی - فوری

مرجع: وزارت امور خارجه - ۱۱۳۵۲۷

موضوع: پرداخت حق العمل از سوی شرکت گرومن به مأموران

۱- (محرمانه- تمام متن. این تلکس به منظور ارایه گزارش و کسب تکلیف ارسال می شود.)

۲- خواهشمند است اطلاعات بیشتری در مورد کمیته ممیزی و محدوده ی تحقیقات این کمیته در اختیارمان بگذارید. تلکس مرجع، اولین اطلاعاتی است که در این باره به دست ما رسیده است.

۳- هیچ اطلاعی از محل اقامت و یا امکان دسترسی به دریاسالار اردلان نداریم. بهرامی نیز

در خصوص معاملات تسلیحاتی خارجی برای سرهنگ کامکار کار می کند. معصومی هم مشاور غیر رسمی در این امور است.

۴- نخست وزیر بازرگان و معاونش امیر انتظام در ملاقاتی که در روز ششم می با ما داشتند مشخصاً خواستار مساعدت های آمریکا در خصوص مشکلاتی شدند که ممکن است در ارتباط با قراردادها پیش بیاید. نوع رویکرد ما به مسئله شرکت گرومن می تواند پاسخ سریعی به این درخواست تلقی گردد.

۵- چنانکه می دانید، سوابقی که دولت ایران در اعتراض به پرداخت های احتمالی شرکت گرومن به مأموران خرید دارد، احتمالاً بسیار مفصل و حجیم خواهد بود، ولی کسی نمی داند که آیا این پرونده ها پیدا خواهد شد یا خیر. با توجه به این مورد، معصومی و بهرامی احتمالاً می توانند بدون اینکه ظن و گمان کسی را برانگیزند و موجب تضعیف شدید جایگاهشان شود با مأمور ممیزی ملاقات کنند. ولی نمی توان انتظار یک رویکرد حساب شده و متوازن را نسبت به مسئله فساد مالی داشت. بنابراین، پیش از تماس با دولت موقت ایران، مایلم در صورت امکان شخصاً با معصومی صحبت کنم و در صورت پاسخگویی معصومی، یکی از مأموران گروه مستشاری نیز بعد از آن با بهرامی تماس بگیرد. لطفاً در این مورد نظرتان را اعلام کنید.

۶- از جنبه منفی این قضیه، بدون شک آگاه هستید که احتمال بازدید یک کمیته ممیزی می تواند به چه تبلیغات منفی دامن بزند، مثلاً در بوق و کرنا شدن «فساد مالی» یک شرکت آمریکایی و چیزی نظیر آن. ولی ابتکار عمل ما می تواند مشکلات را تا حدودی کمتر کند. نهایتاً اینکه امیدواریم بازدید کمیته ممیزی موجب سردرگمی و یا انحراف توجه از تلاش های ما برای حل مشکلات عدیده برنامه خریدهای نظامی خارجی نشود.

ناس

گزارش گفتگو با سرتیپ صفری، معاونت لجستیک ستاد نیروی هوایی ایران

سند شماره ۱۴۳

محرمانه۸ می ۱۹۷۹- ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: گزارش گفتگو با سرتیپ صفری، معاونت لجستیک ستاد نیروی هوایی ایران.

۱- (محرمانه) در ساعت ۱۰:۰۰ مورخ ۷ می ۱۹۷۹، سرهنگ وارنر و ناخدا سوم شیرر از هیأت مستشاری نظامی با سرتیپ صفری، معاون فرماندهی لجستیک نیروی هوایی ایران ملاقات و گفتگو کردند. در این ملاقات چندین موضوع مورد بحث

قرار گرفت.

۲- (محرمانه) سرهنگ وارنر خاطر نشان کرد که پیش از این ملاقات، ناخدا سوم شیرر گفتگوهای بسیار مثبتی با ناخدا علیجانی درباره بازگرداندن سیستم تانکرهای سوخت رسانی هوایی داشته است. سرتیپ صفری از این گفتگوها با خبر بود و تأیید کرد که مراحل بازگرداندن شش واحد سوخت رسانی هوایی که هم اینک در فرودگاه مهر آباد قرار دارند به

زودی شروع خواهد شد. هیأتی مشترک در روز ۹ می ۱۹۷۹ از این شش واحد بازرسی به عمل خواهد آورد.

توضیح: جزییات گفتگوهای ناخدا سوم شیرر با ناخدا علیجانی درباره این تانکرهای سوخت رسانی هوایی و چهار تانکر دیگر که در شیراز قرار دارد، در تلکسی جداگانه ارسال خواهد شد.

۳- (محرمانه) به سرتیپ صفری اطلاع دادیم که تقریباً یک هفته پیش سرلشگر گاست و سرهنگ وارنر اجازه یافته بودند که وارد سایت ACCOM شده و فقط حیاط آن را بازرسی کنند. آنها اجازه دسترسی به ساختمان را نداشتند. فرمانده نگهبانان آنجا به طور محرمانه اظهار داشته بود که مسئولیت امنیت تأسیسات فوق بر عهده نیروی هوایی است و اینکه تجهیزات TAOSAT به پایگاه دوشان تپه انتقال یافته است. سرهنگ وارنر اظهار داشت که چون کلیه این تجهیزات به دولت ایالات متحده تعلق دارد، ما مایلیم آنها را تحویل بگیریم و پس از تعمیر به آمریکا بفرستیم. ظاهراً سرتیپ صفری از کل ماجرا بی خبر بود. البته احتمالاً بی خبری او صحت داشت زیرا او مسئول بخش لجستیک است و نه ارتباطات. با وجود این، سرتیپ صفری گفت چنانچه نام فرمانده نگهبانان را به او بگوییم، در دسترسی به ساختمان و تحویل تجهیزات دولت ایالات متحده به ما کمک خواهد کرد. هیأت مستشاری نیز تا دیر نشده این مطلب را دنبال خواهد کرد.

۴- (محرمانه) سپس موضوع ایجاد یک صندوق دیگر، جدای از صندوق امانی، به منظور خریدهای ضروری قطعات یدکی برای نیروی هوایی مورد بحث قرار گرفت. سرتیپ صفری از صحبت های قبلی اش با ژنرال گاست از این موضوع مطلع بود، و به او اطلاع دادیم که ISA با این اقدام موافقت کرده است. سرتیپ صفری از این خبر بسیار خوشحال شد و گفت که مایل است نماینده ای از فرماندهی لجستیک نیروی هوایی آمریکا در اسرع وقت به ایران بیاید تا با کمک هم این صندوق را ایجاد کنند. او همچنین اظهار داشت که بودجه نیروی هوایی حاضر است و آنها مایلند نه فقط سپرده ی اولیه ای برابر با ۵ میلیون دلار را به صندوق واریز کنند، بلکه می خواهند یک حساب دراز مدت (۱۲ میلیون دلاری یا بیشتر) را برای همین منظور تا سقف ۱۰۰ میلیون دلار باز نمایند. خواهشمند است در این ارتباط توصیه های لازم را ارسال فرمایید.

۵- (محرمانه) گفتگوها به وضعیت پرداخت های انجام شده به شرکت بهرینگ اینترنشنال برای ترخیص محموله های نیروی هوایی که به ایران ارسال می گردد کشانده شد. سرتیپ صفری اظهار داشت که نیروی هوایی ایران مبلغی تا سقف ۰۵/۱ میلیون دلار به شرکت بهرینگ پرداخت خواهد کرد که سهم بدهی نیروی هوایی و صنایع هواپیمایی در دعوای حقوقی را تسویه می کند ولی سهم بدهی ادعایی علیه ایران ایر به قوت خود باقی است. او گفت نیروی هوایی ایران و صنایع هواپیمایی ایران بدهی های خود را به طور بین المللی تسویه

خواهند کرد. صفری همچنین توضیح داد که چنانچه دولت آمریکا مایل به کرایه بیشتر هواپیماهای ۷۴۷ باشد، یعنی بیشتر از ده پروازی که هم اکنون مورد موافقت قرار گرفته است، مبالغ آن باید به یک حساب امانی واریز شود و تا پایان حل و فصل کامل دعوای حقوقی بهرینگ در آن حساب بماند.

۶- (محرمانه) سرتیپ صفری اظهار داشت دستورات فنی اقدامات اضطراری برای هواپیماهایی اف-۴، اف-۵ و سی-۱۳۰ هنوز به دست آنها نرسیده است. صفری از سرهنگ وارنر خواست تا به وضعیت دستورات فنی رسیدگی کند و ببیند آیا ترتیباتی که برای فرستادن آنها به پایگاه هوایی مک گوائر داده شده بود، موفق بوده است یا خیر. سرهنگ وارنر به او قول داد به این مسئله رسیدگی کند.

۷- سرهنگ وارنر پرسید که آیا تا به حال پیشرفتی در دسترسی دولت آمریکا به بخش مستشاری نیروی هوایی و دفاتر آی-هاوک صورت گرفته است یا خیر. سرتیپ صفری اظهار داشت که در طول انقلاب برخی افراد یاغی دفاتر را به هم ریخته بودند، ولی الان همه چیز مرتب است. [ادامه سند یافت نشد]

پرداخت های گرومن به مأموران [خرید]

سند شماره ۱۴۴

محرمانه ۱۰ می ۱۹۷۹- ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی‌به: سفارت آمریکا، تهران

مرجع: تهران ۰۴۷۳۴

موضوع: پرداخت های گرومن به مأموران [خرید]

۱- چنانکه به یاد دارید، وزارت امور خارجه [آمریکا] در ابتدا شرکت گرومن را به اتهام ارایه گزارش های غلط درباره پرداخت حق کمیسیون به دادگاه کشید. شرکت گرومن به عنوان بخشی از مصالحه در آن دعوی پذیرفت که کمیته ممیزی آن شرکت مبادرت به انجام دو تحقیق کند و نتایج آن را به دادگاه فدرال در واشنگتن ابلاغ نماید. این کمیته ممیزی متشکل است از پنج عضو هیأت مدیره گرومن که از کارمندان این شرکت نیستند. یکی از این تحقیق ها که درباره فروش های تجاری است تکمیل شده است. تحقیق دوم به ایران مربوط می شود. موسسه حقوقی الکساندر و گرین مستقر در نیویورک به نمایندگی از کمیته ممیزی در حال انجام این امور تحقیقاتی است. وکیل پرونده به نام آقای کارول می گوید که موسسه اش «تحت نظارت دادگاه فدرال فعالیت دارد.» وزیر امور خارجه و دادگاه فدرال مستقلاً یک نسخه از گزارش تحقیقات را دریافت خواهند کرد و متعاقب آن قاضی دادگاه تصمیم می گیرد که، در صورت لزوم، چه اقدامی علیه گرومن اتخاذ گردد.

۲- آقای کارول یک فهرست بلند بالا- از نام اشخاصی تهیه کرده که مایل است با آنها در ایران صحبت کند، از جمله معصومی، اردلان (طبق آخرین اخباری که از او داریم، هم اکنون

بازنشسته و خانه نشین شده است) و بهرامی. البته آقای کارول فقط با کسانی صحبت خواهد کرد که مایلند او را ملاقات کنند. موجب امتنان ایشان خواهد بود اگر سفارت، نامه های دعوتی را جهت شرکت در یک جلسه خصوصی در تهران برای افراد مورد نظر ارسال نماید. مشکلی نخواهد بود اگر به طور خصوصی نظر معصومی، بهرامی و هر کس دیگری را که فکر می کنید بتواند ما را راهنمایی کند، جویا شوید. چنانکه در تلکس قبلی خاطر نشان کردیم، آقای کارول همچنین مایل است هر گونه سابقه موجود در وزارتخانه های دادگستری و دفاع را نیز بررسی نماید. چنانچه با وزیر دادگستری ایران تماس گرفتید، اگر صلاح دیدید این مسئله را با ایشان در میان بگذارید.

۳- کارول کاملاً وضعیت حساس حاکم بر ایران را درک می کند و کاملاً خشنود خواهد شد که نظرات شما را درباره نحوه انجام کار بداند، البته اگر نظری داشته باشید.

ونس

(محرمانه) دعوای حقوقی شرکت بهرینگ علیه نیروی هوایی...

سند شماره ۱۴۵

محرمانه۱۱ می ۱۹۷۹- ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران به: سفارت آمریکا، تهران

موضوع: (محرمانه) دعوای حقوقی شرکت بهرینگ علیه نیروی هوایی

ایران و صنایع هواپیمایی ایران

۱- (محرمانه) برابر درخواست سرهنگ وارنر، خلاصه ای از دعوای حقوقی شرکت بهرینگ علیه نیروی هوایی ایران و صنایع هواپیمایی ایران به شرح زیر ایفاد می گردد. این اطلاعات از LGF/۴۳۸ و همچنین موسسه حقوقی فیلادلفیا که در حال حاضر نماینده نیروی هوایی ایران است (مورگان، لوئیس، باکینز) به دست آمده است.

۲- (محرمانه) عدم پرداخت بدهی نیروی هوایی ایران (۴۰۷۸۱۳ دلار) و بدهی صنایع هواپیمایی ایران (۶۴۴۰۰۰ دلار) به شرکت بهرینگ موجب شد تا این شرکت علیه هر دو اقامه دعوی کند. دادگاه مربوطه نیز حکم داد که تا زمان پرداخت بدهی نیروی هوایی و صنایع هواپیمایی ایران به شرکت بهرینگ، انتقال اموال دولت موقت ایران از تأسیسات متعلق به بهرینگ و تأسیسات نیروی هوایی ایران در پایگاه هوایی مک گوائر ممنوع شود.

۳- (محرمانه) دعوای حقوقی بر سر بدهی های نیروی هوایی ایران با ایجاد یک صندوق امانی نزد دادگاه مربوطه و واریز کردن هزینه هر یک از پروازهای هواپیماهای ۷۴۷ حامل اسباب و اثاثیه از ایران (۱۵۰۰۰۰ دلار) به این صندوق حل و فصل

شد. این پول به صندوق امانی دادگاه مزبور واریز می شود و طلب شرکت بهرینگ از محل آن پرداخت می شود. در عوض، شرکت بهرینگ نیز محموله متعلق به دولت موقت ایران را در هواپیماهای نیروی هوایی و صنایع هواپیمایی ایران تصاحب می کند و دادگاه نیز اجازه خروج از آمریکا را می دهد.

تا به امروز، هفت پرواز نیروی هوایی ایران در این چارچوب انجام شـده است. اصل بدهی ۴۰۷۸۱۳ دلار نیروی هوایی ایران به شرکت بهرینگ پرداخت شـده است. هنوز مراحل دادرسی به این دعوای حقوقی به منظور حل و فصل چنـد مورد دیگر ادامه دارد: (الف) ادعای زیان درآمد بهرینگ علیه نیروی هوایی ایران، و (ب) بدهی ۶۴۴۰۰۰ دلاری صنایع هواپیمایی ایران. ظاهراً نیروی هوایی پـذیرفته است که این بدهی ها را تا سـقف ۰۵/۱ میلیون دلار تسویه کنـد. (مرجع تلکس هیأت مستشاری نظامی مورخ ۸ مه).

۴- (محرمـانه) محموله هـای متعلق به دولت موقت ایران که به احتمال قوی برای پروازهای باقیمانـده نیروی هوایی ایران در ماه می آزاد خواهنـد شد، تقریباً سه و نیم بار هواپیماهای ۷۴۷ خواهد بود. این مسئله اجازه می دهد که سه محموله از ۱۰ محموله اولیـه که قرارداد آن برای پروازهـای HHG بسته شـده بود بـا پروازهای برگشت نیروی هوایی ایران حمل شونـد. حمل بیشتر محموله هـای دولت موقت ایران (صـنایع هواپیمـایی ایران) از انبارهـای ادیسن به دعوای حقوقی فعلی برای حل و فصل مسئله میزان و نحوه پرداخت بـدهی بسـتگی خواهـد داشت. در طول این مـدت، تمـامی مبالغی که به صـندوق امانی دادگاه پرداخت شود، به صورت امانی نزد دادگاه باقی خواهد ماند.

۵- (محرمـانه) تمـاس تلفنی با سازمان مساعـدت های امنیتی دفاعی نشان می دهـد که با درخواست ۱ می و ۴ ژوئن شما برای پروازهای ۷۴۷ نیروی هوایی ایران موافقت شـده بود (مرجع تلکس وزارت دفـاع مورخ ۱۰ می). بـا وجود این، چنانچه دعوای حقوقی مزبور هنوز حـل و فصـل نشـده باشـد، شایـد هواپیماهـای نیروی هوایی و صـنایع هواپیمـایی ایران مجبور شونـد بـدون هیچگونه محموله ای به ایران بازگردنـد. پیشـنهاد می شود که این اطلاعـات در مـذاکره با نیروهای دولت موقت ایران تا زمان تکمیـل مراحل رسیدگی به پرونـده حساس تلقی گردد. چنانچه قرار باشـد محموله های نیروی هوایی ایران در آینـده نزدیک حمل شود، نماینـده نیروی هوایی ایران (سـرهنگ خاتمی) باید به اقدامات قانونی خود جهت حل و فصل و تسویه سـهم بدهی نیروی هوایی ادامه دهد. توصـیه می شود از سـرتیپ صـفری بخواهید تا اختیارات واضـحی برای گرفتن وکیل به منظور کسب مجوز حمل محموله های صـنایع هواپیمایی ایران به سرهنگ خاتمی بدهد؛ البته اگر دولت موقت ایران قصد انجام چنین کاری را داشـته باشـد. چنانچه نتایـج مـذاکرات قبلی تان با تیمسار صـفری (مرجع تلکس هیأت مسـتشاری ۹ می) کـه در آن تیمسـار صفری اظهار داشت بـدهی های نیروی هوایی و صـنایع هواپیمایی ایران را پرداخت خواهـد کرد هنوز به قوت خود باقی است، ایشان می تواند با صدور دستور به سرهنگ خاتمی برای تعقیب مسایل حقوقی آن در آمریکا مشکل را حل و فصل نماید.

۶- (محرمانه) در ارتباط با سئوال شما درباره ادعای بهرینگ علیه شرکت هواپیمایی غیرنظامی ایران (ایران ایر) هیچ اطلاعی از چنین ادعایی نداریم. نه نمایندگان قانونی نیروی هوایی ایران و نه LGF/۴۳۸ هیچ اطلاعی درباره ادعا علیه ایران ایر ندارند. به هر حال، اگر

ادعایی هم علیه ایران ایر شده باشد، هیچ تأثیری بر دعوای بهرینگ علیه نیروی هوایی و صنایع هواپیمایی ایران نخواهد داشت.

۷- (بدون طبقه بندی) لطفاً MAW/LGF ۴۳۸ را نیز در کلیه مکاتباتتان در ارتباط با این موضوع بگنجانید.

خریدهای نظامی خارجی نیروی دریایی ایران

سند شماره ۱۴۶

محرمانه۱۶ می ۱۹۷۹- ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهرانبه: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

مرجع: الف- هیأت مستشاری نظامی ۰۸۱۳۰۵ز - ۸ آوریل ۱۹۷۹

موضوع: خریدهای نظامی خارجی نیروی دریایی ایران

۱- (بدون طبقه بندی) در تاریخ ۱۳ می ۱۹۷۹، ناخدا سوم برایتن، نماینده نیروی دریایی آمریکا نزد نیروی دریایی ایران، ناوسروان انگلمن (جانشین برایتن)، و ناخداسوم شیرر (نماینده آمریکا نزد نیروی هوایی ایران اف-۱۴)، با دریادار علوی، کفیل جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی ایران ملاقات کردند. این ملاقات از سوی ناخداسوم برایتن برای معرفی ناخدا سوم شیرر و انگلمن ترتیب داده شده بود.

۲- (محرمانه) با رسیدن گروه نمایندگان به درب ورودی ستاد نیروی دریایی در ساعت ۱۶:۳۵، اسکورتی در اختیار گروه قرار گرفت. مردی که احتمالاً همان منصوریان بازنشسته بود ظاهراً مسئولیت آنجا را بر عهده داشت و با علامت دست اشاره کرد که به ما اجازه ورود بدهند. آقای ناصر کیانی نیز در کنار درب ورودی حضور داشت و خیلی دوستانه با ناخدا سوم برایتن حال و احوال کرد. گروه نزدیک به ۱۵ دقیقه در خارج از دفتر علوی منتظر ماند. مقر ستاد نیروی دریایی خالی از نیرو بود، هر چند تعدادی کارمند در دفاتر ستاد مشغول به کار بودند. مردی در لباس شخصی در قسمت پذیرش بود و نامه هایی که باید به امضای علوی می رسید نیز به دفتر او می برد.

۳- (محرمانه) دریادار علوی در ساعت ۱۶:۵۰ گروه را به داخل دفترش پذیرفت (قرار ملاقات برای ساعت ۱۷:۰۰ بود). علوی خیلی صمیمی بود هر چند در مقایسه با ملاقات ۳ آوریل (مرجع الف) ظاهراً رسمی تر رفتار می کرد. دو بار اشاراتی به کمونیست ها شد (که هر بار علوی آن را مطرح ساخت). علوی بسیار نگران این مسئله است که کمونیست ها دارند به یک گروه مخالف بسیار سازمان یافته تبدیل می شوند. علوی در حالی که تأکید داشت بازسازی نیروهای مسلح نباید بیش از این به تعویق بیفتد گریزی هم به مسئله کمونیست ها زد. او گفت: «حتی یک روز هم زیاد است.» علوی در این ارتباط سخت تلاش می کند، و گفت در ملاقاتی که همین امروز صبح با تیسمار فربد داشته این مسئله را مطرح کرده است. علوی در ارتباط

با مسئله خریدهای نظامی خارجی نیروی دریایی ایران، ساختار نفرات این نیرو، و یا سازمان

یافتن آن نظر دقیقی نـداد. علوی فقط در ارتباط با لغو قرارداد خریـد زیردریایی های آلمانی، گفت به اعتقاد او برخی تصـمیم ها عجولانه و بدون بررسـی های کافی صورت گرفته است. همچنین در ارتباط با موضوع زیردریایی کوسه (که خود او مطرح کرد) گفت که پیش بینی می کند ۴۰ تا ۴۵ نفر دوره های آموزشی را بگذرانند.

۴- (محرمانه) در جریان گفتگوها صحبت از تحصیل پسر علوی در آمریکا به میان آمد که همان موقع مسئول بخش پذیرش وارد اتاق شـد. علوی بلافاصله موضوع صحبت را عوض کرد و آن را به زیردریایی کشانـد و در پاسخ به این سئوال که «آیا کاری از دست ما بر می آید که برای شـما یا پسـرتان انجام دهیم؟» گفت: «نه خیر، همه خدمه خوب هسـتند.» این مسـئله نشان دهنده فضای پرتنشی است که علوی در آن کار می کند، هر چند خودش می گوید که جایش محکم است.

۵- (محرمانه) مسایل کلی تر:

الف- علوی بـدون هیـچ تمـایزی نـام «آیت الله» را می برد. او گفت که دولت بایـد خیلی زود تصـمیماتی در جهت کمـک به ارتش بگیرد و آیت الله باید اهمیت این مسئله و تهدید بالقوه را «درک کند».

ب- علوی خـاطر نشان کرد که دریادار مـدنی موظف است همه انتصاب ها را تصویب کنـد و اینکه حتی خیلی افراد نیز سـعی می کنند از نفوذشان بر او استفاده کنند.

پ- علوی گفت که ناخـدا میربها (از هوادریا، بوشـهر) برای فرمانـدهی پایگاه دریایی در بندر عباس انتخاب شده است. علوی از این انتخاب چندان راضی نبود.

ت- دفاتر نماینـدگی نیروی دریایی. ناخـدا سوم برایتن گفت که خانم نسـرین فداکار نتوانسـته است به این دفاتر راه پیدا کند. علوی گفت این مشـکل را بایـد «خودش» حل کند و به آن رسـیدگی خواهد کرد. او خانم فداکار را برای این کار تأیید کرد، ولی وقتی پیشـنهاد شد در صورتی که فعالیت خانم فداکار مشکل ساز است یک افسر ایرانی این کار را انجام دهد، علوی هیچ پاسخی نداد.

ث- علوی گفت که دریادار جهانبانی در زندان است ولی مسـئله مهمی نیست (ادعا می شود که او به خاطر شکایت یک افسر جزء بـه زنـدان افتـاده اسـت). او ابراز امیـدواری کرد که همه افسـران زنـدانی نیروی دریـایی را از زنـدان آزاد کنـد، ولی نمی دانست دقیقاً چه زمانی این اتفاق می افتد.

۶- (محرمانه) برداشت کلی: علوی خسـته و قدری عصبی به نظر می رسید (کارش بسیار سنگین است). در هنگام گفتگو سعی می کرد بسیار سنجیده حرف بزند و همانطور که صاف نشسته بود دستهایش را لای پایش فشار می داد. از آخرین دیداری که از سـتاد نیروی دریـایی داشتیم، نظم و انضـباط بیشتری بر آن حکمفرما بود ولی ظاهراً هنوز یک مرجع تصـمیم گیری قاطع در آن وجود ندارد.

۷- (محرمانه) ملاقات ما تقریباً ۴۵ دقیقه طول کشید. هیچ کسی ما را به بیرون ساختمان همراهی نکرد، و ما از همان راهروی دفتر نمایندگی نیروی دریایی از ساختمان خارج شدیم. از دفتر آموزش صدای حرف زدن می آمد که البته دقیقاً نمی دانیم موضوع چه بود.

وارنر

نامه هیأت مستشاری نظامی آمریکا به معاون وزارت دفاع ایران

سند شماره ۱۴۷

۱۶ می ۱۹۷۹- ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: نماینده ارشد دفاعی آمریکا سرهنگ موریس تی. وارنر

به: معاون تسلیحاتی وزارت دفاع ملی ایران سرهنگ کامکار

[موضوع]: نامه هیأت مستشاری نظامی آمریکا به معاون وزارت دفاع ایران

پیام زیر از طرف سپهبد گریوز در پاسخ به نامه مورخ ۷ می ۱۹۷۹ شما به شماره ۸۸-۹۶-۰۱-۱۴۰۱/۳۰۳ دریافت شده است که عیناً تکرار می گردد.

شروع: سرهنگ کامکار عزیز

نامه درخواست شما برای تحویل هشت هواپیمای آر.اف-۴ ای از سوی آمریکا، که قبلاً ـ در چارچوب قراردادهای SXA و SXK خریدهای نظامی خارجی سفارش داده شده بود، به دستمان رسید. همچنان علاقمند هستیم با دولت ایران جهت رسیدن به ترتیباتی برای برنامه های جدید خریدهای نظامی خارجی به حسب درخواست دولت شما که برای طرفین قابل قبول باشد همکاری نماییم. یکی از گام های مهم و اساسی پیش از فروش هر تجهیزات عمده جدیدی، حل و فصل مسایل ناشی از قراردادهای خریدهای نظامی خارجی پیشین است. چنانکه جلسه توجیهی مفصلی که خیلی زود از طرف هیأت مستشاری نظامی ارایه می شود نشان خواهد داد، ایالات متحده در چارچوب مفاد یادداشت تفاهم سوم فوریه که برای هر دو طرف مفید بود، گام برداشته است. در واقع، ما فقط می توانیم در ارتباط با تأمین مالی خریدهای نظامی خارجی فقط در چارچوب قوانین آمریکا عمل کنیم و یا بخش عمده ای از یک برنامه موجود را لغو نماییم و یا کل قرارداد را خاتمه دهیم. ما شق اول را انتخاب کنیم.

درخواست شما برای تحویل هواپیماهای آر.اف-۴ ای، و همینطور درخواست های قبلی تان برای تحویل موشک های هارپون و کامیون های ام-۸۲۵ اهمیت رسیدن به توافق بر سر مسایل ناشی از قراردادهای خریدهای نظامی خارجی موجود را تأیید می

کنـد. طبق قوانین ایالات متحده، وزارت دفاع باید اطمینان حاصل کند که وجوه کافی برای تأمین مالی خریدهای نظامی خارجی وجود دارد. بنابراین توافق بر سر تقویت مالی صندوق امانی ایران تا سطحی که برای پوشش دادن تعهدات خریدهای نظامی خارجی که قبلاً منعقد شده اند کافی باشد، اهمیت عاجلی دارد.

چنانکه می دانید، اقداماتی که ما در چارچوب یادداشت تفاهم انجام دادیم به منظور تضمین

توانایی صندوق امانی برای پرداخت بدهی هایش فقط برای مدت نسبتاً کوتاهی بود.

با توجه به لغو برنامه آر.اف-۴ ای، در تاریخ ۱۵ فوریه دستوراتی جهت خاتمه اکثر قراردادهای مرتبط با این برنامه صادر شد، زیرا هیچ خریدار احتمالی دیگری وجود نداشت. با وجود این، تولید موتورهای J۷۹-۱۷ ادامه یافت زیرا این موتورها در مراحل پایانی تولید بودند و پیش بینی می کردیم که نهایتاً خریداران دیگری برای آن پیدا خواهیم کرد (و مبالغ آن را به صندوق امانی ایران واریز خواهیم کرد.) البته بازگشایی خط تولید چندان دور از ذهن نیست، ولی مسلماً هزینه و زمان تحویل از گذشته بیشتر خواهد بود. با وجود این، چنانکه در بالا توضیح دادم، نمی توانیم تأمین تجهیزات جدید عمده را تا زمانی که بر سر مسایل ناشی از قراردادهای خریدهای نظامی خارجی موجود به توافق نرسیده ایم، مورد نظر قرار دهیم.

به اعتقاد من، پس از جلسه توجیهی هیأت مستشاری نظامی در آینده نزدیک، ملاقات ما در واشنگتن می تواند در حصول توافق بر سر برنامه های موجود خریدهای نظامی خارجی، رفع سوءتفاهم های احتمالی و شفاف سازی هر گونه روابط مجدد که متقابلاً مفید باشد، بسیار کمک خواهد کرد.

بنابراین از حضور یک هیأت ایرانی در واشنگتن برای بررسی وضعیت برنامه های گذشته خریدهای نظامی خارجی و بحث بر سر نظرات شما درباره روابط آتی مان در چارچوب خریدهای نظامی خارجی استقبال می کنیم. پایان

ارادتمند سپهبد ارنست گریوز

توضیح وضعیت صندوق امانی

سند شماره ۱۴۸

محرمانه۲۲ می ۱۹۷۹- ۱ خرداد ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهرانبه: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: توضیح وضعیت صندوق امانی

۱- در طول ملاقات مجدد با سرهنگ کامکار در دفترش در روز ۲۲ می، کامکار گفتگوها را با اظهار این مطلب شروع کرد که پیام مهمی از سوی تیمسار ریاحی، وزیر دفاع ملی، دارد. تیمسار ریاحی از طرف آمریکایی خواسته است که بداند رویدادهای سیاسی اخیر (که به وضوح به قطعنامه اخیر سنا و اقدامات متعاقب آن اشاره دارد) هیچ تأثیری بر گفتگوهای ما ندارد. به گفته کامکار، موضع ریاحی این است که روابط نظامی باید برقرار شود، و گفتگوهای سیاسی به سیاستمداران مربوط می شود. ژنرال گاست نیز با این نظر موافق بود. در پایان ملاقات، کامکار به خاطر این جلسات از ما تشکر کرد و گفت که ارتش ایران باید تدارکات نظامی دریافت کند و برخی قراردادها باید ادامه یابد.

۲- تلکس جداگانه ای در ارتباط با گفتگوها ارسال خواهد شد.

گاست

وضعیت قراردادهای خریدهای نظامی خارجی

سند شماره ۱۴۹

محرمانه۲۶ می ۱۹۷۹- ۵ خرداد ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران به: معاون وزارت دفاع

موضوع: وضعیت قراردادهای خریدهای نظامی خارجی

۱- در حال حاضر مشغول بررسی مجدد قراردادهای خریدهای نظامی خارجی هستیم. اطلاعاتی که درخواست کردیم به شرح زیر است:

الف- میزان اقلام سفارش شده

ب- میزان اقلام تحویل شده

پ- ارزش هر قرارداد

ت- ارزش تقریبی اقلامی که تحویل شده است

ث- گزارش مرکز حسابداری سازمان مساعدت های امنیتی از صورتحساب های پرداخت شده

ج- هزینه [خسارات] خاتمه قراردادها

چ- کل تعهد تکمیل قرارداد (ت + ج)

ح- کل مبلغ هزینه شده به دولت ایران تا این تاریخ

خ- کل پرداخت های دریافت شده

د- پرداخت هایی که باید انجام شود (خ + ح)

ذ- پول نقد موجود از محل خاتمه قراردادها (خ + چ)

پس از اینکه این اطلاعات توسط مرکز هیأت مستشاری در واشنگتن دی.سی جمع آوری شد، هر وقت صلاح بدانید آن را به شما ارایه خواهیم کرد.

۲- به تازگی اطلاعاتی در رابطه با یادداشت تفاهم ۳ فوریه ۱۹۷۹ بین دولت ایران و دولت ایالات متحده به دست آورده ایم.

این اطلاعـات به پیوست ارسال شـده است. ما به ارایه این نوع اطلاعات برای قراردادهای خریـدهای نظامی خارجی و همچنین مساعدت به شما در ارتباط با سایر نیازهایتان ادامه خواهیم داد.

۳- از تاریخ ۹ ژانویه تا کنون دولت ایران هیچ پرداختی به صندوق امانی نداشته است. وضعیت صندوق امانی با استرداد وجوه آن و یا خاتمه قراردادها در نوسان خواهد بود.

دان موسز

سرهنگ ایالات متحده

هیأت مستشاری نظامی

ص: ۳۷۰

برنامه/قلممیزان

ذکر شده در یادداشت تفاهمتحویل

در زمان امضای یادداشت تفاهمتحویل نشده

قرار به لغواقدامات انجام شده

PEACE ZEBRA هواپیماهای

اف-۱۶/بی

(۱۶۰-۱۶۰)F-۱۶/Bخاتمه تهیه وسایل برای ۱۰۵ هواپیما- توقف کار بر روی ۵۵ هواپیما و تقاضای بودجه تکمیلی برای ۵۵ هواپیما از دولت آمریکا

PEACE SKY هواپیماهای

ایوکس

(۷-۷)E-۳A/AWACSتعلیق هر گونه تعهد آتی و لغو برنامه

PEACE ROLL هواپیماهای

آر.اف-۴ ای

(۱۶-۱۶)RF-۴Eخاتمه تولید ۱۶ هواپیمای مزبور به دلیل نبودن خریدار دیگر

ناوشکن

سی جی-۹۹۳

(۲-۲)CG-۹۹۳درخواست بودجه تکمیلی از دولت آمریکا برای خرید دو کشتی

زیردریایی

اس-۵۶۳

(۲-۱)(SS-۵۶۳خـاتمه هرگونه قرارداد برای زیردریایی دوم، توقف تعمیر و نگهـداری اساسـی زیردریایی اول، بازگردانـدن به شرایط ایمن برای نگهداری در انبار

موشک فونیکس

(۴۴۴۱۶۴۲۸)(PHOENIXتعلیـق تهیه وسایـل برای ۹۸ موشـک، لغـو قرارداد ۱۰۸ موشـک، تحصـیل بودجه تکمیلی از دولت آمریکا برای خرید ۱۵۰ موشک

موشک هارپون

(۲۰۸-۲۰۸)(HARPOONتحصیل بودجه تکمیلی از دولت آمریکا برای خرید ۲۰۸ موشک

موشک استاندارد

(۲۵۸-۲۵۸)(STANDARDتحصیل بودجه تکمیلی از دولت آمریکا برای خرید ۲۵۸ موشک

موشک

آی-هاوک

(۳۶۰-۳۶۰(I-HAWKفروش ۳۰ موشک به یک خریدار دیگر و تلاش جهت پیدا کردن خریدار برای ۳۳۰ موشک باقیمانده

موشک

سایدویندر

(۳۶۲-۳۶۲(SIDEWINDERخاتمه قرارداد. هیچ مشتری دیگری موجود نبود

موشک اسپارو

(۳۶۲-۳۶۲(SPARROWنیروی هوایی آمریکا ۳۶۲ موشک را خواهد خرید

اژدر ام کی-۴۰

(۲۱۴-۲۱۴(MK-۴۰فروش ۱۷۸ اژدر به یک خریدار دیگر و تلاش جهت پیدا کردن خریدار برای ۳۶ اژدر باقیمانده

اژدر ام کی-۳۷

(۱۷۴۸۱۶۶(MK-۳۷ادامه تحویل ۴۰ اژدر به ایران. فروش ۲۴ اژدر به خریدار دیگر و تلاش جهت پیدا کردن خریدار برای۱۰۲ اژدر باقیمانده

ای.سی.ام، ای.ال.کیو-۱۱۹۳۱۵۵۸همه در حال تولید. خریدار دیگری برای آن پیدا شود. تا موقع فروش در انبار

حمل و نقل دریایی ام-۵۴۸

(۱۱۳-۱۱۳(M۵۴۸ارتش آمریکا همه ۱۱۳ دستگاه را خواهد خرید

بریج لاونچر۱-۱ارتش آمریکا آن را خریداری

خواهد کرد

هویتزر ام-۱۱۰

(۹-۹(M۱۱۰فروش به خریدار دیگر

موشک ضد تانک تاو۱۱۸۲-۱۱۸۲فروش به خریدار دیگر

موشک ضد تانک دراگن۱۰۹۳۷-۱۰۹۳۷فروش ۳۲۴۲ به خریدار دیگر. پیدا کردن خریدار برای ۷۶۹۵

فروند دیگر

نفربر زرهی

ام-۱۱۳ (۱۰۸۸۳۲۵(M۱۱۳ارتش آمریکا ۲۵ دستگاه را خواهد خرید

ص: ۳۷۲

جیپ ام-۸۲۵

(M۸۲۵ Truck(۹۹-۹۹فروش به خریدار دیگر

تریلر

ام-۱۱۸ (M۱۱۸)

(۶ تن)۱۱۷-۱۱۷همگی تولید شده اند. اگر خریداری پیدا نشد، همه ۱۱۷ دستگاه را به ایران تحویل بدهید

تریلر

ام-۳۵۳ (M۳۵۳)

(۵/۳ تن)۶-۷۰همگی تولید شده اند. اگر خریداری پیدا نشد، همه ۷۰ دستگاه را به ایران تحویل بدهید

گلوله توپ

[؟] میلیمتریهیچکدام تحویل نشده-۱۱۹۱۸۹همگی تولید شده؛ یک خریدار دیگر پیدا کنید

گلوله توپ

[؟] میلیمتریهیچکدام تحویل نشده-۴۱۷۴۰۰همگی تولید شده؛ ۱۰۲۴۰۰ به خریدار دیگری فروخته شده؛ خریدار برای ۳۱۵۰۰۰ باقیمانده پیدا کنید

گلوله توپ

[؟] میلیمتری

(هویتزر)هیچکدام تحویل نشده-۰(بدون شرح)

گلوله توپ

[؟] میلیمتری

(تانک)هیچکدام تحویل نشده-۱۳۸۵۶۸همگی تولید شده؛ خریدار دیگری پیدا کنید

گلوله توپ

[؟] میلیمتریهیچکدام تحویل نشده –۱۴۲۹۰فروش به خریدار دیگر

گلوله توپ

[؟] میلیمتریهیچکدام تحویل نشده-۵۴۹۱۴همگی تولید شده؛ فروش

به خریدار دیگر

پشتیبانی لجستیکی عملیاتکاهش به سطح حداقل--کاهش به سطح حداقل برای حداقل پشتیبانی بر حسب درخواست ایران

شرکت هلیکوپترسازی بل اینترنشنال

سقف ۵۰۰ نفر نیرو--کاهش به زیر سقف؛ پروژه های باقیمانده به درخواست ایران لغو شد

شرکت گرومن، هیوز، پرت و ویتنی، شرکت هریس، شرکت تله کام سیستمز، بوز آلن (اف-۱۴ فونیکس)سقف ۶۰ نفر نیرو--به خدمات قراردادی خاتمه داده شده، ولی قرارداد قطعات یدکی گرانقیمت حفظ شده است

ریتیون، لیتن

(I-HAWK/TSQ-۷۳) سقف ۲۰ نفر نیرو--دارد به خدمات قراردادی خاتمه داده می شود، ولی قرارداد قطعات یدکی گرانقیمت حفظ شده است

خدمات هواپیمایی لاکهید

(لجستیک برنامه PEACE LOG)سقف ۹۷ نفر نیرو--برنامه را خاتمه دهید

سایر پیمانکاران خدمات فنی و مهندسی سقف ۵۰ نفر نیرو--خاتمه یافت

دولت آمریکا، وزارت دفاع آمریکا

سقف ۲۵۰ نفر نیرو--به زیر سقف کاهش یافته است

جلسه توجیهی در مورد وضعیت صندوق امانی برای دولت ایران

سند شماره ۱۵۰

محرمانه۲۷ می ۱۹۷۹- ۶ خرداد ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهرانبه: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

مرجع: (الف) وزارت دفاع ۱۰ می ۱۹۷۹، (ب) هیأت مستشاری نظامی ۱۶ می ۱۹۷۹، موضوع (محرمانه)، (پ) هیأت مستشاری نظامی ۱۸ می ۱۹۷۹، موضوع (محرمانه)، (ت) هیأت مستشاری نظامی ۲۲ می ۱۹۷۹ ۲۲۱۳۴۷ز، موضوع (محرمانه)، (ث) هیأت مستشاری نظامی ۲۲ می ۱۹۷۹ ۲۲۱۳۵۶ز، موضوع (محرمانه)، (ج) هیأت مستشاری نظامی ۲۳ می ۱۹۷۹، موضوع (محرمانه)

موضوع: جلسه توجیهی در مورد وضعیت صندوق امانی برای دولت ایران

۱- جلسات توجیهی و مذاکرات با ستاد کل مشترک و نمایندگان قوای ارتش همانگونه که در مرجع (ب) شرح داده ایم، انجام شد. همچنان تأکید داشتیم که سیاست های مربوط به

برنامه های خریدهای نظامی خارجی باید در طول سفر یک هیأت نمایندگی دولت ایران به واشنگتن دی.سی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. جلسات توجیهی منجر به برنامه ریزی جلسه ای در دفتر سرهنگ کامکار در روز ۲۷ می با حضور نمایندگان ۵-J، ستاد کل مشترک، و قوای ارتش شد. به ما گفته اند اطلاعاتی که در طول جلسات توجیهی در اختیار آنها قرار داده ایم بررسی و سپس توصیه هایی را در این ارتباط به تیمسار ریاحی، وزیر دفاع ملی، تسلیم خواهند کرد. بر این باوریم که تیمسار ریاحی نیز توصیه هایی را در این ارتباط به هیأت دولت خواهد کرد. این امر ثابت می کند که جلسات توجیهی به یک هدف بسیار ارزشمند رسیده است، و آن هم افزایش ارتباطات بین اداره های مختلف ارتش ایران است که از زمان پیروزی انقلاب نیاز فراوانی به بهبود داشت. هر یک از ۴ جلسه توجیهی و مذاکراتمان مورد تأکید قرار خواهد گرفت، که این مسئله به ایجاد بصیرت نسبت به رویه های جاری در درون اداره های مختلف ارتش کمک خواهد کرد.

۲- سرهنگ کامکار (معاون تسلیحاتی وزارت دفاع)، سرهنگ افراسیابی (جانشین فرماندهی ستاد ارتش)، سرهنگ ریاحی (۵-J)، سرهنگ خاکزاده (۷-J)، سرهنگ حداد (معاون ۴-J) و ۵ افسر دیگر از ۵-J و ۷-J در جلسه توجیهی حضور داشتند. همه آنها اونیفورم های نظامی به تن داشتند. علاقه شدید آنها به این مسئله از گفتگوها، سئوالات، و یادداشت های مکررشان پیدا بود. ظاهراً اطلاعات سرهنگ ریاحی (۵-J) و سرهنگ چگینی (در ۵-J) از همه اعضای دیگر ستاد کل مشترک درباره وضعیت خریدهای نظامی خارجی نیازهای ارتش بیشتر بود. همه افسران حاضر اساساً به ارزش کل برنامه خریدهای نظامی خارجی دولت ایران، اقلامی که تحویل شده، و مبلغ کل پولی که پرداخته شده است، علاقمند بودند. آنها از دیدن مجدد سرهنگ پتی خوشحال شدند و فضای دوستانه و راحتی بر جلسه حاکم بود.

۳- گفتگوها با نمایندگان نیروی دریایی در بخش مدیریت لجستیک آنها صورت گرفت. فکر می کنیم که مترجم و دو نفر لباس شخصی حاضر در جلسه از مأموران کمیته بودند. یک ناخدا و چهار نفر دیگر نیروی دریایی اونیفورم نظامی به تن داشتند. مترجم مراحل سئوال و جواب را کنترل می کرد، و دو نفر دیگر تصمیم می گرفتند که چه وقت جلسه باید لغو شود و دستور دادند که نام و مقام حاضرین در جلسه به ما داده نشود، در حالی که در جلسات دیگر این فهرست بدون هیچ مشکلی در اختیار ما قرار گرفته بود. یکی از آن دو نفر فهرستی از قراردادها را در اختیار داشت و چند نفر از حاضرین بر این عقیده بودند که هزینه کامل قراردادهایشان از جمله ۹۹۳-CGها پرداخت شده است. علاقه اصلی آنها به ۹۹۳-CGها و سه زیردریایی بود، و می خواستند بدانند که نیروی دریایی چگونه می تواند از محل استرداد وجوه [به صندوق امانی] برای خریدهایش سرمایه گذاری کند. یکی از آنها پرسید چنانچه نیروی دریایی ایران قصد خرید زیردریایی ها را نداشته باشد، آیا می توان خریداری در آمریکا برای آن پیدا کرد. ما نیز مراحل مربوط به خریدهای کشور ثالث را برایشان شرح دادیم. آنها سئوال

کردند که آیا صورتحساب ۲۶۷ میلیون دلاری برای خریدن زمان ارایه نشده است، و اینکه آیا واقعاً ۲۶۷ میلیون دلار به صندوق بازخواهد گشت. سرهنگ پتی دلایل هزینه ها و پرداخت ها و همچنین مشکلاتی را که ممکن است در صورت عدم توانایی صندوق امانی در پرداخت بدهی هایش پیش بیاید، توضیح داد. برداشت ما این بود که این گروه متعصب ترین نگرش بعد از انقلابی را دارند و اصلاً مایل نیستند برای حل مشکلاتی که به رژیم گذشته نسبت می دهند تلاشی بکنند. آنها در پاسخ به توصیه ما که تیمی از طرف دولت ایران برای مذاکره با دولت آمریکا در ارتباط با سیاست های خریدهای نظامی خارجی به واشنگتن بیاید گفتند که یک شورای کلی در نیویورک از طرف نیروی دریایی مذاکره خواهد کرد، و این وزیر امور خارجه، و نه نیروی دریایی، است که درباره لزوم سفر به واشنگتن تصمیم خواهد گرفت. معاون وزارت دفاع قبلاً مسئولیت اینکه چه کسانی در جلسه حضور خواهند داشت بر عهده گرفته بود، ناوسروان انگلمن به ناخدای نیروی دریایی اطلاع داد که مایل است گفتگوهای بیشتری بر سر وضعیت جاری خریدهای نظامی خارجی، برداشت از صندوق امانی، استرداد وجوه به آن، و مراحل پرداخت ها با نیروی دریایی داشته باشد.

۴- سرهنگ افراسیابی (جانشین فرماندهی ستاد) و سرهنگ حاتمی (معاونت لجستیکی ستاد) جلسات توجیهی و مذاکرات با ارتش [نیروی زمینی] را هماهنگ کردند. نفراتی از معاونت لجستیک، ارتباطات، و اطلاعات ستاد و همچنین نمایندگانی از فرماندهی لجستیکی و مدیریت مهمات در جلسات حضور داشتند. نمایندگان هوانیروز در جلسه حضور نداشتند که بیانگر استقلالی بود که از پیش از انقلاب دارا بودند. سرهنگ افراسیابی از بابت غیبت آنها عذرخواهی کرد و گفت که در جلسات آتی از طرف آنها نیز نمایندگانی حاضر خواهند بود. آنها گفتند که قبلاً توصیه هایی بابت قراردادهایی که مایلند ادامه پیدا کند تسلیم معاونت تسلیحاتی وزارت دفاع ملی کرده اند. سرهنگ افراسیابی و سرهنگ حاتمی تأکید کردند که نفوذ چندانی در تصمیمات مربوط به پرداخت هزینه ها و توصیه سفر هیأت ایرانی به واشنگتن ندارند. ارتش هنوز سعی دارد مشخص کند که چه قراردادهایی تحت کنترل خود اوست و چه قراردادهایی تحت کنترل معاونت تسلیحاتی وزارت دفاع است. ما به آنها کمک خواهیم کرد تا این مسئله را روشن کنند. آنها یک بار دیگر اظهار داشتند که به قطعات یدکی نیازمند هستند، و ترجیح می دهند برای کاهش هزینه و زمان انتظار، آنها را از طریق یک قرارداد خرید نظامی خارجی موجود خریداری نمایند.

۵- گفتگو با نمایندگان نیروی هوایی یک بار دیگر ثابت کرد که سرتیپ صفری، معاونت لجستیک ستاد نیروی هوایی، یکی از مطلع ترین نفرات ارتش دولت ایران در ارتباط با قراردادهای خریدهای نظامی خارجی است. او اظهار داشت قصد دارد طیف وسیعی از نفرات نیروی هوایی را به جلسات توجیهی نیروی هوایی دعوت کند تا اهمیتی را که لجستیک در نیروی هوایی دارد بفهمند. او خصوصاً مشتاق بود که نفرات نیروی هوایی وضعیت یادداشت

تفاهم ۳ فوریه ۱۹۷۹ را درک کنند و چیزهایی درباره صندوق امانی یاد بگیرند. علاوه بر سرتیپ صفری، تقریباً ۵ سرهنگ، یک سرهنگ دوم، دو سرگرد، چهار سروان، هفت ستوان، پنج همافر، و یک لباس شخصی در جلسه حضور داشتند. حداقل دو نفر از افسران از بخش عملیات بودند، بنابراین سرتیپ صفری توانسته بود طیف وسیعی از افسران را در جلسات حاضر کند. اصلی ترین سئوال آنها ضرورت تأمین قطعات یدکی و مراحل خرید آنها توسط نیروی هوایی بود. آنها علاقمند بودند بدانند از کجا می توانند صورتحساب ها را دریافت کنند. تیم صورتحساب ها را در تاریخ ۲۲ می ۱۹۷۹ به معاونت وزارت دفاع داده بود تا به نیروهای ذیربط تحویل دهد. انتظار داشتیم گفتگوهای بیشتری درباره درخواست اخیر آنها برای پرواز اف-۱۴ ها انجام شود ولی ظاهراً پاسخی که قبلاً به معاونت وزارت دفاع و نیروی هوایی داده بودیم، برای آنها کافی بود. سرتیپ صفری ترتیبی داد که بلافاصله بعد از این جلسه، ملاقاتی نیز با نفرات نیروی هوایی داشته باشیم.

۶- اطلاعات بیشتر در ارتباط با این جلسات توجیهی طی گزارش سرهنگ پتی ارسال خواهد شد. نکته جالب این بود که هیچ اشاره ای به دو تظاهراتی که در روزهای ۲۴ و ۲۵ می ۱۹۷۹ در برابر سفارت آمریکا صورت گرفته بود نشد.

۷- از تلاش سازمان مساعدت های امنیتی دفاعی و نیروهای ارتش برای آماده کردن مطالب جلسات توجیهی بسیار سپاسگزاریم. سرهنگ پتی و استوار ریگان عملکرد بسیار خوبی داشتند. سرهنگ کامکار در روز ۲۶ می به سرلشگر گاست اطلاع داد که وزارت دفاع ملی قصد دارد گزارشی در طول چند روز آینده به هیأت دولت تسلیم کند. وزارت دفاع ملی مایل است به هیأت دولت توصیه کند که حداقل بخشی از صورتحساب ۲۶۷ میلیون دلاری پرداخت شود تا به دولت آمریکا ثابت کنیم که ایران مایل به ادامه رابطه لجستیکی و «برخی قراردادهاست». زمان برای این کار مطلوب نیست، ولی آنها مصمم هستند که این کار را انجام دهند. هنوز نمی توان نتیجه آن را پیش بینی کرد.

ملاقات نفرات هیأت مستشاری با سرتیپ صفری، معاونت...

سند شماره ۱۵۱

محرمانه ۷ ژوئن ۱۹۷۹- ۱۷ خرداد ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهرانبه: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

موضوع: ملاقات نفرات هیأت مستشاری با سرتیپ صفری، معاونت

لجستیک نیروی هوایی اسلامی ایران

۱- در روز ۴ ژوئن ۱۹۷۹، ناخدا سوم شیرر، سرهنگ دوم رینکر، و خانم نسرین سُهی کیش، منشی بخش نیروی هوایی، با سرتیپ صفری معاونت لجستیک نیروی هوایی اسلامی ایران و دو نفر دیگر از پرسنل زیر دستش دیدار و گفتگو کردند. هدف از این ملاقات، گفتگو درباره پشتیبانی لجستیکی نیروی هوایی ایران بود.

۲- ناخدا سوم شیرر ابتدا سرهنگ دوم رینکر را به عنوان نماینده معاونت لجستیکی نیروی هوایی معرفی کرد و توضیح داد که به منظور بررسی راههای ممکن برای پشتیبانی نیروی هوایی ایران به اینجا آمده است. ظاهراً سرتیپ صفری از اینکه دولت آمریکا نماینده ای از معاونت لجستیکی نیروی هوایی به ایران فرستاده بود، خیلی خشنود شد. او گفت «اختلافات سیاسی به ما مربوط نمی شود» و ارتش کار خودش را می کند و هر وقت مسایل سیاسی حل شد، دوباره آماده معامله است.

۳- قبل از مذاکرات مفصل درباره مسایل لجستیک، ناخدا سوم شیرر یکبار دیگر از سرتیپ صفری درباره امکان ورود به مجتمع نیروی هوایی آمریکا سئوال کرد. سرتیپ صفری گفت که خیلی متأسف است که برنامه بازدید دوم ژوئن لغو شد و اظهار امیدواری کرد که اجازه ورود برای روز ششم ژوئن صادر شود. در اینجا قابل ذکر است که در خلال گفتگوها سرتیپ صفری به فارسی به خانم سهی کیش گفت که خیلی زود دفترش در بخش نیروی هوایی ساختمان هیأت مستشاری در اختیار او قرار خواهد گرفت.

۴- ناخدا سوم شیرر یکبار دیگر درباره وضعیت سایت ACCOM به ویژه امکان ورود به آن و انتقال دو خودروی آمریکایی از آن به جای دیگر از صفری پرسید. تیمسار صفری لبخندی زد و گفت که هنوز دارد روی این مشکل کار می کند و اینکه هیچ کنترلی روی نگهبانان نیروی هوایی که در آنجا گماشته شده اند ندارد.

۵- ناخدا سوم شیرر گفت که بازگرداندن شش سیستم مخزن سوخت هوایی به خوبی دارد انجام می شود. شش مخزن سوخت هوایی مستقر در ترمینال MAC در فرودگاه مهر آباد منتظر تخلیه و حمل هستند. در ارتباط با چهار مخزن سوخت هوایی در شیراز نیز ناخدا سوم شیرر تقاضا کرد نیروی هوایی ایران به جای نیروی هوایی آمریکا آنها را به فرودگاه مهرآباد منتقل کند. سرتیپ صفری بلافاصله این پیشنهاد را پذیرفت و گفت که این بهترین راه برای حداقل کردن رؤیت آمریکایی هاست. ناخدا سوم شیرر همچنین تقاضا کرد که او و یک متخصص سوخت نیروی هوایی آمریکا به شیراز سفر کنند و وضعیت چهار سیستم فوق را از لحاظ استحکام و شرایط کلی بررسی کنند، زیرا این امر انتقال آنها را از شیراز به آلمان منتفی کرده و در هزینه ها صرفه جویی خواهد کرد. سرتیپ صفری گفت که از نظر او این امر هیچ اشکالی ندارد. نامه تقاضایی در همین ارتباط، در اسرع وقت تسلیم سرتیپ صفری خواهد شد.

۶- ناخدا سوم شیرر سئوال کرد که وضعیت جلسات توجیهی درباره صندوق امانی کل برای وزرات دفاع ملی چگونه است. تیمسار صفری پاسخ داد که نمایندگان قوای ارتش روز گذشته در ارتباط با همین موضوع با معاونت تسلیحاتی وزارت دفاع جلسه ای داشته اند. به جز اشکالات بسیار کوچکی که در ارتباط با نیروی دریایی وجود داشت، آنها دستورجلسه ای درباره وضعیت صندوق امانی برای وزارت دفاع ملی تهیه کرده اند. گفت که آنها وضعیت را «بزرگنمایی» کرده اند تا دیگران جدیت مسئله را بهتر بفهمند. او افزود که فکر نمی کند مشکلی

در پذیرش آن از طرف وزارت دفاع وجود داشته باشد. با وجود این، او نمی دانست بالاخره چه وقت تصمیمی گرفته می شود و اینکه نگفت توصیه هایی که به وزارت دفاع شده، چه بوده است.

۷- سرهنگ دوم رینکر صحبت هایش را با رساندن سلام ژنرال رایدر شروع کرد که موجب خوشحالی تیمسار صفری شد. سرهنگ دوم رینکر به تیمسار صفری گفت که برای کمک به اینجا آمده است. او از تیمسار پرسید که دقیقاً چه نیازهایی دارد و قصد دارد پشتیبانی از چه میزان آمادگی و نوع پروازی صورت گیرد. تیمسار صفری اظهار داشت که مسایل پشتیبانی لجستیکی را برای مسئولان بخش عملیات توضیح داده است و اینکه آنها کاملاً مشکلات را درک کرده اند و سورتی خاصی را دیکته نخواهند کرد. او گفت در کوتاه مدت آنها اصولاً قصد انجام عملیات پروازی VFR روزانه را برای حفظ آمادگی خدمه پرواز دارند. او گفت فعلاً- می توان با هواپیماهایی که فقط توانایی پرواز داشته باشند نیز به این هدف رسید. تیمسار صفری گفت در آینده تقاضای حفظ آمادگی و سورتی FSC کمتری نسبت به گذشته خواهیم داشت. اهداف بلند مدت او ۷۰ درصد قابل پرواز، ۶۰ درصد FSC، ۱۲ درصد NORS، و ۱۸ درصد NORM بود. او گفت سه اولویت اصلی قطعات یدکی، قطعات قابل تعمیر، و نشریات هستند. سرهنگ دوم رینکر از صفری پرسید که چه مبالغی بابت وسایل یدکی و قطعات قابل تعمیر به طور جداگانه در نظر گرفته اند. سرتیپ صفری گفت در وقتش ۵ میلیون دلار بابت آنها هزینه خواهند کرد. صفری در فکر استفاده از نیروی هوایی ایران برای انتقال حداقل بخشی از تجهیزات است.

۸- سرهنگ دوم رینکر سپس از صفری پرسید که قصد پشتیبانی از چه هواپیمایی را دارد، و او گفت هواپیماهای اف-۴، اف-۵ و سی-۱۳۰. وقتی درباره هواپیمای اف-۱۴ از آنها پرسید، تیمسار صفری و دو نفر از نفراتش که حضور داشتند فقط لبخندی زدند و هیچ تمایلی به گفتگو درباره هواپیماهای اف-۱۴ و پشتیبانی آنها نداشتند.

۹- سرهنگ دوم رینکر سپس پرسید آیا RAPS هنوز در PCC کار می کند. سرتیپ صفری بعد از گفتگویی کوتاه با نفراتش پاسخ داد که در این باره مطمئن نیست. سرهنگ دوم رینکر گفت در صورت نبودن AUTODIN می توان از سیستم RAPS برای ارسال پیام های بسیار فوری استفاده کرد. سرهنگ دوم رینکر سپس پرسید آیا می تواند از MMCC دیدار کند تا ببیند آیا RAPS هنوز کار می کند. ترتیب دیدار از آنجا بعد از این ملاقات داده شد. (نکته جالب اینجاست که سرهنگ دوم رینکر توانست کمی بعد از این ملاقات برای ژنرال رایدر یک پیام بفرستد). سرتیپ صفری و نفراتش به استفاده از RAPS در حکم یک وسیله کم هزینه برای سفارش تقاضاهای فوری علاقه نشان دادند. (گزارش مفصل تری از گفتگوهای سرهنگ دوم رینکر با تلکس جداگانه ارسال خواهد شد.)

۱۰- در طول گفتگوها، هم سرهنگ دوم رینکر و هم ناخدا سوم شیرر مکرراً تأکید کردند

که برای کمک به اینجا آمده اند، و قصد دارند شرایط را برای زمانی که مقامات بالاتر دولت آمریکا و دولت ایران اجازه شروع برنامه قطعات یدکی را دادند، آماده کنند. آنها اظهار داشتند اقدامات مرتبط با صندوق امانی کل و مسایل سیاسی جاری بر این تلاش ها تأثیر خواهد گذاشت. تیمسار صفری گفت که این مسئله را درک می کند و ما باید مسایل سیاسی را به سیاستمداران واگذاریم و ارتش باید آماده باشد تا هر وقت مسایل در سطوح بالاتر حل و فصل شد، برنامه اش را شروع کند. سرهنگ دوم رینکر سپس پرسید که تیمسار صفری و نفراتش چه زمانی آماده اند تا جزییات برنامه پشتیبانی لجستیکی را مورد مذاکره قرار دهند، و تیمسار صفری پاسخ داد: «یک روز قبل از دیروز.» قرار شد یک جلسه کاری در ساعت ۸:۳۰ صبح ۶ ژوئن ۱۹۷۹ برای بحث درباره جزییات نیازمندی ها و شیوه اطلاع این نیازمندی ها به سازمان های مربوطه برگزار شود.

۱۱- هم سرهنگ دوم رینکر و هم ناخدا سوم شیرر نوعی حس اضطرار را در صحبت های تیمسار صفری احساس کردند. به نظر می رسید که او نفراتش را برای بحث درباره نیازها و چگونگی بازسازی نیروی هوایی اسلامی ایران آماده کرده است.

گفتگو و پیگیری برنامه پشتیبانی لجستیکی نیروی هوایی اسلامی ایران...

سند شماره ۱۵۲

محرمانه ۷ ژوئن ۱۹۷۹- ۱۷ خرداد ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران به: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

موضوع: گفتگو و پیگیری برنامه پشتیبانی لجستیکی نیروی هوایی اسلامی ایران

بین سرتیپ صفری، معاونت لجستیکی نیروی هوایی ایران و سرهنگ دوم رینکر،

بخش نیروی هوایی هیأت مستشاری نظامی

۱- این تلکس مکمل تلکس قبلی هیأت مستشاری به تاریخ ۶ ژوئن است که جزییات بیشتری درباره موضوع پشتیبانی لجستیکی مطرح در آن ملاقات ارایه می دهد.

۲- ناخدا سوم شیرر پس از آنکه درباره موضوعات اولیه با تیمسار صفری گفتگو کرد، دنباله گفتگو را به سرهنگ دوم رینکر واگذار کرد. سرهنگ دوم رینکر در آغاز ابراز امیدواری کرد که بتواند به تیمسار صفری و فرمانده بخش لجستیکی، سرهنگ وحدانی (که در جلسه حضور داشت)، کمک کند تا نیازهای آتی نیروی هوایی را مشخص کند و روش هایی برای کسب پشتیبانی لازم پس از تصمیم دولت آمریکا برای ادامه این نوع پشتیبانی ها پیدا کنند. سرتیپ صفری با آگاهی کامل از تأخیراتی که ممکن است در کار پیش بیاید، این امر را تصدیق کرد.

۳- وقتی سرهنگ دوم رینکر از تیمسار صفری خواست تا توضیحی درباره نیازهای فوری نیروی هوایی ایران بدهد، تیمسار

صفری خیلی بی پرده وضعیت موجود را توضیح داد. نیروی هوایی دایماً از موجودی قطعات یدکی خود استفاده کرده و دارد سریعاً به نقطه ای می رسد که

دیگر نخواهد توانست سورتی پروازهای کافی برای آماده نگاه داشتن خلبانانش انجام دهد. علاوه بر این، به موازات کاهش سطح موجودی انبارها، سطح توانایی تعمیر و نگهداری و تسلط نیروهای تعمیر و نگهداری نیز کاهش یافته است. تیمسار صفری اظهار داشت نیاز فوری آنها به قطعات یدکی و قطعات قابل تعمیر برای عملیاتی نگاه داشتن هواپیماهای اف-۴، اف-۵ و سی-۱۳۰ در سطح حداقلی است که خدمه آنها بتوانند تسلط خود را حفظ کرده و یا بازیابند. صفری گفت قبلاً اهداف آمادگی عملیاتی بسیار بالایی داشته اند ولی او سعی دارد بیشتر به سطح ۷۰ درصد پروازهای عملیاتی برسد، هر چند فکر نمی کند برای شروع به بیشتر از ۶۰ درصد برسد.

۴- برابر دستورات قبلی ژنرال گاست برای گرفتن تأیید درباره سطح مبالغی که در اختیار تیمسار صفری قرار دارد، سرهنگ دوم رینکر از ایشان پرسید آیا مبلغ ۵ میلیون دلاری که قبلاً ذکر کرده بودند، مبلغ صحیحی است، و اگر پاسخ مثبت است، آیا احتمال افزوده شدن به این مبلغ وجود دارد. تیمسار صفری اظهار داشت که ۵ میلیون مبلغ خوبی است که البته شاید اندکی به آن اضافه شود. ولی مشکل اینجاست که او باید این ۵ میلیون دلار را از منابع نیروی هوایی کسب کند و همین امر انعطاف پذیری او را محدود می کند.

۵- سرهنگ دوم رینکر پرسید آیا فرماندهی لجستیک در موقعیتی هست که بتواند فهرست اقلام مورد نیازش را نهایی کند. تیمسار صفری گفت قبلاً کارگروههایی برای انجام این وظیفه تشکیل داده است. سرهنگ دوم رینکر سپس پرسید آیا می تواند با این گروهها همکاری کند و ببیند که چه نیازمندی هایی مورد نظر است تا پس از مشخص شدن سیاست های آمریکا در موقعیت بهتری باشند. تیمسار صفری ابتدا قدری تأمل کرد و گفت شاید اعضای این گروهها با دیدن رینکر فکر کنند که از قبل تصمیم ها گرفته شده است. تیمسار صفری سپس به فارسی با سرهنگ وحدانی صحبت کرد، و بعد گفت شاید بد نباشد که ما با اعضای این گروهها همکاری کنیم و آمادگی بیشتری داشته باشیم و از این طریق در وقت صرفه جویی کنیم. او سپس از سرهنگ دوم رینکر پرسید چه زمانی برای کار آماده است. پاسخ ما هم این بود که در اسرع وقت، و همینطور هر وقت که تیمسار صلاح بداند. بعد از آن قراری برای یک جلسه در ساعت ۸:۳۰ روز چهارشنبه ۵ ژوئن گذاشتیم و تیمسار صفری به سرهنگ وحدانی گفت که ترتیب این کار را بدهد. تیمسار صفری گفت در ابتدای جلسه توضیحاتی به اعضای گروه خواهد داد (احتمالاً جهت توجیه حضور نماینده نیروی هوایی آمریکا) و سپس از ما خواهد خواست کار را شروع کنیم.

۶- تیمسار صفری اظهار داشت علاوه بر وسایل یدکی و قطعات تعمیری بسیار واجب، نشریات نیز از جمله نگرانی های عمده او هستند. سرهنگ دوم رینکر توضیح داد که اشتراک فعلی دستورات فنی در روز ۱۴ ژوئن به پایان می رسد و پس از این تاریخ باید اشتراک جدیدی با توجه به یک تجدید نظر کلی در نیازمندی ها شروع شود. با وجود این، او به تیمسار

صفری خاطر نشان ساخت که چنانچه بتوان یک قرارداد جدید را تا پیش از تاریخ ۱۴ ژوئن در مرکز لجستیک هوایی در اُکلاهما به مورد اجرا گذاشت، شاید بتوان نیازمندی ها را در همان سطح گذشته نگاه داشت. از آنجایی که وقت بسیار ضیق بود، تیمسار صفری پرسید آیا می توان با تمدید قرارداد فعلی از طریق پرداخت پول از محل ۵ میلیون دلار زمان بیشتری برای یک نامه جدید پیشنهاد و قبول، به دست آورد. سرهنگ دوم رینکر پاسخ داد که ما نمی توانیم بدون تأیید سازمان مساعدت های امنیتی دفاعی کاری انجام دهیم، ولی می توانیم پیامی برای آنها ارسال کنیم و موقعیت را به آنها توضیح دهیم و بپرسیم که چه کاری می توان در این باره انجام داد.

۷- سرهنگ دوم رینکر سعی کرد با کشاندن صحبت به وضعیت صنایع هواپیمایی ایران اطلاعاتی درباره وضعیت موتورهای J-۷۹ و قطعات یدکی به دست آورد. تیمسار صفری یک بار دیگر به فارسی با سرهنگ وحدانی صحبت کرد و سپس اظهار داشت که صنایع هواپیمایی ایران هنوز به کار خود ادامه می دهد و نیروی هوایی ایران و صنایع هواپیمایی ایران هر زمان که نیاز باشد به یکدیگر کمک می کنند. با وجود این، سرهنگ دوم رینکر احساس کرد که تیمسار صفری تمایلی به ادامه بحث ندارد، برای همین موضوع را عوض کرد.

۸- آخرین موضوعی که سرهنگ دوم رینکر مطرح ساخت مسئله مرکز کنترل اولویت و پایانه سیستم برنامه ریزی تحلیل گزارش ها بود. سرهنگ دوم رینکر درباره وضعیت و قابل استفاده بودن این پایانه پرسید و توضیح داد که این پایانه می تواند به هنگام از سرگیری خطوط تدارکاتی حساس، بسیار مفید واقع شود. تیمسار صفری گفت که دارد به وضعیت AUTODIN رسیدگی می شود و ظاهراً توانایی و امکانات بالقوه پایانه سیستم برنامه ریزی تحلیل گزارش ها را برای انجام ارتباطات سریع نمی دانست. پس از گفتگوی کوتاهی درباره میزان خسارات وارد شده به AUTODIN و هزینه مالی و زمانی تعمیر آن، سرهنگ دوم رینکر خاطر نشان کرد که با داشتن پایانه سیستم برنامه ریزی تحلیل گزارش ها در اینجا و امکاناتی که در پایگاه هوایی رایت- پترسن وجود دارد، استفاده از آن برای درخواست قطعات ضروری بسیار با صرفه تر از به کار انداختن مجدد AUTODIN است. تیمسار صفری پاسخ داد صرفه جویی و زمان مهمترین عوامل هستند. او سپس به سرهنگ وحدانی دستور داد تا ترتیب بازدید سرهنگ دوم رینکر و ناخدا سوم شیرر را از مرکز کنترل اولویت داده شود.

۹- در پایان گفتگوها، سرهنگ طوسی، رئیس بخش مرکز کنترل اولویت، سرهنگ دوم رینکر و ناخدا سوم شیرر را به ساختمان مدیریت تجهیزات که پایانه سیستم برنامه ریزی و تحلیل گزارش ها و مرکز کنترل اولویت در آن قرار دارند هدایت کرد. پیش از بازدید از تجهیزات، یک ملاقات دیگر نیز در دفتر مدیریت تجهیزات انجام شد و سرهنگ دوم رینکر و ناخدا سوم شیرر به سرهنگ پورنصیری، که جانشین سرتیپ تات شده بود، معرفی شدند. گفتگوهای مفصلی در ارتباط با پایانه سیستم برنامه ریزی تحلیل گزارش ها انجام شد. ظاهراً

سوءتفاهمی در ارتباط با قصد ما از استفاده از این پایانه ایجاد شده بود. با وجود این، در آنجا یک سروان نیروی هوایی به نام سروان جعفری حضور داشت که در ایالات متحده با سرهنگ دوم رینکر در برنامه اف-۱۶ همکاری کرده بود، و بسیار تلاش کرد تا افسران جزء و همافرها را متقاعد سازد که بگذارند سرهنگ دوم رینکر شخصاً تجهیزات را وارسی نماید. سپس سرهنگ دوم رینکر و ناخدا سوم شیرر به محوطه مرکز کنترل اولویت راهنمایی شدند و در آنجا سرهنگ دوم رینکر برای آزمایش تجهیزات از طریق مرکز کنترل اولویت واقع در پایگاه هوایی رایت-پترسن یک پیام کوتاه برای فرماندهی لجستیک نیروی هوایی آمریکا فرستاد. پس از انجام این کار، سرهنگ دوم رینکر و ناخدا سوم شیرر آنجا را ترک کردند.

گاست

خریدهای نظامی خارجی نیروی دریایی ایران

سند شماره ۱۵۳

محرمانه۷ ژوئن ۱۹۷۹- ۱۷ خرداد ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

مرجع: الف- هیأت مستشاری ۱۶۱۳۵۸ز - ۱۶ می ۱۹۷۹ (محرمانه)، ب- هیأت مستشاری ۰۸۱۳۰۵ز - ۸ آوریل ۱۹۷۹ (محرمانه)

موضوع: خریدهای نظامی خارجی نیروی دریایی ایران

۱- (بدون طبقه بندی) مرجع های الف و ب درباره دو دیدار قبلی با مقامات نیروی دریایی اسلامی ایران هستند. در تاریخ ۳ ژوئن ۱۹۷۹، ناخدا سوم هیگبی (رئیس بخش نیروی دریایی) و ناوسروان انگلمن با دریادار علوی، جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی ایران، ملاقات کردند. ناوسروان انگلمن این ملاقات را برای معرفی ناخدا هیگبی ترتیب داده بود.

۲- (محرمانه) وقتی تیم نیروی دریایی ایالات متحده در ساعت ۱۶:۳۰ به درب ورودی ستاد رسید، فرمانده منصوریان که لباس شخصی به تن داشت بدون هیچ گونه معرفی به استقبال آن آمد. سه افسر جزء با لباس های نظامی بسیار مرتب در کنار درب ورودی ایستاده بودند. غیر از منصوریان هیچ کس دیگری با لباس شخصی آنجا نبود و عوامل کمیته هم آنجا حضور نداشتند. منصوریان تیم آمریکایی را مستقیماً به دفتر علوی هدایت کرد. هر چند نیم ساعت به موعد ملاقات مانده بود، ناخدا هیگبی و ناوسروان انگلمن بدون تأخیر به داخل دفتر علوی و ناخدا سوم منوچهر فلاح، که گویا معاون علوی در امور عملیاتی است، پذیرفته شدند.

۳- (محرمانه) رونوشتی از گزارش وضعیت صندوق امانی ایران که در تاریخ ۲۳ می ۱۹۷۹ به دفتر مدیریت لجستیک (ناخدا

افضـلی) تسـلیم شـده بود، در اختیار دریادار علوی قرار گرفت. ظاهراً علوی از گفتگوهایی که در مرکز فرمانـدهی لجستیک با ناخدا افضلی انجام شده بود اطلاع نداشت.

ناوسروان انگلمن توضیح کوتاهی در مورد نکات برجسته گزارش ارایه داد. علوی اذعان

داشت که به نفع هیچیک از دو ارتش نیست موجودی صندوق امانی صفر شود. علوی پرسید آیا از نظر ما نیروی دریایی ایران سهم خود را از صورت هزینه [؟]۲۶۷ دلار پرداخت خواهد کرد. توضیح دادیم که در این ارتباط به هر یک از نیروی ارتش گزار ش های جداگانه ای تسلیم شده است تا آنها بتوانند موضع ما را بهتر درک کنند و زمانی که وزارت دفاع ملی ایران و یا ستاد مشترک و یا ۵-J نظر آنها را درباره صندوق امانی جویا شد، آمادگی بیشتری داشته باشند. ما نمی دانیم آیا از هر یک از نیروهای ارتش تقاضا خواهد شد تا سهمشان را از هزینه ها جداگانه بپردازند، هر چند که صورت هزینه ها به تفکیک نیروها تهیه شده است. ناخدا سوم فلاح پرسید اگر نیروی دریایی سهم خودش را بپردازد، آیا ممکن است صندوق امانی برای نیروی دریایی قابل استفاده باشد، ولی برای نیروهای دیگر نباشد. پاسخ دادیم که صندوق امانی یک صندوق کلی است و چنانچه موجودی آن صفر شود بر همه قراردادها تأثیر خواهد گذاشت و فرقی نمی کند که آیا نیرویی سهم خود را پرداخته باشد یا خیر. علوی پرسید آیا به نظر ما [آیت الله]خمینی پرداخت مبالغ را تصویب می کند. پاسخ دادیم که چنین ملاحظاتی ماهیت سیاسی دارد و در حوزه صلاحیت هیأت مستشاری نیست.

۴- (محرمانه) این مسئله مطرح شد که نیروهای هوایی و زمینی ایران تمایل خود را به ادامه پشتیبانی قطعات قابل تعمیر ابراز کرده اند. در مورد گفتگوهایی که هم اینک بر سر این مسئله با نیروی هوایی در جریان است با آنها صحبت کردیم. متذکر شدیم که چنین گفتگویی با نیروی دریایی وجود ندارد و اینکه هر چه دیرتر شروع کنیم، دیرتر به نتیجه خواهیم رسید. علوی از نداشتن ارتباط پوزش خواست و به ناخدا سوم فلاح گفت با صدور «دستور مستقیم» از ناخدا افضلی بخواهد تا اینگونه گفتگوها را شروع کند. افضلی اهمیت وقت LEAD را در کسب پشتیبانی قطعات یدکی درک می کند.

۵- (محرمانه) مسایل کلی

الف- همه فایل ها و تجهیزات دفاتر نمایندگی نیروی دریایی آمریکا در ساختمان ستاد به درون یک دفتر انتقال یافته و مجتمع شده اند. علوی از ستاد مشترک اجازه خواسته است تا خانم فداکار (از کارمندان ایرانی) در مقام منشی نماینده نیروی دریایی آمریکا به این دفتر انتقال یابد و همچنین به ما اجازه دسترسی به این فایل ها را بدهند. علوی گفت شخصاً تلاش می کند تا تصمیم گیری در این باره را در ۲-J «تسریع» کند. او گفت این تصمیم می تواند به نیروی زمینی و هوایی نیز مربوط باشد و به همین دلیل به تأخیر افتاده است.

ب- به علوی گفتیم که هنوز پاسخی رسمی به نامه مان در ارتباط با آموزش های MIDSHIPMEN دریافت نکرده ایم. علوی گفت فکر می کند این آموزش ها تصویب شده باشند، و به ناخدا سوم فلاح دستور داد که فوراً این نامه را پیگیری کند.

پ- ناخدا سوم فلاح درباره تجهیزات تیم TAFT در بندر انزلی (پهلوی سابق) گفت که این تجهیزات در حال حاضر دارد درون یک جعبه واقع در انبار قرار می گیرد. برداشت ما این است

که شرکت استنویک (چنانکه تقاضا شده است) خیلی زود بتواند آن را از بندر انزلی به تهران بیاورد و یا اینکه نیروی دریایی ایران خودش آن را به تهران حمل کند.

ت- در طول بحث، یک بار ناخدا سوم فلاح پرسید چه کسی افسر اطلاعاتی شماست. به وی توضیح داده شد که هرگز در هیأت مستشاری نظامی افسر اطلاعاتی حضور نداشته و ستاد فعلی تنها توسط واحدهای لجستیک پشتیبانی می شود.

ث- چندین بار تأکید شد که ما احساس می کنیم روابط بین ارتش های دو کشور می تواند حسنه باشد و اینکه بسیار مایلیم این روابط ادامه و بهبود یابد. علوی گفت از شنیدن این حرف بسیار خشنود است (ظاهراً انتظار این حرف را نداشت) و دلگرم شده است. او از ما دعوت کرد که «هر موقع» می خواهیم به دیدن او برویم و معلوم بود زیاد نگران حضور یک آمریکایی در ستاد و یا دفترش نیست.

۶- (محرمانه) صبح فردای همان روز، ناخدا سوم فلاح برای پیگیری برخی موضوعاتی که در دیدار روز گذشته مطرح شده بود با تلفن با بخش نیروی دریایی [در سفارت آمریکا] تماس گرفت. فلاح گفت قرار است فرماندهی آموزش خیلی زود در ارتباط با آموزش MIDSHIPMEN با او تماس بگیرد. او همچنین با بندر انزلی تماس گرفته و اطلاع یافته بود که مراحل بسته بندی خوب پیش می رود. او گفت برای مشخص شدن اجازه دسترسی ما به دفاتر نمایندگی نیروی دریایی آمریکا در ساختمان ستاد خیلی زود با ستاد مشترک تماس خواهد گرفت.

این اولین باری بود که نیروی دریایی ایران طی یک ماه گذشته با بخش نیروی دریایی تماس می گرفت. نیم ساعت بعد، ناوسروانی به نام نوایی از فرماندهی آموزش تماس گرفت و گفت نیروی دریایی ایران هنوز به اجرای دوره آموزشی MIDSHIPMEN علاقه دارد و از «فرماندهی عالی» درخواست شده تا مبلغ ۳۰ هزار دلار را بابت قرارداد IR-TAR به صندوق امانی خریدهای نظامی خارجی انتقال دهد. او گفت که در این باره با ناخدا ستوده در واشنگتن تماس حاصل شده و او در جریان امور قرار دارد.

۷- (محرمانه) برداشت های کلی

گفتگوها بسیار صمیمی و دوستانه بود. حضور ناخدا سوم فلاح در جلسه و پیگیری او در روز بعد بسیار دلگرم کننده بود. علوی گفت نیروی دریایی سخت تلاش می کند طرح تجدید سازماندهی اش را تکمیل کند.

علوی اظهار داشت نیروی دریایی مشکلات کمتری نسبت به نیروی زمینی و هوایی در این زمینه دارد. او گفت افسران خیلی خوبی نظیر ناخدا فلاح برایش کار می کنند و اینکه امیدوار است ساختار جدید هر چه زودتر پیاده شود.

جلسه ۴۰ دقیقه طول کشید و تیم آمریکایی خیلی دوستانه تا محل خودروهایشان همراهی شدند.

مذاکرات وابسته دفاعی با جانشین رئیس ستاد نیروی...

ص: ۳۸۵

سند شماره ۱۵۴

محرمانه۱۸ ژوئن ۱۹۷۹- ۲۸ خرداد ۱۳۵۸

از: دفتر وابسته دفاعی، تهران به: آژانس اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سی

تهیه کننده گزارش: وابسته دفاعی، تهران

منبع تأیید کننده گزارش: تی.ای.شافر سرهنگ نیروی هوایی، وابسته دفاعی

منبع: مشاهدات شخصی

موضوع: مذاکرات وابسته دفاعی با جانشین رئیس ستاد نیروی

دریایی ایران - دریادار علوی

خلاصه: این گزارش به جزییات مذاکره وابسته دفاعی ایالات متحده با جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی ایران، دریادار علوی، مربوط می شود. محورهای عمده بحث عبارت بودند از نفوذ چپی ها به درون ارتش، نظم و انضباط در نیروی دریایی، توانایی های عملیاتی نیروی دریایی ایران، دریادار مدنی، دریاسالاران نیروی دریایی و بنادر نیروی دریایی.

مشروح گزارش (محرمانه غیر قابل رؤیت برای بیگانگان)

الف- کلی: (بدون طبقه بندی) در ساعات واپسین بعد از ظهر یکشنبه ۱۷ ژوئن ۱۹۷۹، وابسته دفاعی با خودروی خود به ساختمان ستاد نیروی دریایی ایران رفت تا با دریادار علوی، جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی ایران، ملاقات کند. این ملاقات در چارچوب دیدارهای معمول وابسته نظامی و صرفاً برای حفظ تماس با نیروی دریایی ایران صورت می گرفت. برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب، وابسته نظامی مجبور نشد برای ورود به یک ساختمان نظامی ایران از خودروی خود پیاده شود و با پست نگهبانی صحبت کند. نگهبانان درب ورودی، که تماماً لباس های سفید مرتب نیروی دریایی به تن داشتند، خودرو ویا وابسته دفاعی را شناختند و بلافاصله زنجیر ورودی را پایین آوردند و بدون اینکه خودرو را متوقف کنند به هنگام ورود ما به درون محوطه با سلام نظامی احترام گذاشتند. وقتی به ساختمان ستاد رسیدیم، یک ناوی جوان درب خودرو را باز کرد و یک افسر نیروی دریایی ایران وابسته دفاعی را تا دفتر علوی همراهی کرد. هر چند هشت دقیقه زودتر از موعد به آنجا رسیده بودیم، ولی بلافاصله به دفتر خصوصی علوی راهنمایی شدیم. صحبت هایمان که ۳۰ دقیقه به طول انجامید کاملاً دوستانه و صمیمی بود. خروج از ساختمان ستاد نیز به همراه تشریفات حرفه ای و بدون هیچ مشکلی انجام شد.

ب- نفوذ چپی ها به درون ارتش (محرمانه غیر قابل رؤیت برای بیگانگان): تقریباً در اواسط صحبت هایمان بود که دریادار

علوی پرسید آیا اطلاعاتی درباره نفوذ عناصر چپی و عوامل شوروی در نیروی های ارتش ایران در اختیار داریم یا خیر. پس از آنکه وابسته دفاعی پاسخ داد که هیچ اطلاعات خاصی در این باره نداریم، علوی گفت که به اعتقاد او این مسئله در نیروی دریایی و سایر نیروی های ارتش مشکل ساز است. او گفت «باید حواسمان به این

مشکل باشد» چون «ممکن است آنهایی که ظاهراً دوست هستند، واقعاً دوست نباشند.» او افزود به تازگی در دیداری که با تیمسار فربد (رئیس ستاد کل ارتش) داشته در مورد این مسئله با او صحبت کرده است. علوی گفت گروههای چپی شبیه آنهایی هستند که در طبقه کارگر غیرنظامی نفوذ کرده اند. علوی واقعاً از این مسئله نگران بود، و در همان حال، گویی که با خودش صحبت می کند، گفت «از دست فرمانده ی بندر انزلی (قبلاً بندر پهلوی) راضی نیستم.» و اینکه «باید یک نفر دیگر به جای او بگذارم.» برای وابسته نظامی معلوم نیست که آیا علوی به فرمانده انزلی اعتماد نداشت یا اینکه مشکلات دیگری با او داشت، ولی برایش عجیب بود که علوی مشکلات مربوط به فرماندهانش را علناً به او بگوید.

پ- نظم و انضباط در نیروی دریایی (محرمانه): در اوایل صحبت، وابسته دفاعی به نظم و انضباط و رفتار عالی نگهبانان درب ورودی اشاره کرد. علوی گفت در نیروی دریایی نظم و انضباط خوبی حکمفرماست و این تنها راهی است که از طریق آن می توانیم احترام نیروها را نگاه داریم و نیروهایمان را مدیریت کنیم. او گفت نیروهای تحت امرش رهبری قدرتمند می خواهند و نیاز دارند که از آنها نظم و انضباط بخواهد. او افزود نظم و انضباطی که در ستاد نیروی دریایی دیده می شود در همه جای نیروی دریایی نیز وجود دارد.

ت- توانایی های عملیاتی (محرمانه غیر قابل رؤیت برای بیگانگان): دریادار علوی اظهار داشت که آمادگی عملیاتی نیروی دریایی چندان خوب نیست، و افزود مشکلات عمدتاً به قطعات یدکی مربوط می شود. او گفت هر گونه تلاش وابسته دفاعی برای کسب قطعات یدکی از ایالات متحده موجب امتنان خواهد بود. وابسته دفاعی گفت هیأت مستشاری نظامی سعی دارد این مشکل را حل کند و در صورت لزوم باید با آنها تماس بگیرند.

ث- دریادار مدنی (محرمانه): وابسته دفاعی حال دریادار مدنی را پرسید و گفت که آیا مدنی در تهران است یا خیر. دریادار علوی پاسخ داد که مدنی در اهواز به سر می برد و سرگرم مشکلات استان خوزستان است. علوی گفت «مدنی به خاطر کارش در خوزستان کفایت بیشتری پیدا کرده است» و افزود به اعتقاد او «مدنی دارد طرفداران بیشتری در میان مردم پیدا می کند.» از لابه لای صحبت ها پیدا بود که مدنی وقت چندانی برای رتق و فتق امور نیروی دریایی ندارد و علوی در واقع همه کاره ی نیروی دریایی است.

ج- دریاسالاران نیروی دریایی (محرمانه): وابسته دفاعی پرسید هم اینک چند دریاسالار در نیروی دریایی خدمت می کند، و علوی سریعاً پاسخ داد «فقط یکی»، ولی وقتی به مدنی اشاره شد، گفت «فقط دو تا». همه دریاسالاران بازنشسته شده اند. علوی گفت حالا ناخدایان و ناخدا سوم ها رئیس من هستند. او گفت تا آنجا که می داند هیچیک از دریاسالاران سابق دستگیر نشده اند و مشکلی نداشته اند. علوی در پاسخ به سئوال وابسته دفاعی در مورد ساختار سازمانی کنونی نیروی دریایی و نام افسران ارشد این نیرو گفت که در حال بررسی این مسئله هستند و اطلاعات مربوطه در آینده به دستش خواهد رسید.

چ- بنادر نیروی دریایی (محرمانه غیر قابل رؤیت برای بیگانگان): دریادار علوی گفت بندر عباس پایگاه خوبی برای نیروی دریایی نیست و چا بهار می توانست پایگاه دریایی خوبی باشد. او گفت هزینه زیادی بابت تأسیسات چابهار پرداخته شده و حالاـ همه آن هزینه ها بی فایده خواهد بود. به اعتقاد وابسته دفاعی، دریادار علوی نمی خواست وارد جزییات مسئله چابهار شود، ولی می خواست وابسته دفاعی بداند که از توقف عملیات ساخت و ساز در آنجا چندان راضی نیست.

نظرات تهیه کننده گزارش: (محرمانه غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) این دومین ملاقات با دریادار علوی نیز به همان اندازه ملاقات اول دوستانه بود. علوی گفت امیدوار است روابط حسنه درازمدتی با ایالات متحده برقرار شود. او به گونه ای رفتار می کند که گویی در نیروی دریایی همه کاره است، ولی مشکلاتی نیز دارد. علوی گفت هیچ کمیته ای در نیروی دریایی نیست. ولی منابع دیگر می گویند که این کمیته ها در نیروی دریایی نیز هستند، هرچند به اندازه کمیته های نیروی هوایی و نیروی زمینی قدرت ندارند. بر اساس گفتگوهایی که در این ملاقات انجام شد و به اعتقاد وابسته دفاعی، وضعیت نیروی دریایی سریعتر از نیروهای دیگر عادی خواهد شد. اگرچه نظم و انضباط در نیروی دریایی خوب است، [اما] هنوز نمی توان آن را یک نیروی نظامی کارآمد دانست.

ورود به تأسیسات آی- هاوک در دوشان تپه

سند شماره ۱۵۵

بدون طبقه بندی۲۳ ژوئن ۱۹۷۹- ۲ تیر ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران به: فرماندهی MIRCOM زرادخانه ردستون

موضوع: ورود به تأسیسات آی- هاوک در دوشان تپه

- در تاریخ ۱۸ ژوئن، ناخدا سوم شیرر به همراه یکی از مأموران کمیته و ۴ نفر افراد آی-هاوک نیروی هوایی ایران از دفاتر سابق آی- هاوک بازدید کرد. از دفاتر قبلی، فقط دو دفتر انتهای راهرو طبقه هم کف باقی مانده است. یکی از این دفاتر به نماینده نیروی هوایی آمریکا اختصاص یافته، و یکی دیگر هم انبار نشریات، وسایل اداری، فایل ها، کابینت ها و گاوصندوق ها شده است که همه آنها بدون هیچ نظم و ترتیبی روی هم ریخته شده اند. ناخدا سوم شیرر به کمک ۴ نفر از افسران علاقمند آی-هاوک نیروی هوایی ایران در حال دور ریختن، مرتب کردن، و ساماندهی به این وسایل در یک مرکز موقت آی-هاوک در ساختمان نیروی هوایی هستند.

- چون معلوم نیست وسایل شخصی به چه کسی تعلق دارد، جدا کردن آنها کار بیهوده ای به نظر می رسد و ناخدا سوم شیرر آنها را به نحو مقتضی دور خواهد ریخت.

- به استثنای یک گاو صندوق، کلیه گاو صندوق ها و قفسه های فایل ها دست نخورده بود و با بقیه وسایل در یک دفتر قرار

داشت. صندوق دست خورده در اولین دفتر سمت راست درب

ورودی ساختمان قرار دارد و اندازه آن تقریباً [؟] در۳ اینچ در ۳ اینچ است. خواهشمند است هر گونه اطلاعات موجود درباره محتویات و یا صاحب و رمز این گاو صندوق در دست دارید، برایمان ارسال نمایید. علاوه بر این، لطفاً اطلاع دهید آیا چیزهایی در این گاوصندوق ها هست که نباید در حضور یک مأمور کمیته باز شود.

– به منظور تسهیل در بسته بندی و بازیافت اموال دولت آمریکا، لطفاً اطلاعات مربوط به صاحبان ماشین های تایپ و سایر وسایل اداری را برایمان ارسال کنید.

گاست

صندوق امانی خریدهای نظامی خارجی ایران

سند شماره ۱۵۶

محرمانه۲۷ ژوئن ۱۹۷۹– ۶ تیر ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: صندوق امانی خریدهای نظامی خارجی ایران

۱– (محرمانه) در جریان ملاقاتی که سرهنگ دیویس در تاریخ ۲۴ ژوئن ۱۹۷۹ با سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع ملی ایران داشت سرهنگ کامکار اظهار کرد به دلیل فقدان اطلاعات تفصیلی درباره وضعیت دقیق صندوق امانی نمی تواند پرداخت فوری صورتحساب هزینه های ماه مارس را برای مقامات مافوق خود توجیه کند. سرهنگ کامکار یک بار دیگر اقدامات یکجانبه ایالات متحده را که به اعتقاد وی بدون اطلاع کافی دولت ایران صورت گرفته است، زیر سئوال برد. دولت ایران هنوز شدیداً به تعلیق ارسال قطعات یدکی از سوی دولت ایالات متحده حساسیت نشان می دهد. سئوالی که از سوی مقامات مافوق سرهنگ کامکار مطرح شده این است که: «چرا دولت آمریکا قطعات یدکی را (به دلیل کافی نبودن موجودی صندوق امانی) نگاه داشته در حالی که دارد بابت کشتی هایی که قرارداد آنها را لغو کردیم، از صندوق برداشت می کند؟» سرهنگ کامکار خواهان اطلاعات مفصل درباره وضعیت فعلی صندوق امانی (چنانکه در یادداشت تفاهم آمده است) و گزارش های دوره ای تقریباً ۱۰ روزه، شد تا بتواند مقامات را متقاعد به پرداخت هزینه ها کند. اظهارات کامکار کاملاً روشن ساخت که وزارت دفاع ملی ایران قصد ندارد بدون در دست داشتن حقایق مستند و قابل فهم صورتحساب هزینه های رژیم قبل را بپردازد.

۲– (بدون طبقه بندی) بر اساس آنچه در بالاـ گفته شد، معتقدیم که بهترین راهکار موجود ارایه بیشترین اطلاعات در سریعترین زمان ممکن است. گزارش توجیهی صندوق امانی گام اول و خوبی بود ولی گویا این تلاش برای متقاعد کردن مقامات دولت ایران به پرداخت هزینه ها کافی نبوده است. به رغم اصرار هیأت مستشاری، نمایندگان وزارت دفاع ملی ایران

هنوز احساس نمی کنند که سفرشان به واشنگتن در این زمان مناسبتی داشته باشد. بنابراین، سفر هیأت ایرانی به واشنگتن ظاهراً گزینه ای نیست که بتوان مد نظر قرار داد.

۳- (بـدون طبقه بنـدی) مـا همچنـان سـعی خواهیم کرد تـا مفهوم صـندوق امـانی کل و حقایق مرتبط با مسـئولیت مالی خاتمه قراردادها را توضـیح دهیم. اگرچه گاه نمی توان فهمیـد چرا آنها ظاهراً برخی مسایل را نمی پذیرنـد و یا نمی فهمنـد، از اینکه گفتگوها ادامه دارد دلگرم هستیم.

۴- (بـدون طبقه بنـدی) چنـانچه بتوانیـد فرمت پیـام هـا را به نحوی مورد تجدیـد نظر قرار دهیـد که بتوان آمار و ارقام جـداول ذیربط منـدرج در گزارش سـرهنگ پتی را که در هفته (شـروع روز ۲۱ مـاه) می ارایه شـد، به روز کرد، کمک بسـیار بزرگی خواهـد بـود. در این صـورت می تـوانیم تقریبـاً هر ده روز یکبـار گزارش به روز شـده ای به ایرانی هـا ارایه دهیم. شایـد اولین گزارش را بتوان هفته آینده آماده کرد.

۵- (بدون طبقه بندی) در طول ملاقاتِ سـرهنگ کامکار با سـرهنگ دیویس، معاون وزیر دفاع ملی ایران نامه ای به سـرهنگ دیویس تسـلیم کرد که متن آن در زیر آمـده است. کامکـار در تماس تلفنی خود با رئیس هیأت مسـتشاری نظامی که پیش از ملاقات انجام شـده بود، گفت دولت ایالات متحـده بایـد نامه مزبور را تلاش صادقانه ایران برای یافتن پاسـخ به مسایل و نشانه ای از تمایل ارتش ایران به تـدام روابط بدانـد. سـئوالاتی که در این نامه مطرح شـده ما را امیدوار ساخته است که ارتش ایران هم اینک حـداقل در حال یافتن خود و تلاش برای ایجاد مبناهایی است. نامه سـرهنگ کامکار به شـرح زیر است. خواهشـمند است پاسخ سئوالات را برایمان ارسال نمایید.

سرلشگر گاست

نماینده وزارت دفاع ایالات متحده

موضوع: هزینه های خریدهای نظامی خارجی

مرجع شما:

صورتحسـاب های هزینه به مبلغ کل ۹۵/۲۶۶۵۴۹۴۳۱ دلار که در تاریـخ ۲۲ ماه می ۱۹۷۹ به این وزارتخانه تسـلیم شده است. مایلیم به اطلاع تان برسانیم که صورتحساب های فوق برای بررسـی و اقـدام به نیروی های ذیربط تسـلیم شـده اند. مبلغ خالص هزینه هایی که به این وزارتخانه مربوط می شود در حدود ۲۲۳ میلیون دلار است.

بررسی مقدماتی این صورتحساب ها نشان داد که برخی نکات نیاز به توضیح دارد:

۱- برنامه اف-۱۶ قراردادهای STA-STY:

اطلاعات ارایه شـده از سوی وزارت دفاع آمریکا در گزارش مورخ ۲۲ می ۱۹۷۹ نشان می داد که کل برداشت های مورد نیاز برای این برنامه در حدود ۴/۱۰۲ میلیون دلار خواهد بود، در حالی که کل مبالغ مورد نیاز در صورتحساب شماره ۷۹-۰۳-NS

مبلغ ۷/۱۵۸ میلیون دلار ذکر شده است. لطفاً درباره این اختلاف توضیح دهید.

۲- قراردادهای TAFT برای سال مالی ۱۹۷۹:

کل برنامه ارزشی بالغ بر ۸/۱۱۴ میلیون دلار دارد و کل مبلغ مورد نیاز در صورتحساب شماره ۷۹-۰۳-NK مبلغ ۶/۹۹ میلیون دلار ذکر شده است. نظر به اینکه نیروهای TAFT پیش از فوریه ۱۹۷۹ ایران را ترک کردند، به نظر می رسد که مبلغ مورد نیاز قدری بیشتر از واقع در صورتحساب قید شده است.

۳- قراردادهای پشتیبانی هلیکوپترها و سایر قراردادها با پیمانکار (قراردادهای خریدهای نظامی خارجی VZZ, WAK, WAL, WAG و غیره): مبالغ مورد نیاز (ستون ۱۲ فرم ۶۴۵ DD) بابت خدمات ارایه شده، لوازم تحویل شده، هزینه های جابجایی، و غیره باید به تفکیک ذکر شود.

۴- مبالغی که ظاهراً مازاد بر نیاز بوده از صندوق دارایی XFT به قراردادهای دیگر انتقال یافته است، مثلاً در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۷۹ مبلغی برابر با ۵/۴۱ میلیون دلار به قرارداد ABS (موشک های فونیکس) انتقال یافته که کل مبالغ پرداختی را به ۷/۱۷۷ میلیون دلار افزایش داده است.

نظر به اینکه بخشی از موشک های موضوع این قرارداد تحویل ایران نخواهد شد، انتقال مبلغ ۵/۴۱ میلیون دلار هیچ توجیهی ندارد.

۵- چنانکه چندین بار تذکر داده ایم، در نتیجه انتقال نامناسب وجوه از صندوق دارایی XFT، کل مبالغ پرداخت شده برای این قراردادها بیشتر از ارزش قرارداد بوده است. برخی نمونه های آن جهت اطلاع ذکر می گردد:

قراردادارزشپرداخت

VHU۰۰/۲۳۸۶۹۳۰۰/۴۴۸۹۸۷

CSF۰۰/۸۳۳۷۷۴۰۰/۵۵۳۶۰۵۲

۱۰۰/۱۹۲۹۳؟TZE۰۰/۰۰۰۰

۶- در تاریخ ۸ سپتامبر ۱۹۷۸، به هیأت مستشاری اطلاع داده شده که از اجرای قرارداد WFA خودداری کند. در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۷۸ مبلغ ۰۰/۸۰۴۴[؟]۶ دلار از صندوق دارایی XFT به این قرارداد انتقال یافته است.

۷- برآورد مبالغ مالی مورد نیاز در ستون ۱۱ فرم ۶۴۵ DD شامل هزینه های خاتمه قرارداد برای برنامه های لغو شده ی خریدهای نظامی خارجی از سوی دولت ایران. توجه شما را به مفاد یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ جلب می کنیم که در آن مشخصاً ذکر شده است که مدارک مربوط به این نوع هزینه ها باید به منظور بررسی و تصویب در اختیار دولت ایران

قرار گیرد. بنابراین پیشنهاد می کنیم هزینه های خاتمه قرارداد از ستون ۱۱ شود و مدارک مربوط به هزینه خاتمه هر یک از قراردادها به منظور بررسی و تصویب به این وزارتخانه تسلیم گردد.

رسید اطلاعات ثبتی فهرست شده در نامه مورخ ۲۶ مارس ۱۹۷۹ شما (که رونوشت آن به

پیوست ارسال می گردد) که هنوز در اختیار ما قرار نگرفته است و پاسخ به نکاتی که در بالا ذکر شد می تواند حل مشکل صندوق امانی را تسریع نماید.

معاون وزارت دفاع در امور تسلیحات

شرایط خرید تجهیزات نظامی، ملزومات و خدمات آموزشی از آمریکا...

سند شماره ۱۵۷

برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران۱ ژوییه ۱۹۷۹ – ۱۰ تیر ۱۳۵۸

[موضوع]: شرایط خرید تجهیزات نظامی، ملزومات و خدمات آموزشی از آمریکا

۱- کشورها می توانند از دو طریق تجهیزات نظامی، ملزومات و خدمات آموزشی از ایالات متحده خریداری کنند.

الف- خریدهای تجاری. طبق آن دولت خارجی مستقیماً با یک شرکت تجاری آمریکایی قرارداد می بندد، مثلاً برای خرید هواپیماهای ۷۴۷ و ۷۰۷ که قابلیت حمل سلاح های مهلک را ندارند. در این مورد، شرکت تجاری آمریکایی باید از دولت آمریکا مجوز صادرات کسب کند.

- تنظیم قرارداد، شرایط آن و نحوه پرداخت بین دولت خارجی و شرکت آمریکایی توافق و اجرا می شود.

ب- شیوه دوم برنامه خریدهای نظامی خارجی است.

- چنانچه تجهیزات و قطعات مورد تقاضا در فهرست کنترل تسلیحاتی دولت ایالات متحده قرارداشته و شامل اکثر قطعات یدکی و تجهیزات پشتیبانی باشد، کشور خارجی باید از طریق برنامه خریدهای نظامی خارجی اقدام کند.

- این شیوه در حکم توافق یک دولت با دولت دیگر برای خرید و فروش است، و نتیجه آن نیز عقد قرارداد بین یک دولت با دولت دیگر خواهد بود.

۲- رویه های مربوط به قراردادهای برنامه خریدهای نظامی خارجی

الف- کشور خریدار، نیازهایش را مشخص می کند.

ب- کشور خریدار، قصد خود را برای خرید ملزومات از طریق نامه به دولت ایالات متحده اطلاع می دهد. شرح کلی ملزومات و همچنین درخواست ارایه پیشنهاد فروش از دولت ایالات متحده در این هدف نامه ذکر می شود.

پ- دولت ایالات متحده موافقت اصولی خود را برای فروش ملزومات اعلام می کند.

- چنانچه دولت ایالات متحده موافقت اصولی خود را برای فروش ملزومات اعلام کند، نمایندگان دو دولت باید کل نیازمندی ها را مورد بررسی و توافق قرار دهند، مثلاً میزان قطعات یدکی و آموزش های مورد نیاز برای متخصصین.

ت- دولت ایالات متحده نامه پیشنهاد خود را تنظیم می کند. چنانچه تجهیزات مورد

درخواست شامل سلاح های مهلك و بیشتر از سقف دلاری مشخص شده باشد، نامه پیشنهاد و فروش باید در کنگره آمریکا به تصویب برسد.

ث- ایالات متحده نامه پیشنهاد خود را که شامل قیمت، موجود بودن اقلام و سایر شرایط است برای کشور خریدار ارسال می کند. کشور خریدار می تواند درخواست کند برخی مفاد نامه اصلاح و یا شفاف تر شود.

ج- چنانچه کشور خریدار نامه پیشنهاد را قبول و آن را امضا نماید، سند فوق به منزله نامه قبول و موافقت دولت با دولت و قرارداد محسوب خواهد شد.

۳- تعهدات اصلی هر یك از کشورها

الف- دولت ایالات متحده

- تحویل تجهیزات، قطعات یدکی و ارایه آموزش ها طبق جدول زمانی توافق شده

- کیفیت اقلام تحویل شده باید به اندازه و یا بالاتر از استانداردهای برنامه های ایالات متحده باشد.

- برنامه را با همان کیفیتی مدیریت کند که برنامه های نظامی آمریکا را مدیریت می کند.

- مراحل اجرای قرارداد را انجام بدهد.

ب- کشور خریدار

- در زمان مقتضی تأسیسات و نفرات مورد نظر را برای آموزش مهیا سازد.

- پرداخت ها را به موقع انجام دهد.

- هیچیك از تجهیزات، ملزومات و یا اطلاعات آموزشی را بدون تصویب دولت ایالات متحده به کشور ثالث انتقال ندهد.

۴- شرایط مالی قرارداد

الف- کشور خریدار به موجب نامه پیشنهاد و قبول متعهد می شود که مبالغی به صورت پیش پرداخت به دولت ایالات متحده بپردازد. دولت ایالات متحده از این مبالغ برای پرداخت به تولیدکنندگان و فروشندگان استفاده می کند. پرداخت ها برای پیشرفت کار و تحویل محصولات نهایی صورت می گیرد.

ب- قانون ایالات متحده، پرداخت از محل بودجه تخصیصی به دولت را، برای هیچ بخشی از خریدهای هیچ کشوری در هیچ

زمانی مجاز نمی داند.

پ- در قانون، هیچ سود یا زیانی برای دولت ایالات متحده پیش بینی نشده است.

۵- نحوه پرداخت

الف- نامه پیشنهاد و قبول شامل یک جدول زمانی برای پرداخت خواهد بود.

این جدول زمانی دو بخش دارد:

- پیش پرداخت اولیه

- پرداخت های تقریبی ماهیانه

ب- پیش پرداخت اولیه

- پرداخت جهت پوشش هزینه های شروع کار

- پرداخت جهت پیشرفت اولیه کار به پیمانکاران آمریکایی

- پرداخت جزیی برای پوشش مسئولیت مالی خاتمه قرارداد (که در همین سند توضیح داده خواهد شد.)

پ- بخش اولِ پرداخت های سه ماهه نیز باید از پیش پرداخت شود تا دولت ایالات متحده پول کافی برای پرداخت به تولید کنندگان و فروشندگان را داشته باشد.

- پیش بینی پرداخت های تقریبی سه ماهه از سوی کشور خریدار به منظور بودجه بندی و برنامه ریزی استفاده خواهد شد.

پرداخت های نهایی که بر اساس صورتحساب های هزینه تهیه شده از سوی ایالات متحده به کشور خریدار تسلیم می گردد.

- صورتحساب های هزینه حاوی اطلاعات زیر خواهد بود:

- مبلغ کل قرارداد

- پرداخت هایی که تا آن تاریخ صورت گرفته است

- پرداخت بابت اقلام تحویل شده و پیشرفت کار

- پرداخت هایی که باید صورت بگیرد

ت- دولت ایالات متحده برای هر کشور خریدار یک صندوق امانی تأسیس می کند. دولت آمریکا سپس وجوه پرداختی از سوی خریدار را به این صندوق واریز می کند تا بتواند از محل آن برای پیمانکاران (تولید کنندگان، تأمین کنندگان و فروشندگان) چک صادر کند. در حال حاضر، صورتحساب های هزینه شامل این اطلاعات می شود.

۶- قراردادهای خریدهای نظامی خارجی

الف- هر یک از نامه های پیشنهاد و قبول در حکم یک قرارداد خرید نظامی خارجی محسوب شده و با عبارت خاصی شناخته می شود.

ب- برخی از این قراردادها از حیث ارزش دلاری بسیار بزرگ و برخی دیگر کوچک هستند، مثل قرارداد برای تحویل مطالب آموزشی.

پ- برخی برنامه ها نظیر برنامه خرید اف-۱۴ معمولاً شامل چندین نامه پیشنهاد و قبول است، مثلاً:

- برای هواپیما

- برای قطعات یدکی

- برای آموزش

۷- مفهوم صندوق امانی

الف- دولت ایالات متحده برای هر کشور یک صندوق امانی تأسیس می کند.

ب- حساب صندوق امانی از سوی مرکز حسابداری وزارت دفاع در دنور، کلرادو، افتتاح و مدیریت می شود.

پ- هر یک از قراردادهای برنامه خریدهای نظامی خارجی مستقل از قراردادهای دیگر محسوب می شود.

- پرداخت های خریدار و استرداد مازاد مبالغ از سوی دولت ایالات متحده به طور جداگانه در قبال هر قرارداد صورت می گیرد.

ت- تحت شرایط عادی می توان وجوه صندوق را از قراردادی به قرارداد دیگر منتقل کرد.

- هر دو کشور باید انتقال وجوه از یک قرارداد به قرارداد دیگر را مورد موافقت قرار دهند، مثلاً- قرارداد الف دارای مازاد بودجه و قرارداد ب دارای کسری بودجه است و برای تسویه حساب به مازاد بودجه الف نیاز دارد.

- این رویه، در صورت لزوم، تسویه متقابل نام دارد.

ث- در شرایط عادی، چنانچه وجوه کافی برای تسویه حساب های یک قرارداد خاص وجود نداشته باشد (هیچ پولی در صندوق امانی برای آن قرارداد نباشد) کار متوقف شده و آن برنامه خاص خاتمه خواهد یافت.

۸- مسئولیت مالی ناشی از خاتمه قرارداد

الف- دولت ایالات متحده، چه برای قراردادهای خودش و چه برای یک دولت دیگر، موظف است و باید وجوهی در اختیار داشته باشد تا در صورت خاتمه قرارداد از سوی دولت خریدار، بابت هزینه خاتمه قرارداد به پیمانکار بپردازد.

ب- اقلامی نظیر هزینه لوازمی که تولید آنها به زمان زیادی نیاز دارد که پیمانکار تعهد و به کار گرفته است.

- نیروی کاری که غیرمولد شده و حقوق یا پاداش خاتمه خدمت نیروی کار

- از دست رفتن کار، اموال، استهلاک تجهیزات و تأسیسات، هزینه های بالاسری و از دست رفتن سود در نتیجه خاتمه قرارداد.

پ- طبق قوانین ایالات متحده، دولت آمریکا حق ندارد هیچگونه پرداختی از بابت مسئولیت مالی دولت های دیگر در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی انجام دهد.

ت- پرداخت هـایی که از سوی کشور خریـدار به دولت ایالاـت متحـده صورت می گیرد مسـئولیت مـالی خاتمه قرارداد را به وسیله موارد زیر شامل می شود:

- پرداخت های اولیه به صندوق امانی

- پرداخت های سه ماهه به صندوق امانی

ث- چنانچه برنامه ای خاتمه یابد، دولت آمریکا شرایط خاتمه آن را مورد مذاکره قرار می دهد و مسئولیت مالی ناشی از آن از محل وجوه صندوق امانی تأمین خواهد شد.

یادداشت تفاهم بین دولت ایران و دولت ایالات متحده

که مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ به امضا رسید

۱- این یادداشت تفاهم (که از این پس در این سند یادداشت تفاهم نامیده خواهد شد) در تاریخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ به منظور اصلاح عمده برنامه خرید ملزومات نظامی از دولت ایالات متحده به امضا رسید. این یادداشت تفاهم فقط به برنامه خریدهای نظامی خارجی مربوط می شود و قراردادهای تجاری مستقیم را در برنمی گیرد. طبق این یادداشت تفاهم برخی رویه ها نیز اصلاح شد. این رویه ها:

الف- ناقض قوانین ایالات متحده نبودند

ب- ناقض سیاست های ایالات متحده نبودند

پ- رویه های برنامه خرید های نظامی خارجی را اصلاح کردند

ت- در راستای مصالح و منافع هر دو دولت بودند

۲- مشخصات اصلی این یادداشت تفاهم عبارت بودند از اینکه طبق یادداشت مزبور:

الف- لغو، کاهش و یا خاتمه چندین برنامه، نظیر موارد زیر:

- ۱۶۰ هواپیمای جنگنده اف-۱۶

- ۱۶ هواپیمای آر.اف-۴ ای

- ۲ کشتی کروز کلاس اسپراونس (از کل ۴ کشتی)

- ۱ زیردریایی کلاس کوسه

- ۷ هواپیمای دارای سیستم هشدار و کنترل هوایی (ایوکس)

- موشک های هوا به هوا، زمین به هوا، و قابل پرتاب از روی کشتی

- توپخانه و خودروی نظامی و غیره

- قطعات یدکی برای پشتیبانی اقلام فوق

- آموزش نفرات برای پشتیبانی اقلام فوق

- کاهش پشتیبانی خدمات پیمانکاران، مثلاً شرکت هلیکوپترسازی بل، ریتیون و لاکهید

ب- دولت ایالات متحده می تواند آنچه را که به طور مشروع نیازمند است از این اقلام خریداری کند (که مستلزم تصویب و تخصیص بودجه از سوی کنگره ایالات متحده است).

پ- دولت ایالات متحده می تواند بخشی از این اقلام را به کشورهای ثالث بفروشد.

ت- باید پول نقد حاصل از فروش اقلام به دولت ایالات متحده و یا هر کشور دیگر، به صندوق امانی ایران واریز شود.

ث- دولت ایالات متحده در صورتی که بازاری برای فروش اقلام سفارش ایران نباشد، تحت شرایط زیر تولید و یا خرید ملزومات فوق و تحویل آنها را به ایران ادامه خواهد داد:

- چنانچه هزینه خاتمه قرارداد بیشتر از حد معقول بوده و اقتصادی نباشد

- با مشورت با دولت ایران

ج- دولت ایالات متحده به منظور پرهیز از اضطرار می تواند از شیوه تسویه متقابل حساب ها استفاده کند.

چ- بررسی برنامه های تجدیدنظر شده در تاریخ ۲۴ ژوییه ۱۹۷۹ و یا قبل از آن توسط دولت ایران و دولت ایالات متحده

- تیم وزارت دفاع آمریکا در اوایل ماه می برای این بررسی ها در اینجا حضور داشت.

ح- دولت ایالات متحده اجازه یافت «(برای یک مدت کوتاه انتقالی)» همچنان به پرداخت هزینه از محل سپرده صندوق امانی ادامه دهد تا از خاتمه قراردادها در طول مدت یافتن خریدار [برای اقلام سفارش ایران] جلوگیری شود.

خ- دولت ایالات متحده وضعیت فروش ها و صندوق امانی را مدام به دولت ایران گزارش دهد.

- یک گزارش دیگر در اوایل ماه ژوییه ارسال خواهد شد.

اقداماتی که متعاقب امضای این یادداشت تفاهم صورت گرفت

۱- دولت ایران در اواخر ماه مارس قرارداد دو کشتی کروز باقیمانده را نیز لغو کرد و خاتمه داد.

۲- برنامه های متعدد دیگری نیز لغو شدند و خاتمه یافتند، نظیر برنامه شرکت هلیکوپترسازی بل، برنامه PEACE LOG، یک برنامه پشتیبانی در نیروی هوایی.

۳- دولت ایالات متحده فروش اقلام به کشورهای دیگر را شروع کرد.

الف- برخی اقلام فروخته شده اند، نظیر ۵۵ جنگنده اف-۱۶ که قرارداد آنها امضا شده است. تلاش جهت یافتن خریدار برای سایر سیستم ها و ملزومات ادامه دارد.

ب- وزارت دفاع ایالات متحده یک لایحه بودجه تکمیلی سال ۱۹۷۹ را به منظور خرید دو کشتی موضوع یادداشت تفاهم و سایر اقلام مربوط به آن (یعنی موشک ها) به کنگره ارایه کرد. این لایحه بودجه برنامه ریزی نشده بود. اجرای چندین برنامه

وزارت دفاع که نیاز به بودجه تکمیلی داشتند به تعویق افتاد تا این

خریدها انجام شود. این تصمیم به نفع هر دو دولت بود.

۴- دولت ایالات متحده مجبور شد صندوق امانی را حساب اصلی در نظر بگیرد و حساب قراردادها را متقابلاً از محل وجوه صندوق تسویه کند.

رویکرد دولت ایالات متحده به صندوق امانی

۱- تمامی اقدامات و رویه ها با هدف حفظ منافع هر دو دولت صورت گرفت.

الف- تأمین قطعات مورد نیاز ایران

ب- جلوگیری از ناتوانی صندوق در پرداخت بدهی و بدین ترتیب پرهیز از شرایط اضطرار

- چنانچه صندوق توانایی لازم برای پرداخت بدهی خود را نداشت، طبق قانون

ایالات متحده، دولت موظف بود به تمامی برنامه های خریدهای نظامی خارجی

خاتمه دهد و جهت دریافت خسارات مالی ناشی از خاتمه قراردادها اقدام نماید.

پ- انجام اقدامات فوق العاده به منظور حفاظت از صندوق امانی تا زمانی که دولت ایران جهت تضمین توانایی صندوق برای پرداخت بدهی اش، وجوهی را به آن واریز نماید و یا تا زمانی که لایحه بودجه تکمیلی وزارت دفاع تصویب گردد. اقدامات به شرح زیر است:

(۱) ادامه ساخت هر ۴ کشتی با استفاده از وجوه موجود در صندوق امانی ایران بر

اساس تصمیم وزارت دفاع برای درخواست بودجه تکمیلی به منظور خرید کشتی ها.

خاتمه دادن قرارداد تمامی کشتی ها هزینه ای بالغ بر ۳۵۰ میلیون دلار در برداشت که موجب ناتوانی صندوق امانی در پرداخت بدهی هایش می شد. این امر دولت را مجبور به خاتمه تمامی برنامه ها و اقدام قانونی می کرد. به اعتقاد ما این امر به نفع هر دو دولت و پرهیز از این اقدامات بود.

(۲) هر جا به صرفه تر بود، برنامه های خرید قطعات یدکی را خاتمه داد و لغو کرد. این امر برداشت از وجوه صندوق امانی را کاهش داد.

(۳) از تحویل قطعات یدکی به منظور فروش آنها به سایر کشورها و ارتش ایالات متحده خودداری کرد. این امر درآمدی اضافی به صندوق امانی واریز کرد، و احتمال ایجاد شرایط اضطرار را تأخیر انداخت.

وضعیت صندوق امانی

۱- کل بدهی صندوق طبق صورتحساب هزینه ماه دسامبر ۱۹۷۸ تقریباً ۳/۱ میلیارد دلار

بود. این مبلغ به جهت آنکه بدهی صورتحساب های قبلی به طور کامل پرداخت نشده بود، قدری بالا بود.

۲- مبلغ ۲۲۷ میلیون دلار که در ژانویه ۱۹۷۹ صورت گرفت، آخرین پرداخت دولت ایران بود.

۳- موجودی صندوق امانی در تاریخ امضای یادداشت تفاهم یعنی ۳ فوریه ۱۹۷۹ مبلغ ۹/۶۳۹ میلیون دلار بود.

۴- در نتیجه اقداماتی که به منظور خاتمه برنامه ها و جبران خسارات از محل فروش های مجدد که وجوه آن به صندوق امانی واریز شد، بدهی صندوق طبق صورتحساب ماه مارس به ۲۶۷ میلیون دلار رسید (در مقایسه با ۳/۱ میلیارد دلار در ماه دسامبر)

۵- صورتحساب ماه مارس شامل ۵۵۰ میلیون دلار خسارت مالی خاتمه قرارداد چهار کشتی، ۱۶ هواپیمای آر.اف-۴ ای، و سایر قراردادهای کوچک، بعلاوه هزینه های خاتمه قراردادهایی نظیر قرارداد شرکت هلیکوپترسازی بل نمی شود.

۶- برداشت از صندوق امانی به منظور تأمین هزینه پیشرفت کار ساخت کشتی ها، سایر برنامه ها و مطالبات ادامه دارد. استرداد پول به صندوق امانی از محل فروش اقلام به سایر کشورها نیز ادامه دارد.

۷- برداشت از صندوق در حال حاضر بیشتر از استرداد پول به آن است. دولت ایالات متحده پیش بینی می کند که صندوق امانی در اواسط ماه ژوییه از پرداخت بدهی هایش ناتوان شود، مگر اینکه تا آن تاریخ یکی از دو اقدام زیر صورت بگیرد:

الف- دولت ایران به صندوق پول واریز کند

ب- لایحه بودجه تکمیلی وزارت دفاع آمریکا تصویب شود

وضعیت لایحه بودجه تکمیلی وزارت دفاع آمریکا

۱- پیشینه. لایحه ای که در اوایل ماه فوریه ارایه شد بر اساس یادداشت تفاهم یاد شده صورت گرفت که در آن فقط خرید دو کشتی لغو شده بود. وزارت دفاع، پس از آنکه دولت ایران در اواخر ماه مارس تصمیم گرفت قرارداد مربوط به خرید دو کشتی باقیمانده را نیز خاتمه دهد، تصمیم گرفت لایحه تکمیلی بودجه اش را اصلاح نکند و خواستار تخصیص بودجه برای خرید این کشتی ها در لایحه بودجه سال ۱۹۸۰ شد.

۲- با وجود این، رأی کنگره بر این شد که مجوز برای خرید هر ۴ کشتی و برخی از موشک ها صادر شود. البته این لایحه فقط به رئیس جمهور اجازه ی خرید ۴ کشتی را می دهد و نه پول خرید آنها را.

۳- یک لایحه دیگر، یعنی لایحه تخصیص بودجه، نیز باید در کنگره به تصویب برسد. این لایحه پول لازم برای خرید کشتی ها را در اختیار رئیس جمهور قرار خواهد داد.

- رویه های مذکور در بند ۱ و ۲ از جمله رویه های عادی برای همه خرید های دولت آمریکا هستند و ضرورت قانونی دارند.

۴- لایحه تخصیص بودجه ای که در سنا به تصویب رسید، فقط هزینه خرید ۴ کشتی را در بر می گرفت و بودجه ای به خرید موشک ها اختصاص نیافت.

۵- لایحه تخصیص بودجه ای که در مجلس نمایندگان به تصویب رسید، فقط هزینه خرید ۲ کشتی را در بر می گرفت و بودجه ای به خرید موشک ها اختصاص نیافت.

۶- قرار است کمیته های مجلس سنا و مجلس نمایندگان به منظور رسیدن به یک لایحه مشترک در کنفرانس مورخ ۱۰ ژوییه با یکدیگر ملاقات کنند، که امیدواریم این نتیجه حاصل شود، که در آن صورت لایحه فوق باید دوباره برای تصویب و رأی نهایی به مجلس نمایندگان و سنا عودت داده شود. نمی توانیم پیش بینی کنیم که تصویب لایحه تخصیص بودجه تا چه زمانی به طول می انجامد ولی امیدواریم تا اواسط ژوییه این کار صورت بگیرد.

آینده صندوق امانی

۱- چنانچه ایران مبالغی به این صندوق واریز کند و یا لایحه بودجه تکمیلی وزارت دفاع به تصویب برسد، صندوق مزبور توانایی پرداخت بدهی هایش را در طول تابستان جاری خواهد داشت.

۲- چنانچه در لایحه بودجه تکمیلی وزارت دفاع فقط منابع مالی لازم برای خرید دو کشتی تخصیص یابد، و هیچ پولی برای خرید موشک ها تصویب نشود و دولت ایران نیز پرداختی به صندوق انجام ندهد، آنگاه :

- پیش بینی می کنیم صندوق امانی فقط تا آخر ماه سپتامبر توان پرداخت بدهی هایش را داشته باشد. از تاریخ ۳۱ سپتامبر موجودی آن تقریباً ۱۸۰ میلیون دلار خواهد بود.

- با وجود این، موجودی فوق بدون در نظر گرفتن ۳۹۰ میلیون دلاری است که باید در قبال خسارات ناشی از خاتمه قرارداد خرید دو کشتی دیگر و سایر اقلام پرداخته شود.

۳- چنانچه در لایحه بودجه تکمیلی وزارت دفاع منابع مالی لازم برای خرید ۴ کشتی تخصیص داده شود، ولی پولی برای خرید موشک ها اختصاص نیابد، پیش بینی می کنیم که موجودی صندوق از تاریخ ۳۱ دسامبر ۳۶۳ میلیون دلار خواهد بود. این موجودی بدون در نظر گرفتن خسارت ۲۸۰ میلیون دلاری ناشی از خاتمه قراردادهاست (برای موشک ها، جنگنده های آر.اف-۴ ای و غیره).

- موجودی صندوق امانی که در بند ۲ و ۳ آمده است به فروش اقلام سفارش ایران به کشورهای دیگر و استرداد وجه آن به صندوق بستگی دارد. بنابراین، پیش بینی های فوق ممکن است تغییر کند.

۴- از آنجا که احتمال تصویب لایحه مشترک تخصیص بودجه وجود دارد، موجودی صندوق امانی نیز به تبع آن تغییر خواهد کرد.

۵- چنانچه کنگره فقط بودجه خرید دو کشتی را در ماه ژوییه تصویب کند، وزارت دفاع تخصیص بودجه برای دو کشتی باقیمانده را در لوایح دفاعی سال ۱۹۸۰ درخواست خواهد کرد.

سایر مشکلات جاری

۱- ارتش ایران مایل است تحویل قطعات یدکی ادامه یابد.

- هر یک از نیروهای ارتش و وزارت دفاع ملی ایران دارای قراردادهای خرید نظامی خارجی هستند و به تبع آن مبالغی در صندوق امانی دارند.

- نیروهای ارتش احساس می کنند چنانچه مبالغ مربوط به آنها در صندوق امانی برای پرداخت هزینه قراردادها کافی است و پیش پرداخت ها را نیز انجام داده اند، اقلام مورد سفارش شان باید به آنها تحویل گردد.

۲- دولت ایالات متحده تحت شرایط عادی با این درخواست موافقت می کرد. با وجود این، دولت آمریکا، در راستای منافع هر دو کشور، نمی تواند با این خواست موافقت کند زیرا این مسئله باعث ناتوانی کل صندوق در پرداخت بدهی ها شده و موجب تحقق اضطرار خواهد شد.

۳- در نتیجه، دولت ایالات متحده معتقد است که باید از تحویل قطعات یدکی خودداری کند و تنها اقلامی را به ایران بفروشد که صندوق توانایی پرداخت هزینه آنها را دارد.

۴- هر زمان که هر دو دولت احساس کنند صندوق امانی توانایی پرداخت بدهی هایش را دارد، قطعات یدکی و سایر اقلام تحویل ایران خواهد شد.

۵- دولت ایالات متحده در پی یافتن راهی برای تأمین قطعات یدکی اضطراری به نیروی هوایی ایران است.

- این امر می تواند با پیش پرداخت (مبلغی نزدیک به ۵ میلیون دلار) از سوی نیروی هوایی ایران و افتتاح یک صندوق امانی جدید عملی شود.

راه حل های دراز مدت تر

۱- دولت ایالات متحده معتقد است که توانایی نظامی کافی برای رسیدن به اهداف دفاعی ملی به نفع و مصلحت ایران است، و نکته نهفته در این منافع آن است که دولت ایالات متحده نیز باید قطعات یدکی و اقلام دیگر را در پشتیبانی از سیستم های

تسلیحاتی ایران به این کشور بفروشد.

۲- با وجود این، تا زمانی که صندوق امانی در خطر ناتوانی از پرداخت دیونش باشد،

قانون آمریکا فروش به کشورهای دیگر را منع می کند. علاوه بر این، طبق قوانین آمریکا، پیش پرداخت امری ضروری است.

۳- احتمالاً قراردادهای جدیدی باید بسته شود.

الف- می توان شرایط این قراردادهای جدید را مورد مذاکره قرار داد.

۴- قراردادهای جدید به تعیین سیاست و تخصیص منابع مالی نیازمند است.

۵- دولت ایالات متحده از تبادل اطلاعات و گفتگو در اسرع وقت استقبال می کند.

۶- ما از انجام مذاکرات توسط نمایندگان ایران در واشنگتن، یعنی جایی که اطلاعات و دانش بیشتری از سوی دولت ایالات متحده می تواند در اختیار آنها قرار گیرد، بیشتر استقبال می کنیم تا در ایران. ما درخواست اطلاعات بیشتری درباره وضعیت خریدهای نظامی خارجی و صندوق امانی دولت ایران کرده ایم تا بتوانیم به سئوالات دولت ایران بهتر پاسخ دهیم. با وجود این، سفر نمایندگان دولت ایران به واشنگتن بسیار مطلوب خواهد بود. چنانچه سفر آنها به واشنگتن میسر نباشد، ما در اینجا تلاش هایمان را چند برابر خواهیم کرد.

قطعات نظامی غیر حساس

سند شماره ۱۵۸

محرمانه۱۲ ژوییه ۱۹۷۹- ۲۱ تیر ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سیبه: سفارت آمریکا، ایران- فوری

موضوع: قطعات نظامی غیر حساس

۱- (محرمانه- تمام متن)

۲- آگاه، کاردار ایران، در مورخه ۱۱ ژوییه تماس گرفت تا در پی دستورات یزدی، وزیر امور خارجه، سئوالاتی درباره تأمین قطعات یدکی برای نیروهای هوایی ایران مطرح کند. آگاه گفت ایرانی ها علاقمند به سه گروه از این قطعات یدکی هستند:

- قطعاتی که ایران قبلاً هزینه آنها را پرداخته است.

- قطعاتی که ایران مایل است تحت حساب جدید که بعداً افتتاح خواهد شد، سفارش دهد.

- قطعات هواپیماهای ۷۴۷ که برای تعمیر به آمریکا فرستاده شده ولی هنوز به ایران ارسال نشده است.

معاون وزیر مشکل فقدان اعتبار لازم در صندوق امانی برای تسویه دیون را مطرح ساخت و توضیح داد که رأی مثبت کنگره در مورد ناوشکن های اسپراونس می تواند قدری از فشارهای مالی بکاهد. معاون وزیر گفت که امیدوار بودیم کمیته کنگره لایحه تخصیص بودجه را در تاریخ ۱۰ ژوییه تصویب کند ولی بحث و بررسی ها تا ۱۱ ژوییه ادامه پیدا کرد. چنانچه کمیته فوق خرید کشتی های سفارش ایران را توصیه کند، آنگاه این مسئله باید به طور جداگانه در مجلس نمایندگان و سنا به رأی گذاشته شود. ممکن است این رأی گیری ظرف مدت یک هفته انجام شود.

۳- چنانچه کنگره فشارهای مالی وارد بر صندوق امانی را بردارد، آنگاه موانع رفع توقیف

قطعات یدکی برای ایران می تواند برداشته شود. معاون وزیر معتقد بود که در صورت تحقق چنین امری در موقعیتی قرار خواهیم گرفت که می توانیم قطعات سفارش شده ای که ایران از قبل هزینه آنها را پرداخت کرده است، به ایران ارسال کنیم و حساب جدیدی برای فروش قطعات یدکی به نیروی هوایی و همچنین نیروی دریایی و واحد هلیکوپتری آن افتتاح کنیم.

۴- در چنین شرایطی، ارتش ایران باید فهرستی از اولویت های تجهیزاتی اش را که مایل به دریافت آنهاست، تهیه و ابلاغ نماید. مثلاً اگر تایر هواپیما در فهرست اقلام مجاز و قابل ارسال نیست ولی برای ایران اولویت دارد، این کشور می تواند سریعاً سفارش خرید آن را بدهد. ارتش ایران باید کاملاً اقلام مورد نیاز خود را مشخص نماید.

۵- دوم اینکه ایرانی ها باید برای حمل قطعات یدکی به ایران توسط یک شرکت حمل و نقل هوایی ترتیبات لازم را بدهند. چنانچه ایرانی ها هنوز با شرکت بهرینگ مشکل دارند، باید ترتیبی برای رفع موانع موجود بیندیشند.

۶- خلاصه اینکه، معاون وزیر گفت ممنوعیت تحویل قطعات یدکی به دلیل نبود اعتبار کافی در صندوق امانی برای تسویه دیون است و اینکه کنگره دارد مسئله خرید ناوشکن های اسپراونس را بررسی می کند. معاون وزیر همچنین تأکید کرد که آمریکا مایل است ایران را در جریان کامل آخرین تحولات صندوق امانی قرار دهد و در ماه جاری گزارشی در خصوص وضعیت صندوق به ایران ارسال کند. او همچنین از مقامات ارتش ایران دعوت کرد که برای جلسات توجیهی به آمریکا سفر کنند.

۷- معاون وزیر در خصوص قطعات تعمیری هواپیماهای ۷۴۷ گفت اطلاعی در این باره ندارد. هنوز روشن نبود که تجهیزات ایرانی در دست شرکت بوئینگ است یا نیروی هوایی آمریکا. معاون وزیر پیشنهاد کرد مقامات نظامی ایران برای اطلاع از جزییات مسئله با سفارت تماس بگیرند.

ونس

وضعیت صندوق امانی و پیش بینی ها

سند شماره ۱۵۹

بدون طبقه بندی۱۶ ژوییه ۱۹۷۹- ۲۵ تیر ۱۳۵۸

از: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سیبه: هیأت مستشاری نظامی، تهران

مرجع: الف- گزارش سرهنگ پتی در ماه می ۱۹۷۹، ب- وزارت دفاع ۱۱۲۰۲۲ز - ۱۱ ژوییه ۱۹۷۹، با موضوع احتمال سفر هیأت ایرانی برای شرکت در کنفرانس ایالات متحده، پ- هیأت مستشاری نظامی ۰۹۱۱۵۷ز - ۹ ژوییه ۱۹۷۹، با موضوع یادداشت تفاهم و صندوق امانی

موضوع: وضعیت صندوق امانی و پیش بینی ها

۱- بدینوسیله آخرین اطلاعات مربوط به صندوق امانی ایران و اقدامات انجام شده در ارتباط با یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ از تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹ به همراه پیش بینی

وضعیت برای باقیمانده سال ۱۹۷۹ ارایه می گردد. قالب اطلاعات مشابه با اسلایدهای مربوطه در گزارش ماه می ۱۹۷۹ سرهنگ پتی درباره صندوق امانی و یادداشت تفاهم است.

الف- آخرین اطلاعات مربوط به صندوق امانی (به میلیون دلار):

برداشت ها از تاریخ ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹

برداشت هاموجودی

موجودی در ۳ فوریه ۱۹۷۹۹/۶۳۹

برنامه هایی که ادامه یافت۳/۳۰۰

برنامه هایی که خاتمه یافت۴/۱۲۲

برنامه هایی که ادامه یافت تا زمانی که اقلام آن به مشتری دیگری فروخته شد۷/۲۱۰

جمع کل۴/۶۳۳

کل موجودی پایان دوره۵/۶

استرداد مبالغ به صندوق امانی ایران با یادداشت تفاهم از تاریخ ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹

مبالغ مسترد شدهموجودی

موجودی مانده از قبل۵/۶

فروش به مشتریان آمریکایی و استرداد سرمایه گذاری ایران

۸/۳۵

فروش به سایر مشتریان خریدهای نظامی خارجی۹/۴۳

استرداد مازاد مبالغ پیش پرداخت شده در قبال تعهدات ایران

۶/۱۴

جمع کل ۳/۹۴

موجودی در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹ ۸/۱۰۰

وضعیت صندوق امانی ایران در سال تقویمی ۱۹۷۹

(بر اساس کل اقدامات انجام شده، بدون در نظر گرفتن مبالغ مربوط به بودجه تکمیلی وزارت دفاع ایالات متحده)

۳ فوریه-

۳۰ ژوئن۱ ژوییه-

۳۰ سپتامبر۱ اکتبر-

۳۱ دسامبر

موجودی شروع دوره۱۰۱/۱۰۰۶/۹/۶۳۹۸

برداشت ها۲۲۰/۲۸۰۴/۴/۶۳۳۹

استرداد به صندوق۵۹/۷۸۰/۳/۹۴۵

موجودی پایان دوره۸/۱۰۰(۶/۱۰۱-)(۰/۲۶۳-)

وضعیت صندوق امانی ایران در سال تقویمی ۱۹۷۹

(با در نظر گرفتن تصویب نهایی مبالغ مربوط به بودجه تکمیلی وزارت دفاع ایالات متحده)

۱ ژوییه-

۳۰ سپتامبر۱ اکتبر-

۳۱ دسامبر

موجودی شروع دوره۸/۱۰۰۴/۴۲۸

برداشت ها۹/۲۵۰۴/۱۵۰

استرداد به صندوق۵/۵۷۸۰/۸۹

بودجه تکمیلی برای ۴ کشتی CG-۹۹۳۰/۵۰۰نگاه کنید به توضیح

فروش اقلام به سایر مشتریان۵/۷۸۰/۵۹

موجودی پایان دوره۴/۴۲۸۰/۳۳۷

توضیح: ممکن است بعد از تاریخ ۱ ژانویه ۱۹۸۰مبالغ بیشتری به صندوق واریز شود.

با تخصیص بودجه تکمیلی نهایی وزارت دفاع (از جمله خرید دو کشتی باقیمانده CG-۹۹۳ از سوی نیروی دریایی) و فروش احتمالی به سایر خریداران برنامه خریدهای نظامی خارجی

۱ ژوییه-

۳۰ سپتامبر۱ اکتبر-

۳۱ دسامبر

موجودی شروع دوره۸/۱۰۰۴/۴۲۸

برداشت ها۹/۲۵۰۰/۱۴۱

استرداد به صندوق۵/۵۷۸۰/۱۴۲

بودجه تکمیلی برای ۴ کشتی ۹۹۳۰/۵۰۰-CGنگاه کنید

به توضیح

فروش اقلام به سایر مشتریان۵/۷۸۰/۵۹

فروش اضافی احتمالی اقلام به سایر مشتریان خریدهای نظامی۰ ۰/۵۳

موجودی پایان دوره۴/۴۲۸۴/۳۹۹

توضیح: ممکن است بعد از تاریخ ۱ ژانویه ۱۹۸۰مبالغ بیشتری به صندوق واریز شود.

ب- آخرین اطلاعات در ارتباط با برخی اقلام قید شده در یادداشت تفاهم (به میلیون دلار)

اف-۱۶برداشت ها از صندوق امانی

پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹۰/۲۳

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹۳/۲۷

برآورد برداشت های آتی۰/۴۵

استرداد مبالغ به صندوق امانی

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن۶/۳۷

از خریداران شناسایی شده۰/۱۰

از خریداران بالقوه۰/۲۰

کشتی های ۹۹۳-CGبرداشت ها از صندوق امانی

پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹۰/۵۸۰

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹۶/۸۸

برآورد برداشت های آتی۲/۶

استرداد مبالغ به صندوق امانی

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن۰

از خریداران شناسایی شده۰/۵۰۰

از خریداران بالقوهر.ک. توضیح

توضیح: این مبالغ همگی تقریبی هستند. برداشت وجه از صندوق امانی در طول ماه ژوئن کمتر از انتظار بود.

بنابراین، مبلغ کمتری به صندوق باز خواهد گشت. با توجه به خرید احتمالی هر چهار کشتی از سوی نیروی دریایی ایالات متحده در ماه ژوییه، به جای فقط دو تا کشتی در ماه اکتبر، برداشت کمتری از صندوق صورت می گیرد و در نتیجه مبالغ کمتری نیز به آن مسترد خواهد شد.

موشک های هارپونبرداشت ها از صندوق امانی

پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹۲/۴۵

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹۰/۱۵

برآورد برداشت های آتی۰/۲۵

استرداد مبالغ به صندوق امانی

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن۰

از خریداران شناسایی شده۰

از خریداران بالقوه۰

توضیح: موشک های فوق بخشی از بودجه تکمیلی وزارت دفاع را تشکیل می داد ولی خرید آنها تصویب نشد. از نیروی دریایی ایالات متحده خواسته ایم تا امکان فروش این اقلام را به

مشتریان دیگر برنامه خریدهای نظامی خارجی و برنامه ریزی مجدد نیروی دریایی برای این اقلام اعلام کند.

برنامه هواپیمایی ارتشبرداشت ها از صندوق امانی

پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹۷/۱۹۹

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹۶/۵۴

برآورد برداشت های آتی ۰/۴۰

استرداد مبالغ به صندوق امانی

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۰

از خریداران شناسایی شده ۰

از خریداران بالقوه ۰

اژدرهای ۴۶-MKبرداشت ها از صندوق امانی

پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹۸/۳۵

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹۰

برآورد برداشت های آتی ۳/۰

استرداد مبالغ به صندوق امانی

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۰/۱۲

از خریداران شناسایی شده ۱/۲

از خریداران بالقوه ۴/۷

M۱۱۳ APCبرداشت ها از صندوق امانی

۳ فوریه ۱۹۷۹۸/۱

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹۵/۰

برآورد برداشت های آتی ۰

استرداد مبالغ به صندوق امانی

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۴/۱

از خریداران شناسایی شده ۴/۰

از خریداران بالقوه ۰

ص: ۴۰۷

کامیون های M۸۲۵برداشت ها از صندوق امانی

پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹۵/۰

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹۰

برآورد برداشت های آتی۰

استرداد مبالغ به صندوق امانی

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن۳/۰

از خریداران شناسایی شده۲/۰

از خریداران بالقوه۰

مهمات توپ های ۱۷۵ م.م.برداشت ها از صندوق امانی

پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹۵/1

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹۷/۳

برآورد برداشت های آتی۰

استرداد مبالغ به صندوق امانی

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن۶/۲

از خریداران شناسایی شده۶/۲

از خریداران بالقوه۰

موشک های AIM-۷Fبرداشت ها از صندوق امانی

پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹۸/۸

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹۹/۳

برآورد برداشت های آتی۰

استرداد مبالغ به صندوق امانی

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن۶/۶

از خریداران شناسایی شده۰

از خریداران بالقوه۰

هواپیماهای آر.اف-۴ ایبرداشت ها از صندوق امانی

پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹۰/۳۸

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹۴/۱۸

برآورد برداشت های آتی۰/۱۵

استرداد مبالغ به صندوق امانی

از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۰

از خریداران شناسایی شده ۰

از خریداران بالقوه۲۹-۳۱

توضیح: تلاش زیادی مبذول داشته ایم تا فهرست کاملی از تمامی قطعات تولید شده آر.اف-۴ ای به دست پیمانکاران فرعی و غیره تهیه کنیم تا بتوانیم فروش احتمالی این قطعات را مد نظر قرار دهیم. برآورد اولیه برگشت هزینه مبلغی بالغ بر ۱۵-۱۸ میلیون دلار است. فروش مجدد احتمالی ۲۴ موتور هواپیمای آر.اف-۴ ای نیز می تواند ۱۳ میلیون دلار دیگر به صندوق امانی بازگرداند.

پ- علاوه بر مبالغی که بابت فروش احتمالی قطعات و موتورهای آر.اف-۴ ای به صندوق امانی مسترد خواهد شد، در حال بررسی احتمال فروش مجدد ۵۸ ECM PODS ALQ-۱۱۹ هستیم که مبلغی بالغ بر ۱۰ تا ۱۵ میلیون دلار برای PODS و مبالغی اضافی را بابت قطعات یدکی و تجهیزات آزمایشی به صندوق بازخواهد گرداند.

ت- سایر مبالغی که به صندوق امانی بازگردانده شد، عبارتند از:

قراردادهای لجستیکی COOP۲/۱۹ میلیون دلار

بازگرداندن مبالغی که اضافه پرداخت شده بود۶/۱۴ میلیون دلار

تحولات ساختار فرماندهی نیروی دریایی ایران

سند شماره ۱۶۰

محرمانه۲۳ ژوییه ۱۹۷۹- ۱ مرداد ۱۳۵۸

از: دفتر وابسته دفاعی، تهران به: آژانس اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سی

موضوع: تحولات ساختار فرماندهی نیروی دریایی ایران

منبع: وابسته نظامی خارجی

خلاصه: این گزارش درباره تحولات اخیر در ساختار فرماندهی نیروی دریایی ایران است.

مشروح گزارش: (محرمانه)- در تاریخ ۲۳ ژوییه، منبع گزارشگر به ساختمان ستاد نیروی دریایی ایران رفت، و اطلاعات زیر را به دست آورد که آن را به دفتر ارسال داشت. دریادار مدنی، رئیس ستاد نیروی دریایی و استاندار خوزستان، از پست فرماندهی اش استعفا داده است،

ولی سمت استانداری خوزستان را همچنان حفظ کرده است. جانشین او دریادار پرویز بیگلری است. طبق گزارش ها، دریادار بیگلری قبلاً در نیروی دریایی دریابان بوده ولی حالا با درجه دریاداری به خدمت فراخوانده شده است. جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی، دریادار علوی، از پُست خود عزل شده و اطلاع یافته ایم که در حال حاضر جانشینی برای او تعیین نشده است. فرمانده جدید ناوگان نیروی دریایی دریادار دیهیمی است. فرمانده اطلاعات نیروی دریایی نیز ناخدا سنایی است (که به تازگی ارتقای درجه یافته است). نفر دوم فرماندهی اطلاعات در نیروی دریایی ناخدا سوم نامجویی است.

نظرات تهیه کننده گزارش: (محرمانه) از نظر ما تحولات کنونی در فرماندهی عالی نیروی دریایی در واقع سرآغاز موج جدیدی از تحولات است که ریاحی، وزیر دفاع، در درون ارتش ایجاد خواهد کرد. با توجه به مشکلاتی که در نیروی هوایی وجود دارد، از نظر ما منطقی تر گزینه بعدی برای بازنشستگی تیمسار ایمانیان است. احتمالاً ریاحی به دنبال مردانی است که بتواند به آنها اعتماد کند و حامی سرسخت سیاست هایش باشند و از تلاش های او برای جان بخشیدن به ارتش ایران متابعت کنند.

وضعیت صندوق امانی موقت و پیش بینی ها

سند شماره ۱۶۱

بدون طبقه بندی۲۳ ژوییه ۱۹۷۹- ۱ مرداد ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران به: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

مرجع: الف- وزارت دفاع ASD-ISA ۱۶۱۷۱۵ز - ۱۶ ژوییه ۱۹۷۹ با موضوع فوق، ب- گزارش سرهنگ پتی درباره وضعیت صندوق امانی می ۱۹۷۹، پ- هیأت مستشاری - ۲۸۱۰۰۱ز ۲۸ ژوئن ۱۹۷۹ با موضوع صندوق امانی خریدهای نظامی خارجی ایران

موضوع: وضعیت صندوق امانی موقت و پیش بینی ها

۱- مرجع الف آخرین اطلاعات موجود درباره صندوق امانی ایران و اقدامات انجام شده در ارتباط با یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه را از تاریخ ۳۰ ژوئن، به همراه پیش بینی وضعیت تا پایان سال ۱۹۷۹ ارایه داده است. مرجع ب حاوی گزارش سرهنگ پتی درباره صندوق امانی است که در اواخر ماه می ۱۹۷۹ ارایه شد. مرجع پ یکی از چندین تلکس هیأت مستشاری است که در آن درخواست قالب های مختلف برای اطلاعات و ارایه اطلاعات تفصیلی درباره وضعیت موجود برای ارایه به مقامات دولت موقت ایران و اطلاع کاردار و رئیس هیأت مستشاری مطرح شده است.

۲- نتوانسته ایم اطلاعات مندرج در مرجع الف را با مرجع ب منطبق و تکمیل کنیم و اطلاعات به روز شده ای به دولت موقت ایران ارایه دهیم. به نظر می رسد اطلاعات مندرج در مرجع الف دارای ایراداتی است. ما به اطلاعاتی نیاز داریم که با استفاده

از آن بتوانیم گزارشی تهیه کنیم که نیاز دولت موقت ایران را برطرف سازد.

۳- در مرجع ب ۳۳ قلم از لوازم عمـده مورد اشاره قرار گرفته است. مرجع الف اطلاعات جدیـدی در ارتباط با فقط ۱۱ قلم از لوازم مزبور ارایه می دهـد. البته درک می کنیم که شایـد هیـچ تغییری در وضـعیت ۲۲ قلم لوازم دیگر حاصل نشـده باشـد؛ با وجود این، هنوز نمی توانیم دلیلی برای ناهمخوانی هایی که در مبالغ دلاری پیش بینی شـده مشاهـده می کنیم، بیابیم و حدس می زنیم که شاید این ناهمخوانی ها به ۲۲ قلم باقیمانده که گزارشی از آن به دستمان نرسیده است، مربوط باشد.

۴- برای توجیه تغییراتی که در اطلاعات ارسالی در مرجع الف رخ داده است، باید متن پیام به روز شود. بدون داشـتن دلایل و حقایق نخواهیم توانست پاسـخی برای سـئوالات ارایه دهیم. در زیر مواردی که نیاز به توضـیحات بیشتر دارد برایتان ارسال می گردد. البته هر اطلاعاتی مربوط به این موارد می تواند مفید باشد.

الف- برنامه PEACE ZEBRA (هواپیماهای اف-۱۶): آخرین اطلاعاتی که در ارتباط با یادداشت تفاهم به دسـتمان رسیده است حکایت از آن دارد که مبلغ ۸/۹ میلیون دلار از مبلغ پیش بینی شده برای برداشت های آتی کاهش یافته است. لطفاً دلیل این کاهش را توضیح دهید.

ب- هواپیماهـای آر.اف-۴ ای: در مرجع الـف کـل مبلـغ پیش بینی شـده بـابت غرامت مبلغ جدیـد ۴/۷۱ میلیـون دلاـر و مبلغ احتمـالی قابل استرداد به صـندوق بالغ بر ۲۶ تا ۳۱ میلیون دلار قیـد شـده است. با وجود این، گزارشـی که ماه ژوئن ۱۹۷۹ در ارتبـاط بـا اقـدامات نیروی هوایی ایالاـت متحـده به دسـتمان رسـیده است (۱۱۳۵ (AR) :DSAA) حـداکثر مبلغ برداشـتی از صندوق امانی را ۸/۹۶ میلیون دلار نشان می دهد. لطفاً در این ارتباط توضیح دهید.

پ- کشتی هـای CG-۹۹۳: مرجع الف بیـان می کنـد که کـاهش برداشت [غرامت] از صـندوق منجر به کـاهش مبـالغ قـابل استرداد به آن خواهد شد. مرجع الف نشان می دهد که مبلغ قابل برداشت به میزان ۵/۳۲ میلیون دلار نسبت به آمار و ارقام ماه می کـاهش یـافته است. بـا وجود این، مبـالغ قابل استرداد به صـندوق به میزان ۶۰ میلیون دلاـر کـاهش یافته است. لطفاً درباره اختلاف ۵/۲۷ میلیون دلاری توضیح دهید.

ت- موشـک های هارپون: مرجع الف بیانگر افزایش برداشت ها به میزان ۹/۱۱ میلیون دلاـر تا پایان ماه ژوئن است و فقط ۰/۴ میلیون دلاـر کـاهش را در پیش بینی برداشت ها نشان می دهـد. لطفاً علت افزایش ۹/۷ میلیون دلاـری را در کل برداشت های قابل انتظار توضیح دهید.

ث- اژدرهای ام.کی-۴۶: چرا مبـالغ قابل استرداد به صـندوق امانی از ۳۶ میلیون دلار به ۵/۲۱ میلیون دلاـر تغییر کرده است و چشم انـداز بالقوه فروش این موشک ها چیست؟ چنانچه خریـداری برای آنها پیدا نشود، چه تصـمیمی برای آنها گرفته خواهد شد؟

ج- موشک های اسپارو: لطفاً مشـکل کاهش برداشت ها و مبالغ قابل استرداد به صـندوق امانی را توضیح دهید. چرا اختلاف بین مبالغ برداشتی و مبالغ قابل استرداد به صندوق افزایش یافته است؟

چ- ACQ-۱۱۹ ECM PODS: مرجع الف نشان دهنده تلاش برای فروش همه اقلام و استرداد

مبلغ ۰/۲۳ میلیون دلار به صندوق امانی است، ولی گزارش شماره ۱۱۳۵ مورخ ژوئن بیانگر فروش بالقوه فقط ۳۶ PODS است. لطفاً توضیح دهید چنانچه فقط ۳۶ عدد PODS به فروش برسد، چه تصمیمی برای مابقی آنها گرفته خواهد شد.

ح- M۱۱۳ APC: از تاریخ ۱۱ می ۱۹۷۹ تا ۳۰ ژوئن مبلغ ۵/۰ میلیون دلار بابت این اقلام از صندوق امانی برداشت شده است. خواهشمند است این مورد را توضیح دهید، زیرا در گزارش قبلی به شماره ۱۱۳۵ (USASAC DSAA (AR مورخ ۱۵ ژوئن ۱۹۷۹ هیچگونه برداشتی پیش بینی نشده نبود.

خ- پشتیبانی هلیکوپترها: از تاریخ ۱۱ می تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹ مبلغ ۳/۹ میلیون دلار بابت این اقلام از صندوق امانی برداشت شده است. لطفاً ریز مبالغی را که بابت هر مورد از صندوق برداشت شده است (یعنی هزینه جابجایی نیروها، ادعای خسارت به شرکت و اموال نیروها، و غیره) قید کنید.

۵- در مرجع الف، جدول شماره ۵ با عنوان «با در نظر گرفتن تصویب (قطعی) کل بودجه تکمیلی وزارت دفاع (به میلیون دلار)» بیانگر مبلغ مسترد شده ای برابر با ۰/۸۹ میلیون دلار از تاریخ ۱ اکتبر تا ۳۱ دسامبر و موجودی پایان دوره ای برابر با ۰/۳۳۷ میلیون دلار است. هنوز نمی دانیم آیا باید میزان استرداد مبالغ را ۰/۵۹ میلیون دلار بخوانیم و یا موجودی پایان دوره را باید ۳۶۷ میلیون دلار بدانیم.

۶- همین ایراد در مرجع الف، و در جدولی با عنوان «با تخصیص بودجه تکمیلی نهایی وزارت دفاع (از جمله خرید دو کشتی باقیمانده CG-۹۹۳ از سوی نیروی دریایی)، و فروش احتمالی به سایر خریداران برنامه خریدهای نظامی خارجی (به میلیون دلار)» وجود دارد. مبالغ مسترد شده از تاریخ ۱ اکتبر تا ۳۱ دسامبر بالغ بر ۰/۱۴۲ میلیون دلار و موجودی پایان دوره صندوق بالغ بر ۴/۳۹۹ میلیون دلار است. طبق محاسبات ما، مبالغ قابل استرداد باید ۰/۱۱۲ میلیون دلار و موجودی پایان دوره باید ۴/۴۲۹ میلیون دلار باشد. ما معتقدیم موجودی پایان دوره باید ۴/۴۲۹ میلیون دلار باشد. این مبلغ بر اساس محاسباتی است که از اعداد و ارقام همه جداول به دست آمده است.

۷- لطفاً هزینه های خاتمه قرارداد را تا جایی که امکان دارد به طور مفصل برای هر مورد ذکر کنید.

۸- مرجع پ که در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۷۹ ارسال شده است در ارتباط با ملاقات بین سرهنگ دیویس (از هیأت مستشاری نظامی) و سرهنگ کامکار (معاون وزارت دفاع ملی ایران) بود، و در آن به دلمشغولی سرهنگ کامکار از فقدان اطلاعات مفصل درباره وضعیت دقیق صندوق امانی اشاره شده بود. مرجع پ نیز هفت مورد خاص را در صورتحساب هزینه های ماه مارس خاطر نشان می کرد که نیاز به توضیحات بیشتری داشت. پیش از آنکه بخواهیم گزارشی به دولت ایران ارایه دهیم، باید پاسخ سئوالات فوق را داشته باشیم.

ص: ۴۱۲

۹- امیدواریم نیاز مبرم ما را به اطلاعات درک نمایید. گاست

نامه دولت موقت به سفارت آمریکا درباره خریدهای نظامی

سند شماره ۱۶۲

محرمانه۲۳ ژوییه ۱۹۷۹- ۱ مرداد ۱۳۵۸

از: اداره حقوقی وزارت امور خارجه —۱۸/۳۴۶۲به: سفارت آمریکا، ایران

[موضوع]: نامه دولت موقت به سفارت آمریکا درباره خریدهای نظامی

یادداشت

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تعارفات خود را به سفارت ایالات متحده امریکا اظهار و با اشاره به برنامه خریدهای نظامی ایران احتراماً علاقمندی دولت موقت جمهوری اسلامی ایران را به دریافت وسائل و خدمات زیر طبق قراردادهای منعقده به اطلاع می رساند:

۱- ۳۰ عدد لوله یدکی توپ ۱۷۵ م.م.

۲- خودروهای ام-۱۵۱ و ام-۱۵۲

۳- تجهیزات ش.م.ر.

۴- ۹۹ دستگاه جیپ

۵- قطعات و لوازم یدکی برای کلیه وسائل موجود در صورت لزوم.

۶- ۸ فروند هواپیمای آر.اف-۴ ای با لوازم مربوطه

۷- بهسازی هواپیماهای سی-۱۳۰

۸- بهسازی هواپیماهای اف-۴

۹- آموزش پشتیبانی و قطعات یدکی برای کلیه وسائل موجود در صورت لزوم

۱۰- ۹۶ عدد موشک هارپون

۱۱- ۴ دستگاه قایق ۶-LCM

۱۲- آموزش پشتیبانی قطعات و لوازم یدکی کلیه وسائل موجود در صورت لزوم

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می شمارد

سیاست دولت موقت ایران در ارتباط با برنامه پشتیبانی نظامی دولت آمریکا

سند شماره ۱۶۳

۲۳ ژوییه ۱۹۷۹- ۱ مرداد ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهرانبه: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: سیاست دولت موقت ایران در ارتباط با برنامه پشتیبانی نظامی دولت آمریکا

۱- (بدون طبقه بندی) در روز ۱۸ ژوییه ۱۹۷۹، سرلشگر گاست از هیأت مستشاری نظامی، از طریق تماسی تلفنی از سرهنگ جذبی، از معاونت لجستیکی نیروی هوایی اسلامی ایران، اطلاع یافت که به طور رسمی به آنها ابلاغ شده است دولت ایران خواهان از سرگیری و ادامه دریافت پشتیبانی لجستیک از دولت آمریکاست. سرهنگ جذبی درخواست کرد که یکی از نمایندگان

دولت آمریکا با او ملاقات کند تا درباره پیامدهای این تحول جدید با یکدیگر گفتگو کنند. در همان موقع سرهنگ دوم رینکر، افسر لجستیک نیروی هوایی آمریکا، در دوشان تپه بود و برای گفتگو با سرهنگ جذبی درباره سیاست جدید دولت ایران به ملاقات او رفت. در کنار سرهنگ جذبی، یک سرهنگ دیگر نیز به نام ضرابی حضور داشت. قرار است سرهنگ ضرابی تا دو هفته دیگر (زمان تقریبی است) به هیأت خرید ایران در نیویورک بپیوندد.

۲- (بدون طبقه بندی) افسران ایرانی اطلاعات زیر را در اختیار ما گذاشتند:

الف- (محرمانه) در روز ۱۷ ژوییه جلسه ای با حضور وزیر امور خارجه ایران برگزار شد (فهرست حاضرین در جلسه مشخص نیست). موضوعاتی که در این جلسه مطرح شد شامل شرایط اجرای برنامه پشتیبانی و مشکلات آن بود. نتیجه این مباحثات آن بود که پشتیبانی تدارکاتی از سیستم های تسلیحاتی دولت ایران امری ضروی است، ولی این پشتیبانی باید فقط در حوزه تأمین ساز و برگ باشد، و نباید نفرات یا متخصصی در این برنامه ها گنجانده شود. (توضیح: در صحبتی که بعد از آن با منشی بخش نیروی هوایی که در آن جلسه حضور داشت انجام شد، او اطلاع داد که از گفتگوی فارسی سرهنگ ضرابی و سرهنگ جذبی درباره «متخصصین» فهمیده است که دکتر یزدی، وزیر امور خارجه ایران، در جلسه ۱۷ ژوییه گفته بود که به حدود ۸ متخصص نیاز است، ولی ترجیحاً هیچکدام نباید آمریکایی باشند.

ب- (محرمانه) وقتی در مورد معنای «کلیه سیستم های تسلیحاتی» سئوال شد، پاسخ کاملاً واضح این بود که اف-۱۴ ها مشمول آن نمی شوند. (هیچ توضیح دیگری داده نشد.)

پ- (بدون طبقه بندی) سرهنگ ضرابی گفت یکی از نگرانی های دولت ایران بودجه برنامه پشتیبانی است زیرا پول دولت ایران در آمریکا مسدود شده است.

پ- (بدون طبقه بندی) هم سرهنگ جذبی و هم سرهنگ ضرابی اظهار داشتند که نیروی هوایی ایران به یک تیم متخصص برای تجزیه و تحلیل مشکلات شان نیاز دارد، ولی مشکل اینجاست که ما هنوز منتظر تصمیمات دولت آمریکا هستیم، و تا زمانی که تصمیم دولت به ما ابلاغ نشود، بیشتر از چیزی که هم اکنون داریم انجام می دهیم، کاری از دستمان ساخته نیست. به آنها گفتیم که هر وقت درخواست کنند به آنها کمک خواهیم کرد، و پیشنهاد کردیم که در طول این مدت از متخصصان خود بخواهند بر روی مشخص کردن نیازمندی هایشان کار کنند.

ت- (بدون طبقه بندی) سرهنگ دوم رینکر به سرهنگ جذبی و سرهنگ ضرابی گفت مذاکرات فیمابین را به اطلاع ژنرال گاست خواهد رساند، ولی آنها باید یک نامه رسمی در ارتباط با تصمیم جدید و آنچه که به او گفته اند به هیأت مستشاری ارسال کنند. آنها نیز گفتند خیلی زود یک نامه رسمی برای هیأت مستشاری خواهند فرستاد.

ث- (بدون طبقه بندی) در اینجا جلسه پایان یافت و سرهنگ دوم رینکر آنجا را ترک کرد. این تلکس فقط جهت اطلاع ارسال شده و هیچ اقدام خاصی لازم نیست.

گاست

قطعات یدکی

ص: ۴۱۴

سند شماره ۱۶۴

محرمانه۲۵ ژوییه ۱۹۷۹- ۳ مرداد ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی- ۲۶۶۵به: سفارت آمریکا، ایران

موضوع: قطعات یدکی

۱- (محرمانه- تمام متن)

۲- با توجه به رأی مثبت کنگره در خصوص خرید کشتی های [اسپراونس]، می توانید به دولت موقت ایران اطلاع دهید که حاضریم درخواست های این کشور را برای سفارش های جدید و یا ادامه خریدهای نظامی در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی برای قطعات یدکی غیرحساس بپذیریم و آنها را تأمین کنیم.

سفارش اقلام می تواند تا سقف مبلغ تقریباً ۵ میلیون دلار برای نیروی هوایی و مبالغ جداگانه ای برای برنامه خرید هلیکوپتر و نیروی دریایی صورت گیرد. چنانچه ارتش ایران تمایل به خرید قطعات یدکی برای سایر بخش های ارتش را نیز داشته باشد، با کمال میل سفارش آن را بررسی خواهیم کرد.

چنانکه قبلاً گفته شد، فروش ها به صورت نقدی و پیش پرداخت صورت خواهد گرفت. سایر جزییات در تلکس وزارت دفاع خواهد آمد.

۳- همچنین می توانید به ایرانی ها اطلاع دهید که جهت ارسال قطعاتی که مجوز صدور آنها صادر شده است، اقداماتی خواهیم داشت. وزارت دفاع در خصوص جزییات مربوط به تحویل این اقلام با هیأت مستشاری در تماس خواهد بود.

۴- وزارت دفاع به زودی پاسخ سئوالاتی را که شما و ژنرال گاست در خصوص وضعیت صندوق امانی پرسیده بودید، ارسال خواهد کرد.

در نظر داریم در اواخر ماه اوت جلسه ای توجیهی در مورد وضعیت صندوق امانی برگزار کنیم.

ونس

قراردادهای جدید خریدهای نظامی خارجی و...

سند شماره ۱۶۵

سرّی۲۶ ژوییه ۱۹۷۹- ۴ مرداد ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

مرجع: الف) سفارت ۷۸۳۵، ب) سفارت ۷۴۳۰

موضوع: قراردادهای جدید خریدهای نظامی خارجی و

قطعات یدکی برای نیروهای مسلح ایران

۱- (سرّی- تمام متن)

۲- کاردار در طول ملاقاتش با یزدی، وزیر امور خارجه ایران، در تاریخ ۲۵ ژوییه، وضعیت

کنونی قراردادهای جدید خریدهای نظامی خارجی و قطعات یدکی برای نیروهای مسلح ایران را که تا زمان روشن شدن وضعیت توانایی صندوق امانی برای پرداخت بدهی ها معوق مانده است، توضیح داد.

کاردار خاطر نشان ساخت که با توجه به تصویب بودجه تکمیلی وزارت دفاع آمریکا، هم اینک می توانیم به درخواست ایران برای تقریباً ۵ میلیون دلار قطعات یدکی برای نیروی هوایی ایران و قراردادهای جداگانه بر مبنای پیش پرداخت نقدی برای هلیکوپترها و نیروی دریایی ایران رسیدگی کنیم.

علاوه بر این آماده ایم درباره قراردادهای دیگر نیز بر مبنای پیش پرداخت نقدی مذاکره کنیم. و نهایتاً اینکه کاردار به یزدی گفت آماده ایم اقلام تعلیق شده را به ایران ارسال کنیم و ژنرال گاست در ارتباط با جزییات امر با وزارت دفاع ملی وارد مذاکره خواهد شد.

در ارتباط با یادداشت وزارت امور خارجه مورخ ۲۳ ژوییه (مرجع الف)، کاردار گفت حاضریم به محض دریافت جزییات مربوط به قطعات مورد نظر و وضعیت صندوق امانی وارد مذاکره شویم.

البته او تأکید کرد که نمی توانیم تضمین کنیم هر چیزی را که ایران قبلاً سفارش داده است، بلافاصله موجود باشد.

۳- یزدی چند سئوال برای روشن شدن برخی نکات کرد، ولی به جز سئوالات مشخصی که درباره وضعیت هواپیماهای ۷۴۷ و سایر قطعات تعمیری (مرجع ب) پرسید، بدون هیچ نظر خاصی توضیحات کاردار را گوش داد.

۴- در روز ۲۶ ژوییه، کاردار سندی در ارتباط با موضوع قطعات یدکی و آنچه را که می توانیم برای از سرگیری ارسال اقلامی که نیروهای ژنرال گاست تهیه دیده بودند، انجام دهیم، تسلیم بایندر، رئیس اداره چهارم سیاسی کرد. بایندر نیز مثل یزدی بدون هیچ نظر خاصی آن را تحویل گرفت و فقط برای روشن شدن چند نکته، سئوالاتی کرد. بایندر بدون شکایت این احتمال را پذیرفت که ممکن است برخی اقلام به دلیل اینکه اقلام تولید شده اولیه برای حفظ موجودی صندوق امانی فروخته شده و یا اینکه آمریکا ابتدا خواهان تضمین امنیت اقلام حساس است، بلافاصله موجود نباشد.

کاردار خاطر نشان ساخت که هر چند ما حاضریم با نمایندگان وزارت امور خارجه و وزارت دفاع ملی ایران بر سر رویه ها مذاکره کنیم، از نیروهای وزارت دفاع شنیده ایم که از نظر آنها این مذاکرات ضرورتی ندارد. در عین حال، در ارتباط با مذاکره بر سر جزییات حساب ها و وضعیت صندوق امانی که در یادداشت ۲۴ ژوییه وزارت امور خارجه ایران (مرجع الف) درخواست شده بود، باید تا زمان کسب اطلاعات مربوطه، که امیدواریم در ماه اوت به دست بیاید، صبر کرد.

لینگن

تدارک قطعات یدکی برای ایران

سند شماره ۱۶۶

محرمانه۲۷ ژوییه ۱۹۷۹- ۵ مرداد ۱۳۵۸

از: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سیبه: هیأت مستشاری نظامی، تهران

مرجع: الف- وزارت امور خارجه ۱۱۲۱۲۱از - ۱۱ ژوییه ۱۹۷۹- در خصوص قطعات یدکی نظامی غیرحساس، ب- وزارت دفاع ۱۴۱۶۴۴ز- ۱۴ ژوییه ۱۹۷۹ - وزیر دفاع در خصوص تأمین قطعات برای نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران، پ- تلکس وزارت دفاع ۱۸۱۵۵۳از- مورخ ۱۸ ژوییه ۱۹۷۹ وزیر دفاع در خصوص تعلیق محموله های ایران، ت- وزارت امور خارجه ۲۱۲۲۲۶ز - ۲۱ ژوییه ۱۹۷۹- وزیر امور خارجه در خصوص تخصیص بودجه، ث- ۳۱۲۰۳۰ AFLC/ILCز - ۳۱ می ۱۹۷۹ - در خصوص قطعات قابل تعمیر نیروی هوایی ایران، ج- تهران ۲۳۰۹۴۷ز - ۲۳ ژوییه ۱۹۷۹ - در خصوص وضعیت قطعات یدکی موضوع صندوق امانی.

موضوع: تدارک قطعات یدکی برای ایران

این پیام دارای دو بخش است، که بخش دوم برای همه است.

۱- (محرمانه) دولت ایالات متحده علاقه وافری به ایجاد روابط سالم با دولت جدید ایران دارد. به دلایل مهم سیاسی، اقتصادی، و امنیتی ایران همچنان کشوری بسیار مهم برای ایالات متحده محسوب می شود. یکی از محورهای اصلی تلاش هایمان در ماههای آتی برقراری روابطی توأم با احترام و اعتماد متقابل با شخصیت های اصلی کشوری و رهبری نظامی ایران خواهد بود. یکی از عناصر اصلی این تلاش برقراری رابطه تدارکاتی نظامی مثبت، هر چند محدود، است.

۲- (محرمانه) البته مشکلات بسیار جدی وجود دارد که مسیر عادی سازی روابط دفاعی با ایران را سد خواهد کرد. تکلیف وضعیت مالی صندوق امانی برنامه خریدهای نظامی خارجی هنوز معلوم نیست و ما نیز در موقعیتی نیستیم که بتوانیم ریسک عدم توانایی پرداخت دیون از سوی ایران را در این نوع معاملات بپذیریم. رهبری ایران هنوز به طور قطع جایگاه محکمی نیافته است و پیش بینی می کنیم که در آینده تغییرات بیشتری در آن رخ دهد. آمریکایی ستیزی گسترده در ایران، همکاری آشکار رهبران این کشور را با ایالات متحده دشوار ساخته است. به همین سبب، مایلیم آهسته به پیش رویم و عمدتاً در قالب پاسخ به درخواست های آنها عمل کنیم. نمی خواهیم سریع تر از آنچه ایرانی ها خودشان می خواهند، برای ایجاد روابط به آنها فشار بیاوریم، بلکه قصد داریم نسبت به مشکلات سیاسی شدیدی که گریبانگیر اشخاص متمایل به آمریکا و همچنین آنهایی که خواهان روابط سازنده ای با ما هستند، حساسیت نشان دهیم. با وجود این، قصد نداریم به درخواست هایی که منجر به تقویت ارتش و در نتیجه دولت می شود به طور مثبت و کامل پاسخ دهیم.

۳- (محرمانه) کمک به تقویت ارتش ایران سهم به سزایی در ایجاد ثبات در این کشور

خواهـد داشت. واضح است که تأمین قطعات یدکی برای حفظ توانایی های عملیاتی تجهیزاتی که ایران از ما خریده، ضـروری است. با توجه به اقدام مثبت کنگره مبنی بر خرید ناوشـکن های سـفارش ایران از محل بودجه تکمیلی سال ۱۹۷۹وزارت دفاع، هم اینـک آمـاده ایم تـأمین محـدود قطعـات یـدکی غیر حسـاس را که برای حفـظ توانـایی عملیـاتی هواپیماهـای ایران و سایر تجهیزاتی که از ما خریداری کرده اند، ضروری است به ترتیب زیر از سر گیریم.

۴- (محرمانه) چنانکه در پیام های قبلی بحث کرده بودیم، هیأت مستشاری نظامی می تواند به مقامات ذیربط وزارت دفاع ملی ایران اطلاع دهـد که آماده تصویب تقاضانامه های جدیـد و یا ادامه قراردادهای قبلی برای قطعات یـدکی غیرحساس برای هر یـک از نیروهای نظامی ایران هستیم. به دلیل وضـعیت نامشـخص صـندوق امانی در آینـده، ضـروری است خریـدها به صورت نقدی و پیش پرداخت صورت گیرد.

۵- (محرمـانه) متعـاقب درخـواست ایران، حاضـریم نـامه پیشـنهاد و قبولی را به مبلغ ۵/۵ میلیـون دلاـر برای نیروی هوایی ایران تصویب کنیم، و موارد مشـابه نیز پس از دریـافت درخواست ایران برای نیروهـای زمینی و دریـایی بررسـی خواهـد شـد. ما در مورد مبـالغ سـقف خاصـی قایـل نیستیم. این مبـالغ بیـانگر درخواست هـای ایران تا این تاریـخ و از سـر گیری اسـتفاده از وجوه محـدودی بوده است که هنوز برای خریـدهای ارتش ایران در دسترس مـا قرار دارد. علاوه بر این، مایل نیستیم در شـرایطی که وضعیت صندوق امانی برای مدتی بلاتکلیف است، بار مالی زیادی بر این برنامه تحمیل کنیم.

۶- ایرانی ها بایـد بداننـد چنانچه صـندوق امانی بدهکار شود، ایالات متحده مجبور خواهد شد برای جبران طلب خود، دارایی های دولت موقت ایران را در ایالات متحـده ضـبط کند. این مسئله در مورد بدهی پرداخت نشده ی قراردادهای خرید قطعات یـدکی جدیـد نیز صـدق خواهـد کرد. البته فکر نمی کنیم چنین چیزی اتفاق بیفتد، زیرا فروش کشتی های اسپراونس تا حدود زیادی مشکلات مالی صندوق امانی را حل خواهد کرد.

۷- حمل قطعات یـدکی به محض تهیه آنها و یا اجازه صدور و پس از پرداخت هزینه و برآورده شدن شـرایط، صورت خواهد گرفت. ایرانی ها باید دقیقاً اطلاع دهند که محموله چگونه باید به آنها تحویل داده شود.

۸- (بـدون طبقه بنـدی) علاـوه بر این، هیـأت مستشاری نظـامی بایـد به وزارت دفـاع ملی ایران اطلاـع دهـد که هر گاه نیروی دریایی آمریکا اولین بخش از پرداخت خود را بابت خریـد کشتی های اسپراونس به صـندوق امانی انجام داد، محموله قطعات غیرحسـاس موضوع برنـامه خریـدهای نظـامی خـارجی که مجوز آنهـا صـادر شـده ولی ارسـال آنها به حالت تعلیق درآمـده و همچنین برخی قطعات دیگر که هزینه آنها پرداخت شده و آماده حمل هستند، به ایران ارسال خواهند شد.

۹- (بدون طبقه بندی) در حال حاضر نمی توانیم اقلام حساسی نظیر مهمات، ECCM ،ZCM

و هـارپون را، که البته به این چنـد قلم محـدود نمی شود، به ایران ارسـال کنیم. برای اطلاع شـما، در حـال تعیین اقلام حساس هستیم تـا بدانیـد که چه قطعات و تجهیزاتی برای ایران ارسال نخواهـد شـد. در ابتـدا کلیه محموله های ارسالی برای ایران فقط شامل قطعات بـدون طبقه بنـدی خواهـد بود. درخواست برای اقلام طبقه بنـدی شـده مورد به مورد بررسـی خواهد شد. نظر به مذاکرات آتی در خصوص خرید احتمالی هواپیماهای اف-۱۴ از ایران، فعلاً قصد نداریم از این سیستم پشتیبانی کنیم، مگر در مواردی که برای حفظ آنها ضروری باشد.

۱۰- پیش بینی می کنیم نیروی دریـایی ظرف دو هفته آینـده هزینه خریـد کشتی های اسپراونس را به صـندوق امانی پرداخت نمایـد. در حـال تهیه فهرستی از قطعات یـدکی هستیم که مجوز ارسال آن صادر گردیـده است و اطلاعات فوق را برای هیأت مسـتشاری نظـامی ارسـال خواهیم کرد. در این ارتباط نیز ایرانی ها بایـد دقیقاً نحوه حمل قطعات را به ما اطلاع دهنـد. مثلاً آیا ایران هنوز قصد دارد از شرکت حمل و نقل بین المللی بهرینگ استفاده کند یا خیر؟

۱۱- (محرمانه) کاملاً از مطلوبیت ارایه هر چه سریع تر اطلاعات کامل در مورد وضعیت صندوق امانی به ایران آگاه هستیم. به همین سـبب سـعی می کنیم حتی المقدور و در اسـرع وقت به سئوالاتی که ایرانی ها و سفارت و هیأت مستشاری نظامی مطرح ساخته انـد پاسخ دهیم. ایرانی ها باید بدانند پاسخ به سـئوالاتی که گاه به خوبی طرح نشده اند، دشوار است. کل جامعه مرتبط با برنامه خریدهای نظامی خارجی در تلاش است تا گزارشـی کامل و مفصل از کل برنامه خریدهای تسلیحاتی ایران تهیه کند. تکمیل این تلاش گسترده تا اواسط و یا اواخر اوت مقـدور نخواهـد بود. بزرگی این تلاش را بایـد با توجه به برنامه ۲۰ میلیارد دلـاری معاملـات تسـلیحاتی خـارجی ایران بـا دامنـه وسـیع تغییراتی که از صـندوق امـانی تـا اجرای قراردادهـا در قـالب خرید کشورهـای ثـالث تـا هزاران پیمانکـار اصـلی و فرعی در آن صورت گرفته است، دریافت. حساب و کتاب مربوط به لغو برخی قراردادها ممکن است یک سال یا بیشتر به طول انجامد، زیرا به منظور حفظ منافع دولت آمریکا و ایران، لازم است به ادعاهای مربوط به هر یک از قراردادها رسـیدگی شود. ما باید هزینه بسـیاری از موارد را برآورد کنیم و مسـلماً تغییرات بیشتری در این قراردادها صورت خواهـد گرفت. البته در نهایت و حتی المقـدور در اسـرع وقت، تحلیل مورد به مورد قراردادها ممکن خواهد شـد. بـا وجـود ایـن، غیرواقعی اسـت که انتظـار تهیه گزارش جـامعی از آنچه را که قبلاًـ گزارش سالیـانه و یـا دوره ای برنـامه معاملات بود، داشـته باشیم، چرا که در آن زمان صدها نفر نیروی ایرانی و هیأت مستشاری نظامی در تهیه گزارش های ماهیانه و به روز رسـانی اطلاعـات دست داشـتند، در حـالی که هم اینک کل سیسـتم برنامه خریـدهای نظامی خارجی تلاش می کند برنامه خریـدهای تسـلیحاتی ایران را با تغییرات عظیمی که در آن صورت گرفته است، تطبیق دهـد. علاوه بر این، شایـد هر آن ادعایی علیه صـندوق امانی ایران صورت گیرد و مسـلماً برخی تأثیرات بر صـندوق امانی، خود را یک سال بعد و یا بیشتر نشان خواهد داد.

۱۲- (محرمانه) با وجود این و به رغم همه مشکلات، در حال تهیه گزارش جامعی هستیم که در اواخر ماه اوت به ایرانی ها ارایه خواهد شد. قویاً ترجیح می دهیم نمایندگان دولت موقت ایران این گزارش را در ایالات متحده دریافت کنند. زیرا ارایه چنین گزارشی در ایران ضرورتاً به دلیل محدودیت دسترسی آسان به اطلاعات و مدیران برنامه که در ایالات متحده هستند، محدودیت هایی از حیث جزییات و پاسخگویی مسئولین ایجاد می کند. باید سعی کنید وزارت دفاع ملی ایران را در ارتباط با این مسئله متقاعد نمایید. جزییات بیشتر را در پیامی جداگانه در پاسخ به پیام سفارت به شماره ۷۸۳۵ ارسال خواهیم کرد.

۱۳- (محرمانه) سفارت می تواند با استفاده از این تلکس پاسخی ابتدایی به یادداشت مورخ ۲۳ ژوییه وزارت امور خارجه ایران بدهد. در خصوص مسئله گزارش معاملات تسلیحاتی ایران در تلکس های بعدی جزییات بیشتری ارسال خواهیم کرد.

قسمت دوم پیام درباره CNO, CSA, CSAF است.

۱۴- (بدون طبقه بندی) شما مجاز هستید به محض اینکه مرکز امور مالی مساعدت های امنیتی دریافت پیش پرداخت مربوط به هر مورد را تأیید کرد با قطعات یدکی غیرحساس و قطعات تعمیر شده با توجه به مبلغ دلاری مصوب اقدام به تدارک و پشتیبانی نیروهای مسلح ایران کنید. مبلغ مصوب برای نیروی هوایی آمریکا ۵/۵ میلیون دلار است. برای ارتش و نیروی دریایی آمریکا نیز مبالغ پس از درخواست های مشخص ایران معین خواهد شد.

۱۵- (بدون طبقه بندی) به شما اطلاع خواهیم داد که چه وقت با پرداخت اولین بخش از مبالغ مربوط به خرید کشتی های سفارش ایران از سوی نیروی دریایی آمریکا، اقلام غیر حساس موضوع معاملات تسلیحاتی خارجی از حالت تعلیق خارج خواهد شد.

۱۶- وزارت امور خارجه موافقت دارد.

اطلاعات درباره بسته پشتیبانی ۵ میلیون دلاری

سند شماره ۱۶۷

بدون طبقه بندی ۳۰ ژوییه ۱۹۷۹- ۸ مرداد ۱۳۵۸

از: نماینده ارشد دفاعی سفارت آمریکا، سرلشگر گاست

به: سرتیپ ایمانیان، رئیس ستاد نیروی هوایی اسلامی ایران

موضوع: اطلاعات درباره بسته پشتیبانی ۵ میلیون دلاری

۱- جزییات بسته پشتیبانی موضوع این نامه را با سرتیپ صفری، معاون فرماندهی لجستیک ستاد نیروی هوایی، و نیروهای

مـدیریت سـاز و برگ فرمانـدهی لجستیـک مورد بحث و بررسـی قرار داده ایم. این نیروها اقلام اضـطراری لازم برای پشتیبانی سیستم های تسلیحاتی خاص را شناسایی کرده اند.

۲- اقـداماتی که هم اینـک در ایالات متحـده در ارتبـاط بـا صـندوق امـانی ایران در جریـان است ظاهراً به سوی یک راه حل مطلوب پیش می رود. رسماً به ما ابلاغ شده که دولت ایالات متحده

آمریکا با پشتیبانی موارد درخواستی شما برای قطعات یدکی هواپیماهای اف-۴، اف-۵ و سی-۱۳۰ به مبلغ ۵/۵ میلیون دلار موافقت کرده است. چنانچه به مبالغ بیشتری نیاز باشد، دولت ایالات متحده درخواستی برای مبالغ بیشتر تسلیم خواهد کرد. برای شروع کار در ارتباط با تقاضایتان، اقدامات زیر باید انجام شود.

الف- پیش از حمل اقلام و یا شروع هر اقدامی بابت تهیه اقلام، مرکز حسابداری مساعدت های امنیتی باید مبلغ ۵/۵ میلیون دلار را نقداً و از پیش دریافت کرده باشد. به محض رسید مبلغ فوق، می توانید درخواست خود را تسلیم نمایید که مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

ب- باید قطعاً مشخص شود که نیروی هوایی ایران مایل است این اقلام چگونه برایش ارسال گردد. به منظور حصول اطمینان از حمل سریع این اقلام، توصیه می شود ابتدا از ترتیب حمل آنها اطمینان حاصل کرده و این دفتر را در اسرع وقت از نتیجه مطلع فرمایید. ما نیز تضمین می کنیم که به منظور پرهیز از تأخیر های غیرضروری، دستور حمل برای فرماندهی لجستیک نیروی هوایی آمریکا صادر شود.

پ- باید خاطر نشان ساخت که چنانچه صندوق امانی بدهکار شود، دولت ایالات متحده مجبور است از کلیه دارایی های موجود دولت ایران، از جمله موجودی سپرده پرداخت شده در این بسته پشتیبانی خاص، برای پرداخت این بدهی ها استفاده کند. دولت ایالات متحده چنین چیزی را پیش بینی نمی کند، زیرا فروش کشتی های اسپراونس تا حدود زیادی مشکلات مالی صندوق امانی را برطرف خواهد کرد.

۳- در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، لطفاً با دفتر اینجانب تماس بگیرید.

بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران و صندوق امانی

سند شماره ۱۶۸

بدون طبقه بندی ۳۰ ژوییه ۱۹۷۹- ۸ مرداد ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهرانبه: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

مرجع: الف- وزارت دفاع ۱۴۱۶۴۳ - ASD:ISA/DSAAز - ۱۴ ژوییه ۱۹۷۹ (محرمانه) موضوع برنامه بازدید هیأت خریدهای نظامی خارجی ایران، ب- هیأت مستشاری ۰۹۱۱۵۷ز - ۹ ژوییه ۱۹۷۹ (محرمانه) با موضوع یادداشت تفاهم و صندوق امانی، پ- هیأت مستشاری ۲۸۱۰۰۱ز - ۲۸ ژوئن ۱۹۷۹ (محرمانه) با موضوع برنامه خریدهای نظامی خارجی- صندوق امانی ایران

موضوع: بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران و صندوق امانی

۱- مرجع الف خلاصه ای از گزارش مربوط به برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران بود که قرار است در واشنگتن ارایه شود. مرجع ب درباره تمایل وزارت دفاع ملی ایران به اعزام تیمی به واشنگتن برای بررسی کلی برنامه خریدهای نظامی خارجی و صندوق امانی، و

همچنین شک و تردید هیأت مستشاری درباره صدور مجوز این سفر در آینده نزدیک بود. مرجع پ شامل نامه ای از معاونت وزارت دفاع ملی ایران با سئوالات متعدد در مورد مسایل مربوط به صورتحساب های ارایه شده بود.

۲- یک یادداشت دیپلماتیک از طرف وزارت امور خارجه ایران که در تاریخ ۲۵ ژوییه به دستمان رسید حاکی از تمایل دولت ایران به بررسی کامل برنامه خریدهای نظامی خارجی و درخواست برای انجام این کار در ایران است. علاوه بر این، نامه ای از سوی سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع ملی ایران در امور تسلیحاتی، دریافت داشتیم که درآن درخواست کرده بود جلسه بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران که در یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ قید شده بود، به تعویق بیفتد. بخش هایی از نامه مذکور جهت اطلاع در زیر آمده است:

«در نامه تفاهم مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ قید شده است که نمایندگان ایالات متحده و دولت ایران به طور مشترک برنامه خریدها و برنامه ریزی برای تحویل اقلام موضوع موافقت نامه هایی که به حالت تعلیق درآمده و همچنین تبعات مالی آن را تا تاریخ ۲۴ ژوییه مورد بررسی قرار دهند. نظر به اینکه اطلاعات درخواست شده در ارتباط با قراردادهای خریدهای نظامی خارجی هنوز از سوی وزارت دفاع ایالات متحده ارایه نشده است، خواهشمند است تاریخ فوق تمدید شود. همچنین خواهشمند است موافقت خود را با تمدید تاریخ فوق الذکر کتباً به این معاونت اطلاع دهید.»

۳- چنانکه در مرجع ب گزارش شد، به نظر می رسد دولت ایران در مقابل فرستادن یک هیأت به ایالات متحده مقاومت کرده و همچنان فشار خواهد آورد تا بررسی ها در ایران صورت گیرد. این موضوع را مفتوح نگاه داشته و هر گونه پیشرفت را گزارش خواهیم داد.

۴- خواهشمند است صورتحساب های هزینه مربوط به ماه ژوئن و همچنین مدارک مربوطه را در اولین فرصت ممکن برایمان ارسال کنید تا نمایندگان ایران بتوانند آن را مورد بررسی قرار دهند. علاوه بر این، خواهشمند است پاسخ سئوالات ایران را که در مرجع پ قید شده است، برایمان ارسال کنید.

۵- به دولت ایران توصیه شده که زودترین تاریخ برای بررسی موضوع، اواخر ماه اوت و بعد از انتشار آخرین صورتحساب های مالی خواهد بود.

فهرست قطعات برای هواپیماهای ۷۰۷ و ۷۴۷

سند شماره ۱۶۹

محرمانه ۳۰ ژوییه ۱۹۷۹– ۸ مرداد ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

مرجع: وزارت امور خارجه ۱۲۰۶۵، موضوع قطعات بوئینگ و سایر مشکلات

موضوع: فهرست قطعات برای هواپیماهای ۷۰۷ و ۷۴۷

۱- وزارت امور خارجه ایران خواهان مساعدت سفارت در ارتباط با یک فهرست ۳۹

صفحه ای از قطعات برای هواپیماهای ۷۰۷ و ۷۴۷ شده است. ظاهراً این فهرست به قطعات قابل تعمیری مربوط می شود که نیروی هوایی ایران تحت یک قرارداد مستقیم قبل از انقلاب برای پن آمریکن فرستاده است. دولت موقت ایران هم اکنون از ما خواسته است تا برای رفع نیاز مبرم این هواپیماها به قطعات تعمیری، ترتیبی دهیم که قطعات فوق تعمیر و به ایران بازگردانده شود. این اولین درخواست رسمی آنها در ارتباط با هواپیماهای ۷۰۷ و ۷۴۷ است.

۲- وزارت امور خارجه ایران به اشتباه این درخواست را به بسته ویژه ۵ میلیون دلاری پشتیبانی که هم اینک در حال بررسی است، مرتبط کرده است. این نکته را برای آنها روشن خواهیم کرد و توضیح خواهیم داد که این قطعات بخشی از یک قرارداد تجاری هستند که باید موضوع آن را در درخواست جداگانه ای مطرح سازند.

۳- اگرچه می دانیم دولت آمریکا نمی تواند اقدام مستقیمی در ارتباط با درخواست آنها انجام دهد، سفارت مایل است پاسخی به آنها بدهد. تلکس مرجع درباره هواپیماهای بوئینگ مفید خواهد بود و معتقدیم که اطلاعات مشابهی درباره پن ام نیز مفید واقع خواهد شد. شاید مسئله پن ام قدری پیچیده تر از این باشد، زیرا فکر می کنیم مسایل پرداخت دیگری نیز با دولت موقت ایران، ایبکس، ایران ایر و صنایع هواپیمایی ایران وجود داشته باشد.

۴- هیأت مستشاری نظامی فهرست قطعات را برای فرماندهی لجستیک نیروی هوایی ارسال کرده است که تا چند روز دیگر به دستشان خواهد رسید. اگر موافقت داشته باشید، فرماندهی لجستیک می تواند برای کسب خبر درباره وضعیت فیزیکی قطعات با پن ام تماس بگیرد. گزارش وضعیت می تواند شامل این باشد که چه قطعاتی تعمیر شده و چه قطعاتی تعمیر نشده اند، و اطلاعاتی نظیر آن.

۵- هر گونه اطلاع مفیدی در این ارتباط موجب امتنان خواهد بود.

یادداشت وزارت امور خارجه ایران- ۱۸/۳۴۶۲

سند شماره ۱۷۰

۱ اوت ۱۹۷۹- ۱۰ مرداد ۱۳۵۸

موضوع: یادداشت وزارت امور خارجه ایران- ۱۸/۳۴۶۲

در ارتباط با یادداشت وزارت امور خارجه ایران به شماره ۱۸/۳۴۶۲ مورخ ۲۳ ژوییه ۱۹۷۰ اطلاعات زیر را از پرونده هایمان استخراج کرده ایم. اکثر موارد مذکور در یادداشت قابل فهم نیست و احتمالاً به ترجمه مجدد نیاز دارد. شماره های مندرج در اینجا با شماره های یادداشت مطابقت دارد.

۱ - ۳۰ لوله یدکی توپ ۱۷۵ م.م. به منظور جلوگیری از تحمیل هزینه اضافی بر صندوق امانی در اختیار دولت ایران قرار

نگرفت. در حال حاضر اطلاعات چندانی در مورد آنها نداریم ولی احتمالاً این اقلام به مشتریان دیگر فروخته شده است.

۲- خودروهای ام-۱۵۲ و ام-۱۵۱ ای ۲: پرونده ها حاکی از آن است که کلیه آنها به ایران

تحویل شده اند.

۳- تجهیزات ش.م.ر.: کلیه اقلام یا به مشتریان دیگر فروخته شده، یا لغو شده و یا حمل آنها به حالت تعلیق درآمده است.

۴- در نامه مورخ ۷ می ۱۹۷۹، مورد ۹۹ جیپ مذکور را که موضوع یادداشت تفاهم نیز بودند، به سرهنگ کامکار توضیح داده ایم. به ایشان اطلاع داده ایم که کلیه ۹۹ جیپ مذکور به سایر مشتریان فروخته شده است ولی دولت آمریکا می تواند درخواست جدید ایران را مد نظر قرار دهد.

۵- اطلاعات مربوط به پشتیبانی برای قطعات یدکی غیرحساس (مثلاً بسته پشتیبانی نیروی هوایی به ارزش ۵/۵ میلیون دلار) در اختیار نیروهای [مربوطه ارتش ایران] قرار گرفته است. همچنین به نیروهای ارتش ایران اطلاع داده ایم که تجهیزات و قطعات غیرحساسی که حمل آنها به حالت تعلیق درآمده است به محض تصویب لایحه تکمیلی تخصیص بودجه و استرداد وجه از سوی نیروی دریایی ایالات متحده به صندوق امانی، برای حمل آماده خواهند شد. تصویب لایحه بودجه تکمیلی بسیار قریب الوقوع است، ولی به رغم اصرار ما در طول دو هفته گذشته، نیروهای ارتش ایران هنوز دستوری برای حمل اقلام فوق نداده اند. فهرستی از قطعات حمل آنها به حالت تعلیق درآمده است برای سفارت ارسال خواهد شد، ولی دقیقاً نمی دانیم که چه زمانی می توانیم انتظار دریافت آنها را داشته باشیم. قابل تذکر است که به منظور حفظ توانایی صندوق امانی برای پرداخت بدهی هایش برخی قطعات به مشتریان دیگر فروخته شده است.

۶- ۱۶ هواپیمای آر.اف-۴ ای سفارش داده شده بود که نهایتاً قرارداد آنها به موجب یادداشت تفاهم لغو شد. از آنجایی که خریدار مناسبی برای این هواپیماها یافت نشد، قراردادها خاتمه یافت. تولید موتور و برخی لوازم دیگر این جنگنده ها تا حدود زیادی تکمیل شده و چشم انداز یافتن مشتری برای آنها خوب بود. بنابراین، تولید این وسایل و لوازم ادامه یافت. معاون وزارت دفاع ملی ایران در نامه مورخ ۷ می ۱۹۷۹ خواستار تحویل ۸ هواپیمای اف-۴ از دولت آمریکا شد که قرارداد آن به موجب یادداشت تفاهم لغو شده بود. به معاون وزارت دفاع ملی ایران اطلاع داده شد که شاید بتوان خط تولید آنها را بازگشایی کرد، ولی مسلماً هزینه تولید و زمان تحویل متفاوت خواهد بود. همچنین به او اطلاع داده شد که قبل از هر گونه اقدامی، باید در خصوص مسایل مربوط به قراردادهای موجود خریدهای نظامی خارجی به توافق رسید.

یادداشت وزارت امور خارجه ایران- پشتیبانی نظامی

سند شماره ۱۷۱

محرمانه۲ اوت ۱۹۷۹- ۱۱ مرداد ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

موضوع: یادداشت وزارت امور خارجه ایران- پشتیبانی نظامی

۱- (محرمانه- تمام متن- این گزارش برای کسب تکلیف ارسال می شود)

۲- یادداشتی دیپلماتیک با تاریخ ۲۳ ژوییه ۱۹۷۹ در تاریخ ۳۰ ژوییه ۱۹۷۹ به سفارت واصل گردید. این یادداشت از اداره حقوقی وزارت امور خارجه ایران صادر شده بود، که ترجمه آن در زیر می آید:

یادداشت

وزارت امور خارجه ۱۹/۳۴۶۲

اداره حقوقی ۲۳ ژوییه ۱۹۷۹

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تعارفات خود را به سفارت ایالات متحده امریکا اظهار و با اشاره به برنامه خریدهای نظامی ایران، احتراماً علاقمندی دولت موقت جمهوری اسلامی ایران را به دریافت وسائل و خدمات زیر طبق قراردادهای منعقده به اطلاع می رساند:

۱- ۳۰ عدد لوله یدکی توپ ۱۷۵ م.م.

۲- خودروهای ام-۱۵۱ و ام-۱۵۲

۳- تجهیزات ش.م.ر.

۴- ۹۹ دستگاه جیپ

۵- قطعات و لوازم یدکی برای کلیه وسائل موجود در صورت لزوم.

۶- ۸ فروند هواپیمای آر.اف-۴ ای با لوازم مربوطه

۷- بهسازی هواپیماهای سی-۱۳۰

۸- بهسازی هواپیماهای اف-۴

۹- آموزش پشتیبانی و قطعات یدکی برای کلیه وسائل موجود در صورت لزوم

۱۰- ۹۶ عدد موشک هارپون

۱۱- ۴ دستگاه قایق LCM-۶

۱۲- آموزش پشتیبانی قطعات و لوازم یدکی کلیه وسائل موجود در صورت لزوم

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می شمارد.

۳- از نظر ما این یادداشت یک قدم مشکل ولی مثبت است که دولت موقت ایران در مسیر درخواست پشتیبانی لجستیک ایالات متحده از سیستم های تسلیحاتی ساخت آمریکا برداشته است. با وجود این، برخی از جوانب این یادداشت ذهن ما را به خود مشغول داشته و نیاز به شفاف سازی دارد.

الف- اگرچه سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع، قبلاً به طور شفاهی به ما گفته بود که نخست وزیر ایران با امضای نامه ای مجوز ادامه روابط نظامی را با ایالات متحده صادر کرده است، ولی محتویات آن نامه را برای ما فاش نساخت.

ب- نه وزیر امور خارجه و نه هیچکس دیگری در صحبت های اخیر حرفی از این نامه به

ما نزده بود.

پ- این نامه از اداره حقوقی وزارت امور خارجه صادر و حداقل با اداره چهارم سیاسی (قاره آمریکا) در همان وزارتخانه هماهنگ شده است. شاید این مسئله بدان معنا باشد که آنها می خواهند فعلاً از سطحی نسبتاً پایین این درخواست را مطرح کنند و یا اینکه تبعات حقوقی برای این معاملات قایل هستند. چنانکه قبلاً نیز گزارش شده است، دفتر معاونت وزارت دفاع مکرراً این مسئله حقوقی را مطرح ساخته که دولت ایالات متحده، برخلاف آنچه در یادداشت تفاهم قید شده، در مورد تمامی اقداماتی که باید برای حفظ توانایی پرداخت بدهی های صندوق امانی ایران انجام می داد، با وزارت دفاع ایران مشورت نکرده است. نمونه هایی که آنها ذکر می کنند به شرح زیر است:

(۱) خاتمه قراردادهای مربوط به کلیه هواپیماهای آر.اف-۴ ای به رغم درخواست ایران برای خرید هشت فروند از هواپیماهای فوق.

(۲) انجام هزینه از پولهای صندوق امانی برای ادامه ساخت ۴ کشتی، بعد از اعلام توسط رژیم سابق و دولت موقت ایران، مبنی بر این که قرارداد هر ۴ کشتی لغو شده است.

(۳) نگاه داشتن و فروش قطعات یدکی که دولت ایران قبلاً هزینه آنها را پرداخته بود. اگرچه ما برای هر اقدام دلایل منطقی ارایه داده ایم، فکر می کنیم ایرانی ها باز هم این مسئله را مطرح خواهند کرد.

ت- پاسخهای پیشین، برخی گزینه ها را که خواهان پاسخ هستید، کفایت می کند.

ث- ما قادر به ترجمه دقیق بعضی از گزینه ها نیستیم.

۳- قصد داریم برای شفاف سازی هر یک از مواردی که در یادداشت وزارت امور خارجه ایران قید شده است، درخواست کنیم تا جلسه مشترکی با حضور نمایندگان وزارت امور خارجه ایران، معاونت وزارت دفاع، بخش سیاسی سفارت و هیأت مستشاری برگزار شود. علاوه بر این سعی می کنیم نظر آنها را درباره نحوه ی حل این مسایل جویا شویم. در همین ارتباط، معتقدیم وزارت دفاع آمریکا باید این موارد را در طول جلسات توضیحی و مباحثاتی که برای اواخر ماه اوت برنامه ریزی شده است، مورد بررسی قرار دهد. چه ما ابتکار عمل به خرج بدهیم و چه ندهیم، هیچ شکی نیست که دولت موقت ایران در زمان برگزاری کنفرانس مزبور این مسئله را مطرح خواهد کرد. موارد یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، و ده قدیمی هستند و بقیه موارد قدری جدیدترند.

۴- کاردار روز دوشنبه ۶ اوت با تیمسار ریاحی، وزیر دفاع ایران، ملاقات خواهد کرد. این یک ملاقات غیررسمی است که پیش از دریافت یادداشت وزارت امورخارجه ترتیب داده شده بود. کاردار سعی می کند از بحث مفصل درباره این یادداشت پرهیز کند.

۵- زمان برگزاری جلسه مشترکی که در بند ۳ ذکر شد، هنوز مشخص نشده است. امیدواریم این جلسه در نیمه دوم هفته ی آینده ایرانی برگزار شود. بسیار مفید خواهد بود اگر

وزارتخانه های مربوطه پیش از برگزاری این جلسه، اطلاعات و راهنمایی هایی در اختیار ما قرار دهند. در زیر سئوالات و توضیحاتی که درباره موارد مذکور در یادداشت وزارت امور خارجه ایران داریم، برایتان ارسال می گردد:

-الف. ما درباره وضعیت ۳۰ لوله یدکی توپ های ۱۷۵ م.م. هیچ اطلاعی نداریم.

– ب. طبق سوابقی که درسفارتخانه داریم، خودروهای ام-۱۵۱ و ام-۱۵۲ (ام-۱۵۱-ای۲) به ایران تحویل شده اند. آیا سوابقی از این مسئله وجود دارد؟

– پ. تجهیزات ش.م.ر. قبلاً به معاون وزارت دفاع ایران اطلاع داده شده بود که تجهیزات فوق در ایالات متحده توقیف شده اند. آیا تغییر در این وضعیت حاصل شده است؟

– ت. ۹۹ دستگاه جیپ. این مسئله چندان جدید نیست. تلکس هیأت مستشاری نظامی به شماره ۰۱۱۲۴۷از مورخ ۱ اوت ۱۹۷۹ با موضوع تقاضا برای اطلاعات و راهنمایی های بیشتر.

– ث. قطعات و لوازم یدکی برای کلیه وسائل موجود در صورت لزوم. فکر می کنیم این مورد مربوط به قراردادهای جدید پشتیبانی باشد.

– ج. ۸ فروند هواپیمای آر.اف-۴ ای با لوازم مربوطه. این مورد احتمالاً شامل چند مسئله است:

(۱) هزینه های بالای خاتمه قرارداد که پول زیادی از آن به صندوق مسترد نشده است.

(۲) آیا اگر پرداخت جدیدی صورت گیرد، می توان تولید این هواپیماها را از سر گرفت؟

(۳) چنانچه این هواپیماها خریداری شوند، افزایش هزینه ها به سبب خاتمه قراردادها و افزایش تورم با گذشت زمان چقدر خواهد بود؟

(۴) چه اتفاقی برای لوازمی می افتد که بخشی از آنها تولید شده اند؟

– چ. بهسازی هواپیماهای سی-۱۳۰ و اف-۴. نمی دانیم دقیقاً چه چیزی مد نظر ایرانی هاست، ولی فکر می کنیم منظور آنها سرویس کلی آماد فنی و تعمیرات است. به اعتقاد ما زمان زیادی طول می کشد تا صنایع هواپیمایی ایران توانایی انجام کار در سطح آماد فنی را دوباره به دست آورد. آیا تأسیسات آماد فنی که تحت کنترل نیروی هوایی ایالات متحده است می تواند این بار کاری را جذب کند؟

– ح. آموزش پشتیبانی قطعات و لوازم یدکی کلیه وسائل موجود در صورت لزوم. اصلاً منظور ایرانی ها را درک نمی کنیم. شاید منظورشان این باشد:

(۱) آموزش در ایالات متحده برای تکنسین ها و مدیران؛

(۲) تیم های TDY به منظور حل مشکلات لجستیک؛ هرچند در این مرحله غیرمحتمل است، درخواست های بیشتر برای آموزش تکنسین ها، غیرنظامیان یا نظامیان.

– خ. ۹۶ راکت هارپون. این مسئله هم چندان جدید نیست. ما پاسخی را که از ISA و مرکز امور مالی سازمان مساعدت های مالی دریافت کرده بودیم، به آنها ارایه داده ایم: مایل نبودیم در حالی که کنگره در حال بررسی لایحه بودجه تکمیلی وزارت دفاع است، موجب اختلال در آن شویم و درخواست آنها را در آینده بررسی خواهیم کرد. هیأت مستشاری نیز به طور غیررسمی به اطلاع سرهنگ کامکار رسانده است که تا زمانی که دولت ایالات متحده از امنیت کافی موشک ها مطمئن نشود، موشک های هارپون برای ایران ارسال نخواهد شد. مسایلی که احتمالاً مطرح خواهند شد عبارتند از:

(۱) دولت ایالات متحده موافقت کرده بود موشک های هارپون را برای استفاده در قایق های گشتی تندروی فرانسوی LACOMBATTANTE در اختیار ایران قرار دهد. ولی حالا ایرانی ها ۹ قایق از ۱۲ قایق سفارش خود را در اختیار دارند بدون آنکه موشکی به آنها تحویل شده باشد، و این به معنای آن است که قایق ها بی فایده اند.

(۲) چنانچه دولت ایالات متحده با خرید و تحویل آنها موافقت کند، دولت موقت ایران باید مبالغ اضافی بابت افزایش قیمت آنها در طول سال و همچنین هزینه مرور زمان را بپردازد.

– د. چهار قایق ۶–LCM. هیچ اطلاعی از این بابت نداریم.

– ذ. ظاهراً مورد دوازده تکرار مورد ۹ است.

لینگن

صندوق امانی ایران، قطعات یدکی برای نیروهای مسلح ایران

سند شماره ۱۷۲

محرمانه۳ اوت ۱۹۷۹ — ۱۲ مرداد ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سیبه: سفارت آمریکا، تهران

مرجع: الف– تهران ۷۸۳۵، ب– وزارت امور خارجه ۲۷۲۳۲۲ز – ۲۷ ژوییه ۱۹۷۹

موضوع: صندوق امانی ایران، قطعات یدکی برای نیروهای مسلح ایران

۱– (بدون طبقه بندی) علاوه بر کلیه نامه های پیشنهاد و قبول و تغییرات و اصلاحاتی که در آنها صورت گرفته است، معتبرترین منابع اطلاعاتی موجود در ارتباط با برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران عبارتند از: صورتحساب های هزینه خریدهای نظامی خارجی، صورتحساب های حساب دارایی خریدهای نظامی خارجی، فرم های شماره ۱۵۱۳–۱ و ۲، اطلاعات مربوط به خاتمه قراردادها، و گزارش (ای.آر) ۱۱۳۵ درباره تجدید ساختار برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران. همه این

مدارک به طور متناوب برایتان ارسال خواهد شد. می توانید برای پاسخ به یادداشت وزارت امور خارجه ایران مورخ ۲۳ ژوییه ۱۹۷۹ از این مدارک استفاده کنید.

۲- (بدون طبقه بندی) سازمان مساعدت های امنیتی دفاعی برای کمک به دولت موقت ایران در درک و بازسازی سوابق خریدهای نظامی خارجی ایران، از سیستم گزارش دهی ۱۱۰۰ RCS اطلاعات زیر را ارسال خواهد کرد:

گزارش (C)- فهرست ماهیانه مربوط به وضعیت کلیه قراردادها (شامل قراردادهای انجام شده)

گزارش (E)- وضعیت ماهیانه خرید و تحویل اقلام در ارتباط با کلیه قراردادهای اجرا شده و مفتوح

گزارش های سه ماهیانه زیر برای کلیه قراردادهای امضا شده، قبول شده، اجرا شده و به انجام رسیده:

گزارش (D)- خلاصه وضعیت خریدها

گزارش (G)- خلاصه وضعیت برخی اقلام

گزارش (H)- وضعیت خریدها و تحویل ها

گزارش (I)- اقلام خریداری شده با شماره انبارداری ملی

اولین مجموعه کامل از این گزارش ها تا تاریخ ۶ اوت ۱۹۷۹ بوسیله نامه برای شما ارسال خواهد شد.

۳- (بدون طبقه بندی) باید تأکید شود که امور مربوط به حسابداری فروش اقلام به مشتریان دیگر، برنامه ریزی مجدد و لغو قراردادها هنوز ادامه دارد. بنابراین سیستم گزارش های RCS ۱۱۰۰ ضرورتاً قدری عقب تر از تجدید ساختار واقعی کل برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران خواهد بود.

۴- (محرمانه) چنانکه در تلکس جداگانه گزارش شد، اولین وجوه حاصل از فروش اقلام سفارش ایران به مشتریان دیگر (یعنی ۵/۴۹۰ میلیون دلار) بابت فروش کشتی های اسپراونس به نیروی دریایی ایالات متحده به صندوق امانی ایران مسترد شد. همین مسئله اجازه داد تا حمل قطعات یدکی و سایر اقلام بدون طبقه بندی آزاد شود. به محض آنکه دولت موقت ایران دستورات کافی برای حمل آنها را صادر کند، این اقلام آماده تحویل خواهند بود.

۵- (بدون طبقه بندی) ما هنوز بر این باوریم که به منظور درک بیشتر و بهتر، حضور یک تیم خریدهای خارجی ایرانی در ایالات متحده، بهتر از حضور یک تیم از ایالات متحده در ایران است. شما، با در نظر گرفتن پاسخ مثبت ایالات متحده نسبت به تقاضاهای خرید لوازم یدکی و ارسال آنها که برای طرف مقابل خشنود کننده است، باید تلاش خود را در تشویق اعزام یک تیم برای بازدید از ایالات متحده ادامه دهید.

۶- (بدون طبقه بندی) در کنفرانس ۲۲-۲۴ اوت، ادارات نظامی گزارش های مربوط به برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران را به سازمان مساعدت های امنیتی دفاعی و غیره ارایه خواهند داد. نمایندگان هیأت مستشاری نیز برای حضور در این کنفرانس دعوت شده اند و پیش بینی می شود با اطلاعات بیشتر و درک بهتری از برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران به این کشور بازگردند و بتوانند آنها را در اختیار مقامات ذیربط کشور قرار دهند.

ونس

اطلاعات مربوط به برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران و ملاقات [با ایرانیها]

ص: ۴۲۹

سند شماره ۱۷۳

محرمانه۳ اوت ۱۹۷۹– ۱۲ مرداد ۱۳۵۸

از: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سیبه: هیأت مستشاری نظامی، تهران

مرجع: الف– هیأت مستشاری ۱۸۱۰۴۲از – ژوییه ۱۹۷۹ و ملاقات هیأت ایرانی درباره برنامه خریدهای نظامی خارجی، ب– وزارت دفاع ۱۶۱۷۱۵از – ۱۶ ژوییه ۱۹۷۹، وضعیت موقت صندوق امانی و پیش بینی ها، پ– وزارت دفاع ۱۷۲۳۳۳از – ژوییه ۱۹۷۹، درخواست برای مدارک مربوط به برنامه های خریدهای نظامی خارجی

موضوع: اطلاعات مربوط به برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران و ملاقات [با ایرانیها]

۱– (بدون طبقه بندی) معتبرترین منابع موجود در ارتباط با اطلاعات تفصیلی تجدید ساختار برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران عبارتند از: گزارش های (ای.آر) ۱۱۳۵، صورتحساب هزینه ها، و صورت وضعیت حساب دارایی. آنها را در اسرع وقت برایتان ارسال می کنیم.

۲– (بدون طبقه بندی) در ارتباط با موارد مربوط به بند ۵ مرجع الف، خواهشمندیم مطالب زیر را به اطلاع مقامات ذیربط ایرانی برسانید:

الف– (بدون طبقه بندی) می توانید اطلاعات تفصیلی مربوط به تسویه های متقابل را با خواندن صورت وضعیت حساب دارایی که همراه با صورتحساب هزینه های ماه می ۱۹۷۹ برایتان ارسال شد، به دست آورید. یک صورت وضعیت دیگر برای حساب دارایی همراه با صورتحساب آتی هزینه ها در ماه اوت برایتان ارسال می گردد. مرکز امور مالی سازمان مساعدت های امنیتی صورت وضعیت جداگانه ای مربوط به ماه ژوئن و ژوییه ۱۹۷۹ برای حساب دارایی تهیه و در اسرع وقت برایتان ارسال خواهد کرد.

ب– (بدون طبقه بندی) ظاهراً روند حسابرسی از دست دولت موقت ایران خارج شده است، مثلاً لغو برخی درخواست ها از سوی معاون وزیر دفاع ملی ایران، به ویژه لغو قراردادهای مربوط به مهمات، شامل اقلامی می شود که مدتها پیش به ایران تحویل و استفاده شده است.

پ– (بدون طبقه بندی) خسارات مالی تقریبی ناشی از خاتمه قراردادها: بخشی از بسیاری از قراردادها ولی نه همه آنها، در جداول زمانبندی پرداخت های نامه های پیشنهاد و قبول و همچنین صورتحساب های سه ماهیانه بدون در نظر گرفتن ستونی جداگانه برای آنها و بدون محاسبه جداگانه در هزینه های صندوق امانی ملحوظ شدند.

۳– (بدون طبقه بندی) چنانچه دولت موقت ایران مایل به دریافت اطلاعات بیشتری باشد، باید آن را مشخصاً در تقاضای خود

ذکر کنـد تا ببینیم اطلاعات فوق را چگونه می توانیم ارایه کنیم. خواهشـمند است تمامی تلکس های مربوط به اطلاعات مالی و صندوق امانی برای AfAFC و مرکز امور مالی سازمان مساعدت های امنیتی نیز ارسال گردد.

۴- (بدون طبقه بندی) به محض دسترسی به اطلاعات مفید نظیر اطلاعات مربوط به صندوق امانی (مرجع ب)، مدارک مربوط به خریدهای نظامی خارجی (مرجع پ)، و فهرست لوازمی که ارسال آنها به حال تعلیق درآمده است (بوسیله نامه برایتان ارسال خواهیم کرد.)

۵- (محرمانه) اولین گزینه ما همچنان این است که تیمی از ایران برای بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی به آمریکا سفر کند. همچنان داریم خودمان را برای کنفرانس اواخر اوت آماده می کنیم. با وجود این، از پیشنهاد شما برای اعزام نمایندگان هیأت مستشاری برای کسب اطلاعات بیشتر در ایالات متحده استقبال می کنیم. پیشنهاد می کنیم نمایندگان فوق در کنفرانسی که قرار است برای بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران با حضور نمایندگان ادارات نظامی در روزهای ۲۲ تا ۲۴ اوت در پنتاگون برگزار شود، شرکت کنند. با توجه به مأموریت گردشی و مدت مأموریت آنها در ایران، ناخدا سوم شیرر، ناوسروان انگلمن، و استوار ریگان ظاهراً نامزدهای حائز شرایط برای حضور در کنفرانس پنتاگون و سپس دیدار از مرکز امور مالی سازمان مساعدت های امنیتی برای کسب اطلاعات درجه اول خواهند بود. در خاتمه این مأموریت، آنها می توانند با اطلاعات کامل و به روز شده از این کنفرانس، گزارش های (ای.آر) ۱۱۳۵، صورتحساب هزینه ها و صورت وضعیت حساب دارایی، و همچنین اطلاعات دیگری مربوط به ایران بازگردند.

وضعیت صندوق امانی موقت و پیش بینی ها

سند شماره ۱۷۴

محرمانه۳ اوت ۱۹۷۹- ۱۲ مرداد ۱۳۵۸

از: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سیبه: هیأت مستشاری نظامی، تهران

مرجع: الف- هیأت مستشاری نظامی ۲۳۰۹۰۲ز - ۲۳ ژوییه با موضوع بالا، ب- هیأت مستشاری نظامی ۲۱۰۹۰۵ز - ۲۱ ژوییه با موضوع بالا، پ- وزارت دفاع -۱۶۱۷۱۵ز - ۱۶ ژوییه با موضوع بالا، ت- هیأت مستشاری نظامی ۲۸۱۰۰۱ز - ۲۸ ژوئن ۷۹، موضوع صندوق امانی خریدهای نظامی خارجی ایران

موضوع: وضعیت صندوق امانی موقت و پیش بینی ها

۱- (بدون طبقه بندی) وضعیت صندوق امانی موقت و پیش بینی ها و گزارش ماه می ۱۹۷۹ سرهنگ پتی در مورد صندوق امانی بهترین برآوردها در زمان تهیه آن بود. اگرچه تغییرات عمده ای در بزرگی این برآوردها رخ نداده است، به موازات پیشرفت ما در فرایند تعیین تکلیف قراردادها و دستیابی به اطلاعات موثق تر، قراردادهای منفرد در فرایند پیچیده و طولانی لغو قراردادها، برنامه ریزی های مجدد، فروش اقلام به مشتریان دیگر، و مذاکره در مورد آنها تغییراتی را که در این برآوردها حاصل شده است منعکس خواهد کرد.

۲- (بـدون طبقه بنـدی) از اینکه به دلیل اشـتباه در درک صـحیح مرجع ت پاسـخ کامل به آن قدری به تأخیر افتاد، پوزش می طلبیم. اطلاعات لازم در بند ۴ قسمت «ر» همین تلکس آمده

است. سئوالات آتی خود را در مورد اطلاعات مربوط به صورتحساب های هزینه مستقیماً برای مرکز امور مالی آژانس مساعدت های امنیتی ارسال نمایید.

۳- (بدون طبقه بندی) مرجع پ را نباید در حکم اطلاعات تکمیلی تلقی کرد، زیرا تغییراتی که فقط در بودجه تکمیلی وزارت دفاع اعمال شد، اطلاعات را کاملاً تغییر داد. ردیف های مربوط به استرداد وجه به صندوق امانی (مرجع الف، بند ۵ و ۶) باید به ترتیب ۵۹ و ۱۱۲ میلیون دلار باشد.

۴- (بدون طبقه بندی) سایر اطلاعات اضافی به شرح زیر است:

الف- (بدون طبقه بندی) برنامه PEACE ZEBRA- تغییرات مثبت حاصل از فروش دارایی های اف-۱۶ به مشتریان دیگر در همان ابتدا در برآوردهای بعدی هزینه ملحوظ شد و بنابراین به برداشت کمتری از صندوق امانی نیاز دارد.

ب- (بدون طبقه بندی) برنامه PEACE ROLL- مشابه مورد بالا

پ- (بدون طبقه بندی) برنامه کشتی های CG-۹۹۳- این برنامه به منظور تفکیک هزینه های نیروی دریایی ایالات متحده و حساب های ایران بر اساس محورهای قیمت گذاری منصفانه اقلام سفارش این کشور جهت فروش آنها به نیروی دریایی در حال بررسی است. به موازات پیشرفت این بررسی ها، برآورد هزینه ها و میزان استرداد وجوه به صندوق امانی نیز اصلاح می شود. این بررسی ها شامل ۵۰۰ ردیف مجزای تعهد و نزدیک به ۵۰ قرارداد بزرگ است. تا زمانی که این تلاش به انجام برسد، برآوردهای خود را اصلاح خواهیم کرد و دلیل تغییراتی که در اعداد و ارقام مشاهده می کنید نیز همین است.

ت- (بدون طبقه بندی): اصلاح برآوردهای اولیه، علت افزایش مبالغ کنونی است. چنانکه در مرجع پ خاطر نشان شده است، هیچ بودجه تکمیلی به خرید موشک های هارپون اختصاص نیافته است و نیروی دریایی ایالات متحده در حال بررسی امکان فروش آنها به مشتریان دیگر و یا برنامه ریزی مجدد برای آنهاست.

ث- (بدون طبقه بندی) اژدرهای ام.کی-۴۶: با توجه به چشم انداز نه چندان خوبِ یافتن مشتریان بالقوه برای این اقلام، برآوردهای اولیه که قدری خوش بینانه بود کاهش پیدا کرده است. هنوز تکلیف نهایی اژدرها مشخص نشده است. از تاریخ ۲۴ ژوییه ۱۹۷۹، مبالغ واقعی که به صندوق مسترد شده است کلاً ۹/۱۴ میلیون دلار بوده و مبالغ بالقوه ای که احتمالاً مسترد خواهد شد ۴/۷ میلیون دلار برآورد می شود.

ج- (بدون طبقه بندی) موشک های اسپارو- اصلاح مبالغ اولیه ای که برآورد می شد به صندوق امانی ایران مسترد شود، همراه با محاسبه بهتر هزینه هایی که بر عهده ایران و خریدار جدید قرار دارد، موجب کاهش اعداد و ارقام مربوط به این مبالغ شده است.

چ- (محرمانه) ECM PODS- چنانچه برای همه این اقلام مشتری دیگری پیدا نشود، هنوز تصمیمی قطعی درباره مابقی آنها

گرفته نشده است.

ح- (بدون طبقه بندی): M۱۱۳ APC- مبلغ ۵/۰ میلیون دلاری که از صندوق امانی برداشت شده است بابت سیستم مربوط به موشک های تاو بوده و پیش بینی می کنیم که با فروش آن به یک مشتری دیگر، کل مبلغ به صندوق امانی مسترد شود.

خ- (بدون طبقه بندی) پشتیبانی هلیکوپترها (نیروی هوایی ارتش). افزایش مبالغ به دلیل پرداخت های زیر بود که از ۱ می تا ۲۰ ژوئن ۱۹۷۹ انجام شد:

ردیفقراردادشرح مبلغ به هزار دلار

CASE WAK(۱)

استرداد مبالغ بابت خدمات انجام نشده

ارایه خدمات آموزش زبان

هزینه های آماده سازی۱۱۳۷

۶۳۲

۶۲۰۲

CASE WAL(۲)

استرداد مبالغ بابت خدمات انجام نشده

ارایه خدمات آموزش زبان

هزینه های آماده سازی۷۵۲

۶۲

۴۰۳

CASE VZZ(۳)

استرداد مبالغ بابت خدمات انجام نشده

هزینه های آماده سازی۵۶۸

۴۹۱۵

(۴)CASE VCCاسترداد مبالغ بابت خدمات انجام نشده

قراردادهای فرعی

هزینه های آماده سازی۱۲

۷۱

۷۵۹۳

(۵)CASE VCB

استرداد مبالغ۵

(۶)هزینه های آماده سازی شامل هزینه جابجایی نفرات و وسایل، فوق العاده مأموریت و محل سکونت (که شامل محل امن موقت نیز بود) و تسویه

برخی مطالبات

د- (بدون طبقه بندی): هزینه و خسارت خاتمه همه قراردادهای مربوطه به محض خاتمه آنها ارایه خواهد شد. در بسیاری از موارد، تعیین هزینه و خسارت خاتمه قراردادها بعد از مذاکره با پیمانکاران انجام خواهد شد.

ذ- (بدون طبقه بندی): بند ۸ مرجع الف پاسخ سئوالات سرهنگ کامکار را داده است.

(۱) برنامه اف-۱۶ – CASE STA-STY

(الف) گزارش های نیروی هوایی از تاریخ ۶ ژوییه نشان می دهد که:

CASEبرآورد کل خسارات مالی

(بدون ملحوظ کردن هزینه های اداری)

STA-STY FRAME۰/۲۵ میلیون دلار

STB-STY SUPPORT۳/۵۹ میلیون دلار

(ب) بدهی هایی که در صورتحساب ماه مارس ۱۹۷۹ ارایه شد بر اساس اطلاعاتی بود که نیروی هوایی در آن زمان در دست داشت. حساب تجهیزاتی که به سایر منابع فروخته شد کاملاً اصلاح نشده بود، زیرا نیازهای سایر مشتریان کاملاً مشخص نبود.

(۲) قراردادهای مربوط به تیم TAFT (سال مالی ۱۹۷۹، AAJ, AAK, AAL, AAM, AAI, AAH)

(الف) پیش بینی مبالغ در صورتحساب ماه مارس ۱۹۷۹ با ملحوظ کردن نیازهای مالی احتمالی تا پایان ماه سپتامبر محاسبه شده بود، به شرح زیر است.

قراردادهای سال مالی ۱۹۷۹۳/۷۲ میلیون دلار

قراردادهای سال مالی ۱۹۷۸۳/۲۷ میلیون دلار

جمع کل۶/۹۹ میلیون دلار

(ب) از مبالغ پیش بینی شده فوق، هزینه های زیر در طول ماه ژوئن ۱۹۷۸ گزارش شده بود که در صورتحساب هزینه های ماه ژوئن ۱۹۷۹ منعکس خواهد شد.

قراردادهای سال مالی ۱۹۷۹۳/۴۷ میلیون دلار

قراردادهای سال مالی ۱۹۷۸۸/۷ میلیون دلار

(پ) هزینه تخلیه نفرات و اعضای خانواده هایشان که تحت پوشش این قراردادها بودند، بازگرداندن اثاثیه منزل آنها، و

مطالبات دیگری که مرتبط با آنهاست در هزینه های مربوط به این قراردادها گنجانده خواهد شد. تعیین مبلغ دقیق هزینه ها ممکن است چندین ماه به طول انجامد.

(۳) قرارداد پیمانکاران برای پشتیبانی هلیکوپترها و سایر خدمات (قراردادهای VZZ, WAK, WAL, WAG, ETC)

(الف) در صورت لزوم، مرکز امور مـالی مساعـدت هـای امنیتی می توانـد فهرست کـاملی از هزینه های متعلقه به این موارد را تهیه کنـد. فهرست فوق بـا قالب فهرست تفصیلی تحویل (FKA/B) تهیه خواهـد شد. این فهرست با ذکر شـماره انبار، شـماره قطعه، اگر لوازم تحویل شده باشد، خدمات انجام شده، و یا مشخصات مشابه در صورتی که هزینه ها بابت خدمات باشد، ارایه خواهد شد.

(ب) در صورت نیاز به نسـخه رونوشت، لطفاً مشـخصات قرارداد مورد نظر را برایمان ارسال کنید. این فهرست ها قبلًا به همراه صورتحساب های هزینه ارایه شده است.

(۴) موشک های فونیکس (ABS)

(الف) موشک های فوق تولیـد شده اند و هزینه آنها بر عهده ایران است. جدول زمانبندی پرداخت ها که در ماه آوریل ۱۹۷۹ از نیروی دریایی به دسـتمان رسـیده است، بـدهی نقـدی برابر ۷/۱۷۷ میلیون دلاـر را نشـان می دهـد. مرکز امور مـالی سازمان مساعـدت های امنیتی پرداخت هایی را که قبلًا انجام شـده بود بابت اقلام تحویل شده و پیشـرفت کار بعلاوه مبلغ اضافی پیش بینی شده برای برداشت از صندوق امانی تا پایان ماه سپتامبر ۱۹۷۹ محاسبه کرده است، که مبلغی برابر با ۷/۱۷۷ میلیون دلار را شامل می شود. به منظور پوشش دادن این بدهی ها، مبلغ ۵/۴۱ میلیون دلار از حساب دارایی XFT برداشت شده است.

(ب) جـدول زمانبنـدی اصـلاح شـده ای در ارتباط با پرداخت ها، از تاریـخ ۹ ژوییه ۱۹۷۹، به دست مرکز امور مـالی سازمـان مساعدت های امنیتی رسـیده است که ظاهراً نشان می دهد برآوردهای پیشین بسیار بالا بوده است. پس از محاسبه نهایی هزینه هـا در صورتحسـاب مـاه ژوئن، وجوه اضافی در این ارتباط به حساب دارایی XFT مسترد شده و در صورت وضـعیت حساب فوق منعکس خواهد شد. همین رویه درباره موارد دیگر نیز اجرا خواهد شد.

(۵) گزارش وجوهی که انتقال یافته است.

(الف):

قراردادارزش به دلارارزش تحویل های گزارش شدهتوضیحات

VHU۲۳۸۶۹۳۴۴۸۹۸۷مبالغ منتقل شده از حساب XFT برای تسویه تحویل ها

CSF۳۹۲۶۲۹۸۵۵۸۲۷۵۶مبالغ منتقل شده از حساب XFT برای تسویه تحویل ها

TZE۱۰۰۴۴۱۱۹۲۲۹۳مبالغ منتقل شده از حساب XFT برای تسویه تحویل ها

(ب) CASE CSF: ارتش ایالات متحده بار دیگر صحت مبلغ گزارش شده بابت اقلام تحویلی را تأیید می کند. این قرارداد به مدت ۴ ماه (مارس تا ژوییه ۱۹۷۶) جهت درخواست لوازم اضافی تمدید شده بود.

(پ) CASE TZE: ارتش ایالات متحده بار دیگر صحت مبلغ گزارش شده بابت اقلام تحویلی را تأیید می کند. این قرارداد در حال خاتمه یافتن است.

(ت) CASE VHU: در ارتباط با این قرارداد، هزینه تحویل یکی از اقلام اشتباهاً دو بار قید شده بود که ارتش آمریکا در حال اصلاح این مورد است. پس از اصلاح این مورد از سوی مرکز امور مالی سازمان مساعدت های امنیتی، وجوه اضافی به حساب دارایی بازگردانده خواهد شد. مبلغ صحیح ارزش اقلام تحویل شده برابر است با ۰۰/۲۱۴۵۹۴ دلار.

(۶) CASE WFA

(الف) مرکز امور مالی سازمان مساعدت های امنیتی دستوری مبنی بر لغو این قرارداد دریافت نکرده بود. این دستور هم اینک تأیید شده و قرارداد مذکور در صورتحساب آتی هزینه منظور نخواهد شد. مبلغ ۶۰۸۰۴۴ دلاری که بابت این قرارداد از سوی ایران پرداخت شده بود، در تاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۷۹ دریافت شده و مبلغ مذکور تا شروع اجرای قرارداد در صندوق دارایی XFT نگهداری می شد. این مبلغ به حساب XFT مسترد خواهد شد.

(۷) هزینه های لغو قراردادها- این هزینه ها در ستون شماره ۱۱ فرم DD ۶۴۵، «صورتحساب هزینه ها» گنجانیده شده است. صورتحساب هزینه ها باید منعکس کننده بهترین برآورد ما از مبلغ کل مورد نیازی باشد که باید از سوی ایران برای خاتمه قراردادهای خریدهای نظامی خارجی پرداخت شود. ملحوظ نکردن برخی مبالغ، تصویر غلطی ارایه خواهد داد و ممکن است این تصور را در ذهن مشتری القا کند که از این هزینه ها صرف نظر شده است.

پشتیبانی قطعات یدکی

سند شماره ۱۷۵

فقط برای استفاده اداری۴ اوت ۱۹۷۹- ۱۳ مرداد ۱۳۵۸

از: نماینده ارشد دفاعی آمریکا، سرهنگ رونالد آر. دیویس

به: معاون وزیر دفاع ملی ایران در امور تسلیحاتی، سرهنگ کامکار

موضوع: پشتیبانی قطعات یدکی

۱- خشنودم به اطلاع حضرتعالی برسانم که دولت ایالات متحده آماده ازسرگیری برنامه پشتیبانی قطعات یدکی برای ارتش

ایران و تصویبِ نامه های پیشنهاد جدید و یا ادامه قراردادهای قبلی برای قطعات غیرحساس است. به سبب آنکه آینده صندوق امانی هنوز بلاتکلیف است، خریدها باید لزوماً به شیوه پیش پرداخت نقدی انجام شود.

۲- دولت ایالات متحده حاضر است به محض دریافت مبلغ پیش پرداخت درخواست های

ایران را در قبال وجه ۵/۵ میلیون دلاری که قبلاً برای پشتیبانی نیروی هوایی در مورد آن بحث شده بود، بپذیرد. می توان قراردادهای مشابهی نیز برای نیروی دریایی، نیروی زمینی، و هواپیمایی ارتش ترتیب داد. سقف فروش محدود و ثابت نیست و می توان بر اساس توافق متقابل آن را تغییر داد. حمل لوازم یدکی به محض تهیه لوازم و یا تجمیع آنها پس از دریافت تقاضای ایران ممکن خواهد بود. باید به ما اطلاع بدهید که قطعات یدکی را به کدام شرکت حمل و نقل تحویل دهیم.

۳- همچنین مایلیم به اطلاع حضرتعالی برسانیم که رئیس جمهور ایالات متحده لایحه تخصیص بودجه تکمیلی را تصویب کرده و نیروی دریایی ایالات متحده وجوهی بابت خرید کشتی های اسپراونس به صندوق امانی مسترد ساخته است. بنابراین، دولت ایالات متحده حمل اقلام غیرحساس موضوع خریدهای نظامی خارجی ایران را که مجوز آنها صادر شده بود از حالت تعلیق خارج کرده است. ما فهرست لوازم موجود برای حمل را درخواست کرده ایم که احتمالاً تا یک هفته دیگر به دستمان خواهد رسید. در این ارتباط نیز به دستور حمل شما نیاز داریم.

۴- دولت ما مایل است پاسخگوی نیازهای شما باشد. در حال حاضر، سخت تلاش می کنیم تا به سئوالات شما پاسخ گوییم و تا آنجا که امکان داشته باشد درباره وضعیت برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران اطلاعات در اختیارتان بگذاریم. متأسفانه به دلیل اینکه در واشنگتن مشغول تجدید ساختار برنامه فوق هستیم، پاسخگویی به برخی موارد زمان بسیار زیادی لازم دارد. نهایت تلاش خود را مبذول می داریم تا درخواست شما را اجابت کنیم.

۵- کارمندان من اطلاعات فوق را به قسمت پشتیبانی خدمات ارایه داده اند.

ارادتمند

رونالد آر. دیویس

سرهنگ نیروی هوایی آمریکا، نماینده دفاعی آمریکا

هیأت اعزامی پن ام به تهران

سند شماره ۱۷۶

محرمانه۶ اوت ۱۹۷۹- ۱۵ مرداد ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

موضوع: هیأت اعزامی پن ام به تهران

۱- (محرمانه- تمام متن)

۲- مـا در جریـان نتایـج ملاقات مورخ ۱ اوت نماینـده منطقـه ای پن ام، رنـدن، و افسـران لجستیـک نیروی هـوایی ایران که به درخواست رنـدن توسط هیأت مسـتشاری نظامی در ایران ترتیب داده شـده بود، قرار گرفته ایم. رنـدن می گوید در جریان این ملاقـات به افسـران نیروی هوایی (و نه فرمانـده لجستیک، تیمسار صـفری، که در مرخصـی است) توضـیح داده است که پن ام بسیار نگران عدم توانایی اش برای وصول مطالبات در چارچوب قراردادهای موجود

است. در پاسخ، سخنگوی نیروی هوایی اظهار تعجب کرده و گفته است که اعتبارنامه ای در نیویورک موجود است که «دفتر مرکزی پن ام می داند چگونه باید از آن وجه وصول کند.» رندن سعی کرده بود مراحل انتقال پول را به آنها توضیح دهد ولی موفق نشده بود، زیرا افسران نیروی هوایی (و از نظر ما رندن) اطلاعات کافی درباره مکانیسم انتقال وجه نداشتند. چنانکه پن ام می داند، اعتبار نامه های مربوطه در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۸ باطل شده اند.

۳- افسران نیروی هوایی نیز به نوبه خود در ارتباط با «۱۲۷۱ قطعه ای» که از سوی نیروی هوایی برای تعمیر به پن ام فرستاده شده بود، بر رندن فشار آورده بودند. آنها گفتند قبلاً در ارتباط با وضعیت تعمیر قطعه ها یک فهرست کامپیوتری دریافت می کردند، ولی شش ماه است که چنین فهرستی برای آنها ارسال نشده است. اخیراً نیروی هوایی ایران «فهرست ۱۲۷۱ قطعه» را به وزارت امور خارجه ایران تسلیم کرده بود که وزارتخانه مزبور نیز در خلال گفتگوها با کاردار سفارت درباره مسایل دیگر، این فهرست را به او تحویل داده بود. افسر هیأت مستشاری با موافقت رندن داوطلب شد که در طول هفته ۶ اوت آن را به مسئولان پن ام در نیویورک تسلیم کند. (جهت اطلاع، ما بر این عقیده ایم که رندن باید فهرست مزبور را از کانال های تجاری معمول برای پن ام ارسال می کرد؛ تحویل از طریق هیأت مستشاری به هیچوجه به معنای تأیید موضع نیروی هوایی ایران در ارتباط با تعهدات پن ام نیست و فقط جهت تسریع در ارتباطات صورت می گیرد).

۴- نظرات گزارشگر: از گفتگوهای کنسول اقتصادی با مسئولان پن ام در نیویورک در اواسط ژوییه اینگونه فهمیده ایم که الف) آنها مایلند هر چه زودتر «بر سر تسویه قراردادهای قبلی و شروع قراردادهای جدید» مذاکره کنند و ب) نگران پرداخت های معوق هستند. رندن می گوید پن ام مایل است مذاکراتی بر سر ایبکس و قراردادهای تعمیر و نگهداری موتورها و همچنین تسویه حساب ها در نیویورک شروع کند. نیروی هوایی ایران نیز دقیقاً به همان دلایلی که پن ام خواستار دیدار نیویورک است، از آن طفره می رود. این مسئله بسیار پیچیده است و هر دو طرف یک تیم بزرگ را با «متخصص دم دست» لازم می دانند که مدام در رفت و آمد باشد. با وجود این، باید تأکید کنیم که هیچیک از مقامات دولت موقت، هر قدر هم که در کارش استاد باشد، این روزها نمی تواند تصمیم بزرگی بگیرد تا مردم فکر نکنند که دارد گول می خورد. فکر می کنیم اگر پن ام به تهران بیاید، منافعش بهتر تأمین خواهد شد.

۵- درخواست اقدام: مسئول میز خاور نزدیک- ایران با معاون پن ام، جیمز دی. لیت، در نیویورک تماس بگیرد تا با توجه به مطالب فوق این توصیه سفارت را به اطلاع او برساند که تیم ذیصلاحیتی برای گفتگو بر سر آینده قراردادهای موجود و مشکلات مالی در اولین فرصت به تهران اعزام کند. سفارت حاضر است در ترتیب دادن ملاقات هایی با صفری (که خیلی زود از مرخصی باز خواهد گشت) و مسئولان دولت موقت در وقت مقتضی به رندن کمک کند. لطفاً نظر خود را اعلام فرمایید. لینگن

نیروی دریایی اسلامی ایران- گزارش آخرین وضعیت

سند شماره ۱۷۷

محرمانه۷ اوت ۱۹۷۹- ۱۶ مرداد ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهرانبه: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

مرجع: الف- وزارت دفـاع ۲۷۲۳۲۲ز - ۲۷ ژوییه بـا موضوع پشتیبـانی قطعات یـدکی برای نیروی دریایی اسـلامی ایران، ب- ۲۳۲۲۵۷ CNCز - ۲۳ ژوییه - با موضوع لجستیک ایران و دفاتر تدارکات فنی در ایالات متحده

موضوع: نیروی دریایی اسلامی ایران- گزارش آخرین وضعیت

۱- (محرمانه) مرجع (الف) درباره از سر گیری پشتیبانی قطعات قابل تعمیر برای ایران است. مرجع (ب) گزارشی است از ادامه فعالیت دفاتر تدارکات فنی و پشتیبانی نمایندگان نیروی دریایی ایران در ایالات متحده

۲- (محرمانه) ناخـدا سوم هیگبی و ناوسـروان انگلمن صـبح روز ۳۰ ژوییه ۱۹۷۹ با نماینـدگان بخش لجستیک نیروی دریایی اسـلامی ایران ملاقات کردند. نامه هایی که شـرایط لازم برای مرجع های (الف) و (ب) را توضیح می داد به نمایندگان نیروی دریایی تسـلیم شـد. اگرچه طبق برنامه قرار بود ناخـدا افضـلی (رئیس بخش لجستیک نیروی دریایی اسـلامی ایران) نیز در این جلسه شرکت کند، ایشان در این جلسه حضور نداشت. به دلیل عدم حضور او، جلسه خیلی کوتاه و مختصر بود. پیش بینی می کنیم به محض اینکه افضلی فرصت بحث و بررسی نامه ها را پیدا کند، گفتگوهای بیشتری در پیش باشد.

۳- (بدون طبقه بندی) نمایندگان نیروی دریایی ایران اظهار داشـتند که قراردادهای جدید (منظور همان بودجه جدید) باید از سوی وزارت امور خارجه به تصویب برسد. به همین دلیل، آنها اعتقاد داشـتند که نمی توانند از قراردادهای موجود برای از سر گیری برنامه پشتیبانی استفاده کنند. آنها پیش بینی می کنند که به سه قرارداد جدید نیاز داشته باشند: یکی برای قطعات یدکی کشتی هـا، یکی برای قطعات یـدکی کارگاه کشتی سازی و یکی هم برای قطعات یـدکی هواپیماها. به آنها متـذکر شـدیم که پیش از شـروع فراینـد تهیه نـامه های جدیـد پیشـنهاد و قبول آنها بایـد درخواست رسـمی خود را برای قراردادهای جدیـد کتباً تسلیم کنند. علاوه بر این، به آنها توضیح دادیم که اجرای قراردادهای جدید می تواند از سرگیری برنامه پشتیبانی را حداقل به مدت ۶۰ روز به تعویق بیندازد (ر.ک. بند ۶).

۴- (بـدون طبقه بندی) نمایندگان نیروی دریایی ایران در ارتباط با ارسال قریب الوقوع محموله های تعلیق شده اظهار داشـتند که همچنان شرکت کشتی رانی ملی آریا وظیفه حمل و نقل چنین محموله هایی را از سوی آنها دارد.

۵- (بدون طبقه بندی) نمایندگان نیروی دریایی ایران پرسیدند آیا امکان افتتاح یک حساب بانکی در ایالات متحده که مرکز امور مـالی مساعـدت های امنیتی بتوانـد در صورت لزوم از آن برداشت کنـد، وجود دارد. گفتیم افتتاح یک حساب در ایالات متحده که ناخدا سوم صبوری

بتواند از آن وجوهی را به مرکز امور مالی مساعدت های امنیتی انتقال دهد ترجیح دارد.

۶- (محرمانه) بعد از ظهر روز ۳۰ ژوییه، سرهنگ دیویس (رئیس ستاد هیأت مستشاری نظامی) به همراه ناخدا سوم هیگبی و ناوسروان انگلمن به ملاقات دریادار علوی (جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی) رفتند. رونوشت نامه هایی که همان روز به فرماندهی لجستیک نیروی دریایی تسلیم شده بود، در اختیار علوی قرار گرفت. او از شنیدن خبر از سرگیری پشتیبانی تدارکات و حمل قریب الوقوع اقلام محموله های تعلیق شده ابراز خشنودی کرد. علوی اظهار داشت دولت موقت ایران هنوز تصمیم نگرفته است که آیا ایران اصلاً باید نیروی دریایی داشته باشد یا خیر و اینکه چگونه باید نیروی دریایی فعلی را پشتیبانی کرد. با اشاره به اینکه ظاهراً ریاست بخش لجستیک مایل است به جای ادامه قراردادهای موجود برای شروع پشتیبانی قطعات یدکی، قراردادهای جدیدی منعقد کند، اظهار داشتیم که شاید در سیاست وزارت امور خارجه در قبال تأمین مالی خریدهای نظامی خارجی سوءبرداشتی ایجاد شده باشد. به علوی تأکید کردیم که می توان از همین قراردادهای موجود نیز استفاده کرد، و اینکه استفاده از قراردادهای فعلی در واقع تنها راه موجود برای تأمین نیازمندی های دارای اولویت در آینده نزدیک خواهد بود.

مورد هلیکوپترهای RH۵۳D را به عنوان نمونه ای از سیستم های نیروی دریایی مثال زدیم که ممکن است به پشتیبانی اضطراری نیاز داشته باشد. علوی اذعان داشت که با هلیکوپترهای RH۵۳D قدری مشکل دارند، ولی هنوز با AB-۲۱۲ و AB-۲۱۴ پرواز می کنند. از این گفته علوی چنین برداشت می کنیم که هلیکوپترهای RH۵۳D قابل پرواز نیستند.

۷- (محرمانه) سرهنگ دیویس به علوی گفت که هیأت مستشاری نظامی در واقع در ساختار کاری سفارت آمریکا ادغام شده است. [ادامه سند یافت نشد]

وزارت امور خارجه ایران– پشتیبانی نظامی (بدون طبقه بندی)

سند شماره ۱۷۸

محرمانه۸ اوت ۱۹۷۹ — ۱۷مرداد ۱۳۵۸

از: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سیبه: سفارت آمریکا، تهران

مرجع: الف- مستشاری نظامی ۰۲۱۲۳۰ز - ۲ اوت ۱۹۷۹ - موضوع فوق، ب- وزارت دفاع ۱۹۰۰۲۸ز - ۱۹ آوریل ۱۹۷۹ - موضوع قراردادهای خریدهای نظامی خارجی، پ- وزارت دفاع ۱۴۲۱۲۸ز - ۱۴ آوریل ۱۹۷۹ - موضوع آر.اف-۴ ای برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران، ت- وزارت دفاع ۱۶۰۰۲۵ز - ۱۶ می ۱۹۷۹ - موضوع درخواست برای هواپیماهای آر.اف-۴ ای، ث- وزارت دفاع ۲۷۲۳۲۲ز - ۲۷ ژوییه ۱۹۷۹ - موضوع پشتیبانی قطعات یدکی برای ایران

موضوع: وزارت امور خارجه ایران- پشتیبانی نظامی (بدون طبقه بندی)

۱- (بدون طبقه بندی) اطلاعات زیر در پاسخ به بند ۵ مرجع الف ارسال می گردد:

الف- (بدون طبقه بندی) لوله های توپ ۱۷۵ م.م.: همه ۳۰ لوله توپ ۱۷۵ م.م. موضوع قرارداد IR-VNR پیش از این به ۲۸۵/۱۹۷۷ حمل شده اند. با وجود این، یک لوله توپ ۱۷۵ م.م. موضوع قرارداد IR-VLN هنوز موجود است و تعداد ۱۲ قبضه توپ کامل نیز (BREACH and TUBE) موضوع قرارداد IR-UZM در حال بهسازی بودند که با توجه به بلاتکلیفی وضعیت ایران به حالت تعلیق درآمدند.

ب- (بدون طبقه بندی) خودروهای ام-۱۵۱ و ام-۱۵۱-ای-۲: چنانکه در مرجع ب آمده است، همه این خودروها به ایران حمل شده و دیگر هیچ خودرویی نیست که آماده حمل باشد.

پ- (بدون طبقه بندی) تجهیزات CBR: تمام تجهیزاتی که امکان حمل دارد، به همراه پوششهای محافظتی و تجهیزات پاک کننده ارسال خواهد شد.

ت- جیپ های ام-۸۲۵: همه این جیپ ها به مشتریان دیگر فروخته شده و مبالغ آنها نیز دارد به صندوق امانی ایران واریز می شود (۳۰۰ هزار دلار واریز شده و ۲۰۰ هزار دلار دیگر نیز واریز خواهد شد).

ث- (بدون طبقه بندی) هواپیماهای آر.اف-۴ ای: برای پاسخ کامل به مرجع پ و ت مراجعه کنید. نظر وزارت امور خارجه ایران را به نامه آژانس مساعدت های امنیتی دفاعی که خطاب به معاون وزارت دفاع ملی ایران نوشته و در مرجع ت آمده است، جلب کنید.

ج- موشک های هارپون: نیروی دریایی ایالات متحده هنوز در حال بررسی راههای ممکن برای فروش این موشک ها به مشتریان دیگر و استرداد نهایی وجوه حاصل از آن به صندوق امانی است. وضعیت فعلی به شرح زیر است:

(۱) احتمال بسیار قوی فروش ۱۰۰ موشک هارپون به یک مشتری دیگر برای تحویل در سال مالی ۱۹۸۳ و استرداد وجوه آن به صندوق امانی.

(۲) نیروی دریایی ایالات متحده پیشنهاد داده است که بودجه سال مالی ۱۹۸۰ برای نزدیک به ۱۰۵ موشک هارپون مورد تجدید نظر قرار گیرد. ترجیح ما این است که قرارداد با استفاده از وجوه صندوق امانی ایران ادامه یابد؛ و وزارت دفاع برای تصویب اصلاحیه بودجه نیروی دریایی و همچنین تصویب آن در کنگره فشار بیاورد. صدو پنج موشک اول به نیروی دریایی ایالات متحده تحویل خواهد شد. می توانید به دولت موقت ایران اطلاع دهید که باقیمانده سفارش نیز تولید خواهد شد، ولی در حال حاضر نمی توانیم تجهیزات طبقه بندی شده را تحویل دهیم. به اعتقاد ما، چنانچه موشک های هارپون به ایران تحویل نشود، می توان آنها را نهایتاً به مشتری دیگری فروخت و وجوه حاصله را به صندوق امانی ایران مسترد ساخت. تصمیم مثبت برای ارسال موشک های هارپون به ایران تا زمانی که مناسب بودن وضعیت امنیتی این کشور برای سیستم طبقه بندی شده مزبور تأیید نشود، اتخاذ نخواهد شد.

چ- (محرمانه) قایق های ۶-LCM: برای اطلاع شما، پیش از آنکه از علاقه جدید ایران به این

سیستم اطلاع یابیم، خرید قایق های فوق را به رئیس بخش عملیاتی نیروی دریایی عربستان سعودی پیشنهاد دادیم که آنها نیز پیشنهاد ما را قبول کردند، و حالا دیگر نمی توانیم پیشنهاد خود را پس بگیریم. فروش قایق های فوق به سعودی ها در حال انجام است.

ح- (محرمانه) لوازم و قطعات یدکی برای تجهیزات موجود: به مرجع ث مراجعه کنید. حمل محموله ها به محض دریافت دستور حمل از سوی دولت موقت ایران صورت خواهد گرفت. محموله ها شامل کلیه لوازم بدون طبقه بندی است که تولید شده، تهیه شده و یا به موجب قراردادهای موجود در حال تولید است، و همچنین شامل لوازم بدون طبقه بندی خواهد بود که در چارچوب ترتیبات جدید پیش پرداخت نقدی تقاضا شده است. با وجود این موارد ۵، ۷، ۸، ۹ و ۱۲ که در یادداشت وزارت امور خارجه آمده است نیاز به توضیح دارد، موجب امتنان خواهد بود که ایران نظرش را در مورد این اقلام واضح تر بیان کند. برای اطلاع شما، به نظر می رسد که نمی توان باقیمانده برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران را به نحوی اصلاح کرد که تقاضای به این بزرگی در آن جای گیرد (مثلاً- هیچ قرارداد مفتوحی برای بهسازی هواپیماهای اف-۴ و سی-۱۳۰ وجود ندارد.

خ- (بدون طبقه بندی) نمی توانیم درخواست اجرای مجدد قراردادها یا موارد لغو شده را بپذیریم. این نوع درخواست ها باید در چارچوب ترتیبات پیش پرداخت نقدی جدید مطرح شوند.

۲- (بدون طبقه بندی) پس از آنکه درخواست واضح تر و یا توضیحات ایران را در مورد برنامه آموزش و پشتیبانی دریافت کردیم، ظرفیت ایالات متحده را برای تعمیر و نگهداری آماد و پشتیبانی فنی و یا آموزش مورد بررسی قرار خواهیم داد. ایرانی ها از همان اول باید بدانند که باید یک نامه پیشنهاد و قبول جدید از ما درخواست کنند.

۳- (محرمانه) ما همچنین معتقدیم که در اعتراض دولت موقت ایران تناقض هایی وجود دارد، زیرا آنها مدعی اند که چرا دولت ایالات متحده بابت قراردادهای چهار کشتی (اسپراونس) از صندوق امانی وجوهی هزینه کرده است، ولی در مورد هواپیماهای آر.اف-۴ ای این اتفاق نیفتاده است.

در ارتباط با چهار کشتی فوق، وجوهی که هزینه شد اجازه می داد مبالغ بیشتری از مشتری بالقوه به صندوق بازگردد، ولی در ارتباط با هواپیماهای آر.اف-۴ ای که پیش بینی نمی شد مشتری پیدا کند، دولت ایالات متحده با لغو قرارداد بلافاصله از صرف هزینه های بیشتر جلوگیری کرد.

در این ارتباط هیچ نیازی به عذرخواهی نمی بینیم. زمانی که این تصمیم اتخاذ می شد، عملاً امکان ارتباط با نمایندگان نظامی (یا سیاسی) ایران وجود نداشت. توصیه می کنیم این نکته را، که در مرجع ت (و مجدداً در گزارش سرهنگ پتی) آمده است، بار دیگر به آنها گوشزد کنید. چنانچه زمانی که دست به خاتمه برخی قراردادها و فروش اقلام آن به مشتریان دیگر زدیم این

اقدام را انجام نمی دادیم، هیچ گزینه دیگری به جز خاتمه کل برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران برایمان باقی نمی ماند.

این مسئله نه فقط ایران را از تجهیزات مورد تقاضایش محروم می ساخت، بلکه به احتمال قوی کل موجودی صندوق امانی را خالی می کرد و بدهی سنگینی بابت عدم اجرای تعهداتشان در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی بر روی دستشان می گذاشت.

۴- (بدون طبقه بندی) به سبب تغییر و تحول در نفرات سفارت، شاید برخی مرجع های فوق برایتان آشنا نباشد. به هر حال، در صورت نیاز بار دیگر مرجع های فوق را برایتان ارسال خواهیم کرد.

۵- (بدون طبقه بندی) وزارت امور خارجه نیز با این امر موافقت دارد

اقلام طبقه بندی شده در برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران

سند شماره ۱۷۹

محرمانه ۱۰ اوت ۱۹۷۹ — ۱۹ مرداد ۱۳۵۸

از: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سیبه: RUSNAA ، واشنگتن دی.سی

مرجع: الف- جلسه مرور سیاست های آمریکا در قبال ایران - ۹ اوت ۱۹۷۹، ب- هیأت مستشاری ۲۶۰۳۱۹ز - ۲۶ ژوییه ۱۹۷۹، درباره محموله های در حال تعلیق برای ایران

موضوع: اقلام طبقه بندی شده در برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران

۱- (محرمانه) این تلکس در تأیید دستور شفاهی به سازمان مساعدت های امنیتی دفاعی در طول جلسه مرجع الف، ارسال می گردد. علاوه بر اطلاعاتی که در مرجع ب درخواست شده بود، برای بررسی سیاست ها و اجرای آنها، به فهرستی به روز شده از تمامی اقلام طبقه بندی شده ایالات متحده در موجودی انبار ایران و اقلام مربوط به باقیمانده برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران نیازمندیم، نظیر آنچه ممکن است در قراردادهای مفتوح و یا محموله های تعلیق شده باشد.

۲- (محرمانه) فهرست مزبور باید شامل موارد زیر باشد: تعداد اقلام عمده، دستگاه یا سیستمی که نهایتاً یک قلم برای پشتیبانی آن به کار می رود یا بخشی از آن است، تأثیر آن بر سطح عملیاتی یا تعمیر و نگهداری دستگاه یا سیستم نهایی اگر قلم مزبور تحویل نشود، محل (ایران، آمریکا-در انبار، در قرارداد، غیره) و توصیه برای رفع تعلیق و یا لغو.

۳- (محرمانه) سایر اقلام حساس نظیر مهمات، کلاهک های جنگی، و موشك ها ممکن است جزوه اقلام طبقه بندی نبوده ولی حساس شناخته شده باشند. چنین اقلامی که جزو اقلام مربوط به باقیمانده برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران هستند

باید جداگانه فهرست شوند (فقط مهمات فوق با کالیبر ۲ م.م.)، ولی به همراه اطلاعات ذکر شده در بند ۲ همین تلکس.

۴- (بـدون طبقه بنـدی) درخواست می شود فهرست مزبور را تا تاریخ ۱۶ اوت ۱۹۷۹ به سازمان مساعـدت های امنیتی دفاعی ارسال کنید.

بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی، صندوق امانی ایران

سند شماره ۱۸۰

بدون طبقه بندی ۱۰ اوت ۱۹۷۹ — ۱۹ مرداد ۱۳۵۸

از: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سیبه: هیأت مستشاری نظامی، تهران

مرجع: الف- هیأت مستشاری ۳۰۰۹۰۶ز - ۳۰ ژوییه ۱۹۷۹ - موضوع بالاـ ب- وزارت دفاع ۲۳۲۰۵۶ز - اوت ۱۹۷۹ - اطلاعات درباره برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران و دیدار شما، پ- وزارت دفاع ۰۳۲۱۴۴ز - ۳ اوت ۱۹۷۹ - درباره صندوق امانی ایران، قطعات یدکی برای نیروی های مسلح ایران، ت- وزارت دفاع ۱۷۲۳۳۳ز - ۱۷ ژوییه ۱۹۷۹ - درباره درخواست برای اسناد مربوط به خریدهای نظامی خارجی، ث- وزارت دفاع ۰۳۲۰۴۳ز - ۳ اوت ۱۹۷۹ - درباره وضعیت موقت صندوق امانی و پیش بینی ها، ج- وزارت دفاع ۳۰۲۲۴۰ز - ۳۰ ژوییه ۱۹۷۹ - درخواست برای لغو

موضوع: بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی، صندوق امانی ایران

۱- همچنان ترجیح می دهیم که یک تیم ایرانی برای بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران که در یادداشت تفاهم مورخ۳ فوریه ۱۹۷۹ پیش بینی شده است، به ایالات متحده سفر کند. با توصیه شما به دولت ایران موافقیم که بررسی ها نباید زودتر از اواخر اوت صورت گیرد تا بتوان از گزارش حسابداری خریدهای نظامی خارجی استفاده کرد و ایران را قادر ساخت تا اطلاعات ارایه شده در مرجع های بالا را هضم کند.

۲- می توانید تأیید کتبی موافقت ما با تمدید تاریخ بررسی ها را به دولت ایران تسلیم کنید.

۳- مرجع الف بند ۴، حدس می زنیم که منظور شما صورتحساب حساب دارایی ماه ژوئن باشد، این صورتحساب از سوی مرکز امور مالی در حدود ۳۱ ژوییه برایتان پست شد. مرجع پ شامل پاسخ هایی به سئوالات باقیمانده هیأت مستشاری نظامی بود که در تلکس شماره ۲۸۱۰۰۱ز مورخ ۲۸ ژوئن ۷۹ در مورد برنامه خریدهای نظامی خارجی و صندوق امانی ایران مطرح شده بود.

قراردادهای مربوط به برنامه خریدهای نظامی خارجی

سند شماره ۱۸۱

محرمانه۱۲ اوت ۱۹۷۹- ۲۱ مرداد ۱۳۵۸

از: نماینده ارشد دفاعی، سفارت آمریکا، تهران- سرهنگ دیویس

به: معاون وزارت دفاع ملی ایران- سرهنگ کامکار

مرجع: الف- یادداشت وزارت امور خارجه ایران ۱۸/۳۴۶۲ - ۲۳ ژوییه ۱۹۷۹، ب- نامه نماینده ارشد دفاعی - ۲۴ آوریل ۱۹۷۹- با موضوع قراردادهای مربوط به برنامه خریدهای نظامی خارجی، پ- نامه نماینده ارشد دفاعی - ۲ ژوئن ۱۹۷۹ - موضوع قراردادهای WAP و WCI خریدهای نظامی خارجی

موضوع: قراردادهای مربوط به برنامه خریدهای نظامی خارجی

اطلاعات زیر می تواند شما را در آمادگی برای جلسه روز ۱۴ اوت با وزیران دفاع ملی و

امور خارجه، و مقامات سفارت آمریکا و هیأت مستشاری نظامی که در آن مسئله پشتیبانی نظامی (مرجع الف) مورد بحث قرار خواهد گرفت، یاری دهد. قبلاً اطلاعاتی نیز در نامه های موضوع مرجع ب و پ برایتان ارسال شده بود.

۱- ۳۰ لوله یدکی توپ ۱۷۵ میلی متری: در مرجع ب خاطر نشان شده بود که ارسال لوله های یدکی فوق به حالت تعلیق درآمده است. بررسی های بیشتر وزارت دفاع آمریکا نشان داد که هر ۳۰ لوله یدکی توپ ۱۷۵ میلی متری (موضوع قرارداد VNR) پیش از تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۷۷ حمل شده اند.

با وجود این، یک لوله یدکی توپ ۱۷۵ میلی متری (موضوع قرارداد VLN) نگه داشته شده بود که هم اینک آماده حمل است. ۱۲ قبضه توپ کامل (موضوع قرارداد UZM) نیز در حال بازسازی بود که این کار تا روشن شدن وضعیت در آینده متوقف شده است.

۲- خودروهای نظامی ام-۱۵۱ و ام-۱۵۱-ای-۲: همه خودروهای سفارش شده به ایران تحویل شده اند.

۳- تجهیزات ش.م.ر: کلیه تجهیزاتی که مجوز آنها صادر شده است به ایران حمل خواهند شد، که عمدتاً شامل لباس های ایمنی و اقلامی برای رفع آلودگی ها هستند.

۴- ۹۹ دستگاه جیپ: قرارداد ۹۹ جیپ ام-۸۲۵ باقیمانده به موجب یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ لغو و به مشتریان دیگری فروخته شد. از بابت فروش این خودروها مبلغ ۲۷۵۰۰۰ دلار به صندوق امانی مسترد شد و مبلغ ۲۴۸۰۰۰ دلار دیگر نیز که بابت کامیون ها هزینه شده بود، به صندوق مسترد خواهد شد. در حال حاضر هیچ خودروی ام-۸۲۵ دیگری برای تحویل به ایران نیست، با وجود این، دولت ایالات متحده جهت تأمین نیازهای دولت موقت ایران یک نامه پیشنهاد و قبول دیگر را مد نظر قرار خواهد داد. قیمت تقریبی هر یک از خودروهای ام-۸۲۵ نزدیک به ۱۰۷۴۲ دلار خواهد بود. قیمت واحد همین خودروها در نامه پیشنهاد و قبول قبلی دولت ایران (قرارداد IR-WAP ژانویه ۷۸) ۹۴۸۷ دلار بود. زمان تقریبی برای تهیه این خودرو بین ۳ تا ۶ ماه خواهد بود.

۵- قطعات و لوازم یدکی برای کلیه وسائل موجود، در صورت لزوم: حمل همه قطعاتی که مجوز آنها صادر شده است به محض اینکه دستور حمل از دفتر شما ارایه شود، آغاز خواهد شد.

۶- ۸ فروند هواپیمای آر.اف-۴ ای: از آنجایی که هیچ خریداری برای این جنگنده ها پیدا نشد، طبق یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹، قرارداد مربوط به آنها (به استثنای ۳۶ موتور اف-۴ که تولید آنها ادامه یافت) لغو شد. هرگونه اقدام در این ارتباط باید در چارچوب یک موافقت نامه جدید صورت گیرد.

۷ و ۸- بهسازی هواپیماهای سی-۱۳۰ و اف-۴: دقیقاً نمی دانیم که منظور شما از این درخواست چیست. از آنجایی که قبلاً چنین خدماتی ارایه نداده ایم، محتاج توضیح بیشتری

هستیم. در هر صورت، باید نامه های جدید پیشنهاد و قبول صادر شود.

۹- آموزش پشتیبانی و قطعات یدکی: باید نوع و گستردگی برنامه های آموزشی مورد درخواست خود را کاملاً مشخص کنید.

۱۰- ۹۶ عدد موشک هارپون: به دلیل شناسایی مشتریان بالقوه و انتظار بازگشت پول حاصل از فروش این نوع موشک ها به صندوق امانی، تولید آنها ادامه یافته است. دولت ایالات متحده در حال حاضر نمی تواند تجهیزات طبقه بندی شده را از توقیف درآورد، و تا زمانی که وضعیت امنیتی موشک های فوق کاملاً مشخص نشود از تصمیم گیری در این مورد خودداری خواهد کرد.

۱۱- ۴ قایق ۶-LCM: این قایق ها به مشتری دیگری فروخته شده و دیگر موجود نیست.

۱۲- ظاهراً تکرار مورد ۹ است.

رونالد آر. دیویس

سرهنگ نیروی هوایی ایالات متحده

نماینده دفاعی ایالات متحده

جلسه ۱۴ اوت برای مذاکره درباره تدارکات نظامی

سند شماره ۱۸۲

سرّی۱۲ اوت ۱۹۷۹- ۲۱ مرداد ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

موضوع: جلسه ۱۴ اوت برای مذاکره درباره تدارکات نظامی

۱- (سرّی- تمام متن)

۲- چنانکه وزارت از گزارش گفتگوهای اینجانب با بازرگان و یزدی در روز ۱۱ اوت آگاهی یافته است، ملاقاتی را که در ابتدا برای مذاکرات کاری بر سر رویه تدارکات نظامی به وزارت امور خارجه ایران پیشنهاد کرده بودیم، هم اینک به سطح وزیر ارتقا یافته است. هم آقای یزدی و هم تیمسار ریاحی در این جلسه حضور خواهند داشت. این جلسه در ساعت ۱۱:۰۰ صبح روز سه شنبه ۱۴ اوت برگزار خواهد شد.

۳- یکی از سئوالاتی که تقریباً مطمئنیم از ما خواهند پرسید این است که منظورمان از ارسال فقط اقلام غیر حساسی که (در چارچوب قراردادهای جدید) مورد تأیید قرار گرفته است، چیست. در تلکس وزارت دفاع و دستیار وزیر در امور امنیتی بین المللی به شماره ۲۷۲۳۲۲ز مورخ ۲۷ ژوییه ۱۹۷۹ از قصد آمریکا برای رسیدگی به تقاضای اقلام طبقه بندی شده به صورت مورد به مورد نیز صحبت شده است.

۴- البته درک می کنم که احتمالاً قصد داریم در این ارتباط سیاست هایمان قدری مبهم باشد. با وجود این، هر گونه راهنمایی وزارت قبل از این جلسه می تواند مفید باشد.

لینگن

جلسه بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران

سند شماره ۱۸۳

محرمانه۱۳ اوت ۱۹۷۹– ۲۲ مرداد ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهرانبه: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

مرجع: الف– وزارت دفاع ۰۳۲۰۵۶ز – ۳ اوت – درباره خریدهای نظامی خارجی و دیدار، ب– وزارت دفاع ۱۴۱۶۴۳ز – ۱۴ ژوییه – درباره سناریوی دیدار برای برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران، پ– وزارت دفاع ۰۳۲۰۴۳ز – ۳ اوت – درباره وضعیت صندوق امانی و پیش بینی ها

موضوع: جلسه بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران

۱– مرجع الف و ب برنامه پیشنهادی بررسی خریدهای نظامی خارجی ایران زمانبندی شده برای ۲۲–۲۴ اوت ۱۹۷۹ را مورد بررسی قرار داده است.

۲– نمایندگانی که از هیأت مستشاری در این کنفرانس حضور خواهند داشت عبارتند از سرهنگ دیویس، ناوسروان انگلمن، و استوار یکم ریگان. آنها در روز ۲۱ اوت وارد واشنگتن خواهند شد. درخواست رزرو هتل در مجتمع کریستال را برای شب های ۲۱ تا ۲۴ اوت ۱۹۷۹ دارند. همچنین خواهشمند است فردی را که باید در واشنگتن با او تماس بگیریم و تأیید رزرو هتل را تا شب ۱۷ اوت ۱۹۷۹ به اطلاع ما برسانید.

۳– نمایندگان هیأت مستشاری در تاریخ ۲۵ ات ۷۹ واشنگتن را به مقصد دنور ترک خواهند کرد و تقاضا دارند جلسه گزارش مرکز امور مالی سازمان مساعدت های امنیتی برای روز ۲۷ اوت برنامه ریزی شود و روز ۲۸ اوت نیز در صورت نیاز ما در اختیارمان قرار گیرد. خواهشمند است طرف تماس در مرکز امور مالی سازمان مساعدت های امنیتی را معرفی کنید و برای روزهای ۲۵ تا ۲۸ برایمان هتل رزرو نمایید.

۴– هیأت مستشاری اطلاعات اضافی را که در مرجع پ در مورد صندوق امانی ارایه شده بود، مرور کرده است. ما همچنین از نیروهای مختلف ارتش ایران و وزارت دفاع ملی این کشور خواسته ایم سئوالات خود را مطرح کنند. سئوالات دولت موقت ایران که باید در کنفرانس اوت به آن پاسخ دهیم قبل از ورودمان به واشنگتن برایتان ارسال می گردد.

دیویس

جلسه ۱۴ اوت در رابطه با تدارکات نظامی

سند شماره ۱۸۴

سرّی۱۴ اوت ۱۹۷۹- ۲۳ مرداد ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سیبه: سفارت آمریکا، تهران

موضوع: جلسه ۱۴ اوت در رابطه با تدارکات نظامی

۱- (سرّی- تمام متن)

۲- امیدواریم بتوان از مسئله اقلام حساس طفره رفت. در حال بررسی این موضوع هستیم

و قصد داریم در آینده توضیح جامعی در ارتباط با موضع ایالات متحده ارایه دهیم.

۳- چنانچه خبرنگاران ایرانی درباره ارسال اقلام حساس در این جلسه پرسیدند، می توانید بگویید تا زمانی که ایالات متحده از امنیت کافی این اقلام در تأسیسات ایران اطمینان حاصل نکند، نمی تواند با ارسال اقلام مزبور موافقت کند. چنانکه ایرانی ها می دانند، ما یک موافقت نامه متقابل برای حفاظت از اطلاعات و تجهیزات طبقه بندی شده امضا کرده ایم و در حال حاضر نمی توانیم تأیید کنیم که حفاظت های مورد نظر در ایران تضمین شده است.

۴- اساساً فکر می کنیم در ارتباط با تدارک قطعات یدکی، توپ در زمین ایرانی ها باشد. ما منتظر دستور آنها در ارتباط با نحوه تحویل تجهیزات تأیید شده هستیم. ما همچنین منتظر تصمیم ایران برای سفارش تجهیزات نظامی قرارداد ۵ میلیون دلاری و همچنین قراردادهای خریدهای نظامی خارجی هستیم که اخیراً برای سفارش های جدید قطعات یدکی به تصویب رساندیم. قرارداد کالیبراسیون موشک های تاو نیز در دست شماست. اگر ایرانی ها درخواست دیگری داشته باشند، با کمال میل آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

ونس

تجهیزات پشتیبانی زمینی موشک های تاو AH-1J برای ایران

سند شماره ۱۸۵

محرمانه۱۴ اوت ۱۹۷۹- ۲۳ مرداد ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهرانبه: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

موضوع: تجهیزات پشتیبانی زمینی موشک های تاو AH-1J برای ایران

۱- (بدون طبقه بندی) عطف به فهرست تجهیزات تشکیل دهنده یک مجموعه کامل سیستم موشک تاو و تجهیزات پشتیبانی زمینی (جی.اس.ای) با قید تاریخ و محل حمل.

۲- (محرمانه) طبق اظهار نفرات نیروی هوایی اسلامی ایران، تنها بخشی که باید برای کالیبراسیون و آموزش سیستم موشک های تاو راه اندازی شود، ایستگاه آزمایش کارکردی سفارشی اتوماتیک است که اخیراً نصب آن کامل شده است. آنها می گویند هزینه مربوط به آموزش و نصب و کالیبراسیون ایستگاه موضوع قرارداد SAM P۲ پرداخت شده، ولی این قراداد هنوز تکمیل نشده است. دو ایستگاه در شیراز و اصفهان قرار دارند.

۳- هیأت مستشاری نظامی پیش بینی می کند به دلیل وضعیت امنیتی متزلزل کشور، کالیبراسیون و آموزش سیستم پشتیبانی زمینی موشک های تاو AH-1J در فرودگاه مهرآباد تهران انجام شود. علاوه بر این، می دانیم که سیستم TAFT قابل حمل و

انتقال نیست.

۴- (محرمانه) به دلیل قصور و یا عدم توانایی نیروی هوایی اسلامی ایران در ارایه فهرستی از تجهیزات و اجزای راه اندازی شده موجود در کشور، لطفاً از آنها درخواست کنید تا فهرستی از کمترین تجهیزات راه اندازی شده سیستم پشتیبانی زمینی را که باید در تهران برای انجام کالیبراسیون و آموزش در اختیار تیم قرار گیرد، اعلام کنند. ما می خواهیم به نیروی هوایی

اسلامی ایران و تیم کارشناسان اعزامی کمک کنیم تا در کمترین مدت ممکن کار را تکمیل کنند. با وجود این، به دلیل نبود دانش کارشناسی کافی در اختیار هیأت مستشاری و همچنین در نیروی هوایی اسلامی ایران، دشوار می توانیم تجهیزات لازم برای این کار را مشخص کنیم. ضمناً آیا آموزش ها می تواند در تهران انجام شود لطفاً به ما اطلاع دهید.

دیویس

بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران ۲۴–۲۲ اوت

سند شماره ۱۸۶

محرمانه۱۶ اوت ۱۹۷۹ — ۲۵ مرداد ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهرانبه: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران ۲۴–۲۲ اوت

۱– (محرمانه) در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۷۹ مذاکراتی برای بررسی نظرات ایران درباره برنامه خریدهای نظامی خارجی، صندوق امانی، و از سرگیری پشتیبانی های نظامی از این کشور با مقامات دولت موقت ایران انجام دادیم. مقامات ایرانی شامل دکتر یزدی (وزیر امور خارجه)، تیمسار ریاحی (وزیر دفاع ملی)، تیمسار صفری (مسئول پشتیبانی نیروی هوایی اسلامی ایران)، و سرهنگ کامکار (معاون وزیر دفاع در امور تسلیحاتی) بود. آقای لینگن (کاردار)، آقای تامست (نماینده سیاسی–نظامی سفارت)، و سرهنگ دیویس (فرمانده هیأت مستشاری نظامی) نیز نمایندگان دولت ایالات متحده در این جلسه بودند.

۲– در طول این ملاقات، دولت موقت ایران خواستار دریافت اطلاعات تفصیلی در خصوص قراردادهای برنامه خریدهای نظامی خارجی و وضعیت صندوق امانی شد. شرح اطلاعاتی که دولت موقت ایران تقاضا کرده است برای اطلاع شما ارسال می گردد. پاسخ تفصیلی به این سئوالات (در صورت امکان با قالب درخواستی) می تواند در رفع شک و تردیدهای دولت موقت ایران در ارتباط با برنامه خرید های نظامی خارجی و مدیریت آن از سوی ما مفید باشد. البته می دانیم که بخش اعظم اطلاعات درخواستی ایران در ارتباط با قراردادهای برنامه خریدهای نظامی خارجی، قبلاً در قالب صورتحساب های سه ماهانه در اختیار ایران قرار گرفته است. ما این مسئله را به نمایندگان دولت ایران تأکید کردیم. همچنین خاطر نشان شد که هدف از جلسه ۲۲ تا ۲۴ اوت ارایه تصویر کاملی از برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران و صندوق امانی این کشور است.

۳– اطلاعات دقیقی که دولت موقت ایران در جلسه ۱۴ اوت از ما تقاضا کرد به شرح زیر است:

اطلاعات درخواستی در ارتباط با هر یک از قرادادهای خریدهای نظامی خارجی:

۱– قرارداد خرید نظامی خارجی

۲- شرح اقلام و یا خدمات خریداری شده

۳- میزان اقلام خریداری شده و یا نفر- ماه نیروها

۴- هزینه تقریبی هر قرارداد شامل هزینه بسته بندی، جعبه بندی، حمل تا محل بارگیری، هزینه های اداری و غیره.

الف- ارزش قرارداد اولیه

ب- ارزش قرارداد(های) اصلاح شده

۵- مبلغ واقعی که بابت هر قرارداد هزینه شده است، شامل هزینه بسته بندی، حمل تا محل بارگیری، هزینه های اداری و غیره.

الف- ارزش قرارداد اولیه

ب- ارزش قرارداد(های) اصلاح شده

۶- مبالغ پرداخت شده از سوی دولت ایران

۷- مقدار اقلام یا (چنانچه خدمات است) نفر- ماه نیروها که تحت قرارداد تحویل یا انجام شده

توضیح: در صورت عدم دسترسی به ارقام مربوط به مقدار اقلام تحویل شده، درصد آن ذکر شود.

۸- هزینه اقلام تحویل شده و یا خدمات ارایه شده

۹- آیا قرارداد لغو شده است یا خیر.

۱۰- کل خسارت لغو قراردادها

۱۱- میزان خسارات لغو قراردادها که از محل حساب صندوق امانی به تولید کنندگان پرداخت شده است.

۱۲- مبالغی که از فروش مجدد اقلام موضوع قراردادهای لغو شده جبران شده است.

۱۳- مبلغ مورد نیاز برای تکمیل قراردادها

توضیح: جدول فوق باید برای هر یک از قراردادهای وزارت دفاع ملی ایران به صورت جداگانه در اختیار نیروهای سه گانه (ارتش، نیروی هوایی، نیروی دریایی) قرار گیرد.

(توضیح هیأت مستشاری نظامی: مورد شماره ۱۳ بیانگر تمایل دولت موقت ایران برای بازگشت به فرایند تصمیم گیری در مورد صندوق امانی و یادداشت تفاهم است. آنها به اطلاعات فوق نیاز دارند تا خودشان تصمیم بگیرند آیا قراردادی باید لغو

شود (یا باید لغو می شده) یا خیر.)

اطلاعات لازم در ارتباط با حساب صندوق امانی

۱- قیمت کل تمامی قراردادهای امضا شده بین ایالات متحده و دولت های ایران از زمان شروع برنامه خریدهای نظامی خارجی، شامل هزینه تجهیزات، خدمات، بسته بندی، جعبه بندی،

حمل تا محل بارگیری، هزینه های اداری، و غیره

۲- کل مبالغی که دولت ایالات متحده در ارتباط با موضوع بند یک فوق از دولت ایران دریافت کرده است

۳- کل مبالغی که دولت ایالات متحده برای همه قراردادها هزینه کرده است، شامل پرداخت به تولیدکنندگان، هزینه بسته بندی، جعبه بندی، حمل تا محل بارگیری، هزینه های اداری و غیره

۴- قیمت کل تجهیزات و خدمات تحویل شده به دولت ایران

۵- فهرست پرداخت های انجام شده از محل حساب صندوق امانی از تاریخ ژانویه **۱۹۷۹** به تفکیک اقلام

۶- کل مبالغ جبران شده از محل فروش مجدد اقلام موضوع قراردادهای لغو شده (چه مسترد شده باشد و چه نشده باشد)

۷- موجودی کنونی حساب صندوق امانی

۸- قیمت تقریبی تجهیزاتی که قرار است فروخته شود

۹- موجودی تقریبی حساب صندوق امانی پس از تسویه حساب نهایی

۱۰- کل خسارات مالی مرتبط با قراردادهای لغو شده

۱۱- کل هزینه لغو قراردادها از محل صندوق امانی

قطعات یدکی

۱- فهرست اقلام آماده برای حمل

۲- فهرست اقلامی که در حال تولید هستند

۳- فهرست اقلام تعمیری که هنوز بازگردانده نشده اند

۴- فهرست نشریات و جزوات فنی که آماده حمل است

۵- جدول زمان بندی برای تحویل اقلام فوق

۶- قطعات یدکی به ارزش ۵/۵ میلیون دلار باید از طریق یک حساب جداگانه خریداری شود

***

۴- دولت موقت ایران بیشتر دلمشغول نوع و ارزش اقلام لغو شده، میزان جبران منابع مالی از محل لغو این قراردادها و مبالغ پرداخت شده بابت خسارات مالی ناشی از لغو این قراردادها (مورد به مورد) است. کنفرانس ماه اوت می تواند با ارایه پاسخ های تفصیلی در خصوص خسارات مالی خاتمه قراردادها، تسویه متقابل وجوه، ارزش زیادی برای دولت موقت ایران داشته باشد. ما درک می کنیم که درخواست ایران برای اطلاعات مربوط به برنامه خریدهای نظامی خارجی از تاریخ شروع آن (یعنی ۱۹۶۶) غیر واقع بینانه است. به اعتقاد ما روشن شدن

وضعیت قراردادهای مربوط به خریدهای نظامی خارجی که پیش از انقلاب امضا شده و در حال اجرا بود، کافی خواهد بود.

۵- درخواست ایران برای دریافت این حجم عظیم از اطلاعات تفصیلی بیانگر تمایل و همچنین ناتوانی دولت موقت ایران برای درک بزرگی برنامه خریدهای نظامی خارجی است. تنها راه فهماندن برنامه خریدهای نظامی خارجی اجرای یک برنامه آموزشی گسترده در این ارتباط است که غالباً باید از مراحل بسیار ابتدایی آغاز شود.

دیویس

صورتحساب هزینه های خریدهای نظامی خارجی

سند شماره ۱۸۷

۱۷ اوت ۱۹۷۹- ۲۶ مرداد ۱۳۵۸

از: نماینده ارشد دفاعی، سفارت آمریکا، تهران- سرهنگ دیویس

به: معاون وزارت دفاع ملی ایران- سرهنگ کامکار

مرجع: نامه وزارت دفاع ملی ایران - ۳۰۳-۳۰۶-۰۳-۲-۸۰ -۲۳ ژوئن ۱۹۷۹

موضوع: صورتحساب هزینه های خریدهای نظامی خارجی

۱- اطلاعات زیر در ارتباط با سئوالات شما در نامه فوق الذکر به دستمان رسیده است:

الف- برنامه اف-۱۶ - قراردادهای STA و STY

(۱) طبق گزارش های نیروی هوایی از تاریخ ۶ ژوییه مبالغ تقریبی خسارات مالی ناشی از خاتمه این قراردادها برابر است با:

STA AIR FRAME۰/۲۵ میلیون دلار(بدون هزینه های اداری)

STB-STY SUPPORT۳/۵۹ میلیون دلار(بدون هزینه های اداری)

مبلغ کل۳/۸۴ میلیون دلار

(۲) برآورد منابع مالی مورد نیاز به مبلغ (۷/۱۵۶ میلیون دلار) در صورتحساب هزینه ماه مارس ۱۹۷۹ بر اساس برآوردهای آن زمان از سوی نیروی هوایی صورت گرفته بود. متعاقب آن، برآوردهای اصلاح شده مبلغ فوق را به ۴/۱۰۲ میلیون دلار کاهش داد (گزارش ماه می ۱۹۷۹). اصلاح برآوردها بر اساس فروش تجهیزات به سایر مشتریان، مبلغ کل فوق را به ۳/۸۴ میلیون دلار

کاهش داده است.

ب- قراردادهـای مربوط به ایسـتگاه آزمـایش کـارکردی اتوماتیـک سفارشـی برای سـال مـالی ۱۹۷۹ (AAJ, AAK, AAL, AAM, AAH):

(۱) مبلغ تقریبی مـذکور در صورتحسـاب مـاه مارس ۱۹۷۹ شامـل هزینه های ضـروری تا پایان سـپتامبر ۱۹۷۹ بود، که عبـارت بودند از:

(توجه داشته باشید که هزینه های ضروری شامل برخی قراردادهای مربوط به سال مالی

۱۹۷۸ نیز هستند که هنوز مفتوح است.)

قراردادهای سال مالی ۱۹۷۹ ۳/۷۲ میلیون دلار

قراردادهای سال مالی ۱۹۷۸۳/۲۷ میلیون دلار

مبلغ کل ۶/۹۹ میلیون دلار

(۲) از این مبالغ پیش بینی شده، هزینه های واقعی زیر در طول ماه ژوئن ۱۹۷۹ گزارش شد، و در صورتحساب ماه ژوئن ۱۹۷۹ ملحوظ خواهد شد.

قراردادهای سال مالی ۱۹۷۹ ۳/۴۷ میلیون دلار

قراردادهای سال مالی ۱۹۷۸ ۸/۷ میلیون دلار

مبلغ کل ۱/۵۵ میلیون دلار

(۳) هزینه تخلیه نیروهای آمریکایی و بستگانشان که در چارچوب این قراردادها پوشش داده شده است، و همچنین هزینه بازگرداندن اسباب و اثاثیه و سایر مطالبات و ادعاها از مبلغ این قراردادها کسر خواهد شد.

مبلغ دقیق هزینه ها ممکن است تا چندین ماه دیگر مشخص نشود.

پ- قرارداد پشتیبانی برای هلیکوپترها و سایر قراردادهای خدماتی با پیمانکاران (قراردادهای خریدهای نظامی خارجی با شناسه VZZ, WAK, WAL, WAG, Ect):

فهرست اقلام تحویلی که به همراه صورتحساب ها ارایه شده است نشان می دهد که منابع مالی مورد نیاز در ستون ۱۲ فرم شماره ۶۴۵ وزارت دفاع، به استثنای برآورد مبالغ مورد نیاز، کاهش یافته است. از مرکز امور مالی سازمان مساعدت های امنیتی خواسته ایم که در پیش بینی منابع مالی لازم در صورتحساب های آتی اش این مبلغ را کاهش دهد. در صورت امکان، آن را برایتان ارسال خواهیم کرد.

ت- انتقال نامناسب وجوه از حساب دارایی XFT به قراردادهای خریدهای نظامی خارجی

(۱) موشک های فونیکس (ABS): موشک ها تولید شده اند و هزینه آنها بر عهده ایران است. جدول زمانبندی پرداخت ها که در آوریل ۱۹۷۹ از نیروی دریایی ایالات متحده دریافت شد بیانگر منابع مالی مورد نیازی بالغ بر ۷/۱۷۷ میلیون دلار است. مرکز امور مالی سازمان مساعدت های امنیتی بابت تحویل اقلام و پیشرفت کار بعلاوه مبلغ اضافی پیش بینی شده بابت

خسارات ناشی از خاتمه قراردادها تا پایان سپتامبر ۱۹۷۹ مبلغی برابر با ۷/۱۷۷ میلیون دلار ایران را بدهکار کرد. به منظور پوشش این هزینه ها، مبلغ ۵/۴۱ دلار از حساب دارایی XFT برداشت شد. یک جدول زمانبندی اصلاح شده برای پرداخت ها از تاریخ ۹ ژوییه ۱۹۷۹، از

سوی مرکز امور مالی سازمان مساعدت های امنیتی برایمان ارسال شده است که نشان می دهد ظاهراً برآوردهای قبلی خیلی بالا بوده است. پس از محاسبه نهایی صورتحساب هزینه های ماه ژوئن مبالغ اضافی به حساب دارایی XFT مسترد خواهد شد.

(۲) رویه مشابهی در خصوص موارد زیر به کار بسته خواهد شد:

قراردادارزشتحویل های گزارش شدهتوضیحات

VHU۲۳۸۶۹۳ دلار۴۴۸۹۸۷ دلارمبالغ انتقال یافته از XFT بابت هزینه تحویل ها

در ارتباط با این قرارداد، هزینه تحویل یکی از اقلام اشتباهاً دو بار قید شده بود که ارتش آمریکا در حال اصلاح این مورد است. پس از اصلاح این مورد از سوی مرکز امور مالی سازمان مساعدت های امنیتی، وجوه اضافی به حساب دارایی بازگردانده خواهد شد. مبلغ صحیحِ ارزش اقلام تحویل شده برابر است با ۰۰/۲۱۴۵۹۴ دلار.

CSF۳۹۲۶۲۹۸ دلار۵۵۸۲۷۲۶ دلارمبالغ انتقال یافته از XFT بابت هزینه تحویل ها

ارتش آمریکا صحت مبالغ گزارش شده برای اقلام تحویلی را مجدداً تأیید می نماید. این قرارداد به منظور درخواست اقلام اضافی چهار ماه تمدید شد (مارس-ژوییه ۱۹۷۶).

TZE۱۰۰۴۴۱ دلار۱۹۲۲۹۳ دلارمبالغ انتقال یافته از XFT بابت هزینه تحویل ها

ارتش آمریکا صحت مبالغ گزارش شده برای اقلام تحویلی را مجدداً تأیید می نماید. این قرارداد در حال بسته شدن است. توضیح اقلام تحویلی به ارزش ۲۷/۹۱۸۵۱ دلار مذکور در فهرست مربوط به اقلام تحویلی خریدهای نظامی خارجی به دفتر شما ارسال شده است.

ث- قرارداد WFA

مرکز امور مالی سازمان مساعدت های امنیتی دستوری مبنی بر لغو این قرارداد دریافت نکرده بود. این دستور هم اینک تأیید شده و قرارداد مذکور در صورتحساب آتی هزینه منظور نخواهد شد. مبلغ ۶۰۸۰۴۴ دلاری که بابت این قرارداد از سوی ایران پرداخت شده بود، در

تاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۷۹ دریافت شده و مبلغ مذکور تا شروع اجرای قرارداد در صندوق دارایی XFT نگهداری می شد. این مبلغ به حساب XFT مسترد خواهد شد.

ج- هزینه های خاتمه قراردادها

این سئوال را به سازمان مساعدت های امنیتی ارسال داشتیم ولی آنها به خوبی سئوال مذکور را درک نکردند. این مسئله در جلسه ای که در تاریخ ۲۲ تا ۲۴ اوت ۱۹۷۹ در واشنگتن در ارتباط با خریدهای نظامی خارجی برگزار خواهد شد، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. اطلاعات اضافی پس از بازگشتمان از واشنگتن ارایه خواهد شد.

۲- خوشحال می شوم که من و یا کارمندانم بتوانیم کمک بیشتری به شما بکنیم.

رونالد آر. دیویس

سرهنگ نیروی هوایی آمریکا

نماینده دفاعی

ملاقات با وزیر امور خارجه و وزیر دفاع ایران

سند شماره ۱۸۸

محرمانه۱۹ اوت ۱۹۷۹- ۲۸ مرداد ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

موضوع: ملاقات با وزیر امور خارجه و وزیر دفاع ایران

۱- (محرمانه- تمام متن)

۲- این پیام شامل خلاصه مذاکرات انجام شده در ملاقات ۱۴ اوت با وزیر امور خارجه دولت موقت ایران و وزیر دفاع ملی ایران است. هیأت ایرانی شامل مقامات زیر بود: دکتر یزدی (وزیر امور خارجه) که در رأس هیأت بود، سرتیپ ریاحی (وزیر دفاع ملی ایران)، سرتیپ صفری (مسئول بخش پشتیبانی نیروی هوایی جمهوری اسلامی)، سرهنگ کامکار (مسئول بخش تسلیحات در وزارت دفاع ملی)، آقای بایندر (رئیس اداره چهارم سیاسی) و آقای بهرامی (دستیار سرهنگ کامکار). نمایندگان آمریکا نیز عبارت بودند از آقای لینگن (کاردار آمریکا)، آقای تامست (کفیل کنسول سیاسی) و سرهنگ دیویس (رئیس ستاد هیأت مستشاری نظامی). این ملاقات اصولاً به درخواست سفارت و در حکم یک ملاقات کاری به منظور بحث و

بررسی و شفاف سازی یادداشت دیپلماتیک وزارت امور خارجه ایران در مورد برنامه پشتیبانی نظامی، درخواست شده بود.

۳- کاردار آمریکا بار دیگر بر استقبال دولت آمریکا از روابط با ایران تأکید کرد و توضیح داد که قصد ما از برگزاری این جلسه تلاش برای شفاف سازی مسایل مربوط به برنامه پشتیبانی های نظامی است. ایشان اظهار داشت تلاش ما از فوریه **۱۹۷۹** این بوده که صندوق امانی در وضعیتی باشد که توان تسویه دیون را داشته و موجب نشود کل برنامه خریدهای

نظامی خارجی با ایران به خطر بیفتد. وقتی کاردار قدری در مورد پیشینه صندوق امانی توضیح داد، یزدی به دو سند که قبلاً در مورد همین مسئله در اختیارش قرار داده بودیم اشاره کرد و گفت که این توضیحات ضرورتی ندارد، و اینکه آنها خواهان اطلاعات دقیق تری در مورد برنامه خریدهای نظامی خارجی هستند. سپس سرهنگ کامکار فهرست سئوالاتی را که ایرانی ها مایل بودند به آنها پاسخ دهیم ارایه داد (این سئوالات در تلکسی که برای بخش خاور نزدیک- ایران ارسال شد، گنجانده شده است.)

۴- کاردار توضیح داد که مقصود از برگزاری جلسه ی ماه اوت در واشنگتن دقیقاً بحث بر سر همین مسایل است، و بار دیگر دولت ایران را تشویق به شرکت در این جلسه کرد. ولی هیأت ایرانی به درخواستِ کاردار توجهی نکرد، و به همین دلیل کاردار توضیح داد چنانچه ایران نماینده ای به این جلسه اعزام نکند، هیأت مستشاری نظامی تلاش خواهد کرد به نحو احسن نظرات دولت ایران را در این جلسه انعکاس دهد. سرهنگ دیویس نیز گفت که بخش اعظم اطلاعاتی که در خصوص برنامه خریدهای نظامی خارجی درخواست شده است، به استثنای فهرست مفصل هزینه خاتمه قراردادها، در صورتحساب های سه ماهه ای که به دولت ایران ارایه می شود، قید شده است، و برای مثال چند نمونه از صورتحساب های ماه مارس را ذکر کرد، که فهرست تحویل اقلام و صورتحساب کل دارایی را شامل می شد که همه آنها برای دکتر یزدی بسیار جالب بود. سرهنگ دیویس تقریباً ۴۵ دقیقه را صرف توضیح روند تهیه صورتحساب و پاسخ دادن به سئوالات دکتر یزدی درباره حساب صندوق امانی ایران کرد. در طول این «مدت آموزشی» و تا مدتی بعد از آن نمایندگان ایران به زبان فارسی بین خود صحبت می کردند و گویا یزدی از ارایه این همه اطلاعات قدری متعجب شده بود (البته ایشان در ملاقاتی که اخیراً کاردار با نخست وزیر ایران داشت به کاردار گفته بودند که دولت آمریکا از سال ۱۹۶۶ تا کنون هیچگونه فاکتوری در اختیار ایران قرار نداده است.)

۵- در این زمان آقای بهرامی اذعان کرد که بخش اعظم اطلاعات در اختیار آنها قرار گرفته است، ولی گفت «اطلاعاتی که به ما اجازه می دهد حساب هایمان را ببندیم» هنوز به آنها ارایه نشده است، و افزود هر چند که اطلاعات مورد نظر آنها را در اختیارشان قرار داده ایم ولی آنها جدولی می خواهند که نشان دهد از سال ۱۹۶۶ بابت هر خرید چه مبلغی پرداخت شده است. سرهنگ دیویس گفت احتمالاً قادر به ارایه این نوع اطلاعات نخواهیم بود ولی سعی می کنیم حتی المقدور اطلاعات درخواستی ایران را تهیه کنیم. کاردار برای اینکه بزرگی و حجم کارِ تجدید ساختار برنامه خریدهای نظامی خارجی را نشان دهد، بخشی از تلکس وزیر دفاع را که به «کل جامعه درگیر در این برنامه» اشاره داشت برای هیأت ایرانی قرائت کرد.

۶- سرهنگ دیویس در پاسخ به سئوالات یزدی در ارتباط با حساب و کتاب نهایی قراردادهای خاتمه یافته توضیح داد که احتمالاً ـ حساب و کتاب این نوع قراردادها به دلیل پر شمار بودن پیمانکاران فرعی درگیر در قراردادها، که در بسیاری موارد مستلزم مذاکره با آنها و

تعیین خسارت خاتمه قراردادها خواهد بود، یک سال به طول می انجامد.

۷- آقای بهرامی تأکید کرد که ایران باید بداند دارد چه مبلغی را صرف قراردادهای مفتوح می کند، و گفت آمریکا باید «خط روشنی بین معاملات رژیم گذشته و معاملات جدید بکشد.» یزدی اذعان کرد که «رویه های حسابرسی ما را درک می کند، و یا اینکه حداقل حالا- برایش قابل درک تر است.» یزدی درخواست کرد که حساب ها به ۳ گروه تقسیم شوند، ابتدا حساب قراردادهای انجام شده (که باید حسابرسی شوند)، دوم حساب قراردادهای لغو شده، و سوم حساب قراردادهای مفتوح. ما گفتیم که قراردادهای لغوشده «بسیار دردسرساز» است و اینکه برخی از قراردادها قبلاً لغو شده اند ولی بعداً ایرانی ها گفته اند که تجهیزات سفارش شده را می خواهند. سرهنگ دیویس مورد آر.اف-۴ ای را مثال زد و جزییات آن و همچنین دلیل و منافع لغو قرارداد آر.اف-۴ ای و ادامه تولید موتورها را برای دولت ایران شرح داد.

۸- تیسمار ریاحی گفت باید وضعیت هر یک از مواردی که لغو شده است روشن شود و یزدی نیز اظهار داشت که دولت ایران مایل است «مورد به مورد» قراردادهایی را که لغو شده و یا آنهایی را که موضوع آن هنوز در حال تولید است، بررسی کند.

۹- همین مسئله منجر به بحثی طولانی در مورد نحوه تأمین مالی سفارش های جدید شد. یزدی در ابتدا با تأکید بسیار، و سپس با تأکید کمتری، اصرار داشت که حساب وجوه جدید کاملاً از صندوق امانی قدیم جدا شود. او اظهار داشت نمی تواند قبول کند در صورت اتمام اعتبار صندوق امانی، از وجوه سفارش های جدید برای تأمین اعتبار آن استفاده شود. کاردار گفت موضع دولت ایران را درک می کند و سپس موضع دولت آمریکا را نیز بازگو کرد. (سئوال از وزیر امور خارجه و وزیر دفاع: آیا دولت آمریکا در این مورد انعطاف نشان خواهد داد؟ احساس می کنیم که مسئله ی چندان مهمی نباشد، به ویژه با توجه به وضعیت کنونی صندوق امانی، ولی گویا دولت ایران این مسئله را خیلی اساسی می داند.) سرهنگ دیویس توضیح داد که دولت آمریکا در ارتباط با تعیین روند معاملات برای سفارش های جدید امتیازاتی داده است و به یزدی یادآور شد که دولت علناً از وزارت دفاع انتقاد کرده که چرا پول کافی برای پرداخت خسارات ناشی از لغو قراردادها از ایران دریافت نکرده است.

۱۰- مسئله شرکت حمل و نقل بار دیگر مطرح شد و آقای بایندر از اینکه برخی پیمانکاران آمریکایی اموال و حساب های بانکی ایران را توقیف کرده اند (مثلاً شرکت EDS) ابراز ناخشنودی کرد. بحث بر سر این مسئله و همچنین پرونده مربوط به شرکت بهرینگ به این تصمیم ختم شد که مبالغی پول به منظور تأمین هزینه های قانونی و تضمین عدم توقیف قطعات سفارش شده، در یک حساب امانی سپرده شود.

۱۱- کاردار به یزدی خاطر نشان کرد که ما هنوز منتظر مذاکره بر سر هواپیماهای اف-۱۴ هستیم و یزدی نیز اذعان داشت که قرار است محل، زمان و سایر اطلاعات مربوط به مذاکرات را به اطلاع ما برساند.

۱۲- ما نامه پیشنهاد برای آزمایش کالیبراسیون موشک های تاو را به سرهنگ کامکار تسلیم کردیم.

۱۳- کاردار تأکید کرد که ایران اجازه ورود آمریکایی ها را به «خلیج [فارس]» و مناطق دیگر بدهد تا آنها اموال متعلق به دولت آمریکا را از این اماکن منتقل کنند. دکتر یزدی گفت دارد در این ارتباط «سخت تلاش» می کند (در نتیجه این مذاکرات، کاردار به پیوست یک نامه، فهرستی از اموال نظامی و پرونده های دولت آمریکا را که هنوز در دسترس ما قرار نگرفته است، برای یزدی ارسال کرد.)

برنامه خریدهای خارجی ایران

سند شماره ۱۸۹

محرمانه۲۸ اوت ۱۹۷۹- ۶ شهریور ۱۳۵۸

موضوع: برنامه خریدهای خارجی ایران

وضعیت موجودی مربوط به اقلام تحویل نشده

(مبالغ به میلیون دلار)

شرحمبلغ

موجودی صندوق مربوط به اقلام تحویل نشده از تاریخ ۱ ژانویه ۱۹۷۹۱۲۵۸۱

منهای هزینه کاهش قراردادها که تا ۳۱ ژوییه انجام شد۴۷۹۷-

منهای هزینه قراردادهایی که قرار است کاهش یابد۴۸۰۰-

مبالغ تقریبی مربوط به اقلام تحویل نشده از تاریخ ۱ ژانویه منهای خسارات ناشی از کاهش قراردادها۲۹۸۴+

منهای مبالغ مربوط به اقلام تحویل شده که قبل از ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ صورت گرفته ولی بعد از ۱ ژانویه ۱۹۷۹

ثبت شده است۳۹۵-

منهای ارزش تقریبی اقلام و خدماتی که تحویل شده ولی ثبت نگردیده است۱۵۰۰-

منهای ارزش تقریبی نهایی قراردادهای خاتمه یافته

(یعنی هزینه هـای باقیمانـده دولت موقت ایران بابت خاتمه قراردادها پس از استرداد مبالغ حاصل از فروش اقلام سـفارش ایران به مشتریان دیگر)۷۰۰-۱

خالص موجودی برای تحویل اقلام ۳۸۹+۳

مبالغ مربوط به اقلامی که موقتاً در انبار نگهداری می شوند۴۰

ص: ۴۵۸

مبالغ مربوط به اقلام تعمیری۱۰

مبالغ مربوط به تکمیل دوره های آموزشی ۵۵

مبالغ مربوط به برنامه هایی که مجوز تحویل گرفته اند۲۵۰

مبالغ مربوط به برنامه هایی که مجوز تحویل نگرفته اند۳۴۲

خالص موجودی برای تحویل اقلام۳۸۹+۳

۱- با فرض فروش ۲۰۸ موشک هارپون، ۱۵۰ موشک فونیکس، و ۲۵۸ موشک استاندارد، و شامل همه قراردادهای لغو شده مربوط به مهمات برای ارتش و ALQ-۱۱۹ pods.

۲- مهمات برای نیروی هوایی.

۳- محاسبات مذکور در این سند برآوردهای کلی است که بر اساس داده های ناقص حسابداری صورت گرفته و هنوز قابل انتشار نیست.

وضعیت صندوق امانی ایران در سال تقویمی ۱۹۷۹

(بر اساس تکمیل اقدامات برنامه ریزی شده)

شرح۳ فوریه-

۳۱ ژوییه۱ اوت-

۳۰ سپتامبر۱ اکتبر-

۳۱ دسامبرژانویه-

مارس ۸۰پس از آن

موجودی در شروع دوره۹/۶۳۹۰/۵۳۵۳/۳۳۹۴/۱۹۲۹/۱۳۲

هزینه خاتمه قراردادها ۴/۷۰۸۷/۲۱۲۰/۲۰۳۹/۱۲۹۹/۱۴۵

استرداد مبالغ حاصل از فروش اقلام سفارش ایران ۵/۶۰۳۰/۱۷۱/۵۶۴/۷۰۰/۹۵

بودجه تکمیلی نیروی دریایی آمریکا۵/۴۹۰۰۰-۰/۷۰

سایر بودجه های تکمیلی آمریکا۲/۲۳۲/۲۹/۷۶/۷۵۱/۶

خریدهای نظامی خارجی۲۲/۴۶۸/۵۳۵/۲۵/۲۲۵/۸

سایر مبالغ مسترد شده به صندوق۶/۱۴۴/۷۰--

موجودی پایان دوره۸۲/۱۳۲۰/۱۹۲۹/۳۳۹۴/۵۳۵۳/۰

۱- هنوز اطلاعات زیادی در مورد برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران نامعلوم است. این اطلاعات شامل هزینه های نهایی خاتمه قراردادها، امکان فروش بیشتر اقلام سفارشی ایران به مشتریان دیگر، محاسبه نهایی سهم دولت موقت ایران در برنامه سی.جی. ۹۹۳، و قیمت گذاری

نهـایی اقلامـی که از پیمانکـاران آمریکـایی تـأمین می شود. تـا زمـانی که این مبالغ مشـخص نشود (و یا اینکه مبالغ تقریبی به حقیقت نزدیکتر نشود) نمی توان کاملاً مشـخص کرد که آیا دارایی های موجود و بالقوه صـندوق امانی برای تسویه بـدهی ها کافی است یا خیر.

حق العمل مأموران خرید

سند شماره ۱۹۰

محرمانه۲۹ اوت ۱۹۷۹– ۷ شهریور ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه آمریکا، واشنگتن دی.سیبه: سفارت آمریکا، تهران

موضوع: حق العمل مأموران خرید

۱– (استفاده محدود اداری– تمام متن)

۲– وکیـل جان وسـتبرگ قصـد دارد مشـخص نمایـد که از چه زمانی وزارت جنگ یا سایر سازمانهای دولت ایران اسـتفاده از مـأموران خریـد یـا واسـطه هـا را در قراردادهـای دفـاعی ممنوع کرده است. فکر می کنیم مـدارکی در همین ارتباط از تیمسار توفانیـان و یا سایر مقامات در بین سال های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۵ در «بایگانی دایمی» دفتر سیاسـی – نظامی موجود باشد. خواهشمند است این بایگانی را جسـتجو کنید و هر گونه مدرك رسـمی مرتبط یا گزارش سـفارت را که به ممنوعیت پرداخت حق العمل به مأموران خرید از سوی دولت ایران ارتباط دارد، برایمان پُست کنید.

ونس

بررسی برنامه معاملات تسلیحاتی خارجی ایران

سند شماره ۱۹۱

۳۰ اوت ۱۹۷۹– ۸ شهریور ۱۳۵۸

از: سرلشگر فیلیپ گاست– نماینده ارشد وزارت دفاعبه: وزیر دفاع ملی ایران

موضوع: بررسی برنامه معاملات تسلیحاتی خارجی ایران

۱– در نامه مورخ ۹ اوت ۱۹۷۹ اطلاع داده بودیم که کلیت برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران در جلسه ای که از تاریخ ۲۲ تا ۲۴ اوت ۱۹۷۹ در واشـنگتن برگزار می شـود، مـورد بررسـی قرار خواهـد گرفـت. علاـوه بر ایـن، در نـامه ۹ اوت از شـما

درخواست شده بود که چنانچه دولت متبوعتان سئوالی در خصوص برنامه خریدهای نظامی خارجی دارد، آن را مطرح سازید تا در این جلسه مورد بررسی قرار گیرد. سئوالاتی که شما در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۷۹ به ستاد اینجانب تسلیم کردید به واشنگتن ارسال شد تا مورد بررسی قرار گیرد. سه نفر از اعضای ستاد اینجانب برای شرکت در جلسه فوق به واشنگتن رفته اند و در تاریخ ۶ سپتامبر به ایران باز می گردند.

۲- دولت ایالات متحده از من خواسته است تا اطلاعات زیر را در اختیار دولت موقت ایران قرار دهم. دولت آمریکا به این نتیجه رسیده است که ارایه اطلاعات مفصلی که ایران درخواست کرده است مستلزم انجام تلاش فوق العاده ایست. این تلاش مستلزم آن است که ۱۰ نفر به مدت ۶ ماه در مرکز امور مالی مساعدت های امنیتی در دنور، کلرادو، مشغول کار باشند.

این نوع بازسازی پرونـده تا به حال از سوی دولت آمریکا برای هیچ کشوری صورت نگرفته است. با وجود این، دولت ایالات متحده به مزایای متقابل این نوع بازسازی اذعان دارد و مایل است در این ارتباط پیشنهادهای زیر را مطرح سازد:

الـف- دولت مـوقت ایران هفت نماینـده و مرکز امـور مـالی مساعـدت هـای امنیـتی سه نماینـده برای بازسـازی مـورد به مورد قراردادها مشـخص نماینـد. مرکز امور مالی مساعدت های امنیتی دسترسـی کامل به پرونده ها و فضای اداری مناسب برای تیم بازسـازی را در اختیار این تیم قرار خواهـد داد. این نوع ترتیبات، دانش عمیقی در ارتباط با برنامه معاملات تسـلیحاتی خارجی در اختیار نمایندگان شما قرار خواهد داد.

ب- دولت موقت ایران می تواند به جای اعزام یک تیم حسابداری از یک شرکت حسابداری معتبر آمریکایی بخواهد خدمات بازسازی پرونده های فوق را به سفارش ایران انجام دهد. می توان از چندین شرکت حسابداری خواست تا پیشنهادهای خود را در این ارتباط ارایه دهند. دولت آمریکا پیش از انتخاب نهایی شرکت حسابداری برای حصول اطمینان از پذیرش آن با دولت موقت ایران مشورت خواهد کرد. اطلاعات مربوط به هزینه خدمات چنین شرکت هایی در حال حاضر در دست نیست.

۴- پیشنهادهای ذیل جهت بررسی ایفاد می گردد(۱):

الف- نماینـدگان دولت موقت ایران شامـل معـاون وزارت دفاع ملی، نماینـدگان سه نیروی ارتش ایران، و دفتر نماینـده ارشـد دفاعی یک کارگروه مشترک را تشـکیل دهنـد. هدف این گروه تدوین و سازماندهی تمامی اطلاعات گسترده ای خواهد بود که دولت ایالات متحده می تواند در نتیجه کنفرانس اخیر واشـنگتن ارایه دهد. لازم است وزارت دفاع ملی و نیروهای سه گانه ارتش کلیه پرونده های مربوط به معاملات تسلیحاتی خارجی را ارایه دهند.

ب- وقتی این اطلاعات جمع آوری و سازمانـدهی شـد آنگاه دولت موقت ایران می توانـد در مورد قبول یکی از پیشـنهادهای ارایه شده از سوی دولت آمریکا در بند ۳ تصمیم بگیرد.

۵- می توانید برای گفتگو در مورد پیشنهادهای دولت آمریکا با ما تماس بگیرید. ما از برگزاری یک جلسه زودهنگام استقبال می کنیم و معتقدیم اطلاعاتی که در جلسه سپتامبر ارایه می شود باید به محض ابراز تمایل از سوی شما در اختیار نمایندگانتان قرار گیرد.

سرلشگر فیلیپ گاست – نیروی هوایی ایالات متحده

نماینده ارشد دفاعی

رونوشت:

وزیر امور خارجه ایران

معاون وزارت دفاع ملی در امور تسلیحات

ملاقات وابسته دفاعی با رئیس ستاد و معاونت لجستیک نیروی هوایی ایران

۱- در اصل سند شماره ۳ وجود ندارد.

سند شماره ۱۹۲

سّری۴ سپتامبر ۱۹۷۹– ۱۳ شهریور ۱۳۵۸

از: دفتر وابسته دفاعی، تهرانبه: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: ملاقات وابسته دفاعی با رئیس ستاد و معاونت لجستیک نیروی هوایی ایران

خلاصه: (سرّی – غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) وابسته دفاعی برای اولین بار ملاقات رسمی با سرلشگر باقری، رئیس جدید ستاد نیروی هوایی ایران، خواهد داشت و دیدار سرتیپ صفری، معاون لجستیکی نیرو را نیز پس خواهد داد. گفتگوها شامل وضعیت سایت های بهشهر و کبکان، بازگشت همافرها بر سر کار، انحلال کمیته ها، فراخواندن سرتیپ های بازنشسته به سر کار، ایبکس، فعالیت های نیروی هوایی در غرب ایران، مشکلات کارگران فیلیپینی در ایران، صنایع هواپیمایی و هواپیماها خواهد بود.

مشروح: الف- (محرمانه) در ساعات واپسین بعداز ظهر یکشنبه ۲ سپتامبر، وابسته دفاعی با خودروی خود به پایگاه دوشان تپه رفت تا سرلشگر امیر بهمن باقری، رئیس ستاد نیروی هوایی ایران، و سرتیپ کمال صفری، معاون فرماندهی لجستیک نیروی هوایی را ملاقات کند. ورود از درب اصلی بدون مشکل انجام شد. چهار نگهبان که دو تای آنها با اسلحه ژ–۳ ایستاده بودند، به هنگام عبور خودروی ما از درب اصلی، تشریفات نظامی را به جا نیاوردند. از آنجا که تقریباً ساعت ۱۶:۰۰ بود، نفرات بسیار کمی را دیدیم. تقریباً همه دفاتر بسته بود زیرا ساعات کار تا ۱۴:۰۰ بیشتر نیست. (یعنی از زمانی که تیمسار باقری آمده است یک ساعت بیشتر از ساعات عادی). وابسته دفاعی با لباس شخصی بدون همراه و بدون هیچ مانعی وارد ساختمان اصلی شد و به سمت دفتر سرتیپ صفری در طبقه دوم رفت. وابسته دفاعی ۱۰ دقیقه زودتر رسیده بود و فرصت پیدا کرد که (عمدتاً به فارسی) با یک ستوان و چند گروهبان نیروی هوایی صحبت کند. گفتگو بیشتر درباره رئیس جدید، همافرها و ساعات کار بود. ستوان مزبور تیمسار باقری را یک فرمانده منظم و خوب توصیف کرد که کنترل نیروی هوایی را به دست گرفته است. وقتی وابسته دفاعی از گروهبان ها درباره همافرها پرسید آنها با لبخندی که بر چهره شان بود گفتند که حالا همافرها هم باید کار کنند و ریش هایشان را بتراشند. گروهبان ها اونیفورم مرتبی به تن داشتند، کاملاً آنکارد کرده و بسیار منظم بودند. به ویژه از زمانی که تیمسار صفری بازگشته است، آنها با اطمینان به نفس بیشتری نسبت به گذشته حرف می زنند و رفتار می کنند. وقتی از آنها ساعات کار را پرسیدند، گفتند که از هشت صبح تا دو بعداز ظهر است، و توضیح دادند که قبلاً از ساعت هشت صبح تا یک بعد از ظهر بوده است، ولی اخیراً رئیس جدید آن را تا ساعات دو بعد از ظهر اضافه کرده است و حتی ممکن است تا ساعت ۳ بعد از ظهر هم اضافه کند.

وابسته دفاعی در حدود ۳۰ دقیقه با سرتیپ صفری ملاقات کرد و سپس [ادامه سند یافت نشد]

حق العمل مأموران

ص: ۴۶۲

سند شماره ۱۹۳

استفاده محدود اداری۴ سپتامبر ۱۹۷۹- ۱۳ شهریور ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهران- ۹۷۶۰به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

مرجع: وزارت امور خارجه ۲۲۷۷۲۱

موضوع: حق العمل مأموران

۱- پس از بررسی پرونده های سیاسی- نظامی موجود در سفارت هیچ پاسخ قطعی برای سئوال شما که در تلکس فوق الذکر مطرح کرده بودید، نیافتیم.

تنها اشاره ای که به ممنوعیت پرداخت حق العمل به مأموران در معاملات نظامی یافتیم در صورتجلسه ملاقات دستیار تیمسار توفانیان، هوشنگ دهش، با مقامات هیأت مستشاری نظامی بود که در مورخ ۸/۱۱/۱۹۷۳ صورت گرفته بود. طبق این صورتجلسه، دهش گفته بود که دولت ایران شدیداً با پرداخت هرگونه وجه یا پورسانتی در معاملات تسلیحاتی خارجی مخالف است، حتی اگر دولت ایالات متحده نیز احساس کند که چنین هزینه ای در چارچوب ASPR قابل قبول باشد.

۲- طبق تلکس شماره ۰۹۱۳۳۵ز مورخ ژوییه ۱۹۷۵، ژنرال توفانیان به ژنرال بَرِت گفته است که «شدیداً و قطعاً با پرداخت هر گونه حق العمل و یا وجوه اضافی دیگری برای تأمین تجهیزات دفاعی مخالف است.»

۳- پرونده های موجود در سفارت شامل هیچگونه اطلاعات روشنی درباره نحوه یا زمان ممنوعیت پرداخت حق العمل به مأموران نیستند. مستشاری نظامی پیشنهاد کرده است که این سئوال را از سازمان مساعدت های امنیتی دفاعی بپرسید. شاید معاون این سازمان اطلاعات بیشتری در مورد این نوع پرونده ها و یا پیشینه این موضوع داشته باشد.

۴- سفارت نسخه های مربوط به این اسناد را با نامه برایتان ارسال خواهد کرد.

تامست

هیأت نظامی ایران

سند شماره ۱۹۴

محرمانه۶ سپتامبر ۱۹۷۹- ۱۵ شهریور ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهرانبه: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: هیأت نظامی ایران

۱- چند روز قبل، آقای بهرامی از دفتر معاونت تسلیحاتی وزارت دفاع به هیأت مستشاری نظامی اطلاع داد که پیشنهادی برای استقرار یک هیأت نظامی ایرانی در واشنگتن دی.سی تهیه کرده است. ظاهراً این پیشنهاد در وزارت دفاع در دست بررسی است. بهرامی گفت مأموریت اصلی این هیأت انجام خریدهای تجاری و ارتباط با وزارت دفاع و وزارت امور خارجه آمریکاست. او نظر هیأت مستشاری را در صورت تأیید چنین پیشنهادی از سوی دولت موقت

ایران جویا شد. به بهرامی پاسخ دادیم که هیأت مستشاری قبلاً نیز استقرار یک هیأت ایرانی را در واشنگتن تشویق کرده بود و به اعتقاد ما دولت ایالات متحده از این پیشنهاد استقبال خواهد کرد.

۲- در طول گفتگوهای هیأت مستشاری با سرتیپ صفری، معاونت فرماندهی لجستیک ستاد نیروی هوایی، در تاریخ ۵ سپتامبر، وی توضیحات بیشتری درباره پیشنهاد فوق ارایه داد. صفری می گوید که نزدیک ۵۰ نفر در این هیأت عضو خواهند بود. علاوه بر اطلاعاتی که بهرامی در اختیار ما گذاشته بود، صفری توضیح داد که نیروی هوایی ایران افسران رابط خود را نظیر افسرانی که در فرماندهی ساز و برگ هوایی در «اُگدن» دارد، به این هیأت منتقل خواهد ساخت. همچنین، هیأت خرید نیروی هوایی ایران نیز از نیویورک در این هیأت ادغام خواهد شد.

۳- فکر می کنیم آنها قصد داشته باشند که پرداخت های صندوق امانی خریدهای نظامی خارجی نیز از سوی این هیأت صورت گیرد.

۴- تحولات آتی را گزارش خواهیم داد.

پروژه شرکت باوون- مک لفلین- یورک (بی.ام.وای) در MIS

سند شماره ۱۹۵

محرمانه۶ سپتامبر ۱۹۷۹- ۱۵ شهریور ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی-۴۶۶۲به: سفارت آمریکا، ایران- فوری

موضوع: پروژه شرکت باوون- مک لفلین- یورک (بی.ام.وای) در MIS

۱- (محرمانه- تمام متن)

۲- در جلسه ای که در تاریخ ۶ سپتامبر ۱۹۷۹ در وزارت امور خارجه برگزار شد، رئیس شرکت باوون-مک لفلین-یورک، چارلز برانسن و دستیارانش اطلاع دادند که شرکت متبوعشان نامه ای از سرهنگ کامکار دریافت داشته به این مضمون که شرکت فوق سه متخصص را به مدت شش ماه برای ارزیابی تکمیل پروژه روزآمد کردن تانک های پاکستانی که این شرکت پیش از انقلاب مشغول انجام آن بود به MIS اعزام کند. درخواست دیگری نیز برای اعزام یک نفر متخصص برای تعمیر دستگاه Heattreat در MIS صورت گرفته است. برانسن نظر ما را درباره امنیت کارمندانش در MIS و همچنین معقول بودن کار با ایرانی ها در این برهه جویا شد. به برانسن گفتیم که اصولاً ما از بازگشت شما و تکمیل برنامه روزآمد کردن تانک ها کاملاً حمایت می کنیم، زیرا این امر به نفع آمریکا، ایران و پاکستان خواهد بود. البته به آنها تذکر دادیم که پیش از مبادرت به هر اقدامی ابتدا از امنیت کارمندان خود در ایران اطمینان حاصل کنند. به او قول دادیم که این مطلب را با سفارت

در میان خواهیم گذاشت.

۳- فکر نمی کنیم اخیراً کسی از مأموران سفارت و یا هیأت مستشاری از MIS دیدار کرده باشد. بهتر است از سرهنگ کامکار بپرسیم که دولت موقت ایران حاضر است چه تدابیر امنیتی برای کارکنان شرکت باوون-مک لفلین-یورک در نظر بگیرد، و از نظر ما حتی بهتر آن است که یک نفر شخصاً وضعیت MIS را از نزدیک بررسی کند. چیزی که به برانسن گفتیم این بود که

حداقل یکی از کارکنان خود را به همراه متخصص دستگاه Heatteart به ایران بفرستد. آنها می توانند ابتدا به سفارت در تهران بیایند تا توضیحات لازم در اختیارشان قرار گیرد و سپس با کامکار مذاکره کنند. آنگاه نفرات شرکت می توانند به همراه نماینده سیاسی- نظامی سفارت به MIS بروند تا شرایط را از نزدیک ارزیابی کنند؛ چه برای روزآمد کردن تانک ها و چه کل تأسیسات. معتقدیم همراهی یکی از کارکنان سفارت با نفرات شرکت در دیدار از MIS می تواند از لحاظ جمع آوری اطلاعات مهم و مفید باشد و همچنین مایلیم نظر شما را در خصوص امکان همراهی و اقامت چند روزه مأمور سفارت در MIS جویا شویم.

۴- شرکت باوون- مک لفلین- یورک مدعی است که هیچ مشکل حل نشده خاصی با دولت موقت ایران و یا کارکنان سابقش ندارد. البته پیش از آنکه آنها قطعاً تصمیم به بازگشت بگیرند، باید مسایل زیادی حل شود، ولی مهمتر از همه مسئله امنیت کارکنان در MIS است. ظاهراً کامکار مایل است این کار هر چه زودتر انجام شود و شرکت بی.ام.وای هم حاضر است به محض چراغ سبز ما اقدام کند. بنابراین، خواهشمندیم هر چه سریعتر نظرتان را اعلام کنید.

ونس

[بدون تاریخ]

در پاسخ به تلکس وزارت [امور خارجه] مبنی بر اینکه شرکت باوون-مک لفلین-یورک (بی.ام.وای) به پیشنهاد وزارتخانه برای اعزام یک کارمند شرکت به همراه متخصص دستگاه heattreat و یکی از کارمندان سفارت به MIS برای ارزیابی وضعیت امنیتی آن آمادگی دارد، نماینده گروه مستشاری بلافاصله با سرهنگ کامکار (در وزارت دفاع ملی ایران) و سرهنگ راستین (رئیس پشتیبانی نیروهای زمینی) تماس گرفت. هم اینک منتظر پاسخ رسمی وزارت دفاع ملی هستیم که احتمالاً روز شنبه به دستمان خواهد رسید. احتمالاً جزییات مربوط به سفر (مثلاً محل اقامت و غیره) در همین پاسخ و یا کمی بعد از آن اعلام خواهد شد. هیأت مستشاری هر روز در همین ارتباط با مقامات وزارت دفاع ملی در تماس بوده است. به محض اینکه آنها تصمیم بگیرند و ترتیب این سفر را بدهند، نتایج به واشنگتن اطلاع داده خواهد شد. نماینده سیاسی-نظامی سفارت و نماینده گروه مستشاری (استوار یکم ریگان) نیز نفرات شرکت بی.ام.وای را در سفر به MIS همراهی خواهند کرد.

خرید نظامی خارجی نیروی دریایی اسلامی ایران

سند شماره ۱۹۶

محرمانه۸ سپتامبر ۱۹۷۹- ۱۷ شهریور ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهرانبه: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

موضوع: خرید نظامی خارجی نیروی دریایی اسلامی ایران

۱- (بدون طبقه بندی) ناخدا سوم هیگبی در روز ۵ سپتامبر ۱۹۷۹ با دریادار علوی،

جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی، و ناخدا افضلی، مدیر بخش لجستیک نیروی دریایی اسلامی ایران ملاقات کرد.

۲- (محرمانه) دریادار علوی اظهار داشت نیروی دریایی اسلامی ایران در تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۷۹ درخواستی برای چهار قرارداد خرید نظامی خارجی به هیأت مستشاری نظامی تسلیم خواهد کرد. این قرارداد شامل خرید قطعات برای تعمیر کشتی ها به مبلغ ۷ میلیون دلار، مواد خام برای کارگاه کشتی سازی به مبلغ ۳ میلیون دلار، انتشارات به مبلغ ۱ میلیون دلار، و پشتیبانی دفاتر نیروی دریایی اسلامی ایران در ایالات متحده به مبلغ ۵۰ هزار دلار خواهد بود. نیروی دریایی اسلامی ایران در مذاکرات قبلی اظهار داشته بود که هر گونه درخواست آتی در قالب قراردادهای جدید صورت خواهد گرفت، ولی امروز گویا نظر آنها اضافه کردن این درخواست ها به قراردادهای موجود بود.

۳- (بدون طبقه بندی) در تلکس هیأت مستشاری به شماره ۰۴۱۳۴۸ز مورخ ۴ سپتامبر ۱۹۷۹ اطلاع داده بودیم که نیروی دریایی اسلامی ایران شرکت آریا را به عنوان شرکت حمل و نقل خود انتخاب کرده است. دریادار علوی و ناخدا افضلی به ناخدا سوم هیگبی اطمینان دادند که شرکت آریا و آمادهای فنی لجستیک نیروی دریایی اسلامی ایران آمادگی جابجایی و نگهداری هر گونه محموله ای را دارند.

۴- (محرمانه) به محض دریافت تقاضانامه برای پشتیبانی لجستیک، مراتب را به اطلاع خواهیم رساند. گاست

پشتیبانی از نیروی دریایی اسلامی ایران

سند شماره ۱۹۷

محرمانه ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۹- ۲۰ شهریور ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهرانبه: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: پشتیبانی از نیروی دریایی اسلامی ایران

۱- نامه محرمانه زیر در تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۷۹ به دست هیأت مستشاری رسیده است.

***

از: (اداره خریدها) نیروی دریایی اسلامی ایران

به: نماینده نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا

موضوع: درخواست نامه پیشنهاد و قبول

۱- نیروی دریایی اسـلامی ایران قصـد انعقاد چهار قرارداد خرید نظامی خارجی را در ارتباط با موارد زیر دارد: قطعات یدکی، قطعات هواپیما و مواد خام پروازی.

الف) قطعات یدکی، قطعات قابل تعمیر، و انتشارات مربوط به FLOATING UNIT به مبلغ ۷۰۰۰۰۰۰ (هفت میلیون دلار).

ب- قطعات قابل تعمیر و انتشارات مربوط به پرواز به مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ (یک میلیون دلار).

پ- مواد خام کارخانه ای به مبلغ ۳۰۰۰۰۰۰ (سه میلیون دلار).

ت- فضای اداری در ایالات متحده به مبلغ ۵۰۰۰۰ (پنجاه هزار دلار).

۲- خواهشمند است اقدام مقتضی را مبذول نموده و نامه جدید پیشنهاد و قبول را به اداره خریدهای نیروی دریایی اسلامی ایران ارسال نمایید.

امضا- دریادار علوی، از طرف دریادار مدنی - رئیس ستاد

***

۲- (محرمانه) نیروی دریایی اسلامی ایران این قراردادهای جدید را ادامه قراردادهای پشتیبانی مربوطه ای می داند که پیش از انقلاب در حال اجرا بود. قرارداد الف و پ باید با همان شرایط خاص قرارداد خریدهای نظامی خارجی شماره IR-P-JPO-IR ۷۸ ادامه یابد. قرارداد الف مربوط به قطعات یدکی و قابل تعمیر و انتشارات برای واحدهای فعال AFLOAT نیروی دریایی ایران است. هدف از قرارداد پ نیز تدارک و پشتیبانی لوازم و مواد لازم برای کارگاه کشتی سازی و تأسیسات تعمیر و نگهداری است. قرارداد ب نیز باید با همان شرایط خاص قرارداد خریدهای نظامی خارجی شماره IR-P-JFN-۷۸ با هدف پشتیبانی از RH-۵۳D ادامه یابد. قرارداد ت فقط به منظور پشتیبانی از دفتر تدارکات فنی در فیلادلفیا درخواست شده است، که احتمالاً- جمع بندی سه قرارداد خریدهای نظامی به شماره های IR-P-GGN و GGO و GGP-۷۸ است. دولت به موجب قرارداد شماره IR-GGA پشتیبانی برای دفتر تدارکات فنی را تا ۳۱ مارس ۱۹۸۰ تمدید کرده است، بنابراین قرارداد جدیدی باید نوشته شود تا پشتیبانی فوق از تاریخ ۱ آوریل ادامه یابد.

۳- (بدون طبقه بندی) پس از آماده شدن نامه پیشنهاد و قبول آن را به آدرس زیر ارسال نمایید:

نماینده ارشد دفاعی

سفارت آمریکا در ایران، تهران

اتاق پستی وزارت امور خارجه

واشنگتن دی.سی ۲۰۵۲۰

۴- (محرمانه) هیأت مستشاری به نیروی دریایی اسلامی ایران تأکید کرده است که آماده کردن قراردادهای جدید، شروع مجدد پشتیبانی تدارکات را حداقل ۶۰ روز به تأخیر می اندازد. نیروی دریایی اسلامی ایران اظهار می دارد که در حال حاضر هیچ نیاز اضطراری ندارد. با وجود این، چنانچه این تأخیر بیش از حد تشخیص داده شود، نیروی دریایی اسلامی ایران می

تواند موقتاً وجوهی را در قبال قراردادهای موجود پرداخت نماید. خواهشـمند است هیأت مسـتشاری نظامی را در جریان آماده کردن قراردادهای جدید و هرگونه تأخیر احتمالی قرار دهید.

گاست

برنامه آموزش نیروهای دریایی ایران

سند شماره ۱۹۸

محرمانه۱۱ سپتامبر ۱۹۷۹- ۲۰ شهریور ۱۳۵۸

از: دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده، تهرانبه: سازمان اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سی

موضوع: برنامه آموزش نیروهای دریایی ایران

خلاصه: (محرمانه) هر ساله ۲۰ دانشجوی نیروی دریایی ایران به آلمان غربی سفر می کنند تا دوره های دانشکده و خدمت بر روی کشتی را بگذرانند. دریادار مغانی (بازنشسته) در پُست فرماندهی پایگاه بندر انزلی (پهلوی سابق) به خدمات فرا خوانده می شود.

مشروح گزارش:

الف- (محرمانه) هر ساله ۲۰ دانشجوی نظامی نیروی دریایی ایران به منظور گذراندن دوره های آموزشی دانشکده دریایی و خدمت بر روی کشتی به آلمان غربی اعزام می شوند. طول دوره آموزشی سه سال است، و دانشجویان پس از گذراندن موفقیت آمیز این دوره درجه افسری دریافت می کنند. نیروی دریایی ایران مایل است تعداد دانشجویانی که در این دوره شرکت می کنند افزایش یابد. با وجود این، منبع (الف) می گوید که از نظر او وضعیت آموزش زبان آلمانی در ایران آنقدر خوب نیست که بتوان تعداد دانشجویان اعزامی به این دوره ها را افزایش داد. او گفت با تعدادی از دانشجویانی که قرار است به آلمان اعزام شوند صحبت کرده است، ولی زبان آلمانی آنها در حد استاندارد نیست. او گفت همه کتاب های درسی و دستورات به زبان آلمانی است، و احتمالاً تعداد زیادی از این دانشجویان موفق به ادامه دوره نخواهند شد. دانشجویان ایرانی باید پا به پای دانشجویان آلمانی پیش بروند. منبع خبری گفت که در آینده دانشجویان نیروی دریایی ایران برای آموزش فقط به دانشکده های آلمان غربی و ایتالیا اعزام خواهند شد.

ب- (بدون طبقه بندی) منبع ب، دریادار بازنشسته نصرالله [احتمالاً نوغانی]، به وابسته دفاعی گفت که تا یک یا دو ماه دیگر از او دعوت خواهد شد تا فرماندهی مرکز آموزش بندر انزلی را بر عهده گیرد. او گفت دریادار علوی خاطر نشان کرده است که در نیروی دریایی به فرماندهان باتجربه تر نیاز داریم و ممکن است تعداد بیشتری از بازنشستگان به خدمت فرا خوانده شوند.

نظرات گزارشگر: (محرمانه) منبع الف، وابسته نیروی دریایی آلمان غربی است که مستقیماً در برنامه آموزش دانشجویان نیروی دریایی ایران دست دارد. منبع ب، یعنی دریادار [نوغانی]، قبلاً F-۶ رده بندی شده بود زیرا وابسته دفاعی هیچ تماسی با او نداشته است، ولی احتمالاً انتخاب او برای فرماندهی پایگاه بندر انزلی حقیقت دارد زیرا دریادار علوی قبلاً به وابسته دفاعی گفته بود که به یک فرمانده مورد اعتماد و باتجربه برای اداره پایگاه بندر انزلی احتیاج دارد. دریادار [نوغانی] قبلاً در پست

وابسته نیروی دریایی در واشنگتن دی.سی خدمت می کرد. او فارغ التحصیل دانشکده نیروی دریایی ایالات متحده است، و قبلاً افسر رابط تدارکات در فیلادلفیا بوده است. او شش سال در ایالات متحده به سر برده است.

نامه وزارت امور خارجه ایران در ارتباط با شرکت «الکترونیک دیتا سیستمز»

سند شماره ۱۹۹

محرمانه۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹- ۲۷ شهریور ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه، واشنگتن

موضوع: نامه وزارت امور خارجه ایران در ارتباط با شرکت «الکترونیک دیتا سیستمز»

۱- (محرمانه- تمام متن.)

الف- متن زیر ترجمه ایست از نامه مورخ ۲۸ اوت ۱۹۷۹ از سوی وزارت امور خارجه ایران (اداره چهارم سیاسی- قاره آمریکا) در ارتباط با موضوع شرکت الکترونیک دیتا سیستمز که در سفارت صورت گرفته است. داریوش بایندر، مسئول اداره سیاسی که این نامه را به سفارت نوشته است، شخصاً متن ترجمه را اصلاح کرده است.

- وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تعارفات خود را به سفارت ایالات متحده آمریکا در ایران اظهار داشته و افتخار دارد که از طرف دولت موقت جمهوری اسلامی ایران مطالب زیر را در خصوص مسدود شدن ۱۶ میلیون دلار وجوه متعلق به نیروهای هوایی و دریایی ایران متعاقب شکایت شرکت «الکترونیک دیتا سیستمز» از سازمان تأمین اجتماعی ایران، و متعاقب مذاکراتی که در همین خصوص در روز ۱۴ و ۱۶ اوت امسال بین مقامات وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و سفارت آمریکا صورت گرفت، به عرض برساند.

- چنانکه سفارت استحضار دارد، دادگاههای بخش دالاس و نیویورک، بر خلاف مفاد قرارداد، رأی به داشتن صلاحیت قضایی رسیدگی به دعوای حقوقی شرکت الکترونیک دیتا سیستمز علیه سازمان تأمین اجتماعی ایران داده اند و در نتیجه دادگاه نیویورک دستور مسدود شدن مبلغ ۱۶ میلیون دلار وجوه متعلق به نیروهای دریایی و هوایی ایران را که به تسویه دیون باقیمانده این نیروها تخصیص یافته بود، صادر کرده است.

- صرف نظر از جوانب حقوقی این رأی و دعوای هر یک از طرفین علیه دیگری، دولت موقت جمهوری اسلامی ایران لازم می داند توجه سفارت آمریکا را به پیامدهای سیاسی مهم رأی دادگاههای آمریکا که در واقع به معنای سلب صلاحیت قضایی دادگاههای ایران است (آن هم بر خلاف مفاد قرارداد) و مسدود کردن وجوه متعلق به دولت ایران جلب کرده و نکات زیر را در همین ارتباط خاطر نشان سازد:

- ۱) مسدود کردن وجوه متعلق به نیروهای هوایی و دریایی ایران نه فقط بر خلاف قوانین و عرف مسلم بین المللی است، بلکه ناقض قوانین ایالات متحده نیز هست، از جمله مفاد قانون مصونیت دولت های خارجی مصوب سال ۱۹۷۶.

- ۲) رأی دادگاههای نیویورک و دالاس بر اینکه «هرج و مرج قضایی» در ایران حاکم بوده و امنیت حقوقی از بین رفته است،

ناشی از تعصب سیاسی بی پایه و اساس قضات دادگاههای مزبور بوده است.

- ۳) اقدام غیرقانونی مسدود کردن دارایی های دولت ایران سابقه ای بسیار خطرناک در روابط بین الملل به جای خواهد گذاشت و بنیان اطمینان و اعتماد دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، و به طور بالقوه دولت های دیگر را به نظام قضایی ایالات متحده آمریکا متزلزل خواهد ساخت و زیان های فراوانی به روابط تجاری متقابل بین آنها که لازمه آن علم و اعتماد به رویه های قضایی حل و فصل اختلافات است، وارد خواهد کرد.

- نظر به اینکه رأی عجیب و خودسرانه قضات آمریکایی در دعوای حقوقی مزبور وضعیتی ایجاد کرده است که مسلماً بر روابط بین دولتین ایران و آمریکا اثر سوء خواهد گذاشت، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران از سفارت آمریکا تقاضا دارد از دولت ایالات متحده بخواهد در اقدامی قاطع و عاجل توجه مقامات قضایی کشور را به عواقب صدور چنین احکامی جلب نموده و در اسرع وقت اقدامات مقتضی را جهت ابطال احکام مذکور به دلایل فوق الذکر مبذول دارد.

- وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران فرصت را مغتنم دانسته و بار دیگر مراتب احترام فائقه خود را ابراز می دارد.

لینگن

توضیح وضعیت صندوق امانی و یادداشت تفاهم به دولت موقت ایران

سند شماره ۲۰۰

محرمانه۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹– ۲۷ شهریور ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهرانبه: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: توضیح وضعیت صندوق امانی و یادداشت تفاهم به دولت موقت ایران

۱– (بدون طبقه بندی) در روز ۱۲ سپتامبر توضیحاتی درباره صندوق امانی و یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ در اختیار سرهنگ کامکار (معاون وزارت دفاع ملی ایران) و دو نفر از زیردستانش (آقای بهرامی و آقای مهدیزاده) گذاشته شد. این توضیحات از سوی سرهنگ دیویس ارایه شد، ولی سرلشگر گاست، سرهنگ دوم استوکلن و یک نفر از نیروهای هیأت مستشاری نظامی نیز در این جلسه حضور داشتند. فضای حاکم بر جلسه دوستانه بود و ظاهراً مقامات ایرانی با فهمیدن این مسئله که صندوق امانی هنوز توانایی پرداخت بدهی هایش را دارد نفس راحتی کشیدند.

۲– (محرمانه) آقای بهرامی یک بار دیگر قیمت کشتی ها را پرسید و مهدیزاده هم به افزایش ۱۰۰ میلیون دلاری هزینه ها در مقایسه با گزارش ماه می اشاره کرد. فکر می کنم پاسخمان به این سئوالات کافی بود و موافقت کردیم موشک ها و اژدرها را نیز در جدول مربوط به استرداد وجوه به صندوق امانی بگنجانیم. آنها همچنین پیشنهاد کردند متعاقب تغییرات حاصله پس از امضای یادداشت تفاهم، اصلاحاتی برای مجتمع کردن برنامه های درخواستی نیروهای مسلح ایران صورت گیرد، و همچنین

پیشنهاد کردند اطلاعات اضافی دیگری نظیر ارزش برنامه ها و

قراردادها در اختیار آنها بگذاریم. این پیشنهاد از آن جهت ارایه شد که وقتی بدانیم ارزش برنامه خرید اف-۱۶ بالغ بر ۳ میلیارد دلار بود، آنگاه ضرر و زیان آن چندان به چشم نمی آید. توضیحات را به گونه ای اصلاح کردیم که نظرات آنها نیز در آن ملحوظ شده باشد.

۳- (بدون طبقه بندی) آنها درباره قطعات هواپیماهای آر.اف-۴ ای پرسیدند و ما نیز پاسخ دادیم که این قطعات قابل تحویل است. همچنین به آنها گفتیم که احتمالاً خریداری برای تریلرهای ام۱۱ پیدا شده است و نظر آنها را درباره آن جویا شدیم. آنها گفتند که باید تریلرها را بفروشیم و چنانچه خریداری برای آنها پیدا نشد، به ایران تحویل بدهیم. از آنها خواستیم این مسئله را کتباً به ما ابلاغ کنند. با وجود این، مقتضی خواهد بود ارتش ایالات متحده درخواستی کتبی برای کسب تکلیف درباره فروش این تجهیزات ارسال نماید. (از آنجایی که انتظار می رود واکنش به این نوع درخواست ها بسیار کُند باشد، متن درخواست مزبور باید به گونه ای تنظیم شود که در صورت عدم پاسخ تا یک تاریخ مشخص، ارتش بتواند اقدام نماید.)

۴- (محرمانه) در پاسخ به امکان تحویل ۹۶ موشک هارپون، ژنرال گاست رویه های امنیتی دولت آمریکا را توضیح داد و احتمال لزوم تجدید نظر مشترک موافقت نامه سال ۱۹۷۴ و امکان لزوم امضای یک موافقت نامه جدید را گوشزد کرد. ظاهراً طرف مقابل این توضیح را پذیرفت. ولی این پاسخ مسلماً مسایلی را که به اعتقاد ما مکرراً ایجاد خواهد شد، حل نمی کند.

۵- (بدون طبقه بندی) در تاریخ ۱۶ سپتامبر، همان تیم (بعلاوه آقای داتری، مسئول سیاسی-نظامی سفارت) توضیحاتی در اختیار نمایندگان وزارت امور خارجه، وزارت دفاع ملی، ستاد مشترک و نیروهای مسلح ایران قرار دادند. ژنرال گاست توضیحی در مورد وضعیت خریدهای نظامی خارجی ارایه داد و تمایل ما برای پاسخگویی به نگرانی های دولت ایران بابت این برنامه ها را ابراز داشت. تقریباً ۴۰ نفر در این جلسه حضور داشتند و نمایندگان حاضر در جلسه از رده های دوم و سوم دولت بودند. آقای ایزدی (دستیار آقای بایندر، رئیس اداره امور قاره آمریکا) از طرف وزارت امور خارجه، و سرهنگ کامکار از طرف وزارت دفاع در آن جلسه حضور داشتند. به استثنای سرتیپ صفری (نیروی هوایی ایران)، بقیه حضار سرهنگ و یا درجه ای پایین تر از سرهنگ داشتند. سرهنگ کامکار از ما خواست که توضیحات کوتاه باشد و به همین دلیل سئوالات برای آخر جلسه ماند. فقط دو سئوال اصلی پرسیده شد: سرتیپ صفری گفت گزارشی درباره وضعیت هواپیماهای آر.اف-۴ ای نیمه تولید شده در MACAIR به دست او رسیده است و پرسید چگونه می تواند این هواپیماها را تحویل بگیرد. ژنرال گاست گفت ابتدا باید یک درخواست کتبی ارسال شود و آنگاه دولت آمریکا درخواست شما را مورد بررسی قرار خواهد داد. تأکید کردیم که چنانچه توافقی حاصل شود، امضای یک قرارداد خرید نظامی خارجی و پیش پرداخت نقدی حتماً ضروری است. گفتیم انتظار داریم که هر چه زودتر فرم درخواست به دستمان برسد. سرهنگ حداد (از ستاد مشترک، J-۴) درباره قرارداد TAFT پرسید. در این باره توضیحی ارایه نشد زیرا احساس نمی کردیم اطلاعات کافی را در اختیار

داشـته باشـیم. پیش از پاسخ به آنها در این ارتباط به اطلاعات اضافی نیازمند هستیم. سرهنگ دوم استوکلن به هنگام بازگشت نیازهای ما را اطلاع خواهد داد.

۶- (بدون طبقه بندی) سرهنگ دوم استوکلن همچنین با خود رونوشت اسلایدها و نوشته های اصلاح شده جلسات توجیهی را خواهد آورد. او گزارش مفصل تری آماده کرده است.

۷- (بدون طبقه بندی) بدینوسـیله از مرکز حسابداری مساعدت های دفاعی به خاطر فرسـتادن سرهنگ دوم استوکلن تشکر می کنیم. اطلاعـات عالی او در تهیه گزارش های توجیهی و پاسخ به بسـیاری از سـئوالات در همان جلسه، بسـیار مفیـد واقع شـد. وزارت دفاع ملی ایران از حضور او بسیار استقبال کرد و فکر می کنیم حضور او به اعتبار جلسات توجیهی افزود.

دیویس

درخواست دولت ایران برای دخالت دولت آمریکا...

سند شماره ۲۰۱

محرمانه۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹- ۲۷ شهریور ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

مرجع: (الف) سفارت - ۱۰۱۵۵، (ب) سفارت - ۹۱۳۷

موضوع: درخواست دولت ایران برای دخالت دولت آمریکا

در پرونده شرکت الکترونیک دیتا سیستمز

۱- (محرمانه- تمام متن)

۲- سفارت یادداشتی از وزارت امور خارجه ایران (تلکس جداگانه) در ارتباط با مسدود شدن ۱۶ میلیون دلار دارایی متعلق به نیروهـای دریـایی و هوایی ایران در ایالـات متحـده در ارتباط با پرونـده شـرکت الکترونیک دیتا سیسـتمز به حکم دادگاههای عادی آمریکا دریافت داشته است.

۳- در گفتگوهـایی که در ارتبـاط با این یادداشت با آقای بایندر، رئیس اداره امور آمریکا در وزارت امور خارجه ایران انجام شد، بایندر تأکید کرد که دولت موقت ایران این اقدام دادگاه را مسئله ای با انگیزه های سیاسـی بین ایالات متحده و ایران می داند و نه یک مسـئله حقوقی. یادداشت فوق سعی دارد این پرونده را سیاسی جلوه دهد و از دولت ایالات متحده خواسته است

تـا توجه «مقامـات قضـایی آمریکـا» را به تأثیرات منفی احکامی نظیر حکم مربوط به پرونـده شـرکت الکترونیک دیتا سیسـتمز جلب کند و اقداماتی جهت ابطال حکم مزبور اتخاذ نماید. بایندر آشـکارا نگران بود که این حکم به سابقه و رویه ای حقوقی بدل شود.

۴- مسـئول سـفارت، تفکیک و استقلال قوای مجریه و قضاییه را در ایالات متحده به آقای بایندر خاطر نشان ساخت و توضیح داد که رسـیدگی به این پرونـده از سوی دادگاه عالی خیلی زود آغاز خواهد شد. او گفت ای کاش دولت ایران پیش از اینکه این نوع مسایل به دادگاه

کشیده می شد به آنها رسیدگی می کرد و نمی گذاشت کار به اینجا کشیده شود.

۵- معلوم بود بایندر مسئله تفکیک قوا را چندان جدی نگرفته است و مسئول سفارت خاطر نشان کرد که هر چند ممکن است تفکیک قوا در برخی کشورها واقعی نباشد، [اما] این مسئله در آمریکا کاملاً واقعیت دارد. بایندر گفت بسیاری از مقامات وزارت امور خارجه این اقدام دادگاه را نشانه خصومت آمریکا با ایران تلقی کرده اند. چنانچه دادگاهها اجازه داشته باشند چنین احکامی صادر کنند، این مسئله مسلماً می تواند نتایج بسیار زیان باری برای روابط آمریکا و ایران داشته باشد.

۶- بایندر گفت مطمئن است وزارت امور خارجه آمریکا بدون دخالت در رویه های قضایی، توجه دادگاههای آمریکا را به مشکلاتی که این پرونده در روابط بین دو کشور ایجاد کرده است، جلب خواهد کرد. بایندر گفت از این مسئله نگران است که «قضات» پرونده نسبت به ایران خصومت داشته باشند و اگر دولت آمریکا اقدامی انجام ندهد، این پرونده را کِش بدهند.

نظر گزارشگر: البته نمی دانیم اصل این رویکرد از کجا آب می خورد، ولی به اعتقاد ما بخشی از این موضع افراطی ناشی از سبک و سیاق مذاکراتی شخص بایندر است.

۷- کنسول اقتصادی سفارت در گفتگویی که روز ۱۲ سپتامبر با بایندر داشت، مطالبی را که در تلکس شماره ۲۳۶۶۵۷ وزارت امور خارجه آمده بود به او ابلاغ و یک یادداشت تسلیم او کرد. به اعتقاد ما این مسئله در پاسخ به بایندر در ارتباط با مسئله شرکت الکترونیک دیتا سیستمز کافی باشد. البته کنسول اقتصادی در گفتگوهایش با بایندر دقیقاً به این مسئله اشاره نکرده است، ولی از آنجایی که دستور مغایری در تلکس مورخ ۱۴ سپتامبر وزارت امور خارجه داده نشده است، قصد دارد به بایندر توضیح دهد که یادداشت ۱۲ سپتامبر تنها پاسخی است که در حال حاضر می توانیم به یادداشت او بدهیم. کنسول اقتصادی به بایندر تأکید خواهد کرد که مراحل فرجام خواهی در حال انجام است و سیاست وزارت امور خارجه هنوز ایجاب نمی کند که در این مرحله از رسیدگی به پرونده به دادگاه برود و نظر دهد. وزارت امور خارجه مراحل رسیدگی را به دقت زیر نظر خواهد داشت و چنانچه شرایط نظردادن وزارت پیش آمد، مسلماً آن را مد نظر قرار خواهد داد. لینگن

صندوق امانی، گزارشی در خصوص یادداشت تفاهم...

سند شماره ۲۰۲

محرمانه ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۹- ۲۹ شهریور ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهران به: وزرات امور خارجه، واشنگتن دی.سی - فوری- ۳۸۸۵

موضوع: صندوق امانی، گزارشی در خصوص یادداشت تفاهم

به وزیر امور خارجه ایران

[الف]- (محرمانه- تمام متن)

[ب]- سرهنگ کامکار، معاون وزیر دفاع ملی، به سرهنگ دیویس، رئیس ستاد هیأت

مستشاری نظامی، اطلاع داد که وزارت دفاع ملی در روز ۲۲ سپتامبر جلسه ای برای ارایه برخی توضیحات با دکتر یزدی برگزار خواهد کرد. این جلسه اصولاً برای ارایه توضیحاتی در خصوص وضعیت صندوق امانی و یادداشت تفاهم برگزار می شد. کامکار خاطر نشان کرد که ابتدا وزارت دفاع ملی گزارش خود را به یزدی ارایه می کند، و سپس چنانچه نیاز به توضیحاتی از سوی آمریکایی ها بود، به آنها اطلاع خواهند داد. کامکار توضیح داد که فکر نمی کند تا بازگشت یزدی از جلسه مجمع عمومی سازمان ملل نیازی به توضیح آمریکایی ها باشد، البته اگر اصلاً نیازی باشد. وزیر امور خارجه ایران خاطر نشان ساخته است که احتمالاً از مذاکره با نماینده گروه مستشاری نظامی پس از برگزاری این جلسه استقبال خواهد کرد.

[پ]- چنانچه یزدی تمایلی به ملاقات با نمایندگان وزارت دفاع آمریکا در نیویورک نشان دهد، انتظار می رود با توجه به گزارش مربوط به صندوق امانی و یادداشت تفاهم که در تاریخ ۱۶ سپتامبر به او تسلیم شد و همچنین توضیحات کامکار کم و بیش از جزییات امر مطلع باشد. علاوه بر مسئله صندوق امانی، ممکن است برخی موضوعات دیگر نیز که در ذیل آمده در جلسات آتی با یزدی و یا اعضای تیم اعزامی ایران مطرح شود:

- حساب تفصیلی هزینه های به حساب رفته ایران بابت کشتی های دی-۹۹۳. طبق یادداشت تفاهم برخی وجوه «غیرقابل استرداد» است که بایندر (مدیر امور قاره آمریکا در وزارت امور خارجه ایران) یکبار دیگر از ما جزییات آن را سئوال کرده است. صرف نظر از توضیحات مربوط به این مسئله، ظاهراً دولت موقت ایران هنوز احساس می کند تمام پولی که باید از محل لغو قرارداد خرید کشتی های مذکور به دست می آورد به آن مسترد نشده است. در آخرین ملاقاتمان، آقای بایندر از نماینده سیاسی- نظامی سفارت خواستند تا اطلاعاتی که نیروی دریایی آمریکا برای برآورد هزینه ها و خسارات ناشی از لغو قرارداد مورد استفاده قرار داده است، در اختیار او قرار دهیم.

- موشک های هارپون: دولت موقت ایران هم قصد و هم نیاز به تهیه موشک های فوق برای تجهیز قایق های گشتی LA COMBATANTE دارد و به همین دلیل پیش بینی می کنیم برای اتخاذ یک سیاست مطلوب در خصوص آن تلاش کند.

- هواپیماهای آر.اف-۴ ای: تیم ایرانی که در کنفرانس مورخ اوت ۱۹۷۹ در ارتباط با تولید هواپیماهای اف-۴ شرکت کرده بود، گزارش داده است که به هنگام لغو قرارداد پنج یا شش هواپیمای آر.اف-۴ ای سفارش ایران در مراحل نهایی تولید بودند. پیش بینی می کنیم دولت موقت ایران خواهان خرید این هواپیماها به قیمت منصفانه ای باشد (البته این اصطلاحی است که آنها استفاده می کنند). آنها به طور غیر رسمی تمایل خود را به تحویل این هواپیماها به افسران هیأت مستشاری و مسئولان وزارت امور خارجه آمریکا ابراز داشته اند، و به خوبی اطلاع دارند که پیش از انتقال هواپیماها

از خط تولید به انبار باید به طور رسمی تقاضای خرید خود را مطرح سازند.

ت- هزینه لغو قراردادها: وزارت امور خارجه ایران یک بار دیگر خواستار اطلاعات مربوط به هزینه لغو قراردادها، به خصوص نحوه برآورد ۳/۸۱ میلیون دلار خسارت لغو قرارداد خرید هواپیماهای اف-۱۶ شده است. ما اطلاعاتی در خصوص هزینه های مختلف لغو قرارداد در اختیار آنها گذاشته و تأکید کرده ایم که فعلاً نمی توانیم جزییات مربوط به هزینه های مذکور را ارایه دهیم، ولی گویا آنها هنوز قانع نشده اند. تا زمانی که اطلاعات بیشتری ارایه شود همین رویکرد فعلی را دنبال خواهیم کرد. با وجود این، هر جزییاتی که بتواند علت برآورد هزینه های فوق را توضیح دهد از نظر ما مفید خواهد بود.

[ث]- قیمت فروش تجهیزات سفارش ایران به مشتریان دیگر: پول فروش تجهیزات سفارش ایران به وزارت دفاع آمریکا و یا مشتریان دیگر نیز مشکل آفرین شده است. ظاهراً نباید در ارتباط با تعیین قیمت های پایین تر برای اقلامی که به صورت تولید انبوه بوده و در ابتدای تولید سفارش شده اند (مثلاً موشک های اسپارو) سردرگمی وجود داشته باشد. با وجود این، ایرانی ها نسبت به فروش اقلام فوق به قیمتی زیر قیمت تمام شده برای ایران شدیداً ظنین هستند و می گویند ارزش اقلام واقعاً بالاتر از قیمت فروش آنهاست. ایرانی ها می پرسند چرا دولت آمریکا اقلام مزبور را به قیمتی که ادعا می کند نقطه سر به سر و یا حتی زیرِ قیمتِ تمام شده است، فروخته و چرا آنها را به قیمت بالاتری نفروخته است. زمانی که آقای بایندر این سئوال را از نماینده سیاسی-نظامی سفارت پرسید به او گفته شد که چنانچه و هر گاه موارد مشخصی از این ادعا به دست آمد، سئوال ایشان در ارتباط با همان مورد خاص قابل بررسی است. البته قبلاً توضیحاتی در این ارتباط ارایه داده ایم (مثلاً قیمت های فوق برای پیدا کردن خریدار برای اقلام سفارشی ایران ضروری بوده است). پیش بینی می کنیم این مسئله در آینده نیز مکرراً مطرح شود.

۴- به رغم شخصیت کلاً بدبین ایرانی ها و همچنین ضرورت سیاسی عدم اعتماد به ایالات متحده، ارتش ایران نشان داده است که بخش اعظمی از اطلاعات ارایه شده به آن را درک- و حتی حاضر است آن را قبول کند. ولی وزارت امور خارجه ایران تا به امروز چنین تمایلی از خود نشان نداده است. آنها اطلاع کافی در مورد ساز و کار اجرای برنامه خریدهای نظامی خارجی و قراردادهای نظامی ندارند. البته ما هنوز نمی دانیم که آیا ارتش می تواند ذهن آنها را در جلسه ۲۲ سپتامبر روشن کند یا خیر. فشارهای سیاسی احتمالاً مسئولان وزارت امور خارجه را وادار خواهند کرد که در ارتباط با این مسایل و صرف نظر از عقاید شخصی خود، شدیداً با ایالات متحده مخالفت کنند و به همین دلیل پیش بینی می کنیم یزدی فشار زیادی از این بابت وارد کند. به هر حال، چنانچه آقای یزدی بخواهد این مسئله را علنی کند، مسلماً وجهه بدی به آنچه تا به حال یک روند منصفانه و معقول بوده، خواهد داد.

لینگن

وضعیت ناوگان هلیکوپترهای RH۵۳D نیروی دریایی ایران

سند شماره ۲۰۳

محرمانه۲۳ سپتامبر ۱۹۷۹– ۱ مهر ۱۳۵۸

از: دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده، تهرانبه: سازمان اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سی

موضوع: وضعیت ناوگان هلیکوپترهای RH۵۳D نیروی دریایی ایران

خلاصه: (محرمانه – غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) منبع خبری گزارش داده است که شش هلیکوپتر RH۵۳D که در خدمت نیروی دریایی اسلامی ایران قرار دارد و در بوشهر مستقر هستند، «زمین گیر» شده اند. طبق گزارش، هر ۶ هلیکوپتر از کار افتاده اند و به تعمیرات کلی نیاز دارند. این هلیکوپترها هشت ماه است که پرواز نکرده اند و منبع خبری معتقد است که برای بازگرداندن این ناوگان به وضعیت پروازی و عملیاتی به سطح آماد فنی، تعمیر و نگهداری ایالات متحده نیاز است. علاوه بر این، بخش تدارکات هلیکوپترهای RH۵۳D شدیداً به قطعات یدکی نیاز دارد و بسیاری از اقلام مورد نیاز موجود نیست.

نظرات گزارشگر: (محرمانه – غیرقابل رؤیت برای بیگانگان)

الف– منبع یک خلبان هلیکوپتر نیروی دریایی است که با سیستم هلیکوپترهای RH۵۳D آشنایی دارد. کد رده بندی این منبع F-۲ خواهد بود زیرا این اولین اطلاعاتی است که از سوی او ارایه می شود. با وجود این، گزارشگر احساس می کند اطلاعات ارایه شده صحیح است.

ب– (محرمانه – غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) گزارشگر احساس می کند این گزارش کلًا منعکس کننده وضعیت ناوگان هلیکوپتری نیروی دریایی ایران است.

تیم نظامی ایران که قرار است وزیر امور خارجه را همراهی کند

سند شماره ۲۰۴

محرمانه۲۳ سپتامبر ۱۹۷۹– ۱ مهر ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهرانبه: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

مرجع: سفارت ۲۰۱۳۵۳از –۲۰ سپتامبر ۱۹۷۹ (محرمانه) – با موضوع گزارش وضعیت صندوق امانی و یادداشت تفاهم

موضوع: تیم نظامی ایران که قرار است وزیر امور خارجه را همراهی کند

۱– مرجع فوق درباره ملاقات بین وزیر امور خارجه ایران و معاون وزارت دفاع ملی برای بحث و بررسی وضعیت صندوق

امانی و یادداشت تفاهم بود.

۲- ملاقات مزبور طبق برنامه انجام شد. با وجود این، ظاهراً وقت آن محدود بوده و مقامات معاونت وزارت دفاع اطلاع داده اند که یزدی در جریان کامل گزارش مربوط به وضعیت صندوق امانی و یادداشت تفاهم قرار نگرفته است. (یک نسخه از گزارش قبلاً در اختیار وزیر امور خارجه قرار گرفته بود). امکان دسترسی به گزارش مفصل این ملاقات برایمان میسر نیست، ولی از منابع مختلف شنیده ایم که مقامات عالی رتبه معاونت وزارت دفاع ملی و نیروی های ارتش از این فرصت استفاده کرده و نیازهای خود را به اطلاع وزیر امور

خارجه رسانده اند. (گزارش گفتگویی که با دریادار علوی، جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی داشتیم در تلکس جداگانه ارسال خواهد شد).

۳- تصمیم عمده ای که در این جلسه گرفته شد این بود که تیمی متشکل از مشاوران نظامی، دکتر یزدی را برای مذاکره درباره نیازهای ارتش ایران به نیویورک همراهی کند. اعضای این تیم عبارتند از آقای بهرامی، دستیار سرهنگ کامکار (معاون وزارت دفاع ملی)؛ سرتیپ صفری (معاونت لجستیک ستاد نیروی هوایی) و ناخدا سوم وحدت از لجستیک نیروی دریایی (البته عناوین دقیق آنها را نمی دانیم). برنامه دقیق سفر آنها را نمی دانیم، ولی این گروه تصمیم دارد در روز ۲۵ سپتامبر با یک هواپیمای نیروی هوایی، ایران را ترک کند و در روز ۲۶ سپتامبر وارد خاک آمریکا شود. بهرامی در پاسخ سئوال ما گفت که آنها به نیویورک خواهند رفت و هنوز معلوم نیست آیا به واشنگتن هم خواهند رفت یا خیر. او گفت که آنها در مذاکرات مربوط به مسایل نظامی بین یزدی و وزیر امور خارجه آمریکا، «یا هر کس دیگری»، حضور خواهند داشت.

۴- نکات مختصر زیر می تواند به آمادگی و انجام مذاکرات با این مقامات کمک کند. آقای بهرامی فردی بسیار باهوش است که زبان انگلیسی را عالی صحبت می کند. احتمالاً با توجه به اینکه مدت هشت سال برای معاونت وزارت جنگ کار کرده است، به اندازه هر کس دیگری در دولت ایران درباره برنامه خریدهای نظامی خارجی اطلاع دارد. او دست راست آقای کامکار است. تمایلات او هنوز کاملاً مشخص نیست، ولی غالباً دوستانه رفتار می کند، هر چند گاهی درباره معاملات قبلی با ایران مظنون است و ابایی از پرسیدن سئوالات مستقیم ندارد. سرتیپ صفری در تلاش برای از سر گیری برنامه پشتیبانی از نیروی هوایی ایران خیلی دوستانه و صمیمانه با نمایندگان هیأت مستشاری نظامی آمریکا همکاری کرده است. صفری آمریکایی ها و نحوه کارکردنشان را خیلی خوب می شناسد. علاوه بر این، ظاهراً او محرم راز و مشاور مقامات وزارت دفاع ملی ایران است زیرا غالباً در جلسات سطح بالایی که لزوماً به مسایل نیروی هوایی مربوط نمی شود نیز شرکت می کند. صفری فردی منطقی، و فرماندهی باهوش است که عمدتاً از روابط محکم با ایالات متحده حمایت می کند- او یک دوست است. ما هیچ اطلاعاتی در مورد ناخدا سوم وحدت نداریم، ولی او از سوی دریادار علوی انتخاب شده است که علناً به لزوم برنامه های پشتیبانی آمریکا اذعان دارد.

۵- احساس می کنیم همراهی این تیم نظامی با یزدی یک قدم مثبت است و می تواند در توسعه روابط مثمر ثمر باشد. امیدواریم مقامات وزارت دفاع آمریکا فرصت ملاقات با آنها را داشته باشند، چه در نیویورک و چه در واشنگتن. پیش بینی می کنیم گفتگوها دوستانه ولی صریح باشد.

البته پیش بینی می کنیم تعدادی از اعضای گروه حداقل به فشارهای داخلی برای گرفتن مساعدت های نظامی از کشورهای دیگری غیر از آمریکا اشاره کنند. البته احتمال این امر نیز

وجود دارد که یزدی در طول دیـدارش از سازمـان ملل با مقامات کشورهای دیگری که مایل به ارایه مساعـدت های نظامی به ایران هستند، ملاقات و گفتگو کند.

دیویس

نیروی دریایی ایران

سند شماره ۲۰۵

محرمانه۲۴ سپتامبر ۱۹۷۹- ۲ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

موضوع: نیروی دریایی ایران

۱- (محرمانه- تمام متن)

۲- روز دوشنبه، مورخ ۲۴ سپتامبر، روزنامه کیهان خبری با عنوان «اولین رزمایش نیروی دریایی آغاز شد» در صفحه اول خود به چاپ رساند. این خبر درباره رزمایش ۵ روزه ناوگان خلیج فارس است (که روز گذشـته، یکشنبه ۲۳ سپتامبر شروع شده) و در آن از هـاورکرافت، قـایق هـای گشـتی موشـک انـداز، ناوشـکن و رزم نـاو اسـتفاده می شـود. در ایـن خـبر آمـده است که فرماندهی رزمایش را دریادار مدنی، رئیس ستاد نیروی دریایی ایران، و استاندار خوزستان بر عهده دارد.

۳- شایـد این خبر هم جالب توجه باشـد که فرمانـده ناوگان خلیج فارس، دریادار دیهیمی، روز دوشـنبه، ۲۴ سپتامبر در تهران بود، و قصد داشت برای سفر به ایالات متحده ویزا دریافت کند. لینگن

پروژه شرکت باوون- مک لفلین- یورک (بی.ام.وای) در MIS

سند شماره ۲۰۶

محرمانه۲۴ سپتامبر ۱۹۷۹- ۲ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، ایرانبه: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

موضوع: پروژه شرکت باوون- مک لفلین- یورک (بی.ام.وای) در MIS

۱- (محرمانه- تمام متن)

۲- نماینده هیأت مستشاری نظامی در تاریخ ۲۳ سپتامبر اطلاع یافت که «به دلایل مختلف» برای نفرات شرکت باوون- مک لفلین- یورک و مقامات سفارت مقدور نیست که از MIS دیدار کنند. مقامات نظامی ایران اظهار داشته اند که به مسئولان هیأت مستشاری و نماینده سیاسی-نظامی [سفارت] اطلاع خواهند داد که چه وقت این دیدار ممکن خواهد شد.

۳- تصمیم اخیر کاملاً بر خلاف تصمیمی است که در تاریخ ۲۲ سپتامبر توسط همین مقامات اتخاذ شده بود و دیدار از محل فوق را در اسرع وقت تشویق می کرد. نماینده هیأت مستشاری نظامی معتقد است که ممانعت از دیدار فوق صرفاً به دلیل ملاحظات امنیتی صورت گرفته است.

۴- می دانیم که رؤسای شرکت بی.ام.وای سرخورده خواهند شد، همانگونه که خودمان سرخورده شده ایم. مسئولان هیأت مستشاری و نماینده سیاسی-نظامی سفارت همچنان ناظر بر اوضاع خواهند بود تا فرصتی برای این دیدار بیابند.

لینگن

گزارش آخرین وضعیت نیروی دریایی اسلامی ایران

سند شماره ۲۰۷

محرمانه۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹- ۳ مهر ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهرانبه: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

موضوع: گزارش آخرین وضعیت نیروی دریایی اسلامی ایران

۱- در روز ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹، سرهنگ اسکات، سرهنگ دیویس، و ناوسروان انگلمن با دریادار علوی، جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی اسلامی ایران ملاقات کردند. این ملاقات به منظور معرفی سرهنگ اسکات در مقام رئیس آینده هیأت مستشاری انجام شد.

۲- دریادار علوی به ما اطلاع داد که او و رؤسای ستاد سایر نیروهای ارتش همان روز با دکتر یزدی (وزیر امور خارجه ایران) دیدار و گفتگو کرده اند. او گفت ملاقات مزبور به منظور آماده کردن یزدی برای سفر آتی اش به ایالات متحده انجام شده است. ما قدری در مورد این جلسه با یکدیگر گفتگو کردیم.

۳- دریادار علوی گفت ارتش در گفتگوهایش با یزدی بر چهار محور تأکید داشته است. ابتدا درخواست ارتش برای اتخاذ یک سیاست محکم از سوی دولت درباره نحوه ارتباط با پیمانکاران و دولت های خارجی که خدمات مورد نیاز ارتش را تدارک می کنند. علوی به یزدی توضیح داده است که ارتش (حداقل نیروی دریایی اسلامی ایران) خودکفا نیست. نیروهای ارتش برای خدمات مختلف در زمینه تعمیر و نگهداری و پشتیبانی به منابع خارجی وابسته هستند. سران ارتش بر اهمیت تجدید پشتیبانی قطعات تعمیری و اجرای نامه های جدید پیشنهاد و قبول تأکید داشتند. ارتش یک بار دیگر سعی داشت حمایت دولت را از برنامه های همکاری ارتش با دولت ها و پیمانکاران خارجی جلب کند. این مسئله در ارتباط با محور سومی که علوی ذکر کرد نیز صدق می کند؛ یعنی ضرورت تجدید برنامه های آموزشی. یک بار دیگر عدم خودکفایی ارتش و وابستگی آن به مساعدت های خارجی گوشزد شد.

۴- محور(۱) چهارمی که علوی به آن اشاره کرد لزوم حل مشکلات حقوقی و مالی بود که هم اینک گریبانگیر معاملات تسلیحاتی ایران با غرب شده است. تا زمانی که ایران دعاوی به حقی را که علیه آن مطرح شده است، پاسخ نگوید و تسویه

نکنـد هر گونه سـرمایه گـذاری ایران احتمالاًـ مشـمول دعـاوی حقوقی خواهـد شـد. علوی به مـذاکرات کنونی نیروی دریایی اسلامی

۱- در اصل سند شماره ۳، دوبار تکرار شده است.

ایران بـا شـرکت «براون انـد روت» اشـاره کرد و اظهـار داشـت نیروی دریـایی قصـد دارد قرارداد شـرکت مزبـور را به سـاخت تأسیسات IMA در بندر عباس و ساخت تأسیسات بندری تجاری کوچک در چا بهار محدود کند.

۴- علوی معتقـد بود یزدی دلمشـغولی های ارتش را درک می کنـد. نمایندگانی از نیروی هوایی و نیروی دریایی یزدی را در سفرش به ایالات متحـده همراهی خواهند کرد. ناخدا وحدت از بخش لجستیکی نیروی دریایی اسـلامی ایران نماینده این نیرو خواهـد بود. (ر.ک. به تلکس شـماره ۲۳۱۳۱۳ز همین مسـتشاری مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۹ بـا موضوع اطلاعات تکمیلی درباره نمایندگان ارتش که در هیأت همراه یزدی حضور خواهند داشت.)

۵- علوی دو بار متـذکر شـد در حالی که ایرانی ها سـعی دارند مشـکلات عدیده ای که به سـبب انقلاب پیش آمده است حل کننـد، لازم است ایالات متحـده همچنان به ایرانی ها حسن نیت نشان دهـد. علوی مـذاکرات اخیر و ظاهراً موفقیت آمیز نیروی دریـایی اسـلامی ایران با شـرکت راکول بر سـر پروژه پرل را نمونه ای از این نوع حسن نیت ها دانست. علوی از ارتش ایالات متحده انتظار دارد که از نفوذ خود بر پیمانکاران خصوصی استفاده کند و آنها را تشویق نماید تا درخواست های جدید بعد از انقلاب ایران را بپذیرنـد. توضـیح دادیم که اکثر پیمانکـاران مایلنـد با ایران وارد مـذاکره شونـد ولی درباره بازگشت به ایران مردد هسـتند زیرا از امنیت جانی نفرات خود اطمینان ندارنـد. اگر معلوم شود این نگرانی ها بی اساس است، چنانکه در ارتباط با شرکت راکوِل معلوم شد، ایران می تواند توقع بازگشت و مذاکره با پیمانکاران بیشتری را داشته باشد.

۶- هر چند انتظار داشتیم این جلسه غیررسـمی خیلی کوتاه باشد، ولی صـحبت هایمان بیشتر از یک ساعت طول کشـید. معلوم بود علوی از قبولاندن نظراتش به یزدی خوشحال است و می خواهد آن را با ما نیز در میان بگذارد.

اسکات

بر اساس گزارش، رزمایش نیروی دریایی کاهش یافته است

سند شماره ۲۰۸

محرمانه۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹- ۵ مهر ۱۳۵۸

از: دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده، تهرانبه: سازمان اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سی

موضوع: بر اساس گزارش، رزمایش نیروی دریایی کاهش یافته است

خلاـصه: (محرمـانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) این گزارش اطلاعاتی درباره رزمایش نیروی دریایی ایران ارایه می دهد که در خلیـج فـارس در جریـان است. اهمیت این گزارش از آن جهت است که مطـالب آن خلاـف اخباری است که در مورد همین رزمایش در روزنامه ها به چاپ رسیده است.

مشروح گزارش:

الف- (محرمانه- غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) منبع خبری گزارش می دهد که اخبار

مطبوعات درباره رزمایش های بزرگ نیروی دریایی در خلیج فارس تقریباً همه اش دروغ است و فقط اهداف تبلیغاتی دارد.

روزنامه ها نوشته اند که چهار کشتی بزرگ و تعداد زیادی شناور کوچک تر (قایق های گشتی موشک انداز) در این رزمایش شرکت دارند. منبع می گوید حداکثر دو کشتی بزرگ و تعداد انگشت شماری شناور کوچک در این رزمایش شرکت داشته اند. منبع افزود که اندازه ناوگان عملیاتی از آنچه در رسانه های خبری آمده است، بسیار کوچک تر شده است. منبع اظهار داشت به دلیل عدم انجام عملیات تعمیر و نگهداری سیستم های پیچیده کنترل آتش، کشتی های ایران بیشتر به یک تخته چوب می مانند. منبع اشاره کرد که احتمالاً ـ دریادار مدنی می خواهد با بزرگنمایی این رزمایش در روزنامه ها قدرت خود را نشان دهد زیرا گویا قصد دارد برای انتخابات ریاست جمهوری نامزد شود.

ب- (محرمانه - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) منبع گفت هیچ یک از پرنده های نیروی دریایی، چه بال ثابت و چه بال متحرک، در این رزمایش شرکت ندارند، صرفاً به این سبب که همه آنها قابلیت پرواز خود را از دست داده اند. منبع گفت وضعیت هلیکوپترهای RH۵۳D بسیار وخیم است.

پ- (محرمانه- غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) منبع گفت نیروی دریایی قصد دارد تصمیم رژیم گذشته برای بستن پایگاه خرمشهر را لغو کند. این تصمیم احتمالاً به سبب تهدیداتی که از سوی عراق احساس می شود، اتخاذ شده است. این امر بدان معناست که ایران هم اکنون دو تهدید را در خلیج [فارس] می بیند، یکی عراق و دیگری تنگه هرمز. جای شک است که وضعیت نیروی دریایی ایران به نحوی باشد که این نیرو بتواند همزمان و به طور موثر با هر دو تهدید مذکور مقابله کند.

[ت]- (محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) کیهان و تهران تایمز، دو روزنامه انگلیسی زبان تهران، تصاویری از ناوگان نیروی دریایی ایران در حال «عملیات» چاپ کرده اند. کشتی هایی که در این تصاویر دیده می شوند همان کشتی هایی نیستند که در اخبار ذکر شده اند. یکی از تصاویر مربوط به کشتی «پلنگ» (قبلاً DD ۷۸۰) است که دارد یک موشک استاندارد شلیک می کند. در مقالات ذکر نشده است که کشتی «پلنگ» نیز در این رزمایش ها شرکت دارد، و منبع خبری نیز گفته است که شک دارد نیروی دریایی ایران توانایی شلیک موشک های استاندارد را در این زمان داشته باشد.

نظرات گزارشگر: (محرمانه- غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) رتبه بندی این منبع B-۳ خواهد بود زیرا او خودش این خبرها را از یک نفر دیگر شنیده است. منبع دوم به منبع اول گفته است که تا حد ممکن سعی می کند در تهران نباشد زیرا ستاد نیروی دریایی در تهران به دست یک مشت «احمق و حیوان» اداره می شود، که اشاره اش به کمیته مستقر در ستاد نیروی دریایی است. منبع دوم به منبع اول گفته است که اعضای کمیته یک مشت بچه اند ولی آنقدر قدرت دارند که

به دریاداران و ناخدایان بگویند چه کاری می توانند بکنند و چه کاری نمی توانند بکنند.

سطح آماد فنی تجهیزات پشتیبانی و تعمیر و نگهداری برای AH۱J و اف–۱۴

سند شماره ۲۰۹

۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹– ۵ مهر ۱۳۵۸

از: مستشاری نظامی، تهران–۴۲۹به: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

مرجع: گفتگوی تلفنی سرهنگ غنی پور، مدیر صنایع هواپیمایی ایران، با شیرر از نفرات مستشاری نظامی در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹

موضوع: سطح آماد فنی تجهیزات پشتیبانی و تعمیر و نگهداری برای AH۱J و اف–۱۴

۱– سرهنگ غنی پور به منظور ارزیابی توانایی صنایع هواپیمایی ایران برای تأمین سطح آماد فنی لازم برای تعمیر و نگهداری هواپیماهای اف–۱۴ و AH۱J، با اشاره به تماس تلفنی فوق الذکر اطلاعات زیر را درخواست کرد:

الف– چه سطح آماد فنی از تجهیزات به صنایع هواپیمایی ایران تحویل شده است؟

ب– تحویل چه تجهیزاتی هم اینک در حالت تعلیق قرار گرفته است؟

پ– چه تجهیزات دیگری باید به منظور تأمین توانایی آماد فنی سفارش داده شود؟

ت– چه نوع تیم آماد فنی (آمریکایی) برای اداره آن نیاز است؟

۲– هر گونه اطلاعاتی در خصوص موارد بالاـ کمک زیادی در سازمان دهی پرونده ها و سوابق به صنایع هواپیمایی ایران کرده و برای بهبود سطح توانایی آماد فنی آن مفید خواهد بود.

درخواست مدارک مربوط به خریدهای نظامی خارجی

سند شماره ۲۱۰

۱ اکتبر ۱۹۷۹– ۹ مهر ۱۳۵۸

از: نماینده ارشد دفاعی سفارت آمریکا، تهران – سرلشگر گاست

به: مقر فرماندهی نیروی هوایی آمریکا، واشنگتن دی.سی

مرجع: نامه فرماندهی - ۶ سپتامبر ۱۹۷۹ - موضوع فوق

موضوع: درخواست مدارک مربوط به خریدهای نظامی خارجی

۱- نامه مرجع به همراه هشت نسخه رونوشت از فرم ۲-۱۵۱۳ DD «ابلاغ پیشنهاد و قبول» و درخواست تأیید رسید از طرف دولت موقت ایران بود. علاوه بر این درخواست شده بود که سه نسخه امضا شده آن به مرکز حسابداری مساعدت های امنیتی و سه نسخه آن به مقر فرماندهی نیروی هوایی آمریکا ارسال شود.

۲- در حال حاضر تمایلی به تسلیم این نسخه ها به دولت موقت ایران نداریم، زیرا احساس می کنیم هیچ کس در اینجا نمی خواهد تغییرات حاصله را بپذیرد. علاوه بر این، بسیاری از تغییراتی که در طول تجدید ساختار اولیه و متعاقب امضای یادداشت تفاهم انجام شد، هنوز در حال بررسی است. هزینه ای که در فرم های ۲-۱۵۱۳ DD منعکس شده است می تواند با توجه به

جلسـات توجیهی که اخیراً برگزار کرده ایم، بحث انگیز شود. مثلاً، در ارتبـاط با قرارداد SVA در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی، در نامه پیشـنهاد و قبول مورد PEACE SKY، مـا کاهش هزینه ای برابر با ۶۱۸۴۱۰۰۰۰ را منعکس کرده ایم که مبلغ جدید را به ۱۰ میلیون دلار اصـلاح می کنـد. علاوه بر این، ما هزینه های تقریبی اداری را ۱۸۸۵۲۰۰۰ دلار نشان داده ایـم که کـل هزینه را برای دولت ایران به ۲۸۸۵۲۰۰۰ دلـر می رسانـد. ولی مـا در جلسات توجیهی مان گفته ایم که کل مبلغ برداشتی از صندوق برای برنامه PEACE SKY ۵/۹ میلیون دلار خواهد بود.

۳- با توجه به اختلاف نظری که ممکن است در حال حاضـر ایجاد شود، و همچنین عـدم اطلاع ما از هزینه های اضافی اداری، و عـدم تمایـل مقامـات دولت موقت ایران برای امضای این نسـخه ها، تسـلیم این نسـخه ها را تا زمانی که نامه بعـدی، یا نهایی آمـاده امضا شود به تعویق خواهیم انـداخت. در آن زمان، به شـرط آنکه شـرایط در دولت موقت ایران مطلوب تر شود، نسـخه های فوق را برای امضا تسلیم آنها خواهیم کرد.

فیلیپ. سی. گاست

سرلشگر نیروی هوایی ایالات متحده

نماینده ارشد دفاعی

تعمیر و نگهداری شش هواپیمای پی-۳ اف نیروی هوایی...

سند شماره ۲۱۱

محرمانه۲ اکتبر ۱۹۷۹- ۱۰ مهر ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی-۹۲۳۸به: سفارت آمریکا، تهران- فوری

مرجع: گروه مستشاری - ۹۷۱۲ -۲ سپتامبر ۷۹

موضوع: تعمیر و نگهداری شش هواپیمای پی-۳اف

نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران

در مرجع فوق آمـده بـود که نیروی هوایی جمهوری اسـلامی ایران قصـد دارد به منظور اجرای یـک بسـته تعمیر و نگهـداری استـاندارد در سـطح آماد فنی برای شش هواپیمای پی-۳ اف مسـتقیماً با شـرکت لاکهید قرارداد امضا کند، خواسـته بود که به سئوالات زیر پاسخ داده شود.

الف) آیا قرار بود طرح قبلی برای هواپیماهای فوق در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی انجام شود یا به صورت قرارداد مستقیم باشد؟

ب) آیا امضای یک قرارداد مستقیم، تأثیری بر اقلام موضوع معاملات تسلیحاتی خارجی خواهد گذاشت؟

پ) آیا دولت آمریکا هیچ مخالفتی با قراردادهای مستقیم از این نوع دارد یا خیر؟

۲- نماینده شرکت لاکهید در ارتباط با تعمیر و نگهداری آماد فنی این شش هواپیمای پی-۳ اف که از نیمه اول ۱۹۸۰ در کارخانه لاکهید در اونتاریوی کالیفرنیا شروع خواهد شد، با وزارتخانه تماس گرفته است. پیش بینی می شود هزینه کل طرح بالغ بر ۲ تا ۴ میلیون دلار و زمان لازم برای

اجرای طرح ۱۸ ماه باشد، که حداقل ۹۰ تا حداکثر ۴۸۰ روز به تعمیر اساسی هر هواپیما اختصاص خواهد داشت. هواپیماها توسط خلبانان ایرانی به ایالات متحده پرواز کرده و توسط آنها به ایران بازگردانده خواهند شد. علاوه بر این، نماینده لاکهید گفت شرکت مزبور هر دو نوع شیوه کار، یعنی قرارداد مستقیم یا ترتیبات موضوع معاملات تسلیحاتی خارجی را می پذیرد.

۳- در ماه ژوییه ۱۹۷۸، دولت سابق ایران تقاضای یک پیشنهاد قیمت را برای تعمیر و نگهداری استاندارد شش هواپیمای پی-۳ اف در تأسیسات نیروی دریایی ایالات متحده مطرح ساخت که شامل هر گونه تغییرات مهندسی و یا فنی قابل قبول بر روی آنها نیز باشد. پیشنهادی که مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۷۸ برای دولت ایران فرستاده شد، مورد قبول قرار نگرفت و مهلت آن تمام شد. در تاریخ ۲۸ ژوییه ۱۹۷۹ شرکت خدمات هواپیمایی لاکهید به نیروی دریایی ایالات متحده اطلاع داد که قصد دارد پیشنهاد قیمتی قطعی و ثابت را برای تعمیر و نگهداری هواپیماهای فوق مستقیماً به نیروی هوایی اسلامی ایران تسلیم کند. شرکت خدمات هواپیمایی لاکهید خاطر نشان ساخت که مایل است سرویس فوق را چه در چارچوب معاملات تسلیحاتی خارجی و چه در قالب قراردادی مستقیم بین نیروی هوایی اسلامی ایران و شرکت متبوعش انجام دهد، و از نیروی دریایی ایالات متحده کسب تکلیف کرد. نیروی دریایی نیز پاسخ داد که این نیرو هیچ مخالفتی با تسلیم یک پیشنهاد رسمی از سوی شرکت لاکهید برای تعمیر و نگهداری استاندارد هواپیماهای فوق در قالب قرارداد مستقیم با نیروی هوایی اسلامی ایران ندارد. با وجود این، نیروی دریایی به وضوح اظهار داشت که موافقت آن نیرو با رویکرد شرکت لاکهید، چه به صورت صریح و چه ضمنی به معنای تعهد برای قرض دادن، اجاره و یا فروش تجهیزات دولت و یا ارایه اطلاعات به لاکهید در اجرای هر گونه قراردادی که ممکن است بین این شرکت و نیروی هوایی اسلامی ایران به امضا برسد نخواهد بود. نیروی دریایی ایالات متحده همچنین بیان داشت در صورتی که دولت ایالات متحده تجهیزات و یا اطلاعات فنی در اختیار داشت که احتمالاً برای اجرای قرارداد لاکهید در خصوص تعمیر و نگهداری استاندارد هواپیماهای فوق ضروری بود، شرکت لاکهید موظف است از دولت ایران بخواهد شرکت لاکهید را به عنوان نماینده خود برای دریافت این تجهیزات و اطلاعات معرفی کند. اطلاع یافته ایم که شرکت خدمات هواپیمایی لاکهید پیشنهادی به نیروی هوایی اسلامی ایران ارایه داده است و اینکه نیروی هوایی اسلامی ایران در حال بررسی هر دو پیشنهاد است (پیشنهاد نیروی دریایی آمریکا و پیشنهاد لاکهید) ولی هنوز هیچ تصمیمی در ارتباط با آنها اتخاذ نکرده است.

۴- تأثیر قرارداد مستقیم بر برنامه خریدهای نظامی خارجی تا زمانی که شرکت خدمات هواپیمایی لاکهید موارد تدارکاتی مورد نیاز خود را به طور مشخص و دقیق به اطلاع نیروی دریایی آمریکا نرسانده و آن نیرو نیز آنها را بررسی نکرده باشد، مشخص نخواهد شد. با وجود این، عواملی که می تواند بر توانایی دولت ایران و نیروی دریایی آمریکا برای برآوردن شرایط لازم به منظور عقد قرارداد مستقیم تأثیر بگذارد، موجود بودن رویه های مؤثر تعمیر و

بازگرداندن و درخواست مستقیم است.

۵- اجرای موفقیت آمیز قرارداد مستقیم در ارتباط با طرح عظیمی همانند تعمیر و نگهداری هواپیماهای پی-۳ اف به زیرساخت های سازمانی مستقری نیاز دارد که بتواند تعیین ملزومات، انتخاب پیمانکاران، مذاکره در خصوص قیمت، تضمین کیفیت و غیره را انجام دهد. امضای یک قرارداد مستقیم بدون داشتن توانایی های سازمانی فوق می تواند مشکلات عدیده ای ایجاد کند، مثلاً نیاز به هزینه و وقت بیشتری از آنچه در قرارداد آمده، مشکلات کنترل کیفیت، مشخصات ناکافی قرارداد، و غیره که منجر به انتقاد فراگیر و یا حتی عدم موفقیت در اجرای قرارداد خواهد شد، به وجود آورد. فکر نمی کنیم دولت موقت ایران در حال حاضر دارای این توانایی ها باشد و یا اینکه بتواند توانایی های فوق را در طول جدول زمانی لازم برای تعمیر اساسی هواپیماهای پی-۳ اف به دست آورد.

۶- نیروی دریایی ایالات متحده توانایی اجرای موفقیت آمیز قراردادهای تعمیر و نگهداری استاندارد هر یک از کشتی ها و یا هواپیماهای خود را در تأسیسات نیروی دریایی و در قالب قراردادهای مستقیم با شرکت های تجاری آمریکایی دارد، و این امر به اثبات رسیده است. در واقع، نیروی دریایی ایالات متحده هم اینک در حال اجرای یک قرارداد سرویس کامل استاندارد برای هواپیمای پی-۳ توسط یک شرکت بازرگانی (غیر از لاکهید) است و پیشنهاد دیگری نیز برای انجام یک قرارداد سرویس کامل استاندارد برای هواپیمای پی-۳ متعلق به نیروی دریایی آمریکا و یک کشور دیگر در حال بررسی است.

۷- از شما تقاضا می شود اطلاعات مندرج در بند ۴، ۵ و ۶ این پیام را به اطلاع سرتیپ صفری و سایر مقامات ایرانی برسانید. علاوه بر این، باید آنها را متقاعد سازید که تحت قرارداد در قالب برنامه خریدهای نظامی خارجی، نیروی دریایی آمریکا همان دقت، مسئولیت و درایت مالی را به خرج خواهد داد که در قراردادهای خودش به خرج می دهد. با وجود این، تصمیم در مورد انتخاب قرارداد مستقیم و یا چارچوب معاملات تسلیحاتی خارجی با مقامات ایرانی است. کریستوفر

ملاقات با سرهنگ کامکار، معاون وزیر دفاع در...

سند شماره ۲۱۲

محرمانه۲ اکتبر ۱۹۷۹- ۱۰ مهر ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهرانبه: وزارت دفاع، واشنگتن

مرجع: الف- سفارت آمریکا، تهران ۰۲۱۲۳۰ز - ۲ اوت ۱۹۷۹- موضوع یادداشت وزارت امور خارجه ایران درباره پشتیبانی نظامی

موضوع: ملاقات با سرهنگ کامکار، معاون وزیر دفاع در

امور تسلیحات – ۲ اکتبر ۱۹۷۹

۱– مرجع فوق به متن یادداشت دیپلماتیک وزارت امور خارجه ایران مورخ ۲۳ ژوییه

۱۹۷۹ مربوط می شود که در آن علاقه نیروهای مسلح اسلامی ایران به دریافت تجهیزات و خدمات برای اقلام موضوع قراردادهای خریدهای نظامی خارجی در ۱۱ ردیف بیان شده بود.

۲- سرلشگر گاست و سرهنگ اسکات در روز ۲ اکتبر ۱۹۷۹ به ملاقات سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع ملی ایران، در دفترش رفتند.

۳- کامکار خسته به نظر می رسید. او گفت سرماخورده است، کارش سنگین است و معمولاً ـ بی حال است. به رغم این مسایل، خیلی صمیمی با ما برخورد کرد، و خود را با شور و اشتیاق نشان داد، و خوب به سخنان نمایندگان هیأت مستشاری گوش داد و پاسخ گفت.

۴- نکاتی که مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت به شرح زیر بود:

الف- سرهنگ کامکار گفت قرار است همان روز جلسه ای با وزیر جدید دفاع ملی، دکتر مصطفی چمران، برگزار شود. ژنرال گاست از کامکار پرسیده بود که نظر او درباره عملکرد آتی وزیر جدید دفاع ملی ایران چیست و اینکه آیا احتمالاً او تغییراتی خواهد داد که روابط نظامی دو کشور، مجدداً رو به بهبود، هر چند بسیار محدود، بگذارد. کامکار گفت از زمانی که چمران وزیر دفاع شده، هنوز با او ملاقات نکرده است، ولی نخست وزیر امروز بعد از ظهر (۲ اکتبر) او را برای معارفه به وزارت دفاع خواهد آورد. کامکار گفت از نظر او توجیه چمران قدری مشکل است و برداشت ما این بود که کامکار می داند انتصاب چمران سفارشی بوده است. کامکار «نقش چمران در لبنان» را یادآور شد و گفت که وزیر جدید دفاع ملی قدری از مسایل نظامی سر در می آورد. نکته جالب اینجاست که کامکار گفت چمران در جلسات مقامات رده بالای دفاع ملی در ماه ژوییه (احتمالاً ـ در سمت معاون نخست وزیر در امور انقلاب) که در آن مسئله قطعات یدکی و نیاز به تجهیزات در نیروهای مسلح مطرح شده بود، شرکت داشت. ظاهراً هنوز تمایل چندانی به بحث مستقیم درباره قراردادهای خریدهای نظامی خارجی در چنین جلساتی وجود ندارد. طبق گفته کامکار، چمران پیشنهاد کرده بود تقاضای خود را کتباً به آمریکایی ها ابلاغ کنیم، که این تقاضا به صورت یادداشت دیپلماتیک ۲۳ ژوییه به دست ما رسید. (مرجع الف)

ب- سرهنگ کامکار تقریباً با حسرت گفت که مسئله اصلی و مبرم این است که «ارتش را راه بیندازیم» که اشاره واضحی به مشکلات مربوط به نیروها، تعمیر و نگهداری و از همه مهمتر روحیه و نظم در ارتش بود. کامکار گفت تلاش زیادی برای حل این مشکلات کرده اند، ولی نتایج دلسرد کننده بوده است.

پ- ژنرال گاست خیلی کلی وضعیت صندوق امانی و تلاش هایی را که برای حفظ توانایی پرداخت آن مبذول شده است و همچنین تلاش های متقابل برای برقراری مجدد روابط نظامی بین دو کشور را توضیح داد. در پاسخ، کامکار نیز بر تمایل ایران برای داشتن نیروهای دفاعی توانمند تأکید کرد.

ت- گاست با اشاره به برنامه ریزی برای تیم پشتیبانی لجستیکی نظامی ایران در ایالات

متحده، به مذاکرات قبلی درباره برنامه مورد نظر ایران جهت استقرار یک تیم پشتیبانی لجستیکی در ایالات متحده اشاره کرد. کامکار اذعان داشت که چنین مسئله ای در رده های بالای وزارت دفاع ملی با نیروهای مختلف ارتش مطرح شده است و تصمیم گیری درباره آن ۳ تا ۴ ماه طول خواهد کشید. کامکار گفت نظر آنها بیشتر بر تشکیل یک تیم مجتمع از نمایندگان همه نیروهاست، که تحت نظارت وزارت دفاع ملی کار کند. گاست یک بار دیگر به کامکار گفت که دولت ایالات متحده از این نوع ترتیبات استقبال خواهد کرد و ترتیبات مشابهی نیز با سایر کشورها وجود دارد. همچنین این مسئله مطرح شد که با ماندن فقط ۶ نفر در هیأت مستشاری، تلاش برای ارسال به موقع اطلاعات لجستیکی و فهرست نیازمندی ها به ایالات متحده بسیار دشوار است. این مسئله موضوع یک تلکس جداگانه خواهد بود.

ث- جهت اطلاع، کامکار گفت وظیفه سرتیپ صفری که همراه با یزدی به ایالات متحده سفر خواهد کرد، تلاش برای فروش شبیه سازهای اف-۴ و اف-۵ است که هنوز تصور می شود در ایالات متحده باشند. کامکار می دانست پیمانکار این پروژه شرکت سینگر است و به گفته صفری یک خریدار برای آن پیدا شده است، ولی قیمت خرید چندان رضایت بخش نیست.

ج- کامکار همچنین گفت پس از بازگشت یزدی و صفری از نیویورک، احتمالاً بسته به نتایجی که از مذاکرات هفته جاری شان با مرکز حسابداری مساعدت های دفاعی به دست بیاید، سراغ جزییات صندوق امانی خواهند رفت. کامکار گفت شاید آنها یک کارگروه تشکیل دهند و سپس مشخص کنند که آیا سفر به آمریکا برای بررسی جزییات ضرورتی دارد یا خیر.

نامه درخواست برای ۵ هواپیمای آر. اف-۴ ای

سند شماره ۲۱۳

بدون طبقه بندی۱۳اکتبر ۱۹۷۹- ۱۱ مهر ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهرانبه: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

موضوع: نامه درخواست برای ۵ هواپیمای آر. اف-۴ ای

۱- نامه موضوع این تلکس همین الان از طرف سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع در امور تسلیحات، به دستمان رسیده است. کامکار تقاضا کرده است ۵ هواپیمای آر.اف-۴ ای که قبلاً در چارچوب برنامه PEACE ROLL سفارش داده شده و متعاقباً به موجب یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه لغو شده بود، مجدداً مورد نظر قرار گیرد و نامه پیشنهاد، فرم DD ۱۵۱۳، به دفتر ایشان فرستاده شود.

ترجمه انگلیسی متن این نامه جهت اطلاع و اقدام مقتضی ارسال می گردد:

شروع/ موضوع: هواپیمای آر.اف-۴ ای

برابر اطلاعات واصله از نماینده دولت ایران در آمریکا ۵ فروند از ۸ فروند هواپیماهای آر.اف-۴ خریداری شده تحت کیس: SXK-SXT مراحل آخر تولید را طی می نماید.

خواهشمند است دستور فرمایید پیشنهاد لازم برای ۵ فروند هواپیمای فوق تهیه و جهت اقدام لازم به این معاونت ارسال گردد.

امضا: سرهنگ جهانگیر کامکار (سرهنگ ستاد)

معاون تسلیحاتی وزیر دفاع ملی/پایان

۲- خواهشمند است هر چه سریع تر این اطلاعات را در اختیار ونس، وزیر امور خارجه، و سرهنگ دوم گریوز قرار دهید تا در ملاقاتشان با دکتر یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت ایران، آن را در دست داشته باشند.

ملاقات با وزیر امور خارجه، یزدی، در ارتباط با مسایل دفاعی

سند شماره ۲۱۴

سّری۶ اکتبر ۱۹۷۹- ۱۴ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهران - ۲۶۱۴به: وزارت امور خارجه، واشنگتن

موضوع: ملاقات با وزیر امور خارجه، یزدی، در ارتباط با مسایل دفاعی

۱- (سرّی — تمام متن)

۲- در روز چهارم اکتبر، یزدی به همراه افسران ارتش و مقامات وزارت امور خارجه ایران در ملاقاتی سه ساعته با معاون وزیر امور خارجه آمریکا، بنسن، دستیار وزیر امور خارجه، «مک گی فرت»، و ژنرال گریوز به بحث و گفتگو درباره مسایل دفاعی پرداختند. فضای حاکم بر گفتگوها کلاً دوستانه، و گاه با سئوالات رک و صریح هیأت ایرانی و اعتراضات آنها همراه بود. اگر چه ظن و تردید بر این مذاکرات سایه افکنده بود، هیچیک از طرفین تندی به خرج نداد. طرف آمریکایی با شکیبایی و درک فوق العاده به سخنان طرف مقابل گوش می داد و مکرراً تمایل خود را به بررسی موضوعات فارغ از مسایل حاشیه ای و ارایه اطلاعات اضافی در صورت امکان ابراز می کرد. شرح مفصل این ملاقات ارسال خواهد شد. خلاصه ای از مذاکرات را در ذیل به اطلاع می رساند.

۳- معاون وزیر امور خارجه، بنسن، گفتگوها را با ذکر این مطلب آغاز کرد که ایالات متحده مایل است هر گاه ممکن باشد در ارتباط با امور دفاعی مورد علاقه طرفین با ایران همکاری کرده و آن را یاری دهد. او بار دیگر بر استقلال، تمامیت ارضی و حفظ امنیت ایران تأکید کرد، و خاطر نشان نمود که هر دو کشور ایالات متحده آمریکا و ایران ملاحظات سیاسی داخلی مربوط به خود را دارند که بر روابط طرفین تأثیر می گذارد.

۴- دستیار وزیر امور خارجه، «مک گی فرت» نیز با مروری بر سیاست های کلی آمریکا در قبال منطقه ی خلیج فارس ابراز

داشت که آمریکا مایل است در صورت مساعد بودن شرایط سیاسی روابط دفاعی جدیدی با ایران برقرار نماید. واضح بود که هیچیـک از طرفین تمایلی به اعاده روابط پیشـین نداشـتند و اینکه [معتقـد بودنـد] گسترش همکاری های جدیـد بایـد منوط به بهبود مناسبات سیاسی دو کشور باشد. «مک گی فرت» اظهار داشت یک سال آینده را باید

صرف تسویه وجوه صندوق امانی کرده و تدبیری برای از سرگیری فروش قطعات یدکی بیندیشیم.

۵- ژنرال گریوز نیز به اجمال درباره مدیریت صندوق امانی صحبت کرد و پیشینه یادداشت تفاهمی را که در سوم فوریه به امضا رسید توضیح داد و تلاش های وزارت دفاع آمریکا را برای حفظ منافع ایالات متحده و ایران گوشزد کرد. یزدی نیز که بهرامی و صفری شدیداً او را یاری می کردند، سئوالاتی که قبلاً- توسط سفارت به اطلاع وزارت امور خارجه رسیده بود، مطرح ساخت:

- مبلغ نهایی معاملاتی که در چارچوب خریدهای نظامی خارجی انجام شده: که در این ارتباط گریوز گفت فهرستی به همراه مبلغ کلی آنها تهیه و در اختیار ایران قرار خواهد گرفت. او افزود در صورت سفر برخی نیروهای ایرانی به منظور کمک به دولت آمریکا برای جمع آوری اطلاعات مربوط به این معاملات، می توان به اطلاعات جامع تری دست یافت.

- رفع توقیف از قطعات یدکی طبقه بندی شده: که در این ارتباط به یزدی گفتیم آمریکا تمایل دارد رفع توقیف هر یک از قطعات یدکی طبقه بندی شده را با توجه به ماهیت آن و فارغ از مسایل حاشیه ای مورد بررسی قرار دهد. علاوه بر این، احتمال دارد برخی درخواست های ایران مثلاً برای دریافت اطلاعات فنی جهت راه اندازی و عملیاتی کردن هواپیماها، بدون هیچ حساسیتی پذیرفته شود. ولی رفع توقیف اقلام حساس تر منوط به تأیید دوباره موافقت نامه ی دوجانبه ژوئن بر سر حفاظت از اطلاعات طبقه بندی شده خواهد بود. در آن موافقت نامه، طرفین موافقت کردند به تیم های امنیتی اجازه بازرسی از محل نگهداری اطلاعات طبقه بندی شده را بدهند. یزدی از امضای چنین موافقت نامه ای ابراز بی اطلاعی کرد و گفت مسلماً در ایران با بازدید از پایگاههای ایران از سوی بازرسان آمریکایی شدیداً مخالفت خواهد شد. او گفت «ما احتمالاً ترجیح می دهیم میلیاردها دلار تجهیزات ضرر کنیم ولی این اتفاق نیفتد.» یزدی گفت باید موافقت نامه را ببیند که یک نسخه از آن را در اختیار وی قرار دادیم و به او پیشنهاد کردیم مورد را بررسی کند و پیش از اتخاذ تصمیم قطعی با ما مذاکره نماید. به یزدی گفتیم حتی می توانیم یک تیم امنیتی به تهران بفرستیم تا در مورد نگرانی های آمریکا با تهران گفتگو کند.

- موتور هلیکوپتر های بل ۲۱۴: ژنرال گریوز گفت با ایرانی ها ملاقات خواهیم کرد تا امکان از سرگیری کار برای بهبود موتورهای مزبور را بررسی کنیم.

- قطعات یدکی اف-۱۶: ژنرال گریوز گفت همچنان در پی یافتن مشتریانی هستیم که اقلام باقیمانده را به آنها بفروشیم، ولی در ارتباط با برخی قطعات اقلام سفارش شده، بسیار بیشتر از نیاز سایر خریداران اف-۱۶ است. در اینگونه موارد، یافتن خریدار برای این اقلام قدری مشکل تر است. گریوز تمایل خود را به بحث و بررسی بیشتر این موضوع ابراز کرد.

- قطعات یدکی زمان بندی شده برای تحویل به ایران: صفری از ما خواست فهرستی از

اقلام زمان بندی شده برای تحویل به ایران را در اختیار آنها قرار بدهیم، که گریوز قول داد این اطلاعات را تهیه کند.

- هواپیماهای آر.اف-۴ ای.اس: گریوز پیشینه لغو سفارش هواپیماهای مذکور و هزینه هنگفت راه اندازی مجدد خط تولید آنها را توضیح داد. اطلاعات کامل در این ارتباط را در اختیار ایرانی ها قرار خواهیم داد.

- موشک های هارپون: رفع توقیف موشک های مزبور به توافق بر سر امنیت اطلاعات طبقه بندی شده منوط شد.

- قیمت گذاری تجهیزات سفارشیِ ایران که قرار است به خریداران دیگر فروخته شود، به خصوص ناوشکن های اسپروانس: توضیح دادیم که برای یافتن خریداران دیگر، باید قیمت گذاری در سطح هزینه دولت موقت ایران انجام شود (یعنی با کسر تورم و هزینه های خاص ایران) تا اقلام هر چه سریعتر به خریداران دیگر فروخته و مبالغ آن دریافت شود. این امر به خصوص در ارتباط با متقاعد ساختن کنگره برای تخصیص بودجه ای جهت خرید کشتی های اسپروانس که مازاد بر برنامه کشتی سازی نیروی دریایی آمریکا بر آن تحمیل شده بود، صدق می کرد. یزدی شکایت داشت که در ارتباط با قیمت گذاری ناوشکن ها باید با دولت ایران مشورت می شد. او گفت باید در مورد این مسئله بحث و تبادل نظر بیشتری صورت گیرد.

- خرید تجهیزات نظامی از تأمین کنندگان ثالث: یزدی گفت سیاست دولت موقت ایران این است که با خرید تجهیزات نظامی آمریکایی از تأمین کنندگان مجاز اروپاییِ منابع تأمین تجهیزات نظامی اش را متنوع تر کند. «مک گی فرت» گفت ما هیچ مخالفتی با این امر نداریم. در مواردی که آمریکا خودش مایل به فروش اقلام باشد، هیچ ایرادی ندارد که ایران آن اقلام را از منابع اروپایی خریداری کند. ولی اگر حاضر به فروش برخی تجهیزات نباشیم، مسلماً از صدور مجوز فروش آن از سوی منابع اروپایی نیز خودداری خواهیم کرد. علاوه بر این، مشکلات عملی تنوع بخشیدن به خریدهای نظامی را نیز به آنها گوشزد کردیم.

۶- یزدی در پاسخ به سئوال آقای «مک گی فرت» که آینده خریدها را چگونه ارزیابی می کند گفت ابتدا مایل است حساب جاری مربوط به فروش تجهیزات نظامی تسویه شود، مسئله امنیت تجهیزات طبقه بندی حل گردد و بعد از آن خریدها به صورت نقدی در ازای هر معامله صورت گیرد.

۷- به نظر می رسد ملاقات مذکور به طور کلی نتایج مثبتی به همراه داشت. اگرچه همچنان در مورد برخی مسایل با ایرانی ها اختلاف نظر خواهیم داشت، ولی ظاهراً فقط مسئله امنیت اطلاعات طبقه بندی شده در آینده ی نزدیک به یک مسئله سیاسی جدی مبدل خواهد شد. اگر ایرانی ها در ارتباط با این مسئله نظر سفارت را جویا شدند، به آنها بگویید که آمریکا مایل است نگرانی های امنیتی خود را هر وقت که از نظر دولت موقت ایران مناسب باشد، مفصلاً با آنها در میان بگذارد. ونس

قطعات یدکی اف-۱۴

ص: ۴۹۰

سند شماره ۲۱۵

۱۷اکتبر ۱۹۷۹- ۱۵ مهر ۱۳۵۸

از: نماینده ارشد دفاعی سفارت آمریکا، تهران- سرلشگر گاست

به: معاونت لجستیکی ستاد نیروی هوایی ایران - سرتیپ صفری

موضوع: قطعات یدکی اف-۱۴

۱- در روزهای ۱۲ و ۱۶ سپتامبر جلساتی توجیهی در ارتباط با وضعیت یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه و صندوق امانی برگزار شد. در بخش مربوط به هواپیماهای اف-۱۴ (اسلاید شماره ۱۵) درباره قطعات یدکی این هواپیماها توضیحاتی ایراد شد. در این توضیح آمده بود که قطعات یدکی در انبار نگهداری می شوند. علاوه بر این، از دولت ایران خواستیم تا اطلاع دهد که آیا این قطعات را باید به نیروی هوایی ایران تحویل دهیم و یا همچنان در انبارهای ایالات متحده نگهداری کنیم.

۲- فهرستی از قطعات یدکی هواپیماهای اف-۱۴ که، منتظر ابلاغ تصمیم شماست، و در ایالات متحده انبار شده اند به پیوست ایفاد می گردد. این فهرست به قطعاتی ارتباط دارد که پیش از تاریخ ۲۳ ژوییه ۱۹۷۹ به انبار انتقال یافته است. هر وقت فهرست مربوط به اقلام انبار شده پس از ۲۳ ژوییه ۱۹۷۹ نیز به دستمان برسد، آن را برایتان ارسال خواهیم کرد.

۳- خواهشمند است فهرست مزبور را مطالعه و تصمیمتان را در مورد حمل یا ادامه نگهداری آنها در اسرع وقت اطلاع دهید.

۴- در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، لطفاً با یکی از نیروهای من تماس بگیرید.

فیلیپ. سی. گاست

سرلشگر نیروی هوایی

نماینده ارشد دفاعی

فروش بوئینگ

سند شماره ۲۱۶

محرمانه۹اکتبر ۱۹۷۹- ۱۷ مهر ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه آمریکا، واشنگتن دی.سیبه: سفارت آمریکا، تهران

موضوع: فروش بوئینگ ۷۴۷

۱- (محرمانه-تمام متن)

۲- برِنان، نماینده بوئینگ، به ما اطلاع داد که شرکتش جلسه «بسیار بسیار مفیدی» با تیمسار صفری و آقای بهرامی در نیویورک داشته و به نظر می رسد احتمالاً ایرانی ها بدهی های خود را پرداخت خواهند کرد. بدین ترتیب، ترتیباتی برای تحویل آخرین هواپیمای ۷۴۷ در ماه نوامبر داده خواهد شد.

۳- نماینده شرکت گفت ایرانی ها از علاقمندی شان به فروش تعدادی از هواپیماهای ۷۰۷ و

۷۴۷ صحبت کرده اند. شاید بد نباشد به طرف های ایرانی یادآور شوید که قرارداد هواپیماهایی که درچارچوب خریدهای نظامی خارجی، و با کسب مجوز های کنترل مهمات و احتمالاً اجزای اقلامی که با موافقت وزارت بازرگانی خریداری شده اند مشمول قوانین و مقررات انتقال به کشور ثالث هستند. ایرانی ها باید در صورت داشتن قصد فروش احتمالی هواپیماها از همان ابتدا با ما مشورت کنند. البته از نظر ما مشکلی برای فروش آنها وجود ندارد، ولی می خواهیم از همان ابتدا ترتیبات کار به درستی چیده شود. ونس

حمل قطعات یدکی نظامی

سند شماره ۲۱۷

محرمانه۹ اکتبر ۱۹۷۹– ۱۷ مهر ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی–۴۲۶۸به: سفارت آمریکا، تهران– فوری

موضوع: حمل قطعات یدکی نظامی

۱– (محرمانه – تمام متن)

۲– ارتش و نیروی دریایی دستور دارند قطعات یدکی سفارشی ایران را که مجوز ارسال آنها صادر گردیده از حالت تعلیق خارج کرده و به نماینده شرکت کشتیرانی آریا تحویل نمایند. تا به حال، فقط چند قلم به شرکت آریا تحویل شده است، ولی انتظار می رود ارسال محموله های فله به زودی شروع شود.

۳– هنوز منتظر هستیم تا ایرانی ها برای حمل قطعات یدکی نیروی هوایی که ارسال آنها تصویب شده است، یک شرکت حمل و نقل معرفی کنند. به محض اینکه شرکت فوق معرفی شود، قطعات یدکی ارسال خواهند شد.

۴– بر اساس ترتیباتی که دو هفته پیش با تیمسار صفری توافق شد، قطعات یدکی هلیکوپترهای موضوع برنامه خریدهای نظامی خارجی برای حمل آماده می شود. پیش بینی می شود قطعات فوق ظرف مدت دو هفته دیگر به پایگاه «مک گوائر» برسد تا از آنجا با هواپیماهای نیروی هوایی ایران حمل شود. شرکت هلیکوپتر سازی بل اطلاع داده است که طبق این ترتیبات باید در حدود ۹۰ هزار پوند قطعات یدکی موضوع برنامه خریدهای نظامی خارجی را به پایگاه «مک گوائر» حمل کند. شرکت بل همچنین حدود ۱۱۰ هزار پوند قطعات تجاری برای حمل دارد. شرکت مزبور به دنبال کرایه دربست یک هواپیما برای حمل این قطعات یدکی است. چنانکه سفارت مستحضر است شرکت بل تا به حال به هزینه خود مقداری قطعات یدکی را با هواپیماهای سی–۱۳۰ و دی.سی–۸ حمل کرده است.

۵– سفارت می تواند از اطلاعات فوق الذکر استفاده کند و به وزیر جدید دفاع ملی، و سفیر ایران آقای انتظام و سایر مقامات

دولت موقت ایران که ظاهراً فکر می کنند ما از ارسال قطعات یدکی خودداری می کنیم، توضیحاتی ارایه دهد. (ظاهراً یزدی هنوز همین اعتقاد را داشت تا اینکه کاردار یک بار دیگر در نیویورک توضیحات کافی را به او داد و نظر او را اصلاح کرد.)

همچنین می توانیـد محترمانه به ایرانی ها خاطر نشان سازیـد که تأخیر در ارسال قطعات از اوایل ماه اوت تا کنون به دلیل عـدم معرفی یک شرکت حمل نقل بوده است.

اقلام معاملات انجام شده بین ایران و آمریکا

سند شماره ۲۱۸

۱۰ اکتبر ۱۹۷۹– ۱۸ مهر ۱۳۵۸

از: ارنست گریوز–سازمان مساعدت های امنیتی دفاعیبه: آقای بهرامی– وزارت دفاع ایران

[موضوع]: اقلام معاملات انجام شده بین ایران و آمریکا

آقای بهرامی عزیز

به پیوست دو نسـخه از فهرست اقلاـم مربوط به معاملاـت انجـام شـده که در ملاقـات روز چهارم اکتبر به شـما قول داده بودم، ارسـال می گردد. برداشت من این بـود که فهرست هـای مزبور در طول ملاقـاتی که به منظور بررسـی معاملاـت در تاریـخ ۱۲ سپتـامبر در تهران برگزار شـد، بـه حضورتـان تقـدیم شــده اسـت. چنـانکه می دانیـد، وضـعیت جـاری معاملاـت مفتـوح در صورتحساب های مفصلی که در طول ملاقات هایمان در تهران تقدیم حضورتان شده، انعکاس یافته است.

ما لزوم ارایه جزییات اساسـی مربوط به معاملات تسلیحاتی پیشـین با ایران را درک کرده ایم و به همین سبب جزییات بیشتری در مقایسه با کشورهای دیگری که در چارچوب برنامه خریـدهای نظامی خارجی از ما تجهیزات خریـداری می کنند، در قالب جلسـات توجیهی و اطلاعات تکمیلی در اختیار ایران قرار داده ایم. البته شایـد حتی این مقـدار جزییات نیز نیاز شـما را برطرف نکند. به همین دلیل، بار دیگر مایلم پیشـنهاد ژنرال گاست را که در ملاقات ۱۲ و ۱۶ سپتامبر در تهران مطرح شد، متذکر شوم و تأکید کنم که از سـفر یک تیم متشـکل از مقامات ایرانی برای بررسـی جزییات موجود در سوابق این نوع معاملات در مرکز امور مـالی سازمـان مساعـدت هـای امنیتی در دنوِر اسـتقبال خواهـد شـد. نفرات کم شـمار این مرکز قـادر به بازیـابی همه این اطلاعـات و خلاـصه کردن آن به شـکلی که مورد نیـاز شـما باشـد، نیسـتند. بـا وجود این، از آنجـایی که اهمیت زیـادی برای رضـایت خـاطر دولت موقت ایران قـائلیم، سه نفر از نیروهـای این مرکز را به مـدت سه ماه مأمور بازیابی این اطلاعات خواهیم کرد، البته مشـروط بر اینکه دولت مـوقت ایران نیز تیم مـورد نیـاز ایرانی را برای انجـام این وظیفه به آمریکـا اعزام نمایـد. طبق برآورد مـا، برای جمع آوری اطلاعـات مورد نیـاز شـما، تقریباً هفت نفر نیروی ایرانی نیـاز است که به مـدت شـش ماه در این مرکز مشـغول به کـار باشـند. البته میزان دقیق کـار به جزییـاتی بسـتگی دارد که شـما برای تطبیق حساب هایتان با آنچه ایالات متحده در استفاده از وجوه صندوق امانی مدعی است، نیاز دارید.

ارادتمند

ارنست گریوز

سپهبد ارتش ایالات متحده آمریکا

مدیر سازمان مساعدت های امنیتی دفاعی

معاملات انجام شده

ص: ۴۹۳

سند شماره ۲۱۹

۱۱ اکتبر ۱۹۷۹– ۱۹ مهر ۱۳۵۸

از: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی – ۳۵۵۳به: گروه مستشاری نظامی، تهران

موضوع: معاملات انجام شده

در طول ملاقات مورخ ۴ اکتبر با یزدی، وزیر امور خارجه، آقای بهرامی درخواست کرد فهرستی از معاملات انجام شده را در اختیار آنها قرار دهیم. آنطور که اطلاع یافته ایم چنین فهرستی قبلاً در ملاقات ماه سپتامبر در اختیار ایشان قرار گرفته بود. با وجود این، یک فهرست به روزتر تهیه کرده و سعی داریم تا وقتی که ایشان هنوز در کنسولگری حضور دارند، آن را برایشان ارسال کنیم. در صورتی که موفق به این کار نشدیم، فهرست مزبور را برای شما ارسال خواهیم کرد.

اطلاعاتی درباره هواپیماهای اف–۱۴

سند شماره ۲۲۰

بدون طبقه بندی۱۷ اکتبر ۱۹۷۹– ۲۵ مهر ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهرانبه: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: اطلاعاتی درباره هواپیماهای اف–۱۴

متن زیر ترجمه انگلیسی بخشی از اظهارات دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه ایران، در برنامه اخبار رادیو ایران است که روز ۱۶ اکتبر ۱۹۷۹ پخش شد:

توضیح: در ارتباط با سئوال یک خبرنگار درباره سیاست دولت در قبال خرید قطعات یدکی برای ارتش و همچنین سرنوشت جنگنده های اف–۱۴، وزیر امور خارجه گفت: «برخی از شرایطی که برای فروش قطعات یدکی از طرف آمریکا مطرح شده است از نوعی است که برای ما قابل قبول است زیرا مغایر با حاکمیت ملی ما نیست. مثلاً، آنها ممکن است بگویند که باید پول قطعاتی را که می خواهیم نقداً پرداخت کنیم. تا جایی که به حاکمیت ملی واستقلال ما مربوط می شود این شرط اشکالی ندارد؛ ولی شرایط دیگری نیز وجود دارد که به وضوح برخلاف سیاست حفاظت از استقلال و حاکمیت ملی ماست. مثلاً، آنها ممکن است بگویند فقط در صورتی قطعات یدکی را به شما می فروشیم که اجازه بدهید هر وقت بخواهیم وارد کشور شما بشویم. خُب، این شرط مسلماً برای ما قابل قبول نیست.

در مورد سرنوشت اف–۱۴ ها هم آنچه قبلاً گفته ام در واقع فقط نظرات وزارت امور خارجه بوده است که از نقطه نظر

سیاست خارجی این مسئله را بررسی کرده؛ آنچه گفتم نظرات دولت نبوده و نیست؛ کاری که ما انجام داده ایم این است که نظراتی که قبلاً ـ هم اظهار کرده ام به هیأت دولت اطلاع داده ایم، و آن نظر هم این است که اگر اف-۱۴ ها را نگاه داریم، به معنای حضور ۲۰۰ تا ۴۰۰ مستشار آمریکایی در ایران برای تعمیر و نگهداری از این هواپیماها خواهد بود؛ مسلم است که این مستشاران با زن و بچه هایشان به ایران می آیند؛ آن وقت برای

بچه هایشان مدرسه می خواهند؛ این مدرسه ها هم معلم می خواهد، که آنها هم با خانواده هایشان می آیند و بعد از مدتی همان وضعیتی را خواهیم داشت که در رژیم سابق داشتیم، یعنی تعداد زیادی مستشار آمریکایی در ایران خواهد بود.

ما نظرمان را به هیأت دولت ابلاغ کردیم و دولت هم گفت که اختیار لازم برای تصمیم گیری درباره سرنوشت اف-۱۴ ها را ندارد، بنابراین شورای انقلاب دارد به مسئله رسیدگی می کند و تصمیم نهایی را شورا می گیرد. یکبار دیگر تأکید می کنم که نظر فوق موضع رسمی دولت نیست، بلکه نظری است که در نتیجه ارزیابی های وزارت امور خارجه در ارتباط با سیاست های خارجی مملکت و همچنین با توجه به روابطمان با آمریکا گرفته شده است.»

۲- همچنان به تلاش هایمان در ارتباط با مشخص شدن سرنوشت هواپیماهای اف-۱۴ در ایران ادامه می دهیم. چنانچه و هر وقت تصمیمی در این ارتباط اخذ شود، فوراً به اطلاع خواهیم رساند.

قطعات یدکی مورد نیاز ایران

سند شماره ۲۲۱

بدون طبقه بندی۱۸ اکتبر ۱۹۷۹- ۲۶ مهر ۱۳۵۸

از: سازمان مساعدت های امنیتی دفاعی - سپهبد ارنست گریوز

به: وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران - ابراهیم یزدی

[موضوع]: قطعات یدکی مورد نیاز ایران

مایلم برداشت اشتباهی را که ممکن است در طول ملاقاتمان در تاریخ ۴ اکتبر ۱۹۷۹ به هنگام بحث درباره فروش مجدد قطعات هواپیماهای اف-۱۶ سفارش ایران ایجاد کرده باشم، تصحیح کنم.

در آن ملاقات، اینجانب به اشتباه گفتم که میزان برخی قطعات تا اندازه ای است که کفاف نیاز ۵۰ سال را می دهد. طبق تمایل صریح دولت ایران، چرخه تأمین قطعات برای پشتیبانی هواپیماهای اف-۱۶ سفارش ایران معادل موجودی ۲۶ ماه قطعه مورد نیاز به هنگام تحویل اولین هواپیما به ایران بود.

عواملی که در محاسبه میزان قطعات یدکی مورد نیاز ملحوظ شد از سوی دولت ایران در اختیار ما قرار گرفته بود. سطح این عوامل به دلیل مدت زمان لازم برای ارسال قطعه جهت تعمیر و سپس بازگرداندن آن به ایران و همچنین میزان بالای پرواز هواپیما برابر با ۲۵ ساعت در ماه به ازای هر هواپیما، بالاتر از عواملی بود که نیروی هوایی ایالات متحده در برنامه ریزی های خود به کار می برد. این سیاست قبلاً نیز در ارتباط با هواپیماهای اف-۴، اف-۵، و اف-۱۴، و سی-۱۳۰ از سوی نیروی هوایی ایران به کار گرفته شده بود.

از زمان خاتمه یافتن برنامه PEACE ZEBRA در فوریه ۱۹۷۹، ما تلاش فراوانی برای به حداقل رساندن خسارات ناشی از خاتمه این قرارداد مبذول داشته ایم. در زمان ملاقاتمان،

اینگونه برآورد کرده بودیم که کل هزینه های ناشی از خاتمه یک قرارداد ۲/۳ میلیارد دلاری در حدود ۹۹ میلیون دلار خواهد بود. پس از ملاقاتمان نیز به تلاش هایمان ادامه داده ایم و خوشحالم به اطلاع برسانم که برآورد کل مسئولیت مالی فعلی شما ۴/۶۱ میلیون دلار است، که از این مبلغ تقریباً ۶/۴۵ میلیون دلار به هزینه های خاتمه قرارداد قطعات یدکی مربوط می شود. کاهش هزینه ها از طریق فروش اقلام به سایر خریداران و خرید قطعات یدکی از سوی نیروی هوایی ایالات متحده و استرداد وجوه آن به صندوق امانی خریدهای نظامی خارجی ایران صورت گرفته است. در تلاش برای یافتن مشتریان دیگری جهت فروش مجدد قطعات باقیمانده هستیم.

امیدوارم اطلاعات فوق در ادامه تلاش های متقابلمان برای حل و فصل مسایل باقیمانده مرتبط با تأمین تجهیزات نظامی ایران از سوی ایالات متحده مفید واقع شود.

ارنست گریوز

سپهبد ایالات متحده

مدیر سازمان مساعدتهای دفاعی

ملاقات با سرهنگ کامکار، معاون وزیر دفاع ملی در امور تسلیحات

سند شماره ۲۲۲

محرمانه۱۹ اکتبر ۱۹۷۹– ۲۷ مهر ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران– ۱۱۰۴به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: ملاقات با سرهنگ کامکار، معاون وزیر دفاع ملی در امور تسلیحات

۱– سرهنگ اسکات از گروه مستشاری نظامی صبح روز ۱۸ اکتبر ۱۹۷۹ ملاقات نیم ساعته ای با سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع، آقای بهرامی، دستیار کامکار، و سرهنگ صادقی، دستیار معاون وزیر دفاع ملی در امور بودجه داشت. این ملاقات به درخواست هیأت مستشاری نظامی صورت گرفت و هدف از آن ابراز مجدد تمایل هیأت مستشاری به کامکار برای مشارکت در یک کارگروه مشترک به منظور کمک به ایرانی ها برای سازماندهی و قالب بندی اطلاعات گسترده ای بود که در جلسه اواسط سپتامبر در ارتباط با صندوق امانی و یادداشت تفاهم در اختیار دولت موقت ایران قرار گرفته بود. ما همچنین قصد داشتیم مراتب تمایل خود را به دسترسی به تأسیسات و اموال دولت آمریکا که از زمان پیروزی انقلاب از ما دریغ شده بود، به کامکار ابراز کنیم.

۲– خلاصه نکاتی که در این ملاقات مورد بحث و گفتگو قرار گرفت در ذیل آمده است:

الف- کارگروه مشترک ایران و آمریکا در ارتباط با صندوق امانی. پس از آنکه تمایل خود را به تشکیل و آغاز فعالیت کارگروه مشترک در اسرع وقت ابراز داشتیم، اسکات پیشنهاد کرد تاریخ و اهداف مشخصی برای شروع کارگروه فوق مورد توافق قرار گیرد. در گفتگوهایی که در پی این پیشنهاد انجام شد، دو طرف توافق کردند هدف از تشکیل کارگروه فوق باید

سازماندهی و قالب بندی اطلاعاتی باشد که دولت ایالات متحده پس از جلسه مورخ ۲۲ تا ۲۴ اوت در ارتباط با مرور برنامه ایران در سازمان مساعدت های امنیتی دفاعی در اختیار دولت موقت ایران قرار داده است؛ و بررسی همه موارد با تأکید بر مواردی که به رغم تلاش های گذشته دولت آمریکا هنوز برای برخی مقامات دولت موقت ایران، مثلاً- یزدی وزیر امور خارجه، «مسئله دار» است. کامکار نیز اذعان داشت که باید هر چه سریعتر کار شروع شود، ولی افزود ابتدا باید جزییات کارگروه پیشنهادی را پس از بازگشت دکتر چمران، وزیر دفاع ملی، از کردستان با او مورد بحث و بررسی قرار دهد. کامکار خودش به ما اطلاع داد که چمران قرار است روز شنبه ۲۰ اکتبر از کردستان بازگردد. کامکار وعده داد روز «یکشنبه یا دوشنبه» با هیأت مستشاری نظامی تماس می گیرد و ترتیبات مربوط به تشکیل کارگروه مشترک را به همراه تاریخ شروع کار آن و فهرست کسانی که در این گروه خواهند بود نهایی می کند. برای اطلاع شما: فعلاً نمی دانیم چقدر طول می کشد تا کارگروه مشترک کارش را تکمیل کند. فکر می کنیم کارمندان وزارت دفاع ملی کار چندان زیادی بر روی اطلاعاتی که در ماه سپتامبر به آنها داده شد انجام نداده اند. ما بر سر مدیریت کار به این نحو به توافق رسیدیم که ابتدا مواردی را که نسبتاً بحث انگیز نیستند (یعنی مواردی که ایرانی ها فکر نمی کنند پولی از بابت آنها از دست داده اند) سریعاً بررسی کنیم، ولی بیشترِ توجه خود را صرف موارد «مسئله دار» می کنیم، و تلاش خواهیم کرد سئوالات دقیقی مطرح کنیم که امیدواریم پاسخ به آنها سوءتفاهم و یا ظن جا افتاده دولت موقت ایران را درباره فعالیت های صندوق امانی بر طرف سازد. البته امیدوار نیستیم که بتوانیم پاسخی برای سئوالات پیچیده تر بیابیم، ولی امیدواریم بتوانیم به ایرانی ها کمک کنیم تا سئوالات دقیق و مشخصی بپرسند که مدیران ذیربط برنامه، خدمات و یا سازمان مساعدت های امنیتی دفاعی قادر به پاسخگویی آنها باشند. علاوه بر این، از ایرانی ها سئوال کردیم مایلند از طریق چه سیستمی پاسخ مربوط به سئوالات خود را پس از تکمیل مأموریتِ کارگروه دریافت کنند. ایرانی ها هیچ تصمیمی در مورد این مسئله که آیا می خواهند تیمی را برای بررسی صورتحساب ها به مرکز امور مالی مساعدت های امنیتی اعزام کنند، و یا گروه کوچکی از متخصصین و کارشناسان به ایران بیایند تا به سئوالات پیچیده تر آنها پاسخ دهند، و یا پاسخ های کتبی به سئوالاتشان را می پذیرند، نگرفتند. ما یک بار دیگر نظر ایرانی ها را در طول برگزاری جلسات کارگروه جویا خواهیم شد و به اطلاع شما خواهیم رساند.

ب- کمیته مشترک آمریکا و ایران برای انتقال تأسیسات و اموال دولت آمریکا از ایران. اسکات بار دیگر مسئله فوق را با مرور تلاش های گذشته برای حل این مشکل و اطلاع آشکار دکتر یزدی از تشکیل یک کمیته مشترک آمریکایی - ایرانی در ارتباط با آن مطرح ساخت. اسکات توضیح داد که هر چند می دانیم احتمالاً وزارت امور خارجه مسئول اصلی این کمیته مشترک است، مایلیم هر گونه اطلاعات تکمیلی لازم را در اختیار وزارت دفاع ملی و یا وزارت امور خارجه و یا کمیته مشترک قرار دهیم و حاضریم به هر شیوه ای که مقتضی بدانید

به کمیته مزبور کمک کنیم. کامکار اذعان داشت که حل این مشکل حائز اهمیت است، ولی گفت کاملاً انتظار دارد وزارت امور خارجه مسئولیت کمیته فوق را برای فراهم آوردن امکان دسترسی به این تأسیسات و قرار دادن اموال متعلق به دولت آمریکا در کنترل ما بر عهده گیرد. برای اطلاع شما: انتظار نداشتیم پاسخ مشخص و مثبتی از کامکار دریافت کنیم. نکته فوق فقط محض ابراز علاقه به این مسئله و ابراز امیدواری به اقدام مثبت وزارت امور خارجه در این ارتباط مطرح شد، زیرا یزدی اعلام کرده بود که فکر می کند کمیته مزبور اخیراً تشکیل شده باشد.

۳- کامکار باید در یک جلسه دیگر حاضر می شد بنابراین وقت ما بسیار محدود بود. پس از رفتن کامکار، اسکات با بهرامی و صادقی گفتگو کرد. در طول این گفتگوی عمدتاً غیررسمی و راحت، بهرامی ابراز عقیده کرد که بسیاری از سوء تفاهم ها و شک و شبهه های کنونی رژیم در مورد مدیریت صندوق امانی نهایتاً برطرف خواهد شد. با وجود این، به قول کامکار این مسئله به وقت و تلاش فراوان وزارت دفاع ملی ایران و وزارت دفاع آمریکا نیاز دارد، زیرا رژیم ایران نسبت به تمامی قراردادهایی که رژیم گذشته بسته است، با دیده شک و تردید نگاه می کند.

رزمایش نیروی دریایی ایران

سند شماره ۲۲۳

محرمانه۱۹ اکتبر ۱۹۷۹- ۲۷ مهر ۱۳۵۸

از: دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده، تهرانبه: سازمان اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سی

موضوع: رزمایش نیروی دریایی ایران

خلاصه: (محرمانه) این گزارش اطلاعاتی درباره رزمایش اخیر ناوگان نیروی دریایی ایران در خلیج فارس که در اواخر ماه سپتامبر ۱۹۷۹ و اوایل ماه اکتبر ۱۹۷۹ صورت گرفت، ارایه می دهد. گزارش حاضر نام کشتی ها، فعالیت آنها، مشکلات رزمایش، و ارزیابی این رزمایش را نیز شامل می شود.

مشروح گزارش:

الف- (محرمانه) نیروی دریایی ایران یک رزمایش دریایی ۵ تا ۶ روزه انجام داد که در تاریخ ۲ اکتبر ۱۹۷۹ خاتمه یافت. بخش عمده ناوگان در شب ۲ اکتبر به بندرعباس بازگشت، و کشتی هایی که در بندر بودند با روشن کردن چراغ هایشان از آنها استقبال کردند. چنانکه قبلاً نیز گزارش شده بود، مطبوعات داخل ایران این رزمایش را به شیوه معمول خود در بوق و کرنا کرده بودند. افسران ارشد وزارت دفاع ایران این رزمایش را موفقیت بزرگی تلقی می کنند که بیانگر توانایی های رزمی نیروی دریایی است.

ب- (محرمانه) منبع خبری گزارش داده است که ده کشتی بعلاوه چند هاورکرافت و هلیکوپتر در این رزمایش شرکت داشته اند. ناوشکن آرتمیز (قبلاً HMS SLUYS, D۶۰ قدیم) در

این رزمایش ناوِ سرفرماندهی بود. دو ناو پاشوَر به نام های سام و زال نیز از بندر عباس به آنها پیوستند. طبق گزارش ها ناوچه کهنموئی (قبلاً US PF۱۰۶) از خرمشهر، کشتی فرود آب-خاکیِ لارک و کشتی تدارکاتی ناوگان به نام بوشهر هر دو از بندرعباس نیز در این رزمایش شرکت داشتند. چهار قایق تندروی موشک انداز LA COMBATTANTE کلاس کمان نیز از بوشهر به این ناوگان پیوست. دریادار دیهیمی و افسر جانشینش ناخدا گلستانی همراه ناوگان بودند.

پ- (محرمانه) رزمایش اصلی فرود کماندوها در جزیره خارك بود که با شرکت کشتی لارک، هاورکرافت و هلیکوپترها انجام شد. ولی شواهد محکمی دال بر اینکه این بخش از رزمایش واقعاً انجام شده باشد در دست نیست. رزمایش های دریایی و شلیک های سطحی، بدون شلیک موشک، صورت گرفت. از آنجایی که هیچ ناظر خارجی اجازه نظارت بر رزمایش را نداشت، از وسعت رزمایش و میزان مهارت ناوگان اطلاعی در دست نیست. یک قایق تهاجمی تندرو در جزیره خارك با سرعت زیاد وارد خشکی شد و پروانه اش شکست. یک افسر ایرانی گفت که برقراری ارتباط در رزمایش خیلی سخت بود. احتمالاً ـ طرح اصلی رزمایش شامل کشتی های بیشتری بوده است که به سبب مشکلات تعمیر و نگهداری و یا مشکلات دیگر نتوانستند در رزمایش شرکت کنند.

ت- (محرمانه) این رزمایش در مقایسه با استانداردهای غرب به هیچوجه نشان دهنده قدرت یک نیروی دریایی نبود. با وجود این، رزمایش مزبور گام بسیار مهمی برای نیروی دریایی ایران به حساب می آید؛ به ویژه از لحاظ روحیه، اعتماد به نفس و تبلیغات.

نظرات گزارشگر- (محرمانه) اگرچه مطبوعات داخلی در موفقیت آمیز خواندن این رزمایش بسیار مبالغه کردند، از نظر ما این رویداد یک امتیاز مثبت برای نیروی دریایی ایران بود. حداقل گروه کوچکی از کشتی ها، که اطلاع یافته ایم برخی از آنها ماهها به دریا نرفته بودند، توانستند یک رزمایش محدود را اجرا کنند. بسیاری از ایرانی ها از اینکه نیروی دریایی کشورشان توانسته پس از تأخیری بسیار طولانی در بنادر به دریا برود و عملیات انجام دهد، بسیار خوشحال بودند و احساس غرور می کردند.

ملاقات با سرتیپ صفری (مسئول بخش پشتیبانی نیروی هوایی ایران)

سند شماره ۲۲۴

به: لینگن ۱۹ اکتبر ۱۹۷۹- ۲۷ مهر ۱۳۵۸

موضوع: ملاقات با سرتیپ صفری (مسئول بخش پشتیبانی نیروی هوایی ایران)

۱- در ملاقات مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۷۹ سرهنگ دوم رینکر و سروان نیدهم با سرتیپ صفری، موارد زیر مورد بحث و بررسی قرار گرفت:

الف- فروش هواپیماهای ۷۰۷: سرتیپ صفری اظهار داشت که نیروی هوایی ایران در حال بحث و گفتگو بر سر فروش هفت هواپیمای ۷۰۷ است که قبلاً- از شرکت تی.دبلیو.ای (تجاری) خریداری و با تانکر سوخت مجهز شده است. ظاهراً سرتیپ صفری از شرایط دولت

آمریکا برای فروش هواپیماها در این وضعیت آگاه بود و گفت که پیش از فروش تانکرهای سوخت از روی هواپیما ها برداشته خواهد شد و هواپیماها به همان صورت اولیه شان درخواهند آمد. سرهنگ دوم رینکر فرصت را مغتنم شمرد و به سرتیپ صفری یادآور شد که دولت آمریکا باید قبلاً فروش به کشورهای ثالث را تأیید کند. این مسئله به اطلاع وابستگان نظامی و سیاسی رسیده و پیام با آقای داتری هماهنگ شده است.

ب- تایرهای اف-۴: سرتیپ صفری قبل از ملاقات با ناخدا سوم شیرر تماس گرفت و گفت که ایران نیاز مبرمی به تایرهای هواپیماهای اف-۴ دارد. البته فهرستی که قبلاً از نیازهای مبرم ایران به تجهیزات ارایه شده بود، فاقد تایر اف-۴ بود. از ایشان خواستیم هر چه سریعتر نامه ای بنویسد و با ذکر اقلام مورد نیاز خود ما را قادر سازد تا سفارش ایران را پس از تأمین مالی قرارداد MBK (کل بسته درخواستی به مبلغ ۵/۵ میلیون دلار) انجام دهیم.

پ- پرداخت مبلغ ۵/۵ میلیون دلار به مرکز امور مالی مساعدت های امنیتی: سرتیپ صفری گفت برای ارسال پول به این مرکز مشکلاتی به وجود آمده است که او مشکلات را بررسی کرده و روز یکشنبه به ما خبر خواهد داد (البته اگر در آن تاریخ هنوز در ایران باشد).

ت- قرارداد حمل هوایی و وضعیت شرکت حمل و نقل: قرارداد هنوز امضا نشده است. صفری اظهار داشت وکلای ایران در حال بررسی قرارداد هستند. صفری همچنین گفت نیاز به مجوز صادرات دارند. با وجود این، سرهنگ دوم رینکر به ایشان گفت که از AFLC/LLC به او اطلاع داده اند که مجوز روز سه شنبه صادر شده است.

ث- استفاده از پایگاه هوایی مک گوائر: تیمسار باقری طی نامه ای گفته است که نیروی هوایی ایران مایل است همچنان از پایگاه مزبور استفاده کند. به صفری گفتیم که پاسخ ایشان در حکم تقاضانامه خواهد بود و از او خواستیم آن را تأیید کند. ایشان نیز آن را تأیید کردند. گروه مستشاری از نیروی هوایی آمریکا خواسته است که نامه پیشنهاد و قبولی را تهیه و ارسال نماید.

ج- ارسال قطعات از شرکت هلیکوپترسازی بل به پایگاه مک گوائر: صفری تأیید کرد که قطعات با حمل زمینی به پایگاه مک گوائر ارسال شده است.

چ- قطعات یدکی اف-۱۴، و تعمیر و بازگرداندن قطعات اف-۱۴ و پی-۳: نامه و فهرست قطعات یدکی اف-۱۴ را که انبار شده است، به صفری تسلیم کردیم. از او پرسیدیم که با قطعات قابل تعمیر اف-۱۴ و پی-۳ در ایالات متحده چه کار باید کرد. هنوز پاسخی دریافت نکرده ایم. او گفت منتظر است تا تصمیمی در مورد اف-۱۴ها اتخاذ شود (ظاهراً او از عدم اقدام مسئولان ایرانی دلگیر بود).

ح- پایانه سیستم برنامه ریزی تحلیل گزارش ها: اطلاعاتی در ارتباط با تلکس پشتیبانی بین المللی در اختیار صفری قرار دادیم و گفتیم که چنانچه نیروی هوایی ایران خواستار تلکس است باید یک تقاضانامه تسلیم کند. همچنین گفتیم که خیلی زود

اطلاعاتی را در خصوص

شرایط جدید «پایانه سیستم برنامه ریزی تحلیل گزارش ها» در اختیار او قرار خواهیم داد تا آن را ارزیابی کند و باید خیلی زود تصمیم خود را به ما اعلام نماید.

۲- این برداشت را از ذهنیت صفری داشتیم که از دست بلاـتکلیفی مدیران مافوق خود و همچنین بی مسئولیتی زیردستانش وقتی که او نیست، خسته شده است.

اسکات

نیروی هوایی ایران

سند شماره ۲۲۵

سرّی ۲۱ اکتبر ۱۹۷۹- ۲۹ مهر ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهرانبه: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

مرجع: ملاقات سرتیپ صفری، معاونت لجستیک نیروی هوایی، و هیأت مستشاری نظامی در تاریخ ۲۱ اکتبر ۱۹۷۹

موضوع: نیروی هوایی ایران

۱- سرهنگ اسکات، ناخداسوم شیرر و ناخدا نیدهم از هیأت مستشاری نظامی به منظور گفتگو درباره مسایل مورد علاقه طرفین در روز ۲۱ اکتبر ۱۹۷۹ با سرتیپ صفری، معاونت لجستیک ستاد نیروی هوایی، ملاقات کردند. در طول گفتگوها، سرتیپ صفری اطلاع داد که ظرف سه روز آینده بازنشسته خواهد شد. وقتی علت را از او جویا شدیم، گفت فشار زیادی بر سرلشگر باقری، رئیس ستاد نیروی هوایی، وارد آورده اند که به علت روابط نزدیک صفری با شرکت های آمریکایی، نمایندگان ارتش آمریکا، و دو سفرش به ایالات متحده شخص دیگری جایگزین او کند.

۲- سرتیپ صفری در این بخش از گفتگوها بسیار رك و صادقانه صحبت کرد. او گفت به رغم همه زحماتی که کشیده است، آنها می خواهند اجباراً بازنشسته اش کنند. او سپس درباره میزان افراد متخصصی که در بخش فرماندهی لجستیک باقی مانده اند صحبت کرد. او معتقد بود هیچ کس دیگری نیست که بتواند بخش لجستیک نیروی هوایی را به سازمانی کارآمد و عملیاتی تبدیل کند. صفری اظهار داشت که بعد از رسیدگی به امور شخصی اش ایران را ترک می کند تا شاهد مرگ نیروی هوایی نباشد.

۳- بازنشستگی قریب الوقوع سرتیپ صفری ما را عمیقاً نگران کرده است. از زمان انقلاب تا کنون سرتیپ صفری نیروی مشوق هر گونه پیشرفتی بوده که در نیروی هوایی ایران صورت گرفته است. علاوه بر این، تا به حال او مطلع ترین مقام نظامی ایران در امور خریدهای نظامی خارجی و مشاور نزدیک اعضای دولت موقت و وزارت دفاع ملی در این زمینه بوده است. به

اعتقاد ما چنانچه صفری برود، مذاکرات آتی مان همراه با دشواری و سوءظن خواهد بود.

۴- در حال حاضر هیچ دلیلی وجود ندارد که فکر کنیم امنیت شخصی سرتیپ صفری به خطر افتاده باشد، ولی به او گفته ایم هر کمکی از دستمان بربیاید، برایش انجام خواهیم داد.

۵- موضوعات دیگری که در خلال این ملاقات و گفتگوهای متعاقب آن با سرلشگر باقری، رئیس ستاد نیروی هوایی، مطرح شد، موضوع یک تلکس جداگانه خواهد بود.

ملاقات با تیمسارهای نیروی هوایی ایران

سند شماره ۲۲۶

محرمانه۲۳ اکتبر ۱۹۷۹- ۱ آبان ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهرانبه: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

مرجع: (الف) ملاقات هیأت مستشاری و سرتیپ صفری، معاونت لجستیک نیروی هوایی - ۲۱ اکتبر ۱۹۷۹، (ب) ملاقات هیأت مستشاری و سرلشگر باقری، رئیس ستاد نیروی هوایی - ۲۱ اکتبر ۱۹۷۹

موضوع: ملاقات با تیمسارهای نیروی هوایی ایران

۱- در طول این ملاقات مرجع (الف) سرهنگ اسکات، ناخداسوم شیرر، و ناخدا نیدهم برای گفتگو بر سر مسایل مختلف مورد علاقه طرفین با سرتیپ صفری ملاقات کردند، که شامل گفتگوهای زیر شد:

الف- صفری یک بار دیگر از ما پرسید که ۵/۵ میلیون دلار وجه قطعات یدکی را باید به کجا واریز کند. ناخدا نیدهم شماره تلکس و نشانی پُستی مرکز حسابداری سازمان مساعدت های امنیتی را در اختیار او گذاشت. سرتیپ صفری اعتراف کرد که برای فرستادن این پول به آمریکا دچار مشکلاتی شده است. از صحبت های او و سایر ملاقات هایی که در ستاد نیروی هوایی داشتیم چنین فهمیده ایم که نیروی هوایی ایران برای فرستادن پول قطعات یدکی جدید به آمریکا با مقاومت شدید سطوح بالاتر دولت موقت ایران مواجه است.

ب- ملاقات مرجع (ب) در واقع ادامه ملاقات اول بود، ولی در این جلسه علاوه بر سرتیپ صفری، سرلشگر باقری، رئیس ستاد نیروی هوایی، و سرتیپ قربانزاده، جانشین فرماندهی ستاد، حضور داشتند. گفتگوها به قرار زیر بود:

الف- سرلشگر باقری پرسید آیا محدودیتی برای پرواز هواپیماهای تانکر ۷۴۷ به سایر کشورها وجود دارد، به ویژه اینکه ایران اىر قصد دارد هواپیماهای باربری و تانکر ۷۴۷ را برای پرواز در کل خاورمیانه کرایه دهد. گفتیم که نمی دانیم آیا در قرارداد محدودیتی برای این امر وجود دارد یا خیر، ولی در این باره استعلام خواهیم کرد.

۲- به دنبال این صحبت ها، سرلشگر باقری پرسید که بالاخره تصمیم آمریکا درباره اف-۱۴ ها چیست. پاسخ دادیم که دولت موقت ایران باید در این باره تصمیم بگیرد، و اینکه ما اصلاً در موقعیتی نیستیم که نظری درباره آن بدهیم یا دخالتی در این امر داشته باشیم. ناخداسوم شیرر تأکید کرد صرف نظر از هر تصمیمی که گرفته شود، ما آماده ایم به نیروی هوایی ایران کمک

کنیم. سرلشگر باقری سپس پرسید اگر ایران اف-۱۴ ها را نگاه دارد، آیا از آنها پشتیبانی خواهیم کرد. باقری همچنین سئوال کرد اگر ایران سعی کند به هدف آمادگی

عملیاتی ۷۰ درصد برسد، چند نفر نیروی آمریکایی باید در ایران بمانند. پاسخ دادیم که این امر به چند عامل بستگی دارد، مثلاً- شرایط امکانات پشتیبانی، میزان آموزش هایی که به تکنسین ها داده شده است، موجودی قطعات یدکی و میزان پروازهایی که برای عملیات آتی در نظر دارند. سرتیپ صفری افزود که علاوه بر اینها، نزدیک ۱۰۰ تکنسین نیز باید برای پشتیبانی آماد فنی در صنایع هواپیمایی ایران مشغول خدمت باشند. سرلشگر باقری پاسخ داد که ماندن آمریکایی ها در کشور یک مسئله سیاسی است که سطوح بالاتر به آن علاقه ای ندارند. سرلشگر باقری سپس گفت که خیلی زود باید کاری انجام داد چون ۴۰ هواپیما معطل ۱۵ یا همین حدود قطعه یدکی است و اینکه آنها فقط روزی یک تا ۲ سورتی پرواز دارند.

۳- بر همین اساس، خواهشمند است اطلاعات زیر را در اختیار هیأت مستشاری نظامی قرار دهید:

الف- وضعیت نرم افزار تاکتیکی AWG-۹ هواپیماهای اف-۱۴ ایران و تاریخ تقریبی اجازه ترخیص.

ب- اطلاعات قراردادی در ارتباط با محدودیت پرواز هواپیماهای باربری و تانکر ۷۴۷ به سایر کشورهای خاورمیانه.

صندوق امانی ایران

سند شماره ۲۲۷

بدون طبقه بندی ۲۵ اکتبر ۱۹۷۹- ۳ آبان ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهرانبه: مرکز امور مالی سازمان مساعدت های امنیتی

موضوع: صندوق امانی ایران

نیروی هوایی ایران روز گذشته اطلاع داد که قصد دارد مبلغ ۵/۵ میلیون دلار بابت قرارداد IR-D-MBK از طریق تلکس به حساب سپرده شماره ۳۸۰۰ نزد بانک فدرال رزرو در دنور واریز کند. لطفاً واریز این مبلغ را به ما اطلاع دهید.

ملاقات با سرهنگ کامکار- امور تسلیحاتی وزارت دفاع ملی ایران

سند شماره ۲۲۸

سرّی۲۹ اکتبر ۱۹۷۹- ۷ آبان ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهرانبه: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی- با اولویت

موضوع: ملاقات با سرهنگ کامکار- امور تسلیحاتی وزارت دفاع ملی ایران

۱- سرهنگ اسکات، در تاریخ ۲۷ اکتبر ۱۹۷۹ در دفتر کامکار با او و سرهنگ صادقی و همچنین آقایان «مطاع زاده» و بهرامی (که فقط ۱۵ دقیقه آخر این جلسه یک ساعته در آن حضور یافتند) ملاقات کرد. در این ملاقات برخی نکات مورد علاقه طرفین مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

۲- محور اصلی بحث دقیقاً همان روال گذشته را دنبال می کرد، یعنی تأکید مجدد کامکار

بر موضع مورد توافق دو کشور مبنی بر لزوم تشکیل یک گروه مشترک برای حل «مشکلات صندوق امانی». در طول گفتگوها، مسایل دیگری نیز که ذهن معاون وزارت دفاع ملی را به خود مشغول کرده است، مطرح شد. خلاصه ای از این دو مسئله در ذیل آمده است:

الف- حساب بهره دار به منظور پرداخت بهره به وجوهی که به دولت موقت ایران مسترد شده ولی برای انجام تعهدات باقیمانده ایران در حساب صندوق امانی به آن نیازی نیست. آقای «مطاع زاده» این مسئله را مطرح ساخت. او گفت می داند که طبق یادداشت تفاهم ۳ فوریه ۱۹۷۹ هرگاه مشخص شود که بخشی از وجوه مسترد شده به صندوق امانی برای انجام تعهدات باقیمانده ایران مورد نیاز نیست، این وجوه باید به حسابی به نام دولت موقت ایران واریز شود که به آن بهره تعلق می گیرد. او گفت که هم اکنون صندوق امانی دارای «۵۰۰ میلیون دلار» مازاد است، و باید به این پول بهره تعلق گیرد. آقای اسکات از او پرسید که این آمار را از چه منبعی کسب کرده است، زیرا آمار فوق با برآوردهای موجودی که در دسترس قرار دارد، نمی خواند. مطاع زاده گفت که در مورد مبلغ دقیق مطمئن نیست، ولی این مسئله برای دولت موقت ایران حائز اهمیت است. او افزود هرگاه مدیران صندوق امانی مشخص کنند که صندوق دارای وجوه «مازاد» بر نیاز است، این وجوه باید به حساب بهره دار واریز شود. برای اطلاع شما: اعتقاد داریم که به موازات ارایه گزارش بهبود وضعیت مالی صندوق امانی به ایران، آنها نیز به دفعات بیشتری این مسئله را مطرح خواهند ساخت. همچنین معتقد هستیم که به موازات بهبود احتمالی موجودی صندوق امانی در ماههای آتی (البته با فرض اینکه موجودی صندوق واقعاً بهبود یابد)، دولت موقت ایران نیز به تدریج شرایط پیش پرداخت نقدی برای قطعات یدکی را که هم اکنون در حال بررسی است، زیر سئوال ببرد.

ب- گزارش های دوره ای درباره وضعیت صندوق امانی. سرلشگر گاست احتمالاً این مسئله را در گزارش های کاری خود با سازمان مساعدت های امنیتی دفاعی در میان گذاشته است. هم کامکار و هم مطاع زاده درجلسه ۲۷ اکتبر این مسئله مطرح کردند. آنها خواهان دریافت گزارش های دوره ای (در صورت امکان ماهیانه) در مورد وضعیت صندوق امانی و همچنین تغییرات عمده در وضعیت آن به همراه فهرست مورد به مورد و برآورد «کمترین موجودی» به هنگام کامل شدن گزارش هستند. هم اکنون مرکز امور مالی مساعدت های امنیتی گزارش های سه ماهانه ای به ایرانی ها ارایه می دهد، ولی آنها معتقدند که گزارش های مزبور اطلاعات به موقعی در اختیارشان قرار نمی دهد. برای اطلاع شما: نمایندگان معاون وزارت دفاع ملی قبلاً نظرات خود را درباره موضوع گزارش های دوره ای در خصوص وضعیت صندوق امانی ابراز کرده اند، ولی گویا حالا می خواهند دفعات ارایه این نوع گزارش ها را مطرح سازند. صادقانه بگوییم، ظاهراً کارمندان کامکار اطلاعاتی را که پس از جلسه مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۹ در ارتباط با به صندوق امانی و یادداشت تفاهم به آنها تسلیم کردیم، چندان تجزیه و تحلیل نکرده اند، و حتی شاید یک نگاه هم به گزارش های ماهیانه ای (گزارش سری ۱۱۰۰) که طبق روال به آنها

ارایه می شود، نینداخته باشند. آنها ظاهراً برگه وضعیت حسابی را که مرکز امور مالی مساعدت های امنیتی در تاریخ ۳۰ اوت ۱۹۷۹ در ارتباط با وضعیت برنامه خریدهای نظامی خارجی برایشان ارسال شده اشتباه خوانده و یا اشتباه تفسیر کرده اند. در این مورد خاص، آنها ظاهراً اخطار و ارقامی را که به برآورد وضعیت نهایی صندوق امانی در بخش کسور جدول مربوط می شود (۵/۱۵۶ میلیون دلار) نادیده گرفته اند. با توجه به فضای بی اعتمادی نسبت به هر نوع توافقی بین ایران و غرب، به ویژه آمریکا، که ظاهراً در طول چند روز گذشته شدت یافته است، پیش بینی می کنیم تلاش هایمان برای حل مسایل مربوط به صندوق امانی با مشکلات فزاینده ای مواجه شود.

۳- همچنان به پیشنهاد برای ملاقات با نمایندگان معاونت وزارت دفاع ملی ایران در قالب کارگروه در هر زمان ممکن ادامه خواهیم داد. تا به حال نتوانسته ایم کامکار را وادار کنیم تا تاریخ مشخصی برای شروع این نوع جلسات تعیین کند. با این حال، بهرامی از سوی کامکار موظف شده است تاریخ مشخصی در هفته آینده برای شروع جلسات کارگروه تعیین کند.

۴- از نظر ما سئوالاتی که در خصوص حساب بهره دار و دفعات ارایه گزارش وضعیت صندوق امانی مطرح شد، به وضوح حکایت از آن دارد که همتایان ایرانی ما در معاونت وزارت دفاع ملی سعی دارند با دنبال کردن خطوط حزبی، موقعیت کنونی خود را حفظ کنند. به اعتقاد ما کامکار و بهرامی کاملاً دلایل اقدامات ما را در قبال صندوق امانی درک می کنند، ولی هر وقت که فرصتی بیابند، سعی می کنند مسایلی از این دست را بهانه قرار دهند. با وجود این، معتقدیم ارایه خلاصه گزارش های ماهیانه درباره وضعیت صندوق امانی به ایران می تواند کار عاقلانه ای باشد. چنانچه هر گاه در برآوردهایتان اطمینان حاصل کردید که وضعیت نهایی صندوق امانی دارای مازادی است که باید به دولت موقت ایران مسترد شود، آنگاه مطمئن باشید که مسئله واریز آن به یک حساب بهره دار به مسئله ای بسیار حساس مبدل خواهد شد. در این صورت، که البته فکر نمی کنیم به این زودی ها اتفاق بیفتد، شرط پیش پرداخت نقدی برای قراردادهای جدید و یا اصلاح شده معاملات تسلیحاتی خارجی نیز از سوی دولت موقت ایران زیر سئوال خواهد رفت.

صنایع هواپیمایی ایران

سند شماره ۲۲۹

۲۹ اکتبر ۱۹۷۹- ۷ آبان ۱۳۵۸

از: مستشاری نظامی، تهران- ۱۳۹۸به: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

مرجع: ملاقات سرهنگ غنی پور، مدیر عامل صنایع هواپیمایی ایران، و نیروهای مستشاری نظامی در ۲۵ اکتبر ۱۹۷۹

موضوع: صنایع هواپیمایی ایران

۱- ناخدا سوم شیرر و سروان نیدهم از نیروهای مستشاری نظامی در روز ۲۵ اکتبر ۱۹۷۹

با سرهنگ غنی پور و همکارانش ملاقات کردند. مقصود از این ملاقات بحث در خصوص امکان خرید تجهیزات و خدمات از وزارت دفاع آمریکا در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی بود. سرهنگ غنی پور پرسید که آیا صنایع هواپیمایی ایران می تواند در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی از وزارت دفاع آمریکا (ارتش، نیروی دریایی و نیروی هوایی) خرید کند. او توضیح داد که صنایع هواپیمایی ایران ۱۰۰٪ متعلق به وزارت دفاع ملی ایران است و همچون آماد فنی برای تجهیزات، تعمیر و نگهداری هواپیماهای نیروی هوایی عمل می کند. سرهنگ غنی پور اظهار داشت که صنایع هواپیمایی ایران قصد خرید قطعات یدکی، تعمیر قطعات در آماد فنی، و خرید سفارش های فنی، نقشه های مهندسی و غیره دارد.

۲- ناخدا سوم شیرر از سرهنگ غنی پور پرسید آیا صنایع هواپیمایی ایران قبلاً مسئله این خرید های جداگانه را با وزارت دفاع ملی ایران در میان گذاشته است. سرهنگ غنی پور پاسخ داد که صنایع هواپیمایی ایران از طریق وزارت دفاع ملی اقدام خواهد کرد.

۳- خانم فرحزاد، مدیر تهیه و تولید، پرسید که آیا ما قیمت و زمان تحویل قطعات یدکی، و همچنین زمان لازم برای ارسال قطعات برای تعمیر و بازگشت قطعات تعمیرشده به ایران را معین و تضمین می کنیم. سرهنگ غنی پور نیز پرسید اگر صنایع هواپیمایی ایران هواپیمایی را آماده پرواز آزمایشی کرد، آیا وزارت دفاع آمریکا قادر به تأمین ۱ یا ۲ قطعه از انبار ما خواهد بود یا خیر. سروان نیدهم توضیح داد که وزارت دفاع آمریکا قیمت ها، زمان تحویل، و یا حتی زمان لازم برای تعمیر قطعات را تضمین نمی کند و اینکه سیاست نیروی هوایی آمریکا آن است که درخواست برای یک یا دو قطعه را جداگانه بررسی می کند و اینکه نیروی هوایی آمریکا فوراً جایگزینی یا تأمین درخواست قطعات برای مأموریت های هوایی را تضمین نخواهد کرد.

۴- سرهنگ غنی پور پرسید آیا صنایع هواپیمایی ایران می تواند T.O.S.، پیشنهاد اصلاحات، ملزومات T.O.، تغییرات T.O.، و نقشه های مهندسی را دریافت کند. او همچنین در مورد مشارکت گروه هماهنگی فنی برای اف-۴ سئوال کرد. سروان نیدهم به غنی پور گفت که در مورد انتشارات و مشارکت گروه هماهنگی فنی می توانند درخواست کتبی خود را ارسال کنند.

۵- سرهنگ غنی پور سپس در مورد آموزش های لازم آماد فنی در خصوص هواپیماهای اف-۱۴ برای نفراتش و همچنین فهرست تجهیزات مورد نیاز برای این نوع هواپیماها سئوال کرد. او همچنین از تعمیر موتورهای تی-۴۰۰ که بر روی هلیکوپترهای AH-۱J سوار می شود، توسط نیروی دریایی پرسید. او به ویژه به بسته ی کاری اشاره کرد و می خواست بداند آیا می تواند نسخه ای از جزییات آن را در اختیار داشته باشد. ناخدا سوم شیرر گفت که در معاملات خریدهای نظامی خارجی می توان هزینه آموزش و تجهیزات مورد نیاز اقلام خریداری شده را نیز ملحوظ کرد و اینکه در مورد وضعیت موتورها پیگیر خواهد شد.

۶- سروان نیدهم شیوه های خرید قطعات یدکی (CO-OP LOG، اعلام درخواست، و سفارش قطعی)، شیوه های

درخواست تعمیر و سرویس کلی خدمات، و انتشارات نیروی

هوایی را توضیح داد. او درصدد بود که شیوه CO-OP LOG نیروی هوایی را توضیح دهد که سرهنگ غنی پور از او خواست در فرصت دیگری این کار را انجام دهد.

۷- خانم فرحزاد درباره شرایط پرداخت پرسید و سروان نیدهم توضیح داد که در تمامی موارد هزینه باید به صورت نقدی و از پیش پرداخت شود. خانم فرحزاد نمی دانست که آیا انتقال پول از ایران به مرکز امور مالی مساعدت های امنیتی امکان دارد یا خیر.

۸- سروان نیدهم متذکر شد که صنایع هواپیمایی ایران باید دقیقاً سطح کمّی و دامنه قطعات یدکی مورد نیاز خود، ارزش دلاری اقلام، و تعداد و نوع اقلامی را که مایلند در آماد فنی تعمیر کنند، مشخص نماید. او همچنین گفت پیش از آنکه وزارت دفاع آمریکا بتواند اطلاعات مورد نیاز صنایع هواپیمایی ایران را ارایه دهد، این اطلاعات باید در اختیار آن قرار گیرد.

۹- در طول ملاقات مدیر صنایع هواپیمایی ایران شدیداً مشتاق بود بداند که آیا دولت آمریکا اجازه خرید تسلیحات در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی را به ایران خواهد داد یا خیر. با توجه به آنچه گفته شد، هر گونه توضیح یا راهنمایی لازم ارایه خواهد شد.

نیروی هوایی ایران

سند شماره ۲۳۰

محرمانه ۳۱اکتبر ۱۹۷۹- ۹ آبان ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهرانبه: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

مرجع: ملاقات سرتیپ صفری، معاون لجستیک نیروی هوایی ایران، و ناخداسوم شیرر در تاریخ ۳۰اکتبر ۱۹۷۹

موضوع: نیروی هوایی ایران

۱- در طول این ملاقات، سرتیپ صفری به ناخدا سوم شیرر اطلاع داد که در وزارت دفاع ملی ایران بر سر بازنشسته کردن یا نکردن او اختلاف نظر پیش آمده است. صفری گفت ارتش توانسته بود روحانیان اسلامی را متقاعد سازد که او بر سر کار خود باقی بماند، حداقل به طور موقت، و امور لجستیکی نیروی هوایی را اداره کند. سرتیپ صفری گفت فکر می کند برای مدت یک تا سه ماه دیگر در این سمت باقی بماند تا بتواند قدری به اوضاع سرو سامان دهد و سپس کار را به یک نفر دیگر واگذار کند.

او یک بار دیگر خاطر نشان کرد که فکر نمی کند هیچ کس دیگری هنوز در نیروی هوایی باقی مانده باشد که شایستگی جایگزینی او را در معاونت لجستیکی داشته باشد، ولی این مسئله دیگر به او مربوط نیست.

۲- سرتیپ صفری گفت روز گذشته او و سرلشکر باقری، رئیس ستاد نیروی هوایی، ملاقاتی پنج ساعت و نیمه با آقای چمران، وزیر دفاع ملی، داشتند و درباره مسایل مختلف قطعات یدکی با یکدیگر بحث و گفتگو کردند. صفری گفت در خلال صحبت ها به خرید

قطعات یدکی هواپیماهای اف-۱۴ و تجهیزات وابسته به آن اشاره کرده و به چمران گفته است که صرف نظر از هر تصمیمی که درباره اف-۱۴ ها گرفته می شود، ایران نهایتاً به همه این قطعات یدکی نیاز خواهد داشت. گویا قرار است چمران گزارش ها را تجزیه و تحلیل کند و در آینده نزدیک نظرش را اعلام نماید.

۳- ظاهراً فرماندهان نیروی هوایی اهمیت سرتیپ صفری را در ارتباط با تلاش هایشان درك می کنند و از این فرصت استفاده کرده اند تا در مقابل انقلابیون تندرویی بایستند که مشتاقند آنهایی را که تصور می کنند رابطه نزدیکی با ارتش آمریکا دارند، از ارتش بیرون بیندازند.

به اعتقاد ما اگر تلاش آنها برای ابقای سرتیپ صفری بی نتیجه بماند، همان اندك پیشرفتی نیز که بعد از انقلاب در نیروی هوایی رخ داده، از بین خواهد رفت.

قطعات یدکی، یادداشت تفاهم، صندوق امانی

سند شماره ۲۳۱

[موضوع]: قطعات یدکی، یادداشت تفاهم، صندوق امانی

۱- لایحه بودجه تکمیلی وزارت دفاع آمریکا مراحل نهایی تصویب در کنگره را طی می کند. تصویب این لایحه بودجه لازم را برای خرید چهار ناوشکن سفارشی ایران در اختیار دولت آمریکا قرار می دهد.

۲- به محض تصویب نهایی لایحه فوق، دولت ایالات متحده اقدامات زیر را برای رفع تعلیق و ارسال قطعات یدکی تصویب شده انجام خواهد داد:

- وزارت دفاع آمریکا فهرستی از قطعات یدکی در اختیار نمایندگان دفاعی سفارت قرار خواهد داد که آنها نیز به نوبه خود وزیر دفاع ملی ایران را از این فهرست آگاه خواهند ساخت.

- هنوز قطعاً وزن و حجم قطعات فوق را نمی دانیم.

- حدس می زنیم جهت حمل قطعات یدکی دارای اولویت برای ایران، تقریباً ۱۰ هواپیمای ۷۴۷ نیاز باشد.

- البته حمل بقیه قطعات یدکی از طریق زمینی به مراتب به صرفه تر خواهد بود.

- دولت موقت ایران مسئولیت معرفی شرکت حمل و نقل را به عهده دارد. این شرکت باید قطعات فوق را تحویل بگیرد و حمل کند.

- شاید دولت موقت ایران مایل باشد از هم اکنون برنامه حمل کالا را با یک شرکت حمل و نقل هماهنگ سازد. اختلاف آنها با شرکت بهرینگ اینترنشنال ممکن است در حمل قطعات تأخیر ایجاد کند. دولت ایالات متحده برای حمل قطعات نیاز به معرفی یک شرکت حمل و نقل از سوی ایران دارد.

۳- در صورت تصویب نهایی لایحه بودجه تکمیلی و با این فرض که سفارش جدیدی از

سوی ایران صورت نگیرد، صندوق امانی وجوه لازم برای پرداخت کلیه معاملات را به مدت شش ماه به دست خواهد آورد. وضعیت مطلوب صندوق امانی دولت ایالات متحده را قادر می سازد تا درخواست های ایران برای قراردادهای پشتیبانی را بپذیرد و اجرا نماید. این امر می تواند به دو شیوه انجام شود:

الف- یک شیوه همان روند مورد توافق برای پشتیبانی و تدارک قطعات یدکی اضطراری است.

- پیش پرداخت، در این مورد ۵ میلیون دلار در قبال یک قرارداد خرید نظامی خارجی اعتبار می شود، و این مورد از معاملاتی که هزینه آن از محل ذخیره صندوق امانی پرداخت می شود جدا خواهد بود.

- به هنگام سفارش قطعات از سوی نیروی هوایی اسلامی ایران، هزینه آن نیز پرداخت می شود، و اطلاعات لازم در خصوص باقیمانده پول و وضعیت تحویل به اطلاع نیروی هوایی اسلامی ایران خواهد رسید.

- نماینده دفاعی سفارت این رویه ها را با نیروی دریایی اسلامی ایران و نیروی هوایی اسلامی ارتش ایران در میان گذاشته است. هر دو نیروی دریایی و هوایی به این شیوه تمایل نشان داده اند. دولت ایالات متحده خشنود خواهد شد که این ترتیبات را با نیروی دریایی اسلامی، نیروی هوایی اسلامی و سایر نیروهای وابسته به ارتش ایران به مورد اجرا بگذارد.

ب- شیوه دیگری که می توان استفاده کرد گفتگو و توافق از طریق نامه پیشنهاد و قبول است.

- اصولاً رویه های مشابهی با آنچه در بند الف ذکر شد، دنبال خواهد شد.

- پیش پرداخت انجام می شود و به هنگام سفارش قطعات هزینه آن باید پرداخت شود.

- دولت ایالات متحده هیچ ترجیحی برای هر کدام از شیوه های فوق قایل نیست.

- جزییات مربوط به این شیوه ها در اختیار وزیر دفاع ملی ایران قرار خواهد گرفت.

۴- اطلاعات مفصلی در ارتباط با وضعیت اقلام موضوع یادداشت تفاهم و صندوق امانی در اختیار نماینده دفاعی سفارت قرار می گیرد.

- اطلاعات فوق به محض وصول به وزیر دفاع ملی ایران تسلیم می شود.

- با قالبی که مورد توافق آن وزارتخانه است.

- دولت ایالات متحده، چنانکه درخواست کرده اید، آماده است تا در اواخر ماه اوت جلساتی برای ارایه توضیحات کلی و بحث و بررسی برگزار نماید.

۵- نمایندگان سیاسی و دفاعی سفارت آماده اند تا در مورد این موضوعات با نمایندگان وزارتخانه های امور خارجه و دفاع ملی ایران به بحث و گفتگو بنشینند. پیشنهاد می کنیم ملاقات ها به صورت مشترک انجام شود.

دستور جلسه

ص: ۵۰۹

سند شماره ۲۳۲

[موضوع]: دستور جلسه

۱- اطلاعات لازم برای هر یک از معاملات خریدهای نظامی خارجی (پیوست شماره ۱)

۲- اطلاعـات تفصـیلی وضـعیت حسـاب صـندوق امـانی در ارتباط با عملیات صـندوق از زمان شـروع برنامه خریـدهای نظامی خارجی (پیوست شماره ۲)

۳- قطعات یدکی و اقلام پشتیبانی (پیوست شماره ۳)

۴- وضعیت قراردادهای خریدهای نظامی خارجی

الف- قراردادهای انجام شده

ب- قراردادهای لغو شده

پ- قراردادهای معوقه

۵- هر نوع فعالیت دیگر

اطلاعات لازم برای هر یک از قراردادهای خریدهای نظامی خارجی

۱- قرارداد خریدهای نظامی خارجی

۲- شرح اقلام و یا خدمات خریداری شده

۳- مقدار اقلام خریداری شده و یا نفرات (نفر- ماه)

۴- هزینه تقریبی هر قرارداد شامل هزینه بسته بندی، جعبه بندی، حمل تا محل بارگیری، هزینه های اداری و غیره

الف- قرارداد اولیه و اصلی

ب- قرارداد(های) اصلاح شده

۵- مبلغ واقعی که بـابت هر یـک از قراردادها هزینه شـده است، شامل هزینه بسـته بنـدی، جعبه بنـدی، حمل تا محل بارگیری، هزینه های اداری، غیره

الف- قرارداد اولیه و اصلی

ب- قرارداد(های) اصلاح شده

۶- مبالغ پرداخت شده از سوی دولت ایران

۷- مقدار اقلام یا (چنانچه خدمات است) نفر- ماه نیرو که تحت قرارداد تحویل یا انجام شده

توضیح: در صورت عدم دسترسی به ارقام مربوط به مقدار اقلام تحویل شده، درصد آن ذکر شود

۸- هزینه اقلام تحویل شده و یا خدمات ارایه شده

۹- آیا قرارداد لغو شده است یا خیر

۱۰- کل خسارت لغو قرارداد

۱۱- میزان خسارات لغو قرارداد که از محل حساب صندوق امانی به تولید کنندگان پرداخت شده است

۱۲- مبالغی که از فروش مجدد اقلام موضوع قراردادهای لغو شده جبران شده است

۱۳- مبلغ مورد نیاز برای تکمیل قرارداد

توضیح: جدول فوق باید برای هر یک از قراردادهای وزارت دفاع ملی ایران به صورت جداگانه در اختیار نیروهای سه گانه (ارتش، نیروی هوایی، نیروی دریایی) قرار گیرد

اطلاعات لازم در ارتباط با حساب صندوق امانی

۱- قیمت کل تمامی قراردادهای امضا شده بین ایالات متحده و دولت های ایران از زمان شروع برنامه خریدهای نظامی خارجی، شامل هزینه تجهیزات، خدمات، بسته بندی، جعبه بندی، حمل تا محل بارگیری، هزینه های اداری، و غیره

۲- کل مبالغی که دولت ایالات متحده در ارتباط با موضوع بند یک فوق از دولت ایران دریافت کرده است

۳- کل مبالغی که دولت ایالات متحده برای همه قراردادها هزینه کرده است، شامل پرداخت به تولیدکنندگان، هزینه بسته بندی، جعبه بندی، حمل تا محل بارگیری، هزینه های اداری و غیره

۴- قیمت کل تجهیزات و خدمات تحویل شده به دولت ایران

۵- فهرست پرداخت های انجام شده از محل حساب صندوق امانی از تاریخ ژانویه ۱۹۷۹ به تفکیک اقلام

۶- کل مبالغ جبران شده از محل فروش مجدد اقلام موضوع قراردادهای لغو شده (چه مسترد شده باشد و چه نشده باشد)

۷- موجودی کنونی حساب صندوق امانی

۸- قیمت تقریبی تجهیزاتی که قرار است فروخته شود

۹- موجودی تقریبی حساب صندوق امانی پس از تسویه حساب نهایی

۱۰- کل خسارات مالی مرتبط با قراردادهای لغو شده

۱۱- کل هزینه لغو قراردادها از محل صندوق امانی

قطعات یدکی

۱- فهرست اقلام آماده برای حمل

۲- فهرست اقلامی که در حال تولید هستند

۳- فهرست اقلام قابل تعمیر که هنوز بازگردانده نشده اند

۴- فهرست نشریات و جزوات فنی که آماده حمل است

۵- جدول زمان بندی برای تحویل اقلام فوق

۶- قطعات یدکی به ارزش ۵/۵ میلیون دلار باید از طریق یک حساب جداگانه خریداری شود.

بخش سوم/ سفارت شوروی در ایران

مقامات سفارت شوروی

ص: ۵۱۳

سند شماره ۲۳۳

استفاده محدود- اطلاعات امنیتی۲۲ ژوئن ۱۹۵۳- ۱ تیر ۱۳۳۲

از: دفتر وابسته نظامی، سرهنگ دوم ریچارد موشگیان

موضوع: مقامات سفارت شوروی

نام خانوادگی: دولین

کشور: اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی

نام کامل: گریگوری ایوانویچ دولین

درجه: سرهنگ

رسته: پیاده نظام

پُست فعلی: دستیار وابسته نظامی در ایران

تاریخ تولد: ۱۹۱۸

محل تولد: روستف، اتحاد شوروی

وضعیت تأهل: متأهل

تعداد فرزندان: نامعلوم

تحصیلات: (غیرنظامی)- نامعلوم

زبان: روسی، انگلیسی نسبتاً خوب

سوابق حرفه ای:

در سال ۱۹۳۷ وارد ارتش شد

فارغ التحصیل دانشکده پیاده نظام [؟]

۱۹۴۱- ۱۹۴۵ خدمت در نیروهای کالینین و اولین جبهه های قبل از بالتیک

۱۹۴۸- ۱۹۵۰ دستیار وابسته نظامی، ایران

۱۹۵۰- ۱۹۵۳ فرمانده لشکر عملیاتی تفنگدار

آوریل ۱۹۵۲ ارتقا به درجه سرهنگی

۱۸ آوریل ۱۹۵۳ دستیار وابسته نظامی، ایران

او تا به حال فرمانده گردان، تیپ و لشگر بوده است.

ظاهر فیزیکی: قد ۵ فوت و ۷ اینچ، پوست سفید، موهای بلوند که از جلو دارد طاس می شود، فردی آرام، گوشه گیر ولی صمیمی، بدون اعتماد به نفس بالا در حضور خارجیان.

عکس: به ضمیمه ارسال می شود.

از چپ به راست: سرهنگ گریگوری ایوانویچ دولین، دستیار وابسته نظامی؛ سرهنگ الکساندر ایوانویچ رودیونف، وابسته نظامی؛ سرتیپ عطاءالله کیانی، معاون دوم رئیس ستاد ارتش ایران؛ سرتیپ تقی ریاحی، رئیس ستاد ارتش ایران.

انتصاب سفیر جدید شوروی در ایران

ص: ۵۱۴

سند شماره ۲۳۴

محرمانه – اطلاعات امنیتی۲۷ ژوییه ۱۹۵۳– ۵ مرداد ۱۳۳۲

از: وزارت امور خارجه آمریکا به: سفارت آمریکا، تهران

مرجع: گزارش سفارت تهران – الف ۱۵–۱۷ ژوییه ۱۹۵۳

[موضوع]: انتصاب سفیر جدید شوروی در ایران

عطف به تلگرام مورخ ۱۵ ژوییه سفارت در ارتباط با انتصاب آناتولی آی. لاورنتیف به سمت سفیر شوروی در ایران به جای آی. وی. سادچیکف. اطلاعات بیوگرافی زیر جهت اطلاع سفارت ارسال می گردد.

لاورنتیف از تاریخ ژوییه ۱۹۵۲ سفیر شوروی در بخارست بوده و قبلاً نیز در سمت سفیر در پراگ (نوامبر ۱۹۵۱ تا ژوئن ۱۹۵۲) و بلگراد (۱۹۴۶ تا ۱۹۴۹)، خدمت کرده است. سادچیکف قبل از مأموریت در ایران عهده دار سفارت شوروی در بلگراد بود و با اعزام شدنش به تهران، لاورنتیف جانشین او در بلگراد شد.

مأموریت لاورنتیف در چکسلواکی و رومانی با تغییرات عمده ای در سلسله مراتب رهبری این کشورها مصادف شد.

او که در بین سال های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ معاون وزارت امور خارجه شوروی بود در مأموریت های دیپلماتیکی که با فرستادگان و امور کشورهای اقماری در ارتباط بود، شرکت داشت. بنابراین او فرد با تجربه ای در امور بالکان و متخصص دکترین تیتو است.

لاورنتیف که در سال ۱۹۰۴ به دنیا آمده است، با سایر دیپلمات های برجسته شوروی (یعنی گرومیکو، مالیک، پوشکین، لاوریشهف) از نسل بعد از انقلاب به حساب می آید، و در رشته اقتصاد و علوم فنی درس خوانده است.

او در سال ۱۹۳۱ از مؤسسه مولوتف انرژتیکس در مسکو فارغ التحصیل شده و یک ریاضی دان و متخصص هیدرودینامیک است. لاورنتیف پس از دو سال کار در شورای عالی اقتصاد ملی، نامزد علوم فنی و استاد مدعو مؤسسه مولوتف شد.

لاورنتیف در سال ۱۹۳۸ عضو کمیساریای صنایع سنگین خلق شوروی و در سال ۱۹۳۹ نایب رئیس شورای فنی کمیساریای نیروگاههای برق و صنایع الکتریکی خلق شوروی شد. او برای مدت کوتاهی در سال ۱۹۳۹، در سمت رئیس بخش اروپای شرقی کمیساریای وزارت امور خارجه خلق شوروی خدمت کرد.

پس از انعقاد پیمان شوروی با نازی ها در اوت ۱۹۳۹، لاورنتیف به بالکان اعزام شد، و ابتدا در سمت وزیر مختار در بلغارستان و سپس (ژوئن ۱۹۴۰) در سمت وزیر مختار در رومانی خدمت کرد و تا زمان حمله آلمان ها به شوروی در ژوئن

۱۹۴۱ در پُست اخیر ماند. از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۳ در سمت معاون مسئول خبرگزاری تاس، و بین سالهای ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۴ درپُست ریاست اداره اول اروپا (فرانسه- سوئیس و کشورهای جنوب [اروپا]) و سپس ریاست

اداره خاور نزدیک در کمیساریای وزارت امور خارجه مشغول خدمت شد.

در سال ۱۹۴۴ RSFSR کمیساریای وزارت امور خارجه خلق شد و تا زمان مأموریت در بلگراد در سال ۱۹۴۶ در همین پُست خدمت کرد. او به مدت سه سال ناظر رشد و توسعه تیتوایسم بود، و برخی ناظران بخشی از مسئولیت قطع ارتباط یوگسلاوی و شوروی را در ماه ژوئن ۱۹۴۸ بر عهده او می دانند.

لاورنتیف در مقایسه با برخی دیپلمات های شوروی تماس های بسیار اندکی با مناطقی داشته است که خارج از حوزه نفوذ و تسلط شوروی بوده اند. او در کنفرانس سازمان ملل در ارتباط با سازمان های بین المللی در سانفرانسیسکو (۱۹۴۵)، اولین مجمع عمومی سازمان ملل در لندن (۱۹۴۶)، و کنفرانس معاونین وزیران امور خارجه در پاریس (۱۹۵۱) شرکت داشته است.

همچنین در طول خدمتش در سمت معاون وزیر امور خارجه به چندین کشور اقماری سفر کرده است. نشان داده است که از گفتگوهای رسمی با همکاران غیرکمونیستش در هیأت های دیپلماتیک ابایی ندارد، ولی او را شخص «پیچیده و تیزی» توصیف کرده اند به راحتی از پاسخ دادن به سئوال های مهمی که از او می شود طفره می رود.

دالز

خروج سفیر شوروی، آناتولی لاورنتیف، از ایران

سند شماره ۲۳۵

فقط جهت استفاده اداری۱۳ می ۱۹۵۵- ۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۴

[موضوع]: خروج سفیر شوروی، آناتولی لاورنتیف، از ایران

در روز ۷ می ۱۹۵۵، آناتولی لاورنتیف، سفیر شوروی، به طور خیلی غیرمنتظره با اتومبیل تهران را به قصد بندر پهلوی در ساحل دریای خزر ترک کرد و قرار است از آنجا با کشتی به مقصد باکو حرکت کند.

عمدتاً تصور می شود که بازگشت او به مسکو برای شرکت در مراسم مبادله تصویب نامه های کنوانسیون مرزی و مالی ایران و شوروی است. با وجود این، مقامات وزارت امور خارجه ایران هیچ اطلاعی از دلیل عزیمت ناگهانی او نداشتند و احتمال تغییر او را نیز رد نکردند.

همچون موارد گذشته در غیبت لاورنتیف، کنسول سفارت شوروی آقای سیمن تاراسویچ، موقتاً در سمت کاردار سفارت انجام وظیفه خواهد کرد.

برای کاردار سفارت ایران

ویلیام کورن

کنسول سفارت در امور سیاسی

دوستی شوروی–آمریکا، کنفرانس ژنو، ...

ص: ۵۱۶

سند شماره ۲۳۶

استفاده محدود اداری۸ ژوییه ۱۹۵۵- ۱۶ تیر ۱۳۳۴

گزارش گفتگو

طرف ها: آقای ال. ای. ورونین، دبیر اول سفارت شوروی؛ آقای ای. ای. الکساندروف، دبیر دوم و کنسول سفارت شوروی؛ آقای یان کوجوگارو، دبیر سوم دفتر نمایندگی سیاسی رومانی؛ آقای ال. بروس لینگن، دبیر دوم سفارت آمریکا؛ گرانت ای. موزر، دبیر دوم سفارت آمریکا

موضوع: دوستی شوروی-آمریکا، کنفرانس ژنو،

دیدار قریب الوقوع جاستیس داگلاس از اتحاد شوروی

احتمالاًـ در تأیید دوستی غیرمعمولی که آقای مولوتف در سفر اخیرش به سانفرانسیسکو نسبت به ایالات متحده و ملت آن نشان داد، دو تن از مقامات سفارت شوروی در میهمانی ۸ ژوئن آقای مارامیس از دفتر نمایندگی سیاسی اندونزی، نزد من و آقای لینگن آمدند. هر دو مقام روسی به طور مبسوط درباره دوستی اتحاد شوروی و ملتش با ایالات متحده و ملتش صحبت کردند و برای موفقیت کنفرانس قریب الوقوع ژنو ابراز امیدواری کردند.

ابتدا آقای ورونین با آقای لینگن و من صحبت کرد، و آقای کوجوگارو از دفتر نمایندگی سیاسی رومانی صحبت هایش را برایمان ترجمه می کرد. او مکرراً بر دوستی مردم اتحاد شوروی و آرزوی آنها برای حل و فصل مسالمت آمیز کلیه اختلافات موجود بین اتحاد شوروی و ایالات متحده در کنفرانس ژنو تأکید کرد. من و آقای لینگن هم به او اطمینان دادیم که ایالات متحده نیز صادقانه آرزوی موفقیت کنفرانس ژنو را دارد و اینکه مردم آمریکا هیچ احساس دیگری غیر از دوستی با مردم اتحاد شوروی ندارند. از آقای ورونین پرسیدم که آیا نخست وزیر بولگانین، آقای خروشچف و آقای مولوتف از طرف اتحاد شوروی در کنفرانس ژنو شرکت خواهند کرد و او حضور بولگانیان و مولوتف را تأیید کرد، ولی گفت درباره حضور آقای خروشچف در این کنفرانس اطلاعی ندارد. آقای ورونین حداقل دو بار دیگر از طریق آقای کوجوگارو همان جملاتی را که ابتدا گفته بود تکرار کرد. من و آقای لینگن هم متقابلاً به اظهارات او پاسخ دادیم ولی این نوع ارتباط سه ضلعی را در نهایت خیلی خسته کننده و بی معنی یافتیم.

پس از او آقای الکساندروف، کنسول شوروی، نزد من آمد و همان آرزوی موفقیت برای کنفرانس ژنو را تکرار کرد. او سپس پرسید که جاستیس داگلاس و آقای کندی چه زمانی وارد ایران خواهند شد، زیرا به او دستور داده بودند که ویزای سفر آنها را به اتحاد شوروی صادر کند. او سپس افزود قرار است هشتم اوت به مرخصی برود و امیدوار است داگلاس و کندی پیش از عزیمت او به ایران بیایند تا شخصاً ویزای آنها را صادر کند. به او گفتم شنیده ام که آقای داگلاس در حدود

اول اوت به ایران می رسد، ولی از این تاریخ مطمئن نیستم. از او

پرسیدم که کشتی های شوروی چند وقت یکبار از بندر پهلوی به قصد باکو حرکت می کنند و او گفت به طور منظم در روزهای دوم، هشتم و بیستم هر ماه.(۱) این کشتی ها فقط از نوع کشتی های مسافربری بودند و سفر نیز تقریباً ۱۷ ساعت طول می کشید. کشتی های باربری تاریخ حرکت منظمی نداشتند. او همچنین گفت کشتی ها کوچک هستند، و خیلی راحت نیستند، ولی برای سفر به این کوتاهی مناسبند. از باکو خطوط آهن و خطوط هوایی به همه جای اتحاد شوروی متصل است.

از آقای الکساندروف پرسیدم که مرخصی اش را در کجای روسیه می گذراند، او گفت ابتدا به دیدن فامیل در مسکو می رود و سپس امیدوار است به قفقاز برود. الکساندروف اظهار داشت که از مأموریتش در تهران خیلی راضی نیست و دوست دارد بعد از تمام شدن این مأموریت پُستی در اروپای غربی به او بدهند. به اینجا که رسید، آه بلندی سر داد و گفت در طول جنگ جهانی دوم، پس از جنگ، و در طول روی کار آمدن کمونیست ها در چین در این کشور خدمت کرده است. او گفت از این می ترسد که به خاطر اطلاعاتی که درباره چین، مردمش و زبانش دارد یک بار دیگر به این کشور مأمور شود، و افزود در طول جنگ دوستان آمریکایی زیادی در چونگ کینگ چین پیدا کرده بود، که البته اظهارات او در فضای حاکم بر گفتگوی ما دو نفر، سبب شد تا یک بار دیگر حسن نیت خود را به ایالات متحده ابراز دارد و برای موفقیت کنفرانس ژنو آرزو کند.

فضای حاکم بر مراسم جشن پیروزی انقلاب اکتبر...

سند شماره ۲۳۷

محرمانه۱۴ نوامبر ۱۹۵۵– ۲۲ آبان ۱۳۳۴

سفارت آمریکا، تهران

[موضوع]: فضای حاکم بر مراسم جشن پیروزی انقلاب اکتبر

در سفارت شوروی دوستانه بود

در تاریخ ۷ نوامبر ۱۹۵۵، سفارت شوروی به مناسبت سی و هشتمین سالگرد پیروزی انقلاب اکتبر مراسمی برگزار کرد. در غیاب سفیر لاورنتیف که هفته گذشته به طور ناگهانی ایران را ترک کرد (نگاه کنید به گزارش سفارت به شماره ۲۸۹ مورخ ۱ نوامبر ۱۹۵۵)، سیمن بی. بازاروف، میزبانی مراسم را بر عهده داشت. مقامات زیادی در این مراسم شرکت کرده بودند، ولی به جز نخست وزیر علاء، مقامات عالی رتبه ایرانی بسیار اندکی در این مراسم حضور داشتند.

آمریکایی هایی که در مراسم حضور داشتند، و در واقع همه با هم وارد شدند و با هم

۱– در صحبت های پیشین کنسول شوروی به آقای راونتری گفته بود که کشتی ها در روزهای دوم، هشتم و دوازدهم هر ماه

حرکت می کنند.

مجلس را ترک کردند، عبارت بودند از وزیر مختار-کنسول و خانم جونز، و وابسته های ارتش و نیروی دریایی و همسرانشان. سفیر و وابسته نیروی هوایی نیز برای شرکت در این مراسم دعوت داشتند ولی به دلیل دوری از تهران نتوانستند در آن حضور پیدا کنند.

فضای حاکم بر مجلس به مراتب دوستانه تر از مناسبت های قبلی از همین نوع بود. بازاروف سعی داشت با همه میهمانان خوش و بش کند. البته روس ها آشکارا سعی کردند رؤسای هیأت های دیپلماتیک و میهمان عالی رتبه تر ایرانی را از اتاق محل اجتماع سایر میهمانان جدا بود کنند. آنها تقریباً موفق به انجام این کار شدند و بازاروف بیشتر وقتش را با میهمانان عالی رتبه تر گذراند، شخصاً تلاش کرد وقتی را به هر یک از آنها اختصاص دهد. بازاروف به وضوح سعی کرد توجه ویژه ای به سفیر هند و سفیر مصر مبذول کند ولی با پاسخ نسبتاً سرد آنها مواجه شد. سفیر هند به بازاروف شکایت کرد که فقط نوشیدنی الکلی سِرو می شود، و او نیز به الکل لب نمی زند.

وابسته های نظامی شوروی که با همسرانشان در مراسم حضور داشتند، به ویژه خود را بسیار صمیمی نشان می دادند. در میهمانی های قبلی، همسران وابسته های نظامی کم و بیش در گوشه ای جمع می شدند، ولی در این مراسم آنها نیز در جمع میهمانان پخش بودند و با آنها صحبت می کردند. همسر دستیار وابسته نظامی شوروی، سرگرد نیکلای کوگوچف، همه آمریکایی های حاضر در مجلس را با زبان انگلیسی نسبتاً روان خود متعجب ساخت، زیرا تا آن زمان هیچ کس نمی دانست که او انگلیسی بلد است.

تلاش مقامات شوروی برای حاکم کردن فضایی صمیمی و دوستانه بر مراسم بر هیچ کس پوشیده نبود. در میهمانی های قبلی سفارت شوروی، مقامات آمریکایی متوجه شده بودند که روس هایی که از نظر آنها مأموران اطلاعاتی هستند، نزدیک آنها می ایستادند و سعی می کردند دزدانه به گفتگوهای آنها گوش بدهند. در این میهمانی نیز مأموران اطلاعاتی حضور داشتند، ولی اصلاً تلاش نکردند به گفتگوهای آنها گوش دهند.

فضای ایجاد شده در این میهمانی با توجه به شکست دیپلماتیک نسبتاً شدیدی که روس ها فقط چند هفته پیش با اعلام تعهد ایران به پیمان بغداد متحمل شده بودند، قابل توجه بود. در آن زمان، بسیاری از ناظران نه فقط انتظار داشتند که شوروی دست به انتقام جویی بزند، بلکه پیش بینی می کردند مقامات شوروی در ایران نیز ماهها از خود خصومت نشان دهند. فضای حاکم بر میهمانی در تضاد کامل با رفتاری بود که طبق گزارش سفارت آمریکا در مسکو مقامات عالی رتبه شوروی در مراسم سالگرد تولد شاه در ۲۸ اکتبر در سفارت ایران از خود نشان داده بودند.

(نگاه کنید به تلگرام شماره ۹۹۹ مورخ ۲۷ اکتبر ۱۹۵۵ سفارت آمریکا در مسکو).

فیلیپ کلاک

دبیراول سفارت

گزارش گفتگو

سند شماره ۲۳۸

محرمانه ۲۰ دسامبر ۱۹۵۵- ۲۸ آذر ۱۳۳۴

از: رابرت جی. کارلبه: بخش سیاسی

مکان: رستوران سورنزتاریخ: ۲۰ دسامبر ۱۹۵۵

طرف ها: ای. کی. فدولف، وابسته بخش کنسولی سفارت شوروی، و رابرت جی. کارل

موضوع: گزارش گفتگو

اطلاعات بیوگرافی

فدولف در سال ۱۹۲۷ در مسکو به دنیا آمد. فارغ التحصیل دانشکده وزارت امور خارجه شوروی است. تخصص او در مطالعات شرقی است. زبان ها: فارسی- خوب؛ انگلیسی-نسبتاً خوب. متأهل و دارای یک پسر ۵ ماهه است. همسرش فارغ التحصیل دانشگاه مسکو است. در ماه دسامبر ۱۹۵۵ وارد تهران شده است. اولین مأموریت خارج از کشور اوست.

توصیف فیزیکی

تقریباً ۵ فوت و ۹ اینچ قد، ۱۵۰ پوند وزن، با موهای قهوه ای روشن یا بلوند تیره، و چشمان خاکستری-سبز، لاغراندام با گونه های برآمده.

پیشینه

فدولف در ارتباط با تقاضای تأیید سوابق دانشگاهی استیک نیکلاونا نرسسیان و واگان آروتیونویچ کرستجیان، دو تبعه شوروی که در دانشسرای آمریکایی تبریز و تهران درس خوانده بودند، به بخش کنسولی آمده بود. در همین موقع بود که گزارشگر را به صرف ناهار دعوت کرد.

موضوع گفتگو

۱- فعالیت های بنیاد تولستوی و مهاجرت اتباع روس به ایالات متحده

۲- تعداد آمریکایی های مقیم ایران و مقاصد صلح آمیز اتحاد شوروی

۳- تسهیلات زبان آموزی برای سرویس خارجی شوروی در مسکو

۴- دیدار گزارشگر از اتحاد جماهیر شوروی

در زیر خلاصه ای از اظهارات فدولف ایفاد می گردد. بخشی از گفتگوی ما به زبان فارسی و بخش دیگر به زبان انگلیسی انجام شد.

۱- فدولف پرسید فعالیت بنیاد تولستوی در تهران در چه زمینه ایست و سپس می خواست بداند چند نفر از اتباع روس داشتند به ایالات متحده مهاجرت می کردند. در همین ارتباط او پرسید که آیا کشورها برای مهاجرت به آمریکا دارای سهمیه خاصی هستند یا خیر. فدولف همچنین اظهار داشت که دفترش نیز در حال بازگرداندن آمریکایی ها به اتحاد شوروی است.

۲- وابسته سفارت شوروی پرسید چرا این همه آمریکایی در ایران هستند و اینکه آیا حقیقت دارد که ایالات متحده می خواهد پایگاه نظامی در ایران مستقر سازد. در این ارتباط گفت واقعاً جای تأسف دارد که رهبران ایالات متحده مصمم به ادامه جنگ سرد هستند در حالی که اتحاد شوروی برای صلح تلاش می کند.

۳- فدولف گفت امکانات آموزش زبان در دانشکده وزارت امور خارجه شوروی بسیار ناچیز است. او گفت تأکید اصلی بر دستور زبان و ادبیات است و آموزش ویژه ای برای مکالمه داده نمی شود. او افزود اعضای سرویس خارجی شوروی به ازای هر زبانی که بلد باشند ۱۰ درصد حقوق بیشتری دریافت می کنند.

۴- گزارشگر درباره امکان دیدار از اتحاد شوروی پرسید. فدولف گفت می تواند به سادگی ترتیب این کار را بدهد و ظرف مدت کمتر از یک ماه ویزای او را آماده کند.

نظرات

علاوه بر موضوعات فوق، درباره مسایل دیگر نیز به طور مبسوط صحبت کردیم. نمی توانم بگویم که آیا به دنبال اطلاعات خاصی بود یا خیر. از آنجایی که گزارشگر مسئول صدور ویزاست، شاید فدولف به برنامه پناهندگی سفارت علاقه داشته باشد.

فضای حاکم بر گفتگوی ما بسیار دوستانه بود و به نظر می رسید وابسته شوروی کاملاً به ادامه تماس ها علاقه دارد.

گزارش گفتگو

سند شماره ۲۳۹

محرمانه۲۲ دسامبر ۱۹۵۵- ۳۰ آذر ۱۳۳۴

از: رابرت جی. کارلبه: بخش سیاسی

مکان: رستوران سورنزتاریخ: ۲۰ دسامبر ۱۹۵۵

طرف ها: ای. کی. فدولف، وابسته بخش کنسولی سفارت شوروی و رابرت کارل

موضوع: گزارش گفتگو

اطلاعات بیوگرافی

فدولف در سال ۱۹۲۷ در مسکو به دنیا آمد. فارغ التحصیل دانشکده وزارت امور خارجه شوروی است. تخصص او در

مطالعات شرقی است. زبان ها: فارسی- خوب؛ انگلیسی-نسبتاً خوب. متأهل و دارای یک پسر ۵ ماهه است. همسرش فارغ التحصیل دانشگاه مسکو است. در ماه دسامبر ۱۹۵۵ وارد تهران شده است. اولین مأموریت خارج از کشور اوست.

توصیف فیزیکی

تقریباً ۵ فوت و ۹ اینچ قد، ۱۵۰ پوند وزن، با موهای قهوه ای روشن یا بلوند تیره، و

چشمان خاکستری- سبز، لاغراندام با گونه های برآمده.

آقای فدولف در حدود ساعت ۱۱:۳۰ صبح در ارتباط با دعوتی که روز ۱۵ دسامبر برای صرف ناهار از من کرده بود، تماس گرفت و قرار شد همدیگر را ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر در رستوران سورنز ملاقات کنیم.

ما درباره موضوعات پراکنده ای صحبت کردیم و بخشی از گفتگوهایمان به فارسی و بخشی نیز به انگلیسی بود. فدولف مشخصاً می خواست بداند که بنیاد تولستوی در تهران چه فعالیت هایی انجام می دهد. او همچنین به دانستن تعداد ویزاهایی که برای اتباع روس صادر شده است، علاقه نشان داد. در زیر خلاصه ای از گفتگوها ایفاد می گردد:

فدولف سر صحبت را با پرسیدن احوال همسر و فرزندم شروع کرد. او گفت پسرش این اواخر قدری کسالت داشته است. به نظر فدولف، پسرش گریپ داشت. گفت همسرش تهران را دوست ندارد و دلش برای مسکو خیلی تنگ شده است. گفت قصد دارد به محض خوب شدن پسرش او و همسرش را به مسکو بفرستد زیرا آب و هوای تهران به آنها نمی سازد.

از فدولف درباره امکان دریافت ویزای اتحاد شوروی پرسیدم. گفت به سادگی می تواند ترتیب صدور ویزا را بدهد. درباره هزینه سفر به شوروی پرسیدم. گفت یک تور سیاحتی برای توریست ها وجود دارد که کل هزینه آن روزانه ۱۵ دلار است.

آقای فدولف سپس پرسید که این همه آمریکایی در ایران چه می کنند و اظهار داشت که آیا احتمالاً آمریکا قصد استقرار پایگاههای نظامی را در ایران دارد. پرسید سیاست آمریکا در ایران چیست و افزود هر چند ملت آمریکا طرفدار صلح است، متأسفانه رهبران آمریکا به دنبال جنگ سرد هستند. دلایلش برای داشتن ایده مزبور این بود که ایالات متحده باید حداقل ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی اش را صادر کند و برای خلاص شدن از مازاد محصولات خود به بازارهای خارجی نیاز دارد. آقای فدولف گفت که آقای آیزنهاور بدون شک آدم خوبی بود، ولی آقای دالز با طرفداری از ادامه تاکتیک های جنگ سرد نشان داده است که با اتحاد شوروی شدیداً خصومت دارد.

آقای فدولف پس از اظهار این نظرات سیاسی قدری هم درباره آموزش هایی که در مسکو دیده بود، صحبت کرد. گفت امکانات آموزش زبان در دانشکده وزارت امور خارجه شوروی بسیار ناچیز است. همه استادان روس هستند و هیچ معلم انگلیسی زبانی در آنجا کار نمی کند. تأکید بیشتر بر دستور زبان و ادبیات است و آموزش های خاصی برای مکالمه وجود ندارد. آقای فدولف گفت که در طول تحصیلش در دانشگاه، جایزه استالین را دریافت کرده و شاگرد اول کلاس بوده است.

آقای فدولف سپس درباره قوانین مهاجرت آمریکا پرسید و گفت آیا کشورها دارای سهمیه خاصی برای مهاجرت به ایالات متحده هستند. اظهار داشت انگشت نگاری از مهاجران در ایالات متحده شرم آور است و روس ها فقط از جنایتکاران انگشت نگاری می کنند. خیلی گذرا

گفت که سفارت شوروی در تهران تعداد زیادی از اتباع آمریکایی را به اتحاد شوروی بازگردانده است.

ملاقات ما در ساعت ۳:۳۰ بعداز ظهر تمام شد و آقای فدولف من را با یک بیوک سدان ۱۹۴۲ به سفارت آمریکا بازگرداند. وقتی به سفارت رسیدیم گفت مایل است بیشتر با هم ملاقات کنیم زیرا تبادل آرا برای آشنایی و درک بهتر یکدیگر ضروری است. همچنین گفت او و همسرش با کمال میل دعوت من را خواهند پذیرفت.

پیش زمینه صرف ناهار با فدولف از سفارت شوروی

سند شماره ۲۴۰

محرمانه۲۷ دسامبر ۱۹۵۵– ۵ دی ۱۳۳۴

از: رابرت جی. کارلبه: بخش سیاسی – آقای کلاک

موضوع: پیش زمینه صرف ناهار با فدولف از سفارت شوروی

چند ماه پیش فدولف به همراه یکی از همکارانش به بخش کنسولی آمدند و تقاضای مساعدت کردند. آنها از سفارت تقاضا داشتند صحت و اصالت مدرکی را که دانشسرای آمریکایی زنان در تبریز در سال ۱۹۲۸ برای خانم آستیک نیکولاِونا نرسسیان صادر کرده بود، تأیید کند.

آنها همچنین از سفارت تقاضا داشتند مدارک مربوط به تحصیل شخصی به نام واگان آروتیونویچ کرستجیان را که در سال ۱۹۳۰ در دانشسرای آمریکایی تهران درس خوانده بود، از دانشسرای فوق درخواست کنیم. آنها توضیح دادند که هر دو نفر از اتباع شوروی هستند و تأیید مدارک تحصیلی آنها در ارتباط با اشتغالشان در اتحاد شوروی ضروری است. آقای لاوسن موافقت کرد که در این امر به آنها کمک کند. با مساعدت کنسولگری آمریکا در تبریز، مدرک تحصیلی صادر شده از دانشسرای آمریکایی تبریز تأیید شد و به سفارت شوروی تحویل گردید.

فدولف چند بار در ارتباط با بخش دوم درخواستش، به من تلفن زد و در نهایت قرار ملاقاتی برای گفتگو درباره آن ترتیب دادیم.

در همین مدت، اطلاعات مورد نظر او به دست آمده بود و زمانی که فدولف در تاریخ ۱۵ دسامبر به دفتر من آمد، اطلاعات مزبور به او تحویل شد. او چند دقیقه ای درباره زندگی در تهران صحبت کرد و سپس من را به صرف ناهار در هفته آینده دعوت کرد.

به دلیل موضوعات بسیار پراکنده ای که به هنگام صرف ناهار درباره آنها صحبت کردیم، نمی توان گفت که آیا فدولف به دنبال اطلاعات خاصی بود یا خیر. از آنجایی که من مسئول صدور ویزا در سفارت هستم و اینکه فدولف درباره برنامه

پناهندگی، و فعالیت های بنیاد تولستوی و تعداد ویزاهای صادر شده برای اتباع روس پرسید، احتمالاً علاقه اصلی او به این موضوع بوده است.

خلاصه گفتگوهای فدولف و گزارشگر

سند شماره ۲۴۱

از: رابرت جی. کارل، دبیر سوم سفارت آمریکابه: بخش سیاسی

طرف ها: ای. کی. فدولف، وابسته بخش کنسولی سفارت اتحاد شوروی و رابرت کارل، دبیر سوم سفارت آمریکا

موضوع: خلاصه گفتگوهای فدولف و گزارشگر

محل: دانشگاه تهران

مناسبت: برنامه فرهنگی دفتر نمایندگی سیاسی لهستان

موضوع گفتگو

۱- تعداد آمریکایی های مقیم ایران

۲- دانشجویان ایرانی عازم به خارج

۳- نظام مرخصی سرویس خارجی شوروی

۴- پایگاههای خارجی آمریکا و تمایل شوروی به صلح

۵- رئیس جمهور بعدی ایالات متحده

پیش زمینه

گزارشگر، فدولف را در خلال یک برنامه فرهنگی که از سوی دفتر نمایندگی سیاسی لهستان در دانشگاه تهران ترتیب داده شده بود، ملاقات کرد. در زیر خلاصه ای از گفتگوهای طرفین که عمدتاً به زبان انگلیسی انجام شد ایفاد می گردد.

۱- فدولف اظهار داشت تعداد آمریکایی ها در تهران خیلی زیاد شده است و می خواست بداند که آنها در تهران چه می کنند. او خاطر نشان کرد فراوانی سیگارهای آمریکایی در بازار سیاه بیانگر فراوانی سربازهای آمریکایی در ایران است.

۲- او پرسید چند دانشجوی ایرانی عازم آمریکا هستند و اینکه آیا به طور خصوصی به آمریکا می روند و یا از طرف دولت به آنجا اعزام می شوند. او توضیح داد که از زمان مداخله آمریکا در ایران، از تعداد دانشجویان ایرانی عازم شوروی بسیار کاسته شده است.

۳- فدولف در پاسخ به گزارشگر گفت اعضای سرویس خارجی شوروی در طول هر سال یک ماه مرخصی استحقاقی دارند. او افزود چنانچه کسی از مرخصی اش استفاده نکند به جای آن حقوق دریافت می کند.

۴- آقای فدولف از آنچه شبکه رو به گسترش پایگاههای آمریکایی در خارج خواند، ابراز تأسف کرد. او گفت اتحاد شوروی برای صلح تلاش می کند. او برای اثبات این امر، به کاهش ده درصدی هزینه های نظامی شوروی اشاره کرد. فدولف گفت متأسفانه رهبران کنونی آمریکا بر خلاف روزولت علاقه ای به صلح ندارند. فدولف پذیرفت که البته دولت متبوع او نیز

اشتباهاتی مرتکب شده است. مخصوصاً در عدم درک زودتر شرّ «بریا».

۵- فدولف به نتیجه انتخابات آتی ریاست جمهوری در آمریکا ابراز علاقه کرد. از گزارشگر پرسید که آیا اگر استیونسن انتخاب شود، برای صلح تلاش خواهد کرد.

نظرات

انگلیسی فدولف بهتر از آن چیزی است که در ابتدا به نظر می رسید. فدولف خیلی دوستانه رفتار کرد و گویی از مصاحبت با گزارشگر لذت می برد. او بر هیچ موضوع خاصی تأکید نداشت. با وجود این، باز هم همان سئوالی را که در ملاقات اول با گزارشگر درباره تعداد آمریکایی های مقیم ایران پرسیده بود، تکرار کرد.

نمایش فیلم توسط بخش مطبوعاتی دفتر نمایندگی سیاسی لهستان

سند شماره ۲۴۲

فقط جهت استفاده اداری ۴ آوریل ۱۹۵۶- ۱۵ فروردین ۱۳۳۵

از: رابرت جی. کارل، دبیر سومبه: رئیس بخش سیاسی

محل: سینما رویال، تهرانزمان: ۸ شب - ۴ آوریل ۱۹۵۶

موضوع: نمایش فیلم توسط بخش مطبوعاتی دفتر نمایندگی سیاسی لهستان

خلاصه و توصیف

در ابتدا قرار بود این فیلم در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۵۶ به نمایش درآید، ولی به دلیل فوت یکی از مقامات عالی رتبه کمونیست لهستان (بیروت) نمایش آن تا تاریخ ۴ آوریل به تعویق افتاد.

نمایش فیلم در ساعت ۸ شب در سینما رویال، که یک سینمای تجاری در خیابان شاهرضاست، صورت گرفت. برای حضور در سینما ارایه کارت دعوت ضروری بود. نزدیک به ۵۰۰ نفر در سینما حضور داشتند. گزارشگر افراد زیر را می شناخت:

۱- نفرات سفارت شوروی و در رأس آنها سفیر این کشور.

۲- نفرات هیأت های اقماری در تهران.

۳- نفرات سفارت هند و در رأس آنها آقای شاه.

۴- بسیاری از ایرانی ها از جمله برخی مقامات دون پایه از وزاتخانه های آموزش و پرورش و امور خارجه.

نمایش فیلم در سه بخش انجام شد: ابتدا یک فیلم مستند درباره زندگی پرندگان در لهستان، سپس یک کارتن، و در نهایت فیلم اصلی که «ساعت امید» نام داشت (خلاصه فیلم به پیوست ایفاد شده است).

پیش از نمایش فیلم چند نطق کوتاه نیز ایراد شد. ابتدا یکی از مقامات دفتر نمایندگی سیاسی لهستان به زبان انگلیسی درباره پیشرفت صنعت فیلم سازی در لهستان از سال ۱۹۴۵ تا

کنون صحبت کرد. دو نطق دیگر از سوی دو منتقد ایرانی به فارسی در مورد همین موضوع ایراد شد. دکتر کاووسی که نام او در فهرست دعوت شدگان برای ایراد سخنرانی بود، در جلسه حضور نداشت. گزارشگر از دو مقام آشنا در سفارت شوروی درباره انتقاد از استالین در اتحاد جماهیر شوروی پرسید. هر دوی آنها گفتند که در غرب در این باره اغراق شده است و نباید آنها را باور کرد. آنها از ادامه بحث در این باره خودداری کردند.

نظرات

هیچ اتفاق خاصی رخ نداد. هیچ چیزی بین میهمانان سِرّ‌رو نشد و کل مراسم خیلی غیررسمی بود. فیلم ها خوش ساخت بود و ظاهراً حضار نیز از تماشای آنها لذت بردند. متوجه هیچگونه تبلیغات ضدآمریکایی نشدم. از آنجایی که همان شب افسر کشیک بودم نتوانستم تا آخر مراسم آنجا باشم و واکنش نهایی حضار را ببینم.

ملاقات با ای. کی. فدولف، وابسته سفارت شوروی

سند شماره ۲۴۳

محرمانه۱۶ آوریل ۱۹۵۶– ۲۷ فروردین ۱۳۳۵

از: رابرت جی. کارل، دبیر سومبه: رئیس بخش سیاسی

محل: هتل پارک، تهرانزمان: شب ۱۶ آوریل ۱۹۵۶

موضوع: ملاقات با ای. کی. فدولف، وابسته سفارت شوروی

خلاصه

فدولف در حدود ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر مورخ ۱۶ آوریل در اداره با من تماس گرفت. به من گفت که فردای همان روز به مدت یک ماه و اندی برای مرخصی به شوروی خواهد رفت و من را دعوت کرد برای صرف نوشیدنی و خداحافظی با او به دیدنش بروم. در ساعت ۸:۳۰ دقیقه شب او را در کنسولگری شوروی ملاقات کردم و با همدیگر به هتل پارک رفتیم. شام را در همانجا صرف کردیم و تا ساعت ۱۱:۰۰ با یکدیگر حرف زدیم. سپس خداحافظی کردیم و از یکدیگر جدا شدیم.

در طول گفتگوهایمان درباره موضوعات زیر صحبت کردیم:

۱– فوت نماینده تجاری شوروی در ایران

۲– برنامه فدولف برای اوقات مرخصی اش در شوروی

۳- جایز الخطا بودن استالین

۴- حسن نیت اتحاد شوروی

۵- پیمان بغداد و خاورمیانه

۶- دستگیری وابسته نظامی شوروی در حال جاسوسی

۱- اطلاعات جدیدی در مورد این موضوع دستگیرم نشد. فدولف خیلی گذرا گفت که

نماینده تجاری شوروی پس از بازگشت از شوروی به ایران بر اثر سکته قلبی درگذشته است.

۲- فدولف تقریباً به صورت مبسوط درباره برنامه مرخصی اش در شوروی صحبت کرد. از اینکه به وطنش برمی گردد خیلی خوشحال بود. به طور خلاصه اینکه او می خواهد با اتوبوس به بندر پهلوی، از آنجا با کشتی به باکو، و از آنجا با قطار به مسکو برود، صحبت کرد. گفت ترجیح می داد با هواپیما به مسکو برود ولی همسرش می ترسد که مبادا هواپیما با یکی از بالن های هواشناسی آمریکا تصادف کند.

[وی گفت]: به محض رسیدن به مسکو قصد دارد یک اتومبیل بخرد (به قیمت ۱۰ هزار روبل) زیرا بالاخره در فهرست خریداران ماشین، نوبت به نام او رسیده است. و نهایتاً اینکه قصد دارد بیشتر اوقات مرخصی خود را با اتومبیلش به نقاط توریستی شوروی سفر کند.

۳- از فدولف خواستم تا توضیحاتی درباره تغییرات اخیر در اتحاد شوروی، به ویژه تقدس زدایی استالین، به من بدهد. او در ابتدا نسبتاً خصمانه رفتار کرد، و گفت شکی ندارد که من مطالب دروغ مطبوعات خارجی را خوانده و اطلاعات غلط به دست آورده ام. سپس با لحنی آرام تر توضیح داد که هر چند استالین مرد بزرگی بود، اشتباهات متعددی مرتکب شد، که بدترین آنها تمرکز قدرت در دستان خودش بود. فدولف ادامه داد این امر نشانه بلوغ، پیشرفت، و قدرت دولت شوروی است که توانسته است اقدامات گذشته خود را نقد کند.

از فدولف پرسیدم که آیا جرأت می کرد چند سال پیش این نوع انتقادها را مطرح کند. او گفت خیر، چون این کار خطرناک بود؛ با وجود این، گفت همان موقع هم به تمرکز بیش از حد قدرت در دستان استالین فکر کرده و با آن مخالف بوده است.

۴- پس از آن، فدولف به طور مبسوط و تقریباً ملتمسانه درباره لزوم روابط صلح آمیز و دوستانه بین آمریکا و اتحاد شوروی صحبت کرد. نکته اصلی سخنش این بود که ایالات متحده باید به جنگ سرد خاتمه دهد و به تلاش های صلح آمیز اتحاد شوروی برای گرمی روابط پاسخ گوید.

۵- فدولف سپس به پیمان بغداد و خاورمیانه اشاره کرد. او گفت با خواندن اخبار مطبوعات مبنی بر اینکه یک بحران جدی در خاورمیانه در حال شکل گیری است، حیرت زده شده است. او گفت تمامی مشکلات خاورمیانه نتیجه پیمان بغداد و یا رقابت آمریکا و انگلیس در این منطقه است. او سپس گفت که می داند عدم تعهد ایالات متحده، به دلایل سیاسی داخلی بوده است.

۶- از فدولف پرسیدم آیا خبر تازه ای درباره سرگرد کوزنتسف دارد. ظاهراً مطرح کردن این مسئله او را خیلی ناراحت کرد زیرا کل موضوع را توطئه ای از سوی ایرانی ها با همدستی آمریکا خواند.

نظرات کلی

فدولف قدری قابل تحمل تر از همیشه اش بود. هر چند او دست از حملات معمولش به

سیاست های آمریکا برنداشته بود، نظراتش خیلی حزبی نبود و از گذشته راحت تر و دوستانه تر رفتار می کرد. فکر می کنم قصدش از دعوت کردن من، چنانکه قبلاً گفتم، واقعاً همان خداحافظی بود تا بدینوسیله بتواند در صورت بازگشت به ایران، تماس هایش را حفظ کرده باشد.

برداشت من از چندین ملاقاتی که با او داشته ام این است که فدولف قبل از دیدار من فهرستی از موضوعات مورد نظرش را یادداشت می کند و در طول صحبت بدون توجه به منطق و موضوع صحبت آنها را به ترتیب مطرح می سازد. رفتار او چیزی بین تلاش برای مچ گیری و یا تحریک من و در عین حال دادن اطمینان خاطر از بابت حسن نیت شوروی بوده است.

نمایش فیلم توسط سفارت شوروی

سند شماره ۲۴۴

محرمانه۱۹ آوریل ۱۹۵۶- ۳۰ فروردین ۱۳۳۵

از: رابرت اس. برت، دبیر دومبه: رئیس بخش سیاسی

محل: باشگاه شوروی، خیابان استالینزمان: ساعت ۱۹:۳۰، تاریخ ۱۹ آوریل ۱۹۵۶

موضوع: نمایش فیلم توسط سفارت شوروی

خلاصه

نفرات سفارت شوروی و در رأس آنها سفیر و همسرش خانم لاورنتیف در مراسم نمایش فیلم «دوستی ملت های بزرگ» پذیرای تقریباً ۵۰ نفر بودند که اکثر آنها را اعضای تیم دیپلماتیک تهران تشکیل می دادند. این فیلم رنگی مستند درباره سفر بولگانین و خروشچف به هند بود. این فیلم تقریباً دو ساعت بود.

گزارشگر میهمانان زیر از جمله اعضای این سفارت را می شناخت:

۱- وزیر مختار سوئیس، آنتون آر. گنز

۲- سفیر افغانستان، سردار اعلا محمد عمر، و محمد ولی رکایی، دبیر دوم سفارت افغانستان

۳- سفیر فرانسه، ژاک امیل پری

۴- کاردار هلند، ان. وان دیجی

۵- نفرات هیأت های اقماری در تهران

۶- وابسته تجاری اتریش

پیش از نمایش فیلم، چای و شربت پرتقال سِرو شد.

برخی از میهمانان از جمله سفیر فرانسه و افغانستان لباس رسمی پوشیده بودند و پیش از پایان فیلم باشگاه را ترک کردند. آنها احتمالاً به میهمانی کاخ گلستان می رفتند (سفیر فرانسه در کاخ گلستان رؤیت شد.)

نظرات

فیلم از لحاظ فنی خوب و رنگ و تکنیک فیلم برداری آن قابل تحسین بود. ولی از لحاظ

کارگردانی ضعیف و بسیار طول و دراز بود. فیلم مزبور را دو ساعت تمام بدون هدف کش داده بودند در حالیکه ۴۵ دقیقه برای آن کافی بود.

موضوع فیلم استقبال جمعیت عظیمی از هندی ها از این دو مقام شوروی، بوسیدن کودکان هندی و دادن آب نبات به کودکان از سوی آن دو شخصیت و استقبال گرم نهرو و سایر رهبران هند از این دو نفر بود.

توضیح فیلم به زبان فارسی بود. بولگانین رئیس هیأت وزیران و خروشچف رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی معرفی شدند.

نکته جالب فیلم، دیدار این دو مقام شوروی از محل احداث سدی بود که مهندسان آمریکایی آن را طراحی کرده اند.

برداشتی که فیلم می خواست القا کند این بود که روابط هند و اتحاد شوروی نمی تواند از این دوستانه تر باشد.

هنوز تندیس استالین و تصویر بزرگی از او در هال اصلی باشگاه دیده می شد.

یکی از مقامات سفارت شوروی که با یکی از آمریکایی های حاضر در مراسم صحبت کرده بود، کنجکاوی زیادی درباره محل اقامت ناظران آمریکایی مجلس مشورتی پیمان بغداد در تهران و اینکه چه کسی ترتیب اقامت آنها را داده، نشان داده بود.

تماس با نمایندگان شوروی در ماه آوریل

سند شماره ۲۴۵

محرمانه۲ می ۱۹۵۶– ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۵

سفارت آمریکا، تهران

مرجع: ۱۹ CA–۵۳۸۸ ژانویه و نامه سفارت ۸۳۲ ۴ آوریل ۱۹۵۶

[موضوع]: تماس با نمایندگان شوروی در ماه آوریل

نظرات کلی

هر چند روند مهمی در طول این ماه مشاهده نشد، ولی برخی مسایل قابل ذکر است.

اول اینکه سفیر فرانسه، اچ. ای. ژاک پری، حضور پررنگ تری در میهمانی های روس ها پیدا کرده است. مثلاً، او تنها سفیر

کشورهـای عضو ناتو بود که در مراسم پخش فیلم سـفارت شوروی که همزمان با میهمانی نخست وزیر ایران در کاخ گلسـتان به مناسـبت کنفرانس پیمان بغداد در تهران برگزار شد، شرکت داشت. از نظر ما او به دستور دولت فرانسه این کار را انجام می دهـد، هر چند ممکن است به رأی خویش در این میهمانی ها حضور پیدا کرده باشد. کلیه اعضای عالی رتبه هیأت دیپلماتیک شوروی، از جمله اقمار آن، به مجلس دوم [نخست وزیر ایران] دعوت شده بودند.

یـک مسـئله دیگر این بود که ظـاهراً روس ها به عمـد میهمانی پخش فیلم خود را همزمان با مجلس رسـمی نخست وزیر ایران برگزار کردند. ظاهراً با این کار می خواستند بهانه ای برای

شرکت نکردن مقامات شوروی و اقمارش در میهمانی نخست وزیر بتراشند و تا آنجا که می توانند از میهمانان او بکاهند. (نگاه کنید به گزارش شماره ۹۰۷ به تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۵۶)

وابستگان نظامی شوروی و دستیارانشان در طول این ماه چندان مشهود نبودند. تنها کسی که در چند موقعیت رؤیت شد، سرهنگ دولین، وابسته نظامی شوروی، بود.

دیدار السکاندرف، وابسته سفارت شوروی، از اصفهان، که احتمالاً ـ در ساختمان قدیمی کنسولگری شوروی در این شهر اقامت کرده است، و همچنین از شیراز، بیانگر این است که تعدادی از مقامات سفارت در حال گردش در ایران هستند. تعداد کمتری از دیپلمات های شوروی نیز در باشگاه تهران رؤیت شدند که رفتار و صحبت هایشان عادی بود.

۱- سروان جیزز ری، دستیار وابسته نیروی هوایی آمریکا، و سرگرد نیکلای کوگوشف، دستیار وابسته نظامی شوروی.

در تاریخ ۴ آوریل، سروان ری فیلم سیرک شوروی را که به او امانت داده بودند، بازگرداند. چنانکه در گزارش سفارت به شماره ۸۳۲ آمده است، به هنگام برگرداندن فیلم، دو شماره از نشریه های USIS به نام های «دموکراسی چیست؟» و «کمونیسم چیست؟» نیز به کوگوشف داده شد. او قبلاً ـ به یکی از این کتاب ها که در دفتر وابسته نیروی هوایی دیده بود، علاقه نشان داده بود. وقتی فهمید که این دو کتاب به رسم هدیه به او داده شده است خیلی تعجب کرد. البته خیلی گذرا گفت که این کتاب ها «تبلیغاتی» هستند. سرهنگ دولین هم در این موقع حضور داشت. تنها نکته قابل ذکر در طول این ملاقات آن بود که کوگوشف به بیمارستان شوروی در تهران اشاره کرد و برای نشان دادن موفقیت گفت که اخیراً چشم یک گوسفند را به یک دختر ایرانی که چشمش آب مروارید داشته، پیوند زده اند. (این بیمارستان به روی ایرانی ها باز است.)

۲- پخش فیلم توسط سفارت لهستان

در تاریخ ۴ آوریل، لهستانی ها در یکی از سینماهای مرکز شهر مبادرت به اکران فیلم «ساعت امید» کردند. ابتدا قرار بود این فیلم در تاریخ ۱۴ مارس اکران شود ولی به دلیل فوت کمونیست لهستانی در بیروت اکران آن به تعویق افتاد. هیچ اتفاق مهمی رخ نداد. فیلم عمدتاً یک فیلم تبلیغاتی بود. تنها دیپلمات های غیر اقماری حاضر در سینما، هندی ها بودند. (برای جزییات و بریده جراید مربوط به همین مناسبت، نگاه کنید به پیوست شماره ۱).

۳- ملاقات خداحافظی دبیر سوم سفارت با ای. کی. فدولف، وابسته شوروی

در تاریخ ۱۶ آوریل، رابرت کارل، دبیر سوم سفارت، پیش از رفتن فدولف به مرخصی در شوروی به تقاضای او به دیدنش رفت. خلاصه گفتگوها این بود که فدولف با هواپیما به مسکو بازنمی گردد چون همسرش از آن هراس دارد که هواپیما با یکی از بالن های هواشناسی آمریکا برخورد کند، تقدس زدایی از استالین نشان دهنده پختگی دولت شوروی است، مشکلات خاورمیانه نتیجه پیمان بغداد یا رقابت آمریکا و انگلیس در منطقه است، و این موضع

حزبی که پرونـده جاسوسـی کوزنتسف یک توطئه بوده است دوباره تکرار شد. (نگاه کنید به گزارش سـفارت به شـماره ۷۴۶ مورخ ۳ مارس ۱۹۵۶.)

- نظر آقای کارل این بود که فدولف نسبت به گذشته رفتار دوستانه تری داشت.

۴- میهمانی نمایش فیلم «دوستی ملت های بزرگ» به دعوت سفیر شوروی و خانم لاورنتیف

تعداد ۱۶ نفر از نفرات سـفارت دعوتنامه هایی به نام خود از سوی سـفیر شوروی و همسـرش برای شـرکت در میهمانی نمایش فیلم فوق دریـافت کردنـد که بـا میهمـانی نخست وزیر ایران همزمان بود. معلوم بود همزمانی دو مراسم اتفاقی نیست. این فیلم ظاهراً همان فیلمی بود که روس ها ماه گذشته به نمایش گذاشـته بودند و در پیوست شماره ۱ گزارش سفارت به شماره ۸۳۲ شرح آن داده شده است. موضوع فیلم سـفر بولگانین و خروشچف به هند بود. (برای جزییات برنامه و کپی دعوت نامه ها نگاه کنید به پیوست شماره ۳).

۵- کنسرت پیانوی موزیسین لهستانی در تاریخ ۲۹ آوریل

کاردار لهسـتان و همسـرش میهمانی نسـبتاً بزرگی به افتخار پیانیست لهستانی - باربارا هسه بوکوواکا در باشگاه افسران برگزار کردنـد. کنسـرت شبیه مراسـمی بود که قبلاً نیز از سوی لهسـتانی برگزار شـده بود. مورد خاصـی رؤیت نشـد، تعـداد زیادی از شخصـیت های برجسـته ایرانی در میان میهمانان حاضـر بودند. (جهت رؤیت رونوشت دعوت نامه ها به پیوست شـماره ۴ نگاه کنید)

فیلیپ کلاک

دبیر اول سفارت

پیوست ها:

۱- نمایش فیلم از سوی بخش مطبوعاتی دفتر نمایندگی سیاسی لهستان، ۴ آوریل ۱۹۵۶ (فقط جهت استفاده اداری)

۲- تماس با ای. کی. فدولف، وابسته سفارت شوروی، ۱۶ آوریل ۱۹۵۶ (محرمانه)

۳- نمایش فیلم از سوی سفارت شوروی، ۱۹ آوریل ۱۹۵۶ (محرمانه)

۴- دعوت به کنسرت پیانو، ۲۹ آوریل ۱۹۵۶ (بدون طبقه بندی)

نیکلای میخائیلوویچ پگف، از مقامات شوروی

سند شماره ۲۴۶

محرمانه۲۱ اوت ۱۹۵۶- ۳۰ مرداد ۱۳۳۵

به: سفارت آمریکا، تهران

موضوع: نیکلای میخائیلوویچ پگف، از مقامات شوروی

عطف به تلگرام شماره ۲۳۸ مورخ ۱۲ اوت ۱۹۵۶ سفارت آمریکا در تهران مبنی بر درخواست اطلاعاتی درباره ان. ام. پگف، یکی از اعضای حزب کمونیست شوروی، که نامزد پُست سفارت در ایران شده است.

ان. ام. پگف در سال ۱۹۰۵ در مسکو به دنیا آمد، و در سال۱۹۱۹ در همان شهر در کارخانه ای مشغول کار شد. در سال ۱۹۲۳ به کمسومول پیوست و پس از آن از اعضای فعال این سازمان شد. در سال ۱۹۲۸ به ارتش سرخ پیوست و تا سال ۱۹۲۹ در «لشگر پرولتاریا» خدمت کرد، و پس از آن در یک کارخانه نساجی به نام «رز سرخ» که احتمالاً یک کارخانه ابریشم بافی بود در مسکو مشغول به کار شد. پگف بعد از ارتقای وضعیت از نامزد به عضو، در سال ۱۹۳۰ به حزب کمونیست (سازمان مسکو) پیوست. این اقدام فرصتی برای تحصیلات در اختیار او گذاشت، زیرا در سال ۱۹۳۱ دوره های ویژه راه اندازی و مدیریت کارخانه را در یک موسسه فنی، احتمالاً در مسکو، گذراند.

بر اساس یک بیوگرافی رسمی شوروی، پگف تحصیلاتش را در سال ۱۹۳۱ به اتمام رساند و پس از آن معاون کارخانه ابریشم بافی گورکی در مسکو شد. او پس از یک سال که در این سمت خدمت کرد به آسیای مرکزی منتقل شد، و از سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۵ مدیر کارخانه بزرگ ابریشم بافی ایمنی وی.وی. کوییبشف در جمهوری ازبک بود. او سپس به مدت چهار سال (۱۹۳۵–۱۹۳۸) در دانشکده صنعتی آل-یونیون (در رشته صنایع سبک) در ایمنی وی. ام. مولوتف در مسکو تحصیل کرد. در همین مدت دبیر سازمان حزب دانشکده بود و تجربیاتی در اداره حزب به دست آورد.

پس از اتمام تحصیلاتش از دانشکده صنعتی، در سمت دبیر سوم کمیته حزب کرای به خاور دور شوروی مأموریت یافت و در مدت کوتاهی به دبیر اولی کمیته حزب کرای پریمورسکی ارتقا یافت. کرای در اکتبر ۱۹۳۸ از کرای خاور دور جدا شده بود. در هجدهمین کنگره حزب آل-یونیون در مارس ۱۹۳۹، در کمیته مرکزی حزب عضویت یافت. پگف در طول جنگ جهانی دوم در سمتش در حزب کرای پریمورسکی باقی ماند، و در عین حال در شورای نظامی جبهه خاور دور نیز خدمت می کرد. او در مارس ۱۹۴۷ دبیر اولی حزب کرای را به ان. ان. اورگانف واگذار کرد و برای انجام «کارهای رهبری» به دستگاه کمیته مرکزی حزب در مسکو پیوست.

طبق یک گزارش، پُست اولیه پگف در ارگان مرکزی حزب در سال ۱۹۴۷، معاونت بخش اداری در امور نظارت بر ارگان های حزب بود که به مدت یک سال در این سمت خدمت کرد. او در ارتباط با کارش در بخش اداری حزب، عضو هیأت تحریریه «پارتینایا ژیزن» از نشریات کمیته مرکزی بود که در ارتباط با مسایل سازمانی حزب انتشار می یافت. در دسامبر ۱۹۴۸، پگف رئیس بخش صنایع سبک، تحت نظر کمیته مرکزی حزب شد و احتمالاً این مقام را حداقل تا سال ۱۹۵۱ حفظ کرد.

در نوزدهمین کنگره حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، که در اکتبر ۱۹۵۲ برگزار شد، پگف به سمت دبیر کمیته مرکزی و نامزد عضویت در شورای عالی رهبری کمیته مرکزی انتخاب شد. اگرچه در هیچ منبعی وظایف پگف بلافاصله قبل و بعد از این کنگره ذکر نشده

است، ولی دلایل چندی وجود دارد که فرض کنیم او ریاست بخشی از حزب، اتحادیه کارگری، و ارگان های کمسومول (کادر رهبری) را تحت نظارت کمیته مرکزی حزب، احتمالاً از سال ۱۹۵۱، بر عهده داشته است.

در تعدیل های سیاسی که پس از مرگ استالین (مارس ۱۹۵۲) اتفاق افتاد، پگف پست دبیری کمیته مرکزی و نامزدی عضویت در شورای عالی رهبری کمیته مرکزی را از دست داد. او به سمت دبیری شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی انتقال یافت که تا کنون در همین سمت خدمت کرده است. در بیستمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، در فوریه ۱۹۵۶، پگف یک بار دیگر به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی انتخاب شد. در ماه می ۱۹۵۵ او عضو هیأتی بود که از سوی دولت شوروی از آلمان شرقی دیدن کرد، و در نوامبر ۱۹۵۵ در رأس هیأت پارلمانی شوروی به مجارستان رفت.

پگف از سال ۱۹۴۱ در شورای اتحاد، شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی، (فقط با یک وقفه) خدمت کرده است. در ماه مارس ۱۹۴۱، در انتخابات ویژه ای که در کرای پریمورسکی برگزار شد، انتخاب گردید، و در ماه مارس ۱۹۴۶ از همان کرای به شورا بازگشت. او در انتخابات سال ۱۹۵۰ نامزد نبود، ولی در سال ۱۹۵۳ در انتخابات ویژه ای که در مولوتف اوبلاست (RSFSR) برگزار شد، به عضویت شورا درآمد. در ماه مارس ۱۹۵۴ او بار دیگر در همان اوبلاست انتخاب شد. پگف از سال ۱۹۵۱ نماینده ایوانو اوبلاست در شورای عالی RSFSR، و از سال ۱۹۵۰ معاون شورای شهر تاشکند (جمهوری ازبک) بوده است. طبق پرونده های موجود، پگف نشان های زیر را دریافت کرده است: دو نشان لنین، نشان سرخ کارگری، نشان جنگ وطن پرستانه، درجه یک، و چهار مدال.

پگف متأهل [و] طبق گزارش ها دارای دو دختر (۲۶ و ۲۴ ساله) و یک پسر تقریباً ۱۶ ساله است. طبق گفته های یک ناظر آمریکایی که به هنگام عضویت پگف در کرای پریمورسکی فعالیت های او را گزارش می کرد، پگف «سخنران خوبی است و ظاهر خوبی در بین عموم از خود به نمایش می گذارد.»

مورفی، کفیل

ورود سفیر جدید شوروی به تهران

سند شماره ۲۴۷

محرمانه۱۳ سپتامبر ۱۹۵۶– ۲۲ شهریور ۱۳۳۵

سفارت آمریکا، تهران

[موضوع]: ورود سفیر جدید شوروی به تهران

خلاصه

انتصاب سفیر جدید شوروی در ایران مورد توجه زیاد مطبوعات این کشور قرار گرفت و این حدس و گمان ها را دامن زد که احتمالاً شوروی سیاست های خود را در قبال ایران تغییر

داده است. سفیر جدید به هنگام ورود به تهران تأثیر خوبی گذاشت زیرا نماینده نگرش جدید شوروی مبنی بر دوستی با ایران بود، ولی به رغم حسن نیتی که ظاهراً هر دو طرف از خود نشان می دهند، برخی از ایرانی ها هنوز سفیر قبلی را از یاد نبرده اند و [در مورد حسن نیت شوروی] ابراز تردید کرده اند. مقامات وزارت امور خارجه ایران نیز می گویند به رغم ژست دوستانه سفیر جدید، پیش بینی نمی کنند که تغییری در دیپلماسی شوروی رخ دهد.

******

روز ۱۳ اوت، وقتی اعلام شد که دولت شوروی شخصی را برای جانشینی آناتولی آی. لاورنتیف، سفیر شوروی در ایران، معرفی کرده است، مطبوعات ایران توجه زیادی به این موضوع مبذول داشتند، و برخی از آنها نیز تعویض اخیر را نشانه حسن نیت شوروی نسبت به ایران می دانند که در طول دیدار شاه از مسکو مورد بحث قرار گرفته است. دو روز بعد، وقتی وزارت امور خارجه ایران اعلام کرد که با انتصاب نیکلای میخائیلوویچ پگف در سمت سفیر شوروی در ایران موافقت کرده است، باز مطبوعات ایران پوشش خبری زیادی به این مسئله دادند و از قول «منابع آگاه» اعلام کردند که تغییر اخیر نتیجه گفتگوهای شاه با رهبران شوروی در سفر اخیرش به مسکو صورت گرفته است. در طول هفته، چندین نشریه در ایران عکس سفیر جدید شوروی را چاپ کردند، که یکی از آنها او را در مسکو در کنار شاه نشان می داد و زیر آن نوشته بود «سفیر جدید شوروی در دیدار شاه از مسکو به ایشان معرفی شده بود.» در واقع، شاه به سفیر چاپین گفته بود که به هنگام دیدار از مسکو از قصد رهبران شوروی برای تعویض سفیرشان در ایران به نشانه سیاست جدید این کشور برای دوستی با ایران آگاهی یافته بود. (تلگرام سفارت به شماره ۸۲، مورخ ۱۸ ژوییه ۱۹۵۶).

در تاریخ ۱۸ اوت، پرتیراژترین روزنامه ایران به نام اطلاعات به نقل از «منابع وزارت امور خارجه ایران» نوشت که انتصاب پگف نشان از علاقه اتحاد شوروی به خاورمیانه دارد، زیرا «تا به حال هیچ مقامی تا این حد عالی رتبه به هیچیک از کشورهای خاورمیانه مأمور نشده است.» این روزنامه افزود که پگف در سمت دبیر شورای عالی رهبری شوروی، در تمام مذاکراتی که بین شاه و رهبران شوروی صورت گرفت، حضور داشت و با امور ایران آشنایی کامل دارد.

ظاهراً تمامی اخباری که در ابتدا درباره انتصاب پگف منتشر می شد به نوعی هدف ایجاد پرستیژ برای سفیر جدید را دنبال می کرد، و در آنها کمتر از اهمیت این انتصاب برای روابط ایران و شوروی صحبت می شد. با وجود این، طولی نکشید که مطبوعات به این موضوع نیز پرداختند. در روز ۲۷ اوت، یعنی تقریباً دو هفته پیش از ورود پگف به ایران، روزنامه اطلاعات با لحنی انتقاد آمیز که ندرتاً از این روزنامه انتظار می رود، نوشت: «هر کجا که لاورنتیف سفیر شوروی بود، فعالیت های کمونیستی هم تشدید می شد.» این روزنامه به مأموریت لاورنتیف در رومانی و نسبت دادن فعالیت های حزب توده در ایران به مأموریت وی در ایران اشاره داشت. روزنامه اطلاعات سپس انتصاب جدید را نشانه ای از تمایل شوروی به برقراری روابط بهتر با

ایران توصیف کرد. در روز ۳۰ اوت، یک روزنامه ایرانی دیگر نوشت که اصول بنیادین سیاست شوروی مبنی بر نفوذ در ایران تغییر کرده است، و ابراز داشت پگف با پیشنهاد کمک های مهم فنی به دولت ایران دیپلماسی جدید شوروی را به مورد اجرا خواهد گذاشت. سه روز بعد، یک روزنامه ایرانی دیگر، با اشاره به پیشنهادهای قبلی شوروی برای مساعدت های فنی به ایران نوشت که پگف پیشنهادهای جدیدی به ایران ارایه خواهد داد، ولی «این بار هم» پیشنهادها با شرایط غیر قابل قبولی همراه خواهد بود. با وجود این، سردبیر همان روزنامه بعدها نوشت که انتظار داریم مرحله جدیدی در روابط ایران و شوروی شروع شود.

آقای پگف در تاریخ ۸ سپتامبر وارد تهران شد، و سعی کرد در همان فرودگاه بهترین وجهه را از خود ارایه دهد. در هواپیما با خبرنگاران رفتار صمیمی، محترمانه و دوستانه ای داشت، و خیلی راحت و سرزنده با آنها صحبت می کرد (البته احتمالاً از طریق مترجم چون خودش فقط روسی بلد است.) سخنانی که به هنگام ورودش به تهران ایراد کرد، که البته از یک دیپلمات شوروی در ایران عجیب بود، از این جهت که سلام مردم شوروی را به مردم ایران رساند نیز اهمیت داشت. یکی از خبرنگاران ایرانی بعداً به یکی از کارمندان سفارت گفت که او و همکارانش شدیداً تحت تأثیر شخصیت و رفتار دوستانه آقای پگف، و همچنین این حقیقت قرار گرفته اند که او از دست بالاـ آنها را خطاب قرار نداده بلکه مثل همتایان خودش با آنها رفتار کرده است. نمونه ای از رفتار دوستانه او با خبرنگاران وقتی اتفاق افتاد که او وارد وزارت امور خارجه ایران شد و خبرنگاران او را محاصره کردند. در این هنگام او لبخندزنان دستش را روی شانه یکی از آنها گذاشت و وقتی یکی از مقامات وزارت امور خارجه به مزاح هشدار داد که مراقب خبرنگارها باشد چون آدم های خطرناکی هستند، او گفت که اتفاقاً بر عکس، آنها «انسان های خیلی محترمی» هستند، و او هیچ ترسی از آنها ندارد، و حاضر است هر کجا و هر زمان به سئوالات آنها پاسخ دهد. مطبوعات ایران خیلی از این رفتار دوستانه خوششان آمده و آن را در بوق و کرنا کرده اند، و روزنامه اطلاعات آن را «نشانه خوبی از شروع مرحله جدیدی از روابط دوستانه محکم تر بین ایران و اتحاد شوروی» خواند.

سفیر ایران در اتحاد شوروی نیز، که با همان هواپیمای روسی حامل پگف به تهران برگشته بود، سعی داشت شأن و مقام سفیر جدید شوروی را در ایران بالا ببرد، و به خبرنگاران گفت که پگف «یکی از مقامات بسیار عالی رتبه اتحاد شوروی است،» و همان داستان تکراری را گفت که در طول دیدار شاه از مسکو رهبران شوروی به او گفته اند که انتصاب «چنین شخص مهمی» در پُست سفارت شوروی در ایران نشانه اشتیاق شوروی به برقراری روابط نزدیک تر با ایران و اثبات حسن نیت شوروی به مردم ایران است.

سفیر جدید استوارنامه خود را در روز ۱۲ سپتامبر تسلیم کرد. اگرچه در ابتدا قرار بود این مراسم در روز قبل برگزار شود، ولی به دلیل اینکه لباس پگف مناسب نبود، مراسم یک روز به تعویق افتاد. (تلگرام سفارت به شماره ۳۹۹، مورخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۵۶). «ظاهر جدید» سفیر

شوروی نیز توجه مقامات وزارت امور خارجه ایران را به خود جلب کرد و به حدس و گمان هایی درباره آن دامن زد. هرمز قریب، رئیس تشریفات، به ویژه به سخنان غیرمعمول پگف در هنگام ورود به تهران و اصطلاح سلام رسانی «ملت به ملت» اشاره داشت، و اسماعیل مجیدی، رئیس اداره دوم سیاسی (اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی) نیز به یکی از مسئولان سفارت آمریکا گفت که به رغم رفتار متفاوت پگف، انتظار ندارد که هیچ تغییر عمده ای در دیپلماسی شوروی نسبت به ایران رخ دهد. اردلان، وزیر امور خارجه ایران نیز بعداً به سفیر چاپین گفت (تلگرام سفارت به شماره ۳۹۹، مورخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۵۶) که پگف درباره تمایل اتحاد شوروی به برقراری روابط نزدیک تر با ایران از طریق مناسبات تجاری دوجانبه، نیروگاههای برق آبی، و پروژه های آبرسانی در طول مرزهای مشترک با او گفتگو کرده است، ولی اردلان گفت که پگف هیچ چیزی درباره قریب الوقوع بودن هر گونه کمک به اقتصاد ایران نگفته است.

به رغم تمامی حلاوت ورود پگف به تهران، روزنامه کیهان در تاریخ ۸ سپتامبر دومین مقاله تلخ را در ستون متعلق به سردبیر منتشر ساخت. روزنامه کیهان با مروری بر دوره سفارت سلف پگف، نوشت فعالیت دیپلمات های شوروی در ایران در گذشته اشتباه بوده و موجبات نگرانی ایرانی ها را فراهم آورده است، و اینکه استفاده از عناصر براندار (توده) برای پیشبرد اهداف شوروی فقط به ضرر اتحاد جماهیر شوروی بوده است، و به پگف پیشنهاد کرد به منظور جلب اعتماد مردم ایران تغییر در سیاست های شوروی ضروری است.

البته باید منتظر ماند و دید که آیا سفیر جدید شوروی به این توصیه توجه خواهد کرد و معنایی عملی به لبخندهایش خواهد داد یا خیر. واکنش ایرانی ها به انتصاب آقای پگف نشان می دهد که هر چند به خود اجازه داده اند قدری امیدوارانه به این مسئله نگاه کنند، واقعاً انتظار تغییر عمده ای ندارند.

برای سفیر

فیلیپ کلاک

دبیراول سفارت

آقای ورونین، کاردار شوروی در تهران

سند شماره ۲۴۸

استفاده محدود اداری

از: کی. او. کلارکبه: سفیر

موضوع: آقای ورونین، کاردار شوروی در تهران

آقای ورونین، کاردار جدیـد شوروی، قبلاً نیز دو بار در ایران مشـغول انجام خـدمت بوده است. چند سال پیش در سـمت دبیر سوم در سـفارت شوروی مشـغول به کار شد، سپس به اتحاد شوروی رفت و بار دیگر در سمت دبیر اول به تهران بازگشت. او همچنین در اواخر

سال ۱۹۵۶ در سمت دستیار رئیس هیأت مرزی شوروی به ایران سفر کرد.

ورونین پیش از انتصاب به سمت کاردار در تهران، معاون بخش خاورمیانه در [وزارت امور خارجه] مسکو بود. او در این سمت، میزبان هیأت مرزی ایران در طول سفرشان به شوروی بود. ورونین فارسی بلد است.

وقتی در سمت دبیر اول سفارت در سال ۱۹۵۵ در تهران مشغول به کار شد، در میهمانی ۸ ژوئن آقای مارامیس از دفتر نمایندگی سیاسی اندونزی، به اعضای سفارت آمریکا نزدیک شد و نهایتاً دوستی اتحاد شوروی و مردمش را با مردم آمریکا اظهار کرد. او همچنین تمایل شدید خود را به موفقیت کنفرانس ژنو ابراز داشت. در آن زمان ورونین از آقای کوجوگارو که از اعضای دفتر نمایندگی سیاسی رومانی بود خواهش کرد تا سخنانش را ترجمه کند.

مقامات وزارت امور خارجه ایران از انتصاب او در سمت کاردار شوروی در ایران چندان راضی نیستند.

نیکلای میخائیلویچ پگف

سند شماره ۲۴۹

سرّی

[موضوع]: نیکلای میخائیلویچ پگف

نیکلای میخائیلویچ پگف

متولد ۱۹۰۵

همسر: اُلگا یاکولونا پگف

۱۹۴۷: دبیر اول کمیته حزب ماری تایم

۱۹۵۲-۱۹۴۷: رئیس بخش صنایع سبک، حزب همه اتحادیه ها

۱۹۵۰: معاون شورای شهر مسکو

۱۹۵۱: معاون منتخب RSFSR شورای عالی رهبری شوروی

۱۹۵۲: عضو کمیته مرکزی و دبیرخانه کمیته مرکزی

۱۹۵۶-۱۹۵۳: دبیر شورای عالی رهبری شوروی- خدمت کامل.

تاگاشف پیشنهاد کمک [شوروی] را در بوق و کرنا کرده است

سند شماره ۲۵۰

۷ ژانویه ۱۹۵۷– ۱۷ دی ۱۳۳۵

از: واترزبه: آقای اولکسیو

موضوع: تاگاشف پیشنهاد کمک [شوروی] را در بوق و کرنا کرده است

نماینده تاس دوره افتاده است و با ملاقات خبرنگارهای دیگر، پیشنهاد کمک پگف را در بوق و کرنا می کند. چون پیشنهاد کمک فقط یک روز روزنامه ها را شگفت زده کرد، او سعی

می کند علاقه به این مطلب را بر انگیزد. او به چند تن از خبرنگاران گفته است که این پیشنهاد بسیار جدی است و به صورت کتبی به وزارت امور خارجه تسلیم شده است. روز گذشته در یک مصاحبه مطبوعاتی از وزیر امور خارجه درباره این پیشنهاد پرسیده شد. او ارایه چنین پیشنهادی را تکذیب نکرد، ولی توضیحی نیز درباره آن نداد.

اس. ان. تاگاشف

سند شماره ۲۵۱

محرمانه

از: چارلز ان. راسیاسبه: آقای نلسن بریکهم

موضوع: اس. ان. تاگاشف

اطلاعات زیادی درباره این شخص نداریم. فقط به زبان فارسی با هم احوالپرسی و قدری صحبت کردیم. او با شنیدن اسم من بلافاصله فهمید که یونانی تبار هستم و وقتی به او گفتم که بیشتر مردم با شنیدن اسم من فکر می کنند که اسپانیایی یا فرانسوی تبار هستم، خشنود شد.

همسرم بعداً به من گفت که وقتی تاگاشف با او و خانم بولستر به زبانی مخلوط از انگلیسی و فارسی صحبت می کرد، نشان داده است که شخص باهوش و ذکاوتی است.

او به وضوح از مصاحبت با خانم ها لذت می برد و خیلی دوست دارد با مخاطبش مزاح کند. او تنها روسی بود که تا آخر میهمانی ماند و ظاهراً با کاردار مجارستان، زولتان سزفیلی، خیلی دوست بود.

ملاقات سفیر شوروی با مسئولین وزارت امور خارجه ایران

سند شماره ۲۵۲

محرمانه۴ فوریه ۱۹۵۷- ۱۵ بهمن ۱۳۳۵

فیلیپ کلاک

یادداشت جهت بایگانی

[موضوع]: ملاقات سفیر شوروی با مسئولین وزارت امور خارجه ایران

۱- روز شنبه مورخ ۲ فوریه، اسماعیل مجدی، مسئول بخش اروپای شرقی در وزارت امور خارجه ایران به DCM گفت که اخیراً با پگف، سفیر شوروی در ایران، دیدار و گفتگو داشته است. او گفت پگف را به خاطر مهارت دیپلماتیکش تحسین کرده است، ولی به DCM اظهار داشت پگف «مرد خطرناکی است، او خیلی به شاه نزدیک است، و همه اش به دیدن شاه می رود».

۲- او گفت در همان گفتگو پس از تحسین توانایی های دیپلماتیک پگف به روابط نزدیک ایران و شوروی اشاره کرده و گفته است که این روابط می تواند با آزاد کردن پزشکی که در کرمانشاه دستگیر شده است، بهبود یابد. ظاهراً این پزشک، که یکی از هفت فرد دستگیر شده است، در طول اشغال ایران در زمان جنگ یا به اصرار و یا توسط خود مقامات شوروی

دستگیر شده بود. در این مورد خاص، همسر پزشک مزبور از دولت ایران خواسته است که آزادی او را تضمین کند. پگف گفت که «به این مسئله رسیدگی خواهد کرد». بعد از مدتی به دولت ایران اطلاع داده شد که هر چند شش پزشک دیگر در شوروی درگذشته اند، پزشک کرمانشاهی هنوز زنده است، ولی گفته است که دوست دارد در شوروی بماند، و قصد بازگشت به ایران را ندارد. علاوه بر این، او به سفارت ایران در مسکو فرستاده شده است تا همین حرف ها را در آنجا نیز به اطلاع مقامات سفارت برساند. ولی سفارت ایران در پاسخ استعلام وزارت امور خارجه چنین چیزی را تکذیب کرد. با وجود این، در همین اثنا، همسر پزشک کرمانشاهی نامه ای از شوهرش دریافت کرد که نوشته بود قصد بازگشت به ایران را ندارد.

۳- در میهمانی سفارت یوگسلاوی که در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۵۶ برگزار شد، مجدی بار دیگر با گوشزد کردن دوستی خوب پگف با ایران و افزودن این جمله که «اگر خبر محروم بودن یک ایرانی از حق بازگشت به وطنش را به مطبوعات بدهم، یک رسوایی بزرگ ایجاد خواهدشد» درباره پزشک کرمانشاهی از پگف پرسیده بود. این مسئله پگف را ناراحت کرده و او دوباره گفته بود که به آن رسیدگی خواهد کرد. هم اقبال، وزیر دربار، و هم نخست وزیر به سفیر شوروی فشار آورده اند تا پزشک مزبور را آزاد کنند. در عین حال، پزشک کرمانشاهی هنوز در اتحاد شوروی است.

فعالیتهای شوروی در تهران

سند شماره ۲۵۳

محرمانه۱۱ فوریه ۱۹۵۷- ۲۲ بهمن ۱۳۳۵

از: فیلیپ کلاکبه: چارلز ویدنی

[موضوع]: فعالیتهای شوروی در تهران

اطلاعاتی برای کمک به جمع بندی فعالیت های شوروی در تهران

۱- وزیر امور خارجه ایران به DCM گفت سفیر شوروی و کنسولش، بازاروف، اخیراً با او ملاقات کردند تا درباره موافقت نامه پیشنهادی هواپیمایی غیرنظامی بین ایران و اتحاد شوروی با او گفتگو کنند.

پگف خواستار این بود که هیأتی با اختیارات زیاد برای مذاکره بر سر چنین توافقی از شوروی به ایران بیاید. ولی وزیر امور خارجه مطلوبیت اعزام چنین هیأتی را به ایران پیش از تعیین رئوس مذاکرات، زیر سئوال برده و توضیح داده است که شاید تبادل تلگرام ها بدون اینکه نتیجه مطلوبی داشته باشد برای مدت زیادی به طول بکشد و در نهایت شوروی ها نیز راضی نشوند. در عوض، وزیر امور خارجه از پگف درخواست کرده بود که رونوشت موافقت نامه هایی را که شوروی با کشورهای دیگر امضا کرده است در اختیار ایران قرار دهد. بدین ترتیب دولت ایران می تواند ببیند که شوروی ها در گذشته در این زمینه چه کارهایی

انجام داده انـد. پگف بـا لغو مـأموریت هیـأت مزبور موافقت کرده و گفته بود که رونوشت موافقت نـامه ها را در اختیار ایران خواهد گذاشت. DCM درباره امتیازات متقابل پرسید و وزیر امور خارجه گفت مسلماً در مورد آنها اصرار خواهد ورزید، ولی افزود از آنجایی که خطوط هواپیمایی ایران از خلبانان آمریکایی استفاده می کنـد، مـذاکرات، حتی اگر هم شـروع شود، احتمالاً به نتیجه ای ختم نخواهد شد.

۲- مذاکرات ترانزیت: طبق گفته وزیر امور خارجه، سفارت ایران در مسکو گزارش داده بود که هیأت مذاکره کننده شوروی در راه تهران است تا گفتگوهای ترانزیت را شروع کند. در پاسخ، وزیر امور خارجه از سفارت تقاضا کرده بود که سفر هیأت مـذکور را لغو کنـد، ولی سفارت اطلاع داده بود که هیأت قبلاً مسکو را ترک کرده است. مدیر کل وزارت امور خارجه می گوید که هیأت مزبور وارد تهران شده است. هیچ گفتگویی تا به حال صورت نگرفته است زیرا کارشناسان حمل و نقل ایران برای مـذاکرات بریـتیش پترولیوم در بغـداد به سر می برنـد. وزارتخـانه مربوطه هم هنوز اعلام نکرده است که چه زمـان برای شروع مـذاکرات فوق آماده خواهد شد. جهت اطلاع، DG مشاهـده کرده است که تعداد مقامات بازدید کننده روس از ایران بسیار افزایش یافته است.

تاراسف

سند شماره ۲۵۴

فقط جهت استفاده اداری ۲۰ ژوئن ۱۹۵۷- ۳۰ خرداد ۱۳۳۶

موضوع: تاراسف

تـاراسف، دبیر اول سـفارت شـوروی، یـک مقـام حرفه ای سـرویس خـارجی شوروی نیست، بلکه همچون دست راست سـفیر پگف عمل می کند. او پیش از آمدن به تهران با پگف در شورای عالی رهبری شوروی کار می کرد.

گزارش جابجایی دیپلمات های بلوک چین اتحاد جماهیر شوروی

سند شماره ۲۵۵

محرمانه۲۷ اوت ۱۹۵۷- ۵ شهریور ۱۳۳۶

به: کلیه دیپلمات ها و پُست های کنسولی ایالات متحده

موضوع: گزارش جابجایی دیپلمات های بلوک چین اتحاد جماهیر شوروی

وزارت امور خـارجه آمریکا در بخشـنامه هوایی مورخ ۸ مارس ۱۹۴۸ و بخشنامه مورخ ۳ ژوییه ۱۹۵۵ دستوراتی در ارتباط با

تهیه گزارش از اطلاعات بیوگرافی مقامات شوروی و بلوک تابعه و همچنین جابجایی این نفرات ابلاغ کرد.

هـدف از صدور بخشـنامه حاضـر تکرار و تأکید بر نیاز مداوم وزارت امور خارجه به گزارش های فوری در ارتباط با جابجایی نفرات دیپلماتیک بلوک چین و شوروی به یا از کشورهایی است که به آنها مأمور می شوند.

این اطلاعات اهمیت ویژه ای برای وزارت امور خارجه و کل جامعه اطلاعاتی آمریکا دارد، بـدین سبب که می تواند بیانگر و یا پیش بینی کننده موارد زیر باشد: (۱) تحولات سیاسی قریب الوقوعی که دارای اهمیت استراتژیک است، نظیر نتایج جلسات یا مجامع کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی؛ یا (۲) تغییرات تاکتیکی در سیاست خارجی این بلوک، نظیر آنچه که ممکن است در کنفرانس هـای دیپلماتیـک وزارت امـور خـارجه شـوروی ریشه بگیرد. بنـابراین، جابجـایی دیپلمـات هـای این بلوک می تواند بیانگر تحولات بالقوه عظیمی باشد که بر دولت آمریکا تأثیر خواهد گذاشت و یا مورد علاقه آن خواهد بود.

به همین دلیل، وزارت امور خارجه از تمامی نفرات مربوطه تقاضا دارد، در صورت امکان با همکاری CAS، که:

(۱) فوراً بـا تلگراف، اطلاعات مربوط به ورود یا خروج کلیه رؤسای هیأت ها، همراه با مطالب مربوط به برنامه ها، محل اقامت اعضای خانواده و غیره را اطلاع دهند.

(۲) اطلاعات مربوط به ورود و خروج دیپلمات های دون پایه تر و مقامات کنسولی عالی رتبه را با پُست اطلاع دهنـد، مگر در مواقعی که به سبب مقام بالای دیپلمات و یا شرایط دیگر، ارسال اطلاعات از طریق تلگراف مناسب تر باشد.

رویه و مراحـل تهیه گزارش های مربوط به بیوگرافی دیپلمات ها، مقامات کنسولی و سایر مقامات، و گروههای نیمه رسـمی و فرهنگی همان است که در بخشنامه های قبلی و اخیراً در دستورات مربوط به تماس های اجتماعی ابلاغ شده است.

دالز

مشاهدات و گفتگوهای شخصی

سند شماره ۲۵۶

سرّی۲۷ سپتامبر ۱۹۵۷–۵ مهر ۱۳۳۶

سروان سی. ال. مارچ

[موضوع]: مشاهدات و گفتگوهای شخصی

۱– گزارشـگر در تاریـخ ۲۷ سـپتامبر ۱۹۵۷ نزدیـک ۶ سـاعت را در یـک سـفر مـاهیگیری کـه بـه پیشـنهاد ۱۶ سـپتامبر ۱۹۵۷ اولیفیرنکـو انجـام شـد، گذرانـد. سـوژه هـا در طول سـفر بـا خودروی پاکـارد که یـک راننـده روس آن را می رانـد، به نوبت گزارشگر را همراهی کردند. ناهار را همان راننده تدارک دید.

۲– اطلاعات شخصـی زیر از کوزنتسف به دست آمـد. او ۳۴ سال پیش در مسـکو به دنیا آمده، فارغ التحصـیل دانشگاه مسکو است، با یک دختر روس ازدواج کرده، و با او و دو پسر خردسالش در سفارت شوروی زندگی می کند. کوزنتسف گفت که

در طول جنـگ جهـانی دوم در ارتش شوروی خـدمت می کرده و اولین بـار که آمریکایی ها را دیـده، وقتی بوده که همراه با نیروهای ژاکوف وارد برلین شده است. مدت سه سال است که در ایران به سر می برد، قدری

فارسی یاد گرفته است، ولی به زبان فارسی مسلط نیست.

۳- کوزنتسف شخصی آرام، هر چند صمیمی، بود که ناخواسته نگرشی بسیار منفی نسبت به ایرانی ها از خود بروز می داد. او هیچ مسئله بحث انگیزی مطرح نکرد و وقتی به محل ماهیگیری رسیدم، خیلی سریع «ناپدید» شد. او در طول روز کاملاً مطیع اولیفیرنکو بود. کوزنتسف در سمت وابسته در سفارت شوروی خدمت می کند.

۴- اطلاعات بیوگرافی اولیفیرنکو در گزارشی جداگانه ارسال شده است، هر چند در این سفر متوجه شدم که تعطیلات ماه ژوییه و اوت خود را در محل تفریحی فئودوسیا در ساحل دریای سیاه گذرانده است.

۵- اولیفیرنکو از بحث و جدل های سیاسی خوشش می آید، و قبلاً و همچنین در طول این سفر، آمریکا را متهم ساخت که با نیروها و پایگاههای ناتو شوروی را محاصره کرده است، بدون دلیل، چین سرخ را به رسمیت نشناخته و در خاورمیانه دخالت می کند. او بر دوستی ملت شوروی با ملت آمریکا تأکید کرد، ولی گفت دموکراسی آمریکایی واقعاً دموکراتیک نیست، و تبعیض نژادی بر ضد سیاه پوستان و استثمار کارگران را نمونه آورد. اولیفیرنکو سپس درباره هر یک از نمونه هایی که ذکر کرده بود بحث کرد و مواضع معمول کمونیست ها را در این ارتباط بیان داشت.

گزارشگر نیز با آوردن نمونه هایی از حسن نیت ایالات متحده و مخالفت قاطعانه با بسیاری از استدلال های مبسوط اولیفیرنکو، در تأیید مواضعش، به او پاسخ داد تا اینکه بحث ناگزیر به بن بست رسید.

۶- اولیفیرنکو در تلاش برای جمع آوری اطلاعات از گزارشگر درباره منابع اطلاعاتی و مسیر مخابره اطلاعات پرسید، به ویژه اینکه آیا اطلاعات جمع آوری شده مستقیماً به واشنگتن مخابره می شود و یا ابتدا به سایر کشورهای خاورمیانه و ناتو ارسال می گردد. گزارشگر خاطر نشان ساخت که چنین سئوالی مناسب موقعیت ماهیگیری نیست. اولیفیرنکو هیچ تلاش آشکار دیگری برای جمع آوری اطلاعات انجام نداد.

او فاش ساخت که پگف، سفیر شوروی، در تاریخ ۱۵ اکتبر همراه با همسرش به تهران باز خواهد گشت، و بدین ترتیب خواست حدس و گمان های سفارت آمریکا در مورد جایگزینی او را خاتمه دهد. (پگف در تاریخ ۲۵ اکتبر همراه با دختر و نوه اش به تهران بازگشت- همسرش بعداً به آنها ملحق خواهدشد).

۷- محتویات این گزارش به محض تهیه در اختیار مقامات ذیربط سفارت آمریکا قرار گرفت.

سی. ال. مارچ جان. دبلیو. باسکا

سروان، دستیار سرهنگ، وابسته نیروی هوایی ایالات متحده

وابسته نیروی هوایی ایالات متحده

جابجایی دیپلمات های بلوک شوروی

سند شماره ۲۵۷

فقط جهت استفاده اداری۵ اکتبر ۱۹۵۷- ۱۳ مهر ۱۳۳۶

سفارت آمریکا، تهران

مرجع: دستورات وزارت امور خارجه - ۲۷ اوت ۱۹۵۷

[موضوع]: جابجایی دیپلمات های بلوک شوروی

سفارت شوروی در تهران ورود دیپلمات های زیر را به تهران به ما اطلاع داده است:

اف. جی. کوزنتسف، دبیر اول

اف. ای. ساولچنکف، دبیر دوم، به همراه همسرش الیزاواتا

آر. پی. جاورونکف، وابسته، به همراه همسرش ناتالی

در همین حال، سفارت شوروی عزیمت دیپلمات های زیر را نیز اطلاع داده است:

ایوان افندیویچ شاربونکو، وابسته و بعداً دبیر سوم سفارت، که در تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۹۵۶ به وزارت امور خارجه ایران معرفی شده بود، به همراه همسرش، نینا.

پاول واسیلیویچ رازاکف، دبیر دوم، که در تاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۵۶ به وزارت امور خارجه ایران معرفی شده بود، به همراه همسرش، والنتیا.

واسیلی پترویچ ولکف، دبیر دوم، که در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۵۵ به وزارت امور خارجه ایران معرفی شده بود، به همراه همسرش، ماریا. برای سفیر

چارلز. سی. استل

کنسول در امور سیاسی

اطلاعات بیوگرافی سرهنگ دوم سیمون نیکا نورویچ سوکولف

سند شماره ۲۵۸

محرمانه ۱۰ دسامبر ۱۹۵۷- ۱۹ آذر ۱۳۳۶

وابسته نیروی هوایی ایالات متحده، تهران — لئو. ام. براون

[موضوع]: اطلاعات بیوگرافی سرهنگ دوم سیمون نیکا نورویچ سوکولف

۱- اطلاعات زیر ترجمه ایست از اصل سند فارسی که از طریق منبع ۲۰ به دست آمده و اطلاعاتی درباره بیوگرافی سرهنگ دوم سیمون نیکا نورویچ سوکولف، دستیار وابسته نظامی شوروی در امور نیروی هوایی به دست می دهد. این افسر در تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۵۷ وارد ایران شده است و جانشین سرهنگ نیکلای الکساندرویچ کوگوچف خواهد شد که به گفته خودش در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۵۷ ایران را به مقصد اتحاد شوروی ترک خواهد کرد.

بیوگرافی

نام و درجه: سرهنگ دوم سیمون نیکا نورویچ سوکولف

مأموریت کنونی: دستیار وابسته ارتش، نیروی هوایی و دریایی شوروی در ایران

ص: ۵۴۳

رسته سابق: نیروی هوایی شوروی، اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی

تاریخ و محل تولد: ۱۹۲۲، شهر ایوانو.

مذهب: مسیحی

تاریخ آخرین ارتقا: ماه می ۱۹۵۲

سابقه خدمت: از ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۱ دانشجوی آموزشگاه نیروی هوایی شوروی؛ ۱۹۴۱-۱۹۴۳ خلبان؛ ۱۹۴۳-۱۹۴۵ خدمت در جبهه اول و چهارم اوکراین؛ ۱۹۴۶-۱۹۵۱ دانشجوی دانشکده نیروی هوایی شوروی؛ ۱۹۵۱-۱۹۵۳ فرمانده اسکادران؛ ۱۹۵۳-۱۹۵۷ بازرس ستاد نیروی هوایی شوروی.

مدال ها و افتخارات: قهرمان اتحاد جماهیر شوروی؛ مدال ستاره طلا‌یی؛ مدال لنین؛ دو مدال «پرچم سرخ». افتخارات: الکساندر نوفسکی؛ «ستاره سرخ» جنگی درجه یک؛ مدال «به افتخار خدمات جنگی»؛ مدال «پیروزی بر آلمان»؛ مدال «سی امین سالگرد تشکیل ارتش اتحاد جماهیر شوروی»؛ مدال چکسلواکی «به افتخار شجاعت».

تاریخ ورود به ایران: ۹ آذر ۱۳۳۶ (۳۰ نوامبر ۱۹۵۷)

پُست در سایر کشورها: نداشته است.

زبان: فارسی

تحصیلات نظامی و غیرنظامی: دانشکده هنرهای مکانیکی، آموزشگاه نیروی هوایی شوروی، دانشکده نیروی هوایی شوروی

وضعیت تأهل و تعداد فرزندان: متأهل، دارای یک پسر و یک دختر.

نشانی و تلفن دفتر: تهران، خیابان چرچیل، سفارت شوروی.

نظرات گزارشگر

۲- سرهنگ کوگوچف به طور اتفاقی در دفتر ۲-G به زمین خورد و کاسه زانویش شکست. او به گزارشگر گفت اگر بلافاصله زانوی خود را در مسکو عمل نکند به دلیل معلولیت جسمی تا آخر خدمتش وضعیت خدمت محدود پیدا خواهد کرد. لئو. ام. براون

سرهنگ دوم،

کفیل وابسته نیروی هوایی ایالات متحده

زبان و حوزه مطالعات دیپلمات های شوروی

سند شماره ۲۵۹

سرّی ۱۰ دسامبر ۱۹۵۸- ۱۹ آذر ۱۳۳۷

سفارت آمریکا، تهران

مرجع: ۱۰- ۴۲۹۰-CA نوامبر ۱۹۵۸

[موضوع]: زبان و حوزه مطالعات دیپلمات های شوروی

بدینوسیله اطلاعات اضافی موجود در ارتباط با دیپلمات های شوروی در تهران ایفاد

می گردد. اطلاعات مربوط به ۴ دیپلماتی که به تازگی وارد تهران شده اند، افزوده شده است.

سفارت هیچ اعتراضی به طبقه بندی سند حاضر در رده محرمانه ندارد، ولی از آنجایی که اطلاعات مربوط به حوزه مطالعاتی نیز در این سند گنجانده شده است، نباید طبقه بندی پایین تری برای آن انتخاب شود.

نامزبانحوزه مطالعات

پگف، نیکلای ام.

طبق گزارش ها با زبان انگلیسی آشناست، ولی به آن اذعان ندارد

کوپدیچیک، پطر پی.

(اطلاعات تازه ای وجود ندارد)

کسکوف، پطر

(اطلاعات تازه ای وجود ندارد)

اولیفیرنکو، گریگوری آی.

ترکی (احتمالاً) فارسی

ولکف، میخائیل ام.

انگلیسی ۳

فارسی ۵

پشتو ۵

اردو ۵ فارغ التحصیل مؤسسه زبان های خارجی مسکو

ورونین، آلکسی ال.

فارسی ۵

انگلیسی ۲

کوزنتسف، پاول جی.

انگلیسی ۲

متروف، پاول ای.

(اطلاعات تازه ای وجود ندارد)

[؟] الکساندر ای.(اطلاعات تازه ای وجود ندارد)

تاراسف، نیکلای کی.

انگلیسی ۳

سولدیرف، ویلا کی.

فارسی ۵

فرانسه ۴

کوشلف، سوریس وی.

(اطلاعات تازه ای وجود ندارد)

کوزمین، دیمیتری تی.فارسی ۴

انگلیسی ۲مؤسسه مطالعات شرقی مسکو

ساوچنکو، فدور

(باید ساولچنکو خوانده شود)فارسی

اسکیرنف، ویکتور ام.

انگلیسی ۲

آلمانی ۲

فرانسه ۳

فارسی ۴

تکاچ، میخائیل کی.

ساراکف، دیمیتری ام.

انگلیسی ۲

فارسی ۲

کالیتا، ایوان وی.

فارسی ۵

انگلیسی

خارچنکو، میخائیل اف.

(اطلاعات تازه ای وجود ندارد)

پولیاکف، الکساندر وی.

فارسی

فرانسه

رومانچوک، پطر کی.

فارسی

شیکالف، واسیلی کی.

(باید اشکیلف خوانده شود)فارسی ۵

انگلیسی ۵دانشسرای مطالعات شرقی شوروی

وروسیف، آدری او.

(اطلاعات تازه ای وجود ندارد)

وسکانیان، گرانت او.

فارسی ۵

ارمنی ۶

انگلیسی ۴احتمالاً دانشگاه مطالعات شرقی مسکو

زوتف، کنستانتین آی.

(اطلاعات تازه ای وجود ندارد)

دولیو، گریگوری آی.

آلمانی

اندریف، الکساندر ای.

فارسی ۴

کوگوشیف، نیکلای ای.

انگلیسی ۲

مالیوئین، ونیامین وی.

(اطلاعات تازه ای وجود ندارد)

میونین، ویکتور آی.

فارسی

ساکالف، [؟]

(باید سوکولف خوانده شود)فارسی

تاباچنکف، آنتونیان ای.

فارسی

آلکسیف، یوری کی.

فارسی ۵

فدولف، یوگنی کی.

فارسی ۴

انگلیسی ۴

کوزنتسف، نیکلای ای.

فارسی ۴

انگلیسی ۴

روگف، ویکتور ام.

(اطلاعات تازه ای وجود ندارد)

اسمیروکف، ولادیمیر پی.

(اطلاعات تازه ای وجود ندارد)

ژاورونکف، روستیسلاو پی.

(اطلاعات تازه ای وجود ندارد)

ص: ۵۴۶

تازه واردان:

اسپولنیکف، ویکتور ان.

(وابسته ۸/۵۸)انگلیسی ۲

فارسی ۴

کاپیشین، نیکلای وی.

دبیر سوم (۹/۵۸)فارسی ۴

انگلیسی ۲

آلمانی ۲

کوزمنکو، گریگوری ای.

وابسته نظامی (۷/۵۸)فارسی ۲

سوبخانکلف، شاکر دی.

دبیر اول (۹/۵۸)فارسی

ترکی

برای وزارت امور خارجه

جان. دبلیو. بولینگ

دبیراول

عزیمت سفیر شوروی، پگف، از تهران

سند شماره ۲۶۰

محرمانه۲۱ مارس ۱۹۵۹- ۳۰اسفند ۱۳۳۷

از: سفارت آمریکا، تهران

مرجع: سفارت ۱۸۴۷- **۲۱** مارس **۱۹۵۹**به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

موضوع: عزیمت سفیر شوروی، پگف، از تهران

نیکلای میخائیلوویچ پگف، سفیر اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، صبح روز **۲۰** مارس **۱۹۵۹** همراه با همسرش ایران را ترک کرد. هنوز هیچ اعلامیه رسمی درباره برنامه پگف و یا اینکه به پُستش در تهران بازخواهد گشت یا خیر، منتشر نشده است. با وجود این، برخی شایعات و حقایق در مورد عزیمت آقای پگف وجود دارد.

به گفته دفتر وابسته هوایی، عزیمت پگف از فرودگاه با تشریفات کامل صورت گرفت و تقریباً همه نفرات سفارت شوروی برای بدرقه و خداحافظی با پگف در فرودگاه حاضر بودند. علاوه بر این، تعدادی از مقامات وزارت امور خارجه ایران نیز به فرودگاه آمده بودند. پگف نیز شخصاً با همه دست داد و از بالای پله های هواپیما برای همه بوسه فرستاد. به گفته نفرات دفتر وابسته که شاهد عزیمت پگف بودند، سفر پگف حال و هوای دائمی داشت.

خبر دیگر که شایعه بازنگشتن پگف را تا حدودی تقویت می کند، این گزارش مورد وثوق است که اسباب و اثاثیه تقریباً سنگین خانواده پگف از پیش برای حمل به شوروی به بندر پهلوی فرستاده شده بود. علاوه بر این، تعدادی از روزنامه های ایران نیز خبر یا شایعه

بازنگشتن پگف را منتشر ساخته اند.

یکی از روزنامه ها نوشت که پگف به این سبب برکنار شده است که جایی برای سفیر کنونی شوروی در قاهره، که رابطه های محکمتری با رهبران سیاسی شوروی نسبت به پگف دارد و منتظر شغل جدیدی است، باز شود. برخی منابع دیگر نیز نام پگف را در رابطه با وضعیت سفیر شوروی در قاهره برده اند.

از طرف دیگر، وزارت امور خارجه ایران، می گوید هیچ اطلاعی از دلایل سفر پگف ندارد، بجز اینکه پگف به مرخصی سالیانه اش رفته است و نهایتاً به سر کارش باز می گردد.

اخیراً یکی از کارمندان دفتر وابسته نظامی آمریکا با وابسته نظامی شوروی در تهران صحبت کرده بود، و وابسته شوروی گفته بود که به پگف «دستور داده بودند» به مسکو بازگردد، و دیگر به تهران باز نخواهد گشت، هر چند نمی توان به ضرس قاطع گفت که آیا این نظر شخصی وابسته نظامی شوروی بوده یا خیر. البته او این مسئله را یک تراژدی می دانست زیرا پگف سالهای زیادی از عمر حرفه ایش را به خاورمیانه و اخیراً نیز به بهبود روابط ایران و شوروی اختصاص داده بود. ولی شکست اخیر مذاکرات امضای یک پیمان عدم تخاصم به زندگی حرفه ای پگف خاتمه داده بود.

نظرات گزارشگر: البته این اخبار ضد و نقیض عمدتاً بلاتکلیفی آینده پگف را نشان می دهند، و بیشتر بر عدم بازگشت او به تهران تأکید دارند.

برای سفیر

جان. دبلیو. بولینگ

دبیراول سفارت

گزارش گفتگو- روابط ایران و آمریکا با شوروی

سند شماره ۲۶۱

محرمانه۲۱ فوریه ۱۹۶۰- ۱ اسفند ۱۳۳۸

محل: سفارت عراق در تهران

شرکت کنندگان: کنستانتین ایوانویچ زوتف، دبیر اول سفارت شوروی، جی. پی. [؟] دبیر دوم سفارت آمریکا

[موضوع]: گزارش گفتگو- روابط ایران و آمریکا با شوروی

گزارشگر در مراسم توديع حاجب شبيبى، دبير سوم سفارت عراق در تهران به آقاى زوتف معرفى شد.

كمى بعد از معرفى، زوتف گزارشگر را به گوشه اى كشاند و با جديت درباره لزوم تفاهم بين آمريكا و شوروى، و روابط حسنه و «همزيستى مسالمت آميز» صحبت كرد. او سپس بر اهميت اعلام اخير برنامه هاى شوروى براى كاهش نيروهاى مسلح و به همان اندازه كاهش بودجه تسليحاتى تأكيد كرد.

او گفت امیدوار است ایالات متحده انگیزه های صادقانه اتحاد شوروی را در اتخاذ اقدامات یکجانبه درک و از الگوی شوروی پیروی کند.

در ارتباط با ایران، زوتف داوطلبانه گفت روابط ایران و اتحاد شوروی در وضعیت بدی است، ولی نپذیرفت که دولت اتحاد شوروی هم در ایجاد چنین وضعیتی مسئول است. در پاسخ به سئوال من درباره حملات تبلیغاتی بر ضد شاه و دولت ایران، زوتف قاطعانه گفت اتحاد شوروی در امور سایر کشورها دخالت نمی کند. او در ادامه همان توضیحات تکراری را در مورد مواضع اتحاد شوروی در قبال ایران ابراز کرد و تأکید داشت که وضعیت کنونی نتیجه مستقیم اقدام سال گذشته ایران در شروع و سپس قطع مذاکرات پیمان عدم تخاصم است. زوتف اصرار داشت که ابتدا دولت ایران پیش نویس پیشنهادی پیمان را به اتحاد شوروی داد که مبنای سفر هیأت مذاکره کننده شوروی به تهران بود، و از سوی اتحاد شوروی پذیرفته شده بود. با وجود این، دولت ایران پیشنهادش را پس گرفت و بدین ترتیب موجب شد که مذاکرات متوقف شود.

البته او تکذیب کرد که ممکن است اقدام ایران به سبب اصلاح برخی مفاد پیشنهادی از سوی اتحاد شوروی بوده باشد، و گفت هیأت شوروی کاملاً حاضر بود که همان پیشنهاد اصلی ایران را بدون هر گونه اصلاحی بپذیرد.

خلاصه نظراتی که زوتف پس از این اظهار نظر بیان کرد این بود که دولت ایران صداقت ندارد، قابل اعتماد نیست، و اینکه این ایرانی ها هستند، و نه روس ها، که از عادی سازی روابط بین دو کشور جلوگیری می کنند.

وقتی از او پرسیدم که سفیر پگف چه زمانی قرار است به تهران بازگردد، گفت هنوز معلوم نیست و توضیح داد که با توجه به روابط کنونی دو کشور، بازگشت سفیر چندان اهمیتی ندارد. او گفت روابط باید عادی شود و [ادامه سند یافت نشد]

گفتگو با نفرات سفارت شوروی

سند شماره ۲۶۲

محرمانه۲۳ فوریه ۱۹۶۰– ۳ اسفند ۱۳۳۸

وابسته نیروی هوایی ایالات متحده، سرهنگ لارنس. ای. هوراس

[موضوع]: گفتگو با نفرات سفارت شوروی

نظرات نفرات سفارت شوروی درباره جشن روز ارتش سرخ

۱– اطلاعات زیر در گفتگو با وابسته سیاسی سفارت اتحاد شوروی در تهران به دست آمد و بدینوسیله گزارش می شود:

الف– خبر شماره ۱– خلع سلاح شوروی: وابسته سیاسی اظهار داشت که واقعاً از بزرگی میزان کاهش نیرو های مسلح اتحاد

جماهیر شوروی شگفت زده است. البته وقتی از او میزان کاهش را پرسیدم، یا نمی دانست و یا نخواست آمار و ارقام دقیقی در مورد آن ارایه دهد. وقتی او مسئله خلع سلاح را مطرح کرد، من هم در مورد وضعیت آموزش های نظامی غیرنظامیان از

او پرسیدم. به او گفتم وقتی کشوری به غیرنظامیان خود آموزش های نظامی می دهد و نام آنها را در فهرست نیروی های مسلح وارد نمی کند، پس خلع سلاح جزیی فقط فهرست رسمی توانایی های نظامی را کاهش می دهد [و نه فهرست واقعی آن را]. وابسته سیاسی در پاسخ من این جمله متعصبانه را گفت که اتحاد جماهیر شوروی دیگر به غیرنظامیان خود آموزش های نظامی نمی دهد، ولی نگفت که این رویه از چه زمانی خاتمه یافته است.

نظرات گزارشگر: وابسته نظامی ظاهراً صادق و مایل به گفتگو بود. نظرات او از این جهت مهم است که خط و خطوط حزبی عناصر مشغول به کار در سفارت شوروی را نشان می دهد. او خودش را ویکتور اسپولنیکف معرفی کرد.

ب- خبر ۲- مشاهدات پراکنده: فضای صمیمی و دوستانه ای بر جشن روز ارتش سرخ حاکم بود. یک میز مجلل و مقدار زیادی ودکا برای میهمانان چیده شده بود. مخصوصاً تلاش همسران وابستگان نظامی برای ایجاد فضای اجتماعی از نوع غربی چشمگیر بود. آنها در حد توان خود سعی می کردند رفتار گرم و صمیمانه ای داشته باشند و فضای میهمانی خیلی صمیمی تر از مراسم رسمی معمول سفارت اتحاد جماهیر شوروی بود.

نظرات گزارشگر: تلاش چشمگیر برای تلطیف روابط و میهمان نوازی به سبک غربی کاملًا مشهود و چشمگیر بود و با فضای مراسم رسمی قبلی سفارت شوروی کاملًا تضاد داشت.

لارنس. ای. هوراس

سرهنگ، وابسته نیروی هوایی ایالات متحده

گزارش گفتگو با کنستانتین ایوانویچ زوتف، دبیر اول...

سند شماره ۲۶۳

محرمانه۲۹ فوریه ۱۹۶۰- ۹ اسفند ۱۳۳۸

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه، واشنگتن

موضوع: گزارش گفتگو با کنستانتین ایوانویچ زوتف، دبیر اول

سفارت شوروی در تهران

یادداشت پیوست در حکم نمونه ای از تماس های اجتماعی با مقامات شوروی در تهران جهت اطلاع وزارت امور خارجه ارسال می گردد. نظراتی که در این یادداشت ضبط است، غیرعادی و یا روشنگر نیست، و فقط احساس سرخوردگی شدید مقامات شوروی از شکست مذاکرات پیمان عدم تخاصم در سال گذشته را نشان می دهد.

گفتگوی مـا به دلیل پیوسـتن نماینـده یک کشور دیگر به جمعمان ناتمام مانـد و نتوانسـتم نظر زوتف را درباره جزییات تلاش برای عادی سازی روابط بین ایران و شوروی جویا شوم.

یادداشت بیوگرافی

اطلاعات مندرج در فهرست دیپلمات ها نشان می دهد که زوتف از تاریخ ۲۶ آوریل ۱۹۵۸

در تهران بوده و متأهل است. طبق اطلاعاتی که از شخص ثالث نامبرده در بالا به دست آمد، همسر زوتف ماماست و در دو بیمارستان متعلق به شوروی در تهران خدمت می کند.

طبق گفته یکی از منابع سفارت، زوتف بیشتر به امور اقتصادی در ایران علاقه دارد.

زوتف قدی متوسط، و جثه ای نسبتاً سنگین دارد و موهایش بلوند و چهره اش [؟] است. نزدیک ۴۰ ساله به نظر می رسد و عینک به چشم می زند. انگلیسی را خوب صحبت می کند. او نیز همانند اکثر مقامات سفارت شوروی در تهران فارسی بلد است و به گزارشگر گفت که روزنامه های فارسی زبان را نیز مطالعه می کند. در گفتگو خیلی سریع پاسخ می دهد و بدون اینکه بی ادب باشد، رک و صریح است.

رابرت. آر. اسکات

دبیر دوم سفارت

گریگوری ایلیچ اولیفیرنکو، کنسول، سفارت شوروی – تهران

سند شماره ۲۶۴

محرمانه۲۲ دسامبر ۱۹۶۰– ۱ دی ۱۳۳۹

[موضوع]: گریگوری ایلیچ اولیفیرنکو، کنسول، سفارت شوروی - تهران

در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۶۰ از سروان رابرت ای. هال، دستیار وابسته نیروی هوایی، و همسرش در اقامتگاه تابستانی پذیرایی کرد.

خود را بسیار صمیمی نشان می داد و ظاهراً تحت نظارت نبود، و شماره تلفن شخصی خود را به سروان هال داد که هر وقت بخواهد بدون اینکه مجبور شود از طریق تلفنخانه سفارت شوروی با او صحبت کند، برای مناسبت های اجتماعی مستقیماً با او تماس بگیرد.

متأهل

به مدت ۵ سال در تهران به سر می برد (در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۵۵ وارد تهران شده است)، قبلاً در واشنگتن دی.سی خدمت می کرده و متولد شهر کی یف است.

از وابسته های سفارت آمریکا دعوت می کند به روسیه سفر کنند، و گفت که شخصاً صدور ویزا برای آنها را تسریع خواهد

کرد؛ وقتی در مورد پرواز با هواپیمای خودشان به روسیه پرسیدند، پاسخی نداد.

او گفت دعوت به میهمانی های کوچک آمریکایی ها را می پذیرد؛ دلش می خواهد که مشکلات مربوط به U-۲ فراموش شود.

آقای ویکتور نیکلایوویچ اسپولنیکف، وابسته سفارت شوروی نیز در اقامتگاه تابستانی حضور داشت. او مدت سه سال است که در تهران به سر می برد، هرگز در آمریکا نبوده است. در تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۵۸ وارد تهران شده است.

ظاهراً با اولیفیرنکو خیلی دوست بود و شاید در سفارت با هم کار می کنند.

نیکلای ایوانویچ کلیموف، کنسول سفارت اتحاد جماهیر شوروی

سند شماره ۲۶۵

سرّی ۲۵ مارس ۱۹۶۱- ۵ فروردین ۱۳۴۰

از: جان اس. فورستر

به: بخش سیاسی سفارت آمریکا – وابستگان نیروی هوایی، ارتش و نیروی دریایی ایالات متحده

موضوع: نیکلای ایوانویچ کلیموف، کنسول سفارت اتحاد جماهیر شوروی

موضوع گزارش که جایگزین آلکسی لئونیدویچ ورونین است، در تاریخ ۷ مارس ۱۹۶۱ با همسرش، آلکساندرا پاولوا و پسرشان اولگ وارد ایران شد.

سابقه ای که از او در اختیار داریم به شرح زیر است:

۱۹۳۸ تا ۱۹۴۰ خدمت در تهران

۱۹۴۴ خدمت در بغداد

۱۹۴۵ بازگشت به تهران

۱۹۴۶ دیدار از لبنان و سوریه و ملاقات با کمیته بازگشت به وطن ارمنستان

۱۹۴۹ تا اوت ۱۹۵۱ کنسول سفارت شوروی در آمریکا

فوریه تا آوریل ۱۹۵۴ کنسول سفارت شوروی در استرالیا (قطع روابط دیپلماتیک

پس از پناهندگی پتروف به استرالیا)

اوت ۱۹۵۵ تا ژوییه ۱۹۵۹ کنسول سفارت شوروی در اسرائیل

آیا اطلاعات تازه ای درباره کنسول جدید سفارت شوروی، آقای نیکلای ایوانویچ کلیموف و همسرشان، که حدود دو هفته است جانشین آلکسی لئونیدویچ در تهران شده است، دارید؟

قبلاً نیز دوبار در سال های ۱۹۳۹-۱۹۴۰ و ۱۹۴۴-۱۹۴۵ در تهران بوده است.

از ظاهرش اینگونه برمی آید که نزدیک به ۵۰ سال سن داشته باشد، دارای قد و جثه ای متوسط، موی سفید، و چشمان آبی

است.

انگلیسی را خوب صحبت نمی کند ولی زبان انگلیسی را خوب می فهمد.

مشاهده افسر ارتش شوروی در تهران

سند شماره ۲۶۶

۲۴ فوریه– ۵ اسفند

[موضوع]: مشاهده افسر ارتش شوروی در تهران

گزارشگر شهری ما، سرگرد سبحان قلی اف، افسر ارتش شوروی را در خیابان سی متری، نزدیک دپوی نفت روس ها رؤیت کرده است. گزارشگر برای حصول اطمینان از هویت افسر مزبور نزد او رفت و آدرس دپوی پارچه را از او پرسید. افسر روس که فارسی را با لهجه ترکمنی صحبت می کند، آدرس را به گزارشگر نشان داده بود.

سرگرد سبحان قلی اف، که در جبهه های دُن، روستف، و خارکف جنگیده بود در طول دوره اشغال به ایران آمد و برنامه هایی برای خانه فرهنگ شوروی مدیریت کرد که از رادیو تهران پخش می شد.

قلی اف زبان فارسی، ازبکی، ترکمن و فرانسه را بلد است. او لباس کارگری پوشیده بود.

اطلاعات بیوگرافی

سند شماره ۲۶۷

سرّی

[موضوع]: اطلاعات بیو گرافی

۱- نیکلای واسیلیوچ کاماردین

کارمند سفارت که در حدود ماه ژوئن ۱۹۶۱ به سمت وابسته ارتقا یافت.

۲- ویاچسلاو الکساندرویچ میلیوشین

وابسته (RIS معروف)

در تاریخ ۸ اوت وارد شد/همسرش یلنا پاولونا

(در ماههای فوریه تا ژوئن ۱۹۵۷ در سمت کارمند دفتری در ایران خدمت کرد)

۳- فدور ایوانویچ ژاریکف

دبیر دوم

در تاریخ ۸ اوت به همراه همسرش زینایدا پترونا وارد شد

(در سال ۱۹۵۵ در سمت کارمند سفارت در ایران خدمت کرد)

در ژانویه ۱۹۵۶ به سمت وابسته ارتقا یافت؛ در اکتبر ۱۹۵۸ از ایران خارج شد.

۴- گریگوری ایلیچ اولیفیرنکو

کنسول سفارت

در حدود ۱۳ اوت از ایران خارج شد؛ احتمالاً به ایران برمی گردد.

۵- الکساندر الکساندرویچ سیرومیاتنیکف

وابسته

در تاریخ ۶ ژوئن ۱۹۶۱ وارد ایران شد

همسر: ویرا میخائیلونا

[۶]- یوری کنستانتینویچ الکسیف

دبیر سوم (قبلاً در سمت وابسته در همین جا خدمت می کرد)

همسر: یکاترینا فدورونا

در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۶۱

[۷]- فدور ایوانویچ ژاریکف

دبیر دوم (قبلاً در سمت وابسته و کارمند سفارت در همین جا خدمت کرده بود)

ص: ۵۵۳

همسر: زینایدا پترونا (که قرار است خیلی زود به او بپیوندد)

[۸]- شاکر دولتشاکویچ سوخانکولف

دبیر اول (امور فرهنگی)

در تاریخ ۳ ژوییه ۱۹۶۱ از ایران خارج شد (تغییر دایمی)

توصیف ظاهری و اطلاعات بیوگرافی...

سند شماره ۲۶۸

فقط جهت استفاده اداری۱ مارس ۱۹۶۲- ۱۰ اسفند ۱۳۴۰

از: سفارت آمریکا، تهرانبه: وزارت امور خارجه

موضوع: توصیف ظاهری و اطلاعات بیوگرافی

ایلن نیکلایویچ پتروفسکی- کنسول تازه وارد سفارت شوروی

اطلاعات مربوط به ظاهری و بیوگرافی در طول دیدار اخیر با کنسول این سفارت به دست آمد:

توصیف

به نظر می رسد پتروسکی در سالهای اواخر ۴۰ سالگی و یا اوایل ۵۰ سالگی اش به سر می برد. قد کوتاه، هیکلی تو پر، کله گِرد با موهای قهوه ای روشن، چشمان خاکستری-سبز و یک دندان سفید جلوزده دارد.

پیشینه

پتروسکی متأهل است و به همراه همسر و دو فرزندش به ایران آمده است. او گفت قبل از آمدن به تهران در مسکو خدمت می کرده است، ولی قبلاً در بیروت و قاهره نیز خدمت کرده است. زبان فرانسه را خیلی روان صحبت می کند، ولی خودش می گوید انگلیسی بلد نیست، و در میان صحبت هایش گفت که قبلاً زبان فارسی را نیز خوانده است.

هُلمز

سفیر جدید شوروی در مکزیک

سند شماره ۲۶۹

محرمانه۲۹ مارس ۱۹۶۲- ۹ فروردین ۱۳۴۱

از: وزارت امور خارجه آمریکا- راسکبه: سفارت آمریکا، مکزیکوسیتی

مرجع: سفارت آمریکا، مسکو ۲۴۶۵- ۲۱ مارس ۱۹۶۲

موضوع: سفیر جدید شوروی در مکزیک

سیمـن تاراسویـچ بـازارف، رئیس اداره اول اروپـای (غربی) وزارت امـور خـارجه شـوروی که از آوریـل ۱۹۵۹ عهـده دار این مسئولیت بوده است، در پُست سفیر جدید شوروی در مکزیک منصوب شده است. اگرچه او حداقل از سال ۱۹۴۴ در وزارت امور خارجه شوروی خدمت

کرده است، هیچ شواهدی دال بر آشنایی، یا تجربه خاص او با مسایل آمریکای لاتین وجود ندارد.

بازارف که در طول جنگ جهانی دوم از اعضای هیأت دیپلماتیک شوروی بود، از جمله مقامات پرتعدادی بود که مدال افتخار (۱۹۴۴) و نشان جنگ وطن پرستانه (درجه دو، ۱۹۴۵) را به دلیل «انجام موفقیت آمیز مأموریت های دولتی» از سوی کمیساریای امور خارجه دریافت داشت. در طول سال های ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵ او در مراسم امضای پیمان های مختلف بین اتحاد جماهیر شوروی و لهستان، چکسلواکی، یوگسلاوی و فنلاند حضور داشت. در ژوئن ۱۹۴۶، بازارف کنسول سفارت شوروی در سوئد شد و تا بهار سال ۱۹۵۱ در همین پُست خدمت کرد، و در بهار آن سال به مسکو بازگشت و ابتدا معاون و سپس رئیس بخش خاور نزدیک و خاورمیانه وزارت امور خارجه شوروی شد. در اکتبر ۱۹۴۹ ویزایی برای او صادر شد تا بتواند در مقام کنسول هیأت اعزامی اتحاد جماهیر شوروی در سازمان ملل متحد حضور یابد، ولی هیچ شاهدی دال بر انجام این سفر وجود ندارد.

بازارف در اکتبر سال ۱۹۵۳ کنسول سفارت شوروی در تهران شد و تا ژوئن ۱۹۵۷ در همین پُست خدمت کرد. در زمان خدمتش در تهران، طبق گزارش ها به محافل دیپلماتیک ایران رفت و آمد داشت و در غیاب سفیر، موقتاً به عنوان کاردار انجام وظیفه می کرد. پس از بازگشت به اتحاد جماهیر شوروی، معاون اداره اول اروپا شد و در ماه می ۱۹۵۹، به ریاست این اداره رسید و به عنوان کنسول هیأت دیپلماتیک شوروی به کنفرانس وزیران امور خارجه به ژنو اعزام شد. بعدها، در سفر ان. اس. خروشچف به فرانسه در مارس ۱۹۶۰ او را همراهی کرد و در پُست کنسول هیأت اعزامی شوروی به کنفرانس سران در پاریس که در ماه می همان سال برگزار شد، انجام وظیفه کرد.

به جز تاریخ تولد بازارف که ۲ اکتبر ۱۹۱۴ است، هیچ اطلاع دیگری از سال های اولیه زندگی او در دست نیست. همسرش نینا پترونا نام دارد.

میزان تسلط دیپلمات های شوروی در ایران به زبانهای بیگانه

سند شماره ۲۷۰

سرّی ۲۱ آوریل ۱۹۶۲– ۱ اردیبهشت ۱۳۴۱

سفارت آمریکا، تهران

مرجع: ۳ – CW-۷۸۶۳ آوریل ۱۹۶۲

[موضوع]: میزان تسلط دیپلمات های شوروی در ایران به زبانهای بیگانه

متعاقب دستورات وزارت امور خارجه در مرجع بالا، سفارت آمریکا در تهران بدینوسیله فهرستی از نام نمایندگان دیپلماتیک

و فنی شوروی در ایران را همراه با توضیحاتی درباره تعداد زبان ها یی که با آن آشنا هستند و سطح تسلط بر هر یک از آنها ایفاد می دارد. در اکثر موارد، تنها اطلاعات موجود درباره توانایی زبانی روس ها به این عبارت ختم می شود که او

فارسـی، انگلیسـی، و غیره را «تکلم می کند.» هرجا اطلاعاتی در ارتباط با سطح زبانی آنها در دست بوده، قید شده است، ولی این اطلاعات ندرتاً برای طبقه بندی آنها در FSI در رتبه «S» کافی است.

به طور کلی، تسـلط روس هـا به زبـان فارسـی خیلی بالاست. چنانکه از فهرست زیر پیـداست، حـداقل دو نفر از دیپلمات های شوروی دوزبانه (فارسـی) هسـتند، و چنـد نفر دیگرشان نیز تقریباً همین وضـعیت را دارند؛ اکثر این افراد فارغ التحصـیل رشـته مطالعات فارسی از برنامه زبان آموزی و حوزه های مطالعاتی شوروی هستند.

۱- زبان هایی که در این پُست ها استفاده می شود

زبان اصلی: فارسی

زبان جایگزین اصلی: انگلیسی

زبان فرعی: ترکی

۲- میزان تسلط زبانی نمایندگان عالی رتبه دیپلماتیک شوروی

عنوان و نامزبان(ها)میزان تقریبی تسلط بر زبان

سفیر (پگف)

انگلیسی۲-S

کنسول (پتروفسکی)

فارسی

انگلیسی

فرانسه ۳-S

۲-S

۴-S

کنسول (آنیسیمف)

فارسی

انگلیسی

فرانسه۴-S

۳-S

۳-S

کنسول (کلیموف)

فارسی

انگلیسی

فرانسه۲-S

۳-S

۲-S

۳- سطح تسلط زبانی سایر نفرات دیپلماتیک، فرهنگی و فنی سفارت شوروی

عنوان و نامزبان(ها)میزان تقریبی تسلط بر زبان

دبیر اول (ساولچنکف)

فارسی

دبیر اول (شویتف)

فرانسه

دبیر اول (سوبولف)

فارسی

انگلیسی

نسبتاً خوب

دبیر اول (ولکف)

(فارغ التحصیل مؤسسه زبان های خارجی مسکو)فارسی

انگلیسی

پشتو

اردو۵-S

خوب

۵-S

۵-S

دبیر اول (کوزنتسف)

فارسی

انگلیسی

فرانسهنسبتاً خوب

۲-S

دبیر دوم (لبدف)

فارسیضعیف

دبیر دوم (میکولسکی)

فارسی

فرانسهدر حال مطالعه

مسلط

دبیر دوم (بوریسنکو)

فارسی

انگلیسی

پشتو

خوب

دبیر دوم (پانکراتف)

فارسی

انگلیسی۴-S مترجم شفاهی

خیلی ضعیف

دبیر دوم (پلاختی)

فارسیضعیف

دبیر سوم (یرشف)

فارسی

انگلیسی

فرانسهمسلط

تا حدودی

مسلط

دبیر سوم (دیلدابکف)

انگلیسیدر حال مطالعه

دبیر سوم (الکسیف)

فارسیS-۵ مترجم شفاهی

دبیر سوم (گوریاچف)

فارسی

انگلیسی

در حال مطالعه

دبیر سوم (نیکلایف)

فارسی

انگلیسیدر حال مطالعه

وابسته (علی اف)

فارسی

وابسته (اسپولنیکف)

(فارغ التحصیل از مؤسسه مطالعات شرقی مسکو)

فارسی

انگلیسیS-۴

به حد کافی

وابسته (سیرومیاتنیکف)

ژاپنیضعیف

وابسته (کستروف)

فارسی

انگلیسی

ص: ۵۵۷

کارمند سفارت (والویچ)

انگلیسیمعلم

کارمند سفارت (موزورف)

فارسی

کارمند سفارت (ژوراولف)

انگلیسی

کارمند سفارت (کرونف)

فارسیخوب

کارمند سفارت (کوریجین)

فارسی

انگلیسیمترجم

نسبتاً خوب

کارمند سفارت (لیخوف)

فارسیخوب

کارمند سفارت (کوزلوا)

انگلیسیدر حال مطالعه

کارمند سفارت (کویومچیان)

انگلیسی

ارمنیخوبی

کارمند سفارت (تروفیمف)

انگلیسی

هندیمسلط

مسلط

وابسته نظامی (کوزمنکو)

فارسیS-۲

دستیار وابسته نظامی (فوکوفسکی)

فارسی

ترکی

عربی

دستیار وابسته نظامی (ملیگین)

فارسی

کارمند دفتر وابسته نظامی (ولادیمیرف)

فارسیمترجم

کارمند دفتر وابسته نظام (یاکونین)

فارسی

انگلیسیقدری

خیلی کم

نماینده خبرگزاری تاس (ویستوسکی)

فارسی

انگلیسیخوب

خوب

معاون نماینده تجاری

(پانتلیمونف)

انگلیسی

چینیخوب

کارمند TORGPRID (پاولف)

فارسیمترجم

کارمند TORGPRID (لیسین)

انگلیسی مترجم

رئیس بیمارستان (ماکارف)

انگلیسیشکسته و بسته

پزشک بیمارستان (وینیک)

فارسیضعیف

رئیس بانک (ایلیچف)

فارسیدر حال مطالعه

کارمند بانک (بوریسف)

فرانسه

رئیس شعبه مشهد اینگوستراخ

ص: ۵۵۸

(پاولنکو)

فارسی

آلمانیدر حد کافی، با لهجه غلیظ روسی

در حال مطالعه

نماینده سابق تجاری، مشهد (یانکین)

فارسیخوب، با لهجه مشخص روسی

نماینده تجاری، مشهد (بردیف)

فارسیخوب با لهجه ای نزدیک به ایرانی (در نوجوانی زبان فارسی را خوانده و فارغ التحصیل دانشگاه عشق آباد است)

۴- برنامه های زبان آموزی

(۱) تعدادی از روس ها در حال گذراندن کلاس های خصوصی زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه در تهران هستند.

[۲] - دو بخش از کلاس های زبان انگلیسی به فرزندان دیپلمات های شوروی اختصاص یافته است.

برای کاردار

هری. اچ. شوارتز

کنسول سفارت در امور سیاسی

نیکلای میخائیلویچ پگف

سند شماره ۲۷۱

سرّی

[موضوع]: نیکلای میخائیلویچ پگف

۱- پگف، متولد سال ۱۹۰۵ در مسکو، از سپتامبر ۱۹۵۶ تا ژوئن ۱۹۶۳ به مدت هفت سال سفیر شوروی در ایران بود. اگرچه

او قبل از سفارتش در ایران نیز سابقه درخشانی داشت، این اولین باری بود که در یک پُست دیپلماتیک مشغول به خدمت می شد.

۲- پگف، با توسل به دیپلماسی شخصی اش، به رغم انتقاد برخی از اعضای سفارت از این رویکرد، با موفقیت کشتی روابط ایران و شوروی را از طوفان پر تلاطم آن دوران عبور داد. او در طول این دوران پر تنش شدیداً فعال بود و با تلاش خستگی ناپذیر و فداکارانه اش در به دوش کشیدن مسئولیت سنگین بهبود فضای نامطمئن و خصمانه ای که در بدو ورودش به تهران حاکم بود، از خود مایه گذاشت. اگرچه او برای مدت های نسبتاً طولانی، ظاهراً به منظور شرکت در جلسات کمیته مرکزی حزب کمونیسم اتحاد شوروی، به کشورش بازمی گشت، ماندنش در شوروی احتمالاً ـ نوعی اعتراض به روابطی بود که شکست مذاکرات و استمرار

تبلیغات شوروی بر ضد ایران هر گونه امید به بهبود آن را نقش بر آب می کرد. گاه می گفت که به ایران باز نمی گردد، ولی همیشه در موقع مقتضی در ایران بود. قابل درک است که اظهارات بی موقع خروشچف به والتر لیپمن در ژوئن ۱۹۶۱ که مذاکرات تهران را مختل کرد، او را ناراحت کرده باشد.

۳- به رغم موانع بسیار، پگف همچنان هدف خود را که تنش زدایی روابط بود دنبال کرد و پس از بازگشتش به ایران در پاییز سال ۱۹۶۰ با عزم راسخ تلاشی همه جانبه را در این ارتباط وجهه همت خویش ساخت. پگف در حوزه سیاسی بسیار فعال شد. او تمام وظایف رسمی و تشریفاتی یک سفیر را انجام می داد و در عین حال از هیچ یک از وظایف دیپلماتیک خویش نیز کوتاهی نمی کرد. صبح زود بر سر کارش حاضر می شد و تا دیر وقت مشغول کار بود. پگف علاقه آشکاری به میراث تاریخی ایران نشان می داد و از محل های توریستی دیدن می کرد، در مراسم بهره برداری از سد ها شرکت می نمود، به بازدید تأسیسات نفتی می رفت، در روز قبل از افتتاح نمایشگاهها از آثار دیدن می کرد، و ... او همچنین وظایفی را در باشگاه شوروی و انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی بر عهده داشت. همیشه برای صحبت کردن آماده بود، و مصاحب خوبی هم بود.

۴- پگف در مناسبات اجتماعی اش شخص راحتی بود و همیشه لبخند می زد یا می خندید. رفتار دوستانه و صمیمی اش اصلاً نشان نمی داد که او عهده دار چه مسئولیت سنگینی است و با چه وظیفه شناسی خاصی کارهایش را انجام می دهد. گاه حتی به پُرگویی می افتاد. البته نمی شد همه حرف هایش را باور کرد، ولی او سرسختانه و به رغم سکته قلبی اش در اواخر اکتبر ۱۹۶۰ و مشکلات مکرر قلبی در ژانویه ۱۹۶۲، به دنبال نیل به هدفش بود.

۵- اگرچه نویسنده این سطور هیچگاه در گفتگوهای مهم پگف با مقامات حاضر نبوده است، چنین می اندیشد که پگف مذاکره کننده بسیار چیره دستی بوده است. مسلماً شخصیت جذاب او نقش به سزایی در نفوذ فرهنگی به درون محافل ایرانی داشت، و در همین نقش آشکارش بود که در عملیات سرویس مخفی روسیه شرکت کرد، تا جایی که به مأموران پرونده سرویس فوق شأن و اعتبار بخشید و توانست آنهایی را که استعداد جاسوسی داشتند، مجذوب خود سازد. یکبار که یک مأمور اطلاعات مخفی نظامی روسیه ناشیانه به یک کارمند دولت آمریکا پیشنهاد کرد که می تواند در حکم میهمان دولت شوروی از طریق اتحاد جماهیر شوروی سفر کند، پگف از این پیشنهاد اطلاع یافت و شخصاً از چنین پیشنهادی حمایت کرد.

۶- پگف در گذشته با مالنکوف، کاگانویچ و شپیلوف و ... تماس سیاسی داشت، ولی ظاهراً این تماس ها هیچ تأثیر بدی بر او نداشت. تنها نقطه ضعف او، البته اگر بتوان آن را نقطه ضعف نامید، رابطه عاشقانه اش با ویتالیا استپانوا شاموسکایا، همسر وادیم مویسیویچ شاموسکی، از مقامات TORGPRED بود. البته ما هیچگونه مدرکی در این ارتباط نداریم و این بریتانیایی ها بودند که در ماه مارس ۱۹۵۸ چنین ادعایی نسبت به او کردند. بریتانیایی ها مدعی

بودنـد که شاموسـکایا به پگـف گفته بـود که در طول غیبتش از ایران، آلکسـی لئونیدویـچ وُرنین «چیزهـایی» بر ضـد او گفته است. به هر حال، هر چه بود، این مسئله هیچ تأثیر منفی بر زندگی حرفه ای پگف نداشت.

۷- برخورد مـاهرانه با مطبوعات ایران از جمله عوامل موفقیت پگف بود. با تغییر دولت ایران، او بعـد از پاییز سال ۱۹۶۲ تلاش بسیاری کرد که این برداشت را در اذهان ایجاد کنـد که روابط ایران و شوروی رو به بهبود است. ناگهان، پگف به شخصـیت محبوب مطبوعات تبـدیل شـد و هر روز عکس هایی از او در روزنامه های داخلی ایران به چاپ می رسـید که نشان می داد او در این یـا آن مراسم شـرکت کرده است. به دلیل توجهی که به او می شـد، مطبوعات نیز در چاپ اخبار مربوط به او راه اغراق پیش گرفتنـد و عمـوم مردم نیز از این اخبـار مطلع می شدنـد. پگـف قبـل از ترک همیشگی ایران، به طور بی سـابقه ای برای خـداحافظی به دیـدن یوسف مازنـدی، نماینـده خبرگزاری یونایتـد پرس در ایران، و جهانگیر بهروز، در «اکو آو ایران»، رفت. جهانگیر بهروز در روز ۳۰ ژوئن ۱۹۶۳ با انتشار شـماره فوق العاده ای که عکس پگف روی جلد آن بود، مقاله ای در تعریف و تمجید از پگف به چاپ رساند.

۸- روابـط پگف با آمریکایی ها چنـدان صـمیمی نبود. ویلز، سـفیر سابق آمریکا در ایران، به هیچوجه دوست نـداشت بیشتر از تمـاس های خشک و تشـریفاتی رابطه دیگری با روس ها داشـته باشـد. هلمز، سـفیر کنونی آمریکا در ایران، در روز ۱۱ ژوئن ۱۹۶۱ وارد تهران شد، یعنی یک روز قبل از عزیمت پگف به اتحاد جماهیر شوروی. پگف در روز ۱۲ ژوییه به ایران بازگشت و سفیر هلمز در تاریخ ۲۳ سپتامبر به دیدن او رفت. پگف در تاریخ ۱۱ اکتبر بدون پس دادن دیدار سفیر هلمز، ایران را ترک کرد. معلوم نیست که آیا این عدم رعایت آداب اجتماعی عمدی بود یا اینکه پگف آنقدر درگیر مذاکرات سیاسـی بود که از این مهم غافل شده بود و یا اینکه کارمندانش از یادآوری این وظیفه به او غفلت کرده بودند. پگف تا ۱۰ ژانویه ۱۹۶۲ به ایران بازنگشت. در همین حال، آنیسـیمف، کاردار سـفارت شوروی، دعوت کنسول سفارت آمریکا را برای شرکت در میهمانی ۲۹ ژوئن پـذیرفت و در تاریخ ۴ ژوییه ۱۹۶۲ نیز پتروفسـکی، کنسول سـفارت شوروی به جای پگف در ضـیافت سـفارت آمریکا شرکت کرد.

۹- با وجود این، چنـدین آمریکایی که در ضـیافت های رسـمی سـفارت شوروی شـرکت کرده بودند، همیشه با اسـتقبال گرم پگف مواجه شده و پگف به آنها گفته بود: «بیایید و از باغ سـفارت، از استخر سفارت و غیره استفاده کنید. هر وقت دلتان می خواهـد به اینجـا بیاییـد.» گویی که اگر کسـی با آن دعوت، یکباره و بـدون اصـرار شخصـی دعوت کننـده به دروازه سـفارت شوروی نزدیک می شـد، کاری دور از آداب انجام داده بود. به هر حال، تماس های بسـیار کم آمریکایی ها با پگف همچنان در سطح بسیار رسـمی، البتـه دوسـتانه، ادامه یـافت. پگـف خـودش رسـماً این چنـد آمریکـایی را دعـوت نکرد، ولی در واقع کارمندان او در تماس های شخصی با این آمریکایی ها دعوت او را ابلاغ کرده بودند.

۱۰- می توان گفت پگف شخص خوش تیپی است. موهای پُر و یک دست سفیدش به او وقار خاصی می بخشد. او آدم خوش لباسی است، که تقریباً در لباس پوشیدن وسواس دارد، و هر گاه تنها در طول خیابان قدم می زند، چشمها به سویش برمی گردد. در او ظرافتی وجود دارد که معمولاً ـ در روس ها نیست. او فرد متشخص و با وقاری است و اصالت خانوادگی از حرکات و سکنات او پیداست. او به حدی در رفتارش مهربان است که گاه حالتی پدر گونه پیدا می کند.

۱۱- به نظر می رسید پگف برای دیدار هر کسی که تقاضای دیدنش را می کرد، وقت داشت. او در همه چیز دست داشت، زیرا در همه تصمیم گیری هایی که در تأسیسات روس ها انجام می گرفت، مشارکت می کرد و در کوچکترین جزییات امور با او مشورت می شد. تعدادی از کارمندان دون پایه اش او را «ارباب» خطاب می کردند، او همه امور سفارتخانه را کاملاً تحت کنترل داشت، و حتی قبول یا رد تقاضای رفتن به ماهیگیری و یا معالجه یک دوست وفادار در «خارج» از بیمارستان شوروی با او بود. همه اینها علاوه بر وظایف بی شمار دیگرش. او به کارمندانش توجه داشت و حتی نگران فیلم هایی بود که برای فرزندان کارمندانش به نمایش می گذارند، و شکایت داشت که یکی از فیلم ها آنقدر قدیمی است که بچه ها دیگر آن را حفظ هستند، و می گفت: «ما اصلاً به فرزندانمان توجه نداریم. می خواهم بدانم چه فیلم هایی می توانیم برایشان نشان دهیم.»

۱۲- جای تعجب دارد که پگف با داشتن چنین زمینه ای، چرا حداقل یک زبان خارجی را هم یاد نگرفت. او می تواند چند عبارت احترام آمیز به انگلیسی، فرانسه و فارسی بگوید، به نحوی که شنونده به اشتباه گمان می کند او زبان های فوق را بلد است. ولی وقتی به این زبان ها با او صحبت کنید، کاملاً دست و پایش را گم می کند. همیشه یک مترجم همراه اوست.

۱۳- همسر پگف که زبان انگلیسی را نسبتاً خوب می داند، یک میزبان خوشرو، باوقار و با محبت است، و برای پگف یک گنج به حساب می آید. در طول دوره بهبود روابط ایران و شوروی از نوامبر ۱۹۶۲ تا ژوئن ۱۹۶۳، پگف و خانم پگُف همه جا با هم ظاهر می شدند. در مقابل هر وقت هم میهمانی می داد، نه فقط میزبان خوبی بود، بلکه عالی بود.

۱۴- پگف ها در روابط خانوادگی شان نیز با یکدیگر و فرزندانشان بسیار مهربان و باعطوفت بودند، و مکرر با خانواده شان در مسکو تماس می گرفتند.

۱۵- اگرچه ویاچسلاو آناتولیویچ ویسوتسکی، نماینده خبرگزاری تاس، از اکتبر ۱۹۵۹ در تهران بود، ولی گویا او و پگف همدیگر را تا ماه مارس ۱۹۶۳ کشف نکرده و هنگام بازی شطرنج به یکدیگر علاقه پیدا نکرده بودند، البته شاید به این دلیل که ویسوتسکی می گذاشت پگف در بازی ببرد. گاه به هنگام بازی شطرنج، مشروباتی که نوشیده بودند بر آنها تأثیر می گذاشت و همسرانشان، که آنها هم ناگهانی با یکدیگر خیلی دوست شده بودند، می گفتند که شوهرانشان، در این شرایط «درست مثل پسر بچه ها می شوند»، یعنی دوست ندارند بازیشان

را قطع کنند.

۱۶- خانواده پگف علاوه بر زوجی که از آنها نام بردیم، ظاهراً روابط بسیار نزدیکی هم با دو خانواده دیگر روس داشتند، یکی گیریگوری اندریویچ کوزمنکو، وابسته نظامی، و دیگری نیکلای کنستانتینویچ تاراسف، کنسول سفارت، و همسرانشان. خانواده تاراسف با پگف ها نسبتی هم دارند. تاراسف می گوید که او با پگف روابط کاری نزدیکی دارد و در مجارستان نیز با او بوده است.

۱۷- پگف ها دوستان بسیاری در میان جامعه «روس های مقیم ایران» داشتند، و در زمان عزیمتشان در ماه ژوئن ۱۹۶۳، ایستگاه قطار مملو از روس هایی بود که برای بدرقه آمده بودند. مسلماً وقتی پگف ایران را ترک می کرد، وظیفه اش را به خوبی انجام داده بود، و احتمالاً حالا از گرمای فزاینده «دوستی» بین دو کشور و افزایش مبادلات آن دو بیشتر لذت می برد.

اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی...

سند شماره ۲۷۲

محرمانه ۳۰ دسامبر ۱۹۶۳- ۹ دی ۱۳۴۲

[موضوع]: اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی

آلکسی ولادیمیرویچ رومانف

رئیس کمیته دولتی صنعت سینمای اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی؛ معاون اول بخش عقیدتی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی

رومانف، که یک تبلیغاتچی کهنه کار است و نقشی اساسی در تشدید نظارت بر هنرمندان و روشنفکران اتحاد شوروی داشته، در ماه مارس ۱۹۶۳ به ریاست کمیته دولتی جدیدالتأسیس صنعت سینمای اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی منصوب شد. او در پُست ریاست صنعت سینمای شوروی، رسانه ای را کنترل می کند که قدرتمندترین نیروی تبلیغاتی اتحاد شوروی توصیف شده است. او که از سال ۱۹۳۹ عضو حزب کمونیست بوده است، در بیست و دومین کنگره حزب در اکتبر ۱۹۶۱ نامزد عضویت در کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی شد و در همان کنگره به عضویت دفتر RSFSR درآمد که ریاست آن را ان.اس. خروشچف بر عهده دارد و ارگان اصلی حزب برای بزرگترین و مهمترین جمهوری های اتحاد شوروی به حساب می آید. رومانف که قبلاً افسر سرویس امنیت داخلی بود، در کمیسیون عقیدتی با نفوذ کمیته مرکزی عضویت دارد و معاون اول بخش عقیدتی کمیته مرکزی است.

رومانف در ۱۶ فوریه ۱۹۰۸ در خانواده یک کارمند دولت در بِلِف، تولس اوبلاس، به دنیا آمد. پس از تکمیل دوره های

عـالی ادبیات دولتی از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۹ در مطبوعات شوروی مشـغول به کار شد، و پس از مدتی معاون مسـئول دبیرِ نشریه پراودا، سـر دبیر روزنـامه گـورکی کومین و سوتسـکایا دیوروسـیا شـد. در طول جنـگ جهـانی دوم، رومـانف ظـاهراً به عنوان خبرنگار جنگی خدمت می کرد، ولی طبق گزارش ها کارمند کمیساریای خلق در امور داخلی بود و

مأموریتِ «بازرسی شخصی» روشنفکران در جبهه را بر عهده داشت، شغلی که مسئولیت آن تضمین وفاداری شخصی و درستکاری روشنفکران بود. گفته می شود که در طول این سالها، رومانف که به درجه سرلشگری ارتقا یافته بود، روشنفکرانی را که به آنها مشکوک بود به خطرناک ترین مناطق جبهه می فرستاد. علاوه بر این، رومانف همان شخصی بود که در طول جنگ مسئولیت دستگیری و حبس الکساندر سولژنیتسین را برعهده داشت. سولژنیتسین در سال ۱۹۶۲ با موافقت شخص خروشچف رُمانی با نام یک روز از زندگی ایوان دنیسویچ را در مورد زندگی در اردوگاههای کار اجباری استالینی منتشر ساخت. رومانف از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹ در دانشکده عالی خبرنگاری حزب کمونیست اتحاد شوروی تحصیل کرد و ظاهراً در همان زمان تا سال ۱۹۵۵ بر کارمندان نشریه کومینفورم به نام زاپروچنی میر، زامردنویو دموکراتیو (برای صلح پایدار، برای دموکراسی مردمی) در بخارست نظارت داشت، از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۳ دبیر مسئول و از ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۵ معاون سردبیر این نشریه بود.

در سال ۱۹۵۵، رومانف به ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شورویپیوست و در ماه مارس ۱۹۵۷ معاون بخش تبلیغات و بسیج عمومی جمهوری های اتحاد شوروی شد. به دنبال برگزاری کنگره سراسری حزب در سال ۱۹۶۲ که در آن کمیته مرکزی دستخوش تغییراتی ساختاری شد، و در ژانویه ۱۹۶۳، رومانف به معاونت اول بخش عقیدتی کمیته مرکزی منصوب شد، و در آوریل سال بعد به عضویت کمیسیون عقیدتی تازه تأسیس حزب درآمد، که ریاست آن را ال. اف. الئیچف، رئیس سابق بخش بسیج عمومی، و دبیر کنونی حزب کمونیست اتحاد شوروی بر عهده دارد. بخش عقیدتی ظاهراً در حکم ارگان اجرایی امور عقیدتی و تحت نظارت کلی کمیسیون عقیدتی عمل می کند.

در سال ۱۹۴۹، رومانف که دبیر روزنامه سوتسکایا بلوروسیا بود هم به عضویت کمیته حزب مینسک اوبلاست و هم کمیته مرکزی حزب بلاروس درآمد. او در سال ۱۹۶۰ عضو کمیته مرکزی حزب آذربایجان شد، و در مارس ۱۹۶۲ به معاونت شورای عالی شوروی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی درآمد. در فوریه ۱۹۶۲، رومانف برای اولین بار عضو هیأت تحریریه پارتینایا ژیزن (حیات حزب) ارگان رسمی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی شد. رومانف مسئولیت برگزاری سومین جشنواره بین المللی فیلم مسکو را که در ژوییه ۱۹۶۳ برگزار شد و جایزه بزرگ آن به فیلم جنجالی فدریکو فلینی با نام ۸۹ تعلق گرفت بر عهده داشت. رومانف شخصاً این فیلم را محکوم و اعلام کرد که انتخاب فیلم مزبور نباید به معنای انحراف از سیاست های اتحاد شوروی در ارتباط با هنر و ادبیات تلقی گردد.

طبق گزارش ها، رومانف در اواخر دهه ۱۹۴۰ به سیر و سیاحت در اروپای شرقی پرداخت. در ماه می ۱۹۶۱، به همراه هیأتی متشکل از دبیران نشریات شوروی به ایالات متحده سفر کرد و سال بعد در دهمین کنگره حزب پیشروی کار در قبرس شرکت نمود. در سال ۱۹۶۳، رومانف از مغولستان و جمهوری دموکراتیک آلمان دیدن کرد.

رومانف در پُست ریاست کمیته صنعت سینمای شوروی همچنان رویکرد عقیدتی سفت و سختی نسبت به مسایل هنری اتخاذ کرده و اظهار داشته است که مبارزه هنری با ایدئولوژی بورژوازی همچنان یکی از روندهای مبارزاتی شوروی است که هیچگونه مصالحه ای بر سر آن انجام نخواهد شد. او یک تندروی انعطاف ناپذیر و خشن است، و برخی روشنفکران حتی او را دشمنی خطرناک تر و سازش نا پذیرتر از الئیچف می دانند. مقامات آمریکایی گزارش داده اند که فیلم سازان جوان شوروی به دلیل تلاش های رومانف برای کنترل آنها از او شدیداً نفرت دارند. در طول جنگ، رومانف به تعصب علیه لهستانی ها و یهودی ها و کلاًـ تعصب به روسیه شهرت داشت. او تا به حال دو نشان افتخار پرچم سرخ کارگری (۱۹۴۸، ۱۹۶۲) و یک مدال شجاعت کارگری (۱۹۴۷) دریافت کرده است.

دعوت سفارت شوروی از نمایندگان مجلس [شورای ملی] و سنای ایران

سند شماره ۲۷۳

سرّی۲ ژانویه ۱۹۶۴– ۱۲ دی ۱۳۴۲

از: منبع کنترل شده آمریکاییبه: رئیس بخش سیاسی

موضوع: دعوت سفارت شوروی از نمایندگان مجلس [شورای ملی] و سنای ایران

مطالب زیر جهت اطلاع شما و هر گونه استفاده مقتضی در چارچوب امنیتی تعیین شده ارسال می گردد. هر گونه گزارش از این مطالب باید با درج عبارت «غیر قابل رؤیت برای بیگانگان» صورت گیرد، ولی احتیاجی به درج منبع کنترل شده آمریکایی به عنوان منبع نیست. منبع یک ایرانی صاحب نفوذ است (ب).

سفارت روسیه طی برگزاری ضیافتی در شب ۲۳ دسامبر ۱۹۶۳ چندین سناتور و همچنین چندین نماینده مجلس ایران را به سفارت دعوت، و پس از ضیافت مبادرت به نمایش فیلمی درباره برنامه «کوزموناوت» شوروی کرد. نزدیک به ۴۰ نماینده مجلس از جمله رئیس سنا، جعفر شریف امامی، آقا و خانم حسنعلی منصور (خانم منصور دعوت نشده بود و به اشتباه در این ضیافت حضور یافته بود)، دکتر محمود ضیایی، خانم مهرانگیز دولتشاهی، سناتور عباس مسعودی، سناتور مصاحب، و خانم هاجر تربیت در این ضیافت حضور داشتند.

خورتیلف آلک ایلاریونویچ

سند شماره ۲۷۴

بدون طبقه بندی۲۳ مارس ۱۹۶۴– ۳ فروردین ۱۳۴۳

ایران،اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی

[موضوع]: خورتیلف آلک ایلاریونویچ

(املای نام برگرفته از فارسی است)

رئیس شعبه مشهد، شرکت بیمه اینگوستراخ

انتقال دایم به تهران.

ص: ۵۶۵

منبع: ردژپ نوریویچ بردیف، نماینده تجاری شوروی در مشهد که هم اینک مسئول فعالیت های اینگوستراخ در استان خراسان در ایران است.

مشهد

ج. پی. ام

(کارت فارسی – روسی که به همراه اصل فرم فرستاده شده است.)

گرانت آوانسویچ وسکانیان

سند شماره ۲۷۵

محرمانه۹ ژوئن ۱۹۶۴– ۱۹ خرداد ۱۳۴۳

از: چارلز. ان. راسیاسبه: آقای نلسن بریکهم

موضوع: گرانت آوانسویچ وسکانیان

وسکانیان را برای دومین بار در منزل شما ملاقات کردم. قبلاً ـ او را در میهمانی که به افتخار خانواده ترجلیان داده بودید، ملاقات کرده بودم.

وسکانیان ملاقات قبلی مان را به یادداشت، و پس از تعارفات معمول کارش را شروع کرد. وسکانیان از من پرسید که دقیقاً چه پُستی در سفارت دارم. من هم گفتم که دیپلمات بخش سیاسی هستم و به امور بین المللی و داخلی ایران علاقه دارم. وقتی همین سئوال را از او کردم، او سعی داشت از پاسخ طفره برود، و فقط گفت من هم در بخش سیاسی کار می کنم.

او سپس از من پرسید آیا می دانم چرا وزارت امور خارجه اسناد سال ۱۹۴۳ مبنی بر توافق ادعایی بریتانیا–شوروی برای تقسیم ایران را منتشر ساخته است. پس از اینکه توضیحاتم را شنید، گفت که اسناد فوق برای اتحاد جماهیر شوروی ننگ و رسوایی به حساب نمی آید و اکثر خارجی ها انتشار این اسناد را تبلیغات آمریکا بر ضد شوروی قلمداد خواهند کرد. او با ظرافت طعنه زد که آمریکا اسناد فوق را به این جهت حالا منتشر ساخته است که بریتانیا را رسوا کند، زیرا با سیاست های آن در خاورمیانه موافق نیست. ما برای مدتی درباره همین موضوع صحبت کردیم.

از من پرسید که نظرم در مورد وضعیت ایران چیست و من هم پاسخ دادم که در حال پیشرفت است. او مخالفتی با نظر من نکرد، و پرسید که درباره سیاست خارجی اتحاد جماهیر شوروی چه فکر می کنم. من هم حرف را به رویارویی ایالات متحده و اتحاد شوروی در اکتبر ۱۹۶۲ کشاندم. او دو نظر درباره این موضوع داشت: (۱) خروشچف فقط می خواست راکت ها را در

آنجـا مسـتقر سـازد تـا بعـداً برای برچیـدن آنهـا از آمریکـا امتیـاز بگیرد و از آن بخواهـد تا پایگاههای خود را که در نزدیکی مرزهـای اتحاد شوروی مسـتقر ساخته، برچینـد؛ (۲) تحت هیـچ شـرایطی اتحـاد شوروی مبـادرت به پرتـاب راکت ها به خاک ایالات متحده نمی کرد.

در طول گفتگوی ۱۵ تا ۲۰ دقیقه ایمان، وسـکانیان حواسـش به این بود که چه کسـی به میهمانی می آید. واسـیلی موشویو از سفارت رومانی به محض ورود و دیدن من، به سوی ما

آمد تا احوالپرسی کند. او خیلی محترمانه با من احوالپرسی کرد، ولی فقط سری برای وسکانیان تکان داد و از ما جدا شد.

وقتی داشتیم از یکدیگر جدا می شدیم تا میهمانان دیگر را ملاقات کنیم، وسکانیان گفت که باید این بحث را ادامه دهیم. در پایان میهمانی هم وقتی که از میزبانان خداحافظی کرد دوباره برای من دست تکان داد و تکرار کرد که مایل است آن بحث را ادامه دهد.

در طول میهمانی، وسکانیان با خیلی از میهمانان گرم گرفته بود و به حالتی غیررسمی با آنها صحبت می کرد، به ویژه با چند بریتانیایی که آنها را نمی شناختم. ندیدم که با روس های دیگری که در میهمانی بودند، چندان صحبت کند. ظاهراً خیلی راحت با میهمانان گرم می گرفت، و ترجیح می داد که بیشتر با غربی ها صحبت کند.

برداشت من از وسکانیان این است که او دیپلماتی باتجربه، قابل دسترس، ولی باهوش است. او هیچ واکنش واضحی به اظهار نظرات کاملاً بی پرده من درباره فعالیت های شوروی در امور بین المللی نشان نداد.

دیپلمات های بلوک شرق

سند شماره ۲۷۶

سرّی – غیر قابل رؤیت برای بیگانگان ۱۰ ژوئن ۱۹۶۴– ۲۰ خرداد ۱۳۴۳

از: ویکتور ولفبه: آقای نلسن بریکهم

موضوع: دیپلمات های بلوک شرق

۱– اس. ان. تاگاشف

کاملاًـ معلوم است که آقای تاگاشف نوشیدنی الکلی را خیلی دوست دارد، و در اواخر میهمانی که در منزل شما برگزار شد قدری «شل و ول» شده بود. باز هم معلوم است که از خانم ها خوشش می آید، به ویژه اگر بلوند باشند.

در خلال گفتگوهایمان درباره زبان، آقای تاگاشف گفت به شدت از چینی های کمونیست نفرت دارد. آقای تاگاشف خوب می تواند از زبان فارسی برای راه انداختن کارهایش استفاده کند. با وجود این، زبان فارسی اش پشتوانه ادبی ندارد. او اصلاً اشاره هایی را که به کار بردم، از جمله چندین اشاره بسیار معروف به شعرهای سعدی و حافظ را نفهمید.

۲– آقای کاساتکین

این مقام، حرف های جالبی در مورد کنوانسیون جدید کنسولی بین اتحاد شوروی و ایالات متحده داشت.

متوجه شـدم که عادت نـدارد مسـتقیماً در چشم مخاطبش نگاه کنـد و دائماً به اطراف نگاه می کند. او دارای نگاهی است که دوشـیزه فیتزجرالد «خیرگی مشروب کوکتل خیابان مدیسون» می نامد، چرا که همیشه از بالای شانه شما نگاه می کند ببیند چه کسی دارد وارد می شود.

۳- جی. ای. وسکانیان

آقای وسکانیان بدون شک انگلیسی را عالی صحبت می کند و در رفتارش با خارجیان بسیار نرم و مؤدب است. ظاهراً او در حضور خارجیان احساس ناراحتی نمی کند و از برقراری مناسبات اجتماعی کاملاً لذت می برد. او مشغله زیادی دارد زیرا همیشه در حال رفتن از این جمع به آن جمع است. خیلی یک جا بند نمی شود و هر موقع هم جایی آرام می گیرد به خودش سخت نمی گذراند. مثلاً به درختی تکیه می دهد، یا روی صندلی می نشیند، یا دستش را دور کمر مخاطبش می گذارد و به او تکیه می دهد.

او خیلی علاقمند بود بداند چرا شاه دارد به ایالات متحده می رود، و از این پاسخ که برای افتتاح یک نمایشگاه هنری به آنجا می رود خیلی راضی نبود. او به خانم تئودور الیوت گفت که از تهران نفرت دارد و لحظه شماری می کند که به شوروی برگردد.

۴- زولتان سزفیلی

به آقای سزفیلی و همسرش در میهمانی خیلی خوش گذشت هر چند در اواخر میهمانی خانم سزفیلی عجله داشت که به منزل برگردد. معلوم است که از تاگاشف بدش می آید. برداشت خانم فیتزجرالد این بود که خانم سزفیلی قدری از رفتار شوهرش در میهمانی خجالت زده شده است. زولتان از آن آدم های «خوش مشرب» جامعه بلوک شرق است. آقای سزفیلی هم به خانم ها علاقه نشان می دهد- به هر نوع خانمی. وقتی فهمید که ماشین سفارت را صدا کرده ام تا دوشیزه استیس و دوشیزه فیتزجرالد را به خانه ببرد، مرا به گوشه ای کشاند و در گوشم گفت که این کار کرده ام تا دخترها فقط برای خودم باشند.

ملاقات با مقامات سفارت شوروی

سند شماره ۲۷۷

محرمانه ۲۰ ژوئن ۱۹۶۴- ۳۰ خرداد ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: دانیل او. نیوبریبه بخش سیاسی: آقای مارتین هرتز

[موضوع]: ملاقات با مقامات سفارت شوروی

در مراسم روز ملی کویت که شب گذشته در سفارت این کشور در تهران برگزار شد با آقای افندیف ملاقات کردم که مثل یک رفیق شفیق حالم را پرسید. چند هفته پیش او را در باشگاه سفارت شوروی ملاقات کرده بودم. آن موقع، به زبان ترکی با همدیگر صحبت کرده بودیم، ولی شب گذشته چون همکار افندیف، آقای جاریکوف، نیز در کنار ما بود، به زبان فارسی صحبت کردیم (که البته من فارسی شکسته و بسته و افندیف فارسی روان). بعد از اینکه جمع ما بزرگ تر شد، افندیف نشان

داد که به همان اندازه به زبان انگلیسی مسلط است. بخش اعظمی از صحبت های ما به شهر استانبول مربوط می شد، و آقای افندیف از من در مورد آب و هوا و کلاً وضعیت شهر سئوال کرد.

از آن دو مقام شوروی پرسیدم که آیا تا به حال در کویت بوده اند، و جاریکوف خیلی محتاطانه توضیح داد که فقط چند ماه است که سفارت شوروی در کویت باز شده است.

قدری پس از آن همسرم را برای ملاقات مجدد با آقای افندیف نزد او بردم (همسرم قبلاً او را در باشگاه شوروی ملاقات کرده بود). از او پرسیدم آیا می توانیم خانم افندیف را هم ببینیم، و او همسرش را که دور یک میز در جمع چند زن دیگر، که فکر می کنم همگی همسران مقامات سفارت شوروی بودند، اشاره کرد. به جای اینکه ما را به سمت میز ببرد، رفت و همسرش را صدا کرد. خانم افندیف اگر چه قدری چاق بود، ولی خیلی زیبا به نظرمان آمد، با چهره ای اروپایی و نزدیک ۵ فوت قد. او ظاهراً زبان دیگری غیر از روسی بلد نیست، ولی با توجه تمام به صحبت های ما گوش می داد و منتظر می ماند تا همسرش حرف هایمان را برایش ترجمه کند. در پاسخ سئوال ما گفت که دو دختر دارند، یکی ۸ ساله و دیگری ۴ ساله. آقای افندیف گفت ظاهراً با بزرگتر شدن بچه ها تربیت آنها نیز مشکل تر می شود.

همان شب، همسرم سر صحبت را با خانم اوسیپوا، که قبلاً هم در چند موقعیت دیگر با او صحبت کرده بود، باز کرد. تنها چیز قابل توجهی که از همسرم درباره خانم اوسیپووا شنیدم این بود که او تعجب کرده بود چرا هیچ یک از مقامات کویتی همسران خود را به میهمانی نیاورده اند. البته جالب است بدانید که این اولین باری بود که مقامات سفارت شوروی نیز همگی همسران خود را به میهمانی آورده بودند.

توضیح: آقای افندیف می گوید که اهل باکوست. ترکی و فارسی را خیلی روان صحبت می کند، ولی می گوید تحصیلات خود را کاملاً در روسیه گذرانده است.

ملاقات با مقامات بلوک شرق

سند شماره ۲۷۸

محرمانه ۲۰ ژوئن ۱۹۶۴- ۳۰ خرداد ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: ویکتور ولف، Jrبه بخش سیاسی: آقای مارتین اف. هرتز

موضوع: ملاقات با مقامات بلوک شرق

شب گذشته در سفارت کویت این فرصت را پیدا کردم که با چندین تن از مقامات سفارت های بلوک شوروی در تهران ملاقات کنم.

آقای افندیف اهل باکوست و چهره ای تاتاری دارد. خانم افندیف جثه کوچک و چاقی دارد و شبیه روس هاست. او فقط روسی صحبت می کند و ظاهراً فارسی بلد نیست. فارسیِ آقای افندیف عالی است و معلوم است که با ادبیات ایران نیز

آشناست. او شعر فارسی را خوب می داند و چند بیت از سعدی برایمان خواند. آقا و خانم افندیف شش ماه است که در تهران به سر می برند و برای یک «مأموریت منظم» در تهران خواهند بود. البته من نفهمیدم منظور آنها از «مأموریت منظم» چیست. آقای افندیف آدم بذله گویی است، و وقتی فهمید که من هنوز مجرد هستم گفت که من دوستان زیاد و خوبی دارم که هنوز بار ازدواج را بر دوش من نگذاشته اند. وقتی گفتگوی ما را برای

زنش ترجمه کرد، او پاسخی نداد، ولی نگاهی سرزنش آمیز به من انداخت.

آقای جاریکف فارسی را خوب بلد است، و در حدود سه سال است که در ایران به سر می برد. یک هفته دیگر مأموریتش تمام می شود و به مسکو باز می گردد. او سر از پا نمی شناسد چون می گوید که از ایران نفرت دارد.

هم آقای افندیف و هم آقای جاریکف گفتند که موافقت نامه هواپیمایی غیرنظامی بین ایالات متحده و اتحاد شوروی «هم اینک عملاً در حال اجراست.» خانم «سینثیا رمزی» که کنار ما ایستاده بود از آنها پرسید آیا امکان استفاده از خط آهن سیبری برای رفتن از ولادی وستک به مسکو وجود دارد یا خیر. هر دو نفر آنها قدری یکه خوردند، ولی گفتند که این سفر هشت روز طول می کشد و افزودند که چنین سفری چندان لذت بخش نخواهد بود. بعد از آن به مزاح به آن دو نفر گفتم آیا به هنگام سفر به خاور دور، دانستن زبان چینی لازم است، و آقای جاریکف خیلی محکم گفت: «به هیچوجه».

گزارش گفتگوها

سند شماره ۲۷۹

محرمانه۱۱ اوت ۱۹۶۴- ۲۰ مرداد ۱۳۴۳

تاریخ: ۱۱ اوت ۱۹۶۴

محل: میهمانی به صرف نوشیدنی در منزل «وی. موشویو»، کاردار سفارت رومانی

طرف های گفتگو: ولادیمیر پانکراتف، دبیر اول سفارت شوروی، ایو بوله، دبیر اول سفارت فرانسه

[موضوع]: گزارش گفتگوها

۱- مقدمه

الکساندر دیما، دبیر سوم سفارت رومانی، من را به آقای پانکراتف معرف کرد. پانکراتف به همراه سه روس دیگر بود، که یکی از آنها را به اختصار وابسته نظامی جدید شوروی در ایران معرفی کرد. از آنجایی که زبان انگلیسی پانکراتف ضعیف است، ما به فارسی با همدیگر صحبت کردیم و به تدریج از دیگران فاصله گرفتیم تا اینکه آقای بوله چند دقیقه بعد به ما پیوست. در حین صحبت هایمان تعارفات معمول درباره خانواده و شغل را انجام دادیم. فارسیِ پانکراتف خیلی خوب است، و او آدم رک و صریحی است.

۲- شغل

پـانکراتف گفت رابـط سـفارت بـا وزارت امور خـارجه ایران است و بیشترِ وقتش را به تنظیم کردن یـادداشت هـا و مـذاکرات سطح پایین با همتایان ایرانی اش می گذراند. او گفت که به روابط ایران با کشورهای دیگر چندان علاقه ای ندارد، ولی اولین سئوال جاندارش نشان داد که واقعاً اینگونه نیست. (نگاه کنید به بند ۴ همین یادداشت).

۳- مذاکرات موافقت نامه هوایی شوروی- ایران

برای اینکه پانکراتف را محک بزنم پرسیدم مذاکرات ایران و شوروی بر سر موافقت نامه هواپیمایی غیرنظامی چگونه پیش می رود. او لبخندی زد و گفت که مذاکرات رضایت بخش است و اگر «به خاطر نفوذ و دخالت شما نبود» الان باید به نتیجه می رسید. بعد از اینکه به او گفتم ما هیچ دخالتی در این امر نداریم، از او پرسیدم واقعاً چه مشکلی مانع توافق نهایی شده است. او بدون تأمل گفت اتحاد جماهیر شوروی قبول نمی کند که اتباع خارجی به عنوان خدمه INAC پرواز کنند مگر اینکه اتباع کشوری باشند که اتحاد شوروی با آنها موافقت نامه هوایی دوجانبه داشته باشد. از نظر پانکراتف ایرانی ها بر این مسئله اصرار نخواهند کرد و هیأت سه نفره ای که از مسکو به ایران آمده است، احتمالاً ظرف چند روز آینده موافقت نامه را نهایی خواهند کرد.

(در همین موقع ایو بوله از سفارت فرانسه به جمع ما پیوست و از آنجایی که فارسی بلد نیست، و پانکراتف هم ظاهراً فرانسه بلد نیست، ما صحبت هایمان را به زبان انگلیسی ادامه دادیم.)

۴- TUPAIR

پانکراتف از من پرسید نظر آمریکا در مورد توافق اخیر ترکیه، پاکستان و ایران بر سر همکاری های نزدیک تر منطقه ای، اقتصادی و فرهنگی چیست. پاسخ دادم مسلماً ما مخالفتی با این توافق نداریم و فکر می کنیم این نوع همکاری به نفع همه طرف هاست. پانکراتف اصرار داشت که این توافق نمی تواند مزایای اقتصادی واقعی برای طرفین، مخصوصاً ایران، داشته باشد، زیرا اقتصاد هر سه کشور بسیار شبیه همدیگر است و اصلاً مکمل یکدیگر نیستند. بوله نیز گفت که کلاً با نظر او موافق است، ولی همکاری نزدیک تر سه کشور در زمینه کمک های فنی می تواند برایشان مفید باشد. همچنین، زمینه هایی نیز برای گسترش مناسبات فرهنگی وجود دارد، هر چند که ظاهراً چندان ساده نخواهد بود. پانکراتف نیز با تکانِ سر، نظر بوله را تأیید کرد، و سپس گفت از نظر او انگیزه اصلی این توافق جدید سیاسی است، و گفت دوست دارد بداند که توافق جدید چه تأثیری بر سنتو خواهد گذاشت. پاسخ دادم (البته سعی می کردم پاسخم قانع کننده باشد) که از نظر من توافق جدید نباید لزوماً تأثیر مختل کننده ای بر سنتو داشته باشد و اینکه سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان باز هم می توانند با حفظ پیمان سنتو منتفع شوند. بوله با این امر موافق بود، ولی افزود که از نظر او دلیل اصلی انعقاد پیمان جدید به وضوح سیاسی است، نه فقط بر اساس حمایت متقابل در برابر مشکلات بین المللی جاری که هر یک از این سه کشور با آنها مواجه است (مثلاً قبرس برای ترکیه، کشمیر برای پاکستان، و تهدیدهای «ناصری» برای خلیج فارس و خوزستان ایران)، بلکه همچنین نمایش استقلال از غرب و مانوری برای اعمال نفوذ بیشتر در حوزه سیاست آفریقا-آسیاست. گفتم نمی توانم با تحلیل بوله مخالفت کنم، ولی پانکراتف فقط حرف خودش را می زد. پیش از آنکه بتوانم بحث را ادامه دهم، مجبور شدم از جمع جدا شوم. بوله و پانکراتف برای مدتی به بحث ادامه دادند.

اطلاعات بیو گرافی

پانکراتف گفت که ازدواج کرده و دو فرزند دارد: یک پسر ۱۵ ساله که در شوروی درس می خواند و یک دختر ۵ ساله که در تهران است. وقتی به اختلاف سن فرزندانش اشاره کردم و گفتم به او نمی آید که یک پسر ۱۵ ساله داشته باشد، لبخندی زد و گفت: «دست خودم نبود. کار خدا بود.»

همان شب به هنگام پخش فیلم از پانکراتف پرسیدم که حال همکارش، وسکانیان، چطور است. گفت حال او خوب است و هنوز در تهران به سر می برد. قدری تعجب کرد که طوری حال وسکانیان را می پرسم که انگار خوب او را می شناسم.

به نظر می رسد پانکراتف ایران را خوب گشته باشد. گفت خیلی به سواحل دریای خزر علاقه ای ندارد و از نظر او به استثنای مسجد اصفهان، این شهر چندان هم جذاب نیست. او گفت گرمای تهران کلافه اش می کند و خدا را شکر کرد که محل اقامت تابستانی سفارت در شمیران است. از من پرسید آیا در سفارت زندگی می کنم و یا یک منزل خصوصی خارج از سفارت دارم.

بخش سیاسی

سی ان. راسیاس

ملاقات با وابسته نظامی، دریایی و هوایی جدید شوروی

سند شماره ۲۸۰

محرمانه۱۲ اوت ۱۹۶۴– ۲۱ مرداد ۱۳۴۳

از: چارلز. راسیاس به: آقای رنسام هیگ

[موضوع]: ملاقات با وابسته نظامی، دریایی و هوایی جدید شوروی

در میهمانی شب گذشته کاردار رومانی، موشویو، به وابسته نظامی جدید شوروی، که یک سرهنگ بود، معرفی شدم، ولی نامش را متوجه نشدم.

او ۵ فوت و ۸ اینچ قد، ۱۷۵ پوندوزن و هیکل متناسبی دارد. نزدیک ۵۰ سال دارد، و موهایش تماماً سفید است که آن را به عقب شانه می کند. سفیدروست و چشمان روشنی (خاکستری یا آبی) دارد که هوش و ذکاوت در آنها پیداست. همیشه لبخند به لب دارد، ولی ظاهراً خیلی هم خجالتی است. چند بار که او را زیر نظر گرفتم، مثل تازه واردانی بود که انگار آشنای زیادی در اینجا ندارند.

این سرهنگ شوروی انگلیسی را خوب صحبت می کند. به من گفت که تازه وارد تهران شده است. معلوم بود خوب متوجه توضیحات ای. دیما از سفارت رومانی درباره من نشده است و از من درجه ام را پرسید و اینکه در کدام سفارت کار می کنم. وقتی به او توضیح دادم که یکی از چندین دبیر دوم های سفارت آمریکا هستم، خندید و به یک نفر تبعه چک (که نامش را نمی دانستم، نزدیک ۶ فوت قد، سر طاس، با عینک که از من حال آقای نلسن بریکهم

را پرسید) که کنارش ایستاده بود، گفت: «این آمریکایی ها همه جای جهان بیشترین نفرات را دارند.» پاسخ دادم البته عبارت «همه جا» برای همه کشورها صادق نیست، و او هم که منظور من را فهمیده بود، با نوعی خجالت زدگی توأم با احترام، لبخندی حواله ام کرد.

وقتی از او پرسیدم در سفارت شوروی چه پُستی دارد، گفت وابسته ارتش- نیروی دریایی- نیروی هوایی است، و سپس به مزاح گفت: «مردی با سه شغل ولی یک حقوق.»

سرهنگ فاشوکف

سند شماره ۲۸۱

محرمانه۲۴ اوت ۱۹۶۴- ۲ شهریور ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چارلز. ان. راسیاسبه بخش سیاسی: رنسام. اس. هیگ

[موضوع]: سرهنگ فاشوکف

برای دومین بار جناب سرهنگ را در مراسم روز ملی رومانی که در تاریخ ۲۳ اوت در سفارت این کشور برگزار شده بود، ملاقات کردم. در جریان صحبت های بسیار کوتاهی که داشتیم از جناب سرهنگ پرسیدم که موافقت نامه هوایی ایران و شوروی چه زمانی به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. جناب سرهنگ پاسخ داد که هیچ نقشی در این مذاکرات نداشته و هیچ اطلاعی هم از اجرای آن ندارد.

دی. ای. ریجوف، دبیر سوم سفارت شوروی

سند شماره ۲۸۲

محرمانه۲۴ اوت ۱۹۶۴- ۲ شهریور ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چارلز. ان. راسیاسبه بخش سیاسی: رنسام. اس. هید

[موضوع]: دی. ای. ریجوف، دبیر سوم سفارت شوروی

در صحبتی که مورخ ۲۳ اوت در مراسم روز ملی در سفارت رومانی با آقای ریجوف داشتم، او گفت که قبلاً زیر دست آقای شیبورین بوده است. آقای شیبورین در زمانی که من در سفارت آمریکا در رانگون مأمور بودم، سفیر روسیه در رانگون بود. آن طور که از صحبت های جسته و گریخته آقای ریجوف برمی آمد، آقای شیبورین رئیس بخش اقتصادی وزارت امور

خارجه در مسکو بوده است.

وای. کی. الکسیف، دبیر دوم سفارت شوروی

سند شماره ۲۸۳

محرمانه۲۴ اوت ۱۹۶۴- ۲ شهریور ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: رنسام. اس. هیدبه بخش سیاسی: چارلز. ان. راسیاس

[موضوع]: وای. کی. الکسیف، دبیر دوم سفارت شوروی

به گفته آقای پانکراتف از سفارت شوروی، آقای آلکسیف اخیراً از دبیر سومی سفارت به دبیر دومی ارتقا یافته است. آقای پانکراتف می گوید که آقای الکسیف بهتر فارسی صحبت

می کند و آدم باهوش تری است. او گفت آلکسیف برای احراز این پُست آموزش های بسیار تخصصی دیده و در طول تقریباً سه سالی که در ایران گشته، «ایران را حتی بهتر از ایرانی ها می شناسد.»

پانکراتف، دبیر اول سفارت شوروی

سند شماره ۲۸۴

محرمانه۲۴ اوت ۱۹۶۴– ۲ شهریور ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چالز. ان. راسیاسبه بخش سیاسی: رنسام اس. هیگ

[موضوع]: پانکراتف، دبیر اول سفارت شوروی

امروز صبح، ۲۴ اوت، با آقای پانکراتف در سفارت شوروی تماس گرفتم و از او دعوت کردم که صبح چهارشنبه با من و پسرم به اجرای تمرینی ارکستر سمفونی پیتزبورگ در مرکز فرهنگی IAS بیاید.

آقای پانکراتف ظاهراً از این تماس تلفنی خوشحال شده بود، و متوجه شدم که بدون هیچ تأملی دعوت من را پذیرفت. چون از زمان و مکان اجرای تمرینی ارکستر سمفونی مطمئن نبودم، پانکراتف از من خواست روز سه شنبه ساعت ۱۱:۳۰ برای تأیید قرارمان با او تماس بگیرم.

ولادیمیر پانکراتف، دبیر اول سفارت شوروی

سند شماره ۲۸۵

محرمانه۲۵ اوت ۱۹۶۴– ۳ شهریور ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چالز. ان. راسیاسبه بخش سیاسی: آقای رنسام. اس. هیگ

[موضوع]: ولادیمیر پانکراتف، دبیر اول سفارت شوروی

آقای ولادیمیر پانکراتف را برای دومین بار در مراسم روز ملی رومانی که در روز ۲۳ اوت در سفارتخانه این کشور در تهران برگزار شد، ملاقات کردم. او نزد من آمد و نسبتاً گرم سلام و احوالپرسی کرد.

اطلاعات بیوگرافی: در طول صحبت هایمان اطلاعات زیر را کسب کردم. همسرش زبان انگلیسی یا فرانسه نمی داند، و فقط به روسی صحبت می کند. هوای تهران را اصلاً دوست ندارد. پانکراتف یک یا دو انگشت دست راست را ندارد.

۱- موافقت نامه هوایی ایران-اتحاد جماهیر شوروی: او پیش بینی می کند که موافقت نامه هوایی با پرواز مقدماتی هواپیماهای ایرفلوت شوروی طی یک تا دو ماه دیگر به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. (ایو بوله می گوید که عالیخانی همان شبِ امضای موافقت نامه هوایی ایران و اتحاد شوروی به او گفته است که اجرای کامل موافقت نامه بین دو تا سه سال طول خواهد کشید.)

۲- تبلیغات کمونیست ها: پانکراتف از من پرسید آیا سفارت آمریکا هیچ یک از نشریات

جمهوری خلق چین را که اخیراً به ایران ارسال شده، دریافت کرده است. به او گفتم که هیچ اطلاعی از دریافت چنین نشریاتی ندارم. او گفت سفارت شوروی نیز هیچ نشریه ای دریافت نکرده است، ولی می داند که سفارتخانه های دیگر چنین نشریاتی دریافت کرده اند. او همچنین گفت رادیو پکن در حدود یک یا دو هفته پیش شروع به انتقاد از رژیم ایران کرده است. گفتم ما متوجه نشده ایم که رادیو پکن مبارزه تبلیغاتی شدیدی بر ضد ایران راه انداخته است، ولی می دانیم که رادیوهای کمونیستی (NVI و پیک ایران) همچنان به تبلیغات منفی شان بر ضد ایران ادامه می دهند. پانکراتف سعی کرد انکار کند که این رادیوها تحت نفوذ شوروی هستند، ولی لبخندش نشان می داد که خودش بهتر هر کس دیگری می داند.

۳- نظرات کلی تر:

(الف) پانکراتف مدعی بود که فرانسه و جمهوری خلق چین هنوز واقعاً روابط دیپلماتیک رسمی با یکدیگر برقرار نکرده اند.

(ب) پانکراتف خیلی دوست داشت بداند چرا USIS برای رویدادهای فرهنگی مهم هیچ بلیط دعوت به سفارت شوروی نمی فرستند. پانکراتف گفت که مرکز قدیمی USIS در نادری را دیده است، ولی هنوز به مرکز فرهنگی جدید در عباس آباد نرفته است. در همین ارتباط به او گفتم که قصد داشتم او و همسرش را به کنسرت سمفونی پیتزبورگ دعوت کنم، ولی چون فکر می کردم کارمندان سفارت شوروی اجازه ندارند بدون حضور همکارانشان با کارمندان سفارت آمریکا ملاقات کنند، از این کار صرف نظر کردم. پانکراتف با خنده ای این حرف را رد کرد و گفت خوشحال می شود هر موقع بخواهم او را ببینم.

(پ) پانکراتف عقیده داشت که ایالات متحده دارد با دخالت در مسایل گوناگون در سرتاسر دنیا، حتی در مناطقی که منافع چندان زیادی برایش ندارد، توان خود را هدر می دهد. وقتی به او گفتم که از نظر من شوروی نیز دارد دقیقاً همین کار را می کند، او لبخند زد و سپس خلاصه ای از تحلیل کمونیست ها را درباره اوضاع کنونی جهان برایم گفت. وقتی داشت این توضیح را به من می داد، که البته تلاشش برای نشان دادن بی طرفی قابل توجه بود، به من اطمینان داد که قصد ندارد من را یک کمونیست کند.

(ت) پانکراتف گفت بیشتر با روشنفکران و کارگران ایرانی تماس دارد، و اطلاعات یا تماس های زیادی با اصطلاحاً طبقات حاکم ندارد.

دی. ای. ریجوف، دبیر سوم سفارت شوروی

سند شماره ۲۸۶

محرمانه۲۵ اوت ۱۹۶۴- ۳ شهریور ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چارلز. ان. راسیاسبه بخش سیاسی: آقای رنسام. اس. هیگ

[موضوع]: دی. ای. ریجوف، دبیر سوم سفارت شوروی

در مراسمی که در روز ۲۳ اوت به دعوت موشوین، کاردار سفارت رومانی به مناسبت روز

ملی این کشور در سفارت رومانی برگزار شده بود، با ریجوف ملاقات کردم.

ریجوف تقریباً ۴۲ ساله است، ۱۶۰ سانتیمتر قد دارد، لاغر است، پوست روشن و موهای قهوه ای روشن دارد و عینک به چشم می زند. زبان فارسی را خوب می داند ولی زبان انگلیسی اش ضعیف است. متأهل و دارای یک فرزند ۱۱ ساله است. مدعی است که بیش از ۱۱ سال را در سرویس دیپلماتیک کار کرده است، ولی مأموریتش به تهران اولین مأموریت خارج از کشور است. در واقع این دومین باری است که به ایران می آید زیرا حدوداً چهار سال پیش نیز درایران بوده است.

نظرات گزارشگر: از نظر من ریجوف از آن دیپلمات های چیره دست سفارت شوروی نیست. او ظاهراً به خودش چندان اطمینان ندارد، و چنان هول زده است که رفتارش تقریباً ناشیانه جلوه می کند. او در حضور پانکراتف، دبیر اول سفارت شوروی، اصلاً اعتماد به نفس نداشت، و وقتی بدون دلیل اظهاراتی بیان کرد، پانکراتف خیلی سعی داشت در حضور من او را خجالت زده نکند.

جالب اینجاست که چند روز پیش، یعنی قبل از آنکه ریجوف را ملاقات کنم، آقای علی خردمهر، کارمند سابق اداره چهارم وزارت امور خارجه ایران، در مورد رفتار ناشیانه و هول زده یکی از دبیر سوم های سفارت شوروی به نام ریجوف برایم صحبت کرده بود. طبق گفته خردمهر، ریجوف همیشه به اداره چهارم وزارت امور خارجه می آید و می پرسد از روابط ایران و آمریکا تازه چه خبر. اگرچه کارمندان اداره چهارم به ریجوف فهمانده اند که دوست ندارند چنین سئوالاتی را بشنوند و اینکه رفتار او را غیر مؤدبانه تلقی می کنند، ولی او باز هم به کارش ادامه می دهد. حتی یکبار بدون اینکه به خردمهر خبر دهد به خانه او رفته بود، و وانمود کرده بود که آنها آنقدر با هم دوست هستند که این چیزها عادی است. خردمهر هم این مسئله را به مدیر سیاسی وقت وزات امور خارجه، میرفندرسکی، اطلاع داده بود، و میرفندرسکی هم با خنده گفته بود که ریجوف از آن دیپلمات های هول زده شوروی است که سعی می کند با نوشتن یادداشت هایی در مورد تماس هایش با اعضای اداره چهارم (قاره آمریکا) وزارت خارجه به بالادستانش برای خودش امتیاز کسب کند.

ولادیمیر پانکراتف، دبیر اول سفارت شوروی

سند شماره ۲۸۷

محرمانه۲۷ اوت ۱۹۶۴– ۵ شهریور ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چالز. ان. راسیاسبه بخش سیاسی: رنسام. اس. هیگ

[موضوع]: ولادیمیر پانکراتف، دبیر اول سفارت شوروی

چنانکه قبلاً ترتیب داده بودیم، امروز صبح ساعت ۸:۱۵او را ملاقات کردم. وقتی رسیدم او داشت نگاهی به محل نصب اعلانات می انداخت. سپس او را در مرکز فرهنگی IAS گرداندم، و او هم خیلی علاقه نشان می داد. پس از آن در آمفی

تئاتر نشستیم و به اجرای تمرینی ارکستر

سمفونی پیتزبورگ گوش دادیم. تا ساعت ۱۰:۱۵ آنجا ماندیم و سپس برای صرف یک نوشیدنی به منزل من رفتیم. در ساعت ۱۰:۵۰ دقیقه هم آقای پانکراتف را به سفارت شوروی رساندم. ساعت ۱۱:۱۰ دقیقه به آنجا رسیدیم.

اطلاعات بیوگرافی

پانکراتف علاوه بر یک پسر ۱۵ ساله که در مسکو درس می خواند، یک دختر شش ساله نیز دارد که با او و همسرش در تهران زندگی می کند. پانکراتف مدعی است که اهل مسکو است. پانکراتف در پاسخ به سئوال من گفت که تهران اولین پست دیپلماتیک او در خارج از اتحاد جماهیر شوروی است و اینکه او قبلاً هم از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۰ در تهران بوده است. او گفت اتحاد جماهیر شوروی کارمندانش را برای مدت های طولانی، شاید قدری بیش از حد، در کشورها یا مناطقی که بابت آن آموزش های تخصصی دیده اند، نگاه می دارد. او ظاهراً به فرهنگ ایران علاقه دارد و قدری با آن آشناست، با وجود این، می گوید که دوست ندارد پس از اتمام مأموریت کنونی اش، که احتمالاً یک سال دیگر تمام خواهد شد، به ایران بازگردد.

وقتی داشتیم به موسیقی گوش می دادیم از او پرسیدم آیا خودش موسیقی می نوازد. او لبخندی زد و دست راستش را به من نشان داد، که انگشت نشانه نداشت. از او پرسیدم چه اتفاقی برای دستش افتاده است. پانکراتف گفت که در جنگ مجروح شده است. من از این فرصت استفاده کردم و سئوالاتی از او پرسیدم که نتیجه آنها این اطلاعات شد: او پیش از آنکه به سن سربازی برسد به پیاده نظام شوروی پیوسته بود. او در جبهه [؟]روسیه خدمت کرده و در سال ۱۹۴۳ مجروح شده بود، و در نتیجه آن به پشت جبهه اعزام شده و همانجا خدمت کرده بود. پیش از آنکه مجروح شود، در گروهی خدمت می کرد که اگر درست فهمیده باشم یک گروه شناسایی ویژه بوده است. او گفت اسلحه اصلی آنها فقط یک مسلسل سبک بوده، و آنها بیشتر وقت خود را در پشت جبهه آلمانی ها به جمع آوری اطلاعات محرمانه و غیرمحرمانه و ارسال آن برای واحدهای ارتش خود می گذراندند. این گروه دست به خرابکاری نمی زدند و از درگیری با دشمن هم پرهیز می کردند. (فکر می کنم این گروه نوعی «نیروی ویژه» بوده که درمناطق تحت اشغال آلمان مأموریت انجام می داده و در طول آن مردم آنها را یاری می رسانده اند.)

پانکراتف از اینکه می شنید من بابت خانه ای که کرایه کرده ام ماهیانه فقط ۱۶۰۰ تومان می پردازم و خودروی شخصی خودم را سوار می شوم، خیلی تعجب کرد. او گفت که با همسر و دخترش در یک آپارتمان دو اتاقه در محوطه سفارت زندگی می کند. آپارتمانشان یک آشپزخانه و حمام دارد. البته او افزود که این مقدار هم برای آنها کافی است چون اکثر شهروندان مسکو به زندگی کردن در آپارتمان های حتی کوچک تر از این هم عادت دارند، زیرا بعد از جنگ جمعیت مسکو خیلی زیاد شده است.

پانکراتف سیگار «ال اند ام» می کشد و معتقد است که سیگار کشیدن تنش های عصبی را آرام می کند.

پانکراتف و سنجری

کمی بعد از اینکه به مرکز فرهنگی IAS رسیدیم، آقای حشمت سنجری، رهبر ارکستر سمفونی تهران، با خانواده اش وارد آنجا شدند، و سنجری با دیدن پانکراتف، نزد ما آمد و احوالپرسی گرمی با او کرد. با وجود این، چون مطمئن نبودم که او چه کسی است، از پانکراتف پرسیدم. پانکراتف هم نام او را به یاد نداشت، و گفت که رهبر ارکستر سمفونی تهران است. بعد از آن نامش یادش آمد.

در طول اجرای تمرینی سمفونی، من ۱۰ دقیقه با پیانیست صحبت کردم و در همان مدت پانکراتف مشغول صحبت با سنجری بود. از پانکراتف پرسیدم که سنجری چه می گفت، و پانکراتف پاسخ داد سنجری گفته است از نظر او ارکستر سمفونی پیتزبورگ یکی از بهترین ارکستر های جهان است. این را از روی مشاهدات شخصی اش از ارکسترهای شوروی در طول سفرش به این کشور در سال گذشته می گفت.

امور ایران:

پانکراتف گفت به عقیده او اگر ایران به نحو احسن و کامل از درآمدهای نفتی اش استفاده کند، به یک «بهشت» مبدل خواهد شد. با وجود این، او احساس می کرد تا زمانی که ایرانی ها بعضی از عادت های روانی و اجتماعی شان را کنار نگذارند، این کار میسر نیست. او گفت سر و کار داشتن با ایرانی ها خیلی مأیوس کننده است، زیرا انسان دقیقاً نمی داند آنها چه کاره اند. یک روز بر سر یک چیز توافق می کنند، فردای همان روز نظرشان عوض می شود، یا آن را فراموش می کنند و یا از زیر آن شانه خالی می کنند.

روابط اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده

در میان صحبت هایمان پانکراتف گفت که ای کاش رقابت آمریکا و شوروی به مسایل فرهنگی و فنی ختم می شد، و اختلافات ایدئولوژیک مردم جهان را به خطر نمی انداخت.

علاقه به علی پاشا صالح

وقتی به ارکستر گوش می دادیم، پانکراتف بدون مقدمه از من پرسید آیا سفارت هنوز علی پاشا صالح را در خدمت دارد. گفتم که هنوز در سفارت است ولی فقط به طور پاره وقت کار می کند. پانکراتف گفت در طول مأموریت اخیرش در تهران به مجلس می رفته و به سخنان نمایندگان گوش می داده است. از این راه فارسی خود را نیز تقویت می کرده است. او در آنجا آقای صالح را می دیده است.

شرح مشاهدات شخصی در میهمانی سفارت بلغارستان، ۹ سپتامبر ۱۹۶۴

ص: ۵۷۸

سند شماره ۲۸۸

محرمانه۱۲ سپتامبر ۱۹۶۴- ۲۱ شهریور ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چالز. ان. راسیاسبه بخش سیاسی: آقای رنسام. اس. هیگ

[موضوع]: شرح مشاهدات شخصی در میهمانی سفارت بلغارستان، ۹ سپتامبر ۱۹۶۴

۱- میهمان مجاری، چپرتلی، مجبور شد خیلی زود مراسم را ترک کند زیرا سفیر مجارستان که به تازگی وارد ایران شده به حدی مریض است که شاید نتواند استوارنامه خود را در روز ۱۲ سپتامبر، که از قبل تعیین شده، تسلیم کند.

۲- یک زوج جذاب مجار نیز اخیراً وارد ایران شده اند. مرد قد کوتاهی نزدیک به ۵ فوت ۵ اینچ، ولی جثه قوی ۱۶۵ پوندی، و موهای بلوند دارد. زن نیز تقریباً همان اندازه است، با موهای مشکی، و زیباست. زن انگلیسی بلد نیست. البته با مرد مجار صحبت نکردم و وقتی هم که به آن خانم معرفی می شدم، نامش را نفهمیدم. (شاید همان آنتال [؟] باشند که ماه مارس وارد تهران شدند.)

۳- یک بلغاری جدید (که حدس می زنم دبیر سوم باشد) اخیراً وارد تهران شده است. نامش چیزی شبیه به [؟] است. نزدیک ۳۰ سال دارد، با قد ۵ فوت و ۹ اینچی، ۱۷۰ پوند وزن، موهای مشکی کم پشت، و عینکی تقریباً قهوه ای رنگ به چشم می زند. او قدری انگلیسی بلد است ولی همسرم شنیده است که او دارد با زبان رومانیایی صحبت می کند. او به همسرم گفته است که همسرش شش ماه پیش فرزندی آورده و به محض اینکه او در تهران جا گیر شود، همسرش نیز به اینجا خواهد آمد. او گفته است که در راه عزیمت به تهران، سه روز را در بغداد گذرانده و باورش نمی شود که آن شهر آنقدر کثیف باشد. خیلی خوشحال است که تهران خیلی از بغداد بهتر است.

۴- فکر می کنم میهمانان معمول سفارت شوروی نیز در آنجا بودند ولی من آنیسیمف، پانکراتف، یا وسکانیان را در آنجا ندیدم. ظاهراً یک نفر دیگر غیر از [؟] (که توصیف او در یادداشت جداگانه ای به عرض خواهد رسید) نیز وارد تهران شده است. این مرد نزدیک به ۵ فوت و ۶ اینچ قد، ۱۴۰ پوند وزن، با سری که دارد طاس می شود، ولی شاید بیشتر از ۳۵ سال هم نداشته باشد. همسر زیبا و بلوند خبرنگار تاس او را به هم بلوکی هایش معرفی می کرد. در همین اثنا، چشمم به چشم سرهنگ پاوشوکف افتاد که از بالای شانه کسی که با او صحبت می کرد مرا دید، سری تکان داد و (به شیوه معمولش که گویی قدری خجالت زده است) لبخندی به نشانه سلام حواله ام کرد. ظاهراً گونه هایش گل انداخته بود، و یا شاید هم قدری زیاد مشروب خورده بود.

۵- به هوتارک از دیپلمات های چکسلواکی که قدری دورتر از من ایستاده بود، سلام کردم. در کنار او یک خانم بلند قد و زیبا ایستاده بود که دیما از دیپلمات های رومانی به ما گفت همسر هوتارک است. قبلاً او را در هیچ یک از میهمانی ها در

کنار هوتارك ندیده بودم.

ریجوف، دبیر سوم سفارت شوروی

سند شماره ۲۸۹

محرمانه۱۲ سپتامبر ۱۹۶۴– ۲۱ شهریور ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چارلز ان. راسیاسبه بخش سیاسی: آقای رنسام. اس. هیگ

موضوع: ریجوف، دبیر سوم سفارت شوروی

در مراسمی که در تاریخ ۹ سپتامبر در سفارت بلغارستان برپا بود، وقتی داشتم با عباس مزدا صحبت می کردم، ریجوف به ما نزدیک شد تا با من صحبت کند.

با لهجه روسی غلیظ به فارسی گفت که اطلاعات دقیقی در مورد گروه رقص محلی روسی که قرار است در هفته آتی به رهبری آرام خاچاتوریان، موزیسین معروف، برنامه اجرا کند، ندارد. او گفت گروه فوق مستقیماً از کابل می آید.

ریجوف نظرم را در مورد انتخابات آتی آمریکا پرسید و اینکه قصد دارم به چه کسی رأی دهم. وقتی به او گفتم که هنوز تصمیم نگرفته ام، ریجوف گفت نمی تواند بفهمد آمریکایی ها چگونه می توانند از «این آدم دیوانه، گُلد واتر» حمایت کنند. وقتی گفتم اول رسانه های تبلیغاتی شوروی بودند که لقب «دیوانه» را به سناتور مزبور دادند، حالت تدافعی به خودش گرفت و وقتی هم همسرم را به او معرفی کردم و گفتم که او نیز از طرفداران سناتور گُلد واتر است، واقعاً چهره اش در هم شد.

ریجوف خیلی سریع موضوع صحبت را عوض کرد و پرسید چند فرزند داریم و سؤالاتی نظیر این. او گفت که فقط یک پسر ۹ ساله (به نام اسلوان) دارد، و دوست دارد که یک دختر هم داشته باشد. او گفت همسرش به این دلیل به میهمانی نیامده که حوصله رفتن به آرایشگاه را نداشته است. ریجوف گفت وضعیت سلامتی اش عالی است، و چکاپ آخرش هم چیزی نشان نداده است. او افتخار می کرد که فقط یکبار در بیمارستان بستری شده است، آن هم به دلیل تصادف جیپش در دوران جنگ. اگر حرف او را درست فهمیده باشم، او گفت که در بیمارستان با همسرش آشنا شده است. (ظاهراً همسرش یک پرستار بوده است.)

حسن ارسنجانی

سند شماره ۲۹۰

محرمانه۱۹ سپتامبر ۱۹۶۴– ۲۸ شهریور ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چارلز. ان. راسیاسبیو گرافی

[موضوع]: حسن ارسنجانی

پرویز رائین، خبرنگار محلی آسوشیتدپرس، می گوید ارسنجانی زمانی که وزیر کشاورزی بود یک بار به او گفته بود که هر چند به دلیل «سیاست های کمک رسانی بی خاصیت» آمریکایی ها از دست آنها بسیار عصبانی است، از روس ها نیز دلِ خوشی ندارد. ارسنجانی درباره گفتگویی که با پگف، سفیر سابق شوروی در ایران داشته چیزهایی به رائین گفته است. ارسنجانی به رائین گفته است که شدیداً از «سیاست های تجاوزکارانه» اتحاد جماهیر شوروی

به پگف انتقاد کرده بود، و پگف نیز که مرد بافهم و شعوری بود، برخی از انتقادهای ارسنجانی را قبول کرده بود. رائین جزییات این انتقادها را به یاد نیاورد، ولی می خواست نشان دهد که ارسنجانی فقط ضدآمریکایی نیست. در واقع، ارسنجانی اخیراً به او گفته است که اگر سیاستمداری بخواهد بین مردم محبوبیت پیدا کند ساده ترین راه حمله به آمریکایی هاست، که به هر حال اکثر مردم آنها را مسئول تداوم رژیمی غیرمردمی و ستمکار در کشورشان می دانند.

رائین گفت به اعتقاد او چنانچه ارسنجانی به قدرت برسد، حتماً سعی خواهد کرد از شرّ آنچه او «مشاوران زیادی» می خواند، و اکثرشان هم آمریکایی هستند، خلاص شود. او احتمالاً سعی خواهد کرد تا تعداد مشاوران خارجی دیگر را نیز کاهش دهد، البته به جز اسرائیلی ها که بیشترین احترام و اعتماد را به آنها دارد. ارسنجانی معتقد است که ایران باید از مدتها قبل روابط دیپلماتیک قانونی با اسرائیل برقرار می کرد.

گورمن بایکف، تاس، تهران

سند شماره ۲۹۱

محرمانه۱۳ اکتبر ۱۹۶۴– ۲۱ مهر ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چارلز. ان. راسیاسبه بخش سیاسی: رنسام. اس. هیگ

[موضوع]: گورمن بایکف، تاس، تهران

در میهمانی نمایش فیلم که به دعوت سفیر لهستان در تاریخ ۱۳ اکتبر برگزار شد، با بایکف صحبت کردم. وقتی داشتم با مازندی درباره تحولات همان روز صبحِ مجلس در ارتباط با کنوانسیون ژنو صحبت می کردم، بایکف به سوی ما آمد. همراه بایکف یک روس دیگر هم بود که تا آن وقت او را ندیده بودم. بایکف او را نیکلای کاپیشین، دبیر اول و وابسته مطبوعاتی سفارت شوروی معرفی کرد. (نگاه کنید به یادداشت جداگانه درباره کاپیشین). از آنجایی که کاپیشین و مازندی ظاهراً «رفقای قدیم» بودند، به تدریج از آنها جدا شدم و با بایکف سر صحبت را باز کردم.

به بایکف گفتم که همسرش را در میهمانی نمی بینم و او توضیح داد سرما خورده است. خودش هم سرماخوردگی شدیدی داشت و تازه حالش خوب شده بود. وقتی درباره کاپیشین سئوال کردم، بایکف گفت کاپیشین در ماه اوت به ایران آمده ولی سه سال پیش هم در ایران بوده است.

به بایکف بابت پیشرفت های فضایی شوروی تبریک گفتم، و او توضیح داد که سه نفر فضانورد روس بعد از ۲۴ تا ۲۵ ساعت پرواز در فضا در زمین فرود آمده اند. او تأکید کرد که اهمیت این پرواز فضایی آن بود که سه نفری که به فضا رفته بودند صرفاً فضانورد نبودند، بلکه در رشته های مختلف تخصص داشتند. خلبان یک مهندس بود، و دو نفر دیگر «دانشمند» بودند، که یکی از آنها یک پزشک بود. او همچنین گفت سفینه فضایی آنها در واقع یک آزمایشگاه فضایی بوده است. شهروندان

شوروی طبعاً از این مأموریت فضایی بسیار خوشحال

بودند. اعتراف کردم به رغم چنین پیشرفت های فضایی عظیمی، قدری گیج و سردرگم هستم که پس چگونه آن صحنه خنده دار در فرودگاه مهر آباد اتفاق افتاد؛ وقتی که سفیر شوروی، همراه با چند تن از شخصیت های عالی رتبه ایرانی، برای استقبال از اولین هواپیمای ایرفلوت مسکو-تهران که قرار بود بنا به موافقت نامه هواپیمایی اخیر بین ایران و شوروی در فرودگاه مهر آباد به زمین بنشیند (که البته اصلاً پروازی انجام نشده بود) به فرودگاه رفتند. بایکف قدری سرخ شد و لبخندی خجالت آمیزی زد و گفت که در واقع نوعی بدشانسی بود- ولی سریعاً افزود که البته تقصیر سفارت شوروی نبود. او گفت در واقع مشکل از مسکو بود، زیرا شرکت ایرفلوت تا آخرین دقیقه نفهمیده بود که مجوز فرود و ترانزیت برخی کشورهایی که در مسیر قرار داشتند (مسکو-تهران-کراچی-کلمبو-جاکارتا) هنوز کسب نشده بود. او گفت پیش بینی می کند که در «آینده نزدیک» اولین پرواز، که احتمالاً یک پرواز «فنی» خواهد بود، در تهران فرود بیاید.

میهمانی سفیر لهستان برای نمایش فیلم، ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴

سند شماره ۲۹۲

محرمانه۱۴ اکتبر ۱۹۶۴- ۲۲ مهر ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چارلز. ان. راسیاسبه بخش سیاسی: آقای رنسام. اس. هیگ

[موضوع]: میهمانی سفیر لهستان برای نمایش فیلم، ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴

من و همسرم در ساعت ۱۹:۳۰ به میهمانی رسیدیم و در پایان نمایش فیلم در حدود ساعت ۲۲:۱۵ آنجا را ترک کردیم.

تخمین می زنم نزدیک به ۸۰ تا ۱۰۰ نفر در میهمانی حضور داشتند، که نزدیک نیمی از آنها ایرانی بودند، و برخی از آنها نیز ظاهراً در صنعت فیلمسازی فعالیت داشتند. تعدادی از اعضای جامعه مطبوعاتی ایران نیز در میهمانی بودند، مثلاً جهانگیر بهروز و «جو» مازندی و همچنین تعدادی از دانشجویان روسی زبان، یک معمار جوان، و غیره. نیم دیگر میهمانان هم دیپلمات های خارجی بودند که عمدتاً در پُست وابسته فرهنگی و مطبوعاتی خدمت می کردند. البته، تعداد دیپلمات های بلوک شوروی نیز در میهمانی کم نبود. از سفارت شوروی، من فقط افراد زیر را شناختم و یا برای اولین بار با آنها ملاقات کردم: گورمن بایکف از خبرگزاری تاس؛ استانیسلاو کی. کوفریجین، وابسته؛ و نیکلای کاپیشین، دبیر اول (نگاه کنید به یادداشت جداگانه درباره او). البته روس های دیگری نیز در میهمانی بودند که آنها را نمی شناختم.

نام فیلم «معشوق جوان» بود و تقلید نه چندان بدی از به اصطلاح فیلم های «موج نو» فرانسوی و ایتالیایی بود. ایرانی هایی که بعد از نمایش فیلم قدری با آنها صحبت کردم ظاهراً از فیلم بدشان نیامده بود. از نظر میلوانویچ، کنسول یوگسلاوی، فیلم «مناسبی» نبود- احتمالاً به این خاطر که صحنه های «سکسی» زیادی داشت.

فیلم را بویکف، وابسته مطبوعاتی و فرهنگی سفارت لهستان که به تازگی وارد تهران شده،

با صدایی لرزان و مردد به زبان فرانسوی معرفی کرد.

بویکوف در کنار سفیر کویریلوک و همسرش از میهمانان استقبال می کرد. خیلی گرم با من و همسرم احوالپرسی کرد و چند دقیقه ای را با ما گذراند. در طول میهمانی به همه میهمانان سر می زد و فکر نمی کنم بیشتر وقتش را با گروه خاصی گذراند.

میهمانی کلاً خیلی خوب برگزار شد و مسئول نمایش فیلم هم به کارش وارد بود.

بویکوف به من گفت که همکارش روزالیچ قرار است خیلی زود از مرخصی در لهستان برگردد.

نظر گزارشگر: در حال آماده کردن یادداشت هایی درباره ملاقاتم با نفرات بلوک شوروی در این میهمانی هستم.

کوفریجین، وابسته سفارت اتحاد جماهیر شوروی

سند شماره ۲۹۳

محرمانه۱۷ اکتبر ۱۹۶۴– ۲۵ مهر ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چارلز. ان. راسیاسبه بخش سیاسی: رنسام هیگ

[موضوع]: کوفریجین، وابسته سفارت اتحاد جماهیر شوروی

در میهمانی سفارت لهستان که به صرف نوشیدنی و نمایش فیلم در تاریخ ۱۳ اکتبر برگزار شد، جی. بایکوف از خبرگزاری تاس، آقای کوفریجین را که در آن میهمانی به سوی ما آمد به من معرفی کرد. چندی نگذشت که جهانگیر بهروز نیز که با کوفریجین مزاح می کرد نزد ما آمد. در طول صحبت هایمان، ان. کاپیشین، دبیر اول سفارت شوروی، نیز تا زمان شروع نمایش فیلم به ما پیوست.

نکات زیر از اولین ملاقاتم با کوفریجین می تواند قابل توجه باشد:

او قدی نزدیک به ۶۰/۱ متر، وزنی در حدود ۶۸ کیلو، و چهره لاغر پسرانه ای دارد، هر چند سن و سالش باید بین ۳۰ تا ۳۲ سال باشد. موهایش قهوه ای روشن، چشمانش قهوه ای و چهره اش قدری سبزه است. او مرد خوش قیافه ایست و به سبک غربی ها لباس می پوشد. اولین بار که او را دیدم گمان کردم یکی از اشراف زادگان ایرانی است که در غرب درس خوانده است. کوفریجین متأهل است و یک پسر هفت ساله دارد. کوفریجین ابتدا از پاسخ به سئوالات من در مورد سابقه خدمت دیپلماتیکش خودداری می کرد ولی بالاخره گفت که شش ماه و نیم در لندن بوده، البته نه در پُست دیپلماتیک. ظاهراً برای فراگیری زبان انگلیسی به لندن اعزام شده بود. از حرف هایش پیدا بود که قبلاً هیچ پُست دیپلماتیکی نداشته و احتمالاً وقتی در لندن بوده، به او پست دیپلماتیکی داده اند. او گفت سه سال است که در تهران به سر می برد، ولی فهرست دیپلمات ها

نشان می دهد که او در فوریه ۱۹۶۳ وارد ایران شده است.

کوفریجین انگلیسی را خوب صحبت می کند، ولی ترجیح داد به زبان فارسی با من حرف بزند. او گفت متأسفانه قسمت زیادی از زبان انگلیسی را که بلد بوده فراموش کرده است. (هر

چند من اینطور فکر نمی کنم. از همان تماس کوتاه برداشت من این بود که انگلیسی اش خوب است).

به کوفریجین و کاپیشین (که به ما پیوسته بود) در مورد پیشرفت های فضایی اخیر شوروی تبریک گفتم و سعی کردم موضوع صحبت را عوض کنم (چنانکه همیشه با بایکوف انجام داده بودم) و درباره نرسیدن اولین پرواز ایرفلوت از مسکو به تهران سئوال کردم. هر دوی آنها هم همان داستانی را که بایکوف برایم تعریف کرده بود، گفتند. (نگاه کنید به یادداشت مورخ ۱۴ اکتبر).

در حین گفتگو به کوفریجین و کاپیشین پیشنهاد کردم که برای تقویت زبان انگلیسی شان به تماشای فیلم های آمریکایی یا انگلیسی بنشینند. کوفریجین فرصت را غنیمت شمرد و گفت که فیلم «نامزد منچوری» را دیده است. (البته نگفت چه وقت و کجا). اعتراف کردم که آن فیلم را ندیده ام ولی شنیده ام که یک ملودرام خوش ساخت است. کوفریجین پذیرفت که فیلم از لحاظ تکنیکی بسیار خوب است ولی صحنه های خشونت آمیز و تبلیغاتی زیادی دارد. او اصرار داشت که فیلم فوق احساسات روس ها را جریحه دار می کند زیرا در آن، اینگونه القا شده است که افسران روسی که با کمونیست های چینی کار می کردند، در طول جنگ کره، بعضی از زندانیان آمریکایی را شستشوی مغزی داده بودند تا وقتی به وطنشان بازمی گردند رئیس جمهور آمریکا را ترور کنند. کوفریجین گفت که این جنبه از فیلم، بخصوص برای اتحاد جماهیر شوروی توهین آمیز بود زیرا اکران عمومی آن در ایران فقط چند هفته پیش از ترور رئیس جمهور کندی صورت گرفت. کوفریجین مدعی بود که نمایش این فیلم بدون شک به وجهه شوروی در میان دانشجویان ایرانی لطمه زده است و گفت که خودش به هنگام تماشای فیلم از دهان چند دانشجوی ایرانی که اطرافش نشسته بودند شنیده است که حرف های زشتی در مورد شوروی می زنند. برایم خیلی عجیب بود که کوفریجین بعد از این انتقاد احساساتی و سطحی- که البته عاری از عصبانیت و کینه توزی بود- قبل از اینکه بخواهم ابراز نظر کنم، گفت: «البته، منظور این نیست که دولت آمریکا مسئولیت ساخت این فیلم را بر عهده دارد. می دانم که هالیوود تقریباً هر کاری که بخواهد انجام می دهد.» گویی می خواست هرکاری می تواند انجام دهد تا من در حضور همکارش کاپیشین خجالت زده نشوم. (قبل از اینکه کاپیشین به جمع ما بپیوندد، کوفریجین به من گفت که در بخش مطبوعاتی سفارت دستیار کاپیشین است. او گفت اولین بار کاپیشین را سه سال پیش در جلفا ملاقات کرده است. در آن زمان، کوفریجین عازم تهران بوده و کاپیشین بعد از اتمام اولین ایرانگردی اش قصد عزیمت به مسکو را داشته است.) (ظاهراً هر دو با هم صمیمی و راحت بودند. هیچ رابطه رئیس و مرئوسی بین آنها مشهود نبود. وقتی کاپیشین به ما پیوست اجازه داد که بیشتر صحبت ها را کوفریجین انجام دهد و خودش گاه نظرات جالبی در لابلای صحبت ها ابراز می کرد. (نگاه کنید به یادداشت جداگانه ای که در همین ارتباط ارسال شده است).

کوفریجین از من خواست که کارتی به او بدهم و عذرخواهی کرد که خودش کارتی همراهش نیاورده است. او (مثل کاپیشین) شماره تلفن منزلم را می خواست. به او گفتم که همان روز صبح به من گفته اند که قرار است ظرف چند روز آینده شماره تلفنم- برای پنجمین بار- عوض شود. گفتم هر وقت شماره جدید را گرفتم به یکی از آنها اطلاع خواهم داد. (ظاهراً هر دوی آنها تمایلی نداشتند که در سفارت با من تماس بگیرند.)

نظرات گزارشگر: از نظر من کوفریجین شخصیت جذاب وجالبی و به نوعی به دل آدم می نشیند. هرچند با ذکاوت، احترام و علاقه صحبت ها را دنبال می کرد ولی ظاهراً فکرش جای دیگری بود. این برداشت را از او داشتم که شخصی واقع بین، معقول و گوشه گیر و در عین حال احساساتی، دلمشغول، و لذت جوست.

نیکلای کاپیشین، دبیر اول سفارت اتحاد شوروی (وابسته مطبوعاتی)

سند شماره ۲۹۴

محرمانه۱۹ اکتبر ۱۹۶۴- ۲۷ مهر ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چارلز. ان. راسیاسبه بخش سیاسی: آقای رنسام. اس. هیگ

موضوع: نیکلای کاپیشین، دبیر اول سفارت اتحاد شوروی (وابسته مطبوعاتی)

اولین بار کاپیشین را در ضیافتی که از سوی سفیر لهستان در روز ۱۳ اکتبر به صرف نوشیدنی و تماشای فیلم برگزار شد ملاقات کردم. گورمن بایکوف، نماینده خبرگزاری تاس، وقتی داشتم با یوسف مازندی، خبرنگار محلی یونایتدپرس صحبت می کردم، او را به من معرفی کرد.

از آنجایی که مازندی و کاپیشین به دلیل آشنایی قبلی شان به هنگام سفر قبلی کاپیشین به تهران حرف های زیادی داشتند با هم بزنند، در اولین فرصت ممکن مؤدبانه خود را از آن دو جدا کرده و توجه ام را معطوف بایکوف کردم. (نگاه کنید به یادداشت جداگانه مورخ ۱۷ اکتبر). با وجود این، آنقدر نزدیک بودم که بشنوم مازندی دارد از سفیر سابق شوروی در ایران، آقای پگف، تمجید و تحسین می کند و می گوید که در طول مدتی طولانی او کارآمدترین سفیر شوروی در ایران بوده است. کاپیشین اظهارات مازندی را تأیید یا رد نکرد، و فقط گفت که پیش از آمدنش به ایران در ماه اوت با پگف (که حالا سفیر شوروی در الجزایر است) ملاقات کرده است.

چندی بعد، وقتی داشتم با استانیسلاو کوریوئین، وابسته سفارت اتحاد جماهیر شوروی (نگاه کنید به یادداشت جداگانه در همین ارتباط)، و جهانگیر بهروز و گورمان بایکوف صحبت می کردم، کاپیشین به ما ملحق شد. پس از چند دقیقه بهروز و بایکوف از ما جدا شدند و من با کوفریجین و کاپیشین تنها ماندم.

برداشت های من از کاپیشین

در حدود ۶۰/۱ متر قد، با موهای بلوند مجعد که دارد کم پشت می شود. چهره روشنی دارد

که بیانگر سلامت جسمی است، و هیکلی توپر و قوی دارد. حدس می زنم نزدیک ۱۷۰ تا ۱۸۰ پوند وزن داشته باشد. چشمان آبی رنگ- و نافذی دارد. نگاه بی وقفه و آشکارش- که گویی دارد تصویری ذهنی از فرد می گیرد و آن را اندازه می کند- قدری عصبی ام کرد. لباس شیک و مرتبی به تن داشت- که البته به اندازه کوفریجین «شبیه غربی ها» نبود. حدس می زنم که فرد سرحالی است که تازه وارد دهه چهل سالگی شده باشد.

فارسیِ کاپیشین خوب است و احتمالاً بهتر از آنچه خودش می گوید انگلیسی را صحبت می کند، ولی گفت ترجیح می دهد به فارسی صحبت کند. او گفت متأهل است و یک دختر شش ساله دارد و همسرش هم زبان انگلیسی را بلد است.

تا آنجا که من دیدم کاپیشین در طول میهمانی نوشیدنی میل نکرد.

صحبت در مورد تقویت زبان انگلیسی به اینجا کشید که به کاپیشین پیشنهاد کردم او و همسرش تا آنجا که می توانند با یکدیگر انگلیسی تمرین کنند. کاپیشین گفت که ترجیح می دهد با یک انگلیسی زبان درس بخواند. به او توصیه کردم نظری به کلاس های انگلیسی کانون زبان ایران و آمریکا و بیریتیش کانسل بیاندازد. وقتی نام بیریتیش کانسل را بردم، گفت که انگلیسی «آمریکایی» را ترجیح می دهد و به نظر او بهترین راه برای یاد گرفتن زبان داشتن یک معلم خصوصی است. (او داشت مشخصاً این برداشت را در من القا می کرد که دوست دارد به طور مدام آمریکایی ها (یا یک آمریکایی) را ببیند.) او ادامه داد که واقعاً مهم است که نمایندگان قدرتمندترین کشورهای روی زمین، زبان یکدیگر را یاد بگیرند تا حرف یکدیگر را بهتر درک کنند. من ضمن تأیید حرف او ابراز تأسف کردم که اصلاً روسی نخوانده ام.

نظراتی درباره تلویزیون آمریکایی در ایران

وقتی به او توصیه کردم که گوش دادن به برنامه های رادیو و تلویزیون نیروهای مسلح آمریکا در ایران می تواند به درک مکالمه انگلیسی «آمریکایی» کمک کند، کاپیشین لبخندی زد و گفت که با برنامه های تلویزیونی آشنایی دارد. من هم مزاح کردم و گفتم پس حالا دیگر خیالش جمع است که این برنامه ها چندان هم تبلیغاتی نیستند. کاپیشین پاسخ داد که از نظر او ایستگاه تلویزیون آمریکا در اینجا واقعاً کار تبلیغاتی مؤثری برای ایالات متحده انجام می دهد. او در ادامه توضیح داد که منظورش این نیست که این تبلیغات آگاهانه یا نظام یافته است، بلکه در واقع اصلاً شک داشت چنین چیزی باشد؛ با وجود این، کل برنامه هایی که از ایستگاه تلویزیونی آمریکا پخش می شد بدون شک تأثیر تبلیغاتی مثبتی بر اذهان بینندگان ایرانی می گذاشت. گفتم خیلی دوست دارم یک نمونه از برنامه هایی را که مد نظرش است، مثال بزند. او گفت منظورش این است که این برنامه ها کلاً تأثیر تبلیغاتی «مثبتی» دارند تا «منفی»، و منظورش این بود که این ایستگاه تلویزیونی، لااقل به صورت آشکار، سعی نداشت تبلیغاتی «بر ضد یک کشور یا ایدئولوژی دیگر داشته باشد، ولی تبلیغات خوبی برای دولت آمریکا و شیوه

زندگی آمریکایی بود.» کاپیشین برای نمونه، به کلیپ هایی که به آمریکایی های مقیم خارج از کشور گوشزد می کرد حتماً برای دریافت برگه های رأی جهت شرکت در انتخابات آینده نام نویسی کنند؛ مروری بر جلسات حزب و مصاحبه با شخصیت های سیاسی آمریکا اشاره کرد. ولی این را کافی ندانست و اضافه کرد برنامه های خانوادگی مثل «شوی دنی تامس» حقایق جالب و جذابی درباره شیوه زندگی آمریکایی نشان می دهد. هر چند او فکر می کرد که بسیاری از برنامه های ما محتوای خشونت آمیز زیادی دارد (البته مثالی نزد)، کلاً فکر نمی کرد حتی این برنامه ها نیز از نقطه نظر تبلیغات آمریکا تأثیری منفی بر بسیاری از بینندگان ایرانی بگذارد.

درست قبل از آنکه برای تماشای فیلم لهستانی از یکدیگر جدا شویم، کاپیشین گفت اطلاع یافته است ما (سفارت) (بر سر وضعیت نفرات هیأت مستشاری نظامی در چارچوب کنوانسیون وین) با مجلس دچار مشکل شده ایم. پاسخ دادم که بالاخره باید انتظار مناظرات آزاد را در نهادهای پارلمانی داشت. دیگر وقت نشد وارد جزییات شویم. (دو روز بعد بهروز از «اکو آو ایران» به من گفت که او و یوسف مازندی درباره رأی نه چندان قوی مجلس به «لایحه مصونیت» با کاپیشین صحبت کرده بودند، و اینکه او (بهروز) مطمئن بود که روس ها حتی نفهمیده بودند که می توانند چه تبلیغات مؤثری به نفع خود بر سر این موضوع به راه بیندازند.)

کاپیشین کارت خود را به من داد و شماره تلفن منزلم را خواست، و آشکارا نشان داد که دوست ندارد در سفارت با من تماس بگیرد. از آنجایی که قرار است شماره تلفن منزلم در هفته جاری عوض شود، به او گفتم به محض مشخص شدن شماره جدید آن را به او اطلاع خواهم داد. او (کوفریجین) از ملاقات و گفتگوی با من ابراز خوشحالی کرد و گفت امیدوار است خیلی زود دوباره همدیگر را ببینیم.

سفیر جدید شوروی در گینه

سند شماره ۲۹۵

سرّی۱۸ دسامبر ۱۹۶۴– ۲۷ آذر ۱۳۴۳

از: وزارت امور خارجهبه: سفارت آمریکا، کوناکری

موضوع: سفیر جدید شوروی در گینه

اطلاعات زیر برای بیگانگان قابل رؤیت نیست.

آلکسی لئونیدویچ ورونین، دیپلمات کهنه کار روس با نزدیک به ۲۰ سال تجربه در خاورمیانه، در نوامبر ۱۹۶۴ در پُست سفارت شوروی در گینه منصوب شد و جای دی.دی. دگتیار بیمار را گرفت. پیش از این، او تا ماه دسامبر ۱۹۶۲ در پُست کنسول و کاردار سفارت شوروی در آنکارا، ترکیه، خدمت می کرد.

ورونین در اولین مأموریت دیپلماتیکی که می شناسیم در ژانویه ۱۹۴۵ در پُست دبیر سومی سفارت شوروی در تهران، به ایران آمد. ورونین در اوت ۱۹۴۶ به پُست دبیر دومی سفارت

ارتقا یافت و حداقل تا دسامبر ۱۹۴۷ در تهران ماند. طبق گفته یکی از مقامات اطلاعاتی سابق شوروی، ورونین پیش از سال ۱۹۵۱ پُستی در اداره مرکزی اطلاعات وابسته به وزارت دفاع شوروی داشت و سپس رئیس یکی از بخش های اداره سوم کمیته اطلاعات شد، که در آن زمان مسئول نظارت بر همه فعالیت های اطلاعاتی خارجی بود؛ پس از ۱۹۵۱، ورونین رئیس یکی از بخش های اداره مرکزی اطلاعات شد. در دسامبر ۱۹۵۴ ورونین به دبیر اولی سفارت شوروی در تهران ارتقا یافت، و تا اواخر سال ۱۹۵۵ یا اوایل سال ۱۹۵۶ در همین پُست خدمت کرد.

در سال ۱۹۵۶، ورونین به مسکو بازگشت و مشاور اداره کشورهای خاورمیانه در وزارت امور خارجه شوروی شد. در سال ۱۹۵۷ او به معاون این اداره ارتقا یافت. یک ماه بعد او به تهران بازگشت و تا اکتبر ۱۹۶۰ در پُست کنسول و کاردار سفارت خدمت کرد، و پس از آن دوباره به اداره کشورهای خاورمیانه در مسکو انتقال یافت، و تا انتصاب در پُست جدیدش در همانجا خدمت کرد.

طبق گزارش ها، ورونین در تهران مثل «مقالات پراودا» حرف می زد، از استقلال رأی واهمه داشت، و عموماً عضو چندان مهم و مؤثری در محفل دیپلماتیک تهران تلقی نمی شد. اگرچه شخص مؤدبی بود، او را فرد کندذهنی می شناختند که به «جریحه دار کردن احساسات دیگران» شهرت داشت. برداشت کلی از ورونین عموماً او را در دسته دیپلمات های بی خاصیت، خوشرو، و سَبک قدیم قرار می داد که معمولاً ـ خیلی اهل تبلیغات نیستند. برخی از مقامات وزارت امور خارجه ایران او را آدم بی خودی می دانستند. با وجود این، طبق گزارش ها او نقش مهمی در کسب موافقت شاه با اعلامیه یکجانبه احداث هرگونه پایگاه نظامی خارجی در ایران داشت. در آنکارا نیز اگرچه گاه در مقایسه با سایر همکاران خودنما و آشکارا ستیزه جویش، نمود کمتری داشت، و معمولاً با تواضع و شکسته نفسی با آنها رفتار می کرد، گفته می شود که ورونین اطلاعات قابل توجهی درباره مسایل جهانی، رویکردی بی سرو صدا ولی مؤثر، و قوای فکری بسیار منسجمی داشت. در طول هفته های آخر اقامتش در آنکارا، و به دنبال سفرش به مسکو، ناظران، متوجه اعتماد به نفس و انگیزه غیرعادی ورونین شدند که بیانگر «رأی اعتماد» رهبری جدید شوروی به او بود.

ورونین جثه ای متوسط، موهای بلوند تیره و چهره ای رنگ پریده دارد و عینک هایی با شیشه های بسیار کلفت به چشم می زند که به او قیافه ای انتزاعی، و روشنفکرانه می دهد. او زبان فارسی را خوب می داند، قدری ترکی بلد است، زبانه فرانسه اش نسبتاً خوب است، ولی اگر انگلیسی هم بلد باشد، چندان بر آن مسلط نیست. همسرش که زنی زیبا و خوش لباس است، قبلاً ـ در سفارت شوروی در تهران تایپیست بود و در آنجا با او آشنا شد. ورونین خیلی دوست دارد در مورد موسیقی و باله صحبت کند. گفته می شود او دوست صمیمی ام. ای. سوسلوف، نظریه پرداز حزب، و ای. اف. دوبرینین، سفیر شوروی در ایالات متحده است.

ارسال هر گونه اطلاعات تکمیلی در مورد ورونین، به ویژه تاریخ و محل تولد او، از سوی سفارت های آمریکا در مسکو، آنکارا، تهران، یا کوناکری موجب امتنان وزارت امور خارجه خواهد بود. راسک

نمایشگاه اتحاد جماهیر شوروی

سند شماره ۲۹۶

محرمانه ۱۶ آوریل ۱۹۶۵– ۲۷ فروردین ۱۳۴۴

گزارش گفتگومکان: منزل چارلز ان. راسیاس

حاضران در مجلس: مصطفی درخشش، مدیر نمایشگاه های بین المللی، وزارت اقتصاد؛ چارلز. ان. راسیاس

موضوع: نمایشگاه اتحاد جماهیر شوروی

روس ها درخواست کرده بودند نمایشگاهشان در طول ساعت های زیر باز باشد: ۹ تا ۱۲، و ۱۶ تا ۲۲. با وجود این، ساواک به درخشش گفته است به روس ها بگوید به عقیده وزارت اقتصاد ۱۰ شب خیلی دیر وقت است. به روس ها گفته اند که ساعات صبح ایرادی ندارد، ولی ساعات باز بودن نمایشگاه در بعد از ظهر نباید از ساعت ۸ شب تجاوز کند. ساواک به درخشش گفته است که زیر نظر گرفتن فعالیت روس ها و چیزهایی نظایر آن بعد از ساعت ۱۰ شب برای ساواک مشکل است. او همچنین دستور داشت توصیه های ساواک را به عالیخانی اطلاع دهد تا اگر سفیر روسیه با او تماس گرفت تا در مورد ساعات نمایشگاه اعتراض کند به هیچوجه تمدید ساعت نمایشگاه را قبول نکند.

ساواک همچنین به درخشش گفته است به روس ها اطلاع دهد وزارت اقتصاد نمی تواند درخواست آنها برای توزیع گسترده پوسترهای تبلیغاتی شان را برای نمایشگاه قبول کند. هیچ پوستری نباید در اتوبوس ها، بر روی دیوارها، و حتی بر روی دیوارها و نرده های خارج از نمایشگاه نصب شود. تبلیغات فقط باید از طریق روزنامه ها و در داخل محوطه نمایشگاه صورت گیرد. درخشش همچنین گفت یکی دیگر از «معاونان» سروف دیروز به تهران آمده است. نام او نوسوف است. او گفت ساواک توجه زیادی به این شخص دارد زیرا تصور می کند که نوسوف یک افسر اطلاعاتی است.

تماس با نفرات بلوک کمونیست

سند شماره ۲۹۷

محرمانه۲ فوریه ۱۹۶۶– ۱۳ بهمن ۱۳۴۴

مرجع: یادداشت – ۱۸ ژانویه ۱۹۶۶ با همین موضوع

[موضوع]: تماس با نفرات بلوک کمونیست

گرانت ای. وسکانیان، دبیر اول سفارت شوروی، و همسرش روز جمعه ۲۸ ژانویه ناهار را در منزل من صرف کردند. ارت و لزلی گیس از سفارت آمریکا و یک پزشک انگلیسی به نام

دکتر آنتونی کمپبل که در دانشگاه ملی تدریس می کند و همسر ایرانی اش نیز در این میهمانی حضور داشتند. در آخرین ملاقاتی که روز ۱۴ ژانویه با وسکانیان داشتم، قرار شد او هم به گروه کوچک غیر رسمی ما بپیوندد تا مقداری در ده درکه پیاده روی کنیم. ولی جمعه صبح که با او تماس گرفتم تا ساعت قرار را به او گوشزد کنم، گفت که نمی تواند به پیاده روی بیاید (زیرا همسرش قدری کسالت دارد) ولی برای صرف ناهار به خانه ما خواهند آمد.

وسکانیان مدتی با ارت گیس صحبت کرد که گزارش آن در یادداشت گیس مورخ دیروز برایتان ارسال شده است. من در واقع نتوانستم تنها با وسکانیان صحبت کنم، تا اینکه سایر میهمانان رفتند و ما مشغول بازی شطرنج شدیم. چنانکه در ملاقات های قبلی مان نیز اتفاق افتاده بود، وسکانیان به هیچوجه اجازه نداد بحث را به مسایل جدی بکشانم و موضوع صحبت را به مسایل صرفاً اجتماعی محدود کرد. تا این تاریخ، او به وضوح از صحبت درباره مسایل جدی با من خودداری کرده است، و در عین حال مشخص است که دوست دارد تماس ما ادامه پیدا کند، و بیشتر هم بشود.

دیروز، باجی، یا بهتر بگویم سرایدار خانه، گفت که وسکانیان از او پرسیده است آیا فامیلی در اتحاد شوروی دارد. او که یک ارمنی آذربایجانی است و روسی دست و پا شکسته ای صحبت می کند هیچ فامیلی در ارمنستان شوروی ندارد و همین را هم به وسکانیان گفته است.

وسکانیان یک بار دیگر از من و همسرم دعوت کرده است که روز جمعه ۴ فوریه در یک رستوران (که نامش را نبرد) میهمان آنها باشیم. من هم گفتم ایده خوبی است.

پس از صحبت با هرتز، کنسول سیاسی و DCM در مورد موضوع کلی تماس های من با وسکانیان، با موافقت آنها قرار شد که به دعوت وسکانیان پاسخ مثبت دهم. با وجود این، پس از این ملاقات، اگر چندان مفیدتر از ملاقات های گذشته مان نبود، کاری می کنم که در آینده با فاصله زمانی بیشتری نسبت به گذشته همدیگر را ببینیم. در واقع می خواهم بدون اینکه تماس هایمان کاملاً قطع شود، اگر امکان داشته باشد قدری از تعداد آن بکاهم.

ملاقات با اتباع شوروی

سند شماره ۲۹۸

محرمانه۲۸ مارس ۱۹۶۶– ۸ فروردین ۱۳۴۵

از: ویلیام. ام. کلاونجر، کنسول آمریکا، مشهد

به: ویلیام. ای. هلست، مأمور هماهنگی کنسولی، سفارت آمریکا، تهران

موضوع: ملاقات با اتباع شوروی

روز شـنبه مورخ ۱۹ مـارس، آقـا و خـانم جـورج ای. تی. دانلی، معـاون کنسولی و BPAO و من به دفـاتر نماینـدگی تجاری شوروی دعوت شدیم تا یک فیلم تهیه شده در لنینگراد را تماشا کنیم. خانم دانلی نتوانست در این جلسه شرکت کند، ولی آقا و خانم سسیل اف. اچ. مالوان، مدیر شورای بریتانیا در آنجا حضور داشتند. از طرف روس ها نیز آقا و خانم ان. ای. پاولنکو،

آقا و خانم جی. کی. باباخانوف و آقای ایوان پسکوف به آنجا آمده بودند.

البته این مجلس چیزی بیشتر از نمایش یک فیلم در مورد لنینگراد بود و ظاهراً به دستور مقامات بالا ترتیب داده شده بود. پس از آنکه چند ماهی می شد که نمایندگان روس را ملاقات نکرده بودیم، از چند روز قبل ما را به این مجلس دعوت کرده بودند تا مطمئن باشند حتماً وقتمان را برای شرکت در آن آزاد می کنیم، علاوه بر اینکه دوستان روس ما ابراز ارادت بسیاری بین مردم روسیه و آمریکا می کردند. برای اولین بار بود که آقای ایوان پسکوف را ملاقات می کردم. او به عنوان «کارمند سفارت اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در ایران، مشهد» معرفی شد. او گفت برای این منظور به مشهد آمده است که شعبه ای از بیمارستان شوروی را در مشهد تأسیس کند. او متأهل است و همسر و یکی از فرزندانش در تهران به سر می برند. یکی از فرزندانش نیز در مسکو تحصیل می کند. او گفت که مدتی است در مشهد به سر می برد و احتمالاً برای مدتی دیگر در این شهر خواهد ماند. او گفت همسرش به دلیل نبود مدرسه خوب در مشهد همراه او نیامده است. متوجه شدم که نام او در فهرست دیپلمات های تهران گنجانده نشده است.

آقای دانلی و من اطلاعات شخصی زیر را در مورد آقا و خانم باباخانوف و آقا و خانم پاولنکو به دست آوردیم. خانم باباخانوف یک پزشک است. او و شوهرش قرار بود به مدت دو ماه به مرخصی در روسیه بروند. خانم پاولنکو نیز مهندس تأسیسات تهویه مطبوع است. چنانکه قبلاً هم گزارش شده بود، آقای پاولنکو یک ایران شناس است که در مؤسسه شرق شناسی دانشگاه لنینگراد تحصیل کرده است. او در حال حاضردر مورد جامی، شاعر عرفانی ایران، تحقیق می کند.

من در ضیافت شامی که روز ۲۵ مارس به افتخار سفیر برای اعضای جامعه خارجیان دادم، آقا و خانم پاولنکو و آقای پسکوف را نیز دعوت کردم. در این موقعیت، سفیر با آقای پاولنکو درباره لزوم جلوگیری از مانع شدن مسایل کوچکی چون ویتنام از بهبود روابط بین ایالات متحده و روسیه صحبت کردند. سفیر مایر همچنین بر تمایل آمریکا برای مذاکره بر سر ویتنام تأکید کرد. سفیر همچنین گفت که کاملاً سفیر زایتزوف را می شناسند. آقای پاولنکو در این مجلس نشان داد که کاملاً نسبت به آقای پسکوف ارشدیت دارد و خیلی متفکرانه مسایلی درباره سیاست روسیه در آسیای مرکزی مطرح ساخت.

تماس با اتباع شوروی

سند شماره ۲۹۹

محرمانه۹ آوریل ۱۹۶۶- ۲۰ فروردین ۱۳۴۵

سفارت آمریکا، تهران، ایران

کنسول آمریکا، مشهد، ایران

[موضوع]: تماس با اتباع شوروی

در روز ۴ آوریل، گزارشگر از آقای ان. ای. پاولنکو دعوت کرد که پس از افتتاح کلینیک جدیدِ

دانشگاه مشهد توسط اعلیحضرت شاهنشاه ایران، برای صرف یک نوشیدنی به خانه اش بیاید.

آقای پاولنکو این دعوت را پذیرفت، ولی گفت ترجیح می دهد با همسرش به منزل گزارشگر بیاید و به همین دلیل نیم ساعت پس از پایان مراسم به منزل او خواهد آمد.

او و همسرش نیم ساعت پس از پایان مراسم به منزل گزارشگر آمدند. آقای کلیونجر، کنسول آمریکا، آقا و خانم پاولنکو، و گزارشگر و همسرش این جمع را تشکیل می دادند.

آقای پاولنکو یک بُکس سیگار روسی به رسم هدیه با خود آورده بود و در پایان میهمانی گزارشگر به او یک کنسرو سوپ ماهی لوئیزیانا هدیه داد.

در طول صحبت های گرمی که بین پاولنکو و گزارشگر صورت گرفت، نکات زیر مشخص شد:

۱- آقای پاولنکو یک لا-تین دان است. با وجود این، او زبان لا-تینی را فراموش کرده است. او خودش می گوید که «برای قبولی در امتحان» درس خوانده و بعد از آن همه چیز را فراموش کرده است. او می گوید زبان آلمانی و انگلیسی را هم همینطور یاد گرفته است.

۲- آقای پاولنکو هنرهای آبستره یا امپرسیونیستی را دوست ندارد. با وجود این، هم آثار دیگو ریویرا را دوست دارد و هم آثار پیکاسو را. او همچنین نقاشی آبستره ای را که گزارشگر به سبک جکسون پالا-ک کشیده بود، ستایش کرد و گفت خوبی این نقاشی این است که او می تواند لنین را در آن نقاشی ببیند و گزارشگر احتمالاً جورج واشنگتن را. در اثنای همین صحبت ها بود که گفت جورج واشنگتن را ستایش می کند.

۳- آقای پاولنکو آدم فرانسه دوستی است. البته شاید این فرانسه دوستی او نوعی احترام به نظرات من بود که از قبل با آن آشنا بود. با وجود این، او گفت هرگز فکر نمی کند تحت هیچ شرایطی فرانسه و روسیه رو در روی یکدیگر قرار گیرند. و اینکه اصلاً دوست ندارد ویرانه های پاریس را ببیند. آقای پاولنکو گفت تنها عمل انسانی نازی ها این بود که پاریس را با خاک یکسان نکردند.

۴- آقای پاولنکو خیلی دوست دارد چیزهای بیشتری درباره ایالات متحده بداند. او گفت فقط از روی معدود کتاب هایی که درباره ایالات متحده خوانده است آن را می شناسد و خیلی علاقه دارد به ایالات متحده سفر کند و یا مطالب بیشتری درباره آن بخواند.

۵- آقای پاولنکو دوست دارد زبان انگلیسی را بهتر بداند. او پرسید آیا می تواند در انجمن ایران و آمریکا زبان بخواند. گزارشگر که مدیر انجمن ایران و آمریکاست داوطلبانه گفت آقای پاولنکو می تواند به او روسی درس بدهد و او به آقای پاولنکو انگلیسی.

۶- آقای پاولنکو گفت که عضو حزب کمونیست نیست.

۷- کنسول و آقای پاولنکو در مورد مواضع دو کشور درباره ویتنام صحبت کردند. در طول این صحبت ها کنسول بر تمایل آمریکا برای مذاکره تأکید کرد. وقتی کنسول جمع را ترک کرد، آقای پاولنکو به گزارشگر گفت خوب است که با هم صحبت می کنیم، ولی «نه درباره ویتنام،

چون ایشان (کنسول)، جانسن نیستند و من هم برژنف نیستم، پس بهتر است درباره مسایلی صحبت کنیم که می توانیم حلش کنیم.»

۸- آقای پاولنکو لنینگراد را به مسکو ترجیح می دهد. او گفت خیلی به موزه آرمیتاژ در لنینگراد علاقه دارد و همچنین اظهار داشت هم لنینگراد و هم مسکو حومه ای به نام «اسپوتنیک» دارند.

۹- خانم پاولنکو دو مدرک تحصیلی دارد، یکی در مهندسی مکانیک گرایش سردسازی و یکی هم در زبان روسی. او هر دو مدرکش را از دانشگاه لنینگراد گرفته است.

۱۰- فرزندان خانواده پاولنکو نزد مادر خانم پاولنکو در عشق آباد زندگی می کنند. خانم پاولنکو سه ماه تابستان، یعنی ژوئن، ژوییه و اوت را به خانه برمی گردد. او و فرزندانش و مادرش همدیگر را در لنینگراد ملاقات می کنند. بچه ها تقریباً ۸ و ۱۲ ساله هستند. آنها در سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۱ در مشهد بودند، ولی از مشهد خوششان نیامد.

۱۱- خانم پاولنکو خیلی فارسی نمی داند. مکالمه انگلیسی هم بلد نیست، ولی اگر سئوالی را روی کاغذ برایش بنویسید، آن را می فهمد. گاهی اوقات به جای اینکه شفاهاً جواب شما را بدهد، آن را روی کاغذ می نویسد. نقاشی اش خوب است. دستور تهیه سوپ بورشت را به همسر گزارشگر داد.

۱۲- خانم پاولنکو مجله ی «وگ» را خیلی دوست دارد و از بازار هارپر هم خوشش می آید.

۱۳- خانم پاولنکو فقط نوشیدنی اسکاچ و سودایش را مزمزه کرد.

۱۴- خانم پاولنکو قبلاً پای چپش را جراحی کرده و قسمتی از استخوان آن را برداشته است. به همین دلیل، نمی تواند مدت زیادی بایستد و یا کفش های پاشنه بلند پایش کند.

۱۵- پدر خانم پاولنکو در یک کارخانه ریخته گری در لنینگراد کار می کند.

۱۶- خانم پاولنکو پرسید که آیا فقط گزارشگر و همسرش در آن خانه زندگی می کنند. ظاهراً از اینکه دو نفر چنین خانه ی بزرگی (که البته مسلماً چندان مجلل نیست) دارند، تعجب کرده بود.

اخراج سه دیپلمات اتحاد شوروی از ایران

سند شماره ۳۰۰

گزارش اطلاعات میدانی

سرّی ۱۲ آوریل ۱۹۶۶- ۲۳ فروردین ۱۳۴۵

منبع: یک سرویس رسمی ایران

موضوع: اخراج سه دیپلمات اتحاد شوروی از ایران

۱- در تاریخ ۹ آوریل ۱۹۶۶، سازمان اطلاعات و امنیت کشور ایران (ساواک) فکرت اسفندیار اوغلی افندیف، وابسته کنسولگری شوروی در تهران را در حال انجام ملاقاتی پنهانی با یک جاسوس ایرانی که کارمند دولت بود، دستگیر کرد. ساواک افندیف را به وزارت امور خارجه برد و مأموران در آنجا او را به زور تفتیش کردند، و در جیب های او ۱۵۰۰۰ ریال پول

و سه گـذرنامه شوروی یافتنـد که برای فرد جـاسوس و اعضـای خـانواده اش صـادر شـده بود. وزارت امور خارجه ایران، پاول پترویـچ زوتف، کاردار شوروی در تهران را به وزارتخانه فراخوانـده و اعلام کرده است که اسـتوارنامه افندیف باطل شده و او بایـد ایران را ترک کنـد. وزارت امـور خـارجه ایران همچنین قصـد دارد بـا ارسـال یـک یـادداشت به سـفارت شوروی از آنها بخواهد که ویکتور نیکولایویچ اسپولنیکف، دبیر اول سفارت، و اسماعیل مرتضی اوغلی علی یف، دبیر سوم سفارت، به دلیل دخالت قبلی شان در همین پرونـده از ایران خارج شوند. افندیف در روز ۱۲ آوریل تقاضای خود را برای صدور مجوز خروج تسلیم کرده است.

- نظرات گزارشـگر: افندیف، اسـپولنیکف و علی یف همگی از افسران ک.گ.ب هستند. زوتف نیز یک مأمور اداره مرکزی اطلاعات وزارت دفاع است.

۲- ساواک از سال ۱۹۶۲ که ابتدا اسپولنیکف با این جاسوس ملاقات و روی او کار کرد به دقت این مورد را زیر نظر دارد. در سال ۱۹۶۴ تمـاس بـا این جاسوس به علی یف واگـذار شـد، و پس از آن در اواسط سال ۱۹۶۵ که جاسوس فوق رسماً جهت تهیه اطلاعات امنیتی، به ویژه در مورد ساواک، به اسـتخدام شوروی درآمـد، افندیف مسئولیت او را بر عهده گرفت. جاسوس فوق به دسـتور سـاواک اطلاعـات کاملاً کنترل شـده ای در اختیار شوروی قرار می داد تا آنکه مقامات ایرانی، با موافقت شاه، تصـمیم به خاتمه این مورد گرفتنـد و چنانکه در بالا ذکر شـد، افنـدیف را دسـتگیر کردنـد. مبلغ ۱۵۰۰۰ ریالی که افنـدیف به همراه داشت قرار بود به جاسوس ایرانی پرداخت شود. گذرنامه ها نیز به درخواست فرد جاسوس صادر شده بود تا در صورت افشای فعالیتش توسط ساواک، امکان محافظت از او وجود داشته باشد.

۳- وزارت امور خارجه ایران به احمد میرفندرسـکی، سـفیر خود در مسکو، دستور داده است تا با ارسال یک یادداشت رسمی به وزارت امور خارجه شوروی در همین ارتباط مراتب اعتراض دولت ایران را به دولت شوروی اعلام دارد.

۴- نظر گزارشـگر: هنوز معلوم نیست که آیـا اخراج سه دیپلمـات اتحـاد شوروی از ایران علنی شود. نعمت الله نصـیری، رئیس ساواک، موافق علنی کردن موضوع است و احتمالاً در ملاقات روز ۱۴ آوریل خود با شاه این مسئله را توصیه خواهد کرد.

۵- [بقیه سند ناخواناست]

نگرانی رسمی ایران از شایعه پراکنی روس ها در این کشور

سند شماره ۳۰۱

گزارش اطلاعات میدانی

سرّی ۱۶ آوریل ۱۹۶۶- ۲۷ فروردین ۱۳۴۵

منبع: یک سرویس رسمی ایران

موضوع: نگرانی رسمی ایران از شایعه پراکنی روس ها در این کشور

۱- مقامات عالی رتبه سازمان اطلاعات و امنیت کشور ایران (ساواک) از شایعه پراکنی ها و

تبلیغات بی پایه و اساس مقامات شوروی در بین سطوح مختلف جامعه در تهران نگران هستند. آنها احساس می کنند که این اقدام یک فعالیت هماهنگ از سوی روس ها برای اشاعه بدبینی و افکندن تفرقه در اذهان مردم ایران است که با هدف مختل کردن روابط ایران و غرب صورت می گیرد.

۲- دو تن از فعال ترین مقامات شوروی در این ارتباط فدور الکسیویچ ساولچنکوف، کنسول سفارت، و ویکتور یاکولویچ اسیپوف، دبیر دوم سفارت، هستند. محور فعالیت های آنها دو موضوع است:

الف- پیمان سنتو امروز دیگر بی فایده است و ایران باید از آن خارج شود. آنها به این امر اشاره می کنند که در جریان جنگ هند و پاکستان سنتو هیچ کمکی به پاکستان نکرد.

ب- اختلاف زیادی بین شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم نفتی وجود دارد، و کنسرسیوم بر خلاف خواست ایران برای افزایش تولید نفت، آن را افزایش نخواهد داد. قرارداد ایران با کنسرسیوم هم فایده ای ندارد، زیرا این قرارداد فقط به نفع کنسرسیوم و شرکت های نفتی غربی است.

۳- نظر گزارشگر: ساولچنکوف یک افسر اطلاعاتی شوروی است و گمان می رود که اوسپوف نیز افسر ک.گ.ب. باشد.

فهرست اعلام

فهرست اعلام

آ.ا

ص: ۵۹۶

ص: ۵۹۷

ص: ۵۹۸

پ

ص: ۶۰۱

ج

ح

ص: ۶۰۵

سفارت شوروی (تهران)/ ۵۱۳, ۵۱۵, ۵۱۷, ۵۱۸, ۵۱۹, ۵۲۰, ۵۲۲, ۵۲۳, ۵۲۴, ۵۲۵, ۵۲۷, ۵۲۸, ۵۲۹, ۵۳۰, ۵۳۴, ۵۳۵, ۵۳۶, ۵۳۹, ۵۴۰,

ص: ۶۱۷

م

ی

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹